اطلاعات

دوشنبه ۵ بهمن ۱۳۹۴ - ۱۴ ربیع الثانی ۱۴۳۷ - ۲۵ ژانویه ۲۰۱۶ - سال نودم - شماره ۲۶۳۶۰ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - استثنائاً ۲۰۰۰ تومان

آموزش و پرورش: خصوصی‌سازی مدارس در دستور کار نیست

* مسعود ثقفی سخنگوی آموزش و پرورش تهران: دریافت اجباری کمک‌های مردمی و تعیین میزان و رقم آن تخلف محسوب می‌شود و با آن برخورد جدی خواهد شد
* نگران ساخت و سازهایی در تهران هستیم که در آنها فضای آموزشی دیده نشده است

صفحه ۳

آخرین سنگر تروریست‌ها در «لاذقیه» به دست ارتش سوریه فروریخت

* شهر راهبردی «ربیعه» در حومه شمالی لاذقیه در مرز ترکیه که آخرین پایگاه تروریست‌ها بود، آزاد شد
* نیویورک تایمز: سیا با پشتیبانی مالی عربستان، شورشیان سوری را آموزش می‌دهد

صفحه ۱۶

نخستین سفر اروپایی رئیس جمهوری

دکتر روحانی به دعوت مقام‌های بلندپایه ایتالیا و فرانسه راهی رم و پاریس شد

* روحانی در ایتالیا، ملاقات‌هایی با رئیس جمهوری، نخست‌وزیر و سایر مقامات بلندپایه این کشور خواهد داشت
* دیدار با تعدادی از سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع بزرگ ایتالیا در برنامه سفر رئیس جمهوری گنجانده شده است
* حضور در واتیکان و ملاقات و گفتگو با پاپ و نخست‌وزیر واتیکان از دیگر برنامه‌های رئیس جمهوری در این سفر خواهد بود
* رئیس جمهوری پس‌فردا در پاریس با رئیس جمهوری فرانسه دیدار و گفتگو می‌کند
* گفتگو با مدیرکل یونسکو و تعدادی از سرمایه‌گذاران، مدیران اقتصادی و صاحبان ارشد صنایع بزرگ فرانسه از دیگر برنامه‌های رئیس جمهوری است
* شماری از وزرا و مقامات بلندپایه کشورمان رئیس جمهوری را در این سفر همراهی می‌کنند و اسناد متعددی برای همکاری‌های دوجانبه امضا خواهد شد
* وزیر راه و شهرسازی: در سفر رئیس جمهوری به فرانسه قرارداد خرید ۱۱۴ فروند هواپیمای ایرباس امضا می‌شود
* برای خرید هواپیمای برد متوسط و برد کوتاه با شرکت بویینگ مذاکراتی داشته‌ایم

رئیس جمهوری کشورمان در نخستین سفر دوجانبه اروپایی خود، امروز به ایتالیا و چهارشنبه به پاریس می‌رود.

به گزارش مهر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی به دعوت رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر ایتالیا در رأس هیاتی بلندپایه صبح امروز به رم سفر می‌کند.

روحانی در سفر به ایتالیا پس از استقبال رسمی، ملاقات‌هایی با رئیس‌جمهوری، نخست‌وزیر و سایر مقامات بلندپایه ایتالیا خواهد داشت. همچنین دیدار با تعدادی از سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع

بقیه در صفحه ۲

تقدیر رهبر معظم انقلاب از پاسداران عمل کننده در بازداشت تفنگداران متجاوز آمریکایی

صفحه ۲

مجلس «جرم سیاسی» را تعریف کرد

* توهین یا افترا به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس‌جمهوری، وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان، در صورتی که با انگیزه اصلاح امور کشور انجام شود، جرم سیاسی است
* سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی، آدم‌ربایی، گروگانگیری، بمب‌گذاری و هواپیماربایی، جزو جرائم عادی است
* حبس مجرمان سیاسی به‌صورت انفرادی یا در بین مجرمان عادی ممنوع است

صفحه ۲

ویژه‌نامه نودمین سال انتشار اطلاعات در ۳۰۸ صفحه

ضمیمه روزنامه امروز

دیروز اطلاعات و اطلاعات امروز

از فرهنگی بودن تا فرهنگی ماندن! — محاک، ابوالقاسم قاسم‌زاده — صفحه ۲

یادداشت: **ارزش و جایگاه دانش و دانشمند از دیدگاه اسلام** — سیّد علی گرامیان — صفحه ۳

یادداشت: **شفاعت شامل چه کسانی می‌شود؟** — آیت‌الله یحیی عابدی — صفحه ۳

یادداشت: **روایت یک کار خیر** — دکتر محمود هورمند — صفحه ۳

گزارش: **آزادسازی کتاب از زندان رکود و بایگانی!** — صفحه ۵

نظرها و اندیشه‌ها: **نهضت ترجمه متون فلسفی** — احمد راسخی لنگرودی — صفحه ۶

اقتصادی: **آزادسازی قیمت‌ها کلید نوسازی ناوگان هوایی و ریلی** — صفحه ۷

ویژه اجتماعی ضمیمه اطلاعات امروز

محک — خوش بود گر محک تجربه آید به میان
ابوالقاسم قاسم‌زاده

از فرهنگی بودن تا فرهنگی ماندن!

فرهنگی بودن، اگرچه آسان نیست، اما مشکل‌تر از آن فرهنگی ماندن است. آن هم در زمانی که «سیاست‌زدگی» شهره آفاق است. چه بسیار کسانی که خود را فرهنگی می‌دانند و از اهل فرهنگ‌اند، اما در زمانه «سیاست‌زده» مایه فرهنگی خویش را به قدرت سیاست‌زده تقدیم کرده‌اند. فرهنگی بودند اما فرهنگی نماندند!

از مشکلات امروز جامعه ایران یکی هم این است که، بسیاری از شخصیت‌های فرهنگی، به هر دلیل یا علت، به سایه سیاست‌زدگی پناه برده‌اند. سیاست حرف اول را می‌زند و تمکین فرهنگ را می‌طلبد. فرهنگ تابعی از سیاست‌ورزی شده است. در گذر بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی که قرار بود، انقلاب فرهنگی باشد، نادرند کسانی که فرهنگی بودند و فرهنگی ماندند. از نمونه‌های آن که امروز خبر درگذشت او را داده‌اند، مرحوم «ابوالحسن نجفی» است. نویسنده و مترجمی که مصداق بارز یک انسان فرهنگی بود.

دکتر نصرالله پورجوادی از چهره‌های فرهنگی ما درباره او می‌نویسد: «ابوالحسن نجفی» ـ که رحمت خدا بر او باد ـ زبان‌شناسی عمیق و دقیق بود که با ادبیات انس داشت. در میان زبان‌شناسان می‌توان آنانی را سراغ گرفت که در فرانسه، انگلیس یا آمریکا درس خوانده‌اند اما کمتر به زبان فارسی کلاسیک آشنایی دارند. برخی دیگر از قشر زبان‌شناس هم هستند که اگرچه ستون کلاسیک فارسی را می‌شناسند ولی با ادبیات انس ندارند. در این میان البته نجفی هر دو را با هم در اختیار داشت، هم به ادبیات کلاسیک واقف بود و هم متون مدرن را می‌شناخت.»

اگر به آثار ترجمه و تألیف زنده‌یاد ابوالحسن نجفی نگاهی داشته باشید، می‌بینید که او در ترجمه و تألیف محکی برای انتخاب داشت و آن رشد فرهنگی جامعه ایرانی بود. در انتخاب آثاری برای ترجمه، به شهرت کتاب و یا نویسنده خارجی اکتفا نمی‌کرد. تک تک کتابهایی که او ترجمه کرده است، ساحت بزرگی از وادی فرهنگ را در بردارد و انگیزه ترجمه آن از سوی استاد نجفی فربه‌سازی فرهنگی برای ایران و ایرانیان بود. نگارنده که سال‌های سال از آثار استاد نجفی بهره گرفته‌ام، بر این باورم که او بسیار فراتر از حرفه ترجمه (که البته خود بسیار حائز اهمیت است)، انسان فرهیخته و فرهنگی‌ای بود که تا پایان عمر به ارزش و رسالت قلم وفادار ماند. دکتر پورجوادی او را ادیبی فرهنگی می‌شمارد و می‌نویسد: «... نجفی، ادیبی بود که شلختگی نداشت و دقت و سلیقه، چاشنی همیشگی کارش بود. اگر «غلط ننویسم» یا «فرهنگ عامیانه فارسی» را ببینید و بخوانید در می‌یابید که این سلیقه به چه نحو است. صرف‌نظر از محتوا و جمله‌بندی مطالب، حتی تنظیم صفحات هم آغشته به ذوق او و چون کتاب‌های ریاضی بود... این دو کتاب، بسان یک فرهنگ بود و با رمان تفاوت داشت.»

مادر فرهنگ، زبان است. هرگاه زبان به آشفتگی و انحطاط دچار می‌گردد، فرهنگ نیز به محاق می‌رود. زبان فردوسی و سعدی و حافظ و مولوی ریشه‌های فرهنگی ما است. پرسش این است که امروز با همه تمجید از این استوانه‌های فرهنگی ایران، تا چه حد از زبان فرهنگی آنها در زندگی خود برخورداریم و زبان ارتباطی ما برآمده از چه فرهنگی است؟

دکتر پورجوادی در شرح شخصیت فرهنگی نجفی می‌نویسد: «او در پی آن بود تا از زبان محاوره نیز بهره‌برداری کند اما با این حال، زبان نسل معاصر را بدترین و بی‌محتواترین زبان می‌دانست که اساساً توجهی به زبان اصیل ندارند. جوانانی که ارتباطشان با گذشته، گسیخته و گسسته شده و از غنا افتاده است. ایشان ما را متوجه دقت وقدرت بعضاً فراموش شده زبان فارسی کرد و در راستای احیای آن کوشید. او با توجه به صبغه و سابقه زبان فارسی، چه در اصفهان و چه در تهران، بسیاری را متوجه آن کرد. نجفی به زبان فارسی عشق می‌ورزید و بر متون کلاسیک نثر، تسلط کم نظیری داشت. این مهم را هر که با او کار می‌کرد، متوجه می‌شد. ابوالحسن نجفی به معنای واقعی کلمه یک «انسان نجیب» بود؛ وقت‌شناس و دقیق بود و به کاری اگر می‌گفت انجام می‌دهم، خود را متعهد می‌دانست و انجام می‌داد و اگر نمی‌توانست، بدون درنگ عذر می‌خواست. او اگر چه چندان اهل معاشرت و حضور در مجالس و محافل نبود، ولی ترجیح می‌داد از هر فرصتی برای پیشبرد و پیشرفت زبان فارسی استفاده کند. هدفی که به زعم نگارنده، موفق به انجام آن شد.»

مرحوم ابوالحسن نجفی از نسل اندیشمندان فرهنگی بود که تا پایان عمر با همه سختی‌ها، فرهنگی ماند. از این نسل، هنوز نادر افرادی در کهولت سن باقی مانده‌اند، اگرچه با تبلیغ سیاست‌زدگی و با انگ‌های «فراماسون»، «غرب‌زده» و ... کنج عزلت گزیده‌اند. از خطرهای فرهنگی یکی هم سیطره قلم‌های سیاست زده است که از هر تریبونی و ازجمله در تریبون مطبوعات، نویسندگان فرهنگی را آماج تهمت‌های بسیار قرار می‌دهند. نجفی بعد از رفتن از میان ما مورد تمجید و تکریم قرار می‌گیرد. امروز درباره او می‌نویسیم «... ابوالحسن نجفی به معنای واقعی کلمه یک انسان نجیب بود.» فاجعه فرهنگی تنها فراموشی انسان‌های فرهنگی نجیب نیست، بلکه در آن است که همچنان در ساحت سیاست‌زدگی و از سر بی‌حیائی قلم بچرخانیم و آنها را هرس کنیم. «انقطاع فرهنگی نسلی» از همین جا کلید می‌خورد، اما برای فرهنگی ماندن نسل حاضر در صحنه باید به سراغ آنها برویم که هنوز فرهنگی مانده‌اند. البته اگر نمی‌خواهیم دچار گسست فرهنگی گردیم!

فرهنگ در صورتی پویا می‌ماند که از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا کند. آنها که عمری برای پویایی فرهنگ کار کرده‌اند و زحمت بسیار کشیده‌اند، اگر گمنام باقی بمانند و به نسل بعد معرفی نگردند، در غیابشان نه تنها گسست فرهنگی را شاهد خواهیم بود بلکه فعالیت‌های فرهنگی مرحله به مرحله دچار ضعف و بی رمقی خواهد شد. شوربختانه امروز این خطر را شاهد هستیم.

همکاری چین و ایران در بخش هسته‌ای گسترش می‌یابد

شو داجا، رئیس آژانس انرژی اتمی چین با معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران دیدار و گفتگو کرد.

در این دیدار علی‌اکبر صالحی با اشاره به قرن‌ها روابط مثبت و سازنده فرهنگی و اقتصادی ایران و چین، از حضور هیات عالیرتبه چینی با همراهی رئیس‌جمهوری این کشوردرتهران بعد از اجرایی شدن برنامه جامع اقدام مشترک ابراز خرسندی کرد و اظهار داشت: با توجه به این که وارد فاز جدیدی شده‌ایم خواهان گسترش روابط دوجانبه در زمینه‌های مختلف به ویژه در حوزه‌های هسته‌ای هستیم. او با ارائه توضیحاتی در باره برنامه‌های کوتاه و بلندمدت هسته‌ای ایران و ساخت دو نیروگاه در بوشهر به بیان بخش‌هایی از مفاد تفاهمنامه امضاء شده میان ایران و چین پرداخت که بر اساس آن همکاری‌های دو کشور در زمینه هسته‌ای پروژه مدرن‌سازی اراک و ساخت نیروگاه‌های کوچک ۱۰۰ مگاواتی را دربرمی‌گیرد. معاون رئیس جمهوری در بخشی از سخنانش با تاکید بر جایگاه ارزشمند ایران در تولید، فروش و انتقال برق به کشورهای همسایه که ایران را به هاب انتقال برق در منطقه تبدیل کرده است، پیشنهاد بررسی ساخت نیروگاه‌های برق هسته‌ای به روش ساخت، تملیک و بهره‌برداری (BOO) و در پی آن به روش ساخت، بهره‌برداری و واگذاری (BOT) را به هیات چینی طرح کرد. رئیس آژانس انرژی اتمی چین هم در این دیدار با خشنودی از سفر به ایران، اجرایی شدن برجام را تبریک گفت و تاکید کرد در جریان مذاکرات فشار زیادی روی کشورش بوده است. شو داجا هدف از این دیدار را بررسی راه‌های همکاری بر مبنای تفاهمنامه‌هایی که بین دو کشور به امضاء رسیده است خواند و گفت: همکاری میان چین و ایران به مدرنیزه کردن اراک خلاصه نمی‌شود و ما در زمینه‌های دیگری چون جنبه‌های اقتصادی و تحقیقاتی در صنعت هسته‌ای به توسعه همکاری خواهیم پرداخت. رئیس آژانس انرژی اتمی چین با اشاره به جدیت ایرانی‌ها در مورد پروژه نیروگاه‌های ۱۰۰ مگاواتی، توسعه همکاری در زمینه ساخت نیروگاه‌های برق اتمی را برای دو طرف مفید ارزیابی کرد و خواستار تقویت همکاری‌ها در پروژه‌های هسته‌ای شد. داجا همچنین گفت: با توجه به روابط متقابل اقتصادی آماده گسترش همکاری‌ها در قالب یک مجموعه که می‌تواند زمینه‌های مختلف را دربرگیرد، هستیم.

معاون وزیرخارجه: تحریم‌های ضدایرانی آمریکا مردود است

یک عضو تیم مذاکره کننده هسته‌ای ایران معتقد است، تفکیک برجام از بحث فعالیت‌های دفاعی و موشکی در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت، خواست ایران و انتخاب ۵+۱ بود.

مجید تخت‌روانچی به ایسناگفت:از نگاه ما تحریم‌های اخیر آمریکا کاملا مردود است و این‌که به تحریم‌های اخیر چه عکس‌العملی نشان خواهیم داد، باید منتظر تصمیم هیأت نظارت بر اجرای برجام باشیم. وی در پاسخ به این‌که آیا تحریم اخیر آمریکا بر اساس قطعنامه ۱۹۲۹ صورت گرفته است؟ اظهارنظر کرد: از دید ما قطعنامه ۱۹۲۹ دفن شده و به تاریخ پیوسته است، بنابراین، اقدام بر اساس این قطعنامه هیچ پایه حقوقی ندارد و من نشنیده‌ام به طور رسمی این تحریم در چارچوب قطعنامه‌های قبلی صورت گرفته باشد؛ اگر چنین استدلالی در جایی وجود داشته باشد از نظر ما باطل است. این مقام وزارت خارجه در باره برخی اظهارات مبنی بر این‌که تحریم‌ها از سویی، به طور کامل برداشته نشده است گفت: این‌که برخی افراد در فهرست تحریم‌ها باقی می‌مانند بحث دیگری است، اما در چارچوب سوئیفت همه بانک‌ها با برداشته شدن تحریم می‌توانند فعالیت‌های خود را از سر گیرند. اگر فردی باشد که در چارچوب مقررات در این ارتباط برایش منعی وجود داشته باشد ربطی به موضوع هسته‌ای ندارد و در چارچوب مباحث دیگر محسوب می‌شود.

تقدیر رهبر معظم انقلاب از پاسداران عمل کننده در بازداشت تفنگداران متجاوز آمریکایی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ظهر دیروز با پاسداران جوان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که با شجاعت در مقابل ورود نظامیان آمریکایی به آب‌های جمهوری اسلامی ایران، اقدام و متجاوزان را بازداشت کرده بودند، دیدار کردند و آنان را از نزدیک مورد تفقد قرار دادند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین در سخنان کوتاهی، این اقدام ستایش‌برانگیز نیروی دریایی سپاه پاسداران را شجاعانه و همراه با ایمان خواندند و خاطرنشان کردند: کار شما بسیار عالی، جالب و بهنگام بود و در واقع باید این حادثه را کار خدا دانست که آمریکایی‌ها را به آب‌های ما کشاند تا با اقدام بهنگام شما، آنگونه با دست‌هایی که بر سر گذاشته بودند، بازداشت شوند.

در این دیدار همچنین نماز ظهر و عصر به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی اقامه شد.

آیت الله راستی کاشانی: حاج سید حسن خمینی دارای قوه استنباط و مرتبه اجتهاد هستند

فقیه اهل بیت عصمت و طهارت حضرت آیت الله راستی کاشانی در دیدار با جمعی از فضلای حوزه علمیه، در پاسخ به گفته یکی از اساتید حوزه مبنی بر شرکت آیت‌الله حاج سید حسن خمینی – یادگار امام(ره)– در انتخابات خبرگان و پرسش از شرایط علمی ایشان، سخنان مهمی بیان کرد.

به گزارش جماران، آیت‌الله راستی کاشانی گفت: صلاحیت علمی و تقوایی و سیاسی حاج سید حسن آقا محرز و واضح است و نیازی به تائید حقیر یا دیگران ندارد. اگر شرایط یادگار امام مورد سئوال یا تردید واقع شود، پس چه کسی دارای شرایط است؟!

وی دراین باره گفت:حقیر بنا نداشتم مطلبی را بیان کنم؛ البته توسط نور چشمی فرزند عزیزم آقای میرزا علی آقا که خود از افاضل و علماء هستند – بعضی توصیه‌های لازم را به اطلاع آقایان بزرگوار ایدهم تعالی رسانده و خبر دادم ، لکن به جهت بعضی مسائل و احیاناً برخوردهای ناصواب و مغرضانه و بی‌انصافی‌ها و حسادت‌هایی که به خدا پناه می‌برم، از باب اداء وظیفه و تکلیف و به جهت حقی که سیّدناالاستاد حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قدس سره به حقیر دارند و به جهت محبتی که مرحوم آقای حاج سید احمد آقا داشتند، لازم دیدم حقایق و واقعیاتی را یادآوری و بیان کنم. جناب آقای سید حسن آقا هم شخصیت هستند و هم از خاندان شخصیت و عزیز، هم بزرگ هستند و هم از خاندان بزرگ.هم خودشان آقا هستند و هم از خاندان آقا. جدّ بزرگوار شان، استاد بزرگوار ما حضرت امام راحل که معلوم است و حرکتی که آن بزرگمرد انجام دادند، فقط برای رضای خدا و حق تعالی و برای ترویج مذهب اهل بیت بود. انسانی الهی و خدایی که جهات و اوصاف علمی و منزلت و عظمت ایشان پوشیده مانده و حق ایشان ادا نشده است.جدّ مادریشان استاد عزیز حضرت آیت الله طباطبایی سلطانی بروجردی طاب ثراه که در این مجال کوتاه ، در وصف ایشان همین بس که بزرگی چون حضرت امام راحل به ایشان ارادت داشتند ومورد عنایت و توجه مرجع اعلای شیعه، سیدالطائفه حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی قدس سره بودند. این نسبت و انتساب خانوادگی و شرافت ، امتیاز بزرگی است که از آن غفلت نباید کرد و این شرافت و بزرگی برای یادگار امام است و زهی سعادت.

الحمدلله آقای حاج سید حسن دارای اوصاف و کمالات ذاتی هستند . حقیراز نزدیک خبر دارم و هم از طریق بحث ایشان مطلع هستم – حداقل قریب ۲۰ سال یا بیشتر از مجاهدت علمی و تحصیل و تعلم و تدریس و تعلیم وی باخبر هستم. آسید حسن آقا سالیان متمادی به تحصیل و تعلّم از مقدمات و سطح و سطوح عالیه تا خارج فقه و اصول و در منقول و معقول و علوم الهی با جدیت و پشتکار و نظم، اشتغال داشته‌اند . به واسطه هوش سرشار و استعداد عالی و فوق‌العاده در علوم دینی بهره وافر برده‌اند و به مراتب عالی رسیده‌اند. در این سالیان مشغول به تدریس و تعلیم و مجلس درس خوب و گرمی داشته و دارند. علاوه بر تدریس سطوح عالیه، سالیانی است که به تدریس خارج فقه و اصول اشتغال دارند و الحمدلله که حوزه علمیه به وجود ایشان متنعّم و بهره مند است و فضلا و طلاب از ایشان استفاده می‌کنند. علاوه بر این در تمام این ایام، مباحثه و بحث با افاضل داشته و دارند و پیوسته و مستمر به فقه و اصول ملازمت دارند. اضافه بر آن مقالات علمی و کتب و تقریرات یادگار امام شاهدی دیگر بر توانایی علمی و فکری ایشان است.

یادگار امام عالم فاضل و در مراتب علمی و موفق و کوشا هستند. آقای حاج سید حسن خمینی دارای قوه استنباط و مرتبه اجتهاد هستند. علاوه برهمه این‌ها دارای مطالعات گسترده و اطلاع و احاطه در مباحث فکری و نظری و دانش‌های مختلف هستند که ایشان را جامع و ممتازکرده است.

یادگار امام مایه وزانت و اعتبار برای مجلس خبرگان هستند، همان‌طورکه‌بعضی‌بزرگان‌فرموده‌اند. حقیرایشان را بسیار دوست می‌دارم و همیشه برای ایشان دعا می‌کنم و امیدوارم که حوزه علمیه و نظام اسلامی و جامعه قدردان ایشان و بهره‌مند از نعمت وجود ایشان باشند. امید برای حوزه علمیه و نظام هستند و مورد عنایت و لطف مراجع عظام و مقام معظم رهبری هستند."جعله اللّه ذُخرًا للحوزه العلمیه و مروّجاً و حامیاً للمذهب الحقّ وللفرقه الناجیه و للطایَفهٔ الامامیهٔ الاثنیَ عشریّه" از باریتعالی می‌خواهم که تا سیّدنا الاستاد جدّ بزرگوارشان را و جدّ مادری ایشان را و پدر عزیزشان را با اهل بیت عصمت و طهارت محشور فرمایند و بیت حضرت امام (ره) را همیشه عزیز بدارد و بر توفیقات و تأییدات جناب آقای حاج حسن آقا و دو برادر فاضلشان بیفزاید.

خداوند انشا الله جناب حسن آقا را در ظل عنایات حضرت بقیه‌الله (اروا‌حنالتراب مقدمه الفداء و عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) حفظ و محافظت بفرماید.

رئیس جمهوری: فرهنگ صحیح انسانی باید جایگزین خشونت و افراط شود

رئیس جمهوری، با استقبال از گسترش روابط تهران – بانکوک در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تاکید کرد : ایران علاقه‌مند است که روابطش را با کشورهای شرق آسیا از جمله تایلند گسترش دهد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری ،حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی دیروز در دیدار "دان پرامودوینای" وزیر امور خارجه تایلند، گفت: روابط دیرینه ایران و تایلند پیوسته برپایه دوستی و صمیمیت میان دو ملت استوار بوده است و سرمایه‌گذاران و بازرگانان دو کشور همواره و به رغم برخی مشکلات مربوط به دوران تحریم‌ها، روابط و همکاری‌های خود را حفظ کرده و توسعه داده‌اند و امروز با لغو تحریم‌ها ، شرایط برای افزایش سطح تعاملات تهران و بانکوک بسیار مساعد است.

روحانی، افزایش رفت و آمد هیأت‌های متعدد تجاری و اقتصادی از بانکوک به تهران در ماه‌های اخیر را تائیدی بر علاقه‌مندی دو کشور برای افزایش سطح تعاملات دانست و اظهارداشت: البته همکاری ایران و تایلند منحصر در حوزه‌های اقتصادی و تجاری نخواهد ماند و علاقه‌مندیم در عرصه‌های فرهنگی، دانشگاهی و گردشگری هم همکاری داشته باشیم .

رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود با تاکید بر ضرورت تقویت همکاری اعضای سازمان همکاری‌های جنوب شرق آسیا (آ.سه.آن) و سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو)، گفت:کشورهای در حال توسعه باید نیازمندی‌های یکدیگر را در عرصه‌های اقتصادی، تجاری، علمی، مالی و فناوری تامین کنند و از تجارب یکدیگر در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی بهره بگیرند. روحانی سپس به ضرورت تلاش و مبارزه کشورها با پدیده تروریسم اشاره کرد و افزود: برای مقابله با معضلاتی مانند خشونت، افراطی‌گری و تروریسم که گریبانگیر منطقه ما شده و البته به تدریج در حال گسترش در سطح جهان است، باید همه به صحنه بیایند و همکاری کنند.

رئیس جمهوری با بیان این که بسیار مهم است که در زمینه ترویج فرهنگ صحیح انسانی و جایگزینی آن با خشونت و افراط با یکدیگر همکاری کنیم، تصریح کرد: جای تأسف عمیق است که برخی کشورها از گروه‌های تروریستی به عنوان ابزار پیشبرد اهدافشان استفاده و به تروریست‌ها کمک مالی و تسلیحاتی می‌کنند. باید همه کمک کنیم وضع بهتری برای جامعه انسانی فراهم شود.

وزیر امور خارجه تایلند هم، با تبریک موفقیت کشورمان در مذاکرات هسته‌ای و آغاز اجرای برجام، نقش دکتر روحانی در مدیریت مذاکرات را بسیار برجسته و مؤثر خواند و گفت: معتقدم با توجه به بهره‌گیری ایران از شرایط تحریم و تمرکز و توجه ویژه به تربیت نیروی انسانی توانمند و متخصص، در آینده نزدیک ایران به یک قدرت اقتصادی تبدیل خواهد شد . پرامودوینای با اشاره به سفر چندی پیش معاون وزیر تجارت تایلند و هیأتی از تجار آن کشور به ایران و سفری که معاون نخست‌وزیر تایلند به همراه ۶ وزیر کابینه در آینده نزدیک به تهران خواهند داشت، افزود: این رفت و آمد هیات‌ها، نشانه عزم راسخ تایلند برای گسترش بیش از پیش روابط با ایران در عرصه‌های مختلف از جمله تجاری، صنعتی، سرمایه‌گذاری و فاینانس، شیلات و کشاورزی است.

وی اظهار داشت: معتقدیم روابط مردمی کشورها پایه صحیح مستحکم و بسیار ارزشمندی برای روابط گسترده کشورها و دولت‌ها در عرصه‌های مختلف است.

روحانی: مصمم به توسعه روابط با ارمنستان هستیم

رئیس جمهوری درتماس تلفنی با همتای ارمنستانی خود با تاکید براین که آغاز اجرای رسمی برنامه جامع اقدام مشترک(برجام)، فرصتی مناسب برای تقویت همکاری‌های دوجانبه و منطقه ای است، گفت: ایران و ارمنستان برای توسعه همکاری‌ها، امکانات گسترده ای دارند که در فصل جدید، باید از این ظرفیت ها به نفع دو ملت بهره برداری شود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، حجت الاسلام و المسلمین حسن روحانی دیروز در تماس تلفنی 'سرژ سرکیسیان' رئیس جمهوری ارمنستان با وی ضمن تشکر از تبریک همتای ارمنستانی خود به مناسبت اجرای رسمی برنامه جامع اقدام مشترک، افزود: روابط دوستانه و صمیمانه ایران و ارمنستان به عنوان دو ملت مسلمان و مسیحی، سمبل و الگویی در جهان است به ویژه این که این روابط پیوسته رو به توسعه بوده است.

وی با بیان این که مصمم به توسعه روابط دوجانبه هستیم و تصمیمات کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور باید اجرایی و عملیاتی شود، اظهارداشت: جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان برای توسعه روابط باید از همه ظرفیت ها بهره برداری کنند.

رئیس جمهوری با تاکید براین که در دوره پسابرجام، مسیر روابط اقتصادی دو کشور هموارتر شده است، اظهارداشت: دو کشورباید از همه ظرفیت های خود برای اتصال خلیج فارس به دریای سیاه استفاده کنند.

رئیس جمهوری ارمنستان هم با تبریک اجرای رسمی برجام به ملت و دولت ایران از سوی دولت و ملت کشورش گفت: بی تردید اجرای برجام نه فقط برای مناسبات دوجانبه بلکه برای منطقه هم بسیار مفید و کارگشا است.

'سرژ سرکیسیان' اظهارداشت: ارمنستان خواهان توسعه همکاری‌ها باایران درهمه حوزه‌های موردعلاقه است و باید این همکاری‌ها در دوره جدید شتاب بیشتری بگیرد.

رئیس جمهوری ارمنستان با اشاره به اجلاس اخیر کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور افزود: در کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور که در ارمنستان برگزار شد، برنامه های گسترده ای برای توسعه همکاری‌های مشترک ارائه شد که باید به اجرای این برنامه ها شتاب داد.

ظریف: آماده گسترش مناسبات دوجانبه با تایلند هستیم

وزیر امور خارجه با اعلام آمادگی ایران برای گسترش مناسبات دوجانبه با تایلند گفت: بازار ایران می‌تواند نقش محوری در زمینه‌های مختلف برای شرکای تایلندی داشته باشد.

به گزارش مرکز دیپلماسی رسانه ای وزارت امور خارجه، محمد جواد ظریف دیروز در دیدار "دون پرامودوینای"همتای تایلندی اش درتهران، آخرین تحولات در روابط دوجانبه و راه های گسترش مناسبات سیاسی و اقتصادی تهران–بانکوک را مورد بحث و تبادل نظر قرار داد.

وزیر امور خارجه به روند رو به جلو مناسبات دو کشور اشاره کرد و اظهار داشت: مناسبات تهران و بانکوک بر اساس احترام متقابل و علائق دیرینه همواره مبتنی بر منافع مشترک پیشرفت داشته است و جمهوری اسلامی ایران آمادگی گسترش مناسبات دو کشور در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد. ظریف با تبیین نتایج توافق برجام و آثار گسترده آن درمرحله پساتحریم خاطرنشان کرد: ظرفیت‌های فراوانی فرا روی موسسات دولتی وخصوصی دو کشور برای بحث و بررسی درچارچوب کمیسیون مشترک اقتصادی و ایجاد فرصت‌هایی هر چه بیشتر بر صاحبان صنایع و تجار داریم.

وی سفر مقامات عالیرتبه تایلند برای گسترش و تعمیق مناسبات دوکشور را مثبت ارزیابی کرد و گفت: بازار جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نقش محوری در ترانزیت، تبادلات منطقه‌ای، صادرات مجدد، همکاری‌های چند جانبه ، تقویت همکاری‌های کشاورزی، شیلات و آبزیان را برای شرکای تایلندی خود ایفا کند. وزیر امور خارجه تایلند هم در این دیدار دستاوردهای کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور را برای ارتقای سطح همکاری‌های بانکوک- تهران مثبت و سازنده ارزیابی کرد و افزود: همواره روابط دو کشور بر اساس اصول احترام متقابل و منافع مشترک بر پایه‌های متینی استوار بوده است و درتهران با حضور هیات تجاری بزرگ در صدد شناسایی فرصت‌های همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، تجاری و فرهنگی هر چه بیشتر با جمهوری اسلامی ایران هستیم.

دون پرامودوینای خواهان همکاری‌های هر چه بیشتر با ایران به منظور تشریک مساعی بین المللی و منطقه ای شد و گفت: تایلند در چارچوب رایزنی‌ها و منافع مشترک دو کشور علاقمند است با ایران، سطح همکاری‌های خود را در سازمان‌های بین المللی و منطقه‌ای مختلف افزایش بخشد.

دیدار وزیر خارجه تایلند با دکتر روحانی

نخستین سفر اروپایی رئیس جمهوری

بقیه از صفحه اول

بزرگ ایتالیا در برنامه سفر به رم پیش‌بینی شده است.

حضور در واتیکان و ملاقات و گفتگو با پاپ و نخست‌وزیر واتیکان از دیگر برنامه‌های رئیس‌جمهوری در این سفر خواهد بود.

رئیس جمهوری همچنین پس فردا، رم را به مقصد پاریس ترک می‌کند و در سفر به پاریس، پس از استقبال رسمی از سوی رئیس‌جمهوری فرانسه، با وی دیدار و گفتگو می‌کند و با هیات‌های عالیرتبه دو کشور هم مذاکراتی مشترک خواهد داشت.

ملاقات و گفتگو با مدیر کل یونسکو ، بازوی فرهنگی سازمان ملل متحد از دیگر برنامه‌های رئیس‌جمهوری در پاریس است.

همچنین روحانی با تعدادی از سرمایه‌گذاران، مدیران اقتصادی و صاحبان ارشد صنایع بزرگ فرانسه دیدار خواهد داشت.

ملاقات‌های دوجانبه و چندجانبه، نشست و مصاحبه با سردبیران ارشد رسانه‌های اروپایی، ایتالیایی و فرانسوی، دیدار با نخبگان و اندیشمندان، نشست مشترک با صاحبان صنایع و سرمایه‌گذاران از سایر برنامه‌های پیش‌بینی شده برای رئیس‌جمهوری در این سفر ۴روزه است.

بنا بر این گزارش، شماری از وزرا و مقامات بلندپایه کشورمان رئیس‌جمهوری را در این سفر همراهی خواهند کرد و اسناد متعددی برای همکاری‌های دوجانبه در عرصه‌های مختلف از سوی آنان به امضا خواهد رسید .

دراین باره خبرگزاری فرانسه در گزارشی نوشت: ایران در این سفر به دنبال بازگرداندن روابط اقتصادی‌اش با رم و پاریس است که پیش از اجرای تحریم‌های بین‌المللی اقتصادی و ژانویه ۲۰۱۲ از شرکای تجاری اقتصادی اصلی ایران به شمارمی‌آمدند.

بر اساس این گزارش، تجارت میان ایران و ایتالیا از سالانه ۷٫۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ به ۱٫۳ میلیارد کاهش یافته است، اما اکنون با توجه به لغو تحریم‌های ایران تجار ایتالیایی مایلند روابط خود را با ایران تجدید کنند.

فرانسه نیز پیش از این روابط تجاری گسترده‌تری با ایران داشت.

شرکت‌های پژو و رنو بسیار مشتاقند که بار دیگر وارد بازار خودرو ایران شوند ،اما اکنون با رقبای سرسختی از آلمان، کره جنوبی ، چین و ژاپن مواجهند.

یک هیات تجاری ۱۵۰ نفره از فرانسه در ماه سپتامبر از ایران بازدید کرد. همچنین رایزنی‌ها برای خرید هواپیماهای ایرباس فرانسوی در جریان است.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی:

مجلس مردمی با دولت عاقل در کنار رهبری هوشیار، ایران را به جایگاه اصلی می‌رساند

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی صبح دیروز در دیدار رئیس و اعضای خانه کشاورز، گفت: امروز برای همه روشن است که بخش اصلی زندگی انسان‌ها در همه جوامع مربوط به کشاورزی است و برکت کشاورزی، برکت جامعه است.

وی درادامه با ابراز تأسف از به هدر رفتن سرمایه‌های ارزی و ریالی کشور، در سال‌هایی که به خاطر افزایش قیمت نفت درآمدهای هنگفتی متوجه کشور شده بود، گفت: به جای استفاده معقول از آن سرمایه‌ها و آینده نگری برای روزهایی مانند امروز که نفت در پایین‌ترین قیمت است، به سوی روزمرگی رفتند و به خاطر بعضی از بی‌تدبیری‌های سیاسی، لطف و عنایت خداوند را از دست دادیم.

هاشمی رفسنجانی با اشاره تلویحی به ردّ صلاحیت نامزدهای مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری گفت: امیدواریم مسئولان مربوطه با عقلانیت، دیانت و انسانیت نقش خود را در جامعه به خوبی ایفا کنند و بگذارند انتخابات پرشور و حماسی داشته باشیم.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با بیان این جمله که «فیلتر بررسی صلاحیت نامزدها نباید برای بعضی‌ها غیرقابل عبور و برای بعضی‌های دیگر سهل و آسان باشد»، گفت: مجلس مردمی با دولت عاقل در کنار رهبری هوشیار ایران را به جایگاه اصلی خود در تاریخ می‌رساند.

هاشمی رفسنجانی،دربخش دیگری ازسخنانش، سیستم گلخانه‌ای را یکی از شیوه‌های رایج در سال‌های اخیر دانست و با تأکید بر این که این می‌تواند یکی از راه‌های صرفه‌جویی در مصرف آب باشد، گفت: دولت باید برای تمام طرح‌هایی که مصرف آب را کاهش و درآمدهای کشاورزی را افزایش می‌دهد، وام‌های ارزانقیمت در اختیار کشاورزان بگذارد و کشور را به سوی استغنا از درآمدهای نفت سوق دهد که یکی از اصول مهم در تدوین سند چشم‌انداز بوده است.

رئیس مجلس: "برجام"، فصل نوینی درهمکاری ایران با کشورهای منطقه است

رئیس مجلس گفت: اجرای رسمی توافق هسته‌ای میان ایران و۵+۱ ، فصل نوینی را برای ارتقای سطح همکاری ایران و کشورهای منطقه گشود.

به گزارش ایسنا ، دکترعلی لاریجانی در یازدهمین نشست اتحادیه مجالس کشورهای اسلامی در بغداد افزود: ایران بار دیگر اراده خود برای تحکیم و تقویت همکاری با همسایگان در خلیج فارس و کل منطقه یادآوری می‌کند.

وی ادامه داد: امروز در شرایطی گردهم آمده‌ایم که ایران پس از ۱۲ سال مقاومت در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا و برخی از قدرت‌های غربی توانست یکی از پرفراز و نشیب‌ترین مقاطع تاریخی خود را با موفقیت پشت سر بگذارد و حقوق هسته‌ای خود را تثبیت کند. ایران بر این باور است که کشورهای منطقه با همکاری جمعی و با بهره‌گیری از شرایط پس از اجرای توافق وین می‌توانند گام‌هایی اساسی در رفع تهدیدهای مشترک از جمله تروریسم و افراط‌گرایی و کمک به توسعه و پیشرفت منطقه بردارند.

رئیس هیات پارلمانی ایران افزود: امروز افراط گرایی، تروریسم و فرقه‌گرایی به تهدیدی بزرگ برای صلح و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است. این پدیده که محصول رفتارهای مداخله‌جویانه و غیرمسئولانه برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ست، لطمات جبران‌ناپذیری را بر پیکر امت اسلامی وارد کرده است.

لاریجانی ادامه داد: سوریه، عراق، یمن، لبنان، مصر، افغانستان، لیبی و تعداد دیگری از دولت‌های اسلامی شدیداً از پیامدهای ناگوار و تاثیربرانگیز افراط‌گرایی و تروریسم متاثر شدند. این امر ضرورت مقابله با این پدیده را در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی یادآور می‌شود. ایران بر این باور است که مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی نیازمند اراده واقعی و همکاری جمعی کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای است، به این منظور مقابله با خاستگاه‌های ایدئولوژیک افراط گرایی و توقف حمایت مالی، تسلیحاتی و آموزشی از تروریست‌ها از اهمیت و اولویت برخوردار است. رئیس مجلس ، اعدام شیخ نمر باقرالنمر را ناقض موازین بین‌المللی حقوق بشر و آزادی بیان و عقیده دانست و افزود: اعدام روحانی مظلوم و صلح‌طلب سعودی موجب تشویق افراط گرایی، ایجاد تفرقه و تشدید اختلافات میان کشورهای اسلامی می‌شود. ایران بر ضرورت اتخاذ اقدامات هماهنگ از سوی کشورهای منطقه‌برای‌مقابله‌باسیاست‌های‌مبتنی بر طایفه‌گرایی تاکید دارد. بی‌تردید مجالس کشورهای اسلامی در این ارتباط مسئولیتی بزرگ برعهده دارند و می‌توانند نقش مهمی را ایفا کنند.

وی ادامه داد: چند سالی است که تروریست در سوریه ماجراجویی می‌کند. در ابتدا به عنوان حمایت از دموکراسی، برخی کشورها از تروریست‌ها در سوریه حمایت کردند، اما در عراق هم دموکراسی وجود نداشت که تروریست‌ها به آنجا هجوم آوردند و چندین شهر را تصرف و مردم را آواره کردند؟ این امر نشان می‌دهد مساله سوریه کاستی در دموکراسی نبود. آنها به دنبال امر دیگری بودند هرچند که به هدف خود نرسیدند .

رئیس‌مجلس‌خاطرنشان‌کرد:در یک نگاه کلی این گونه ماجراجویی‌ها و به هم ریختگی امنیتی در منطقه فقط فاجعه، عقب‌افتادگی کشورهای اسلامی و ایجاد فضای تنفسی برای رژیم صهیونیستی است. ایران از ابتدا راه‌حل بحران سوریه را سیاسی می‌دانست و نه نظامی و امیدوار است از طریق مذاکرات این مشکل حل شود. وی با اشاره به بحران یمن گفت: آنچه که امروز در این کشور می‌گذرد یک تراژدی تمام‌عیار انسانی را رقم زده است. حمله نظامی به این کشور نه فقط باعث بروز فاجعه انسانی شده است بلکه انهدام زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور را در پی داشته است، متاسفانه کشورهایی که هیچ‌گاه کوچکترین اقدامی را علیه رژیم صهیونیستی به عمل نمی‌آورند، از زمان آغاز تهاجم نظامی خود به یمن هزاران موشک و بمب را بر سر مردم بی‌دفاع این کشور ریخته‌اند.

وی با اشاره به مسئولیت کشورهای اسلامی در این زمینه،گفت: این مسئولیت مهم برعهده ماست تا با اقدامی جمعی و هماهنگ مانع از ریختن خون مسلمانان بی‌گناه در یمن شویم. ایران بر این باور است که بحران یمن راه‌حل نظامی ندارد و راهکار سیاسی و گفتگوی یمنی–یمنی با مشارکت تمامی احزاب و گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی زیر نظر سازمان ملل متحد و تشکیل دولت وحدت ملی، یگانه راه عبور از بحران جاری و جلوگیری از تشدید فجایع انسانی در یمن است. ایران از تلاش‌های سازمان ملل در این زمینه حمایت می‌کند.

لاریجانی فلسطین را همچنان بر صدر بزرگترین مشکلات خاورمیانه و جهان دانست و افزود: اقدامات رژیم صهیونیستی در نقض مداوم و مکرر قوانین بین‌المللی و نقض سیستماتیک و گسترده حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی، افزایش نفرت و افراط‌گرایی را در پی داشته است .

رئیس مجلس اضافه کرد: برای پایان بخشیدن به جنایت‌های رژیم صهیونیستی، نهادهای بین‌المللی به ویژه پارلمان‌های کشورهای اسلامی وظیفه‌ای خطیر برعهده داشته و انتظار می‌رود اقدامات موثرتری را در کاهش مصائب و مشکلات مردم فلسطین به ویژه پایان دادن به رنج‌ها و آلام مردم آن ایفا کند.

درهای باز دیپلماسی به روی عربستان

رئیس مجلس ،گفتگو و مذاکره را بهترین و تنها راه حل مشکلات منطقه دانست و گفت: هنوز درهای دیپلماسی به روی عربستان سعودی باز است و امیدواریم ریاض زودتر از مسیر غلطی که برگزیده برگردد.

به گزارش ایرنا ،لاریجانی اظهار داشت: عربستان یک کشور اسلامی است و ما هیچگاه خواهان آسیب دیدن جایگاه و تضعیف آن نیستیم. وی تصریح کرد: سیاست ایران هیچگاه این نبوده که دولت‌های اسلامی در جایگاهی قرار گیرند که دچار فرسایش و تضعیف شوند، چرا که این امر باعث فرسایش جهان اسلام می‌شود. رئیس مجلس تاکید کرد: تلاش ایران همواره این بوده که کشورهای اسلامی در کنار هم باشند، اما درعین حال این سعودی‌ها هستند که راه را غلط رفتند و ما امیدواریم عاقلانه و با سیاست‌های اعتدالی، از این راه برگردند، چرا که این مسیر در سال‌های اخیر منجر به کشته، زخمی و آواره‌شدن بی‌گناهان زیادی در منطقه شده است.

لاریجانی، درباره دیدگاه جدید حاکم بر منطقه، مبنی بر به کارگیری تجربه و الگوی ایران در مذاکرات هسته‌ای برای حل مشکلات و بحران‌ها، گفت: هر الگویی متناسب با موضوع و در چارچوب آن تعریف می‌شود و از همین رو نمی‌توان عینا الگوی مذاکرات هسته‌ای را برای حل بحران‌های منطقه به کار گرفت.

وی اضافه کرد: ما معتقدیم که از طریق مذاکرات و گفتگو بسیاری از سنگین‌ترین و پیچیده‌ترین اختلاف‌ها را هم می‌توان حل کرد و در این چارچوب تجربه مذاکرات هسته‌ای حتما روش قابل تعمیمی است و می‌تواند برای حل بحران‌های منطقه به کار گرفته شود.

مجلس «جرم سیاسی» را تعریف کرد

سرویس پارلمانی: جزییات طرح «جرم سیاسی»، در جلسه علنی دیروز مجلس به تصویب رسید و به موجب آن، تعریف جرم سیاسی، شرایط نگهداری از مجرمان سیاسی و شیوه بررسی جرائم سیاسی، تعیین شد.

بر اساس ماده یک، هر یک از جرائم مصرح در ماده ۲ این قانون، چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور، علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب، قصد ضربه‌زدن به اصل نظام را داشته باشد، جرم سیاسی محسوب می‌شود.

ماده ۲: جرائم زیر، در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده‌یک این قانون، جرم سیاسی محسوب می‌شود:

الف ـ توهین یا افترا به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهوری، وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسئولیت آنان.

ب ـ توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو ایران وارد شده است، با رعایت مفاد ماده ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات).

پ ـ جرائم مندرج در بندهای «د» و «هـ» ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده، مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ (نقض آزادی‌های مشروع دیگران و ایراد تهمت، افترا و شایعه پراکنی).

ت ـ جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا، به استثنای مجریان و ناظران انتخابات.

ث ـ نشر اکاذیب.

ویژگی‌های جرائم عادی

در ماده ۳، جرائمی که سیاسی محسوب نمی‌شوند، به‌این شرح اعلام شده است:

الف ـ جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات.

ب ـ سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی.

پ ـ آدم‌ربایی، گروگانگیری و سلب غیر قانونی آزادی افراد.

ت ـ بمبگذاری و تهدید به آن، هواپیماربایی و راهزنی دریایی.

ث ـ سرقت و غارت اموال، ایجاد حریق و تخریب عمدی.

ج ـ حمل و نگهداری غیر قانونی، قاچاق و خرید و فروش سلاح، مواد مخدر و روانگردان.

چ ـ رشا و ارتشا، اختلاس، تصرف غیرقانونی در وجوه دولتی، پول‌شویی و اختفای اموال ناشی از جرم مزبور.

ح ـ جاسوسی و افشای اسرار

خ ـ تحریک مردم به تجزیه‌طلبی، جنگ، کشتار و درگیری.

د ـ اختلال در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به‌کار گرفته شده برای ارائه خدمات ضروری عمومی یا حاکمیتی.

ذ ـ تمامی جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی، اعم از جرائم ارتکابی به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده یا غیر آن

به موجب ماده ۴، نحوه رسیدگی به جرائم سیاسی و مقررات مربوط به هیأت منصفه مطابق آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری خواهد بود.

ماده۵، تشخیص سیاسی بودن اتهام را به دادسرا یا دادگاهی واگذار کرده که پرونده در آن مطرح است، متهم می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی در دادسرا و تا پایان جلسه نخست دادرسی در دادگاه، نسبت به غیرسیاسی بودن اتهام خود اعتراض کند. مرجع رسیدگی‌کننده، طی قراری در این مورد اظهارنظر می‌کند. شیوه صدور و اعتراض به این قرار، تابع مقررات آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری است.

امتیازات مجرمان سیاسی

براساس ماده ۶، موارد زیر نسبت به متهمان و محکومان جرائم سیاسی، اعمال می‌شود:

الف ـ مجزا بودن محل نگهداری در مدت بازداشت و حبس از مجرمان عادی.

ب ـ ممنوعیت از پوشاندن لباس زندان در طول دوران بازداشت و حبس.

پ ـ ممنوعیت اجرای مقررات ناظر به تکرار جرم.

ت ـ غیرقابل استرداد بودن مجرمان سیاسی.

ث ـ ممنوعیت بازداشت و حبس به صورت انفرادی، به جز مواردی که مقام قضایی بیم تبانی بدهد یا آن را برای تکمیل تحقیقات ضروری بداند، ولی در هرحال، مدت آن نباید بیش از ۱۵ روز باشد.

ج ـ حق ملاقات و مکاتبه با بستگان طبقه اول (پدر، مادر، اولاد و اولاد اولاد) در طول مدت حبس.

چ ـ حق دسترسی به کتب، نشریات، رادیو و تلویزیون در طول مدت حبس.

اصلاح طرح نحوه فعالیت احزاب

طرح «نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» که در شورای نگهبان مردود شناخته شده است هم در این جلسه مورد بحث قرار گرفت و ضمن اصلاح بند پ ماده ۵، نمایندگان مصوبه پیشین خود در بند ۵ و تبصره ۵ ماده ۱۰ را بار دیگر تصویب کردند.

متن اصلاح شده بند «پ» ماده ۵ به این شرح است:

پ ـ «مظنونان به جاسوسی حسب تشخیص وزارت اطلاعات یا سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تا قبل از صدور حکم برائت از دادگاه صالح» از حق تأسیس حزب یا عضویت در آن محرومند.

براساس بند ۵ و تبصره ۵ ماده ۱۰، برای صدور پروانه به منظور تشکیل حزب و نظارت بر فعالیت احزاب و انجمن‌های اقلیت‌های دینی و انجام وظایف تصریح شده در این قانون، کمیسیون احزاب در وزارت کشور، تشکیل می‌شود.

به موجب بند ۵، دو نماینده مجلس شورای اسلامی با داشتن حق رأی در این کمیسیون عضویت خواهند داشت.

در تبصره ۵ ماده ۱۰، جلسات کمیسیون با حضور ۵ نفر از اعضا رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با رأی حداقل ۴ نفر از اعضا معتبر است.

در ادامه این جلسه اعلام شد که طرح الحاق یک تبصره به قانون بیمه اجتماعی رانندگان بار و مسافر بین‌شهری و طرح اصلاح ماده ۱۷ قانون استخدامی معلمان، تقدیم هیأت رئیسه شده است.

یادداشت

ارزش و جایگاه دانش و دانشمند از دیدگاه اسلام

۵

سیّد علی گرامیان

در بخش پیشین، بیان شد که گام نخست در حرکت به سوی پیشرفت و تعالی، مجهز شدن به علم و دانش است. دین مقدس اسلام که پیام آسمانی خود را با امر به خواندن آغاز کرده، از دانش و قلم به عنوان کرامت خداوند به انسان یاد کرده، از علم بسیار تجلیل فرموده و مسلمانان را به فراگیری آن تشویق نموده است.

در این مقال، از میان دهها آیه و صدها روایت، به آوردن یک آیه و چند حدیث اکتفا می‌کنم تا مردم عزیز بیش از پیش، به ارزش و جایگاه رفیع علم وعالم در اسلام متذکر شوند.

قرآن شریف در آیه یازدهم سوره مجادله می‌فرماید:

«یَرْفَعِ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنکُمْ وَالَّذینَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجاتٍ»

خداوند به آنان که ایمان آورده‌اند و آنها که دارای علم و دانشند، رفعت و بلندی بخشیده است.

و اینک چند روایت:

رسول خدا (ص) به ابوذر غفاری فرمودند:

فَقالَ رَسُولُ اللّه (ص): یا أَباذَرٍّ وَ الْجُلُوسُ ساعَةً عِنْدَ مُذاکَرَهِ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَی اللهِ مِنْ قِیامِ أَلْفِ لَیْلَه یُصَلّی فی کُلِّ لَیْلَه أَلْفُ رَکْعَه وَ الْجُلُوسُ ساعَه عِنْدَ مُذاکَرَه الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَی اللهِ مِنْ أَلْفِ غَزْوَه وَ قِراءَه الْقُرْآنِ کُلِّه قالَ یا رَسُولَ اللهِ مُذاکَرَه الْعِلْمِ خَیْرٌ مِنْ قِراءَه الْقُرْآنِ کُلِّه فَقالَ رَسُولُ اللهِ (ص) یا أَباذَرٍّ الْجُلُوسُ ساعَهً عِنْدَ مُذاکَرَه الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَی اللهِ مِنْ قِراءَه الْقُرْآنِ کُلِّه اثْنا عَشَرَ أَلْفَ مَرَّه عَلَیْکُمْ بِمُذاکَرَه الْعِلْمِ فَإِنَّ بِالْعِلْمِ تَعْرِفُونَ الْحَلالَ مِنَ الْحَرامِ. یا أَباذَرٍّ وَ الْجُلُوسُ ساعَه عِنْدَ مُذاکَرَه الْعِلْمِ خَیْرٌ لَکَ مِنْ عِبادَه سَنَه صِیامِ نَهارِها وَ قِیامِ لَیْلِها، وَ النَّظَرُ إِلَی وَجْهِ الْعالِمِ خَیْرٌ لَکَ مِنْ عِتْقِ أَلْفِ رَقَبَه.» (بحارالانوار، جلد ۱ صفحه ۲۰۴)

ترجمه:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای اباذر، نشستن ساعتی در مجلس علم محبوب‌تر است نزد خدا از قیام هزار شب که کسی در هر شب هزار رکعت نماز بخواند و نشستن ساعتی در مجلس علم محبوب‌تر است نزد خدا از هزار جهاد (در کنار رسول خدا) و خواندن کل قرآن. ابوذر عرض کرد: یا رسول الله مذاکره علم بهتر است از خواندن همه قرآن؟ رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم فرمود: ای ابوذر، نشستن ساعتی در مجلس علم پیشگاه خدا از خواندن دوازده هزار بار کل قرآن بهتر است. ملزم باشید به‌حضور در مجلس علم برای آن‌که سبب علم حلال را از حرام باز می‌شناسید. ای اباذر، نشستن ساعتی در مجلس علم بهتر است از عبادت یک سال که روزه باشی روزهای آن را و قیام نمائی شب‌های آنرا و نظر کردن بر روی عالم بهتر است از آزاد کردن هزار بنده!

آیا بیشتر از این می‌شود، از علم تجلیل و ارزش دانش را بیان کرد؟

البته باید توجه داشت که در این روایت، علم در برابر قرائت قرآن قرار نگرفته است، بلکه علم و عبادت پیوسته و مکمل یکدیگرند.

علم از آن جهت ارزش و اهمیت دارد که راه درست انجام اعمال را نشان می‌دهد و عبادتی دارای ارزش است که از روی آگاهی و دانش و همراه با معرفت باشد و هر کاری بدون علم، بیراهه رفتن و اتلاف وقت و امکانات است.

فلذا پیامبر اکرم(ص) درهمین رابطه فرمودند:

«نَومٌ مَعَ عِلمٍ خَیرٌ مِن صَلاهٍ عَلی جَهلٍ.»

خواب با علم بهتر است از نماز با جهل و نادانی.

(کنز العمال ج ۱۰ ص ۱۴۰)

در حدیث دیگری پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند:

«لِکُلِّ شَیْءٍ طَرِیقٌ، وَطَرِیقُ الجَنّه العِلْمُ.» راه بهشت از طریق دانش می‌گذرد.

(کنزالعمال ج ۱۰ ص ۱۵۶)

و در حدیث دیگر، پیامبر اکرم (ص) علم را عامل قدرت و ثروت شمرده است و اینکه اگر کسی و یا جامعه‌ای می‌خواهد به اقتدار سیاسی و یا قدرت نظامی و اقتصادی دست یابد باید از طریق علم وارد شود.

ایشان فرمودند: «خُیِّرَ سُلَیمان بَینَ المالِ و المُلکِ وَ العِلمِ فاختارَ العِلمَ فَاُعْطِی المُلکَ وَ المالَ لاختیارِه العِلمَ» (کنزالعمال ج ۱۰ ص ۱۵۳)

سلیمان پیامبر (ع) بین انتخاب ثروت و ریاست و علم مخیر گردید، سلیمان علم را انتخاب کرد، قدرت و ثروت نیز به او عطا گردید، زیرا قدرت و ثروت و ملک و مال همراه و تابع دانشند.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

«اَلْعِلْمُ اصلُ کُلِّ حالٍ سَنِیٍّ و منتهی کل منزلَه رَفیعهَ» علم، اصل همه صفتهای خوب است و منشأ جمیع کارهای نیکوست.

«لِذلِکَ قالَ النَّبِیُّ (ص) طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِیضَه عَلَی کُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَه»

از این جهت است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: طلب دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

و باز امام صادق (ع) می‌فرمایند:

«لَو عَلِمَ النّاسُ ما فی طَلَبِ العلم لَطَلَبوهُ ولَو بِسَفکِ المُهَجِ وخَوضِ اللُّجَجِ» (بحارالانوار ج ۱ ص ۱۷۷)

اگر مردم مزایا و ارزشهای علم را می‌دانستند، در طلب آن می کوشیدند ولو به قیمت ریزش خون دلها و فرو رفتن در طوفانهای سهمگین و گردابهای خطرناک باشد.

و در حدیث دیگری فرموده‌اند:

«اَلْعِلْمُ مِصْباحُ الْعَقْلِ» دانش، چراغ عقل و خرد است.

و نیز فرموده‌اند: «العِلمُ سُلطان، مَن وَجَدهُ صالَ بِه،» دانش سلطان است، هرکس آنرا بدست آورد، بوسیله آن بر دیگران صولت و سروری پیدا می‌کند.

قالَ رَسُولُ اللهِ (صلی الله علیه وآله): «إِنَّ الْمَلائِکه لَتَضَعُ أَجْنِحَتَها لِطالِبِ الْعِلْمِ رِضا بِه»

ملائکه بال و پر خود را برای طالب علم می‌گسترانند تا بر آن گام نهند و از اینکار خشنودند.

احادیث در این زمینه فراوان و هریک از دیگری ناب‌تر و جذاب‌ترند. برای خودداری از اطاله کلام، این مبحث را به پایان می‌بریم و حسن ختام را، یک حدیث از فاطمه زهرا سلام الله علیها قرار می‌دهیم.

شهید ثانی رضوان الله تعالی علیه، در کتاب منیه المرید آورده است که: زنی خدمت حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا سلام‌الله علیها رسید و عرض کرد: مادری ناتوان دارم. مسئله‌ای مربوط به نماز برای او پیش آمده، مرا به خدمت فرستاده تا از شما بپرسم و سئوالش را مطرح کرد. حضرت پاسخ فرمودند و او مسئله دیگری پرسید، حضرت جواب دادند و مسئله سوم را پرسید حضرت پاسخ دادند، همچنین تا به ده بار رسید، حضرت جواب دادند. آن زن از بسیار پرسیدن شرمنده گشت و عرض کرد: بیش از این دختر رسول خدا را زحمت نمی‌دهم. حضرت فرمودند: هر چقدر می‌خواهی بپرس، آیا فکر می‌کنی کسی اجیر شود تا بار سنگین را به بامی ببرد و صد هزار درهم اجرت بگیرد آیا این کار برای او دشوار است؟ آن زن جواب داد: نه. حضرت فرمود: من اجیر شدم که برای هر مسئله‌ای، بیشتر از وسعت بین زمین تا عرش پر از مروارید مزد بگیرم، پس من سزاوارترم که احساس دشواری نکنم، من از پدر بزرگوارم شنیدم که می‌فرمود: همانا علماء شیعیان ما در روز قیامت محشور می‌شوند و به قدر علوم و کوشش آنان در ارشاد بندگان خدا خلعت کرامت، به آنان ارزانی می‌گردد تا آنجا که به یک نفر، یک میلیون حله نور خلعت می‌دهند، سپس منادی در آسمان از سوی پروردگار عز و جل ندا می‌کند.ای کفیلان یتیمان آل محمد (ص)، شما کفیلان، رشد آنان را به عهده گرفتید. به هر یک از شیعیان که تحت تعلیم آنها بوده‌اند، خلعت می‌پوشانند تا آنجا که به هر یک از آنان تا یکصدهزار خلعت می‌دهند. سپس به علمایی که اساتید آنها بوده‌اند، خلعت می‌دهند بطوری که یک رشته از آن خلعت‌ها، برتر است از آنچه خورشید بر آن می‌تابد به هزار هزار مرتبه.

امید است با وجود چنین فرهنگی، مردم ما به راه علم حرکت کنند و از برکات دنیوی و اخروی آن به شایستگی بهره‌مند گردند. انشاء الله

برگزاری هشتمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر

سرویس فرهنگی ـ هنری: هشتمین جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی جمعه ۹ بهمن ساعت ۱۸ در سالن ایران فرهنگستان هنر گشایش می‌یابد و نمایشگاه آثار آن تا ۱۷ اسفند در موسسه فرهنگی هنری صبا ادامه خواهد داشت.

به گزارش خبرنگار ما، در نشست خبری که به‌همین منظور دیروز در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد، مجتبی آقایی دبیر این جشنواره گفت: برنامه‌ریزی‌های اولیه جشنواره امسال از تابستان شروع شد و در این دوره روش ترکیبی برای انتخاب آثار در فراخوان جشنواره هشتم تجسمی فجر ارائه شد.

آقایی سپس به بخش رقابتی جشنواره اشاره کرد و گفت: در این بخش ۹۲۳۰ اثر از سوی ۴۹۱۵ هنرمند ایرانی و خارجی در سایت جشنواره به ثبت رسیده است که از این میان ۱۰۵هنرمند از ۴۰ کشور جهان آثار خود را ارسال کرده بودند.

وی با بیان این‌که اختتامیه جشنواره ۱۸ اسفند و احتمالاً در تالار وحدت برگزار خواهد شد، بیان کرد که نمایشگاه جشنواره تجسمی فجر یک هفته پس از اختتامیه همچنان ادامه خواهد داشت.

آقایی در ادامه به بخش‌های دیگر جشنواره اشاره کرد و گفت: بخش فیلم‌های مستند تجسمی، بخش همایش با عنوان «هنر معاصر ایران و جهانی شدن» از دیگر بخش‌های جشنواره هشتم هنرهای تجسمی فجر است اما از ویژگی‌های این دوره برگزاری بخش «ایران آرتکس» است که با هدف معرفی فعالان عرصه هنرهای تجسمی کشور و ارائه دستاوردها و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های متنوع تولیدی، خدماتی، بازرگانی، علمی، آموزشی، پژوهشی، کارآفرینی، نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، انتشاراتی، اطلاع‌رسانی و دیگر حوزه‌های مرتبط با هنرهای تجسمی است.

ما در جشنواره تجسمی فجر همواره هنرمندان و آثار هنری را معرفی کرده‌ایم اما مثلاً رسانه‌هایی که افکار عمومی را از رخدادهای تجسمی مطلع می‌کنند یا سازندگان نرم‌افزارهای هنری که دراین عرصه نقش دارند و یا آموزشگاه‌ها و ناشرانی که فعالیت آنها موجب رونق بخش هنرهای تجسمی شده است هیچگاه معرفی و تقدیر نشده‌اند که با در نظر گرفتن این بخش در جشنواره هشتم درصدد تقدیر از این گروه از فعالان عرصه تجسمی هستیم. نمایشگاه بخش «آرتکس» نیز از ۱۴بهمن تا۱۷اسفند درمؤسسه صبا برگزار می‌شود.

دبیر هشتمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر ادامه داد: ما ایرانی‌ها به عدد ۸ تعصب داریم و به دلیل برگزاری هشتمین دوره جشنواره هنرهای تجسمی فجر، می‌خواهیم آن را به نام امام‌رضا(ع) متبرک کنیم و به‌همین منظور همزمان با برپایی نمایشگاه جشنواره در موسسه صبا، نمایشگاه آثار تجسمی را با همکاری موزه ملک و موزه آستان قدس رضوی در موزه فلسطین برگزار خواهیم کرد.

آقایی همچنین از دریافت بیش از ۷۰ فیلم و ویدئو در بخش فیلم‌های تجسمی جشنواره خبرداد و گفت که پس از بررسی این فیلم‌ها و گزینش آثار، این فیلم‌ها طی دو اکران درسینما تک موزه‌های هنرهای معاصر و سالن ایران فرهنگستان هنر به‌نمایش در می‌آیند. آقایی افزود: امسال نیز همچون سال گذشته جشنواره تجسمی فجر، معرفی چند تن از مفاخر عرصه هنرهای تجسمی را در مراسم اختتامیه خواهیم داشت و احتمالاً آثاری از این شخصیت‌ها را نیز در نمایشگاه جشنواره به نمایش در خواهیم آورد. حامیان و فعالان عرصه تجسمی شامل رسانه‌ها، نگارخانه‌های برتر، ناشران و ... را نیز در مراسم افتتاحیه معرفی خواهیم کرد و همچنین امیدواریم که در این دوره بتوانیم دبیرخانه دائمی جشنواره هنرهای تجسمی فجر را تأسیس کنیم تا به این‌وسیله جشنواره تجسمی فجر در بستر زمان بتواند مسیر تکاملی‌اش را طی کند.

جمشید حقیقت‌شناس، دبیر هنری هشتمین دوره جشنواره تجسمی فجر نیز در این نشست خبری گفت: بر خلاف ۷ دوره گذشته این جشنواره، رویکرد امسال جشنواره متفاوت است و با توجه به این‌که سالها آثار جشنواره فجر محل کنجکاوی مخاطبان آن نبوده است در این دوره می‌خواهیم حس کنجکاوی را در مخاطبان آن به وجود آوریم.

وی افزود: نمایشگاه آثار این دوره جشنواره تجسمی فجر فقط برای متخصصان و علاقه‌مندان آثار تجسمی نیست و تلاش داریم تا عموم مردم را به این نمایشگاه بکشانیم.

حقیقت‌شناس اظهار کرد: امسال رشته‌های مختلف هنرهای تجسمی را از آن حذف کردیم چون یک اثر هنرهای تجسمی و رای هر یک از این رشته‌ها می‌تواند ارائه شود و علاوه بر آثار مختلف در هنرهای تجسمی اگر هنرمندی با اثر جدیدی به جشنواره وارد شده، اثرش بررسی شده و در صورت تائید هیات‌داوری وارد نمایشگاه شده است و با این رویکرد می‌توان گفت که جشنواره امسال اثر محور است و نه هنرمند محور.

حقیقت‌شناس با بیان این‌که آثار ارسال شده بر اساس رزومه هنرمندان و با رویت اسامی هنرمندان بررسی شده‌اند، گفت: متأسفانه امسال از میان بیش از ۹۰۰۰ اثر ارسالی ما فقط ۲۰۰ اثر را که شامل تک اثر و همچنین پروژه هنری بودند را انتخاب کردیم. او با اشاره به این‌که در جشنواره امسال بخش مدعوین حذف شده است، خاطرنشان کرد: اما یک بخش غیر رقابتی داریم که هنرهای ملی نام دارد و شامل آثار خوشنویسی و نگارگری است که همزمان با افتتاحیه جشنواره در فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود.

این هنرمند نقاش ادامه داد: خیلی تمایل داریم که در سال‌های آینده جشنواره، هفته فرهنگی کشورها را هم همزمان با برگزاری دهه فجر برگزار کنیم چون روزهای دهه فجر، روزهای ملی کشورمان است و در این دوره جشنواره دو کشور مکزیک و صربستان اعلام آمادگی کرده‌اند تا این هفته فرهنگی را با نمایشگاه عکس از مکزیک و نمایشگاهی از آثار چیدمان، هنر جدید و عکس از صربستان، همزمان با برگزاری جشنواره فجر در مؤسسه صبا برگزار کنند.

پیکر شادروان ابوالحسن نجفی فردا تشییع می‌شود

فرهنگستان زبان و ادب فارسی از برگزاری مراسم تشییع پیکر زنده‌یاد ابوالحسن نجفی عضو پیوسته این فرهنگستان در روز سه‌شنبه خبر داد.

به گزارش مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مراسم تشییع پیکر استاد شادروان ابوالحسن نجفی سه‌شنبه، ششم بهمن‌ماه ۱۳۹۴، ساعت ۱۰صبح، از مقابل فرهنگستان زبان و ادب فارسی واقع در بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو، بلوار کتابخانهٔ ملی، مجموعهٔ فرهنگستان‌ها، برگزار خواهد شد.

زبان‌شناس و مترجم برجسته ایرانی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی روز جمعه ۲بهمن در هشتاد و شش سالگی درگذشت. عمده فعالیت‌های ادبی و علمی او در حوزه ترجمه متون ادبی، ویرایش، زبان‌شناسی و وزن شعر فارسی بود. نجفی یکی از دقیق‌ترین دایره‌ها برای طبقه‌بندی وزن شعر فارسی تدوین کرده که به «دایره نجفی» معروف است.

تسلیت دکتر حدادعادل

به دنبال درگذشت ابوالحسن نجفی،دکتر غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی پیام تسلیتی به شرح زیر منتشر کرد:

«استاد ابوالحسن نجفی درگذشت. وی نویسنده‌ای توانا و ادیبی دانشمند و مترجمی چیره‌دست و زبان‌شناسی صاحب‌نظر و افزون بر این‌همه، انسانی شریف و نجیب و بااخلاق بود.

وی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مدیرگروه ادبیات تطبیقی آن فرهنگستان نیز بود. فقدان تأثرانگیز او را به اهل فرهنگ و ادب تسلیت می‌گویم و برای آن شادروان آمرزش روان مسئلت می‌کنم». مجید غلامی‌جلیسه، مدیرعامل مؤسسه خانه کتاب نیز با ارسال پیامی درگذشت استاد ابوالحسن نجفی را تسلیت گفت: «شنیدن خبر فقدان ادیب صاحب سبک و مترجم نامدار، استاد ابوالحسن نجفی، بسیار تأسف‌بار است. بی‌تردید درگذشت ایشان که نقش بسزایی در عرصه ترجمه، زبان‌شناسی، فرهنگ‌نویسی و ادبیات تطبیقی داشته‌اند، برای اهالی قلم، مایه تأثر است. این ضایعه را به خانواده محترم استاد ابوالحسن نجفی و تمام کسانی که با آثار ایشان انس داشته‌اند، تسلیت گفته و برای آن مرحوم مغفرت و برای بازماندگان صبر مسئلت دارم».

تسلیت دکتر صالحی

دکتر عباس صالحی معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در پی درگذشت استاد نجفی پیام تسلیتی به شرح زیر منتشر کرد:

خبر درگذشت استاد زبان‌شناسی و مترجم و مولف ارجمند ابوالحسن نجفی، اندوه بسیار به همراه داشت.

گستردگی فعالیت آن فقید در دوران حیات چنان بود که فقدان ایشان جمع گسترده‌ای از اهالی فرهنگ و قلم را متاثر کرده است. استادی گرانمایه که در حوزه‌های زبان‌شناسی، ویرایش، وزن شعر فارسی، ادبیات تطبیقی و ترجمه چیره‌دستی تمام عیار بود. این گستردگی فعالیت و نیز نگاه دقیق و عالمانه ایشان موجب شد تا مراکز دانشگاهی و فرهنگی متعددی از حضور با ارزشtargeting ارزششان بهره‌مند شوند.

استاد ابوالحسن نجفی بی‌شک از دردانه‌های فرهنگ معاصر بودند و آثار و فعالیت‌هایشان همواره نام نیک از ایشان به‌جا خواهند گذاشت. درگذشت این استاد ارجمند را به خانواده ایشان و نیز اهالی فرهنگ تسلیت گفته و از درگاه احدیت برای بازماندگان صبر و برای آن مرحوم مغفرت مسئلت دارم.

یادداشت

شفاعت (۱۱)

شفاعت شامل چه کسانی می‌شود؟

آیت‌الله یحیی عابدی

در قرآن مجید راجع به مشفوع لهم (کسانی که شفاعت می‌شوند) آیه صریحی وجود ندارد. زیرا تصریح علاوه بر اینکه موجب تجری می‌شود برخلاف تکلیف است. ثواب و عقاب در جایی است که مکلف با اختیار خود واجبات را انجام دهد و از محرمات بپرهیزد و تصریح یک نوع جبر است. مذکور در قرآن آیاتی است که به‌طور مبهم مشفوع لهم ذکر شده است. از جمله آیات سوره مدثر «کل نفس بماکسبت رهینه‌الااصحاب‌الیمین فی جنات یتساءلون عن‌المجرمین ماسلککم فی سقر؟ قالو وا لم نک من‌المصلین و لم‌نک نطعم‌المسکین و کنانخوض مع‌الخائضین و کنانکذب بیوم‌الدین حتی اتاناالیقین فماتنفعهم شفاعه‌الشافعین. هر کس در گرو اعمال خویش است مگر اصحاب یمین. آنان در باغ‌های بهشتند و از مجرمان می‌پرسند چه چیز شما را وارد دوزخ کرد؟ می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم و مستمندان را اطعام نمی‌کردیم، و همیشه با اهل باطل همنشین و هم‌صدا بودیم، و روز پاداش را انکار می‌کردیم تا مرگ فرا رسید. شفاعت شافعان به حال آنان سودی ندارد.» (مدثر: ۳۸ـ۴۸)

از این آیه و آیه ۱۳ سوره حدید استفاده می‌شود که بهشتیان و دوزخیان با اینکه گروه اول در نعیم و گروه دوم در جحیمند ولی با یکدیگر مکالماتی دارند (درک این مطالب در این دنیا مقدور نیست). از گفتار علامه طباطبایی قدس‌سره‌الشریف در تفسیرالمیزان چنین استفاده می‌شود. که آیات سوره مدثر در اوایل بعثت نازل شده، و هنوز صلاه و زکات به نحوی که بعداً تشریح شد تشریح نشده بود. مقصود از «صلاه» خضوع عبودیتی است که در تمام موجودات هست. و منظور از اطعام مسکین تأمین زندگی نیازمندان است که داوری عقل است. و خوض یعنی اشتغال به لهو و لعب و زخارف دنیا که آدمی را از توجه به آخرت و روز جزا بازمی‌دارد و موجب تکذیب معاد می‌شود. این چهار عامل باعث جهنمی شدن مجرمان است. کما اینکه انجام صلاه و زکات و دوری از لهویات و اعتقاد به معاد که هر چهار نتیجه اعتقاد به خدای سبحان است و اساس دین و پیروی از انبیا و ائمه صلوات‌الله علیهم اجمعین می‌باشد.

و نیز از گفتار معظم‌له استفاده می‌شود که «اصحاب‌الیمین» کسانی هستند که شفاعت شامل حال آنان می‌شود که اعتقادات صحیحی به مبدا و معاد دارند چه آنکه اعمالشان مطابق دستورات دین باشد یا نباشد. شفاعت شامل گنهکاران از اصحاب یمین است «ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم. اگر از معاصی کبیره که از آنها نهی می‌شوید پرهیز کنید گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم.» (نساء:۳۱) گنهکاری که گناهش در عالم برزخ بخشیده نشده حتماً مرتکب معصیت کبیره است. زیرا صغایر در قبر و برزخ بخشیده می‌شود. نتیجهٔ شفاعت مخصوص مرتکبین کبائر از اصحاب یمین است. و رسول‌الله(ص) فرمود: «انما شفاعتی لاهل‌الکبائر من امتی، فاماالمحسنون فما علیهم من سبیل» بحارالانوار ج۸ ص۳۴.

با اعتذار از حضور گرامیانی که احیاناً با مطالعه مقالات نویسنده را تشویق می‌فرمایند به علت عارضه چشم فعلاً بیش از این مقدور نیست.

افتتاح موزه علی اکبرخان صنعتی در ۲۲ بهمن

مدیرعامل سازمان زیباسازی شهر تهران از افتتاح موزه علی اکبرخان صنعتی همزمان با سالروز پیروزی انقلاب خبرداد.

به گزارش ایسنا، عیسی علیزاده با بیان اینکه موزه علی اکبر خان صنعتی یکی از بناهای فاخر شهر تهران محسوب می شود، گفت: مجسمه های ساخت دست خود استاد علی اکبرخان صنعتی در این موزه قرار دارد که در حال حاضر مرمت آنها توسط سازمان زیباسازی واستادان مجسمه سازی در حال انجام بوده و تاکنون بالغ بر ۹۰ درصد کار انجام شده است.

بررسی کارنامه کیکاووس جهانداری

نشست بررسی «کارنامه کتابدار، کتابشناس، مترجم؛ کیکاووس جهانداری» امروز در سرای اهل قلم برگزار می‌شود.

علی‌اصغر حداد، سیدصادق سجادی، علی بهرامیان، هما افراسیابی و مرتضی هاشمی‌پور به‌عنوان سخنران در این نشست حضور دارند. کیکاووس جهانداری مترجم ادبیات آلمانی و از پژوهشگران مرکز دایره المعارف اسلامی است. وی در زمان حیات، ترجمه بسیاری از آثار معروف ادبی به ویژه از زبان آلمانی به فارسی را بر عهده داشته است.

منتقدان ادبی بهترین ترجمه منتشر شده از وی را ترجمه رمان «گرگ بیابان» اثر هرمان هسه می‌دانند که بیشترین شهرت جهانداری در دنیای ترجمه نیز به همین خاطر بوده است. این ترجمه برای نخستین بار در سال ۱۳۴۵ توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب منتشرشده بود.جهانداری، مترجم و ادب‌پژوه پنج‌شنبه دوم بهمن‌ماه سال ۱۳۹۳ در بیمارستان جم تهران و بعد از طی دوره بیماری ریوی در گذشت.

آموزش مهارتی به اشتغالی پایدارمنتهی می شود

مدیرکل آموزش فنی‌وحرفه‌ای استان تهران گفت: آموزش مهارتی و فنی‌وحرفه‌ای موجب انگیزش نیروی کار، رونق و توسعه کسب‌وکار و کارآفرینی، دستیابی جوانان به اشتغال مولد و پایدار و در نهایت رفع فقر از جامعه خواهد شد.

به گزارش خبرنگار ما، حمیدرضا خانپور در مراسم تقدیر از نفرات برتر المپیاد تکنیسین های ایران که دیروز با حضور مدیران سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور، مدیران ارشد شرکت سامسونگ الکترونیکس و نفرات برتر المپیاد در مجموعه فرهنگی– ورزشی تلاش برگزار شد، ضمن تشریح مراحل اجرایی این المپیاد گفت: توسعه فرهنگ آچار به دستی و کاربلدی، توسعه اشتغال و کارآفرینی و افزایش بهره‌وری نیروی کار از اهداف برگزاری این رقابت‌هاست.

مدیرعامل سامسونگ ایران، بومسوک هانگ، نیز که یکی از سخنرانان مراسم بود، گفت: المپیاد تکنیسین‌های ایران، بخشی از کمپین کودکان امید و از مجموعه پروژه‌های مشارکت اجتماعی سامسونگ الکترونیکس است که بر پایه اهدافی همچون ترویج و ارتقای فرهنگ مهارت‌آموزی در میان تکنیسین‌های محصولات خانگی، شناسایی و معرفی برترین تکنیسین‌ها و همچنین ایجاد فرصت‌های شغلی بر اساس مهارت‌های تخصصی، انجام شد. وی همچنین ادامه داد: بسیار خرسندم که این المپیاد با استقبال گرم و بی‌سابقه‌ای از سراسر کشور و همچنین مسئولان و رسانه‌ها مواجه شده است و توانسته‌ایم به اهدافی که داشته‌ایم، نزدیک شویم. در تلاشیم تا بتوانیم این موقعیت را سال آینده نیز برای تکنیسین‌های مستعد ایرانی فراهم کنیم. المپیاد تکنیسین‌های ایران با ابتکار شرکت سامسونگ و همیاری سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای کشور، در آبان ماه سال جاری در سه مرحله و چهار گرایش تعمیرات موبایل و تبلت، لوازم‌خانگی، دستگاه‌های تهویه مطبوع و لوازم صوتی و تصویری برگزار شد که در مرحله اول آن دو هزار شرکت‌کننده به‌طور آنلاین و در مرحله نهایی آن ۱۰۰ نفر به‌طور تخصصی، فنی و عملی در آزمونی ۴ روزه به رقابت پرداختند. در مراسم اختتامیه المپیاد تکنیسین‌های ایران، به نفرات اول تا سوم، به ترتیب ۳۰، ۲۰ و ۱۰ سکه بهار آزادی، به همراه لوح تقدیر اهدا شد.

رونمایی از سند راهبردی موسسه مطالعات و مدیریت جامع جمعیت کشور

دکترمحمد فرهادی، وزیرعلوم، تحقیقات و فناوری همراه با معاونین و مسئولان وزارتخانه و روسای چند پژوهشگاه در بازدید از موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، ضمن آشنائی با فعالیت‌ها و ظرفیت های موسسه، از سند راهبردی و وبسایت موسسه رونمائی کرد.

بر اساس سند راهبردی، هدف اصلی موسسه دستیابی به توانمندترین مرجع تخصصی انجام و راهبری پژوهش، ارائه مشاوره‌های تخصصی و سیاستی در حوزه‌های جمعیتی در سطح ملی و منطقه‌ای و فعال و معتبر در سطح بین‌المللی تا سال ۱۴۰۴ می‌باشد.

در جریان این بازدید و رونمایی ، دکتر محمد جلال عباسی شوازی، رئیس موسسه، با ارائه وضعیت جمعیت کشور و ابلاغ سیاست‌های جمعیتی توسط مقام معظم رهبری، به نقش موسسه در انجام تحقیقات جمعیت اشاره کرد. وی ارائه شواهد علمی برای سیاستگذاری منطقی جمعیت را در موفقیت این سیاستها ضروری دانست. دکتر عباسی شوازی به فعالیتهای اخیر موسسه از جمله تهیه برنامه جامع گروههای پژوهشی، تهیه سند جامع جمعیتی کشور، به روز نمایی وبسایت، همکاری در تدوین برنامه ششم توسعه و نیز تعامل با دستگاههای سیاستگذاری و تهیه سند جامع جمعیت اشاره کرد. وی گزارشی هم از جایگاه و فعالیتهای موسسه در سطح منطقه و بین المللی ارائه کرد. وزیر علوم با توجه به اهمیت جمعیت و پژوهشهای جمعیتی در کشور، از فعالیتهای ارزشمند موسسه در ارائه شناخت درست و علمی از تحولات جمعیتی در راستای سیاستهای کلی جمعیت تشکر کرد. وی اظهار داشت که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موضوع جمعیتی را به عنوان یکی از موضوعات مهم کشور قلمداد کرده و تقویت فعالیتهای پژوهشی را از اولویتهای اساسی کشور می داند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به اهمیت رصد و پایش سیاستهای جمعیت در ابعاد کیفی و کمی را که در سیاستهای ابلاغی مقام معظم رهبری مورد تایید قرار گرفته ، از وظایف این موسسه دانست و افزود که در آستانه روز ملی جمعیت در اردیبهشت سال ۱۳۹۵ موسسه مطالعات جمعیتی با همکاری سازمان ها و نهادهای مرتبط، سمینار جمعیتی با محوریت سیاستهای جمعیتی برگزار خواهد کرد. دکتر فرهادی با توجه به تحولات جمعیتی در سطح منطقه خاورمیانه و بین المللی بر ضرورت همکاریهای بین المللی تاکید و اظهار امیدواری کرد که موسسه به عنوان یکی از مراکز معتبر در سطح منطقه فعالیت کرده و مشاوره های تحقیقاتی برای کشورهای منطقه بویژه کشورهای همسایه ارائه کند.

در پایان این نشست از سند راهبردی موسسه و وبسایت موسسه رونمایی به عمل آمد.

همچنین دکتر وحید احمدی معاون پژوهش و فناوری وزیر علوم در مراسم بازدید از موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور به نقش موسسه به عنوان نهاد محوری پژوهش در حوزه جمعیت تاکید کرد.

دکتر احمدی با اشاره به فعالیت هفده ساله این موسسه گفت : با رویکرد علمی که در کشور وجود دارد ، این موسسه فرصت مناسبی دارد تا در خصوص سیاست های کلی جمعیتی که در سال ۱۳۹۳ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد ، اقدام کند. وی در ادامه افزود : با توجه به رویکرد وزارت علوم در گسترش علوم انسانی و تشکیل ستادی در این خصوص ، بحث جمعیت یکی از مباحث و شاخص های مهم این حوزه است و این مسئله رسالت سنگینی را بر عهده این موسسه گذاشته تا نقشی پایه و نهاد محور در بحث جمعیت داشته باشد. دکتر احمدی با تاکید بر ایجاد دو شبکه داخلی و بین المللی – منطقه ای در این موسسه گفت : با ایجاد این دو شبکه در موسسه، شما می‌توانید برنامه‌های اجرایی و عملیاتی گسترده‌ای در راستای سیاستهای جمعیتی داشته باشید.

لازم به ذکر است که تحولات چشمگیر جمعیتی در ایران و نیز تغییرات سریع جمعیت در سطح منطقه ای و بین المللی همراه با پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن ، نیاز به شناخت و درک عمیق و تخصصی این تحولات را بیش از پیش آشکار کرده است.

ابلاغ سیاستهای کلی جمعیت توسط مقام معظم رهبری، و تدوین برنامه ششم توسعه توسط دولت تدبیر و امید، نیاز فوق را دو چندان کرده است. موسسه مطالعات جمعیتی رسالت مهمی در انجام پژوهشهای تخصصی و مسئله محور برای تدوین و اجرای موفق سیاستهای جمعیتی در کشور بر عهده دارد.

آموزش و پرورش: خصوصی‌سازی مدارس در دستور کار نیست

خصوصی‌سازی مدارس، کیفیت آموزش در مدارس دولتی، وضعیت نامناسب بودجه آموزش و پرورش، وظیفه نهادهای اجتماعی در بهبود کیفیت آموزشی، مدارس فرسوده و کم‌توجهی به ساخت و نوسازی مدارس و تخصصی شدن آموزش علوم انسانی در مدارس فرهنگ در گفتگو مسعود ثقفی، سخنگوی اداره کل آموزش و پرورش تهران با اطلاعات تشریح شد.

به گزارش خبرنگار ما، مسعود ثقفی پیرامون واگذاری مدارس دولتی به موسسات غیردولتی که شایعه خصوصی‌سازی آموزش و پرورش را دامن زده است، با تاکید بر استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در حل مسائل مالی آموزش و پرورش گفت: مدارس غیردولتی درطول سال‌های فعالیت خود از قانون مصوبی برخوردار نبودند. با توجه به ضرورت شکل‌گیری قانون خاص فعالیت این گونه مدارس، لایحه‌ای صرفا به منظور قانونمند کردن فعالیت مدارس غیردولتی در دستور کار قرار دارد و اصلا بحث خصوصی‌سازی مدارس مطرح نیست.

وی با اشاره به دریافت کمک مالی مدارس دولتی از والدین دانش‌آموزان و گلایه‌ها در این مورد، افزود: بخش بزرگی از هزینه سالانه مدارس را که بیش از ۹۵ درصد هزینه‌های یک مدرسه را شامل می‌شود، دولت پرداخت می‌کند. هزینه‌هایی مانند حقوق و دستمزد، بهای مصرف انرژی یا هزینه مدارس اجاره‌ای در مقابل بخش کوچکی از هزینه‌های مدارس که البته اهمیت زیادی در ارتقاء سطح آموزش و پرورش دانش‌آموزان دارد، باقی می‌ماند که یکی از راه‌های قانونی کسب آن توسط مسئولان مدارس، استفاده از کمک‌های مردمی است.

سخنگوی اداره کل آموزش و پرورش تهران ادامه داد: دریافت این کمک‌ها مشروط به دو نکته مهم است. اول آنکه پرداخت آن از سوی والدین باید کاملا اختیاری باشد و دوم آنکه فهرست کامل هزینه شد این کمک‌ها باید به صورت شفاف به اولیاء دانش‌آموزان گزارش داده شود. وی تاکید کرد: دریافت اجباری کمک‌های مردمی و تغییر میزان و رقم این کمک‌ها از نظر ما تخلف محسوب می‌شود. والدین دانش‌آموزان می‌توانند با شماره ۸۸۹۶۴۰۰۶ تماس بگیرند و موارد تخلف را به اداره ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات اعلام کنند.

ثقفی با اشاره به انواع مدارس دولتی، غیرانتفاعی، شاهد، نمونه دولتی و استعدادهای درخشان که شائبه طبقاتی بودن مدارس را دامن می‌زند، گفت: با توجه به انواع طبقات اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی میان آن‌ها، وجود انواع مدارس امری طبیعی است. آموزش و پرورش نیز مخالف تنوع مدارس نیست، اما ایجاد کننده آنها هم نیست. از نقطه نظر ما ، در هر کدام از این مدارس از ظرفیت‌های خارج از بدنه آموزش و پرورش دولتی در راستای بهبود روند آموزش و تربیت بچه‌ها استفاده می‌شود. سخنگوی اداره کل آموزش و پرورش تهران با بیان اینکه برنامه‌ای برای توسعه مدارس غیردولتی در دستورکار نیست، گفت: اساسا ایجاد انواع مدارس و نحوه مدیریت آنها در حوزه اختیارات شورای عالی آموزش و پرورش است ثقفی در خصوص کیفیت آموزش در مدارس دولتی در مقابل گسترش مدارس غیردولتی، اظهار داشت: کیفیت آموزش در مدارس دولتی نه تنها پایین نیست، بلکه در سطح بالایی هم قرار دارد به طوری که بسیاری از برگزیدگان دانشگاه‌ها تحصیلکرده مدارس دولتی هستند . محدودیت ثبت نام رشته علوم انسانی در مدارس عالی دولتی موضوع دیگری بود که ثقفی با اشاره آن، گفت: بیش از هر چیز باید تاکید کنم که هیچ محدودیتی در ثبت نام دانش‌آموزان در رشته علوم انسانی وجود ندارد. فقط بحث توسعه مدارس فرهنگ و استفاده از نگاه تخصصی به حوزه علوم انسانی مدنظر آموزش و پرورش است. وی افزود: آموزش و پرورش در توسعه مدارس فرهنگ اصلا به دنبال کسب در آمد و اخذ شهریه از دانش‌آموزان نیست. هدف آن است که آموزش علوم انسانی به صورت تخصصی در این مدارس انجام شود. ضمن آنکه براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تخصصی کردن مدارس وظیفه‌ای بر دوش مسئولان این وزارتخانه است.

ثقفی در پاسخ به پرسشی پیرامون انتقادات وارد بر آموزش و پرورش در عدم توجه کافی به تربیت دانش‌آموزان خلاق و پرسشگر، گفت: انتظارات از آموزش و پرورش باید متناسب با بودجه این وزارتخانه باشد. درحالی که ۹۹ درصد بودجه آموزش و پرورش بابت حقوق و دستمزد و هزینه‌های جاری به مصرف می‌رسد، با باقیمانده آن چه اقدام فوق‌العاده‌ای می‌توان انجام داد؟

سخنگوی اداره کل آموزش و پرورش تهران با اشاره به سایر دستگاه‌های موثر در تعلیم و تربیت ، گفت: آموزش و پرورش دارای ارکانی است که فقط یک رکن آن وزارت آموزش و پرورش با ساز و کارهای اجرایی آن است. خانواده، جامعه و سایر نهادهای اجتماعی هم در این ارتباط مسئولند و باید همگی در کنار هم ایفای نقش کنند.

رواج آسیب‌های اجتماعی به ویژه اعتیاد در بین دانش‌آموزان از دیگر موضوعات این گفتگو بود که ثقفی با بیان اینکه رواج پدیده‌ای به نام اعتیاد در مدارس را نمی‌پذیرد، گفت: اعتیاد دارای تعریف مشخصی است که بنابر آن ما با بحث اعتیاد به شکل یک پدیده جدی در مدارس مواجه نیستیم. ضمن آنکه هر سال جشنواره‌ای به نام «نوجوان سالم» داریم که در آن سعی می‌کنیم از تمامی ظرفیت‌های فرهنگی ،هنری و علمی برای آشنا کردن دانش‌آموزان و والدین آنان با تهدیدهای اعتیاد استفاده کنیم.

عکس: سعید نیک‌نژاد

بقیه در صفحه ۱۴

نگاه

روایت یک کار خیر

دکتر محمود هورمند*

طالع اگر مدد دهد دامنش آورم به کف
گر بکشم زهی طرب ور بکشد زهی شرف

رودخانه زندگی با همه جوش و خروش خود در جریان است. هزاران سال است که در جریان است. انسانها می‌آیند و می‌روند. قبلاً اجدادمان بودند، اکنون مائیم و فردا فرزندانمان؛ و این داستان ادامه دارد... اما این فقط داستان‌های خوب و نیک زندگی است که می‌ماند، می‌ماند تا امید به زندگی را در نوع بشر زنده نگه دارد و یکی از این قصه‌ها، داستان تلاش انسانهایی است که بی‌دریغ می‌کوشند تا برای آلام بیماران سوخته مرهمی بیابند.

داستان ما از سال‌های دور آغاز می‌شود؛ از روستای کن، از زمینی وقفی در راه خدا. سال‌ها گذشت و وارثان این وقف بزرگ، درمان بیماران دچار سوختگی را مصداق خدمتی بزرگ در راه خدا دانستند و قرب به حضرتش را در تسکین درد آنها جستند. پس خیری عظیم رقم خورد؛ احداث بیمارستان سوختگی کن. آخر بیماران دچار سوختگی کجا روند؟ باید جایی باشد تا پناه این دردمندان بی‌پناه باشد. پروژه احداث بیمارستان، فراز و فرود بسیار می‌یابد؛ شرحی مفصل یا منظومه‌ای مطول، هرچه بود، چرخ پایدار خیر به حرکت افتاده است. بگویم یا نگویم؟! بگویم چون کار خیر دیگران را باید گفت، عاملان به خیر را باید یاد کرد و سپاس گفت آنانی را که جانانه و مشفقانه تلاش می‌کنند تا برای فرزندان این دیار میراثی خیر و کاری نیک از خود برجای گذارند. بگویم از عالم مجاهد و عارف وارسته و خیّر جلیل القدر، مرحوم حاج ملا علی کنی و نوادگان آن فقید سعید که زمین بیمارستان را در راه خدا هبه کردند. از سازمان اوقاف و سرپرست منطقه ۵ آن جناب حاج آقای کریمی، از شهرداری منطقه ۵ و شهردار محترم آن آقای مهندس اسدی، و از سه رادمرد خیرخواه که بسیار می‌کوشند تا مشارکت همگان و همه نهادها را جلب کنند، از مردم گرفته تا همه مسئولین تا به یاری خداوند این پروژه تا پایان سال ۱۳۹۶ به بهره برداری برسد؛ پروژه احداث بیمارستان سوختگی کن. قطعاً این بزرگواران مایل نیستند نامشان در میان جمع کثیری از خیرخواهان این عرصه خاص شود ولی توفیق الهی نصیبشان شده که خدمتگزار خاص مردم شوند: آقای دکتر قاضی‌زاده هاشمی، وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آقای دکتر حاجی میراسماعیل، ریاست محترم دانشگاه علوم پزشکی ایران و جناب سردار طلایی نایب رئیس محترم شورای شهر تهران.

اما ادامه مطلب را برای آنانی‌که اهمیت موضوع برایشان چندان روشن نشده است، با کلام آقای دکتر دلشاد پی می‌گیرم. قائم مقام محترم رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران در امور مشارکتهای اجتماعی و خیرین سلامت در باب سوختگی می‌گوید: سوختگی از سخت‌ترین بیماریهاست و عوارض بدی دارد، اغلب درمان آن طولانی و هزینه‌هایش سنگین است. همچنین مشکلات عدیده‌ای برای بیمار و خانواده‌اش ایجاد می‌کند. امکاناتی که در کشور داریم بسیار محدود است. بیمارستان شهید مطهری نیز قدیمی است و نمی‌تواند جوابگوی همه این بیماران باشد. خوشبختانه دانشگاه علوم پزشکی ایران چند سال پیش با همکاری اوقاف زمینی را در غرب تهران در کنار رودخانه کن تحویل گرفت و ساخت بیمارستانی را در آنجا آغازکرد. تاکنون تقریبا ۳۰ درصد کار انجام شده و ۷۰ درصد آن باقی است که به امید خداوند با ساخت این بیمارستان ۱۵۰ تخته (که قابلیت افزایش به ۲۵۰تخت را دارد) و مرکز تحقیقات سوختگی هم که قرار است برای پیوند و ساخت پوست مصنوعی در مجاورت آن ایجاد شود، یکی از مشکلات عمده کشور حل خواهد شد.

دکتر دلشاد تاکید می‌کنند اغلب بیماران دچار سوختگی از خانواده‌های کم‌بضاعت و بی‌بضاعت هستند و با یک سوختگی، زندگی آنها متلاشی می‌شود. ما می‌خواهیم هزینه درمان آنها به صفر برسد و با راه اندازی این بیمارستان و تجهیز آن هیچگونه هزینه‌ای نداشته باشند.

سخن کوتاه، برای همه آن وارستگانی که صادقانه در این امر خطیر و مجاهدت الهی می‌کوشند طلب سلامتی و توفیق کنیم و اجرشان را با بیتی از لسان الغیب به یگانه دادار هستی بخش حوالت کنیم که:

حافظ اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق
بدرقه رهت شود همت شحنه نجف

پس‌ای علی‌گویان، ای علی جویان: یا علی مدد.

* عضو نهاد مردمی حمایت از بیماران دچار سوختگی، عضو هیات علمی‌گروه فارماکولوژی دانشگاه علوم پزشکی ایران

نگاه

فرسایش آخرین خاکریز حقوق مصرف کنندگان

*کامران نرجه

در خبرها آمده بود که طرح آزمایشی حذف قیمت مصرف کننده از روی برخی کالاها در تهران آغاز شده است.

این طرح الگو گرفته شده از شیوه عرضه کالاها در بسیاری از کشورها است که زمینه را برای رقابت قیمتی خرده فروشان فراهم کرده و آنها را به کاهش قیمت محول قابل عرضه در واحد صنفی خود ترغیب می کند. البته موفقیت این طرح در دیگر کشورها ناشی از نهادینه شدن فرهنگ رقابت تجاری در میان اصناف و آگاهی عامه مصرف کنندگان از حقوق خود در نظام خرده فروشی کالاست. از طرف دیگر پشتیبانی قوی نظام قضایی از حقوق مصرف کنندگان و برخورد جدی با گرانفروشان سبب شده تا در کشورهای دیگر چنین مکانیسم رقابتی کاملا تأثیر گذار و موفق باشد.

با این وجود اجرای طرح مذکور در ایران و در شرایطی که هنوز ۳ پیش نیاز فوق در نظام بازرگانی داخلی و روابط صنفی ما تحقق نیافته و فضای رقابت صحیح میان عرضه کنندگان کالا وجود ندارد، بسیار نگران کننده است.

اگر تاکنون درج قیمت روی کالاها، ملاکی برای تشخیص گرانفروشان صنفی بود و می شد امید داشت که به محض تخطی واحد عرضه کننده از قیمت درج شده روی محصول، امکان پیگیری و استیفای حقوق مصرف کننده وجود دارد؛ حالا با اجرای این طرح همین مختصر کورسوی امید هم از بین می رود و فضا برای عرضه یک نوع کالا با قیمت های متفاوت در نقاط مختلف شهر فراهم می شود. این اقدام را باید به مثابه فرسایش آخرین خاکریز دفاع از حقوق مصرف کنندگان در جامعه قلمداد کرد و منتظر نشست تا در آینده سوداگران بازار در محیطی بدون ملاک های سنجشی، هر کاری که دلشان می خواهد با تجارت داخلی بکنند. معلوم نیست آنها که به دنبال اجرای آزمایشی و به تبع آن اجرای دائمی و فراگیر حذف قیمت مصرف کننده روی کالاها هستند، چه نیتی در سر دارند و چه علامتی از وجود رقابت سالم در بازار خرده فروشی کالا در کشور دریافت کرده اند که تصمیم گرفته اند تنها ملاک تشخیص عرضه عادلانه کالا در بازار را از بین ببرند.

جدیدترین گزارش منتشر شده از کشف جرایم اصناف توسط نهادهای نظارتی (مربوط به آذر ۱۳۹۴) نشان می دهد که همچنان ۱۲ درصد از موارد بازرسی شده در واحدهای صنفی مرتکب تخلف گرانفروشی هستند. این کشفیات فقط مربوط به واحدهای بازرسی شده است و اگر واحدهای بازرسی نشده را هم به آن بیفزاییم ، قطعاً آمار گرانفروشی و نادیده گرفتن حقوق مصرف کننده در بازار خرده فروشی کالا بیشتر از این رقم خواهد بود. به نظر می رسد آنها که برای آزادی بی قید و شرط در تجارت داخلی، سودای انحلال سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان را در سر می پروراندند، ولی موفق به گنجاندن پیشنهاد خود در لایحه برنامه ششم توسعه نشدند، حالا به شیوه ای دیگر و از کانال حذف تدریجی حقوق مسلم مصرف کنندگان به دنبال پیاده کردن ایده اقتصادی خود هستند. بدیهی است سکوت سازمان حمایت در قبال این اقدام خطرناک اقتصادی، زمینه را برای اجرای سریع طرح مذکور و اجحاف هرچه بیشتر به حقوق مصرف کنندگان در جامعه فراهم می سازد.

دعوت از سرمایه گذاران خارجی برای مشارکت در صنعت هوانوردی ایران

وزیر راه و شهرسازی با بیان این که از تمامی سرمایه گذاران خارجی به جز شرکت های رژیم صهیونیستی برای حضور در صنعت هوانوردی ایران دعوت می کنیم، گفت: به بوئینگ که موفق به حضور در ایران نشد، خوشامد می گوییم. این شرکت مانعی برای حضور در ایران ندارد.

به گزارش تسنیم، عباس آخوندی در اجلاس هوانوردی کاپا اظهار کرد: تحریم ها به رفاه و امکانات ملت ایران لطمه زد. موقعیت ایران موقعیتی بود که عبور از آسمان و توقف در آن برای مبادلات کالا و مسافر بهترین موقعیت جهانی بود و گرفتن این موقعیت از ایران در طول سنوات گذشته به زیان مردم و کشورهای منطقه منجر شد.

وی با بیان این که امیدواریم با لغو تحریم ها به تعادل طبیعی برگردیم، افزود: ایران چهار راه شرق- غرب و شمال –جنوب است و یک موقعیت استراتژیک دارد که حافظ منافع تمامی ملت های همسایه است و ما همواره به این ماموریت و وظیفه ملی و منطقه ای واقف بوده و به آن عمل کرده ایم و از این رو فضای پس از تحریم را فضای بازگشت به تعادل پایدار می دانم.

وزیر راه و شهرسازی با بیان این که ایران مرکز تعادل منطقه بوده است، تاکید کرد: آنچه می تواند امنیت پایدار را در منطقه به وجود آورد، بازگشت به مرکز ثقل امنیت یعنی ایران است، ما داریم به این نقطه برمی گردیم. این ایران است که می تواند در منطقه به عنوان کانون صلح و آرامش عمل کرده و با تمامی جهان گفتگوی مبتنی بر منافع مردم منطقه را داشته باشد.

وی با اشاره به این که امیدواریم کسانی که به ایران سفر کرده اند با مزیت های نسبی این منطقه آشنا شوند، افزود: به عنوان قدرت منطقه ای علاقمند هستیم مسئولیت های منطقه ای خود را اجرا کنیم و در این زمینه شرایط ۵ راه هوایی امن را در آسمان ایران راه اندازی کرده ایم و به سمت آسمان امن برای تمامی خطوط هوایی که می خواهند از ایران عبور کنند، می رویم. همچنین تمامی سیستم مدیریت فضا را مدرن و نوسازی می کنیم.

این عضو کابینه دولت گفت :بیش از ۲۵۰ میلیون دلار سرمایه گذاری برای سیستم ناوبری در فضای ایران انجام شده است تا بتوانیم امنیت و عبور ایمن را برای تمامی ایرلاین های بین المللی فراهم کنیم. به دنبال این هستیم که فرودگاه های بزرگ را برای بار و مسافر با تمامی خدمات در کشور ایجاد کنیم.

وی با اشاره به این که به زودی قرارداد توسعه فرودگاه امام با ظرفیت ۴۵ میلیون مسافر را در سال امضا می کنیم، افزود: فضا را برای سرمایه گذاران خارجی فراهم می کنیم تا سرمایه گذاری بهینه در ایران داشته باشند.

آخوندی افزود: به زودی منطقه ویژه و آزاد امام خمینی (ره) را اعلام عمومی می کنیم که این امکان را می دهد تا مراکز آموزش، تعمیر و غیره در این منطقه به وجود آید.

وی ادامه داد: فرودگاه های بزرگ مانند اصفهان و شیراز را به زودی به کمک سرمایه های بین المللی نوسازی می کنیم و شاهد توسعه بزرگ در صنعت هوانوردی خواهیم بود که هم مردم ایران و هم مردم منطقه از آن استفاده خواهند کرد.

وزیر راه و شهرسازی یادآور شد: توسعه رقابت، رفاه پایدار را به همراه دارد و آماده هستیم تا فضایی را فراهم کنیم تا سرمایه گذاران قدرت رقابت را از مسیر ایران به دست آوردند.



وی با اشاره به این که خرید هواپیما، اجاره و اجاره به شرط تملیک از جمله فضاهایی است که برای سرمایه گذاران خارجی مهیاست، گفت: ایران بیش از ۶۷ فرودگاه عملیاتی و کمتر از ۱۰ فرودگاه خوب و بهینه دارد و سایر فرودگاه ها به دلیل کمبود ناوگان چندان فعال نیست.

آخوندی بیان کرد: صنعت هوانوردی در جهان رو به رشد است و هنوز جای رشد فناوری فراوان دارد، ضمن آن که قیمت تمام شده در آن به دلیل استفاده از سیستم به روز مرتب رو به کاهش است.

وی با اشاره به این که برای توسعه این صنعت در ایران فرصت های خوبی را فراهم کرده ایم، خاطرنشان کرد: هواپیماهای کوتاه برد، میان برد و برد بلند از جمله بخش هایی است که می توانیم در جهت نوسازی ناوگان، فضا را برای استفاده از سرمایه گذاران خارجی مهیا کنیم.

وزیر راه و شهرسازی افزود: ایران از جهت دانش مهندسی از جمله کشورهایی است که بیشترین دانشجو را در دنیا دارد و شاید بعد از آمریکا قرار دارد. نیروی انسانی بسیار خوب با دانش بسیار خوب داریم و حتما می توانید سیستم های نگهداری و تعمیر را در کشور ما ایجاد کنید.

وی همچنین از فراهم کردن زمینه های سرمایه گذاری برای خارجی ها در بخش گردشگری ایران خبر داد و خطاب به سرمایه گذاران خارجی گفت: هیچ رابطه ناسالمی را در فضای بین المللی نداریم و هیچ واسطه ای در این بخش وجود ندارد.

نامبرده همچنین در حاشیه این اجلاس با اشاره به اینکه سازمان هواپیمایی با مقامات ذیربط امریکا برای راه اندازی خط هوایی بین دو کشور مذاکراتی را آغاز کرده است،گفت: هم اکنون ۲۵۶ هواپیما در ناوگان هوایی داریم که از این تعداد ۱۵۶ هواپیما عملیاتی است و عمر طولانی دارند که این مسئله باعث شده هزینه‌های تعمیر و نگهداری این هواپیماها افزایش یابد.

وی با اشاره به اینکه برای نوسازی ناوگان به ۱۰۰ فروند هواپیما با بردکوتاه نیاز داریم، تأکید کرد: برای مسیرهای برد میانی و بلند هم ۴۰۰ فروند هواپیما نیاز داریم که در این رابطه مذاکراتی را با بوئینگ داشته ایم.

آخوندی در مورد زمزمه‌های خرید هواپیمای سوخو گفت: این اخبار فقط شایعه است و هرگونه خرید هواپیما توسط سازمان هواپیمایی انجام می‌شود.

وی در مورد موضوع خرید هواپیماهای ایرباس گفت: قرار است در سفر رئیس جمهوری به فرانسه قرارداد خرید ۱۱۴ هواپیمای دست اول بین ایران و این کشور امضا شود.

وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه همه ۱۱۴ فروند ایرباسی که از کمپانی ایرباس می‌خریم نو خواهد بود، از تعیین رقمی برای حداقل سرمایه تأسیس ایرلاین جدید تا چند روز آینده خبر داد.

به گزارش فارس، وی با تأکید بر اینکه ایران نقش بسزایی در لجستیک بین‌المللی هوانوردی دارد، گفت: مقرر شده است هواپیماهای کوتاه‌برد، میان‌برد و بلندبرد وارد ناوگان هوایی کشور شود، ضمن آنکه شرایط برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری و اجاره‌دهنده هواپیما در ایران فراهم شده است.

آخوندی با اشاره به انعقاد قرارداد با کشورهای خارجی برای راه‌اندازی پروازهای مستقیم بین ایران و این کشورها اظهار داشت: هم شرکت‌های هواپیمایی خارجی پرواز مستقیم به ایران خواهند داشت و هم تعداد مسیرهای شرکت‌های هواپیمایی ایران به کشورهای دنیا و هم مسیرهای جدید افزایش می‌یابد.

وی همچنین با اشاره به اینکه با شرکت هواپیمایی بوئینگ برای خرید هواپیماهای برد متوسط و بردکوتاه مذاکراتی داشته‌ایم،گفت: امنیت سرمایه‌گذاری در ایران را تضمین می‌کنیم.

در این اجلاس همچنین رئیس کمیسیون عمران مجلس با اعلام اینکه طی ۳ تا ۵ سال آینده تعداد ناوگان هوایی فعال کشور باید به ۵۰۰ فروند افزایش یابد، گفت: قرارداد خرید ۱۱۴ هواپیمای ایرباس ظرف یک تا ۲ ماه آینده نهایی می‌شود.

به گزارش تسنیم، سیدمهدی هاشمی اظهار کرد: بر اساس سند چشم‌انداز کشور باید در سال ۱۴۰۴ قدرت اول منطقه در صنعت حمل و نقل به‌خصوص هوایی باشیم و این یک ضرورت و پیش‌نیاز است که بتوانیم به این جایگاه دست پیدا کنیم.

وی با بیان اینکه مشارکت دنیا در صنعت هوانوردی یک سیاست برد ــ برد خواهد بود که می‌تواند منافع مادی سرمایه گذاران و ایران را تأمین کند، تصریح کرد: این تحریم علاوه بر محدودیت برای ایران ضررهای مالی را به کشورهای دیگر وارد کرده است.

رئیس کمیسیون عمران مجلس یادآور شد: برنامه‌های کوتاه و میان‌مدت را در دست اجرا داریم و برای برنامه‌های بلندمدت فرصت بیشتری جهت تصویب و اجرا نیاز داریم.

وی گفت: طی یکی دو ماه آینده قرارداد خرید ۱۱۴ هواپیمای ایرباس نهایی می‌شود و پیش‌بینی شده تعداد خرید هواپیما به ۵۰۰ فروند افزایش یابد.

هاشمی افزود: هم اکنون تعداد ۱۵۰ هواپیمای فعال ناوگان هوایی کشور را باید طی یک برنامه کوتاه‌مدت به ۵۰۰ فروند افزایش دهیم که شاید طی سه تا ۵ سال آینده این امر بتواند محقق شود.

وی افزود: در طول سال‌های اخیر ما خسارت‌هایی را خصوصاً در قالب خسارت‌های انسانی بدلیل تحریم‌های هوانوردی خورده‌ایم، چرا که با توجه به تحریم‌های ظالمانه حوادث ما از نُرم جهانی بالاتر بود. این حوادث شاید نسبت به نُرم جهانی ۲ یا ۳ برابر بوده است، اما شاید اگر همین نیروهای ارزشمند را نداشتیم، میزان خسارت‌ها بیش از این می‌شد.

نامبرده با تأکید بر اینکه برای ما کیفیت، زمان و هزینه در بخش سرمایه گذاری‌های صنعت هوانوردی مهم است، گفت: باید تلاش کنیم شرایط مورد نیاز برای حضور سرمایه گذاران خارجی را فراهم کنیم و متعهد می‌شویم از همه ظرفیت‌ها برای رشد این بخش استفاده کنیم.

رئیس سازمان هواپیمایی کشوری‌هم متوسط سن حمل و نقل هوایی ایران را در حال حاضر ۲۰ سال اعلام کرد و گفت: سیاست ما این است تا این متوسط عمر را به کمتر از ۱۲ سال برسانیم.

به گزارش مهر، علی عابدزاده در این اجلاس با اشاره به اینکه در حال حاضر ۱۶ ایرلاین در کشور داریم، افزود: در حال حاضر ۹ فروند هواپیما در کشور داریم که مسافت‌های طولانی را طی می‌کنند، ضمن آنکه بیش از ۱۵۰ فروند هواپیمای کوتاه‌برد که هر کدام بیش از ۲۵۰ صندلی داشته باشند، نیاز داریم.

وی با اشاره به نیاز ۳۰۰ هواپیمای میان‌برد و دور برد، گفت: در حال حاضر خطوط هواپیمایی ما پیر و کم تعداد هستند که این موضوع نشان می‌دهد ایران باید سریع‌تر تجهیزات لازم را برای برآورد نیازها تامین کند که در فاز اول هم نیاز به ۱۱۴ فروند هواپیما داریم.

معاون وزیر راه و شهرسازی با تاکید بر اینکه ایران براساس قانون از سرمایه‌گذاری خارجی استقبال می‌کند، افزود: مشتاق همکاری با شرکت‌های خارجی هستیم و به زودی مشکل نقل و انتقالات بانکداری ایران برطرف می‌شود.

وی با اشاره به اینکه ما نیاز به زمان زیادی برای تامین تجهیزات داریم اما فرصت کافی نداریم و باید سریعاً از طریق لیزینگ و تسهیلات بانکی هواپیماها را وارد کنیم، گفت: بخش دیگر صنعت هوانوردی این است که باید خطوط هوانوردی را تقویت کنیم که این کار از طریق ورود هواپیماهای مدرن در راستای همکاری با خطوط بین‌المللی و بهره بردن از فناوری جدید انجام می‌شود.

مدیرعامل هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران با اشاره به لغو تحریم سوخت رسانی ناوگان این ایرلاین در شش فرودگاه اروپایی گفت: ۱۱۴ فروند هواپیمای ایرباس از طریق منابع صندوق توسعه ملی و فاینانس خریداری می شود. به گزارش تسنیم، فرهاد پرورش در جمع خبرنگاران اظهار کرد: تاکنون تحریم های سوختی هواپیماهای ایران ایر در فرودگاه های پاریس فرانسه، آمستردام هلند، وین اتریش، فرانکفورت و کلن آلمان و لندن انگلیس برطرف شده است.

وی با اشاره به رفع تحریم نقل و انتقال پولی هما در یک یا دو هفته آینده، یادآور شد: در ۵ سال اخیر به دلیل تحریم های سوختی، ۱۵ تا ۱۷ هزار دلار هزینه هواپیماهای ایرانی افزایش می یافت.

وی درباره راه اندازی پرواز مستقیم ایران–آمریکا افزود: سازمان هواپیمایی کشوری در این خصوص در حال مذاکره است و راه اندازی این خط پروازی منوط به توافقات طرفین خواهد بود.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۳۲/۱۹ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۳۲/۱۸ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۲۲/۸۹ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۰۹۷/۹۶ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۳۵۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۴۱۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۴۷۳۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۵۸۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۷۲۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۹۵۰۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۱۸۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۳۰۱۸/۹ تومان
دلار آمریکا(نرخ آزاد)	۳۶۶۰ تومان
یورو(نرخ بانکی)	۳۲۵۹/۸ تومان
یورو(نرخ آزاد)	۳۹۸۵ تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۴۳۰۶/۳ تومان
پوند انگلستان(نرخ آزاد)	۵۲۳۰ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۸۲۲/۱ تومان
درهم امارات (نرخ آزاد)	۱۰۰۳ تومان

تعیین تکلیف ۴۰۰۰ میلیارد تومان بدهی فعالان اقتصادی

طبق قانون رفع موانع تولید، مبلغ ۴ هزار میلیارد تومان بدهی فعالان اقتصادی به حساب ذخیره ارزی تعیین تکلیف شد.

شاپور محمدی معاون امور اقتصادی وزیر اقتصاد در نشست خبری به مناسبت دهه فجر در وزارت اقتصاد با بیان اینکه سیاست خروج از رکود و تحریک تقاضا یکی از مهمترین سیاست‌ها بوده است و دامنه آن گسترده‌تر از آن چیزی که هست خواهد بود، اظهار داشت: در این زمینه اقدامات خوبی انجام شده و تامین سرمایه در گردش، بیش از ۶۰ درصد تسهیلات اعطایی را به خود اختصاص داده است.

به گزارش فارس، وی با اشاره به اینکه ۴۰۰ مجوز با همکاری دستگاه‌ها حذف خواهد شد، تصریح کرد: در حال حاضر ۸ هزار میلیارد تومان اوراق بدهی آماده واگذاری به طلبکاران دولت است.

معاون وزیر اقتصاد در ادامه ازمراحل پایانی اصلاحات قانون بانکداری و بانک مرکزی با همکاری وزارت اقتصاد و بانک مرکزی خبر داد و در مورد پیشنهادات این معاونت برای فضای پسابرجام گفت: پیشنهاد شده است بخشی از بودجه عمرانی صرف مشارکت عمومی– خصوصی شود تا این مشارکت به عنوان کمک سودآوری و جبران زیان مورد توجه قرار گیرد.

وی با اشاره به اینکه ۶۰ درصد سیاست‌های خروج از رکود و تحریک تقاضا اجرایی شده است، انحراف منابع را مسئله جدی در کشور دانست و افزود: سیاست‌ها بیشتر معطوف به تأمین منابع بوده، در حالی که باید منابع را به خط تولید برسانید.

نامبرده افزود:در پیشنهادی اعلام شد که ۲۰ درصد تسهیلات اعطایی سرمایه در گردش برای تحریک تقاضا باشد. قبلا تولیدکننده به منابع دست پیدا می‌کرد، اما عرضه تولید بازهم با مشکل روبرو بود، بنابراین با تحریک تقاضا مصرف کننده قدرت خرید خواهد داشت و باید این موضوع تقویت شود.

به گفته وی، سیاست سهولت انجام کسب و کار دنبال شده و رتبه ۱۵۲ در آغاز به کار دولت اکنون با ۳۴ پله بهبود به رتبه ۱۱۸ رسیده است و قطعاً این موضوع برای سرمایه‌گذار خارجی جذابیت بیشتری داشته و بعد از برجام آثار آن مشاهده خواهد شد. محمدی به پنجره واحد و اتصال الکترونیک بین دستگاه‌ها اشاره کرد و گفت: ظرف دو ماه ۲۷ آئین نامه در دولت تصویب شد، احصای بدهی‌ها توسط خزانه داری و انتقال بدهی‌ها به دولت در کنار اجرای بسیاری از بندها و تعهدات ارزی بین‌المللی بابت واردات کالا توسط بانک مرکزی انجام شده است.همچنین انتشار اوراق بدهی به منظور افزایش بدهی دولت نیست، بلکه ساماندهی و نقدینه کردن بدهی است که به منظور تعیین تکلیف بدهی‌های قبلی انجام خواهد شد.

وی تاکید کرد: استرداد حقوقی در گمرک و پنجره واحد فرامرزی در کنار تدوین آئین نامه‌های قانون مالیات‌های مستقیم تا پایان سال از دیگر اقدامات انجام شده است.

معاون وزیر اقتصاد سه برنامه اصلی این وزارتخانه را عمومی کردن اقتصاد، برون نگری اقتصاد و شفاف‌سازی دانست و افزود: توسعه نه چندان بازار سرمایه در کنار نظام بانکی که نقش خود را به خوبی ایفا نکرده است، هر ریال بودجه‌های عمرانی یک ریال به اقتصاد اضافه کرده و اکنون منابع مالی خارجی در کنار بخش خصوصی و دولتی اهرم اقتصاد خواهد بود.

وی با تاکید بر اینکه هرچند سیاست دولت انبساطی نبوده اما طی سال‌های گذشته انقباضی هم نبوده است، در مورد خروج پتروشیمی‌ها از بورس بیان کرد: جلساتی در این خصوص برگزار شده و به راه حلی رسیدیم که برخی محصولات کمک معامله در تابلوی فرعی معامله شود، امیدواریم به این راه حل برسیم و در آینده نزدیک حل و فصل شود. کسی دنبال خروج از بورس نیست و مکانیزم بورس مترقی بوده و هیچ کشوری نباید عقب رفت کند، بلکه قابل تقویت بوده و وزارت اقتصاد مخالف خروج پتروشیمی‌ها از بورس است.

محمدی در مورد تحقق منابع مالیاتی سال آینده یادآور شد: نرخ‌های مالیاتی برای سال آینده افزایش نخواهد یافت و تحقق منابع مالیاتی از طریق شناسایی مودیان جدید خواهد بود.

وی در مورد بورس ارز یادآور شد: با این موضوع در شورای بورس موافقت کلی صورت گرفته و نحوه اجرا هم باید با بانک مرکزی هماهنگ شود.

انتصاب جدید در وزارت صنعت

طی حکمی از سوی مهندس محمدرضا نعمت زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت علی یزدانی به عنوان مدیرعامل جدید سازمان صنایع کوچک وشهرکهای صنعتی ایران منصوب شد.

پیش از وی دکتر سیدمحمد سید ابریشمی معاون وزیرعهده دار این سمت در سازمان صنایع کوچک وشهرکهای صنعتی ایران بود.

حذف قیمت مصرف کننده از روی برخی کالاهای داخلی

قیمت مصرف کننده در هفته های اخیر از روی برخی کالاهای تولید داخل در سکوت سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان حذف شد.

به گزارش ایسنا، در اجرای یک طرح آزمایشی، قیمت مصرف‌کننده از روی برخی کالاهای غیراساسی مثل تنقلات حذف شده تا کالاها بر اساس سه درصد سود عمده فروشی و ۱۲ تا ۱۵ درصد سود خرده فروشی عرضه شوند. به گفته محمد آقاطاهر رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی، با کشف نقاط ضعف این طرح در مراحل اجرایی، نحوه پیاده سازی و ادامه طرح در بقیه کالاها مورد بررسی قرار می گیرد. وی در پاسخ به این سوال که با اجرای این طرح برخی از عرضه کنندگان ممکن است کالاها را با قیمت بالاتری به مردم بفروشند، گفت: بازرسان بر نحوه اجرای این کار نظارت می‌کنند و طبیعی است با این کار قیمت کالاها ارزان تر از سابق می‌شود.

امکان دستیابی به رشد اقتصادی ۶ درصدی در سال آینده

سال آینده با استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و ارتباط با دنیا امکان آن وجود دارد که به رشد اقتصادی ۶ درصدی دست یابیم.

این مطلب را دکتر مسعود نیلی مشاور اقتصادی رئیس جمهوری دیروز در همایش «پساتحریم، فرصت‌های‌فراروی‌بخش‌خصوصی» در انجمن شرکت های ساختمانی ایران بیان کرد و افزود: آنچه امروز راجع به چشم انداز اقتصاد ایران بعد از رفع تحریم ها می توان گفت ، این است که ارتباط با دنیا ایجاد می شود و امکاناتی در این زمینه فراهم خواهد شد.

وی افزود: برآورد شده که در سال ۹۵ روزانه یک میلیون بشکه به تولید نفت کشور افزوده شود که با این روند ۳۰ تا ۳۵ درصد ارزش افزوده بخش نفت افزایش خواهد یافت و به دنبال آن تولید ناخالص داخلی ۲/۵ تا ۳ درصد افزایش پیدا می کند.

به گفته نیلی ، سال آینده پیش بینی می شود که حجم تجارت خارجی حدود ۱۰ درصد افزایش پیدا کند و هزینه های تامین منابع نظام بانکی کاهش یابد.

وی پیرامون کاهش بی سابقه قیمت نفت گفت: این اتفاق نشان می دهد که در سال آینده اتفاق عمده ای در بودجه دولت رخ نمی دهد ،زیرا افزایش حجم صادرات را کاهش قیمت نفت خنثی می کند.

نامبرده افزود: اکنون در این شرایط مقداری از تنگناها برداشته می شود و بخش خصوصی در اقتصاد فعال خواهد شد و به این ترتیب دولت می تواند منابع خود را تجهیز کند.

وی تصریح کرد: چنانچه در فضای عمومی وفاقی ایجاد شود که به مطالبات دامن زده نشود و به سمت خردگرایی حرکت کنیم، آنگاه دولت به سمت اقدام های منطقی خواهد رفت.

مشاور اقتصادی رئیس جمهوری گفت : اتفاق نظری راجع به بدهی های دولت حاصل شده و یک ماده در برنامه ششم آمده و در بودجه ۹۵ هم گنجانده شده که بر اساس آن دولت می تواند حدود ۴۰۰ هزار میلیارد ریال از بدهی های خود را به اوراق تبدیل کند.

وی اضافه کرد: سال آینده به لحاظ مالی برای دولت همچنان دشوار است و برای فضای عمومی کشور سال خوبی خواهد بود؛ این فرصتی برای عملکرد محدود دولت است و بخش خصوصی با تعامل با دنیا با وسعت بیشتری بتواند فعالیت کند.

نیلی با اشاره به اینکه تحریم ها علیه ایران موثر بود ،اما موفق نبودو کشورهای اعمال کننده تحریم به هدفشان دست پیدا نکردند، ضمن طرح این سوال که اقتصاد ایران بعد از رفع تحریم ها چه خواهد شد، گفت : آنچه مسلم است اینکه اقتصاد ایران چهار لایه فشار را تحمل می کند که با رفع تحریم ها یکی از آنها برداشته می شود.

وی گفت: لایه اول، مشکلات اقتصادی ایران است که قبل از تحریم ها هم وجود داشت؛ در سال های قبل از تحریم هم ما با مشکلات اساسی مواجه بودیم و بخش خصوصی قوی نداشتیم و نتوانستیم بودجه متوازنی را به طور مستمر در اختیار داشته باشیم.

مشاوراقتصادی‌رئیس جمهوری افزود: مساله دوم، سیاستگذاری هایی است که در دوره ای خاص به ظرفیت ها و زیرساخت های کشور آسیب های جدی وارد ساخت و از طرفی اعمال تحریم ها و کاهش قیمت نفت از دیگر عواملی بود که به اقتصاد ایران فشار وارد کرد .

وی با تاکید بر اینکه امروز بزرگترین مساله اقتصاد کشور موضوع تامین مالی و تنگنای نظام بانکی است، افزود: بودجه ما امروز به قیمت های ثابت، معادل بودجه ۱۳۷۸ است؛ این در شرایطی است که ۱۵ میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه شده است.

نیلی نسبت هزینه های جاری به تولید ناخالص داخلی را کمتر از ۱۵ درصد ذکر کرد و گفت: کمتر کشوری وجود دارد که کمیت و کیفیت خدمات اینقدر کم باشد.

وی همچنین با بیان اینکه همه بخش های تقاضای کل اقتصاد در سال ۹۴ منفی بود و طبیعی است که در این شرایط سال سختی را پشت سر بگذاریم، رشد نقدینگی را ۲۴ درصد اعلام کرد.

مشاور رئیس جمهوری افزود: امسال کشور شرایط بسیار سختی را داشت زیرا علاوه بر کاهش ۲۰ درصدی درآمد ملی در سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ که منجر به افت درآمد خانوارها شد، درآمد دولت به دلیل کاهش قیمت نفت با افت مواجه شد.

وی ادامه داد: اگر بودجه امسال عددی کمتر از یک تریلیون و ۹۰۰ هزار میلیارد ریال (۱۹۰ هزار میلیارد تومان) باشد در مقایسه با مخارج دولت در سال گذشته که رقمی معادل یک تریلیون و ۷۴۰ هزار میلیارد ریال (۱۷۴ هزار میلیارد تومان) بود، رقم بسیار کمی است و بر همین اساس می توان گفت به قیمت ثابت، رشد بودجه در سال ۹۴ منفی بوده است.

این مقام مسئول رشد نقدینگی را ۲۴ درصد اعلام کرد و گفت: این رقم نشان دهنده این است که در اقتصاد به صورت انبساطی رفتار می کنیم؛ البته در چند ماه گذشته دولت سیاست هایی را اتخاذ کرد که با رشد نقدینگی همراه بود.

وی با تاکید بر اینکه امسال، سال سختی را پشت سر می گذاریم، گفت: این در حالی است که ابزارهای سیاستگذار محدود است و تعیین حداقل دستمزد در سال ۹۵ می تواند بحث چالشی باشد.

نیلی در ادامه در پاسخ به این پرسش که آیا انتشار اوراق بدهی در این حد وسیع تورم زا است یا خیر، گفت: اگر شکل موجود را در نظر بگیریم که دولت به بانک ها و پیمانکاران بدهکار است و حجم بدهی و زمان بازپرداخت آن مشخص نیست، می توان گفت این مساله می تواند برای اقتصاد کشور تورم زا باشد. زیرا به میزان بدهی، قدرت اعطای تسهیلات بانک ها کاهش می یابد و بانک ها به سمت منابع بانک مرکزی حرکت کرده و تورم ایجاد می شود.

وی با تاکید بر اینکه انتشار اوراق بدهی ضد تورمی است، گفت: این امر اتکا به بانک ها را کاهش می دهد و اقتصاد به سمت مکانیزم بازار حرکت می کند؛ البته هم اکنون بانک ها به بانک مرکزی اتکا دارند؛ هرچند بانک مرکزی اضافه برداشت ها را در ماه های گذشته سروسامان داده است.

مشاوراقتصادی‌رئیس جمهوری ادامه داد: اگر این اوراق با حجم زیاد وارد بازار شود، می تواند نرخ ها را افزایش دهد که برای رفع این مشکل راهکاری اتخاذ شده که بر اساس آن از ورود این اوراق به بازار جلوگیری می شود؛ بنابر این علاوه بر اینکه فشاری بر نرخ ها وارد نمی شود، پایه پولی و نقدینگی هم رشد نخواهد کرد و انتشار این اوراق اقدامی در جهت سالم سازی اقتصاد خواهد بود.

به گفته وی، انتشار این اوراق از نظر تورم جای نگرانی ندارد به خصوص که بانک مرکزی با انتشار آن به ابزاری دست می یابد که بتواند بازار پول را تنظیم کند.

نیلی افزود: البته برای نخستین بار در اقتصاد کشور، بانک مرکزی در چند ماه گذشته وارد بازار بین بانکی شده است و می توان گفت این بانک در این ماه ها توانست وارد عرصه سیاستگذاری پولی شود.

وی در پاسخ به این پرسش که ترکیب شرکای تجاری ایران پس از برجام چه تغییری خواهد کرد، گفت: برای کشورهایی که به ایران آمد و شد دارند، برنامه هایی تهیه شده به نحوی که مشخصا می دانیم از کشورها چه می خواهیم و در چه بخشی می توان به نتیجه عینی و ملموس دست یافت.

مشاور رئیس جمهوری گفت: قرار است که در زمینه خودروسازی چند قرارداد با خودروسازان فرانسوی و آلمانی منعقد کنیم تا امکان ساخت خودرو به صورت ۵۰ – ۵۰ با در نظر گرفتن صادرات فراهم شود.

قائم مقام بانک مرکزی هم در این همایش با بیان اینکه یکسان‌سازی نرخ ارز در دستور کار و اولویت بانک مرکزی قرار دارد، گفت: در ماه‌های بعد از رفع تحریم‌ها اگر بستر فراهم شود، به سمت اصلاح نرخ و یکسان‌سازی نرخ ارز گام برخواهیم داشت.

به گزارش فارس، اکبر کمیجانی گفت: رشد نقدینگی جز اینکه برای کشور تورم داشته باشد و در سطح کلان به همه آسیب بزند، ریسک فعالیت‌های اقتصادی را بالا ببرد و سرمایه‌گذاری را مختل می‌کند، چیز دیگری عاید کشور نخواهد کرد.

وی ادامه داد: سیاست‌های پولی در عین حال که بی‌توجه به رشد اقتصادی نبوده است، در عین حال برنامه خود را بر کنترل تورم قرار داد به طوری که تلاش می‌کنیم متوسط تورم در سال ۹۵ به سطح تک‌رقمی برسد.

قائم مقام بانک مرکزی ادامه داد: احکامی برای افزایش سرمایه بانک‌ها در بودجه ۹۵ و برنامه ششم پیش‌بینی شده است، بنابر این با ساماندهی بدهی دولت امید است با استفاده از توانمندی ابزار بدهی بتوانیم گام‌های مناسبی برای اصلاح رابطه بین‌بانکی ایجاد کنیم.

وی با اشاره به اینکه میزان بدهی دولت به بانک‌ها ۹۵ هزار میلیارد تومان است، گفت: اگرچه در سه ماهه سوم سال کاهش رشد اقتصادی بهبود یافت ولی امیدواریم شرایط جدید در سه ماهه پایانی سال با رشد اقتصادی مواجه باشیم، خاطرنشان کرد: محور سیاست‌های پولی ما متمرکز بر مهار تورم، ایجاد ثبات نسبی در نرخ ارز و تمرکز بر روی اصلاح نرخ‌های سود بانکی بوده است.

نامبرده با اشاره به رشد نقدینگی در سال‌های گذشته، گفت: در سال ۹۲رشد نقدینگی ۳۰درصد بود، ضمن اینکه ما بار سنگین تسهیلات اعتباری مسکن مهر را هم داشتیم اما در سال ۹۳با سالم سازی در فضای پولی رشد نقدینگی به ۲۲/۳درصد رسید و تا امروز حوالی ۲۵درصد است.

وی ادامه داد: به هیچ وجه نمی توان گفت که سیاست‌های پولی ما یک طرفه و برای مهار تورم بوده و نمی‌توانیم قبول کنیم که سیاست‌های پولی ما انقباضی بوده است.

آغاز پیش فروش بلیت قطارهای نوروزی

معاون مسافری راه آهن از آغاز پیش فروش بلیت قطارهای نوروزی از فردا ۶ بهمن از طریق سامانه یکپارچه فروش بلیت خبر داد.

به گزارش روابط عمومی راه آهن ،سید محمد راشدی گفت: آغاز پیک نوروزی قطارهای مسافری از ۲۵ اسفند به مدت ۲۰ روز تا ۱۵ فروردین است و براساس برنامه ریزی‌ها در تاریخ‌های ۵و ۶ و ۷ بهمن ماه به صورت محوری فروش اینترنتی و در تاریخ‌های ۶ و ۷ و ۸ بهمن فروش آنلاین از طریق سامانه یکپارچه فروش بلیت راه آهن جمهوری اسلامی ایران و توسط دفاتر فروش بلیت انجام خواهد شد.

معاون مسافری راه آهن در تشریح برنامه پیش فروش بلیت های نوروزی تصریح کرد: پیش فروش بلیت اینترنتی برای محورهای آذربایجان شرقی و غربی،شمال غرب،شمال و قطارهای کمربندی این محورها از امروز ساعت ۱۹ به نشانی www.rai.ir و پیش فروش بلیت این محورها از طریق مراکز فروش از روز سه شنبه ۶ بهمن ساعت ۷ صبح آغاز می شود.

وی افزود: پیش فروش اینترنتی بلیت قطار در محورهای جنوب – جنوب شرق شامل بندرعباس، کرمان، یزد، اصفهان، شیراز و زاهدان و همچنین قطارهای کمربندی این محورها از روز سه شنبه ۶ بهمن ساعت ۱۹ و پیش فروش بلیت این محورها از طریق مراکز فروش از روز چهارشنبه ۷ بهمن ساعت ۷ صبح آغاز خواهد شد.

راشدی گفت : پیش فروش بلیت قطار برای محور خراسان شامل تهران– مشهد، تهران– شاهرود، تهران–سمنان، سمنان – مشهد، شاهرود – مشهد، نیشابور – مشهد، تهران– نیشابور؛ تهران–خواف، تهران–طبس، آزادور – مشهد، طبس –مشهد، سرخس –مشهد و بالعکس هم روز ۸بهمن از ساعت ۷صبح آغاز خواهد شد.پیش فروش اینترنتی این محور هم از ۷ بهمن ساعت ۱۹ انجام خواهد شد.

راشدی تصریح کرد: ظرفیت صندلی ایجادی درایام نوروز ۹۲ هزار و ۲۸۵ صندلی به صورت روزانه و یک میلیون و ۸۴۵ هزار و ۷۰۰ صندلی در همه مسیرها و در طول ۲۰ روز اوج تقاضا خواهد بود.

وی از کاهش ۵ درصدی ظرفیت صندلی ایجادی در نوروز ۹۵ نسبت به سال قبل خبر داد و گفت: به منظور بازسازی ونوسازی واگن های مسافری، حدود یکصد واگن درجه ۲ و قدیمی شرکت های حمل ونقل مسافری از سیر خارج و تعدادی واگن درجه یک ۴ تخته لوکس و قطارهای ۵ ستاره در نوروز ۹۵ در این مسیرها به منظور افزایش کیفیت سرویس های مسافری ریلی جایگزین شد.

معاون مسافری راه آهن تصریح کرد: متقاضیان خرید بلیت، حتما از طریق مراکز فروش بلیت و آژانس های مسافری دارای مجوز نسبت به خرید بلیت اقدام کنند.

پرداخت ۲۶۶هزار میلیارد تومان تسهیلات به بخش‌های اقتصادی

در ۹ماهه اول سال ۱۳۹۴بانک‌ها به بخش‌های اقتصادی بیش از ۲۶۶هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداخت کردند که نسبت به مدت مشابه سال گذشته رشد ۱۱/۹ درصدی نشان می‌دهد.

به گزارش مهر، تسهیلات پرداختی بانک‌ها در ۹ماهه اول سال ۱۳۹۴به بخش های اقتصادی مبلغ ۲۶۶۵هزار میلیارد ریال است که در مقایسه با ۹ماهه سال گذشته مبلغ ۲۸۳/۳هزار میلیارد ریال (معادل ۱۱/۹درصد) افزایش داشته است.

سهم تسهیلات پرداختی بانک‌ها به بخش صنعت و معدن طی ۹ماهه سال جاری ۷۷۵/۹ هزار میلیارد ریال (معادل ۲۹/۱درصد) بوده که نسبت به ۹ماهه سال گذشته ۳۷/۹ هزار میلیارد ریال (معادل ۵/۱ درصد) افزایش داشته است.

سهم تسهیلات پرداختی در قالب سرمایه در گردش در تمام بخش‌های اقتصادی طی ۹ماهه سال جاری مبلغ ۱۶۷۶/۹ هزار میلیارد ریال معادل ۶۲/۹ درصد کل تسهیلات پرداختی است که در مقایسه با ۹ماهه سال گذشته مبلغ ۲۴۸/۴ هزار میلیارد ریال معادل ۱۷/۴ درصد افزایش داشته است.

سهم تسهیلات پرداختی بابت تأمین سرمایه در گردش بخش صنعت و معدن در ۹ماهه سال جاری معادل ۶۴۳/۹هزار میلیارد ریال بوده است که حاکی از تخصیص ۳۸/۴ درصد از منابع تخصیص یافته به سرمایه درگردش تمام بخش های اقتصادی (مبلغ ۱۶۷۶/۹ هزار میلیارد ریال) است.

از ۷۷۵/۹ هزارمیلیارد ریال تسهیلات پرداختی دربخش صنعت و معدن معادل ۸۳ درصد آن (مبلغ ۶۴۳/۹ هزار میلیارد ریال) در تامین سرمایه در گردش پرداخت شده است که بیانگر توجه و اولویت‌دهی به تامین منابع برای این بخش توسط بانک‌ها در سال جاری است.

بانک مرکزی اعلام کرد: همچنان باید در تداوم مسیر جاری ملاحظات مربوط به کنترل تورم را هم در نظر گرفت و همواره مراقب قدرت گرفتن پتانسیل تورمی ناشی از فشار تقاضای کل در اقتصاد بود.

بر این اساس ضروری است به افزایش توان خلق پول از طریق افزایش سرمایه و بهبود کفایت سرمایه بانک‌ها، کاهش تسهیلات غیرجاری و بازگرداندن آنها به مسیر صحیح اعتباردهی، افزایش بهره‌وری در تامین سرمایه در گردش تولیدی، پرهیز از فشارهای مضاعف بر دارایی بانک‌ها و ترغیب بنگاه‌های تولیدی به سمت بازار سرمایه به عنوان یک ابزار مهم در تامین مالی طرح‌های اقتصادی (ایجادی) توجه ویژه‌ای کرد.

منابع بانک کشاورزی ۲ برابر شد

منابع مالی بانک کشاورزی نسبت به پارسال دو برابر شده و ۲۰ هزار میلیارد ریال هم از بدهی به بانک مرکزی پرداخت شده است.

به گزارش ایرنا، مرتضی شهیدزاده مدیرعامل بانک کشاورزی در نشست خبری که به مناسبت فرا رسیدن دهه فجر در محل وزارت اموراقتصادی ودارایی برگزارشد، افزود: بانک کشاورزی اجرای سیاست های وزارت جهاد کشاورزی را در اولویت برنامه های خود دارد.

وی اظهارداشت: در لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ حدود ۱۴۰ هزار میلیارد ریال برای بانک کشاورزی پیشنهاد شد که این رقم بیشترین اعتبار برای بخش کشاورزی بوده و قرار است برای فعالیت های توسعه ای، کاهش انرژی مصرفی تولید و توسعه گلخانه ها هزینه شود. شهید زاده با بیان اینکه، امسال با تأمین اعتبارات دو برابری منابع مالی بانک کشاورزی و با حمایت ویژه وزیر اقتصاد و دارایی توانستیم ۲۰هزار میلیارد ریال از بدهی مان را به بانک مرکزی پرداخت کنیم، گفت: هم اکنون نه فقط از بانک مرکزی استقراض نمی کنیم، بلکه می توانیم سبب چرخش منابع آن شویم که این مهم بدون حمایت وزارت اقتصاد ممکن نبود.

نگرانی صنایع نساجی ایران از واردات منسوجات ترکیه

ورود بی رویه پوشاک قاچاق و همچنین دریافت ارزش افزوده، سبب نابودی صنعت نساجی در کشور شده است .

امیر قدیمی نژاد رئیس اتحادیه بنکداران و طاقه فروشان پارچه با بیان این مطلب به خبرگزاری صدا و سیما گفت : ورود بی رویه پوشاک از کشورهای همسایه یکی از علل بسیار مهم در از بین بردن صنعت نساجی کشورمان است. وی ادامه داد: ارزش افزوده ای که از سیر تکمیلی پارچه در کشورما گرفته می شود، سبب ایجاد هزینه های کمرشکن تولید شده است و به همین دلیل تولید پارچه در کشور برای تولیدکنندگان به صرفه نیست و آنها ترجیح می دهند نقدینگی خود را در واردات پوشاک از کشورهای دیگر به کار ببرند.

قدیمی نژاد با اشاره به اینکه استفاده از پارچه های تولید داخلی در کشور به صرفه نیست، گفت : هزینه های تولید پارچه در کشور بسیار زیاد است و به همین دلیل تولیدکنندگان نقدینگی موجود خودشان را برای واردات پوشاک که سبب ارزان تر تمام شدن قیمت کالا می شود، به کار می برند.

وی درباره کیفیت پارچه های تولید داخل اظهار داشت: برای افزایش کیفیت پارچه های تولید داخل باید فناوری را به روز کنیم و به سرمایه نیاز است تا تجهیزات تازه وارد کشور کنیم. نامبرده ادامه داد: برای تامین سرمایه، تولیدکنندگان مجبورند به بانک ها مراجعه کنند که این اقدام باعث می شود آنها بهره های بسیار زیادی به بانک ها پرداخت کنند. به همین دلیل ترجیح می دهند به جای افزایش کیفیت کالاهای خود، به راحتی پوشاک را از کشورهای دیگر وارد کنند.

نگاهی گذرا به دستاوردها و چالش‌های طرح اهدای کتاب در ایران

آزادسازی کتاب از زندان رکود و بایگانی!

یکی از موانع ترویج کتابخوانی در جامعه، بدون استفاده گذاشتن و حبس کردن میلیون‌ها نسخه کتاب‌های با ارزش، در کنج کتابخانه‌های شخصی و گاهی حتی دولتی است و در حالی که بسیاری از فرهنگدوستان و به‌ویژه جوانان اهل مطالعه، و همچنین کتابخانه‌های عمومی و مدارس به این کتاب‌ها نیاز دارند و از توان مالی خرید کتاب‌های مورد نظر و علاقه‌شان محرومند، متاسفانه شاهد بایگانی شدن آن‌ها در شماری از خانه‌ها هستیم که برای اصلاح این رفتار ناهنجار فرهنگی، به‌کوشش مسئولان و اهالی فرهنگ و کتاب، هفته‌ای به «اهدای کتاب» اختصاص یافته و طی روزهای گذشته، در سراسر کشور عملی شده است. این هفته در حالی هر سال برپا می‌شود که شماری از اهالی فرهنگ و ناشران، بر این باورند که محدود بودن چنین برنامه‌هایی به یک بازه زمانی خاص و مقطعی برای عمل کردن در این مورد، نمی‌تواند دردی از دردهای حوزه کتاب و کتابخوانی را درمان کند، که باید پرسید اصولاً برگزاری هفته اهدای کتاب چقدر توانسته است در این سال‌ها، بازخورد مطلوبی داشته باشد؟

هدیه دادن، رسمی نهادینه شده و دیرینه

محمد بقایی ماکان ـ نویسنده و پژوهشگر، درباره اهدای کتاب می‌گوید: هدیه دادن به اقوام و دوستان، یکی از کهن‌ترین آیین‌های ایرانی است که شواهد بارز آن در آداب و رسوم جشن‌هایی مثل سپندار مزگان و مزدگیران، وجود داشته است. در چنین روزهایی رسم است که همسران به یکدیگر هدیه می‌دهند و از زحمات و تلاش‌های یکساله‌شان در پایان سال، قدردانی می‌کنند. بعد از آن می‌توان در زمینه هدیه‌دادن، به عید نوروز اشاره کرد که باز هم در چنین آیینی، هدیه دادن بزرگترها به کوچکترها به‌عنوان عیدی، یکی از کهن‌ترین آداب و رسوم ایرانیان به شمار می‌رود که می‌توان در جهان سراغ داشت. بنابراین، چنین رسمی در میان ایرانیان به صورت یک نهاد وجود دارد و به عبارت دیگر می‌توان گفت که هدیه‌دادن در ذهن ایرانیان، نهادینه شده است.

او اضافه می‌کند: به همین سبب است که می‌بینیم در مناسبت‌های گوناگون با نام‌های خاصی مثل چشم روشنی، بله‌برون و دیگر مناسبت‌ها، هدیه دادن مرسوم است. از اینجا درمی‌یابیم که ترویج چنین روشی برای مسئولان فرهنگی کار دشواری نیست، زیرا همه زمینه‌های آن در فرهنگ ایرانی از دیرباز وجود داشته است و هم‌چنان وجود دارد.

یکی از این روش‌ها که می‌تواند در فرهنگ‌سازی و ترویج فرهنگ موثر باشد، اهدای کتاب به‌عنوان هدیه، به جای دیگر هدایا مثل گل و شیرینی است. زیرا کتاب برای هدیه گیرنده باقی می‌ماند و با مطالعه آن، پیوسته به یاد هدیه دهنده خواهد بود. از این رو اگر فرهنگ‌سازی به‌خصوص از طریق رسانه ملی و مطبوعات بیش از آنچه هست صورت گیرد، گامی بلند در راه توسعه فرهنگ و تقویت کتابخوانی در جامعه خواهد بود. در این طریق، طبیعی است که نقش مسئولان و مدیران فرهنگی به‌عنوان کارگزاران و متولیان ترویج فرهنگ هم محسوس است.

در دهه‌های اخیر، روزها یا هفته‌هایی با نام‌های مختلف در نظر گرفته شده است که هدف از این کار، گرامی‌داشت برنامه و اندیشه‌ای خاص است که یکی از آن‌ها، هفته اهدای کتاب است. پیداست هدف از چنین تصمیمی به ثمر رساندن همه آن چیزهایی است که بیان شد. منتهی چنانچه در پس و پشت چنین اقداماتی تلاش‌های لازم صورت نگیرد و دست حمایتگران در میان نباشد، طبیعی است که آن اندیشه به مقصود نخواهد رسید. بنابراین ضروری است که مسئولان چنین حوزه‌ای با حمایت‌های شایسته، گامی در راه بهبود وضع کتاب و کتابخوانی بردارند و سخن‌ها فقط به کردار ظاهری و صوری محدود نماند. از جمله اموری که می‌توان در این زمینه انجام داد، این است که کتاب‌ها با قیمت کمتر از بهای اصلی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که دارای بخشی به‌نام حمایت از مولفان و مصنفان است، خریداری شود. به این‌ترتیب فرصت یاد شده در اختیار کسانی که تمایل به اهدای کتاب دارند، قرار می‌گیرد که بی‌شک مورد اقبال بخش قابل توجهی از افراد جامعه هم قرار خواهد گرفت. تصمیماتی از این دست می‌تواند عامل موثری در ترویج کتابخوانی و توسعه صنعت نشر در کشور و سد و مانعی برای روی‌گردانی خوانندگان واقعی کتاب و دلزدگی ناشران در تولید آثار مکتوب، باشد. آن هم در شرایطی که متاسفانه برخی از آنان، اکنون کتاب‌هایشان را به شکل کیلویی به فروش می‌رسانند تا درآمدی برای تولید کتاب‌های جدید کسب کنند. خبرهایی از این دست برای اهالی فرهنگ بسیار نامطلوب است.

خروجی نامطلوب برنامه‌های کتابخوانی

محمدجواد جزینی، از دیگر نویسندگانی است که درباره نفس نام‌گذاری هفته اهدای کتاب معتقد است: اگر چه در این سال‌ها بودجه‌های کلانی به نهادهای فرهنگی و غیر فرهنگی به اسم گسترش کتاب و کتابخوانی تخصیص یافته است، ولی در عمل می‌بینیم که این برنامه‌ها آن‌طور که باید، از خروجی مطلوبی برخوردار نشده‌اند. در واقع پایین بودن سرانه مطالعه، افت تیراژ کتاب، بی‌علاقگی مخاطبان نسبت به کتابخوانی و دیگر مشکلات موجود در حوزه نشر، به‌خوبی دلالت بر این مسئله دارد برنامه‌هایی که در ارتباط با کتاب و کتابخوانی برگزار می‌شود، نتوانسته است از عملکرد موفقیت‌آمیزی برخوردار باشد. در عین حال باید به این مسئله اشاره کرد که هر کدام از این برنامه‌ها هر سال و در مقطع زمانی خاصی برپا می‌شوند و نسبت به آن در همان روزهای خاص، تبلیغاتی هم صورت می‌گیرد، اما به محض تمام شدن زمان برگزاری این برنامه‌ها، به فراموشی سپرده می‌شوند تا سال آینده دوباره این برنامه انجام بگیرد. می‌خواهم بگویم مقطعی کارکردن در زمینه تقویت کتاب و کتابخوانی عملا میسر نیست و طبیعی است که بازخورد و خروجی مطلوبی که از آن انتظار می‌رود، در بر نمی‌گیرد.

او اضافه می‌کند: بخش اعظمی از این که کتاب و کتابخوانی و اصولاً برنامه‌هایی از این دست نتوانسته است آن‌طور که باید موفق عمل کند، به سیاست‌های غلطی بر می‌گردد که تحت عنوان سیاست‌های حمایتی از کتاب مقرر شده است. طبیعی است که در این زمینه باید بازنگری صورت بگیرد تا بتوانیم شاهد چشم‌انداز روشنی دراین عرصه باشیم و از همه مهمتر این که برنامه‌هایی از جمله هفته کتاب و هفته اهدای کتاب صرفاً حالت ظاهری نداشته باشند و خروجی مطلوبی از دل این برنامه‌ها حاصل شود.

مشکلات به قوت خود باقی است

ناشری که مایل نیست نامش آورده شود نیز درباره وجه تسمیه و تاثیرگذاری هفته اهدای کتاب می‌گوید: واقعیت این است که حوزه نشر مدت‌هاست در احتضار به سر می‌برد و از این‌رو نمی‌توان با برگزاری چنین برنامه‌هایی، آن‌طور که باید در مورد تقویت کتاب و کتابخوانی تلاش کرد و موفق شد. به نظر می‌رسد در این زمینه با مشکلات ساختاری جدی روبه‌رو هستیم که مرتفع کردن هر کدام از آنها، به زمان زیاد و همین‌طور حمایت‌های جدی مسئولان نیاز دارد.

کتاب‌هایی که جذاب نیست

محبوبه نجف‌خانی ـ مترجم حوزه کودک و نوجوان درباره تاثیراتی که هفته‌هایی نظیر هفته اهدای کتاب می‌تواند در پی داشته باشد، می‌گوید: تصور می‌کنم که برنامه اهدای کتاب می‌تواند در تمامی ایام سال جاری باشد و به یک بازه زمانی مشخص، محدود نشود. از این‌ها گذشته، کتاب‌هایی که قرار است اهدا شود باید توسط افرادی که به این حیطه اشراف و توجه کافی دارند، کارشناسی شود. زیرا برخی تصور می‌کنند وقتی نام اهدای کتاب به میان می‌آید، باید کتاب‌هایی را که جذابیت ندارند و در کتابخانه‌های آنها خاک می‌خورند، به کتابخانه‌های شهری یا مدارس اهدا کنند، در حالی که این رویه صحیح نیست. اگر می‌خواهیم کتابخانه‌های شهری و مدارس‌مان در آموزش و پرورش، کتابخانه‌هایی پویا و زنده باشند، باید به هنگام اهدای کتاب از آثاری استفاده کنیم که اطمینان داریم مخاطبان برای مطالعه به سمت این کتاب‌ها می‌آیند. روی این اصل است که معتقدم در درجه نخست ضرورت دارد چارچوب‌های اهدای کتاب از سوی سیاست‌گذاران فرهنگی مشخص شود، تا اهداکنندگان براساس آن، بتوانند به هدیه کردن کتاب‌های مورد نیاز بپردازند.

ترجمه‌های پرایراد

نجف خانی در ادامه سخنانش به نقش مهم نهادهای دولتی در ترویج کتابخوانی اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: گاه دیده می‌شود همان تعداد نهادهایی هم که کتاب‌هایی به آنها اهدا می‌شود، سعی می‌کنند کتاب‌ها را از عده‌ای خاص از ناشران دریافت کنند، درحالی که چه خوب است این حیطه گسترش یابد و ناشران دیگر هم مجالی برای اهدای کتاب‌های خود به نهادها داشته باشند. مسئله‌ای که درباره کتاب در سال‌های اخیر وجود دارد، ورود ترجمه‌های نامناسب و پراز ایراد است که می‌توانند در بی‌علاقه شدن خوانندگان به کتابخوانی نقش داشته باشند. مسئله این است که هیچ نظارتی بر ترجمه‌های منتشر شده، که غالبا از سوی مترجمان جوان و تازه کار صورت می‌گیرد، وجود ندارد و انسان گاه حیران می‌ماند که به فرض اگر مترجم جوانی این چنین آشفته و سراسر غلط به ترجمه یک کتاب پرداخته است، ناشران چطور بی هیچ نظارتی اجازه می‌دهند کتاب‌هایی ازاین دست منتشر شوند؟ البته این حرف من به این معنی نیست که مخالف حضور جوانان درعرصه ترجمه هستم، برعکس، همیشه مشوق و حامی آنها هم بوده‌ام. اما حرف من این است که ترجمه‌های ناقص و اشتباه باعث می‌شود همان تعداد مخاطبانی هم که در آشفته بازار امروز کتاب، به مطالعه می‌پردازند، دلسرد شوند و دیگر کتاب نخوانند.

کتابداران بی‌تخصص، کتابخانه‌های خالی

این مترجم اضافه می‌کند: در حال حاضر نقش نهادهایی مانند انجمن نویسندگان کودک ونوجوان، کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان و کانون توسعه فرهنگی را نمی‌توان در زمینه اهدا و اصولا تقویت کتاب و کتابخوانی نادیده گرفت. مهم‌ترین اقدام این نهادها،

> *محمد بقایی ماکان ـ نویسنده و پژوهشگر: اگر فرهنگ‌سازی به‌خصوص از طریق رسانه ملی و مطبوعات بیش از آنچه هست انجام شود، گامی مهم در راه توسعه کتابخوانی برداشته خواهد شد

> *در دهه‌های اخیر، روزها یا هفته‌هایی با هدف گرامیداشت برنامه و یا اندیشه‌ای خاص برگزار شده که یکی از آن‌ها، هفته اهدای کتاب است. منتهی چنانچه در پس چنین اقداماتی تلاش‌های لازم صورت نگیرد و مساعدت حامیان در میان نباشد، طبیعی است که آن برنامه و اندیشه به مقصود نخواهد رسید

> *ضروری است مسئولان فرهنگی با حمایت‌های شایسته، برای بهبود وضع کتاب و کتابخوانی بکوشند و برنامه‌های آن، به کردارهای ظاهری و صوری محدود نمانند

> *محمد جواد جزینی ـ نویسنده: اگرچه در این سال‌ها بودجه‌های کلانی به توسعه کتاب و کتابخوانی اختصاص یافته، اما برنامه‌های آن خروجی مطلوبی نداشته است

اهدای کتاب به مناطق دوردست و به ویژه روستاهایی است که از پایتخت فاصله زیادی دارند. طبیعی است اقدام چنین نهادهایی می‌تواند تا حد زیادی در ترغیب مخاطبان به خواندن کتاب، نقش داشته باشد.

موضوعی که در زمینه اهدای کتاب همیشه حائز اهمیت بوده، این است که چه کتاب‌هایی باید اهدا شود و چه کسانی این کتاب‌ها را اهدا می‌کنند؟ کیفیت محتوایی کتاب‌ها باید به گونه‌ای باشد که به عنوان مثال برای کودکان ونوجوانان جذابیت داشته باشد و از طرفی، کارشناسانی باید این کتاب‌ها را به مدارس یا کتابخانه‌های شهری برسانند که نسبت به این حیطه، دانش و تخصص کافی داشته باشند و طیف‌های مختلف را در زمینه کتاب بشناسند، تا بتوانند با اشراف کامل به این نکته برسند که هر کتابی برای چه طیف و چه گروه سنی می‌تواند مناسب‌تر باشد.

درحال حاضر می‌بینیم اغلب کتابخانه‌های شهری و مدارس بدون استفاده مانده است که دلیل‌اش، نبود کتاب‌های جذاب است، به ویژه در مدارس بارها با این مسئله مواجه شده ام کتابدارانی در این وادی فعالیت می‌کنند که اصولا هیچ شناختی نسبت به کودکان ونوجوانان و روحیات و اخلاقیات آنها ندارند و گاهی خودشان با کتاب بیگانه‌اند! دردناک این جاست که این تعداد از کتابداران که نه تخصص کافی برای این کار دارند و نه علاقه‌ای به این حوزه و فقط از سر اجبار به این شغل روی آورده اند، در نشانی غلط دادن به نوجوانان سهم زیادی دارند و از آنجایی که کتاب‌های خوب و مناسب را نمی‌شناسند، نمی‌توانند راهنمایی درستی به کودکان ونوجوانان علاقه‌مند به مطالعه داشته باشند.

نادیده گرفتن سلیقه مخاطبان

از نجف‌خانی می‌پرسم: بهترین راه برای اهدای کتاب به کتابخانه‌ها چیست؟ او در پاسخ می‌گوید: اگر بخواهم در زمینه کتاب‌های کودک ونوجوان صحبت کنم، باید بگویم که می‌توان از فهرست‌هایی که نهادهایی مانند شورای کتاب کودک و کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان و از کتاب‌های خوب که در طول یک سال منتشر می‌کنند، بهره گرفت. اگرچه براین باورم که این فهرست‌ها نیز خالی از اشکال و نقص نیست، اما می‌توانند الگو و راهنمای خوبی برای انتخاب کتاب باشند. آنچه که درحال حاضر در حوزه کتاب اتفاق افتاده، این است که سلیقه مخاطبان کودک ونوجوان نادیده گرفته می‌شود و اولیا و مربیان مدارس و والدین تصور می‌کنند نوجوانان قدرت انتخاب یک کتاب خوب را ندارند، درحالی که تجربه نشان داده است که آنان به خوبی از مؤلفه زیبایی شناسی بهره‌مندند و می‌توانند کتاب‌های مورد نیاز خود را که برایشان جذابیت محتوایی دارند، شناسایی و مطالعه کنند. باید به این نتیجه برسیم که نادیده گرفتن دروسی مثل آیین نگارش و انشاء و زنگ مطالعه، می‌تواند آسیب‌های جدی فرهنگی در پی داشته باشد، زیرا طبیعی است نوجوانی که در طول عمرش حتی یک کتاب غیر درسی هم مطالعه نکرده است، به محض این که به سن بلوغ و جوانی برسد، نمی‌تواند بر مشکلات زندگی فائق آید. در واقع فردی که از خواندن کتاب‌های غیر درسی بی‌بهره است، نمی‌تواند به مهارت‌های زندگی دست یابد، چه بسا جوانانی را دیده ام که در المپیادهای ریاضی و سایر رشته‌ها رتبه‌های بالایی به دست آورده بودند، اما از آنجایی که به جز مطالعه کتاب‌های درسی، کتابی نخوانده بودند، به آن شکلی که باید نمی‌توانستند در به جا آوردن آداب اجتماعی موفق باشند.

این اشکال در حالی در کشور ما وجود دارد که در بسیاری از دیگر کشورها، شرایط به این شکل است که کتاب و کتابخوانی از کودکی در افراد نهادینه می‌شود، در این کشورها کتاب نیز در کنار اقلام ضروری زندگی قرار دارد و فرد این نکته را به خوبی می‌داند که با مطالعه می‌تواند جهان و فضای فکری خود را ارتقاء دهد. آنها لذت مطالعه کتاب را به خوبی می‌دانند و روی این اصل است که در همه حال، از اماکن عمومی گرفته تا مدارس به خواندن و مطالعه کتاب‌های غیر درسی مثل ادبیات و رمان، اهمیت می‌دهند. حتی اخیرا در مقاله‌ای که در اینترنت منتشر شده بود، خواندم که در نیویورک، روزها و ساعت‌هایی اعلام شده است که براساس آن، برای کودکان نوپا که هنوز در کالسکه هستند و راه هم نمی‌توانند بروند، کتاب خوانده می‌شود.

تصویری که در این مقاله منتشر شده بود، نشان می‌داد که والدین برای آن که در آن مکان برای فرزندان نوپایشان کتاب خوانده شود، در صف‌های عریض و طویلی به انتظار ایستاده‌اند. یا همین طور در کشورهایی مانند امریکا و کانادا، کتابفروشی‌هایی وجود دارند که ساعتی از فعالیت‌های روزمره خود را به قصه‌خوانی برای کودکان اختصاص می‌دهند. این‌ها همه نشان از فرهنگ سازی و این موضوع دارد که کتاب نزد جوامع دیگر جا افتاده است و همان طور که اشاره کردم، آنها به خوبی به فوائد مطالعه پی برده‌اند و بیش از ما آن را جدی می‌گیرند. تمهیداتی از این دست که به آنها اشاره کردم، بی تردید می‌تواند در تقویت زیرساخت‌های کتابخوانی در یک جامعه نقش بسزایی داشته باشد. با این حال باید به این موضوع اشاره کنم که طبقات متوسط فرهنگی در کشور ما همیشه حامی کتاب و فرهنگ بوده اند و حتی درشرایط فعلی که برخی از گرانی کتاب سخن می‌گویند، بازهم می‌بینیم اقشار متوسط فرهنگی همچنان به خرید کتاب می‌پردازند و از مطالعه آثار مورد علاقه‌شان، دست برنمی دارند. موضوعی که درباره اهدای کتاب وجود دارد، این است که کتاب باید به اشتراک گذاشته شود تا ارزش‌های نهفته اش نزد افراد بیشتری در یک جامعه شناخته شود. روی این اصل است که معتقدم، سالن‌های اجتماعات مجتمع‌های مسکونی می‌تواند محمل خوبی برای تعویض کتاب بین اهالی آن مجتمع باشد. کما این که در حال حاضر چنین برنامه‌ای در برخی از نقاط شهر اتفاق افتاده و بازخوردهای مطلوبی هم داشته است.

آزاده صالحی

جدول

۲۲۷۵۲
طراح: غلامحسین باغبان

افقی:
۱ـ حادثه ای روی ندادن
۲ـ گذشته ـ شهری در فارس ـ آتش شعله‌ور می گیرد!
۳ـ صابون خیاطی ـ نوعی نمایش ـ درازترین رود جهان ـ همان گیاه است
۴ـ کلام شرط ـ رها کردن ـ کلید برخی ساز ها
۵ـ همنشین ـ کلام قلندر ـ رئیس ایل
۶ـ دانه دانه ـ شهر زیارتی ـ داخل ـ ساز شستی دار
۷ـ از نقاشان قرن ۱۹ هلندی خالق تابلوی شب پر ستاره ـ بیابان سنگلاخ و پر خار دور از شهر
۸ـ بیشتر سطح زمین را پوشانده ـ اسرار ـ استخوان قفسه سینه ـ میوه مربایی
۹ـ میوه درشت گرمسیری ـ پیشوند یکصدم
۱۰ـ بتی در جاهلیت ـ عدد کار خراب کن ـ راه بی‌پایان ـ عمل میل گرفتن در زورخانه
۱۱ـ دارای شکل ـ دیکته ـ تصویر گر
۱۲ـ پدر ـ دستگاه ارسال تصاویر از راه دور ـ پشت سر
۱۳ـ ذره باردار ـ جغد ـ تجسم کردن چیزی در ذهن ـ تکرار حرف آخر
۱۴ـ رودی در فارس ـ چند ضلعی ـ اسب سیاه
۱۵ـ دو تیم قدرتمند اصفهانی در لیگ برتر فوتبال

عمودی:
۱ـ ایده ال ـ کشف رونتگن آلمانی
۲ـ پایمال شده ـ حشره عسل ساز
۳ـ سنگ آسیا ـ تر و تازه ـ اینچنین
۴ـ توشه سفر ـ نوعی سردرد ـ نت آخر ـ راست نیست
۵ـ سایبان چشم ـ دومین شهر بزرگ غنا ـ ساختمان
۶ـ محل فروش خواربار ـ لپ ـ مردم عادی
۷ـ حیله گر ـ بدنیا آوردن ـ مجموعه حروف یک زبان
۸ـ نیا ـ نجات یافت ـ کشیدنی بر چشم ـ رود اروپا
۹ـ شتر مرغ آمریکایی ـ هالوژن نمک طعام ـ خو گرفتن
۱۰ـ صفت بهشت ـ کوچکترین کشور شمال آفریقا ـ گرفتن
۱۱ـ موی گردن اسب ـ نوعی سگ قوی ـ موشک آلمانی
۱۲ـ خرس فلکی ـ تردید ـ نوعی ارّه ـ زبانه آتش
۱۳ـ جسور و بی پروا ـ بزدل ـ ضمیر اجتماعی
۱۴ـ ساز زهی خارجی ـ کار بی مزد
۱۵ـ دکان سلمانی ـ دارای یک کیش

حل جدول ۲۲۷۵۱

گریز از ایمان، گریز از عمل

استاد شهید آیت‌الله مطهری — بخش بیست و دوم

این مسئله ماشین، امروز یک خطری شده برای بشر که واویلاست! بشر که روز اول ماشین را اختراع کرد، به حساب یک ابزار و وسیله تسلط بر طبیعت اختراع کرد و تا یک حدی هم عالی بوده است. (گناه از ماشین نیست، بعد عرض می‌کنم از چیست؛ حالا دارم تعبیر خود فرنگی‌ها را می‌گویم) ابزار هرچه تازه‌تر بهتر! یک کشاورز بیل داشته باشد چه بهتر، بیلش بهتر از بیلی باشد که سابق داشته چه بهتر، وسیله‌کشاورزی‌اش بهتر باشد، مثلاً با یک تراکتور کار می‌کند، چه از این بهتر! ولی شما بروید سراغ آن صنایع مادر و آن کارخانه‌هایی که اینها را تولید می‌کند. اینها به صورت یک دستگاهی درآمده است که اگر یک لحظه متوقف شود، بحران رخ می‌دهد، دائماً باید به حلق اینها مواد خام بریزند و اینها تولید کنند. نمی‌تواند آرام بگیرد. تولید که می‌کند باید مصرف شود.

به عقیده فرنگی‌ها این تولید در این مسابقه‌ها و رقابتهای اقتصادی جبری است. واقعاً هم در این رقابتهای اقتصادی، اگر به همین شکل ملعونش بخواهد باقی بماند، این تولید جبری است، اگر نکند، ورشکست می‌شود. تولید دومرتبه به صورت خام باید برگردد، پس باید مصرف شود. کجا باید مصرف شود؟ خانه خودش نمی‌تواند مصرف کند، بازار مصرف می‌خواهد. دنیا اینقدر نیاز به مصرف ندارد. می‌گوید بروید مصرف را بسازید و ایجاد کنید.

مثل اشتهای کاذب که کسی می‌خواهد به دیگری غذا بدهد، او می‌گوید نمی‌خواهم سیر شدم، می‌گوید جوش‌شیرین به او بدهید تا آن غذایش رفع شود و دومرتبه غذا بخورد. فرض‌کنید یک چلوکبابی می‌خواهد به زور چلوکباب خودش را آب کند. آن را به یک نفر می‌دهد. او می‌گوید من یک چلوکباب خوردم و پولش را دادم و سیر شدم. به حیله و نیرنگ فوراً یک جوش شیرین به او می‌دهد تا غذایش را رفع کند و زودتر گرسنه شود و مجبور شود بیاید یک چلوکباب دیگر بخورد تا او بیشتر درآمد داشته باشد.

مسئله ازدیاد مصرف کاذب

ازدیاد مصرف یعنی ایجاد مصرفهای مصنوعی به صورت اشیای تجملی، امروز یک مسئله‌ای برای بشر و یک مشکل لاینحل شده است. از تمام وسایل ارتباط جمعی مانند روزنامه، رادیو، تلویزیون و سینما دائماً تبلیغ مصرف می‌کنند، به طوری که خود فرنگی‌ها انسان امروز را «انسان مصرف» نامیده‌اند. آن وقت کوشش می‌کنند آنهایی را که بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، مثل بچه‌ها و زنها – که از مردها بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند. خود مردها هم تحت تأثیر تبلیغ قرار می‌گیرند. از این طرف بگیر و مصرف کن، باز یکی دیگر و یکی دیگر با شکل دیگر. این را قسطی بخر، آن را قسطی بخر. بشر را به قول خودشان از خود بیگانه کردند. انسان را از انسانیت خارج کردند.

درست همان حالت انسانی را دارد که برای او اشتهای کاذب ایجاد می‌کنند. انسان به غذا احتیاج دارد. اگر انسان باشد با طبیعت خودش، ظهر ناهار می‌خورد، شب اگر گرسنه باشد، شام می‌خورد اگر نباشد، نمی‌خورد، یک روز نان و پنیر می‌خورد، با یک چای صبحانه می‌خورد. حال اگر یک بشر بیچاره‌ای مجبور شود ناهار بخورد، ناهارش رد نشده باید با دوا رد کند تا شام بخورد، شامش رد نشده به زور باید ردش کند تا یک صبحانه کامل بخورد، این دیگر چه از آب درمی‌آید؟ الان انسان از نظر مصرف همین طور شده. تمام وسایل ارتباط جمعی – اگر کسی دقیق بشود می‌بیند – در اختیار تولیدکنندگان است برای ایجاد انسان مصرفی، برای اینکه آن غول بتواند تولید خودش را یعنی آنچه دارد دفع کند و از نو بتواند غذای جدید بخورد. این هم خودش یک مسئله مهم برای بشر شده است تا آنجا که امروز ماشینیسم به صورت یک بلا و یک بلیّه جمعی برای بشر تلقی شده است.

تشبیه ماشین به جن

یک وقت دیدم یکی از فضلا و نویسندگان خودمان یک مثل ذکر کرده بود (نمی‌دانم خودش این مثل را اختراع کرده بود یا از جای دیگر گفته بود) نوشته بود: در افسانه‌ها آمده است یک جن‌گیری جنّی را تسخیرکرده بود و – بر اساس همان افسانه‌های قدیم – از آن جن استفاده می‌کرد. به او فرمان می‌داد که برو فلان کار را بکن، می‌رفت؛ فلان کار دیگر را بکن، می‌رفت. جن بود و از قدرت خارق‌العاده‌ای برخوردار بود. هرکاری که به او فرمان می‌داد، می‌کرد؛ ولی چون جن بود و قدرت خارق‌العاده داشت، در وقتی که کاری نداشت، آزادش نمی‌گذاشت؛ یک شیشه‌ای داشت (معمولاً می‌گویند جن را در شیشه می‌کنند)، یک وردی هم بلد بود، این جن را در شیشه می‌کرد. بعد هر موقعی که کاری داشت، جن را از شیشه بیرون می‌آورد کارش را انجام می‌داد و دوباره در شیشه می‌کرد.

آن آقای جن‌گیر یک شاگرد داشت که همیشه آرزو می‌کرد کار جن‌گیری را یاد بگیرد. با خود می‌گفت خیلی هنر خوبی است، آدم یک همچو نوکر پرقدرتی داشته باشد و بی‌خرج هر کاری که دلش می‌خواهد، برایش انجام بدهد. کوشش کرد و به هر کلکی بود، آن ورد درآوردن جن از شیشه را پیدا کرد تا آخر جن را تسخیر کرد. آنگاه او را از شیشه درآورد. فرمان داد این کار را بکن، کرد؛ آن کار را بکن، کرد. بعد خواست جن را در شیشه بکند. آن وردی را که باید بخواند بلد نبود. جن بیکار بود، بعد مزاحم خودش بود. جن را وادار به این کار و آن کار می‌کرد ولی نمی‌توانست دائماً کارش این باشد که به جن فرمان بدهد، چون خواب و استراحت و کار دیگر داشت.

نوشته بود آن جنی که بشر آن را تسخیر و از قدرت خارق‌العاده او فوق‌العاده استفاده کرده است، همین ماشین است؛ ولی متأسفانه بشر امروز مثل همان شاگرد جن‌گیر ماشین را گرفته و استفاده کرده ولی ماشین، دیگر بر خودش مسلط شده؛ یعنی علم ابزار و صنعت ساخت برای اینکه بر طبیعت مسلط شود و بر طبیعت هم مسلط شد؛ انسان بر آب و هوا و دریا و فضا و به طور کلی بر طبیعت مسلط شده است و به کره ماه می‌رود، ولی مخلوق و مصنوع خودش که نامش ماشین است، بر خودش مسلط شده است، طبیعت را برایش آلوده و فاسد و خراب کرده و تمام زندگی اجتماعی‌اش را مسخّر کرده است. امروز بشر مسخّر ماشین است نه ماشین مسخّر بشر؛ طبیعت را مسخّر خودش کرده ولی خودش شده مسخّر مخلوق و مصنوع خودش به نام ماشین!

تمثیل «توین‌بی» درباره اختراع ماشین

در حدود دو سال پیش توین‌بی ـ نویسنده معروف تاریخ تمدن ـ که به‌عقیده بعضی بزرگترین نویسنده تاریخ تمدن در عصر حاضر است و به هر حال یکی از بزرگان جامعه‌شناسان دنیا به شمار می‌رود، مقاله‌ای نوشته بود و در یکی از روزنامه‌ها ترجمه شده بود. این مرد مورخ تمدن‌شناس جامعه‌شناس در ضمن یک تمثیل این مطلب را بیان کرده بود؛ نوشته بود: در کتاب مقدس[۱] آمده است که خداوند به آدم و حوا گفت در بهشت از میوه‌های بهشت استفاده کنید، من مرغها و ماهیها و همه چیز را در اختیار شما قرار دادم، این بهشت و این هم نعمت‌های بهشتی، از هر چیزی که می‌خواهید، استفاده کنید. فقط یک شجره و یک میوه بود که‌آن را منع کرد، گفت تنها از این میوه استفاده نکنید.

پدر بزرگ ما و مادر بزرگ ما مدتها در بهشت زندگی می‌کردند، خوش و خرّم بودند و از میوه‌های بهشتی استفاده می‌کردند؛ ولی آخر شیطان آمد و آنها را وسوسه‌کرد. این همه نعمت‌های آزادی را که داشتند، رها کردند و رفتند سراغ همان میوه ممنوع؛ مرتکب گناه شدند. همین که مرتکب گناه شدند، خدا به آنها گفت: دیگر اینجا جای گناهکار نیست؛ شما اگر گناه نکرده بودید، تا ابد خودتان و اولاد و ذریه‌تان در این بهشت بودید، حالا که گناه کردید مطرودید، از اینجا بروید بیرون، شما را می‌فرستم زمین؛ اینجا راحت زندگی می‌کردید، آنجا باید با کدّ یمین و عرق جبین زندگی کنید.

پدربزرگ و مادر بزرگ ما را از بهشت بیرون کردند، آمدند روی زمین. چاره‌ای نداشتند، با کدّ یمین و عرق جبین و با کار و زحمت زندگی کردند. کم‌کم بچه‌های آدم به کار و تسخیر کردن زمین عادت کردند و از همین زمین برای خودشان یک بهشت جدید ساختند، یعنی طبیعت بشر انطباق پیدا کرد با طبیعت زمین. از چشمه‌های آب زلال و رودخانه‌ها و جنگل‌های زمین و از باران و همه چیز زمین استفاده کردند. کم‌کم زمین برای انسان بهشت دنیا شد. ناگهان اولاد آدم مرتکب گناه و خطای دوم شدند. همچنان که وقتی گناه اول را مرتکب شدند، محکوم شدند که از بهشت بیرون بروند، متأسفانه بر اثر گناه دوم باز محکوم‌اند به بیرون‌رفتن از این بهشت.

البته توین‌بی یک مقدار فکرش به آن چیزی که در تورات است مشغول است و حال آنکه قرآن هم داستان آدم را ذکر کرده است.

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۱. [تورات]

منوچهر بزرگمهر، پرچمدار فلسفه تحلیلی در ایران و از پیشروانِ

نهضت ترجمه متون فلسفی

احمد راسخی لنگرودی — بخش اول

آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های جدید غرب و بنیان‌های دنیای جدید به اواسط دوران قاجار بازمی‌گردد؛ اما این آشنایی زمانی شکلی رسمی به خود گرفت و بیش از پیش دامن گسترد که دانش‌آموختگان فرهنگ جدید بعد از مشروطه وارد میدان شدند و با عرضه آثار خود بنیان‌های فکری و فلسفی غرب را شناساندند. محمدعلی فروغی (۱۳۲۱ـ ۱۲۵۴) ملقب به «ذکاءالملک»، ادیب، سیاستمدار و از روشنفکران نامدار ایرانی و به عنوان پیشاهنگ معرفی فلسفه جدید غرب و پیشقراول تحول سبک در زبان فلسفه، در دهه دوم قرن حاضر با انتشار یکی از اصلی‌ترین متون فلسفه مدرن و بنیان تاریخ‌نویسی فلسفه جدید یعنی کتاب «سیر حکمت در اروپا»[۱] و نیز ترجمه فارسی کتاب روشنگر «گفتار در روش» اثر رنه دکارت (۱۶۵۰ـ ۱۵۹۶) نقش آغازین و مؤثری را در این ماجرا داشته است.[۲] پس از تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ و ایجاد دپارتمان فلسفه در دانشکده ادبیات و علوم انسانی، و نیز در پی اعزام دانشجویان ایرانی به اروپا، رفته رفته آشنایی ایرانیان با فلسفه مغرب زمین راه خود را پیدا کرد و اندیشه‌های فلسفی دنیای جدید از طریق ترجمه در معرض مطالعه پژوهشگران و نوآموزان فلسفه قرار گرفت. مترجمان برجسته‌ای در معرفی اندیشه‌های فلسفی و فیلسوفان بزرگ غرب به‌تدریج دست به ترجمه بردند و آثار نفیس و گرانسنگی را به زبان فارسی راهی بازار چاپ و نشر داشتند که نوعاً از بزرگان و پیشروان نهضت ترجمه متون فلسفی شمرده می‌شوند. کسانی چون محمدباقر هوشیار (۱۳۳۶ـ۱۲۸۳)، محمدحسن لطفی (۱۳۷۸ـ۱۲۹۸)، محمود هومن (۱۳۵۹ـ۱۲۸۷)، حمید عنایت (۱۳۶۱ـ۱۳۱۱) و یحیی مهدوی (۱۳۷۹ـ ۱۲۸۷) را باید به عنوان نخستین و ممتازترین مترجمان و ادامه‌دهندگان راه فروغی به شمار آورد.

اما نقش منوچهر بزرگمهر (۱۳۶۵ـ ۱۲۸۹) را در این میان نباید از نظر دور داشت. بزرگمهر نیز به عنوان مترجم آثار فلسفی در زمره اولین کسانی بود که تازه‌های اندیشه فلسفی غرب را به ایرانیان شناساند. او در زمره پیشگامان و مشعل‌دارانی به شمار می‌آید که در شناسایی «فلسفه تحلیلی» (Analytic Philosophy) و فیلسوفان تجربه‌گرای غرب به زبان فارسی صاحب کرسی است؛ به طوری که می‌توان گفت گسترش تفکر این مشرب فلسفی در ایران با آثار او صورت پذیرفته است. کسی نیست از دانش‌آموختگان رشته فلسفه که نام منوچهر بزرگمهر را نشنیده و از مقام و شخصیت و مجموعه آثار ترجمه‌ای او بی‌خبر باشد. اهمیت کار بزرگمهر آنجا نمایان می‌شود که پژوهشگران فلسفی طی چند دهه هنگامی که می‌خواستند درباره فلسفه تحلیلی اطلاعاتی کسب کنند و رویکردی پژوهشی بر این نحله فلسفی بیفکنند، معمولاً به سراغ آثار او می‌رفتند. ترجمه‌های او از متون فلسفی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ بالاترین شمارگان را از آن خود کرده بود. طالبان پژوهش در حوزه فلسفه غرب به ویژه فلسفه تحلیلی، در دوره‌ای، در پاره‌ای از معارف فلسفی خود، مرهون و مدیون ترجمه‌های اویند.

فیلسوف خودآموخته

بزرگمهر در موقعیتی کرسی‌دار فلسفه تحلیلی در ایران شناخته شد که نه درس‌آموخته فلسفه، که خودآموخته فلسفه بود. رشته دانشگاهی را نه در رشته فلسفه، که سالیان دراز در رشته حقوق گذرانده بود. او بیش از هر چیز

> **بزرگمهر تازه‌های اندیشه فلسفی غرب را به ایرانیان شناساند و در معرفی فلسفه تحلیلی و فیلسوفان تجربه‌گرا به زبان فارسی صاحب کرسی است؛ به طوری که گسترش تفکر این مشرب فلسفی در ایران با آثار او صورت پذیرفته است**

در آغاز، دستی در رشته حقوق داشت و شغل دیوانی و اداری خود را در همین رشته در صنعت نفت اختیار کرده و به مناصب بالای اداری دست یازیده بود. تنها مطالعات شخصی و عشق به دانایی بود که او را با دنیای تخصصی فلسفه آشنا کرد و به نوشتن پیرامونش واداشت. به گفته خود در حقیقت‌جویی منجمی را می‌مانست «که سرش رو به آسمان بود و دنبال ستارگان می‌گشت تا در ته چاه افتاد.» پیوسته سرگرم «بحث ذاتی و عرضی و وجود و ماهیت و سعی در اثبات و ابطال جزء لایتجزی و درک مفهوم زمان و مکان و خیر و شر» بود.[۳]

البته باید یادآور شد خودآموختگی، نسبتاً چیزی از دانش فلسفی او نکاست. آنقدر خوش‌فهم و با ذکاوت بود که بتواند مسائل فلسفی را خوب درک کند و خوب بنویسد؛ تا جایی که گوی سبقت را در نشر آثار فلسفی از بسیاری از دانش‌آموختگان این رشته ربود و او را در معرفی مکتبی از مکاتب فلسفی صاحب کرسی کرد؛ امتیازی که در دانش‌آموختگان فلسفه نیز کمتر می‌توان سراغ گرفت. او در فلسفه تا آنجا پیش رفت که به قولی عنوان «فیلسوف خودآموخته» را از آن خود کرد. هرچند توقع او از خودش بیش از این مقدار بود. همین توقع بالا بود که خود را حتی از زمره طلاب فلسفه هم نمی‌دانست. دلش می‌خواست دانش‌آموخته رشته فلسفه بود و دانش‌آموختگی در این رشته را یک نعمت قلمداد می‌کرد. ظاهراً همیشه غبطه کسانی را می‌خورد که در دانش فلسفه از تحصیلات دانشگاهی و رسمی برخوردارند و دستی بیش از او در آستین فلسفه و اندیشه‌های فلسفی دارند و با آنهمه دانش فلسفی فروتنانه بضاعت خود را در فلسفه مزجات می‌خواند.[۴]

نخستین آثار قلمی خود را نه در فلسفه و نه در قالب کتاب، که در حوزه‌های اجتماعی، اخلاقی و عرفانی، و در مطبوعات و جراید آن روز ایران رقم زده بود. در اصل، او در آغاز روزنامه‌نگاری غیرحرفه‌ای بود که بعدها به مترجم حرفه‌ای کتابهای فلسفی تبدیل شد. درونمایه بسیاری از یادداشت‌های اجتماعی او را مشاهدات و رویدادهای روزانه خیابانی و خواندنی‌ها تشکیل می‌داد. وقایع کوی و برزن و خبرهای مطبوعاتی دستمایه نوشتار او می‌شد. گاه در خیابان واقعه‌ای را می‌دید آن را به رشته تحریر می‌کشاند و نهایتاً به چاپ می‌رساند. گاه نیز در قالب نقل حکایتی، نکته‌ای اخلاقی و پندآموز را به مخاطب یادآور می‌شد. ایضاً مقالات آمیخته به طنز نیز در قلم دوره آغازین بزرگمهر کم نیست. مقالات مطبوعاتی و غیرفلسفی بزرگمهر بعدها در قالب کتاب، روانه بازار نشر شد؛ از آن جمله است: کتابهای «عرفان نو»، «مرقعات صاحبدل»، «از بیرون گود»، «دیگ جوش قلندر». این آثار بهترین منبع برای شناخت آرا و افکار غیر فلسفی او به شمار می‌آید.

اما چنان‌که گفته شد، وی زمانی به شهرت رسید که تمام قد در نقش مترجم آثار فلسفی ظاهر شد؛ آنهم فلسفه تحلیلی که تا پیش از او این نوع گرایش فلسفی در میان ما شناخته نبود. در آثار نوشتاری و برنامه‌های آموزشی بزرگمهر معرفی اندیشه‌های فلسفی فیلسوفان نام‌آوری همچون: کارناپ، راسل، کانت، ویتگنشتاین، آیر، بارکلی، لاک، هیوم، شوپنهاور، نیچه، ویلیام جیمز، سارتر، پوپر، سوزان لنگر و... جایی مستقل برای خود گشوده است. آثاری چون: «رساله درباره فهم انسانی»، «مسائل فلسفه»، «علم ما به عالم خارج»، «منطق سمبلیک»، «تحلیل ذهن»، «سه گفت و شنود میان هیلاس و فیلونوس»، «مسائل و نظریات فلسفه»، «رساله در اصول علم انسانی و سه گفت و شنود»، «زبان، حقیقت و منطق»، «فلسفه کانت» از جمله ترجمه‌های معروف و پرمراجعه اوست.

پوزیتیویست عارف

بزرگمهر در هنگامی کمر همت به ترجمه غیرعرفانی‌ترین مشرب فلسفی، آنهم پوزیتیویسم و فلسفه تحلیلی بسته بود که دلش در کمند عرفان بود؛ البته باید یادآور شد نه عارف صرف بود و نه پوزیتیویست صرف. هم عرفان را می‌جست و هم پوزیتیویسم را به گونه‌ای همزبانی می‌کرد؛ دلش با عرفان بود و دماغش با فلسفه. در عین حال که از فلسفه نظری سخن می‌راند، کیمیای واقعی را عشق می‌انگاشت و به نوعی مشربش آمیخته از فلسفه و عرفان بود. دور نمی‌دانست که «از راهی غیر از علم و استدلال، یعنی از راه عواطف و احساسات بتوان راز دهر را گشود و آنچه را علم و عقل با زحمت و مشقت و به کندی به مرور ایام درک می‌کند، با ذوق و اشراق و به وسیله صفای باطن دید و دریافت.»[۵] آن اوایل که هنوز قدم در حریم فلسفه تحلیلی و نحله پوزیتیویسم ننهاده بود، نام مستعار «صاحبدل» و «قلندر» و «مرشد» را در ذیل نوشته‌های اجتماعی و عرفانی خود بر صحن مطبوعات می‌نشاند و بعدها که پای در ترجمه کتابهای فلسفی نهاد و تجربه‌ای از مشرب پوزیتیویسم آزمود، اگرچه نام واقعی‌اش در ذیل نوشته‌هایش نقش می‌بست، اما در اصل به لحاظ فکری ترکیب ناهمجنس «پوزیتیویست صاحبدل» یا «پوزیتیویست قلندر» را درخور خود کرده بود.

او را در ایران همچون کانت ـ فیلسوف شهیر آلمانی ـ باید میدان‌دار نوعی ثنویت اندیشه، یعنی تفکیک فلسفه نظری از فلسفه عملی به شمار آورد؛ امری که در آن روزگار، در محافل روشنفکری بسی غریب و مهجور می‌آمد. از ویژگی‌های فکری اوست که اشعریان را بر معتزله و فلسفه نقادی کانت را بر فلسفه ایدئالیسم هگل ترجیح می‌داد. تابع حکمای اسلامی اشعری و کانت بود که «می‌گویند اگر اثبات مبدأ و معاد و اخلاقیات به دلیل عقل ممکن نباشد (که تا به حال نبوده)، فرض آنها به عنوان مبنای نظام اجتماعی و اساس اخلاق و زندگی دنیوی لازم به نظر می‌رسد.»[۶] با این احوال، اندیشه‌های او را بیشتر باید در آثار فلسفی و حکمی‌اش جست. به عبارتی، مشرب فلسفی او بسیار شناخته‌تر از مشرب عرفانی اوست؛ این چیزی است که در میان اهل فن، این خودآموخته فلسفه، بدان شناخته می‌شود.

از این نظر بزرگمهر را در زمره بزرگانی مانند فروغی و حمید عنایت (۱۳۶۱ـ۱۳۱۱) از صاحبان نشر فلسفی جدید باید شناخت. او برای نخستین بار از مشرب و مکتبی سخن راند که تا آن موقع در میان ایرانیان شناخته نبود. در دوره‌ای، به سهم خود شناساند که غیر از فلسفه رایج و نگرش سنتی، نگرشهای فلسفی دیگری نیز خارج از اندیشه نظری این مرز و بوم وجود دارد که باید شناخت و به نقادی‌اش پرداخت. این البته بیشتر زینهاری به اهل فلسفه و طالبان معرفت بود. با آثار قلمی خود به گونه‌ای شناساند که خارج از آموخته‌های مدرسی و اندیشه‌های رایج فلسفی به نحو دیگری نیز می‌توان اندیشید؛ و اینکه فلسفه، تنها فلسفه متداول و سنتی در نظام تعلیمی حوزه‌های درس نیست؛ فلسفه‌های دیگری هم هست که باید خواند و پیرامونش اندیشید.

بدون شک زبان و نوع نگاه و رویکرد بزرگمهر در شناخت فلسفه تحلیلی در ایران مؤثر بوده است. به عبارتی سیمای فلسفه تحلیلی در ایران در دوره‌ای، با قلم او شناخته می‌آمد. معلوم نیست اگر دنیای ترجمه، آثار فلسفی بزرگمهر را نداشت، فلسفه تحلیلی و مکتب پوزیتیویسم در چه تاریخی و توسط چه شخصیتی در ایران جامه انتشار به خود می‌پوشید و در این مرز جغرافیایی حائز پایگاهی مستقل می‌شد. در دوره خود، در معرفی فلسفه تحلیلی و پوزیتیویسم به لحاظ تعدد آثار، کسی به گرد او نمی‌رسید. با ابتنای به این نظر است که بزرگمهر و آثار قلمی‌اش در فرهنگ فلسفی ایران زمین نقش و اهمیت ویژه می‌یابد که متاسفانه تاکنون مستقلاً کمتر بدان پرداخته شده است. هر پژوهشی در حوزه مترجمان پیشرو ایران بدون در نظر گرفتن نقش و جایگاه او به بیراهه رفتن است. ترجمه‌های متعدد بزرگمهر از آثار فلسفی غرب در شاخه فلسفه تحلیلی و فیلسوفان تجربی غرب، جملگی بر نقش و جایگاه برجسته بزرگمهر تأکید دارند.

البته ما در برخورد با او تنها با مترجم آثار فلسفی غرب روبرو نیستیم؛ با فردی نسبتاً صاحب نظر در اندیشه‌های فلسفی روبرویم که در موقعیت مقتضی دیدگاه فلسفی خود را در آئینه قلم بازمی‌تاباند؛ چرا که وی علاوه بر کارهای ترجمه، چند تألیف نیز ذیل موضوعات فلسفی راهی بازار نشر نموده است که مهمترین آن «فلسفه تحلیل منطقی»، «فلسفه چیست؟» و «فلاسفه تجربی انگلستان» می‌باشد. دو کتاب نخستین حاوی مقالاتی است که در طول شش سال در نشریات مختلف از جمله سخن به چاپ رسانده است.

«فلاسفه تجربی انگلستان» پیش از انتشار در قالب جزوات آموزشی در اختیار دانشجویان فوق لیسانس گروه فلسفه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران قرار گرفته است. در جریان تدریس هر سال برحسب توسعه مطالعات، چیزی بر آن افزوده یا اجمالی را تفصیل داده است. این کتاب شامل فلسفه فیلسوفانی چون: لاک، بارکلی، هیوم، و جان استوارت میل می‌باشد. با مطالعه این آثار می‌توان به رگه‌هایی از دیدگاهها و مواضع کلامی و فلسفی و حتی اخلاقی او پی برد. حتی آنجا که به تشریح مبانی فلسفه قدیم و جدید می‌پردازد، بعضاً از اظهار نظر و ابراز موضع انتقادی خودداری نمی‌کند. اگرچه به طور کلی نگاهی انتقادی به فلسفه کلاسیک می‌افکند و مباحث آن را فاقد کمترین تأثیر علمی یا عملی می‌شمرد، اما گاه هرچند اندک، به مشکلات فلسفه اصالت تحلیل منطقی هم اشاراتی دارد و به طور گذرا نکاتی را در این خصوص برمی‌شمرد؛ اما در عین حال تنها روش بی‌طرفانه فلسفی را روش تحلیلی می‌داند و با جانبداری از این روش فلسفی می‌گوید: «فلسفه تحلیلی یا تحلیل منطقی ... عمل فلسفه را ایضاح و تبیین معانی الفاظ و دادن تعریفات و تحلیل مفاهیم مستعمل در عرف عام و علوم خاصه می‌داند.»[۷]

بزرگمهر اگرچه هیچ وجهی برای مقدمه‌نویسی مترجم کتاب نمی‌داند، اما در برخی موارد مقدمه‌های نسبتاً قابل توجه و پرباری بر ترجمه‌های خود نوشته است که او نشان از اشراف و تسلطش بر اندیشه‌هایی دارد که در حال ترجمه آن است. از مقدمه‌های او به‌خوبی می‌توان دریافت که مضمون و محتوای اثر را به‌درستی گرفته و مثل صاحبان اثر قادر به بیان مطلب است. مقدمه کتابهای «مسائل فلسفه» و «تحلیل ذهن» و «علم ما به عالم خارج» اثر برتراند راسل، و «کارناپ» اثر آرن نائس، به‌خوبی گویای این مطلب است.

تدریس در دانشگاه

شخصیت فلسفی او تنها در تألیف و ترجمه خلاصه نمی‌شود؛ گاه نیز در نقش استاد، به اصرار اولیای دانشگاه خلأ موجود در زمینه تدریس فلسفه تحلیلی آنگلوساکسون را در دانشگاه پر می‌کند و افقی روشن به روی دانشجویان فلسفه می‌گشاید. او چندین سال در دهه ۵۰ در مقاطع مختلف از جمله فوق لیسانس و دکتری فلسفه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و بعضی دانشکده‌های دیگر به تدریس متون فلسفی به زبان انگلیسی و منطق جدید و فلسفه تحلیلی همت گماشت. سیدحسین نصر معاون و رئیس وقت دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (۱۳۵۴ـ۱۳۵۱) در خاطرات خود خبر از روزهایی می‌دهد که در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به عنوان مرکز اصلی تفکر در

> ***بزرگمهر و آثارش در فرهنگ فلسفی ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. ترجمه‌های متعدد او جملگی بر نقش و جایگاه برجسته‌اش تأکید دارند. او در فلسفه صاحب‌نظر بود و در موقعیت مقتضی دیدگاه خود را نیز مطرح می‌ساخت**

ایران «بر گروههای فلسفه، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی این دانشکده پوزیتیویسم نوع اگوست کنتی و نه از نوع جدید آنگلوساکسون آن حکمفرما بود...»[۸] برای اینکه فلسفه تحلیلی آنگلوساکسون نیز معرفی شود که تا آن زمان خبری از آن نبود، منوچهر بزرگمهر پوزیتیویست و طرفدار فلسفه تحصلی آنگلوساکسون را برای تدریس فلسفه‌هایی دعوت کرد که اصلاً مابعدالطبیعی نبود، اما با این همه، افق دید دانشجویان را باز می‌کرد.[۹] آنهم با اصرارهای زیاد نصر که البته همکاری دکترمهدوی نیز در این امر بی‌تأثیر نبود.[۱۰] بدین‌سان بزرگمهر در گروه فلسفه دانشگاه تهران به عنوان استاد در کنار استادانی چون احمد فردید، یحیی مهدوی، داریوش شایگان، ابوالحسن جلیلی و جواد مصلح و... به تدریس فلسفه فیلسوفانی همچون: لاک، بارکلی، هیوم، راسل، کارناپ و ویتگنشتاین متقدم می‌پردازد. در آن دوران او تنها استاد فلسفه تحلیلی دانشگاه شناخته می‌شد.

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۱ـ جلد نخست کتاب «سیر حکمت در اروپا» در سال ۱۳۰۹ منتشر شد. جلدهای دوم و سوم نیز به ترتیب در سالهای ۱۳۱۷ و ۱۳۲۱ به چاپ رسید.

۲ـ البته پیش از فروغی، در زمان ناصرالدین شاه کتاب «گفتار در روش» با همکاری کنت دوگوبینو وزیر مختار فرانسه در ایران و «برنه» فرانسوی و یک یهودی ساکن تهران به فارسی برگردانده شد. ترجمه دیگری نیز از زبان ترکی عثمانی به فارسی به دست افضل‌الملک کرمانی انجام گرفت؛ اما هیچ یک از این ترجمه‌ها به علت نامفهوم بودن و وجود عبارات دور از ذهن، با استقبال چندانی روبرو نشد.

۳ـ دیگ جوش قلندر، ص۱۵

۴ـ راسل، برتراند، مسائل فلسفه، ترجمه منوچهر بزرگمهر، ص۱۴

۵ـ فلسفه تحلیل منطقی، ص۶۴

۶ـ فلسفه چیست، ص۱۳۶

۷ـ فلسفه چیست؟، ص۱۹

۸ـ در جستجوی امر قدسی، ترجمه سیدمصطفی شهرآیینی، ص۱۰۲

۹ـ همان، ص۱۰۴

۱۰ـ «آفاق حکمت در سپهر سنت»، گفتگوی حامد زارع با سیدحسین نصر، ص۱۹۶

خورشید خوشنویسی

دکتر محمدعلی سلطانی — بخش چهاردهم

حال محتوی آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

«بندهٔ قدیم»، نه بندهٔ شاه، بلکه بنده‌ای که «الست بربکم قالوا بلی» گفته است و «بر جادهٔ عبودیت مستقیم»، «ایّاکَ نعبُدُ و... اهدنا الصّراط المُسْتقیم»... عماد الحسنی و پس از آوردن القاب و عناوین متداول زمان بیت: «مَن نگویم ولیک داند عقل...» تداعی «و تُعزّ من تشاء»، سپس بهانه دوری از دربار او را به جهت «دعاگویی و فاتحه‌خوانی و...» موجه می‌شمارد و «لاجرم (به ناچار) قلم عبودیت رقم (جبر و اجبار) وسیلهٔ تحریر نامه می‌گردد و دیگر (مقصدی جز بودن در اصفهان سر کوی او) ندارد و چنان‌که از دستگاه او محترز است و پرهیز دارد، این بیت شیخ اجل را سبب می‌سازد که:

فرشته‌ای است بر این بام لاجورد اندود
که پیش آرزوی عاشقان کشد دیوار

و تقاضا دارد که این آرزو یعنی استقرار در اصفهان بدون وابستگی باشد؛ زیرا بیت پیش دلیل واضح بر همین خواسته است. در پایان باز مقصود خود را از نگارش نامه تأکید می‌نماید که «چون غرض عرض اخلاص و یک جهتی بود، زیاده مصّدع نشده و...»

گرچه پس از ارسال این نامه میرعماد برای استفاده از موقعیت شاه و انعکاس وقایع دربار او در جهان آن روزگار، توانست با تحریر چند چلیپایی آوازهٔ هنر خود را هر چه به دوردست‌تر برساند و با این سیاست هم، از ممانعت‌های دربار و شرّ آنها محفوظ ماند، نباید از نظر دور داشت که ذکاوت میرعماد همراه جنگ و گریز فکری او اگر در پی تقربی هم بوده باشد، تنها به خاطر استفاده از بلندگوی فراگیر دستگاه شاه‌عباس بوده؛ زیرا هیچ هنری در ایران جز از مجرای دربار صفوی (۱۶۶۴م) صحراها و کوهها را طی نمی‌کرد و از درباری به دربار دیگری نمی‌رسید؛ اما نکته قابل توجه اینجاست که نمایندگان و سیاحان غربی چون: شاردن، پی‌تیرودلاواله که نوع درختان بازار اصفهان را هم نوشته‌اند، از میرعماد نامی نبرده و اشاره‌ای نکرده‌اند!

به هر حال موقعیت هنری و سیاسی و اجتماعی میرعماد در اصفهان نسبتاً تثبیت شد و مبارزهٔ سیاسی فرهنگی او آغاز گردید، آوازهٔ نهضت هنری او به دربار پادشاه گورکانی هند و سلاطین عثمانی و روم رسید، تا جایی که به دیدار او رغبت یافتند و حتی گاهی مناصبت دولتی را به هدیه یک قطعه از خط میرعماد منوط می‌کردند و با این رنسانس هنری توانست پیوند اتحاد فرهنگی سه کشور را با رشتهٔ نامرئی هنر خوشنویسی متصل و برقرار سازد و با این موقعیت ویژهٔ علمی و هنری با اندیشه‌های عالی عقیدتی است که تلاش پیگیری را در به ثمر رساندن آرزوهای بلند خویش آغاز می‌کند.

پهلو به دم تیغ نهٔ ار بر سر کاری
مرد هنر از بستر سنجاب نخیزد

در اینجاست که ما چهرهٔ سیدجمال دیگری را با سیصد سال تقدم زمانی مشاهده می‌کنیم. مشابهت‌های فرمانروایان و اوضاع اجتماعی سیاسی و فرهنگی این دو مقطع زمانی با ریاست (شاه‌عباس و ناصرالدین شاه) نیز درخور تعمق و حوصله است، دو دارالخلافهٔ مدعی دو فرد معلوم‌الحال که در مستی چه فرمانها در باب قتل وطن‌پرستان و اسلام‌خواهان امضا کردند. با این تفاوت که سید جمال‌الدین اسدآبادی با نیروی فلسفه و فقاهت و فصاحت وارد میدان شد؛ اما سید عمادالملک قزوینی با قدرت هنر و هدایت اندیشهٔ جوان و با چه وجه اشتراک‌هایی؟ با این وجه اشتراک که شعار رسای «کاش اختلاف سنی و شیعه از میان برمی‌خاست و رعایای ایران و عثمانی به جای اینکه خون یکدیگر را بریزند، به راه دوستی و اتحاد می‌رفتند» سیاه مشقی از میرعماد در مرقعات خط مندرج است که در حقیقت تز فکری و شعار عقیدتی و وصیت سیاسی اوست: «انا المؤ...»[۱] این منشور به خط محمد حسین تبریزی استاد میرعماد نیز موجود است[۲] و دربارهٔ او نیز که معلم و استاد اجازهٔ میر بوده و عاقبت از تبریز به قزوین کوچید و در همانجا به رحمت ایزدی پیوست، جای تأمل و بررسی است؛ زیرا که هستهٔ اصلی اندیشهٔ میرعماد در محضر او شکل گرفت!

فریاد وحدت کشورهای اسلامی از زبان هر دو شخصیت (میرعماد و سید جمال) بر افلاک شد و عاقبت جان بر سر این سودا نهادند که هر دو سید علوی خواستار اتحاد و اتفاق اسلام و مسلمانان از هر نژاد و گروه و دسته‌ای بودند، این دو شخصیت در میان اهل تحقیق چنان جایگاهی دارند که هر اهل قلمی از دایرهٔ جغرافیایی افغانستان، ایران و عثمانی و هند و... که دست به قلم می‌برد، آنها را از خود می‌داند؛ در افغانستان، افغانی‌شان می‌نویسند و می‌دانند[۳] در ایران، ایرانی و... عده‌ای بر سنی بودن آنها ارائه دلیل کرده و گروهی بر شیعی بودنشان داد سخن می‌دهند و احوال آنها درست بیانگر سخن اقبال لاهوری است که:

نیست از روم و عرب پیوند ما
نیست پابند نسب پیوند ما
دل به محبوب حجازی بسته‌ایم
زآن جهت با یکدگر پیوسته‌ایم

میرعماد مدتها خون دل خورد و دم نزد به قول خودش ـ در درد دلهایش با قلم ـ که در ورای تور پولادین سیاه مشقهایش دیده می‌شود؛ تحت نظر است و راه خروج از اصفهان را ندارد و می‌گوید: «هر چه بادا باد دندان بر جگر خواهم نهاد»[۴] و... بالاخره طعنه‌ها و کنایه‌های میر به شاه‌عباس آغاز گردید.

می‌نویسند میر تقاضای تحریر شاهنامه را رد کرد و وجه حق‌التحریرش را پس فرستاد؛ بدین بهانه که وجه ارسالی شاه همین قدر کفاف کرد و برای شصت‌هزار بیت شاهنامه تلویحاً شصت‌هزار تومان درخواست و عملاً در مجلس تعلیم خود در پاسخ به پرداخت بیعانهٔ حق‌التحریر به شاه، نظر خود را به اثبات رسانید که شاگردان برای هر بیت یک تومان پرداخت کردند، در حالی که گندم خرواری پنج ریال بود.[۵]

میرعماد در مقابل شاه‌عباس قرار گرفت و پیامهای زهرآگین خویش را با طبع بلند ادبی در قالب شعر روانهٔ دربار کرد تا جاودانه بماند و چون سایر ابعاد فکری و هنری زندگی‌اش در پشت غبار دورویی‌ها فراموش نگردد. چنان می‌نماید میرعماد این پیامها را به دو جهت به صورت شعر و قطعه خوشنویسی به دربار می‌فرستاده است: ابتدا اینکه چون اثر هنری بود، در نابودی آن اثر به هر وسیله مسامحه می‌شد و دیگر اینکه چون در قالب شعر بود، در خاطره‌ها و اذهان ثبت می‌شد و سینه به سینه به عمر خویش ادامه می‌داد تا روزی چون امروز چهره نماید. او ابتدا به شاه نصیحت می‌کند و توجهش را به حال قشرهای مختلف جامعه جلب می‌نماید و از همنشینان نااهل او یاد می‌کند و می‌گوید که:

با اسیران نظری نیست تو را
بر عزیزان گذری نیست تو را
قول دشمن مشنو در حق من
که ز من دوست‌تری نیست تو را

*

تو آن نهال سعادت‌بر نکوثمری
که هر که آمده در خدمت تو یافته بار
به غیر من که به جز بار دل نیافته‌ام
گناه بخت من است، آزموده‌ام صد بار

تحکم و اصرار و پافشاری شاه‌عباس در منزوی ساختن میرعماد به مرتبه‌ای رسید که میر عماد در قطعه‌ای شیوهٔ جوانمردی شاه‌عباس را که به آن صفت می‌بالید و از مشخصات بارز خود می‌شمرد، نفی کرده و می‌گوید:

ز روزگار مرا قصه‌ها بسی است که نیست
مجال آنکه کنم شمه‌ای از آن تقریر
ز پشتی کرمت کردم این عتاب که او
مشیر و محرم من بود، اندر این تدبیر
اگرچه رسم بزرگی تو خودشناسی، لیک
بگویمت سخنی آن ز من به خرده مگیر:
کسی که بر سر احرار سروری جوید
روا ندارد، در حق من چنین تقصیر

عاقبت میرعماد به پیامهایی متوسل شد که در طول تاریخ استبداد تا آن زمان کمتر مبارزی همانندش را با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی و فردی در مقابل مستبدی ابراز داشته است. مطالبی که شاه از میر تنها شنید، از سرداران یاغی قزلباش ـ که فوجهای شمشیرزن در اختیار داشتند ـ و یا سران نیرومند گرجستان که هر ساله جوی خون به راه می‌انداختند و حتی از پادشاهان عثمانی نشنید و احدی جرأت نداشت در مقابل شاه صفوی نازک‌تر از گل بگوید.

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۱. مرقعات خط، ص۴۱.

۲. حبیب‌الله فضائلی، اطلس خط، ص۴۹۶.

۳. عزیزالدین فوفلزایی، خط در افغانستان.

۴. مرقعات خط، ص۳۶.

۵. مهدی بیانی، احوال و آثار خوشنویسان، ج۴، عبدالمحمد ایرانی، خط و خطاطان.

معرفی کتاب

چشم و بیماریهای گردش خون
دکتر فریدون سمیعی
ناشر: اتاق آبی
چاپ اول: ۱۳۹۴
۲۰۰ ص ـ ۲۰۰۰۰ تومان

بیماری‌های سیستم گردش خون، مجموعه بیماری‌های قلب و عروق است. چشم از بازتاب بیماری‌های قلبی و عروقی در امان نیست. رابطه نزدیکی بین ضایعات عروقی قلبی و چشم وجود دارد و معاینه چشم در مواردی کلید تشخیص بیماری‌های قلبی و عروقی است. کتاب حاضر به بررسی ضایعات عروقی چشم و گردش خون عمومی و بیماری‌هایی که مرتبط با آن است، ازدیاد فشارخون شریانی، ضایعات انسدادی عروق و ضایعات دریچه‌ای می‌پردازد.

از بخشهای این کتاب است: آناتومی و فیزیولوژی قلب، گردش خون شبکیه، ضایعات شبکیه در ازدیاد فشارخون شریانی، گرفتگی شریان مرکزی شبکیه، حوادث عروق مغزی، فیزیوپاتولوژی بسته شدن عروق، دیابت و رتینوپاتی دیابتیک، هموستاز، بیماریهای ترومبو آمبولیک، ضایعات دریچه‌ای قلب و ...

تصاویر رنگی و سیاه سفید متعدد، جدولهای چندگانه و نقشه‌های تشریحی و کالبدشناسی بر غنای کتاب افزوده است.

نظریه و واقعیت
گردآوری و ترجمه: آرش حیدری و همکاران
انتشارات تیسا
۲۷۳ص ـ ۲۰هزار تومان
چاپ‌اول: ۱۳۹۴

نقد، مبهم‌ترین واژه ممکن است؛ نقد برای افکندن بنایی از سلطه نیست؛ نقد برای ما نقد هر آن چیزی است که تحت لوای نقد هم میل به تسلط دارد. شاید از همین روست که باید از نظریه دفاع کرد. از سال ۱۹۲۹ که ماکس هورکهایمر در نوشتاری، نظریهٔ انتقادی را از نظریهٔ سنتی متمایز کرد، به نظر می‌رسد نقد واقعیت در چهارچوب نظریه نه‌تنها میسر شد، بلکه روشن شد نظریه تنها آن وجه بیرون از واقعیت را ندارد. نظریه در تعریف سنتی امکان مداخله در واقعیت را ندارد؛ اما در نگاه انتقادی خودی، نظریه عملی انتقادی است علیه واقعیت. بدین ترتیب لازم است نسبت نظریه و واقعیت مشخص شود.

مقاله‌هایی که در این اثر گردآوری شده، می‌خواهند چندسویگی نسبت نظریه و واقعیت را رعایت کنند. سعی بر آن بوده تا از دل سنتهای مختلف فکری‌به این نسبت نگریسته شود؛ از سنت هرمنوتیک تا سنت مارکسیسم ساختارگرا و انتقادی و دست آخر سنت پوزیتیویسم منطقی.

پدیدارشناسی موسیقی
بروس الیس بنسن
ترجمه حسین یاسینی
انتشارات ققنوس
۲۴۰ ص ـ ۱۵هزار تومان
چاپ اول:۱۳۹۴

کتاب «پدیدارشناسی موسیقی» دارای نگرشی نو به آهنگسازی، اجرا و شنیدن موسیقی است. مؤلف با تکیه بر سنتهای فلسفه قاره‌ای و تحلیلی و مثالهای متنوع از موسیقی کلاسیک غربی و جاز تعریفی نو و جامع از بداهه عرضه کرده که مبنای آن ساختن، اجرا و شنیدن موسیقی است که همواره با نوعی از بازآفرینی بی وقفه موسیقی با همان بداهه، گره خورده است. مباحثی که در این اثر مطرح شده، برای علاقه‌مندان فلسفه هنر، موسیقی‌شناسان و موسیقی‌دانان جذاب است. نویسنده از بنیان‌گذاران انجمن الهیات و فلسفه قاره‌ای است که تا سال ۲۰۱۵، پنج کتاب فلسفی تألیف کرده و در انتشار شش مجموعه مقاله مشارکت داشته است. فعالیت موسیقایی از نظر او نه فقط سرشتی بداهه‌پردازانه دارد، بلکه همواره در چارچوب گفت و شنود رخ می‌دهد. این کتاب پنج فصل اصلی دارد: «از آهنگسازی تا اجرا»، «آهنگسازی؛ از خاستگاه تا متن نهایی»، «اجرا؛ بداهه حفظ اثر»، «محصول در بطن عمل» و «رفتار موسیقایی با دیگران».

غلبه بر افسردگی
سیما هینگورانی
مترجم: رویا نونهالی
۲۱۶ص ـ ۱۲هزار تومان
چاپ اول:۱۳۹۴

بر اساس پیش‌بینی سازمان بهداشت‌جهانی تاسال ۲۰۲۰، افسردگی دومین عامل اصلی تهدیدکنندهٔ سلامت و از دلایل اصلی ناتوانی و مرگ در جهان خواهد بود. این کتاب زنگ هشدار درباره این بیماری را به صدا درمی‌آورد و می‌گوید که افسردگی یک بیماری جدی است که کودکان و بزرگسالان هم ممکن است به آن دچار شوند؛ اما اگر به موقع به آن رسیدگی شود، درمان‌شدنی است. افسردگی نتیجهٔ اشتباهات شخصی نیست و چیزی نیست که فرد مبتلا بتواند به سادگی از آن رهایی یابدیا موجب سرافکندگی شود. افسردگی درمان‌پذیر است و همه می‌توانند از جسم و ذهن سالم بهره‌مند باشند. شناخت درست افسردگی، علائم و نشانه‌ها، دلایل و راههای درمان آن مقوله‌هایی هستند که در این کتاب به آنها پرداخته شده است

«خردل» خر است!
مجموعه داستانک‌های تلخ و شیرین از «جنگ و صلح»
مهدی نورمحمدزاده
ناشر: روایت فتح
چاپ اول: ۱۳۹۴
۴۰ ص ـ ۶۰۰۰ تومان

این کتاب مجموعه چند داستان کوتاه مرتبط با جنگ است که برای بعضی هنوز با آثار عمیقش تا امروز ادامه‌دارد. اینان «اصحاب جنگ» هستند. هشتاد داستانک این مجموعه در دو بخش چهل‌تایی ذیل عناوین «جنگ» و «صلح» به رشته تحریر درآمده تا داستان اصحاب جنگ را در دوران جنگ و پس از آن روایت کند.

آزادسازی قیمت ها کلید نوسازی ناوگان هوایی و ریلی

بسیاری از شرکت های حمل‌و نقل هوایی و ریلی با اعمال قیمت های تکلیفی، قطع یارانه دولتی و افزایش هزینه ها، به علت کمبود منابع مالی در شرایط بد اقتصادی قرار دارند و باید با اعمال سیاست های اصلاحی، خونی تازه در رگ های آنها دمیده شود.

به گزارش ایرنا، افزایش ناگهانی نرخ ارز در چند سال گذشته، قیمت تمام شده هزینه‌های سفر با ناوگان حمل و نقل هوایی را چند برابر کرد. این موضوع نشان داد تزریق ارز ارزان در سالیان گذشته نه فقط بنیه مالی این شرکت ها را تقویت نکرد، بلکه آنها را به شدت آسیب‌پذیر کرد.

براساس برنامه پنجم توسعه، دولت موظف شد برای تقویت بنیه مالی شرکت های هوایی طرح آزادسازی قیمت بلیت پروازهای هوایی را به اجرا بگذارد.

متعاقب آن سازمان هواپیمای کشوری پارسال بخشی از طرح آزادسازی را اجرا کرد و از نهم آذر امسال دستورالعمل آزادسازی نرخ بلیت پروازهای هوایی در ۱۷۰ مسیر داخلی را به شرکت‌ها داد.

کمبود منابع مالی و سرمایه در گردش سبب شده است اکنون بسیاری از شرکت های حمل‌ونقل هوایی و ریلی کشور با ناوگان فرسوده خدمات مسافری ارائه کنند و این در نارضایتی مردم از این شرکت های حمل و نقل بسیار تاثیرگذار است.

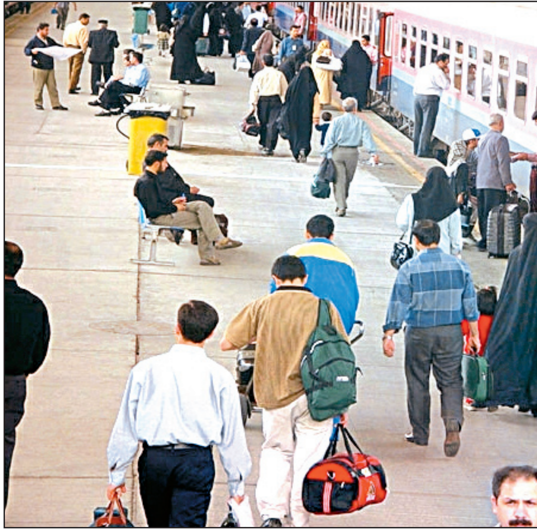
بدون شک تجهیز ناوگان باید متناسب با نیازها باشد تا موجب ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا در بازار شود و در شرایط تعادل، هم مسافران و هم شرکت های هواپیمایی بهره‌مند شوند.در این شرایط شرکت های هواپیمایی با ارائه خدمات هوایی مناسب تقاضای بیشتری را پوشش می‌دهند و از حاشیه سود بالاتری هم‌بهره می برند. مسافران هم در انتخاب خدمات قابل قبول با قیمت مناسب، آزادی عمل بیشتری را خواهند داشت.

صنعت هوانوردی ایران در ۳۵ سال گذشته با تحریم روبرو بود و اکنون برای توسعه صنعت حمل و نقل هوایی کشور به ۵۰۰ فروند انواع هواپیما با ۵۰ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد.

۱۳ شرکت هواپیمایی فعال کشور ۲۵۰ فروند هواپیما دارند، اما به علت نبود قطعه های مورد نیاز، ۱۰۰ فروند آن زمینگیر شده است.

چندی پیش عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی در دیدار اعضای کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفت: ناوگان هوایی کشور به طور متوسط ۲۲ سال سن دارد و کمتر از ۱۰سال دیگر باید همه این ناوگان جایگزین و کسری آن جبران شود.

آخوندی افزود: با توجه به جمعیت و گستره جغرافیایی ایران باید در این زمینه ۵۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری شود.



وی با تاکید براینکه نوسازی ناوگان هواپیمایی کشور بدون آزادسازی قیمت بلیت عملی نبود، گفت: تا زمانی که آزادسازی قیمت بلیت انجام نشود،نمی توان از بنگاه ها انتظار نوسازی ناوگان داشت.

آخوندی افزود: یک ماه دیگر در گام دوم نوسازی شرکت های هواپیمایی، رقمی به عنوان کمینه کفایت سرمایه برای فعالیت شرکت های هوایی اعلام می‌شود تا حداقل سرمایه شرکت‌های هوایی برای ادامه فعالیت در این عرصه مشخص شود. گام سوم هم کمک به شرکت های هوایی برای خرید هواپیماست.

به گفته وی، اگر شرکت های هواپیمایی بخواهند از تسهیلات صندوق توسعه بانک‌های داخلی یا خارجی استفاده کنند باید صورت مالی خود را ارائه کنند؛ در حالی که با توجه به صورت‌های مالی، هیچ یک از بانک ها به این شرکت‌ها تسهیلات پرداخت نخواهد کرد. نمونه ای از مشکل صنعت هوایی را می توان در شرکت هما (ایران ایر) دید.

به گفته وزیر راه و شهرسازی، این شرکت سالانه ۱۷۰میلیارد تومان ضرر می کند و باید در گام نخست نوسازی، ساختار سپس افزایش سرمایه و در گام آخر تامین ناوگان صورت گیرد. از این رو با شرکت ایرباس برای تامین ۱۱۴فروند هواپیمای شرکت هما توافق کردیم.

با افزایش هزینه های جاری شرکت های حمل و نقل هوایی و ریلی در سال های گذشته، هیچ سرمایه گذاری تازه ای در حوزه ریلی و هوایی انجام نشده است؛از این رو تنها راه حل نهایی، تعیین قیمت بلیت ناوگان ریلی و هوایی بر پایه عرضه و تقاضا در بازار است. کشور ما همواره با مشکل عرضه صندلی هواپیما به دلیل ناوگان نامناسب روبرو بوده است.

روند توسعه اقتصادی کشور در این سال ها موجب افزایش تقاضای جامعه در استفاده از حمل و نقل هوایی به عنوان یک شیوه سریع جابجایی مسافر و بار شده، اما تحریم های اقتصادی امکان تجهیز و نوسازی ناوگان را در این بخش نداده است.

در همین پیوند، یک کارشناس ارشد حمل و نقل هوایی تقویت توانمندهای مالی شرکت های هواپیمایی را در نوسازی ناوگان حمل و نقل هوایی بسیار ضروری دانسته و می گوید: برای توسعه ناوگان حمل و نقل هوایی و تقویت بنیه مالی شرکت‌های فعال در این بخش، دولت باید زمینه‌های استفاده از تسهیلات بانکی را برای این شرکت ها فراهم کند.

***با افزایش هزینه های جاری شرکت های حمل و نقل هوایی و ریلی در سال های گذشته، هیچ سرمایه گذاری تازه ای در حوزه ریلی و هوایی انجام نشده است؛از این رو تنها راه حل نهایی، تعیین قیمت بلیت ناوگان ریلی و هوایی بر پایه عرضه و تقاضا در بازار است**

علیرضا بحیرایی می افزاید: فعالیت ناوگان فرسوده برای شرکت‌های هوایی سختی های زیادی دارد و با نوسازی آن به تدریج مشکل صنعت هوانوردی و کسری مالی شرکت های هوایی حل می شود.

وی تصریح می کند: در بسیاری از کشورهای دنیا آزادسازی نرخ حمل و نقل هوایی راهکاری موثر برای ارتقای صنعت هوانوردی است تا بنیه مالی این شرکت ها برای نوسازی ناوگان خود بیش از پیش تقویت شود.در همین زمینه، رئیس سازمان هواپیمایی کشوری هم پس از آزادسازی نرخ بلیت پروازهای هوایی، به بدهی ۵ هزار میلیارد تومانی شرکت های هوایی اشاره کرده و می گوید: افزایش هزینه ها و بدهی ها، بنیه مالی شرکت های هوایی را بسیار ضعیف کرده است و آزادسازی نرخ بلیت پروازها تا اندازه ای مشکل مالی این شرکت ها را برطرف می کند.

علی عابدزاده افزود: تاکنون قیمت بلیت پروازهای داخلی به طور تکلیفی تعیین می شد؛ بنابراین انباشت بدهی شرکت های هوایی، آنها را در شرایط بسیار بد اقتصادی قرار داده است.

به گفته معاون وزیر راه و شهرسازی، قیمت تمام شده یک ساعت صندلی هواپیما در ایران نزدیک به ۴۰ دلار و متوسط این قیمت در کشورهای مختلف جهان نزدیک به ۸۰ دلار است. همچنین با توجه به قدمت ناوگان هوایی کشور، این آزادسازی می‌تواند در کاهش سن هواپیماها بسیار تاثیرگذار باشد زیرا با نرخ‌های تکلیفی سودی به شرکت ها نمی رسید.

وی ارزش ناوگان هوایی کشور (۲۵۰ فروند هواپیما) را نزدیک به یک میلیارد دلار دانست؛ در حالی که پنج فروند هواپیمای بوئینگ ۷۷۷ با ظرفیت ۱۳۰۰ صندلی هم یک میلیارد دلار قیمت دارد و اگر طرح آزادسازی قیمت بلیت پروازها بدرستی اجرا شود، شاهد تحول اساسی در ارائه خدمات هوایی در کشور خواهیم بود.

از سوی دیگر به گفته مقصود اسدی سامانی دبیر انجمن شرکت‌های هواپیمایی، شرکت‌های هوایی برای فعالیت اقتصادی راه اندازی شده اند و انتظار دارند در بازار کسب و کار بتوانند سود مناسبی به دست آورند.

آزادسازی‌قیمت‌بلیت‌پروازها سبب می شود مسافران در بازار رقابتی حق انتخاب بیشتری داشته باشند و سفر خود را با کمترین هزینه انجام دهند.



در چند سال گذشته رکود اقتصادی و افزایش هزینه ها سبب کاهش میزان بار و مسافر در بخش حمل و نقل هوایی شده و از حاشیه سود شرکت های حمل ونقل ریلی هم کاسته شده است.

از سوی دیگر،با وجود صرفه اقتصادی فعالیت شرکت‌های حمل ریلی هم سهمی از مزیت‌های اقتصادی و صرفه جویی های ملی ناشی از حمل و نقل ریلی به این شرکت ها پرداخت نمی‌شود و هزینه های بالای حمل و نقل ریلی بسیاری از شرکت‌های ریلی را ناتوان کرده است؛ به طوری که فقط برای خرید یک رام قطار باید ۴۵۰ هزار یورو هزینه شود.

عملکرد شرکت های حمل و نقل ریلی هم نشان می دهد با وجود سرمایه گذاری هنگفت دولت یا مالکان شبه دولتی، بسیاری از این شرکت ها در حوزه تولید و حمل و نقل با ظرفیت کم کار می کنند و مسافران هم از خدمات آنها راضی نیستند.

***برای تقویت بنیه مالی شرکت های هواپیمایی و ریلی دو راه وجود دارد؛ یا باید قیمت بلیت آزاد شود یا اینکه دولت پرداخت یارانه به این شرکت ها را آغاز کند؛ البته از آنجایی که دولت قادربه انجام هیچ کمکی در این خصوص نیست، بنابراین تنها راه،آزادسازی نرخ بلیت های هوایی و ریلی است تا این شرکت ها بتوانند با اتکا به توانمندی های داخلی ناوگان خود را نوسازی کنند**

چندی پیش، وزیر راه و شهرسازی درباره وضع صنعت حمل و نقل ریلی کشور گفت: تا سال ۱۴۰۴ به ۲۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری تازه در بخش ریلی نیاز داریم و اگر توسعه حمل و نقل ریلی با برنامه ریزی ادامه یابد، در زمینه زیرساخت، روساخت و خرید تجهیزات مورد نیاز باید سالانه بیش از ۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کنیم.

آخوندی تاکید کرد: در سرمایه‌گذاری های صنعت حمل و نقل ریلی باید به یکپارچگی از مبدا تا مقصد توجه داشت. آمارها نشان می دهد ایران تا افق ۱۴۰۴ به ۲۷۰۰ واگن مسافری و باری نیاز دارد و تامین این واگن ها، سرمایه‌گذاری بسیار بزرگی در صنعت حمل و نقل ریلی می طلبد.محسن پورسیدآقایی مدیرعامل شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران در همین رابطه تاکید می کند: ظرفیت حمل مسافر در ناوگان ریلی تا سال ۱۴۰۴ باید از ۲۵ میلیون به ۴۵ میلیون مسافر و ظرفیت حمل بار هم از ۲۲ میلیارد تن- کیلومتر به ۸۸ میلیارد تن- کیلومتر برسد.

وی به نیاز صنعت حمل و نقل ریلی به ۷۰ هزار میلیارد تومان (۲۵ میلیارد دلار) تا سال ۱۴۰۴ اشاره کرده و می گوید: ۲۴ هزار میلیارد تومان این سرمایه گذاری از بودجه عمومی کشور، ۲۲ هزار میلیارد تومان طبق مصوبه های قانونی از سوی وزارت نفت و ۲۴ هزار میلیارد تومان دیگر با استفاده از سرمایه های بخش خصوصی تامین می شود.

باید به فعالیت شرکت های حمل و نقل ریلی و سازندگان ناوگان با رویکرد یک بنگاه اقتصادی نگاه کرد. از این منظر، هیچ نوع فعالیت زیانده در عرصه کسب و کار قابل دفاع نیست. زیرا هزینه هرگونه فعالیت غیراقتصادی بویژه در بخش های ریلی و هوایی در فرجام از جیب مردم پرداخت می شود.

مدیرعامل شرکت حمل و نقل ریلی رجا با اشاره به اینکه افزایش هزینه ها اجازه نداده است در سال‌های گذشته هیچ سرمایه گذاری تازه ای در حوزه ریلی کشور انجام شود، می افزاید:دولت نمی تواند به طور طولانی به شرکت های حمل و نقل ریلی کمک کند.

بررسی های نشان می دهد فقدان سرمایه گذاری در این بخش از زیان شرکت های ریلی ناشی می شود و تنها راه حل نهایی واگذاری تعیین قیمت به بازار است تا قیمت بلیت ها تابع عرضه و تقاضا شود؛ البته راه آهن بر نرخ بلیت ها نظارت خواهد داشت زیرا بلیت ها به نام افراد صادر می شود و امکان دلالی چندانی در بخش ریلی وجود ندارد.به هر صورت،به نظر می‌رسد برای تقویت بنیه مالی شرکت های هواپیمایی و ریلی دو راه وجود دارد؛ یا باید قیمت بلیت آزاد شود تا این شرکت ها بتوانند با استفاده از توانمندی‌های داخلی و برنامه ریزی مناسب، ناوگان خود را نوسازی کنند یا باید دولت پرداخت یارانه به این شرکت‌ها را آغاز کند.

از آنجا که دولت دیگر نمی‌تواند همانند سال های گذشته یارانه های خود را به این بخش پرداخت کند، بنابراین تنها راه کمک به این شرکت ها آزادسازی نرخ بلیت های هوایی و ریلی است تا با تقویت بنیه مالی، این شرکت ها بتوانند با اتکا به توانمندی داخلی بدون کمک دولتی ناوگان هوایی و ریلی خود را نوسازی کنند.

ایران پس از برجام

کاظم موسوی بجنوردی

۳

تیم دیپلماسی ایران با پیشنهاد صدور قطعنامه‌ای که همه قطعنامه‌های گذشته از جمله این قطعنامه را لغو، نه تعلیق، کند و عبور دادن آن از سازمان ملل، دقیق‌ترین کار دیپلماتیک خود را انجام داد و ایران را از چاهی که برخی مسئولین دولت قبلی با سخنان و اقداماتشان در آن انداخته بودند، بیرون آورد. از زمان تأسیس شورای امنیت و سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ نخستین بار است که یک دولت مشمول فصل هفتم منشور شورای امنیت، بدون توسل به زور و صرفاً با مذاکره از ذیل منشور خارج می‌شود. نکته جالب این است که ایران در قطعنامه‌ای که مخاطب آن خود شورای امنیت است، از ذیل فصل ۷ خارج شد.

در تاریخ مذاکرات ایران با کشورهای خارجی سابقه نداشته که دیپلمات‌های کشور تا این اندازه با دست پر میز مذاکره را ترک کرده باشند؛ این که ایران توانسته شش قطعنامه شورای امنیت و همه تحریم‌ها را لغو کند و حتی غنی‌سازی، توسعه و تجاری‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای را به دست آورد، دستاوردی بی‌نظیر و یگانه است. ایران پس از این هم باید در مذاکراتی که برای حل مسائل منطقه‌ای صورت می‌گیرد، حضور داشته باشد. زیرا در ادبیات دیپلماتیک، مثلی هست که اگر شما پشت میز نباشید، ناگزیر روی میز خواهید بود و حقوقتان خورده خواهد شد.

پیش از توافق، قدرت‌های جهانی از یک سو تحت تأثیر اخبار دروغ و تحلیل‌های نادرست و مغرضانه دشمنان و از سوی دیگر پاره‌ای گفتارها و نوشتارهای دوستان ناآگاه به قوانین بین‌المللی و اصول دیپلماسی، ایران را تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی می‌دانستند. متأسفانه ادبیات رئیس دولت سابق و حامیان او به دنیا این آدرس غلط را داد که هدف ایران از غنی‌سازی هسته‌ای، نظامی ـ امنیتی و مبارزه با اسرائیل است. آنان با همین تصور، اجماعی جهانی را علیه ایران ایجاد کردند و تحریم‌هایی را که در تاریخ معاصر بی‌سابقه بودند، بر ضد این کشور تصویب کردند. همچنین با دامن زدن به پروژه ایران‌هراسی، کشورهای منطقه را به انبار انواع و اقسام تجهیزات و تسلیحات نظامی غرب تبدیل کردند.

حتی گفته شده که مقامات نظامی و امنیتی آمریکا با هدف تهدید ایران، پیشرفته‌ترین موشک‌های خود را که توانایی فرو رفتن تا ۲۰۰ متر اعماق دیواره بتنی را دارند، همراه با نقشه محل فرود احتمالی آن‌ها، در معرض نمایش قرار دادند و از باراک اوباما خواستار صدور مجوز حمله شدند ولی او نپذیرفت.هنر تیم دیپلماسی این بود که اجماع جهانی برای لغو غنی‌سازی و تحریم ایران را به اجماع جهانی برای لغو تحریم و ادامه غنی‌سازی تبدیل کرد. با توافق هسته‌ای سندیت، سنگ‌بنا و اعتبار تئوری‌های اتاق فکرها و پژوهشکده‌های نئو محافظه‌کاران آمریکایی و لابی اسرائیلی ـ عربی که ذات و ماهیت ایران را نشانه گرفته و این کشور را بازیگری نامعقول و خطرناک برای جامعه جهانی و صلح و امنیت بین‌المللی معرفی کرده بودند، فرو ریخت.

برجام، نقطه پایان پروژه امنیتی‌سازی ایران و ایران‌هراسی و آغاز پروسه غیرامنیتی کردن ایران در سطح معادلات و مناسبات منطقه‌ای و جهانی است. نکته مهم آن است که نه تنها ایران از فهرست کشورهای تهدیدکننده امنیت بین‌المللی خارج شده، بلکه در ردیف کشورهای امنیت‌ساز برای جهان قرار گرفته است.

غرب در مقابل کشوری که سالها مشروعیت آن را زیر سؤال برده و دم از تغییر آن می‌زد، تمکین کرد. ایران هم پس از روی کار آمدن دولت آقای روحانی سیاست‌های قبلی را تا حدودی تعدیل کرد و برای گفتگوی سازنده و مؤثر با غرب اعلام آمادگی کرد. پس از آن غربی‌ها در ظرف دو سال، بارها وزرای خارجه‌شان را به پایتخت‌های مختلف فرستادند تا مدت‌های طولانی با وزیر خارجه ایران گفتگو کنند. در آخرین دور مذاکرات، جان کری وزیر خارجه بزرگ‌ترین قدرت جهان، حدود ۱۸ روز در وین ماند و لحظه‌ای از مذاکره غافل نشد و وزرای خارجه ۵ کشور دیگر هم روزهای زیادی در وین بودند.

ادامه دارد

لزوم افشای اطلاعات کارمزد توسط متعهد پذیره نویس

افشای هزینه ها در بیانیه ثبت افزایش سرمایه که در زمان صدور مجوز افزایش سرمایه شرکت ها در سامانه کدال منتشر می شود، باعث خواهد شد سهامداران و خریداران حق تقدم با علم به این موضوع در مورد استفاده یا استفاده نکردن از حق تقدم خود در مهلت مقرر اقدام کنند.

رئیس اداره نظارت بر انتشار و ثبت اوراق بهادار سرمایه ای، بر لزوم شفاف سازی در باره کارمزد قبولی سمت متعهد پذیره نویسی در فرآیند افزایش سرمایه شرکت های ثبت شده نزد سازمان تاکید کرد .

غلامرضا ابوترابی در گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه(سنا) اعلام کرد: از آنجا که شرکت های ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار برای دریافت مجوز افزایش سـرمایه از محل مطالبات حال شده سهامداران و آورده نقدی، ملزم به معرفی شخص حقوقی معتبر به عنوان متعهد پذیره نویس جهت خرید حق تقدم های استفاده نشده که در عرضهٔ عمومی به فروش نرفته، هستند و در برخی موارد متعهدان پذیره نویس برای قبولی سمت تعهد پذیره نویسی، کارمزد می گیرند ، لازم است این شرکت ها در راستای شفاف سازی هر چه بیشتر هزینه ها، از این پس در مورد افشای اطلاعات مربوط به کارمزد قبولی سمت متعهد پذیره نویسی در متن بیانیه ثبت افزایش سرمایه اقدام کنند.

ابوترابی خاطر نشان کرد: تجربه نشان داده با توجه به تأثیر گذاری هزینه های مرتبط با فروش حق تقدم های استفاده نشده بر خالص پرداختی به دارندگان حق تقدم های یاد شده، تصریح نکردن هزینه های مذکور در مستندات مربوط به افزایش سرمایه، گاه منجر به گمراهی فعالان بازار شده و موجب نارضایتی دارندگان حق تقدم استفاده نشده در مورد چگونگی محاسبه مبلغ واریزی به حسابشان می شود.

به گفته ابوترابی، افشای این هزینه ها در بیانیه ثبت افزایش سرمایه که در زمان صدور مجوز افزایش سرمایه شرکت ها در سامانه کدال منتشر می شود، باعث خواهد شد سهامداران و خریداران حق تقدم با علم به این موضوع در خصوص اسـتفاده یا اسـتفاده نکردن از حق تقدم خود در مهلت مقرر اقدام کنند.

این موضوع طی اطلاعیه مورخ ۳۰ دی ۹۴ در سامانه جامع اطلاع رسـانی ناشران اوراق بهادار به نشانی www.codal.ir به آگاهی عموم رسیده است. خبر دیگر اینکه در دومین سالگرد ریزش سنگین و سقوط طاقت فرسـای بازار سـرمایه، با چرخش ۱۸۰ درجه ای و متاثر از اعلام برنامه برجام و لغو تحریم ها، دی امسـال با رشد ۸/۲درصدی شاخص بورس(حدود ۵هزار واحدی) و ۶/۶درصدی شـاخص فرابورس(رشد ۴ هزار واحدی)کام سـهامداران شیرین شد تا امید به ادامه روند صعودی پررنگ تر شود.محمد پورتدین کارشناس بازار سرمایه با بیان مطلب فوق درباره افزایش ارزش معاملات طی هفته گذشته به پایگاه اطلاع رسانی بازار سـرمایه (سنا)، گفت: هجوم سهامداران جدید و ورود مجدد سهامداران قدیمی علاوه بر رشد حجم و ارزش معاملات سبب شد حجم معاملات در بورس ۱۴۸ درصد و در فرابورس ۷۵ درصد در دی نسـبت به ماه قبل افزایش پیدا کند.وی با بیان اینکه افزایش مشارکت سهامداران حقیقی نسبت به حقوقی ها نشان از برگشت شتابان اعتماد سهامداران حقیقی بعد از دوران سخت و زیان بار دو ساله گذشته دارد، اظهار داشت: طی ماه گذشـته سهامداران حقیقی ۲۳۶۰ میلیارد تومان سهام خریداری و ۲۱۲۰ میلیارد تومان سهام فروخته‌اند که نشان می‌دهد جمع خریداران حقیقی از فروشندگان بیشتر بوده است.

پورتدیـن درباره عملکـرد بازیگران حقوقی طی این مدت گفت: سهامداران حقوقی طی دی۲۳۷۰ میلیارد تومان سهام خریداری و ۲۶۱۰ میلیارد تومان سهام فروخته‌اند که نشان می‌دهد برخلاف حقیقی‌ها، حقوقی‌ها بخش قابل توجه ای از سهام‌شان را برای پوشش هزینه های مختلف در ماه های پایانی سال و فرارسیدن سر رسید تعهداتشان فروخته‌اند.

بازار در یک نگاه

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (یکشنبه۹۴/۱۱/۴)

مجموع حجم معاملات	۱/۸۱۸ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۳/۴۸۱/۱۳۲ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۱۱۱/۶۵۵ معامله
ارزش بازار	۲/۸۸۲/۱۰۷ میلیارد ریال

تامین مالی صنعت سیمان در بورس کالا

شـرکت سیمان سپاهان امروز با انتشار اوراق سلف موازی استاندارد ۲۰۰ هزار تن سیمان پرتلند تیپ دو تولیدی قصد تامین مالی ۲۰۰ میلیارد ریالی را از طریق این ابزار مالی در بورس کالای ایران دارد.

پس از تامین مالی بلندت مدت شرکت های معدنی و پتروشـیمی از طریق اوراق سـلف موازی استاندارد در بورس کالای ایران، این بار نوبت به صنعت سیمان رسید تا شرکت‌های حاضر در این صنعت به منظور تامین سرمایه در گردش، مسیر دیگری را به جز سیستم بانکی انتخاب کنند.

به گزارش روابط عمومی بورس کالای ایران، سود این اوراق ۲۳ درصد روز شمار و بازدهی اوراق در سررسید ۲۴ تا ۲۸ درصد خواهد بود، براساس این قرارداد، خریدار در پایان دوره می‌تواند نسبت به تحویل فیزیکی یا تسویه نقدی با توجه به قیمت دارایی پایه در سررسید و بر اساس قیمت اعمال اختیار فروش تبعی یا اختیار خرید تبعی اقدام کند.

بر اسـاس این قرارداد، اندازه هر قرار داد یک برگ معادل (۱۰ تن) و تحویل آن یک سال پس از تاریخ عرضه اولیه اسـت همچنین روش عرضه اولیه این اوراق، روش عرضه گسـترده به قیمت ثابت است که سقف حجم هر سـفارش در این معاملات نا محدود خواهد بود.مدت این قرارداد یک سال از تاریخ عرضه اولیه تعیین شده و تحویل فیزیکی آن ۱۰ روز پس از سـر رسـید صورت می گیرد، این در حالی است که دوره تحویل حداکثر یک ماه پس از تاریخ سر رسید است.

چشم انداز مثبت بازار سرمایه پس از لغو تحریم ها

عقدقراردادصنایع خودروسازی کشوربه‌عنوان‌شناسنامه‌صنعت‌کشور با یکی از برترین خودروسازان دنیا در نخستین روزهای اجرای عملی بر جام، نشان دهنده پتانسیل بالای بازار ایران برای شرکای خارجی است که با کمی درایت می‌توان با اسـتفاده از سرمایه گذاری‌های خارجی در صنایع مادر نظیر پتروشـیمی ها و خودرویی ها شاهد تحول عظیمی در این بخش‌هـا در مدت زمان کوتاهی بود.

بازار سـرمایه که در دو سال اخیر با رکود کم سـابقه ای مواجه شده است حال در فکر بازپسگیری رکوردهای گذشـته و بازگشت به رونق در دوران پسا برجام است.

محسن نقدی بابائی کارشناس بازار سـرمایه با بیان مطلب فوق درباره عوامل رکود طی دو سـال گذشته به پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، گفت: عوامل متعددی در دو سال اخیر باعث این رکود شد که از مهمترین آنها می توان به کاهش قیمت نفت، تشـدید تحریم های بین‌المللی،افزایش نرخ سود بانکی و افزایش نرخ ارز اشاره کرد.

وی افزود: در کنار تحریم‌های بیـن المللی، افزایش نرخ سـود سـپرده‌ها که منجر به افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی شد، موجب فشـار مضاعف بر تولید شد و از طرف دیگر بانک ها با جذب یک طرفـه نقدینگی موجود در جامعه عملا باعث انباشـته شدن سرمایه کشور در بانک ها شدند.

این کارشـناس بازار سرمایه اظهار داشت: در این بین با افزایش تحریم‌های بین المللی هزینه خرید مواد اولیـه و ارائه خدمات برای شـرکت های داخلی به صورت چشمگیری افزایش یافت که همین امر موجب کاهش قابل توجه حاشیه سود شرکت ها شد.

نقدی بابائی در ادامه تصریح کرد: با توجه به کاهش قیمت نفت در دوسال اخیر که منجر به کاهش درآمد دولت شد ونتوانست در این شرایط از صنایع داخلی و بنگاه های اقتصادی کشور حمایت مناسبی را داشته باشد.

به گفتـه نقدی بابائی تمامی این مسائل ذکر شده باعث کاهش سودآوری شرکت ها شد و به تبع آن خروج منابع از بازار سـرمایه به سمت سپرده های بانکی آغاز شد و به مرور شتاب گرفت. وی خاطر نشـان کرد: یکی از جدی ترین موضوعاتی که بورس در این مدت از آن رنج برده است کمبود نقدینگی در بازار سرمایه است .

این کارشـناس بازار سرمایه درباره اهمیت پسـابرجام در بازار سرمایه گفت: لغو تحریم ها منجر به تسـهیل در مبادلات بین المللی می‌شود که باعث کاهش هزینه های تولید در بنگاه های اقتصادی خواهد شـد و به رونق آنها کمک می کند اما بازارسـرمایه در گام اول انتظار کاهش نرخ سـود بانکی همسو با کاهش نرخ تورم در جامعه را دارد تـا زمینه ورود نقدینگی جدید به بازار فراهم شود.

وی تصریـح کرد: باید توجه داشت که بهبود فضای کسب و کار فقط با لغو تحریم ها میسر نمی شود چون دولت هم باید به سهم خود با وضع قوانین مناسب برای شرکت ها در صدد حمایت هر چه بیشتر از آنها برآید. حمایتی که می توان آثار آن را مستقیماً در شرکت های موجود در بازار سرمایه مشاهده کرد.

وی با اشاره به اهمیت تعیین قیمت مناسـب برای نرخ خوراک پتروشیمی ها و یا تعیین نرخ بهره مالکانه عادلانه برای معدنی ها اظهار داشـت: نکته ای که باید در اینجا توسط سرمایه گذاران مورد توجه قرار بگیرد این است که آثار این اتفاقات بر اقتصاد کشور و صورت‌های مالی شرکت ها نیازمند یک زمان حداقل یکساله است و سرمایه گذاران نباید توقع یک معجزه را در کوتاه مدت در وضعیت سودآوری شرکت ها داشته باشند.

نقـدی بابائی گفت: هر چند که دولت سـهم نفت را در بودجه سال ۹۵ به میزان ۲۵ درصد در نظر گرفته اسـت اما انتظار می رود در کنار سایر حمایت های ذکر شده، دولت تخفیفات مالیاتی قابل توجه‌ای در جهت بازگشـت هر چه زودتر و بهتر رونق به شـرکت ها را در نظر بگیرد.

وی در ادامه به نرخ ارز به عنوان یک عامل اثر گذار در بازار سرمایه اشاره کرد و گفت: نرخ ارز هم از مولفه های تاثیر گذار بر بازار است که با اجرای صحیح برجام و کاهش نرخ سود بانکی و نظارت بیشتر بانک مرکزی که امسال با سامان دادن به صرافی ها و بازار غیر رسـمی ارز آغاز شـده است به مرور زمان به تعادل بر اساس تقاضای واقعی بازار می رسد.

وی در ادامـه ابراز امیدواری کرد: روند مثبت بازار که شروع آن از هفته‌های قبل پس از ماه ها رکود آغاز شـده است به همین طریق تا پایان سال ادامه یابد و شاهد تحرکات بیشتر در ورود حقوقی ها به بازار باشـیم.به گفته این کارشناس بازار سـرمایه با توجه به در پیش بودن انتخابات در اسفند ماه انتظار می رود در روزهای اینده شاهد تاثیر پذیری بیشتر بازارسرمایه از این رویداد مهم سیاسی باشیم.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
قند شیرین خراسان	۱۰,۳۹۰	۲,۳۹۳	بیمه دانا	۱,۵۱۰	۳۳	کارخانجات تولیدی شهید قندی	۲,۳۰۱	۲۰
تولیدمحورخودرو	۱,۰۹۳	۱۴۶	لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۴۵۱	۶۹	پتروشیمی جم	۹,۰۱۰	۸۳−
گروه صنعتی بارز	۳,۵۸۴	۳۱۷	قند نیشابور	۱,۴۰۱	۶۶	پتروشیمی مبین	۳,۳۵۷	۲۴
ح .گروه دارویی سبحان	۵,۸۶۸	۵۳۳	پتروشیمی آبادان	۲,۲۹۰	۱۰۹	لیزینگ ایرانیان	۱,۱۸۵	۱۶−
ح . ایرانیاساتایروابر	۹۷۶	۸۸	سیمان کرمان	۳,۴۱۹	۱۶۲	داروسازی سینا	۱۸,۳۹۰	۶۹۸
ح . صنایع بهشهر(هلدینگ)	۸۸۹	۸۰	ملی صنایع مس ایران	۱,۳۲۸	۶۳	فیبر ایران	۲,۸۷۹	۱۳۷
ح . لامپ پارس شهاب	۳,۸۰۰	۲۵۰	سیمان‌سپاهان	۱,۰۱۹	۴۸	پتروشیمی شازند	۴,۸۵۶	۶۴−
ح . محورسازان‌ایران‌خودرو	۱,۹۶۹	۱۷۹	ایران تایر	۳,۲۰۰	۶۴	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۱,۹۰۵	۴
ح . ایران خودرو	۱,۰۷۹	۴۹	سرمایه گذاری پردیس	۹۴۵	۳۱	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ)	۲,۳۴۵	۱۷−
ح . سرمایه‌گذاری سپه	۴۷۴	۴۳	تامین ماسه ریخته‌گری	۲,۵۰۰	۱۱۹	دارویی رازک	۳۱,۰۰۰	۱,۲۷۹
سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۱,۱۸۳	۷۹	بانک انصار	۲,۶۰۵	۶۰	کاشی سعدی	۱,۸۳۳	۸۷
ح . قطعات اتومبیل ایران	۵۵۷	۱۱	داروسازی اکسیر	۱۲,۰۰۸	۵۷۱	شرکت ارتباطات سیار ایران	۳۲,۵۳۱	۳۱
داروسازی جابرابن‌حیان	۱۰,۷۳۲	۵۱۱	شکرشاهرود	۱,۳۵۲	۵۸	سرمایه گذاری نور کوثر ایرانیان	۱,۰۹۳	۴۵
صنایع شیمیایی فارس	۶,۹۱۱	۳۲۹	سیمان شرق	۱,۰۰۸	۴۸	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۶۷۳	۶
داروسازی امین	۳,۰۲۵	۱۴۴	توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۹۵۳	۹۳	نیروترانس	۴,۴۸۰	۲۸
ایران‌یاساتایروابر	۲,۰۳۸	۹۷	کالسیمین	۱,۸۲۲	۸۶	لنت ترمزایران	۲,۸۳۱	۲۴−
مس شهیدباهنر	۱,۳۰۳	۶۲	سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ)	۱,۳۸۱	۶۵	بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۱۷۱	۳−
کیمیدارو	۷,۱۶۷	۳۴۱	بیمه ما	۲,۵۴۴	۱۲۱	نوسازی‌وساختمان‌تهران	۱,۷۷۵	۲۲−
تولیدموادداولیه‌داروپخش	۱۵,۹۱۲	۷۵۷	سیمان‌خاش	۸,۰۵۳	۳۸۳	بیمه ملت	۱,۳۰۴	۲۰−
داده‌پردازی‌ایران	۱,۷۴۵	۸۳	لیزینگ‌خودروغدیر	۲,۰۰۵	۶۷	جام‌دارو	۱۱,۳۹۷	۵۴۲
ماشین سازی اراک	۳,۳۶۴	۱۶۰	صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۹,۱۹۹	۳۳۸	فولاد آلیاژی ایران	۱,۱۷۶	۵۶
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱,۵۷۷	۷۵	فنرسازی‌خاور	۲,۴۲۷	۱۱۵	بانک کارآفرین	۳,۰۰۰	۷۶
فرآورده های نسوزایران	۸,۷۰۷	۴۱۴	سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۵۱۶	۳۷	نساجی بروجرد	۳,۷۹۸	۱۸۰
فرآورده‌های تزریقی ایران	۷,۸۴۶	۳۷۳	صنعتی آما	۳,۶۸۲	۱۷۵	نوردوقطعات فولادی	۳,۹۰۰	۱۰۱
گروه دارویی سبحان	۶,۷۹۹	۳۲۳	گروه مپنا (سهامی عام)	۸,۱۳۴	۳۸۷	داروسازی فارابی	۹,۳۵۴	۴۴۵
گروه دارویی سبحان	۶,۷۹۹	۳۲۳	پالایش نفت اصفهان	۲,۲۵۲	۶۵	سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۲,۵۰۰	۳۵
دارویی لقمان	۳,۴۷۴	۱۶۵	موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۲,۲۵۲	۵۹	صنایع سیمان دشتستان	۲,۰۳۵	۴۵−
بانک خاورمیانه	۳,۲۰۳	۱۵۲	مارگارین	۵,۲۹۰	۲۴۲	سایپاشیشه	۱,۹۴۳	۳۴−
ذغالسنگ نگین طبس	۱,۸۵۰	۶۳	لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۰۰۰	۳۶	ح . سیمان شرق	۱	۰
سایپاآذین	۳,۱۸۳	۱۵۱	کارخانجات‌داروپخش	۶,۳۲۳	۳۰۱	سیمان‌اصفهان	۱۳,۶۸۷	۷۲۰−
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۲,۶۱۶	۱۲۴	سازه پویش	۱۹,۳۴۸	۹۲۱	کاشی وسرامیک حافظ	۳,۰۲۳	۱۵۹−
تولیدی‌مهرام	۱۳,۰۶۷	۶۲۲	پشم‌شیشه‌ایران	۷,۵۶۱	۳۶۰	سپنتا	۱۱,۲۶۷	۵۷۵−
سایپا دیزل	۱,۰۴۰	۴۹	سیمان بهبهان	۱۵,۵۰۰	۳۵۵	کویر تایر	۵,۶۷۸	۸۸
لامپ پارس شهاب	۵,۱۸۲	۲۴۶	بیمه البرز	۱,۱۸۰	۱۷	صنایع‌شیمیایی‌ایران	۳,۷۷۰	۲۳−
زامیاد	۱,۶۵۶	۷۸	معدنی و صنعتی گل گهر	۱,۷۸۲	۸۴	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۱۵۹	۳۸
گلتاش	۱۱,۷۶۹	۵۶۰	سرما آفرین	۲,۰۵۸	۳۹	ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱,۹۰۹	۵۷
مهندسی‌نصیرماشین	۳,۴۴۴	۱۶۴	بانک ملت	۲,۲۱۰	۳۷	پالایش نفت تبریز	۲,۹۶۵	۳۰−
سامان گستراصفهان	۱,۲۷۶	۶۰	سرمایه گذاری آتیه دماوند	۲,۰۷۹	۱۴	ایران مرینوس	۸,۹۱۰	۳۹۲−
ایران‌ارقام	۳,۴۹۰	۱۶۶	سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۲,۴۵۰	۱۱۶	گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۱,۸۱۵	۲۶
شیشه همدان	۶,۸۰۰	۳۲۳	بانک پاسارگاد	۱,۳۳۹	۴۳	پتروشیمی فناوران	۱۶,۲۶۰	۴۴۵−
سیمان فارس و خوزستان	۱,۵۱۸	۷۲	داروسازی کوثر	۱,۷۴۴	۸۳	ایران ترانسفو	۱۰,۳۹۷	۵۲−
پارس خزر	۱۴,۹۹۹	۷۱۴	سیمان‌غرب	۳,۲۵۴	۱۴۹	پتروشیمی خارک	۱۱,۹۸۰	۸۳−
سرمایه گذاری توسعه صنعتی ایران	۹۲۰	۴۳	بانک‌اقتصادنوین	۱,۸۰۲	۸۵	صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱,۲۰۱	۳۲−
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۲۴۳	۵۹	قنداصفهان	۶,۴۵۰	۳۴	صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۵,۱۶۳	۸۷−
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۲,۳۷۹	۱۱۳	شهد	۹,۲۰۰	۸۳	پتروشیمی‌شیراز	۳,۰۸۶	۲۶−
بیمه پارسیان	۲,۲۶۰	۱۰۷	توسعه‌معادن‌وفلزات	۱,۰۷۴	۵۱	قندنقش‌جهان	۷,۵۵۳	۸۷−
فولاد مبارکه اصفهان	۱,۱۲۰	۵۳	بیمه آسیا	۱,۴۰۰	۱۳	شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۸,۴۰۰	۱۵۲−
ایران‌دارو	۴,۷۹۸	۲۲۸	صنایع آذرآب	۴,۱۸۰	۵۴	پتروشیمی مبین	۳,۳۲۰	۱۳−
پاکسان	۴,۱۴۱	۱۹۷	داروسازی زاگرس فارمد پارس	۶,۴۳۰	۱۵۹	پارس الکتریک	۷,۴۲۹	۶۶
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۲,۱۳۴	۱۰۱	افست	۳,۸۶۲	۱۸۳	موتوژن	۵,۷۰۰	۲۰۴−
ملی سرب‌وروی ایران	۱,۳۸۱	۶۵	عمران‌وتوسعه‌فارس	۲,۵۳۰	۳	ح . رادیاتور ایران	۱,۸۱۴	۹
سیمان کارون	۲,۷۵۱	۱۳۱	سیمان قائن	۱۱,۴۵۰	۳۴۷	نفت پارس	۷,۳۷۰	۱۳۳
قند مرودشت	۳,۰۸۴	۱۴۶	قطعات اتومبیل ایران	۱,۵۸۰	۲۵	بیسکویت گرجی	۳,۶۹۱	۱۸۰−
ایران خودرودیزل	۹۸۱	۴۶	البرزدارو	۱۳,۰۰۰	۲۲۲	کشاورزی ودامپروی مگسال	۲۲,۵۰۰	۵۰۱−
پست بانک ایران	۱,۴۷۳	۷۰	گروه‌بهمن	۲,۰۷۵	۱۵	کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۵,۸۵۰	۸۷−
مهرکام‌پارس	۱,۶۵۹	۷۹	لیزینگ‌ایران	۲,۰۲۲	۱۲	نفت سپاهان	۶,۴۱۰	۱۰۰−
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۳,۹۸۱	۱۸۹	نیرو محرکه	۱,۵۸۶	۷۵	سالمین	۲,۱۳۶	۴۶−
سیمان داراب	۱,۲۰۷	۵۷	سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱,۱۴۵	۵۴	فرآورده‌های‌نسوز آذر	۱,۵۰۰	۵۷−
کاشی پارس	۵,۴۳۴	۲۵۸	سیمان کردستان	۱,۲۲۲	۲۵	سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۲۵۵	۲۲−
پلاسکوکار	۱,۳۴۹	۶۴	صنعتی بهشهر	۸,۲۰۰	۱۹۱	لیزینگ رایان سایپا	۲,۰۸۰	۵۲−
سیمان تهران	۱,۷۹۰	۸۵	سرمایه گذاری شاهد	۱,۲۳۱	۲−	نفت بهران	۷,۸۰۰	۴۰−
سرمایه گذاری دارویی تامین	۵,۳۳۵	۲۵۴	پارس دارو	۱۲,۷۲۷	۶۰۶	سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۲,۶۵۱	۶۶−
قندهکمتان	۲,۷۹۶	۱۳۳	ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۲,۰۷۰	۵۶	سرمایه‌گذاری صنعت بیمه	۱,۷۹۶	۲۸−
بانک تجارت	۱,۱۳۲	۵۳	کمباین سازی ایران	۸۳۸	۱۰	تراکتورسازی‌ایران	۲,۲۲۶	۵−
محورسازان‌ایران‌خودرو	۲,۸۳۱	۱۳۴	چرخشگر	۲,۹۴۹	۱۴۰	پتروشیمی پردیس	۸,۹۵۱	۲۱۴−
بانک صادرات ایران	۹۸۹	۳۷	لامیران	۳,۲۳۱	۱۵۳	ح.سرمایه گذاری نورکوثرایرانیان	۷۶	۲−
توسعه معادن روی ایران	۱,۲۶۲	۶۰	پمپ سازی ایران	۲,۲۳۶	۱۰۶	مخابرات ایران	۲,۷۰۰	۷۴−
الکتریک خودرو شرق	۱,۷۰۹	۸۱	سیمان‌شاهرود	۲,۰۹۹	۹۲	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۴,۱۰۰	۱۱۸−
سرمایه‌گذاری سپه	۱,۵۰۰	۷۱	بهنوش ایران	۴,۰۵۱	۳۶	سیمان سفید نی‌ریز	۱۶,۷۸۴	۸۸۳−
پلی‌اکریل	۲,۴۴۲	۱۱۶	خدمات‌انفورماتیک	۱۶,۳۳۹	۷۷۸	ح. سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۱,۴۳۰	۴۳−
سرمایه‌گذاری‌ملت	۶۸۱	۳۲	حفاری شمال	۳,۴۸۰	۲۷	ح. صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۳,۱۵۰	۵۰−
ایران خودرو	۲,۲۷۳	۱۰۸	داروسازی اسوه	۱۷,۶۶۷	۷۳۱	پارس مینو	۳,۳۴۶	۴−
معدنی املاح ایران	۱۱,۷۰۵	۵۵۷	کارخانجات قند قزوین	۲,۹۰۸	۱۳۸	لبنیات‌کالبر	۱,۷۲۰	۷۴−
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ)	۱,۸۸۰	۶۴	گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۲,۵۴۲	۲۶−	شیشه و گاز	۲,۹۹۰	۷۴−
سیمان‌هگمتان	۲,۳۸۸	۱۱۳	گروه صنعتی پاکشو	۱۱,۱۲۰	۳۵۵	کابل البرز	۲,۱۷۲	۶۰−
قند ثابت خراسان	۱,۳۶۷	۶۵	آهنگری تراکتورسازی ایران	۲,۲۲۱	۲۱−	فرآورده‌های نسوز پارس	۶,۶۹۷	۱۰۹−
پارس خودرو	۱,۱۵۲	۵۴	س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۲,۳۱۰	۱۴	پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۴۷۳	۵۱−
فنرسازی‌زر	۱,۴۳۷	۶۸	کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۶,۰۲۰	۴۱	سرمایه گذاری پارس توشه	۳,۱۹۲	۱۰۴−
قند لرستان	۲,۸۱۰	۱۳۳	سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۲۳۶	۵۸	رادیاتور ایران	۲,۹۶۲	۱۳۱−
سیمان‌ارومیه	۳,۸۷۲	۳۰۲	سیمان‌هرمزگان	۵,۴۲۷	۲۵۸	تایدواترخاورمیانه	۶,۷۱۶	۱۸۱−
درخشان تهران	۱,۶۶۶	۷۹	بانک سینا	۱,۶۹۱	۲۱−	حمل‌ونقل‌توکا	۲,۶۸۵	۶۴−
کمک‌فرایندامین	۱,۰۲۴	۴۸	کارت اعتباری ایران کیش	۲,۷۹۴	۱۳۳	نیروکلر	۳,۲۰۰	۱۲۸−
نورد آلومینیوم	۹۵۲	۴۵	صنایع‌شیمیایی‌سینا	۸,۴۰۱	۴۰۰	سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۱,۴۱۵	۶۹−
داروپخش (هلدینگ)	۱۸,۷۰۰	۸۶۱	سیمان فارس نو	۴,۵۵۰	۴۷	شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۴,۹۹۹	۱۲۷−
تولیدی کاشی تکسرام	۸۵۸	۴۱	داروسازی روزدارو	۶,۲۵۰	۶۳	داروسازی ابوریحان	۱۲,۱۰۰	۵۰۲−

بیمارستان‌های کشور برای بهسازی نیاز به ۵۳ هزار میلیارد تومان اعتبار دارد

یزد - خبرنگار اطلاعات: بهسازی و فضاسازی بیمارستان‌های موجود در سطح کشور نیازمند ۵۳ هزار میلیارد تومان اعتبار است.

محمد آقاجانی معاون درمان وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به دنبال سفر یک روزه خود به استان یزد و پس از پایان بازدید از بیمارستان‌ها در حاشیه جلسه با مسئولان دانشگاه علوم پزشکی یزد گفت: تعداد زیادی از بیمارستان‌های کشور نیازمند بهسازی و فضاسازی هستند.

وی افزود: در تلاش برای تحقق این امر و تخصیص اعتبار برای بهبود وضع عمرانی بیمارستان‌ها هستیم.

او همچنین از کمبود ۱۱۵ هزار تخت بیمارستانی در سطح کشور خبر داد و گفت: ایجاد بیمارستان‌هایی از جمله بیمارستان ۲۸۰ تختخوابی شهید رهنمون یزد در مناطق مختلف کشور، بخشی از این نیازها را برطرف خواهد کرد.

آقاجانی بیمارستان شهید رهنمون یزد را یکی از با کیفیت‌ترین بیمارستان‌های دولتی در سطح کشور خواند و افزود: این بیمارستان که در ۸ طبقه و ۳۲ هزار مترمربع زیربنا ساخته شده است، ۲۸۰ تخت بستری و ۱۶ تخت مراقبت ویژه دارد.

وی گفت: امیدواریم این بیمارستان بهار سال آینده به بهره‌برداری برسد که بهره‌برداری از این بیمارستان، علاوه بر رفع نیازهای مردم استان یزد، بخشی از نیازهای استان‌های جنوب و جنوب‌شرقی کشور را نیز تامین می‌کند.

آقاجانی همچنین با اشاره به بازدید خود از بیمارستان‌های شهید صدوقی و افشار نیز گفت: بیمارستان افشار نیز یک کلینیک در حال ساخت دارد که تا دهه فجر ایجاد خواهد شد.

او اظهار داشت: این بیمارستان به عنوان تنها مرکز تخصصی قلب در استان یزد و منطقه جنوب‌شرق کشور، با آمادگی و امکانات بیشتری به بیماران خدمات‌رسانی خواهد کرد.

وی در پایان هدف خود از سفر به استان یزد را پایش و ارزیابی اجرای طرح تحول سلامت در بیمارستان‌ها اعلام کرد و افزود: در بیمارستان‌های بازدید شده، علاوه بر پایش این طرح، مسائل و مشکلات کارکنان شرکتی و قراردادی بیمارستان‌ها، پرستاران و پزشکان نیز مورد بررسی قرار گرفت.

ابراز نگرانی امام جمعه بم از افزایش طلاق

کرمان - خبرنگار اطلاعات: همایش منطقه‌ای موسسه‌های قرآنی با حضور رئیس دارالقرآن و مدیرعامل اتحادیه مؤسسه‌های قرآنی کشور در بم برگزار شد.

در این همایش حجت‌الاسلام قاسم دانشی امام جمعه بم در سخنانی تأکید کرد: باید تلاش کنیم تا معرفتمان نسبت به قرآن کریم و خاندان اهل بیت(ع) بیشتر شود؛ چرا که این دو سفارش مهم پیامبر اسلام(ص) است.

وی افزود: آشنایی ما با قرآن این کتاب آسمانی باید بیشتر شود و مسئولان وظیفه دارند در راستای ترویج فرهنگ قرآنی گام بردارند.

امام جمعه بم یادآور شد: هرآن چه افتخار نصیب کشور ما شده از فرهنگ قرآنی بوده و هرچه مشکلات در خانواده‌ها وجود دارد به دلیل دوری آنها از قرآن است.

دانشی با ابراز نگرانی از افزایش آمار پرونده‌های طلاق، بر ارتباط هرچه بیشتر خانواده‌ها با قرآن تأکید کرد.

وی با تأکید بر لزوم تلاش برای قرآن‌آموزی به نسل نوجوان و جوان، افزود: با توجه به فرمایش و تأکید رسول خدا(ص) بر تلاوت قرآن با صوت زیبا می‌طلبد که در این زمینه اقدام‌های لازم انجام گیرد و قاریان متعددی در مؤسسه‌های قرآنی تربیت شوند.

روحانیت تنور انتخابات را گرم نگهدارد

بافق - خبرنگار اطلاعات: روحانیت با ایجاد شور و نشاط در مردم، تنور انتخابات را گرم نگهدارد.

این مطلب را حجت‌الاسلام سید جواد سلیمانی امام جمعه بافق در جلسه فرهنگ عمومی شهرستان بافق بیان کرد و با تاکید بر این که باید با مردم شفاف و با ارائه سند و مدرک سخن گفت، افزود: مردم با برگزاری انتخابات پر شور و قانونمند و حضور حداکثری خود پای صندوق‌های رای مشت محکمی بر دهان یاوه‌گویان زده و نقشه شوم دشمنان را نقش برآب می‌کنند.

وی خطاب به دست‌اندرکاران امر انتخابات اظهار داشت: باید در مورد رای مردم، حق‌الناس رعایت شود و در همه موارد امانت دار حقوق مردم باشیم.

فرماندار بافق هم در این نشست با اشاره به این که امسال، سال انتخابات است و دنیا به انتخابات اسفند ماه چشم دوخته است، افزود: مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی از حساسیت و جایگاه بالایی برخوردار است و ما وظیفه داریم برای حضور گسترده در انتخابات، تبلیغ و مردم را به حضوری پرشور دعوت کنیم.

سید مهدی طلایی‌مقدم از مردم شهرستان بافق به عنوان بیشترین حضور در انتخابات دوره‌های گذشته در استان یزد خبر داد و گفت: برای مردم بافق حضور در انتخابات یک فرهنگ شده و باید این فرهنگ عمومی را ترویج داد و پاس بداریم چراکه باعث افتخار بافق در سطح کشور و استان است.

وی، تدوین سند چشم انداز فرهنگی - اجتماعی شهرستان بافق، برنامه‌ریزی و اعلام آمار و مستندات صحیح را لازمه عملیاتی شدن این سند خواند و افزود : اصول کار مطالعاتی برنامه‌ریزی است، پس ادارات این شهرستان تلاش کنند در این راستا ایده‌های نوین و طرح های خود را اعلام کنند.

پیگیری ساخت بوستان وحشی بافقی با تمام امکانات فرهنگی و اجتماعی ، بررسی و معرفی شاخص‌های هنرمندان و مفاخر شهرستان از جمله مواردی بود که در شورای فرهنگ عمومی شهرستان بافق مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

افتتاح سامانه کنترل الکترونیکی تصفیه خوراک در پالایشگاه نفت بندرعباس

بندرعباس - خبرنگار اطلاعات: با تلاش متخصصان شرکت پالایش نفت بندرعباس سامانه کنترل الکترونیکی تصفیه خوراک ورودی واحد آیزوماکس پالایشگاه بندرعباس که در این شرکت طراحی و ساخته شده بود، پس از آزمایش‌های متعدد و رفع اشکال در مراسم ویژه‌ای به بهره‌برداری رسید.

مدیرعامل شرکت پالایش نفت بندرعباس در این‌باره گفت: برای تمیز کردن فیلترهای سامانه تصفیه خوراک واحد آیزوماکس، از جریان معکوس خوراک ورودی (BACK WASH) استفاده می‌شود که پیش از این با یک مدار کنترل نیوماتیک مدیریت می‌شد.

هاشم نامور افزود: با توجه به مشکلات سامانه کنترل نیوماتیک از قبیل هزینه نگهداری بالا، دسترسی سخت به قطعات یدکی و زمانبر بودن عیب‌یابی، گروه ابزار دقیق شرکت پالایش نفت بندرعباس، برای بهینه‌سازی سامانه یاد شده، اقدام به جایگزینی سامانه نیوماتیک از طریق طراحی سامانه کنترل الکترونیکی کرد.

وی گفت: در سامانه کنترل الکترونیکی بخش تصفیه خوراک با اضافه شدن ویژگی عیب‌یابی (TROUBELSHOOTIN)، در صورت بروز مشکل امکان عیب‌یابی سریع سیستم فراهم شد و علاوه بر آن دسترسی آسان به قطعات یدکی، دقت بالا و کاربری آسان از دیگر ویژگی‌های این سامانه نسبت به سامانه نیوماتیک است.

گازهای سبک سوختی، گاز مایع، نفتای سبک و سنگین، نفت سفید و نفت گاز از مهمترین محصولات تولیدی در واحد آیزوماکس پالایشگاه بندرعباس است. شرکت پالایش نفت بندرعباس ۱۸ درصد فرآورده‌های نفتی کشور را تولید می‌کند که بنزین، گاز مایع،نفت گاز، نفت سفید، همچنین سوخت جت، نفتای سنگین صادراتی، نفت کوره و گوگرد از فرآورده‌ها و محصولات تولیدی این پالایشگاه هستند.

انعقاد تفاهمنامه ساخت ۱۰۰۰ تخت بیمارستانی در لرستان

خرم‌آباد - خبرنگار اطلاعات: وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گفت: برای ساخت ۱۸ هزار تخت بیمارستانی در کشور تفاهمنامه بین این وزارتخانه و قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء منعقد شده است.

دکتر سیدحسن هاشمی در آیین انعقاد تفاهمنامه ساخت ۱۰۰۰ تخت بیمارستانی در لرستان افزود: قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء فرصت بزرگی برای رفع موانع و مشکلات حوزه بهداشت و درمان است. وی ادامه داد: از مجموع ۱۸ هزار تخت بیمارستانی تفاهم‌شده با قرارگاه خاتم ۱۰۰۰ تخت در لرستان ساخته خواهد شد که امید است امکان ساخت ۱۸ هزار تخت مورد توافق ظرف پنج‌سال آینده در سطح کشور فراهم شود.

به گفته وی در حال حاضر حدود ۲۰۰۰ تخت فعال در سطح استان لرستان وجود دارد و ۱۵۰۰ تخت بیمارستانی دیگر غیر از تخت‌های فرسوده مورد نیاز این استان است.

وی با ابراز امیدواری از این‌که این تخت‌ها تا ظرف ۳۶ ماه آینده در استان فعال می‌شوند گفت: همچنین در حوزه توسعه بهداشت و درمان استان نیز توافق شده است که بیش از ۱۰۰ مرکز بهداشتی، خانه بهداشت و مراکز خدماتی با زیربنای بیش از ۲۵ هزار متر مربع با همکاری قرارگاه خاتم‌الانبیاء در لرستان ساخته شود.

فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء نیز در این مراسم گفت: ۱۶ هزار طرح محرومیت‌زدایی توسط قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء در سطح کشور اجرا می‌شود.

سردار عبادالله عبدالهی در آیین انعقاد تفاهمنامه ساخت ۱۰۰۰ تخت بیمارستانی در لرستان افزود: این قرارگاه تاکنون طرح‌های بزرگی را انجام داده و در زمینه سازندگی کشور موفقیت‌های بزرگی داشته است.

وی اظهار داشت: در حوزه بهداشت و درمان نیز طرح‌های بزرگی انجام شده است و در لرستان این تفاهمنامه نیز بر اساس اولویت‌های بهداشت و درمان کشور توافق شده است.

دستگیری ۶ متخلف شکار و صید در استان خوزستان

اهواز - خبرنگار اطلاعات: مدیرکل حفاظت محیط‌زیست خوزستان از دستگیری ۶ متخلف شکار و صید در استان خوزستان خبرداد.

احمدرضا لاهیجان‌زاده با بیان این مطلب افزود: شکارچیان متخلف ۳۱ قطعه پرنده فلامینگو، ۲۳ قطعه خوتکا، ۳۹ قطعه اردک کله سبز، ۲ قطعه باکلان کوچک و یک قطعه کشیم کوچک شکار کرده بودند همراه با دو خودرو حمل پرنده که یکی از آنها مختص بازار کیان اهواز بود، توقیف و مطابق ماده۱۴ قانون شکار و صید دستگیر شدند.

او با اشاره به این‌که متخلفین برای رسیدگی به جرمشان به مراجع قضایی معرفی شدند، گفت: از این متخلفین ۳ قبضه سلاح کشف و ضبط شد. مدیرکل حفاظت محیط‌زیست خوزستان جریمه هر قطعه پرنده فلامینگو را (۱۲ میلیون ریال)، باکلان کوچک را (۱۲میلیون ریال)، اردک کله سبز را (یک میلیون ریال)، خوتکا را (یک میلیون ریال) و کشیم کوچک را (یک میلیون ریال) اعلام کرد.

کودک ربوده شده بمی در سیستان و بلوچستان آزاد شد

کرمان - خبرنگار اطلاعات:فرمانده انتظامی بم از آزادی کودک ربوده شده در این شهرستان و دستگیری۲ نفر از همدستان آدم ربایان با همکاری پلیس زاهدان خبر داد.

سرهنگ محمدرضا فدا گفت: کودک هشت ساله از ابتدای دی به مدت ۳۰ روز گروگان آدم ربایان بود. وی افزود: ماموران پلیس آگاهی بم با انجام اقدامات اطلاعاتی، موفق به شناسایی محل اختفای آدم ربایان در یکی از بخش‌های تابعه زاهدان شدند. به گفته او تیم عملیاتی از بم نیز با هماهنگی قضایی به محل اختفا اعزام شد و علاوه بر آزادی گروگان، ۲ متهم زن که اقدام به نگهداری کودک کرده بودند، نیز دستگیر شدند. وی اختلافات مالی گروگانگیر با همسایه اش را انگیزه این آدم ربایی بیان کرد.

واژگونی تریلر حامل مواد شیمیایی در جادهٔ چرمشهر - ورامین

ورامین - خبرنگار اطلاعات: یک تریلر حامل مواد شیمیایی در جادهٔ چرمشهر - ورامین واژگون شد.

محمدمهمان‌نواز معاون خدمات شهری شهرداری ورامین دراین‌باره اظهار داشت: این حادثه در حد فاصل جادهٔ ورامین به روستای آب باریک رخ داد و در پی آن محموله شیمیایی تریلر در جادهٔ با مواد سوخت این تریلر ترکیب شد و هر لحظه انتظار حادثه‌ای بزرگ می‌رفت که با حضور به موقع مأموران آتش‌نشانی از وقوع هرگونه حادثه جلوگیری شد.

وی افزود: به دلیل احتمال ایجاد مسمومیت شدید نیروهای آتش‌نشانی و نیز تمام تجهیزات یگان موتوری شهرداری ورامین مواد شیمیایی را از محل وقوع حادثه پاکسازی کردند. علت وقوع حادثه در دست بررسی است.

دستگیری دزدان ۷۰ گوسفند

کرج:رئیس پلیس ساوجبلاغ از شناسایی و دستگیری ۴ سارق همراه با ۷۰ راس دام سرقتی دراین شهرستان خبرداد.

سرهنگ احمد جباپور افزود: ماموران گشت انتظامی بخش چهارباغ ساوجبلاغ هنگام گشت به یک کامیون مشکوک شدند و پس ازمتوقف کردن خودرو، یکی ازسرنشینان آن اقدام به فرارکرد که پس از تعقیب و گریز دستگیرشد.

وی اضافه کرد: ماموران پس از بازرسی خودرو ۷۰ راس گوسفند کشف کردند و راننده خودرو و همراهش به پاسگاه انتظامی انتقال یافتند. او یادآور شد: متهمان دربازجویی اعتراف کردند که احشام را ازکوره متروکه دریکی از روستاهای ساوجبلاغ سرقت کرده‌اند و قصد حمل و فروش آن‌ها دریکی از شهرهای مرکزی کشور را داشتند.

علت تیراندازی مرگبار در ماهشهر اختلاف شخصی بود

آبادان: فرمانده انتظامی بندر ماهشهرگفت: علت تیراندازی اخیر در مرکز این شهرستان که به کشته شدن یک شهروند منجر شد، اختلافات شخصی و خانوادگی بود.

سرهنگ جلیل زبیدی افزود:در پی حادثه تیراندازی به در منزلی در خیابان شهید «مجدم» بندر ماهشهر که به کشته شدن یک جوان منجر شد، موضوع در دستور کار پلیس قرار گرفت.وی اظهار داشت:در بررسی مشخص شد که علت تیراندازی اختلافات قبلی خانوادگی مقتول بوده است. او گفت:با تلاش ماموران انتظامی و آگاهی شهرستان ۳ متهم در این ارتباط دستگیر شدند و تحقیقات از آنان ادامه دارد.

تشییع پیکر پدر ۲ شهید در استان یزد

یزد - خبرنگار اطلاعات: حسین ابراهیمی مقدم بسابی، ۸۶ ساله پس از تحمل یک دوره رنج بیماری، به علت سکته قلبی در یزد درگذشت.

مرحوم حسین ابراهیمی مقدم، پدر شهیدان حمید و علی‌اکبر از مردان بزرگ استان یزد بود و خدمات قابل‌توجهی به مردم به ویژه مردم مناطق روستایی سبزدشت بافق ارائه داده بود.

مقام معظم رهبری در سفر سال ۸۶ خود به استان یزد به منزل وی رفتند و با خانواده شهیدان ابراهیمی مقدم دیدار و گفتگو کردند.

شهید حمید ابراهیمی مقدم بسابی در اسفند سال ۶۰ در عملیات بستان و شهید علی اکبر ابراهیمی مقدم بسابی در سال ۶۴ در جزیره مجنون به شهادت رسیدند.

مرحوم ابراهیمی مقدم عمر خود را وقف عمران و آبادانی منطقه سبزدشت کرد و در برنامه تقسیمات کشوری، در انتزاع بیش از ۱۵۰ روستای کوهبنان و الحاق آنها به شهرستان بافق پنج سال وقت صرف کرد که در نهایت در سال ۶۹ این الحاق انجام گرفت.

پیکر پدر ۲ شهید والامقام استان یزد، پس از تشییع در منطقه سبزدشت بافق دیروز به یزد منتقل و با تشییع پرشکوه مردم به خاک سپرده شد.

ضرورت بازسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی اراک

اراک - خبرنگار اطلاعات: رئیس شورای اسلامی کلانشهر اراک گفت: بخش قابل توجهی از ناوگان حمل‌ونقل عمومی کلانشهر اراک فرسوده شده است و نیاز به بازسازی دارد.

اسماعیل تاج‌آباد در جلسه شورای اسلامی کلانشهر اراک با بیان اینکه این مهم در بودجه سال آینده شهرداری مورد توجه قرار می‌گیرد، افزود: کلانشهر اراک یکی از هشت شهرآلوده کشور است و اغلب آسمانی کدر دارد و نیاز است که با فرهنگ‌سازی قوی، مسئولیت اجتماعی شهروندان در استفاده از ناوگان حمل و نقل عمومی و صاحبان صنعت در مهار کانون‌های آلاینده روز به روز تقویت شود.

وی اضافه کرد: بخشی از آلاینده‌های هوای اراک مربوط به خودروها است که استفاده بیشتر از ناوگان حمل‌ونقل عمومی می‌تواند به عنوان راهبردی اثرگذار در بهبود کیفیت هوای این شهر مطرح باشد.

وی اضافه کرد: بیش از ۳۰ درصد ناوگان حمل‌ونقل عمومی کلانشهر اراک به علت فرسودگی نیاز به بازسازی دارد که در این راستا مقرر شده است در بودجه سال آینده شهرداری اعتباری برای نوسازی اتوبوس‌های شهری در نظر گرفته شود.

تاج‌آباد با اشاره به ۱۷۰ تاکسی پیکان فرسوده از مجموع ۲۷۰۰ تاکسی که در شهر اراک تردد می‌کنند، یادآور شد: اجرای طرح جایگزینی تاکسی‌های فرسوده با توافقاتی که با یکی از بانک‌ها به عمل آمده دوباره آغاز می‌شود.

آغاز توسعه شبکه های توزیع برق در استان زنجان

زنجان - خبرنگار اطلاعات: شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان امسال توانست ۱۲ میلیارد ریال پروژه‌های تأمین اعتبار شده از طریق بند «ز» تبصره ۹ ماده واحده قانون بودجه کشور را به اتمام برساند و به میزان ۲۳ میلیارد ریال پروژه‌های مربوط به تأمین برق متقاضیان جدید روستایی، اصلاح و بهینه سازی و توسعه شبکه‌های توزیع برق روستایی استان را آغاز کند.

محسن رضایی، مدیر دفتر روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان زنجان با اعلام این خبر، افزود: برابر این بند شرکت‌های برق موظفند، علاوه‌بر دریافت بهای برق به ازای هر کیلووات ساعت برق فروخته شده، مبلغ ۳۰ ریال به عنوان عوارض برق در قبوض مربوطه درج و از مشترکین برق به استثنای مشترکین خانگی روستایی و چاه‌های کشاورزی دریافت کنند، تا برای توسعه و نگهداری شبکه‌های روستایی و تولید برق تجدیدپذیر و پاک توسط شرکت توانیر هزینه شود.

وی گفت: در ادامه اجرای این قانون امسال پروژه‌های تامین برق ۱۵۰ متقاضی جدید روستایی، توسعه۶۳۵۹ متر شبکه‌های توزیع برق روستایی، نصب ۱۹۵۳ چراغ خیابانی، ۵۶۸۸ متر کابل کشی‌فشار ضعیف شبکه‌های روشنایی معابر روستاهای استان و اصلاح و بهینه‌سازی ۲۰ کیلومتر و ۲۸۳ متر شبکه‌های فشار متوسط و فشار ضعیف روستایی به ارزش ۲۳ میلیارد ریال به بهره‌برداری می‌رسد.

درخواست استاندار گیلان از معاون اول رئیس جمهوری برای پرداخت مطالبات چایکاران

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار گیلان در دیدار با معاون اول رئیس جمهوری خواستار تسریع در پرداخت مطالبات چایکاران شد.

دکترمحمدعلی نجفی در دیدار با دکتر جهانگیری معاون اوّل رئیس جمهوری در تهران با اشاره به حمایت‌های دولت تدبیر و امید از صنعت چای به پرداخت بیش از ۷۰۰ میلیارد ریال یارانه خرید برگ سبز چای در سال‌جاری اشاره کرد و خواستار تسریع در پرداخت مطالبات باقیمانده چایکاران شد.

وی همچنین تسریع در تعیین قیمت برگ سبز چای در سال آینده را نیز در جلب مشارکت چایکاران برای آماده‌سازی باغ‌هایشان سازنده برشمرد و در ادامه گزارشی از پیشرفت طرح‌های مصوب سفیر رئیس جمهور به گیلان و پروژه‌های اشتغالزایی را به دکتر جهانگیری ارایه داد.

پیشرفت اجرایی طرح‌های پرورش ماهی در قفس، راه‌آهن، تکمیل آزاد راه، ساخت سدهای استان ساماندهی رودخانه‌های مرزی، میزان پرداخت تسهیلات بانکی به بخش خصوصی، اجرای طرح‌های سالمسازی دریا و پروژه‌های گردشگری، صنعتی و کشاورزی از مهم‌ترین محورهای مورد بحث در دیدار استاندار گیلان با معاون اوّل رئیس جمهوری بود.

برپایی ۳ فروشگاه و نمایشگاه تولیدات سیستان و بلوچستان

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سیستان و بلوچستان از برپایی سه نمایشگاه و فروشگاه تولیدات استان تا پایان سال خبر داد.

کامبیز مشتاق گوهری گفت: براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده امسال در زمینه بازاریابی و فروش محصولات تولیدی سیستان و بلوچستان فروشگاه‌هایی با حضور خلاقان و تولیدکنندگان داخلی در استان برپا می‌شود.

وی از پیش‌بینی مکان ویژه‌ای در این نمایشگاه‌ها برای قشر ضعیف جامعه خبر داد و افزود: مددجویان کمیته امداد دارای استعدادهای فراوانی در حوزه صنایع دستی هستند و وضع اقتصادی آنان موجب شده است تا از آسیب پذیرترین قشرهای جامعه در برابر آسیب‌های اجتماعی باشند بنابراین به طور عام‌تر در این نمایشگاه‌ها از حضور آنان نیز استفاده می‌شود.

مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان تاکید کرد: یکی از راه‌های مهم در راستای توانمندسازی خانواده‌ها و افراد مستعد کار حرفه‌آموزی به آنان به عنوان شیوه‌ای مطمئن در راه خود اشتغالی و ایجاد منبع درآمدی پایدار است.

گوهری با اشاره به این که توانمندسازی کارجویان در استان باید به جد دنبال شود، گفت: در راستای ساماندهی متقاضیان اشتغال، کمک اصلی باید درچارچوب توانمندسازی آنان باشد.

وی توانمندسازی افراد درچارچوب مباحث توسعه اجتماعی را با اهمیت دانست و تاکید کرد: باید افراد مستعدکار در حوزه آموزش و بازاریابی به کار گرفته شوند تا باب جدیدی در بخش صنایع دستی گشوده شود.

به گفته مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگی سیستان و بلوچستان کیفیت آموزش در حوزه صنایع دستی دنبال خواهد شد تا در آینده نه چندان دور طرح‌های صنایع دستی استان قابل طرح در سطح کشوری باشد.

ایجاد اداره ویژه میراث فرهنگی و گردشگری در دامغان

دامغان ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار سمنان گفت: اداره میراث فرهنگی و گردشگری ویژه در دامغان ایجاد می‌شود. دکتر محمد خباز در دامغان افزود: این شهرستان با داشتن ۴۰۰ اثر تاریخی و فرهنگی و نیز ۱۲۰ اثر ثبت شده در آثار ملی کشور حائز اهمیت ویژه‌ای در حوزه تاریخی و گردشگری است که باید دارای یک اداره ویژه و در خور میراث فرهنگی ـ گردشگری و صنایع دستی باشد.

وی گفت: باید بودجه و امکانات بیشتری را به اداره میراث فرهنگی ـ گردشگری و صنایع دستی شهرستان دامغان اختصاص دهیم تا هم به رشد صنعت گردشگری در این شهر تاریخی و فرهنگی کمک کنیم و هم سرمایه‌گذاران را برای سرمایه‌گذاری در بخش گردشگری این شهرستان جذب کنیم.

تخلیه و بارگیری ۵ میلیون و ۳۹۲ هزار تن کالا در بنادر قشم

بندر عباس ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره بنادر و دریانوردی قشم، گفت: ۵ میلیون و ۳۹۲ هزار و ۹۴۲ تن انواع کالاهای نفتی و غیرنفتی از ابتدای امسال تا پایان آذر در بنادر این شهرستان تخلیه و بارگیری شده است.

سید باقر موسوی افزود: از این میزان ۵ میلیون و ۲۹۸ هزار و ۶۸۷ تن کالا به مواد غیر نفتی و ۹۴ هزار و ۲۵۵ تن به مواد نفتی اختصاص دارد.

وی با اشاره به جابه‌جایی حدود ۱۸۳ هزار تن کالاهای صادراتی و وارداتی در بنادر این جزیره از ابتدای سال تا ابتدای دی گفت: در مدت یاد شده افزون بر ۷۹ هزار و ۲۶۶ تن کالا صادر و ۱۰۴ هزار و ۴۶۵ تن محموله‌های وارداتی در بنادر قشم جابه‌جا شده است که عمده این کالاها مربوط به مواد غیرنفتی همچون مواد معدنی و لوازم الکتریکی است.

او همچنین از ترابری ۱۰ میلیون و ۳۷۱ هزار و ۸۷۷ نفر سفر در بنادر این شهرستان و در ۹ ماه امسال خبر داد و گفت: این آمار نسبت به مدت مشابه پارسال ۵ درصد افزایش نشان می‌دهد.

رئیس اداره بنادر و دریانوردی قشم، گفت: در این مدت یک میلیون و ۵۴۷ هزار و ۹۴۷ دستگاه خودرو نیز از طریق بنادر پهل و لافت به وسیله شناورهای لندینگ کرافت جابه‌جا شده است که در این حوزه نیز شاهد رشد ۳/۵ درصدی هستیم.

وی یادآور شد: در مدت یاد شده تردید ۱۳۲ هزار و ۸۱۶ فروند شناور به جزیره قشم نیز به ثبت رسید که از این میزان ۲۲۵ فروند شناور بالای ۱۰۰۰ تن بود.

موسوی با بیان این که ۵۹ هزار و ۴ فروند از شناورهای ثبت شده در قشم باری و ۷۳ هزار و ۸۱۲ فروند شناوری مسافری است، از تخلیه و بارگیری ۱۰ هزار و ۶۴۲ TUE کانتینر در ۹ ماه امسال در بنادر بهمن و کاوه این شهرستان خبر داد.

کاهش مصرف فرآورده‌های نفتی در استان زنجان

زنجان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت فرآورده‌های نفتی منطقه زنجان از کاهش مصارف فرآورده نفتی از سال پایه (اجرای هدفمندی یارانه‌ها) تا سال جاری در زنجان خبر داد.

وی افزود: غیر از بنزین که از یک رشد مصرف متعارف برخوردار است، مصارف دیگر فرآورده در استان کاهش یافته است.

به گفته مهندس عباسی میزان مصرف بنزین در سال پایه ۲۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار لیتر بود که این میزان مصرف در ۹ ماه اخیر به‌رغم افزایش تولید خودرو و از طرفی تمایل هموطنان به مسافرت با وسایل شخصی با یک رشد متعارف ۶درصدی به ۲۳۶ میلیون و ۸۰۰ هزار لیتر رسیده است.

وی افزود: در مصرف نفت‌گاز غیرنیروگاهی شامل مصارف صنعتی، کشاورزی و حمل و نقل نیز با توجه به فعالیت‌هایی مانند تبدیل سوخت و از طرفی اجرای طرح پیمایش در سال جاری شاهد یک کاهش ۲۵درصدی مصرف هستیم به طوری که میزان مصرف در ۹ ماه سال پایه ۳۵۰میلیون لیتر و ۹ ماه سال جاری ۲۸۰میلیون لیتر است.

وی میزان کاهش مصرف نفت سفید را ۵۴درصد اعلام کرد و گفت: کاهش ۸۴درصدی میزان مصرف نفت کوره نیز نسبت به دیگر فرآورده‌ها قابل ملاحظه است.

عباسی در ادامه با اشاره به تبدیل سوخت در بخش مصارف خانگی و صنایع، افزود: با تبدیل سوخت خانگی امسال ۲میلیون و ۲۰۰هزار لیتر نفت سفید و ۴۲۹ تن گاز مایع صرفه‌جویی شده است.

وی اعلام کرد: ۵۹۳ خانوار شهری و ۳۷۴۶ خانوار روستایی در سه فصل گذشته از گاز طبیعی بهره‌مند شده‌اند که شامل ۵۱ خانوار شهری در ناحیه مرکزی و ۵۴۲ خانوار در ناحیه ابهر و ۱۱۸۷ خانوار روستایی در ناحیه مرکزی، ۶۲ خانوار در ناحیه ابهر و ۲۴۹۷ خانوار در ناحیه قیدار می‌شود.

مدیرعامل شرکت فرآورده‌های نفتی منطقه زنجان یادآور شد: در این مدت به طور میانگین روزانه ۵۶۷ هزار لیتر نفت‌گاز و ۳۵۱ هزار لیتر نفت‌کوره با توجه به بهره‌مندی صنایع از گاز طبیعی، صرفه‌جویی شده است.

به گفته وی از میزان ۵۶۷ لیتر صرفه‌جویی روزانه نفت‌گاز ۴۱۱ هزار لیتر از محل گازکشی مرغداری‌ها و ۱۵۶ هزار لیتر از محل گازکشی صنایع انجام شده است.

بافق رتبه نخست ولادت در استان یزد را به خود اختصاص داد

بافق – خبرنگاراطلاعات: شهرستان بافق امسال با رشد بیش از ۲۶ درصد ولادت رتبه نخست استان یزد را کسب کرده است.

محمود کریمیان رئیس ثبت احوال بافق با بیان مطلب بالا، افزود: در ۹ ماه امسال ۸۷۸ فقره ولادت در بافق ثبت شده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۶/۴ درصد افزایش نشان می‌دهد.

رئیس ثبت احوال بافق با اشاره به این که از این تعداد تولد ۴۶۷ نفر پسر و بقیه دخترند، گفت: درهمین مدت۷۹۳ نوزاد در حوزه شهری و ۸۵ نفر نیز در مناطق روستایی به دنیا آمده‌اند که در هر دو حوزه شاهد رشد موالید هستیم

کریمیان مردم بافق را متدین و مذهبی و انتخاب کننده نام‌های نیک خاندان اهل بیت(ع) خواند و افزود: فاطمه، زهرا، زینب، رقیه و فاطمه زهرا، امیر علی، امیر عباس، حسین،علی اصغر و محمد حسین صدرنشین اسامی هستند که شهروندان بافقی برای فرزندان خود انتخاب کردند.

کریمیان گفت: همچنین در ۹ ماه امسال ۲۴۶ فقره ازدواج به ثبت رسید که نسب به سال ۹۳ حدود ۱۰ درصد کاهش دارد.

وی، پائین آمدن نرخ ازدواج را به نقل از برخی کارشناسان و مشاوران، افزایش سن ازدواج دختران و پسران،ادامه تحصیل و نا بسامان بودن وضع اشتغال و معیشت جوانان اعلام کرد.

وی افزود: در ۹ ماه گذشته چهار مورد طلاق در شهرستان بافق داشتیم که نسبت به سه فقره سال گذشته ۲۵ درصد رشد نشان می‌دهد.

رئیس ثبت احوال بافق تعداد متوفیات ۹ ماه گذشته بافق را ۱۲۶ مورد اعلام کرد و گفت: این آمار در قیاس با مدت مشابه سال قبل ۵۷/۵ درصد افزایش داشته است.

این مسؤل در بخش دیگری از سخنان خود گفت: از آنجایی که شناسنامه‌های قدیم جایی برای ممهور کردن به مهر انتخابات پیش رو ندارد،در بافق به عنوان اولین شهرستان استان یزد پیشقدم شدیم تا با کنار گذاشتن مقرارات دست و پاگیر قبلی، در مدت ۲۴ ساعت شناسنامه جدید را تسلیم شهروندان بافقی کنیم.

کریمیان اضافه کرد: در این رابطه مردم به اداره پست، دفاتر پیشخوان دولت و سه عکاسی آموزش دیده اطراف امامزاده عبدا...(ع) مراجعه و فرم مربوطه را به دقت تکمیل کنند و به اداره ثبت احوال تحویل دهند.

وی با بیان این‌که عکس‌های مربوط به تعویض شناسنامه باید جدید و زمینه سفید باشد، افزود: برای صدور کارت هوشمند ملی عکس‌ها باید به طریقی تحویل شود که قابل اسکن باشد.

کریمیان، هزینه تعویض هر یک ازمدارک فوق را ۱۷۲ هزار ریال اعلام کرد و گفت: این مبلغ از طریق سیستم کارت‌خوان، به صورت حضوری از متقاضیان دریافت می‌شود.

امکان رزرو اتاق گردشگران به هر تعداد روز در هتل‌های فارس

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: گردشگران داخلی و خارجی می‌توانند در نوروز ۹۵ به هر تعداد روز در هتل‌های استان اتاق رزرو کنند.

این مطلب را حسن سیادتان رئیس جامعه هتلداران فارس اعلام کرد و افزود: به تازگی در برخی از سایت‌ها و فضای مجازی مطالبی انتشار یافته مبنی بر این که در برخی از شهرهای کشور از جمله شیراز، اصفهان و یزد،هتلداران در نوروز ۹۵ اتاق‌های خود را به صورت بسته‌های مشخص(پکیج) و با مدت زمان معین که حداقل آن سه روز است به گردشگران ارائه می‌دهند و از این طریق حق انتخاب را از گردشگران می‌گیرند.

وی گفت: چنین شایعه‌ای از سوی برخی از تورگردان‌ها برای سودجویی بیشتر از گردشگران مطرح شده است و جامعه هتلداران فارسی هیچ برنامه‌ای در این مورد ندارد.

سیادتان خاطرنشان کرد: هیچ یک از هتل‌های فارس در انحصار آژانس یا تورهای گردشگری نیست و برنامه رزرو اتاق هتل‌ها برای گردشگران در نوروز ۹۵ از نیمه دوم بهمن ۹۴ یا اوایل اسفند آغاز می‌شود و گردشگران می‌توانند در مدت یاد شده با مراجعه به سایت هتل‌ها، اتاق رزرو کنند.

رئیس جامعه هتلداران فارس یادآور شد: ۷۰ هتل یک تا پنج ستاره با ۴۵۰۰ اتاق و ظرفیت ۶۵۰۰ تخت در فارس وجود دارد که از این تعداد ۴۳ هتل در شهر شیراز است.

آغاز بازسازی بافت‌های فرسوده شهر دوگنبدان

گچساران ـ خبرنگار اطلاعات: تخریب بخشی از بافت‌های فرسوده شهر دوگنبدان با هدف بازسازی در مراسمی با حضور جمعی از مسئولان کشوری، استانی و شهرستانی آغاز شد.

معاون بهسازی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در این آیین گفت: بافت فرسوده شهر دوگنبدان اولین بافت فرسوده شهری در کشور است که با اختصاص بیش از ۱۰۰۰میلیارد ریال تسهیلات کم‌بهره بازسازی می‌شود.

عزیزالله مهدیان افزود: برای هر یک از این واحدها ۳۰۰میلیون ریال تسهیلات ارزان‌قیمت و ۶۰میلیون ریال تسهیلات بلاعوض پرداخت خواهد شد.

وی با تأکید بر ضرورت همکاری مردم در این طرح گفت: این تسهیلات با کارمزد ۴درصد و دوره بازپرداخت پانزده ساله نقش اثرگذاری در نوسازی این بافت‌های فرسوده دارد.

او اضافه کرد: بافت فرسوده شهر دوگنبدان به دلیل جنس زمین، شیب‌های تند و معابر بسیار باریک یکی از نادرترین بافت‌های فرسوده کشور است.

عملیات تخریب قسمتی از بافت فرسوده خیابان مدرسی، خیابان کیامرثی، رادک، سادات و لبنان در حالی آغاز شد که ۲۰ هزار و ۹۶۳ نفر در قالب ۵۳۲۶ نفر در این محله‌ها زندگی می‌کردند.

نامه کودکان و نوجوانان شهدادی به هوشنگ مرادی کرمانی

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: جمعی از کودکان و نوجوانان دانش‌آموز بخش شهداد زادگاه هوشنگ مرادی کرمانی در نامه‌ای احساسات خود را با این نویسنده نامدار در میان گذاشتند.

متن این نامه چنین است:

به نام خداوند مهربان

آقای هوشنگ مرادی کرمانی

ما جمعی از کودکان و نوجوانان سیرچ، سرزمین پدری و شهداد، سرزمین مادری تان این نامه را برای «شما که غریبه نیستید» می‌نویسیم.

همان سیرچی که با مردمان صمیمی و پرتلاش، سرو هزار ساله، «بچه‌های قالیبافخانه»، «انار»های پردانه و «تنور»های داغ و همان شهدادی که با مردمان مهربان و سختکوش، «نخل»های بلند، «آب انبار»ها و «خمره»های پرآب و شنزارهای کویرش در سطرسطر داستان‌هایتان موج می‌زند .همه ما مدیون شما هستیم. شما با قصه‌هایتان ما و زادگاهمان را برای همیشه ماندگار کردید.

وقتی قصه‌های شما را می‌خوانیم از حس خوب سیرچی بودن، اندوهجردی و شهدادی بودن لبریز می‌شویم. احساس غرور می‌کنیم، قد می‌کشیم، پر از انرژی می‌شویم و قلبمان تند تند می‌زند.

وقتی هم شنیدیم قلبتان را عمل کرده‌اید قلبمان تند تند می‌زد. رفتیم کنار مقبره سلطان جلال‌الدین(ع) سیرچ، زیر گنبد امامزاده زید(ع) شهداد، همان جا که علی کریم، پیرمرد باصفا، نقاره می‌زند، کنار رودخانه و سرو سیرچ و زیرشاخه‌های نخل‌ها، برایتان دعا کردیم. دعا کردیم تا خوب بشوید.نخل، برای شما مثل مادر است. این را وقتی داستان نخل را خواندیم فهمیدیم و وقتی دیدیم شاخه نخل‌ها، مثل دست‌هایی مادرانه، رو به آسمان برایتان دعا می‌کنند باور کردیم که نخل مادر شماست.

آقاهوشنگ عزیزمان، درست است که هفتاد و یک ساله‌اید اما می‌دانیم قلبتان مثل بچه‌ها، پر از مهربانی و سادگی است.

وقتی قلبتان را عمل کردید قلب ما آرام و قرار نداشت. خدا رو شکر که خوب شدید و دوباره برایمان خواهید نوشت.

همشهری خوبمان؛ سرزمین ما، سرزمین قصه‌ها، خیال‌ها و رویاهاست. باد که می‌آید و هوهو می‌کند در گوشمان قصه می‌خواند، چهچهه و چُکل چُکل بلبل‌ها هم همینطور.

ما اینجا، خیال‌ها و رویاهایمان را توی شن‌های کویر می‌کاریم، قد می‌کشند و بالا می‌روند.باز هم بنویس تا رویاها و قصه‌های مشترکمان با کتاب‌هایتان، مسافر همه سرزمین‌ها شوند. واسطه ما شوند با دنیا و همه مردمانش.برایمان بنویس تا هر وقت خواستیم گم شویم خود را در قصه‌هایتان پیدا کنیم.آقای هوشنگ مرادی کرمانی؛ همراه با این نامه، احساسمان را لای گل‌های نرگس شهداد و پونه‌های لب رودخانه سیرچ می‌پیچیم و در سفَتوی (سبد) حصیری می‌گذاریم و برایَتان می‌فرستیم.

از خدای خوب و مهربان هم می‌خواهیم سلامتی کامل به شما عطا کند تا در کنار خانواده عزیزتان، خوش و سلامت باشید.

راستی، آقای هوشنگ مرادی کرمانی، از شما می‌خواهیم دوباره پیش ما بیایید و برایمان از خودتان و قصه‌هایتان بگویید.

هوشنگ مرادی کرمانی ۱۶ شهریور ۱۳۲۳ در روستای سیرچ از توابع بخش شهداد شهرستان کرمان به دنیا آمد و داستان‌هایش سرشار از خاطرات کودکی، ادبیات عامیانه و فضای سیرچ، شهداد و کرمان است.

این چهره ماندگار فرهنگی ایران جوایز معتبر بین‌المللی نظیر جایزه جهانی اندرسن، جایزه کتاب سال ۱۹۹۴ کودکان و نوجوانان اتریش، نویسنده برگزیده کشور کاستاریکا، جایزه خوزه مارتینی (نویسنده و قهرمان ملی آمریکای لاتین) و جوایز ارزنده داخلی مانند سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه در دوازدهمین جشنواره فیلم فجر و مهرگان ادب را در کارنامه دارد.«مهمان مامان»، «خمره» و «چکمه» از آثار مرادی کرمانی هستند که در قالب فیلم سینمایی در پرده نقره‌ای جان گرفته‌اند.

کیومرث پوراحمد کارگردان پیشکسوت سینما نیز سال‌ها قبل با ساخت مجموعه تلویزیونی «قصه‌های مجید»، این اثر داستانی هوشنگ مرادی کرمانی را در ذهن‌ها جاودانه ساخت.

مرادی کرمانی ۱۲ آذر امسال مورد عمل جراحی قلب قرار گرفت.

همچنین به گفته حسین باقری‌نژاد رئیس آموزش و پرورش بخش شهداد دبستان محل تحصیل هوشنگ مرادی کرمانی در روستای سیرچ به پیشنهاد عباس تقی‌زاده از فرهنگیان منطقه و با تصویب شورای آموزش و پرورش به نام این نویسنده بزرگ نامگذاری شده است.

بخش شهداد در ۹۱ کیلومتری شمال شرق کرمان واقع است.

اعلامیه پذیره‌نویسی سهام شرکت کارخانجات تولیدی تهران (سهامی عام) ثبت شده به شماره ۵۸۱۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۸۵۸۶۵

به اطلاع می‌رساند به استناد مصوبه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۳/۷/۶، مقرر گردید سرمایه شرکت از مبلغ ۶۳میلیارد ریال به مبلغ ۴۴۱ میلیارد ریال، افزایش یابد. در مهلت تعیین شده جهت استفاده از حق‌تقدم خرید سهام، تعداد ۲۷۶/۰۷۱/۰۰۰سهم از سهام جدید توسط سهامداران شرکت پذیره‌نویسی گردیده است. با عنایت به انقضای مهلت استفاده از حق تقدم مذکور و به منظور تحقق افزایش سرمایه، تعداد ۱۰۱/۹۲۹/۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی استفاده نشده سهامداران برای پذیره‌نویسی عمومی با عنایت به مجوز شماره ۱۳۹۴۳۰۴۰۰۹۰۱۰۹۷۷۴۵ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۵اداره ثبت شرکت‌ها به شرح زیر عرضه می‌گردد:

۱) موضوع فعالیت شرکت: ایجاد کارخانجات و پارک‌های صنعتی و بهره‌برداری از کارخانجات و صدور و فروش محصولات آن در خارج و داخل کشور و واردات و فروش مواد اولیه و ماشین‌آلات مورد لزوم و مشارکت با اشخاص حقوقی یا حقیقی و چاپ و انتشار و توزیع اوراق مشارکت به هر نحو و شکلی که مصلحت باشد و سایر عملیات بازرگانی مرتبط با موضوع شرکت.

۲) مرکز اصلی و نشانی شعب شرکت و کدپستی: تهران، کیلومتر ۱۳/۵ جاده مخصوص کرج، شرکت کارخانجات تولیدی تهران و کدپستی: ۱۳۹۹۹۱۸۳۱۳ و فاقد شعب دیگر می‌باشد.

۳) سرمایه فعلی شرکت: ۶۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

۴) موضوع افزایش سرمایه: اصلاح ساختار مالی و جلوگیری از خروج وجه نقد از شرکت.

۵) محل افزایش سرمایه: مطالبات حال شده سهامداران و آورده نقدی.

۶) مبلغ افزایش سرمایه: ۳۷۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

۷) مبلغ سرمایه پس از افزایش: ۴۴۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

۸) مدت شرکت: نامحدود.

۹) نوع سهام: عادی و با نام می‌باشد، شرکت فاقد سهام ممتاز می‌باشد.

۱۰) ارزش اسمی هر سهم: ۱۰۰۰ ریال

۱۱) مبلغ مشارکت شده توسط سهامداران شرکت: ۲۷۶/۰۷۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۱۲) تعداد سهام قابل عرضه به عموم: ۱۰۱/۹۲۹/۰۰۰ سهم

۱۳) مشخصات اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت:

اشخاص حقیقی یاحقوقی	شماره‌ثبت اشخاص حقوقی	شناسه‌ملی اشخاص‌حقوقی	نماینده	نام‌پدر	شماره شناسنامه	کدملی	سمت
شرکت انبارهای‌عمومی و‌گمرکی‌ایران	۸۰۲۵	۱۰۱۰۰۳۵۱۰۷۰	محمود داوطلب	علی	۱۷۷۱	۰۰۴۵۰۵۸۹۸۹	رئیس هیأت‌مدیره وعضوموظف
شرکت سرمایه‌گذاری صندوق‌بازنشستگی کشوری	۷۰۵۱۳	۱۰۱۰۱۱۵۴۴۳۷	کاظم‌امانی قدیم	عباسعلی	۳۴۹	۱۳۷۹۸۵۸۲۳۲	مدیرعامل ونایب‌رئیس هیأت‌مدیره وعضوموظف
شرکت‌عمران و ساختمان‌ترازپی‌ریز	۱۲۶۳۵۷	۱۰۱۰۱۶۹۷۶۸۷	مسعود رجبی پسیخانی	محمدحسن	۴۳۷	۲۵۹۴۰۹۵۴۲۷	عضوموظف هیأت‌مدیره
شرکت‌توسعه صنعتی‌ایران	۱۲۶۸۵۷	۱۰۱۰۱۷۰۲۵۶۱	سیدمجید رضوی	فقیه‌الدین	۲۰۵	۴۱۳۲۴۰۷۷۹۹	عضو غیرموظف هیأت‌مدیره
سازمان‌صندوق بازنشستگی‌کشوری	۲۸۸	۱۴۰۰۲۷۲۰۵۴۲	عباس ابراهیمی	محمد	۲۵۹	۳۵۵۹۴۹۱۰۲۹	عضو غیرموظف هیأت‌مدیره

* شرکت دارای عضو علی‌البدل نمی‌باشد.

۱۴) شرایط حضور حق رأی صاحبان سهام در مجامع عمومی: در مجامع عمومی شرکت کلیه صاحبان سهام یا وکیل یا قائم‌مقام قانونی یا نمایندگان آن‌ها قطع نظر از تعداد سهام خود می‌توانند حضور به هم رسانند و برای هر یک سهم فقط حق یک رأی خواهند داشت.

۱۵) مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود، تشکیل اندوخته و تقسیم دارایی بعد از تصفیه: تقسیم سود طبق تصمیم و تصویب مجمع عمومی عادی می‌باشد، وضع اندوخته قانونی از سود خالص شرکت طبق قانون تجارت انجام می‌گردد، به تصویب مجمع عمومی عادی و پیشنهاد هیأت‌مدیره ممکن است قسمتی از سود خالص برای تشکیل اندوخته‌های خاصی کنار گذاشته شود.

۱۶) تعداد و امتیازات سهام ممتاز شرکت: شرکت فاقد سهام ممتاز می‌باشد.

۱۷) مبلغ و تعداد اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهم: شرکت فاقد هرگونه اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهم می‌باشد.

۱۸) مبلغ بازپرداخت نشده اوراق مشارکت: شرکت فاقد هرگونه مبلغ بازپرداخت نشده اوراق مشارکت می‌باشد.

۱۹) مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است: بر اساس آخرین صورت‌های مالی حسابرسی شده مصوب مجمع منتهی به ۱۳۹۳/۱۲/۲۹ مجموع بدهی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت شرکت به ترتیب برابر با ۱۷۱/۸۹۴ و ۱۰/۷۳۴ میلیون ریال می‌باشد. همچنین بر اساس یادداشت شماره ۳۴ همراه صورت‌های مالی حسابرسی شده مزبور شرکت در تاریخ ترازنامه فاقد تعهدات و بدهی‌های احتمالی می‌باشد.

۲۰) مدت پذیره‌نویسی: پذیره‌نویسی از اول وقت اداری روزدوشنبه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۵ آغاز و تا پایان وقت اداری روزیکشنبه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۱به مدت۷روز ادامه خواهد داشت.

تذکر: چنانچه سقف سرمایه تعیین شده قبل از انقضای مهلت پذیره‌نویسی تکمیل و وجوه مربوطه تأمین گردد، عملیات پذیره‌نویسی متوقف خواهد شد.

۲۱) حداقل و حداکثر سهامی که هنگام پذیره‌نویسی باید تعهد شود: محدودیتی برای خرید حق تقدم وجود ندارد.

۲۲) مشخصات حساب بانکی ناشر: مبالغ پذیره‌نویسی سهام شرکت کارخانجات تولیدی تهران تماماً به حساب شماره ۰۲۰۰۵۲۹۷۱۱۶۰۵ به نام شرکت کارخانجات تولیدی تهران (سهامی عام)، نزد بانک کارآفرین شعبه جاده مخصوص کرج کد ۸۲/۴ واریز می‌گردد.

۲۳) روزنامه کثیرالانتشار: روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌ها و آگهی‌های ناشر در آن منتشر می‌شود روزنامه اطلاعات می‌باشد. همچنین اعلامیه مذکور در روزنامه‌های جمهوری اسلامی و ابرار اقتصادی (بر اساس مفاد ماده ۱۷۷ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت) نیز منتشر می‌گردد.

۲۴) چگونگی پذیره‌نویسی: علاقه‌مندان به پذیره‌نویسی می‌بایست در مهلت تعیین شده برای پذیره‌نویسی، با مراجعه به یکی از شعب بانک کارآفرین، مبلغ ۱۶۷۲ ریال (۱۰۰۰ ریال بابت ارزش اسمی و ۶۷۲ ریال بابت ارزش حق تقدم) بابت تعداد سهامی که مایل به پذیره‌نویسی آن هستند را به حساب شماره ۰۲۰۰۵۲۹۷۱۱۶۰۵ به نام شرکت کارخانجات تولیدی تهران (سهامی عام)، نزد بانک کارآفرین شعبه جاده مخصوص کرج کد ۸۲/۴ واریز نمایند.

اشخاص حقیقی یا حقوقی که در پذیره‌نویسی مشارکت می‌نمایند، بایستی مدارک زیر را به متصدی مربوطه در شعبه بانک محل پذیره‌نویسی تحویل داده و نسخه دوم فرم تکمیل شده «برگ تعهد خرید سهام» و یک نسخه از فیش واریز وجه را به عنوان رسید دریافت نمایند.

مدارک مورد نیاز برای اشخاص حقیقی:

* یک نسخه از فیش واریز وجه.
* نسخه اول فرم تکمیل شده «برگ تعهد خرید سهام» شرکت کارخانجات تولیدی تهران (سهامی عام).
* فتوکپی صفحه اول شناسنامه، کارت ملی و کدپستی.

مدارک مورد نیاز برای اشخاص حقوقی:

* یک نسخه از فیش واریز وجه.
* نسخه اول فرم تکمیل شده «برگ تعهد خرید سهام» شرکت کارخانجات تولیدی تهران (سهامی عام).
* فتوکپی آگهی تأسیس و آخرین روزنامه رسمی حاوی اسامی مدیران.

شعب فعال برای پذیره‌نویسی: کلیه شعب بانک کارآفرین در سراسر کشور.

۲۵) چگونگی تخصیص سهام به پذیره‌نویسان: در پایان مهلت پذیره‌نویسی، سهام پذیره‌نویسی شده با توجه به حداقل و حداکثر تعیین شده در بند ۲۱ این اعلامیه، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. چنانچه تعداد سهام پذیره‌نویسی شده از تعداد سهام عرضه شده بیشتر باشد، سهام پذیره‌نویسی شده صرفا تا حد سهام عرضه شده بر اساس اولویت تاریخ و ساعت پذیره‌نویسی، حسب مندرجات ماشین تحویلدار بانک، تخصیص خواهد یافت. وجوه متعلق به پذیره‌نویسانی که سهامی به ایشان تخصیص داده نشود، حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ صدور مجوز استفاده از موجودی حساب بانکی به آنان مسترد خواهد شد.

۲۶) کلیه اطلاعات و مدارک مربوط به شرکت شامل: اساسنامه، طرح اعلامیه پذیره‌نویسی و آخرین صورت‌های مالی به اداره ثبت شرکت‌های تهران تسلیم شده است. همچنین گزارش توجیهی هیئت‌مدیره در خصوص افزایش سرمایه، گزارش بازرس قانونی و بیانیه ثبت سهام دردست انتشار در سایت اینترنتی شرکت به آدرس www.kttco.com در دسترس علاقه‌مندان می‌باشد.

۲۷) مشخصات سهامداران:

نام‌سهامدار	نوع شخصیت	تعداد‌سهام	درصد‌مالکیت
شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری	حقوقی	۳۸/۳۶۵/۳۹۲	۶۱
شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی ایران	حقوقی	۸/۵۹۲/۹۱۷	۱۴
صندوق بازنشستگی کشوری	حقوقی	۷/۷۳۷/۲۹۹	۱۲
سهامداران حقیقی	حقیقی	۷/۵۲۲/۴۳۹	۱۲
سایر سهامداران حقوقی	حقوقی	۷۸۱/۹۵۳	۱
جمع:		۶۳/۰۰۰/۰۰۰	٪۱۰۰

۲۸) این شرکت بر اساس نامه شماره ۱۲۲/۴۸۵ مورخ ۱۳۹۴/۷/۲۸ معاف از ثبت نزد سازمان بورس و اوراق بهادار بوده و مشمول دستورالعمل ثبت و عرضه عمومی اوراق بهادار نمی‌باشد.

نکات مهم:

* مسئولیت صحت و قابلیت اتکای اطلاعات اعلامیهٔ پذیره‌نویسی برعهدهٔ ناشر است.
* ناشر، شرکت تأمین سرمایه امین، حسابرس، ارزش‌یابان و مشاوران حقوقی ناشر، مسئول جبران خسارت وارده به سرمایه‌گذارانی هستند که در اثر قصور، تقصیر، تخلف و یا به دلیل ارائه اطلاعات ناقص و خلاف واقع در عرضهٔ اولیه که ناشی از فعل یا ترک فعل آن‌ها باشد، متضرر گردیده‌اند.

هیئت مدیره شرکت کارخانجات تولیدی تهران

چون شرکت توسعه خدمات مهندسی آب و خاک پارس مالک کشنده کمرشکن مدل F۱۲ به شماره انتظامی ۷۸۸۷۱الف۱۴ با شماره شاسی ۸۰۸۴۱۳ و شماره موتور ۰۱۵۰۷۴ به علت فقدان سند تقاضای صدور سند المثنی نموده است. لذا چنانچه هرگونه ادعایی در مورد خودروی مذکور وجود دارد ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت سایپا دیزل واقع در تهران، کیلومتر ۸ جاده ساوه مراجعه نمایند.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی تولیدی و توزیعی کارگران شرکت بهره‌برداری و امور آب مغان

به اطلاع می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت اول شرکت تعاونی تولیدی و توزیعی کارگران شرکت بهره‌برداری و امور آب مغان رأس ساعت ۱۱ صبح روز پنجشنبه مورخ ۹۴/۱۱/۲۹ در محل نمازخانه شرکت بهره‌برداری و امور آب مغان برگزار می‌گردد. از کلیه اعضا یا نمایندگان تام‌الاختیار آنان دعوت می‌شود، جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱ـ استماع گزارش هیات مدیره و بازرسان

۲ـ بررسی و تصویب صورت‌های مالی سال ۹۳

۳ـ تصویب بودجه جاری شرکت برای سال ۱۳۹۴

۴ـ تعیین خط مشی آینده شرکت

۵ـ تصویب دستورالعمل تبصره۳ ماده ۳۶ قانون اصلاح موادی از قانون بخش تعاونی

۶ـ اتخاذ تصمیم درخصوص نحوه تقسیم سود تعاونی

هیئت مدیره

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت امین پژوهش و توسعه (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۱۱۱۲۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۴۸۴۴۶ دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۸ و جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۴ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۸ در محل قانونی شرکت واقع در تهران خیابان استاد مطهری نرسیده به شریعتی شماره ۸ طبقه ۲ واحد ۳ تشکیل می‌شود حضور به هم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده: ۱ـ نقل و انتقال سهام ۲ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده: ۱ـ انتخاب اعضای هیأت‌مدیره ۲ـ انتخاب بازرسین ۳ـ تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان ۴ـ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع باشد.

هیأت‌مدیره شرکت امین پژوهش و توسعه سهامی خاص

آگهی دعوت به همکاری

بیمارستان آراد جهت تکمیل کادر پشتیبانی نیاز به کارشناس مهندسی پزشکی با ۴ سال سابقه کار در زمینه تجهیزات پزشکی بیمارستان دارد.

متقاضیان جهت هماهنگی و تعیین وقت مصاحبه روز چهارشنبه ۹۴/۱۱/۷ از ساعت ۹ الی ۱۶همراه با رزومه به دفتر مدیریت بیمارستان مراجعه فرمایند.

مدیریت بیمارستان آراد

((آگهی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران))

اداره کل نوسازی مدارس استان زنجان در نظر دارد در اجرای قانون مناقصه و آئین‌نامه اجرائی بند (ج) ماده ۱۲ قانون مناقصات و تصویب نامه هیأت وزیران از بین پیمانکاران تعیین صلاحیت شده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در رشته ابنیه و تأسیسات و تجهیزات (به شرح مندرج در زیر) برای پروژه‌های زیر که براساس فهرست بهای سال ۱۳۹۴ و بصورت زیربنایی براساس بخشنامه سرجمع اجرا خواهد شد ارزیابی کیفی نماید. لذا به موجب این فراخوان از پیمانکاران واجد صلاحیت دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد ارزیابی توان اجرای کار از تاریخ ۹۴/۱۱/۴ الی ۹۴/۱۱/۷ با معرفی‌نامه کتبی به واحد امور قراردادهای این اداره کل به آدرس: زنجان ـ خیابان خرمشهر ـ روبروی صداوسیمای مرکز زنجان (شماره تلفن تماس:۳۳۰۳۴۵۶۷-۰۲۴۱) مراجعه نمایند. آخرین مهلت تحویل اسناد تکمیل شده ارزیابی تا ساعت ۱۲ مورخ ۹۴/۱۱/۲۱ می‌باشد. به پیمانکارانی که بعد از بررسی اسناد ارزیابی حداقل امتیاز تعیین شده در اسناد ارزیابی را کسب نمایند دعوتنامه شرکت در مناقصه ارسال خواهد شد. ضمناً هزینه آگهی به عهده برندگان مناقصه می‌باشد.

۱ـ احداث دبستان ۳ کلاسه خلیفه قشلاق خدابنده با برآورد تقریبی ۵/۲۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۲ـ احداث دبستان۳ کلاسه دهشیر خدابنده با برآورد تقریبی ۵/۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۳ـ احداث دبستان ۳کلاسه مهدی‌آباد سجاس با برآورد تقریبی ۵/۱۰۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۴ـ احداث دبستان ۳ کلاسه نظر قلی خدابنده با برآورد تقریبی ۵/۶۲۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۵ـ احداث دبستان ۶ کلاسه استرود خدابنده با برآورد تقریبی ۷/۸۶۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۶ـ تکمیل دبستان ۱۲ کلاسه ارشاد آزادی خرمدره با برآورد تقریبی۱۰/۴۵۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۷ـ تکمیل مدرسه راهنمائی ۹ کلاسه فلق پیروزی خرمدره با برآورد تقریبی ۱۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (برای ردیف‌های ۱ تا ۵ تمام رتبه‌های حقوقی و ۱ حقیقی ابنیه و برای ردیف‌های۵ تا ۷ تمام رتبه‌های حقوقی ابنیه مجاز به شرکت در ارزیابی می‌باشند)

۸ـ استانداردسازی سیستم گرمایشی مدارس منطقه گرماب با برآورد تقریبی۲/۱۳۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۹ـ استاندارد سازی سیستم گرمایشی مدارس منطقه خرمدره با برآورد تقریبی ۲/۶۰۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۱۰ـ استاندارد سازی سیستم گرمایشی مدارس منطقه انگوران با برآورد تقریبی ۲/۶۸۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۱۱ـ استاندارد سازی سیستم گرمایشی مدارس منطقه ماهنشان با برآورد تقریبی۳/۵۸۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۱۲ـاستاندارد سازی سیستم گرمایشی مدارس منطقه زنجانرود با برآورد تقریبی ۴/۱۱۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۱۳ـ استاندارد سازی سیستم گرمایشی مدارس ناحیه۲ زنجان با برآورد تقریبی۴/۱۴۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۱۴ـ استاندارد سازی سیستم گرمایشی مدارس منطقه ایجرود با برآورد تقریبی ۴/۱۵۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال ۱۵ـ استاندارد سازی سیستم گرمایشی مدارس منطقه خدابنده با برآورد تقریبی ۵/۸۶۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال (برای ردیف‌های ۸ تا ۱۰ تمام رتبه‌های حقیقی و حقوقی تأسیسات و تجهیزات و برای ردیف‌های ۱۱ تا ۱۴ تمام رتبه‌های حقیقی و حقوقی تأسیسات و تجهیزات به غیر از ۳ حقیقی و برای ردیف ۱۵ رتبه۱ حقیقی و تمام رتبه‌های حقوقی تأسیسات و تجهیزات مجاز به شرکت در ارزیابی می‌باشند).

تاسیس **شرکت سهامی خاص آکام مهر پردازش آریانا** در تاریخ ۱۳۹۴/۰۶/۱۷ به شماره ثبت ۴۷۸۶۲۵ به شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۰۹۱۴۷ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عمومی آگهی می‌گردد.

ـ موضوع شرکت: خرید و فروش و صادرات و واردات تجهیزات کامپیوتری و مخابراتی و سیستم‌های رایانه‌ای و الکترونیکی مجاز

ـ انجام خدمات اجرائی و فنی و مهندسی در زمینه انفورماتیک و سیستم‌های رایانه‌ای و نصب و راه‌اندازی و تعمیر و نگهداری تجهیزات رایانه‌ای و سیستم‌های رایانه‌ای.

ـ انجام فعالیت در زمینه تجارت الکترونیک مجاز غیر هرمی و غیر شبکه‌ای

ـ مکانیزه کردن سیستم‌های اداری و اجرای سیستم‌های مکانیزه شده.

ـ طراحی و اجرا سیستم‌های مختلف رایانه‌ای و پشتیبانی شبکه داده‌ها و برنامه‌نویسی و طراحی صفحات وب اینترنتی و پورتال‌های اطلاع‌رسانی.

ـ شرکت در نمایشگاه‌های رایانه‌ای داخلی و خارجی و عقد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی و همکاری و مشارکت با شرکت‌های داخلی و خارجی در زمینه موضوع فعالیت شرکت.

ـ تهیه و تامین تجهیزات و قطعات یدکی رایانه‌ای و الکترونیکی اخذ و اعطای نمایندگی از شرکت‌های داخلی و خارجی در صنعت آی تی تولید نرم‌افزار و ارائه خدمات اینترنتی و اینترانتی.

ـ طراحی و تولید و اجرای سیستم‌های امنیت شبکه و ارائه خدمات تخصصی در رابطه با شبکه‌های مبتنی بر فیبر نوری و شبکه‌های بی‌سیم و با سیم و راه‌حل‌های ارتباط با اینترنت، جهت سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی و دولتی

ـ طراحی و ساخت و نصب و راه‌اندازی و تعمیرات و آموزش در زمینه رایانه و سیستم‌های الکترونیکی و اینترنتی و اتوماسیون صنعتی و اداری و ابزار دقیق رایانه‌ای.

ـ مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی و برنامه‌ریزی کسب و کار سازمانی و طراحی و بازنگری ساختار سازمانی و مهندسی مجدد فرآیندها و مشاوره و نظارت بر طرح‌های انفورماتیکی.

ـ ارائه خدمات مشاوره مهندسی و نظارت بر طرح‌ها انفورماتیکی و مشاوره مدیریت در زمینه موضوع فعالیت شرکت.

ـ شرکت در مناقصات و مزایدات داخلی و خارجی در زمینه موضوع فعالیت شرکت

ـ خرید و فروش و واردات و صادرات کالاهای مجاز و انواع سرمایه‌گذاری و مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی و موسسات داخلی و خارجی و یا تأسیس شرکت‌هایی به‌صورت وابسته و تابعه و انجام هرگونه معاملات داخلی و خارجی به‌منظور تحقق اهداف فوق‌الذکر و انجام معاملات بازرگانی مجاز که به‌طور مستقیم با موضوع شرکت ارتباط داشته باشد و در صورت ضرورت قانونی انجام موضوع فعالیت شرکت پس از اخذ مجوزهای لازم.

ـ نصب و راه‌اندازی و پشتیبانی و نگهداری تجهیزات رایانه‌ای، الکترونیکی و شبکه‌های رایانه‌ای

(در صورت ضرورت قانونی انجام موضوعات فعالیت پس از اخذ مجوزهای لازم)

مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود

مرکز اصلی شرکت:

تهران ـ خ قائم مقام فراهانی ـ پایین تر از مطهری ـ روبروی ساختمان کشتیرانی ـ کوچه ۲۲ ـ پ ۱ ـ طبقه سوم ـ واحد ۸ کدپستی ۱۵۸۶۹۷۶۱۴۱

سرمایه شرکت: مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰/۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی که تعداد ۱۰۰۰ سهم با نام و . سهم آن بی‌نام می‌باشد که مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۲/۲۵۱ ال ای ۹۴/۸۳۴ مورخ ۹۴/۴/۲۹ نزد بانک سامان شعبه فلکه سوم تهرانپارس کد ۱۶۴۰ پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام می‌باشد.

اولین مدیران شرکت:

ـ حسین مخبری به سمت رئیس هیئت‌مدیره به شماره ملی ۰۰۸۳۰۷۵۴۰۲

ـ میثم محمدرضایی به سمت مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره به کد ملی ۰۰۷۴۸۳۸۲۰۲

ـ امیر مخبری به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره به کد ملی ۰۰۸۳۰۷۵۳۹۹ برای مدت دو سال انتخاب شدند.

کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت اسناد چک بروات سفته به امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری به امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه

بازرس اصلی و علی‌البدل: ـ حمیدرضا محمدرضایی به شماره ملی ۰۰۷۴۶۳۱۶۳۲ به‌عنوان بازرس اصلی. ـ علی مخبری به شماره ملی ۰۰۱۶۵۱۴۰۵۱ به‌عنوان بازرس علی‌البدل. برای مدت یکسال انتخاب شدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات برای درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران

۶۶۴۷۱۶۴ـ ۱۲۶۷۴۲/م‌الف

مفهوم شبهه در حقوق جزای ایران

بخش اول

امیر شریفی خضارتی- مدرّس دانشگاه و وکیل پایه یک دادگستری

برای تحقّق جرایم عمدی احراز «عَمد در فعل» یا همان «سوءنیّت عام» مرتکبان (یعنی ارادهٔ خودآگاه آنها در ارتکاب عمل مجرمانه) شرط است. بنابراین به طور مثال، سارق باید با «علم و آگاهی به نامشروع بودن فعل خود» (عدم جَهل به حُکم) و «معرفت بـه کیفیّت فعل مجرمانهٔ خویش» (عدم جَهل به موضوع)، عمد و اراده در ارتکاب جرم خود داشته و خواستار فعل مجرمانه باشند. مطابق مادّهٔ ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲/۲/۱: «در تحقّق جرایم عمدی، علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه اِحراز شود. در جرایمی که وقوع آنها بر اساس قانون منوط به تحقّقِ نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.»

البته در تحقّق برخی جرایم عمدی همچون توهین، «سوءنیّت خاص» مرتکبان شرط نیست و همچون همهٔ جرایم دیگر، «انگیزه» متّهمان در ارتکاب جرم بی‌تأثیر است. لکن قانونگذار در مورد برخی جرایم، حدوث «شُبهه» را جزو یکی از موانع مسئولیّت کیفری مرتکب دانسته است. حدوث شُبهه نیز مربوط به فعل و انفعالات ذهنی مرتکب است که در اصطلاح حقوق کیفری، «عُنصر روانی جرم» یا «عنصر معنوی جرم» نامیده می‌شود.

«شُبهه» به معنی «اشکال در تمییز دادن حلال از حرام» است. به عبارت دیگر، «شُبهَه» امری است که در آن انسان نتواند حکم به صواب یا خطا کند و در تشخیص حق از باطل دچار شک و تردید گردد. منشأ شک و تردید در حلال یا حرام بودن نیز دو چیز است که عبارتند از:

اوّل- شک و تردید در حُکم: که از دیدگاه فقهی «شُبههٔ حُکمیّه» (شبههٔ حکمی) نامیده می‌شود و عبارت است از اینکه حکم موضوعی کلّی برای مرتکب معلوم نباشد. به عبارت دیگر، مثلاً هرگاه حکم حُرمت سرقت برای سارق معلوم نباشد، شُبههٔ حُکمیّه در مورد فردی که این حکم را نمی‌دانسته یا در آن شک و تردید داشته، تحقّق یافته است.

دوم- شک و تردید در موضوع:از دیدگاه فقهی «شُبههٔ موضوعیّه» (شبههٔ موضوعی) نامیده می‌شود و عبارت است از اینکه حکم موضوعی کلّی برای مرتکب معلوم باشد لکن موضوع خاصّی از آن به جهتی مورد تردید قرار گیرد. به عبارت دیگر در شُبههٔ موضوعی، مرتکب حکم یک مسئلهٔ کلّی را می‌داند، امّا نمی‌داند یا تردید دارد که آیا فلان موضوع نیز جزء این حکم است یا خیر. به این ترتیب،

*** در حقوق جزای اسلام، جهل به دو نوع «جهل تَقصیری» و «جهل قُصوری» تقسیم می‌گردد. «جهل تقصیری» به این معنی است که شخص جاهل، می‌توانسته از حکم آگاه شود و امکان رفع جهل را داشته است لکن بر اثر سهل‌انگاری و تقصیر به دنبال آگاهی نرفته باشد. امّا «جهل قُصوری» به این معناست که شخص جاهل، در شرایطی قرار گرفته باشد که اساساً به هیچ وجه نمی‌توانسته دسترسی به حُکم پیدا کرده و از آن آگاه شود**

مثلاً هرگاه حکم حُرمت شُرب مُسکر یا شُرب خَمر برای فردی معلوم باشد، امّا او نداند یا مردّد باشد که مایع درون لیوان، مسکر یا خمر محسوب می‌شود یا خیر و در عمل نیز آن مایع را بنوشد، شُبههٔ موضوعیّه دربارهٔ مرتکب تحقّق یافته است.

همچنان‌که واضح است، علّت شُبهه (اعم از حُکمی و موضوعی) گاهی «تردید و شک» مرتکب بوده و گاهی نیز «ناآگاهی» او است. بنابراین از دیدگاه حقوق کیفری، علّت شُبهه دو چیز است: یکی «اشتباه» مرتکب در حُکم یا موضوع عمل مجرمانه و دیگری «جَهل» مرتکب در حُکم یا موضوع عمل مجرمانه.

البته برخی از حقوقدانان با قدری تسامح، مفاهیم «اشتباه» و «جهل» را یکی دانسته و آنها را در یک سرفصل مورد بررسی قرار داده‌اند؛ لکن باید توجّه داشت که از دیدگاه دقیق حقوقی، «اشتباه» و «جهل» تا اندازه‌ای با هم تفاوت دارند به این ترتیب که در «اشتباه» درجاتی از آگاهی به حُکم یا موضوع برای مرتکب وجود دارد هرچند که این میزان آگاهی برای او مفید علم نبوده و فقط سبب ایجاد شک و تردید در وی می‌شود. امّا در «جهل» هیچ نوع علم و آگاهی برای مرتکب وجود ندارد و لذا او «جاهِل» محسوب می‌گردد.

حقوقدانان کیفری ایران معمولاً در آثار خود همچون فقهای شیعه، اشتباه را به دو نوع حُکمی و موضوعی تقسیم کرده‌اند. اشتباه حُکمی نیز از دیدگاه این حقوقدانان به دو نوع طبقه‌بندی شده است: ۱ـ اشتباه ناشی از تفسیر غلط قانون، ۲ـ اشتباه ناشی از جهِل به قانون.

«اشتباه ناشی از تفسیر غلط قانون» به علّت تفسیر نادرست مرتکب و عدم درک صحیح او از مضمون و مفاد قانون است. بنابراین، علی‌الاصول این نوع اشتباه مطلقاً در مسئولیّت کیفری تأثیری ندارد.

امّا در مورد «اشتباه ناشی از جهِل به قانون»، مطلب کمی پیچیده است. در حقوق ایران قاعدهٔ کلّی این است که به موجب مادّهٔ ۱ قانون مدنی (اصلاحی مورّخ ۱۳۷۰/۸/۱۴): «مصوّبات مجلس شورای اسلامی و نتیجهٔ همه‌پرسی، پس از طی مراحل قانونی به رئیس‌جمهوری ابلاغ می‌شود. رئیس‌جمهوری باید ظرف مدّت پنج روز آن را امضاء و به مجریّان ابلاغ کند و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظّف است ظرف ۷۲ ساعت پس از ابلاغ، منتشر کند.» همچنین بر اساس تبصرهٔ این مادّه (اصلاحی مورّخ ۱۳۷۰/۸/۱۴): «در صورت استنکاف رئیس‌جمهوری از امضاء یا ابلاغ در مدّت مذکور در این مادّه، به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی موظّف است ظرف مدّت ۷۲ ساعت مصوّبه را چاپ و منتشر کند.» به هر حال مطابق مادّهٔ ۲ قانون مدنی (اصلاحی مورّخ ۱۳۴۸/۸/۲۹): «قوانین ۱۵ روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم‌الاجرا است مگر آنکه در خود قانون، ترتیب خاصّی برای موقع اجرا مقرّر شده باشد.» ضمناً طبق مادّهٔ ۳ قانون مدنی مصوّب ۱۳۰۷/۲/۱۸: «انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید.» به این ترتیب، مسلّم است که پس از انتشار قانون و گذشت مهلت پانزده روزهٔ مقرّر در مادّهٔ ۲ قانون مدنی، دیگر ادّعای جهل به قانون و بی‌اطّلاعی از آن پذیرفته نخواهد شد.

با عنایت به مواد فوق، قاعدهٔ کلّی در «امور مدنی» این است که ادّعای جهل به قانون مطلقاً پذیرفته نیست؛ لکن حتّی در این زمینه نیز استثنائاتی در حقوق ایران وجود دارد. برای مثال، هرگاه زن و مردی بدون اطّلاع از موانع قانونی نکاح با یکدیگر ازدواج کنند، رابطهٔ آنها نامشروع تلقّی نشده و آثار نکاح صحیح برآن بار خواهد شد.

در «امور کیفری» نیز اصل کلّی این است که «اشتباه ناشی از جهل به قانون» تأثیری بر مسئولیّت جزایی مرتکب ندارد؛ لکن این نوع اشتباه که اصطلاحاً «جهل به قانون» نامیده می‌شود، در مواردی به صورت کاملاً استثنایی در حقوق اسلام و ایران جزء علل مانع مسئولیّت کیفری محسوب می‌شود. به این ترتیب در فقه جزایی اسلام و حقوق کیفری ایران، برخلاف برخی از نظام‌های حقوقی دیگر، رافعِ مسئولیّت نبودنِ جَهل حُکمی یک قاعدهٔ مطلق نیست، بلکه این ادّعا در موارد خاصّی قابل پذیرش است. به موجب مادّهٔ ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲/۲/۱: «جَهل به حُکم، مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حُکم شَرعاً عُذر محسوب شود.»

همانطور که واضح است، صدر مادّهٔ فوق در مورد بحث جهل به قانون، حکم اصلی را مقرّر کرده که مطابق آن «جَهل به حُکم، مانع از مجازات مرتکب نیست.» امّا ذیل همین مادّه، دو استثناء بر حکم اصلی بیان کرده است که در مورد آنها جهل مرتکب به قانون مورد پذیرش قرار می‌گیرد. این دو استثناء عبارتند از: ۱- «تحصیل علم عادتاً برای مرتکب ممکن نباشد.» ۲- «جَهل به حُکم شَرعاً عُذر محسوب شود.»

به این ترتیب، مقنّن در استثنای دوم مذکور در مادّهٔ ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲/۲/۱، به مواردی اشاره کرده که از دیدگاه شرع اَنور اسلام، جهل به حُکم برای مرتکب، عُذر محسوب شده و به همین دلیل از مجازات معاف می‌شود. از آنجایی که همه جرایم حدّی مذکور در قانون مجازت اسلامی، منبعث از رویکردهای شارع مقدّس اسلام هستند، لذا جهل به حُکم در مورد آنها، شرعا عُذر محسوب می‌شود. البته در حقوق جزای اسلام، جهل به دو نوع «جهل تَقصیری» و «جهل قُصوری» تقسیم می‌گردد. «جهل تقصیری» به این معنی است که شخص جاهل، می‌توانسته از حکم آگاه شود و امکان رفع جهل را داشته است لکن بر اثر سهل‌انگاری و تقصیر به دنبال آگاهی نرفته باشد. امّا «جهل قُصوری» به این معناست که شخص جاهل، در شرایطی قرار گرفته باشد که اساساً به هیچ وجه نمی‌توانسته دسترسی به حُکم پیدا کرده و از آن آگاه شود.

فقها در مباحث خود معمولاً جهل قُصوری را (که بدون تقصیر شخص بوده است) رافع مسئولیّت کیفری جاهل می‌دانند لکن در مورد جهل تقصیری، بین «جاهل مُقصّر مُلتفت» و «جاهل مُقصّر غیرمُلتفت» تفاوت قائل شده‌اند. بر این اساس، جهل تقصیری زمانی موجب زائل شدن مسئولیّت کیفری می‌گردد که جاهلِ مُقصّر، غیرمُلتفت بوده و متوجّه نباشد؛ امّا جاهلِ مُقصّرِ مُلتفت و متوجّه، معذور نبوده و دارای مسئولیّت کیفری است.

به هر حال، مادّهٔ ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲/۲/۱ چنین مقرّر داشته است: «در جرایم موجب حدّ، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتنِ علم، قصد و شرایط مسئولیّت کیفری، به حُرمت شرعی رفتار ارتکابی نیز آگاه باشد.» بنابراین طبق این مادّه، جهل و عدم آگاهی مرتکب به حُرمت شرعی جرم حدّی، جزء علل مانع مسئولیّت کیفری محسوب می‌گردد. این‌گونه معافیّت‌های قانونی، مبتنی بر روایاتی است دال بر اینکه حضرت علی(ع) در موارد متعدّدی قبل از اجرای مجازات حدّ، در مورد اینکه آیا مجرم نسبت به حُرمت عمل خود اطّلاع داشته است یا خیر استفسار می‌کرده و تنها در صورت آگاهی وی نسبت به حُرمت عمل، او را محکوم به تحمّل حدّ می‌کرده‌اند. شعبهٔ شانزدهم دیوان عالی کشور ایران نیز در دادنامهٔ شمارهٔ ۸ صادره در سال ۱۳۷۱، با توجّه به سنّ کم متّهم (یعنی شانزده سال)، علم و آگاهی وی نسبت به حُرمت موضوع را قابل تخدیش دانسته است.

به طور کلّی، حقوق جزای اسلام قاعدهٔ معروف «تُدرأ الحُدود بالشُّبَهات» را دارا ست که مورد قبول همه فقهای امامیّه بوده و به قاعدهٔ «دَرأ» مشهور است. این قاعده مستند به روایاتی از حَضرات معصومین(ع) است که بر اساس آن حدود را باید با حدوث شُبهه ساقط کرد. کلمهٔ «حدود» مذکور در این قاعده نیز اعم از هر نوع کیفری است و نه فقط حدّ به معنای خاص. پس باید با بروز شک و تردید و حتّی ظنّ و گمان در وقوع جرم یا شرایط بزه یا شرایط مسئولیّت کیفری، از اجرای مجازات خودداری کرد. در واقع، مقتضی است که کیفرها فقط در مواردی جاری شوند که در مورد حدوث جرم و شرایط آن و اوصاف لازم برای تحقّق مسئولیّت کیفری مرتکب، قطع و یقین و صددرصد علم وجود داشته باشد. بنابراین همانطورکه معروف است «اگر ده نفر جانی از چنگال عدالت بگریزند بهتر است از اینکه فرد بی‌گناهی مجازات شود.» قانونگذار ایران نیز

*** در «امور کیفری» نیز اصل کلّی این است که «اشتباه ناشی از جهل به قانون» تأثیری بر مسئولیّت جزایی مرتکب ندارد؛ لکن این نوع اشتباه که اصطلاحاً «جهل به قانون» نامیده می‌شود، در مواردی به صورت کاملاً استثنایی در حقوق اسلام و ایران جزء علل مانع مسئولیّت کیفری محسوب می‌شود. به این ترتیب در فقه جزایی اسلام و حقوق کیفری ایران، برخلاف برخی از نظام‌های حقوقی دیگر، رافعِ مسئولیّت نبودنِ جَهل حُکمی یک قاعدهٔ مطلق نیست، بلکه این ادّعا در موارد خاصّی قابل پذیرش است**

با توجّه به نظر مشهور فقهای شیعه، عنوان مبحث ششم از فصل یازدهم از بخش دوم از کتاب اوّل قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲/۲/۱ را «اعمال قاعدهٔ درأ» گذارده و ۲ مادّه به آن اختصاص داده است. مطابقَ مادّهٔ ۱۲۰ این قانون: «هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسئولیّت کیفری مورد شُبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود، حسب مورد، جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.» این مادّه به طور مطلق از عبارت «جرم» استفاده کرده و آن را مقیّد نکرده است. لذا تفسیر ظاهری، آن است که همهٔ جرایم را در بر می‌گیرد.

امّا مادّهٔ ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی فقط اختصاص به حدوث شُبهه در جرایم حدّی دارد. بر اساس این مادّه: «در جرایم موجب حدّ به استثنای مُحاربه، اِفساد فی‌الارض، سرقت و قَذف، به صِرف وجود شُبهه یا تردید و بِدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد، جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود.» به این ترتیب، به صِرف وجود شُبهه یا تردید در وقوع یا شرایط تحقّق همه جرایم حَدّی (به استثنای چهار جرم مُحاربه، اِفساد فی‌الارض، سرقت و قَذف) بدون نیاز به تحصیل دلیل، این جَرایم ثابت نمی‌گردند.

ادامه دارد

دانستنی‌های قضایی

بازخوانی مقررات قانونی درباره برات، سفته و چک

اسناد تجاری، به معنی عام، به تمامی اسنادی گفته می‌شود که بازرگانان در روابط تجاری استفاده می‌کنند و علاوه بر برات، سفته و چک، اسنادی مانند قبض انبار، اسناد در وجه حامل، بارنامه‌های حمل و نقل، اوراق بهادار، اوراق قرضه، اوراق سهام و مانند اینها را شامل می‌شود.

در قانون تجارت، اسناد تجاری تعریف نشده‌اند، اما حقوقدانان برای این اسناد دو مفهوم عام و خاص منظور کرده‌اند. اسناد تجاری، به معنی عام، به تمامی اسنادی گفته می‌شود که بازرگانان در روابط تجاری استفاده می‌کنند و علاوه بر برات، سفته و چک، اسنادی مانند قبض انبار، اسناد در وجه حامل، بارنامه‌های حمل و نقل، اوراق بهادار، اوراق قرضه، اوراق سهام و مانند اینها را شامل می‌شود. اسناد تجاری، در معنی خاص، فقط شامل برات، سفته و چک می‌شود.ویژگی مشترکی که برات، سفته و چک را از دیگر اسناد تجاری متمایز می‌کند، این است که این اسناد هم معرف وجه و طلب و هم قابل ظهرنویسی و انتقال هستند، در حالی که دیگر اسناد تجاری هیچ گاه این دو خصوصیت را با هم ندارند، یعنی اگر قابل انتقال باشند (مثل ورقه سهام) دیگر معرف وجه و طلب نیستند و اگر معرف وجه و طلب باشند (مثل بارنامه) دیگر قابل انتقال نیستند.

مقنن صراحتا در مورد سند تجاری «برات» احکامی را بیان کرده است، بدین شرح که در صورت مفقود شدن یک سند تجاری (برات)، دارنده سند، پس از اثبات حقانیتش نسبت به تعلق و مالکیت بر آن سند تجاری، می‌تواند با درخواست الزام صادرکننده سند، صدور نسخه یا نسخ دیگر را از محکمه تقاضا کند.بدیهی است زمانی این الزام از سوی محکمه میسر می‌شود که صادرکننده سند تجاری (برات) از صدور نسخه دیگر سند امتناع کند. لذا این درخواست با طرح دعوی الزام مطابق ماده ۲۶۴ از قانون مذکور قابلیت اجرایی خواهد داشت.فرض مقنن در صورت رجوع و طرح دعوی در جایی که سند تجاری (برات) ظهرنویسان متعدد داشته باشد (ظهرنویسی به معنی انتقال، نه ضمانت یا وکالت در وصول) مطابق ماده ۲۶۶ قانون تجارت چنین است که دارنده با حق مراجعه به ظهرنویس قبل از خود، اختیار حق مراجعه به ظهرنویسان ماقبل را تا شناسایی صادرکننده خواهد داشت.

بنابراین به دلیل این الزام قانونی برای شناساندن دو ظهرنویس قبلی به دارنده سند تجاری مفقودشده تا شناسایی صادرکننده، ضمانت اجرای قانونی مسئولیت ظهرنویس، ممتنع به تادیه اصل وجه سند با احتساب تمامی خسارات وارد بر دارنده سند مفقودشده است.

ناآگاهی بسیاری از مردم از آثار حقوقی الزام‌آور سفته

برابر قانون، سفته سندی است که به سبب آن، صادرکننده متعهد می‌شود مبلغی معین را در وعده معین یا عندالمطالبه در وجه گیرنده آن یا به حواله‌کرد او پرداخت کند. سفته برای اینکه به عنوان یک سند تجاری پذیرفته شود و از مزایای قانون تجارت برای اسناد تجاری بهره ببرد، باید دارای مهر یا امضای صادرکننده، تاریخ صدور، تاریخ پرداخت، مبلغ معین و گیرنده وجه باشد. در نتیجه می‌توان گفت اصولا سفته نیز از نظر شکلی و ماهوی مشابه برات است.امروزه سفته از اسناد تجاری رایج در ایران محسوب می‌شود و بسیاری از مردم آگاه نیستند که سفته دارای اثر حقوقی الزام‌آور است و به دلیل اوصاف تجریدی آن، باید در صدورش دقت زیادی کرد.مقنن در خصوص سند تجاری برات مفقودشده تکالیف قانونی منصوص خود را در مورد حق مطالبه وجه سند تجاری مفقودی، شرایط حق مطالبه سند تجاری مفقودی، تکالیف اثباتی وجه سند تجاری مفقودی و همچنین تکالیف مسئولان یک سند تجاری مفقودشده صراحتا بیان کرده است.

قانونگذار مستند به ماده ۳۰۹ قانون تجارت، تمامی احکام یک سند تجاری سفته مفقودشده را حمل بر مقررات و احکام یک سند تجاری برات مفقودشده دانسته و بدین سبب، هیچ تفکیکی میان سند تجاری برات مفقودشده با سند تجاری سفته مفقودشده بیان نشده است.

چک چیست؟

چک در قانون تجارت این گونه تعریف شده است: «چک نوشته‌ای است که به سبب آن صادرکننده وجوهی را که نزد محال‌علیه دارد، کلا یا بعضا مسترد یا به دیگری واگذار می‌کند.»

اکنون، با بررسی مواد قانونی و مقررات راجع به سند تجاری چک با توجه به قسمت اخیر ماده ۳۱۴ قانون تجارت، همچنین با قید اینکه مقررات مفقود شدن در مورد بروات شامل چک نیز خواهد شد، به این نتیجه می‌رسیم که حتی در خصوص سند تجاری چک مفقودشده، قانونگذار حکمی واحد با سند تجاری برات مفقودشده را بیان کرده است.بنابراین، در جمع و بررسی مواد و احکام قانونی اسناد تجاری سه‌گانه به معنی خاص سند تجاری (برات، سفته و چک) درمی‌یابیم که حکمی واحد برای مفقود شدن این‌گونه اسناد پیش‌بینی شده است، بدین نحو که همه احکام و شرایط مفقود شدن یک سند تجاری به معنی اخص، همان احکام و شرایط یک سند تجاری یعنی بروات مفقود شده است.

انتقال بعد از برگشت

یکی دیگر از مباحثی که در جامعه مطرح می‌شود و ممکن است برای بسیاری سوال باشد، انتقال دادن چک بعد از برگشت زدن به دیگری است. در این مواقع جریان از این قرار است که وقتی دارنده چک خودش نمی‌تواند وجه چک را وصول کند، آن را به دیگری واگذار می‌کند و در مقابل پولی که به او می‌پردازند، وصول چک را به آنها واگذار می‌کند.در این خصوص طبق ماده ۱۱ قانون صدور چک «کسی که چک پس از برگشت از بانک به او منتقل شده است حق شکایت کیفری نخواهد داشت» یعنی در هر صورت اگر بعد از برگشت زدن چک یا حتی بعد از اینکه شکایت کیفری تنظیم شد، چک به دیگری منتقل شد، دیگر آن چک قابلیت تعقیب کیفری خود را از دست خواهد داد، به همین دلیل اگر برخی افراد ادعا کردند «در هر زمان که چک را به ما بدهید سریعا آن را وصول می‌کنیم» باید به این نکته پی برد که احتمالا از راه‌های غیرقانونی و غیرانسانی می‌خواهند این اقدام را انجام دهند؛ مثل این که شخص صادرکننده را به زور باز و تهدید می‌کنند تا وجه چک را پرداخت کند.

در مواقعی نیز ممکن است چک به صورت قهری به فرد دیگری برسد. مثلا هنگامی که شخصی چک را برگشت می‌زند و سپس فوت می‌کند و پس از آن چک به وراث او می‌رسد، در این مواقع از لحاظ قانونی منعی برای پیگیری کیفری چک وجود ندارد و وراث آن شخص می‌توانند به شکایت کیفری ادامه دهند.

وکالت بعد از برگشت

ممکن است دارنده چک بخواهد پس از آن که چک را برگشت زد، آن را به شخص دیگری واگذار کند که به نمایندگی از او وجه چک را وصول کند. در این خصوص قانون صدور چک معتقد است: در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی‌محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را به طور کامل بنویسد و نمایندگی شخص مذکور را در پشت چک قید کند.با این کار معمولا اشخاص خود را از گیرودارهای شکایت و دعوا راحت می‌کنند و این امور را به وکیل خود می‌سپارند و در انتها با پرداخت حق‌الزحمه‌ای به وکیل به پول خود می‌رسند.

برگرفته از خبرگزاری میزان

ظرفیت‌های ایران برای پیوستن به سازمان همکاری «شانگهای»

مهدی ســـنایی سفیر تام الاختیار کشورمان در فدراسیون روســـیه درباره تعاملات جمهوری اســـلامی ایران و سازمان همکاری شانگهای ایراد دیدگاه‌های خود را مطرح کرد که به شرح ذیل از نظر می گذرانید:

مدیریت محترم جلســـه، آقایان و خانم ها! در ابتدا لازم می دانم از نهادهای برگزارکننده این همایش، به ویژه «آکادمی اقتصاد ملی و خدمات دولتی وابســـته به ریاست جمهوری فدراسیون روسیه» و «مؤسسه سیاست گذاری اقتصادی گایدار» در برگزاری موفقیت آمیز این همایش تقدیر و تشکر کنم. از ایـــن که فرصت حضور در این همایش و طرح دیدگاه های کشورم در مورد یکی از موضوعات مورد توجه این همایش را داشتم خرسندم. من سخنرانی خود را در زمینه «جمهوری اسـلامی ایران و سازمان همکاری شانگهای» ارائه می نمایم. موضوع جهانی شدن باعث شده که ائتلاف‌ها افزایش یافته و بیش از گذشته اهمیت پیدا کنند.

به همین جهت در دهه گذشـــته بسیاری از ائتلاف‌ها و سازمان‌ها فعال و تقویت شده است و کشورها خواسته‌ها و منافع خود را در چارچوب مجموعه‌ای از کشورهای همسو دنبال می‌کنند. ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای و همچنین توانمندی‌های آن، با دارا بودن بیش از یک سوم جمعیت جهان، وسعت قابل توجه و توانمندی‌های اقتصادی نوید یک ائتلاف بالقوه توانمند را می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تاسیس ســـازمان همکاری شانگهای همواره پیگیر فعالیت‌ها و نقش ســـازنده اعضای این سازمان به عنوان یک مجموعه موثر در رویدادها و حوادث سیاسی و اقتصادی جهان بوده و از اهداف این سازمان در تحکیم اعتماد، دوستی متقابل بین کشورهای عضو، توسعه همکاری‌های همه جانبه با هدف حفظ و تحکیم صلح، امنیت و ثبات در منطقه، رویارویی مشترک با تروریسم، تجزیه‌طلبی و افراط گرایی در همه نوع مظاهر آنها، کنترل و مبارزه با مواد مخدر و تسلیحات حمایت کرده و با عضویت ناظر در این سازمان در سال ۲۰۰۵، تمایل خود را به همکاری با آن نشـــان داده و ســـعی کرده در پیشرفت و عملی نمودن اهداف این سازمان موثر باشد. امروز افراط گرایی و تروریسم به یک معضل سیاسی، امنیتی مهم در سطح منطقه ای و جهانی تبدیل شده است و بیم آن می رود که عناصر افراطی در منطقه و حوزه کشورهای عضو شانگهای بیش از این نفوذ کنند و امنیت این کشورها را با چالش جدی مواجه کنند.

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای پیشرو در مبارزه با افراط گرایی و تروریسم منطقه ای است، آماده است تا تجربیات خود را با کشورهای عضو شانگهای در میان گذارد و در جهت تقویت امنیت و ثبات منطقه مشارکت فعال‌تری داشـــته باشد. همکاری برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر، یکی از دغدغه های مهم این ســـازمان است. در این زمینه نیز می توانیم نقش مهم ایران طی سال های گذشته در مبارزه علیه قاچاق و سوداگری مواد مخدر از افغانستان را به یاد آوریم. هزینه های فراوان مالی و جانی جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه با مواد مخدر بسیار چشمگیر بوده و بارها مورد تقدیر سازمان ملل و کشورهای مختلف قرار گرفته است. علاوه بر مناســـبات رو به توســـعه ایران در روابط دو جانبه با اکثر اعضای ســـازمان، در فرمت چند جانبه مبارزه با مواد مخدر با مشارکت تعدادی از اعضای سازمان همکاری دارد. چنین ظرفیتی می تواند ارزش افزوده ای بر اقدامات سازمان در این زمینه باشد.

پیوســـتن کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران به سازمان همکاری شانگهای، با هدف تشریک مساعی و هم‌افزایـــی ظرفیتهای اقتصادی منطقه و همچنین مقابله با تهدیدهای امنیتی است و این سازمان می تواند از نتایج و منافع مثبت افزایش اعضاء و ظرفیت های جمعی بهره مند شود. قرار گرفتن در یک موقعیت ژئواستراتژیک میان دو قطب پیشرفته اقتصادی جهان یعنی شرق آسیا و غرب اروپا، سازمان همکاری شانگهای را از منظر عناصر زیربنایی توسعه بسیار قدرتمند و توانا ســـاخته است. توسعه همکاری های تجاری و اقتصادی برای رسیدن به ثبات پایدار منطقه ای راهکار قوی برای تقویت سازمان همکاری شانگهای است. این سازمان از ظرفیت ها و منابع روزافزونی برخوردار است که تاکید و گسترش بر آنها در پرتو حضور روسیه و چین می تواند معادلات منطقه ای بین المللی را متوازن کند.

ظرفیت‌ســـازی برای گسترش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای امری ضروری است و در چارچوب چنین نهادهایی است که فرصت گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری‌های متقابل و توســـعه همکاری‌های صنعتی و اقتصادی افزایش می‌یابد. خانم ها ، آقایان محترم،با عنایت به وضعیت خاص منطقه‌ای و بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران مایل است که به اشکال و روش‌هـــای گوناگون بـــا مجموعه‌های بزرگتر منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری و برخی از خواسته‌ها و منافع خود را در آن چارچوب تعریف کند.

ایران علاقمند همکاری با سازمان شانگهای در زمینه‌های اقتصادی و تجاری، انرژی، حمل و نقل و ترانزیت است.منافع مشترک ایران و اعضای سازمان، ضرورت تقویت همکاری‌ها را ایجاب می کند و ظرفیت و نقش بالای جمهوری اسلامی در این همکاری ها می تواند موجب تقویت اعتبار و قدرت سازمان شانگهای شود. عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای برای روابط اقتصادی این سازمان با شرکایش در سراسر آسیا مفید خواهد بود.ایران هجدهمین اقتصاد برتر دنیا، چهارمین تولید کننده نفت در جهان، دارای دومین ذخایر گازی جهان، حائز رتبه دهم در صنعت گردشگری، بزرگترین و بیشترین میزان صنایع در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا، رتبه چهارم دنیا به لحاظ تنوع تولیدات محصولات کشاورزی است.

موقعیت جغرافیایی ایران به ســـبب قرار گرفتن در میان شرق و غرب، نقش مهمی در مبادلات اقتصادی و گسترش همکاری‌های کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای دارد. به همین سبب در چند سال اخیر همکاری‌های ایران و سازمان همکاری شانگهای رو به گسترش بوده است.با توجه به افزایش مصرف انرژی در جهان و حضور کشورهای بزرگ تولید کننده و مصرف کننده انرژی در سازمان همکاری شانگهای، زمینه مناسبی برای همکاری در موضوع انرژی وجود دارد و جایگاه و نقش ممتاز ایران در این زمینه نیز مشخص است. ایران علاوه بر آن که یک تولید کننده بزرگ نفت و دارای ذخایر گسترده گاز جهان محسوب می شود، با برخی از اعضای سازمان به ویژه هند و چین همکاری نزدیکی برای تأمین بخشی از نیازهای انرژی آن ها داشـــته است. بازار ایران نیز به روی کشورهای عضو این سازمان به منظور فعالیت در زمینه های اکتشاف و استخراج حوزه های هیدروکربنی باز است.

همزمان با رشد فزاینده مبادلات اقتصادی و شکل گیری ساختار وابستگی متقابل در نظام بین الملل، اهمیت موضوعاتی همچون حمل و نقل و ترانزیت بیش از پیش آشکار شده است و در واقع یکی از مهمترین ابعاد فرآیند جهانی شدن ساختار پیچیده نظام وابستگی متقابل در بعد اقتصادی است که همه بازیگران نظام بین الملل بســـته به میزان توانایی‌های خود در آن به ایفای نقش می پردازند. جمهوری اسلامی ایران بواسطه موقعیت جغرافیایی خود در مسیر عبور برخی از کریدورهای مهم حمل و نقل بین المللی قرار دارد که عبارتند از : کریدور شمال- جنوب که هند و آب‌های آزاد جنوب را از طریق خاک ایران به منطقه قفقاز روسیه و شمال اروپا متصل می کند. کریدور شرق- غرب که چین و آسیای مرکزی در شرق و شمال را به قفقاز، آسیای غربی و دریای مدیترانه متصل می کند. کریدور سراســـری راه‌آهن آسیا که کشورهای جنوب شرق آسیا، شبه قاره هند را از طریق یک مسیر ریلی به ترکیه و اروپای شرقی متصل می کند.دیگر زمینه‌های اقتصادی برای همکاری ایران و سازمان همکاری شانگهای حائز اهمیت هستند.

بـــه ویژه ایـــن که ایران به پروژه های اقتصادی خوش آتیه اعضای مهم ســـازمان، یعنی «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» و «کمربند اقتصادی راه ابریشـــم» علاقه مند است و مایل به همکاری و ایفای نقش در هر دو پروژه است. ایران مایل به برقراری رژیم تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا است و همکاری نزدیک تر با این اتحادیه را زمینه ای برای گسترش همکاری های اقتصادی ایران و این مجموعه از کشورها می داند. به علاوه ایران همواره نقش مهمی در جاده ابریشم قدیم و شاهراه‌های منطقه داشته و در این راستا از طرح جاده جدید ابریشم نیز حمایت می‌کند.

در همین زمینه فکر می‌کنم مفید باشد که برای چگونگی تطبیق اتحادیه اقتصادی اوراســـیا، راهبرد راه جدید ابریشـــم و همکاری‌های اقتصادی در چهارچوب ســـازمان شانگهای اندیشـــیده شود. ایران به همکاری و شراکت در بخش های متعدد اقتصادی با اعضای ســـازمان، از جمله در زمینه های کشاورزی، تولید انرژی‌های غیرفسیلی، مخابرات و ارتباطات الکترونیک و همچنین به تقویت همکاری های بین بانکی و حمایت متقابل از ســـرمایه گذاری بین اعضای سازمان علاقه مند اســـت. امکانات صنعتی، فن آوری و لجستیکی اقتصاد ایران نیز می تواند به گسترش و تقویت ظرفیت‌های اقتصادی ســـازمان کمک کند. لذا عضویت کامل ایران در این سازمان، روابط اقتصادی ایران را با کشـــورهای عضو تحت تاثیر قرار خواهد داد و فرصت‌های بیشـــتری را برای همکاری با آنها فراهم خواهد کرد. با الحاق رسمی ایران به سازمان همکاری شانگهای این سازمان هم همکاری وسیعتری خواهد داشت و هم مشارکت و نفوذ آن در امور بین المللی بیشتر می شود. ورود رسمی ایران به این سازمان به معنای ارتباطات و همکاری های بیشـــتر میان اعضا است. اگر ایران عضو رسمی سازمان شود در بخش های مختلف از گردشگری گرفته تا تبادلات نیروی انسانی، انرژی، منابع، فرهنگ، کمک های انساندوستانه و موضوعات اقتصادی همکاری های گسترده تری در انتظار اعضای ســـازمان خواهد بود. انتظار می رود که با توجه به آغاز اجرای توافقات ایران و گروه ۵+۱ و لغو تحریم ها، در روزهای آینده و در دوران پساتحریم عضویت رسمی ایران در این سازمان که هم اکنون به صورت عضو ناظر است، شکل جدی تری به خود بگیرد.

الزامات تجارت خرد و متوسط با روسیه

وجود بازار بزرگ و ۱۴۰ میلیون نفری فدراسیون روسیه در شمال کشـــورمان، در حقیقت یک فرصت مناسب برای کالاهای تولیدی ایرانی اســـت که بتوانند با صادرات به این کشور، مسیری مطمئن و تجارتی مداوم برای خود ایجاد کنند. تجار و شرکت‌هایی که بدنبال صادرات به روسیه هستند عمدتاً با ابهاماتی مواجهند که در نتیجه، از ورود به این بازار هراس داشته یا ملاحظات بسیاری را در نظر دارند. در این نوشتار و بر اساس تجربیات کاری و حرفه ای بر آن هستیم تا شکل مناسبی از تجارت با روسیه را تشریح کرده و اطلاعات میدانی را در اختیار علاقمندان قرار دهیم. مسائلی همچون احساس نگرانی از پیچیده بودن فعالیت تجاری در روسیه، تصور وجود مافیای اقتصادی و تجاری در این بازار و عدم اطمینان به تجار و شرکتهای روس، همواره باعث مشغولیت ذهنی ایرانیان شده است؛ در حالیکه بازرگانان دیگر کشورها مانند افغان‌ها، ترک‌ها، آذری‌ها، تاجیک‌ها و حتی اروپایی‌ها در روسیه به فعالیت‌های تجاری مشغول بوده و با شناختی که از محیط داشته و تسلط به زبان محل، توانسته اند جایگاه شایسته ای برای خود و هم وطنانشان کسب و تولیدات بومی کشور متبوع خود را به روسیه صادر کنند. سوال اینجاست که با فرض وجود این مسائل، چـــرا دیگران می توانند قدرتمندانه فعالیت های بازرگانی در این کشور داشته باشند، ولی ایرانیان با صدها سال ارتباط، از ورود به این بازار هراس داشته و عطایش را به لقایش ببخشند. در حقیقت، عدم توجه به قوانین تجارت بین الملل و فرهنگ غالب و بومی شرکت‌های تجاری و مصرف کنندگان روسیه، باعث بروز مشـــکلاتی خواهد شد که در نتیجه، شرکت‌های ایرانی بهانه ایجاد این مســـائل را نه در عدم آشـــنائی خود با بازار و الزامات آن، بلکه در دلایل ماهوی و خارج از کنترل انسان جستجو می کنند.به گزارش خبرآنلاین،ورود و فعالیت در بازار روســـیه، نیازمند الزاماتی است که شرکت‌های ایرانی قبل از هر گونه اقدامی باید در فکر فراهم‌ســـازی این ابزارها بوده و بر آن اساس، اطمینان داشته باشند که می توانند کسب و کار مطمئنی را پایه ریزی کنند. این الزامات و ابزارها شامل موارد زیر هستند:

– اولین قدم، تغییر در نگرش نسبت به بازار روسیه است. ذائقه مردم روســـیه طی سال‌های پس از فروپاشی و فعالیت شرکت‌های چند ملیتی خارجی، کاملا تغییر یافته و تقاضای کالای باکیفیت و استاندارد می کند. نباید انتظار داشت که کالای حتی با کیفیت متوسط در بازار روسیه بخصوص بازار مصرفی و بزرگ مسکو با اقبال و تقاضای مردم به‌عنوان مصرف کنندگان اصلی مواجه شود. مجموع تجارت خارجی این کشور بالغ بر ۸۰۰ میلیارد دلار در سال می شود که نزدیک به نیمی از این رقم مربوط به واردات است.

کالاهای مصرفی، مواد غذائی، محصولات کشـــاورزی و مصالح ساختمانی از جمله چهار گروه اصلی کالائی هستند که در جمهوری اسلامی ایران به وفور و با مقیاس وسیع تولید می‌شوند و مورد تقاضای بازار روسیه در سطح گسترده هستند، ولی متاسفانه کالاهای ایرانی صادراتی به این کشور کمتر از یک درصد میزان واردات روســـیه را تشکیل می دهند. شاید بتوان اصلی ترین دلیل را عدم توجه صادرکنندگان به کیفیت محصولات، در زمان ورود به بازار مصرف روسیه دانست.

– مناسبتر آن است که کالای صادراتی و عواید حاصل از صادرات در اختیار و کنترل شرکت صادرکننده بوده و حتی الامکان از ورود واسطه های مختلف به چرخه تولید تا بازار مصرف پرهیز شود. بدین منظور توصیه می‌شود که شرکتهای ایرانی با ثبت یک شرکت روس و مقیم نمودن یکی از افراد معتمد و آشنا به تجارت بین الملل، نسبت به واردات کالا از جمهوری اسلامی ایران اقدام کنند. این امر چندین حُسن دارد: پول حاصل از فروش محصول با ورود به حساب‌های بانکی این شـــرکت، در اختیار کامل مدیران ایرانی قرار دارد. کنترل فعالیت شرکت نسبت به کارکنان، خریداران، قراردادهای فروش، قوانین وارداتی، گمرک و ترخیص کالا، انبار سازی و توزیع، در یَد مدیر شرکت قرار داشته و این امر به افراد ثالث سپرده نمی شود. مشاهده شده است که افرادی در این گردونه، خارج از عرف و انتظار عمل کرده و باعث مشکلاتی برای طرف‌های ایرانی شـــده اند. هزینه ثبت شرکت در مسکو، بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار است که لازم است توسط یک شرکت حقوقی یا وکیل مسلط به قوانین ثبت شرکت انجام شود.

– وجود یک دفتر کاری برای فعالیت اقتصادی در بازار، متناسب با حوزه فعالیت و میزان سرمایه در گردش شرکت، از لازمه های دیگر تجارت در مسکو می باشد. اجاره یک دفتر کوچک در این شهر از ۲۰۰۰ دلار به بالا هزینه خواهد داشت که میزان آن بستگی به محل اجاره و امکانات موجود دارد.

– بدلیل عدم تسلط غالب شرکت‌ها و تجار روس به زبان فارسی یا انگلیسی، نیاز است از خدمات یک نفر مترجم زبان روسی از ابتدای فعالیت در روسیه بهره برده شود. در حقیقت بازوی مهم و حیاتی فعالیت تجاری در روسیه، آشنائی به زبان روسی است که با استخدام یک مترجم تمام وقت در شرکت ثبت شده در روسیه، انجام می شود. بدیهی است اتکا به زبان انگلیسی و یا عدم توجه به استخدام تمام وقت یک مترجم با اســـتدلال هزینه بالای این امر، مشکلاتی را بدنبال دارد که هزینه های بعدی آن به مراتب از حق الزحمه استخدام مترجم بیشتر می شود.

– بدلیل محدود بودن صادرات کالا از ایران به روســـیه، بیشتر شرکت‌ها و مصرف کنندگان روسی با کالاهای با برند ایرانی آشنا نیستند. اجاره یک انبار مناسب برای نگهداری کالا و ســـپس بازاریابی و فروش محصولات ایرانی به خریداران روس، بســـیار کمک کننده است. کالاهای فاسد نشدنی مانند لوازم مصرفی و مصالح ســـاختمانی خواهند توانست با این روش، به بالاترین قیمت به فروش برسند. بدیهی است برای کالاهای فاسدشـــدنی مانند محصولات کشاورزی، در اختیار داشـــتن سردخانه مجهز و مدرن که امکان نگهداری به مدت چند هفته و حتی چندماه را داشـــته باشند، کمک بسیاری به فروش در زمان مناسب و قیمت منطقی خواهد کرد. احداث یا اجاره انبار و ســـردخانه در خارج از محدوده شهر مسکو یا ســـرمایه گذاری در یکی دیگر از شهرهای نزدیک به بازار مسکو، اقدامی معقول خواهد بود.

– مســـکو از گرانترین شـــهرهای دنیا است و لذا هزینه های زندگی بسیار بالاست. تجار ایرانی اگر با بررسی حوزه کاری و میزان ســـرمایه گذاری، محلی برای نگهداری کالای خود در یکی از شـــهرهای دیگر روسیه در نظر گرفته و این محل را بعنوان مرکز اصلی فعالیت خود در نظر بگیرند، هزینه های فوق الذکر را به نصف تا یک سوم کاهش خواهند داد. در این ارتباط، به همکاری‌های منطقه ای بین جمهوری‌ها یا استان‌های روسیه و طرف‌های ایرانی اشاره می شود. استانداران و اتاق‌های بازرگانی دو منطقه از کشورهای جمهوری اسلامی ایران و روسیه، دارای تفاهم نامه های همکاری هستند که به تجار و شـــرکت‌های طرف مقابل، امتیازاتی را ارائه می کنند. دریافت این اطلاعات از طرف ایرانی، خواهد توانســـت که فعالیت تجاری یک شرکت را در این قالب تعریف نموده و از حمایتهای دولتی در طرفین مسیر منتفع کند.

– ایجاد یک رابطه شراکت بین شرکت‌های ایرانی و روس به منظور تجارت یک کالا یا مجموعه ای از کالاهای تولیدی ایرانی، علاوه بر ایجاد اطمینان نسبت به فروش کالا با بالاترین قیمت، باعث خواهد شد که از امکانات و ارتباطات طرف مقابل استفاده شده و بهترین تصمیمات اتخاذ شود. در این صورت، مشکلات مربوط به عدم آشنائی به زبان محل، تسلط نداشتن به قوانین مختلف و تقاضای بازار نیز رفع خواهد شد. همچنین این امر از هزینه های مختلف خواهد کاست و رابطه ای دو طرفه و بلندمدت بر پایه اعتماد متقابل ایجاد می‌کند. اگر این شراکت محدود به صادرات و فروش کالا نبوده و در حوزه های سرمایه‌گذاری در دو کشور نیز تعریف شود، درجه اطمینان از فعالیت تجاری و سرمایه‌گذاری را بالا می‌برد.

– مسیر تجاری مفروض در این گزارش، صادرات کالای ایرانی به روســـیه اســـت. لذا علاوه بر فروش محصول، باید برای آماده ســـازی و ارســـال آن به بازار مصرف نیز چاره ای اندیشیده شود. در مورد محصولات کشاورزی، مشکل اصلی در محل تولید کالا، فقدان سیســـتم بسته بندی و سورتینگ مدرن و مجهز است. در این زمینه مناسبتر است که با ایجاد ترمینال صادراتی، امکاناتی از جمله آزمایشگاه و مرکز تحقیقاتی، سردخانه نگهداری، سورتینگ و جداسازی محصولات از نظر کیفیت، بارگیری در شرایط مناسب آب و هوائی و همچنین ساخت صنایع فرآوری غذائی با توجه به هدف صادراتی مانند تاسیسات فریزکردن، خشک کردن، آبگیری، رب سازی و غیره توصیه می شود. استفاده از وسایل مدرن و آزمایش شده بسته بندی به منظور افزایش نگهداری محصول تا رسیدن به بازار مصرف اهمیت بسیاری در این تجارت دارد.

– به منظور صادرات محصولات کشاورزی، توجه به حمل و نقل و شرایط کالا از پایانه صادراتی تا بازار مصرف از اهمیت بسزائی برخوردار است. عدم جابجائی محصولات کشاورزی، کنترل و تنظیم دمای نگهداری محصول از لحظه برداشت از زمین‌های کشاورزی تا مقصد، استفاده از کانتینرهای مخصوص حمل محصولات کشاورزی با سیستم های سردخانه ای مدرن و در نظر گرفتن محل‌هایی مخصوص برای بارگیری مستقیم از محل جداسازی و سورتینگ به این کانتینرها، از اصولی است که باید رعایت شود. تولیدکنندگان ایرانی معمولا با روش‌های ســـنتی و بدون توجه به شرایط علمی نگهداری محصولات، کالاهای خود را به بازار عرضه می دارند که در صورت مواجه شدن کالا با تاخیر در مرزهای ورودی و خروجی یا پایانه های گمرکی یا اتفاقات و حوادث غیرقابل پیش بینی، مشکلاتی را برای ایشان در پی دارد.

– قوانین حاکم بر مسائل تجاری و حتی زندگی روزمره روسیه برگرفته از نظام و بوروکراسی حاکم بر این کشور از زمان شوروی سابق بوده و به نظر هر مراجعه کننده خارجی بسیار دست و پا گیر و پیچیده می نماید. به منظور فائق آمدن بر این موضوع، استفاده از نظرات یک شرکت حقوقی یا وکیل قابل اعتماد توصیه می شود. عقد قرارداد با شرکت‌های بزرگ واردکننده، قوانین واردات و فعالیت شرکت‌ها، قوانین گمرکی و مالیاتی و همچنین قوانین و ضوابط مربوط به اقامت و کار اتباع خارجی با نظر این وکلا انجام شود تا فعالیت تجاری را با وقفه یا توقف قانونی مواجه نسازد.

– در صورتی که شـــرکت‌های ایرانی کوچک و متوسط نمی‌توانند به تنهائی از عهده هزینه های فوق برآیند، پیشنهاد می شود که با حضور شرکت‌های تجاری مشابه که علاقمند به فعالیت در بازار روسیه هستند، تشکیل هلدینگ یا گروههای تجاری داده و هزینه ها را بین خود تقسیم کنند؛ در ضمن از درجه اطمینان بالاتری برای تامین محصولات باکیفیت برخوردار خواهند بود. همانگونه که ذکر شد، ارزیابی میزان هزینه های اولیه مترتب بر یک تجارت باثبات و دائمی در روسیه نیاز به برنامه ریزی برای تامین ابزارها و الزامات فوق به مدت حداقل شش ماه دارد. بررسی‌های میدانی حاکی از آن است که طرف علاقمند به فعالیت در بازار روسیه نیاز به سرمایه اولیه ۵۰ هزار دلاری به منظور تامین هزینه های جاری، جدای از طرح‌های ســـرمایه گذاری خواهد داشت. با در نظر گرفتن تحریم‌های حاکم بر محصولات ترک و اروپائی، امید است که در شرایط طلایی موجود برای ورود کالاهای ایرانی به بازار روســـیه، شـــرکت‌ها و تجار ایرانی بتوانند جایگاهی درخور و شایسته برای خود تعریف کنند. فرصت‌های موجود باید توسط افراد و شرکت‌های فعال و علاقمند شکار شده و مسیر ایجاد شده در اختیار نسل‌های بعد قرار گیرد، بدیهی است هر گونه تعلل و عدم توجه به این همسایه بزرگ از سوی طرفهای ایرانی، مسئولیت فعلی ما را سنگین تر می کند .

پاسخگویی به موقع به مطالبات مردمی اولویت ناجاست

سرویس حوادث: فرمانده نیروی انتظامی با اشاره به نقش کلیدی معاونت عملیات در پیشبرد اهداف ناجا، بر ضرورت افزایش توان عملیاتی و ارتقای مهارت‌های علمی و رفتاری کارکنان ناجا تأکید کرد و گفت: پاسخگویی به موقع به مطالبات مردمی اولویت ناجاست.

سردار حسین اشتری در گردهمایی تخصصی معاونان عملیات فرماندهی انتظامی استان‌ها، رده‌های حوزه مرکزی و فرماندهان مستقل با بیان این که نقش هدایتی معاون عملیات یک نقش اساسی و جزو وظایف ذاتی این معاونت است، اضافه کرد: مأموریت معاونت عملیات ناجا «فرابخشی» و «بین‌بخشی» است، این معاونت صرفا در راستای نحوه انجام مأموریت‌ها گزارش‌دهی نمی‌کند، بلکه هر مأموریتی باید توسط معاونت عملیات رصد شود و این معاونت در اجرای صحیح مأموریت ها نظارت داشته باشد.

رئیس پلیس کشور با تأکید بر این که آمادگی کامل، الزام مأموریت‌های ناجا است، یادآور شد: معاونت عملیات باید قبل، بعد و حین اجرا در انجام مأموریت‌ها، آمادگی داشته باشد، آسیب شناسی، شناسایی نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت لازمه فعالیت این معاونت است.

سردار اشتری ادامه داد: مردم برای گره گشایی از مشکلاتشان به سراغ پلیس می آیند و پاسخگویی درست و به موقع به مطالبات مردمی وظیفه و تسریع خدمات‌دهی به مردم به ویژه در تماس با سامانه ۱۱۰ اولویت ماست.

فرمانده ناجا خطاب به معاونان عملیات ناجا گفت: پاکسازی محلات از وجود اراذل، اوباش، افراد شرور، مزاحمین نوامیس مردم و کسانی که برای مردم ایجاد زحمت و مزاحمت می‌کنند، در دستور کار همیشگی نیروی انتظامی است. معاونت عملیات ناجا باید قانون‌شکنی و هنجارشکنی‌ها را رصد و با ارسال و ابلاغ گزارش به فرماندهی‌ها در این زمینه فعالیت کند.

او با اشاره به در پیش بودن راهپیمایی ۲۲ بهمن و همچنین ۲ انتخابات مهم مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، تأکید کرد: باید برنامه‌های لازم تهیه، دستورالعمل‌ها تدوین و اقدامات لازم در این حوزه انجام گیرد.

ناجا همایش روانشناسی برگزار می‌کند

سرویس حوادث: معاون بهداشت، درمان و امداد ناجا شرط استخدام و ورود به نیروی انتظامی را انجام تست‌ها و پایش‌های سلامت روان اعلام کرد و گفت: افرادی که نمره کافی را دریافت نکنند، امکان جذب در نیروی انتظامی را ندارند.

سردار سیدمحمدرضا سیداحمدیان درباره نخستین همایش پلیس، روانشناسی و مشاوره که ۷ و ۸ بهمن جاری در برج میلاد تهران برگزار می‌شود، افزود: این برای نخستین بار است که چنین همایشی در ناجا برگزار می‌شود و در ۲ روز کارگاه‌ها و سخنرانی‌های مختلفی برگزار خواهد شد که از جمله آن می‌توان به سلامت روان در مشاغل انتظامی، روانشناسی و مشاوره پلیس، روانشناسی کاربردی در پلیس، اصول و مفاهیم مشاوره پلیس، روانشناسی خانواده‌های پلیس، روانشناسی خودکشی و خودزنی، مدیریت استرس و روانشناسی ترافیک اشاره کرد.

وی با بیان این که ۱۷۰۰ کارشناس ارشد و متخصص دکترای روانشناسی در نیروی انتظامی مشغول به کارند، افزود: در این همایش محورهای فرعی نیز مورد توجه قرار گرفته و کارگاه‌ها و دوره‌های روانشناسی جرم، روانشناسی قربانی، روانشناسی کودکان بیش فعال و روانشناسی زنان خیابانی مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

او با اشاره به تست‌هایی که از متقاضیان استخدام در نیروی انتظامی اخذ می‌شود، اضافه کرد: وقتی یک نفر بخواهد وارد مجموعه پلیس شود و به استخدام این نیرو در بیاید، باید سلامت روان داشته باشد و ما نیز باید شرایطی را فراهم کنیم که این سلامت روان در طول خدمت حفظ شده و هنگام بازنشستگی نیز ادامه داشته باشد.

وی اظهارداشت: داشتن سلامت روان از شروط استخدامی در نیروی انتظامی است و در واقع کسی که می‌خواهد وارد ناجا شود، تحت تست‌های شخصیتی قرار می‌گیرد و در صورتی که نمره لازم را کسب نکند، امکان استخدامش وجود ندارد.

نرخ افسردگی در نزد پلیس

سردار احمدیان درباره نرخ افسردگی ماموران پلیس هم گفت: آمارهای ما نشان می‌دهد که نرخ افسردگی در نیروی انتظامی کمتر از نرخ آن در جامعه است البته یکی از دلایل آن پایش‌هایی است که در بدو ورود به ناجا انجام می‌گیرد.

معافیت پزشکی مشمولان

او درباره رسیدگی به درخواست معافیت پزشکی مشمولان هم گفت: ستادکل نیروهای مسلح از مرداد ۹۳ قانونی درباره معافیت پزشکی مشمولان ابلاغ کرد که بر اساس آن دستورالعمل‌های جدیدی در این زمینه صادر شد.

معاون بهداشت، درمان و امداد ناجا با بیان این که پس از این قانون مدل سربازگیری و همچنین ماموریت‌ها نیز به‌روز شدند، افزود: سربازانی که متقاضی بهره‌مندی از معافیت پزشکی هستند باید پس از مراجعه به دفاتر پلیس +۱۰ به یک پزشک معتمد که اسامی آنها در دفاتر پلیس +۱۰ موجود است مراجعه کنند و در آنجا تحت معاینات اولیه قرار بگیرند.

وی اضافه کرد: پس از آن پزشک با معاینات اولیه برگ نوشته‌ای را به پلیس +۱۰ داده و در آنجا وضع رسیدگی به درخواست از سوی سازمان وظیفه عمومی و از طریق پیامک به مشمول اطلاع داده می‌شود.

محسنی اژه‌ای: دشمن در حادثه سفارت عربستان دست داشت



سرویس خبر: سخنگوی قوه قضائیه گفت: قرائنی در خصوص دست داشتن دشمن در واقعه حمله به سفارت عربستان وجود دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای دیروز در نود و یکمین نشست خبری خود با رسانه در پاسخ به سؤال خبرنگاران درباره پیگیری پرونده تعرض به سفارت عربستان و افرادی که دستگیر شده‌اند، اظهار داشت: حمله به سفارت عربستان کار بدی بود و از ناحیه همه مسئولان نظام محکوم شد. نظام بلافاصله با جدیت این موضوع را دنبال کرد و دستگاه قضایی، نیروی انتظامی و دستگاه امنیتی برای این که متوجه شوند واقعه چه بوده است به صورت جدی وارد ماجرا شدند.

وی ادامه داد: در رابطه با این موضوع ۱۰۰ نفر بازداشت شدند که البته شماری از آنها آزاد شدند، اما این مسأله به طور جدی دنبال می‌شود.

او با بیان این که موضوع حمله به سفارتها در کشورهای دیگر بی‌سابقه نیست، افزود: علیه سفارت ایران در کشورهای مختلف نیز این اتفاق رخ داده است و هیچ جا به این شدت که ما موضوع را پیگیری کردیم مسأله را پیگیری نکردند. با کمال تأسف مسئولان عربستان در این رابطه بد عمل کردند و بداخلاقی کردند که دولت و مسئولان ذیربط باید اقداماتی درخور آنها را انجام دهند.

سخنگوی دستگاه قضایی افزود: در داخل نیز شماری از افراد بداخلاقی‌هایی را انجام دادند که آنها نیز باید دنبال شوند.

وی ادامه داد: افرادی که مقابل سفارت عربستان حضور پیدا کردند و اقدامات تخریبی و تحریقی را انجام دادند، دو دسته هستند. دسته اول افرادی هستند که انگیزه ضدانقلابی و مجرمانه نداشتند و پس از آن ماجرا وارد سفارت نیز نشدند و اقدامات تخریبی و تحریقی هم انجام ندادند. با این اقداماتی که عربستان در چند وقت اخیر از جمله حمایت از داعش و حادثه منا انجام داده بود، عده‌ای را جریحه‌دار کرده بود و این دسته با عنوان اعتراض مقابل سفارت عربستان تجمع کردند که نزدیک به ۲۰۰ نفر بودند و با انگیزه مجرمانه تجمع انجام نداده بودند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای درباره دسته دوم افرادی که مقابل سفارت عربستان تجمع کرده بودند، گفت: این افراد مظنون هستند که آیا با انگیزه آتش زدن و ورود به سفارتخانه تجمع را انجام داده بودند یا بین آنها دشمن نفوذ کرده بود. این موضوع در دست بررسی قرار دارد اما شواهدی وجود دارد که دشمن در این ماجرا دست داشته و برای سوءاستفاده از عناصری استفاده کرده است. دشمن از عناصر ساده‌اندیش سوءاستفاده کرده و آنان را آلت دست قرار داده است اما اکنون نمی‌توان در این خصوص قضاوت نهایی کرد.

سخنگوی دستگاه قضایی در رابطه با فردی که در ارتباط با سفارت عربستان بازداشت شده است، گفت: این فرد ۱۰ سال قبل دانشجوی اخراجی و یکی از عناصر فعال دفتر تحکیم در یکی از استان‌های شمالی کشور بوده است. وی به صورت غیرحضوری دروس طلبگی را خوانده و جزو افرادی بوده که در این ماجرا دخیل بوده و برخی دستورات را داده است. حال این که این فرد چه انگیزه‌ای داشته یا این که تمامی تخریب‌ها به دستور وی بوده یا خیر مسائلی است که نمی‌شود در حال حاضر در رابطه با آن قضاوت کرد.

سخنگوی قوه قضائیه درباره پرونده اسیدپاشی اصفهان گفت: همکاران ما در قوه قضائیه و در نیروی انتظامی و مراجع امنیتی تلاش زیادی برای شناسایی عاملان انجام دادند و به افرادی نیز مظنون شدند که برخی از آنها بازداشت شدند و مدت‌ها در بازداشت بودند که در نهایت آزاد شدند.

*** تشکیل ۴۰ پرونده تخلف انتخاباتی**

سخنگوی قوه قضائیه از تشکیل ۴۰ پرونده درباره تخلفات انتخاباتی از جمله تخلفات در فضای مجازی خبر داد واظهار داشت: حدود یک ماه دیگر به انتخابات زمان باقی مانده که با التزام همگان به قانون ۷ اسفند انتخابات پرشور و با نشاطی را در فضای آرام و با مشارکت حداکثری شاهد باشیم.

وی افزود: در این مدت نسبت به سال‌های قبل، پرونده زیادی نداشتیم، گرچه همین مقداری هم که هست باید کم و کمتر شود، اما در ۳۱ استان، در مجموع ۴۰ پرونده تشکیل شده که بیشتر مربوط به مواردی است که در فضای مجازی تخریب‌هایی علیه برخی نامزدها انجام می‌گیرد.

او با اشاره به رفع تحریم‌ها افزود: خوشبختانه با مقاومت ملت، مسئولان و رهنمودهای حکیمانه مقام معظم رهبری، موضوع مذاکرات به این مرحله‌ای که شاهدش هستیم رسید و بخشی از ظلم عظیمی که دشمن و شیطان بزرگ آمریکا بر این ملت روا داشته بود، رفع و بخشی از تحریم‌ها نیز برطرف شد.

*** اعدام قاتل امام جمعه ساوجبلاغ**

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای با تائید حکم اعدام یکی از قاتلان امام جمعه سلاوجبلاغ گفت: این فرداتهامات دیگری هم داشت.

سخنگوی قوه قضائیه درباره حذف اعدام قاچاقچیان موادمخدر گفت: به نظر شخص بنده حذف مجازات اعدام برای قاچاقچیان مواد مخدر در شرایط کنونی به ضرر کشور است.

وی اظهارداشت: بنده بارها گفته‌ام هرآنچه که قانون شد و قابلیت اجرا گرفت دستگاه قضایی آن را اجرایی می‌کند. به نظر بنده نباید مبارزه با مواد مخدر به هیچ وجه در کشور سست شود و همین طور نباید قاچاقچی و خرده‌فروش مواد مخدر احساس امنیت کند و چنانچه اعدام قاچاقچی مواد مخدر حذف شود کشور ضرر می‌کند.

سخنگوی قوه قضائیه با اشاره به صدور حکم قطعی درباره پرونده کرسنت گفت: محکوم‌علیه اعمال ماده ۴۷۷ را در این پرونده درخواست کرده است.

وی افزود: پرونده کرسنت مدت زیادی در حال رسیدگی است به گونه‌ای که در ابتدا دادگاه بدوی حکمی برای متهمان صادر کرد اما با اعتراض محکومان به دیوان عالی کشور براساس زمان وقوع جرم و زمان صدور حکم اعلام کردند که این جرم مشمول مرور زمان شده است بنابراین پرونده بسته شد و حکم اجرایی نشد.

سخنگوی دستگاه قضا گفت: در اینجا مدعی‌العموم نسبت به این حکم اعتراض کرد که اعتراض پذیرفته شد و رأی شعبه بیست دیوان عالی درباره مختومه شدن پرونده نقض شده است و حکم محکومیت دادگاه بدوی این پرونده به قوت خود باقی است.

*** تعیین تکلیف ۱۱هزار نفر**

سخنگوی قوه قضائیه گفت: از ۱۵ هزار شاکی پرونده نگین نزدیک به ۱۱ هزار نفر تعیین تکلیف شدند و توانستند به بخشی از حق و حقوقشان برسند.

وی افزود: دراین پرونده ۲ نفر درزندان هستند و ۷۰ میلیارد تومان درماه‌های اخیر از متهمان کشف شده است.

سخنگوی قوه قضائیه درباره کمبود کادرقضایی گفت: با این که حداقل ۱۲ هزار کارمند می‌خواهیم اما دولت فقط با ۶۰۰۰ کارمند موافقت کرده است اما چون بودجه‌ای داده نشده امکان جذب این شمار هم وجود نداشته است.

او درباره آخرین وضع پرونده پدیده شاندیز گفت: قرار بر این شد تا آنجا که ممکن است جاهایی که خلاف قانون کار شده اصلاح شود و آنهایی که قابل اصلاح نیست، جلو ساخت و ساز آن گرفته شود. مسئول پروژه گفته بود که برای تکمیل پروژه نقدینگی می‌خواهد اما بانک‌ها حاضر نبودند وام کلان بدهند و این پروژه را به عنوان وثیقه بردارند به همین جهت جدیداً افراد حقیقی و حقوقی پیدا شدند که اعلام آمادگی کردند شریک شوند و نقدینگی بیاورند تا پروژه تکمیل شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در خصوص آزادی ۴ نفر از زندانیان دو تابعیتی و این که آمریکا معتقد است که نفر پنجمی هم بوده که باید آزاد می‌شد، گفت: آزادی این ۵ نفر طبق مصوبه شورای عالی امنیت ملی بوده است نفر دیگری هم که تبعه آمریکا بوده بازداشت بوده اما ارتباطی با این مصوبه و مبادله ندارد و پرونده سیر خودش را طی می‌کند. وی درباره نفر پنجم گفت: این فرد آزاد است.

سخنگوی دستگاه قضا درباره آخرین جزئیات پرونده بابک زنجانی اظهارداشت: متهم تاکنون حرف زیاد زده ولی در عمل چیزی ثابت نشده است. آخرین موضوعی که مطرح شده گفته است شماره حسابی بدهید تا پول مورد نظر را از دیگر کشورها به حساب واریز کنم. شرکت نفت نیز شماره حساب را داده است ولی هنوز مبلغی واریز نشده و چنانچه این پول واریز شود به نفع متهم است.

او درباره آخرین وضع پرونده مدیرعامل سابق ستاد حمل ونقل سوخت، گفت: اقدامات مفصل و تحقیقات فراوانی در مورد این پرونده شده و سیستم اطلاعاتی کمک فراوانی را در این زمینه کرده است، البته وی مدت قابل توجهی بازداشت بود و مدتی هم رفت و آمد می‌کرد، در زمان بازداشت نیز از وی تحقیق شد.

توهم مرد شیشه‌ای، سبب قتل خاله‌اش شد

سرویس حوادث: رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری جوانی که پس از مصرف شیشه اقدام به قتل خاله‌اش ومجروح کردن پسر او کرده بود، خبر داد.

سردار محمدیان افزود: جنایت در زیرزمین یک ساختمان مسکونی در خیابان اقبالی رخ داد.

وی اضافه کرد: به دستور بازپرس شعبه هشتم دادسرای امور جنایی تهران، پرونده به اداره دهم پلیس آگاهی تهران ارسال و در تحقیقات معلوم شدکه مقتول به نام سوسن ۳۶ ساله به همراه فرزند هشت ساله‌اش شایان و خواهرزاده‌اش به نام شهاب ۲۰ ساله از حدود یک هفته پیش به تهران آمده و از چند روز پیش به صورت موقت در محل جنایت اقامت پیدا کرده بودند تا محل مناسبی برای زندگی، از سوی بنگاه املاک برای آنها پیدا شود.شاگرد بنگاه مسکن که نسبت به اسکان موقت مقتول و همراهانش در زیرزمین محل سکونتش اقدام کرده بود، به کارآگاهان گفت: ۱۰ روز پیش مقتول به همراه پسر و خواهرزاده‌اش به بنگاه مراجعه کرد اما با توجه به پول ودیعه اندکی که داشت از من خواست محل مناسبی را با حداقل کرایه برای آنها پیدا کنم؛ آنها مکانی را برای زندگی نداشتند و به همین علت به آنها اجازه دادم تا به صورت موقت در زیرزمین خانه‌مان زندگی کنند تا بتوانم برای آنها مکان مناسبی را پیدا کنم. پس از چند روز پیگیری، سرانجام توانستم مکان مناسبی را برای سوسن پیدا کنم؛ ساعت ۸ صبح روز ۲۱ دی برای دادن خبر پیدا شدن خانه به پشت در اتاقی رفتم که مقتول به همراه پسر و خواهرزاده‌اش آنجا بودند؛ چندین بار این زن، پسرش و خواهرزاده‌اش را صدا کردم اما صدایی نیامد و این در حالی بود که کفش‌های قربانی جنایت مقابل در ورودی قرار داشت.

این فرد ادامه داد: در حالی که همچنان مقتوله و پسرش را صدا می کردم وارد اتاق شدم که ناگهان چشمم به پتویی افتاد که روی مقتول و پسرش قرار داشت. ابتدا تصور کردم که آنها در حال استراحت هستند اما با کمی دقت متوجه خون‌آلود بودن پتو شدم؛ پتو را که کنار زدم متوجه شدم که مقتول از ناحیه گردن دچار جراحت‌های شدیدی شده و شایان نیز همانند مادرش از ناحیه گلو دچار جراحت شدیدی شده بود اما او هنوز بی‌هوش نشده بود و تنها توانست یک جمله بگوید: عمو ، شهاب مادرم را کشت و پس از آن بیهوش شد. من نیز با دیدن این صحنه بلافاصله با شماره ۱۱۰ تماس گرفتم و موضوع را به پلیس خبر دادم.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ افزود: با شناسایی خواهرزاده مقتول به عنوان عامل جنایت، در همان تحقیقات مشخص شد که شهاب پس از ارتکاب جنایت، تهران را به مقصد شهریار ترک کرده و یک روز را در منزل یکی از بستگانش گذرانده و از آنجا به محل سکونت خانواده‌اش به شهرستان پیرانشهر رفته اما پس از اطلاع از خبر زنده بودن پسرخاله‌اش مجدداً گریخته است. سرانجام با انجام اقدامات گسترده پلیسی و همچنین آموزش خانواده متهم، او ۳ بهمن جاری در خیابان ۱۵ خرداد تهران دستگیر شد.

سردار محمدیان گفت: متهم دربازجویی گفت: برادر کوچکترم حدود ۲۰ روز پیش از جنایت در یک حادثه تصادف رانندگی فوت کرد و از آنزمان من شروع به مصرف شیشه کردم. شب جنایت، پس از مصرف شیشه به خانه رفتم؛ داخل اتاق ۲ نفر را به شکل حیوان دیدم و با این تصور آنها را کشتم و زمانی که به حال طبیعی خود بازگشتم متوجه شدم که آنها خاله و پسرخاله‌ام هستند.

رئیس پلیس آگاهی تهران اضافه کرد: کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در حال تکمیل تحقیقات و انجام اقدامات پلیسی برای شناسایی انگیزه واقعی جنایت هستند.

آخرین وضع پرونده اختلاس در منطقه آزاد چابهار

زاهدان: دادستان عمومی و انقلاب مرکز سیستان و بلوچستان در مورد آخرین وضع پرونده اختلاس در منطقه آزاد چابهار گفت: تحقیقات در این پرونده هنوز منتج به جمع‌بندی نهایی نشده و پرونده در مرحله دادسرا است.

محمد مرزیه افزود: کارشناسان از حوزه مرکز برای بررسی این پرونده اعزام شده‌اند و قرار شده است این پرونده را با صبر و تحمل پیش ببرند تا حق و حقوق بیت‌المال پایمال نشود.

وی با بیان این که مشکل خاصی در اسناد پرونده نیست، افزود: در منطقه آزاد هر اتفاقی که رخ داده، خود یک پروژه است، یک مورد آن مسجد منطقه آزاد است که سالیان سال است پول‌های زیادی را به خود اختصاص داده و حدود ۱۲ پروژه اینگونه در منطقه آزاد داریم که تک تک آنها در حال پیگیری است.

همه بیماری‌ها قابلیت رسیدگی برای تعیین تکلیف مشمولان را دارند

سرویس خبر: بر اساس آیین‌نامه جدید که از پارسال اجرایی شده است، همه بیماری‌ها قابلیت رسیدگی در شورای پزشکی وظیفه عمومی به منظور تعیین تکلیف مشمولان را دارند.

سردار سیدحمید صدرالسادات رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا با بیان این مطلب در خصوص مشمولان مبتلا به بیماری هموفیلی افزود: آیین‌نامه جدید معاینه و معافیت پزشکی مشمولان در جلسات متعدد کارشناسی با حضور پزشکان و روسای شوراهای پزشکی نیروهای مسلح و همچنین نماینده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در اداره بهداشت و درمان ستاد کل نیروهای مسلح اصلاح و تدوین شده و در هیات دولت به تصویب رسیده است.

وی با تاکید بر این که اختلالات انعقادی شامل طیف وسیعی از بیماری‌ها می‌شود، گفت: بند ۸ بخش دهم آیین‌نامه در خصوص اختلالات خونی ارثی و اکتسابی با منشأ ایمونولوژیک در صورت داشتن علائم بالینی با تأیید مراکز تخصصی نظامی یا دانشگاهی معتبر و به صورت کلی‌تر در بند ۱۷ بخش دهم ذکر شده است که عنوان بیماری هموفیلی نیز در آن مستتر است و مشمولان در صورت اثبات بیماری به تناسب شدت آن از معافیت دائم یا معاف از خدمات رزمی بهره‌مند می‌شوند.

رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا افزود: آیین‌نامه جدید به نحوی تدوین شده است که در صورت عدم ذکر بیماری خاص در آن و در صورت داشتن بیماری‌های مؤثر در سلامت جسم و روان مشمولان به ویژه در دوره خدمت سربازی با عنوان سایر بیماری‌ها در شورای‌های پزشکی رسیدگی می‌شود.

سردار صدرالسادات تاکید کرد: رسیدگی به وضع این دسته از مشمولان امری تخصصی و پزشکی است که با اخذ نظرات تخصصی و بررسی سوابق و معاینات بالینی انجام می‌شود و قطعا نمی‌توان به استناد ظاهر افراد در این خصوص اظهار نظر کرد.

رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا درباره این ادعا که معافیت پزشکی مانع استخدام و اشتغال به خدمت معاف شدگان می‌شود و این موضوع سبب می‌شود که مشمولان از گفتن بیماری‌هایشان خودداری کنند، ادامه داد: چنین ادعاهایی صحت ندارد اما برای جلوگیری از کتمان بیماری توسط مشمولان در معاینه اولیه، فرم خوداظهاری طراحی شده است و مشمولان با تکمیل آن متعهد می‌شوند در صورت کتمان هرگونه بیماری غیر مشهود، تبعات آن را به عهده بگیرند.

اخبار داخلی

بارش برف، باران و کولاک در چند استان

سرویس حوادث: بارش برف و باران به همراه کولاک در چند استان کشور سبب کندی حرکت خودروها در جاده‌ها، تعطیلی مدارس و ریزش کوه شد.

مدیرکل مدیریت بحران آذربایجان‌غربی اعلام کرد: تردد در مسیرها و جاده‌های بین شهری و روستایی استان به علت بارش شدید برف و کولاک مختل شد.

امیرعباس جعفری افزود: بارش‌ها در شهرستان‌های مهاباد، پیرانشهر، سردشت، اشنویه، بوکان، میاندوآب، شاهین دژ، تکاب، نقده به شکل باران بود.



ارتفاع برف در شهر ارومیه به بیش از ۱۰ سانتیمتر رسید و مردم این شهر را غافلگیر کرد.

مسئول اداره روابط عمومی و اطلاع‌رسانی اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان غربی گفت: به علت بارش سنگین برف و برودت هوا، مدارس مقطع ابتدایی ارومیه و سلماس دیروز تعطیل بود.

آموزش و پرورش آذربایجان شرقی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: مدارس تعدادی از شهرستان‌های استان به دلیل بارش برف، برودت هوا و یخبندان معابر دیروز تعطیل شد.

محمد اشجعی معاون توسعه و پیش‌بینی هواشناسی آذربایجان شرقی هم از تداوم فعالیت سامانه بارشی به صورت متناوب تا چهارشنبه خبرداد و گفت: آبگرفتگی معابر و سیلابی شدن مسیل‌ها دور از انتظار نیست.

مدیر راهداری اداره کل راه و شهرسازی کردستان از ممنوعیت تردد تریلر در جاده‌های استان به دنبال بارش برف سنگین و کولاک خبر داد.

محمد راشد مدرس گرجی افزود: در تمامی محورهای کردستان بارش برف گزارش شده و تردد خودروها در جاده‌ها فقط با زنجیرچرخ امکان‌پذیر است.

رئیس اداره راه و شهرسازی روانسر در استان کرمانشاه گفت: بارش برف و باران موجب ریزش کوه در جاده روانسر به پاوه شد.

سهراب صادقی افزود: در پی این بارندگی‌ها یک صخره سنگ بزرگ به وزن تقریبی ۳۰ تن موجب بسته شدن یک طرف (لاین) این مسیر شد.

رئیس اداره راه و شهرسازی روانسر اظهار داشت: در پی این حادثه یک خودرو سواری از نوع پژو پارس دچار خسارت شد که خوشبختانه تلفات جانی نداشت.

دلیل انفجارخط لوله گاز پازنان۲ فرسودگی لوله بود

اهواز:بخشدار زیدون از توابع شهرستان بهبهان در جنوب شرق خوزستان درباره انفجار شنبه شب در خط لوله ۲۴ اینچی گاز پازنان ۲ گفت: دلیل این انفجار فرسودگی و عمر بالای ۵۰ سال این لوله گاز بوده است.

این انفجار که درحاشیه جاده سردشت زیدون - بهبهان و ۵ کیلومتری شهر سردشت رخ داد، موجب وحشت اهالی شهر، و بسته شدن موقت جاده برای ساعاتی شد.

این خط لوله وظیفه جمع آوری و تفکیک گاز از چاه‌های سردشت زیدون به شرکت پازنان ۲، و ارسال آن به ایستگاه‌های ماهشهر و گچساران را بر عهده دارد.

سید ذبیح لله فرخنده زاده افزود: دلیل انفجار در لوله‌های بین خطی گاز زیدون فرسودگی و پوسیدگی لوله‌ها است و چاه‌هایی که گاز آن از طریق این لوله‌ها منتقل می‌شود، بسته، و حادثه مهار شده است.

عامل کشتار در مدرسه کانادایی یک نوجوان ۱۷ ساله است

کانادا:پلیس کانادا اعلام کرد: مهاجم مسلحی که به روی ۲ نوجوان و معلمان یک مدرسه در شهر «لوچه» این کشور آتش گشود، یک نوجوان ۱۷ ساله است.

پلیس نام این پسر نوجوان را به علت قوانین حمایت از کودکان در کانادا، فاش نکرد و قرار است وی هفته دیگر در دادگاه محاکمه شود.

این واقعه در یکی از مدارس شهر کوچک لوچه در شمال ساسکاچوان روی داد. اما مهاجم پیش از رفتن به مدرسه لوچه، ۲ نوجوان دیگر را در خانه‌شان به قتل رسانده بود.

طبق اعلام پلیس کانادا، «دایان فونتاین»، ۱۷ ساله و برادر ۱۳ ساله‌اش «درایدن» به ضرب گلوله در خانه‌شان کشته شده بودند و سپس مهاجم به مدرسه لوچه رفت و «آدام وود»، معلم ۳۵ ساله این مدرسه و «ماری جانویر»، ۲۱ ساله، دستیار آموزشی را به قتل رساند. پلیس دقایقی بعد از کشتار در مدرسه لوچه، این پسر نوجوان را خلع سلاح و بازداشت کرد.

مرگ خاموش مادر و فرزند سقزی

سنندج: گاز منواکسیدکربن در شهر سقز، جان یک مادر و فرزندش را گرفت.

رئیس مرکز فوریت‌های پزشکی سقز با اعلام این خبر افزود: قربانیان گاز گرفتگی مادر ۲۸ساله به نام شیدا دبیری و فرزند سه ساله‌اش به نام هلیا تیموری بودند.

رئیس اداره گاز رسانی سقز هم با بیان این که بعد از اطلاع از موضوع، همکاران به محل اعزام شدند اضافه کرد: بر اساس گزارش امدادگران شرکت گاز، لوله آبگرمکن از محل دودکش تقریباً خارج شده بود و به احتمال قوی مرگ این دو نفر به علت بازگشت گاز منواکسیدکربن به داخل اتاق بوده است ولی نظر نهایی را پزشکی قانونی اعلام خواهد کرد.

دایی قربانی اختلاف مالی با خواهرزاده شد

گچساران: فرمانده انتظامی گچساران گفت: مرد ۲۹ ساله گچسارانی دایی خود را با شلیک گلوله به قتل رساند.

سرهنگ علی کرم بازیان افزود: پس از تیراندازی از سوی متهم به قتل، ماموران انتظامی گچساران به محل حادثه رفتند و معلوم شد متهم برای وصول طلبش به منزل دایی خود رفته بود.

سرهنگ بازیان اضافه کرد: متهم با یک قبضه سلاح ساچمه‌زنی تک لول، دایی خود را از ناحیه شکم مجروح کرده بود که مصدوم ۴۷ ساله با وجود اعزام به بیمارستان، به دلیل شدت جراحت وارده جان باخت.

وی گفت: متهم به قتل ساعتی پس از وقوع جرم، از سوی مأموران انتظامی گچساران دستگیر شد.

مأموران وظیفه‌شناس رشوه ۴۵میلیون تومانی سوداگران مرگ را رد کردند

سرویس حوادث: رئیس بازرسی پلیس تهران از رد رشوه ۴۵۰ میلیون ریالی سوداگران مرگ توسط مأموران وظیفه‌شناس پلیس مبارزه با موادمخدر خبر داد.

سرهنگ سید جعفر حسینی افزود: در پی اطلاع مأموران پایگاه ششم پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران از فعالیت یک شبکه گسترده توزیع مواد افیونی در محدوده بزرگراه شهید محلاتی، پرونده‌ای در این زمینه تشکیل شد و رسیدگی به موضوع در دستور کار قرار گرفت.

وی ادامه داد: در بررسی‌های انجام گرفته مشخص شد اعضای یک شبکه متشکل از ۵ مواد فروش سابقه‌دار به سرکردگی فردی به نام «یعقوب» در امر توزیع گسترده شیشه بین افراد معتاد فعالیت می‌کنند.

او اضافه کرد: با تجمیع اطلاعات به دست آمده، مأموران پایگاه ششم محدوده فعالیت متهمان را تحت نظر گرفتند و موفق شدند ۵ متهم را هنگام فعالیت دستگیر کنند. در بازرسی از آنان ۱۶۳ گرم شیشه، ۱۰۰ عدد پایپ، ۲ دستگاه ترازو، یک دستگاه پول شمار کشف و ۲ خودرو نیز توقیف شد.

رئیس بازرسی پلیس تهران اضافه کرد: متهمان برای فرار از دست قانون، به ماموران وظیفه‌شناس پایگاه ششم پلیس مبارزه با مواد مخدر ۴۵۰ میلیون ریال رشوه پیشنهاد دادند که ماموران با رد رشوه وجه مذکور را صورتجلسه کردند و متهمان را تحویل قانون دادند.

بزرگترین رستوران شرق تهران پلمب شد

دادستان عمومی و انقلاب پردیس از پلمب بزرگترین رستوران شرق تهران به دلیل مسائل خلاف عفت عمومی و رعایت نکردن مسائل شرعی و قانونی خبر داد.

به گزارش میزان، حیدر فتاحی افزود: طبق گزارش‌های دریافتی مالک این رستوران به برگزاری مراسم‌هایی به صورت مختلط اقدام می‌کرد و مصرف مشروبات الکی و استعمال مواد مخدر نیز در اختیار مدعوین قرار می‌گرفت.

او اضافه کرد: دادستانی پس از اخذ گزارش دستور ورود به این رستوران را صادر کرد و در این بازرسی مقادیری مشروبات الکی و مواد مخدر کشف و ضبط شد و ۷ نفر نیز دستگیر شدند.

دادستان عمومی و انقلاب پردیس گفت: مالک رستوران به ایجاد یک راه مخفی در پشت رستوران و ساخت یک ویلا اقدام کرده بود و با دعوت از خواننده‌های زیرزمینی و صرف مشروبات الکی و مواد مخدر در این مکان به برگزاری مراسم خلاف منافی عفت اقدام می‌کرد.

او افزود: مالک رستوران فعلاً فراری است اما پیگیری‌ها برای دستگیری وی ادامه دارد.

برخورد ۵ خودرو در آزادراه قزوین - کرج

قزوین:رئیس پلیس راه استان قزوین از برخورد ۵ خودرو در کیلومتر ۴۸ لاین جنوبی آزاد راه قزوین - کرج خبر داد و گفت: این حادثه یک کشته و یک مجروح برجا گذاشت.

سرهنگ بهرام زینلی افزود: در این حادثه یک تریلر، ۲ سواری سمند، یک سواری زانتیا و یک سواری پژو روآ با هم برخورد کردند.

به گفته وی، علت این حادثه از سوی کارشناسان پلیس راه تخطی از سرعت مطمئنه در جاده لغزنده از سوی راننده تریلر نسبت به ۴ وسیله دیگر اعلام شده است.

او اضافه کرد: متاسفانه در این حادثه راننده سواری زانتیا فوت کرد و یکی دیگر از سرنشینان آن مجروح و به مراکز درمانی اعزام شد.

رئیس پلیس راه استان قزوین از برخورد یک عابر پیاده با یک اتوبوس در کیلومتر ۵۴ لاین جنوبی آزادراه قزوین ـ کرج خبر داد و افزود: علت این حادثه که منجر به فوت عابر پیاده شد، نقض ماده ۴ ایمنی راه و راه آهن مبنی بر ممنوعیت ورود و عبور عابران پیاده در آزاد راهها اعلام شده است.

سرما و بارش سنگین برف در شرق آمریکا ۲۰ قربانی گرفت

آمریکا: سرما و بارش شدید برف و توفان بی سابقه در ایالات شرق آمریکا موجب جاری شدن سیل، بسته شدن راهها و لغو هزاران پرواز شد وبا مختل کردن زندگی ۸۵ میلیون نفر از مردم این کشور ۲۰ کشته و صدها مصدوم برجا گذاشت.

سرعت توفان که در برخی نقاط بیش از ۹۰ کیلومتر بر ساعت گزارش شد، سبب بسته شدن راهها و تونل‌ها، لغو هزاران پرواز، قطعی برق منازل ده‌ها هزار نفر و سیل و ممنوعیت عبور و مرور در برخی از شهرهای آمریکا شد.

در واشنگتن دی.سی پایتخت این کشور که یکی از سنگین‌ترین بارش‌های برف در تاریخ خود را به ثبت رسانده است، شدت بارش برف سبب بسته شدن راه‌های مرتبط به نیویورک و دیگر شهرهای اطراف آن شد.

ایالت نیویورک با ثبت رکورد ۶۳ سانتیمتری برف، در ۹۴ سال گذشته رکوردزده است.

در ایالت نیوجرسی، سیل و طغیان رودخانه در قسمت‌هایی از جرسی شور، سبب تخلیه ساکنان وصدمه به ساختمان‌ها و مغازه‌های در این مناطق شد. در۱۲ ایالت شرقی آمریکا که تحت تاثیر این توفان برفی قرار داشته‌اند وضع فوق العاده اعلام شد.

به دلیل شرایط بد هوایی،پل‌ها و تونل‌های ارتباطی میان ایالت نیوجرسی و ایالت نیویورک با توافق فرماندار نیوجرسی بسته شد.

هواپیمای جوزف بایدن معاون رئیس‌جمهوری آمریکا در پی بارش سنگین برف و کولاک مجبور به تغییر مسیر شد. هواپیمای جوزف بایدن که از سفر به ترکیه باز می‌گشت به علت کولاک نتوانست در فرودگاه واشنگتن به زمین بنشیند. مسئولان آمریکایی مجبور شدند مسیر هواپیمای بایدن را به ایالت میامی تغییر دهند.

شهرداران ۱۱شهر آمریکا از جمله واشنگتن از مردم خواستند تا امروز در خانه‌هایشان بمانند. برق در بخش‌هایی از پایتخت آمریکا قطع شده است.

حرکت قطارهای مترو در واشنگتن هم متوقف شد. شهردار نیویورک پیش بینی کرد: بارش سنگین برف که فراتر از پیش بینی‌ها بوده است تا امروز ادامه داشته باشد. سازمان ملی هواشناسی بارش ۵۰ تا ۶۳ سانتیمتر برف را در نیویورک پیش بینی کرده است.در ۳ فرودگاه منطقه موسوم به جان اف کندی، لاگاردیا و نیوآرک (نیوجرسی) نه هواپیمایی فرود آمده و نه هواپیمایی از زمین برخاسته است. به علت توفان و برف ۲ فرودگاه واشنگتن دیروز نیز بسته بود.

بارش برف و توفان، ۱۶۶ پرواز را در ژاپن لغو کرد

ژاپن: ۱۶۶ پرواز خطوط هوایی ژاپن به دلیل بارش برف سنگین در جنوب غرب این کشور لغو شد.

۷شرکت هواپیمایی پروازهای خود در«کینکی»، «جزایر شیکوکو» که برف دراین جزایر به ندرت می‌بارد و منطقه شمال «کیوشو» و چند شهر دیگر در جنوب غرب ژاپن را به دلیل برف و توفان شدید از لیست پروازها حذف کردند.

توفان شدید در ژاپن خساراتی به بار آورد و موجب بسته شدن جاده‌ها و تاخیر در زمان حرکت قطارها شد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
- موضوع پیام ها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.

با تشکر- سرویس ارتباطات مردمی

کم کردن فاصله فقیر و غنی

در مورد اقتصاد مقاومتی سخن زیاد گفته می‌شود، ولی عملاً برنامه مشخصی ارائه نشده است. از جمله اهم اهداف اقتصاد مقاومتی کم کردن فاصله سرسام‌آور ثروتمندان با افراد فقیر است. به نظرم با گرفتن مالیات به صورت تصاعدی از متمکنین و ایجاد اشتغال و کمک به محرومان می‌شود به این هدف بزرگ دست یافت.

مهدی از تهران

معنای رد صلاحیت اصلاح‌طلبان

رد صلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس شورای اسلامی معنایش این است که برخی دوران آقای احمدی‌نژاد را می‌پسندند و می‌خواهند به آن دوران باز گردند.

تماس با خط ارتباطی

علت رد صلاحیت آقای مطهری چیست؟

چرا فرزند برومند و لایق استاد شهید مرتضی مطهری را رد صلاحیت کردند؟ مگر وی به جز دفاع از حقوق مردم چه کار کرده بود؟ از شورای نگهبان می‌خواهیم صلاحیت ایشان را تأیید کند.

یک هموطن

کارهای چین و روسیه فراموش نشود

با تبریک اجرایی شدن برجام به دولت تدبیر و امید. خواستم به مسئولان تصمیم‌گیر در قراردادها بگویم که موضوع مهم همراهی چین و روسیه با آمریکا در تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران و عدم وتو توسط آنها را فراموش نکنند.

یک ایرانی

انتقاد از خرید هواپیما

ظاهراً از اولین کارهای دولت بعد از تحریم، خرید هواپیماست که البته کار درستی به نظر می‌رسد، ولی آیا فکر نمی‌کنند در جامعه ما با این همه محروم و فقیر که اغلب در همه عمر خود هواپیما سوار نمی‌شوند، اولویت‌های مهمترین هم هست؟

صادق سرابی

قطع یارانه‌ای که در زندگی‌ها مؤثر است

با ۶۶ سال سن، ۷۶۰هزار تومان مستمری می‌گیرم و چهار سر عائله دارم. به خاطر این که همسرم یک آپارتمان دارد، چهار ماه است یارانه ما را قطع کرده‌اند. آیا آقایان نمی‌دانند همین مقدار یارانه هم در زندگی ما اثر دارد؟

شهروندی از تهران

سؤالی راجع به یارانه‌ها

من در زندان هستم و کارت ملی ندارم. آیا یارانه مرا قطع خواهند کرد، در حالی که من از اینجا امکان گرفتن کارت ملی را ندارم؟

یک زندانی

تشکیل سازمان ملل اسلامی

کشورهای مسلمان باید به سمت تشکیل سازمان ملل اسلامی بروند. چون سازمان ملل فعلی مدافع سرمایه‌داران و سلاح‌فروشان است و در مقابل این همه خونریزی در سوریه و عراق و یمن و لیبی هیچ کاری نمی‌کند.

یک ایرانی

کوچه‌های خراب قائم‌شهر

کوچه‌های ۳۳ و ۳۴ بهار نارنج قائم‌شهر پر از چاله و چوله و فاضلاب است. در این مورد بارها با شهرداری مکاتبه کرده‌ایم و حتی ترمیم این کوچه‌ها در دستور کار قرار گرفت، ولی چون شهردار زود به زود تغییر می‌کند، این مشکل همچنان برای اهالی باقی است. خواهش می‌کنیم در ترمیم این کوچه‌ها تسریع کنند.

شهروندی از قائم‌شهر

پاسخ به یک خواننده راجع به روزنامه اطلاعات

در پاسخ خواننده‌ای که گفته بود روزنامه اطلاعات از دولت گذشته حمایت می‌کرده است خواستم بگویم، ایشان یا اشتباهاً روزنامه دیگری را خوانده است یا با عرض معذرت خلاف می‌گوید. هرکس اندک آشنایی با روزنامه اطلاعات داشته باشد به خوبی از خط و مشی عقلانی آن با خبر است. لطفاً به روزنامه پاک و باشرف تهمت نزنید.

محمود کریمی

آب تهران بوی بدی می‌دهد

آب تهران اخیراً بوی بدی می‌دهد و به نظر می‌رسد که خوب تصفیه نمی‌شود. از آنجا که عدم پاکیزگی آب به سلامت کل جامعه لطمه می‌زند از سازمان آب تقاضا داریم در این مورد دقت فوق‌العاده به خرج دهد.

شهروندی از تهران

رانندگان متخلف به دادگاه معرفی شوند

عرف رایج در بسیاری از کشورهای پیشرفته آن است که به جای جریمه رانندگان توسط پلیس راهنمایی و رانندگی، آنها به دادگاه معرفی می‌شوند و این دادگاه است که برای خاطیان جریمه یا مجازات معین می‌کند. به نظر من در ایران هم راجع به تخطی رانندگان دادگاه باید تصمیم بگیرد.

یک هموطن

تشکر از یک مقاله

از مقاله آقای دکتر قاسم صافی با عنوان: از نمازگزاران چه انتظاری می‌رود سپاسگزارم و از شما می‌خواهم حداقل چند ماه یک بار به این موضوع بپردازید.

خواننده روزنامه اطلاعات

پلیس مبارزه با دود!

پیشنهاد می‌کنم پلیس مبارزه با دود و آلودگی تشکیل شود تا اگر شهروندان با انواع خودروهای دودزا و منابع دیگر آلاینده روبرو شدند، بتوانند اطلاع دهند و رسیدگی شود.

شهروندی از تهران

اسرائیل منشأ بحران‌های خاورمیانه

منشأ اصلی همه اغتشاشات و جنایات در خاورمیانه به طور مستقیم یا غیرمستقیم اسرائیل است.

یک ایرانی

پیشنهادی به دولت

حالا که پول‌های بلوکه شده ایران آزاد شده‌اند، از دولت محترم می‌خواهیم یک بیمارستان مجهز برای بازنشستگان کشوری تأسیس کنند. خصوصاً اینکه بازنشستگان اغلب با انواع بیماری‌ها دست به گریبان هستند و بعضاً استطاعت مالی لازم برای درمان آنها را ندارند.

یک بازنشسته کشوری از سمنان

یک سؤال فقهی

از عالمان و فقیهان سؤال می‌کنم: اگر یک خودرو قدیمی را کم‌کم با باطل کردن کارت سوخت، ندادن معاینه فنی، بیمه نکردن و عدم تعویض پلاک عملاً غیرقابل استفاده کنند در حالی که سالم است، آیا این خودرو غصبی می‌شود یا خیر؟

شهروندی از تهران

ترافیک سنگین در شهر ما

توقف و کسب وانت‌بارهای میوه‌فروش در خیابان‌ها و میادین اصلی اسلام‌آباد غرب باعث ترافیک سنگین روزانه و راهبندان شبانه شده است. از اداره راهنمایی و رانندگی می‌خواهیم به این وضع رسیدگی کند.

شهروندی از اسلام‌آباد غرب

پاسخ مسئولان

پاسخ روابط عمومی شهرداری منطقه یک:

عطف به پیام مندرج در آن روزنامه مورخ ۹۴/۱۰/۲۹ در ستون پیام مردمی با موضوع «بوی تعفن فاضلاب» بدینوسیله ضمن تشکر از این شهروند گرامی، توضیحات ذیل جهت استحضار و درج در روزنامه ارسال می‌گردد:

بر اساس گزارش شهرداری ناحیه ۷ این منطقه با توجه به پیگیری‌های مکرر واحد فنی و عمران ناحیه از شرکت آب و فاضلاب شمیران عوامل آن سازمان در حال حاضر مشغول رفع معضل در محدوده مذکور می‌باشند و نظارت مستمر تا پایان عملیات ادامه خواهد داشت.

بقیه در صفحه ۹

اخبار کوتاه ورزشی

مدال برنز لیگ جهانی کاراته به عباسعلی رسید

حمیده عباسعلی مدال برنز نخستین مرحله لیگ جهانی کاراته وان در فرانسه را کسب کرد.

به گزارش سایت فدراسیون کاراته، در سومین و آخرین روز لیگ جهانی کاراته وان پاریس که با حضور ۱۰۱۲ کاراته‌کا از ۷۵ کشور جهان در حال پیگیری است، در وزن به اضافه ۶۸ کیلوگرم حمیده عباسعلی در مبارزه سوم مقابل حریفی از فرانسه قرار گرفت و پس از تساوی صفر - صفر در وقت قانونی مبارزه، با رأی داوران در هانتی بازنده شد و به نیمه‌نهایی راه نیافت.با صعود کاراته‌کای فرانسوی به فینال، عباسعلی هم برای کسب مدال در جدول شانس مجدد به مبارزاتش ادامه داد.وی در این جدول ابتدا برابر حریفی از ایتالیا قرار گرفت و با نتیجه ۲ بر صفر به برتری رسید، سپس مقابل نماینده دانمارک یک بر صفر برنده شد و مدال برنز این وزن را از آن خود کرد.

مبارزه پورشیب و احمدی برای طلای جهانی کاراته

همچنین عضو تیم ملی کاراته کشورمان در رقابتهای کاراته وان فرانسه رقبای خود را شکست داد و به دیدار پایانی راه پیدا کرد تا در یک دیدار انتقامی به مصاف رقیب ژاپنی برود.

در ادامه رقابتهای لیگ جهانی کاراته موسوم به کاراته وان که در پاریس جریان دارد ذبیح الله پورشیب کاراته کای وزن ۸۴- کیلوگرم کشورمان با برتری مقابل تمامی رقبا راهی بازی نهایی شد تا عصر امروز برای کسب مدال طلا به مصاف نماینده ژاپن برود.

همچنین سعید احمدی کاراته‌کای وزن ۶۷- کیلوگرم ایران در مرحله نیمه‌نهایی به مصاف هیراتو شیناهارا از ژاپن رفت و ۳ بر صفر این کاراته کا را شکست داد و راهی دیدار فینال شد.

کی روش هفته آینده در ایران

سرمربی پرتغالی تیم ملی فوتبال کشورمان هفته آینده از مرخصی دوماهه به تهران بازخواهد گشت.

کارلوس کی‌روش که پس از دیدارهای تیم ملی در مرحله مقدماتی جام ملت های آسیا و جام جهانی راهی پرتغال شده بود، قرار است هفته آینده به تهران برگردد تا برنامه‌های این تیم را از سر بگیرد.کی روش البته چند روزی را به قطر سفر کرد تا بر عملکرد تیم فوتبال امید نظارت داشته باشد اما بدون اینکه نشستی با کادر فنی این تیم داشته باشد قطر را ترک کرد.

تیم ملی فوتبال ایران فروردین ماه سال آینده دو بازی در مرحله مقدماتی جام جهانی و جام ملت های آسیا با هند و عمان برگزار خواهد کرد.

نارضایتی الناز کمپانی از رکورد شکنی

رکورددار دوی ۶۰ متر بامانع ایران گفت: با وجود اینکه موفق شدم رکورد ایران را جابه‌جا کنم اما از زمانی که بر جای گذاشتم راضی نیستم چرا که می‌توانستم رکورد بهتری را بزنم.

الناز کمپانی در گفتگو با ایسنا درباره رقابت‌های دوومیدانی داخل سالن قهرمانی کشور گفت: به دلیل اینکه رقابت‌های قهرمانی کشور هیچ زمانی برگزار نمی‌شد به همین دلیل در نخستین اردو از همه شهرها دوومیدانی کاران به این رقابت‌ها آمده بودند. در سال‌ها و مسابقه‌های گذشته در هر ماده تعداد دسته‌ها بسیار کم بود اما در این دوره به دلیل تعداد زیاد ورزشکاران تعداد دسته‌ها هم بیشتر بود که این اتفاق بسیار خوبی بود.کمپانی در ادامه درباره رکوردشکنی دوباره خود در دوی ۶۰ متر بامانع گفت: با وجود رکورد زدن باز هم آنچه که می‌خواستم نشد.

رکورد ایران را دو صدم ثانیه ارتقا دادم اما نه من و نه مربی‌ام راضی نیستیم چرا که می‌توانستم رکورد بهتری را بزنم. قبل از آغاز مسابقه باید تپانچه چک شود اما این اتفاق رخ نداده بود و در زمان آغاز مسابقه تمرکز بچه‌ها بر هم می‌خورد و این باعث شد از نظر آمادگی دچار مشکل شوم و نتوانم رکورد مد نظرم را بزنم.

سرمربی برزیلی تیم ملی والیبال ساحلی فردا در تهران

سرمربی برزیلی تیم های ملی والیبال ساحلی فردا وارد تهران می‌شود تا قرارداد رسمی خود را با ایران امضا کند.

به گزارش مهر، «جوآاو لوسیانو سیمائو باربوسا» ملقب به کیودی که سابقه هدایت تیم های ملی والیبال ساحلی نروژ، آذربایجان، گرجستان، سوئد، دانمارک، نیوزلند و برزیل را در پرونده کاری خود دارد، بامداد سه شنبه ششم بهمن ماه از طریق فرودگاه امام خمینی (ره) وارد تهران می شود.

کفاشیان: مربیان تیم ملی فوتبال امید تغییر می کنند

رئیس فدراسیون فوتبال با اشاره به برنامه بلند مدت مربیان تیم ملی فوتبال امید کشورمان افزود: اردوهای مد نظر مربیان را برگزار کردیم، قبول داریم که این تیم نتوانست برابر ژاپن نتیجه بگیرد و حذف شد اما پشتوانه‌سازی خوبی برای تیم ملی بزرگسالان صورت گرفت.

به گزارش ایسنا وی که در مراسم تجلیل از تیم ملی فوتبال ساحلی سخن می گفت، به غیبت دو بازیکن لژیونر ایران در این تورنمنت زیر ۲۳ سال اشاره کرد و گفت: تیم ما در قطر بازی به بازی بهتر می‌شد و در دیدار برابر ژاپن هم عملکرد خوبی داشتیم و به نظرم با این نمایش چیزی از ارزش‌های تیم ایران کم نمی‌شود.

زحماتی که کادر فنی تیم امید کشیده از بین نخواهد رفت چرا که این بازیکنان بعدا تیم ملی بزرگسالان را تغذیه می کنند.

در فوتبال دنیا دو دسته از مسابقات هستند که اهمیت دارند که یکی جام جهانی است و دیگری مسابقات باشگاهی و سایر تورنمنت‌ها تنها برای پشتوانه‌سازی انجام می‌شود.

کفاشیان درباره اختلاف کادر فنی تیم امید با سرمربی تیم بزرگسالان افزود: من اعتقاد دارم در هر شرایطی با تعامل می‌شود مشکلات را مرتفع کرد.

البته به اعتقاد من در این ماه‌های اخیر اصطکاکی میان کی‌روش و کادر فنی تیم امید وجود نداشت. حتی کی‌روش می‌توانست یک ماه پیش برای تیم ملی اردو بگذارد اما ما از او خواستیم برای تعامل بیشتر با تیم امید اردو برگزار نکند. لژیونرها هم امکان حضور در این اردو را نداشتند و بیشتر بازیکنانی که مد نظرش بودند در تیم امید حضور داشتند.

دقیقا به دلیل کمک به تیم امید اردوی تیم ملی را برگزار نکردیم و معتقدم که کی‌روش تعامل لازم را با مربیان تیم امید داشت. ممکن است در روزهایی مشکلاتی به وجود آمد اما ما هم همیشه اصرار داشتیم که باید بین مربیان تیم ملی تعامل برقرار باشد. حذف این تیم انتخابی المپیک اتفاق خوبی نبود اما اتفاقی است که افتاده و ما با مربیان داخلی نتوانستیم نتیجه بگیریم.او درباره نقش کادر فنی تیم امید در این ناکامی و در پاسخ به این سوال که آیا این کادر به کارش ادامه خواهد داد، گفت: ماموریت خاکپور در این تیم به پایان رسیده و ما در مسابقات آتی از کادر جدید استفاده خواهیم کرد.

ماموریت این کادر از مربیان تا اتمام مسابقات انتخابی المپیک بود که به پایان رسید. تصمیم داریم برای تیم امید با کمک هیات رئیسه فدراسیون فوتبال از پنج یا ۶ ماه دیگر برنامه‌ریزی کنیم. خیلی از بازیکنان تیم فعلی دیگر شرایط همراهی با این تیم را ندارند اما ما نگران نیستیم چرا که تیم جوانان‌مان پشتوانه خوبی را به وجود آورده‌اند.

وی در پاسخ به سوال خبرنگاری که از او پرسید وزارت ورزش اجازه انتخاب زلاتکو کرانچار را نداد و حالا چرا باید فدراسیون فوتبال پاسخگو باشد افزود: حتما فدراسیون فوتبال مسئولیت شکست تیم امید را برعهده می‌گیرد و ما تقصیر این ناکامی را به گردن دیگران نمی‌اندازیم. ۸ سال برای صعود این تیم به المپیک برنامه ریخته بودیم و حالا که این اتفاق نیفتاده از تمام مردم عذرخواهی می‌کنم.

رئیس فدراسیون فوتبال با بیان اینکه تیم امید تلاش خود را انجام داد گفت: تیم ما تیم خوبی بود. تیم‌های دیگر هم خوب بودند اما کارشناسان باید تحلیل کنند که چرا تیم‌های ما در مرحله حذفی شکست می‌خورند. تیم‌های ما در گروه‌شان موفق می‌شوند اما در مرحله حذفی نتیجه نمی‌گیریم. در جام ملت‌های ۲۰۰۷ دیدار ما با کره جنوبی به وقت‌های اضافه رفت و شکست خوردیم. در جام ملتهای قبلی دیدارمان برابر عراق به وقت اضافه رفت و در پنالتی باختیم و این بار هم از مرحله گروهی بالا آمدیم و در بازی مقابل ژاپن به وقت اضافه کشید و باز هم حذف شدیم.

کفاشیان درباره ارزیابی شخصی خود هم از عملکرد تیم امید، گفت: من نمی‌توانم نظر بدهم بلکه کارشناسان باید نظر بدهند. مسئله‌ای که در فوتبال ما وجود دارد این است که تیم‌های ایرانی تا به مرحله حذفی می‌روند، حذف می‌شوند. ما در دیدار برابر ژاپن تا دقیقه ۹۰ خوب بودیم اما در وقت اضافی باختیم. این را باید بدانیم که باید فوتبال ۱۲۰ دقیقه‌ای ارائه کنیم. وی افزود: با این همه ما اکنون باخته‌ایم و مسئوولیت نرسیدن به المپیک بر عهده ماست.

این نتیجه دوباره به ما ثابت کرد که سرمایه‌گذاری در فوتبال پول دور ریختن نیست.

وی در پاسخ به این سوال که اگر سردار آزمون و جهانبخش تیم امید را همراهی می‌کردند، تیم امید بهتر نتیجه می‌گرفت گفت: قطعا اگر این بازیکنان بودند تیم امید کامل‌تر می‌شد. تلاش کردیم تا این بازیکنان به تیم اضافه شوند اما چون مسابقات انتخابی المپیک جزو فیفا دی نیست نتوانستیم آنها را در اختیار بگیریم. AFC این مسابقات را برای پشتوانه‌سازی تیم‌های آسیایی برگزار می‌کند اما این مسابقات جایی در تقویم فیفا ندارد. البته باید این را هم بگوییم که ارزش سایر بازیکنان دیگر کمتر از آنها نبود و همه تلاش‌شان را انجام دادند.

وی درباره این موضوع که آیا ماندن کی‌روش در قطر می‌توانست در نتایج تیم امید تاثیر بگذارد یا خیر گفت: کی‌روش در زمانی که در قطر حضور داشت کار خودش را انجام داد و با نظارت بر عملکرد بازیکنان ماموریتش به پایان رسید و حضور او در قطر نمی‌توانست بر نتایج تیم امید تاثیرگذار باشد.رئیس فدراسیون فوتبال درباره قرارداد محمد خاکپور هم گفت: درباره این موضوع هم باید بگویم اگر خاکپور قراردادش را امضا کنند و قراردادش را برای ما بیاورند، ما برای جبران زحماتش حقوق او را پرداخت خواهیم کرد.

کفاشیان درباره بحث‌های ایجاد شده پیرامون موضوع سرپرستی فدراسیون فوتبال پس از پایان دوره ریاستش در فدراسیون فوتبال گفت: اساسنامه فدراسیون فوتبال با سایر فدراسیون‌ها متفاوت است و از شما می‌خواهم یکبار زمان بگذارید و اساسنامه را به طور کامل مطالعه کنید. طبق این اساسنامه مجمع بالاترین نهاد تصمیم‌گیر است و در مجمع عمومی رئیس این مجمع، رئیس فدراسیون فوتبال است.

رئیس فدراسیون فوتبال در ادامه درباره اظهارنظر سجادی مبنی بر لزوم انتخاب سرپرست برای این فدراسیون، گفت: با سجادی صحبت کردم. او گفت که منظورش فدراسیون‌های دیگر بوده نه فدراسیون فوتبال. در مجمعی که برگزار کردیم، اختیارات به هیئت رئیسه واگذار شد و تا زمان برگزاری انتخابات در سال آینده همین هیئت رئیسه و رئیس کارها را انجام می‌دهند و شرایط را برای برگزاری انتخابات آماده می‌کنند. سجادی و وزیر ورزش هم به عنوان دو عضو مجمع به این پیشنهاد رای دادند. البته اگر نظر من را بخواهید من در مجموع با انتخاب سرپرست مخالفم چون نمی‌تواند کارها را پیش ببرد.

کفاشیان درباره خبر یکی از روزنامه‌های قطری مبنی برقطع همکاری کی‌روش در فروردین ۹۵ گفت:، کی‌روش قبلا هم گفته بود که باید شرایط خوبی برای تیم ملی به وجود بیاید تا تیم ملی بدون دل نگرانی به جام جهانی برود. ماموریت کی‌روش با دو بازی تیم ملی در تعطیلات عید تمام می‌شود و پس از آن باید تلاش خودمان را انجام دهیم تا با مهیا کردن امکانات مدنظرش، او را نگه داریم.

شهر آورد بسکتبال خوزستان زیر ذره بین باورمن

هفته بیست و دوم مسابقات بسکتبال لیگ برتر باشگاه‌های کشور در حالی برگزار می‌شود که نتیجه دیدار دو تیم مدعی نفت و پتروشیمی می‌تواند صدر جدول رده بندی را پس از هفته‌ها تغییر دهد.

به گزارش سایت فدراسیون بسکتبال، چهار دیدار هفته بیست و دوم مسابقات بسکتبال لیگ برتر باشگاه های کشور در تهران، آبادان و اراک برگزار می شود. اما مهمترین دیدار این هفته در آبادان برگزار خواهد شد جائیکه در آن تیم های جنوبی نفت آبادان و پتروشیمی بندرامام رو در روی هم قرار می گیرند.

دیداری که نتیجه آن می‌تواند صدر جدول رده‌بندی را پس از هفته‌ها تغییر دهد. هفته‌هاست که پتروشیمی بندرامام صدرنشین است و پیش از دیدارهای این هفته هم با ۳۴ امتیاز این جایگاه را در اختیار دارد. آبادانی ها تنها با یک اختلاف امتیاز کمتر در رده دوم قرار دارند اما آنها این موقعیت را دارندکه با برتری قاطع در پایان دیدارامروز یک رده صعود کنند و صدرنشینی را به نام خود بزنند.

در واقع صدرنشینی و تثبیت یا رسیدن به آن مهمترین هدفی است که دو تیم در این دیدار دنبال خواهند کرد.علاوه بر رقابتی که دو تیم پتروشیمی و نفت برای صدرنشینی خواهند داشت، جدال آنها از یک حیث دیگر هم حائز اهمیت است. دو تیم چهار هفته است که باختی در کارنامه نداشتند و قطعا مصمم به ادامه این روند هستند اما در هر صورت این بردهای متوالی برای یکی از دو تیم نفت و پتروشیمی در هفته بیست و یکم پایان داده می شود چراکه بسکتبال باخت ندارد.

اما در سایر دیدارهای این هفته از مسابقات بسکتبال لیگ برتر باشگاه های کشور دو تیم شهرداری اراک و گرگان رو در روی هم قرار می گیرند.

برای دومین هفته متوالی، دربی پایتخت نشینان برگزار می شود که بازهم نیروی زمینی یک طرف آن قرار دارد و این بار برابر شیمیدر؛ دانشگاه آزاد که هفته گذشته دربی تهران را به سود خود تمام کرد میزبان شهرداری تبریز خواهد بود.

برنامه دیدارهای هفته بیست و دوم مسابقات بسکتبال لیگ برتر:

دوشنبه ۵ بهمن ماه

پالایش نفت آبادان - پتروشیمی بندر امام

شیمیدر تهران - نیروی زمینی

شهرداری اراک - شهرداری گرگان

دانشگاه آزاد - شهرداری تبریز

جدول رده بندی:

۱- پتروشیمی بندر امام (۱۹ بازی، ۱۵ برد، ۴ باخت، ۳۴ امتیاز)

۲- پالایش نفت آبادان (۱۹ بازی، ۱۴ برد، ۵ باخت، ۳۳ امتیاز)

۳- دانشگاه آزاد (۱۹ بازی، ۱۲ برد، ۷ باخت، ۳۱ امتیاز)

۴- شهرداری اراک (۱۸ بازی، ۱۲ برد، ۶ باخت، ۳۰ امتیاز)

۵- شیمیدر تهران (۱۸ بازی، ۱۲ برد، ۶ باخت، ۳۰ امتیاز)

محرومیت تماشا گران گرگانی

همچنین تیم بسکتبال شهرداری گرگان تا اطلاع ثانوی از حضور تماشاگرانش به عنوان میزبان در گرگان و به عنوان مهمان در بازیهای خارج از خانه محروم شد.به گزارش سایت فدراسیون بسکتبال، کمیته انضباطی فدراسیون در رابطه با اتفاقات بازی هفته سوم از دور سوم لیگ برتر بین تیمهای شهرداری گرگان و پتروشیمی بندر امام که در سالن امام خمینی (ره) شهر گرگان برگزار شد و با سنگ پرانی و حواشی بسیار از سوی تماشاگران تیم میزبان یعنی شهرداری گرگان همراه بود تشکیل جلسه داد.

با توجه به مستندات نماینده و ناظر فدراسیون حاضر در این بازی و همچنین تیم داوری رای زیر به صورت موقت صادر شد:تیم شهرداری گرگان تا اطلاع ثانوی از حضور تماشاگران خود چه به عنوان میزبان در گرگان و چه به عنوان مهمان در بازیهای خارج از خانه محروم شد.

شایان ذکراست آرمان زنگنه و ادگار سوسا بازیکن خارجی تیم پتروشیمی بندر امام و همچنین حسن طیبی سرپرست تیم شهرداری گرگان برای ادای توضیحات بیشتر به جلسه بعدی کمیته انضباطی فراخوانده شدند که این جلسه سه شنبه هفته آینده در محل فدراسیون تشکیل خواهد شد.

این حکم موقت است. حکم و رای نهایی پس از تشکیل جلسه روز سه شنبه و استماع صحبتهای طرفین و بررسی مستندات بیشتر حواشی این دیدار صادر خواهد شد.

باورمن به آبادان می‌رود

سرمربی آلمانی تیم ملی بسکتبال ایران برای دیدن مسابقه صدرنشینان لیگ برتر به آبادان می‌رود.امروز، یک بازی حساس در سالن ۱۷ شهریور آبادان بین تیم‌های پالایش نفت آبادان و پتروشیمی بندر امام ساعت ۱۷:۳۰ برگزار خواهد شد.میهمان ویژه این بازی، درک باورمن، سرمربی آلمانی تیم ملی و همچنین علی توفیق دبیر فدراسیون‌هستند.

جهان فوتبال

مورینیو به منچستریونایتد نامه نوشت

ژوزه مورینیو نامه‌ای شش صفحه‌ای به مسئولان باشگاه منچستریونایتد نوشته که طی آن از علاقمندی خود برای حضور در این باشگاه و جزئیات برنامه کاری‌اش خبر داده است.

به گزارش مهر این درحالی است که خورخه مندس، مدیر برنامه های مورینیو، نوشتن چنین نامه ای را تکذیب کرده است.وی گفت: به ذهن هیچکس خطور نمی‌کند که یک مربی در سطح مورینیو به باشگاهی نامه بنویسد و تقاضای شغل بکند. این موضوع واقعا دروغ است.مورینیو در ماه دسامبر به دلیل کسب نتایج ضعیف از باشگاه چلسی برکنار شد. مورینیو بلافاصله از علاقمندی خود برای حضور در منچستریونایتد خبر داد و گفت آرزوی دیرینه وی بوده که سرمربی من یونایتد شود.مورینیو یکی از گزینه هایی بود که فرگوسن پس از جدایی از یونایتد در سال ۲۰۱۳، شایعه پیوستنش به این تیم قوت گرفته بود.

جهانبخش ۹۰ دقیقه بازی کرد؛ آلکمار برد

آلکمار به همراه بازیکن ایرانی خود برابر فاینورد پیروز شد.

به گزارش ایسنا، آلکمار دیروز در هفته نوزدهم لیگ یک هلند فاینورد را با نتیجه چهار بر دو شکست داد.

ابتدا در دقیقه ۱۲ مایکل کرامر دروازه آلکمار را باز کرد اما پس از آن چهار گل دریافت کرد. گل اول میزبان را مارکوس هنریکسن به ثمر رساند و وینست جانسون هت تریک کرد. در ادامه تونی ویلنا یک گل دیگر برای فاینورد به ثمر رساند. علیرضا جهانبخش در ترکیب اصلی حضور داشت و ۹۰ دقیقه برای تیمش بازی کرد. او در نیمه اول پاس گل دوم را ارسال کرد.آلکمار با ۲۵ امتیاز در جایگاه دهم قرار دارد.

پیروزی دشوار بارسلونا مقابل مالاگا

مدافع قهرمانی رقابتهای فوتبال دسته اول باشگاه‌های اسپانیا در جدال خارج از خانه مقابل مالاگا به سختی پیروز شد.

به گزارش مهر، تیم های فوتبال مالاگا و بارسلونا در چارچوب هفته بیست و یکم رقابتهای لالیگای اسپانیا به مصاف هم رفتند که طی آن تیم بارسلونا در پایان جدالی سخت و نفسگیر ۲ بر یک پیروز شد.منیر الحدادی (۲) و لیونل مسی (۵۱) در این بازی گلزنان تیم بارسلونا بودند. جوانپی آنور هم در دقیقه ۳۲ برای مالاگا گلزنی کرد. بارسلونا در این بازی نیمار را به خاطر مصدومیت در اختیار نداشت.شاگردان انریکه با این پیروزی خارج از خانه ۴۸ امتیازی شدند و جای اتلتیکو مادرید را در صدر جدول گرفتند. البته بارسلونا یک بازی معوقه را در کارنامه دارد.

برد پر گل بیلبائو مقابل ایبار

تیم فوتبال اتلتیک بیلبائو برابر ایبار به بردی پرگل دست یافت.

تیم های فوتبال اتلتیک بیلبائو و ایبار در چارچوب هفته بیست و یکم رقابتهای لالیگا به مصاف هم رفتند که طی آن تیم بیلبائو حریف خود را با حساب ۵ بر ۲ شکست داد.در این بازی برای بیلبائو آریتز آداریز (۱۲ و ۵۲)، سابین مرینو (۲۷)، آیمریک لاپورته (۴۰) و مائورو دوس سانتوس (۸۰ - گل به خودی) موفق به گلزنی شدند. بورخا گونزالس (۴ و ۵۰ - پنالتی) زننده هر دو گل تیم ایبار بود.بیلبائو با این برد ۳۱ امتیازی شد و در رده هشتم جدول قرار گرفت.

والدس قرضی به استاندارد لیژ پیوست



جدایی دروازه‌بان پیشین بارسلونا از منچستریونایتد و پیوستنش به استاندارد لیژ بلژیک تأیید شد.

باشگاه منچستریونایتد تأیید کرد که با استاندارد لیژ بلژیک بر سر قرض دادن ویکتور والدس به این تیم تا پایان فصل جاری به توافق رسیده است. این دروازه‌بان اسپانیایی در زمستان ۲۰۱۵ با قرادادی ۱۸ ماهه از بارسلونا به شیاطین سرخ پیوست، ولی پس از مشکلاتی که برای او در این تیم به وجود آمد هرگز به ترکیب اصلی منچستر راه نیافت.والدس از زمانی که دستور لوئیز فن‌خال برای بازی در تیم زیر ۲۱ سال منچستریونایتد را قبول نکرد، مورد غضب این سرمربی هلندی قرار گرفت و حتی یک دقیقه هم درون دروازه شیاطین سرخ قرار نگرفت. در ادامه هم نام این بازیکن از لیست شیاطین سرخ برای بازی در لیگ قهرمانان اروپا خط خورد.

معاون رئیس جمهوری: قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثار گران در برنامه ششم ادامه می یابد

سرویس سیاسی - اجتماعی: رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران با تاکید بر لزوم پرهیز از ورود به مسائل سیاسی توسط روابط عمومی‌های این بنیاد، تاکید کرد: بنیاد شهید نباید وارد حواشی و مسائل سیاسی شود.

به گزارش خبرنگار ما، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد علی شهیدی در همایش مسئولان روابط عمومی‌های بنیاد شهید و امور ایثارگران سراسرکشور و سازمان‌های تابعه،افزود: مسئولان روابط عمومی‌ها باید با مطالعه بیشتر، آگاهی های کاملی در مورد آنچه که اطلاع‌رسانی می‌کنند به دست آورند وهدف ما ایجاد آرامش است نه تنش.وی گفت: اعتمادسازی در جامعه ، پرهیز از اطلاع‌رسانی غیرواقعی و مبهم از مواردی است که روابط عمومی‌ها باید به آن توجه کافی داشته باشند.شهیدی با اشاره به وظایف این بنیاد در قبال ترویج فرهنگ ایثار و شهادت گفت: روابط عمومی‌ها نقش انکارناپذیری در تحقق این امر مهم و مورد تأکید مقام معظم رهبری دارند که در همین زمینه باید به نحو احسن به وظیفه ترویجی شان عمل کنند.

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در بخش دیگری از سخنانش به افزایش ۱۲ درصدی بودجه سال آینده بنیاد اشاره کرد گفت:البته این به معنای رضایت کامل از افزایش بودجه نیست .

شهیدی افزود: دولت در برنامه ششم توسعه به ایثارگران توجه لازم دارد و همه احکام مربوط به ایثارگران طبق روال برنامه پنجم ادامه خواهد داشت. تنها تفاوت برنامه پنجم و ششم توسعه این است که در برنامه ششم،تبصره‌ها به ۳۱ مورد کاهش پیدا کرده است و قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران هم همچنان به قوت خود باقی است.

معاون رئیس جمهوری همچنین درباره مسکن ایثارگران گفت: وزارت مسکن و شهرسازی در زمینه واگذاری زمین برای مسکن ایثارگران همکاری مطلوبی با ما داشته است و امیدواریم در چهار سال اول برنامه ششم توسعه مساله مسکن ایثارگران را حل و فصل کنیم.شهیدی به صندوق اشتغال بنیاد شهید اشاره کرد و یادآور شد: از زمان آغاز به کار دولت یازدهم، ۲۸ هزار و ۳۸۲ نفر از خانواده شهدا و ایثارگران در دستگاه‌های دولتی استخدام شده‌اند و از راه خوداشتغالی هم برای ۲۰ هزار و ۵۹۴ نفر اشتغال ایجاد شده است که امیدواریم بتوانیم برای ۴۵ هزار نفر دیگر از ایثارگران ایجاد اشتغال کنیم.

وی به بحث درمان خانواده‌های شهدا و ایثارگران اشاره کرد و گفت: با توجه به افزایش سن والدین شهدا نهایت تلاش خود را صرف درمان این عزیزان می‌کنیم. در زمینه بیمه درمانی هم مشکلی وجود ندارد. ما قبلا مقداری با مشکل مواجه شدیم که این موضوع هم با دستور مستقیم رئیس جمهوری حل و فصل شد.

رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران همچنین با اشاره به توجه ویژه رئیس جمهوری به وضع خانواده شهدا و ایثارگران، گفت: رئیس جمهوری به طور مرتب با این عزیزان دیدار می کنند و از نزدیک در جریان وضعشان قرار می گیرند و در صورت لزوم دستورات لازم را صادر می کنند.

علیرضا معزی دبیر شورای اطلاع رسانی دولت هم در این مراسم با بیان این که بنیاد شهید و امور ایثارگران باید ترویج فرهنگ ایثار و شهادت را با مشارکت مردمی انجام دهد، افزود: بنیاد دارای منابع مناسبی در حوزه ایثار و شهادت است و باید آن را عرضه و با مشارکت مردم در جامعه ترویج دهد. وی گفت: گام نخست در راستای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و در راستای تعریف وظیفه یک روابط عمومی استاندارد کردن وظایف و شرح آن ها در حوزه‌های مختلف روابط عمومی‌هاست. معزی با اشاره به در پیش بودن انتخابات گفت: باید از استفاده ابزاری از شهدا پرهیز شود و همین دلیل اصرار دولت بر غیر سیاسی شدن حوزه ایثار و شهادت به ویژه در بنیاد است.

تدوین سند راهبردی روابط عمومی

علیرضا کریمیان رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی بنیاد شهید و امور ایثارگران هم از تدوین سند راهبردی مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی بنیاد به منظور حرکت این مرکز در راستای سیاست‌های کلی بنیاد شهید و امور ایثارگران در آینده خبر داد.

وی افزود: تلاش ما شناسایی آسیب‌های موجود در حوزه اطلاع رسانی و تدوین یک سند راهبردی برای این مرکز به منظور پیگیری اهداف مشخص و حرکت در راستای سیاست‌های کلی بنیاد شهید و امور ایثارگران است.

اعلام برنامه‌های رفع مشکلات ساختاری نظام بانکی

بازپرداخت بدهی دولت به نظام بانکی، تاسیس شرکت مدیریت دارایی برای خروج مطالبات مسموم از شبکه بانکی و سالم‌سازی ترازنامه بانک‌ها، تقویت سرمایه پایه بانک‌ها، راه‌اندازی بازار بدهی توسط دولت، استقرار حاکمیت شرکتی، برخورد با موسسات مالی غیر مجاز و استمرار آن، اصلاح قوانین ناظر بر فعالیت‌های پولی و بانکی و تصویب قانون بانکداری و قانون بانک مرکزی از مهمترین برنامه‌ها برای حل مشکلات ساختاری نظام بانکی کشور است.

معاون اقتصادی بانک مرکزی همچنین از برنامه راه‌اندازی بازار بدهی از سوی دولت خبرداد و گفت: نرخ سود تسهیلات بانکی باید اندکی بیشتر از حد نرخ تورم باشد.

به گزارش مهر، پیمان قربانی درباره نرخ سود بانکی در سال‌های قبل گفت: در دولت‌های گذشته رویکرد متخذه در مقابل نرخ‌های سود دستوری بود و علی رغم تحولات نرخ تورم، نرخ سود در مسیری دیگر حرکت می کرد؛ این در حالی است که قانون منطقی کردن نرخ‌های سود بانکی هم این پدیده را پیچیده‌تر کرده بود، به طوری که سپرده‌گذار از سپرده‌گذاری در بانک متضرر می‌شد و رانتی هم برای تسهیلات گیرنده بوجود می‌آمد و این امر باعث می‌شد بازار منابع قابل قرض در کشور شفاف نشده و به تعادل نرسد.وی تصریح کرد: علیرغم کاهش نرخ تورم و توفیقات حاصله در این زمینه، نرخ‌های سود از خودش چسبندگی نشان می‌دهد که به ضرر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در کشور است؛ البته چسبندگی نرخ سود بانکی معلول یکسری شرایط است؛ به این معنا که مکانیزم سود بانکی به صورتی نیست که بانک‌ها تصمیم بگیرند نرخ را بالا نگه دارند، چون منافع بیشتری کسب می‌کنند، بلکه در عمل بانک‌های کشور در نرخ تسهیلات منطقی پایین، منافع بیشتری به دست خواهند آورد.معاون اقتصادی بانک مرکزی اظهار داشت: وقتی نرخ سود تسهیلات به طور غیرمنطقی بالا می‌رود، در عمل منابع به سمت فعالیت‌های ریسکی می‌رود و در این صورت بانک‌ها درگیر چرخه باطلی می‌شوند که حجم و نسبت مطالبات معوقاتشان را بالاتر می‌برد و چسبندگی نرخ سود افزایش می‌یابد. البته در شرایط عادی مکانیزم بازار، عامل تعیین نرخ سود بانکی است و البته بانک‌های مرکزی به عنوان ناظر پولی باید اطمینان حاصل کنند آنچه در بازار جریان دارد با اقتضائات کلان و مسائل اقتصادی کشور همخوانی داشته باشد.وی با بیان اینکه نرخ سود سپرده باید نهایتاً ۲تا ۳ درصد بیشتر از تورم باشد، گفت: همچنین نرخ تسهیلات باید اندکی بیشتر از حد نرخ تورم باشد تا تسهیلات گیرنده بتواند با بازده معقولی آن را به بانک بازگرداند؛ در عین حال ۱۱۰ هزار میلیارد تومان بدهی دولت به بانک‌ها، مطالبات معوق انباشته، منابع حبس شده در دارایی‌های ثابت و به طور کلی منابع غیر چرخنده، باعث انجماد دارایی‌ها در شبکه بانکی شده است.

نامبرده با بیان اینکه وقتی بانک‌ها به دلیل نبود چرخش مطالبات خود به رقابت بر سر جذب سپرده و بالابردن نرخ‌های سود سپرده روی می‌آورند، نرخ تسهیلات هم بالا می رود، افزود: در این حالت نرخ های سود از نرخ تورم تبعیت نخواهند کرد. البته بدهی دولت هم دارای ماهیتی شبیه مطالبات معوق است و بدهی دولت بدلیل اینکه تضمین دولت را دارد، در سرفصل مطالبات غیرجاری طبقه‌بندی نمی‌شود. وی با بیان اینکه تنگناهای مالی بوجود آمده مشکل ساختاری است، گفت: قاعدتاً راه حل این مشکلات هم ساختاری است، لیکن به عنوان اقدامات کوتاه‌مدت، بانک مرکزی از طریق سپرده‌گذاری در بازار بین‌بانکی، ساماندهی اضافه برداشت بانک ها و تبدیل آن به قراردادهای اعتباری، کاهش سپرده‌قانونی بانک‌های تجاری، رصد روزانه بازار بین بانکی ریالی به همراه تعامل موثر با شبکه بانکی کشور، زمینه را برای کاهش نرخ سود در بازار بین بانکی فراهم ساخته است. به طوری که نرخ سود معاملات در این بازار از ۲۹ درصد در پایان سال ۱۳۹۳ به حوالی ۲۰ درصد در هفته‌های پایانی دی ۱۳۹۴ کاهش یافته که گامی بسیار مهم در جهت کاهش پایدار و غیردستوری نرخ‌های سود بانکی و تخفیف تنگناهای مالی کوتاه‌مدت بانک‌ها و کاهش هزینه تامین مالی به شمار می‌رود.

قربانی با بیان اینکه در هیچ دوره‌ای به قوت دوره اخیر، با موسسات غیر مجاز برخورد نشده بود، افزود: بانک مرکزی در چند ماه گذشته حسب مصوبه‌ای که از شورای عالی امنیت اخذ کرد، کارگروهی از دستگاه‌ها و نهادهای مختلف نظیر قوه قضائیه، وزارت اطلاعات، دادستانی، نیروی انتظامی و سایر اعضای مرتبط در این قضیه را تشکیل داده و تا زمان تعیین تکلیف تمامی موسسات غیر مجاز از موضوع عقب نشینی نخواهد کرد.وی یکی از دلایل گسترش موسسات غیر مجاز را سرکوب مالی و ظلم به سپرده‌گذاران در سالهای قبل بیان کرد و گفت: در گذشته در حالی که تورم در سطوح بالاتر از ۳۰ درصد بود، نرخ سود بانک‌ها بسیار کمتر در نظر گرفته می‌شد، در نتیجه سپرده‌گذاران برای ترمیم قدرت خرید سپرده خود با ریسک بیشتری در این موسسات سرمایه گذاری می‌کردند.معاون اقتصادی بانک مرکزی با اشاره به اینکه همه دستگاه‌ها در مقابل این پدیده با بانک مرکزی همکاری می‌کنند، گفت: در برخورد با این موسسات روش معقولانه‌ای در پیش خواهیم گرفت، البته به دلیل اهمیت نظام مالی، نوک پیکان تحریم‌ها به سمت آن بوده و بر خلاف کشورهای دیگر در ایران تامین مالی بر عهده نظام بانکی بوده و نقش بازار سرمایه در تامین مالی اقتصاد کم‌رنگ است.

وی درباره مشکلات نظام بانکی در سال‌های اخیر گفت: دسترسی به نظام مالی بین المللی در سال های گذشته کاهش یافته بود و در نتیجه هزینه تامین مالی بالارفته بود که بعد از برجام این هزینه‌ها به حالت قبلی خود بازخواهد گشت و در نتیجه این امر، هزینه تمام شده کالاهای واسطه ای و مصرفی در کشور کاهش خواهد یافت و این امر بر تورم تاثیر کاهنده خواهد داشت.

قربانی با بیان اینکه دسترسی به منابع تامین مالی باعث تسهیل در واردات می‌شود، گفت: از این پس، مبادلات خارجی کشور به سمت گشایش اعتبارات اسنادی سوق خواهد یافت؛ به طوری که بخشی از هزینه واردات کالاهای واسطه‌ای و مصرفی پرداخت و بخشی در آینده تامین می‌شود. البته در آینده تقاضای ارز در کشور پایین خواهد بود و به حالت مرسوم گذشته باز خواهیم گشت. وی با اشاره به اینکه در چند سال اخیر نظام بانکداری بین‌المللی پیشرفت زیادی داشته است، اظهار داشت: اقتصاد ایران باز است و با رفع تحریم‌ها قاعدتاً دسترسی به بازارهای جهانی افزایش خواهد یافت، لیکن نحوه بهره‌گیری از فرصت‌های به وجود آمده مهم بوده و در این رابطه ضروری است با طراحی سیاست‌های مدبرانه و هوشمندانه به صحنه اقتصاد جهانی بازگردیم و با سرعت مناسب پیشرفت کرده و رو به جلو حرکت کنیم.

تمدید مصوبه اعطای کسر خدمت تحقیقاتی به مشمولان

سرویس سیاسی - اجتماعی: جانشین بنیاد نخبگان ستاد کل نیروهای مسلح از تمدید مصوبه اعطای کسر خدمت تحقیقاتی به مشمولان سربازی تا پایان سال ۹۹ خبر داد.

سردار سیدعلیرضا قاسمی درباره مصوبه کسر خدمت سربازی در ازای انجام فعالیت‌های تحقیقاتی برای مشمولان گفت: مصوبه اعطای کسر خدمت سربازی به کسانی که فعالیت تحقیقاتی برای نیروهای مسلح انجام دهند، با موافقت مقام معظم رهبری، تا پایان سال ۹۹ تمدید شد.

وی افزود: در این طرح که مختص دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و بالاتر است، افراد می توانند با مراجعه به بنیاد نخبگان نیروهای مسلح یا سازمان‌های تحقیقاتی نیروهای مسلح، طرح تحقیقاتی متناسب با رشته و گرایش تحصیلی خود را دریافت و با ارائه آن، دو تا ۱۹ ماه کسر خدمت دریافت کنند.قاسمی با بیان این که متقاضیان می‌توانند با توجه به ماموریت و وظایف سازمان‌های تحقیقاتی، به این مراکز مراجعه مستقیم و طرح تحقیقاتی دریافت کنند، یادآور شد: همچنین برابر این طرح، سازمان‌های تحقیقاتی می‌توانند به دانشگاه‌ها مراجعه و نسبت به جذب دانشجو متناسب با طرح‌های تحقیقاتی، حوزه ماموریتی و امور دفاعی کشور اقدام کنند.

به گفته جانشین بنیاد نخبگان ستاد کل نیروهای مسلح در صورتی که داوطلبان کارشناسی ارشد و دکتری موضوع پایان نامه خود را از موضوعات تحقیقاتی نیروهای مسلح قرار دهند، از کسر خدمت مناسب برخوردار خواهند شد.

قاسمی همچنین درباره فرآیند بررسی و اعطای کسر خدمت تاکید کرد: این فرآیند به نحوی است که فعالیت‌های تحقیقاتی انجام شده در سازمان‌های تحقیقاتی نیروهای مسلح ارزیابی و میزان کسر خدمت به این بنیاد پیشنهاد و پس از بررسی در کمیسیون مربوطه میزان کسر خدمت تعیین و اعلام می‌شود.جانشین بنیاد نخبگان ستاد کل نیروهای مسلح تاکید کرد: دانشجویان کارشناسی ارشد و بالاتر می‌توانند هنگام تحصیل و پس از فارغ التحصیلی تا زمان اعزام به خدمت سربازی اقدام به اجرای طرح تحقیقاتی و کسر خدمت مناسب دریافت کنند.

قاسمی در پاسخ به این سئوال که آیا سربازان هنگام خدمت هم می‌توانند از چنین طرحی بهره‌مند شوند ، گفت: سربازان وظیفه با تحصیلات یاد شده هم در صورت تمایل و توان می‌توانند هنگام خدمت سربازی، فعالیت‌های تحقیقاتی از سازمان‌های نیروهای مسلح اخذ و کسر خدمت دریافت کنند، از این رو به این دسته از دواطلبان توصیه می‌شود از سازمان‌هایی که در آن خدمت می‌کنند طرح تحقیقاتی دریافت کنند.

نتایج اولیه بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات خبرگان رهبری امروز اعلام می شود

سرویس سیاسی - اجتماعی: نتایج اولیه بررسی صلاحیت داوطلبان پنجمین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری امروز اعلام می‌شود.

اسامی تأئید، رد و عدم‌احراز صلاحیت‌شدگان کاندیداهای مجلس خبرگان رهبری امروز از سوی شورای نگهبان به وزارت کشور اعلام می‌شود و وزارت کشور هم این اسامی را برای اطلاع داوطلبان در اختیار استانداری‌ها و فرمانداری‌ها قرار می‌دهد. داوطلبان فردا و پس فردا (ششم و هفتم بهمن‌ماه) از وضع‌شان از حیث رد، تأئید و عدم‌احراز صلاحیت مطلع می‌شوند.بر اساس تقویم برگزاری انتخابات پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری، داوطلبانی که به هر دلیل صلاحیت‌شان برای نمایندگی در پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری احراز نشده است، طی روزهای هشتم تا دهم بهمن ماه فرصت دارند تا مراتب شکایت خود را به شورای نگهبان ارسال کنند که بر همین اساس فقهای شورای نگهبان هم طبق آیین‌نامه قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری به مدت ۵ روز کاری فرصت دارند تا به شکایات داوطلبان رد و یا احراز صلاحیت نشده رسیدگی و نتایج را به وزارت کشور اعلام کنند که این زمان در ۱۵ بهمن‌ماه به پایان می‌رسد و و در حقیقت نتایج بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی در مجلس خبرگان رهبری ۱۵ بهمن نهایی می‌شود.

طبق قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری داوطلبانی که صلاحیت‌شان برای نمایندگی در مجلس خبرگان تأئید شده باشد، می‌توانند از روز ۲۲ بهمن‌ماه تا ۲۴ ساعت پیش از برگزاری انتخابات (۷ اسفند) تبلیغات قانونی داشته باشند.

چهارمین کنگره سالانه اخلاق پزشکی و پرستاری برگزار می شود

معاون آموزشی وزیر بهداشت با اشاره به اینکه با پیشرفت آموزش و پژوهش، نیاز به عمیق‌تر شدن بحث اخلاق پزشکی داریم، گفت: برنامه استراتژیک ۱۰ ساله آینده اخلاق پزشکی مورد توجه قرار گرفته است.

دکتر باقر لاریجانی در نشست خبری چهارمین کنگره سالانه اخلاق پزشکی و اخلاق پرستاری، اظهار داشت: این کنگره ششم تا نهم بهمن‌ماه در سالن اجلاس سران با هدف اخلاق حرفه‌ای از نظر تا عمل، برگزار می‌شود.

وی افزود: اخلاق حرفه‌ای و تحول آموزش پزشکی، اخلاق در ارائه خدمات سلامت، اخلاق در پژوهش‌های پزشکی و در سیاست‌گذاری‌های سلامت از محورهای اصلی این کنگره است.

رئیس کنگره اخلاق پزشکی ایران ادامه داد: موضوعاتی همچون اخلاق بیمارستانی و بالینی، اخلاق پزشکی در رسانه و فضای مجازی، حقوق بیماران، عدالت و سلامت و بیمه سلامت، همچنین اخلاق پزشکی و صنایع دارویی در این کنگره مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌گیرد.

لاریجانی افزود: همزمان با چهارمین کنگره اخلاق پزشکی و اخلاق پرستاری ایران، گروه سلامت و هنر با حمایت دانشگاه علوم پزشکی تهران و همکاری مؤسسه هنرهای تجسمی، نمایشگاه آثار هنری برگزار می‌شود.

وی اضافه کرد: فراهم کردن بستر هنر برای خدمات درمانی، همچنین ارائه بهتر خدمات سلامت در جامعه از جمله اهداف کلی نمایشگاه آثار هنری بوده و این نمایشگاه در بخش‌های مختلفی همچون کاریکاتور، عکاسی و گرافیک برگزار می‌شود.

لاریجانی گفت: ۸۶۴ مقاله به دبیرخانه چهارمین کنگره سالانه اخلاق پزشکی واصل شده که ۱۶۰ مورد آن برای سخنرانی پذیرفته شده است. همچنین ۴۶۹ مقاله به‌صورت پوستر ارائه می‌شود.

معاون آموزشی وزیر بهداشت، اظهار داشت: ۲۴ نشست عمومی و تخصصی و ۱۷۹ سخنرانی در چهارمین کنگره سالانه اخلاق پزشکی ارائه می‌شود. همچنین نشست‌های ویژه شامل نشست اخلاق داروسازی، نشست‌های چالش‌های آموزش اخلاق پرستاری و نشست دانشجویی برگزار می‌شود.

وی در رابطه با عناوین نشست‌های دانشجویی گفت: دانشجویان ناظران اخلاقی سلامت، چالش‌های اخلاقی آموزش دانشجویان و درمان بیماران، همچنین قداست حرفه‌ای پزشکی و چالش‌های پیرامون آن از عناوین نشست‌های دانشجویی است.

رئیس کنگره اخلاق پزشکی ایران، خاطرنشان کرد: کارگاه‌هایی همچون کارگاه آموزشی اخلاق بالینی، اخلاق رسانه و سلامت و کارگاه نحوه گفتن خبر ناگوار بیماری، ازجمله موضوعاتی است که در چهارمین کنگره سالانه اخلاق پزشکی و اخلاق پرستاری مورد توجه قرار گرفته است.

تشکیل کمیته اخلاق بیمارستانی

دکتر علیرضا زالی رئیس سازمان نظام پزشکی هم گفت: تشکیل کمیته اخلاق بیمارستانی در کشور ضرورت دارد و وزارت بهداشت و نظام پزشکی این موضوع را پیگیری می‌کنند.

وی اظهار داشت: این کنگره نسبت به دوره‌های قبل بی‌نظیر بوده و دوستان از حوزه وزارت بهداشت، نظام پزشکی، معاونت‌های آموزشی و... با یکدیگر همکاری داشتند.

زالی افزود: یکی از مواردی که مورد توجه ما قرار داشته و ما نیز علاقه‌مند به انجام آن هستیم، قطع رابطه مالی پزشک و بیمار است؛ چراکه این قطع ارتباط به نفع دو طرف بوده و دغدغه پزشک و بیمار را برطرف می‌کند.

بنابراین جامعه پزشکی از این موضوع استقبال کرده، ولی مسئله‌ای که در این زمینه ضرورت دارد تعریف شدن شخصیت حقوقی ثالث است.

وی با اشاره به اینکه در این مسئله باید سازمان‌های بیمه‌گر بتوانند مطالبات جامعه پزشکی را به‌سرعت پرداخت کنند، گفت: تعمیق کیفی و کمی بیمه‌ها در جهت قطع ارتباط مالی پزشک و بیمار ضرورت دارد، بنابراین جهت تحقق این موضوع سیستم بیمه‌ای باید فعال، پویا و دارای مالی مستمر باشد.

از طرفی بیماری‌های امروزه در نظام سلامت پیچیده است و می‌توان گفت سیمای بیماری‌ها عوض شده است، بنابراین کار پزشکان نسبت به ۵۰ سال قبل سخت‌تر بوده و شانس بروز عوارض نیز پیچیده شده است.

بهره برداری از ۵۰۰ طرح اقتصادی در ۲۷ استان توسط بنیاد برکت

بنیاد برکت وابسته به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) در آستانه دهه فجر اقدام به افتتاح ۵۰۰ پروژه توانمندسازی اقتصادی و محرومیت‌زدایی می‌کند.

به گزارش روابط عمومی بنیاد برکت، در آستانه سی و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی امروزطی مراسمی با حضور مسئولان بلندپایه کشور از ۵۰۰ پروژه بنیاد برکت در حوزه‌های توانمندسازی اقتصادی، ساخت مسکن محرومین، مدرسه، مسجد و... که با هدف رفع محرومیت در ۲۷ استان کشور اجرا شده‌اند بهره‌برداری می‌شود.

حجم کل سرمایه‌گذاری انجام شده در این ۵۰۰ پروژه بالغ بر۴ هزار و ۲۷۶ میلیارد ریال است که شامل ۲۴ طرح توانمندسازی اقتصادی، افتتاح ۳۴۵ واحد مسکن محرومین به همراه ۴۰ مدرسه، ۷۰ مسجد و ۲۱ پروژه زیربنایی دیگردرمناطق محروم وکم توسعه یافته است.

پروژه های توانمندسازی اقتصادی شامل ۲۴طرح است که با۳۸۹۴میلیارد ریال سرمایه گذاری وظرفیت ۱۰هزارو۳۲۰ نفراشتغال در۱۳ استان اجرا شده است.

براساس این گزارش ، در ادامه نهضت مدرسه‌سازی بنیاد برکت مراحل ساخت ۴۰ مدرسه برکت با اعتباری بالغ بر ۲۱۲ میلیارد در ۲۱ استان به پایان رسیده است وهمزمان بهره‌برداری از ۳۴۵ واحد مسکونی در روستاهای آسیب دیده دوران جنگ تحمیلی در شهرستان‌های آبادان، خرمشهر و منطقه بشاگرد استان هرمزگان هم در دهه فجر آغاز خواهد شد و علاوه بر این ۷۰ مسجد با سرمایه‌گذاری ۴۹ میلیارد ریال در ۱۷ استان کشور هم تکمیل شده است که امروز افتتاح خواهند شد.

آموزش و پرورش: خصوصی‌سازی مدارس در دستور کار نیست

بقیه از صفحه ۳

وی بر نبود پدیده تنبیه بدنی به شکل جدی حداقل در مدارس سطح تهران هم تاکید کرد و اظهار داشت: آموزش و پرورش تنبیه بدنی را به هیچ وجه یک راه حل برای تربیت بچه‌ها نمی‌داند و به شدت با آن مخالف است، به همین دلیل اگر گزارشی در این خصوص دریافت کنیم ، فرد خاطی را بلافاصله به هیات رسیدگی تخلفات اداری ارجاع می‌دهیم و با آن برخورد می‌کنیم.

ثقفی افزود: البته جای این گلایه هم وجود دارد که ما معلمان بسیاری داریم که خدماتشان شایسته تکریم است، اما هرگز در رسانه‌ها به آنان پرداخته نمی‌شود ولی متاسفانه به قدری موارد اندک تنبیه بدنی بازتاب داده می‌شود که آرام‌آرام جایگاه معلمان در جامعه را تضعیف می‌کند. وی در ادامه به موضوع بی‌توجهی برخی از سازندگان مسکن به فضاهای آموزشی اشاره داشت و گفت: آموزش و پرورش در بحث اماکن آموزشی با نگرانی‌های جدی روبرو است.

در برخی از مناطق تهران ساخت و سازهایی اتفاق افتاده که اصلا فضایی برای ساخت مدرسه در آن تعبیه نشده است. ثقفی در پایان به مدارس فرسوده‌ای اشاره کرد که تحمل کوچکترین زلزله را هم ندارند و اظهار امیدواری کرد اعتبارات لازم برای مقاوم سازی این مدارس و ساخت مدارس جدید اختصاص داده شود.

ترحیم

بازگشت همه به سوی اوست



با نهایت تأسف و تأثر درگذشت پدری مهربان و همسری دلسوز مرحوم مغفور، شادروان

مهندس محمود محبی

(فرزند حاج مسلم محبی) را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان محترم می‌رساند. به همین مناسبت مراسم خاکسپاری آن مرحوم در صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۶ در بهشت‌زهرا ـ قطعه ۳۱۳ برگزار خواهد شد. ضمناً مراسم ختم در روز پنج‌شنبه مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۸ از ساعت ۱۵/۳۰ الی ۱۷ در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می‌گردد. تشریف‌فرمایی شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

دکتر احمد محبی و خانواده

یادبود

یک سال از درگذشت مرحومه **خیرالنساء خانم (ملوک) لطفی** مادری مهربان و فداکار گذشته. یاد و خاطره تو مادر عزیز همیشه در قلب ما زنده خواهد بود.

شهرام ـ شاهرخ ـ نوشین ـ نادیا ـ لیدا ـ پارسا و فراز لطفی

«یاد بود»

چه خوش باشد در این دنیای فانی
به خوش نامی نمودن زندگانی
که بعد از ما بَسی گردش کند چرخ
نماند جز نکونامی نشانی

بهمن ماه که مصادف است با هفدهمین سالگرد فقدان پدری با وفا و انسانی نکونام **حاج وهبعلی خوینی** را گرامی می‌داریم.

از طرف فرزندان

هرگزم نقش تو از لوح دل و جان نرود
هرگز از یاد من آن سرو خرامان نرود
از دماغ من سرگشته خیال دهنت
به جفای فلک و غصه دوران نرود



یاد و خاطره مرحوم مبرور **شادروان محمدرضا امیراسکندری** معلم اخلاق و مدارا و انسانی والامنش و پاک نهاد را در دومین سالگرد درگذشت ناباورانه و تأسف برانگیزش گرامی می‌داریم.

همسر: پریدخت سلوکی

فرزندان: مهرداد، بهراد، بهزاد و بهروز امیراسکندری

تسلیت

خانواده محترم چراغعلی

درگذشت نابهنگام همکار ارجمند و متعهد سابق دانشکده، مرحوم مغفور **رحمتا... چراغعلی**، چنان ثقیل و جانسوز است که به دشواری به باور می‌نشیند، ولی در برابر تقدیر حضرت حق چاره‌ای جز تسلیم و رضا نیست.

این مصیبت جانگداز را به خانواده محترم ایشان تسلیت عرض نموده و برای آن مرحوم علو درجات را مسئلت داریم.

اساتید، کارکنان و دانشجویان
دانشکده مهندسی عمران
دانشگاه صنعتی شریف

بازگشت همه به سوی اوست
خانواده محترم ذبیحیان

بانهایت تأثر و تأسف مصیبت وارده را به شما تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم آمرزش و برای بازماندگان صبر و سلامتی آرزومندیم.

از طرف مدیریت و کارکنان
شرکت مهندسی آبزولوت

همکار ارجمند جناب آقای حسین حضرتی

بانهایت تأسف درگذشت همشیره گرامیتان را تسلیت عرض نموده از درگاه ایزدمنان برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

امور مالی ـ اداره حسابداریها ـ بودجه و گزارشات ـ حقوق و دستمزد ـ سازمان وصول ـ اداره اموال و انبارهای موسسه اطلاعات و شرکت ایرانچاپ

اناالله و انا الیه راجعون
سرکار خانم صالحی
دوست گرانقدر جناب آقای دکتر فیروز فصیحی

درگذشت **سرکار خانم عذرا بهمن شکفته** را از صمیم قلب تسلیت می گویم.

علو درجات آن فقیده سعیده را از ذات اقدس الهی آرزومندم.

ارادتمند ـ دکتر علی نوبخت حقیقی

دوست و همکار عزیز
جناب آقای دکتر فیروز فصیحی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر همسر محترمتان را خدمت جنابعالی و همسر گرامیتان تسلیت عرض نموده و از پیشگاه ایزد متعال برای آن مرحومه آمرزش الهی و برای شما و بازماندگان صبر و سلامتی آرزو می نمائیم.

دکتر عزت متعظ ـ دکتر لیدا شاهین ـ دکتر مه‌سیما معتمد ـ دکتر پروین امامی ـ دکتر افسر ناهیدی ـ دکتر بهناز اسمعیل شیرازی ـ دکتر محمد سدهی ـ دکتر خسرو خطیبی ـ دکتر تهمتن یلدا ـ دکتر عباس محتشمی ـ دکتر حسن فرید ـ دکتر حسین سالور ـ دکتر فریدون وزیری ـ دکتر خسرو روستائیان ـ دکتر فرهاد گرجی ـ دکتر احمد تهامی ـ دکتر مهرداد میرهاشمی ـ دکتر احمد علم‌پور ـ دکتر بیژن حاتمیان ـ دکتر کوروش نیک‌نیائی ـ دکتر حسین مدنی ـ دکتر محسن تدین‌فر ـ دکتر پرویز پوردانش ـ دکتر علی‌اکبر سلیمانی ـ دکتر همایون حیدری ـ دکتر علی‌اکبر اکبریه ـ دکتر حسین نجمی ـ دکتر مهرداد رضائی ـ دکتر حسین مقبل‌زاده ـ دکتر محمد جهاندیده ـ دکتر ناصر کنی ـ دکتر سیدجواد ناصری ـ دکتر سعید خصوصی ـ دکتر سیدمجتبی علوی ـ دکتر رضا جهرودی ـ دکتر ایرج روئین‌دژ ـ دکتر سهراب اعظم زنگنه ـ دکتر خشایار سرفراز ـ دکتر مسعود مفیدی ـ دکتر سیروس دهدشتی ـ دکتر محمدحسین فرشی ـ دکتر کامران بدیع‌زاده ـ دکتر محمدعلی یزدان‌خواه ـ دکتر بهرام بشر ـ دکتر مرتضی عاصمی ـ دکتر محمداسمعیل‌پور ارباب ـ دکتر مجتبی حائری‌زاده ـ دکتر بهروز شفقی ـ دکتر خسرو مجیر شیبانی ـ دکتر ابوالمحسن پاکزاد ـ دکتر فرزان رهبر

همکار گرامی
جناب آقای دکتر فیروز فصیحی

با اندوه فراوان مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از درگاه ذات مقدس باریتعالی برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و بردباری و برای آن عزیز از دست رفته شادی روح مسئلت می‌نمایم.

هیئت مدیره، پزشکان و پرسنل بیمارستان مهر

درگذشت دوست فرزانه‌مان **جناب آقای دکتر شریعت پناهی** را به همسر، فرزندان و بستگان ایشان تسلیت می گوییم.

دکتر احمدی کاشانی ـ دکتر اخوان ـ دکتر اسدی‌زاده ـ دکتر آزادیان ـ دکتر آذرنوش ـ دکتر اقبال طاهری ـ دکتر توسلی ـ دکتر جزایری ـ دکتر حریری ـ دکتر حقیقی ـ دکتر تهرانی ـ دکتر خداخواه ـ دکتر خلیلی ـ مهندس ریحانی ـ دکتر روشنایی ـ دکتر روهام ـ دکتر سعید واقفی ـ دکتر ساغری ـ دکتر شمس ـ دکتر صادقی ـ دکتر فراهت ـ دکتر عظیمی ـ دکتر غضنفرپور ـ دکتر کشتکار ـ دکتر مخدومی ـ دکتر نعمتیان ـ تقوی

اناالله و انا الیه راجعون
سرکار خانم دکتر بشارتی‌زاده

با نهایت تأسف و تألم، درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، برای آن عزیز از دست رفته غفران الهی و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر جمیل آرزومندیم.

از طرف پزشکان و پرسنل مرکز جراحی گاندی، دکتر نیک‌نیایی

اناالله و انا الیه راجعون
استاد ارجمند جناب آقای دکتر احمد محبی

بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان محترم صبر و شکیبایی آرزومندیم.

هیئت رئیسه بیمارستان قلب شهید رجایی

سرکار خانم دکتر زهرا وحدتی‌فر

با کمال تأسف درگذشت پدر بزرگوارتان را تسلیت عرض نموده، علو درجات ایشان را از خداوند متعال مسئلت می‌نماییم و برای سرکار عالی و خانواده محترم صبر و سلامتی آرزومندیم.

دکتر نگین سلطانزاده، دکتر مجید حکم‌آبادی

جناب آقای دکتر جمشید رئیسی

با سلام درگذشت مادر بزرگوارتان را به سرکار و همه بازماندگان آن مرحومه تسلیت عرض می کنم و بقای عمرتان را از درگاه حضرت احدیت مسئلت دارم.

مهندس محمدی

سپاسگزاری

تشکر و سپاسگزاری

بدین‌وسیله از تمامی اقوام، دوستان، همسایگان، سازمان‌ها و شرکت‌ها به خصوص خانواده‌های جعفری‌نطنزی، فتحی، عدل‌خواه، آقایی، خسروی، خان‌بیگی، حاج حسین انصاری، دکتر اژدرکش و امیر اژدرکش، خلیلی و تمامی همکاران شرکت هلدینگ دنیلی، همکاران شرکت مهندسی مشاوره سازه، پویاراه پرشین، جانسو تجارت، محصولات دریایی جنوب و همکاران، کارخانجات سازه‌های فلزی شهریار و همکاران، سازورسازه آذرستان، پایاسازه تدبیر و فلزمانی که از راه دور و نزدیک در مراسم تشییع، تدفین، شرکت در مجالس ختم، ارسال تاج گل و نصب بنر به مناسبت درگذشت پدر گرامی‌مان **رحمت‌الله جعفری‌نطنزی** ما را مورد لطف و مرحمت خود قرار داده‌اند و موجب تسلی خاطر خانواده‌های معزا شده‌اند، صمیمانه قدردانی و تشکر می‌نماییم.

همسر: عذرا فتحی ـ فرزندان: رضا، محسن و آرزو

آگهی تغییرات شرکت سپهان سهامی خاص به شماره ثبت ۱۵۵۴۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۷۲۶۴۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۴/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مال ۹۳ تصویب شد. موسسه حسابرسی بهمند شم ۱۰۱۰۰۱۷۴۳۹۰ به عنوان بازرس اصلی و مؤسسه حسابرسی تراز نما و همکاران شم ۱۰۱۰۰۵۲۲۵۵۸ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب شدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب بازرس، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۶۰۱۲۶۴۰ ـ ۱۲۳۵۳۱/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت پیشگام صنایع آلومینیوم سهامی خاص به شماره ثبت ۶۳۲۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۰۰۷۶۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. ـ مؤسسه حسابرسی و خدمات مالی فاطر ش‌ملی ۱۰۱۰۰۱۸۸۵۷۴ به عنوان بازرس اصلی و محمدرضا نادریان ش‌ملی ۳۷۸۱۸۴۰۸۲۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یکسال مالی انتخاب شدند. ـ آقای داور انصاری جابری (کدملی ۰۹۳۷۳۶۶۱۶۱) بسمت رئیس هیئت مدیره ـ آقای پرویز معتمد (کدملی ۳۸۷۴۱۵۹۹۰۶) بسمت نایب رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل ـ آقای اردشیر آذرپی (کدملی ۰۰۳۷۷۵۰۱۰۰) بسمت عضو هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند. امضاء کلیه اسناد تعهدآور و چکها به امضاء مدیرعامل به اتفاق یکی دیگر از اعضای هیئت مدیره با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل به امضاء رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضاء هیئت مدیره با مهر شرکت، سایر مکاتبات با امضای مدیرعامل به تنهایی خواهد بود. ـ ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۳ به تصویب رسید. با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، تعیین سمت مدیران، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس، تعیین وضعیت حق امضاء، انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۶۴۰۳۳۳۷ـ۱۲۳۶۱۰/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت الکترو موتورسازی خزرسینتک سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۷۹۱۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۰۲۲۶۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اشخاص حقوقی مشروح زیر برای مدت دو سال به عنوان اعضای هیئت مدیره شرکت انتخاب گردیدند: شرکت سرمایه‌گذاری پارس توشه (سهامی عام) به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۸۲۰۸۵ ـ شرکت صنعتی پارس خزر (سهامی عام) به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۹۶۰۲۷ ـ شرکت طراحی و صنعتی لوازم خانگی پارس زرآسا (سهامی خاص) به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۵۸۰۷۵ ـ شرکت بازرگانی پارس شید (سهامی خاص) به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۴۸۹۴۰ ـ شرکت بین‌المللی نورتوشه (سهامی خاص) به شماره شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۶۷۸۲۰ ـ مؤسسه حسابرسی فراز مشاور به سمت بازرس اصلی (به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۱۸۴۰۰) و مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت آزموده‌کاران به عنوان بازرس علی‌البدل (به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰) برای مدت یکسال انتخاب شدند. ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید. ـ ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۳ به تصویب رسید. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس، انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، تعیین و تفویض اختیارات نماینده قانونی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۶۴۰۱۲۲۶ـ۱۲۳۶۰۹/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت پارس خزر نقره سهامی خاص به شماره ثبت ۳۹۱۸۸۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۲۷۹۱۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مؤسسه حسابرسی فراز مشاور به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۱۸۴۰۰ به سمت بازرس اصلی و مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت آزموده‌کاران به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. ـ ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به سال ۱۳۹۳ به تصویب رسید. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس، تعیین و تفویض اختیارات نماینده قانونی، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۶۴۰۱۶۴۴ـ۱۲۳۶۰۸/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت تولیدی و صنعتی خزر پلاستیک سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۸۱۷۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۰۴۸۸۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و صورتحساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۳ به تصویب رسید. ـ مؤسسه حسابرسی فرازمشاور به سمت بازرس اصلی (به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۱۸۴۰۰) و مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت آزموده‌کاران به عنوان بازرس علی‌البدل (به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰) برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید. با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، تعیین و تفویض اختیارات نماینده قانونی، انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۶۴۰۱۰۱۷ـ۱۲۳۶۰۷/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت مهندسین مشاور گذرراه سهامی خاص به شماره ثبت ۹۱۱۴۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۵۴۷۷۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۳/۱۲/۲۹ تصویب گردید. ـ آقای سیامک ساغری به شماره ملی (۰۴۵۲۰۰۷۳۷۱۵) و خانم فریبا کتیرایی به شماره ملی (۰۴۵۱۰۷۲۸۷۱) به ترتیب به عنوان بازرسان اصلی و علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی تصفیه انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۶۰۷۳۴۶۱ـ۱۲۳۵۹۸/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت مهندسی طرح آسایش پارس سهامی خاص به شماره ثبت ۲۹۲۴۰۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۸۲۶۲۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۴/۰۲/۰۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای علی زمانی (به شماره ملی: ۰۰۶۱۶۴۳۵۰۵) به سمت بازرس اصلی و آقای علیرضا صداقتی (به شماره ملی: ۴۵۹۱۲۱۵۱۱۳) به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۶۰۴۱۵۴۶ـ۱۲۳۵۹۱/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت طراحی و صنعتی لوازم خانگی پارس زرآسا سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۳۳۹۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۵۸۰۷۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۳ تصویب شد. مؤسسه حسابرسی فراز مشاور به سمت بازرس اصلی شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۱۸۴۰۰ و مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت آزموده کاران به عنوان بازرس علی‌البدل شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰ به مدت یک سال مالی انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، تعیین و تفویض اختیارات نماینده قانونی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۶۴۰۰۸۵۰ـ۱۲۳۶۰۶/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت پترو آوان سهامی خاص به شماره ثبت ۲۹۹۱۷۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۷۲۷۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. احمد یوسف زنجانی به کدملی به شماره ۰۰۳۶۶۳۴۰۶۹ و شرکت بازرگانی ملت به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۰۴۲۸۱ با نمایندگی سعید اسلامی به کدملی به شماره ۴۲۸۰۴۰۷۴۲۸ و شرکت فن‌نیرو به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۷۲۷۷ با نمایندگی جهانگیر عسکری به کدملی ۰۰۳۹۸۵۲۳۹۳ به عنوان اعضای هیأت‌مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. زهرا امین نصرآبادی دارای کدملی به شماره ۰۰۶۱۷۳۸۵۵۷ به عنوان بازرس اصلی و آیدین نجابتی به شماره ملی ۰۰۷۳۲۴۰۳۲۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس، انتخاب مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۶۲۰۱۰۱۱ـ۱۲۳۶۰۵/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت پترو آوان سهامی خاص به شماره ثبت ۲۹۹۱۷۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۷۲۷۴۴

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۵/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سعید اسلامی دارای کدملی به شماره ۴۲۸۰۴۰۷۴۲۸ به نمایندگی از شرکت بازرگانی ملت به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۰۴۲۸۱ به سمت رئیس هیئت‌مدیره و جهانگیر عسکری دارای کدملی به شماره ۰۰۳۹۸۵۲۳۹۳ به نمایندگی از شرکت فن نیرو به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۳۷۲۷۷ به سمت نایب‌رئیس هیأت‌مدیره و احمد یوسف زنجانی فرد فرزند علی‌اکبر دارای کدملی به شماره ۰۰۳۶۶۳۴۰۶۹ به عنوان عضو هیأت‌مدیره و سکینه اصلانپور دارای کدملی به شماره ۰۰۴۷۷۰۵۹۸۱ (خارج از اعضای هیئت‌مدیره) به سمت مدیرعامل انتخاب شدند. کلیه اسناد و اوراق تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته و بروات و همچنین عقود و قراردادها با امضای دو نفر از اعضای هیأت‌مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین سمت مدیران، تعیین وضعیت حق امضاء، تعیین دارندگان حق امضا انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۶۲۰۱۲۲۰ـ۱۲۳۶۰۴/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت گروه مدیریت افق سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۶۸۴۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۷۷۴۲۸

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای امیرعلی معالی با کدملی ۰۴۵۲۸۳۶۶۱۱ به عنوان رئیس هیأت مدیره و آقای سید وحید فیروزآبادی با کدملی شماره ۰۴۹۰۰۹۶۹۳۱ به عنوان نایب‌رئیس هیئت‌مدیره انتخاب گردیدند و آقای فرهاد معالی با کدملی شماره ۰۰۴۰۹۴۴۵۵۷ (خارج از اعضای هیأت‌مدیره) به عنوان مدیرعامل شرکت تعیین گردید. اوراق و اسناد تعهدآور از قبیل چک و سفته و بروات و قراردادها با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت‌مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضای متفق دو نفر از اعضای هیئت‌مدیره با مهر شرکت معتبر باشد. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب و تعیین سمت هیئت‌مدیره، تعیین سمت مدیران، تعیین دارندگان حق امضاء، تعیین وضعیت حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۵۹۲۷۹۹۵ـ۱۲۳۵۵۵/م‌الف

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال نودم

تقویم اطلاعات
دوشنبه ۵ بهمن ۱۳۹۴
۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ ـ ۲۵ ژانویه ۲۰۱۶

ظهر شرعی	۱۲ و ۱۶ دقیقه
غروب آفتاب	۱۷ و ۲۴ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۴۳ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۳۳ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۴۲ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۷ و ۰۹ دقیقه

احتمال حمله گسترده نظامی غرب به لیبی قوت گرفت

سرویس خارجی:گزارش وبگاه خبری «الشروق» الجزایر حاکی است، کشورهای غربی قرار است تا ۴۵ روز دیگر یعنی در ماه مارس برای مبارزه با گروه تروریستی داعش و ممانعت از گسترش آن در اروپا و آفریقا، مداخله نظامی در لیبی را آغاز کنند. بنابر این گزارش، آنچه تاکنون مانع از مداخله نظامی غرب شــده تشکیل دولت وحدت ملی است. پس از تشکیل این دولت مقدمات حملات علیه مواضع داعش در لیبی در حال تکمیل شدن است تا به زودی مداخله نظامی غرب در این کشور آغاز شود.

این در حالی اســت که دولت وحدت ملی اخبار انتشار یافته درباره ورود نیروهای خارجی به خاک لیبی را تکذیب کرد. سخنگوی رسمی دولت وحدت ملی لیبـــی در همین رابطه اظهار داشــــت، دولت موقت هرگز درخواست هیچگونه دخالت نظامی از خارج برای لیبی نکرده است. در همین حال، معاون نخست وزیر دولت وحدت ملی لیبی در گفتگو با روزنامه انگلیسی «تلگراف» گفت:دولت جدید این کشور هرگز با حضور نیروهای انگلیســـی در لیبی موافقت نخواهد کرد.

در تحولی دیگر، ســـخنگوی نیروی هوایـــی لیبی اعلام کرد، یک جنگنده میــگ – ۲۱، ۱۵ خودروی تروریست های داعش را در نزدیکی منطقه «بن جـــواد» منهدم کرد. خبر دیگری حاکیســـت، درپی درگیری قبیله ای درشهر«ترهونه» درجنوب طرابلس، دســـت کم ۱۵ تن کشته و دهها نفر زخمی شدند.

* مصر

وزارت خارجه مصر اعلام کرد، ترکیه دست از دخالت در امور داخلی قاهره بردارد.سخنگوی وزارت خارجه مصر خطاب به مقام های ترکیه ای گفت: شما به جای دخالت در امور داخلی کشورمان بهتر است حقوق شهروندی مردم خود را رعایت کنید و دست از دخالت در امور دیگر کشورها بردارید. خبر دیگری حاکیست، منابع امنیتی مصر از کشته شدن سه تن از ســـربازان مصری براثر انفجار بمب کنار جاده ای در مســـیر خودروی نظامی ارتش این کشور در شمال سینا خبر دادند.گروهک وابسته به داعش «ولایت سینا» مسئولیت این انفجار را بر عهده گرفت.از ســـوی دیگر، گزارش‌های رسانه‌ای حاکی است در پی حمله به یک مرکز ایست بازرسی پلیس مصر واقع در استان الشرقیه، دست کم دو نظامی کشته شدند.در این حال، شبکه خبری اسکای نیوز عربی از کشته شدن سه شهروند در قاهره و زخمی شدن دو تن دیگر از ساکنان مرکز «فاقوس» در استان الشرقیه در تیراندازی گروهی ناشناس خبر داد. در تحولی دیگر، «لوید آستین»رئیس ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا با عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهوری و وزیر دفاع مصر دیدار کرد.

* تونس

درحالی که فعالان تونســـی از مردم این کشور خواسته‌اند که امروز– دوشـــنبه در نافرمانی مدنی در شهر «القصرین» شرکت کنند، وزارت کشور تونس از بازداشت صدها تن که در اعتراضات و خشونت‌های اخیر دست داشته‌اند، خبر داد. سخنگوی وزارت کشور تونس اعلام کرد، پلیس ۴۲۳ معترض را که در تظاهرات اخیر دست داشتند، بازداشت کرد.۸۴ تن نیز به دلیل عدم رعایـــت قانون منع آمد و شد شبانه بازداشت شدند. «اللوقینی» همچنین از مرگ یک نیروی امنیتی و زخمی شدن ۱۰۰ تن دیگر از نیروهای دولتی در جریان خشونت‌های اخیر خبر داد.

در همین حال، نخست وزیر تونس معترضان را به خویشتنداری فراخواند و گفت: تونس با شـــرایط فعلی در خطر افتاده است. در چنین شرایطی،وزیر کشـــور تونس اعلام کرد، تا آرام شدن اوضاع در شهرهای تونس، منع رفت و آمددر این کشور ادامه دارد.

* الجزایر

الجزایر سفیر مغرب را فراخواند. در پی عبور شمار زیادی از شهروندان مغرب از خاک الجزایر برای پیوستن به داعش در لیبی، الجزایر سفیر مغرب را احضار کرد.

مصر در سالگرد انقلاب ۲۵ ژانویه تبدیل به پادگان نظامی شد

میدان التحریر و دیگر میدان‌های اصلی قاهره و سایر استان‌های مصر پیش از سالگرد انقلاب ۲۵ ژانویه و همزمان با افزایش فراخوان‌ها برای برگزاری تظاهرات، به پادگان‌های نظامی تبدیل شدند. در این راستا، سخنگوی نیروهای مسلح مصر گفت: نیروها به حال آماده‌باش درآمده‌اند و ماموریت حفاظت از تاسیسات کشور و ساختمان‌های دولتی و خصوصی و نیز مقابله با اقدامات خصمانه به آنها تفهیم شده است. رئیس جمهوری مصر نیز در سخنرانی تلویزیونی با بیان اینکه انقلاب ۲۵ ژانویه از مسیر خود منحرف شده بود و در ۳۰ ژوئن این مسیر تصحیح شد، گفت:تلاش می‌کند با فساد اداری و مالی مبارزه‌کند.

واکنش تند بغداد به اظهارات سفیر سعودی علیه بسیج مردمی عراق

ســرویس خارجی: اظهارات سفیر جدید سعودی در بغداد که بعد از ۲۵ سال قطع روابط دیپلماتیک میان عراق و سعودی ، ماه گذشته کار خود را رســـما آغاز کرده، روز گذشته فضای ملتهب سیاسی این کشور را تحت تاثیر قرار داد.ثامر السبهان در یک برنامه تلویزیونی در شبکه سومریه ظاهر شد و علیه الحشد الشعبی، نیرویی که محصول فتوای مرجعیت عراق و به نوعی خط قرمز عراقی هاســـت، سخن گفت که با واکنش های تندی روبه رو شد و بسیاری خواستار اخراج فوری وی از عراق شدند. در همین رابطه، وزارت خارجه عراق سفیر عربستان در بغداد را به دلیل اظهارات اخیر وی علیه نیروهای بســـیج مردمی این کشور (الحشد الشعبی) فراخواند.وزارت خارجه عراق اظهارات «ثامر السبهان» سفیر سعودی در بغداد را «نادرست و مداخله‌جویانه» خواند و تاکید کرد وی از نقش سفیر خارج شد و از قوانین دیپلماتیک عبور کرد.«احمد جمال» سخنگوی رسمی وزارت خارجه عراق در بیانیه ای اعلام کرد وزارت خارجه عراق سفیر عربستان در بغداد را فراخواند تا مراتب اعتراض را در خصـــوص اظهارات اخیر وی که دخالت در امور داخلی عراق محسوب می شود، ابلاغ کند.از سویی،بیان جبر الزبیدی ، وزیر حمل و نقل عراق، در واکنش به اظهارات سفیر سعودی که هنوز یک ماه از ماموریتش در بغداد نگذشته، گفت، حرف های السبهان درباره الحشد الشعبی مغایر عرف و هنجارهای دیپلماتیک و دخالت آشکار در امور عراق است و ما آن را قویا محکوم می کنیم.وی گفته که بســـیاری از مناطق استان دیاله و صلاح الدین عراق با خون جوانان عضو الحشد الشعبی آزاد شده و آنها شرف و افتخار و نماد غرور ملت عراق هستند. مدیریت الحشدالشعبی نیز خواستار اخراج فوری الســـبهان شـــد و آن را تجاوزی به همه مرزها و ارزش های دیپلماتیک دانست. احمد الاسدی در بیانیه ای، تاکید کرده که اظهارات سفیر سعودی در شرایطی در خاک عراق عنوان می شود که هنوز خون فرزندان عراق از ترور و بمب گذاری های تروریستی می چکد.وی این اظهارات را تجاوز به حکومت، اکثریت ملت و روند سیاسی عراق توصیف کرد و بر نبرد عراقی ها علیه داعشی ها و مبارزه با حامیان و تامین کنندگان مالی این گروه تروریستی تاکید کرد. عراقی ها اعتقاد دارند اصلی ترین تامین کنندگان داعش از نظر مالی و تسلیحاتی دولت های حاشیه خلیج فارس بویژه دولت های سعودی و قطر هستند. خالد الاسدی عضو کمیسیون روابط خارجی پارلمان عراق نیز خواستار اخراج السبهان شد و اظهارات وی را محکوم کرد. الاسدی گفته که این حرف ها با قواعد شناخته شده دیپلماتیک و همچنین سیاست تقویت منافع دو کشور در تعارض قرار دارد. وی از دولت العبادی و وزارت خارجه عراق خواســـت ضمن فراخواندن سفیر سعودی از وی به دلیل این اظهارات توضیح بخواهند. همچنین کامل الزیدی نماینده فراکسیون دولت قانون در پارلمان عراق، سخنان سفیر عربستان در عراق را مداخله آشکار در امور داخلی عراق دانست و از وزارت خارجه خواست با آن به منزله چالشی برای این کشور برخورد کند. وی در برنامه گفتگوی شبکه سومریه ، ادعا کرده که مخالفت کردها و اهالی الانبار با ورود الحشدالشعبی به مناطق آنها نشانگر عدم مقبولیت این گروه در جامعه عراق است.وی در اظهارات عجیب تری ازاینکه یک نیرو مانند الحشدالشعبی با عنوان الحشد السنی در عراق وجود ندارد، انتقاد کرده و سوال کرده که چرا سلاح فقط در اختیار الحشد الشعبی است؟سفیر سعودی ، همچنین نیروهای الحشد الشعبی را در غائله استان دیاله متهم کرده و گفته که نقش الحشدالشعبی در حوادث مقدادیه کجاست؟ و سپس گفته که گروه هایی که در پشت حوادث مقدادیه قرار دارند، تفاوتی با داعش ندارند .وی پرســـیده که چرا عراقی ها حمله به سفارت عربستان در تهران را محکوم نکردند. وی همچنین ایران را که به اعتقاد عراقی ها، هنگام حملات برق آسا در بهار و تابستان ۲۰۱۴ به کمک بغداد و اربیل شتافت و از فروپاشی عراق به دست داعش جلوگیری کرد، به دخالت در امور داخلی عراق متهم کرد.خبر دیگر اینکه،سخنگوی وزارت کشور عراق اعلام کرد، یک پایگاه پلیس به زودی در شهر رمادی کار خود را آغاز خواهد کرد.سعد معن، سخنگوی وزارت کشور عراق در گفتگو با خبرگزاری اسپوتنیک اعلام کرد، به زودی یک پایگاه پلیس در شهر رمادی که اخیرا از تصرف داعش خارج شده است، کار خود را آغاز خواهد کرد.در این راستا یک مقام آمریکایی فعال در زمینه دفاعی اعلام کـــرد دولت عراق تمایل دارد که ائتلاف ضد داعش نیروهای پلیس عراق را آموزش دهد .

در این حال،بسیج مردمی عراق اعلام کرد با هماهنگی فرماندهی کل نیروهای مسلح کشور، قطعا در نبرد آزادسازی شهر موصل شرکت خواهد کرد.«اوس الخفاجی» یکی از رهبران بســـیج مردمی عراق (الحشد الشعبی) اعلام کرد یگان‌های نظامی این گروه در عملیات آزادسازی شهر موصل از سیطره داعش، شرکت خواهند کرد.وی اظهار داشت، دهها یگان نظامی از نیروهای بسیج مردمی عراق در نبرد آزادسازی شهر موصل به ویژه در منطقه «الشرقاط» شرکت خواهند کرد و یگان‌های نظامی دیگر نیز از منطقه «الصینیه» به منظور تقویت حضور نیروها در الشرقاط وارد عمل خواهند شد.در تحولی دیگر،نیروهای امنیتی عراق طی عملیاتی گســـترده در شهر رمادی واقع در اســـتان الانبار، ۱۹۰مظنون به همکاری با تکفیری‌های داعش را بازداشت کردند.در همین حال،حیدر العبادی، نخســـت‌وزیر عراق در سخنانی اعلام کرد، تروریســـت‌های داعش در عراق در حال فروپاشی هستند، اما برخی همواره زندگی را در رگ‌های این گروه تروریستی تزریق می‌کنند.در تحولی دیگر،یازدهمین دوره کنفرانس اتحادیه مجالس کشـــورهای عضو شورای همکاری اســـلامی در بغداد آغاز به کار کرد.سلیم الجبوری، رئیس پارلمان عراق به عنوان رئیس دوره‌ای این کنفرانس در افتتاحیه آن به ایراد سخنرانی پرداخت که بخش اعظم سخنان وی به تروریسم و ضرورت همکاری میان کشورهای اسلامی برای مقابله با این پدیده شوم اختصاص داشت.جبوری گفت: هیچ جای جهان از تروریسم در امان نیست و کشورهای اسلامی باید برای خلاصی از این معضل با همدیگر همکاری کنند.

کری از روابط «گرم» آمریکا و عربستان سخن گفت

سرویس خارجی: وزیر خارجه آمریکا در هنگام ترک عربستان برای راضی نگه داشتن اعراب از واشنگتن گفت: روابط آمریکا و عربستان «گرم» است.

جان کری که برای اطمینان دادن به اعراب در خصوص توافق هســـته ای ایران به ریاض سفر کرده بود، پیش از ترک عربستان اعلام کرد، روابط آمریکا با عربستان هیچگاه به این حد گرم نبوده است. وزیر خارجه آمریکا در حالی این اظهارات را بیان کرد که ریاض و واشنگتن از زمان روی کار آمدن «ملک سلمان» به عنوان پادشاه عربستان، دوران پرتنشی را به ویژه در مورد توافق هسته ای ایران تجربه کرده اند.از سویی، ملک سلمان پادشاه عربستان با جان کری وزیر خارجه آمریکا و هیات همراه وی در کاخ «العوجا» دیدار کرد. دو طرف ضمن دیدار با یکدیگر درباره مسایل مختلف منطقه از جمله تحولات سوریه و نفوذ ایران در منطقه بحث و تبادل نظر کردند.در این میان، وبگاه تحلیلی آمریکایی «لوبلاگ» در گزارشی تأکید کرد، به نظر می‌رسد اروپا تهران را به ریاض ترجیح می‌دهد.

در خبری دیگر، «محمد النمر»، برادر شـــیخ نمر جزئیات آخرین دیدار با وی در زندان پیش از اعدام توســـط رژیم سعودی را منتشر کرد. وی گفت: در پایان این دیدار هنگامی که می خواستیم از محل ملاقات خارج شویم در گوش شیخ گفتم که حرف هایی درباره حل پرونده محکومان به گوش می رسد و او جواب داد، من را رها کنید و به پرونده دیگران برسید. به گفته برادر شیخ نمر، وی همچنین اعلام کرد، شرافت من از جانم ارزشمندتر است. از سویی، محمد نمر اعلام کرد، شیخ نمر قبل از اعدامش فلج شده بود.از دیگر سو، پسر شیخ نمر از نخست وزیر انگلیس خواسته تا از اعمال نفوذ خود بر دولت ریاض استفاده کند و جان پسر عمویش را از اعدام نجات دهد. وی افزود، انگلیس این گزینه را دارد که یا در کنار دولت عربســـتان بماند یا کاری بهتر انجام دهد و اقدامات وحشیانه آن را محکوم کند.

عربستان کمک مالی به ارتش لبنان را به دلیل مخالفت بیروت با بیانیه ضدایرانی اتحادیه عرب لغو کرد

سرویس خارجی: منابع خبری اعلام کردند عربستان سعودی کمک مالی یک میلیارد دلاری خود به ارتش لبنـــان را به دلایل نامعلومی لغو کرده است.

وزارت کشور لبنان در بیانیه‌ای در رابطه با لغو قراردادهای تجهیز فرودگاه بیروت اعلام کرد این موضوع که قرار بود از طریق دومین کمک مالی عربستان سعودی تأمین شود به مسائل فنی مربوط می شود. وزارت کشور لبنان افزود، توقف کمک مالی به خودعربستان سعودی بازمی گردد و درباره علت و ماهیت آن توضیحی نداریم که ارائه کنیم.

گفته می شود اداره امنیت عمومی لبنان نیز از جمله مؤسسه‌های لبنانی در فهرست کمک مالی میلیاردی عربستان قرار داشت .قرار بود این مبلغ برای تجهیز ارتش لبنان به جنگ‌افزارهای جدید از قبیل موشک، سامانه‌های ضد موشکی و موشک ضد زره که از فرانسه خریداری می‌شود اختصاص داده شود.

«تمام سلام» نخست وزیر لبنان خردادماه ســـال جاری از کمک ۳ میلیاردی عربستان به ارتش لبنان خبر داده و اعلام کرده بود که «محمد بن نایف» ولیعهد عربســـتان به او اطمینان داده که تصمیم این کشـــور برای کمک چند میلیارد دلاری به ارتش لبنان بدون بازپرداخت آن اجرایی خواهد شد.

ناظران و کارشناسان مسائل سیاسی در امور لبنان، لغو کمک مالی به ارتش این کشور را ناشی از عدم همراهی لبنان با بیانیه ضدایرانی عربستان در نشست اخیر وزرای خارجه اتحادیه عرب در قاهره می‌دانند .از طرفی برخی می‌گویند احتمال می‌رود یکی از دلایل دیگر آن مشکلات اقتصادی و کســـری بودجه ۸۰ میلیارد دلاری عربستان سعودی در سال جاری میلادی باشد.

اعلام آمادگی محمود عباس برای دیدار با مقامات حماس

ســـرویس خارجی: محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در دیدار با خبرنگاران در رام الله آمادگی خود را برای دیدار با نمایندگان جنبش حماس با هدف اجرای بندهای آشـــتی ملی و پایان دادن به دودستگی اعلام کرد.

وی درعین حال گفت: ما برای توقف شهرک سازی اسرائیل که دیگر برایمان قابل تحمل نیست و دستیابی به حمایت بین‌المللی از فلسطینی‌ها به شـــورای امنیت می‌رویم و در روزهای آینده با کمیته چهارجانبه صلح خاورمیانه برای ادامه تلاشمان در این راستا به هماهنگی می‌پردازیم. عباس تاکید کـــرد: تلاش‌ها برای برگزاری کنفرانس بین‌المللی صلح با هماهنگی فرانســـه ادامه دارد و می‌خواهیم جهان همان گونه که با ایران برخورد کرد برای حل مساله فلسطین نیز برخورد کند. وی گفت: در صورت توقف شهرک سازی‌ها و آزادی اسرای فلسطینی آماده مذاکره با اسرائیل هستیم. وی افزود، هماهنگی امنیتی با طرف اسرائیلی همچنان ادامه دارد و من این مساله را به هیچ وجه نمی‌پذیرم که کودکان به سمت ارتش اسرائیل ســـنگ پرتاب کنند و بعد کشته شوند. دستگاه امنیت فلسطین برای محافظت از این کودکان مانع چنین اقداماتی می‌شود و این اقدام نیروهای امنیتی فلسطین با دستور خود من صورت می‌گیرد.

این درحالی است که سخنگوی جنبش حماس اظهـــارات رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در مورد انتفاضه قدس و تداوم همکاری امنیتی تشکیلات رام‌الله با اسرائیل را یک انحراف ملی خطرناک خواند. ســـامی ابو زهری گفت: اظهارات محمود عباس، رئیس تشـــکیلات خودگـــردان فلســـطین که خون اسرائیلی‌ها و فلســـطینیان را برابر دانست و بر ادامه همکاری امنیتی با طرف صهیونیستی تاکید کرد، به مثابه خنجر زدن از پشت به انتفاضه سلحشورانه ملت فلسطین و بازیچه قرار دادن سرنوشـــت و آرمان ملی ماست. ابوزهری از گروه های ملی فلسطین خواست در قبال این انحراف موضعی جدی اتخاذ کنند.

در چنین شرایطی رسانه های فلسطینی اعلام کردند که جنبش های فتح و حماس مذاکرات محرمانه ای را به میزبانی قطر انجام داده اند. این مذاکرات با هدف به جریان انداختن روند آشتی ملی فلسطین، تدوین ساز و کار عملی و تعیین جدول زمانی برای پایان بخشـــیدن به اختلافات داخلی است. بر اساس این گزارش‌ها جنبش‌های فتح و حماس ترجیح می دهند در این زمینه صحبت نکنند تا خللی در به ثمر رسیدن مذاکرات به وجود نیاید. به گفته «امین مقبول» دبیر شورای انقلابی جنبش فتح، در جریان این مذاکرات موانع بر سر راه اجرای روند آشتی ملی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و طی روزهای آتی دیدار نمایندگان جنبش های فتح و حماس با حضور «خالد مشعل» رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس برگزار خواهد شد.

بازداشت نماینده و وزیر سابق

رســـانه های فلســـطینی از بازداشت یک نماینده و یک وزیر ســـابق جنبش حمـــاس در کرانه باختری توسط نظامیان صهیونیست خبر دادند. نظامیان اشـــغالگر رژیم صهیونیستی با یورش به منزل «حاتم قفیشـــه» در الخلیل این نماینده فراکسیون پارلمانی جنبش حماس را بازداشت کردند. نظامیان صهیونیست در اقدامی مشـــابه به منزل «عیسی الجعبری» از وزیران ســـابق کابینه حمـــاس در الخلیل حمله و وی را نیز بازداشت کردند. خبر دیگر اینکه نظامیان رژیم صهیونیستی یک جوان فلسطینی را به ضرب گلوله در شهر قدس اشغالی به شهادت رساندند. منابع صهیونیستی مدعی شدند که این جوان فلســـطینی با خود بمب دست ســـاز حمل می کرد و قصد داشـــت آن را به یک پایگاه ارتش رژیم صهیونیستی پرتاب کند.

در تحولی دیگر شهرک‌نشینان صهیونیست یک مدرسه فلسطینی را در کرانه باختـــری آتش زدند. پلیس رژیم صهیونیســـتی اعلام کرد این آتش‌ســـوزی عمدی بوده است. در چنین شرایطی صدراعظم آلمان گفت که در کشورش جایی برای مخالفان رژیم صهیونیستی و یهودستیزی وجود ندارد. آنگلا مرکل با بیان اینکه یهودستیزی بیش از آنچه تصور می‌شود گسترش داشته است، گفت که باید برای مقابله با آن اقدام شـــود. وی تاکید کرد: ما در برخی مدارس و بعضی مراکز دیده‌ایم که جوانان نشان‌های ضد یهود با خود حمل می‌کنند و باید جوانان را در جهتی تشویق کنیم که در این راستا فکر نکنند.

ابراز نگرانی آمریکا از افزایش شدید کشتار غیرنظامیان در یمن

سرویس خارجی: واشنگتن با صدور بیانیه‌ای از کشـــته شدن غیرنظامیـــان در یمن ابراز نگرانی کرد.

«نـــد پرایس»، ســـخنگوی آژانس امنیـــت ملی آمریکا گفت: ایالات متحده تمامی گزارش‌های معتبر در مورد مرگ غیرنظامیان را جدی می‌گیرد. ما بار دیگر از همه طرف‌های درگیر در یمن می‌خواهیم که حداکثر تلاش خـــود را برای جلوگیری از آسیب دیدن غیرنظامیان انجام دهند. در این بیانیه به حمله‌ای که به مـــرگ یک راننده آمبولانس منجر شد و همچنین کشته شدن یک خبرنگار آزاد در یمن، اشاره شده است. این موضع آمریکا ساعاتی پس از آن اتخاذ شد که جان کری وزیر خارجه این کشور در ریاض گفت: تردیدی نیســـت که ایالات متحده در یمن در کنار متحد خود، عربستان سعودی، می‌ایستد. وی افزود، انصارالله و القاعده خطری علیه یمن هستند!

در همین راستا، انصارالله یمن با اشـــاره به اظهارات کری درباره حمایتش از ائتلاف عربستان اعلام کرد، این اظهارات نشـــان می‌دهد تجاوز به یمن تصمیم آمریکا بوده است. «محمدعلی الحوثی»، رئیس کمیته انقلابیون یمن ضمن محکوم کردن این اظهـــارات افزود، ادامه حمایت آمریکا از عربستان نشان می‌دهد که تجاوز به یمن تصمیم آمریکا بوده است و مسئله جدیدی نیست. وی ادامه داد، چنین اظهاراتی بـــرای ناکام گذاشـــتن مذاکرات سیاسی بیان شده است. وی تاکید کرد، اظهارات کری نشـــان دهنده ادامه کشـــتار و ویرانی در سراسر یمن است.

در خبری دیگر، ســـخنگوی ارتش یمـــن از افزایش حملات عربســـتان به مناطق مسکونی و تاسیسات شهری این کشور خبرداد و گفت: عربســـتان پس از استقرار گسترده نیروهای ارتش و کمیته‌های مردمی یمن در جبهـــه ها، دچار سردرگمی شده و حملات به مناطق مسکونی را تشـــدید کرده است. شرف غالب لقمان افزود، نیروهای یمنـــی با انجام عملیـــات نظامی مختلف همچنان کنترل تمامی جبهه ها را در دست دارند. لقمان افزود: ائتلاف عربستان، نیروی نظامی یمن را به عنوان هدف استراتژیک رژیم صهیونیســـتی در چارچوب طرح انهدام ارتش های عربی هدف قرار داده است.

از ســـویی، «جیمـــی مک گلوریـــک»، هماهنگ کننده امور بشردوستانه سازمان ملل در یمن تاکید کرد، به دنبال راه‌هایی هستیم تا دسترسی قطعی و بدون قید و شرط به شهر «تعز» با ۲۵ هزار جمعیت را تضمین کننـــد. در این میان، به دنبال انتشار اخباری مبنی بر اعزام جوانان افغان توسط دولت عربستان به جنگ یمن، «شکیب مستغنی»، سخنگوی وزارت خارجه افغانستان اعلام کرد، ایـــن موضوع را مورد بررســـی قرار می دهیم و نتایج آن را در اسرع وقت در اختیار مردم و رسانه‌ها قرار می گیرد.

در خبری دیگر، یگان توپخانه ارتش و کمیته های مردمی گذرگاه «الطوال» را با چندین گلوله توپ هدف قرار دادند که در جریان آن دست کم شش ســـرباز سعودی کشته و شماری نیز زخمی شدند. در این عملیات چند پایگاه نظامی عربستان در «نهوقه» و نیز پادگان های بلیالین،«خباش» و «صله» در نجران و نیز محل تجمع سربازان و خودروهای سعودی هدف قرار گرفت. تک تیراندازان یمنی نیز دو سرباز سعودی را در مرکز نظامی «برج الدود» در منطقه الطوال استان جیزان هدف قرار دادند. از سویی، یک منبع نظامـــی در یمن گفت: نیروهای ارتش و کمیته های مردمی یمن، محل تجمـــع متجاوزان و مزدوران سعودی را در شهر «ذباب» استان تعز هدف حملات موشکی قرار دادند. از طرفی، یک کاروان از خودروهای زرهی اماراتی در استان عدن یمن توسط نیروهای انقلابی هدف قرار گرفتند.

انفجار در ساختمان اداره امنیت استان لحج

ساختمان اداره امنیت استان لحج در جنوب یمن بر اثر دو انفجار تروریستی به طور کامل ویران شد. دو انفجار یکی بر اثر مین گذاری و دیگری انفجار ساختمان امنیتی استان لحج توسط تروریست‌ها صورت گرفت.

آخرین سنگر تروریست‌ها در «لاذقیه» به دست ارتش سوریه فرو ریخت

ســـرویس خارجی: نیروهای ارتش سوریه شهر راهبردی «ربیعه» آخرین پایگاه تروریست‌ها در حومه شـــمالی لاذقیه در مرز ترکیه را آزاد کردند.این شهر راهبردی دومین پایگاه تروریست‌ها در حومه لاذقیه محسوب می‌شد.یگان های ارتش سوریه پیش از ورود به این شهر موفق شدند کنترل چند روستا و مناطق اطراف شهر ربیعه را به دســـت بگیرند و تسلط بر این روســـتاها باعث محاصره این شهر و زمینه ســـاز ورود به آن شد.ارتش سوریه پس از اینکه بزرگترین خطوط امداد رسانی به تروریست ها را در این شهر قطع کرد، توانست شهر را از سه محور محاصره کند.

ارتش سوریه همچنین در ادامه پیشروی خود در مناطق مختلف این کشور کنترل روســـتاها و ارتفاعات جدیدی در حومه شـــرقی حلب و درعا را در دست گرفت. ارتش سوریه در ادامه عملیات خود برای کنترل بر مناطق تحت سیطره شورشیان مسلح و تروریست‌ها، کنترل مناطق حومه جنوبی شهر الباب واقع در شرق حلب را در دست گرفت. ارتش سوریه در حومه استان درعا در جنوب این کشور نیز به پیشروی خود ادامه داده و کنترل مراکز و ساختمان‌هایی را در شمال، شـــرق و جنوب شهر شیخ مسکین در دســـت گرفت. در پی پیشروی نیروهای دولتی سوریه شمار زیادی از تروریســـت‌ها از پای درآمدند و شماری نیز پا به فرار گذاشتند.

خبر دیگر اینکـــه منابع امنیتی اردن از کشته شدن ۱۲ تروریست در مرز با سوریه خبر دادند. یک مسئول وابسته به مرکز فرماندهی نیروهای مســـلح اردن تاکید کرد که این افراد مسلح از مرزهای سوریه عبور کردند و قصد ورود به مرزهای اردن را داشتند که هدف تیراندازی مرزبانان اردنی قرار گرفتند.در چنین شرایطی دیدبان حقوق بشر سوریه ادعا کرد، آمریکا و روســـیه در حال ایجاد پایگاه‌های هوایی در شمال ســـوریه هستند و این پایگاه‌ها تنهـــا ۳۰ مایل (حدود ۵۰ کیلومتر) با یکدیگر فاصله دارند و انتظار می‌رود هواپیماهای روسی به‌زودی پروازهای خود را از فرودگاه بین‌المللی قامشلی آغاز کنند. نیروهای عملیات ویژه آمریکا نیز ظاهرا کنترل پایگاه هوایی رمیلان در نزدیکی مثلث مرزی عراق، ترکیه و ســـوریه را در دست گرفته‌اند. دیدبان حقوق بشر سوریه به نقل از منابع آگاه می‌گوید کار بر روی باند پرواز این پایگاه که یک فرودگاه برای هواپیماهای سمپاشی است در هفته‌های اخیر انجام شده و هلی‌کوپترهای آمریکایی از این پایگاه عملیات اجرا می‌کنند. این پایگاه تا چندی پیش در دست نیروهای کرد سوریه بود اما برای گسترش عملیات برای حمایت از نیروهای موســـوم به "ســـوریه دموکراتیک" تحویل آمریکایی‌ها شد.

رجـــب طیـــب اردوغـــان، رئیس‌جمهوری ترکیه در کنفرانس خبـــری با جـــو بایـــدن، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا در آنکارا گفت که ایجاد پایگاه از طرف روسیه را در چند مایلی مرز کشورش نمی‌پذیرد. وی گفت: ما حساســـیت‌هایی به این نوع مســـائل داریم. در پی این تحولات، ترکیه نیروهای بیشتری را به سمت مرزهای مشترکش با سوریه اعزام کرده اســـت. تنش‌ها میان این دو کشـــور از زمان ســـاقط شدن جنگنده ســـوخوی روس‌ها توسط اف – ۱۶ ترکیـــه درنوامبر ۲۰۱۵ به بالاترین سطح رسیده است. در این حال نیویورک تایمز در گزارشی به افشای حمایت مالی عربستان از طرح محرمانه آمریکا طی سال‌های اخیر برای حمایت از شورشـــیان سوری پرداخت و نوشـــت: از زمان دستور باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا به سازمان سیا برای تسلیح شورشیان سوری این سازمان اطلاعاتی و همتای عربستانی آن طرحی غیر عادی برای پیشبرد ماموریت آموزش شورشیان سوری اجرا کرده‌اند که آمریکایی‌ها اســـم رمز "الوار چنار" را روی آن گذاشتند. براساس این طرح آنگونه که مقام‌های سابق و فعلی دولت آمریکا گفته‌اند عربستانی‌ها به تامین سلاح و مبالغ گـــزاف پول برای این برنامه پرداخته و ســـازمان سیا نیز رهبری آموزش شورشیان برای کار با مسلسل و موشک‌های ضد تانک را به عهده گرفته است.نیویورک تایمز افزود، با وجود آنکه عربستانی‌ها به طور علنی از کمک به گروه‌های شورشـــی در سوریه سخن گفته‌اند اما ابعاد شراکت آنها با سازمان ســـیا در این کمپین محرمانه و پشتیبانی مالی مستقیم آنها فاش نشده بود. جزئیات این طرح از طریق مصاحبه‌هایی که با چندین مقام سابق و فعلی آمریکایی و همچنین با منابعی در چند کشـــور حوزه خلیج فارس انجام شده آشکار شده است. اکثر این مقام‌ها نام خود را فاش نکرده اند اما از زمانی که عملیات محرمانه سازمان سیا آغاز شد پول عربستان از آن پشتیبانی کرد.

در خبری دیگر یک نشـــریه انگلیســـی مدعی شد رئیس سازمان اطلاعات ارتش روسیه که چند هفته پیش به شکلی ناگهانی درگذشت، در جریـــان ماموریتی در ســـوریه جان خود را از دســـت داد. روزنامه ایندیپندنت نوشـــت، ژنرال «ایگور ســـرگون» از جانب ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه در جریان یک ماموریت محرمانه و حســـاس برای تقاضا از بشار اسد رئیس جمهوری سوریه به منظور کناره‌گیری از قدرت به دمشق اعزام شده بود.

دیدار کری با مخالفان سوری

سران مخالفان سوری در دیدار با وزیر خارجه آمریکا در ریاض حد و حدود راه‌حل سیاسی و شروط خود برای شرکت در مذاکرات آتی ژنو را به جان کری گفتند. ریاض حجاب، هماهنگ‌کننده هیات عالی مخالفان در مذاکرات با دولت ســـوریه، برای تعیین چارچوب مشـــارکت در ژنو دیدار مهمی با جان کری وزیر خارجه آمریکا در ریاض داشت. منابع مخالفان ســـوریه اعلام کردند که حجاب، بی‌اعتمادی مخالفان به دولت اسد و روسیه را با کری در میان گذاشت.

در این حال وزیر امور خارجه آلمان از جامعه بین‌المللی خواست به فرستاده ویژه سازمان ملل در امور سوریه برای سازماندهی مذاکرات میان مخالفان سوری و دولت دمشق کمک کند. فرانک والتر اشـــتاین‌مایر اعلام کرد: جامعه بین‌المللی باید به استفان دی میستورا، نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور سوریه کمک کند تا وی بتواند امر ســـازماندهی میان جناح‌های مختلف در سوریه را به پیش ببرد. وی در کنفرانس مطبوعاتی خود خاطرنشان کرد: در شرایط کنونی ما نیازمند آن هستیم که جامعه بین المللی به دی میستورا کمک کند تا وی بتواند واپسین موانع بر سر راه مذاکرات را از میان بردارد.

هلاکت ۱۶ داعشی در حمله هوایی نظامیان خارجی به «ننگرهار» افغانستان

سرویس خارجی: منابع خبری افغانستان از کشته شدن دو فرمانده داعش به همراه ۱۴ تن از نیروهای این گروه تروریستی در حمله هوایی نظامیان خارجی در استان ننگرهار در شرق این کشور خبر دادند.

«قاری وهاب» و «قاری حفیظ الله» به همراه ۱۴ داعشی دیگر در شهرستان های «هسکه مینه» و «اچین» در حمله هوایی نظامیان خارجی کشته شدند. در تحولی دیگر،گروه طالبان خارج شدن از لیست سیاه سازمان ملل متحد را به عنوان پیش شرط آغاز گفتگوهای صلح با دولت افغانستان اعلام کرد. طالبان افـــزود، از گروه چهارجانبه می‌خواهیم که ابتدا نام اعضـــای این گروه را از فهرست سیاه سازمان ملل خارج کند و به ما اجازه دهند تا به صورت آزادانه در سراسر جهان سفر کنیم، پس از آن با دولت به گفتگو می نشینیم.

خبر دیگری حاکیست، محمد اشرف غنی، رئیس جمهوری افغانســـتان در اجلاس مجمع جهانی اقتصاد در شـــهر داووس با اشتون کارتر، وزیردفاع آمریکا دیدار و بر تجهیز و تقویت نیروی هوایی کشورش تاکید کرد. کارتر نیز در این دیدار گفت: کشورش همکاری های خود را با افغانستان به خصوص در عرصه تجهیز نیروهای امنیتی و دفاعی ادامه می دهد.

کوتاه از سراسر جهان

سارکوزی: از اشتباهات دوران ریاست جمهوری‌ام پشیمانم

ایســـنا: رییس جمهوری سابق فرانسه در کتاب جدید خود که به عقیده بســـیاری تلاش برای بازگشت به عرصه سیاست است، از ســـخنان و رویکردش در دوران پنج ساله ریاست‌جمهوری خود اظهار پشیمانی کرد. نیکلا سارکوزی، در این کتاب که «فرانسه برای زندگی» نام دارد، از بابت اینکه به یک کشاورز گفته بود «احمق برو گمشو» اظهار پشیمانی کرده و بابت اشتباهاتی که در دوران ریاست جمهوری پنج ساله خود و باخت به فرانسوا اولاند مرتکب شده، تاسف خورده است. وی همچنین به ناکامی‌اش در وضع مالیات سنگین و عدم کارایی مناسب در بهبود وضعیت اقتصادی که به بحران مالی در این کشور منجر شد، اذعان کرده است.

اعتراضات مردمی در جمهوری آذربایجان به خشونت کشیده شد

ایسنا: جمهوری آذربایجان که شدیدا از کاهش بهای نفت آسیب دیده، وارد بحران اقتصادی شـــده و همین امر بـــا اعتراضات مردمی بی‌سابقه‌ای همراه شده است. نیروهای امنیتی دولت الهام علی‌اف هم با گاز اشک‌آور و سایر ابزارهای سرکوب به اعتراضات پاسخ دادند. درگیری خشونت‌باری میان پلیس ضد شورش و هزاران معترضی که در سراسر این کشور سابق اتحاد جماهیر شوروی به خیابان‌ها آمده بودند، به وقوع پیوســـت. آنها نارضایتی خود را علیه افزایش قیمت‌ها و بیکاری اعلام کردند.دولت الهـــام علی‌اف، رئیس‌جمهوری آذربایجان به ندرت اجازه می‌دهد که صدای مخالفان شنیده شود و از همین رو سربازانش را برای سرکوب ناآرامی‌ها در شهر سیازن و چندین شهر و منطقه دیگر اعزام کرد و اعترضات با گاز اشک‌آور، آب پرفشار و گلوله های پلاستیکی علیه معترضان سنگ‌پران خاموش شد.

بیش از ۱۵ هزار جنگ افزار هسته‌ای در اختیار ۹ کشور

ایرنا: موسسه تحقیقات صلح استکهلم در گزارش سالانه خود اعلام کرد تمامی کشورهای دارنده جنگ افزارهای هسته ای یا در حال ساخت سامانه‌های جدید هستند یا ســـامانه‌های موجود را ارتقا می دهند. در این گزارش آمده است: آمریکا، روسیه، انگلیس، فرانسه، چین، هند، پاکستان، اسرائیل و کره شمالی ۱۵ هزار و ۸۵۰ جنگ افزار هسته‌ای در اختیار دارند که ۴۳۰۰ جنگ افزار از این تعداد عملیاتی هستند. بر اساس این گزارش، مجموع کلاهک‌های هسته‌ای موجود رو به کاهش است که دلیل اصلی آن ادامه برنامه کاهش زرادخانه هسته ای آمریکا و روسیه است، هر چند سرعت آن نسبت به دهه گذشته کاهش یافته است. در همین حال هر دو کشور برنامه‌های به روزرسانی فراگیر و هزینه بر دراز مدتی را برای باقیمانده سامانه‌های پرتاب هسته‌ای، کلاهک‌های هسته ای و تولید آنها در دست دارند.

ترامپ: حتی اگر به کسی شلیک کنم مردم آمریکا به من رای می دهند!

تســـنیم: نامزد جمهوریخواه انتخابات ریاســـت جمهوری آمریکا در ادامه اظهارات جنجالی اش گفت که مطمئن است حتی اگر به کسی شلیک کند، باز هم می‌تواند آراء کسب کند .دونالد ترامپ در یک تجمع انتخاباتی در آیوا گفت که مطمئن اســـت آنقدر محبوبیت دارد که می تواند به کسی شلیک کند ولی باز هم رای مردم آمریکا را از دســـت ندهد. وی افزود: من می توانم وسط خیابان بایستم و به کسی شلیک کنم ولی باز هم رای مردم را از دست ندهم، این مساله باورنکردنی است. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا قرار است ۸ نوامبر ۲۰۱۶ برگزار شود. ترامپ در تازه ترین نظرسنجی‌ها همچنان نامزد پیشتاز جمهوریخواهان به شمار می رود.

دستگیری ۳۵نفر در ناآرامی های شمال فرانسه

فارس: پلیس فرانســـه از بازداشت بیش از ۲۰ پناهجو و چند نفر دیگر در بندر کاله در شمال این کشور خبر داد. پلیس فرانسه در پی ورود پناهجویان به این کشـــور و ناآرامی در بندر کاله، این بندر را بازگشایی کرد. پلیس از دستگیری ۲۴ نفر از پناهجویان و ۱۱ نفر دیگر که آنها را در این اقدامات همراهی کرده بودند، خبر داد.کاله یک شهر ساحلی و یک بندرگاه مهم در شمال فرانسه و محل ورود پناهجویان به این کشور است. ۱۱نفری که دستگیر شده‌اند و گمان می‌رود که ملیت انگلیسی داشته باشند عضو گروهی موسوم به فعالان بدون مرز هستند. این افراد متهم شده‌اند که پناهجویان را تحریک کرده‌اند.از طرفی صدها فرانسوی در اعتراض به ادامه برقراری وضعیت فوق‌العاده در کشور پس از حملات نوامبر گذشته پاریس، در شهر «رن» اقدام به برگزاری تظاهرات کردند.

خودداری زندانی یمنی از ترک گوانتانامو

ایسنا: یکی زندانی یمنی در بازداشـــتگاه گوانتانامو پس از پایان محکومیت ۱۴ســـاله خود حاضر نیست این بازداشتگاه را ترک کند. او گفته که نمی‌تواند در کشوری زندگی کند که بستگانی در آنجا ندارد. وی عضو گروه القاعده بود. به گفته سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، محمدعلی عبدالله باوزیر، زندانی گوانتانامو قرار است چهارشنبه این هفته آزاد شود، اما او با آزادی خود و ترک این بازداشتگاه مخالفت کرده است. این زندانی قرار بود پس از آزادی به کشـــور دیگری فرستاده شود، اما سخنگوی پنتاگون از افشـــای نام این کشـــور خودداری کرد.وکیل این زندانی به رسانه‌های آمریکایی گفت که پس از سال‌ها حبس، موکلش این احساس را دارد که قادر نیست زندگی خود را خارج از زندان سروسامان دهد.

افشای تلاش «کیم جونگ ایل» برای پایان دادن به حکومت موروثی

ایســـنا: «را جونگ-ییل» رئیس سابق ســـرویس اطلاعات ملی و از جاسوســـان ارشـــد کره‌جنوبی مدعی شد که رهبر سابق کره‌شمالی قصد داشت تغییراتی ایجاد کند تا از به قدرت رسیدن پسر جوانش «کیم جونگ اون» جلوگیری کنـــد.وی فاش کرد که «کیم جونگ ایل» رهبر سابق کره‌شمالی قصد داشت به سیســـتم حکومتی موروثی که قدرت را به پسرش کیم جونگ اون می‌رساند، پایان دهد.«را جونگ-ییل» گفت، این اقدام می‌توانست مسیر کاملا متفاوتی را پیش روی این ملت منزوی شده قرار دهد. کیم جونگ ایل می‌خواست یک کمیته ۱۰ عضوی قدرتمند ایجاد کند که قادر به اداره کشور باشد اما این روند به دلیل مرگ ناگهانی وی در دسامبر ۲۰۱۱ متوقف ماند و کیم جونگ اون به قدرت مطلق رسید.

لهستان از بیم روسیه خواستار استقرار نیروهای ناتو در مرزهای خود شد

فارس: لهستان از ناتو خواسته است برای مقابله با حمله احتمالی روسیه در این کشـــور نیرو مستقر کند. لهستان این درخواست را برای مقابله با اقدام نظامی احتمالی روســـیه داده است. این در حالی است که ورشو جولای آتی میزبان نشست کشورهای عضو ناتو است و از هم‌اکنون مشخص کرده که در این نشست به اقداماتی برای مقابله با روسیه در قالب اتحادی در شرق اروپا پرداخته می‌شود.«آندری دودا» رئیس‌جمهوری این کشور در جریان سفر به بلژیک، مقر ناتو درخواست استقرار نیروهای این سازمان در کشورش را داد.

دستگیری ۷عضو داعش در مالزی

فارس: مقامات مالزیایی اعلام کردند در عملیات پلیس این کشور هفت تن از اعضای یک مرکز وابسته به داعش بازداشت شدند. پلیس و مقامات مالزیایی اعلام کردند که طی عملیات سه روزه در چهار ایالت این کشور هفت تن از اعضای داعش که همگی عضو یک مرکز بودند، بازداشت شـــدند.اداره کل بازرسی پلیس مالزی هم اعلام کرد که افراد بازداشت شده درصدد طراحی حملات تروریستی به مراکز حساس و استراتژیک مالزی در مناطق مختلف این کشور بودند.

اجتماعی ۲۵۱

دوشنبه ۵ بهمن ۱۳۹۴
سال نودم ـ شماره ۲۶۳۶۰

ضمیمه اجتماعی روزنامه اطلاعات

سیر تحول تکنولوژیک مطبوعات در ایران

مطبوعات چاپی با پیشینه‌ای حدود یک قرن و نیم در ایران، در زمان معاصر همچنان از وسایل اصلی ارتباطات جمعی به شمار می‌آید. اما در سال‌های اخیر، با توجه به پیشرفت روزافزون ارتباطات، پیدایش و گسترش وسایل ارتباطی جدید و رسانه‌های جمعی ماهیت تکنولوژیک مطبوعات به تدریج دچار تغییر شده است که این تغییرات لازم، مسیر را برای ادامه حیات خود هموار می‌سازد. در عصر حاضر با گسترش اینترنت و افزایش سایت‌های خبری، سرعت اطلاع رسانی و مخابره اخبار از بزرگترین امتیازهای رسانه‌ها محسوب می‌شود.

در صفحات ۴ و ۵ بخوانید









یادداشت

نفس های نفس بر

● وجیهه تیموری

مطالعات جدید پژوهشگران نشـــان می دهد آلودگی هوا می‌تواند موجب صدمه دیدن مغز کودکان شـــود و تاثیرات مغزی نامطلوبی از جمله از دســـت دادن حافظه کوتاه مدت و کم شدن ضریب هوشی را در پی داشته باشد.

آلودگی هوا ۱۰ امتیاز از ضریب هوشی کودکان می کاهد که این موضوع به نوبه خود تأثیر منفی در جنبه‌های مختلف زندگی علمی و اجتماعی کودکان می‌گذارد و میزان بزهکاری و اختلالات رفتاری را در آنها افزایش می دهد.

در این میان کودکانی که هم در آب و هوا و محیط‌های شهری ناسالم زندگی می کنند و هم بسترهای خانوادگی و تربیتی و معیشتی آنان، پرخطر و ناسالم اســـت، بیش از سایر کودکان، قربانی انواع آلودگی ها از جمله آلودگی هوا می شوند.

کودکان کار از نمونه‌های بارز قربانیان آلودگی هوا هستند که روزانه ۱۴ تا ۲۰ ساعت در خیابان‌ها کار می‌کنند و در هوای آلوده‌ای نفس می‌کشند که سیستم‌های عصبی آنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و حتی می‌تواند منجر به مرگ آنها شود.

چهره کلانشهرهایی که با مشکل آلودگی هوا دست و پنجه نرم می کنند، پر است از کودکان کار و خیابان و پشت بیشتر چراغ قرمزها یا به قول قدیمی‌ها چراغ خطرها، دخترکان و پسرکان بسیاری ایستاده‌اند که چشمشان نه به نمودار وضع آلاینده‌هاست نه به ثانیه شـــمار معکوس چراغ خطر، ولی جلو چشمان مردم و مسئولانی که پشت همین چراغ خطرها ایستاده اند و خوب می دانند شرایط اضطرار یعنی چه، مانند چشمک زن خطر، این سو و آن سو می روند ولی دیده نمی شوند!

این کودکان بنابر اصل ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک که دولت‌ها را موظف کرده است کودکان در بهترین شرایط از لحاظ بهداشتی و سلامت زندگی کنند، مصداق بارز این واقعیت هستند که اکنون بسیاری از کودکان از ابتدایی ترین حقوق خود محرومند، زیرا محیط زیست سالم یکی از مفاد این اصل است.

حق شهروندی بسیاری از شهروندان ساکن در کلانشهرهای آلوده، طبق این اصل ، نابود می شـــود و کودکان به طور اخص از سوی مسئولان بی مسئولیت و شهروندان و والدین بی توجه، قربانی آلودگی‌ها می شوند. حتی جنین ها نیز در این میان، تاوان پس می دهند و با نقص های مختلف از مادرزاده می شوند یا به دنیا نیامده، می میرند.مهاجرت‌ها و افزایش بی رویه جمعیت در میان این قشر از ساکنان شهرهای بزرگ، فقر اقتصادی و فرهنگی در میان خانواده کودکان کار و اصرار والدین آن ها به حضور این کودکان در خیابان حتی در روزهای بسیار آلوده و پرخطر، کسانی که در تداوم آلودگی و آلوده تر کردن محیط زیست و هوا سهم دارند و مسئولانی که برای حل معضل تصمیم جدی نمی گیرند، همگی در آسیب رساندن به این کودکان، شریکند.

به قول زهرا رحیمی، مدیرعامل جمعیت امام علی(ع) «بر اساس قانون، می تـــوان از متهمان این آلودگی‌ها به‌عنوان معاونت در قتل غیرعمد شـــکایت کرد، اما متاسفانه هیچ جا، چنین مسأله‌ای دیده نمی‌شود. پیش از این برخی از مسئولان به این موضوع اشاره کرده بودند، اما پرسش این است که مباشر در قتل کیست که معاونان را مجرم شناخت؟» وی معتقد است که بحران هنوز در ما تاثیر نگذاشته است، چرا که فقط درباره‌اش صحبت می‌کنیم و شعار می‌دهیم، بدون این که کاری انجام دهیم!



این روزها صحبـــت از آلودگی هوا، حدیث مکرری شده است که از هر زبان که بشنوی و از هر زاویه که ببینی، تازه است و برهرچه که فکرکنی، تأثیرگذار است حتی بر میزان درآمد افراد!

«در آزمایشی گســـترده نشان داده شد کسانی که در «سال تولد» کمتر در معرض ذرات معلق (متغیر الف) قرار داشته اند، در «سی سالگی» درآمد (متغیر ب) بیشتری نسبت به دیگران به دست آورده اند. گفته می‌شود به ازای هر ۱۰ درصد کاهش در متغیر الف می توان انتظار داشـــت متغیر ب ۱ درصد افزایش پیدا کند، این افزایش هرچند اندک به نظر می رسد ولی به صورت تجمیعی عدد قابل توجهی است (۶.۵ میلیارد دلار در شرایط آزمایش)

در توضیـــح آن گفته اند: آلودگی هوا بر توان ذهنی افراد اثر می گذارد. به زبان ساده یعنی با افزایش آلودگی هـــوا، احتمال دارد از توان ارزش‌افزایی اقتصادی افراد جامعه کاسته شود.»

این که بین سلامت مغز و سلامت محیط رشد ارتباط وجود دارد، این که بین هوش افراد و توان کسب درآمد آنان رابطه وجود دارد، تردیدی نیست؛ ولی این که بین این متنی که از شبکه های اجتماعی نقل کردیم و واقعیت علمی رابطه‌ای وجود دارد یا نه، شاید بتوان درنگ کرد اما بد نیست به خاطر ملاحظات اقتصادی کشور هم که شده، مردم و مسئولان معضل آلودگی هوا را جدی‌تر بگیرند!

ادامه در صفحه ۷

مقاله ویژه

نان آوران بی یاور

زنان بی سرپرست با مشکلات فراوانی که دارند، در بیشتر اوقات سرپرست خانوار هم هستند و باید علاوه بر تامین مخارج زندگی خود هزینه سرسام آور خانواده را هم تامین کنند. این در حالی اســـت که بر اساس آمار رسمی مرکز آمار کشور در سال ۱۳۹۰، ۲.۵ میلیون خانوار در کشور سرپرست زن دارند و تقریبا ۱۲ درصد یا یک هشتم از خانواده ها در ایران به دست زنان اداره می شوند. البته این آمار شاید به گفته خیلی از کارشناسان دقیق نباشد چرا که فقط مربوط به سرپرستی آشکار زنان در خانواده ها است و آن دسته از زنانی که شوهران معتاد و از کار افتاده دارند در این آمار محاسبه نشده اند اما بر اساس گفته های مولاوردی، معاون رییس جمهور، فقط ۴۵۰ هزار نفر از آنها (۱۸ درصد) شاغل هستند و بقیه باید به کمک‌های دولت یا سازمان‌های خیریه متکی باشند.

به گزارش سلامت نیوز، از سوی دیگر سهم زنان در فعالیت‌های اقتصادی ایران در پاییز ۱۳۹۳ کمتر از ســـه میلیون و ۷۵۰ هزار نفر بوده اســـت، اما سهم مردان بیشتر از ۲۰ میلیون نفر است. علاوه بر این متوسط درآمد



خانواده‌هایی که سرپرست زن دارند، ۴۳ درصد کمتر از متوسط درآمد خانوارهایی است که سرپرست مرد دارند و ۷۶ درصد خانواده های زن–سرپرست زیر خط فقر هستند.

در ســـال های اخیر وضع بد اقتصادی هم موجب شده است که هم زنان سرپرست خانوار و هم فرزندان آنها از آسیب پذیرترین اقشار جامعه در برابر آسیب های اجتماعی باشـــند و عمدتاً یکی از علائم بیماری های روانی مانند افسردگی، اضطراب، وسواس و پرخاشگری در آنها دیده می شود. فرزندان این خانواده ها هم به طور بالقوه در معرض مسائلی مانند کار کودکان در مشاغل سیاه و غیررسمی، بزهکاری اجتماعی، محرومیت از تحصیل و سوء تغذیه قرار دارند.

ادامه در صفحه ۶

چه چیزهایی از طلا گران‌تر است؟

مواد مختلفی در دنیا وجود دارند که برای دسترسی به آن‌ها باید هزینه‌های زیادی پرداخت. شاید برایتان جالب باشد بدانید گران‌ترین مواد دنیا شامل چه چیزهایی می‌شود. در این فهرست می‌توان علاوه بر مواد آلی و آن‌هایی که در معادن یافت می‌شوند، به برخی مواد غذایی خیلی گران هم اشاره کرد که حتی یکی از آن‌ها را خودمان تولید می‌کنیم.

پادماده(ضدماده)

اسمش چندان آشنا نیست، این ماده که با ذرات معمولی فرق می‌کند، هسته‌ای منفی با بار ذرات مثبت دارد و دقیقا معکوس ماده اســـت. این ذره هنگامی تولید می‌شود که برخورد میان ذرات با انرژی بالا صورت بگیرد و بخشـــی از انرژی جنبشی به ماده تبدیل شود که البته این اتفاق در شرایط آزمایشگاهی مناسب و خاصی اتفاق می‌افتد.این ماده به طور طبیعی در زمین یافت نمی‌شـــود، مگر خیلی کم و با عمر بسیار کوتاهی که از نتیجه تباهی هسته‌ای و پرتوهای کیهانی به دست می‌آید. پادماده‌ها در زمین و خارج از آزمایشگاه و در برخورد معمولی با مواد دیگر از بین می‌روند.

برای مثال پوزیتـــرون را که پاد ماده الکترون می‌دانند، ماده‌ای است هم جرم الکترون ولی با بار مثبت.اما با در نظر گرفتن ۲۵میلیارد دلار برای هر گرم پوزیتـــرون و ۶۲.۵تریلیون دلار برای هر گرم پادهیدروژن، می‌توان گران‌ترین ماده روی زمین را پاد ماده دانست که حتی از چندین تریلیون کیلوگرم الماس هم بیشتر ارزش دارد.

اندوهدرالفولرن

این ماده که تلفظ خیلی ســـختی هم دارد، به تازگی کشف شده و قیمتی برابر با پانزده برابر با پادذره دارد و ۲۰۰ میکروگرم (یک میلیونیم گرم) از این ماده گران قیمت را کــه در حدود یک پانزدهم یک دانه برف یا یک سوم تارموی انسان وزن دارد، به قیمت ۳۲هزار دلار فروخته می‌شود.

اندوهدرالفولرن‌ها نانوساختارهای کروی از جنس کربن هستند که شـــبکه محکمی از ۶۰اتم دارند که درون آن‌ها اتم‌هایی از عناصر غیر فلزی یا مولکول‌های ساده مانند نیتروژن، فسفر و هلیوم به دام افتاده‌اند.

کالیفرنیوم

یکی از عناصر جدول مندلیف، سومین ماده گران جهان است که در رآکتورهای هسته ای تولید می شود و به عنوان یک ساتع کننده نوترون؛ نوترون را برای شروع کار رآکتور فراهم می کند. کالیفرنیوم ۲۵۲ به عنوان یک معالجه برای درمان ســـرطان دهانه رحم نیز استفاده می شود. هر گرم از این ماده ۲۷میلیون دلار ارزش گذاری شده است .

الماس

الماس یکی از سنگ‌های قیمتی است که در فشارهای بالا پایدار می‌ماند، بالاترین رسانه گرمایی و توانایی انتقال طیف نوری فروسرخ تا فرابنفش را دارد.

با این‌که خواص زیادی دارد، اما قیمت بالای آن از دلایلی اســـت که استفاده گســـترده از آن را محدود می‌کند و برای هر گـــرم آن ۵۵هزار دلار هزینه‌می‌شود.

تریتیوم

از این اســـم‌های عجیب فقـــط در جدول مندلیـــف می‌توان پیـــدا کرد! البتـــه این یکی ایزوتوپی از هیدروژن با عدد جرمی ۳اســـت که خاصیت رادیواکتیوی دارد و بیشـــتر برای ساخت موادی که از خودشـــان نور تولید می‌کنند، استفاده می‌شـــود. قیمت هر گرم آن ۳۰هزار دلار تخمین زده شده است.

سنگ یاقوت(تافیت)

این ســـنگ که از خانواده کانی‌هاست، بعد از الماس جزو سخت‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود، نوع سرخ رنگ آن از نوع سنگ‌های آذرین است و وجود ناخالصی‌هایی از عناصری مانند تیتانیوم، آهن، کروم



و ... باعث رنگی شدن آن‌ها می‌شود. قیمت هر گرم این کانی‌ها ۲۰هزار دلار است.

اِل‌اس‌دی

ال‌اس‌دی نام شیمیایی سخت و طولانی دارد که احتمالا به همین دلیل از نام مخفف آن بیشتر استفاده می‌کنند. ال‌اس‌دی در ابتدا دارویی بوده که از یک نوع قارچ انگلیسی به نام ارگون به دست آمده است. خواص این دارو تا زمانی‌که پزشکی که آن را کشف کرده بود، مصـــرف نکرده بود، مخفی باقی ماند و تجربیات دکتر هوفمان باعث شد استفاده از این دارو به حداقل برسد. اما بعدها گروه هیپی- جنبش‌های اجتماعی استفاده دوباره از آن را باب کردند و حالا این ماده مصرف دارویی ندارد و جزو مخدرهاست که استفاده مستقیم از آن باعث مرگ نشده است.البته این ماده به عنوان مواد مخدر به نام اسید معروف است و معمولا به صورت مایع عرضه می‌شوند. یک گرم از این ماده مخدر ۳هزار دلار قیمت دارد.

کوکایین

این مـــاده هولناک از برگ‌هـــای درخت کوکا به دســـت می‌آید، در آب حل نمی‌شـــود، اما الکل و اتر حـــلال خوبی برایـــش هســـتند. کوکائین یک بی‌حس‌کننده موضعی و ضد درد است که بیشتر در چشم‌پزشکی و برای بی‌حس کردن قرنیه استفاده می‌شود. اما یکی از استفاده‌های اصلی کوکائین به عنوان ماده مخدر اســـت و این روزها کراک را هم از کوکائین به دســـت می‌آورند که کریستال‌های ارزان‌قیمت و خالص نشده کوکائین است. ۲۱۵دلار قیمت هر گرم کوکائین است .

هرویین

از آن ماده‌هایی است که تقریبا همه ما می‌شناسیم. ماده مخدری از مشـــتقات مرفین که به شدت هم اعتیاد آور است. خرید و فروش این ماده تقریبا در تمام کشورهای دنیا غیرقانونی است. شاید برایتان جالب باشد بدانید که نام هرویین از واژه یونانی هیرو به معنی قهرمان گرفته شده است؛ لابد هرکسی از آن استفاده می‌کند، احساس قهرمان بودن را پیدا می‌کند! ۱۳۰دلار قیمت هر گرم این ماده اعتیاد آور است.

شاخ کرگدن

بلـــه! برای خود ما هم عجیب بود که در میان گران‌قیمت ترین ماده‌های جهان شـــاخ کرگدن را ببینیم. اما بعد از دیدن عکس‌های شان دلمان برای‌شان سوخت. این حیوانات عظیم‌الجثه و البته آرام به دلیل داشتن این شـــاخ‌های گران قیمت شکار می‌شوند و فقط شاخ‌هایشـــان کنده می‌شود. به دلیل همین شکارهای بی‌رویه، نســـل کرگدن سیاه در غرب افریقا منقرض شده است و کرگدن سفید نیز اوضاع خوبی ندارد. شـــاخ این حیوانـــات برای هر گرم ۱۱۰دلار است .

پلاتینیوم

باز هم یکی دیگر از عناصر جدول مندلیف! پلاتین یکی از با ارزش‌ترین فلزات گرانبها است و نامش را نیز از واژه اسپانیایی پلاتینا به معنی «نقره کوچک» گرفته‌اند. این فلز کمترین واکنش پذیری در میان تمامی فلزات را دارد و البته بسیار مقاوم است و حتی در محیط‌های بسیار داغ نیز این ویژگی را حفظ می‌کند. بیشترین استفاده این فلز در مبدل‌ها و البته جواهرات است، ابزارهای مخصوص آزمایشگاهی، اتصال‌های الکتریکی و الکترودها و تجهیزات پزشکی از دیگر استفاده‌های این فلز هستند. البته سوخت موتور جت هم از دیگر موارد استفاده این فلز است. ۶۰دلار قیمت هر گرم این فلز است.



رودیوم

فلز کمیاب و سفید رنگ جدول تناوبی است که مقاومت زیادی در مقابل فرسایش دارد و البته از ویژگی‌های بارز آن درخشندگی و جلای قابل توجه آن اســـت. تولید سالانه این فلز تنها ۳۰تن در سال است که در مقایسه با تولید ۴هزار تن طلا و ۲۰۰تن پلاتین در سال، سهم بسیار کمی دارد و البته فرایند استخراج آن هم بسیار متفاوت است. افریقای جنوبی اولین و روسیه دومین تولید کننده مهم رودیوم در دنیا هستند. استفاده اصلی رودیوم در مبدل‌های کاتالیست خودروهاست و البته به دلیل مقاومت بالا انتخاب مناسبی برای پوشـــش‌های مقاوم در حرارت‌های بالاســـت. رودیوم برای ساخت آینه‌های گرانبها و نورافکن‌ها نیز کاربرد دارد. تا یادمان نرفته بگوییم که حتی یک لایه نازک از رودیوم می‌تواند جلا و درخشندگی جواهرات را بالا ببرد و البته مقاومت آن در برابر فرسایش را نیز افزایش دهد. رنگ خالص طلای سفید هم به دلیل وجود رودیوم است. هر گرم از رودیوم ۵۸دلار قیمت دارد .

طلا

طلا یا همان زَر، فلزی نرم و شـــکل پذیر به رنگ زرد روشن و براق است که در مجاورت هوا زنگ نمی‌زند و تیره نمی‌شود. طلا فلز عزیزی در میان همه مردم اســـت و فکر می‌کنند با داشتن آن پس‌انداز بزرگی کرده‌اند، اما بر اساس این فهرست، بهتر است کمی نگرش خودشان را عوض کنند! طلا جز کم واکنش‌ترین عنصرهای جامد در شـــرایط استاندارد اســـت، به همین دلیل می‌توان آن را به صورت خالص در طبیعـــت به صورت تکه‌ای یا دانه‌ای میان سنگ‌ها یافت. ارزشمندی طلا بیشتر به دلیل کمیابی آن، کاربرپذیری آسان، تصفیه راحت، مقاومت در برابر زنگ زدن و خوردگی، رنگ متمایز و واکنش ناپذیـــری با دیگر عناصر عنوان کرد. در گذشته سیاســـت‌های مالی بسیاری از کشورها بر پایه استاندارد طلا بود و پول هر کشور معادل مقدار مشـــخصی از طلا بود، اما از آغاز جنگ جهانی اول این سیاســـت تغییر کرد. طلا علاوه بر مورد مناسبی برای سرمایه‌گذاری و استفاده از جواهرات، در دندانپزشکی، تولید شیشه‌های رنگارنگ و صنایع الکترونیک و سیم کشی‌های الکتریکی نیز استفاده می‌شود. بر اساس برخی برآوردها تا سال ۲۰۱۲ در مجموعه ۱۷۴هزار تن طلا استخراج شده است. طلا قیمتی برابر ۵۶دلار برای هر گرم دارد.

زعفران

حتما شـــما هم تعجب کردید. نام یک ماده خوراکی در میـــان این‌همه عنصر جدول مندلیف حتما عجیب است. زعفران گیاهی از تیره زنبقیان است که ویژگی سرخوشـــی را با خودش دارد و امروزه بسیاری از شـــرکت‌های دارویی اروپایی از آن به عنوان ماده ضد افســـردگی استفاد می‌کنند. زعفران گیاهی کوچک و چند ساله به ارتفاع ۱۰تا ۳۰سانتی‌متر است و ۶گلبرگ بنفش رنگ دارد که در بعضی موارد ممکن است ارغوانی باشند. زعفران به عنوان طعم دهنده مواد غذایی و همچنین برای رنگ پارچه‌ها استفاده می‌شود، همچنین در طب سنتی به عنوان مُسکن کاربرد زیادی دارد. هر گرم زعفران ۱۱دلار قیمت دارد .

مجله مهر-شراره داودی

به خودتان نگویید...



جمله هایی هســـتند که ما در ذهنمان به خود می‌گوییم و با آنها خود را ســـرزنش می کنیم. این خودگویی‌های منفی ناخودآگاه بر افکار و عملکرد ما تأثیر می گذارند و به واقعیت تبدیل می شوند.

به گزارش سلامت نیوز، قدم اول برای مقابله با این خودگویی ها، شناختن آنهاست. ممکن است افکار و خودگویی های منفی در اعماق ذهن شما باشند و شـــما از آنها آگاهی نداشته باشید اما این افکار منفی خواه ناخواه بر احساســـات و عملکرد شما تأثیر می گذارند. بنابراین لازم است در ابتدا این افکار را شناسایی کنید و از آنها آگاه شـــوید. در ادامـــه به مواردی از خودگویی های منفی رایج اشاره می شود:

من ارزشش را ندارم

این جمله مســـتقیما به اعتماد به نفس شما حمله می‌کند و هیچ ریشـــه ای در حقیقت ندارد. گفتن «من ارزشش را ندارم» باوری منفی است که می تواند به سرعت شما را از پا درآورد. پس تا دیر نشده کاری بکنید.

من آدم بی خاصیتی هستم

گفتـــن این جمله بـــه خود به کلـــی قدرت شخصی تان را می رباید و شما را بدون انگیزه می سازد.

نمی توانم آن کار را انجام دهم

این جمله هم قدرت شـــما را کاهش می دهد. زمان هایی وجود دارد که شما واقعاً نمی توانید کاری را انجام دهید، اما در اکثر مواقع این فکر، بیشتر نوعی حمله به خود است تا واقعیت.

من هرگز پیشرفتی نخواهم داشت

این خودگویی آغازی برای شکست است قبل از آنکه شما واقعاً شروع به انجام آن کار بکنید. همه ما می دانیم که زمان موفقیت پس از تلاش ما و در یک زمان خاص فرا می رسد. گفتن این مسئله به خود که «شکست خواهم خورد» قبل از آغاز یک کار، شما را از شکوفایی استعدادها و رسیدن به جایگاهی که استحقاق آن را دارید، باز خواهد داشت.

دیگران من را دوست نخواهند داشت

این شروع طرد شدن است. زمانی که در موقعیتی قرار می گیرید و به خودتان می گویید که دیگران شما را دوست نخواهند داشت، در واقع با دست خودتان (با فکر خودتان) این طرز فکرتان را شبه واقعیت تبدیل می کنید. زیرا وقتی با این فکر وارد یک جمع می شوید، نگرانی از اینکه مبادا دیگران با شـــما برخورد خوبی نداشته باشند، موجب می شود تا از جمع کناره گیری کنید و کمتر با دیگران حرف بزنید. بنابراین به طور طبیعی دیگران هم با شما کمتر صحبت می کنند و به این ترتیب خودگویی منفی شما تایید می شود.

دیگران بهتر از من هستند

معمولا همه ما تمایل داریم خودمان را با دیگران مقایسه کنیم. اما گفتن این جمله به خود که «دیگران بهتر از من هستند» ضربه شدیدی به اعتماد به نفستان وارد می کند.

من بی کفایت هستم

گفتن این جمله به خود باعث می شود تا احساس کنید که برای دستیابی به خواست هایتان در زندگی لیاقت ندارید و حس بی کفایتی شـــخصی به شدت باعث بی انگیزگی می شود.

من باید کامل باشم

یک روش برای تضمین شکست خوردن، انتقاد از خود در زمانی است که کامل نیستید. این زمان در واقع همه زمان هاست زیرا همه ما کاملا ناکامل هستیم.

نظر من اهمیتی ندارد

در این جمله اعتماد به نفس بسیار پایینی نهفته است. در صورتی که این جمله را به خودتان می گویید احتمالا خودتان را بی ارزش در نظر می گیرید.

من تغییر نمی کنم

این جمله سرشـــار از ناامیدی است و باعث می‌شود شـــما در رکود بمانید و هیچ تلاشی برای پیشرفت و تغییر انجام ندهید.

با خودگویی های منفی چه کنیم؟

گام های زیر را پیگیری کنید تا بهتر بتوانید بر خودگویی های منفی تان کنترل داشته باشید:

۱. مچ خودتان را بگیرید؛ در ابتدای روز زمان کوتاهی را به فکر کردن به افکار و خودگویی هایتان اختصاص دهید و خودگویـــی های منفی تان را شناسایی‌کنید.

۲. بـــرای خودگویی منفی تان عنوان بگذارید؛ مشخص کنید که خودگویی منفی تان دقیقا چیست. می توانید از موارد ذکر شده در این مقاله استفاده کنید.

۳. این تنها یک فکر است؛ همه ما در طول روز فکرهای زیادی را از سر می گذرانیم. اما همه آنها واقعی نیستند. بنابراین زمانی که فکر یا خودگویی منفی تان را شناسایی کردید، به خودتان بگویید «این فقط یک فکر است». بنابراین شما باور دارید که یک فکر فقط یک فکر است نه حتما یک واقعیت.

۴.میزان واقعی بودن فکر خود را بسنجید؛ به عنوان یک قاضی در مورد فکر خود قضاوت کنید. ببینید فکرتان تا چه اندازه واقعیت دارد. اگر تا حد زیـــادی واقعی بود، تلاش کنید تا برای آن راه حلی پیدا کنید. مثلا اگر دلایل و شـــواهد کافی برای این خودگویی منفی دارید که «دیگران من را دوســـت ندارند» فکر کنید که چگونه می توانید رفتار خود را تغییر دهید تا فرد دوست داشتنی تری شوید. اما اگر فکرتان زیاد به واقعیت نزدیک نیست، بهتر است آن را با جملات و خودگویی های مثبت جایگزین کنید.

۵. نفس عمیق بکشید؛ این تمرین را امتحان کنید. در جایی آرام بنشینید. چشم هایتان را ببندید. بدنتان را رها کنید و نفس های عمیق بکشید. آرام آرام احساس می کنید احساس بهتری دارید و افکار و خودگویی های مثبت به ذهنتان می آید. خودتان هم دست به کار شوید و خودگویی های مثبت را در ذهنتان مرور کنید.

۶. از مشاور کمک بگیرید؛ اگر فکر می کنید خودگویی های منفی تان بسیار فراوان و عمیق است، بهتر است از یک مشاور کمک بگیرید تا بتوانید با خودگویی های مثبت نسبت به خود احساس بهتری پیدا کنید و از زندگی بیشتر لذت ببرید.

استقلال، نتیجه پذیرش ریسک تصمیم گیری

زندگی مانند جاده‌ای اســـت. جاده‌ها دراز، کوتاه، هموار و سنگلاخی و مسیرها صاف یا پرپیچ و خم‌اند. همزمان با ادامه حیات، با جاده‌های زیادی رو به رو می‌شویم. جاده‌هایی هستند که به زندگی سرشار از رستگاری و خجستگی، زناشویی و رسالت مذهبی منتهی می‌شوند. از سویی چه بسا جاده‌هایی وجود دارند که از یک طرف به بلندآوازگی و کام‌یابی یا از ســـوی دیگر به تنهایی، انزوا و تنگ دستی منجر می‌شوند. در ضمن جاده‌هایی هستند که به شادمانی، اندوهگینی، پیروزی، سرمستی و ناکامی و نومیدی پایان می‌پذیرند. در زندگی هم، همانند هر جاده‌ای، پیچ‌ها، راه‌های فرعی و تقاطع‌ها مشاهده می‌شوند. شاید تقاطع، گیج کننده‌ترین و حیرت انگیزترین جاده‌ای است که شما با آن روبرو می‌شوید.

تضمینی در میان نیست

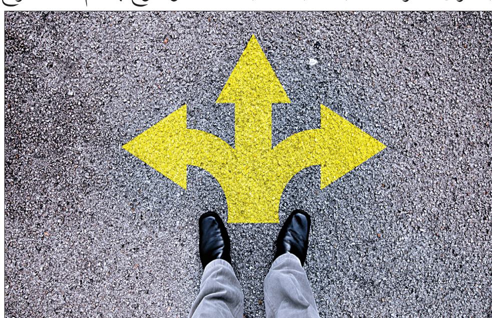
به راستی نمی‌دانید جاده شما را به کجا می‌رساند مگر این که در آن به حرکت در آیید. تضمینی درکار نیست. این یکی از مهم‌ترین چیزهایی است که لازم است در زندگی بدان پی برید. کسی نگفته است که انتخاب عمل صحیح، پیوسته آدمی را به خوشی و نیک بختی نایل می سازد. دوست داشتن کسی از سویدای دل، متضمن آن نیست که این احساس پابرجا خواهد بود. دست‌یابی به آوازه و بهروزی، یقیناً نیک روزی به دنبال ندارد. پذیرفتن کلامی نغز از بالا دستِ متنفذ برای دست‌یابی به موفقیت همواره ناخوشایند نیست، به شرط این که به مراتب شایسته و کارآمد باشید. پیامدهای احتمالی فراوانی وجود دارند که شما در حقیقت نمی‌توانید مهارشان کنید. تنها چیزی که از عهده‌تان برمی‌آید تصمیماتی است که می گیرید و طریقه کنش و واکنش‌تان نسبت به اوضاع گوناگون مورد نظر است.

تصمیمات غلط همه اوقات در معرض بازنگری اند

اگر به شما گفته می شد که تصمیمتان غلط است، آیا می پذیرفتید؟ شاید نه. چرا مسیر خاصی را بر می گزینید در حالی که می‌دانید گم می‌شوید؟ چرا تصمیمی می گیرید وقتی که از همان اول می‌دانید که تصمیم درستی نیست. صرفاً پس از تصمیم‌گیری و اندیشیدن درباره آن است که به صحتش پی می‌برید. چنانچه نتایج یا پیامدها مناســـب‌تان باشد، اینجاست که معلوم می‌شود به درستی تصمیم گرفته‌اید، وگرنه تصمیم‌تان غلط است.

خطر کنید و تصمیم بگیرید

زندگی تضمینی ندارد و هیچ‌گاه نمی‌دانید که تصمیم‌تان اشتباه است مگر این که مصمم شده باشید. به همین دلیل است که ممکن است خود را به مخاطره افکنید و تصمیم بگیرید. قطعاً بهتر است تا این که خودتان را بلا تکلیف بگذارید. هرچند درست است که یک پیچ اشتباه ممکن است سبب گمراهی تان می‌شود. همچنین احتمال دارد کـــه چنین پیچی ماجرایی پدید آورد و علاوه بر آن جاده‌های بیشتری را فراراهتان بگشاید. در اینجا کلاً موضوع چشم‌انداز مطرح



می‌شود. شما باید بین مسافری گمشده یا گردشگر تصادفی زندگی، یکی را برگزینید. ولی مواظب باشید که با بی‌نظمی تصمیم نگیرید. خطر کردن، نشانه بی‌قید و نادانی نیست. ذیلاً به برخی شاخص‌ها اشاره کرده‌ایم که در رویارویی با تقاطع زندگی در انتخاب بهترین چاره یاری‌تان می‌کنند:

تا جایی که می‌توانید اطلاعات زیادی درباره وضعیت خود کسب کنید

هنگامی که پیرامون موضوعی اطلاعات بســـیار کمی دارید، نمی‌توانید اعتماد به نفس لازم را برای تصمیم گیری به دست آورید. عیناً مانند هر خبرنگاری، پنج «چه» یعنی چه چیز، چه کسی، چه وقت، چه جایی و چرا را بپرسید. وضع چیست؟ چه کسانی دخیل‌اند؟ چه وقت رخ داده است؟ به کجا می‌انجامد؟ چرا در چنین وضعی هستید؟ اینها تنها برخی از سؤالات احتمالی است که می‌پرسید تا درباره وضع‌تان بیش‌تر بدانید. مسأله مهمی است. اغلب اوقات دلیل بی‌تصمیمی و دودلی، بی اطلاعی از اوضاع و احوال است.

گزینه‌ها را تشخص دهید

وضعیت موجود چه گزینش‌هایی را در اختیارتان می‌گذارد؟ گاهی شـــمار آن‌ها کم و گاه زیاد است. اما وقتی که فکر می‌کنید شرایط، اختیار را از شما سلب می‌کند، چه می کنید؟ اینجاست که باید چاره‌ای بیندیشید. ذهن خلاق‌تان را به کار اندازید. ذهن شما ساده‌ترین و پیچیده‌ترین نظرات را بررسی می‌کند. زمانی که ایده‌ای به ذهن‌تان می‌رسد، آن را رد نکنید. گاهی سرانجام ثابت می‌شود که نابخردانه‌ترین عقیده، بجا بوده است. می توانید از دوستی بخواهید که هر آن با مشکلی مواجه شدید، در شناخت راه‌های چاره یاری تان کند و حتی گزینه‌های بیشتری را با شما در میان گذارد، اما یقین بدانید که بالاخره تصمیم گیرنده اصلی خودتان هستید.

زیر و بم هر گزینش را بسنجید

ضمن بررسی مزایا و معایب هر گزینه، ارزیابی‌اش کنید. به این ترتیب در زمینه پیامدهای آن، بینش بیشتری کسب خواهید کرد.

به خود اعتماد کنید و آن گاه تصمیم بگیرید

اکنون که گزینه‌هایتان را آزموده‌اید، وقت آن است که از خود اطمینان یابید. به خاطر داشته باشید که هیچ نوع تضمینی در کار نیست و تصمیمات اشتباه همیشه در معرض بازنگری‌اند. بنابراین، برگزینید ... مصمم شوید ... و بپذیرید که در مورد خاصی به موقع بهترین راه چاره را انتخاب کرده‌اید.حال که تصمیم گرفته‌اید، آماده رویارویی با پیامدهای خوب و بدش باشید. این حالت ممکن است شما را به عزت برساند یا به ذلت بکشاند. لیکن مهم این است که بر آن شده‌اید تا به جای تماشاگر منفعل زندگی خویش بودن به زندگیتان تداوم بخشید. فقط زمان است که می‌تواند درستی یا نادرستی تصمیمی را که گرفته‌اید نشان دهد. ولی نتیجه هرچه باشد، نباید افسوس خورد. در عوض از آن فراگیرید و به یاد داشـــته باشید که همواره امکان انتخاب های بهتر برای‌تان فراهم خواهد بود.

ترجمه: ا. امیر دیوانی

منبع: کتاب: Self Improvement Guide

سیر تحول تکنولوژیک مطبوعات در ایران

مقدمه

مطبوعات چاپی با پیشینه‌ای حدود یک قرن و نیم در ایران، در زمان معاصر همچنان از وسایل اصلی ارتباطات جمعی به شمار می‌آید. اما در سال‌های اخیر، باتوجه به پیشرفت روزافزون ارتباطات، پیدایش و گسترش وسایل ارتباطی جدید و رسانه‌های جمعی ماهیت تکنولوژیک مطبوعات به تدریج دچار تغییر شده است که این تغییرات لازم، مسیر را برای ادامه حیات خود هموار می‌سازد. در عصر حاضر با گسترش اینترنت و افزایش سایت‌های خبری، سرعت اطلاع رسانی و مخابره اخبار از بزرگترین امتیازهای رسانه‌ها محسوب می‌شود. مخاطبان، امروز، پیام‌ها را در کوتاه‌ترین زمان دریافت می‌کنند و این تغییرات تکنولوژیکی خود باعث ایجاد تغییرات محتوایی در مطبوعات شده‌است، درگذشته مطبوعات بیشتر از امروز نقش اطلاع‌رسانی داشته‌اند، اما اکنون جایگاه تحلیلی پیداکرده‌اند و رقابت مطبوعات بر سر تیترها برای جذب مخاطب است.

در این مقاله سعی شده به بررسی سیر تحول تکنولوژیک مطبوعات در ایران از زمان چاپ اولین روزنامه تا امروز پرداخته شود.

الف ـ دوره اول: مطبوعات ایران از آغاز تا مشروطیت

مطبوعات چاپی از سال ۱۲۵۳ق. با انتشار روزنامه «کاغذ اخبار»[1] میرزا صالح شیرازی در سال چهارم سلطنت محمد شاه قاجار کار خود را در ایران آغاز کردند. این روزنامه به شکل چاپ سنگی منتشر می‌شد (یوسفی‌نیا، ۱۳۸۲).

میرزا صالح شیرازی پس از بازگشت از لندن به تشویق و توسعه صنعت چاپ پرداخت و به کمک او شخصی به نام اسدالله باسمه‌چی به روسیه رفت و فن چاپ را آموخت و در برگشت چاپخانه‌ای در تبریز تأسیس کرد. پس از فوت فتحعلی شاه و آغاز سلطنت محمدشاه، میرزا صالح در تهران به امور اداری مشغول بود و با صلاحدید شاه و موافقت دولت تصمیم به انتشار روزنامه گرفت. اعلامیه[2] انتشار این روزنامه در یک صفحه به تاریخ رمضان ۱۲۵۳ق. در تهران منتشر و نسخه آن به تمامی استان‌های ایران و برای همه مقامات دولتی و رسمی ارسال شد (یوسفی‌نیا، ۱۳۸۲).

در طلیعه، مطالب مفصلی در لزوم تربیت مردم از طریق آگاه کردن آنان آمده است و سپس شرحی از رفتار خوب محمدشاه با مردم، خاصه مردمی که در راه ترقی کشور و بی‌نیازی مملکت از محصولات فرنگی و ایجاد کارخانه‌ها و کارگاه‌ها می‌کوشند و عنایاتی که بدین جهات از جانب محمدشاه شامل حال آنان شده آمده است. قسمتی از طلیعه به این شرح است:

«اعلام نامه ایست که به جهت استحضار ساکنین ممالک محروسه ایران قلمی و تذکره می‌نماید. رای صوابنمای ساکنین ممالک محروسه مخفی نماناد که همت ملوکانه اولیای دولت علیه مصروف بر این گشته است که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند و از آنجا که اعظم تربیت آگاه ساختن از کار جهان است. لهذا به حسب حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری[3] مشتمل بر اخبار شرقیه و غربیه در دارالطباعه ثبت و به اطراف و اکناف فرستاده خواهد شد...» سه ماه بعد از انتشار این طلیعه، روزنامه میرزا صالح منتشر شد، این روزنامه نخستین روزنامه‌ای است که در خاک ایران به زبان فارسی انتشار یافته است. این روزنامه دولتی بوده و فاصله انتشار آن هم ماهانه بوده است، کاغذ اخبار به قطع یک ورق بزرگ از کاغذ خانبالیغ[4] و یک روی سفید و با چاپ سنگی، که کیفیت عالی نداشته، منتشر می‌شد. در روی دیگر آن بعد از ذکر عبارت «در دارالخلافه طهران انطباع یافته» وقایع شهر تهران و شهرستان‌ها و آناتولی و ارمن و... چاپ می‌شد. مؤلف تاریخ جراید و مجلات ایران می‌نویسد: مجموع سطور آن با عنوان مقالات ۲۱۷ سطر است (علی کریمیان، ۱۳۷۷). از روزنامه میرزا صالح شیرازی تاکنون ۴ شماره کامل ـ سه شماره اصل روزنامه و یک شماره چاپ شده در مجله انجمن آسیایی ـ و چند خبر از یک شماره دیگر موجود است (محمد گلبن، ۱۳۴۹).

با آغاز نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، روزنامه نگاری و مطبوعات رشد ابتدایی خود را در ایران آغاز کرد و در مدت نیم قرن که به انقلاب مشروطه ختم شد، تحولات درخور توجهی در توسعه ارتباطات اجتماعی نمایان شد. از تحولات عهد ناصری می‌توان به انتشار دومین روزنامه ایرانی، یعنی وقایع الاتفاقیه، افتتاح ارتباطات تلگرافی و تشکیل وزارت مطبوعات اشاره کرد. (یوسفی نیا، ۱۳۸۲) ـ پیش از «وقایع الاتفاقیه» روزنامه‌ی دیگری در ارومیه به نام زاهاریت دباهرا به زبان کلدانی منتشر می‌شد ـ روزنامه وقایع الاتفاقیه به همت میرزا تقی خان امیرکبیر در سومین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار منتشر شد، اولین شماره این روزنامه درسال ۱۲۶۷ ق و تاسال ۱۲۷۷ق. (شماره ۴۷۱) به همین نام انتشار می‌یافت

در دوره پهلوی سیاست‌های دربار به شکلی بود که نظارت بر محتوای مطبوعات بیشتر از گذشته اعمال می‌شد، این مسأله را می‌توان از طریق مطالعه خاطرات افرادی که در آن زمان در دربار و یا دولت حضور داشتند دریافت، برای نمونه می‌توان به خاطرات پرویز عدل، از دیپلمات‌های سابق وزارت امور خارجه ایران اشاره کرد

و از آن به بعد به نام روزنامه دولت علیّه ایران تغییر نام داد. روزنامه وقایع الاتفاقیه تا شماره شانزدهم، روزهای جمعه و از شماره هفدهم روزهای پنجشنبه در ۴، ۶ و یا ۸ صفحه منتشر می‌شد. این روزنامه نیز مانند «کاغذ اخبار» دارای چاپ سنگی بود و با خط نستعلیق نگارش می‌یافت، چون در هرشماره حکاکی روی سنگ چاپ آن تغییر می‌کرد، ظاهر روزنامه از قبیل آرم، نوشته‌ها، ستون بندها تغییر خطاطان آن نسبت به شماره‌های دیگر اندکی تفاوت داشت (سعیدی، ۱۳۸۳).

صاحب امتیاز آن وزارت انطباعات دولتی و محل چاپ آن مطبعه سنگی به استادی عبدالمحمد بود. محل فروش روزنامه در تهران، دکان سیدکاظم بلورفروش واقع در بازار تهران بود و در شهرهای دیگر حکام دولتی وظیفه فروش را برعهده داشتند (سعیدی، ۱۳۸۳).

نوع دیگری از روزنامه‌ها در عهد ناصری به چشم می‌خورد که شامل سفرنامه‌های شاه است. مثلاً دریکی از سفرهای داخلی شاه پزشک مخصوص خود را مجبور می‌کند تا مطالب سفر را برای تبلیغ و انتشار فعالیت‌های شخصی او منتشر کند. انتشار این گونه روزنامه‌های کوچک و فصلی بعدها در دربار ناصرالدین شاه مرسوم شده و هرموقع که شخص شاه تصمیم به مسافرت به ایالات مختلف می‌گرفت، چنین روزنامه‌هایی منتشر می‌شد و امور روابط عمومی آن زمان را برای شاه و درباریان آسان می‌نمود. از جمله این روزنامه‌ها می‌توان به «مرآه السفر و مشکوه‌الحضر» اشاره نمود (مولانا، ۱۳۵۸).

در این دوره تعدادی روزنامه مانند: «شاهسون» به مدیریت میرزا عبدالرحیم طالبوف در استانبول، «حکمت» به مدیریت میرزا مهدی تبریزی در قاهره، «حبل المتین» به مدیریت سیدجلال کاشانی در کلکته، «ثریا» به مدیریت میرزا علی محمد خان و سید فرج الله کاشانی در قاهره (بعدها به روزنامه پرورش تغییر نام یافت) توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور منتشر می‌شد.

با کشته شدن ناصرالدین شاه و با پایان یافتن عهد ناصری، دوره جدید در روزنامه نگاری ایران شکل گرفت که همزمان با انقلاب مشروطه بود.

ب ـ مطبوعات ایران در دوران مشروطه

در این دوره باتوجه به تحولاتی که در کشور در حال شکل گیری بود، سبک روزنامه نگاری هم دچار تغییر شد. در دوره گذشته مطبوعات تازه وارد ایران شده بودند و هنوز در میان مردم مخاطبان خود را پیدا نکرده بودند، علاوه بر این روزنامه‌ها حکومتی بودند و به بازتاب فعالیت‌های شاه می‌پرداختند، و کمتر نیازهای مردم را منعکس می‌کردند. اما در دوران مشروطه مردم انتقاد از حکومت قاجار را آغاز کردند، و این خود علت افزایش روزنامه‌ها بود و مطبوعات به زبان جامعه ایران تبدیل شد.

در این دوره نسخه‌های روزنامه‌های مخفی هم چاپ می‌شد که در ایران به «شب‌نامه» معروف شد. این روزنامه‌ها را در قطع بسیار کوچک و به طور نامرتب در شهرهای مختلف انقلابیون چاپ می‌کردند، معمولاً تاریخ انتشار و آدرس و محل چاپ نداشت و فقط جهت بسیج عمومی و با انگیزه ملی منتشر می‌شد. مندرجات این گونه «شب‌نامه»ها را معمولاً چندین مقاله تشکیل می‌داد که علیه حکومت نوشته می‌شد و اخبار و فعالیت‌های آزادی‌خواهان و انقلابیون در آن درج می‌گردید. بعضی از این «شب‌نامه»ها روزانه چاپ می‌شد ولی اغلب آنها دوره مخصوصی نداشت و بنا به صلاحدید نویسندگان منتشر می‌شد (یوسفی نیا، ۱۳۸۲).

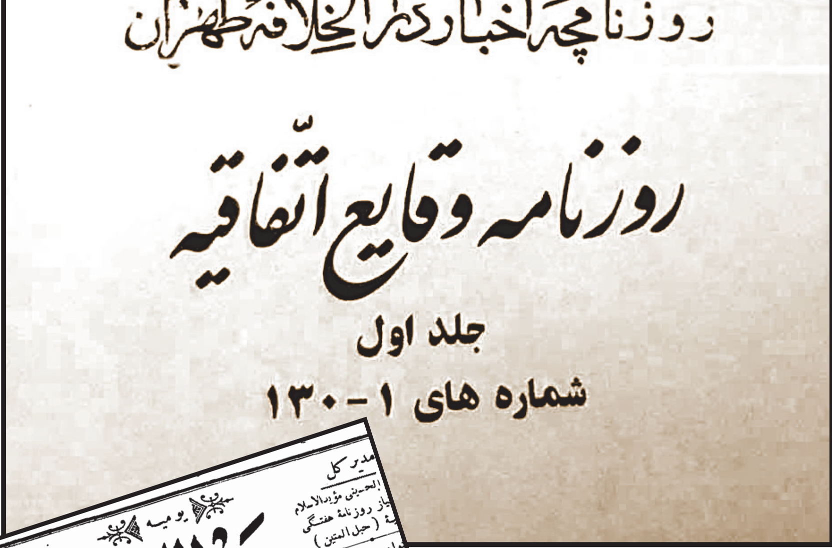


با تشکیل مجلس اول قانونگذاری، قوانینی برای مطبوعات وضع شد. اصل سیزدهم قانون اساسی، آزادی مطبوعات را برقرار داشته است: «عموم روزنامه‌ها مادامی که مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسی دولت و ملت نباشد، مجاز و مختارند که طالب مطالب مفید عام‌المنفعه، همچنان مذاکرات مجلس و صلاح‌اندیشی خلق را بر آن مذاکرات به طبع رسانیده و منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه‌ها و مطبوعات بر خلاف آنچه ذکر شده و به اغراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا زند، قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد» (ذاکر حسین، ۱۳۸۴).

گشایش مجلس سوم مطبوعات را جانی تازه بخشید و بر شمار جراید افزود. روزنامه «نوبهار» به مدیریت ملک الشعراء بهار به جای «ایران نو» دایر شد. روزنامه «رعد» که از جراید مستقل و متکی به حزبی به مدیریت سید ضیاء الدین طباطبایی بود، دایر شد. حزب اعتدال روزنامه «شوری» را به مدیریت ناصرالاسلام گیلانی به چاپ کرد. جریده هفتگی به نام «عصر جدید» به ریاست متین السلطنه دایر شد. علاوه بر این‌ها روزنامه‌های «ستاره اسلام»، «دمکرات» و «بامداد روشن» هوادار اتحاد اسلام و جراید دیگر به وجود آمدند (ذاکر حسین، ۱۳۸۴).



یکی از مسائلی که در سیر تحول مطبوعات در ایران اهمیت دارد، توزیع آن‌هاست. همان‌طور که اشاره شد در دوره‌های گذشته به دلیل اینکه مطبوعات دولتی بودند، توزیع دولتی را هم در پی داشت. ماموران حکومتی، نخستین توزیع کنندگان مطبوعات بودند. برخی عوامل باعث شد که علاوه بر ماموران، حکومت بخش خصوصی را هم در این امر مشارکت دهد. بلورفروشان و خرازان از جمله صنف‌هایی بودند که با حفظ سمت به این کار گمارده شده بودند، بعد از آن بیشتر ماموران تشکیلات دولتی توزیع مطبوعات را پستچی‌ها تشکیل می‌دادند. حدود ۶۰ سال گذشت تا پروانه انتشار مطبوعات برای افراد نیز صادر شد و بخش خصوصی وارد فعالیت مطبوعاتی شد. دغدغه بازگشت سرمایه، اربابان جراید را واداشت که برای توزیع نشریاتشان ارباب جراید برگزینند. در تهران نیز چند تن روزنامه فروشی می‌کردند و آرام آرام شبکه توزیع مستقل مطبوعات پا گرفت. با انتشار روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۰۵ ه.ش و تشکیل اتاق توزیع در این روزنامه، مسئله توزیع مطبوعات را وارد مرحله جدیدی کرد. در سال ۱۳۱۰ سازمان توزیع مطبوعات شکل گرفت و دولت روزنامه فروشی را به عنوان یک کسب به رسمیت شناخت و موجب شد که در سال ۱۳۲۰، آیین‌نامه‌ی فروش، پخش و انتشار روزنامه به تصویب برسد (فتحی، ۱۳۸۵).



ج ـ مطبوعات ایران در دوران پهلوی اول (۱۳۲۰ ـ ۱۳۰۴)

با انتشار روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۰۵ ه.ش و تشکیل اتاق توزیع در این روزنامه، مسأله توزیع مطبوعات را وارد مرحله جدیدی کرد. در سال ۱۳۱۰ سازمان توزیع مطبوعات شکل گرفت و دولت روزنامه فروشی را به عنوان یک کسب به رسمیت شناخت و موجب شد که در سال ۱۳۲۰، آیین‌نامه‌ی فروش، پخش و انتشار روزنامه به تصویب برسد (فتحی، ۱۳۸۵).

د ـ مطبوعات در دوران پهلوی دوم

در دوران محمدرضا شاه پهلوی انجمن‌های مطبوعاتی احیا شد. انجمن مطبوعات که در آخرین کابینه منوچهر اقبال، حدود سال‌های ۱۳۳۹ و پس از آن ، به کارگردانی عباس مسعودی و دکتر مصطفی مصباح زاده صاحبان روزنامه‌های اطلاعات و کیهان و سناتورهای منصوب محمدرضاشاه و با ادغام سه گروه از مدیران روزنامه‌ها و هفته نامه‌های تهران و شهرستان‌ها به نام «جبهه مطبوعات متحد» و «جبهه مطبوعات متفق» و کانونی به نام «انجمن روزنامه نگاران» خوانده شد. این انجمن که هدف اساسی اش بنابر نوشته مسعود برزین در کتاب سیری در مطبوعات ایران «تقویت دولت» بود، از آنجا که نتوانست از نظر صنفی اقدامی مثبت در جهت منافع مدیران مطبوعات در قبال کودتای مطبوعاتی پایان سال ۱۳۴۱ معمول دارد، به تدریج رو به ضعف و سستی گذارد و با آنکه اجازه باشگاه مجلل آن و نیز قسمت عمده‌ای از بودجه آن را دربار تأمین و پرداخت می‌کرد به یک تشکیلات تشریفاتی مبدل شد. سپس بر اثر انشعاب گروهی از مدیران و صاحبان امتیاز روزنامه‌ها و مجله‌ها از آن تعطیل شد. اما همین انشعاب کنندگان که دیگر دست آهنین عباس مسعودی و دکتر مصطفی مصباح زاده را بر سر خود نمی‌دیدند، به تأسیس «انجمن مطبوعات» تازه‌ای پرداختند که البته این دو صاحب مؤسسه بزرگ مطبوعاتی در آن شرکت و عضویت نداشتند (بهشتی پور، ۱۳۷۲). بعد از آن سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات برای حمایت از حقوق روزنامه نگاران شکل گرفت.

در این دوره سیاست‌های دربار به شکلی بود که نظارت بر محتوای مطبوعات بیشتر از گذشته اعمال می‌شد، این مسأله را می‌توان از طریق مطالعه خاطرات افرادی که در آن زمان در دربار، یا دولت حضور داشتند دریافت، برای نمونه می‌توان به خاطرات پرویز عدل، از دیپلمات‌های سابق وزارت امور خارجه ایران اشاره کرد. او در یادداشت‌های خود به سیاست‌های مطبوعاتی و اعمال سانسور و چگونگی نگرش به طرح اخبار و اطلاعات در مطبوعات و رسانه‌های دوران پهلوی دوم اشاره می‌کند. او در خاطرات خود بیان می‌کند: "اگر اتفاق تازه‌ای از قبیل کودتا و انقلاب و تغییر دولت یا عقد و یا نقض پیمان‌ها و تجاوزات و اختلافات تازه در روابط بین کشورها طی شب گذشته روی داده بود (در روزنامه‌های آن روز چاپ شده بود) که هنوز رویه ما، یعنی در واقع نظر شاهنشاه درباره آنها، معلوم نبود، در بازگشت از وزارت اطلاعات به اطلاع اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه می‌رساندم تا همان روز، نظر شاه را جویا شود و این نظر را در اختیار من بگذارد که بعد از ظهر همان روز به آگاهی وزیر اطلاعات برسانم. باید دانست که وزیر خارجه اگر در مسافرت بود، معاون اول او هرروز نزد شاه می‌رفت، در حالی که نخست وزیر هفته‌ای یک بار آن هم با کسب اجازه قبلی به نزد شاه می‌رفت به این ترتیب سیاست خارجی رأساً توسط شاه تعیین می‌شد و به وسیله وزیر امور خارجه به مرحله اجرا در می‌آمد....آگهی‌های چاپ شده در مطبوعات نیز کنترل می‌شد و این‌ها نیز تحت تاثیر سیاست‌های خارجه بود» (پرویزعدل، ۱۳۸۵).

در دوران پهلوی دوم، حدود سال‌های ۴۳-۱۳۴۲، در شرایطی که عده‌ی زیادی از اعضا و هواداران گروه‌ها و جمعیت‌های مخالف رژیم در تبعید یا در بند و از هرگونه فعالیت علنی ممنوع بودند، در عین حال در



زمانی که روشنفکران رفاه طلب و مطبوعاتیان بالادست که امور مطبوعاتی به خصوص اکثریت اعضای بالادست تحریریه نشریات بزرگ و پر تیراژ را در دست داشتند و تقریبا همه خبرها و مقالات را به دستور مأموران ساواک و پادوهای وزارت اطلاعات و جهانگردی سانسور می‌کردند و از فعالیت اعضای تحریریه این جرائد ممانعت به عمل می‌آمد، مبارزه جدی گروه‌های مذهبی با رژیم محمدرضا شاه آغاز شد و توده کثیری از مردم را به خود جلب کرد، ابتدا فعالان این گروه‌ها و جمعیت‌ها ضمن برپایی جلسه‌های قرائت قرآن در خانه‌ها و سپس تشکیل مراسم عزاداری و روضه خوانی در مساجد و تکیه‌ها به وجود جو فشار و اختناق و سانسور در رسانه‌های گروهی اعتراض می‌کردند. حوزه علمیه قم و روحانیت مبارز به فعالیت خود افزودند و همین امر موجب شد تا چند نشریه مذهبی مخفی هم در قم و در تهران چاپ و منتشر و دست به دست شود. همین فعالیت‌ها موجب شد تا واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به وجود آید و از آن پس مبارزه این گروه‌ها با رژیم به صورت وسیع‌تر آغاز شود. از جمله نشریاتی که از طرف گروه‌های مذهبی در این سال‌ها چاپ و منتشر می‌شد عبارت بودند از فریاد، بعثت (از طرف دانشجویان حوزه علمیه قم) و انتقام خلق (ارگان داخلی حزب ملل

مطبوعات امروزی بیشتر از گذشته کارکرد تحلیلی دارند، زیرا خبرها به سرعت از طریق سایت‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی به کاربران منتقل می‌شود و چگونگی تحلیل رویدادها و تیتریک مطبوعات عامل برتری و تمایز آنها از یکدیگر است. علاوه بر این مورد روزنامه‌ها و مجلات به شکل الکترونیکی در اختیار علاقه مندان قرار می‌گیرد و این باعث کاهش تیراژ روزنامه و به طور کلی مطبوعات می‌شود

اسلامی) و چند نشریه و جزوه (بهشتی پور، ۱۳۷۲).

به طور کلی می‌توان نشریات در این دوره را به دو دسته تقسیم کرد: نشریات رسمی و غیررسمی. نشریات رسمی منعکس کننده اخبار مطابق میل دربار بودند و هم جهت با دولت، در واقع مطالب آن‌ها توسط حکومت کنترل می‌شد، نشریات غیر رسمی هم توسط انقلابیون و گاهی به شکل شب نامه منتشر می‌شد و پنهانی در اختیار افراد جامعه قرار می‌گرفت، تنها رسانه‌ای که در اختیار انقلابیون بود همین نشریات بودند، این نشریات نقش مهمی در شکل گیری انقلاب در سال ۱۳۵۷ داشتند.

هـ ـ مطبوعات ایران از سال ۱۳۵۷ تاکنون

در میان وسایل ارتباط جمعی روزنامه‌ها به دلیل ماندنی بودنشان و سادگی تکنولوژی و امکانات مادی انتشار در مقابل رادیو و تلویزیون، در مقاطع پس از حذف سلطه حکومت‌ها بر مطبوعات بیشتر مورد استفاده گروه‌ها و سازمان‌ها قرار می‌گیرند. در واقع گروه‌های اجتماعی و سیاسی گوناگون از روزنامه‌ها برای بیان عقاید، نظرات و گرایش‌های خود استفاده کرده و به عنوان وابستگان به ارزش به تبلیغ ارزش‌های خود می‌پردازند. به این ترتیب شکل و محتوای چنین روزنامه‌هایی ویژگی انقلابی دارد. یعنی نه مشابه روزنامه‌های استبدادی، به طور مستقیم و غیر مستقیم در تلاش تبلیغ حکومت مستبد و سلطه‌گر سانسور است و نه مشابه روزنامه‌های خبری، بیشتر حالت یک سازمان حرفه‌ای فروش خبر را دارد. بلکه در تلاش تبلیغ ارزش‌های مربوط به ایدئولوژی خاص برای حل مسائل است. برای مثال سه شنبه ۲۶ دی ۱۳۵۷، صفحه اول اطلاعات (یکی از دو روزنامه پر تیراژ عصر) با درشت ترین تیتر تاریخ انتشار روزنامه در ایران چاپ شد. تیتری حاوی دوکلمه «شاه رفت» که به ارتفاع ۱۳ سانتی متر تمامی عرض ده ستون روزنامه را اشغال کرده بود (محسنیان‌راد، ۱۳۷۵).

در طول دوران انقلاب تا شروع جنگ می‌توان چنین کارکردی را (تبلیغ ارزش‌های مربوط به ایدئولوژی خاص) برای مطبوعات قائل شد، پس از آن نقش اطلاع رسانی مطبوعات درباره اتفاقات کشور و دولت و رویدادهای بین المللی افزایش پیدا کرد. مطبوعات چاپی با پیشینه طولانی که دارند، هم چنان جزو وسایل اصلی ارتباطات جمعی به شمار می‌آیند. اما در سالیان گذشته به دلیل پیشرفت ارتباطات و پدید آمدن وسایل جدید ارتباطی همچون رادیو، تلویزیون و سینما، روزنامه نگاری بارها به طور جدی به چالش فراخوانده شده است. این رسانه‌ها هریک به واسطه برخورداری از توانایی‌های قابل توجه در برقراری ارتباط، سهمی از بازار اطلاع‌رسانی را از آن خود ساخته‌اند اما مطبوعات توانسته‌اند با ایجاد تغییرات لازم، مسیر را به طریقی برای ادامه حیات خود هموار سازند. اکنون با ابداع، پیشرفت و گسترش روزافزون اینترنت، ارتباطات نیز به طور کلی دگرگون شده، بار دیگر مطبوعات با پدیده دیگری رو به رو شده اند. از این پدیده با عنوان «روزنامه نگاری الکترونیک» یاد می‌شود (ودودی، ۱۳۸۴).

با ورود اینترنت به ایران و رشد آن، در همه شئون زندگی مردم تغییراتی ایجاد شد، یکی از آنها امکان ارتباط داشتن با جهان پیرامون خود بود، به دنبال آن سرعت انتقال اخبار بسیار افزایش پیدا کرد و این باعث شکل گیری تغییرات فراوانی در روند چاپ و انتشار و کارکرد مطبوعات شد. در دوران کنونی روزنامه‌ها همچنان چاپ می‌شوند و مورد استقبال افراد جامعه قرار می‌گیرند، اما تفاوتی که با روزنامه‌های گذشته دارند در شیوه بیان اخبار و در بعضی موارد تیراژ آنها (به نسبت جمعیت) است. مطبوعات امروزی بیشتر از گذشته کارکرد تحلیلی دارند، زیرا خبرها به سرعت از طریق سایت‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی به کاربران منتقل می‌شود و چگونگی تحلیل رویدادها و تیتر یک مطبوعات عامل برتری و تمایز آنها از یکدیگر است. علاوه بر این مورد روزنامه‌ها و مجلات به شکل الکترونیکی در اختیار علاقه مندان قرار می‌گیرد[5] و این باعث کاهش تیراژ روزنامه و به طور کلی مطبوعات می‌شود.

دانشجو: محدثه رمضانعلی
استاد: دکتر احسان شاقاسمی
نیمسال اول ـ سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴

زیرنویس:

۱. ترجمه تحت‌اللفظی واژه Newspaper
۲. طلیعه کاغذ اخبار، به اصطلاح امروز «فوق‌العاده»
۳. با اینکه اولین روزنامه ایران عنوان خاصی نداشت که در بالا درج شود، از اعلامیه مذکور روشن است به نام «کاغذ اخبار» معروف بوده. (مولانا، ۱۳۵۸)
۴. خانبالیغ کاغذ بسیار مرغوبی است که در شهر پکن (خانبالیغ) ساخته می‌شد. جنس کاغذ بسیاری از کتب و اوراق خطی نفیس ایران از این کاغذ است.
۵. معمولاً روزنامه‌ها شب قبل از طریق سایت‌ها در اختیار مخاطبین قرار می‌گیرد.

منابع:

ذاکر حسین، ع. (۱۳۸۴). مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت. تهران: دانشگاه تهران.
مولانا، ح. (۱۳۸۵). سیر ارتباطات اجتماعی در ایران. تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
ماکان، ش. (۱۳۸۵). خانه ما در فیشرآباد. تهران: البرز.
یوسفی نیا، ر. (۱۳۸۲). پیدایش و تحول مطبوعات در ایران (از آغاز تا پایان انقلاب مشروطیت). پیام بهارستان، (۲۴)، ۹-۱۴.
محسنیان‌راد، م. (۱۳۷۵). مطبوعات سال‌های نخست انقلاب اسلامی. کلک، (۸۴)، ۶۱-۹۱.
ودودی، ا. (۱۳۸۴). آینده روزنامه نگاری چاپی در چالش با روزنامه نگاری آنلاین. رسانه، (۶۳)، ۱۹۷-۲۲۶.
بهشتی‌پور، م. (۱۳۷۲). مطبوعات ایران در دوره پهلوی (دوره دوم). رسانه، (۱۵)، ۴۶-۵۳.
گلبن، م. (۱۳۴۹). لغت روزنامه و نخستین روزنامه چاپی فارسی. بررسی‌های تاریخی، (۲۹)، ۸۹-۱۰۰.
سعیدی، م. (۱۳۸۳). روزنامه نگاری عصر ناصری (بررسی روزنامه وقایع الاتفاقیه). ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه بیرجند)، (۴)، ۵۹-۶۲.
کریمیان، ع. (۱۳۷۷). میرزاصالح شیرازی و کاغذ اخبار. گنجینه اسناد، (۲۹)، ۵-۸.
فتحی، ب. گل حسینی، ف. (۱۳۸۵). تأملی در توزیع مطبوعات در ایران. کتاب ماه کلیات، (۱۰۶)، ۴۲-۴۷.

سیر تحول تکنولوژیک مطبوعات در ایران

مقدمه

مطبوعات چاپی با پیشینه‌ای حدود یک قرن و نیم در ایران، در زمان معاصر همچنان از وسایل اصلی ارتباطات جمعی به شمار می‌آید. اما در سال‌های اخیر، با توجه به پیشرفت روزافزون ارتباطات، پیدایش و گسترش وسایل ارتباطی جدید و رسانه‌های جمعی ماهیت تکنولوژیک مطبوعات به تدریج دچار تغییر شده است که این تغییرات لازم، مسیر را برای ادامه حیات خود هموار می‌سازد. در عصر حاضر با گسترش اینترنت و افزایش سایت‌های خبری، سرعت اطلاع رسانی و مخابره اخبار از بزرگترین امتیازهای رسانه‌ها محسوب می‌شود. مخاطبان، امروز، پیام‌ها را در کوتاه‌ترین زمان دریافت می‌کنند و این تغییرات تکنولوژیکی خود باعث ایجاد تغییرات محتوایی در مطبوعات شده‌است، در گذشته مطبوعات بیشتر از امروز نقش اطلاع‌رسانی داشته‌اند، اما اکنون جایگاه تحلیلی پیدا کرده‌اند و رقابت مطبوعات بر سر تیترها برای جذب مخاطب است.

در این مقاله سعی شده به بررسی سیر تحول تکنولوژیک مطبوعات در ایران از زمان چاپ اولین روزنامه تا امروز پرداخته شود.

الف ـ دوره اول: مطبوعات ایران از آغاز تا مشروطیت

مطبوعات چاپی از سال ۱۲۵۳ق. با انتشار روزنامه «کاغذ اخبار»[1] میرزا صالح شیرازی در سال چهارم سلطنت محمد شاه قاجار کار خود را در ایران آغاز کردند. این روزنامه به شکل چاپ سنگی منتشر می‌شد (یوسفی‌نیا، ۱۳۸۲).

میرزا صالح شیرازی پس از بازگشت از لندن به تشویق و توسعه صنعت چاپ پرداخت و به کمک او شخصی به نام اسدالله باسمه‌چی به روسیه رفت و فن چاپ را آموخت و در برگشت چاپخانه‌ای در تبریز تأسیس کرد. پس از فوت فتحعلی شاه و آغاز سلطنت محمدشاه، میرزا صالح در تهران به امور اداری مشغول بود و با صلاحدید شاه و موافقت دولت تصمیم به انتشار روزنامه گرفت. اعلامیه[2] انتشار این روزنامه در یک صفحه به تاریخ رمضان ۱۲۵۳ق. در تهران منتشر و نسخه آن به تمامی استان‌های ایران و برای همه مقامات دولتی و رسمی ارسال شد (یوسفی‌نیا، ۱۳۸۲).

در طلیعه، مطالب مفصلی در لزوم تربیت مردم از طریق آگاه کردن آنان آمده است و سپس شرحی از رفتار خوب محمدشاه با مردم، خاصه مردمی که در راه ترقی کشور و بی‌نیازی مملکت از محصولات فرنگی و ایجاد کارخانه‌ها و کارگاه‌ها می‌کوشند و عنایاتی که بدین جهات از جانب محمدشاه شامل حال آنان شده آمده است. قسمتی از طلیعه به این شرح است:

«اعلام نامه ایست که به جهت استحضار ساکنین ممالک محروسه ایران قلمی و تذکره می‌نماید. رای صوابنمای ساکنین ممالک محروسه مخفی نماناد که همت ملوکانه اولیای دولت علیه مصروف بر این گشته است که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند و از آنجا که اعظم تربیت آگاه ساختن از کار جهان است. لهذا به حسب حکم شاهنشاهی کاغذ اخباری[3] مشتمل بر اخبار شرقیه و غربیه در دارالطباعه ثبت و به اطراف و اکناف فرستاده خواهد شد...» سه ماه بعد از انتشار این طلیعه، روزنامه میرزا صالح منتشر شد، این روزنامه نخستین روزنامه‌ای است که در خاک ایران به زبان فارسی انتشار یافته است. این روزنامه دولتی بوده و فاصله انتشار آن هم ماهانه بوده است، کاغذ اخبار به قطع یک ورق بزرگ از کاغذ خانبالیغ[4] و یک روی سفید و با چاپ سنگی، که کیفیت عالی نداشته، منتشر می‌شد. در روی دیگر آن بعد از ذکر عبارت «در دارالخلافه طهران انطباع یافته» وقایع شهر تهران و شهرستان‌ها و آناتولی و ارمن و... چاپ می‌شد. مؤلف تاریخ جراید و مجلات ایران می‌نویسد: مجموع سطور آن با عنوان مقالات ۲۱۷ سطر است (علی کریمیان، ۱۳۷۷). از روزنامه میرزا صالح شیرازی تاکنون ۴ شماره کامل ـ سه شماره اصل روزنامه و یک شماره چاپ شده در مجله انجمن آسیایی ـ و چند خبر از یک شماره دیگر موجود است (محمد گلبن، ۱۳۴۹).

با آغاز نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، روزنامه نگاری و مطبوعات رشد ابتدایی خود را در ایران آغاز کرد و در مدت نیم قرن که به انقلاب مشروطه ختم شد، تحولات درخور توجهی در توسعه ارتباطات اجتماعی نمایان شد. از تحولات عهد ناصری می‌توان به انتشار دومین روزنامه ایرانی، یعنی وقایع الاتفاقیه، افتتاح ارتباطات تلگرافی و تشکیل وزارت مطبوعات اشاره کرد. (یوسفی نیا، ۱۳۸۲) ـ پیش از «وقایع الاتفاقیه» روزنامه‌ی دیگری در ارومیه به نام زاهاریت دباهرا به زبان کلدانی منتشر می‌شد ـ روزنامه وقایع الاتفاقیه به همت میرزا تقی خان امیرکبیر در سومین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار منتشر شد، اولین شماره این روزنامه درسال ۱۲۶۷ ق و تاسال ۱۲۷۷ق. (شماره ۴۷۱) به همین نام انتشار می‌یافت

در دوره پهلوی سیاست‌های دربار به شکلی بود که نظارت بر محتوای مطبوعات بیشتر از گذشته اعمال می‌شد، این مسأله را می‌توان از طریق مطالعه خاطرات افرادی که در آن زمان در دربار و یا دولت حضور داشتند دریافت، برای نمونه می‌توان به خاطرات پرویز عدل، از دیپلمات‌های سابق وزارت امور خارجه ایران اشاره کرد

و از آن به بعد به نام روزنامه دولت علیّه ایران تغییر نام داد. روزنامه وقایع الاتفاقیه تا شماره شانزدهم، روزهای جمعه و از شماره هفدهم روزهای پنجشنبه در ۴، ۶ و یا ۸ صفحه منتشر می‌شد. این روزنامه نیز مانند «کاغذ اخبار» دارای چاپ سنگی بود و با خط نستعلیق نگارش می‌یافت، چون در هرشماره حکاکی روی سنگ چاپ آن تغییر می‌کرد، ظاهر روزنامه از قبیل آرم، نوشته‌ها، ستون بندها تغییر خطاطان آن نسبت به شماره‌های دیگر اندکی تفاوت داشت (سعیدی، ۱۳۸۳).

صاحب امتیاز آن وزارت انطباعات دولتی و محل چاپ آن مطبعه سنگی به استادی عبدالمحمد بود. محل فروش روزنامه در تهران، دکان سیدکاظم بلورفروش واقع در بازار تهران بود و در شهرهای دیگر حکام دولتی وظیفه فروش را برعهده داشتند (سعیدی، ۱۳۸۳).

نوع دیگری از روزنامه‌ها در عهد ناصری به چشم می‌خورد که شامل سفرنامه‌های شاه است. مثلاً دریکی از سفرهای داخلی شاه پزشک مخصوص خود را مجبور می‌کند تا مطالب سفر را برای تبلیغ و انتشار فعالیت‌های شخصی او منتشر کند. انتشار این گونه روزنامه‌های کوچک و فصلی بعدها در دربار ناصرالدین شاه مرسوم شده و هرموقع که شخص شاه تصمیم به مسافرت به ایالات مختلف می‌گرفت، چنین روزنامه‌هایی منتشر می‌شد و امور روابط عمومی آن زمان را برای شاه و درباریان آسان می‌نمود. از جمله این روزنامه‌ها می‌توان به «مرآه السفر و مشکوه‌الحضر» اشاره نمود (مولانا، ۱۳۵۸).

در این دوره تعدادی روزنامه مانند: «شاهسون» به مدیریت میرزا عبدالرحیم طالبوف در استانبول، «حکمت» به مدیریت میرزا مهدی تبریزی در قاهره، «حبل المتین» به مدیریت سیدجلال کاشانی در کلکته، «ثریا» به مدیریت میرزا علی محمد خان و سید فرج الله کاشانی در قاهره (بعدها به روزنامه پرورش تغییر نام یافت) توسط ایرانیان مقیم خارج از کشور منتشر می‌شد.

با کشته شدن ناصرالدین شاه و با پایان یافتن عهد ناصری، دوره جدید در روزنامه نگاری ایران شکل گرفت که همزمان با انقلاب مشروطه بود.

ب ـ مطبوعات ایران در دوران مشروطه

در این دوره باتوجه به تحولاتی که در کشور در حال شکل گیری بود، سبک روزنامه نگاری هم دچار تغییر شد. در دوره گذشته مطبوعات تازه وارد ایران شده بودند و هنوز در میان مردم مخاطبان خود را پیدا نکرده بودند، علاوه بر این روزنامه‌ها حکومتی بودند و به بازتاب فعالیت‌های شاه می‌پرداختند، و کمتر نیازهای مردم را منعکس می‌کردند. اما در دوران مشروطه مردم انتقاد از حکومت قاجار را آغاز کردند، و این خود علت افزایش روزنامه‌ها بود و مطبوعات به زبان جامعه ایران تبدیل شد.

در این دوره نسخه‌های روزنامه‌های مخفی هم چاپ می‌شد که در ایران به «شب‌نامه» معروف شد. این روزنامه‌ها را در قطع بسیار کوچک و به طور نامرتب در شهرهای مختلف انقلابیون چاپ می‌کردند، معمولا تاریخ انتشار و آدرس و محل چاپ نداشت و فقط جهت بسیج عمومی و با انگیزه ملی منتشر می‌شد. مندرجات این گونه «شب‌نامه»ها را معمولا چندین مقاله تشکیل می‌داد که علیه حکومت نوشته می‌شد و اخبار و فعالیت‌های آزادی‌خواهان و انقلابیون در آن درج می‌گردید. بعضی از



این «شب‌نامه»ها روزانه چاپ می‌شد ولی اغلب آنها دوره مخصوصی نداشت و بنا به صلاحدید نویسندگان منتشر می‌شد (یوسفی نیا، ۱۳۸۲).

با تشکیل مجلس اول قانونگذاری، قوانینی برای مطبوعات وضع شد. اصل سیزدهم قانون اساسی، آزادی مطبوعات را برقرار داشته است: «عموم روزنامه‌ها مادامی که مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسی دولت و ملت نباشد، مجاز و مختارند که طالب مطالب مفید عام‌المنفعه، همچنان مذاکرات مجلس و صلاح‌اندیشی خلق را بر آن مذاکرات به طبع رسانیده و منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه‌ها و مطبوعات بر خلاف آنچه ذکر شده و به اغراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا زند، قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد» (ذاکر حسین، ۱۳۸۴).

گشایش مجلس سوم مطبوعات را جانی تازه بخشید و بر شمار جراید افزود. روزنامه «نوبهار» به مدیریت ملک الشعراء بهار به جای «ایران نو» دایر شد. روزنامه «رعد» که از جراید مستقل و متکی به حزبی به





مدیریت سید ضیاء الدین طباطبایی بود، دایر شد. حزب اعتدال روزنامه «شوری» را به مدیریت ناصرالاسلام گیلانی به چاپ کرد. جریده هفتگی به نام «عصر جدید» به ریاست متین السلطنه دایر شد. علاوه بر این‌ها روزنامه‌های «ستاره اسلام»، «دمکرات» و «بامداد روشن» هوادار اتحاد اسلام و جراید دیگر به وجود آمدند (ذاکر حسین، ۱۳۸۴).

یکی از مسائلی که در سیر تحول مطبوعات در ایران اهمیت دارد، توزیع آن‌هاست. همان‌طور که اشاره شد در دوره‌های گذشته به دلیل اینکه مطبوعات دولتی بودند، توزیع دولتی را هم در پی داشت. ماموران حکومتی، نخستین توزیع کنندگان مطبوعات بودند. برخی عوامل باعث شد که علاوه بر ماموران، حکومت بخش خصوصی را هم در این امر مشارکت دهد. بلورفروشان و خرازان از جمله صنف‌هایی بودند که با حفظ سمت به این کار گمارده شده بودند، بعد از آن بیشتر ماموران تشکیلات دولتی توزیع مطبوعات را پستچی‌ها تشکیل می‌دادند. حدود ۶۰ سال گذشت تا پروانه انتشار مطبوعات برای افراد نیز صادر شد و بخش خصوصی وارد فعالیت مطبوعاتی شد. دغدغه بازگشت سرمایه، اربابان جراید را واداشت که برای توزیع نشریاتشان ارباب جراید برگزینند. در تهران نیز چند تن روزنامه فروشی می‌کردند و آرام آرام شبکه توزیع مستقل مطبوعات پا گرفت. با انتشار روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۰۵ ه.ش و تشکیل اتاق توزیع در این روزنامه، مسئله توزیع مطبوعات را وارد مرحله جدیدی کرد. در سال ۱۳۱۰ سازمان توزیع مطبوعات شکل گرفت و دولت روزنامه فروشی را به عنوان یک کسب به رسمیت شناخت و موجب شد که در سال ۱۳۲۰، آیین‌نامه‌ی فروش، پخش و انتشار روزنامه به تصویب برسد (فتحی، ۱۳۸۵).

ج ـ مطبوعات ایران در دوران پهلوی اول (۱۳۲۰ ـ ۱۳۰۴)

با انتشار روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۰۵ ه.ش و تشکیل اتاق توزیع در این روزنامه، مسأله توزیع مطبوعات را وارد مرحله جدیدی کرد. در سال ۱۳۱۰ سازمان توزیع مطبوعات شکل گرفت و دولت روزنامه فروشی را به عنوان یک کسب به رسمیت شناخت و موجب شد که در سال ۱۳۲۰، آیین‌نامه‌ی فروش، پخش و انتشار روزنامه به تصویب برسد (فتحی، ۱۳۸۵).

د ـ مطبوعات در دوران پهلوی دوم

در دوران محمدرضاشاه پهلوی انجمن‌های مطبوعاتی احیا شد. انجمن مطبوعات که در آخرین کابینه منوچهر اقبال، حدود سال‌های ۱۳۳۹ و پس از آن، به کارگردانی عباس مسعودی و دکتر مصطفی مصباح زاده صاحبان روزنامه‌های اطلاعات و کیهان و سناتورهای منصوب محمدرضاشاه و با ادغام سه گروه از مدیران روزنامه‌ها و هفته نامه‌های تهران و شهرستان‌ها به نام «جبهه مطبوعات متحد» و «جبهه مطبوعات متفق» و کانونی به نام «انجمن روزنامه نگاران» خوانده شد. این انجمن که هدف اساسی اش بنابر نوشته مسعود برزین در کتاب سیری در مطبوعات ایران «تقویت دولت» بود، از آنجا که نتوانست از نظر صنفی اقدامی مثبت در جهت منافع مدیران مطبوعات در قبال کودتای مطبوعاتی پایان سال ۱۳۴۱ معمول دارد، به تدریج رو به ضعف و سستی گذارد و با آنکه اجازه باشگاه مجلل آن و نیز قسمت عمده‌ای از بودجه آن را دربار تأمین و پرداخت می‌کرد به یک تشکیلات تشریفاتی مبدل شد. سپس بر اثر انشعاب گروهی از مدیران و صاحبان امتیاز روزنامه‌ها و مجله‌ها از آن تعطیل شد. اما همین انشعاب کنندگان که دیگر دست آهنین عباس مسعودی و دکتر مصطفی مصباح زاده را بر سر خود نمی‌دیدند، به تأسیس «انجمن مطبوعات» تازه‌ای پرداختند که البته این دو صاحب مؤسسه بزرگ مطبوعاتی در آن شرکت و عضویت نداشتند (بهشتی پور، ۱۳۷۲). بعد از آن سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات برای حمایت از حقوق روزنامه نگاران شکل گرفت.

در این دوره سیاست‌های دربار به شکلی بود که نظارت بر محتوای مطبوعات بیشتر از گذشته اعمال می‌شد، این مسأله را می‌توان از طریق مطالعه خاطرات افرادی که در آن زمان در دربار، یا دولت حضور داشتند دریافت، برای نمونه می‌توان به خاطرات پرویز عدل، از دیپلمات‌های سابق وزارت امور خارجه ایران اشاره کرد. او در یادداشت‌های خود به سیاست‌های مطبوعاتی و اعمال سانسور و چگونگی نگرش به طرح اخبار و اطلاعات در مطبوعات و رسانه‌های دوران پهلوی دوم اشاره می‌کند. او در خاطرات خود بیان می‌کند: "اگر اتفاق تازه‌ای از قبیل کودتا و انقلاب و تغییر دولت یا عقد و یا نقض پیمان‌ها و تجاوزات و اختلافات تازه در روابط بین کشورها طی شب گذشته روی داده بود (در روزنامه‌های آن روز چاپ شده بود) که هنوز رویه ما، یعنی در واقع نظر شاهنشاه درباره آنها، معلوم نبود، در بازگشت از وزارت اطلاعات به اطلاع اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه می‌رساندم تا همان روز، نظر شاه را جویا شود و این نظر را در اختیار من بگذارد که بعد از ظهر همان روز به آگاهی وزیر اطلاعات برسانم. باید دانست که وزیر خارجه اگر در مسافرت بود، معاون اول او هرروز نزد شاه می‌رفت، در حالی که نخست وزیر هفته‌ای یک بار آن هم با کسب اجازه قبلی به نزد شاه می‌رفت به این ترتیب سیاست خارجی رأساً توسط شاه تعیین می‌شد و به وسیله وزیر امور خارجه به مرحله اجرا در می‌آمد....آگهی‌های چاپ شده در مطبوعات نیز کنترل می‌شد و این‌ها نیز تحت تاثیر سیاست‌های خارجه بود» (پرویزعدل، ۱۳۸۵).

در دوران پهلوی دوم، حدود سال‌های ۴۳-۱۳۴۲، در شرایطی که عده‌ی زیادی از اعضا و هواداران گروه‌ها و جمعیت‌های مخالف رژیم در تبعید یا در بند و از هرگونه فعالیت علنی ممنوع بودند، در عین حال در زمانی که روشنفکران رفاه طلب و مطبوعاتیان بالادست که امور مطبوعاتی به خصوص اکثریت اعضای بالادست تحریریه نشریات بزرگ و پر تیراژ را در دست داشتند و تقریبا همه خبرها و مقالات را به دستور مأموران ساواک و پادوهای وزارت اطلاعات و جهانگردی سانسور می‌کردند و از فعالیت اعضای تحریریه این جرائد ممانعت به عمل می‌آمد، مبارزه جدی گروه‌های مذهبی با رژیم محمدرضا شاه آغاز شد و توده کثیری از مردم را به خود جلب کرد، ابتدا فعالان این گروه‌ها و جمعیت‌ها ضمن برپایی جلسه‌های قرائت قرآن در خانه‌ها و سپس تشکیل مراسم عزاداری و روضه خوانی در مساجد و تکیه‌ها به وجود جو فشار و اختناق و سانسور در رسانه‌های گروهی اعتراض می‌کردند. حوزه علمیه قم و روحانیت مبارز به فعالیت خود افزودند و همین امر موجب شد تا چند نشریه مذهبی مخفی هم در قم و در تهران چاپ و منتشر و دست به دست شود. همین فعالیت‌ها موجب شد تا واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به وجود آید و از آن پس مبارزه این گروه‌ها با رژیم به صورت وسیع‌تر آغاز شود. از جمله نشریاتی که از طرف گروه‌های مذهبی در این سال‌ها چاپ و منتشر می‌شد عبارت بودند از فریاد، بعثت (از طرف دانشجویان حوزه علمیه قم) و انتقام خلق (ارگان داخلی حزب ملل

مطبوعات امروزی بیشتر از گذشته کارکرد تحلیلی دارند، زیرا خبرها به سرعت از طریق سایت‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی به کاربران منتقل می‌شود و چگونگی تحلیل رویدادها و تیتریک مطبوعات عامل برتری و تمایز آنها از یکدیگر است. علاوه بر این مورد روزنامه‌ها و مجلات به شکل الکترونیکی در اختیار علاقه مندان قرار می‌گیرد و این باعث کاهش تیراژ روزنامه و به طور کلی مطبوعات می‌شود

اسلامی) و چند نشریه و جزوه (بهشتی پور، ۱۳۷۲).

به طور کلی می‌توان نشریات در این دوره را به دو دسته تقسیم کرد: نشریات رسمی و غیررسمی. نشریات رسمی منعکس کننده اخبار مطابق میل دربار بودند و هم جهت با دولت، در واقع مطالب آن‌ها توسط حکومت کنترل می‌شد، نشریات غیر رسمی هم توسط انقلابیون و گاهی به شکل شب نامه منتشر می‌شد و پنهانی در اختیار افراد جامعه قرار می‌گرفت، تنها رسانه‌ای که در اختیار انقلابیون بود همین نشریات بودند، این نشریات نقش مهمی در شکل گیری انقلاب در سال ۱۳۵۷ داشتند.

هـ مطبوعات ایران از سال ۱۳۵۷ تاکنون

در میان وسایل ارتباط جمعی روزنامه‌ها به دلیل ماندنی بودنشان و سادگی تکنولوژی و امکانات مادی انتشار در مقابل رادیو و تلویزیون، در مقاطع پس از حذف سلطه حکومت‌ها بر مطبوعات بیشتر مورد استفاده گروه‌ها و سازمان‌ها قرار می‌گیرند. در واقع گروه‌های اجتماعی و سیاسی گوناگون از روزنامه‌ها برای بیان عقاید، نظرات و گرایش‌های خود استفاده کرده و به عنوان وابستگان به ارزش به تبلیغ ارزش‌های خود می‌پردازند. به این ترتیب شکل و محتوای چنین روزنامه‌هایی ویژگی انقلابی دارد. یعنی نه مشابه روزنامه‌های استبدادی، به طور مستقیم و غیر مستقیم در تلاش تبلیغ حکومت مستبد و سلطه‌گر سانسور است و نه مشابه روزنامه‌های خبری، بیشتر حالت یک سازمان حرفه‌ای فروش خبر را دارد. بلکه در تلاش تبلیغ ارزش‌های مربوط به ایدئولوژی خاص برای حل مسائل است. برای مثال سه شنبه ۲۶ دی ۱۳۵۷، صفحه اول اطلاعات (یکی از دو روزنامه پر تیراژ عصر) با درشت ترین تیتر تاریخ انتشار روزنامه در ایران چاپ شد. تیتری حاوی دوکلمه «شاه رفت» که به ارتفاع ۱۳ سانتی متر تمامی عرض ده ستون روزنامه را اشغال کرده بود (محسنیان‌راد، ۱۳۷۵).

در طول دوران انقلاب تا شروع جنگ می‌توان چنین کارکردی را (تبلیغ ارزش‌های مربوط به ایدئولوژی خاص) برای مطبوعات قائل شد، پس از آن نقش اطلاع رسانی مطبوعات درباره اتفاقات کشور و دولت و رویدادهای بین المللی افزایش پیدا کرد. مطبوعات چاپی با پیشینه طولانی که دارند، هم چنان جزو وسایل اصلی ارتباطات جمعی به شمار می‌آیند. اما در سالیان گذشته به دلیل پیشرفت ارتباطات و پدید آمدن وسایل جدید ارتباطی همچون رادیو، تلویزیون و سینما، روزنامه نگاری بارها به طور جدی به چالش فراخوانده شده است. این رسانه‌ها هریک به واسطه برخورداری از توانایی‌های قابل توجه در برقراری ارتباط، سهمی از بازار اطلاع‌رسانی را از آن خود ساخته‌اند اما مطبوعات توانسته‌اند با ایجاد تغییرات لازم، مسیر را به طریقی برای ادامه حیات خود هموار سازند. اکنون با ابداع، پیشرفت و گسترش روزافزون اینترنت، ارتباطات نیز به طور کلی دگرگون شده، بار دیگر مطبوعات با پدیده دیگری رو به رو شده اند. از این پدیده با عنوان «روزنامه نگاری الکترونیک» یاد می‌شود (ودودی، ۱۳۸۴).

با ورود اینترنت به ایران و رشد آن، در همه شئون زندگی مردم تغییراتی ایجاد شد، یکی از آنها امکان ارتباط داشتن با جهان پیرامون خود بود، به دنبال آن سرعت انتقال اخبار بسیار افزایش پیدا کرد و این باعث شکل گیری تغییرات فراوانی در روند چاپ و انتشار و کارکرد مطبوعات شد. در دوران کنونی روزنامه‌ها همچنان چاپ می‌شوند و مورد استقبال افراد جامعه قرار می‌گیرند، اما تفاوتی که با روزنامه‌های گذشته دارند در شیوه بیان اخبار و در بعضی موارد تیراژ آنها (به نسبت جمعیت) است. مطبوعات امروزی بیشتر از گذشته کارکرد تحلیلی دارند، زیرا خبرها به سرعت از طریق سایت‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی به کاربران منتقل می‌شود و چگونگی تحلیل رویدادها و تیتر یک مطبوعات عامل برتری و تمایز آنها از یکدیگر است. علاوه بر این مورد روزنامه‌ها و مجلات به شکل الکترونیکی در اختیار علاقه مندان قرار می‌گیرد[5] و این باعث کاهش تیراژ روزنامه و به طور کلی مطبوعات می‌شود.

دانشجو: محدثه رمضانعلی
استاد: دکتر احسان شاقاسمی
نیمسال اول ـ سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۴

زیرنویس:

۱. ترجمه تحت‌اللفظی واژه Newspaper
۲. طلیعه کاغذ اخبار، به اصطلاح امروز «فوق‌العاده»
۳. با اینکه اولین روزنامه ایران عنوان خاصی نداشت که در بالا درج شود، از اعلامیه مذکور روشن است به نام «کاغذ اخبار» معروف بوده. (مولانا، ۱۳۵۸)
۴. خانبالیغ کاغذ بسیار مرغوبی است که در شهر پکن (خانبالیغ) ساخته می‌شد. جنس کاغذ بسیاری از کتب و اوراق خطی نفیس ایران از این کاغذ است.
۵. معمولاً روزنامه‌ها شب قبل از طریق سایت‌ها در اختیار مخاطبین قرار می‌گیرد.

منابع:

ذاکر حسین، ع. (۱۳۸۴). مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت. تهران: دانشگاه تهران.
مولانا، ح. (۱۳۸۵). سیر ارتباطات اجتماعی در ایران. تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
ماکان، ش. (۱۳۸۵). خانه ما در فیشرآباد. تهران: البرز.
یوسفی نیا، ر. (۱۳۸۲). پیدایش و تحول مطبوعات در ایران (از آغاز تا پایان انقلاب مشروطیت). پیام بهارستان، (۲۴)، ۹-۱۴.
محسنیان‌راد، م. (۱۳۷۵). مطبوعات سال‌های نخست انقلاب اسلامی. کلک، (۸۴)، ۶۱-۹۱.
ودودی، ا. (۱۳۸۴). آینده روزنامه نگاری چاپی در چالش با روزنامه نگاری آنلاین. رسانه، (۶۳)، ۱۹۷-۲۲۶.
بهشتی‌پور، م. (۱۳۷۲). مطبوعات ایران در دوره پهلوی (دوره دوم). رسانه، (۱۵)، ۴۶-۵۳.
گلبن، م. (۱۳۴۹). لغت روزنامه و نخستین روزنامه چاپی فارسی. بررسی‌های تاریخی، (۲۹)، ۸۹-۱۰۰.
سعیدی، م. (۱۳۸۳). روزنامه نگاری عصر ناصری (بررسی روزنامه وقایع الاتفاقیه). ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه بیرجند)، (۴)، ۵۹-۶۲.
کریمیان، ع. (۱۳۷۷). میرزاصالح شیرازی و کاغذ اخبار. گنجینه اسناد، (۲۹)، ۵-۸.
فتحی، ب. گل حسینی، ف. (۱۳۸۵). تأملی در توزیع مطبوعات در ایران. کتاب ماه کلیات، (۱۰۶)، ۴۲-۴۷.

توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانواده

جواد طلسچی یکتا، مدیرعامل کانون سراسری مراکز مددکاری اجتماعی کشـــور طی یادداشـــتی اختصاصی در سلامت نیوز نوشت: زنان سرپرست خانواده، سازمان های حمایتی، حمایت همه جانبه، فرایند توانمندسازی، قادرسازی چندجانبه، خودکفایی، بازتوانی …

توانمندسازی واژه عجیبی است. به رغم سادگی در معنا، با گســـتره بسیار بســـیار وسیعی در عمل مواجه ایم. با توجه به وضعیت اخیر آمار و ارقام افزایش آسیب های اجتماعی در حوزه زنان یا به عبارتی زنانه شدن آسیب های اجتماعی ایران (خصوصاً در طی چند سال اخیر)، ضروری است قبل از پرداختن به هر حوزه تخصصی دیگری به زنان و مدل های توانمندسازی آنان بپردازیم.

فارغ از هرگونـــه اظهار نظر در ابعاد مختلف و حاشیه های آســـیب دیدگی ها و آسیب شناسی ها و آســـیب پذیری های زنان، صرفاً به مبحث شیرین تخصصی مدل ها و فرایندهای توانمندســـازی زنان خواهم پرداخت.توانمندسازی ابعاد مختلفی دارد که تحقق آن به صورت واقعی، صرفاً با عملیاتی شدن ابعاد مختلف آن ممکن خواهد شد.

توانمندسازی یک فرایند عملیاتی چندوجهی اســـت که در مســـیر تحقق آن می بایست جوانب مختلف تخصصی مدنظر قرار گیرد. وجوه مختلف و ابعاد مشخص آن شامل تمامی جوانب جسمانی و فیزیولوژیکی، عاطفی، خانوادگی، تحصیلی، فرهنگی، اجتماعی و نهایتاً اقتصادی خواهد بود.

مدنظر قرار نـــدادن یک جزء از اجزای مربوطه، تحقق توانمند شدن واقعی یک زن سرپرست خانوار را معلق و خنثی خواهد کرد. زن سرپرست خانواری که از لحاظ جســـمی و فیزیولوژیکی در سلامت و توانمندی عادی و لازم و کافی نباشـــد، فاقد اعتماد به نفس اســـت، فاقد هرگونه آرامش و سلامت روان در حد بســـیار معمولی و عادی است و نمی تواند به درستی تصمیم گیری کند، نمی تواند پا در مسیر بسیار حساس توانمندسازی بگذارد و به عبارتی دیگر در فرایند توانمندسازی (مدنظر ما مددکاران اجتماعی) قراربگیرد.

زن سرپرست خانواری که از مشکلات عدیده عاطفی و دمای پایین زندگـــی خانوادگی در رنج و عذاب باشد، مسلما تمامی تفکرات و تصمیمات و تحرکات وی تحت الشعاع کمبودهای عاطفی ایشان خواهد بود و سلامت روانی و همچنین اجتماعی وی در فراز و نشـــیب غیر قابل وصفی خواهد بود و این بی ثباتی روحـــی و روانی وی، مانع از هرگونه ثبات فکری و حرکتی وی در مســـیر توانمندسازی (یا به عبارتی دیگر تحقق برنامه کمکی طرح ریزی شده برای وی) خواهد شد.

به نظر نگارنده این یادداشـــت، یکی از بهترین روزنه های توانمندســـازی زنان سرپرست خانواده، تقویت روحیه گروه گرایی آنان است، راغب سازی غیرمستقیم زنان سرپرست خانواده به حضور در گروه ها و مسلماً گروه هایی همگن (تحت مدیریت و کنترل مددکار اجتماعی)، گروه هایی هم سنخ با شرایط فکری، سنی و شرایط خاص خانوادگی و اجتماعی آنان.



زنان سرپرســـت خانواده می توانند به صورت گروهی پا در مسیر توانمندسازی بگذارند. قرار گرفتن آنان در گروه ها، چه در بُعد آموزش و چه در ســـایر ابعاد تخصصی، موضوع بسیار مهم مراقبت اجتماعی از آنان را محقق خواهد کرد. زیرا گروه ها توسط مددکار اجتماعی آنان و با تشخیص دقیق اولویت ها و سنخیت‌ها و همگونی زنان در ابعاد مختلف تشکیل خواهند شد و به واقع زنان به جای قـــرار گرفتن در گروه ها و شـــبکه های اجتماعی متنوع، غیر قابل کنترل و چه بسا پرخطر و آســـیب پذیر بیرونی، در گروه هایی تحت برنامه از قبل تعیین شده، تحت کنترل و مسلماً قابل هدایت تخصصی قرار خواهند گرفت و بدین ترتیب در ابعاد مختلف می توان سطوح رضایتمندی عاطفی، هیجانی، روانی و اجتماعی آنان را تحت تأثیر قرار داد (ارتقا داد)، و هدایت کرد. مددکار اجتماعی در این وضعیت، سکاندار کشتی توانمندسازی گروه های تشکیل شده تحت مدیریتش خواهد بود.

بنابراین گروه و مجموعاً استفاده درست و حساب شده از پتانســـیل های کارگروهی، یکی از بهترین فرمول های توانمندســـازی زنان سرپرست خانواده است. توانمندســـازی مبتنی بر سلامت یا به عبارتی دیگر، سلامت محور شـــدن همه جانبه ابعاد فرایند توانمندســـازی، اعم از فردی، خانوادگی و اجتماعی و …در قالب فعالیت های گروهی زنان به راحتی و سهولت خاصی امکان پذیر است.

در واقع کار گروهی بهترین تسهیل کننده مسیر فرایند توانمندسازی زنان سرپرست خانواده محسوب می شـــود. از صرف انرژی مضاعف جهت برنامه ریزی هـــای نفر به نفر (فـــردی) و اتلاف وقت و انرژی مددکار اجتماعی جلوگیری می کند، موجب تسریع روند اجرای برنامه های کمکی تهیه و تدوین شده برای مددجویان سرپرست خانواده می شود.

اعضای گروه می توانند بر حسب علایق و سلایق مشترک که در مسیر کار گروهی کشف می شود، تحت آموزش های برنامه ریزی شده فرهنگی قرار بگیرند و در واقع از لحاظ فرهنگی بازسازی (بازسازی غیرمستقیم فکری و فرهنگی زنان سرپرست خانواده) شوند و پس از طی مسیر مشـــخصی، برای اجرای فعالیت های مختلف فرهنگی در سطح جامعه ترغیب و تشویق شوند و تحرکات مفید و سودمندی داشته باشند.

زنان سرپرســـت خانواده پس از طی شدن یک مسیر مشـــخص زمانی، در قالب همین فعالیت های گروهی و ارتقای سطوح مختلف فکری، فرهنگی و سلامت روانی- اجتماعی شان و پررنگ شدن حس وحدت و همدلی اعضای گروه (انسجام گروهی) و بر حسب تشخیص مددکار اجتماعی، آمادگی قرار گرفتن در شغلی که به صورت گروهی اداره و مدیریت می شـــود را خواهند داشت و در این مرحله مددکار اجتماعی در جهت قادرسازی اقتصادی آنان وارد عمل خواهد شد.

در پایان به این نتیجه گیری کلی خواهیم رسید که با فرایند ترسیم شده فوق الذکر، بازتوانی و قادرسازی اقتصادی زنان سرپرســـت خانواده، آخرین مرحله از مراحل توانمندسازی قلمداد می شود و بدون مدنظر قرار دادن همـــه مراحل لازم اولیه، هر گونه موفقیت پروســـه‌های مختلف طراحی شـــده توانمندسازی مددجویان زنان سرپرست خانواده محال خواهد بود و با بازگشت مجدد آنان به چرخه های قبلی حمایتی سازمان های خدمات اجتماعی منجر خواهد شد.

نان آوران بی یاور

ادامه از صفحه اول

در این بین رفاه اجتماعی زنانی که سرپرستی خانوار را برعهده دارند، مقوله‌ای است که توجه چندانی به آن نشده است. اگر مسائل و مشکلات این زنان را با شاخص‌های رفاه مقایسه کنیم، شکاف گسترده‌ای مشاهده خواهیم کرد. برای مثال، شاخص‌هایی که برای سنجش رفاه اجتماعی به کار گرفته می‌شود، عبارتند از: بهداشت، آموزش و یادگیری، اشتغال و موقعیت اقتصادی فرد، مشارکت، فرصت‌های اجتماعی، محیط فیزیکی زیست، محیط و روابط اجتماعی، در مورد این زنان، عامل فقر اقتصادی، به ویژه تعیین‌کننده اصلی وضع نابسامان آنها ست.

از سوی دیگر، آنچه اغلب در مورد زنان سرپرست خانوار نادیده گرفته شده، نیازهای روانی و عاطفی آنها بوده است. بر اساس بررسی‌های انجام شده، نگرانی، اضطراب و ناامنی، بیشترین دغدغه زنان سرپرست خانوار نسبت به آینده خود و فرزندانشان است.

به گفته ربیعی وزیر کار، سن زنان سرپرست خانوار رو به کاهش است، حال این که زنان در سنین پس از بی‌سرپرست شدن، معمولاً در برابر مشکلاتی مانند تأمین و مراقبت از کودک (اگر فرزندی داشته باشد)، یافتن سرپناهی مناسب، تأمین معیشت خانواده و دشواری‌های ناشی از اینکه آنها فقط بزرگسال خانواده هستند و باید نقش مادر و پدر را یکجا بازی کنند، قرار می گیرند.

در این میان طلاق، فوت همسر و ازدواج نکردن دختران سه دلیل مهم افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار بوده است که در ۱۰ سال گذشته، عامل اصلی خود سرپرست شدن زنان، طلاق بیان شده است.

حال راهکارهای حمایتی دولت هم در این زمینه قطره چکانی بوده است. سید پرویز فتاح رئیس کمیته امداد امام خمینی با تاکید بر تصویب قوانین لازم در از بین بردن ریشه های فقر در کشور، می گوید: ضرورت دارد قوانینی نظیر بیمه تامین اجتماعی اجباری در پیشگیری از پیامدهای



بعد از وقوع حوادث در مجلس تدوین شود تا با وجود یک حادثه برای سرپرست خانواده، زندگی افراد دچار مشکل نشود.

نادر اصلانی از کارشناسان حوزه جامعه شناسی با تاکید بر اینکه بسیاری از زنان بی سرپرست را زنان بیوه و مطلقه تشکیل می دهند و با افزایش آمار طلاق بسیاری از این زنان در سنین جوانی بی سرپرست می شوند، یادآور می شـــود: عدم اتخاذ تدابیر لازم و دراز مدت و ارائه کمک های ناچیز که در بسیاری موارد موجب تحقیر فرد می شوند، چاره حل مشکل نیست و صرفا فرافکنی آن است.

وی با بیان اینکه مشکلات زنان بی سرپرست ابعادی وسیع تر از مسائل اقتصادی را در بر می گیرد که نیازمند توجه ویژه مسئولان است، اضافه می کند: تشکیل هیات یا گروه های متشکل از دستگاه های دولتی و بخش خصوصی برای رسیدگی به مشکلات زنان سرپرست خانوار لازم و ضروری است.

ذوالفقاری معاون حمایت و ســـلامت کمیته امداد هم از آمار بالای مراجعه زنان خبر می دهد و می گوید: تعداد زنان فقیری که به کمیته امداد برای دریافت کمک مراجعه می کنند، سال به سال زیاد می شود. ما ۸۱درصد زنان خانوار را به دلیل فوت سرپرست خانوار داشتیم، ۱۴ درصد به دلیل طلاق، ۱ درصد به دلیل متارکه و ۴ درصد سایرعوامل را داشتند. تعداد زنانی که به دلیل طلاق مراجعه می کنند سال به سال افزایش می یابد.

ذوالفقاری ادامه می دهد: بیشترین ارباب رجوع ما زنان هستند و در زنان آسیب پذیری در حوزه فقر بیش از مردان است. زنان زیادی هستند که به دلیل فوت همسر خود زیر پوشش قرار می گیرند اما مردانی که دلیل فوت همسرشان زیر پوشش قرار بگیرند بسیار اندک هستند.

از ســـوی دیگر میزان کمکی که نهاد های دولتی در اختیار زنان بی‌سرپرست هم قرار می دهند هم در نوع خود تامل برانگیز است.

بر اســـاس آمار کمیته امداد خمینی(ره) این نهاد برای مستمری خانواده ها ۱۳۵۰ میلیارد برای یک میلیون و ۹۰۰ هزار خانوار پرداخت می‌کند یعنی برای هر سرپرست خانوار در سال ۷۱۰ هزار تومان که در شرایط اقتصادی فعلی شاید هزینه نان این خانواده ها هم تامین نشود.

سازمان بهزیستی هم ۱۶۰ هزار زن سرپرست خانوار را زیر پوشش قرار داده اســـت و بر اساس اعلام مسعودی فرید، معاون اجتماعی این سازمان، برای هر یک از این خانواده ها به صورت میانگین ۶۵ تا ۷۰ هزار تومان پرداخت می شود.

زهره طبیب‌زاده‌نوری، نماینده مجلس، از بی توجهی دولتی ها به زنان گلایه می کند و می گوید : زنان در جامعه ما امکان اشـــتغال کمتری دارند و معمولاً تحت تکفل پدر یا همسر خود هستند. حال اگر به دلایلی این دو حامی مالی را از دســـت بدهند و مادر آن‌ها هم به عنوان یک زن سرپرست خانوار قدرت تأمین زندگی فرزندانش را نداشته باشد، این دختر برای تأمین خواست‌های خود دچار آسیب‌های مختلفی خواهد شد.

وی ادامه می دهد: زن سرپرست خانوار وقتی نتواند زندگی خود را تأمین کند، به بزهکاری کشیده می‌شود. در واقع، فقر و ناتوانی مالی این زنان زمینه بروز آسیب و بزه اجتماعی در آن‌ها را افزایش می‌دهد.

کودکان و آلودگی هوا

ادامه از صفحه اول

ارتباط همه چیز با محیط زیست

روزهـــای پایانی دی‌ماه و در آســـتانه روز هوای پاک، در محل باشگاه هوداران جمعیت امام علی(ع) در تهران، نشســـتی با حضور مسئولان عرصه آمـــوزش و محیـــط زیســـت درباره «کودکان و آلودگی هوا» برگزار شد.

جمعیت امام علی(ع)، یک تشـــکل مردمی –دانشجویی است که برای کودکان آسیب دیده به ویژه کودکان کار و خیابان فعالیت می کند و بدیهی اســـت که با دیدگاه کل نگری که این مجموعه به معضلات گریبانگیر کودکان جامعه دارد، نمی تواند هیچ آســـیبی را نادیده بگیرد و البته که در این میان آلودگی هوا، یکی از مهم‌ترین این مشکلات است.

جلسه آغاز شد و محور گفتگوها و پرسش و پاسخ‌ها کودکان بودند و معضل آلودگی هوا.

مهندس بازگیر، رئیس اداره محیط زیســـت شهرستان تهران نیز در این نشست، حضور داشت و با اشاره به تأثیرگذاری چندین شاخص مختلف در موضوع آلودگی هـــوا و با تاکید بر نقش مؤثر خانواده ها در جلوگیری از بروز معضلات محیط زیســـتی، نحوه عملکرد صحیح هر فـــرد را در برون رفت از شرایط آلودگی هوا، مفید و پر اهمیت برشمرد و با یادآوری حجم بالای مصرف سوخت در کشورمان و به ویژه شهر تهران و ابراز نگرانی از این موضوع، حفظ محیط زیست به عنوان یکی از ارکان مهم توسعه پایدار را نیازمند توجه و درایت بیشتری‌دانست.

ژما جواهری پور، مشـــاور معاونت آموزش و پرورش ســـازمان حفاظت محیط زیست و دبیر قطب کشوری محیط زیست و توسعه پایدار آموزش و پرورش نیز با توجه به مســـئولیتی که در حوزه آموزشی سازمان محیط زیست بر عهده دارد، ضمن پاسخگویی به سؤالاتی که در این زمینه مطرح شد و نیز با توضیح علل ریشه‌ای دشواری‌های نهادینه شدن فرهنگ محیط زیستی در برخی جوامع، نقدهایی را به نظام آموزش در این ارتباط وارد دانست و ضمن اشاره به مدیریت نامطلوب در برخی موارد، مطالبات نامناسب اقشار جامعه و تعاریف نادرست عامه مردم از پیشرفت‌های صنعتی را به عنوان عامل مهمی در تصمیم‌گیری های نادرست مسؤولان و در نهایت بروز معضلات محیط زیستی از جمله آلودگی هوا عنوان کرد.

وی دو مساله عمده اکثر کسانی که با مسائل محیط زیست مواجه می شوند را چنین برشمرد:

۱– بین مســـائل مختلف اعم از اجتماعی و اقتصادی و حتی سیاســـی و محیط زیست ارتباط وجـــود دارد مثل همیـــن موضوعی که جمعیت امام علی این نشست را برای آن ترتیب داده است. شاید در نگاه اول بین وضعیت بحرانی کودکان به ویژه کودکان کار در زمان بحران آلودگی هوا با مسائل اجتماعی و محیط زیستی ارتباط تعریف شده‌ای ملاحظه نشود ولی می بینیم که یک نیمروز در این خصوص بحث شده تا الزامات قانونی و تعریف شفافی از متولیان آن به دست آید. از این دست مسایل بسیار زیاد است ولی متأسفانه کمتر به این شکل هر بخشی در تخصص کاری خودو مسایل محیط زیست مستندات ارائه کرده است. این نخستین موضوعی است که باید در ادامه راه به آن پرداخت و سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان دستگاه حاکمیتی و نظارتی این ارتباطات را استخراج کند و البته در این مسیر همکاری و مشارکت سایر بخش های اجتماع و دولت اهمیت بسزایی دارد و لازم است که تمامی دستگاه‌ها و نهادها به این اختیار ذاتی سازمان حفاظت محیط زیست در درجه اول آگاه شوند و بعد از آن با سازمان برای تعریف این ارتباطات همکاری کنند.

۲– بسیاری از ما اعتراف می کنیم که در مرحله اجرای فعالیت ها– به طور خاص در بحث محیط زیست – با موانعی مواجه می شویم که راه حل رفع این مشـــکل تعریف مکانیزم کاری است. به طور مثال مکانیزم کار پاکسازی توسط یک نهاد مردمی با همکاری یک مدرسه و مسیری که باید طی کند می بایست شـــفاف و روشن تعریف شود یا یک دستگاه دولتی موظف است از مسیر قانون به سازمان حفاظت محیط زیست پاسخگو باشد. اجرایی شدن چنین فرایندهایی نیاز به تعریف مکانیزم‌های اجرایی دارد و اتفاقا این بخش با هر موضوع یا تکنولوژی جدید نیاز به باز تعریف و نیز همکاری همه جانبه تمام بخش های دولتی وغیر دولتی دارد.



از شعار تا باور

زهـــرا رحیمـــی، مدیرعامـــل جمعیت امام علی(ع) نیز ضمن ابراز نگرانی مجدد از معضل نگران کننده‌آلودگی هـــوا به عنوان تهدیدی برای سلامت تمامی کودکان و بالاخص کودکان کار که ســـاعات زیادی از روز را به ناچار در خیابان ها می‌گذرانند، پایان دادن به چرخه معضلات کودکان را نیازمند توجه جدی مسؤولان و عموم شهروندان دانست.

وی اشاره کرد که بر این باور است که در راه برطرف کردن معضلاتی از این دست، امدادرسانی مقطعـــی و زودهنگام نیز در کنـــار تلاش برای ریشه‌کن کردن مشکلات ضروری است. مدیر عامل جمعیت امام علی(ع) ضمن تأکید بر اشراف کامل این تشکل بر اهمیت موضوع آلودگی هوا، اطلاع رســـانی عمومی در جامعه و تلاش برای گذار از مرحله ســـردادن شعارهای محیط زیستی به وادیِ باور پذیرکردن مشکلات و ارائه راهکارهایی برایِ کمک به حل مشکلات با مشارکت عامه مردم را از برنامه‌های این سازمان مردم‌نهاد دانست.

رئیس اداره محیط زیست شهرستان تهران با تاکید بر نقش مؤثر خانواده ها در جلوگیری از بروز معضلات محیط زیستی، نحوه عملکرد صحیح هر فرد را دربرون رفت از شرایط آلودگی هوا، مفید و پر اهمیت برشمرد و با یادآوری حجم بالای مصرف سوخت در کشورمان و به‌ویژه شهر تهران و ابراز نگرانی از این موضوع، حفظ محیط زیست به عنوان یکی از ارکان مهم توسعه پایدار را نیازمند توجه و درایت بیشتری دانست

حسن اجتماعی، فعال مستقل اجتماعی و محیط زیستی نیز با بیان این مطلب که حلقه گمشده در این مساله، وجود افرادیست که در هر دو زمینه ورود کرده باشند گفت: این افراد می‌توانند با شناخت ظرفیت‌ها به مترجمی بین سازمان‌ها و تشکل‌ها تبدیل شوند و در نهایت با هم‌افزایی و هم‌پوشانی بین افراد مختلف گام بردارند.

بد نیست بدانید که زهرا رحیمی، مدیر عامل انجمن به همراه نوزاد خود به جلسه آمده بود و در پاســـخ به یکی از حضار که به وی یادآور شد که ایکاش نوزادش را در این هوا با خود بیرون نمی‌آورد، گفت: کودک من هم یکی از فرزندان این سرزمین است و در همین هوا نفس می‌کشد. شاید حضورش باعث شود که این سوال در ذهن بقیه افراد هم بیاید و همه با هم به فکر فرو رویم و بیشـــتر به فکر کودکان‌باشیم.

*

باخبر می شـــوم که تعدادی از کودکان یک مرکز پیش دبستانی وابسته به شهرداری، قرار است در روزهـــای آلوده و تعطیل، به میان مردم بروند و ماسک پخش کنند تا نسبت به آلودگی هوا و تأثیرآن بر کـــودکان، هم اعتراض کنند هم طلب کمک! با مدیر این طرح تماس می گیرم تا در این باره گفتگو کنیم.هانیه محتشم، مدیر مرکز استعدادیابی اندیشه خلاق است و در کمپین‌های مربوط به هوای پاک و زمین سبز، آسمان آبی فعالیت دارد. می گوید گاهی برای بزرگسالان، گاهی برای کودکان زیر ۷ سال، برنامه‌های آموزشی یا اجرایی مختلف می گذاریم و چون یکی از شعبه‌های مراکز استعدادیابی و اندیشه خلاق، زیرمجموعه شهرداری است، پیام‌ها و کلیپ کارهای مـــان را در برخی موارد روی بیلبوردهای شهری می بریم و برای مردم پخش می کنیم.

کارهای نمادین هشدار بزرگی به افراد می دهند،مگر نه این که یک روز که ماشین کمتری بیرون می‌آوریم هوا، تمیز می شود، پس اگر خیلی ازکارهای مان را تصحیح کنیم، خیلی چیزها تمیز و درست می شوند. ما هر اصلاحی را باید از قلب‌مان شروع کنیم. مطمئن باشید که همه جا گسترده و منتشر می شود!

محتشم از کارهایی که تا امروز برای کودکان انجام داده چنین می گوید: به بچه ها کیســـه زباله دادیم و با هم به پارک رفتیم تا به کسانی که روی زمین آشـــغال می ریختند تذکر بدهیم. به میادین تره بار نیز رفتیم و بچه‌ها پاکت‌های مشـــمایی را از فروشـــنده‌ها و خریداران مـــی گرفتند و به آن‌ها پاکت‌های کاغذی می دادند و بروشورهایی نیز توزیع می کردند تا به مردم بگویند که کدام کارها باعث می شود زمین و آسمان و آب و خاک و هوا، آلوده شوند و حیات جانداران به خطر بیفتد.

وی اشاره می کند که این بار اما می خواهیم با بچه‌ها و ماسک‌ها و شش‌هایی که در اثر تنفس هوای آلوده، از بین رفته اند یا پیرمرد و پیرزنی که ماسک اکسیژن بر صورت دارند، به میان مردم و ایستگاه‌های مترو برویم و به همه نشـــان دهیم که کودکان و کهنســـالان، بیش از همه در معرض خطر هستند. کودکان به مردم ماسک و گل می دهند تا بگویند نگذارید ما آسیب ببینیم...

مدیر مرکز استعداد یابی اندیشه خلاق از تأثیر این آموزش ها بر کودکان می گوید: بدون شـــک، آموزش به کودکان، بی نتیجه نیست. زیرا والدین به ما می گویند که در اثر آشنایی کودکانشان با این مسایل، هرفرد سیگاری که می بینند، صادقانه فریاد می زنند که مامان، این آقا/خانم دارد سلامت هوا و سلامت خودش را نابود می کند!

یا فرزندانشان به زباله ها و برون ریزها دقت می کنند. خیلی چیزها را بر می دارند و می گویند هنوز می‌شود از این ها استفاده کرد و با مواد بازیافتی خانه، کاردستی درست می کنند. یعنی فکر می کنند و هربار یک چیزی خلق می کنند!

محتشم تأکید دارد که این کارها نمادین است ولی هشـــدار بزرگی به همه افراد می دهد. مگر نه ایـــن که یک روز که ماشـــین کمتری بیرون می‌آوریـــم هوا، تمیز می شـــود، پس اگر خیلی ازکارهای مان را تصحیح کنیم، خیلی چیزها تمیز و درست می شـــوند. ما هر اصلاحی را باید از قلب مان شـــروع کنیم. مطمئن باشید که همه جا گسترده و منتشر می شود!

حرف های خانم محتشم که تمام می شود با خودم می گویم: این همه کارهای نمادین از مردم حتی کودکان برای نشان دادن آسیب پذیری آنان در برابر آلودگی هوا انجام می شود ولی برای کارهای عملی و مســـؤولانه، فقط دریغا گوی هستیم و در انتظار؛ چرا؟

وجیهه‌تیموری



چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۵ بهمن ماه ۱۳۵۴ (برابر با ۲۳ محرم ۱۳۹۶، ۲۵ ژانویه ۱۹۷۶) نقل شده است

طرح سرشماری بزرگ بهداشتی تهیه شد

براساس برنامه‌ای که به وسیله مسئولان وزارت بهداری تهیه و تنظیم شده است، در اسفند ماه آینده مأموران‌های این وزارت خانه از بیمارستان‌های سراسر کشور سرشماری خواهند کرد. هدف از انجام این برنامه تعیین وضعیت انواع بیماری‌ها و پراکندگی آنها در توزیع جغرافیائی کشور و آگاهی از نوسانات بیماریها با توجه به اجرای برنامه‌های بهداشت رایگان و اثرات آن در پیشگیری بیماری‌ها است.

در این سرشماری ضمناً تعداد کل تخت‌های بیمارستانی کشور اعم از دولتی ـ نیمه دولتی ـ رفاهی ـ خیریه ـ و خصوصی تعیین و مشخص خواهد شد. براساس آمار دیگری که مأموران وزارت بهداری تهیه کرده‌اند، میزان مرگ و میر در ۱۰ سال گذشته از ۲۴ به ۱۶ در هزار کاهش یافته است.

پرداخت کمکها غیر نقدی سال آینده ادامه می‌یابد

پرداخت کمک‌های غیر نقدی ۹ ماهه سال جاری به کارمندان در تمام سازمان‌های دولتی جریان دارد و پیش بینی می شود که پرداخت کمک‌های غیر نقدی مربوط به سه ماهه آخر سال نیز از اواخر اسفندماه آغاز خواهد شد.

پرداخت این کمک‌ها در سال آینده هم ادامه خواهد یافت.

این پرداخت براساس کمک‌های غیرنقدی ماههای پیش به کارمندان انجام خواهد شد.

خط هوائی تهران ـ قاهره گشوده شد

خط هوائی تهران ـ قاهره، امروز طی مراسمی با حضور امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر گشایش یافت. در این خط، هواپیماهای «هما» هفته‌ای دو روز ـ یکشنبه و پنجشنبه صبح ـ پرواز خواهند کرد. هواپیماها در طول پرواز رفت و برگشت خود، در فرودگاه کویت نیز فرود می آیند.

پدر و مادر دوقلوهای بهم چسبیده با جدا کردن آنها مخالفند

فیروزآباد فارس ـ خبرنگار اطلاعات: مریم صفری و دادالله بیرنی پدر و مادر لاله و لادن خواهران بهم چسبیده شیرازی که در فیروزآباد فارس زندگی می کنند، با جدا کردن این دو خواهر، مخالفت کردند. آنها، ضمن مخالفت با جداسازی فرزندان بهم چسبیده خود، گفتند: ما به مرگ هیچیک از فرزندانمان راضی نیستیم و شنیده‌ایم، با جدا شدن لاله و لادن از یکدیگر خطر مرگ یکی از آنها حتمی است.

دادالله پدر دوقلوهای بهم چسبیده گفت: من نمی توانم، ورقه مرگ یکی از فرزندانم را امضا کنم. این کار یک جنایت است و من نمی توانم به دست خود یکی از جگر گوشه‌هایم را به دست چاقوی جراحی بسپارم.

اگر پزشکان اطمینان دهند که با این عمل، هر دو فرزندم زنده خواهند ماند، به جدا کردن آنها، اجازه خواهم داد.

تخلفات اداری و مالی راه آهن

از سوی وزیر راه و ترابری هیئتی مأمور رسیدگی پی گیری و تشخیص متخلفان اداری و مالی راه‌آهن دولتی ایران در زمینه صدور احکام غیر قانونی برای یک معاون کل و ۲۸ مدیر کل و ۳۰۰ کارمند شد.

سخنگوی راه‌آهن دولتی ایران امروز طی اطلاعیه‌ای در مورد تغییراتی که اخیراً در احکام اداری تعدادی از کارمندان در راه‌آهن داده شده است، توضیحاتی داد.

صالح علاء دچار «تک گوئی» شده

محمد صالح علاء کارگردان جوان که از او یک نمایشنامه‌ای سه دقیقه‌ای در خانه نمایش و اطاق اکسیژن را در کارگاه نمایش بر صحنه دیده‌ایم نمایشنامه دیگری به نام تک گوئی اثر هارولد پینتر را برای تلویزیون ضبط کرده است.

در این نمایشنامه که مدت آن به نیم ساعت می رسد تنها یک هنرپیشه بازی دارد.

صالح علاء در کنار نمایشنامه تک گوئی نمایشنامه دیگری با نام کیفر پرخوری که از کمدیهای رم قدیم است در کار ضبط دارد که مدت آن در حدود پانزده دقیقه است و سی نفر بازیگر دارد.

قاب امروز



بازار کهنه فروشان کرمانشاه

عکس از: داوود عرفان کرمی ـ ایسنا

سرایه

بیرون ز جهان و جان یکی دایه ماست
دانستن او نه در خور پایه ماست
در معرفتش همینقدر می‌دانم
ما سایه اوییم و جهان سایه ماست

مولوی

پند بزرگان

ـ یک چیز را خوب می‌دانم و آن این است که هیچ نمی‌دانم.

سقراط

ـ جرم این است که ندانیم زندگی خیلی ساده تر از اینهاست که ما فکر می کنیم.

فریدریش نیچه

امروز در تاریخ

اندرز عباس میرزا فراموش شد و ایران آسیب دید

۲۵ ژانویه سال ۱۸۱۵ میلادی عباس میرزا ولیعهد وقت که مردی دورنگر و میهندوست بود هنگام اعلام ایجاد رسته در ارتش ایران به سبک ارتش های اروپایی ازجمله رسته پیاده، توپخانه و ... خطاب به فرماندهان هنگ‌های ۱۱ گانه تازه گفت: خیال نکنید که خطر روسیه و عثمانی پایان یافته است. ما بازهم در همین نقطه‌ای که ایستاده ایم (تبریز) شاهد تجاوز نظامی آنها خواهیم بود و باید از امروز خود را با آن تجاوز که معلوم نیست در چه زمان صورت گیرد آماده سازیم و تنها اجساد متجاوزان به خاکمان را پس بدهیم. و .... درست صد سال بعد، و در ۲۵ ژانویه ۱۹۱۵ (بهمن ۱۲۹۳ خورشیدی) در تبریز میان نیروهای روسیه که با نقض بی طرفی ایران در قبال جنگ جهانی اول، ازطریق قفقاز وارد ایران شده بودند با نیروهای عثمانی که قبلا در آذربایجان استقرار یافته بودند نبرد آغاز شد که پس از هفت روز با شکست عثمانی ها پایان یافت و روس‌ها در سراسر آذربایجان مستقر شدند و تعرض به نقاط دیگر را آغاز کردند. علت ورود این دو نیرو و متعاقب آنها، انگلیسی ها به ایران به چه جراتی بود؟، ضعف نظامی و به فراموشی سپردن اندرز عباس میرزا.

مخالفت کارتر با سفر شاه به آمریکا

نوزدهم ژانویه ۱۹۷۹ سفیر آمریکا در قاهره به شاه (محمدرِضا پهلوی) که شانزدهم این ماه کشوررا ترک و وارد اَسوان در جنوب مصر شده بود اطلاع داد که مصلحت نیست فعلا به آمریکا برود و از آن لحظه به بعد سرگردانی شاه آغاز شد.طبق اسناد و عمدتا تاریخ شفاهی (مصاحبه مقامات وقت و نزدیکان شاه ازجمله امیراصلان افشار رئیس تشریفات سلطنتی که با او در اسوان مصر بود)، قرار بود که شاه پس از تأیید نخست وزیری شاپور بختیار در سنای ایران به آمریکا برود و مدتی در اینجا باشد و بیماری سرطان او زیر کنترل درآید.

نخستین انتخابات ریاست جمهوری در ایران

پنجم بهمن سال ۱۳۵۸ نخستین انتخابات ریاست جمهوری ایران برگزار شد. طبق اعلامیه نهم بهمن ماه سه نفر اول به این ترتیب اعلام شده بودند: ابوالحسن بنی‌صدر، احمد مدنی کرمانی (دریادار) و حسن حبیبی.بنی صدر رئیس جمهور شد.

www.iranianshistoryonthisday.com

۴۰۵۹ جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

- شهری در همدان
- برای او ارزش قائل شدن
- دولت‌ها
- سو چشم
- نت چهارم
- مستقیم
- فهرست غذا
- نفس خسته
- زد و بند، تبانی
- نامی دخترانه
- سرمایه زندگی
- ساز اصیل ایرانی
- عضو فعال بدن
- سخن غیر منظوم
- شتر بی‌کوهان
- مدار مجتمع
- حرف فاصله
- رود آرام
- آبگیر و برکه
- جوانمرد
- رودی در آلمان
- قمر
- غمگینی
- نمایشنامه غم‌انگیز
- نام دیگر سوره تبت
- مال و اموال
- نازا
- عامل وراثت
- کافی
- ابزار نجاری
- ورزش آبی
- بزرگتر
- تواضع و تعظیم
- مالیدن
- اشاره جمع به نزدیک

ک
و
ت

حل ۴۰۵۸

کنیه حضرت رسول (ص)	بدون دریافت مزد یا حقوق	ت	پارچه مشبک / مادر ترک	دشمن باطل / آشیانه	ح	شبکه تلویزیونی / عمران	ن	حداکثر
ا	ب	و	ا	ل	ق	ا	س	م
ا	ی	ر	ن	ا	امر به آمدن / گوشه خلوت	ب	ی	ا
خبرگزاری رسمی ما / عالم نهان	ج	بخش سلول / اندام پرواز پرنده	ا	ن	د	ا	م	ک
غ	ی	ب	کشور گاندی / میوه آتشین	ه	ن	د	شهر ترکستان	ز
ق	ر	ا	ن	شاعر بهارستان / بت آسمان جل	ج	ا	م	ی
کتاب هدایت بشر / ماه نو	ه	ل	ا	ل	ملایم	ن	ر	م
ج	و	کشف مادام کوری / پارچه ای سفید	ر	ا	د	ی	و	م
اتسفر / مکیدن	م	ک	مقوای نازک در قطع کوچک	ت				
ک	و	ر	ک	جوی آب				
جوش چرکی / ماه پاییزی	ا	ب	ا	ن				
ا	ج	ا	ر	ه				
کرایه / بالین	ب	س	ت	ر				

سودوکو ۱۵۴۶

۴	۷		۸	۶				
			۲				۷	۵
		۹						
		۶			۸	۱	۹	
	۴						۳	
	۹	۲	۶			۷		
						۹		
۶	۸				۴			
				۳	۷		۸	۴

حل ۱۵۴۵

۲	۳	۵	۹	۸	۶	۷	۴	۱
۹	۸	۶	۷	۴	۱	۲	۳	۵
۷	۴	۱	۲	۳	۵	۹	۸	۶
۳	۵	۸	۶	۲	۹	۴	۱	۷
۴	۲	۹	۳	۱	۷	۵	۶	۸
۶	۱	۷	۸	۵	۴	۳	۲	۹
۵	۶	۲	۴	۹	۸	۱	۷	۳
۸	۹	۳	۱	۷	۲	۶	۵	۴
۱	۷	۴	۵	۶	۳	۸	۹	۲

دکتر رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم: **«اطلاعات» کوشیده حرمت اشخاص و گروهها را رعایت کند**



مباحث مهم سیاسی و اجتماعی در آینۀ بیانات رهبری



سردار شوشتری؛ شهید وحدت آفرین



مرکز پژوهش روزنامه اطلاعات تلگرافهای تاریخی را منتشر میکند

آزادی زنان دستاویز محمدعلی میرزا برای به توپ بستن مجلس



این ژنرال ایرانی الاصل و مسلمان میخواست امپراتوری روسیه را نجات دهد



گفت‌و‌گوی هفته‌نامه صدا با سیدمحمود دعایی:

حسن خمینی آینده‌ای درخشان دارد



اطلاعات ۱۳۰۴

ویژه‌نامۀ نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

ویژه‌نامه سوّم

دوشنبه ۵ بهمن ۱۳۹۴ـ ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ - ۲۵ ژانویه ۲۰۱۶
سال نودم ـ شماره ۲۶۳۶۰-۳۰۸ صفحه



پاسخی به یک شبهه تلگرامی

پیغام صدام برای مذاکره را در جلسه خصوصی به امام گفتم

دعایی از سفارت در عراق وجنگ می‌گوید



دیروزِ اطلاعات و اطلاعاتِ امروز



تجلی کلام خدا در طبیعت

دکتر سیدمصطفی محقق داماد



مردی که انسان کلمه بود

دنیای دیوانگان دنیای کلمات است...



تاریخ سینما در ایران

سینمای بعد از انقلاب؛ آغاز دگردیسی
آلبوم تصاویر سینمایی



قهرمانان ورزشی جامعه ایران

آلبوم تصاویر مدال‌آوران المپیک
تیم ملّی و باشگاه‌های فوتبال ایران

و با آثاری از: علامه محمدتقی جعفری ، دکتر غلامحســین دینانی ، دکترمحمدامین ریاحی، دکتر تقی آزاد ارمکی ، دکترهمایون کاتوزیان ، افشین علاء ، دکتر حسام‌الدین واعظ‌زاده ، دکترابوالقاسم قاسم‌زاده فتح‌الله آملی ، استاد محیط طباطبایی ، دکتر عبدالحسین زرین کوب ، ایرج افشار ، منوچهر آتشی ، حمید یزدان‌پرست و...



۴



ویژه‌نامهٔ نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

بسم الله الرحمن الرحیم

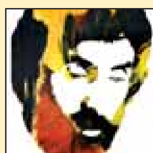
ویژه‌نامه سوّم

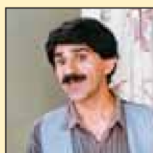
دوشنبه پنجم بهمن ۱۳۹۴ـ ۱۴ربیع‌الثانی ۱۴۳۷ ـ ۲۵ژانویه ۲۰۱۶ - سال نودم ـ شماره ۲۶۳۶۰

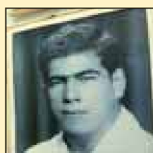
اشاره ◀ ۷

مباحث مهم سیاسی و اجتماعی در آینهٔ بیانات رهبری ◀ ۹

ازمیان نوشته‌ها ◀ ۲۵











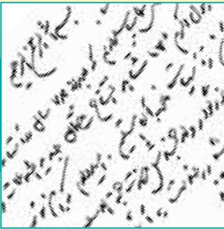


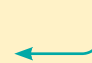
حماسه پایداری ◀ ۹۹





یاد و یادآوران در دفتر یادبود ◀ ۱۱۵









صاحب امتیاز: **شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)**

مدیر مسئول: **سیدمحمود دعائی**

سردبیر: **علیرضا خانی**

زیرنظر: **جلال رفیع**

آرشیو و انتخاب مطالب: **بهروز طیرانی**

مدیراجرایی: **رضا گنجی**

گرافیست: **شهرام شهدی**

بازسازی و پردازش تصاویر: **صباح سلامت**

چاپ: **شرکت ایرانچاپ** (تلفن ۲۹۹۹۳۳۸۶)

نشانی اینترنت: **http://www.ettelaat.com**

پست الکترونیکی: **ettelaat@ettelaat.com**

نشانی: **تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات** کد پستی: **۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)**

تلفن: **۲۹۹۹۹**







اشاره

دربارهٔ آخرین ویژه‌نامه

پیشـــتر هم گفته شده است که سال ۱۳۹۴، نودمین سال تولّد روزنامه اطلاعات را در تقویم تاریخ مطبوعات نشـــان می‌دهد. امســـال به خوانندگان روزنامه اطلاعات وعده داده شده بود که عکس‌ها و نوشته‌هایی به همین مناسبت در قاب و قالب دو ســـه «ویژه‌نامه» منتشر خواهد شد. ویژه‌نامه اول در تاریخ شنبه ۲۰ تیر ماه ۹۴ (۱۹ تیر ماه زادروز نخستین نسخهٔ روزنامه اطلاعات تعطیل بود) و ویژه‌نامه دوم در تاریخ دوشنبه ۲۳ شهریور ماه ۹۴ به صورت ضمیمه روزنامه انتشـــار یافت. اینک ویژه‌نامه سوم پیش روی شما است که مُهرپنجم بهمن‌ماه ۹۴ را بر پیشانی دارد.

ویژه‌نامه ســـوّم از ده فصل مکمّل و مرتبط با یکدیگر فراهم آمده اســـت. فصل اول «مباحث مهم سیاسی و اجتماعی در آینه بیانات رهبری»، فصل دوم «از میان نوشته‌ها»، فصل سوم «حماسه پایداری»، فصل چهارم «یاد و یادآوران در دفتر یاد و یادبود»، فصل پنجم «مشاغل دیروز»، فصل ششم «قهرمانان ورزشی جامعه ایران، مردان المپیکی و فوتبالی»، فصل هفتم «تاریخ ســـینما در ایران»، فصل هشتم «دیروز اطلاعات، اطلاعات امروز»، فصل نهم«کارنامهٔ سی‌سالهٔ انتشارات اطلاعات» و فصل دهم «موزه چاپ روزنامه اطلاعات» .

فصل «از میان نوشـــته‌ها» ـ فصل دوّم ـ برخی از مقالات و مصاحبه‌ها و گزارش‌ها و ســـروده ها را به صورت نمونه و به اصطلاح «رندوم» فراهـــم آورده در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد، تا چند مطلب متنوّع و منتخب از فضای فرهنگی سالهای دور و نزدیک در یک فاصله چهل‌ساله را به طریقی که در حکم تفأل و تصادف است مطالعه و ارزیابی کنند.



ابتدای این فصل به بیان توضیحات ناگزیر و ضروری‌یی اختصاص دارد که با دو واقعه جداگانه در همین سال ۹۴ مرتبط اســـت. اگر این دو واقعه به شـــکل علنی و عمومی مطرح نشده و نیز با انواع شایعات همراه نشده بود، شاید ســـکوت می‌توانست مرجّح باشد، امّا طرح و شرح دو اتّهام به صورت یک شکوه قضایی و یک شبهه مجازی (اینترنتی)، توضیحات مرتبط با خود را می‌طلبد. متن این توضیحات، متهم کردن و مقصر دانســـتن هیچ‌کسی را تعقیب نمی‌کند بلکه فقط به منظور روشـــن‌تر شدن دو موضوع مورد بحث و فحص، در این ویژه‌نامه آمده است. امیدواریم در هر دو مورد (چه شـــکایت حوزهٔ قضایی و چه شـــبههٔ فضای اینترنتی)، برخورداران از حُسن نیّت و حُسن اخلاق که جستجوگر راه‌ها و شـــیوه‌های «اصلاح ذات‌البین»اند، انصاف را بر هر امر دیگری ترجیح دهند. زیرا مدیر مؤسسه اطلاعات حتّی در مقام عالی متّهم نیز(!) قصد خیر و حُسنِ نیّت داشته است و دارد.

در فصل ســـوم (فصل یاد و یادآوران در دفتر یادبود)، ممکن است بعضاً نام و نشان کسی آمده باشد که روزی روزگاری در مقام مجاز و رسمی خویش برای لحظاتی میهمان مؤسسه اطلاعات شده در کنار ده‌ها تن دیگر سایهٔ دستی بر صحیفه هســـتی به یادگار گذاشته باشد. انصاف نیست که به بهانهٔ رعایت مصلحت‌های بعدی بخواهیم تاریخ وقایع قبلی را نیز تغییر دهیم یا حذف کنیم و مثلاً اگر روزی به نام و نشـــان وزیران یا به نام و نشان رؤسای جمهور رســـیدیم ترس یا طمع را مبنا قرار داده تاریخ اوراق شده‌ی رخدادهای جامعه خود را در آن مقطع زمانی از کتاب تاریخ بکنیم و دور بیفکنیم! بعید اســـت که اهل بصیرت چنین انتظاری داشته باشند. دریا با ظرفیّت‌تر از آن است که استکان‌وار با ورود قطره‌ای موج پیدا کند و سکینه درونی را از کف داده توفانی شود.

فصل‌های پنجم و ششم و هفتم علاوه بر مراعات تنوّع، نیم‌نگاه تاریخی را نیز در حدّ مجال با خود همراه دارد. صفحاتی از کتاب تاریخ «مشـــاغل» و «ورزش» و «سینما» را در این ســـه فصل ملاحظه خواهید کرد. البته به واقعیّت‌های مثبت و منفی یا مفید و مضرّ هم در این ســـه فصل البته به تناسب ظرفیّت اشاره و اقرار شده است.

امّا ذکر خیر و شـــرّ بیش از آن، یا کاملاً توضیح واضحات است یا مجال مستقل می‌طلبد. در اینجا اشارتی کفایت می‌کرده است.

فصل‌های هشـــتم و نهم و دهم (چهرهٔ کارکنان بخش‌های مختلف مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی و انتشاراتی اطلاعات را به چشـــم آوردن، کارنامه سی سالهٔ انتشـــار کتاب از طریق مؤسسه اطلاعات را به دست اهل کتاب سپردن،موزهٔ چاپ روزنامه اطلاعات را به پژوهندگان و دوســـتداران حوزه‌های تاریخ و طبع و نشر شناساندن)، نه از این باب بوده اســـت که تعریف از خود دانسته شود. «معرّفی» در زبان فارسی رایج امروز، با «تعریف» نباید اشتباه گرفته شـــود. موزه چاپ و کارنامه کتاب و نام و نشان همکاران تلاشگر یک مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی و انتشاراتی را به خوانندگان و بینندگان پرسشـــگر معرّفی کردن، از ضرورت‌های روشن دیگری ـ بجز تمایل به تعریف و تمجید ـ تبعیّت می‌کند.

نکته پایانی هم شایســـتهٔ یادآوری است. صرف ۹۰ ساله شدن و ۹۰ ساله بودن به تنهایی افتخارآمیز نیست، هر چند در دنیای بی‌ثباتِ خاورمیانه‌ی تاریخ معاصـــر، نفس ماندن و ماندگار برآمدن از گرداب متلاطم حوادث واقعه و وقایع‌اتفاقیه، واقعاً برای خودش محلّی از اعراب دارد و در جایگاه خود قابل مقایســـه و بررسی و ارزیابی و نتیجه‌گیری است. ۹۰ ساله شدن و ۹۰ ساله بودن را از دریچهٔ «تجربه» است که (در عالم معنا) ارج می‌نهیم و اجر می‌دهیم. تجربه تدریجی و طولانی می‌تواند غنای حیات و حرکت را افزون‌تر کند، اگر قدر و قیمتش را بایســـته و شایسته بتوان شناخت.

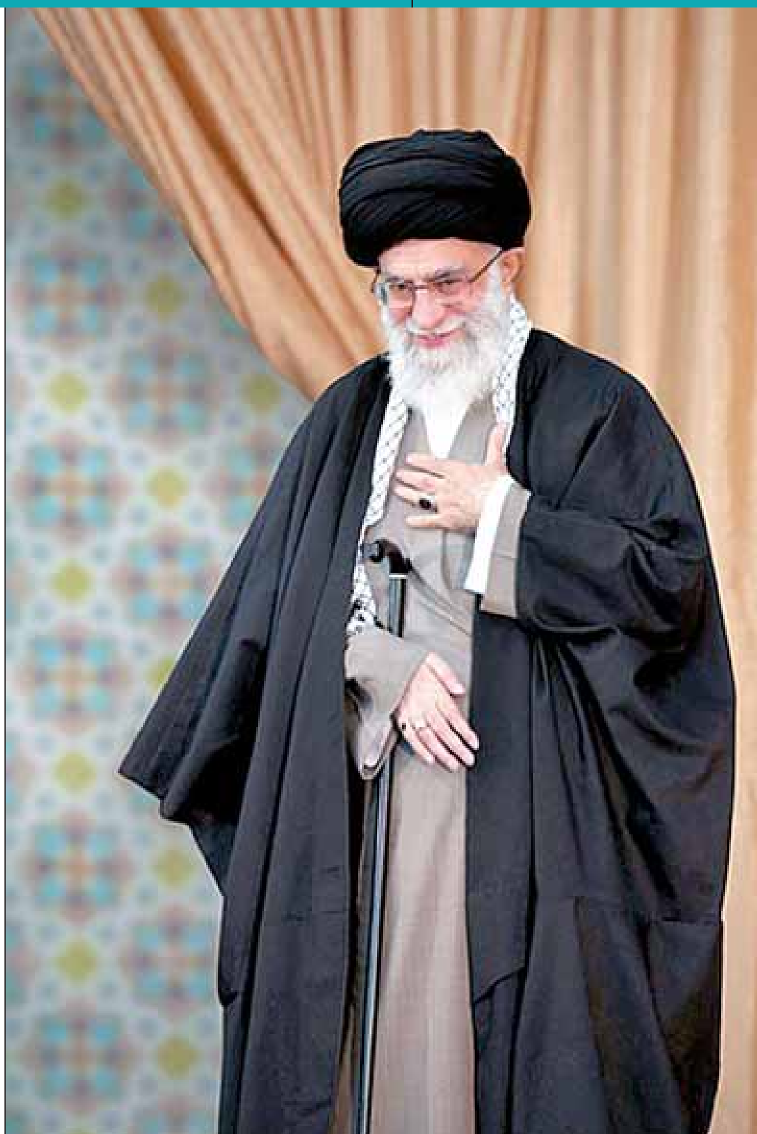
مؤسســـه مطبوعاتی و انتشاراتی اطلاعات هم مثل همهٔ مؤسسات مشابه، در مسیر حیات و حرکت خویش با انواع موارد موجب نقص و نقض مواجه بوده و هســـت. اگر اهل این بیت بخواهند در مقام بررسی موارد و احصای مصادیق برآیند، از همگان به این وجه آشـــناتر (ادری بما فی‌البیت)اند. اما با اینهمه، برخی از منتقدان و نه خدای ناکرده منتقمانی که در نوشـــته مطبوعاتی یا در نامه مکاتباتی یا در سایت اینترنتی یا احیاناً در لابلای خطابه‌های «تار مو را در چشـــم دیگران دیدن و بار هیزم را در چشـــم خویش ندیدن» به نقد نهاد مطبوعاتی و انتشـــاراتی اطلاعـــات می‌پردازند و البتّه کار خوبی هم می‌کنند، خوب اســـت قواعد اعتبار دهنده به نقد علمی (و نه عوامی) را نیز از یاد نبرند. یکی از آن قواعد این اســـت که فی‌المثل حداقل کارنامه «شـــش ماههٔ» یک مؤسسهٔ متنوع و متکثرالاثار را به صورت مجموعهٔ اجزای مســـتمّر و مرتبط و متمّم یکدیگر مورد بررسی قرار دهند و آنگاه با صرف نظر موقّت از تفاوت دیدگاه ببینند که آیا واقعاً آنچه گمشـــده پنداشـــته‌اند، در این مجموعه نبوده است؟ یا بوده است و کم هم نبوده اســـت اما واقعیت را یاالاقل بخشی از واقعیت را، با چشم شتابزدگی لاجرم رؤیت نکرده‌اند. متأسّـــفانه نتیجهٔ قضاوت قبلاً قطعی شده، اینســـت که دو تاتصویر و توضیح صرفاً تاریخی و آرشیوی را (در کنار کابینه‌های دولتی از مشـــروطه تا انقلاب) در ویژه‌نامه ۹۰ســـالگی روزنامه اطلاعات ببینند و ده تصویر و توضیح دیگر را امّا(!)، مطلقاً نبینند که نبینند. آنگاه آن دو تصویر و تـوضیح صرفاً تاریخی و آرشیوی را هم البته به عنوان نمادی از ســـلطنت‌طلبی(!) تفسیر فرمایند، آنهم بـــا شبیه چنین استدلالی که (به عنوان مثال) چرا وقتی عکس اعلیحضرت فلان فلان شـــده را در ویژه‌نامه دوّم (۹۴/۶/۲۳) چاپ کرده‌اید، همانجا به صورت نقد نقد، چند فقره فحش ناموس غنی‌شـــده را هم مرقوم و مزید نفرموده‌اید؟! متأسفانه برخی از نقّادی‌ها و نقّالی‌های اورژانسیِ رایج و راحـت، دارای چنین پایه و مایه‌ای از برهان و بصیرت عقلانی و اخلاقی است.

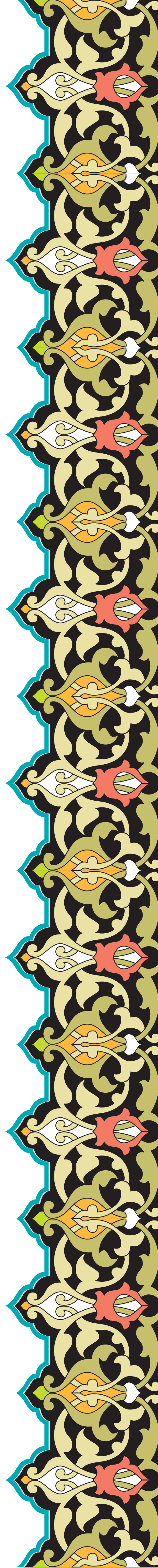
ویژه‌نامهٔ پایانی نودمین سال انتشار اطلاعات

اطلاعات
۱۳۰۴

ویژه‌نامهٔ نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

مباحث مهم سیاسی و اجتماعی
در آینهٔ بیانات رهبری







مقایسه انقلاب ایران با انقلاب‌های دیگر

در دیدار جمعی از دانشجویان

۱۳۹۰/۵/۱۹ ، نهم رمضان‌المبارک ۱۴۳۲

بسم‌اللّه‌الرّحمن‌الرّحیم

خدای متعال را از اعماق جان سپاسگزارم که یک بار دیگر این توفیق را پیدا کردیم که در روز ماه رمضان در جمع شما جوانان عزیز، خوش‌روحیه، پرانگیزه و پرنشاط ساعاتی بنشینیم و از شما بشنویم.

آنچه که برادران و خواهران و فرزندان عزیزم در اینجا بیان کردند، درست همان چیزهائی است که ما انتظار داریم آنها را از شما جوانها بشنویم. ممکن است در برخی از این اظهارات، نظر این حقیر و نظر آن گوینده‌ی محترم یکسان نباشد ـ یعنی ممکن است من آن حرف را قبول نداشته باشم ـ اما روحیه‌ی اندیشیدن، انتخاب کردن، با انگیزه بیان کردن، همان چیزی است که ما آرزوی آن را در جوانها داریم. ما می‌خواهیم شما فکر کنید؛ بر اساس فکر، بخواهید؛ بر اساس این خواستن، جرأت و جسارت بیان و ابراز پیدا کنید. ممکن است آنچه که شما می‌گوئید و می‌خواهید و مطرح می‌کنید، در کوتاه‌مدت هم تحقق پیدا نکند؛ ممکن است در یک برهه‌ی دیگری از زمان، به خاطر یک تجربه‌ی جدید، نظرتان هم عوض شود؛ اینها همه‌اش امکان‌پذیر است، ایرادی هم ندارد؛ اما نفس این روحیه، مطالبه‌گری و نشاط، همان چیزی است که جوان امروز ما به آن احتیاج دارد.

من حالا یک بحثی هم آماده کرده‌ام که عرض بکنم ـ که البته شروع یک بحثی است که ان‌شاءاللّه عرض خواهم کرد ـ لیکن قبلش درباره‌ی آنچه که دوستان بیان کردند، دو سه تا نکته هست که من عرض می‌کنم. اولاً دوستان، خیلی خوب صحبت کردند؛ بخصوص بعضی از صحبتها از لحاظ استدلال و منطق، کاملاً سنجیده و پاکیزه بود. من رئوس مطالب آقایان و خانمها را یادداشت کردم.

یکی از دوستان اظهار کردند که من درباره‌ی انتخابات نظر بدهم. به اعتقاد من وقتش حالا نیست. من درباره‌ی انتخابات حرفهائی دارم که ان‌شاءاللّه در آینده خواهم گفت.

یکی از دوستان اطلاع دادند که یک ستاد دانشجوئی برای تحقیق در اقتصاد مقاومتی تشکیل شده. کار بسیار جالبی است. اینجور کارهای عمیق، همان چیزی است که کشور به آن احتیاج دارد. شما باید فکر کنید، مطالعه کنید، تحقیق کنید. این تحقیقها اگر به درد آن دستگاه مسئول هم نخورد یا به کار او نیاید یا نپسندد، قطعاً به کار شما می‌آید و به درد شما می‌خورد. این، کار بسیار جالبی است.

همچنین یکی دیگر از دوستان اطلاع دادند که در دانشگاه شریف مرکز مطالعاتی‌ای تشکیل شده و در این زمینه‌ها کار می‌کنند. اینها بسیار کارهای مهمی است. این انگیزه‌ی جوان دانشجو و فکور، خیلی برای آینده‌ی کشور مهم است.

البته راه‌حلهائی که گفته شد، بعضی از آنها کاملاً درست است. این را هم من به شما عرض بکنم؛ در همین زمینه‌ی مسائل اقتصادی، پاره‌ای از آنچه که پیشنهاد و مطرح شد، ما اطلاع داریم که مد نظر مسئولین هست؛ درباره‌اش کار می‌کنند، تصمیم‌گیری می‌کنند، اقدام می‌کنند؛ منتها همه‌ی اقدامها یا به اطلاع نمیرسد، یا گفتنی نیست. به هر حال اینجور نیست که مسائل اقتصادی در مد نظر آن مسئولین نباشد.

انتقادهائی از برخی دستگاه‌ها شد. بلاشک برخی از این انتقادها وارد است، من هم هم‌عقیده هستم؛ منتها در عالم نظر و تأمل، خیلی کارها را انسان فکر می‌کند، به ذهن انسان می‌رسد؛ اما در مقام عمل، کار به آن آسانی نیست؛ وقتی وارد میدان عمل می‌شوید، موانع گوناگونی در برابر آرزوها و خواستها و تشخیصهای انسان پیش می‌آید. خب، موانع را باید برطرف کرد؛ اما عبور از همه‌ی موانع هم آسان نیست؛ گاهی هم زمان‌بر است؛ به این هم باید توجه باشد.

در مورد مسائل منطقه، یکی از دوستان اشاره کردند که مثلاً کار لازم، عمل لازم و تحرک لازم نبوده. من فی‌الجمله به شما عرض بکنم که اینجور نیست. در زمینه‌ی مسائل منطقه، دستگاه‌های ذیربط کشور تحرک بسیار خوبی داشتند و دارند. الان منطقه، میدان عظیم زورآزمائی است و دستگاه‌هائی که با این مسئله مرتبطند، حسابی وسط میدانند و دارند کار می‌کنند. خب، برخی از کارها قابل تبلیغاتی شدن نیست ـ یا ممکن نیست، یا لازم نیست، یا اشکال دارد ـ ولی به هر حال کار زیاد دارد می‌شود؛ این را توجه داشته باشید. در این زمینه، فضای درونی کشور هم خوب بود. حضور دانشجوها در بخشهای مختلف، اظهارِنظرها نسبت به همین مسائل منطقه، اینها همه‌اش کمک می‌کند. این کار ادامه هم دارد و ان‌شاءاللّه روزبه‌روز هم ابعاد بیشتر و بهتری خواهد گرفت. غرض، تصور نشود که بی‌عملی بوده؛ نه، دارد کار می‌شود؛ کارهای خوبی هم انجام می‌گیرد.

مبانی و مسائل علوم انسانی

یک نکته‌ای را این خانم محترم در مورد علوم انسانی بیان کردند، که کاملاً درست است. اولاً مطلبی که گفتند، بسیار مطلب سنجیده و دقیقی بود. اینکه پشت سر پیشرفت علوم، پیشرفت فکر وجود دارد؛ اینکه مبدأ تحول ملتها بیش و پیش از آنچه که علم و تجربه باشد، فکر و اندیشه است، کاملاً حرف درست و اثبات شده‌ای است. به همین دلیل است که من روی مسائل علوم انسانی حساسیت به خرج می‌دهم. ما به هیچ وجه نگفتیم که دانسته‌های غربیها را که در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی پیشرفتهای چند قرنی زیادی داشتند، یاد نگیریم یا کتابهای اینها را نخوانیم؛ ما می‌گوئیم تقلید نکنیم. در بیانات این خانم هَم همین نکته وجود داشت و نکته‌ی درستی است.

مبانی علوم انسانی در غرب از تفکرات مادی سرچشمه می‌گیرد. هر کس که تاریخ رنسانس را خوانده باشد، دانسته باشد، آدمهایش را شناخته باشد، این را کاملاً تشخیص می‌دهد. خب، رنسانس مبدأ تحولات گوناگونی هم در غرب شده؛ اما مبانی فکری ما با آن مبانی متفاوت است. هیچ ایرادی هم ندارد که ما از روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و فلسفه و علوم ارتباطات و همه‌ی رشته‌های علوم انسانی که غرب ایجاد و تولید کرده یا گسترش داده، استفاده کنیم. من بارها گفته‌ام که ما از یادگیری به هیچ وجه احساس سرشکستگی نمی‌کنیم. لازم است یاد بگیریم، از غرب یاد بگیریم، از شرق یاد بگیریم ـ «اطلبوا العلم ولو بالصّین»[1] ـ خب، این که روشن است. ما از این احساس سرشکستگی می‌کنیم که این یادگیری به دانائی و آگاهی و قدرت تفکر خود ما منتهی نشود. همیشه که نمیشود شاگرد بود؛ شاگردی می‌کنیم تا استاد شویم. غربیها این را نمی‌خواهند؛ سیاست استعماری غرب از قدیم همین بوده؛ می‌خواهند در دنیا یک تبعیضی، یک دو هویتی‌ای، یک دو درجه‌ای در مسائل علمی وجود داشته باشد.

یکی از علوم انسانی، تاریخ است. باز هم من توصیه می‌کنم که تاریخ بخوانید. تاریخ دوره‌ی استعمار را بخوانید تا ببینید غربیها علی‌رغم ظاهر نونوار اتوکشیده‌ی ادکلن‌زده‌ی منظم و مرتب و داعیه‌های حقوق بشرشان، چه وحشیگری عظیمی در این مَقوله کردند. نه اینکه فقط آدمها را بکشند؛ در دور نگهداشتن ملتهای تحت استعمار خودشان از عرصه‌ی پیشرفت و امکان پیشرفت در همه‌ی زمینه‌ها هم تلاش زیادی کردند. ما می‌خواهیم این اتفاق نیفتد. ما می‌گوئیم علوم انسانی را یاد بگیریم تا بتوانیم شکل بومی آن را خودمان تولید کنیم و این را به دنیا صادر کنیم. بله، وقتی که این اتفاق افتاد، آنگاه هر یک نفری که از مرزهای ما خارج می‌شود، مایه‌ی امید و اتکای ماست. بنابراین ما می‌گوئیم



در این علوم مقلد نباشیم. حرف ما در زمینه‌ی علوم انسانی این است.

یکی از دوستان اشاره کردند که امیرالمؤمنین در فرمان خود به مالک اشتر فرموده‌اند که آدمهای سوءاستفاده‌جو را رسوا کنید؛ شما گفته‌اید که افشاء نکنید. امیرالمؤمنین (علیه‌السّلام) نفرمودند مواردی را که اثبات نشده، افشاء کنید. هیچ وقت چنین چیزی در بیان امیرالمؤمنین نیست، و این قطعاً از اسلام نیست. ما چطور چیزی را که اثبات نشده، به صرف اتهام، افشاء کنیم؟ ممکن است اینقدر حجم اتهام زیاد و وسیع باشد که یک عده‌ای به چشم یک امر قطعی و واقعی به آن نگاه کنند، اما هیچ پشتوانه‌ی استدلالی نداشته باشد، جائی ثابت نشده باشد. ما هیچ حجتی نداریم که این را بگوئیم. حتّی من در همان جلسه‌ای که اشاره کردند، از این بالاتر را گفتم. من گفتم حتّی جرمی که ثابت شد، اصل نباید بر افشای آن جرم باشد. بالاخره یک مجرمی است، یک غلطی کرده، مجازات هم می‌شود؛ خانواده‌ی او، فرزندان او، پدر و مادر او گناهی نکرده‌اند؛ ما چرا بیخود اینها را رسوا کنیم؟ مگر آنجائی که خود نفس افشاء کردن، یک مصلحت بزرگی داشته باشد. بله، یک جائی هست که نفس افشاگری در یک مسئله‌ی ثابت‌شده، مصلحتی دارد؛ آنجا ایرادی ندارد. این، منطق ماست. هیچ چیزی هم نه از امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) و نه از هیچیک از ائمه‌ی هدی (علیهم‌السّلام) برخلاف این وجود ندارد. ما واقعاً حق نداریم افراد را به صرف گمان، متهم کنیم، مشهور کنیم؛ واقعاً جایز نیست؛ نه در سایت، نه در روزنامه، نه در تریبونهای گوناگون. حیثیت افراد را باید حفظ کرد.

در مورد اجرای سیاستهای اصل ۴۴ از من پرسیده‌اند که نظر شما چیست؛ آیا اجرا شده یا نه؟ خب، اگر بخواهیم تفصیلاً حرف بزنیم، این که نمیشود. هر کدام از این فصول و بخشها یک شرحی دارد؛ اما اگر بخواهیم اجمالاً بگوئیم، باید عرض کنیم که کارهای خوبی انجام گرفته. البته نه اینکه به تمام معنا کامل باشد، راضی کننده باشد؛ نه، نواقصی هم هست؛ لیکن حرکتی هم انجام گرفته. خب، مسئولین رسمی کشور گزارشهائی هم دارند می‌دهند؛ به این گزارشها با چشم حسن‌ظن باید نگاه کرد؛ یعنی نباید بنا را بر این گذاشت که هرچه مسئولین می‌آیند می‌گویند، دروغ و درم و خلاف واقع است؛ نه، دارند گزارش می‌دهند. اصل را باید بر این گذاشت که گزارشها گزارشهای واقعی است؛ ولو حالا ممکن است در آن یک مقداری مبالغه و اغراق یا ندیدن جوانب منفی وجود داشته باشد؛ لیکن غالباً گزارشها درست است. به هر حال نواقصی هست، اقداماتی هم شده.

در مورد تحول در شورای عالی انقلاب فرهنگی هم چرا، ما کاری که باید انجام بدهیم، انجام داده‌ایم. حالا ترتیبات استفاده‌ی از شورای عالی انقلاب فرهنگی ترتیبات خاصی است. اولاً آنچه که انسان دلش می‌خواهد، با آنچه که در عمل اتفاق می‌افتد، یک فاصله‌هائی دارد؛ لیکن نه، یک تدابیری اندیشیده شده که ان‌شاءالله این شورا می‌تواند فوائدش بیشتر باشد.

یکی از جوانهای عزیز گفتند مثل اینکه نسل جدید اگر بخواهد مسئولیت را به عهده بگیرد، خودش باید وارد میدان شود. من اتفاقاً این را تصدیق می‌کنم، باید خودش وارد میدان شود؛ منتها وارد میدان شدنش به چه معناست؟ صلاحیت کسب کند؛ صلاحیت علمی، صلاحیت عملی، صلاحیت حضور در میدان. بعضیها هستند کار علمی هم کرده‌اند، عالم هم هستند، دانشمند هم هستند، اما اهل دردسر ورود در میدانهای عملیاتی نیستند. اما اگر کسی می‌خواهد واقعاً به مسئولیتهای کشور دست پیدا کند و این را برای خودش مهم می‌داند، نه خدمت را ـ بالاخره خدمت، اعم از حضور در مسئولیت است؛ حضور در مسئولیت هم یک جور خدمت است؛ البته خدمت مؤثرتر و عمومی‌تر و بهتری است ـ خب، این صلاحیتهائی لازم دارد؛ صلاحیت علمی هم لازم دارد، صلاحیت عملی هم لازم دارد، انگیزه‌ی ورود در میدان هم لازم دارد.

توی پیاده‌رو یا معبر شلوغ که انسان وارد می‌شود و حرکت می‌کند، هم تنه می‌زند، هم تنه می‌خورد؛ چیز طبیعی است. آدم بخواهد تنه نخورد، تنه نزند، باید توی خانه بنشیند. البته توی خانه هم می‌شود نشست، یا یک گوشه‌ای هم می‌شود رفت، کار خوبی هم انجام داد؛ اما وقتی انسان وارد عرصه‌ی اجتماعی شد ـ چه عرصه‌ی سیاسی، چه عرصه‌های گوناگون مدیریتی ـ این تنه خوردن دارد.

الان شما ملاحظه کنید؛ شما یک مشت جوان عزیز پاکیزه‌ی خوش‌روحیه‌ی پاکدل، اینجا می‌ایستید و از بالا تا پائین را انتقاد می‌کنید، کسی هم نمیگوید چرا؛ من هم که مستمع شما هستم، شما را تحسین می‌کنم؛ نه تحسین زبانی، قلباً تحسین می‌کنم. خب، آنهائی که شما ازشان انتقاد می‌کنید، خیال می‌کنید کی‌اند؟ آنها همین جوانهای خوبی‌اند که کار کردند، زحمت کشیدند، مجاهدت کردند، حالا هم به یک مسئولیتی رسیدند، یک کاری را هم دارند می‌کنند. خب، این کار ممکن است یک خطاهائی هم داشته باشد، انتقاد شما هم وارد باشد. مدیریت، اینجوری است. شما هم که وارد میدان مدیریت شدید، همین حرفها هست؛ یک جوانی می‌آید اینجا می‌ایستد و از شما انتقاد می‌کند.

الان شما ایراد دارید که چرا مدیر پیر است، مشاور جوان است. می گوئید مدیر جوان باشد، مشاور پیر باشد. می‌آیند به من شکایت می‌کنند و کاغذ می‌نویسند راجع به همین مشاوران جوان، و انتقاد می‌کنند: آقا این مشاور جوان در فلان وزارتخانه اینجوری کرده. در حالی که آن مشاور جوان، یک جوان دانشجوست؛ مثلاً دانشجوی کارشناسی ارشد یا دکتری یا تازه‌فارغ‌التحصیل است. گناهی هم نکرده، اما مورد انتقاد قرار می گیرد. خب، یک چنین انگیزه‌هائی لازم است. انسان این آمادگی و این صلاحیت را برای خودش فراهم کند، وارد میدان بشود، حتماً مسئولیت هم گیرش می‌آید.

یکی از برادران عزیزمان که اینجا خیلی خوب هم صحبت کردند، اول صحبتشان گفتند که اینجور داریم کار می‌کنیم تا بدانند هنوز کسانی هستند. این تعبیر «هنوز» را به کار نبرید. هنوز، معنایش این است که انتظار داشتید نباشد. نه، چنین انتظاری نیست. انتظار و توقع ما درباره‌ی مسئله‌ی انقلاب، خیلی فراتر از این حرفهاست. نگوئید هنوز کسانی هستند. بله، متن جامعه، متن انقلاب است. حالا بحثی که من عرض خواهم کرد، یک مقدارش هم راجع به همین مسئله است.

این حرکت دانشجوئی سازندگی هم بسیار جالب و بسیار لازم است؛ کار خیلی خوبی است.

خب، فقط خواستم این چند نکته را عرض کنم. مطالبی که دوستان بیان کردند، من خلاصه‌اش را یادداشت کردم که در ذهنم بماند. البته تفصیل اینها هست؛ بررسی می‌شود، دنبال می‌شود. نباید هم تصور شود که اینها فراموش می‌شود؛ نه، اینها یا به طور خاص و ویژه مورد توجه قرار می گیرد و رویش کار می‌شود، یا اینکه حداقل به ایجاد تجربه‌ها و آگاهیها و دانائیهای متراکم کمک می‌کند؛ یعنی هیچکدام از این گفتنها و اظهارنظرها هدر نمی‌رود.

آن مطلبی که من می خواهم عرض بکنم، در واقع شروع یک بحث است، که حالا این بحث را بعد خود شما جوانها ان‌شاءالله در محافلتان باید دنبال کنید. در این شش هفت ماه گذشته، من در چند سخنرانی به ثبات نظام و انقلاب اشاره کردم و گفتم که ثبات و استمرار و استقرار نظام جمهوری اسلامی از جمله‌ی مهمترین عواملی بوده است که ملتهای منطقه و ملتهای مسلمان را امیدوار کرده و می‌توان گفت نقش مؤثری در ایجاد این حرکت عظیم اسلامی منطقه و آزادی و بیداری ایفاء کرده. امروز می خواهم یک مقداری راجع به ثبات و استمرار و استقرار انقلاب مطلبی را عرض کنم؛ یک مقداری آن را باز کنم.

انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی در تاریخ معاصر

تحولات بزرگی در جامعه رخ می‌دهد، که نمونه‌ی بارزش انقلابهای سیاسی و اجتماعی است. این تحول را کی به وجود می‌آورد؟ یک نسلی به وجود می‌آورد؛ که البته معلول شرائطی است که برای آن نسل پیش آمده، اما برای نسل قبل و نسلهای قبل پیش نیامده بود؛ مثل انقلاب اسلامی. یکی از دو حال پیش خواهد آمد: یا این است که وقتی این تحول به وسیله‌ی این نسل به وجود آمد، نسلهای بعدی این را پی می گیرند، دنبال می‌کنند، تکمیل می‌کنند، ادامه می‌دهند. در این صورت، این یک جریان ماندگاری خواهد شد؛ «و امّا ما ینفع النّاس فیمکث فی الأرض»[۲] خواهد شد؛ یعنی جایگزین می‌شود، مستقر می‌شود. یا این است که نه، نسلهای بعد ـ حالا نسلهای بعد که می گوئیم، نه لزوماً نسل سنی؛ یعنی کسانی که از آن گروه اول تحویل می گیرند، که ممکن است خودشان هم جزو همان نسل سنی آن گروه اول باشند ـ تحت تأثیر عوامل گوناگون، کار را دنبال نمیکنند؛ دچار رکود می‌شوند، دچار انحراف می‌شوند، دچار زاویه می‌شوند. در این صورت، آن تحول فوائدش را برای مردم از دست می‌دهد و خسارتهائی که بالاخره در یک تحول پیش می‌آید، برای مردم می‌ماند و جبران هم نمی‌شود. کلیِ مسئله این است.

در تحولاتی که در طول دو سه قرن اخیر، که قرن انقلابهای بزرگ است، اتفاق افتاده، هرچه من نگاه کردم ـ حالا شما مطالعه کنید، شاید مواردی را شما پیدا کنید ـ موردی را پیدا نکردم که مثل انقلاب اسلامی، تحولی که در دوره‌ی اول پدید آمد، در دوره‌های بعد یا دهه‌های بعد، با همان شکل، با همان هدفها، به سوی همان آرمانها و با همان جهتگیریها ادامه پیدا کند. یا اصلاً ادامه پیدا نکرده، مثل انقلاب شوروی؛ یا ادامه پیدا کرده، منتها با یک فترتی، با یک فاصله‌ی طولانی زمانی، همراه با مرارتها و محنتها و سختیهای فراوان، مثل انقلاب کبیر فرانسه، مثل استقلال آمریکا؛ حالا تعبیر کنیم به انقلاب یا هرچه. آن اهداف اولیه در نهایت به یک شکلی تأمین شد، اما با زحمات زیاد و با یک فاصله‌ی طولانی. مثلاً در همین انقلاب کبیر فرانسه، «کبیر» که می گویند، به خاطر این است که بعد از این انقلاب، دو سه تا انقلاب دیگر در طول پنجاه شصت سال در فرانسه اتفاق افتاد؛ منتها آن انقلاب اول، انقلاب مهمتر و مؤثرتری بود که در سال ۱۷۸۹ ـ برای اینکه یادتان بماند: هزار، بعد هفت، هشت، نُه! این، سال انقلاب کبیر فرانسه است ـ علیه حکومت سلطنتی فرانسه به وقوع پیوست؛ یعنی همین کاری که در ایران انجام گرفت. البته آن خانواده‌ی سلطنتی که آن وقت در فرانسه حکومت می‌کردند، خیلی ریشه‌دارتر و مقتدرتر بودند از این خانواده‌ی پیزُری پهلوی ما! خانواده‌ی بوربن‌ها بودند، چند صد سال بود که اینها بر فرانسه حکومت می‌کردند، در میانشان پادشاهان بسیار مقتدری از همین سلسله وجود داشتند. این انقلاب در این سالی که گفتم ـ ۱۷۸۹ میلادی ـ اتفاق افتاد.

خب، انقلاب، یک انقلاب مردمی به تمام معنا بود؛ یعنی واقعاً مردم حضور داشتند ـ مثل انقلاب خود ما ـ رهبران هم رهبران صددرصد مردمی و دارای افکار نو و به دنبال ایجاد یک جامعه‌ی مردمی. البته آنچه که مورد نظرشان بود، ایدئولوژیک نبود، اعتقادی نبود؛ اما می خواستند یک حکومت مردمی داشته باشند، می‌خواستند یک حکومت مردم‌سالار داشته باشند. خب، این انقلاب در این سال اتفاق افتاد. به فاصله‌ی سه چهار سال، آن گروه اوّلی که انقلاب را انجام داده بودند، به وسیله‌ی گروه تندرو افراطی شدید کنار زده شدند؛ بعضیشان اعدام شدند و این گروه افراطی سر کار آمدند. چهار پنج سال این گروه افراطی سر کار بودند؛ بعد بر اثر شدت عملی که با مردم به خرج می‌دادند، از طرف مردم مورد عکس‌العمل قرار گرفتند و کنار زده شدند. عده‌ای از آنها اعدام شدند و یک گروه سومی سر کار آمدند. یعنی در ظرف حدود یازده، دوازده سال ـ تا سال ۱۸۰۰ ـ سه گروه سر کار آمدند که هر کدام آن گروه قبلی خودشان را قلع و قمع و نابود کردند. در همین ده یازده سال اول، شخصیتهای معروف سیاسی‌ای از گروه‌های انقلابی اعدام شدند. بعد هم این هرج و مرجی که به وجود آمد ـ در یک کشوری با این خصوصیات، بدیهی است که هرج و مرج به وجود می‌آید ـ مردم را خسته کرد؛ تا اینکه یک گروه سه نفره تشکیل شد، که ناپلئون جزو این گروه سه نفره بود؛ یک افسر جوانی بود که فتوحاتی هم در مصر کرده بود ـ که حالا داستانهایش فراوان و مفصل است ـ عنوانی پیدا کرد

*** تأمل، تفکر و تعمق جوانان دانشجو در مسائل گوناگون از جمله در زمینه سیاسی لازم است**
*** دانشجویان با سیاست استکباری ترویج ابتذال مبارزه کنند**
*** مقابله صحیح، یک نوع ایستادگی بسیار ارجمند در مواجهه با نقشه‌های استکبار است**
*** حیثیت افراد جامعه باید حفظ شود**
*** انقلاب عظیم ملت ایران ارزشها را بدون انحراف پیگیری می‌کند**
*** ثبات و استقرار نظام جمهوری اسلامی، ملت‌های منطقه را امیدوار کرد**
*** انقلاب اسلامی ایران یک استثناء است**
*** حق نداریم افراد را به صرف گمان، متهم کنیم**
*** نفس روحیه، مطالبه‌گری و نشاط، همان چیزی است که جوان امروز ما به آن احتیاج دارد**
*** تشکیل ستاد دانشجویی برای تحقیق در اقتصاد مقاومتی است که کشور به آن احتیاج دارد**

و آمد بر این گروه ســـه نفره حاکم شد و بعد هم پادشاه و امپراتور شد. همین کشوری که با آن همه خسارت، پادشاهی را کنار گذاشته بود و لوئی شانزدهم و زنش را اعدام کرده بود، دوباره تبدیل شد به پادشاهی و روی کار آمدن ناپلئون. البته ناپلئون شخصیت نظامیِ مقتدرِ فعالی بود و برای فرانسه هم کارهای بزرگی انجام داد. او کارهای غیر نظامی هم دارد، منتها عَمدتاً کارهای او نظامی است. چند تا از کشورهای اروپائی را به فرانسه ملحق کرد؛ ایتالیا را، اسپانیا را، سوئیس را جزو فرانسه کرد. چند تا کشور اروپائی به وسیله‌ی او فتح شدند و جزو فرانسه شدند؛ که البته بعد از رفتن ناپلئون، یکی یکی از فرانسه جدا شدند؛ یعنی این فتوحات، ناپایدار بود. اما کشوری که با آن همه خسارت انقلاب کرده بود، به حکومت مردمی رســـیده بود، به‌آسانی دوباره تبدیل شد به حکومت پادشاهی. بعد از تبعید و مرگ ناپلئون ـ یعنی حدود ۱۸۱۵ ـ تقریباً حدود پنجاه ســـال حکومت پادشاهی در فرانسه استقرار داشـــت؛ البتهِ با تحولات بسیار سخت و رقتبار و مرارتبار؛ که شما اگر رمانهای قرن نوزده فرانسه را بخوانید، کاملاً نشـــانه‌ی این انقلابها و این مرارتها و این محنتها و این تلخیها برای مردم فرانسه را در این کتابها خواهید دید؛ از جمله کتابهای ویکتورهوگو و بالزاک و دیگران.

البته بعد در ســـال هزار و هشتصد و شصت و خرده‌ای، مجدداً باز یک انقلاب دیگری به وقوع پیوســـت و آن پادشـــاهی که از قوم و خویشـــهای ناپلئون هم بود ـ ناپلئون سوم ـ کنار زده شد و حکومت جمهوری ســـر کار آمد؛ که حالا جمهوریها هم تغییر پیدا کرد: جمهوری اول، جمهوری دوم، جمهوری سوم، تا رســـید به اینجائی که امروز شما کشور فرانسه را ملاحظه می کنید، که یک حکومت مردم‌سالار و دموکراسی است. انقلاب فرانســـه با این مرارتها مواجه بود؛ یعنی در آغاز پیدایش خود این توان و ظرفیت و تمکن را نداشـــت که خودش را در بین مردم خودش جایگزین کند، مَســـتقر کند و ادامه و اســـتمرار پیدا کند. تقریباً در همه‌ی تحولاتی که در این دوره‌ی طولانی دویست ساله و صد و پنجاه ساله و صد ساله در دنیا اتفاق افتاده، این وجود دارد.

عین همین قضیه در آمریکا اتفاق افتـــاده. انقلاب آمریکا ـ یعنی به اصطلاح آزادی آمریکا از دســـت دولت انگلیس ـ پنج سال، شش سال قبل از انقلاب فرانسه است؛ یعنی حدود سال ۱۷۸۲. البته آن وقت آمریکا جمعیت چهار پنج میلیونی‌ای بیشـــتر نداشته. یک حرکتی کردند، یک دولتی تشکیل دادند، شـــخصیتهائی سر کار آمدند ـ مثل همین شـــخصیت معروف جورج واشنگتن و دیگـــران و دیگران ـ لیکن اینها هم همین طور. بعد از آن حرکت اولیه‌ای که اینها انجام دادند، ملت آمریکا محنتها کشـــیدند و جنگهای داخلیِ عجیب و غریبی را پشـــت سر گذاشتند، که در یکی از جنگهای داخلی ـ که مهمترین جنگ داخلیِ بین شـــمال و جنوب است؛ یعنی در واقع شمال شرقی و جنوب شرقی؛ چون آن وقت غرب آمریکا تازه هنوز در اختیار این کشـــور و این دولت قرار گرفته بود ـ در طول چهار سال اقلاً یک میلیون نفر کشته شدند. البته آن وقت آمار هم وجود نداشته؛ آن کسانی که نوشتند و حرف زدند، این را می‌گویند. تا بالاخره بتدریج بعد از گذشت تقریباً صد سال از استقلال آمریکا، دولت یک اســـتقراری پیدا کرده و توانسته حرکت خودش را در همان بســـترهای قبلی ادامه بدهد.



البته ماجرای جنایتهائی که اتفاق افتاده، فاجعه‌هائی که به وســـیله‌ی همان حاکمان و اطرافیان و ارتششـــان اتفاق افتاده، داستان غم‌انگیز طولانی عجیبی اســـت: حمله‌ی به کشورهای همســـایه، تعرض به شهروندان اصلی ـ یعنی سرخپوستها ـ قلع و قمع قبائل سرخپوست. من تأسف می‌خورم که جوانهای ما این قضایا را نمیدانند. وقتی انسان بداند که آنچه امروز از تمدن و از پیشرفت و از ثروت در بعضی از این کشورها وجود دارد، محصول چقدر خرابکاری و بدعملی و ســـنگدلی و بی‌انصافی است، آن وقت نسبت به کاری که باید انجام بگیرد، نسبت به وظیفه‌ای که انسان دارد، یک افق دید دیگری پیدا می کند.

در شوروی هم یک جور دیگر اتفاق افتاد. در شورویِ هدفهائی که ترسیم شده بود ـ که هدفهای آن، عقیدتی و ایدئولوژیک بود ـ تحقق پیدا نکرد. اصلاً ادعا شـــده بود که حکومت شوروی یک حکومت مردمی است، حکومت توده‌ای است، سوسیالیست است؛ حکومت توده‌ایِ مردمی متکی به حرکت مردم و متعهد به نیازهای مردم؛ این از همان سالهای اول نقض شد. بعد از ۱۹۱۷ که سال انقلاب شـــوروی است، پنج شش سالی که گذشته بود، راه عوض شد؛ مردم از محاسبات دولت به معنای حقیقی کلمه حذف شـــدند؛ یک حزب کمونیست با چند میلیون عضو حاکم شد و در حزب کمونیست هم حاکم، همان چند نفری بودند که در هر دوره‌ای در رأس بودند. حالا در دوره‌ای مثل دوره‌ی اســـتالین، حاکم یک نفر بیشتر نبود؛ اما در دوره‌های بعد، آن هیئت اصلی حزب کمونیست، همه‌کاره‌ی کشور بودند. چه فشارهائی به مردم وارد آمد، چه محدودیت‌هائی ایجاد شد، مردم چه محنتی کشیدند. در آن دوره‌ها نوشته‌هائی از درون شوروی درز می‌کرد، بیرون می‌رفت؛ بعضیهایش هم به فارسی ترجمه می‌شد، ما هم مطالعه می‌کردیم. تا قبل از سقوط شوروی، خیلی از این زوایای دشـــوار و تلخ پنهان بود؛ بعد از سقوط شـــوروی بود که خیلی چیزها معلوم شد، که چه کارهائی می‌کردند، چه محدودیت‌هائی بوده. ادبیاتی که آفریده شـــد، نشان‌دهنده‌ی سختی زندگی مردم در دورانِ حکومت شوروی بوده. یعنی انقلاب بکل از اول زاویه پیدا کرد؛ نه اینکه استمرار پیدا نکرد، اصلاً به وعده‌های اولیه عمل نشد.

خب، اینها انقلابهاســـت. حالا یک شبه‌انقلاب‌هائی همِ در منطقه‌ی خاورمیانه و عمدتاً شمال آفریقـــا و آمریکای لاتین داریم که در واقع انقلاب نبود؛ غالباً کودتا بود. در اواخر دهه‌ی ۵۰ و اوائل دهه‌ی ۶۰ در کشورهای شمال آفریقا ـ یعنی مصر و لیبی و سودان و تونس ـ یک حرکتهای انقلابی با گرایش چپ اتفاق افتاد. همه‌ی این کشورها، کشورهای انقلابی بودند؛ اما جز استثناهای معدودی، همان کسانی که خودشان عوامل انقلاب بودند، از انقلاب منحرف شدند. انقلابها، انقلابهای چپ بود، ضد آمریکائی بود، ضد انگلیســـی یا ضد فرانســـوی بود؛ مردم را اینجوریِ توی میدان آورده بودند؛ اما همان کســـانی که خودشـــان در رأس این انقلابها قرار داشتند، عملاً منحرف شدند و به سمت همان نیروهای اِستعمارگر غلتیدند! یکی‌اش همین بورقیبه‌ی تونس بود. خب، بورقیبه رهبر انقلاب تونس بود؛ اصلاً انقلاب تونس را او به وجود آورده بود؛ اما خودش تبدیل شد به یک عنصر دست‌نشـــانده‌ی غرب و فرانســـه؛ رفت در آن جهت، که بعد هم بن‌علی بود که دنبال او آمد. یا در مصر، انورســـادات جزو یاران جمال عبدالناصرِ بود؛ جزو کسانیِ بود که کودتا یا به قول خودشان انقلاب افسران آزاد را به وجود آورده بودند؛ اصلاً حرکت افسران آزاد در زمان جمال عبدالناصر، با شعار «نجات فلسطین» بود؛ اما کارشان به آنجا رسید که با غاصب فلسطین آشتی کردند، علیه مردم فلســـطین توطئه کردند، و در این اواخر کار به جائی رسید که حتّی با صهیونیستها همکاری کردند برای محاصره‌ی فلســـطین، برای محاصره‌ی غزه، برای نابودی مردم فلسطین! یعنی صد و هشتاد درجه جهت آن حرکت اولیه عوض شد.

یا در سودان. به نظرم شماها یادتان نیســـت از نُمیری. ما از روی کار آمدن نُمیری هم یادمان هست. نُمیری یک افسر انقلابی بود که در واقع سودان را از دست غرب نجات داد؛ اما همین نُمیری بتدریج رفت به سمت غرب، تبدیل شـــد به یک عامل غرب؛ که این انقلابیون بعدیِ که امروز در سودان سر کار هستند، علیه او قیام کردند و کشور را از دست او بیرون آوردند. جعفر نُمیری از یک عنصر ضد غربی که علیه حکومت غربی کودتا می‌کند، بتدریج تبدیل می‌شـــود به یک عنصر غربیِ مستخدم غرب و کارگزار غرب و مزدور غرب! بقیه هم همین جورند.

من یادم هست که در ســـالهای دهه‌ی ۴۰ شمسی در مشهد، ما رادیوی صوت‌العرب مصر را ـ کـــه زمان عبدالناصر بود ـ می‌گرفتیم و می‌شـــنیدیم. جمال عبدالناصر به لیبی رفته بود و به اتفاق همین قذافی ـ که آن وقت یک جوان بیســـت و هشـــت نُه ساله‌ای بود که کودتا کرده بود ـ و همان جعفر نُمیری، هر ســـه در رادیوی صوت‌العرب مصر سخنرانی می‌کردند. آنها با همدیگر اجتماع داشـــتند و حرفهای انقلابیِ و تند می‌زدند. همین قذافی شعارهائی می‌داد که ما آن وقت به هیجان می‌آمدیـــم. ماها غالباً در عین مبارزه بودیم. گرفتن ایـــن رادیو هم خلاف قانون بود. ما با بعضی از رفقا ـ که یکیمان رادیو داشـــت ـ شب می‌رفتیم در یک خانه‌ای می‌نشستیم و رادیوی صوت‌العرب را گوش می‌کردیم.

حرکتها اینجوری بوده. یعنی انقلابها بر اثر عوامل گوناگون، یا از همان اول منحرف شـــدند، یا بعد از اندکی منحرف شدند. گاهی این انحراف، ده‌ها سال هم طول کشیده. در کشوری مثل فرانسه، این انحراف هفتاد و چند سال به طول انجامید، تا اینکه توانست بتدریج پاره‌ای از اهداف را ـ آن هم نه همه‌ی اهداف را ـ تحقق ببخشد.

انقلاب اسلامی یک استثنا است

انقلاب اسلامی یک اســـتثناء است. انقلاب اســـلامی حرکتی بود که با اهداف مشخصی ـ ولو آن اهداف که مشـــخص هم بود، در یک جاهائی کلی بود؛ بتدریج خرد شـــد، روشن شـــد، مصادیقش معلوم شـــد؛ اما اهداف، اهداف روشـــنی بود ـ به وجود آمد. هدف اسلام‌خواهی، هدف استکبارستیزی، هدف حفظ استقلال کشور، هدف کرامت‌بخشی به انسان، هدف دفاع از مظلوم، هدف پیشرفت و اعتلای علمی و فنی و اقتصادی کشـــور؛ اینها اهداف انقلاب بوده. انســـان وقتی در فرمایشات امام (رضوان الله علیه) و در اسناد اصلی انقلاب اینهـــا را نگاه می‌کند، می‌بیند که همه‌ی اینها در متون اســـلامی هم ریشه دارد. مردمی بودن، متکـــی به ایمان مردم، عقاید مردم و انگیزه‌های مردمی و عواطف مردمی، جزو پایه‌های اصلی انقلاب است. این خط ادامه پیـــدا کرده؛ این خط انحراف پیدا نکرده، این خـــط زاویه نخورده. امروز سی و دو سال از انقلاب می‌گذرد؛ این خیلی حادثه‌ی مهمی است.

این ثبات انقلاب و استقرار انقلاب که مـــا می‌گوئیم، یعنی این. ما یک حرفی را زده‌ایم: «انّ الّذین قالوا ربّنا الله ثمّ اســـتقاموا».[۳] ملت ایران «ربّنا الله» را گفت، پایش ایستاد. این ایستادن پای این سخن، از نسلی به نسل دیگر منتقل شد. امروزِ شـــما جوانهائی که این بیانات پرنشاط و شاداب و صادقانه و پرتپش را اینجا مطرح کردید، احتمالاً هیچکدامتان در آغاز انقلاب در این دنیا نبودید، دوره‌ی انقلاب را ندیدید، دوره‌ی جنگ را ندیدید، زمان امام را درک نکردید؛ اما خط، همان خط اســـت؛ راه، همان راه است؛ هدف، همان هدفهاست؛ مطالبی که گفته می‌شود، درست همان مطالبی است که آن روز اگر می‌خواستیم بگوئیم، می گفتیم. من هفته‌ای یک بار دانشـــگاه تهران می‌آمدم و آنجا با دانشجوها جلسه داشتیم و نماز می‌خواندیم؛ بعد از نماز هم پاســـخ به سؤالات و سخنرانی بود که مدتها ادامه داشت. همان حرفهائی که آن وقت ما آنجا می‌گفتیم و دانشـــجوها می‌گفتند، همان حرفهاســـت؛ البته امروز پخته‌تر است، سنجیده‌تر است، کارشناسانه‌تر است. احساسات به همان اندازه وجود دارد، اما در مطالبی که امروز توی محیط دانشجوئی گفته می‌شود، عقلانیت، بیشتر از آن زمان است؛ این خیلی باارزش است.

خب، این تا حالا تحقـــق پیدا کرده؛ از حالا به بعد چی؟ آنچهِ که من می‌خواهم بگویم، همین یک جمله اســـت: از حالا به بعد تکلیف نسل جوان کنونی و عمدتاً دانشجوئی همین است که این خط را در همان جهتگیری، به سوی تکامل بیشتر ادامه بدهد و پیش ببرد. این مشخص می‌کند که در محیط دانشـــجوئی تکلیف ما چیست. کَار مال شماست. این نسلی که ماها در آن حضور داشتیم و فعال بودیم و نیروی جوانی داشتیم و جوانیمان را مصرف کردیم، رو به اضمحلال است؛ مثل همه‌ی چیزهای عالم، رو به فنا و زوال اســـت. نسلی که امروز این حقیقت را تحویل می‌گیرد، شما هستید؛ جوانهای امروز، دانشجوهای امروز هستند. در آینده مسئولیتهای کشور با شماست. طراحان کشور، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان، شماها خواهید بود. می‌توانید همین راه را ادامه بدهید، آن را به تکامل برسانید، از ظرفیتهای استفاده نشده استفاده کنید، خلأها را پر کنید و همین چیزهائی را که هی شما می‌گوئید این اشـــکال هست، این اشکال هست، انتقاد، انتقاد، انتقاد ـ که درست هم هست ـ برطرف کنید؛ می‌توانید هم این کار را نکنید. نسل جوانِ امروز می‌تواند تصمیم بگیرد بر بی‌عملی. البته چنین تصمیمی نخواهد گرفت؛ من شـــک ندارم. نَسل جوان به خاطر ریشه‌ی دینی این حرکت و پایه‌ی مســـتحکم اعتقادیِ این حرکت، این راه را ادامه خواهد داد. برای اولین بار درَ تاریخ انقلابهای گوناگون در دنیا، انقلابیَ به وجود آمده است و خودش را به دنیا عرضه خواهد کرد و حرف اول و اصول و ارزشهای اولیه‌ی خودش را با همه‌ی وجود، بدون انقطاع استمرار بخشیده

*** ما به هیچ وجه نگفته‌ایم که دانسته‌های غربی‌ها را که در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی پیشرفت‌های چند قرنی زیادی داشتند یاد نگیریم یا کتاب‌های این‌ها را نخوانیم ما می‌گوییم تقلید نکنیم**

*** مردمی بودن، متکی به ایمان، عقاید، انگیزه‌ها و عواطف مردم جزو پایه‌های اصلی انقلاب است**

و ان‌شاءالله آن را به هدفهای نهائی خودش می‌رساند.

دانشگاه و حرکت‌های دانشجویی

خب، شما تشکلهای دانشجوئی و زبدگان و نخبگان دانشجوئی هستید؛ در واقع گلچینی از مجموعه‌ی عظیم چند میلیونیِ دانشجوئی کشور هستید که اینجا جمع شده‌اید ـ البته این حرفها را بعداً بقیه‌ی دانشجویان هَم می‌توانند بشنوند، در تلویزیون و مطبوعات پخش می‌شود؛ هر کس بخواهد، طبعاً می‌شنود ـ شما باید تصمیم بگیرید. بدانید این حرکت مبارک و متکی به این ارزشها، وابسته است به انگیزه، همت، شجاعت، قدرت تفکر و عزم راسخ شما. شماها هستید که باید این را ادامه بدهید.

الحمدلله تا امروز انقلاب خوب پیش رفته. همین طور که عرض کردم، ما از هدفها منحرف نشدیم، زاویه پیدا نکردیم؛ آن بلاهائی که سر آن انقلابهای عظیم و بزرگ آمد، سر انقلاب ما نیامد. حوادث گوناگونی که پیش آمد، همه جا انقلاب بر اینها فائق شد و با همان موازین خودش، توانست خودش را حفظ کند و تا امروز به تکامل هم برساند. انقلاب، کشور را هم پیش برده. این پیشرفتی که امروز شما در بخشهای مختلف کشور مشاهده می‌کنید ـ که من در صحبت با مسئولان نظام، دو سه روز پیش مختصری از آن را اشاره کردم ـ هیچ وقت در قرنهای اخیر در کشور سابقه نداشته. البته در گذشته‌ها و در تاریخ چرا؛ مواردی به حسب زمان، شبیه اینها بوده؛ اما در قرون اخیر سابقه نداشته. کشور را شما به اینجا رساندید. کشور باید پیش برود. ما هنوز در قدمهای اوّلیم، در آغاز راهیم. من گفتم؛ یکی از خاصیتهای بزرگ انقلاب، الگوسازی است. شما می‌توانید این هدف را دنبال کنید که برای جوامع اسلامی یک الگو درست کنید؛ بگوئید آقا اینجوری می‌شود حرکت کرد، اینجوری می‌شود رسید؛ این ممکن است.

خب، تشکلهای دانشجوئی طبعاً نقش دارند. اولین توصیه‌ای که من به مجموعه‌ی تشکلهای دانشجوئی که در زمینه‌های مسائل دانشجوئی و کشور و انقلاب و همه چیز فکر می‌کنند، دارم، این است: شما وقتی نگاه می‌کنید به جبهه‌ی معارض، یعنی استکبار، جبهه‌ی ظلم، جبهه‌ی سرمایه‌دارهای کلان بین‌المللی، کارتلها، تراستها و و و، به چشم یک جبهه به آنها نگاه کنید. یک جبهه‌ی به‌هم‌پیوسته‌ای وجود دارد در مقابله‌ی با انقلاب اسلامی، که یک انقلاب معنوی و دینی و فرهنگی و اعتقادی است. وقتی به چشم یک جبهه‌ی به‌هم‌پیوسته به اینها نگاه کردید، خیلی از کارهای اینها معنای واقعی خودش را نشان می‌دهد. این مسئله، وظیفه‌ی دانشجو یا تشکلهای دانشجوئی را مشخص می‌کند.

برخوردهای جبهه استکباری با انقلاب

فرض بفرمائید در کشور ترور اتفاق می‌افتد؛ شهید علیمحمدی، شهید شهریاری، شهید رضائینژاد را ترور می‌کنند. خب، این یک کار تروریستی است. یک وقت به این مسئله به چشم یک عمل تروریستیِ ضد امنیتی نگاه می‌کنیم؛ خب، انسان غصه هم می‌خورد؛ چند تا دانشمند ما مورد اصابت جنایت دشَمن ـ یک چند تا تروریست ـ قرار گرفتند. یک وقت نه، با همان چشم جبهه‌ایٍ نگاه می‌کنید: این یک حرکت در مجموعه‌ی حرکتهای خصمانه‌ی علیه نظام اسلامی اسَت. مثلاً در جبهه‌ی جنگ مرزی با عراق ـ که هشت سال جنگ داشتیم ـ یک جا اگر چنانچه توپخانه‌ی دشمن کار کند، معنایش این نیست که دشمن با اینجای بالخصوص کارٍ دارد؛ این معنایش این است که این یک حرکتی است که دشمن دارد اینجا انجام می‌دهد، احتمالاً برای اینکه شما حواستان به اینجا منعطف شود، او به یک جای دیگر حمله کند ـ به قول خودشان حرکتهای پشتیبانیٍ، که این در واقع حیله است ـ یا برای این است که رزمنده‌ی ما را در اینجا تضعیف کند تا مثلاً بتواند یک حمله‌ی سراسری انجام دهد. وقتی با این چشم نگاه می‌کنید، معلوم می‌شود که دشمن به دنبال کوبیدن حرکت علمی در کشور است؛ یعنی یکی از حلقه‌های توطئه‌ی دشمن این است. چند تا حلقه‌ی به‌هم‌پیوسته وجود دارد؛ مثلاً حلقه‌های تحریم اقتصادی، ترویج ابتذال، ترویج مواد مخدر، کارهای امنیتی، ایجاد تزلزل در مبانی و مسائل اعتقادی؛ چه اعتقاد به اسلام، چه اعتقاد به انقلاب. اینها حلقه‌های گوناگونِ به‌هم‌پیوسته است؛ یکی از این حلقه‌ها هم ـ که مکمل این زنجیره است ـ کوبیدن حرکت علمی دِر کشور، با ترساندن دانشمند ما، با حذف دانشمند ماست. با این چشم به قضیه نگاه کنیم.

اگر چنانچه به مجموعه‌ی دشمن به چشم یک جبهه‌ی مستمری که وظائف را تقسیم کردند، نگاه کنیم، آن وقت احساس مسئولیت ما در هر قضیه‌ای شکل تازه‌ای به خودش می‌گیرد. حالا در همین قضیه‌ی این ترورها، من عقیده‌ام این است که بچه‌های تشکلهای دانشجوئی در این قضیه کوتاه آمدند؛ یعنی کم‌عملی نشان دادند. باید این قضیه را بزرگ می‌کردید. البته نه اینکه بزرگ کنید ـ چون خودش بزرگ است ـ همان جور که هست، منعکس می‌کردید. ما حتّی ندیدیم تشکلهای ما پوسترِ این شهدا را هم چاپ کنند، منتشر کنند، پخش کنند، یادمان اینها را نگه دارند. نه، این موضوع اصلاً نباید فراموش شود؛ این کار کوچکی نیست.

مسئله‌ی علم در کشور، یک حلقه‌ای است از آن زنجیره، که این حلقه درست متوجه به آن نقطه‌ی اصلی و اساسی است که ما ده دوازده سال است داریم این را دنبال می‌کنیم. گفتیم «العلم سلطان»؛ علم، اقتدار است؛ هر کسی که دارای علم و دارای این اقتدار شد، طبق این روایت، «صال»؛ می‌تواند بر محیط جهان حکمفرمائی کند، یعنی اهداف خودش را دنبال کند؛ هر کسی مالک آن نشد، «صیل علیه»؛[4] یعنی بر او حکمفرمائی خواهد شد. این منطق ماست در این حرکت علمیِ ده پانزده ساله. الان خوشبختانه تا حدود زیادی هم این حرکت علمی در کشور به ثمر رسیده. می‌خَواهند این را متوقف کنند؛ خب، در مقابل این باید حساسیت نشان بدهید.

پس نگاه به دشمن باید یک چنین نگاهی باشد: نگاه حرکت جبهه‌ای دشمن. آن وقت حمایت اینها از برخی جریانها، حمله‌ی اینها به بعضی از جریانها، دخالت اینها در بعضی از مسائل داخلی کشور، همه معنا پیدا می‌کند؛ معلوم می‌شود که هدف چیست. این مسئله ایجاب می‌کند که ما نسبت به کارهای اینها هوشیار باشیم.

کارهای فرهنگی عمیق و برنامه‌مند

یکی از چیزهائی که من می‌خواهم بخصوص به تشکلهای دانشجوئی توصیه کنم، این است که به طور جدی به کارهای فکری و فرهنگی برنامه‌مند و هدفمند و عمیق بپردازند. یک وقت هست که دشمن به عرصه‌ی دانشگاه تهاجم آشَکار می‌کند؛ اینجا شما باید حضور آشکار داشته باشید؛ مثل مسائل دوره‌ی فتنه ۸۸ و امثال اینها. یک وقت هست که نه، آنچنان تهاجم آشکاری وجود ندارد؛ اینجا بایستی حضور مجموعه‌های دانشجوئی، حضور عمیق فکری باشد. درباره‌ی مسائل کلامی، درباره‌ی مسائل اخلاقی، درباره‌ی مسائل تاریخ، درباره‌ی مسائل انقلاب باید کار عمیق بکنید. درباره‌ی مسائل گوناگون کشور ـ مثل همین چیزهائی که دوستان گفتند ـ کار کنید. فرض کنید شما درباره‌ی بانک مرکزی، درباره‌ی نظام سلامت، درباره‌ی مسئله‌ی جهاد اقتصادی تحقیق می‌کنید؛ این بسیار خوب است، اما به اینها اکتفاء نشود. درباره‌ی مسائل کلامی، کارهای عمیق انجام بگیرد. درباره‌ی مسائل سیاسی کشور، کارهای غیر احساساتی انجام بگیرد. البته احساسات چیز خوب و پاکی است و من به هیچ وجه مخالف ابراز احساسات و مخالف تحرک احساساتی بخصوص جوانها نیستم؛ نه ممکن است، نه مطلوب است که احساسات فروکش کند؛ لیکن دور از مَقوله‌ی احساسات، تأمل و تفکر و تعمق در مسائل گوناگون، از جمله در مسائل سیاسی، لازم است.

یکی از چیزهائی که من بجد توصیه می‌کنم، پرهیز از ابتذال در کارهای فرهنگی و هنری است؛ مراقب باشید. من نمونه‌هائی از این مسئله را سراغ دارم؛ البته نه حالا، حدود هفده هجده سال قبل. من همان موقع اطلاع پیدا کردم که یک مجموعه‌ی دانشجوئی در دانشگاه در بعضی از مراسمشان رگه‌هائی از ابتذال وجود دارد. همان وقت به آنها پیغام دادم ـ با ما هم بی‌ارتباط نبودند ـ خب، توجهی نشد. بعد هم دنباله‌های خوبی پیدا نکرد. از ابتذال فرهنگی، ابتذال اخلاقی بشدت پرهیز شود و با آن مواجهه بشود. امروز یکی از سیاستهای دشمن، ترویج ابتذال است. با این سیاست استکبار مبارزه کنید. همین طور که آنها تحریم اقتصادی را برنامه‌ریزی می‌کنند، همین طور ترویج ابتذال را برنامه‌ریزی می‌کنند ـ این ادعای شعارگونه نیست؛ این ناشی از اطلاعات است؛ ما اطلاع داریم ـ می‌نشینند طراحی می‌کنند، برنامه‌ریزی می‌کنند؛ می‌گویند برای شکستن مقاومت جمهوری اسلامی، باید بین جوانها ترویج ابتذال کرد؛ یعنی به قضایا ماهیت سیاسی می‌دهند. خب، با این بایستی مواجهه کرد، مقابله کرد؛ البته مقابله‌ی صحیح، که این یک نوع ایستادگیِ بسیار ارجمند در مواجهه‌ی با نقشه‌های استکبار است.

یک توصیه‌ی دیگر ما هم این است که تشکلهایِ دانشجوئی با هم همفکری و همکاری و همدلی نشان بدٍهند. حالا من نمیخواهم یک چیزی را حتماً یک پیشنهاد قطعی بکنم، اما به نظر آدم می‌رسد که مثلاً یک مجمع هماهنگ کننده‌ای بین این تشکلها وجود داشته باشد تا تشکلها همجهت پیش بروند. البته جهت‌های کلی تقریباً با هم یکسان است، خوب است. نمی‌خواهیم هم بگوئیم که این تشکلها با مختصاتی که هر کدام دارند، بایستی این مختصات را همه یک‌کاسه کنند؛ نه، تنوع و مختصات گوناگون در تشکلها هیچ ایرادی ندارد؛ منتها در جهتگیریها، در پیشرفت به سمت اهداف انقلاب، یک هماهنگی انجام بگیرد تا بتوانید بر محیط دانشجوئی اثرگذاری کنید. تشکلها باید بتوانند بر محیط دانشجوئی اثرگذاری کنند. خوشبختانه محیط دانشجوئی محیط خوبی است. نه اینکه در محیط دانشجوئی اشکال نیست، انحراف نیست، خطا نیست، لغزش نیست؛ کجا نیست؟ در مقدس‌ترِین مجموعه‌ها و محیطها هم بالاخره انسان یک لغزشهائی سراغ دارد یا مشاهده می‌کند؛ اما مجموعاً محیط دانشجوئی، محیط پرنشاط، پرتحرک و بر روی هم دینی و معتقد و پایبند به مبانی به حساب می‌آید؛ این چیز خیلی مغتنمی است. محیط دانشجوئی ما اینجوری است؛ از این باید استفاده کرد، روی این محیط باید تأثیرگذاری کرد، باید جهتگیری درست داد.

یک توصیه‌ی دیگر ما هم این است که هم مسئولان دانشگاهی کشور و هم تشکلها سعی کنند نسبت به همدیگر مماشات و همراهی و همکاری داشته باشند. مواردی آدم می‌شنود که این همکاریها یا وجود ندارد یا تعارض وجود دارد؛ که خب، بعضی از حوادث هم پیش می‌آید، که یکی از دوستان به قضیه‌ی بوشهر و اینها اشاره کردند. باید همکاری بکنند، باید همدلی بکنند؛ چونٍ هدفها یکی است؛ اهداف انقلاب است. مسئولین دارند زحمت می‌کشند، تلاش می‌کنند، واقعاً عرق می‌ریزند ـ آدم می‌بیند دیگر ـ فکر می‌کنند؛ به قدری که به ذهنشان می‌آید، به قدری که توان دارند، دارند تلاش می‌کنند. این جوانهای تشکلها هم، همه باانگیزه، پرنشاط و پاکیزه‌اند. خب، این مجموعه‌ها باید به همدیگر کمک کنند.

در مورد علوم انسانی که صحبت شد، این نکته را من عرض بکنم؛ آنچه که ما در باب علوم انسانی گفتیم و من تکرار می‌کنم، همان چیزی است که عرض شد: ما بایستی در علوم انسانی اجتهاد کنیم؛ نباید مقلد باشیم. اما حالا فرض کنید که فلان رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه حذف بشود یا حذف نشود یا کم بشود؛ من روی این چیزها هیچ نظری ندارم. من نه نفی می‌کنم، نه اثبات می‌کنم؛ یعنی کار من نیست، کار مسئولین است. ممکن است مصلحت بدانند بعضی از رشته‌ها را حذف کنند یا نکنند؛ حرف من این نیست؛ حرف من این است که در باب علوم انسانی کار عمیق انجام بگیرد و صاحبان فکر و اندیشه در این زمینه‌ها کار کنند.

خب، به نظرم وقت هم تمام شد. حرفهای ما هم آنچه که لازم می‌دانستیم عرض بکنیم، تمام شد. ان‌شاءالله خداوند شماها را حفظ کند.

پروردگارا! تو را به اولیائت سوگند می‌دهیم، برکات و تفضلات خودت را بر این جوانهای ما نازل کن. پروردگارا! محیط جوان در کشور ما را روزبه‌روز به اهداف و آرمانهای اسلامی نزدیکتر کن. پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، آرزوها و آرمانهای این جوانها را تحقق ببخش. به مسئولین کشور و به همه‌ی ما توفیق عنایت کن تا بتوانیم در جهت این آرمانها قدمهای بلند برداریم. پروردگارا! تشکیل جامعه‌ی اسلامی و یک کشور اسلامی به تمام معنا را به این جوانهای عزیز ما به‌رأی‌العین نشان بده. ارواح طیبه‌ی شهدا و روح مطهر امام بَزرگوار را از ما راضی و خشنود کن.

والسّلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته

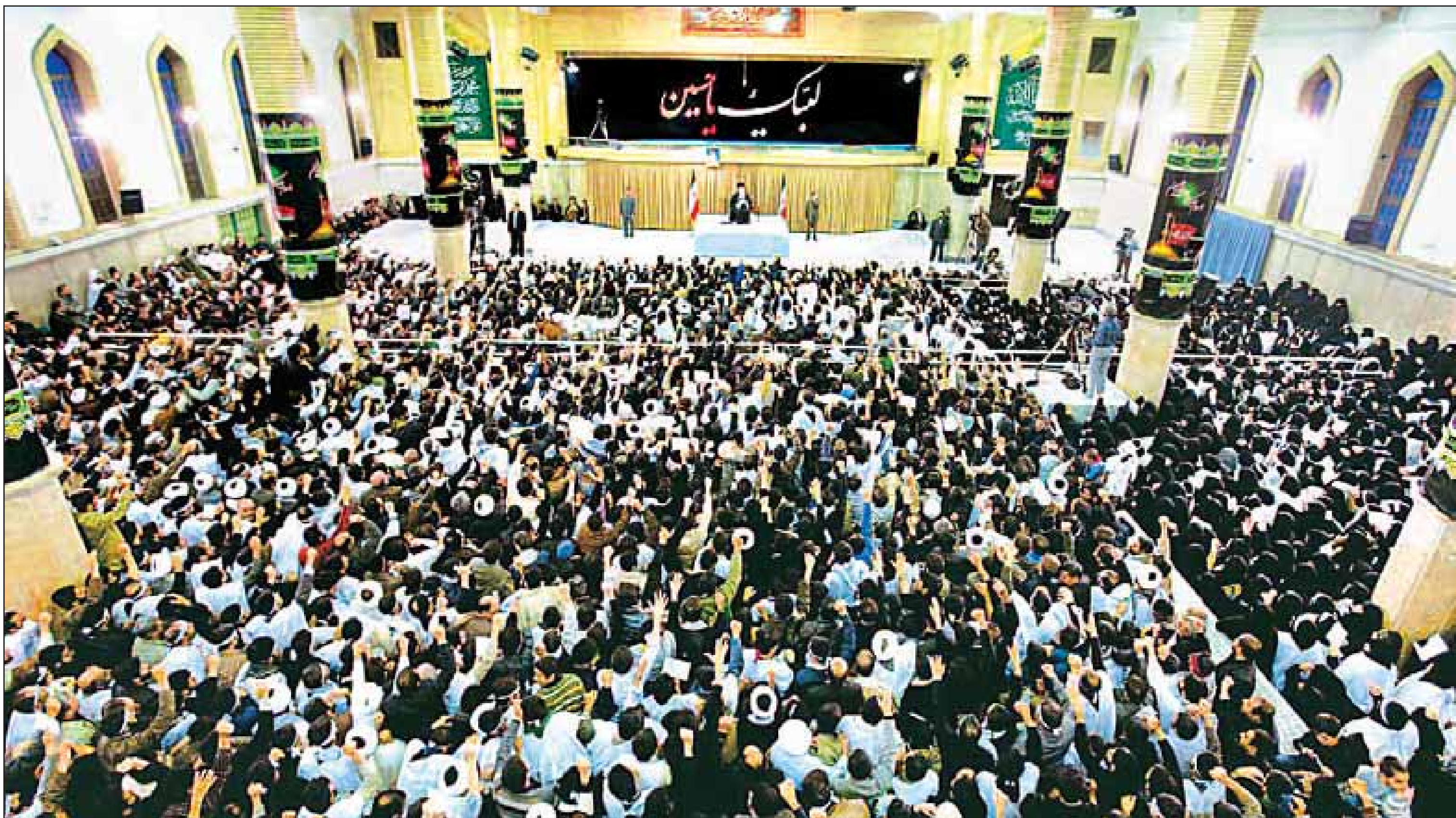
پی‌نوشت:

۱ـ وسائل‌الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۷.

۲ـ رعد: ۱۷

۳ـ فصلت: ۳۰

۴ـ شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹



تجزیه و تحلیل رخدادهای نوزدهم و نهم دی

در دیدار مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی ۵۷

دیماه ۱۳۸۸

بسم الله الرّحمن الرّحیم

هر سال نوزدهم دی را همه‌ی ملت ایران، بخصوص مردم عزیز و بابصیرت قم، همچون یک مقطع تاریخی گویا و زباندار، به رخ مستکبران عالم می‌کشند. جا هم دارد؛ حقیقتاً هم حادثه ای مثل نوزدهم دی، به رخ دشمن کشیدنی است.

این حادثه از ابعـــاد مختلفی قابل توجه و تأمل اســـت: هم بصیرت در این حادثه موج می‌زند، هم موقع‌شناســـی، هم دشمن‌شناســـی، هم مجاهدت و اقدام و فداکاری؛ اینها ابعاد این حادثه‌ی عظیمی اســـت که در نوزدهم دی سال ۵۶ـ یعنی سی و دو سال قبل ـ به وقوع پیوسته است. از طرف دیگر، همین حادثه، مبدأ یک تحول، یک حرکت، یک جریـــان عظیم و جهتداری در ملت ایران شـــد. پس حادثه، حقیقتاً حادثه‌ی مهمی است. آن روز هم تأثیر گذاشـــت؛ امروز هم که شما یاد آن حادثه را و یاد شهدای روحانی و غیر روحانیِ آن حادثه را گرامی می‌دارید، باز تأثیر می گذارد؛ درس می‌دهد، بصیرت می‌دهد و جهت حرکت را به ما نشان می‌دهد.

روزهای ســـال، به طور طبیعی و به خودی خود همه مثل همند؛ این انســـانها هستند، این اراده‌ها و مجاهدتهاست که یک روزی را از میان روزهای دیگر برمیکشـــد و آن را مشـــخص می‌کند، متمایـــز می‌کند، متفاوت می‌کند و مثل یک پرچمی نگه می‌دارد تا راهنمای دیگران باشـــد. روز عاشورا ـ دهم محرم ـ فی نفســـه با روزهای دیگر فرقی ندارد؛ این حســـین بن علی (علیه السّلام) اســـت که به این روز جان می‌دهد، معنا می‌دهد، او را تا عرش بالا می‌برد؛ این مجاهدتهای یاران حســـین بن علی (علیه السّـــلام) اســـت که به این روز، این خطورت و اهمیت را می‌بخشـــد. روز نوزدهم دی هم همین جور است، روز نهم دیِ امســـال هم از همین قبیل اســـت. نهم دی با دهم دی فرقی نـــدارد؛ این مردمند که ناگهان با یـــک حرکت ـ که آن حرکت برخاسته از همان عواملی است که نوزدهم دیِ قم را تشکیل داد؛ یعنی برخاسته ی از بصیرت اســـت، از دشمن‌شناسی است، از وقت‌شناسی است، از حضور در عرصه ی مجاهدانه است ـ روز نهم دی را هم متمایز می‌کنند.

مطمئن باشید که روز نهم دیِ امسال هم در تاریخ ماند؛ این هم یک روز متمایزی شـــد. شایدَ به یک معنا بشود گفت که در شرائط کنونی ـ که شـــرائط غبارآلودگی فضاست ـ این حرکت مردم اهمیت مضاعفی داشـــت؛ کار بزرگی بود. هرچه انسان در اطراف این قضایا فکر می‌کند، دســـت خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حســـین بن علی (علیه السّلام) را می‌بیند. این کارها کارهائی نیســـت که با اراده‌ی امثال ما انجام بگیرد؛ این کار خداست، این دست قدرت الهی است؛ همان طور که امام در یک موقعیت حساسی ـ که من بارها این را نقل کرده‌ام ـ به بنده فرمودند: «من در تمام این مدت، دســـت قدرت الهی را در پشـــت این قضایا دیدم». درست دید آن مرد نافذِ بابصیرت، آن مرد خدا.

در شرائط فتنه، کار دشوارتر اســـت؛ تشخیص دشوارتر است. البته خدای متعال حجت را همیشه تمام می‌کند؛ هیچ وقت نمیگذارد مردم از خدای متعال طلبگار باشند و بگویند تو حجت را برای ما تمام نکردی، راهنما نفرستادی، ما از این جهت گمراه شـــدیم. در قرآن مکرر این معنا ذکر شده است. دست اشاره ی الهی همه جا قابل دیدن اســـت؛ منتها چشم باز می‌خواهد. اگر چشـــم را باز نکردیم، هلال شب اول ماه را هم نخواهیم دید؛ اما هلال هست. باید چشـــم باز کنیم، باید نگاه کنیم، دقت کنیم، از همه‌ی امکاناتمان استفاده کنیم تا این حقیقت را که خدا در مقابل ما قرار داده است، ببینیم.

مهم این اســـت که انســـان این مجاهـــدت را بکند. این مجاهدت به نفع خود انســـان اســـت؛ خدای متعال هم در این مجاهدت به او کمک می‌کند. نوزده دیِ مردم قم در ســـال ۵۶ از این قبیل بود، نهم دیِ امســـالِ آحاد مَردم کشور ـ که حقیقتاً این حرکت میلیونی فوقَ‌العاده‌ی مَردم حرکت عظیمی بود ـ از همین قبیل اســـت، و قضایای گوناگونی که ما در طول انقلاب از این چیزها کم نداشتیم. این مجاهدت، راه را به ما نشان می‌دهد.

ببینید در جنگ صفین، امیرالمؤمنین در مقابل کفار که قرار نداشت؛ جبهه‌ی مقابل امیرالمؤمنین جبهه‌ای بودند که نماز هم می‌خواندند، قرآن هم می‌خواندند، ظواهر در آنها محفوظ بود؛ خیلی ســـخت بود. کی باید اینجا روشنگری کند و حقائق را به مردم نشان دهد؟ بعضی ها حقیقتاً متزلزل می‌شدند. تاریخ جنگ صفین را که انسان می‌خواند، دلش می‌لرزد. در این صف عظیمی که امیرالمؤمنین به عنوان لشکریان راه انداخته بود و تا آن منطقه ی حساس ـ در شامات ـ در مقابل معاویه قرار گرفته بود، تزلزل اتفـــاق می‌افتاد؛ بارها این اتفاق افتـــاد؛ چند ماه هم قضایا طول کشـــید. یک وقت خبر می‌آوردند که در فلان جبهه، یک نفری شبهه ای برایش پیدا شـــده است؛ شروع کرده است به اینکه آقا ما چرا داریم می‌جنگیم؟ چه فایده دارد؟ چه، چه. اینجا اصحاب امیرالمؤمنین ـ یعنی در واقع اصحاب خاص و خالصی که از اول اسلام با امیرالمؤمنین همراه بودند و از امیرالمؤمنین جدا نشدند ـ جلو می‌افتادند؛ از جمله جناب عمار یاسر (سلام الله علیه) که مهمترین کار را ایشان می‌کرد. یکی از دفعات عمار یاسر ـ ظاهراً عمار بود ـ اســـتدلال کرد. ببینید چه استدلالهائی است که انسان می‌تواند همیشـــه اینها را به عنوان اســـتدلالهای زنده در دست داشته باشد. ایشان دید یک عده‌ای دچار شبهه شده‌اند؛ خودش را رساند آنجا، سخنرانی کرد. یکی از حرفهای او در این سخنرانی این بود که گفت: این پرچمی که شما در جبهه‌ی مقابل می‌بینید، این پرچم را من در روز احد و بدر در مقابل رســـول خدا دیدم ـ پرچم بنی امیه ـ زیر این پرچم، همان کســـانی آن روز ایستاده بودند که امروز هم ایســـتاده اند؛ معاویه و عمروعاص. در جنگ احد، هم معاویه، هم عمروعاص و دیگر سران بنی امیه در مقابل پیغمبر قرار داشتند؛ پرچم هم پرچم بنی‌امیه بود. گفت: اینهائی که شما می‌بینید در زیر این پرچم، آن طرف ایستاده‌اند، همینها زیر همین پرچم در مقابل پیغمبر ایستاده بودند و من این را به چشم خودم دیدم. این طرفی که امیرالمؤمنین هست، همین پرچمی که امروز امیرالمؤمنین دارد ـ یعنی پرچم بنی‌هاشم ـ آن روز هم در جنگ بدر و احد بود و همین کسانی که امروز زیرش ایستاده‌اند، یعنی علی بن ابیطالب و یارانـــش، آن روز هم زیر همین پرچم ایستاده بودند. از این علامت بهتر؟ ببینید چه علامت خوبی است. پرچم، همان پرچم جنگ احد است؛ آدمها همان آدمهایند، در یک جبهه. پرچم، همان پرچم جنگ احد است؛ آدمها همان آدمهایند در جبهه‌ی دیگر، در جبهه‌ی مقابل. فرقش این است که آن روز آنها ادعا می‌کردند و معترف بودند و افتخار می‌کردند که کافرند، امروز همانها زیر آن پرچم ادعا می‌کنند که مســـلمند و طرفدار قرآن و پیغمبرند؛ اما آدمها همان آدمهایند، پرچم هم همان پرچم اســـت. خوب، اینها بصیرت است. اینقدر که ما عرض می‌کنیم بصیرت بصیرت، یعنی این.

از اول انقلاب و در طول سالهای متمادی، کی‌ها زیر پرچم مبارزه‌ی با امام و انقلاب ایستادند؟ آمریکا در زیر آن پرچم قرار داشت، انگلیس در زیر آن پرچم قرار داشت، مستکبرین در زیر آن پرچم قرار داشتند، مرتجعین وابســـته‌ی به نظام استکبار و ســـلطه، همه در زیر آن پرچم مجتمع بودند؛ الان هم همین جور است. الان هم شـــما نگاه کنید از قبل از انتخابات سال ۸۸، در

این هفت هشت ماه تا امروز آمریکا کجا ایستاده است؟ انگلیس کجا ایستاده است؟ خبرگزاریهای صهیونیستی کجا ایستاده اند؟ در داخل، جناحهای ضد دین، از توده‌ای بگیر تا سلطنت‌طلب، تا بقیه‌ی اقسام و انواع بی دین‌ها کجا ایستاده‌اند؟ یعنی همان کسانی که از اول انقلاب با انقلاب و با امام دشمنی کردند، سنگ زدند، گلوله خالی کردند، تروریسم راه انداختند. سه روز از پیروزی انقلاب در بیست و دوی بهمن گذشته بود، همین آدمها با همین اسمها آمدند جلوی اقامتگاه امام در خیابان ایران، بنا کردند شعار دادن؛ همانها الان می آیند توی خیابان، علیه نظام و علیه انقلاب شعار می‌دهند! چیزی عوض نشده. اسمشان چپ بود، پشت سرشان آمریکا بود؛ اسمشان سوسیالیست بود، لیبرال بود، آزادی طلب بود، پشت سرشان همه‌ی دستگاه‌های ارتجاع و استکبار و استبداد کوچک و بزرگ دنیا صف کشیده بودند! امروز هم همین است. اینها علامت است، اینها شاخص است؛ و مهم این است که ملت این شاخصها را می فهمد؛ این چیزی است که انسان اگر صدها بار شکر خدا را بکند، حقش را به جا نیاورده است؛ سجده‌ی شکر کنیم.

این ملت عظیم از قشرهای مختلف در سراسر کشور نگاه می‌کنند به صحنه، می‌شناسند صحنه را؛ خیلی چیز بزرگ و مهمی است. اینی که من عرض می‌کنم روز نُه دی در تاریخ ماندگار است، به خاطر این است. مردم بیدارند؛ همین است که کشور شما را نگه داشته است عزیزان من! همین است که انقلابتان را حفظ کرده است؛ همین است که جرأت سران استکبار را از آنها گرفته است که بخواهند به ملت ایران حمله کنند؛ می‌ترسند. حالا در تبلیغات، زید و عمرو و بکر را می‌کشند جلو، بمباران تبلیغاتی می‌کنند؛ اما حقیقت قضیه چیز دیگری است. دشمن حقیقی آنها ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها ایمان و بصیرت ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها همین

*** راهپیمایی نهم دی، تجلی دست قدرت خدا و حرکتی ماندگار در تاریخ انقلاب بود**

*** همه باید مراقب باشیم که با کارهای بی‌رویه به فتنه‌انگیزی دشمن کمک نکنیم**

*** افرادی که مسئولیت و وظیفه قانونی ندارند، نباید در این قضایا دخالت کنند**

*** اگر در این قضایا بدون دخالت و درک کافی عمل شود ممکن است بیگناهانی که از این خباثت‌ها بیزارند، لطمه جدی ببینند، بنابراین همه باید از حرکت خودسرانه بپرهیزند و همه چیز بر روال قانون انجام شود**

*** سلطه‌گران و جریانهای ضد دین که امروز در شرایط غبارآلود فتنه در مقابل نظام و انقلاب شعار می‌دهند همان کسانی هستند که سالها زیر پرچم مبارزه با امام و انقلاب صف‌آرایی کرده بودند**



غیرت دینی جوانهاست که می‌جوشد. یک وقتی هم دندان روی جگر می گذارند، صبر هم می‌کنند، باید هم بکنند؛ اما یک وقت هم آنجائی که وقت حضور در صحنه است، می‌آیند توی صحنه.

تحلیل حوادث جاری کشورمان تحلیلی نیست که از حوادث عالم جدا باشد. حوادث عالم، حوادث منطقه، اینها به هم متصل است. بخشی هم مربوط به کشور ماست، که البته آن بخش اصلی و اساسی است. علت هم این است که استکبار لنگی کار خود را از اینجا می بیند؛ و این نشان می‌دهد که یک ملت و یک مجموعه‌ی انسانی چه نقشی می تواند ایفاء کند. اینی که امام بزرگوار ما هی خطاب می‌کرد به امت اسلام، با توجه به این حقیقت است. یک ملت وقتی بیدار می‌شود، اینجور می تواند همه‌ی محاسبات استکبار را به هم بریزد. کارخانه‌ای که آنها درست کردند، خط تولیدی که برای به ثمر رساندن اهداف استکباریِ خودشان بِه وجود آوردند، این خط تولید را بیداری یک ملَت اینجور کُند یا متوقف می کند. اگر همه‌ی ملتهای مسلمان بیایند توی میدان، چه می‌شود! اگر همه‌ی ملتهای مسلمان همین بصیرت را، همین آمادگی را، همین حضور را پیدا کنند، چه اتفاقی در دنیا می افتد! از این می ترسند. می خواهند صدای من و شما خاموش بشود و به گوش ملتهای دیگر نرسد. می‌خواهند کاری کنند که ملتهای دیگر نفهمند تأثیر بیداری و بصیرت یک ملت در حوادث عالم چقدر است.

یک نکته را هم به جوانان عزیز انقلابی، به فرزندان عزیز انقلابی خودم، به فرزندان بسیجی ـ از زن و مرد ـ عرض بکنم: جوانان از اطراف و اکناف کشور، از آنچه که تهتّک بیگانگان از ایمان دینی به گوششان می‌خورد یا با چشمشان می‌بینند، عصبانی هستند؛ وقتی می بینند روز عاشورا چگونه یک عده‌ای حرمت عاشورا را هتک می‌کنند، حرمت امام حسین را هتک می‌کنند، حرمت عزاداران حسینی را هتک می‌کنند، دلهاشان به درد می‌آید، سینه‌هاشان پر می‌شود از خشم؛ البته خوب، طبیعی هم هست، حق هم دارند؛ ولی می‌خواهم عرض بکنم جوانهای عزیز مراقب باشند، مواظب باشند که هرگونه کار بی رویه‌ای، کمک به دشمن است. اینجا جوانها تلفن می‌کنند ـ می‌فهمم من، می‌خوانم، غالباً تلفنها و نامه ها را خلاصه می‌کنند، هر روز می آورند، من نگاه می‌کنم ـ می بینم همین طور جوانها گله‌مند، ناراحت و عصبانی؛ گاهی هم از بنده گله می‌کنند که چرا فلانی صبر می‌کند؟ چرا فلانی ملاحظه می‌کند؟ من عرض می‌کنم؛ در شرائطی که دشمن با همه‌ی وجود، با همه‌ی امکانات خود درصدد طراحی یک فتنه است و می‌خواهد یک بازی خطَرناکی را شروع کند، باید مراقبت کرد او را در آن بازی کمک نکرد. خیلی باید با احتیاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شد. دستگاه‌های مسئولی وجود دارند، قانون وجود دارد؛ بر طبق قانون، بدون هیچگونه تخطی از قانون، بایستی مُرّ قانون به صورت قاطع انجام بگیرد؛ اما ورود افرادی که شأن قانونی و سمت قانونی و وظیفه ی قانونی و مسئولیت قانونی ندارند، قضایا را خراب می‌کند. خدای متعال به ما دستور داده است: «و لایجرمنّکم شنئان قوم علی ان لاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتّقوی».[1] بله، یک عده‌ای دشمنی می‌کنند، یک عده‌ای خباثت به خرج می‌دهند، یک عده ای از خباثت‌کنندگان پشتیبانی می‌کنند ـ اینها هست ـ اما باید مراقب بود. اگر بدون دقت، بدون حزم، انسان وارد برخی از قضایا بشود، بیگناهانی که از آنها بیزار هم هستند، لگدمال می‌شوند؛ این نباید اتفاق بیفتد. من برحذر می‌دارم جوانهای عزیز را، فرزندان عزیز انقلابیِ خودم را از اینکه یک حرکتی را خودسرانه انجام بدهند؛ نه، همهَ چیز بر روال قانون.

مسئولین کشور بحمدالله چشمشان هم باز است، می‌بینند؛ می‌بینند مردم در چه جهتی دارند حرکت می‌کنند. حجت بر همه تمام شده است. حرکت عظیم روز چهارشنبه ی نهم دی ماه حجت را بر همه تمام کرد. مسئولین قوه‌ی مجریه، مسئولین قوه‌ی مقننه، مسئولین قوه‌ی قضائیه، دستگاه‌های گوناگون، همه می‌دانند که مردم در صحنه‌اند و چه می‌خواهند. دستگاه‌ها باید وظائفشان را انجام بدهند؛ هم وظائفشان در مقابل آدم مفسد و اغتشاشگر و ضدانقلاب و ضدامنیت و اینها، هم وظائفشان در زمینه‌ی اداره‌ی کشور.

مسائل کشور که فقط مسائل مربوط به اغتشاشگران نیست؛ کشور مسائل اقتصادی دارد، مسائل علمی دارد، مسائل سیاسی دارد، مسائل بین‌المللی دارد، مسائل امنیتی دارد؛ صدها مسئله‌ی مهم پیش روی مسئولان کشور هست؛ باید اینها را انجام بدهند؛ باید کشور را مدیریت کنند؛ باید کشور را جلو ببرند. دشمن می‌خواهد با این حوادث، چرخهای کشور از کار بیفتد؛ نباید به دشمن کمک کرد. دشمن می‌خواهد با اینگونه حوادث، چرخ پیشرفت اقتصادی متوقف بشود؛ دشمن می‌خواهد چرخ پیشرفت علمی که بحمدالله دور برداشته است و حرکت علمی خوبی آغاز شده و رو به رشد هم هست، متوقف بشود؛ دشمن می‌خواهد حضور سیاسی قدرتمندانه ی جمهوری اسلامی در عرصه های بین‌المللی را که امروز از گذشته بسیار بارزتر و پرجلوه‌تر است، مخدوش کند، خراب کند با این مسائل اینجوری؛ نباید به دشمن کمک کرد. بنابراین مسئولان باید کارهای خود را در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های علمی، در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های اجتماعی، در همه‌ی زمینه‌هائی که مسئولیتی دارند، وظیفه‌ای دارند، با قدرت، با قوّت و با دقت انجام بدهند. همکاری های با دولت و مسئولین کشور هم باید ادامه پیدا کند. مردم هم که حضور خودشان را در صحنه نشان داده‌اند.

بزرگترین ثروت برای یک نظام همین است که مردم پشت سرش باشند. آمدند به اصطلاح خواستند این حرکت مردمی را خراب کنند؛ گفتند راهپیمائی حکومتی! بی عقلها نفهمیدند که با این حرف دارند حکومت را تعریف می‌کنند؛ دارند از حکومت تمجید می‌کنند. این چه حکومتی است که در ظرف دو روز ـ روز عاشورا (یکشنبه) آن خباثتها را راه انداختند، روز چهارشنبه این حرکت عظیم راه افتاد ـ می‌تواند یک چنین بسیج عظیم ملی را در سرتاسر کشور بکند؟ امروز کدام کشور دیگر، کدام حکومت دیگر چنین قدرتی دارد؟ قویترین حکومتهای دنیا و ثروتمندترینشان ـ که ولخرجیهای زیادی هم برای جاسوس‌پروری و خرابکاری و تروریست پروری دارند ـ اگر همه ی تلاششان را هم بکنند، نمیتوانند ظرف دو روز، صد هزار نفر آدم را بیاورند توی خیابانهای شهرشان یا کشورشان. چند ده میلیون انسان در سرتاسر کشور بیایند! اگر به دستور حکومت آمده باشند، این خیلی حکومت مقتدری است؛ پس خیلی حکومت قوی‌ای است که اینجور امکان بسیج را دارد. اما حقیقت غیر از این است؛ حقیقت این است که در کشور ما حکومت و مردمی وجود ندارد ـ همه یکی اند ـ مسئولین حکومت، از شخص حقیر این بنده گرفته تا دیگران، هر کدام قطره‌هائی هستیم در اقیانوس عظیم این ملت.

رحمت خداوند بر روان پاک امام بزرگوارمان که سلسله‌جنبان این حرکت عظیم، او بود؛ و رحمت خداوند بر روان پاک شهدای عزیزمان که آنها بودند که پیشروان و سابقون این حرکت عظیم بودند، که «و السّابقون السّابقون. اولئک المقرّبون»؛[2] اینها هستند که راه را باز کردند، هموار کردند؛ و رحمت خدا بر شما مردم عزیز، بر شما جوانان عزیز، که اینجور بصیرت و آمادگی را از خودتان نشان می‌دهید و دشمن را از دست اندازی به کشورتان و نظامتان و انقلابتان مأیوس می‌کنید. خداوند ان شاءالله یار و نگهدار شما باشد.

والسّلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته

پی‌نوشت:

۱ـ مائده: ۸؛ «...و البته نباید دشمنیِ گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید؛ عدالت کنید که آن به تقواَ نزدیکتر است ...»

۲ـ واقعه: ۱۰ و ۱۱؛ «و سبقت گیرندگان مقدمند. آنانند همان مقربان [خدا]»

فرائض دانشجویی و بایسته‌های روزگار پرنشاط جوانی

دردیدار جمعی از دانشجویان با رهبر انقلاب

۱۳۹۴/۴/۲۰





حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب عصر امروز در دیداری صریح و صمیمی با بیش از هزار جوان دانشجو، حدود ۴ ساعت به دغدغه‌ها، مطالبات، انتقادها و پیشنهادهای آنان گوش دادند و درباره‌ی مسائل مختلف از جمله آرمان‌خواهی، الزامات افزایش تأثیرگذاری تشکل‌های دانشجویی، مسائل منطقه، تداوم استکبارستیزی ملت ایران و مسائل روز دانشجویی با آنان سخن گفتند. رهبر انقلاب در این دیدار که از ساعت هجده آغاز و بعد از نماز و افطار نیز ادامه یافت با اشاره به حسرت جاری در روزهای پایانی ماه مبارک رمضان، خاطرنشان کردند: هرکس در این بهار معنویت و صفا، دلش را تحت تأثیر باران رحمت و لطف الهی قرار داده، در آینده از میوه‌های این بذرافشانی معنوی، بهره‌ها خواهد برد.

ایشان در پاسخ به سؤال همیشگی جوانان درباره‌ی راه‌های تعالی روحی، افزودند: از بزرگان شنیدم که مهمترین کار برای اعتلای معنوی، تقوا و پرهیز از گناه است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، انجام فرائض دینی به‌ویژه «نماز اول وقت، با حضور قلب و حتی‌المقدور با جماعت» را مکمل پرهیز از گناه برشمردند و خاطرنشان کردند: این مجموعه‌ی گران‌بها را با تلاوت هرروزه حداقل چند آیه از قرآن، زینت دهید.

رهبر انقلاب پس از تأکید بر فرائض دینی به بحثی در زمینه فرائض دانشجویی پرداختند. ایشان قشر دانشجو را قشری ممتاز خواندند و تأکید کردند: مهمترین فریضه‌ی دانشجویی آرمان‌خواهی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با رد تفکری که آرمان‌خواهی را مخالف واقع‌گرایی می‌داند خاطرنشان کردند: آرمان‌گرایی مخالف محافظه‌کاری است نه واقع‌گرایی.

ایشان در توضیح بیشتر، محافظه‌کاری را تسلیم در مقابل هر واقعیتی خواندند و افزودند: آرمان‌گرایی یعنی استفاده‌ی صحیح از واقعیات مثبت و مبارزه با واقعیات منفی در جهت رسیدن به اهداف بزرگ.

رهبر انقلاب، «ایجاد جامعه‌ی اسلامی و احیای تفکر اسلام سیاسی» را از مهم‌ترین آرمان‌ها خواندند و افزودند: آرمان اعتماد به نفس و اعتقاد به «ما می‌توانیم» نیز در مسیر رشد و تعالی جامعه و کشور، تأثیری تعیین کننده دارد.

مبارزه با نظام سلطه و استکبار، سومین آرمانی بود که ایشان در چارچوب فرائض جامعه‌ی دانشجویی، مورد بحث قرار دادند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: علت اصلی دشمنی زورگویان جهانی با ملت ایران، خودداری جمهوری اسلامی از پذیرش نظام مبتنی بر سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است.

ایشان «عدالت‌خواهی»، «سبک زندگی اسلامی»، «آزادی‌خواهی واقعی و نه غربی»، «رشد علمی»، «کار و تلاش و پرهیز از تنبلی» و «اسلامی شدن دانشگاه‌ها» را از دیگر مصادیق آرمان‌خواهی تشکل‌های دانشجویی برشمردند.

رهبر انقلاب اسلامی، سپس به یک دغدغه‌ی راهبردی جامعه‌ی دانشجویی پاسخ گفتند: «چگونه می‌توان با آرمان‌خواهی بر تصمیمات مسئولان کشور تأثیرگذار شد؟“

پاسخ ایشان به این سؤال مهم صریح و مؤکد بود: «آرمان‌ها را تکرار کنید، با جدیت بر سر آنها بایستید تا به گفتمان دانشجویی و سپس گفتمان عمومی تبدیل شوند، آنگاه مسئولان و مراکز دولتی و حکومتی، تحت تأثیر قرار خواهند گرفت.“

رهبر انقلاب پس از تبیین ساز و کار تأثیرگذاری جامعه‌ی دانشجویی بر تصمیمات مراکز مختلف کشور، به بیان الزاماتی پرداختند که تشکل‌های دانشجویی می‌بایست به آنها پایبند باشند.

ایشان پرهیز از «سطحی‌نگری و کار عمقی روی مفاهیم اسلامی» را نخستین الزام تشکل‌های دانشجویی برشمردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در همین زمینه، به نقد برخی شعارها و سخنانی پرداختند که ظاهری اسلامی اما باطنی متفاوت دارد. ایشان به عنوان یک مصداق افزودند: اصطلاح اسلام رحمانی که این روزها رایج شده است از ترکیب دو کلمه‌ی زیبا به‌وجود آمده اما معنای واقعی آن چیست؟ آیا منظور این است که برخلافِ قرآن که انسان‌ها را به مؤمن، کافر، دشمن و دوست تقسیم می‌کند باید با همه‌ی انسان‌ها، صرفاً با رحمت برخورد کرد؟ و با کسانی که با اسلام و ملت ایران دشمنی می‌کنند، بر خلاف فرمان پروردگار با محبت، مودّت و مَعدلَت رفتار کرد؟

ایشان، این گونه حرف‌های بدون تأمل و سطحی را کاری غلط و گمراه‌کننده خواندند و افزودند: آیا اصطلاح اسلام رحمانی، نشأت گرفته از لیبرالیزم غربی است؟ اگر این گونه باشد این اصطلاح، نه اسلامی است و نه حتی رحمانی و عاطفی، چرا که زیربنای لیبرالیزم یعنی تفکر اومانیستی براساس نفی پروردگار و معنویت شکل گرفته و بر پایه‌ی منافع گروه‌های قدرتمند، استوار است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه‌ی همین بحث، به نقد مسائلی که ارزش‌های آمریکایی نام‌گذاری شده پرداختند و افزودند: جهان‌خوارگی نظام سلطه در همین ارزش‌های آمریکایی ریشه دارد ضمن اینکه نکات خوب این ارزش‌ها نیز، در رفتار سلطه‌جویانه‌ی مقامات آمریکایی به فراموشی سپرده شده است.

ایشان افزودند: اگر اصطلاح اسلام رحمانی به این گونه مسائل اشاره دارد صددرصد غلط است و ربطی به اسلام واقعی ندارد.

رهبر انقلاب سپس به یکی دیگر از الزامات اثرگذاری تشکل‌های دانشجویی یعنی «افزایش قدرت جاذبه» پرداختند. ایشان با رد کامل افزایش جذابیت در محیط‌های دانشجویی از راه‌های غلطی همچون اردوهای مختلط و کنسرت‌های موسیقی تأکید کردند: کسانی که دختران و پسران دانشجوی مردمِ را تحت عنوان ایجاد جاذبه، به‌صورت مختلط در پوشش اردوهای دانشجویی به اروپا می‌برند قطعاً به محیط‌های دانشجویی و حتی نسل آینده خیانت می‌کنند.

رهبر انقلاب در تبیین راه‌های صحیح افزایش قدرت جذب تشکل‌های دانشجویی، به ارائه‌ی حرف‌های نو و تازه‌ی دینی، سیاسی و اجتماعی اشاره کردند و افزودند: مطالعه‌ی عمیق قرآن و نهج‌البلاغه، امکان طرح سخنان نو و جذاب را فراهم می آورد. استفاده از روش‌های هنری مانند تئاتر دانشجویی، کاریکاتور، طنز، نشریات صوتی، مراسم شعرخوانی از دیگر روش‌هایی بود که رهبر انقلاب به تشکل‌های دانشجویی توصیه کردند.

اقناع فکری و پرهیز از تحمیل

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سپس در تبیین سومین الزام افزایش جذابیت گروه‌های دانشجویی، «اقناع فکری و پرهیز از زور و تحمیل» را مورد تأکید قرار دادند. ایشان خاطرنشان کردند: تفکر دینی را جز با اقناع نمی‌شود منتقل کرد البته ممکن است تحت تأثیر احساسات و هیجانات، برخی حرف‌ها بدون اقناع فکری، پذیرفته شود اما این پذیرش چون اقناعی نیست، ماندگار نخواهد بود.

رهبر انقلاب با اشاره به سابقه‌ی استفاده‌ی گروه‌های مارکسیستی و کمونیستی از روش‌های غیراقناعی و تحمیل عقاید خود، هشدار دادند: اگر برخی خبرِها درباره‌ی فعال شدن دوباره‌ی جریان مارکسیستی در بعضی دانشگاه‌ها، واقعیت داشته باشد، قطعاً پول آمریکایی حامی این جریان است تا دانشجویان متفرق و شقه شقه شوند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «به‌کارگیری اساتید ارزشی و خودداری از استفاده از عناصر نامطمئن برای نظام و کشور و مردم» را به تشکل‌های دانشجویی توصیه و خاطرنشان کردند: عناصری نظیر کسانی که در سال ۸۸ آن حوادث را به‌راه انداختند و بدون هیچ منطقی با اسلامیت و جمهوریت نظام مخالفت کردند قابل اطمینان نیستند.

رهبر انقلاب «فهم واقعیات کشور» را از دیگر الزامات افزایش تأثیرگذاری جریان‌های دانشجویی برشمردند. ایشان افزودند: توقع از مسئولان برای کار و تلاش بیشتر، توقع درستی است اما باید واقعیات مثبت را نیز مشاهده کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، پررنگ‌تر شدن آرمان‌ها و ناکام ماندن تلاش بعضی مجموعه‌ها برای به حاشیه راندن و حذف آرمان‌های امام خمینی رحمه‌الله را از جمله واقعیات قابل توجه کشور دانستند.

ایشان یادآوری کردند پس از رحلت امام بزرگوار، عده‌ای بر اثر یک اشتباه، اهداف پنهان خود را برای کنار گذاشتن آرمان‌های بزرگ امام علنی کردند که البته الان چون پخته‌تر شده‌اند دیگر به صراحت از این هدف حرف نمی‌زنند، اما عمل می‌کنند.

رهبر انقلاب افزودند: با وجود تلاش‌های بی‌وقفه‌ی این عده در داخل و خارج و به‌کارگیری عناصر فکری، سیاسی و هنری، نشاط و حیات آرمان‌ها در کشور اوج گرفته است و جوانانی که حتی واقعیات جذاب دوران امام و جنگ تحمیلی را ندیده‌اند با تمام وجود جذب آرمان‌های اسلام و انقلاب شده‌اند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «حضور و نفوذ شگفت‌آور و معنوی ایران» در منطقه را از دیگر واقعیاتی برشمردند که تشکل‌های دانشجویی باید مورد توجه قرار دهند.

ایشان افزودند: باخبریم که آمریکایی‌ها و مرتجعان منطقه در نشست‌های پنهان خود، برای یکدیگر از نفوذ ایران در منطقه درد دل می‌کنند اما کاری هم از دستشان بر نمی‌آید.

رهبر انقلاب با اشاره به بمباران صد روزه‌ی یمن و کشتار وحشیانه‌ی مردم بی گناه و مظلوم

آن کشـــور افزودند: غرب لیبرال و مدعی آزادی‌خواهی در برابر این جنایت سعودی‌ها، لب از لب باز نمی‌کند و شـــورای اَمنیت در یکی از ننگین‌ترین قطعنامه‌های خود، به‌جای بمباران‌کنندگان، بمباران‌شوندگان را محکوم می‌کند.

ایشـــان، علت اصلی بمباران خانه و کاشـــانه‌ی مردم یمن را غیظ و عصبانیت سعودی‌ها و حامیانشان از نفوذ ایران در منطقه برشـــمردند و افزودند: بر خلاف ادعاها، نفوذ ایران اسلامی در منطقه، موهبتی خدادادی است، نه فیزیکی و متکی بر سلاح، و ما همچون شهید بهشتی به دشمنان این ملت می‌گوییم از این عصبانیت و غیظ بمیرید.

رهبر انقلاب با توصیه به تشـــکل‌های دانشـــجویی برای کار کردن روی مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله قضایای یمن، عراق و ســـوریه، ایجاد تشکل‌های دانشجویی برای استفاده در هنگام انتخابات را نوعی اهانت به جامعه‌ی دانشجویی خواندند و افزودند: جدای از این تشکل‌های یک‌بار مصرف، تشـــکل‌های اسلامی و علاقه‌مند می‌توانند در حرکت عمومی کشور، بسیار مفید و تأثیرگذار باشند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش نخســـت سخنانشـــان، پس از شـــنیدن سخنان ۹ نفر از نمایندگان تشکل‌ها و جریان‌های دانشجویی، با اشاره به اظهارات یکی از دانشجویان در خصوص بی‌فایده بودن «شعار بدون عمل»، گفتند: البته شعار پرمحتوا، پرمضمون و حاکی از یک حقیقت قابل گسترش فکری، می‌تواند عوامل انسانی را به صحنه بکشاند و جهت‌دهنده و برانگیزاننده باشد.

«سخت‌گیری در مقابل تشکل‌های انقلابی دانشجویی»، محور انتقاد یکی از دانشجویان بود که رهبر انقلاب در این خصوص خطاب به وزیرانَ علوم و بهداشت تأکید کردند: حرف‌های تشکل‌های دانشجویی انقلابی و اسلامی همان حرف‌ها و مطالبات ماست و افرادی که در دانشگاه‌ها، کارها و مسئولیت‌های کلیدی در دست دارند مطلقاً نباید بر این تشـــکل‌ها سخت‌گیری و فضای فعالیت آنان را محدود کنند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با وارد دانستن انتقاد یکی دیگر از دانشجویان در خصوص ترویج برخی مسائل مُخلّ پیشرفت‌های علمی در دانشـــگاه‌ها نظیر برگزاری کنسرت‌های موســـیقی، گفتند: این‌گونه کارها به بهانه‌ی نشاط‌بخشـــی به محیط دانشجویی، جزو غلط‌ترین کارهاست.

رهبر انقلاب سوق دادن جوانان به این فضاهای ناسالم را برنامه‌ی دشمنان خواندند و خاطرنشان کردند: پیشروان حرکت پرافتخار علمی امروز کشـــور در رشته‌های حساس و مهمی نظیر هســـته‌ای و نانو، جوانان مؤمن و انقلابی بوده و هستند و دشمنان می‌خواهند امثال دکتر شهریاری ها و دکتر چمران‌ها، در دانشگاه‌ها تربیت نشوند.

حضرت آیـــت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: هر دو وزیر محترم علوم و بهداشـــت مورد اعتماد من هســـتند اما باید مراقبت کنند که افرادی در زیر مجموعه‌ی آنها، دانشجویان را با برخی کارها و برنامه‌های غلط، از گرایش انقلابی و اسلامی و معنویت دور نکنند.

کرسی‌های آزاداندیشی به معنای واقعی

«تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی به معنایِ واقعی» نکته‌ی دیگری در سخنان دانشجویان بود که رهبر انقلاب درخصوص آن گفتند: بنده کاملاً با چنین کاری موافقم و باید جوان دانشجوی مسلمان انقلابی ولایی، با خونســـردی و با قدرت منطق و قوت استدلال، استدلال‌های معارض را باطل کند که اینَ ظرفیت امروز وجود دارد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پاســـخ به سؤال یکی از دانشـــجویان درباره‌ی سخنان برخی نمایندگان و منصوبین رهبری و القـــای این نظرات به عنوان دیدگاه‌های رهبری گفتند: حرف این افراد، حرف خود آنهاست و حرف بنده را از خود بنده بشنوید.

ایشان افزودند: منصوب‌شـــدگان از سوی رهبری حتی ممکن است در برخی مسائل سیاسی و اجتماعی نظر متفاوتی با بنده داشـــته باشند که این مسئله اشـــکالی ندارد، زیرا مسئله‌ی اصلی، جهت‌گیری‌های کلی و انقلابی است.

رهبر انقلاب تأکید کردند: البته اگر کســـی از قول بنده نکته‌ی خلاف واقع را مطرح کند، به او تذکر داده و خواسته می‌شود که آن مطلب را اصلاح کند.

«وضعیت مبارزه با استکبار پس از مذاکرات هسته‌ای» سؤال دیگری بود که یکی از دانشجویان مطرح کرد. رهبر انقلاب در پاسخ تأکید کردند: مبارزه با استکبار و نظام سلطه، براساس مبانی قرآنی، هیچ‌گاه تعطیل‌پذیر نیست و امروز آمریکا کامل‌ترین مصداق استکبار است.

ایشان افزودند: به مســـئولین مذاکره‌کننده نیز گفته‌ایم که فقط در موضوع هسته‌ای حق دارید مذاکره کنید و با اینکه طرف آمریکایی گاهی مسائل منطقه، از جمله سوریه و یمن را پیش می‌کشد، مسئولین ما می‌گویند در این مسائل مذاکره نمی‌کنیم.

رهبر انقلاب تأکید کردند: مبارزه با اســـتکبار جزء مبانی انقلاب و از کارهای اساسی است، بنابراین، خودتان را برای ادامه مبارزه با استکبار آماده کنید.

دانشجویی از رهبر انقلاب درخواست کرد پدران و مادران را به سهل‌گیری در ازدواج جوانان توصیه کنید. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز پدران و مادران را به پرهیز از سخت‌گیری دعوت کردند و گفتند: خداوند در قرآن وعده داده اســـت که پس از ازدواج از فضل خود جوانان را غنی می‌کند و مشکلات برطرف می‌شود.

ایشان رسم خواستگاری و واسطه‌گری برای تسهیل ازدواج جوانان را رسمی ستودنی خواندند و گفتند: حل مشکلات ازدواج جوانان، به نفع دنیا و آخرت کشور و جامعه است.

رهبر انقلاب در همین زمینه مســـئله‌ی مهم افزایش نسل را مورد اشاره قرار دادند و با اشاره به برخی گزارش‌ها درباره‌ی عدم اجرای صحیح قانون درخصوص جلوگیری از منع باروری، خطاب به وزیر بهداشت تأکید کردند: به این مسئله رسیدگی کنید.

رهبر انقلاب با اظهار خرسندی عمیق و قلبی از دیدار با دانشجویان، حضور پرشور، پرانگیزه و بانشـــاط دانشجو و جوان ایرانی در عرصه‌ی مســـائل گوناگون کشور را مسئله‌ای مهم و نقطه‌ی مقابل گزارش‌هایی خواندند که برخی مراکز مغرض آماری درباره افســـردگی جوان ایرانی ارائه می‌دهند. ایشان خاطرنشان کردند: این دروغ محض و خباثت‌آمیز، بهانه‌ای برای تجویز آزادی‌های مبتذل است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جوان ایرانی را از با نشـــاط‌ترین، فعال‌ترین و سرزنده‌ترین جوانان دنیا برشـــمردند و در مقابل، آمار بالای خودکشـــی جوانان اروپایی را نشانه‌ی افسردگی در دنیای غرب دانستند.

ایشـــان قتل حدود ۸۰ کودک در حمله‌ی چند سال قبل یک جوان اروپایی و همچنین گرایش بالای جوانان اروپایی به عضویت در داعش برای خودکشی از طریق عملیات انتحاری را نمونه‌هایی از افســـردگی جوان اروپایی خواندند و در مقابل تأکید کردند: جوان ایرانی که با زبان روزه و پس از شب زنده‌داری شب قدر، برای راهپیمایی روز قدس در گرمای شدید تابستان به خیابان می‌آید، ســـرزنده و با نشاط و فرسنگ‌ها از افسردگی به‌دور است.

در ابتدای این دیدار ۹ نفر از نمایندگان تشکل‌های دانشجویی آقایان:

– علی پهلوان کاشـــی ـ دبیر جامعه‌ی اسلامی دانشجویان
– کیوان عاصم کفاش ـ دبیرکل مجمع تشکل‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد
– وحید زارع ـ عضو شـــورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی
– هادی ذوالفقاری ـ دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی
– میکاییـــل دیانی ـ دبیر تشـــکیلات اتحادیه‌ی انجمن‌های اســـلامی دانشجویان مستقل
– علی مهدیانفر ـ مســـئول بســـیج دانشجویی دانشگاه آزاد شمال
– حسین شهبازی زاده ـ دبیر جنبش عدالتخواه دانشجویی

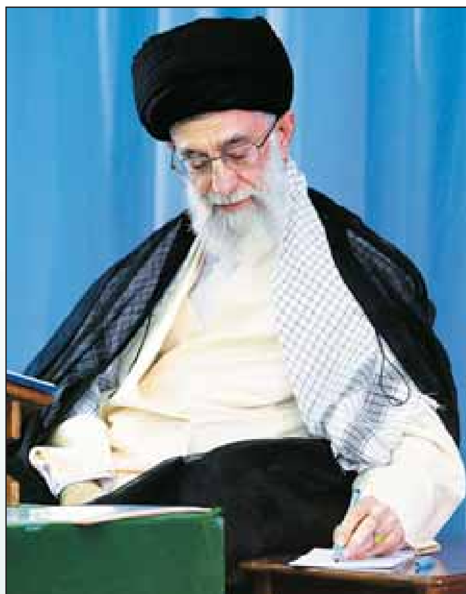
و خانم‌ها

– زینب‌السادات حسینی ـ عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت
– صبا کرم ـ مسئول گروه جهادی پزشکی قرارگاه نجف

دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود را به این شرح بیان کردند:

– ضرورت ارتباط بیشتر مسئولان قوا با دانشجویان
– تشکیل اتاق فکر برای رصد معضلات فرهنگی کشور
– زدودن نگاه سیاسی از حوزه فرهنگ
– جوان‌گرایـــی در اعضای شـــورای عالی انقلاب فرهنگی و در نظر گرفتن ســـهمی برای تشکل‌های دانشجویی
– لزوم برخورد قانونی با خاطیان موضوع بورسیه‌ها
– تلاش بی‌وقفه برای جلوگیری از افت جایگاه علمی کشور در سطح جهانی
– لزوم تلاش مضاعف دستگاه قضائی برای مقابله با مفاسد مالی
– حمایت از تلاش‌های تیم هسته‌ای برای ایســـتادگی در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا و حفظ منافع ملی
– توجه به اقتصاد دانش‌بنیان
– ضرورت طرد عناصر فتنه‌گر از سمت‌های اجرایی
– لزوم جلوگیری از بروز التهاب در فضای ذهنی جامعه با خودداری از برجسته‌کردن اختلافات سیاسی
– استفاده لازم از ظرفیت تریبون‌های نماز جمعه و عدم ورود ائمه جمعه به فعالیت‌های حزبی
– اتکاء به توان داخلی و مدیریت جهادی جهت عبور از مشکلات اقتصادی
– ضرورت جلوگیری از تحریف خط امام در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی
– مسدود کردن فعالیت جریان نفوذی در حوزه ی فرهنگی دانشگاه‌ها
– ضرورت انتقال تجربه‌ی مدیریت نسل اول انقلاب به نسل‌های بعد
– انتقاد از محدود کردن ظرفیت دیپلماسی کشور به موضوع هسته‌ای و مذاکره با آمریکا
– انتقاد از تطبیق نادرستِ شرایط فعلی کشور با شرایط قبول صلح امام حسن علیه‌السلام
– لزوم توجه جدی مسئولان به محرومان و قشرهای ضعیف

نامه رهبر انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی



بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم

به عموم جوانان در کشورهای غربی

حوادث تلخی که تروریسم کور در فرانسه رقم زد، بار دیگر مرا به گفتگو با شما جوانان برانگیخت. برای من تأسّف‌بار است که چنین رویدادهایی بستر سخن را بسازد، امّا واقعیّت این است که اگر مسائل دردناک، زمینه‌ای برای چاره‌اندیشی و محملی برای همفکری فراهم نکند، خسارت دوچندان خواهد شد. رنج هر انسانی در هر نقطه از جهان، به‌خودی‌خود برای همنوعان اندوه‌بار است. منظره‌ی کودکی که در برابر دیدگان عزیزانش جان می‌دهد، مادری که شادی خانواده‌اش به عزا مبدّل می‌شود، شوهری که پیکر بی‌جان همسرش را شتابان به سویی می‌برد، و یا تماشاگری که نمیداند تا لحظاتی دیگر آخرین پرده‌ی نمایش زندگی را خواهد دید، مناظری نیست که عواطف و احساسات انسانی را برنینگیزد. هرکس که از محبّت و انسانیّت بهره‌ای برده باشد، از دیدن این صحنه‌ها متأثّر و متألّم می‌شود؛ چه در فرانسه رخ دهد، چه در فلسطین و عراق و لبنان و سوریه. قطعاً یک‌ونیم میلیارد مسلمان همین احساس را دارند و از عاملان و مسبّبان این فجایع، منزجر و بیزارند. امّا مسئله این است که رنجهای امروز اگر مایه‌ی ساختن فردایی بهتر و ایمن‌تر نشود، فقط به خاطره‌هایی تلخ و بی‌ثمر فرو خواهد کاست. من ایمان دارم که تنها شما جوانهایید که با درس گرفتن از ناملایمات امروز، قادر خواهید بود راه‌هایی نو برای ساخت آینده بیابید و سدّ بیراهه‌هایی شوید که غرب را به نقطه‌ی کنونی رسانده است.

درست است که امروز تروریسم درد مشترک ما و شما است، امّا لازم است بدانید که ناامنی و اضطرابی که در حوادث اخیر تجربه کردید، با رنجی که مردم عراق، یمن، سوریه، و افغانستان طیّ سالهای متمادی تحمّل کرده‌اند دو تفاوت عمده دارد؛ نخست اینکه دنیای اسلام در ابعادی بمراتب وسیع‌تر، در حجمی انبوه‌تر و به مدّت بسیار طولانی‌تر قربانی وحشت‌افکنی و خشونت بوده است؛ و دوّم اینکه متأسّفانه این خشونتها همواره از طرف برخی از قدرتهای بزرگ به شیوه‌های گوناگون و به شکل مؤثّر حمایت شده است. امروز کمتر کسی از نقش ایالات متّحده‌ی آمریکا در ایجاد یا تقویت و تسلیح القاعده، طالبان و دنباله‌های شوم آنان بی‌اطّلاع است. در کنار این پشتیبانی مستقیم، حامیان آشکار و شناخته‌شده‌ی تروریسم تکفیری، علی‌رغم داشتن عقب‌مانده‌ترین نظامهای سیاسی، همواره در ردیف متّحدان غرب جای گرفته‌اند، و این در حالی است که پیشروترین و روشن‌ترین اندیشه‌های برخاسته از مردم‌سالاری‌های پویا در منطقه، بی‌رحمانه مورد سرکوب قرار گرفته است. برخورد دوگانه‌ی غرب با جنبش بیداری در جهان اسلام، نمونه‌ی گویایی از تضاد در سیاستهای غربی است.

چهره‌ی دیگر این تضاد، در پشتیبانی از تروریسم دولتی اسرائیل دیده می‌شود. مردم ستمدیده‌ی فلسطین بیش از شصت سال است که بدترین نوع تروریسم را تجربه می‌کنند. اگر مردم اروپا اکنون چند روزی در خانه‌های خود پناه می‌گیرند و از حضور در مجامع و مراکز پرجمعیّت پرهیز می‌کنند، یک خانواده‌ی فلسطینی ده‌ها سال است که حتّی در خانه‌ی خود از ماشین کشتار و تخریب رژیم صهیونیست در امان نیست. امروزه چه نوع خشونتی را می‌توان از نظر شدّت قساوت با شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیست مقایسه کرد؟ این رژیم بدون اینکه هرگز به‌طور جدّی و مؤثّر مورد سرزنش متّحدان پرنفوذ خود و یا لااقل نهادهای بظاهر مستقل بین‌المللی قرار گیرد، هر روز خانه‌ی فلسطینیان را ویران و باغها و مزارعشان را نابود می‌کند، بی‌آنکه حتّی فرصت انتقال اسباب زندگی یا مجال جمع‌آوری محصول کشاورزی را به آنان بدهد؛ و همه‌ی اینها اغلب در برابر دیدگان وحشت‌زده و چشمان اشک‌بار زنان و کودکانی روی می‌دهد که شاهد ضرب و جرح اعضای خانواده‌ی خود و در مواردی انتقال آنها به شکنجه‌گاه‌های مخوفند. آیا در دنیای امروز، قساوت دیگری را در این حجم و ابعاد و با این تداوم زمانی می‌شناسید؟ به گلوله بستن بانویی در وسط خیابان فقط به جرم اعتراض به سرباز تا دندان مسلّح، اگر تروریسم نیست پس چیست؟ این بربریّت چون توسّط نیروی نظامی یک دولت اشغالگر انجام می‌شود، نباید افراطی‌گری خوانده شود؟ یا شاید این تصاویر فقط به این علّت که شصت سال مکرّراً از صفحه‌ی تلویزیون‌ها دیده شده، دیگر نباید وجدان ما را تحریک کند.

لشکرکشی‌های سالهای اخیر به دنیای اسلام که خود قربانیان بی‌شماری داشت، نمونه‌ای دیگر از منطق متناقض غرب است. کشورهای مورد تهاجم، علاوه بر خسارتهای انسانی، زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی خود را از دست داده‌اند، حرکت آنها به سوی رشد و توسعه به توقّف یا کندی گراییده، و در مواردی ده‌ها سال به عقب برگشته‌اند؛ با وجود این، گستاخانه از آنان خواسته می‌شود که خود را ستمدیده ندانند. چگونه می‌توان کشوری را به ویرانه تبدیل کرد و شهر و روستایش را به خاکستر نشاند، سپس به آنها گفت که لطفاً خود را ستمدیده ندانید! به جای دعوت به نفهمیدن و یا از یاد بردن فاجعه‌ها، آیا عذرخواهی صادقانه بهتر نیست؟ رنجی که در این سالها دنیای اسلام از دورویی و چهره‌آرایی مهاجمان کشیده است، کمتر از خسارتهای مادّی نیست.

جوانان عزیز! من امید دارم که شما در حال یا آینده، این ذهنیّت آلوده به تزویر را تغییر دهید؛ ذهنیّتی که هنرش پنهان کردن اهداف دور و آراستن اغراض موذیانه است. به نظر من نخستین مرحله در ایجاد امنیّت و آرامش، اصلاح این اندیشه‌ی خشونت‌زا است. تا زمانی که معیارهای دوگانه بر سیاست غرب مسلّط باشد، و تا وقتی که تروریسم در نگاه حامیان قدرتمندش به انواع خوب و بد تقسیم شود، و تا روزی که منافع دولتها بر ارزشهای انسانی و اخلاقی ترجیح داده شود، نباید ریشه‌های خشونت را در جای دیگر جستجو کرد.

متأسّفانه این ریشه‌ها طیّ سالیان متمادی، بتدریج در اعماق سیاستهای فرهنگی غرب نیز رسوخ کرده و یک هجوم نرم و خاموش را سامان داده است. بسیاری از کشورهای دنیا به فرهنگ بومی و ملّی خود افتخار می‌کنند، فرهنگهایی که در عین بالندگی و زایش، صدها سال جوامع بشری را بخوبی تغذیه کرده است؛ دنیای اسلام نیز از این امر مستثنا نبوده است. امّا در دوره‌ی معاصر، جهان غرب با بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته، بر شبیه‌سازی و همانندسازی فرهنگی جهان پافشاری می‌کند. من تحمیل فرهنگ غرب بر سایر ملّتها و کوچک شمردن فرهنگهای مستقل را یک خشونت خاموش و بسیار زیان‌بار تلقّی می‌کنم. تحقیر فرهنگهای غنی و اهانت به محترم‌ترین بخشهای آنها در حالی صورت می‌گیرد که فرهنگ جایگزین، به‌هیچ‌وجه از ظرفیّت جانشینی برخوردار نیست. به طور مثال، دو عنصر «پرخاشگری» و «بی‌بندوباری اخلاقی» که متأسّفانه به مؤلّفه‌های اصلی فرهنگ غربی تبدیل شده است، مقبولیّت و جایگاه آن را حتّی در خاستگاهش تنزّل داده است. اینک سؤال این است که اگر ما یک فرهنگ ستیزه‌جو، مبتذل و معناگریز را نخواهیم، گنهکاریم؟ اگر مانع سیل ویرانگری شویم که در قالب انواع محصولات شبه هنری به سوی جوانان ما روانه می‌شود، مقصّریم؟ من اهمّیّت و ارزش پیوندهای فرهنگی را انکار نمیکنم. این پیوندها هر گاه در شرایط طبیعی و با احترام به جامعه‌ی پذیرا صورت گرفته، رشد و بالندگی و غنا را به ارمغان آورده است. در مقابل، پیوندهای ناهمگون و تحمیلی، ناموفّق و خسارت‌بار بوده است. با کمال تأسّف باید بگویم که گروه‌های فرومایه‌ای مثل داعش، زاییده‌ی این‌گونه وصلتهای ناموفّق با فرهنگهای وارداتی است. اگر مشکل واقعاً عقیدتی بود، می‌بایست پیش از عصر استعمار نیز نظیر این پدیده‌ها در جهان اسلام مشاهده می‌شد، درحالی‌که تاریخ، خلاف آن را گواهی می‌دهد. مستندات مسلّم تاریخی بروشنی نشان می‌دهد که چگونه تلاقی استعمار با یک تفکّر افراطی و مطرود، آن‌هم در دل یک قبیله‌ی بدوی، بذر تندروی را در این منطقه کاشت. وگرنه چگونه ممکن است از یکی از اخلاقی‌ترین و انسانی‌ترین مکاتب دینی جهان که در متن بنیادین خود، گرفتن جان یک انسان را به مثابه‌ی کشتن همه‌ی بشریّت می‌داند، زباله‌ای مثل داعش بیرون بیاید؟

از طرف دیگر باید پرسید چرا کسانی که در اروپا متولّد شده‌اند و در همان محیط، پرورش فکری و روحی یافته‌اند، جذب این نوع گروه‌ها می‌شوند؟ آیا می‌توان باور کرد که افراد با یکی دو سفر به مناطق جنگی، ناگهان آن‌قدر افراطی شوند که هم‌وطنان خود را گلوله‌باران کنند؟ قطعاً نباید تأثیر یک عمر تغذیه‌ی فرهنگی ناسالم در محیط آلوده و مولّد خشونت را فراموش کرد. باید در این زمینه تحلیلی جامع داشت، تحلیلی که آلودگی‌های پیدا و پنهان جامعه را بیابد. شاید نفرت عمیقی که طیّ سالهای شکوفایی صنعتی و اقتصادی، در اثر نابرابری‌ها و احیاناً تبعیض‌های قانونی و ساختاری در دل اقشاری از جوامع غربی کاشته شده، عقده‌هایی را ایجاد کرده که هر از چندی بیمارگونه به این صورت گشوده می‌شود.

به‌هرحال این شما هستید که باید لایه‌های ظاهری جامعه‌ی خود را بشکافید، گره‌ها و کینه‌ها را بیابید و بزدایید. شکافها را به جای تعمیق، باید ترمیم کرد. اشتباه بزرگ در مبارزه با تروریسم، واکنشهای عجولانه‌ای است که گسست‌های موجود را افزایش دهد. هر حرکت هیجانی و شتاب‌زده که جامعه‌ی مسلمان ساکن اروپا و آمریکا را که متشکّل از میلیون‌ها انسان فعّال و مسئولیّت‌پذیر است، در انزوا یا هراس و اضطراب قرار دهد و بیش از گذشته آنان را از حقوق اصلی‌شان محروم سازد و از صحنه‌ی اجتماع کنار گذارَد، نه تنها مشکل را حل نخواهد کرد بلکه فاصله‌ها را عمق، و کدورتها را وسعت خواهد داد. تدابیر سطحی و واکنشی ـ مخصوصاً اگر وجاهت قانونی بیابد ـ جز اینکه با افزایش قطب‌بندی‌های موجود، راه را بر بحرانهای آینده بگشاید، ثمر دیگری نخواهد داشت. طبق اخبار رسیده، در برخی از کشورهای اروپایی مقرّراتی وضع شده است که شهروندان را به جاسوسی علیه مسلمانان وامیدارد؛ این رفتارها ظالمانه است و همه می‌دانیم که ظلم، خواه‌ناخواه خاصیّت برگشت‌پذیری دارد. وانگهی مسلمانان، شایسته‌ی این ناسپاسی‌ها نیستند. دنیای باختر قرنها است که مسلمانان را بخوبی می‌شناسد؛ هم آن روز که غربیان در خاک اسلام میهمان شدند و به ثروت صاحبخانه چشم دوختند، و هم روز دیگر که می‌زبان بودند و از کار و فکر مسلمانان بهره جستند، اغلب جز مهربانی و شکیبایی ندیدند. بنابراین من از شما جوانان می‌خواهم که بر مبنای یک شناخت درست و با ژرف‌بینی و استفاده از تجربه‌های ناگوار، بنیانهای یک تعامل صحیح و شرافتمندانه را با جهان اسلام پی‌ریزی کنید. در این صورت، در آینده‌ای نه‌چندان دور خواهید دید بنایی که بر چنین شالوده‌ای استوار کرده‌اید، سایه‌ی اطمینان و اعتماد را بر سر معمارانش می‌گستراند، گرمای امنیّت و آرامش را به آنان هدیه می‌دهد، و فروغ امید به آینده‌ای روشن را بر صفحه‌ی گیتی می‌تاباند.

سیّدعلی خامنه‌ای
۸ آذر ۱۳۹۴

نسبت اندیشه و عملکرد امام خمینی(ره) با مفهوم اعتدال

علی محمد حاضری

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس و مدیر گروه جامعه‌شناسی انقلاب پژوهشکده امام خمینی(ره)



حضرت امام خمینی(ره) - سال ۱۳۴۲

مقدمه، طرح مسئله، تعریف اعتدال

آیا می‌شـــود امام(ره) را در قالب گفتمان اعتدال تعریف کرد؟ آیا می‌توان امام(ره) را به عنوان شخصی که رفتار اعتدالی دارد طبقه‌بندی کرد؟

در واقع امام(ره) یک رهبر انقلابی اســـت و شاید این یک تناقض است! اولین سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا بین شخصیت انقلابی و اعتدال، جمعی وجود دارد؟

مقدمه بحث در این است که اعتدال را چه تعریف کنیم؟

ابتدا لازم اســـت روشن کنیم که در این مقاله از نظر ما اعتدال به عنوان یکی از شقوق اندیشه‌ای یا مکتب فکری مدنظر نیست تا بخواهیم تعریف و توصیفی از آن بدست دهیم و آرا صاحب‌نظران را درخصوص آن مطرح کنیم. بلکه در اینجا مراد ما از اعتدال اساساً خصلت روشی یا رفتاری است که هرکس صرف‌نظر از اینکه با کدام مکتب و رویکرد سروکار دارد در تحقق و پیگیری آن مکتب و همان رویکرد می‌تواند مشی معتدل داشته باشد یا نداشته باشد.

به عبارت دیگر، اعتدال صفتی اســـت که برای هر یک از مفاهیم محتوایی و بـــرای قایلین و معتقدین به این مفاهیم می‌تواند موضوعیت داشـــته باشد. یک مارکسیست در پیگیری اهداف مارکسیستی خود می‌تواند معتدل یا رادیکال باشد.

در واقع روش تحقق مکاتب، ایده‌ها و مقاصد می‌تواند معتدل یا رادیکال باشد.

حال این سؤال مطرح می‌شود که به چه نوع رفتار یا روشی اعتدال می‌گوییم؟ به گمان ما به رفتاری اعتدال گفته می‌شـــود که در مسیر تحقق آرمان یک هدف، دو فرض افراطی‌تر و تفریطی‌تر از این روش متصور باشد یعنی بشود از این تندتر یا ملایم‌تر عمل کرد.

یک شـــخصیت انقلابی نیز هم در تعریفش از انقلاب هم در روش‌های تحقق انقلاب و شیوه‌های مبارزه با رژیم حاکم می‌تواند رادیکال یا میانه‌رو باشـــد ولی در این مورد خاص وجه ســـوم موضوعیت ندارد؛ یعنی یک انقلابی با مواضع منفعلانه و تفریطی اساسا نمی‌تواند نقش انقلابی ایفا کند.

حال ســـؤال ما این است: آیا کنش‌های امام(ره) در نقش‌های رهبری انقلاب مصداق یک رادیکالیسم انقلابی یا میانه‌رو انقلابی است؟ در پاسخ به این پرسش جامعه آماری ما کلیه اقدامات اساسی امام از زمان آغاز زندگی سیاسی اجتماعی در ابتدای دهه ۲۰ تا زمان ارتحال در نظر گرفته می‌شود.

البته لازم به ذکر اســـت که نیاز نیســـت تمام موارد تصمیمات و اقدامات امام با این فرمول تطبیق یابد. اعتدال روشـــی یا رفتار اعتدالی قضیه منطقی نیست که با مشاهده یک مورد منفی ابطال شود. مهم آن است که نشان داده شود در وجه غالب و مسلط در نظام اندیشه و تصمیم‌گیری امام(ره) چه مشی و شیوه‌ای حاکم بوده است والا قائل به عصمت امام نیستیم که بروز حتی یک مورد خروج از اعتدال، با عصمت مفروض برای ایشان تعارض داشته باشد.

روش بررسی و دامنه جستجو

در جهت یافتن پاســـخ ســـؤال پژوهش، کلیه ۲۱ جلد صحیفه امام خمینی(ره) مورد بازبینی قرار گرفتند تا از خلال آن، اقدامات و مواضع حســـاس و سرنوشت‌ساز امام که در مسیر هدایت و رهبری نهضت و انقلاب یا تثبیت و تحکیم نظام برآمده از انقلاب مؤثر تشخیص داده می‌شدند استخراج شود. دامنه زمانی بررسی، از نخستین سالهای ورود امام به عرصه سیاست در آغاز دهه ۲۰ تا زمان ارتحال در نیمه خرداد ۱۳۶۸ مورد نظر قرار گرفته شده است.

در این راســـتا، نزدیک یکصد موضع، سخن، تدبیر نامه یا پیام و فرمان امام دارای آنچنان حساسیتی تشخیص داده شدند که هدایت و قوام نهضت و انقلاب بدانها وابسته به حساب می‌آیند. در این تشخیص، کلیه سوابق و تجارب ۲۰ ساله در تحقیق و تدریس نظریه‌های انقلاب و جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی در مقاطع تحصیلات تکمیلی و آثار و نوشته‌های صاحب‌نظران مختلف در تبیین و تحلیل انقلاب اسلامی بنحوی مداخله مؤثر داشتند.

آنگاه کوشش شـــد درخصوص هر یک از این موارد استخراج شده، نسبت آنها با اعتدال مورد ارزیابی قرار گیرد بدان صورت که معلوم شـــود در این خصوص رفتار یا موضع افراطی یا رادیکال‌تر چگونه می‌توانســـت محقق شود یا موضع تفریطی و انفعالی و کم‌اثر چه گونه می‌توانســـت رقم بخورد؟ حاصل این بررسی به ترتیب تاریخی رخدادها به شرح زیر گزارش می‌شود.

مواضع و رخدادهای منتخب و ارزیابی آنها

امام(ره) چه وقت و در چه سنی پا به عرصه مبارزه سیاسی گذاشت؟

امام به عنوان کنشـــگر انقلابی از سن ۴۳ سالگی وارد عرصه سیاســـی می‌شود که در دوره اعتدالی سن قرار دارد؛ یعنی در سازواره شخصیت این سن، سن پختگی است، سنی است که دوره تصمیم‌گیری‌های حاد و پرشور معمول انقلابی را پشت‌سر گذاشته است.

در ســـال ۱۳۲۳ درست وقتی که امام(ره) در سن ۴۳ ســـالگی بودند کتاب «کشف اسرار» را نوشـــته‌اند که اولین اثر فکری و اندیشه سیاسی امام بوده که در عین حال که ورودی پخته به صحنه سیاســـی است به عنوان اولین تجربه تألیف وی نیســـت؛ یعنی امام قبل از این اثر، چهار پنج اثر در مقولات عرفانی، فقهی تألیف نموده‌اند و احتمال شتابزدگی ذهنی در ایشان کم شده است با وجود این لازم اســـت اشاره کنیم که امام در تألیف این اثر نوعی شـــتاب و عجله زمانی برای تسریع در پاسخ‌گویی احساس می‌کردند که بدین لحاظ پاره‌ای ملاحظات روش شناختی در مأخذ نگاری و دیگر وجوه نگارش یک متن دقیق علمی، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. ابتدا اشاره کنم مسئله تحریف و تضعیف دین در آن دوره موضوعی جدی بوده است که در مواجهه با این موضوع سه نوع کنش را در میان همه سخنان امام شاهدیم:

۱ـ کنش منفعل ـ تفریطی که شامل روحانیونی بود که احساس خطر چندانی نکردند و به شیوه معمول، دینورزی خود را ادامه دادند.

۲ـ کنش معتدل ـ میانه‌رو که امام در مواجهه با خطر، جدی و محکم وارد شـــده و بعنوان یک فاضل حوزوی درس و بحث عادی و معمول خود را وانهاده برای پاسخ‌گویی به شبهات طرح شده دست به قلم بردند.

۳ـ کنش رادیکال که نواب صفوی و یاران جوانش در این دســـته قرار می‌گیرند. او که در سن ۲۰ـ۱۹ سالگی قرار دارد و یک طلبه جوان پرشور احساسی است و بر این عقیده بوده که عامل خطر باید حذف فیزیکی شود و بر این اساس نیز وارد عمل شده است.

در اینجا بحث این اســـت که آیا امام صرفاً روش فدائیان اسلام (نواب) را نپسندید و ترجیح داد بگونه‌ای دیگر عمل کند و به عبارتی یک اختلاف ســـلیقه بود یا نسبت به اتخاذ این روش تند، موضع مخالف دارد؟

لازم به ذکر اســـت که امام در مراحل دیگر نشان داد که معتقد است: انفعال گروه اول یک آفت دینداری است و همچنین امام از تمجیدها و دفاع‌های همه‌جانبه از حرکت فدائیان و نواب صفوی ناراضی است.

از امام در صفحه ۴۵ صحیفه جلد ۳ ســـندی داریم که نشـــان می‌دهد: امام از تمجید و دفاع از فدائیان حذر می‌کنند و آنرا آدم‌کشی می‌نامند. (مخاطب نامه آقای سید حمید روحانی متولی مجله ۱۵ خرداد سال ۵۳ در نجف اســـت) و این نشان می‌دهد که امام در اتخاذ موضع مقابله با خطرات علیه اسلام مشی معتدلانه داشته است در واقع امام در اصل انجام مبارزه جدی است ولی مشی امام معتدلانه و میانه‌رو بوده اســـت و مقابله مسلحانه و خشونت‌بار و حذف فیزیکی را تأیید نمی‌کرده اســـت. این موضع مخالف را حتی بیست ســـال بعد از این ماجرا و در جریان تلاش هیأت‌های مؤتلفه اسلامی برای اخذ فتوای ترور مقامات رژیم شاه از امام شاهدیم که امام چنین موافقتی نشان نمی‌دهند و آنها برای کســـب فتوای ترور به آیت‌الله میلانی متوسل می‌شوند. عدم تأیید و همراهی امام با حرکت ســـازمان مجاهدین خلق که مشی مبارزه مسلحانه با رژیم شاه را انتخاب کرده بود نیز دلایل متعددی داشـــت که یکی از وجوه آن می‌تواند به عدم تأیید مشی مسلحانه و توسل به ترور افراد باشد.

نمونه دیگری که از مشـــی اعتدالی امام داریم نحوه مواجهه با کتاب «شـــهید جاوید» است.

صالحی نجف‌آبادی نویسنده کتاب که حادثه عاشورا را حرکتی صرفاً با مشی مبارزاتی تفسیر می‌کند اختلافاتی را میان حامیان و طرفداران اسـلام‌گرایی سیاسی که مخالفین و معتقدین مبارزه با شاه بودند موجب می‌شود.

گروهی آن را بهترین تفسـیر از قیام امام حسین(ع) می‌دانسـتند و گروهی دیگر آن را کفر می‌دانستند که اصل علم امام حسین(ع) و ارتباط بی‌واسطه با عوالم غیب را زیر سؤال برده ولی امام خمینی بدون ورود محتوایی به بحث، تفسـیری معتدل دارند و معتقدند که اصل مبارزه با رژیم شاه نباید به فراموشی سپرده شود و خود این چند دستگی‌ها را جریان انحرافی می‌دانند.

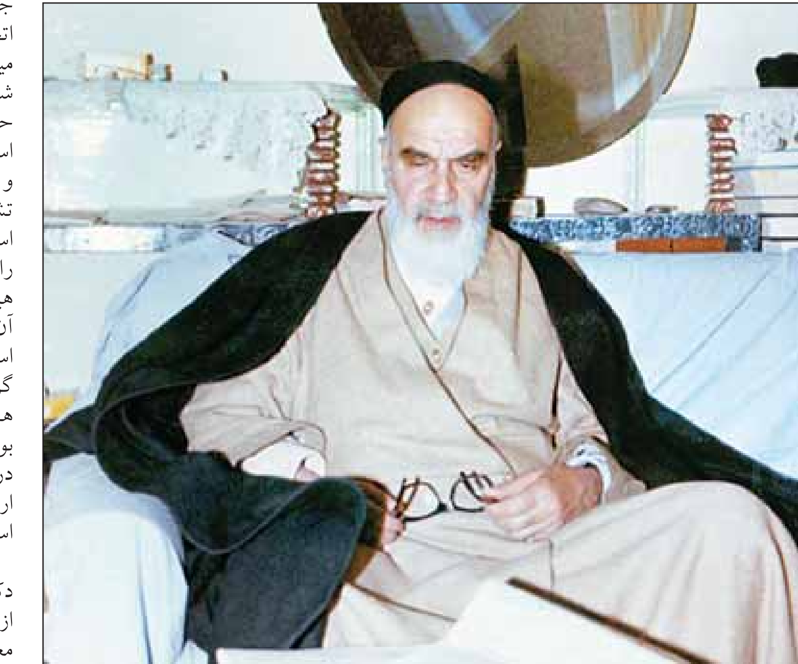
به عنوان نمونه دیگر اینکه امام در مورد شریعتی هم موضع اعتدال دارد. در واقع امام در مجموع اصل تلاش علمی و اعتقادی دینداران غیرحوزوی و غیرروحانی نسل جوان و دانشگاهیان را برای دفاع از اسلام تمجید می‌کنند و در عین حال نادیده انگاشتن برخی نقاط و بعضی از وجوه اعتقادی و سرمایه‌های دینی را از سوی این گروه نفی می‌کنند.

در سـال ۵۴ـ۵۳ صحنه سیاسی ایران صحنه تقابل شریعتی‌گراها و ناقدان وی است که امام در این جریان نه تز اسـلام منهای روحانیت شریعتی را تأیید می‌کنند و نه موضع کسانی که به زندیق بودن شریعتی قائلند را تصدیق می‌کنند.

در سـخنرانی که امام خطاب به روحانیون در سال ۵۴ در مسجد شیخ انصاری در نجف دارند می‌فرمایند، قرآن را عده‌ای تفسیر فلسفی، برخی عرفانی و بعضی فقهی تفسیر می‌کنند و باید بدانیم هیچ کدام کامل نیسـت و هیچ کدام هم تلاش برای اضمحلال قرآن نیست و هر کدام به تنهایی یک بعدی اسـت که کار بعضی دانشگاهیان مسلمان نیز [شریعتی] اینگونه است و از زاویه‌ای اسلام را نگاه می‌کنند.

مشـی امام در نگرش اعتدالی هم در بعد مبارزاتی که حاضر نشدند روند مسلحانه را پیگیری کنند و هم در موضع گیری‌ها درباره افراد قابل مشـاهده است. ایشان با موضعی اعتدالی که داشتند هم نقاط قوت افراد را نفی نمی‌کردند هم با مشـاهده نقاط قوت افراد محو آن‌ها نمی‌شدند و نقاط ضعفشان را نادیده نمی‌گرفتند.

کتاب «شهید جاوید» و بحث شریعتی نمونه‌هایی از این جریان بود که امام نقاط قوت و ضعف را با هم می‌دیدند و موضعی دوجانبه داشتند.



مهم‌ترین بحثی که از امـام در دفاع از شریعتی داریم این است که در شرایطی که موج گسترده‌ای از مقابله علیه شریعتی وجود داشت و بسیاری از روحانیون مواضع تندی علیه او گرفته بودند و حتـی آقای مطهری نامه‌ای به امام نوشتند و از ایشان خواستند که در مقابل شریعتی موضع اتخاذ کنند. امام در سخنرانی خود در مسجد شیخ انصاری در نجف خطاب به علما می‌فرمایند: رویکردهای عرفانی، فقهی و فلسفی که قرآن براسـاس آن تفسیر شده هر یک، یک تفسـیر یک بعدی است که در مقابل تفسیر جامع قرآن، نقص دارد و تفسیر [شریعتی] هم اجتماعی و یک بعدی است و نسبت به جامعیت ابعاد قرآن نقص دارد ولی این هم مثل بقیه تفاسیر است به این ترتیب امام هم نقص کار را می‌بیند و هم اینکه به صورت افراطی به این نقص نگاه نمی‌کنند.

نمونه دیگر مشی اعتدال امام آن است که وقتی آقا مصطفی فرزند امام به نحوی مشکوک و غیرمنتظره از دنیا می‌رود در جامعه با تعبیر آن به شهادت از آن به عنوان حربه‌ای برای مقابله با رژیم استفاده می‌کنند ولی امام حاضر نیست از این ماجرا استفاده ابزاری علیه رژیم بکنند. امام در تمامی سال‌های تبعید ضمن حفظ اصل اعتقاد به مبارزه هیچ تلاشی برای سوء استفاده از شرایط نمی‌کنند. شهادت آقا مصطفی را از الطاف خفیه الهی قلمداد می‌کنند و یک موج مبارزاتی را به وجود می‌آورد ولی ایشان چیزی را به غلط به رژیم نسبت ندادند.

امام، مشـی بسیج عمومی و مبارزه مسالمت‌آمیز را از سـال ۵۷ـ۵۶ به صورت جدی شروع می‌کنند. در فاصله ۵۶ـ۴۳، سـیزده سال ظاهراً ناکامی سیاسی بود که امام موفق نشده بودند اهداف خود را به پیش ببرند ولی در عین حال امام، مشی آگاهی بخشی و بسیج مسالمت‌آمیز مردم و مبارزه غیر رادیکال را تا ۱۷ شهریور ۵۷ ادامه دادند.

در راهپیمایی‌های گسـترده ۱۴ و ۱۵ شهریور مردم شعار ارتش برادر ماست را ادامه دادند که مشی مسالمت‌آمیز امام بود.

صبح زود روز ۱۷ شـهریور ساعت ۶ صبح حکومت نظانی اعلام شد و راهپیمایی ممنوع شده و موضع سفت و سختی گرفته شـد، رژیم با تمام قوا به سرکوب مردم پرداخت. در پی این ماجرا شعاری تحت عنوان رهبران ما را مسلح کنید توسط عده‌ای از جوانان و چریک‌ها مطرح شد. آنچه در ۱۷ شهریور رخ داد بالاتر از خشونت و برخورد رژیم در کودتای ۲۸ مرداد و ۱۵ خرداد ۴۲ بود ولی در هر دو مورد این خشـونت و سرکوب، نیروهای مبارز را به خانه برگرداند و محیطی خفقان‌آمیز ایجاد کرد ولی امام بعد از کشـتار ۱۷ شهریور مشی مسالمت‌آمیز را ادامه دادند و با ظرافت خاصی در اطلاعیه‌ای فرمودند که نقل شده نیرو از اسرائیل برای کشتار مردم آوردند و این باعث شد که هر سرباز حاضر در صحنه این کشتار خود را در نقش یک اسرائیلی ببیند و امام این‌ها را در چنین فشار درونی و اخلاقی گذاشـتند و از روش شرمنده‌سازی استفاده کردند. در عین حال که چنین فضایی برای ارتش ایجاد کرد، برای مردم هم فضایی ایجاد شد مبنی بر اینکه مسئول کشتارها سرباز اسرائیلی بوده و خشم مردم متوجه افراد ارتش ایران نشد.

البته امام همیشه از حربه دست بردن به سلاح به عنوان یک شمشیر بالای سر برای تهدید رژیم و آمریکا اسـتفاده می‌کردند. با این حال ایشان همیشه همه فشارها را از طریق بسیج عمومی به کار می‌بردند و هیچ وقت تا سخت‌ترین مراحل انقلاب فتوای جهاد ندادند و این نشان دهنده مشی مدارا و غیر رادیکال امام حتی در دشوارترین شرایط بود.

در مهرماه ۵۷ فضا به قدری بر رژیم تنگ می‌شود که با همکاری دولت عراق تصمیم می‌گیرند ایجـاد محدودیت کنند و نگذارند امام نقش خود را ایفا کنند. در واقع امام از راه دور از طریق اعلان بسیج عمومی، اعلامیه و سخنرانی مردم را علیه رژیم می‌شورانند در چنین شرایطی شاه و رژیم بعث عراق با هم متحد می‌شوند تا امام را در شرایط تنگنا قرار دهند.

امام در مواجهه با این تنگنا یا بایسـتی با رژیم بعث درگیر شوند و همزمان با مبارزه با شاه به سـمت درگیری با رژیم عراق کشانده شود یا بایستی مشـی مبارزاتی‌اش را علیه شاه تندتر کند و می‌بینیم که امام در اینجا به جای این دو مشی، تصمیم می‌گیرند ضمن حفظ استراتژی اعتدال شرایط را تغییر دهند و در جای دیگر این مبارزه را ادامه دهند که ابتدا به سـمت کویت رفتند که کویت راه نمی‌دهد و بایسـتی امام عصبانی شوند و به موضع تندتر کشیده شود ولی این گونه نمی‌شود. ایشان برای ادامه مشی بسیج عمومی کردن بدون تغییر تاکتیک و استراتژی به پاریس می‌روند در عین حالی که از نظر تجربی معلوم نبود رفتن به سمت پاریس گشایشی ایجاد کند، در عین حال رفتن به آن‌جا فضا را برای این هدف بهتر کرد.

در آن زمان که امام به فرانسـه می‌روند می‌بینیم که دولت کودتای ازهاری سـرکار آمده و با اطلاعیه‌های نظامی و ایجاد محدودیت‌ها به جریان انقلاب فشار می‌آورد، اما امام در پیام‌ها به جای اینکه متقابلاً مردم را علیه ارتش و عوامل حکومت نظامی تحریک کنند موضع ایشـان این است که بدنه ارتش را از رأس به پایین به قیام علیه شـاه دعوت می‌کنند و سعی می‌کنند بدنه ارتش را جذب کنند و صرفاً بخشی از سران را سرسپرده شاه معرفی کنند و در ارتش شکاف ایجاد می‌کنند.

در ۲۵ مهر برای اولین‌بار امام موضع گیری تندتری می‌کنند و تهدید به مبارزه مسلحانه می‌کنند ولی عملاً مبارزه مسلحانه وجود ندارد.

امام در آبان سال ۵۷ طرح میانجیگری ضیاءالحق را رد می‌کنند و همچنین مذاکره با علی امینی را رد می‌کنند و حتی بعد از آن شـاهدیم که بازرگان و میناچی و افرادی از طرفداران امام از ایران به پاریس رفته و امام را به سیاسـت گام به گام و تغییر حکومت از درون تشویق می‌کنند ولی امام در اسـتراتژی، قاطعانه عمل کردند و معتقد بودند که نباید به شاه مهلت داد و در مبارزه جدی برخورد می‌کنند و سیاست گام به گام را نفی می‌کنند.

۱۱ آبـان ۵۷ امام بـرای اولین‌بار لفظ جمهوری اسـلامی را بـه کار می‌برند که اتخاذ این مواضع یکی از جالب‌ترین مواضع میانه‌روانه امام اسـت. به این معنا که در آن شرایط مطالبات اسلام‌گراهای افراطی تشکیل حکومت دینی بدون مؤلفه‌های مردمی و مدرن اسـت و مطالبات نیروهای لیبرال، ملی‌گرا و دیگر نیروهای ضدرژیم، نفی سـلطنت و تشـکیل جمهوری بود. امام در مقابل این دو اسـتراتژی، قرائتی از اسلام که نقطه میانه بود را بیان می‌کنند؛ یعنی نه حکومت اسلامی که هیچ نشانی از مؤلفه‌های مدرن در آن نبود و نه آن‌طور که بخشی دیگر حکومت مدرن بدون اسلام را مطالبه می‌کردند مورد تأیید امام قرار گرفت و در واقع امام موضعی اتخاذ کردند که هم خواست اسلام‌گرایان کاملاً ملحوظ شده بود هم خواست دیگران به کلی نفی نشده بود در واقع تصویر و چهره‌ای از حکومت اسلامی ارائه شد که غیر مسـلمان‌ها نیز از حکومت اسلامی نرنجند و نترسند.

در ادامه آن در ۱۴ آبـان طی نامه‌ای به دکتر بهشتی برای تشـکیل شورای انقلاب، از حاکمان آینده تصویری می‌سـازند کاملاً معتدل و جذاب است به این صورت که عده‌ای مسلمان مدرن معرفی می‌شوند و ترکیبی بود که نه اسلام‌گرای سنتی متحجر در آن بود و نه نیروی مدرن بدون باور به اسلام در آن حضور داشت.

اولین فرمان امام در جهت شکستن قدرت ارتش ۱۱ آذر ماه صادر می‌شود که رسماً دعوت به فرار سربازها می‌کنند و از طرفی به خانواده‌ها و مردم تأکید می‌کنند به آن‌ها یعنی سربازان فراری پناه دهید. به این ترتیب بود که اولین حلقه‌ی ارتش (سرباز نظام وظیفه) به ملت پیوست و اثرش این بود که ارتش شـاه در هر اقدامی که می‌خواست برای مبارزه انجام دهد ترس و نگرانی جدی از موضع سربازها را داشت و این مسئله ارتش شاه را در اقدامات سرکوبگرانه‌اش دچار تزلزل می‌کرد.

در ادامه این مسیر به تظاهرات ۲۰ آذر ۵۷ که در اوج حکومت نظامی ازهاری که تجمعات بیش از ۲ نفر ممنوع بود می‌رسـد. تظاهرات تاسوعا و عاشورا اوج کشمکش بین رژیم و انقلابیون است که در این کشـاکش استواری امام و حضور مسالمت‌آمیز خیابانی و بسیج مردم در شرایط حکومت نظامی ضربه کاری به رژیم بود و این امر رژیم شاه را در مقابل افکار عمومی جهان بی‌اعتبار می‌کند. بعد از این راهپیمایی بود که امام در پیام‌هایشان مرتباً به همه کشورها می‌گفتند بعد از این رفراندوم هر که به شاه کمک کند در مقابل مردم قرار می‌گیرد.

۱۱ آذر اولین دعوت امام از سران ارتش برای ملحق شدن به مردم است. عضوگیری از سران و پیوستن به انقلاب آغاز می‌شود.

در ۸ دی اولین اقدام مدیریتی انقلاب در اداره وضع موجود تشـکیل هیئت ۵ نفره برای اداره صنعت نفت و تنظیم اعتصابات است که دو کارکرد مصرف داخلی نفت و تنظیم اعتصاب و لطمه به بدنه رژیم را به دنبال داشت. در این هیئت آقای بازرگان و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بودند که این نشان دهنده ترکیبی از نیروهای روحانیت و نیروهای متخصص غیرروحانیت است.

در ۱۲ دی ۵۷ امام در خصوص عدم پرداخت مالیات و پول آب و برق است که امام مبارزه منفی و نفی قواعد هنجاری را علیه رژیم شروع می‌کنند.

۲۶ دی فرار شاه است و امام با اصلاحات بختیار مخالفت نمودند و دستور می‌دهند تا کارمندان، اجازه ورود به وزرای بختیار به وزارتخانه‌ها را ندهند. امام می‌خواهند برای اولین‌بار دولت بختیار را تحت فشار اضافی قرار دهند و امام در این جریان هم مشی مبارزه بسیج عمومی را به جای مبارزه

خشونت‌آمیز و تند انتخاب می‌کنند. در واقع برخورد با وزرا، دولت بختیار را از کارکرد اولیه و ورود به وزارتخانه باز می‌دارد و امام به جای توسل به ترور و کشتار با یک مشی مبارزه مسالمت‌آمیز دولت را تحت فشار قرار می‌دهند.

۱۹ دی در واقع توصیه امام به عدم تعرض به افراد سـاواکی و منصوبان شاه است و تأکید امام در اینکه فضای جامعه به سمت خشونت و هرج و مرج پیش نرود.

۲۲ دیماه تشـکیل شـورای انقلاب و ۱۰ بهمن فصل بازگشـت امام به ایران است که از جنجالی‌ترین و خطرناک‌ترین تصمیمات است. ضمن اینکه از انقلابی‌ترین تصمیمات است اما در مسیر مشی مبارزه سابق است. در حالی که دولت بختیار حاکم است امام اعلام تشکیل دولت می‌کنند و مسـیر حضور بسیج گرایانه مردم را ادامه می‌دهند، اعلام بازگشت به ایران در آن شرایط که هنوز رژیم شاه رسماً حاکم است از نظر شخصی امام بزرگ‌ترین ریسک را متحمل می‌شوند.

در اوج شرایطی که خط فقاهت آیت‌الله شریعتمداری در حفظ نظام سلطنتی است و امام کاملاً رو در روی این خط است ولی در عین حال در ۱۵ بهمن امام به تلگرام آیت‌الله شریعتمداری جواب داده و ابراز علاقه به دیدار نزدیک می‌کنند، در واقع امام سعی می‌کنند ارتباطات حفظ شود.

در ۱۹ بهمن بخشـی از نیروی هوایی به انقلاب می‌پیوندد و در ۲۱ بهمن لشگر گارد به نیروی هوایی حمله می‌کند. در آخرین مرحله با اینکه امام می‌توانسـتند این دو گروه را در مقابل هم قرار دهند ولی امام با اطلاعیه‌ای به لشگر گارد اخطار برگشت به پادگان خودشان را می‌دهند و از جنگ بین دو گروه جلوگیری می‌کنند.

در آخرین لحظه اعلام حکومت نظامی از سـاعت ۴ بعدازظهـر و کودتای ۲۲ بهمن مطرح می‌شود که در این شرایط امام در ادامه مشی مسالمت‌آمیز خود از استراتژی بسیج و حضور مردم در خیابان‌ها و دستور بی‌اعتنایی نسبت به حکومت نظامی به جای حمله و خشونت نسبت به کودتاگران استفاده می‌کنند. در حالی که اکنون دیگر بخشی از ارتش با انقلاب همسو شده و امکان استفاده از آن بخش علیه بخش‌های دیگر وجود دارد به این ترتیب در آخرین لحظه در ۲۲ بهمن مکانیزم حرکت امام اسـتمرار تأکید بر بسیج به جای رادیکال شدن است و نتیجه عدم تقابل مردم با ارتش منجر به تصمیم تسلیم ارتش به انقلاب شد.

با این ملاحظات مشاهده می‌کنیم مشی اعتدالی امام تا ۲۲ بهمن در آخرین مرحله و سنگر رژیم شـاه بدون اینکه فضا رادیکالیزه شود فرو ریخت.

در عین حال کـه در همه این مقاطع امام تصمیمات بزرگ و انقلابی و قاطع گرفته ولی از رادیکالیسم و خشونت‌گرایی انقلاب جلوگیری می‌کنند.

امام با این مشـی‌ها انقلاب را بدون توسل به روش‌های افراطی رادیکالیسـم انقلابی به پیروزی رسـاند و باید اشاره شـود که این مشی اعتدال در رساندن انقلاب به پیروزی بعد از مراحل پیروزی و در منازعات بعد از انقلاب و اتفاقاتی که معمولاً در انقلاب‌های دیگر به روش‌های خشونت‌آمیز جنگ قدرت منتهی به حاکمیت عصر وحشت می‌رسد امام از آن جلوگیری کردند.

امام از فردای بعد از پیروزی چند اقدام کردند که برخلاف روند حرکت رادیکالیسم انقلابی است که در انقلاب‌های دیگر انجام می‌شود:

۱. در مقابل رویکرد و نظریه‌هایی که خواستار انحلال ارتش رژیم گذشـته و برخورد با نیروهای مسلح بجا مانده از رژیم گذشته که برخوردی کاملاً با بی‌اعتمادی با دستگاه سرکوب نیروی گذشته است که شامل شهربانی و ژاندارمری و ... می‌باشد و می‌دیدیم که حتی جریان‌هایی مثل چریک‌های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق شعار اینکه بایستی ارتش خلقی ایجاد شود مطرح می‌کردند. امام طی چند اطلاعیه و حرکت‌های مستمر به دفاع از سـازمان‌های باقیمانده از ارتش پرداختند و حتی از همان ساعات اولیه شخصاً از ورود به خانه‌ها و تعرض به عوامل رژیم شاه سابق و نوعی محاکمات انقلابی و خلق‌الساعه که معمولاً در انقلاب‌ها در جا به اقدامات آن‌ها رسیدگی می‌کنند یا در آن خشم انقلابی را در مورد عوامل سابق اجرا می‌کنند به شدت امام سعی کردند جلویش را بگیرند.

حتی از بُعد شخصی آن بد نیست اشاره شود که امام از ۵۷/۱۲/۵ اولین برخوردی که با روحیه مدیحه‌سرایی و تقدیس رهبر حاکم و چاپلوسی مواجه می‌شوند در جلسه‌ای که شعراء خدمت امام رسیده بودند و یکی از شاعرین مدحی را درباره امام سروده و می‌خواند همان‌جا امام ضمن احترام به شخصیّت شاعر تصریح می‌کنند که مشخصاً خوب بود به جای من برای پابرهنه‌ها شعر بگویید. آن کسانی در انقلاب قابل تقدیس و احترام هستند این پابرهنگانی هستند که انقلاب کردند.

ایـن حرکت‌ها چند مورد دیگر هم رخ می‌دهد. در اولیـن انتخابات مجلس آقای فخرالدین حجازی نفر اول انتخابات تهران شد. ایشان در حضور امام سخنرانی مقدماتی کرد و در وصف امام جملات زیادی از موضع احترام به کاربرد ولی امام شـدیداً با مواضع فخرالدین حجازی برخورد کردند و اصرار داشتند این فرهنگ را جا بیندازند که مدح حاکم فرهنگ نشود.

در ۵۷/۱۲/۲۵ وقتی که یک سری محاکمات دادگاه انقلاب شروع می‌شود و افراط‌هایی در آن دیده می‌شود امام دستور توقف محاکمات دادگاه‌های انقلاب را می‌دهند و تصریح می‌کنند تا تدوین آیین‌نامه جدید توسط شورای انقلاب این محاکمات صورت نگیرد و این نشان می‌دهد که امام سعی دارند جو انقلابی را به جای این‌که به سمت رادیکالیسم برود مهار کنند.

در ۵۸/۱/۲۵ دادسـتان انقلاب آقای هادوی نامه‌ای به امام نوشته و استعلام می‌کند: بعضی از کسـانی که در رژیم شاه مسئولیت‌هایی داشتند و فرمان‌هایشـان به قتل کسی منتهی شده آیا قاتل شـناخته می‌شوند؟ پاسخ امام مشخص است امام می‌فرمایند: حتی آن‌هایی که در ارتش فرماندهی داشـتند و نیروهایی به صحنه آوردند و کسی هم کشته شده جز در مورد کسی که خودش آدم کشته باشد یا فرمان کشتار عمومی داده یا مرتکب شکنجه، منتهی به مرگ شده‌اند کسی نباید اعدام شود اما اگر مرتباً دستور می‌داده و وی می‌دانسته منجر به قتل می‌شود باید مجازات شود. این‌ها نشان می‌دهد که امام توجه زیادی به مسائل داشته‌اند.

۵۸/۱/۲۹ اعلامیـه روز ارتش و حمایت از ارتش را صادر کردند. در ۵۸/۲/۲۳ فرمودند: اموال مردم را بی‌خودی نمی‌شود مصادره کرد به مجرد اینکه یکی وکیل مجلس بوده نباید به قتل برسد و اموالش مصادره شود. امام سعی دارند دامنه شمول عوامل گناهکار مرتبط با رژیم پیشین را محدود کنند تا جو انقلابی دامن خیلی‌ها را نگیرد.

۴ ماه بعد از انقلاب امام خطاب به آقای آذری قمی می‌گویند: کسانی که مجرم شناخته شده‌اند با قید کفالت آزاد گردند و به علت ضعف کادر قضایی نباید متهمین در بلاتکلیفی قرار بگیرند، یعنی سـعی امام در این است چون در ماه‌های ابتدای انقلاب کادر قضایی نداریم افراد بلاتکلیف نباشند و با قید کفالت آزاد شوند.

اما در واقع مهم‌ترین بحثی که بعد از پیروزی انقلاب مطرح است رفراندوم جمهوری اسلامی اسـت که امام با قاطعیت روی جمهوری اسـلامی نه یک کلمه کمتر و نه یک کلمه بیشتر تأکید می‌کنند. خود این موضع در فضای آن موقع نشان‌دهنده یک موضع اعتدالی است؛ چرا که ما از یک طرف بخش‌هایی از نیروهای اسـلام‌گرای افراطی را داریم که خواهان حکومت اسلامی مبتنی بر مشـروعیت و قدرت الهی بدون نقش و دخالت مردم هستند و طیف دیگر که می‌خواهند اسلام را حذف کنند و وجه سکولار نظام را برجسته کنند.

امام روی جمهوری اسـلامی تأکید می‌کنند و اصرار دارند به جمهوری اسلامی رأی دهند و می‌فرمایند:

حتماً بیاییـد رأی دهید ولی هر چه می‌خواهید رای دهید و همـه را الزام نمی‌کنند. فقط بر مشارکت حداکثری در اصل انتخابات تأکید می‌کنند. موضع امام جمهوری اسلامی است که در واقع در منازعات امروزه جامعه هم یک موضوع میانه است که اسلام مردم‌گرایی است که اصلاح‌طلبان دنبالش هستند.

امام در واقع بین دو موضع افراطی حذف اسلام از صحنه و تشکیل دولت سکولار از یکسو تا آن طرف دیگر که نگاهش بر اسـلام‌گرایی با حذف نقش مردم است، یک اسلام‌گرایی با موافقت و تأثیرگذاری مردم را تأکید می‌کنند.

بلافاصله بعد از رفراندوم امام شـروع می‌کنند به اصرار به تدوین قانون اساسـی و نفس اینکه یک انقلاب مثل انقلاب اسلامی چند ماه بعد از پیروزی هنوز سال اولش نشـده قانون اساسی مدون داشته باشد در سـابقه انقلاب‌ها بی‌نظیر است. در انقلاب اسلامی گرایش‌ها و جریان‌های انقلابی وجود داشت که معتقد بودند: باید تا مدت لازم برای تثبیت انقلاب از همین مشروعیتی که انقلاب به آن‌ها داده استفاده کنند و مراحل تثبیت انقلاب را پشت سر بگذارند و به تدریج و در شرایط آرام‌تر و تثبیت‌شده‌تری قانون اساسی را تدوین کنند و بعضی جریان‌های اسلام‌گرا مثل جنبش مسلمانان مبارز معتقد بودند که الان سراغ قانون اساسی رفتن ما را دچار چالش می‌کند و اصلاً نمی‌شـود اجرا کرد. آن طرف دیگر، حالت تفریطی بود که مسیر تدوین قانون اساسی را به یک مسیر پر چالش و با یک روند طولانی مدت مواجه می‌کرد که تشکیل مجلس مؤسسان عریض و طویل و پر چالشی را مطرح می‌کرد.

امام نظرشـان این بود که قانون اساسی لازم داریم و نباید کشور به اتکای اراده رهبران انقلابی اداره شود و اینکه قانون اساسی باید در مجلس کنترل شده‌تری با سرعت و با غلظت اسلام‌گرایانه‌ای که مردم تأکید داشتند تدوین شود.

بحث دیگری که بعد از انقلاب مطرح اسـت ایده صدور انقلاب است. معمولاً انقلاب‌ها بعد از پیروزی‌شـان در مسیر رادیکالیسمی که دارند. ایده‌های صدور انقلاب در آن‌ها پر رنگ می‌شود و رویکردهایی کاملاً افراطی به سمت تعرض به کشورهای دیگر و مداخلات در سایر کشورها در آن پررنگ می‌شود و در بسیاری از انقلاب‌ها هم این حرکت را داشته‌ایم هم در انقلاب روسیه و هم در انقلاب فرانسـه. در انقلاب روسیه نهاد کمونیسم بین‌الملل که با تفکر لنین درست شد؛ موجی براه انداخت که با مداخله مؤثر بلشـویک‌ها در بسـیاری از کشورها جنبش‌های کمونیستی را در سراسر دنیا راه انداخت و بلوک کشورهایی که بعداً به‌عنوان کشورهای بلوک شرق شناخته شدند و جمهوری‌های کمونیستی که به روسیه انقلابی ملحق شدند و اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل دادند از مسیر همین ایده صدور انقلاب به‌وجود آمدند.

در ایران پس از انقلاب این ایده حتی با تفاسیر تند و رادیکال بسیار پر رنگ بود و کسانی حتی از میان انقلابیون یاران نزدیک امام معتقد به این تفکر بودند و اصرار به صدور انقلاب داشتند که یکی از آنها شهید محمد منتظری بود که از حلقه یارانشان مهدی هاشمی بود که بعدها هسته نهضت‌های آزادی‌بخش را در سپاه به وجود آوردند.

امام در قبال این موضع، راهپیمایی روز قدس را اعلام می‌کنند. اصلی‌ترین حلقه صدور انقلاب و کانون عملی آنرا اگر مخالفت با رژیم اسـرائیل بگیریم حتی همین موضع را امام با هیچ‌گونه اقدام مسلحانه یا تشکیلات سیاسی نظامی که به جنگ اسرائیل برود و یا آن را توجیه کند همراه ندانستند. بلکه امام همان‌طور که خود انقلاب را با بسیج مردمی و موج حرکت‌های مسالمت‌آمیز مردم دنبال می‌کردنـد آنجا هم راهپیمایی روز جهانی قدس را مطرح کردند که موجب حرکت‌های مردم را به کشورهای اسلامی تسری دهند و از آن طریق به ایفای نقش بین‌المللی اسلامی بپردازند.

ایـده صدور انقلاب هم در تفکر امام به وجه کامـلاً نظامی گرانه رادیکال با مداخله عملی و

***امام در مورد شـریعتی هم موضع اعتدال دارد. در واقع امام تلاش علمی و اعتقادی دینداران غیرحوزوی و غیرروحانی نسـل جوان و دانشگاهیان را برای دفاع از اسـلام تمجید می‌کنند و در عین حال نادیده انگاشتن برخی نقاط و بعضی از وجوه اعتقادی و سـرمایه‌های دینی را از سوی این گروه نفی می‌کنند.**

***در سـخنرانی که امام خطاب به روحانیون در سـال ۵۴ در مسجد شیخ انصاری در نجف دارند می‌فرمایند: قرآن را عده‌ای تفسـیر فلسفی، برخی عرفانی و بعضی فقهی تفسیر می‌کنند و باید بدانیم هیچ کدام کامل نیست و هیچ کدام هم تلاش برای اضمحلال قرآن نیست.**

***ازمشـی اعتدال امام آن اسـت که وقتی آقا مصطفی فرزند امام به نحوی مشـکوک و غیرمنتظره از دنیا می‌رود در جامعه با تعبیر آن به شهادت از آن به عنوان حربه‌ای برای مقابله با رژیم استفاده می‌کنند ولی امام حاضر نیست از این ماجرا استفاده ابزاری علیه رژیم بکنند. امام شهادت آقا مصطفی را از الطاف خفیه الهـی قلمداد می‌کنند و یک موج مبارزاتی را به وجود می‌آورد ولی ایشان چیزی را به غلط به رژیم نسبت ندادند.**

اجرایی در امور سایر کشورها مدنظر نیست بلکه در واقع از طریق همان مسیر تقدم بسیج اجتماعی مردمی و حرکت مسالمت‌آمیز مردم و با تأکید بر وجه ابلاغ پیام و اینکه انقلاب را از طریق صدور انگیزه‌ها و ایده‌ها و باورهایی که در ایران موجب انقلاب شد همین مشی را در بیداری بقیه کشورهای اسلامی به کار بگیریم.

این مشی وضعیت میانه‌ای است در مقابل مشی افراطی کسانی که معتقد به تشکیل هسته‌های انقلابی و حمایت نظامی و عملیاتی بودند و وجه تفریطی که معتقد بودند ما با هیچ کسی کاری نداریم و یک نوع بسنده کردن به جامعه خود و فارغ دانستن خود از جامعه جهانی را مد نظر داشتند قرار می گرفت.

در ادامه همین روند امام در ۵۷/۶/۲ دستور تشکیل حزب جهانی مستضعفین را برای پیگیری صدور انقلاب دادند. این امر نشان می دهد که ایشان در ایده صدور انقلاب مشی میانه‌روانه‌ای دارند؛ یعنی هم ایشان ایده صدور را رها نمی کنند و هم به نحو تند و رادیکال عمل نمی کنند. تأکید بر تشکیل حزب جهانی مستضعفین و اینکه تصریح می کنند منظور ما از صدور انقلاب صدور پیام انقلاب می‌باشد دو نشان مکمل این امر است.

اما مهمترین بحثی که در چند ماه اول انقلاب رخ داد و شاید محل سؤال است که آیا این امر با ایده اعتدال امام همخوانی دارد یا نه بحث اشغال لانه جاسوسی و دفاع و حمایتی است که امام از این حرکت کردند. شاید از نظر خیلی‌ها بشود این حرکت را مظهر عدم اعتدال امام تلقی کرد. اما در این خصوص این ملاحظات را باید مورد توجه قرار داد: اولاً اشغال لانه جاسوسی در ۵۸/۸/۱۳ درست ۱۰ ماه بعد از پیروزی انقلاب صورت می گیرد. انقلابی که عمده‌ترین چالش را با رژیم آمریکا داشته و شاه را به عنوان عامل و سرسپرده آمریکا می‌شناسد و انقلابی که امام در سال ۴۳ موج اول حرکت خود را علیه کاپیتولاسیون و حضور آمریکایی‌ها در ایران آغاز کرده بود و رنج تبعید ۱۵ ساله را نکردند.

امام خیلی توجه داشتند که خود این حرکت به خشونت‌های بیشتر کشیده نشود مثلاً برخورد خشونت‌آمیز با گروگان‌ها (تعرض، اعدام) انجام نشود. می‌بینیم که امام در همین ماجرا به دنبال بهانه‌ای می گشتند که با بخش‌هایی از آن‌ها عطوفت و ملایمت داشته باشند و ایشان در دو مرحله گروگان‌های سیاه‌پوست و زن را آزاد کردند که حرکتی تلطیف‌بخش برای این جریان محسوب می‌شود. حتی بعد از حادثه طبس که آمریکا طرح‌های نظامی گرایانه بسیار خطرناکی را انجام داد و هواپیما و هلیکوپترهای جنگی بر خلاف همه موازین به داخل کشور نفوذ پیدا کردند و این ایده محتمل بود که می خواستند به انقلاب ضربه بزنند به سران حکومت تعرضاتی جدی داشته باشند یا گروگان‌ها را نجات دهند، در واقع طبیعی بود که در این شرایط به نحوی واکنش تند و افراطی در مقابل این همه مداخلات نظامی گرانه آمریکایی ها یک نوع اعمال خشونت را در مقابل گروگان‌ها ببینیم ولی باز هم اتفاقی نمی‌افتد و امام مسیر تعیین سرنوشت گروگان‌ها را به مردم و مجلس واگذار می‌کنند. این نشان می‌دهد که امام، بر اساس جهت‌گیری این حرکت را در مسیر یک مدیریت کنترل شده و جلوگیری از حرکت به سمت رادیکالیسم بیشتر هدایت می‌کنند و به تبع آن در ۸/۱۵ امام نسبت به حمله به دیگر سفارت‌خانه‌ها هشدار می‌دهند و این کنترل ایشان را نشان می‌دهد.

در طول ماجرای گروگان‌گیری در ۵۸/۹/۲۰ در عید کریسمس امام به دانشجویان دستور می‌دهند چند کشیش برای اجرای سنت‌های اجتماعی عید برای گروگان‌ها حاضر شوند و همه اینها نشانه تأکید امام بر حفظ وجوه میانه روانه در این ماجرا است.

تقریباً برجسته‌ترین حرکت بعد از انقلاب تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی در خرداد ماه ۵۹ یعنی یک سال و چهار پنج ماه بعد از انقلاب است که از نظر برخی‌ها یک حرکت تند و رادیکال به حساب می‌آید. در نظر بیاوریم که در تمام طول یک سال و چند ماه بعد از انقلاب فضای دانشگاه‌ها فضایی



هوالرحیم / اثر استاد سید محمد احصایی

به‌عنوان مجازات این موضع گیری تحمل کرده بود این‌ها همه نشانه آنست که ظرفیت انقلاب برای مقابله با آمریکا خیلی بالا بوده است.

با وجود این، تقریباً ۱۰ ماه حکومت انقلابی در مقابل آمریکا هیچ حرکت مؤثر و عمده‌ای انجام نداده است و این نشان می‌دهد که اصولاً حرکت تند از جانب انقلاب و رهبران انقلاب آغاز نشده است بلکه این آمریکاست که علیرغم تمام تلاش‌هایی که قبلاً برای حفظ رژیم شاه می کند، در فاصله این ده ماه نیز انواع و اقسام برخوردها با حکومت انقلابی را انجام می‌دهد، کودتای نظامی و حمایت از تجزیه‌طلبی‌ها در مناطق مختلف را داریم و تا آخرین چیزی که خیلی نمود تمایل به تکرار حادثه ۲۸ مرداد سال ۵۸ است یعنی شاه را به آمریکا باز می گرداند تا در واقع ایده بازگرداندن شاه به قدرت را دوباره در اذهان مردم زنده کند.

می‌بینیم آمریکا تا این مرحله پیش می‌رود که ایده حمایت از شاه و پناه دادن به شاه و بازگرداندن وی به خاک آمریکا دنبال می‌شود و این نشان‌دهنده این امر است که حکومت آمریکا با جسارت هر چه تمام‌تر قدم به قدم همه آن اقداماتی که در مقابله با انقلاب هست انجام می‌دهد.

اما از این طرف موج حرکت دانشجویان نشان می‌دهد آنها بدون هماهنگی قبلی با امام و به تشخیص خودشان احساس کردند که الان وقت آن رسیده تا حرکتی بکنند و آمریکا را از حرکت بازدارند. خود این نشان می‌دهد که اصل حرکت برگرفته از فرمان و اقدام رهبری نیست بلکه این حرکتی است که خود دانشجویان انجام دادند. از طرف دیگر اتفاقاً جریان‌هایی داشتیم که معتقد بودند که دست همه قدرت‌های مداخله‌گر یا الحادی مانند انگلیس، آمریکا و شوروی باید از کشور کوتاه شود و سفارت خانه همه قدرت‌های مداخله‌گر تعطیل یا اشغال شوند و امام از آن‌ها دفاع کاملاً دموکراتیک و با حضور فعال تمام جریان‌هاست.

ولی این گروه‌های چپ و جریان‌های چپ هستند که بعد از رفراندوم و به‌ویژه پس از تدوین قانون اساسی احساس می کنند که در متن جامعه جایی ندارند همه نیرویشان را بر دانشگاه متمرکز می کنند و دانشگاه به ستاد جنگ تبدیل می‌شود و بسیاری از اقدامات و شورش‌هایی که در گنبد، کردستان و خلق عرب انجام می‌شود رهبران و نخبگان فکری‌اش از محیط‌های دانشگاهی تغذیه می کنند و لذا به نوعی محیط دانشگاه در خدمت این جریانات است.

در این شرایط، انقلاب و نیروهای مدافع انقلاب کوشش می کنند دانشگاه را از اشغال و حضور بیشتر نیروهای چپ خارج کنند. در واقع به یک معنا می شود گفت: انقلاب فرهنگی اقدامی است که دانشگاه را از تسلط جریان‌های غیر اسلامی خارج کند.

در همین جریان، امام گروهی را برای ستاد انقلاب فرهنگی انتخاب می کنند که ترکیب آن به نسبت شرایط آن زمان یک ترکیب اجتماعی معتدل است؛ یعنی در ترکیب مورد نظر از اسلام‌گراهای افراطی غیر علمی خبری نیست. ترکیب مورد نظر متشکل از آقایان شهیدباهنر، ربانی املشی، دکتر حس حبیبی، دکتر عبدالکریم سروش، شمس آل احمد، جلال‌الدین فارسی و دکتر علی شریعتمداری می‌باشد که نشان‌دهنده ترکیبی است که ضمن اینکه اصل اسلام‌گرایی مدنظر بوده ولی غلبه با افراط‌گرایی اسلامی نیست و یک ترکیب میانه‌روانه‌ای را نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد یکی از موضوعاتی که موضع اعتدالی امام را نشان می‌دهد در اختلافات و دعواهای بنی‌صدر و مخالفین اوست، بالاخره بین جریان‌های مختلف اسلام‌گرا بعد از انقلاب منازعه است. در این اختلاف‌ها می توان فهمید: امام چقدر در اینجا یک فرد افراطی است که در یک



سوی ماجرا و جریان‌هایی قرار دارند یا سعی می‌کنند میانه و اعتدال را رعایت کنند.

اینکه اساساً بنی‌صدر توانســـــت پیروز شود و رأی بیاورد محصول موضع اعتدالی امام بود که امام معتقد بودند که روحانیون کاندید نشــــوند و نگاهشان بر این نبود که یک حکومت انحصاری روحانیت بر جامعه ایران محقق شـــود. از طرفی دیگر بخشی از روحانیون همفکران امام در نقطه مقابل امام بودند و کاندیدای آن‌ها در درجه اول جلال‌الدین فارســـی بود که نسبت به بنی‌صدر نگاه رادیکالیسمی داشت.

ولی امام تصریح کردند که او نباشـــد به دلیل اینکه در خصوص اصالت ایرانی بودن او شبهاتی مطرح شـــده بود. نهایتاً با اینکه دکتر حبیبی کاندیدای حزب جمهوری اسلامی و روحانیت نزدیک به امام بود ولی امام به قدری اعتدال را در این موضع گیری رعایت کرده بودند که بســـیاری از مردم بنی‌صدر را کاندیدای مورد حمایت امام می‌دانســـتند و اصلاً به همیـــن دلیل به وی رأی دادند و همـــه می‌دانند بخش مهمی از رای بالای بنی‌صدر به این دلیل بود که هیچ موقع امام با کلام یا حتی اشاراتشان نشان ندادند که این فردکاندیدای مورد نظرشان نیست.

نکته مهم این اســـت که با اینکه بنی‌صدر کســـی بود که در مقابل نیروهـــا و نزدیکان امام به ریاســـت‌جمهوری انتخاب شده بود ولی امام به اختیار خودشان بزرگ‌ترین قدرت قانونی را که در اختیار داشـــتند به‌عنوان فرماندهی کل قوا به وی دادند. امام اگر بخواهند رای مردم را قبول نکنند و به‌نوعی در مقابلش بایســـتند به فرض اینکه مردم آمدند یک کســـی را انتخاب کردند که ایشان نمی‌پسندند و دیگر اینجا مجبور نبودند که بزرگ‌ترین قدرتی را که خودشان در اختیار دارند به وی بدهند این امر نشان می‌دهد واقعاً امام با انتخاب مردم کنار آمده بودند و با انتخاب مردم می‌خواستند کار بکنند و حداکثر رویکرد کمک و مساعدت و همراهی با بنی‌صدر را برای اینکه بتواند نقش خود را ایفا کند بروز دادند.

دوباره در اوج درگیری‌های بین این دو جریان که به وقایع ۱۴ اسفند ماه منتهی می‌شود باز امام یک هیئت ســـه نفره را تعیین می‌کنند و تأکید می‌کنند که هیچ یک از طرفین چه دوستان خودشان از جمله شهید بهشتی و آقای رفسنجانی و چه بنی‌صدر حق هیچ مصاحبه‌ای ندارند و اجازه داده شود که این هیئت سه نفره کارشان را انجام بدهند.

این نشان می‌دهد که امام کاملاً بی‌طرفی خود را در این ماجرا حفظ کردند و کوشش برای حل منازعه را انجام دادنـــد. در ۳/۲۰ امام بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوا عزل می‌کنند بعد از عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا امام به بنی‌صدر نصیحت می‌کنند و می‌فرمایند: شما همان رئیس جمهور قانونی باش. بعد از اینکه مجلس بی‌کفایتی سیاســـی بنی‌صدر را اعلام و او را از ریاست جمهوری عزل می‌کنند امام به بنی‌صدر توصیه می‌کنند که شما خودت را از منافقین جدا کن و به تألیف کتاب مشـــغول شو. در واقع امام در مراحل مختلف سعی می‌کنند بنی‌صدر را از افتادن در دام یک جریان تقابلی نجات دهند و او را در زیر مجموعه نیروها حفظ کنند.

بعد از ماجرای عـــزل بنی‌صدر و قضیه ۷ تیر، انفجار دفتر نخســـت‌وزیری و شهادت شهید باهنر و رجایـــی به دوره‌ای می‌رســـیم که دولت آیت‌الله خامنه‌ای تشکیل می‌شـــود. از نظر سیاسی وارد فاز یک دست شـــدن حاکمیت می‌شویم و رقابت‌های بین جریان‌های مختلـــف با گروه خط امام تقریباً از میان برداشته می‌شود و جامعه یک دست شده و همه اجزای قوا به خصوص مسئولیت در اختیار نیروهای خط امام قرار می‌گیرند.

مهم این است که ببینیم امام در این مرحله با مخالفین و منتقدین خود چگونه برخورد کردند؟ در فاصله تیرماه ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱/۹/۲۴ که حدود یک سال و نیم طول می‌کشد علیرغم همه برخوردها و خشونت‌هایی که از جانب منافقین و جریان‌هایی که قیام مسلحانه علیه نظام می‌کنند اعمال می‌شود و ترورهای ائمه جمعه را داریم. در عین حال می‌بینیم که امام به‌عنوان رهبری هیچ دســـتور، اقدام یا اعلامیه‌ای که حکایت از شدت عمل و خشونت ناشی از عصبانیت از این برخوردهای خشونت بار باشد را شاهد نیستیم. ما در این سال‌ها شاهد چندین هزار زندانی گروه‌های سیاسی هستیم که علیه نظام اقدام مسلحانه کردند و بعدها هم همین گروه‌ها در جنگ با صدام به عراق می‌پیوندند و اقدامات جاسوســـی می‌کنند ولی افراد و عناصر وابسته به این گروه‌ها در زندان‌ها هستند که با آن‌ها به‌عنوان زندانی رفتار می‌شود و تسری این رفتار خشونت‌بار با آن‌ها صورت نمی‌گیرد.

اتفاقاً ۱۳۶۱/۹/۲۴ شاهد صدور یک فرمان هشـــت ماده‌ای از جانب امام هستیم که در زمینه تأکید بر رعایت حقوق ملت و رعایت ضوابط قانونی و شـــرعی در ارتباط با متهمین و زندانیان و دستگیرشـــدگان بود. اینها نشان می‌دهد که امام پاره‌ای اخبار و اطلاعات را دریافت می‌کنند که در دستگاه‌های امنیتی و قضایی و کمیته‌ها در برخورد با متهمین گویا اقداماتی انجام می‌شود که حقوق زندانیان در آن رعایت نمی‌شـــود. اعلامیه ۸ ماده‌ای امام از مصادیق بارز تلاش ایشـــان در جهت اعتدال‌گرایی و پرهیز از خشونت‌های رادیکال علیه منتقدین و مخالفین نظام است.

به‌طوری که مثلاً در یکی از مواد اطلاعیه ۸ ماده‌ای تصریح می‌شـــود که اگر یکی از نیروهای امنیتی و کمیته‌های انقلاب یک خانه و یکی محلی را مشـــکوک به خانه تیمی کشف کردند و در آن جا با تخلفات دیگری مثل قاچاق مواد مخدر و حتی فحشـــا... مواجه شدند با فسادهای کشف شده از این طریق هیچ گونه حق برخورد و افشـــاگری ندارند چون در واقع حکومت نباید وقتی به خاطر موارد امنیتی که وارد زندگی خصوصی افراد شـــده‌اند و با این موارد مواجه می‌شوند حق دخالت با این فسادها را ندارند و اگر کسی برخورد کند خودش به‌عنوان متخلف شناخته می‌شود. در واقع این نمونه از دســـتورالعمل‌های امام در این سال‌ها نشان می‌دهد امام در مواجهه با مسلحانه‌ترین روش علیه حکومت از جاده اعتدال خارج نمی‌شوند.

*** موج حرکت دانشـــجویان برای تسخیر سفارت آمریکا نشان می‌دهد آنها بدون هماهنگی قبلی با امام و به تشخیص خودشان احساس کردند که الان وقت آن رســـیده تا حرکتی بکنند و آمریـــکا را از حرکت بازدارند. خود این نشان می‌دهد که اصل حرکت برگرفته از فرمان و اقدام رهبری نیست .**

*** امام خیلی توجه داشتند که خود این حرکت به خشونت‌های بیشتر کشیده نشود مثلا برخورد خشـــونت‌آمیز با گروگان‌ها (تعرض، اعدام) انجام نشود. می‌بینیم که امام در همین ماجرا به دنبال بهانه‌ای می‌گشتند که با بخش‌هایی از آنها عطوفت و ملایمت داشته باشـــند و ایشان در دو مرحله گروگان‌های سیاه‌پوست و زن را آزاد کردند.**

*** امام مسیر تعیین سرنوشت گروگان‌ها را به مردم و مجلس واگذار می‌کنند. این نشان می‌دهد که امام این حرکت را در مسیر یک مدیریت کنترل شده و جلوگیری از حرکت به سمت رادیکالیسم بیشتر هدایت می‌کنند.**

*** در طـــول ماجرای گروگان‌گیری در ۵۸/۹/۲۰ در عید کریســـمس امام به دانشـــجویان دستور می‌دهند چند کشیش برای اجرای سنت‌های اجتماعی عید برای گروگان‌ها حاضر شوند.**



در ۶۴/۸/۱ بحث‌های حقوقی و فقهی بر ســـر جایگاه و اختیارات ولایت فقیه انجام می‌گیرد. عده‌ای از فقها قائل بودند که دولت اســـلامی یا حکومت زیـــر نظر ولایت فقیه اختیاراتی فراتر از تصدی امور حسبه ندارد و در مقابل آن، امام در بحث طلبگی و فقهی راجع به بسط ید دولت اسلامی و قدرت ولایت فقیه اســـتدلال‌های زیادی می‌کنند و اشاره می‌کنند که فقیه واجد شرایط اختیارات وسیعی را هم عرض اختیارات حکومتی ائمه و پیامبر دارند.

بر اساس بحث‌های امام بعضی از نمایندگان سخنرانی‌ها و برداشت‌هایی می‌کنند که ولی فقیه را و حتی خود امام را به‌نوعی هم تراز امامان و معصومین قرار می‌دهند در حالی که امام بحث‌شـــان بر سر اختیارات حکومت و نه خود شخص ولی فقیه و نسبتش با امام و پیامبر است. امام در مقابله با چنین استنباط‌های ناصوابی شخصاً تصریح می‌کنند که مقامات و درجات معصومین را به هیچ‌وجه نباید با این مصادیق ولی فقیه نســـبت داد و اشتباه گرفت و تذکر می‌دهند که ولایت کبری خاص معصومین است و شامل حال من نمی‌شود.

در ۶۶/۱۱/۳۰ امام در پاسخ به نامه‌ای که آقای محتشمی‌پور وزیر کشور وقت در مورد مواضع نهضت آزادی و شرایط آن‌ها و امکان شـــرکت در انتخابات مجلس سؤال می‌کنند، ایشان نهضت آزادی را به عنوان جریانی کاملاً خطرناک معرفی می‌کنند و تصریح می‌کنند این‌ها نباید رســـمیت داشـــته باشـــند. این مورد تقریباً جزو اولین نمونه‌های برجسته‌ای از مواضع امام است که یک نوع برخورد نســـبتاً شدید را شاهدیم که تقریباً با الگوی اعتدالی که تا به حال از آن یاد شده تطبیق کامل پیدا نمی‌کند. در واقع شاهد آن نیســـتیم که بتوانیم نشان دهیم می‌توانست جریانات تندتری از آن هم وجود داشـــته باشد. این شروع یک مرحله از مواضع امام در مورد نهضت آزادی است که به نظر می‌رســـد باید تحلیل شود که پشت این نامه و اتفاقاتی که در کشور به وجود آمده چه حوادثی است که امام در این ماجرا این قدر تند موضع گرفتند.

در ۶۷/۳/۲۴ امام نامه‌ای شدیداللحن دارند که طی آن دستور برکناری آقای فهیم کرمانی حاکم شرع دادگاه کرمان به دادستان داده می‌شـــود و همچنین از خانواده کسی که طبق حکم آقای فهیم اعدام شده دلجویی شود و دیه شخص پرداخت شود. آقای فهیم روحانی انقلابی طرفدار امام است و این نشان می‌دهد که امام وقتی با یک حکم یا تخلف اشتباه حاکم شرع مواجه می‌شوند و می‌بینند که خون یک متهم به علت عدم دقت یا خشونت یک حاکم شرع ریخته می‌شود مستقیماً وارد شده و رسماً دستور پرداخت دیه را می‌دهند. به این ترتیب هم این دقت‌نظرها برای حفظ حقوق مردم را شاهدیم و هم نامه در برخورد با نهضت آزادی را شاهدیم.

درســـت در همین مقاطع یک ماه بعد از نامه برکناری آقای فهیم وارد مرحله خاصی می‌شویم. در ۶۷/۴/۲۹ پذیرش قطعنامـــه و صدور پیام به ملت ایران را در جنگ داریم. نامه پذیرش قطعنامه یکی از موارد برجسته تصمیمات زندگی امام در بحث اعتدال و میانه‌روی یا رادیکالیسم امام است که بسیار محل تأمل است.

امام کســـی است که از آن طرف در جنگ و ادامه جنگ از اصل جنگ و دفاع، قاطعانه حمایت می‌کنند و در آن شـــکی نیست که ایشـــان به عنوان فرمانده کل قوا مسئول سیاست‌هایی هستند که کشـــور را در جنگ با صدام پابرجا نگه می‌دارد و شعارشـــان جنگ جنگ تا پیروزی است و در آن جایی که عده‌ای بر این شـــعار تردید می‌کنند و مسائلی را بر لزوم صلح مطرح می‌کنند امام در مقابله با این تردید آفرینی‌ها آیه‌ای از قرآن را اســـتناد می‌کنند و می‌فرمایند: دستور قرآن جنگ تا رفع فتنه از عالم اســـت و شعار جنگ جنگ تا پیروزی را شعاری کوچک‌تر از توصیه قرآنی معرفی می‌کنند. این نشان‌دهنده این است که امام استراتژی ادامه جنگ را با قاطعیت دنبال می‌کنند. در همین شرایط مهم این اســـت که امام در بحث‌های کارشناسی و استدلال‌ها و اتفاقاتی که به وجود می‌آید به این نتیجه می‌رســـند که ادامه جنگ به مصلحت نیست و این نکته بسیار حساس است. یا امام بایستی بر مواضع گذشته خود اصرار کنند و یا کســـی که تا چند روز پیش، هرگونه سخن از صلح را خلاف اسلام می‌شناســـد حال امروز حرف خود را عوض کند و تغییر موضع بدهد که برای یک انقلابی موضع بسیار سختی است.

در بعضی خاطرات آقای هاشـــمی آمده است که ایشان می‌گویند: من به امام توصیه کردم که اجازه بدهید مســـئولیت جنگ و پذیرش قطعنامه را من به عهده بگیرم و عهده‌دار این تغییر تاکتیک من باشم و اتهامات متوجه من بشود. اما امام تصریح می‌کنند که نه اگر اصل تغییر موضع و پذیرش صلح به مصلحت کشور و مصلحت نظام باشد می‌پذیرم و جمله معروف جام زهر می‌نوشم را اعلام می‌کنند. این نشان می‌دهد که امام در شـــرایط خاص، ظرفیت تغییر موضع و انعطاف‌پذیری را به محض رسیدن به تشخیص کارشناسی و تشخیص مصلحت نظام دارند.

در این فاصله(ماه‌های آخر عمر زندگی امام) چند موضع گیری خیلی اساسی داریم که در بحث اعتدالی بودن مشی امام تعیین کننده است.

بعد از پذیرش قطعنامه مسائلی داریم که متعاقب عملیات مرصاد اتفاق می‌افتد و حمله‌ای که نیروهای منافقین با حمایت و پشتیبانی صدام به مرزها دارند و براساس یک طرح استراتژیک به زعم خودشان قرار بود دو روزه خود را به تهران رسانده و با فتح زندان اوین و زندان‌های چند شهر مهم، نظام را ساقط کنند. تحلیل صدام و نظام تحلیلی منافقین در شرایط از هم پاشیدگی ارتش و سپاه بعد از پذیرش قطعنامه و اتفاقاتی که در جبهه‌ها به وجود آمده بود و تضعیف روحیه رزمندگان را در پی‌داشت، این بود که با یک عملیات برق‌آسا کار نظام را تمام کنند. در مقابله با این هجوم به هر حال طی عملیات مرصاد با روش‌ها و با تکنیک‌های خاصی که بخشی از نیروها انجام دادند حمله مهار شد و عملیات سازمان مجاهدین خلق با تلفات سنگین نیروهایشان در اسلام‌آباد غرب ناکام ماند. اتفاقی که در اینجا می‌افتد این است بعد از این ماجرا حکمی از جانب امام صادر می‌شود و هیئت‌های سه نفره‌ای برای رسیدگی وضعیت زندانیان مجاهدین خلق تشکیل می‌شود و قرار می‌شود کسانی از زندانیان که موضع منافقین را در براندازی نظام تأیید و حمایت می‌کنند معاند تلقی شوند که بحث‌ها و سر و صداهای زیادی را در بر دارد. به نظر می‌رسد این موضوع و نامه برخورد با نهضت آزادی از مواردی است که با مواضع اعتدالی امام تطبیق نمی‌یابد و دارای وجه رادیکالی است.

در ۶۷/۹/۷ در شرایط بعد از قطعنامه و عملیات مرصاد تعدادی از نمایندگان مجلس نامه‌ای گلایه‌آمیز و انتقادی به امام می‌نویسند که طی این چند سال گذشته بخشی از اقداماتی که با نظر امام صورت گرفته با قانون اساسی نمی‌خواند و قانون اساسی در مواردی زیر پا گذاشته شده است که مواردی هم بعنوان مصداق‌ها ذکر می‌گردد: از جمله تشکیل شورای انقلاب فرهنگی و بعضی از مصوبات آن، بعضی از مصوبات و تصمیمات مجمع تشخیص مصلحتی که امام تشکیل دادند و همین‌طور دادگاه ویژه روحانیت از اقداماتی هستند که براساس قانون‌اساسی آن زمان قابل توجیه نبود برخورد امام با این نامه چیست؟ به جای اینکه امام با این نامه گلایه‌آمیز برخورد کنند و با استناد به بحث وظایف ولایت مطلقه فقیه که مطرح شد رفتار کنند و اینکه ولی‌فقیه فوق قانون اساسی است و عبور از قانون اساسی هیچ مشکلی ندارد را مطرح کنند شخصاً اشاره می‌کنند که ما در این سال‌های جنگ و شرایط و تنگناهایی که با آن مواجه بودیم از قانون اساسی عبور کردیم و ایشان می‌پذیرند که این عدول به خاطر شرایط استثنایی بوده و بعد از این بنا داریم که به قانون برگردیم. در واقع اصل مقید بودن ولی فقیه را به قانون اساسی به رسمیت می‌شناسند و برای توجیه آن عدول‌ها شرایط خیلی حاد را مطرح می‌کنند و در پاسخ امام گلایه و برخورد نسبت به نمایندگانی که چنین اعتراضی مطرح کردند دیده نمی‌شود. این نشان می‌دهد که امام یک نوع برخورد عقلانی و معتدل را دارند و در جایی که انتقاد صورت گرفته اصل اشکال را می‌پذیرند.

در ۶۷/۱۱/۲۵ اعلام ارتداد سلمان رشدی و ماجراهای متعاقب آن در جهت پیگیری اجرای حکم اعدام و جوایزی که از طریق نهادهایی مثل بنیاد ۱۵ خرداد تعیین شده را داریم که در دنیا سرو صدای زیادی به پا می‌کند. یک فقیه و کسی مثل امام فتوایی در مورد تبعه یک کشور دیگر می‌دهد و حکم ارتداد وی را اعلام می‌کند و بر اجرای آن تأکید دارد. بحث این است که این فتوای امام با مشی اعتدالی چگونه تطبیق می‌یابد؟ یا این موضع امام با موضع ایشان درخصوص کسروی چگونه جمع می‌شود؟

به نظر می‌رسد که اولاً آنچه امام اعلام کردند یک فتوا و حکم فقهی بوده است و بعد از حکم امام خمینی برخی از مفتیان و جامعه اهل سنت، اصل فتوای امام را تأیید کردند. این نشان می‌دهد که امام در خود این فتوا و اعلام نظر یک نوع رادیکالیسم و افراط گرایی در صدور حکم نداشتند و فقیهان و صاحب‌نظران دیگری هم چنین نظری داشتند. ثانیاً در واقع این موضع امام یک خط رأس و نقطه مهمی برای مقابله با حرکت گسترده‌ای به شمار می‌رود که علیه ارزش‌ها و مقدسات اسلامی در دنیای غرب آغاز شده بود و امام با این حکم یک سنگر وسپر دفاعی در مقابل این جریان می گیرند. در عین حال این مورد هم از مواردی است که همچنان در محل تأمل قرار دارد و باید برای ارزیابی آن تامل بیشتری بخرج داد.

یک موضع مهم دیگر نامه تاریخ ۶۸/۱/۶ است که به صورت محرمانه به آقای منتظری داده شد که بعداً براساس آنچه افشا شد ، نشان دهنده لحن تند امام نسبت به ایشان بوده است. این نامه نیز ظاهراً با بحث اعتدال چندان جور نمی‌آید. اما در واقع باز در اینجا هم اعتدال امام وقتی خود را نشان می‌دهد که بلافاصله بعد از یک روز در ۶۸/۱/۷ آقای منتظری به امام نامه‌ای نوشته و اعلام می‌کنند: من براساس یک تشخیص، نظر خود را اعلام کردم و براساس نامه شما آنچه را که حکم کردید اطاعت می‌کنم. امام بلافاصله در جواب این نامه در ۶۸/۱/۸ نامه‌ای مجدد به آقای منتظری می‌نویسند که این نامه در مطبوعات منتشر می‌شود و نامه نماد تعدیل مواضع امام است. امام اصل نفی صلاحیت آیت‌الله منتظری برای رهبری را حفظ می‌کنند ولی مواضع تند نامه ۱/۶/ را نسبت به آقای منتظری تعدیل می‌کنند و تصریح می‌کنند شخصیت آقای منتظری بیشتر به عنوان فقیه حوزوی است و شخصیت ایشان مناسب و سازگار با رهبری نیست و لازم است که ایشان گرمی بخش حوزه و نظام باشند. این موضع امام نسبت به آقای منتظری به شدت تعدیل شده است. آنچه امام رضایت به افشا داشتند نامه ۱/۸ بود که در آن مواضع تند دیده نمی‌شود و نمادی از اعتدال را شاهدیم.

*** در بعضی خاطرات آقای هاشمی آمده است که ایشان می‌گویند: من به امام توصیه کردم که اجازه بدهید مسئولیت جنگ و پذیرش قطعنامه را من به عهده بگیرم و عهده‌دار این تغییر تاکتیک من باشم و اتهامات متوجه من بشود. اما امام تصریح می‌کنند که نه اگر اصل تغییر موضع و پذیرش صلح به مصلحت کشور و مصلحت نظام باشد می‌پذیرم و جمله معروف «جام زهر می‌نوشم» اعلام می‌کنند.**

*** یک موضع مهم دیگر نامه تاریخ ۶۸/۱/۶ است که به صورت محرمانه به آقای منتظری داده شد که بعداً براساس آنچه افشا شد، نشان دهنده لحن تند امام نسبت به ایشان بوده است. این نامه نیز ظاهراً با بحث اعتدال چندان جور نمی‌آید. اما در واقع باز در اینجا هم اعتدال امام وقتی خود را نشان می‌دهد که بلافاصله بعد از یک روز در ۶۸/۱/۷ آقای منتظری به امام نامه‌ای نوشته و اعلام می‌کنند: من براساس یک تشخیص، نظر خود را اعلام کردم و براساس نامه شما آنچه را که حکم کردید اطاعت می‌کنم. امام بلافاصله در جواب این نامه در ۶۸/۱/۸ نامه‌ای مجدد به آقای منتظری می‌نویسند که این نامه در مطبوعات منتشر می‌شود و نامه نماد تعدیل مواضع امام است. امام اصل نفی صلاحیت آیت‌الله منتظری برای رهبری را حفظ می‌کنند ولی مواضع تند نامه ۱/۶/ را نسبت به آقای منتظری تعدیل می‌کنند و تصریح می‌کنند شخصیت آقای منتظری بیشتر به عنوان فقیه حوزوی است و شخصیت ایشان مناسب و سازگار با رهبری نیست.**

*** آخرین نامه‌ای که از امام داریم در ۶۸/۲/۹ نامه‌ای به آیت‌الله مشکینی است.در پاسخ امام نکاتی را مطرح می‌کنند و یکی از مهم‌ترین تغییرات و تحولات نظر فقهی خود را تصریح می‌کنند و می‌فرمایند: شرط مرجعیّت برای رهبری نظام را که در قانون اساسی قبل وجود داشته، نفی می‌کنند و تأکید می‌کنند که شرط مرجعیت لازم نیست و فقهایی با مراتب کمتر از مرجعیت هم در حالی که بقیه شرایط را داشته باشند می‌توانند برای رهبری انتخاب شوند و بر انتخاب از سوی منتخبان مردم تأکید صریح‌تری دارند. این موضع امام به عنوان متن و سندی که در دست است نشان می‌دهد امام این «جمهوری اسلامی» را که اول انقلاب مطرح کردند در مقایسه با خط و تفکری که معتقد به حکومت اسلامی به جای جمهوری اسلامی بود در تقابل صریح‌تری قرار می‌دهند.**

بالاخره آخرین نامه‌ای که از امام داریم در ۶۸/۲/۹ نامه‌ای به آیت‌الله مشکینی است در پاسخ به استعلامی که از ایشان می‌کنند. در آن شرایط امام هیئتی را برای بازنگری قانون اساسی و اصلاح آن تشکیل دادند که آیت‌الله مشکینی رئیس خبرگان بازنگری قانون اساسی بودند. امام در این نامه نکاتی را مطرح می‌کنند و یکی از مهم‌ترین تغییرات و تحولات نظر فقهی خود را تصریح می‌کنند و می‌فرمایند: شرط مرجعیّت برای رهبری نظام را که در قانون اساسی قبل وجود داشته، نفی می‌کنند و تأکید می‌کنند که شرط مرجعیت لازم نیست و فقهایی با مراتب کمتر از مرجعیت هم در حالی که بقیه شرایط را داشته باشند می‌توانند برای رهبری انتخاب شوند و بر انتخاب از سوی منتخبان مردم تأکید صریح‌تری دارند. این موضع امام به عنوان متن و سندی که در دست است نشان می‌دهد امام این «جمهوری اسلامی» را که اول انقلاب مطرح کردند در مقایسه با خط و تفکری که معتقد به حکومت اسلامی به جای جمهوری اسلامی بود در تقابل صریح‌تری قرار می‌دهند. به هر حال در حکومت اسلامی مورد نظر آن گروه، نقش مردم و انتخاب مردم در مقایسه با شرایط فقیه کم‌رنگ بود و عمدتاً به نوعی تفسیر نصب گرایانه از طرف معصوم برای رهبری تأکید می‌شد. امام در آن شرایط لفظ جمهوری اسلامی را برای تأکید برنقش انتخابی فقیه از طرف مردم ترجیح داده بودند و در این نامه آخر، امام یکبار دیگر بر آن چرخش از لفظ جمهوری اسلامی به جای حکومت اسلامی تأکید می‌کنند و تصریح بر اینکه این فقاهت اولاً عالی‌ترین درجه فقهی آن مدنظر نیست و فقاهت در کنار سایر صفات رهبری قرار می‌گیرد و مجموعه این صفات باید مدنظر قرار بگیرد نه صرفاً فقاهت. در همین نامه است که بر انتخاب مردم و تأیید مردم که با واسطه از طریق مجلس خبرگان رهبری صورت می‌گیرد به عنوان شرط تحقق شرعی حکومت مورد نظر اسلام و شرع تأکید می‌شود. این موضع اسلام گرایانه امام که آخرین و نهایی‌ترین موضع ایشان است نمادی از اسلام‌گرایی معتدل شناخته می‌شود.

نتیجه گیری

از ابتدای زندگی سیاسی امام تا ارتحال ایشان نزدیک به ۱۰۰ مورد از مواضع و تصمیمات اساسی و کلیدی امام را می‌توانیم برشماریم که از این تعداد طبق تعریفی که از رفتار اعتدالی ارائه کردیم، اکثریت قریب به اتفاق تصمیمات اتخاذ شده توسط امام را می‌توانیم با معیار ذکر شده اعتدالی ارزیابی کنیم. حداکثر در مجموعه موارد زندگی امام به تعداد انگشت شماری کمتر از ۵ مورد از تصمیمات ایشان است که به صراحت نمی‌توانیم با معیارهای ذکر شده آنرا اعتدالی بنامیم هر چند در همین موارد اندک نیز ما نمی‌توانیم با قطعیت از غیراعتدال بودن آن‌ها سخن بگوییم و باید برای ارزیابی دقیق‌تر، اطلاعات و آگاهی بیشتری از شرایط و عوامل مؤثر در اتخاذ آن مواضع بدست بیاوریم. حال با فرض اینکه نتوانیم درخصوص این چند مورد، حکم به اعتدالی بودن آنها بدهیم درخصوص مشی کلان امام چه باید گفت؟

ما فرض می گیریم که این موارد اندک اعتدالی نبوده ولی آیا یک شخصیتی که در طول ۴۷ سال زندگی از میان این همه تصمیم‌گیری‌های خطیر، دو یا سه تصمیمش هم اعتدالی نباشد آیا می‌توانیم روند غالب حیات سیاسی و نظام تصمیم‌گیری این شخصیت را به لحاظ آن چند مورد، غیراعتدالی و افراطی معرفی کنیم؟ قطعا نه. در حالی که مطمئن هستیم و می‌دانیم که این فرد در عین حال بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب قرن را هدایت کرده و در این امر شکی نیست. لذا مجموعه بحث را می‌توان این طورجمع کرد که امام، شخصیتی است انقلابی و رهبر بزرگ‌ترین انقلاب هم هست اما در عین حال این شخصیت انقلابی و رهبر انقلاب در غالب تصمیم‌گیری‌ها و مواضع خود وجه اعتدال بر نظام تصمیمات و عملکردش حاکم است. لذا در پاسخ به سؤال دومی که عنوان شد که آیا می‌شود بین انقلابی بودن و اعتدالی بودن جمع بست؟ پاسخ ما براساس یافته‌های این پژوهش مثبت است و نیز پاسخ این سوال که آیا هر شخصیت انقلابی حتما و ضرورتا غیرمعتدل یا غیرمیانه‌رو هست؟ پاسخ ما منفی است. یافته‌های این پژوهش نشان داد می‌توان انقلابی بود و رهبری مهم‌ترین و بزرگ‌ترین انقلاب قرن را برعهده داشت در عین حال با معیارهایی دقیق و علمی وجه غالب و اکثریت عظیمی از اقدامات و مواضع وی را معتدلانه ارزیابی کرد.

منابع

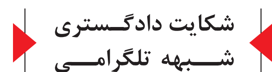
منبع اصلی این پژوهش دوره ۲۱ جلدی صحیفه نور از انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی است که موارد و موضوعات پژوهش به ترتیب تاریخ و نوعا با ذکر تاریخ وقوع آنها بررسی شده‌اند. غیر از این منبع اصلی، آنچه در این مقاله به آن اشاره شده از مسلمات و بدیهات غیرقابل خدشه است که قاعدتا نیازی به مستندات آن احساس نمی‌شود. در عین حال در فرصتی دیگر مآخذ نگاری کاملتری برای این مقاله تنظیم و به آن ملحق می گردد

در تنظیم و تدوین این متن، سرکارخانم زهرا ایروانی تلاش‌های ارزنده‌ای داشته‌اند که از ایشان تشکر می گردد.



از میان نوشته‌ها

دو توضیح مستقل
دربارهٔ دو واقعهٔ جداگانهٔ سال ۹۴



شکایت دادگستری
شبهه تلگرامی

چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است
چو بر صحیفهٔ هستی رقم نخواهد ماند

چاپ مطلبی در روزنامه اطلاعات ۹۴/۹/۱۵ تحت عنوان مصاحبه سردبیر روزنامه لبنانی السفیر با رئیس جمهور اسبق و رئیس دولت اصلاحات موجب شد که برخی از رسانه‌ها با ادبیات و اخلاقیات مخصوص خودشان این روزنامه را به اتهّامات گوناگون متهم کنند. از دیدگاه مدیر مسئول روزنامه اطلاعات آنچه در این روزنامه منتشر می‌شود (جز در مواردی که ممکن است بر اثر شتاب و تراکم کارها ناخواسته انجام گرفته باشد)، با شیوه «جذب حدّاکثری و دفع حدّاقلّی» و با هدف خدمت به ملّتی انجام می گیرد که انتخاب کنندهٔ نظام و انقلاب و اسلام و امام و رهبری بوده‌اند و هستند. یعنی نتیجتاً این کارنامه مطبوعاتی را خدمت به انقلاب و نظام و اسلام و امام و رهبری انقلاب می‌داند.

مدیر مسئول روزنامه اطلاعات البته آنچه را سرلوحهٔ کار خویش می‌دانسته و می‌داند قانون و اوامر و نواهی قانون است، امّا این سرلوحهٔ کار باید علی‌القاعده و حقیقتاً همان چیزی باشد که بتوان آنرا قانون و قانونی دانست. اگر واقعاً تشخیص و تصمیم شخص دادستان محترم (مبنی بر ممنوعیت انتشار هرگونه مطلب و تصویری از رئیس دولت اصلاحات که حتی به ممنوعیّت ذکر نام هم سرایت کرده) کافی است، آنهم بدون قید زمانی و غیرمکتوب و بدون عبور از مسیر دادگاه و صدور حکم قاضی و بدون استناد مسلم و ثابت شده به حکم حکومتی صادره از ناحیه مقام ولایت چنان که در نصوص قانون اساسی و در روّیهٔ مقام معظم رهبری هم تاکنون به صراحت دیده شده است، بسیار خوب، داوری قطعی مرجع قانونی حاکم در این حوزه، باید رسماً ابلاغ می‌شد.

در غیر اینصورت شبههٔ ترجیح سلیقه بر قانون و قضا ـ حتی وقتی آن سلیقه یا عقیده به راستی محق و منبعث از حسن نیّت است ـ همچنان دامنگیر ما و دیگران در عرصه‌های مختلف خواهد بود و طبعاً تداوم چنین شبهاتی به سلامت کار و به استحکام قانون و قضا صدمه می‌زند.

براین اساس و با توجه به این دیدگاه بود که توضیحات ودفاعیّات لازم در پاسخ به اتهّامات برخی از رسانه‌ها و به‌تصوّر تشریح علل عدم وجاهت ممنوعیّتی که به نظر مسئول روزنامه اطلاعات لازمه سلب حقوق قانونی و محتاج حکم دادگاه صالح است، در روزنامه اطلاعات چاپ شد.

اکنون نیز موارد اشاره شده و توضیحات منتشر شده، برای خوانندگان ارجمندی که هنوز خواهان کسب اطلاع از این رخداد بوده‌اند و هستند، در منظر آنان قرار می‌گیرد.

اطلاعات

سخن روز

چهارشنبه ۱۸ آذر ۱۳۹۴

درد دلی با رئیس جمهوری درد آشنا

و سخنی با برادران «ذوق زده» یا «نگران»!

جناب آقای دکتر حسن روحانی
رئیس جمهوری محبوب و مردمی ایران

با سلام و تحیات

در پی انتشار مصاحبه سردبیر روزنامه السفیر لبنان با رئیس جمهوری اسبق ایران در روزنامه اطلاعات، سرپرست دادسرای فرهنگ و رسانه علیه اینجانب اعلام جرم کرد و خواستار رسیدگی به موضوع از طریق دادسرای ویژه روحانیت شد.

در همین حین برخی سایت‌ها و رسانه‌های همسو نیز از این اقدام به عنوان یک عمل غیرقانونی(!) یاد کردند و با ذوق‌زدگی خواستار رسیدگی شدند در حالی که هیچ قانون و مصوبه‌ای در هیچ نهاد قانونگذاری در این باره تصویب نشده است و شورای عالی امنیت ملی نیز صراحتاً اعلام کرده در این خصوص مصوبه‌ای نداشته است.

چندی پیش، دادستان محترم تهران در جلسه‌ای که با حضور برخی مدیران مسئول جراید از جمله اینجانب برگزار کرد، خواستار عدم انتشار مطالب و تصاویر حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین خاتمی شد که در همانجا به ایشان عرض کردم با توجه به این که این اقدام شما مبتنی بر سلیقه است و نه قانون و مصوبه‌ای در این خصوص وجود ندارد، روزنامه اطلاعات این امر را نخواهد پذیرفت و ما به روند منطقی خود در انتشار اخبار شخصیت نجیب، محبوب و فرهیخته انقلاب و یار دیرین امام و رهبری حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی توأم با حفظ متانت و دوری از جنجال، ادامه خواهیم داد و این کار را خدمت به نظام و انقلاب و مردم می‌دانیم.

رئیس جمهوری محترم

برخورداری اتباع یک سرزمین از حقوق اولیه‌ی انسانی به‌عنوان حقوق فطری و طبیعی قدمتی به درازای تاریخ انسان و انسانیت داشته و دارد. حقوقی چون حق حیات که در بروز و ظهور خود حرمت جان و مال و مسکن و شغل آنها را از تعرض در بر می گیرد، همچنین ممنوعیت تفتیش عقاید و تعرض و مواخذه‌ی افراد ملت به صرف داشتن عقیده‌ای چنانکه مطبوعات و نشریات در بیان مطالب آزاد بوده و جز در چارچوب قانون نمی‌توان آنها را محدود و ممنوع از این حق نمود. از سوی دیگر دادخواهی حق مسلم هر فرد محسوب شده و نظام قضایی بر مبنای اصل اصیل قاعده قبح عقاب بلابیان (که از نتایج آن قاعده جهانی قانونی بودن جرایم و مجازاتهاست) بدون وضع قبلی اوامر و مناهی فردی اجتماعی به صورت قانون از سوی قوه مقننه که صلاحیت ذاتی و انحصاری آن را دارد نمی‌توان سرخود به جرم انگاری و به تبع آن اعمال مجازات افراد از سوی مقامات حکومتی اقدام کرد که این خود با یکی دیگر از اصول عقلی بدیهی که همانا اصل برائت است در تنافی می‌باشد (اصول ۲۰ ـ ۲۲ ـ ۲۳ ـ ۲۴ ـ ۳۴ ـ ۳۶ ـ ۳۷ ـ ۵۸ ـ ۷۱ ـ ۷۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

مقامات حاکمیت در چارچوب قوانین (و مقررات تا جایی که ناقض قوانین نباشند ـ با ساز و کار اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی ـ) مکلف به احیای حقوق عامه که فلسفه اولی و رویکرد اساسی از وضع قانون می‌باشد هستند و ضمانت اجرای این مهم در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده هر یک از مقامات و مامورین وابسته به نهادها و دستگاههای حکومتی که بر خلاف قانون اساسی آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنانرا از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمات و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

از سوی دیگر اصل بر عدم اختیار صاحب‌منصبان حکومتی در مقام شک و تردید و اجمال قوانین در مقام عمل به این عنوان ـ صاحب منصب حکومت ـ می‌باشد و آنها صرفاً در راستای نص شفاف قانون مختار به انجام وظایف مقرر هستند.

قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ که توام با اصلاحاتی هم بوده وظایف و اختیارات دادستان را در ماده ۳ آن احصا و برشمرده که عبارتند از:

ریاست اداری بر سازمان دادسرا ـ ریاست بر ضابطان قضایی ـ تعقیب جرایمی که جنبه حق الهی و نیز عمومی دارند ـ تقسیم کار بین قضات دادسرا حسب تبحر، تخصص و اهمیت و نوع جرایم ـ اظهارنظر نسبت به قرارهای بازداشت بازپرس ـ حضور در دادگاه و دفاع از کیفرخواست صادره از دادسرا ـ اجرای احکام کیفری ـ برخی امور داخل در حوزه حسبه چون حفظ و نگهداری اموال صغار و ایتام بدون سرپرست.

با این مقدمه به‌وضوح می‌توان دریافت که اقدام دادستان عمومی و انقلاب تهران آقای عباس جعفری دولت‌آبادی در تحدید آزادی رسانه‌های جمعی اعم از صدا و سیما و مطبوعات در ممنوعیت ذکر نام و انعکاس تصویر جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای خاتمی رئیس جمهور اسبق ایران ناقض اصول ناظر به حقوق اساسی ایشان به‌عنوان شهروندی از آحاد ملت که در اصول یاد شده قانون اساسی مقرر شده می‌باشد و هم تعدی مقام آمر ـ دادستان ـ از اصول مسلم قانونی چون اصل قانونی بودن مجازات‌ها و قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب سال ۱۳۸۳ به شمار می‌رود.

با توجه به اختیارات مصرح رییس جمهوری اسلامی ایران موضوع اصل ۱۱۳ قانون اساسی شایسته است نسبت به انعکاس مراتب به رییس قوه قضاییه برای متوقف نمودن این روند غیر قانونی اقدام مقتضی معمول فرمایند

سید محمود دعایی
مدیر مسئول روزنامه اطلاعات



جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دعایی دامت برکاته



سلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

با احترام، حسب ارادت و علاقه‌ای که به جنابعالی دارم وظیفه خود دانستم در ارتباط با یادداشت امروز روزنامه اطلاعات، چند نکته را تصدیع بدهم.

۱. کیفرخواست جنابعالی علیه دستگاه قضایی در مورد مجرمینی است که استقلال و امنیت این کشور و حیات انقلاب اسلامی را به طور آشکار، علنی و پیگیرانه تهدید کرده‌اند و در تشخیص جرم بودن این جرایم نیازی به صدور حکمی قضایی نیست مگر حضرت امام که علیه شاه و هویدا و... شوریدند، پیش از آن محکمه‌ای علیه آنان حکم صادر کرده بود و یا مگر مقامات امریکا قبل از مواضع شدید امام علیه آنان، در دادگاهی محکوم شده بودند؟ آیا شما در تشخیص دزد بودن کسی که شبانه به منزلی دستبرد زده، اهالی آن خانه را به قتل رسانده و اموالشان را با خود برده است، منتظر صدور حکم دادگاه می‌مانید؟ حتماً می‌دانید که جرایم کسانی که فتنه ۸۸ را برپا کردند از جرایم یک دزد قاتل بیشتر است. پس با این وجود چرا با آویختن به این اصل و آن اصل قانون اساسی طفره رفته و وانمود کرده‌اید که از ماجرای فتنه خبر ندارید؟

۲. در عین حال جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای محسنی اژه‌ای معاون اول محترم قوه قضائیه با صراحت می گوید در مورد محدودیت‌های اعمالی درباره سران داخلی فتنه، مصوبه شورای عالی امنیت ملی وجود دارد و از این رو اگرچه وضع فتنه‌گران برای پیروان حضرت امام و نظام اسلامی مشخص است، درباره آنان از سوی مهم‌ترین نهاد مسئول نظام که رئیس‌جمهور هم با وجود برخورداری از جایگاه پر ارج قانونی، ناگزیر به تبعیت از آن است، مصوبه‌ای وجود دارد که محدودیت‌های تصویری سران داخلی فتنه یکی از آنهاست.

۳. جنابعالی می‌دانید که رعایت قانون و مقررات قانونی، منافاتی با آزادی مطبوعات و یاآزادی افراد ندارد و روزنامه اطلاعات مانند هر روزنامه دیگر زمانی می تواند از لزوم آزادی مطبوعات و افراد سخن بگوید که چارچوب‌های نظامی که این را از آن مطالبه می کند، پذیرفته باشد. این چیزی است که استثنا هم نمی‌پذیرد. تفاوتی نمی کند نماینده محترم ولی فقیه در مؤسسه اطلاعات باشد و یا رئیس‌جمهور اسبق. مگر اینکه جنابعالی خواص را از شمول قانون جدا بدانید.

۴. برخلاف آنچه شما نوشته‌اید رئیس‌جمهور اسبق خود با زیرپا گذاشتن قوانین و تضییع حقوق عمومی (شامل امنیت، ثبات و ارزش‌های ملی) روی حقوق خویش به عنوان شهروند عادی جمهوری اسلامی خط کشیده و در واقع احکام محدودیت به دست خود او صادر شده است. شما که بدون شک یکی از دلسوزان نظام و مردم هستید بیایید و به تعبیر لطیف امیر مؤمنان سنگ را از آن جایی که پرتاب شده است، دفع کنید. شما از ایشان و یا هر مجرم دیگری که مایلید از شمول قوانین خارج شود، بخواهید که مسئولیت خود در جرایمی که به طور آشکار انجام داده‌اند و قابل انکار یا توجیه نیست را بپذیرند و راه جبران در پیش بگیرند و خود آن بخش از حقوق شهروندی‌شان که به دلیل جرایم، محدود شده است را احیا نمایند. من شما را در روز ۹ دی ۸۸ در تظاهرات مردمی خیابان انقلاب دیدم معنای حضور شما این بود که فتنه را محکوم می کنید پس بیایید همان خط را دنبال کنید نه اینکه علیه قوه قضائیه که در این موضوع به پاسداشت قانون برخاسته، کیفرخواست صادر نمایید!

۵. جناب حجت‌الاسلام آقای دعایی شما می‌دانید که پیش از این کسانی که مصلحت خود و جناح خود را بر مصلحت انقلاب ترجیح می‌دهند تلاش کردند تا از مجاری قانونی مصوبه شورای عالی امنیت ملی یعنی قانون را کنار بزنند و سران داخلی فتنه را بدون آنکه هزینه اقدامات ضدملی و ضددینی خود را بپردازند، از پیامد طبیعی افعال خود برهانند. آنان در این تلاش‌ها به جایی نرسیدند. حالا همان‌ها این مأموریت را به شما داده‌اند تا به طور عملی خطوط قانون که به دلیل جریان پیدا کردن در نظام جمهوری اسلامی خطوط شرع هم می‌باشد را بشکنید. این مأموریت را این شیاطین به شما که در پرونده خویش همراهی با حضرت امام را دارید و هم‌اینک نیز نماینده محترم ولی فقیه در مؤسسه اطلاعات می‌باشید، سپرده‌اند و در واقع می خواهند با دست شما به امام و نظام اسلامی سیلی بزنند. آنان به خوبی می‌دانند که هزینه خلاف را بر چه دوشی بار نمایند تا چه بسا به مقصد و مقصود برسد. ولی این خیالات همان‌طور که خردمندانه نیست، نتیجه‌بخش هم نیست چرا که به تعبیر حضرت امام وقتی پای منافع مردم و مصالح نظام اسلامی در میان باشد، تعارفی وجود ندارد.

ارادتمند شما سعدالله زارعی



اطلاعات

پاسخ به نامه سرگشاده جناب سعدالله زارعی

به مشی خود وفاداریم...

ظهر دیروز، در مراسم عزاداری حضرت ثامن‌الحجج در مجتمع فرهنگی شمس‌الشموس، در تاریکای خاموشی چراغ‌ها، برادری یادداشت کوچکی به دستم داد که برای حرمت‌گذاری به دیدگاه بجا و خیراندیشانه این برادر بزرگوار، عیناً آن را بی‌کم و کاست نقل می‌کنم.

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دعائی

با سلام

از یار امام و همراه رهبری انتظار می‌رود در شرایط فعلی که تنش در جامعه باید در حداقل‌ها باشد، از روشهایی که صف‌شکنی است بپرهیزند. من و امثال من که بچه انقلابیم انتظارمان حل مسائل شبهه‌برانگیز تحت لوای رهبری جامعه است. یقیناً التزام به قانون برای همه ما مخصوصاً بزرگان جامعه پسندیده‌تر است.

سلامتی و سعادت جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم.

امین‌زاده

برادر عزیز، ما و شما، هر دو یک حرف را می‌زنیم. «تنش در جامعه باید در حداقل باشد»، «از روش‌هایی که صف‌شکنی است بپرهیزیم»، «یقیناً التزام به قانون برای همه ما پسندیده‌تر است».

جانا سخن از زبان ما می‌گویی! ما هم درست مثل شما می‌گوییم نباید با رفتار سلیقه‌ای تنش را در جامعه افزایش داد، نباید با وضع ممنوعیت و ایجاد حساسیت و القای چندگانگی «صف‌شکنی» کرد و صف یاران انقلاب را شکست.

سیدمحمد خاتمی در کدام دادگاه و توسط کدام قاضی ممنوع‌التصویر و ممنوع‌البیان شده که برخی صاحب‌منصبان، می‌خواهند سلیقه خود را جانشین قانون کنند؟ کدام کلام فتنه‌آمیزی بر زبان رانده؟ کدام مقابله‌ای با نظام کرده؟ کدام بیانیه و نوشته‌ای علیه جمهوری اسلامی منتشر کرده؟

آفرین برادر. صف‌شکنی کار مذموم و جفاکارانه‌ای است. صف یاران انقلاب را نمی‌توان با حُب و بُغض شخصی شکست. آن‌هم پاک‌ترین و سالم‌ترین و نجیب‌ترین یاران را.

و «التزام به قانون برای همه ما پسندیده‌تر است» ما هم، مثل شما، همین توصیه اکید را برای همگان داریم و برای دستگاه قضا. کسی را که قانون او را محکوم نکرده، نمی‌توان از حقوق فردی و اجتماعی محروم کرد. باید همه به قانون التزام داشته باشند.

و اما بعد...

حضرت سعدالله زارعی، نامه‌ای سرگشاده به اینجانب در خبرگزاری فارس منتشر کرده که برخلاف انتقادهای انتقام‌گونه‌ای که در برخی سایت‌ها و روزنامه‌های کم‌مخاطب منتشر می‌شود و آن‌قدر سخیف و عاری از منطق و حتی مضحک است که هرگز نیازی به جواب ندارد، نامه ایشان از ادبیات متینی برخوردار است. هرچند برادر عزیز جناب سعدالله زارعی در این نامه، اعمال سلیقه دادستان تهران علیه سیدمحمد خاتمی را مانند قیام حضرت امام علیه شاه دانسته‌اند که در نوع خود مقایسه بی‌سابقه و بغایت شگفت‌انگیزی است، معذلک به خاطر نثر متین و کلام مؤدبانه ایشان، پاسخی محترمانه و مستند به ایشان و همه دوستان هم‌اندیش ایشان ارائه می‌کنم:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

برادر ارجمندم حضرت سعدالله زارعی دام مجده

با سلام و عرض ارادات نامهٔ مرحمتی را از طریق خبرگزاری فارس که سرگشاده بود قرائت کردم. قبل از هر چیز از لحن صمیمانه و بزرگوارانه‌تان نسبت به خودم سپاسگزارم. هرچند در قضاوت‌ها و برداشت از اقدام حقیر عجولانه و قبل از مذاکره و دریافت توضیح پیشداوری و در مواردی جفا فرموده‌اید. اینک به شما و به همهٔ یارانی که چون شما تصور و یا قضاوت می‌کنند توضیحاتی تقدیم می‌کنم:

اولاً به قلم و دانش شما احترام می‌گذارم و تقریباً همهٔ یادداشتهای شما را که نوعاً در کیهان عرضه می‌شود، در «اطلاعات بین‌المللی» منعکس می‌کنم. ادب و در بسیاری موارد دقت و انصاف شما را همچنان که در برخوردهای برادر ارجمندم جناب صفارهرندی مشاهده کرده‌ام می‌ستایم. اما در این نامه ناچارم جسارتاً نکاتی را یادآور شوم.

برادرم! حقیر جناب خاتمی را مصداق فتنه نمی‌دانم بلکه او را در آزمون به صحنه آمدن سیاسی در این کشور عنصری می‌دانم که به انتخاب مردمش خیانت نکرد و در دو دورهٔ سخت، کارنامه‌ای درخشان از ادب، منطق و فرمانبری از ولایت و از همه مهمتر پاک‌دستی و خلوص به جا گذارد و در جریان انتخابات ۸۸ به دلیل همسویی و دغدغهٔ خدمت به این نظام و مردم از کاندیدایی که صلاحیتش تأیید شد حمایت کرد. همچنان‌که آن کاندیدا همچون خود او قبلاً از عالی‌ترین و مقدس‌ترین مقام این نظام (ولیّ امر عظیم‌الشأن) استجازه کرده بود. حمایت او از آن کاندیدا همچون حضور آن کاندیدا قانونی و مجاز بود و بعد از انتخابات و جریان اعتراضات اولیه، تا زمانی که مقام معظم رهبری سخن فصل را نفرمودند همراهی کرد از آن به بعد در هیچ اقدامی همراهی با معترضین به نتیجهٔ انتخابات نکرد. گرچه از نظر عاطفی تأسف و اندوه خود را از آنچه به انجام رسید دریغ نکرد.

از حضور حقیر در تظاهرات ۹دی یاد کردید که به حمایت از رهبری و خط ترسیم شده بعد از آن بود. به عقیدهٔ حقیر شرکت نکردن مجمع روحانیون در حضور اعتراضی طرفداران کاندیدای مغلوب در خیابان علی‌رغم دعوت قبلی متابعت از راه رهبری بود با این تفاوت که تن دادن به حمایت و همراهی با منتخب اعلام شده را آنچنان که منتخبین او تن دادند نپذیرفتند. اما جهت آرامش جامعه و حفظ منافع ملی از هیچ کوششی دریغ نکردند. نمونه‌اش حضور در انتخابات و ریختن رأی به صندوق در چندین مرحلهٔ بعد از آن.

جناب آقای زارعی، آقای خاتمی در همین دوران سکوت و آرامش بعد از ماجراهای ۸۸ و ۹دی جهت نشان دادن علاقه و عاطفه و مهر دیرین به ساحت رهبری معظم انقلاب و مصالح کشور و نظام نامه‌ای صمیمانه که بیانگر نظر، عواطف و دغدغه‌های جدی وی بود به محضر معظم‌له تقدیم کرد و برای پرهیز از هرگونه شائبه سیاسی متن آن نامه را در یک نسخه که آن هم فقط تقدیم به ایشان شده بود تهیه کرد. نمی‌دانم آن عزیز چه پاسخی مرحمت فرمودند اما می‌دانم تعبیر ظریفی داشتند که حکایت از ادب و صمیمیت و دلسوزی نویسندهٔ آن نامه بود.

جناب زارعی! حقیر در طول نیم قرن حضورم در صحنهٔ مبارزات روحانیت همواره به مثابه سربازی کوچک و اینک کهنه‌سربازی وفادار، خود را وقف خدمت و اطاعت از رهبران انقلاب کرده‌ام. البته در حد توانِ ضعیف و تشخیص ناقصم. از طرفی با آقای خاتمی نیم قرن است که آشنا و همراه بوده‌ام. از دورانی که در قم با هم تمرینِ نوشتن مقاله می‌کردیم تا زمانی که نوشته‌های او را که به توصیهٔ مرحوم حاج احمدآقا در ایران تهیه می‌شد در صدای «روحانیت مبارز ایران» قرائت می‌کردم تا زمانی که روزهای آغازین حضورم در روزنامه اطلاعات به عنوان اولین یار، یادداشتهایی را برای روزنامه اطلاعات نوشت و اولین دست یاری‌دهنده بود که بازویم را در اردیبهشت ۵۹ گرفت. یادداشتهایی در دفاع از دکترین حکومتی امام: «نظریهٔ ولایت فقیه». تا زمانی که اولین کابینه‌اش را به مجلس معرفی کرد و من با شناخت و منطق از کابینه‌اش دفاع کردم تا دورانی که رئیس جمهور بعدی دفتر او را پس گرفت و آرزو کردم در اتاقی که در مؤسسه اطلاعات به او اختصاص دادم حضور یابد و نجیبانه برای اینکه دردسری برایم فراهم نشود، نپذیرفت و فقط یک شب افطار مهمان مؤسسه اطلاعات شد که تصادفاً آن شب هم مصادف با سالروز تولدش بود. به رسم برادری، وفا و صمیمیت دیرینه با تدارک مراسمی ساده بر روی کیکی شمع تولدش را فوت کرد. از آن به بعد عهد کردم این یار عزیز که در کارنامه‌اش تعابیری افتخارآمیز از دو رهبر عالیقدر این نظام داشته و در عمل جز ادب و مهر و پاکدستی و معرفت نشان نداده بود و در ۸ سال حضورش در رأس قوهٔ اجرایی در صحنهٔ جهانی آوازه و اعتبار انقلاب، اسلام و ایران را به اوج زیبایی و کمال رساند و اینک از او فاصله گرفته‌اند تنهایش نگذارم. با هزینهٔ شخصی‌ام و نه از مؤسسه اطلاعات، در دفتر کارش و نه در مؤسسه اطلاعات، تولدش و دوام عمر و حضور و خدمتش به اسلام و میهن را در سالروز تولدش جشن بگیرم و این کمترین حق‌شناسی و ابراز وفاداری یک یار به کاکای نازنینش هست.

جناب زارعی! برخی یاران شما به او تهمت‌ها می‌زنند و از آنجا که ایمان دارم همهٔ تهمت‌ها دروغ و جفا به این انسان پاک و نازنین هست بر خود لازم می‌دانم از او دفاع مسئولانه کنم. او پاک‌دست، پاک‌چشم، پاک‌اندیش، منیع‌الطبع و شریف هست. چون اجدادش شرف خود را به بیگانه نمی‌فروشد و در جامعه‌ای که انواع پلشتی‌ها و بدعملی‌هااقشاری از مردم را از انقلاب و آئین دلسرد و دور کرده به دلیل اعتقاد یاران و دوستانش به آرمانهای پاک و مذهبی او را تجسم اسلام رحمانی می‌دانند و چون او معتقد به آرمانی است به آن آرمان پایبندند. به همین دلیل در یکی از جشنهای تولدش در دفترش گفتم: شما حجت دینداری این جمعید چه آنکه اگر الگوهایی از درک روشن مذهبی و اعتقادی در این جامعه نباشند و اسلام را آنچنان که هست در عمل و بیان عرضه نکنند تندخویی‌ها و خشونت‌ها و جفاهای برخی مدعیان، مردم را از دین و دینداری بیزار و منزجر می‌کنند. اگر نبود رهنمودهای مقام معظم رهبری که تبلور آن در دو نامهٔ اخیر معظم‌له به جوانان غرب نگاشته شده و عمل و رهروی امثال خاتمی‌های روشن‌دل و روشن‌ضمیر که دست‌پرورده‌های مکتب حیات‌بخش اسلام و امام بوده‌اند چه الگوهایی قابل عرضه بود.

جناب زارعی! حقیر با این شناخت و با این ارتباط نمی‌توانم این عزیز را مصداق فتنه بنامم. در روزی که عزیزی از اعضای دفتر مقام معظم رهبری وفاداریم را به خاتمی و نقل سخن‌ها و اظهارات او را در روزنامه برنتافت و از منظر رهبری اعتراضی داشت نامه‌ای خصوصی به محضر رهبر و مرادم نوشتم در آن نامه همهٔ عشق و عاطفه و امید و انتظارم در مورد خاتمی را از آقا در میان گذاشتم. و این انگیزه وفاداریم به خاتمی و استجازهٔ در ادامه همراهیم با وی را بیان کردم. مراد و ولیّ امرم بعد از خواندن آن نامه کریمانه و بزرگوارانه فرمودند: «من هم مثل تو فکر می‌کنم اما نه به نرمی دل تو!» اشک شوق و امیدم جاری شد و از آن روز به بعد کاکایم را غریب نگذاشتم و اگر سخن و مطلبی داشت به دور از هیاهو و جنجال در روزنامه منعکس کردم. همان مقام عالی و مسئول در دفتر مجدداً توضیح خواست که متن تقدیمی به محضر مولایم را برایش خوَاندم. متواضعانه و بزرگوارانه فرمود اگر بین خود و خدایت حجت داری، ادامه بده که تا به امروز ادامه داده‌ام.

جناب زارعی! شبی که جناب جعفری دادستان محترم انقلاب من و تنی چند از مدیرانِ مسئول مطبوعات را صدا کرد تا بگوید خاتمی خط قرمز و عضو فتنه است دردمندانه و مستنداً به او توضیح دادم که قبول ندارم و چون یقین دارم کاکایم پاک است و سرشار از عاطفه و مهر به رهبری و نظام، مطالبش را انعکاس خواهم داد و تا چند روز قبل تحمل شدم و دوستان در دادسرا عکس‌العملی نداشتند. نمونه‌اش انعکاس اظهاراتم در سالروز تولدش در مهر امسال در روزنامه اطلاعات. بارها پیام‌های او را که پیام معرفت و ادبِ و وفاداری به نظام و رهبریست در روزنامه چاپ کرده بودیم و تحمل شده بود تا اینکه اخیراً مصاحبه او را با سردبیر روزنامه «السفیر» لبنانی همراه با عکسی در حال مصاحبه چاپ شد که مورد اعتراض دادسرای فرهنگ و مطبوعات قرار گرفت. به دوستان در دادسرای ویژه روحانیت که بسیار صمیمانه و دوستانه توضیح خواستند، توضیح دادم که در این ماجرا نه قانونی وضع شده و نه مصوبه‌ای در شورای عالی امنیت ملی بوده، در نامهٔ صمیمانه شما هم اشاره‌ای به مصوبهٔ شورای عالی امنیت ملی هست که قاطعانه می‌گویم چنین مصوبه‌ای شورای عالی امنیت نداشته تنها در دوران معاونت مطبوعاتی آقای رامین با دبیرخانهٔ مطبوعات شورای امنیت هماهنگی شده بود که متنی را به جراید اعلام کنند که نباید از آقای خاتمی مطلبی عرضه شود که در تحولات بعدی آن دستورالعمل ملغی شد. جهت اطلاع سرکار اخیراً در محاکمهٔ سایت انصاف‌نیوز که به همین اتهام محاکمه می‌شد به دلیل فقدان مصوبهٔ شورای عالی امنیت ملی مسئول آن سایت تبرئه شد. بر همین اساس هم به مسئول عزیز دادسرای ویژه روحانیت تأکیداً عرض کردم به مشی خود وفاداریم منتهی به خواست آنها از انعکاس عکس کاکا برای پرهیز از جنجال خودداری می‌کنم و در توضیح به برادران نگران هم عریضه‌ای تقدیم شد که نامهٔ سرگشاده شما در پی آن مرحمت گشت.

صادقانه بگویم خدمت به رهبری و نظام آن است که طیف همراه و همدل ایشان را وسیع کنیم. که در آن طیف همهٔ دلسوزان و علاقه‌مندان نظام از هر گروه و جناحی بگنجند. در این جهت خالصانه و صادقانه می‌کوشم و آرزو دارم کاکایم روزی در محضر مراد و مولایم و مولایش مجال یابد: حضوراً بگوید آقا همچنان مرید و دلسوز و فرمانبرداریم. این آرزو از آن مرد رئوف و پدر دلسوز برآوردنی‌ست.

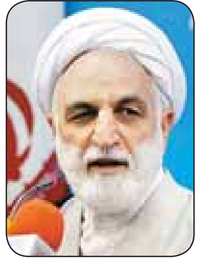
عزیزم زارعی، به گرمی می‌بوسمت. باز به امید دیدار و درددل‌های حضوری و صمیمی.

کمترین برادرت

سید محمود دعایی

سخنگوی قوه قضائیه:

دستگاه قضا در برخورد با جرائم انتخاباتی هیچگونه حریمی قائل نیست



سرویس خبر: سخنگوی قوه‌قضائیه با بیان این که حدود ۸۰ روز به انتخابات خبرگان و مجلس شورای اسلامی باقی مانده است، افزود: دستگاه قضا براساس قانون وظیفه دارد هر فرد و جریانی را که از قانون تخطی کرده و مرتکب جرم شود، با خواست مردم و براساس قانون، بدون هیچ اغماض و ملاحظه‌ای برخورد کند و در جرائم انتخاباتی نیز چنین خواهد کرد و هیچگونه حریمی قائل نیست.

حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای در هشتاد و نهمین نشست خبری با رسانه‌ها افزود: امسال نیز مانند سایر دوره های گذشته، به خواست رهبر معظم انقلاب، با مشارکت حداکثری مردم و در کمال امنیت و آرامش انتخاباتی پرشور برگزار خواهد شد.

سخنگوی دستگاه قضا گفت: هیات‌های اجرایی که براساس قانون از ناحیه مردم انتخاب شده‌اند، به وظیفه خود در مقابل قانون عمل می کنند و دولت، وزارت کشور، نیروهای نظامی و انتظامی نیز در اجرای انتخابات به نحو احسن به وظیفه خود عمل خواهند کرد.

سخنگوی قوه قضائیه اظهار امیدواری کرد در این مدت باقیمانده(به انتخابات) کمترین پرونده ها در این زمینه در قوه‌قضائیه تشکیل شود و کسی خلاف قانون عمل نکند و اگر خلاف قانونی رخ داد، هیچ اغماض و حریمی برای هیچ مسئول و جناحی قائل نخواهیم بود و مطابق قانون برخورد خواهیم کرد.

***انتشار تصویر و خبر رئیس دولت اصلاحات توسط روزنامه اطلاعات**

سخنگوی قوه قضائیه در مورد انتشار تصویر و خبر رئیس دولت اصلاحات توسط روزنامه اطلاعات و احضار حجت‌الاسلام سید محمود دعایی مدیرمسئول این روزنامه و همچنین اظهارات وی مبنی بر این‌که نظر رهبری درباره این شخص خیلی منفی نیست، گفت: در مورد نقل قولی که از رهبری گفته است خبر ندارم، اما در مورد دستورالعملی که از سوی دادستان نقض شده، باید بگویم که این دستورالعمل هیچ تغییر نکرده است.

وی افزود: هر کس بر خلاف دستور قضایی عمل کند فرقی ندارد روزنامه اطلاعات باشد یا رسانه دیگر، روحانی باشد یا غیر روحانی، در هر صورت تحت تعقیب قرار می گیرد.

محسنی اژه‌ای اضافه کرد: دادسرای ویژه روحانیت برای بار دوم امروز (یکشنبه) ایشان را احضار و آخرین دفاع را از او اخذ کرد.

به گفته وی، مدیر مسئول روزنامه اطلاعات تفهیم اتهام شده و پرونده او آماده ارسال به دادگاه است.

خبرنگاری با استناد به اصل ۳۷ قانون اساسی که اصل بر برائت است، از سخنگوی قوه قضائیه پرسید آیا دادستان با توجه به صدور دستورالعملی در مورد رئیس دولت اصلاحات می‌تواند حکمی صادر کند، که سخنگوی قوه قضائیه پاسخ داد: شورای عالی امنیت ملی در موضوعات مختلف دو مصوبه دارد، یکی این‌که خود شورا مسائلی را طرح می کند و دیگری مصوبه‌ای است که به دبیرخانه ارجاع می‌دهد.

به گفته وی، تعیین رعایت برخی مصادیق، بر عهده دبیرخانه است.

وی با بیان این‌که برای بسیاری کسانی که مرتکب جرم می‌شوند دادستان برای آنها قرار مجرمیت صادر می‌کند افزود: دادستان می‌تواند در مواردی، حکم قضایی صادر کند و تا زمانی که حکم صادره لغو نشود یا خلاف آن اثبات نشود، آن حکم لازم الاجرا و لازم الاطاعه است.

*** با فیلتر کردن مشکل حل نمی‌شود**

سخنگوی قوه قضائیه درباره کندی کنترل محتوای مجرمانه در یک سال اخیر اظهار داشت: استفاده از شبکه‌های اجتماعی باید وجود داشته باشد و ما باید از فناوری‌های جدید استفاده کنیم، اما این استفاده باید به شکل صحیح باشد و اگر می‌خواهیم ضربه امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی نخوریم، باید تلاش کنید زیرساخت‌های فضای مجازی را بومی کنید. تا زمانی که این اتفاق نیفتاده است و سرنخ قضیه دست خودمان نیست، متضرر می‌شویم.

وی با بیان این که تمام تلاش دولت باید حول این موضوع باشد گفت: متأسفانه در این زمینه آنگونه که باید اقدامات جدی برای بومی کردن فضای مجازی انجام نمی گیرد، آیابا فیلتر کردن کار حل می‌شود؟ آیا فیلترشکن نمی گذارند؟ آیا می‌شود همه چیز را مسدود و مردم را از استفاده‌های صحیح محروم کرد؟

معاون اول قوه قضائیه با اشاره به این که هر روز با انتشار یک شایعه همه دلهره دارند، گفت: می گویند چرا دلواپس، دلواپسی که خوب است، آدم باغیرتی باید نسبت به موضوعات زیانبار برای جامعه‌اش دلواپس باشد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: بداخلاقی‌های افراطیون، پشتوانه عقلی و قانونی ندارد

آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی دیروزدردیدار اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران، دانشجویان را سرمایه‌های ارزشمند امروز و آینده کشور خواند و گفت: جواب ندادن به مطالبات برحق دانشجویان برای هیچ نظامی خوب نیست، چرا که آنان آینده‌سازان نظام هستند، نباید در مسائل ابهام داشته باشند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با تأکید مجدد بر اهمیت انتخابات اسفند ماه و شرایط مناسب کشور در پسابرجام، سرگیجه‌های سیاسی و توهین‌ها و بی‌اخلاقی های امروز افراطیون و تندروها را قابل پیش‌بینی دانست و گفت: افراطیون و تندروها از رویکرد مردم و جامعه به تفکرات اعتدالی که برخاسته از اسلام ناب و عصاره مکتب تشیع است، ناراحت هستند.



به گزارش روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام،هاشمی رفسنجانی، با تشریح موضوع «انعکاس ضد و خروج از اعتدال» که یک بحث فلسفی است و تطبیق آن با شرایط سیاسی، گفت: حالت طبیعی این است که وقتی فشارهای سیاسی از یک پدیده اجتماعی برداشته شود، تا رسیدن به حالت اعتدالی عکس العمل هایی خواهد داشت.

وی با ابراز رضایت نسبی از شرایط دانشگاه‌ها در دولت یازدهم، به ویژه مراسم ۱۶ آذر امسال، گفت: موفقیت‌های نسبی این مراسم، نمونه‌ای از عزم و اراده مردم هوشیار و آگاه جامعه به ویژه دانشجویان و قشر فرهیخته، برای خلق حماسه‌ای دیگر در دفاع از نظام اسلامی و آرمان‌های امام و شهداست.

هاشمی رفسنجانی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به اعلام نامزدی حاج سید حسن خمینی و واکنش‌های تند و بی‌اخلاقی‌های مخالفان ایشان، گفت: اعلام نامزدی شخصیتی چون ایشان، کمترین حق خانواده امام و حتی یک شهروند عادی است ،ولی می‌بینید که چگونه با این یادگار ارزشمند برخورد می کنند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با ابراز نارضایتی از برخوردهایی که با آقای دعائی می‌شود، با اشاره به سوابق مبارزاتی و تجربیات دیرینه فرهنگی ایشان در انتشار نشریه «بعثت» در دوران مبارزات قبل از انقلاب و همراهی با امام در سال‌های تبعید، گفت: در سال ۴۵ بیانیه‌ای علیه جشن تاجگذاری داده بودیم که من و آقای دعائی لو رفتیم. من دستگیر و بازداشت شدم و او به عراق فرار کرد و در آنجا با کمک حاج آقا مصطفی خمینی به رادیو بغداد رفت و سال‌ها یک تنه، سخنران برنامه بسیار تأثیرگذار «نهضت روحانیت در ایران» بود.

وی با تأکید برعلاقه شدید آقای دعائی به امام، انقلاب و نظام اسلامی، افزود: برخورد با کسی که همه عمر چه قبل و بعد از انقلاب اسلامی، در خدمت نظام بوده، نشان از عصبانیتی است که هیچ پشتوانه عقلانی، قانونی و آینده‌نگری ندارد و نگرانیم چون، عواقب این گونه رفتارها به هیچ‌وجه به نفع نظام نیست.

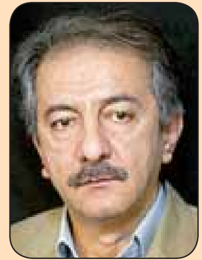
رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، در تقبیح افراطی گری که سرانجام محکوم به شکست است، طغیان‌های داعش و ائتلاف قدرت‌های مخالف و متضاد دنیا علیه آن‌ها را مصداق زشت بودن کارهای تروریستی و اقدامات افراطی در همه مکاتب الهی و بشری دانست و افزود: حتی کسانی که در جهان به تندروی‌های سیاسی و حمایت از رژیم‌های نژاد پرستانه معروف و مشهور هستند، اکنون به این نتیجه رسیده‌اند یا مجبور شده‌اند که درائتلاف علیه داعش شرکت کنند، چون می‌دانند افکار عمومی جهان با تروریسم و کشتن انسان‌ها مخالف است.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام خطاب به دانشجویان عضو انجمن اسلامی، گفت: در این شرایط باید حرف‌های عاقلانه و مردم پسند زد، چرا که حق حکومت در هر کشوری با مردم است و مردم باید حق خود را بشناسند و در انتخابات شرکت کنند که تأثیر حضور آنان بسیار بالاست.

هاشمی رفسنجانی با تأکید براین نکته که مردم در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم همین رفتار را کردند و نتیجه گرفتند، گفت: شیوه کشورداری اعتدالیون، همکاری فراجناحی در حکومت است که مصالح انقلاب، نظام، کشور و مردم را می خواهند.

وی با توصیه اکید دانشجویان به صبر، تحمل و بردباری، گفت: اگر برای خدا تلاش کنیم، خداوند مجاهدان راه خود را تنها نمی گذارد و شاید در دوره‌ای برای اثبات صداقت، باید امتحان‌های دشواری بدهیم. رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با تشریح اتفاقاتی که در طول سال‌های قبل و بعد از انقلاب برای مردم و دانشجویان افتاده است و گروهی دانسته یا ندانسته، همیشه با ادعای مردمی بودن سعی در ایجاد فاصله بین نظام و مردم داشته‌اند، گفت: یکی از برنامه‌های نفوذی‌های دشمن در بین مردم ،تخریب شرایط امن کشور و ایجاد اختلافات و مخدوش کردن وحدت است که مردم و شما دانشجویان باید هوشیار باشید و نگذارید آنان به اهداف خود برسند.

شما سید محمود دعایی را می‌شناسید؟



خبرگزاری ایسنا: صادق کرمیار با نگارش مطلبی که از آن به عنوان شهادت‌نامه‌ای برای روز قیامت خود یاد کرده، به ذکر خاطره‌ای از مدیر مسئول روزنامه اطلاعات، با توجه به برخی اتفاق‌های اخیر پرداخته است.

شما سید محمود دعایی را می‌شناسید؟

این داستان‌نویس و کارگردان تلویزیون در متن این یادداشت آورده است:

«اواخر دهه شصت در تحریریه روزنامه اطلاعات کار می‌کردم. یک روز که مثل همیشه دیر به سر کار رفتم، شنیدم که حجت‌الاسلام سید محمود دعایی با یکی از خبرنگاران تحریریه برخورد تندی کرده و خبرنگار با چشمان اشکبار بساطش را جمع کرده و به خانه رفته است.

شور جوانی و انقلابی‌ام گل کرد و شروع به اعتراض کردم. بچه‌های تحریریه سعی کردند مرا آرام کنند، نه به خاطر خبرنگار همکار و نه به خاطر دعایی که به خاطر خودم که اگر به اعتراض ادامه دهم ممکن است عاقبت بدی برایم داشته باشد. امّا بدون توجه به توصیه بچه‌ها رفتم جلو دفتر دعایی و شروع به داد و فریاد کردم که ایشان به چه حقی با خبرنگار تندی کرده و اینجا محیط فرهنگی است و باید رفتارها فرهنگی باشد و....

دعایی با اینکه در دفترش نشسته بود، امّا هیچ واکنشی به اعتراض من نشان نداد و با اینکه قدرت هر گونه برخوردی را با من داشت، حتّی از اتاق بیرون نیامد و حتّی انتظامات را هم خبر نکرد و حتّی مرا تنبیه نکرد و حتّی مرا متهم به ضد انقلابی نکرد و حتّی نان زن و بچه‌ام را قطع نکرد و حتّی بعدها برایم پاپوش ندوخت و به دنبال نقاط تاریک در زندگی شخصی و اجتماعی من نگشت تا رسوایم کند و خیلی کارهای دیگری که می‌دانیم در این دوره و زمانه برای کوچک‌تر و بزرگ‌تر از من هم انجام می‌دهند.

امّا روز بعد یک نفر را فرستاد سراغ خبرنگار که به سرکارش برگردد و بعد که فهمیدم خطای خبرنگار چه بود، به دعایی حق دادم که چنان برخوردی با او کرده بود و خجالت کشیدم از واکنش عجولانه خودم و خواستم به بهانه‌ای برای عذرخواهی بروم به دفتر ایشان که شرم کردم و نرفتم. همه می‌دانند که دفتر ایشان همیشه باز بود و منشی حق نداشت مانع ورود هیچ کس به داخل اتاق شود و حتّی حق نداشت بپرسد که چه‌کار دارد. فقط حق داشت بگوید آقای دعایی در اتاق هست یا نیست. هنوز هم دفتر ایشان بر همین روال است، جز آنکه دیگر منشی هم ندارد.

حتّی دو روز بعد مشکل مالی برایم پیش آمد و نامه‌ای نوشتم و درخواست وام کردم که موافقت کرد و وقتی در تحریریه مرا دید، نه تنها به رویم نیاورد، بلکه با شوخی معروفش چنان شرمنده‌ام کرد که هیچ وقت نتوانستم حتّی عذرخواهی کنم.»

این کارگردان در ادامه مطلب خود نوشته است:

«درباره روش مدیریت و دانش و منش دعایی در حد درک خودم خیلی حرف‌ها دارم که برخی را در خاطراتم نوشته‌ام و در زمان و مکان خود ان‌شاءالله منتشر خواهم کرد. امّا این خاطره را فقط برای یادآوری خودم نوشتم. آن هم در زمانی که دعایی برای چاپ عکس و نام کسی که هشت سال رئیس‌جمهور کشور بوده، مورد حمله گروهی قرار گرفته که آنها را نمی‌شناسم و باور دارم که آنها هم دعایی را نمی‌شناسند.

من به عنوان خبرنگاری که ۱۱ سال در روزنامه اطلاعات کار کردم و از نزدیک ایشان را می‌شناسم، شهادت می‌دهم که ولایت مدارتر از دعایی کسی را نمی‌شناسم.

من شهادت می‌دهم که پاک‌دست‌تر از دعایی در میان خیل مسئولان روحانی و غیر روحانی در مجلس و دولت و سازمان‌ها و نهادها کسی را نمی‌شناسم.

من شهادت می‌دهم که دلسوزتر از دعایی برای کشور و انقلاب و اسلام کسی را نمی‌شناسم و اگر رهبر معظم انقلاب هم کسیِ را بهتر ایشان برای تصدی نمایندگی ولی فقیه در مؤسسه اطلاعات می‌شناختند، حتماً نمایندگی را به ایشان واگذار نمی‌کردند....

و من این چند خط شهادت نامه را فقط برای روز قیامت خودم نوشتم.»

محقق اندیشمند جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیدمحمود دعایی دام مجده



سلام علیکم

بر خویشتن لازم دیدم، مراتب ارادت و تواضع و تحسین خود را برای صفات حمیده، مواضع حق طلبانه و پایمردی شجاعانه در بیان حقایق و عمل به عدالت و انصاف به حضور آن سید بزرگوار ابراز و دوام توفیقات و طول عمر با برکتتان را از خداوند مسئلت نمایم.

در این روزگار پرتلاطم و در غربت اخلاق و معنویت و مظلومیت حق‌جویی و حق‌مداری، امثال جنابعالی مصداق و لله رجال فی ازمان الفطرات هستید و وجدان جامعه قدر گوهرهای نهفته در بطن خویش را می‌شناسد. اگرچه دل دریایی تان نیازمند تشویق خلق نیست، همان گونه که مرعوب خلایق نبوده است، اما این فرزند کوچکتان که با نیم قرن زندگی درخشان پرثباتتان در میان امواج پرفراز و نشیب نهضت امام خمینی(ره) آشناست، دفاع همیشگی‌تان از پاکی و صداقت و نجابت را به سهم خویش تحسین نموده و ارج می‌نهم.

سایه پربرکتتان مستدام و توفیقتان روزافزون باد.

با تجدید احترام– آیت پیمان

مدیرمسئول دبیرخانه شورای دین‌پژوهان کشور



چهار شنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۴

آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی: نباید به اسم دفاع از رهبری، حرف‌های نسنجیده زد

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی دیروز در دیدار جمعی از اعضای شورای مرکزی و مسئولان استانی انجمن اسلامی معلمان، با تأکید برنقش معلمان در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، گفت: هروقت در جمع فرهنگیان هستم، یک نشاط فطری پیدا می‌کنم و هم صحبتی با معلمان، خیر و برکت دارد؛چون معلمان، همیشه با حکمت هستند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر این نکته که «احترام معلمان و استادان دانشگاه‌ها در دل اکثر مردم جامعه هست»، گفت: باید این احترام را به عنوان سرمایه‌ای ارزشمند حفظ کنید و جامعه هم باید به معلمان توجه کند، چون حضور آنان در همه مقاطع انقلاب، حتی در زمان مبارزه بسیار مؤثر بود.

وی با یادآوری مجموعه مخالفت‌های داخلی و خارجی که در مسیر مذاکرات هسته‌ای ایران انجام می‌شد، گفت: امپریالیسم خبری صهیونیست‌ها تمام تلاش‌هایش را می‌کرد تا نگذارد روابط دنیا با ایران اصلاح شود و متأسفانه در داخل هم گروهی همین کار را می‌کردند و معلوم نیست چه ضرری از رفع تحریم‌ها می‌برند!

هاشمی رفسنجانی با اشاره به تناقضات سیاسی بعضی از مسئولان در کشور، گفت: از یک طرف تخریب‌های بعضی از رسانه‌های تندرو علیه دولت را روشنگری و از طرف دیگر بیان حقایق بلایایی را که در هشت سال دولت سابق بر سر کشور آمده است، سیاه نمایی می‌دانند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به عزم جزم مردم ایران برای خلق حماسه‌ای دیگر در انتخابات اسفندماه، گفت: نگرانی‌ها و آشفتگی‌های سیاسی تندروها نشان می‌دهد که از رشد آگاهی مردم نگرانند و می‌ترسند.

وی حملات تخریبی علیه یادگار ارزشمند امام خمینی را نشانه‌ای از این عصبانیت خواند و گفت: باید از آنان پرسید اگر مطمئنند که مردم با آن‌ها هستند، چرا باید ازاعلام نامزدی حاج حسن آقا خمینی این قدرعصبانی باشند و به بیت امام(ره) توهین کنند؟

هاشمی رفسنجانی با ابراز نارضایتی و نگرانی از برخوردهایی که با حجت‌الاسلام والمسلمین دعایی می‌شود، تاریخ تحلیلی از مبارزات ایشان در ایران و عراق ارائه کرد و گفت: این برای نظام خوب نیست که یک عده تندرو و افراطی که از دورهم دستی برآتش سوزان دوران مبارزات نداشتند، به اسم دفاع از انقلاب و نظام نسبت به عملکرد اعتدالی کسی چنین اعتراض و حتی به ایشان توهین و بی احترامی کنند که امام خمینی (ره) پس از پیروزی انقلاب ایشان را مسئول مؤسسه اطلاعات کرده‌اند و رهبری هم پس از امام و تا امروز او را در همان جا ابقا کردند و در پاسخ به نامه ایشان هم آن‌گونه مهربانانه می‌نویسند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه با اشاره به طرح برخی مباحث انحرافی توسط بهانه جویان و سوء برداشت از سخنان ایشان و تأکید بر این جمله که «آیت‌الله خامنه‌ای تنها مرجع تقلیدی هستند که صلاحیت رهبری جامعه اسلامی را داشتند و دارند»، افزود: مردم عاشق امام و در مرحله بعد رهبری هستند و رهبری باید برای همه جامعه باشد، اما یک عده مدعیان حمایت از رهبری این سرمایه دینی و ملی را منحصر به خود می‌دانند و با توهین و تهمت و افترا نسبت به دیگران، فکر می‌کنند که دارند به رهبری خدمت می‌کنند، در حالی که نباید به اسم دفاع از رهبری حرف‌های نسنجیده زد که مصداق مثل معروفی است که می‌گوید: دفاع بد، بدترین حمله است.

وی با یادآوری دستاوردهای بی‌نظیری که انقلاب اسلامی و ایران در سایه رهبری‌های امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای به دست آورده است، گفت: رسانه ملی که لااقل باید مراعات اسم خویش را به عنوان صدای مردم بکند، جناحی برخورد می‌کند، در حالی که باید بگذارند آدم‌های باسوادتر و عاقل‌تر، با ادبیات مناسبت‌تر، شخصیت حقیقی و حقوقی رهبر جمهوری اسلامی را توضیح دهند که این مقام از طریق اهل بیت(ع) در مکتب شیعه تعبیه شده است.هاشمی رفسنجانی با ابراز نگرانی از تندروی‌ها و توهین‌هایی که به اسم دفاع از رهبری در جامعه انجام می‌شود، گفت: متأسفانه با این رفتار به مکتب اهل بیت(ع) هم در داخل و خارج از کشور صدمه می‌زنند و با تفرقه افکنی، فرقه‌های دیگر اسلامی را از شیعیان دور می‌کنند.رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان این که مسائل مربوط به انتشار مصاحبه حجت‌الاسلام والمسلمین خاتمی در روزنامه اطلاعات، یک مسأله داخلی بود و می‌توانستند با رعایت اخلاق آن را به نفع نظام حل و فصل کنند، افزود: با دامن زدن به این موضوع و تخریب چهره موجهی چون حجت‌الاسلام والمسلمین دعائی، به این مسأله بعد خارجی دادند که این روزها خوراک تبلیغاتی رسانه‌های معاند و مخالف نظام اسلامی شده است.

وی همچنین کشتار مظلومانه شیعیان در کشور نیجریه را محکوم کرد.



حجت‌الاسلام والمسلمین دعایی متن منتشره در تلگرام را تکذیب می کند

پاسخی به یک شبهه تلگرامی

اخیراً در تلگرام در رابطه با علت حمله صدام حسین به ایران متنی منتسب به آقای دکتر ابراهیم یزدی در کتاب خاطراتش دست به دست می‌شود که مضمون آن چنین است:

روزی در سال ۱۳۵۹ از شورای انقلاب از من خواستند برای مشورت در مسئله مهمی در جلسه شورا شرکت کنم. وقتی به جلسه رفتم دیدم آقای دعایی سفیر ایران در عراق نیز در جلسه حضور دارد. گفتند آقای دعایی گزارشی دارند.

آقای دعایی بیان کرد که در ماههای اخیر هر چند وقت یکبار و گاهی هرهفته مرا به وزارت امور خارجه احضار و با ارائه مدارکی به دخالتها و کوشش ایران برای اخلال و آشفتگی در عراق اعتراض می‌نمایند و من توضیح می‌دهم که اینها کار دولت ایران نیست و گروه‌های خودسرند که دنبال قدرت نمایی هستند و نظایر این نوع استدلالها برای رفع اعتراض.

اما هفته گذشته صدام حسین مرا احضار کرد و پس از بیان اعتراض شدید به دخالتها و اخلالها گفت این وضع برای من قابل تحمل نیست. شما بروید تهران و به آقای خمینی بگویید من اولین دولتی بودم که جمهوری اسلامی را به رسمیت شناختم و اگر اجازه بدهند من (صدام) خودم شخصا به ایران می‌آیم تا با مذاکره اختلافاتمان را حل کنیم اگر مایل نیستند با من مذاکره کنند من یک هیأت عالیرتبه به ایران می‌فرستم و یا دولت ایران یک هیأت عالی برای مذاکره به عراق بفرستد تا اختلافات فیما بین حل شود زیرا ادامه این وضع برای من قابل تحمل نیست و من برای خاتمه دادن به این وضع به ایران حمله نظامی خواهم کرد.

سپس آقای دعایی تاکید کرد که این آدمی است که حمله خواهد کرد.

شورای انقلاب تصمیم می گیرد که آقای دعایی به اتفاق آقای مهندس بازرگان و آقای دکتر بهشتی برای بیان ماجرا و تعیین تکلیف به دیدار رهبر انقلاب بروند.

در این دیدار ابتدا آقای دعایی شرح کامل ماجرا و نهایتا تهدید صدام را بیان می کند. رهبر انقلاب در پاسخ به او می گویند: محلش نگذارید.

سپس آقای مهندس بازرگان به استدلال می‌پردازد که باید توجه کرد که امروزه موقعیت ما به علت اعمال تندی که انجام شده (حمله به سفارت آمریکا) و مواضع تندی که اتخاذ گردیده است در بین ملل جهان چندان مطلوب نیست و اگر گرفتار جنگ شویم کسی از ما حمایت نخواهد کرد بلکه از طرف مقابل ما حمایت خواهند کرد. از این گذشته ارتش به علت اعدام بسیاری از فرماندهان عالی و درجات پایین‌تر و اهانت‌های بسیاری که به ارتش و ارتشیان از افراد و گروههای مختلف شده و می‌شود وضع بسیار نامناسبی دارد و به کلی فاقد روحیه لازم است. از این گذشته تسلیحات نظامی ما عمدتا آمریکایی است و با مشکلات میان دو کشور دیگر دسترسی به لوازم یدکی مشکل و شاید غیر ممکن باشد.

بر اینها باید اضافه کرد که جهان غرب و حتی کشورهای عربی محال است بگذارند ما پیروز شویم. بنابراین باید از وقوع جنگ جلوگیری کنیم... رهبر انقلاب در پاسخ می‌گویند: گفتم محلش نگذارید... مجددا آقای دکتر بهشتی شروع به استدلال می کند اما آیت الله خمینی تا سخن او پایان گیرد تحمل نمی کنند و از جایشان برمی‌خیزند و برای بار سوم تکرار می کنند که گفتم محلش نگذارید و به طرف در اندرونی حرکت می کنند. آقای دعایی که بسیار ناراحت شده بود، می گوید آقا من به بغداد نخواهم رفت... آقای خمینی که نزدیک در اندرونی رسیده بودند پس از تامل کوتاهی رویشان را به طرف دعایی برگردانده و می گویند وظیفه شرعی‌ات است که بروی... و بدون اینکه منتظر پاسخ شوند به قسمت اندرونی وارد می‌شوند. به شورای انقلاب برمی گردند و آقای دعایی بسیار ناراحت بوده در حالیکه گریه می کرده است می گوید: به خدا قسم او (صدام) حمله خواهد کرد. هیچ کس هم کاری نمی تواند بکند... و مدتی بعد عراق به ایران غافلگیرانه حمله می کند.

بعد از انتشار گسترده این متن در شبکه‌های اجتماعی و تلگرام، چون موضوع از اهمیت بالایی برخوردار بود، از آقای دعایی صحت و سقم ماجرا را پرسیدیم، ایشان ضمن تعجب از این مطلب و تکذیب شدید آن اشاره داشتند که جریان این دیدار به شکلی که در متن آمده، هم توسط من و هم توسط آقای دکتر یزدی تکذیب شده و اصل ماجرا را هم در کتاب خاطراتی که موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) تحت عنوان، "گوشه‌ای از خاطرات حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمود دعایی" چاپ کرده و هم در مصاحبه مفصلی که به مناسبت هفته جنگ اخیرا با روزنامه اعتماد داشته ام، به تفصیل توضیح داده‌ام... با توجه به اهمیت مسأله دو بخش مربوط به توضیح ماجرا را که به این شائبه پاسخ می‌دهد در ذیل آورده‌ایم که خواندنش برای همه خوانندگان ارجمند نیز قطعاًخالی از لطف نخواهد بود.
درضمن ایمیل و نامه‌های ارسالی به آقای سید محمود دعایی و پاسخ ایشان به موضوع را تقدیم می‌داریم.





[From: EhsanAlikhani [mailto:ehsan.alikhani.2014@gmail.com
Sent: Sunday, November 15, 2015 12:19 AM
To: ettelaat@ettelaat.com
Subject: یک‌سوال از آقاي‌دعايي...
24/8/1394

یک سؤال از آقای دعایی

یه مطلبی رو جایی دیدم می‌خواســـتم از آقای دعایی صحت این مطلب رو بپرسم:

«پنج ماه قبل ازحمله صدام»

۵ ماه قبل ازحمله صدام به ایران (۳۰ فروردین ۱۳۵۹ در اوج بحران گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا)

تیتر بزرگ عنوان اصلی روزنامه کیهان: امام ارتش عراق را به قیام دعوت کرد.

در یکی از ســـفرهایم به ایران حدود سال ۱۳۷۱ /۱۹۹۲، روزی در حضور مرحـــوم مهندس بازرگان صحبت به جنگ ایران و عراق کشـــید و اینکه آیا ممکن بود در آن شرایط از این جنگ پیش گیری کرد؟

ایشان خاطره زیر را در این زمینه نقل کردند:

روزی در ســـال ۱۳۵۹ از شورای انقلاب از من خواستند برای مشورت در مســـئله مهمی در جلسه شورا شرکت کنم. وقتی به جلسه رفتم دیدم آقای دعایی سفیر ایران در عراق نیز در جلسه حضور دارد. گفتند آقای دعایی گزارشی دارند. آقای دعایی بیان کرد که در ماههای اخیر هر چند وقت یکبار و گاهی هر هفته مـــرا به وزارت امور خارجه احضار و با ارائه مدارکی به دخالتها و کوشـــش ایران برای اخلال و آشفتگی در عراق اعتـــراض می‌نمایند و من توضیح می‌دهم که این‌ها کار دولت ایران نیست و گروههای خود ســـرند که دنبال قدرت‌نمایی هستند و نظایر این نوع استدلالها برای رفع اعتراض.

اما هفته گذشـــته صدام حســـین مرا احضار کرد و پس از بیان اعتراض شـــدید به دخالتها و اخلالها گفت این وضع برای من قابل تحمل نیســـت. شـــما بروید تهران و به آقای خمینی بگویید من اولین دولتی بودم که جمهوری اســـلامی را به رسمیت شـــناختم و اگر اجازه بدهند من (صدام) خودم شـــخصاً به ایران می‌آیم تا با مذاکره اختلافاتمان را حل کنیم اگر مایل نیســـتند با من مذاکره کنند من یک هیأت عالیرتبه به ایران می‌فرستم و یا دو لت ایران یک هیأت عالی برای مذاکره به عراق بفرســـتد تا اختلافات فیمابین حل شود زیرا ادامه این وضع برای من قابل تحمل نیست و من برای خاتمه دادن به این وضع به ایران حمله نظامی خواهم کرد. ســـپس آقای دعایی تأکید کرد که این آدمی است که حمله خواهد کرد.

شورای انقلاب تصمیم می‌گیرد که آقای دعایی به اتفاق آقای مهندس بازرگان و آقای دکتر بهشـــتی برای بیان ماجرا و تعیین تکلیف به دیدار رهبر انقلاب بروند.

در این دیـــدار ابتدا آقای دعایی شـــرح کامل ماجرا و نهایتاً تهدید صدام را بیان می‌کند رهبر انقلاب در پاســـخ به او می‌گویند محلش نگذارید.

ســـپس آقای مهندس بازرگان به استدلال می‌پردازد که بایـــد توجه کرد که امروزه موقعیت ما به علت اعمال تندی که انجام شده (حمله به سفارت آمریکا) و مواضع تندی که اتخاذ گردیده اســـت در بین ملل جهان چندان مطلوب نیستیم و اگر گرفتار جنگ شویم کســـی از ما حمایت نخواهد کرد بلکه از طرف مقابل ما حمایت خواهند کرد.

از این گذشـــته وضعیت ارتش به علت اعدام بسیاری از فرماندهان عالی و درجات پائین‌تر و اهانت‌های بسیاری که به ارتش و ارتشـــیان از افراد و گروههای مختلف شده و می‌شود وضع بسیار نامناسبی دارد و بکلی فاقد روحیه لازم است.

از این گذشته تسلیحات نظامی ما عمدتاً آمریکایی است و با مشکلات میان دو کشور دیگر دسترسی به لوازم یدکی مشکل و شاید غیرممکن باشد.

بر اینها باید اضافه کرد که جهان غرب و حتی کشور های عربی محال است بگذارند ما پیروز شویم. بنابراین باید از وقوع جنگ جلو گیری کنیم. رهبر انقلاب در پاســـخ می گویند گفتم محلش نگذارید. مجدداً آقای دکتر بهشـــتی شروع به استدلال می کند اما آیت‌الله خمینی تا سخن او پایان گیرد تحمل نمی کنند واز جایشـــان برمی‌خیزند و برای بار سوم تکرار می‌کنند که گفتم محلـــش نگذارید و بطرف در اندرونی حرکت می‌کنند. آقای دعایی که بسیار ناراحت شده بود می گوید آقا من به بغداد نخواهم رفت....

آقای خمینی که نزدیک در اندرونی رسیده بودند پس از تأمل کوتاهی رویشان را را بطرف دعایی برگردانده و می گویند وظیفه شرعی ات می‌باشد که بروی و بدون اینکه منتظر پاسخ شوند به قسمت اندرونی وارد می‌شوند.

به شـــورای انقلاب برمی گردند و آقای دعایی بســـیار ناراحت بوده درحالیکه گریه می‌کرده اســـت می گوید به خدا قسم او (صدام) حمله خواهد کرد. هیچ‌کس کاری نمی‌تواند بکند و مدتی بعد عراق به ایران غافلگیرانه حمله می‌کند.

«خاطرات دکتر ابراهیم یزدی ج ۳»

بسم‌الله الرحمن الرحیم

برادر ارجمندم، جناب احسان علیخانی

با ســـلام و با تشکر از پیگیری و درخواست پاسخ به متنی که جهت اسائه ادب به ساحت امام راحل رحمت‌الله علیه و تطهیر صدام جنایتکار این‌روزها در سیستم مجازی اشاعه می‌شود. توضیحاً به عرض می‌رسد چند سال قبل مشابه همین دغدغه را جناب آقای دکتر محمد جعفری از اروپا داشتند و طی تماسی با اینجانب از ماهیت امر جویا شدند. حقیر مطالبی را با ایشان در میان گذاشتم و خودِ ایشان از منبع اشاعه‌دهنده این اسائه ادب توضیح خواست و پاسخ مناسب و منطقی را برایشان ارسال کرد. که عین این ماجرا را جهت آگاهی شـــما و همه کسانی که حساسیت مشابه شما را دارند تقدیم می‌دارم. ضمناً مهر ماه گذشته به مناسبت سالروز جنگ تحمیلی روزنامه اعتماد مصاحبه مفصلی با اینجانب داشـــت پیرامون جنگ تحمیلی و انگیزه صدام از حمله به ایران که عین آن مصاحبه را هم تقدیم می‌دارم. امیدوارم با آشـــنایی که به سیستم مجازی به ویژه تلگرام دارید جهت آگاهی عموم علاقه‌مندان ارائه فرمائید.

با احترام ـ سیدمحمود دعایی

****

آیا اطلاع دولت موقت از احتمال حمله عراق به ایران، به دولت بعدی و یا شـــورای انقلاب منتقل شده ویا نشده است، واقعیت چیست؟

اخیراً مصاحبه‌ای از آقای عبدالعلی بازرگان درباره اطلاع دولت موقت از حمله عراق به ایران و چگونگی آن در سایت جرس آمده بود. مصاحبه با اطلاعاتی که من قبلاً درباره این موضوع داشتم همخوانی نداشت. بر آن شدم که تا حقیقت مطلب را دریابم که واقعیت مسئله چیست؟ تحقیقاتی که در رابطه با این موضوع انجام گرفته در دو بخش زمینه قبلی و اصلی، اطلاع دولت موقت از حمله عراق به ایران به آن پرداخته خواهد شد:

۱- زمینه قبلی چنین اطلاعی

در ۱۴ ســـپتامبر ۲۰۱۰ برابر ۲۳ شهریور ۱۳۸۹ میلی که همراه با خاطره ای از آقایی بنام حسین زاهدی بود، از یکی از دوستان و یا اعضای نهضت آزادی دریافت کردم که در آن آماده بود:

«پنج ماه قبل از حمله صدام به ایران (۳۰ فروردین ۱۳۵۹ دراوج بحران گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا) تیتربزرگ عنوان اصلی روزنامه کیهان (به مدیریت حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی و شمس الواعظین): «امام ارتش عراق را به قیام دعوت کرد.»

حســـین زاهدی: «در یکی از ســـفرهایم به ایران حدود سال ۱۳۷۱ /۱۹۹۲، روزی در حضور مرحوم مهندس بازرگان صحبت به جنگ ایران و عراق کشید واینکه آیا ممکن بود در آن شرایط از این جنگ پیش گیری می شـــد؟ ایشان خاطره زیر را در این زمینه نقل کردند: «روزی در سال ۱۳۵۹ از شورای انقلاب از من خواستند برای مشورت در مسئله مهمی در جلسه شورا شرکت کنم. وقتی به جلســـه رفتم دیدم آقای دعائی سفیر ایران در عراق نیز در جلسه حضور دارد. گفتند آقای دعایی گزارشی دارند. آقای دعایی بیان کرد که در ماههای اخیر هر چند وقت یکبار و گاهی هرهفته مرا به وزارت امور خارجه احضار و با ارائه مدارکی به دخالتها و کوشش ایران برای اخلال و آشفتگی در عراق اعتراض مینمایند و من توضیح میدهم که این‌ها کار دولت ایران نیست و گروههای خود سرند که دنبال قدرت نمایی هســـتند و نظایر این نوع استدلالها برای رفع اعتراض. اما هفته گذشته صدام حســـین مرا احضار کرد و پس از بیان اعتراض شدید به دخالتها و اخلالها، گفت این وضع برای من قابل تحمل نیســـت. شما بروید تهران و به آقای خمینی بگویید من اولین دولتی بودم که جمهوری اســـلامی را به رسمیت شـــناختم و اگر اجازه بدهند من (صدام) خودم شخصا به ایران میایم تا با مذاکره اختلافاتمان را حل کنیم اگر مایل نیســـتند با من مذاکره کنند، من یک هیئت عالیرتبه به ایران میفرستم و یا دولت ایران یک هیئت عالی برای مذاکره به عراق بفرستد تا اختلافات فیمابین حل شود زیرا ادامه این وضع برای من قابل تحمل نیســـت و من برای خاتمه دادن به این وضع به ایران حمله نظامی خواهم کرد. ســـپس آقای دعائی تاکید کرد که این آدمی است که حمله خواهد کرد. شورای انقـــلاب تصمیم میگیرد که آقای دعایی به اتفاق آقای مهندس بازرگان و آقای دکتر بهشـــتی برای بیان ماجرا و تعیین تکلیف به دیدار رهبر انقلاب بروند. در این دیدار ابتدا آقای دعایی شـــرح کامل ماجرا ونهایتا تهدید صدام را بیان میکند. رهبر انقلاب در پاسخ به او میگویند محلش نگذارید. سپس آقای مهندس بازرگان به استدلال می پردازد که باید توجه کرد که امروزه موقعیت ما به علت اعمال تندی که شـــده ومواضع تندتری که اتخاذ گردیده است، در بین ملل جهان چندان مطلوب نیست و اگر گرفتار جنگ شویم، کســـی از ما حمایت نخواهد کرد بلکه از طرف مقابل ما حمایت خواهند کرد. ازاین گذشـــته وضعیت ارتش به علت اعدام بسیاری از فرماندهان عالی و درجات پائین‌تر و اهانت‌های بســـیاری که به ارتش و ارتشیان از افراد وگروههای مختلف شده ومیشود، وضع بسیار نامناسبی دارد وبکلی فاقد روحیه لازم اســـت. از این گذشته تسلیحات نظامی ما عمدتا امریکایی است و با بروز مشکلات میان دو کشـــور دیگر دسترسی به لوازم یدکی مشکل و شاید غیر ممکن باشد. براینها باید اضافه کرد که جهان غرب و حتی کشورهای عربی، محال است بگذارند ما پیروز شـــویم. بنابراین باید از وقوع جنگ جلو گیری کنیم. رهبر انقلاب در پاسخ میگویند گفتم محلش نگذارید. مجددا آقای دکتر بهشتی شروع به استدلال میکند اما آیت الله خمینی تا سخن او پایان گیرد تحمل نمیکنند و از جایشـــان برمیخیزند و برای بار سوم تکرار میکنند که گفتم محلش نگذارید و بطرف در اندرونی حرکت میکنند. آقای دعایی که بســـیار ناراحت شده بود میگوید آقا من به بغداد نخواهم رفت. آقای خمینی که نزدیک در اندرونی رســـیده بودند، پس از تامل کوتاهی رویشان را بطرف دعایی برگردانده ومیگویند وظیفه شـــرعی ات می باشد که بروی وبدون اینکه منتظر پاسخ شـــوند، به قسمت اندرونی وارد می‌شوند. آقایان به شورای انقلاب برمیگردند وآقای دعایی بسیار ناراحت بوده در حالیکه گریه می‌کرده است میگوید به خدا قسم او (صدام) حمله خواهد کرد. هیچ کس کاری نمیتواند بکند و مدتی بعد عراق به ایران غافلگیرانه حمله می‌کند.»[1]

بعـــد از دریافت این ای-میل، نظر به اینکه تاریخ و ترکیب افراد عنوان شـــده در آن تاریخ با روزنامه کیهان هماهنگی نداشـــت، توضیح زیر را برای ارسال کنندهٔ ای-میل که در آن روز من او را به عنوان یکی از هواداران نهضت آزادی می شـــناختم ولی بعداً در مصاحبه ای که امسال از او دیدم خود را عضو نهضت آزادی معرفی کرده بود- فرستادم:

مطلبی را که از قول آقای زاهدی آورده اید، نمی تواند درست باشد زیرا آمده است که:

«پنج ماه قبل از حمله صدام به ایران (۳۰ فروردین ۱۳۵۹ دراوج بحران گروگانگیری کارمندان ســـفارت آمریکا) تیتربزرگ عنوان اصلی روزنامه کیهان (به مدیریت حجت الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی و شمس الواعظین): امام ارتش عراق را به قیام دعوت کرد.»

و آقای زاهدی توجه نداشـــته است که در آن تاریخ آقای خاتمی سرپرست کیهان نبود و آقای دکتر یزدی سرپرست کیهان بود. *توضیح اینکه:

آقای خمینی در تاریخ ۱۳۵۹/۲/۸ آقای دکتر یزدی را طی حکمی به سرپرستی کیهان منصوب کرد. پس در تاریخ یاد شده آقای دکتر ابراهیم یزدی سرپرست کیهان بوده است و نه خاتمی.

---

* یادآوری می‌شـــود درتاریخ ۳۰فروردین ۵۹نه سید محمد خاتمی و نه دکتر ابراهیم یزدی هیچکدام هنوز رســـماً از سوی امام خمینی به سرپرستی مؤسسه کیهان منصوب نشده‌بودند. تحریریه کیهان در این تاریخ به وسیله شورای ســـردبیری که غالباً تغییر و تحول هم داشت اداره می‌شد و البته شهریار روحانی(داماد دکتر یزدی) نیز در این شورا ایفای مسئولیت می‌کرد.

مجدداً آقای خمینی در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۲۸ آقای سید محمد خاتمی را به جای آقای دکتر یزدی به سرپرستی کیهان منصوب نمود.
پس آقای خاتمی از تاریخ ۱۳۵۹/۸/۲۸ در کیهان مشغول بکار شده است و نه قبل از آن.»
بعد از ارسال این توضیح، باز آن فرد مطلب زیر را برایم فرستاد:
«با سلام و تشکر از بابت یادآوری شما،
همانطور که اطلاع داری صحبت بر واقعیت موضوع است نه جزئیات مطلب. آقای دکتر یزدی خودش شاهد این ماجرا بوده.
با سلام و تشکر».

باز من به ایشان پاسخ دادم:
«با سلام
اگر آقای دکتر یزدی خود شاهد ماجرا بوده است، پس چرا پای آقای خاتمی و شمس الواعظین که در آن موقع در کیهان سمتی نداشتند می گذارید؟. مزید اطلاع در دوران سرپرستی آقای دکتر یزدی، آقای شهریار روحانی نقش سر دبیری کیهان را داشت».

بعد از این پاسخ من، ایشان مطلب زیر را برایم ارسال کرد.
«مجددا سلام.
هیچ کسی پای شخصی بمیان نیاورد بخصوص که افراد مورد نظر شما باشد وانگهی آقای سید محمود دعائی باید تأیید یا تکذیب نماید و شما چرا داری تلاش میکنی اصل حقیقت را انکار کنی؟ و اما جهت اطلاع شما، من همین امروز از دکتر خواستم جزئیات مطلب را برایم بفرستد. در صورت دریافت مطلب، حتما در جریان قرار خواهی گرفت».
بعد از مطلب فوق همچنانکه به من وعده داده بود « که همین امروز از دکتر خواستم [یعنی دکتر یزدی.ن.]جزییات مطلب برایم را بفرستد در صورت دریافت مطلب حتما در جریان قرار خواهی گرفت » دیگر چیزی از ایشان دریافت نکردم. و نظر به اینکه من مطلب را آشفته و درهم برهم دیدم، دیگر آن را پیگیری نکردم و به مانند میلهائی که هر روز در فضای مجازی می رسند، به آن نگاه کردم و آن را به کناری نهادم.

۲- اصل موضوع اطلاع دولت موقت از حمله عراق به ایران:
مسئله فوق گذشت تا اینکه ماه گذشته مقاله « مارک گازیوروسکی» در ایران و خارج از کشور انتشار پیدا کرد و در پی آن آقای عبدالعلی بازرگان در پاسخ به آن مقاله در باره اطلاع دولت موقت از حمله عراق به ایران و چگونگی آن در سایت جرس مصاحبه ای انجام داده بود. نظر به اینکه در مصاحبه از آقایان سید محمود دعائی، دکتر بهشتی، مهندس بازرگان سخن به میان آمده بود و باز چون دکتر بهشتی و مهندس بازگان در قید حیات نبودند، بر آن شدم تا کم و کیف مسئله را که از زبان آقای دعائی نقل شده بود، جویا شوم. در این رابطه نامه زیر را همراه با بخشی از مطلب که از زبان ایشان نقل شده بود را برایشان ارسال نمودم:

جناب آقای دعائی با سلام و تحیت،
سایت جرس در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ مصاحبه ای از آقای عبدالعلی بازرگان منتشر کرده است که بخشی از آن مربوط به شما و اطلاع دادن از حمله عراق به ایران به آقای خمینی است. آیا مطلبی که از قول شما بیان شده است صحت دارد؟ و اگر آری کم و کیف آن چه بوده است؟
با تشکر و سپاس محمد جعفری

«خبر حمله قریب الوقوع عراق به ایران چیزی نبود که فقط تاریخ نگار آمریکائی به اطلاع مسئولان رسانده باشد، این خبر را آقای محمود دعائی اولین سفیر جمهوری اسلامی در عراق، پیش از آن داده بود: ابتدا آنرا با رئیس دولت موقت و وزیر خارجه وقت مطرح کرد، به پیشنهاد دولت، این گزارش به شورای انقلاب نیز داده شد و به درخواست آنها در جلسه عمومی مشترکی با رهبر انقلاب این هشدار مورد بحث واقع گردید. آقای دعائی که از شدت ناراحتی و نگرانی به گریه افتاده بود، گفت دو بار صدام مرا احضار کرده و با ذکر اینکه ما اولین کشوری بودیم که انقلاب شما را به رسمیت شناخته و از آن استقبال کرده ایم، چرا اینقدر در رادیوهای انقلابی شما برای خارج کشوردر جهت براندازی نظام ما و صدور انقلابتان تبلیغ می کنید و ساخت کوکتل مولوتف و وسائل تخریبی تبلیغ می گردد؟ اگر بخواهید این تعرضات را تکرار کنید، ما ساکت نمی نشینیم و جواب شما را با نیروی نظامی خواهیم داد.
رهبر انقلاب که سالها در عراق بوده و ظاهرا شناختی از شخصیت او داشتند، با شنیدن گزارش آقای دعائی با خونسردی گفتند: اعتنائی به حرفهایش نکنید، من با تهدیدات او آشنایم، برخی دیگرسخنان آقای دعائی را پی گرفتند ولی بازهم تکرار کردند: گفتم که به حرفهای او اعتنا نکنید. آقای دعائی گفت: من نمی توانم به عراق برگردم و چون پاسخی برای حرف‌های او ندارم، مجبورم استعفا دهم. گفتند: تکلیف شرعی داری به سرکار خود برگردی!...»
بعد از ارسال مطلب بیان شده، از قول آقای دعائی و نامه همراه برای ایشان، آقای دعائی جوابیه زیر را برایم ارسال کردند:

جوابیه

« بنام خدا
جناب آقای محمد جعفری
با سلام و با تشکر از انعکاس مطلب منتشرشده در سایت جرس به اینجانب و با عرض تبریک اعیاد خجسته میلاد پرافتخار پیامبر گرامی اسلام و امام جعفر صادق علیهم‌السلام.
محترماً به عرض می‌رساند مطلب ادعایی در مصاحبه جناب آقای بازرگان بنحوی که نقل شده صحت ندارد و منبع آگاهی ایشان کذب محض است. حقیر مسائل مربوط به آغاز جنگ تحمیلی را در کتاب گوشه‌ای از خاطراتم ذکر کرده‌ام. امیدوارم مورد توجه جنابعالی و جناب بازرگان قرار گیرد.

با سپاس مجدد کوچکترین برادرتان
سیدمحمود دعائی»

نظر به اینکه آقای دعائی اطلاع بیشتری از مسائل مربوط به آغاز جنگ تحمیلی را به کتاب «گوشه‌ای از خاطرات» خود ارجاع داده بودند، پس از تهیه کتاب مشاهده شد که ایشان ص ۱۷۷- ۱۷۴ کتاب را به این موضوع اختصاص داده اند. عنوان کتاب عبارت است از: «گوشه ای از خاطرات حجت الاسلام و المسلمین سید محمود دعائی»، به اهتمام: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول ۱۳۸۷.
مطلب آقای دعائی از شروع جنگ عراق با ایران که به صورت سئوال و جواب است، چنین آغاز می شود:
« شما مقارن جنگ تحمیلی سفیر ایران در عراق بودید؟
نه، من مقارن جنگ در عراق نبودم. قبل از سال ۵۹ برگشتم. اگر دقت کرده باشید من به دلیل موضعی که وزارت امور خارجه ایران گرفت قبل از عید نوروز در سال ۱۳۵۸ به ایران فراخوانده شدم. سفیر عراق هم از ایران اخراج شد. جنگ در شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد. یعنی من ۶ ماه قبل از جنگ به ایران برگشته بودم و قبل از جنگ هم از طرف حضرت امام، مسئول روزنامه اطلاعات شدم[۲].
آیا شما در زمینه اختلاف ما با عراقی‌ها اطلاعاتی داشتید و آن را در اختیار امام گذاشتید؟
در رابطه با پیش بینی جنگ و کلاً در رابطه با عراق من چند ملاقات با حضرت امام داشتم و به ایشان عرض کردم که عراقی‌ها اهداف و برنامه‌هایی دارند و در شرایط کنونی، تاکتیک اصرار بر مذاکره و نشست را تعقیب می کنند. من در یک ملاقات دو ساعته در قم با ایشان وضعیت مبارزین عراقی را گفتم و از اهمیت مبارزاتشان صحبت کردم. همچنین در باره شیوه‌هایی که می تواند کاربرد بهتری داشته باشد سخن گفتم و بیان کردم که عراقی‌ها اصرار دارند یک شخصیت رسمی خارج از دولت موقت و مرتبط با شخص حضرت عالی با آنها مذاکره کند. شخصی که قرار بود با ما مستقیماً مذاکره کند خود صدام بود.
امام فرمودند: من باید فکر کنم و بعد بگویم. روز بعد که به خدمت ایشان رسیدم امام فرمودند: من تصور می کنم که عراقی‌ها حُسن نیت ندارند و قصد فریب ما را دارند و من مصلحت نمی دانم در این شرایط شخصی را از طرف خودم بفرستم. این مسئله باشد تا انتخابات انجام شود و کشور نظم خود را بیابد. یعنی رئیس جمهور، مجلس و دولت منتخب مجلس داشته باشیم.
در مناسبتی که در یکی از جلسات شورای انقلاب شرکت کردم تأکید کردم که اگر بنا بر حفظ روابط در سطح عالی است در برخوردها و شیوه‌های ارتباطی تجدید نظر کنید.
در آن روزگار هر یک از روزنامه‌ها، رسانه‌ها و بخشهای مختلف رادیو و تلویزیون، سازی جداگانه می زدند. مثلا رادیو اهواز توسط مخالفین رژیم عراق اداره می شد و آنچه احزاب و سازمانهای مبارز عراقی می خواستند، پخش می شد. بدیهی است که این سخنان در ارتباط ما و عراق و تلقی آنها از انقلاب اسلامی تأثیر می گذاشت.
امام معتقد بودند، مذاکره فایده ای ندارد. زیرا عراق قصد فریب ما را دارد و نمی خواهد با ما و انقلاب اسلامی ما کنار بیاید. عراق از بهترین فرصت ممکن یعنی از زمانی که ما درگیر مسائل داخلی و بحرانهای بعد از انقلاب بودیم، استفاده کرد و سعی نمود تا در درون کشور اختلاف و دودستگی ایجاد کند. بنابراین با استفاده از گروهکهای سیاسی تحت نفوذ خود بعضی از استانهای مرزی ما را به جدائی طلبی و استقلال تحریک کرد تا از طریق ایجاد درگیریهای داخلی و قومی یعنی داشتن داعیه استقلال در استانهای مرزی، ما را وادار به سازش و تسلیم نماید و به نوعی به خواسته‌های خود برسد.... باید توجه داشت که صدام در حقیقت مقدمات جنگ علیه ایران را از آبان ۵۷(سه ماه قبل از پیروزی انقلاب) آغاز کرد و اولین قرارگاه اطلاعاتی و عملیاتی جنگ را از همان موقع در بصره تأسیس کرد و برادرش برزان تکریتی را مسئول قرارگاه کرد. یعنی با اعلام انحلال ساواک و مراکز قدرت امنیتی و سیاسی رژیم شاه و با فروپاشی نظم سابق و از هم گسستن بدنه ارتش که در واقع پس از فرار از پادگانهای ایران آغاز شده بود، صدام به فکر انتقام از ایرانی‌ها افتاد و در صدد برآمد تا حقارتی را که در درون از زمان امضای قرارداد الجزایر به دست خودش به دلیل تسلیم در برابر شاه احساس می کرد، جبران کند...» [۳]
این هم تکذیب نامه و نظر آقای دعائی که در مورد مسائل مربوط به آغاز جنگ تحمیلی که در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است.

آقای امیر انتظام و اطلاع از حمله احتمالی:
آقای امیرانتظام هم در خاطرات خود به صراحت گفته است که آمریکائی‌ها از احتمال حمله عراق ایران به من و آقایان مهندس بازرگان و دکتر یزدی اطلاع داده اند:
آقای امیر انتظام می نویسد: «نخست وزیر قبل از اینکه تهران را ترک کنم مرا بعنوان نمایندهٔ ویژه خود انتخاب کرد و دستور داد که در استکهلم مسائل مورد نظر ایران و شوروی را با سفیر شوروی و مسائل مربوط به ایران و آمریکا را با سفیر آمریکا یا نمایندگان دولت های شوروی و آمریکا مورد بحث قرار دهم.»[۴]
وی ادامه می دهد:... جان استمپل مسئول سیاسی سفارت آمریکا در تهران از واشنگتن تلفن کرد و گفت می خواهد به سوئد بیاید و در باره مسائل مورد علاقه دو کشور مذاکره کند. مراتب را تلفنی به اطلاع نخست وزیر رساندم و ایشان موافقت نمود. به استمپل خبر دادم که آماده مذاکره با ایشان هستم. در شهریور ۱۳۵۸ جان استمپل همراه با جرج کیو، کارمند اسبق سفارت امریکا در تهران در سال ۱۳۳۲، به استکهلم آمدند. موضوع مورد بحث آنها وضعیت ارتش‌های کشورهای همسایهٔ ایران بود. در بین این کشورها بیشتر در مورد وضعست ارتش عراق تکیه شده بود. آنها با تهیه اسلاید از جابجایی ارتش عراق به مرز ایران و عراق ما را با خبر ساختند و استدلال می کردند که ارتش عراق با این جابجایی خیال حمله به ایران را دارد. عراق در آخر شهریور چند دهکدهٔ نزدیک ایران در کردستان را بمباران کرد و ایران نسبت به این تجاوز عراق اعتراض کرد. در این حمله ۶ نفر از هموطنان کُرد ما کشته شدند، در انتهای جلسه آنها پیشنهاد کردند که به ایران بروند و این مطالب را به اطلاع آقای بازرگان نخست وزیر برسانند. آنهابه ایران پرواز کردند و من هم جداگانه به ایران آمدم و مراتب را به اطلاع نخست وزیر رساندم. جان استمپل و جرج کیو به دیدن نخست وزیر رفتند و با پروژکتوری که به همراه آورده بودند اسلایدهای جابجایی ارتش عراق را به آقای بازرگان و وزیر خارجه نشان دادند و چند روز بعد به امریکا مراجعت کردند. و نیز «در مهر ماه ۱۳۵۸مجدداً جان استمپل به من در سوئد تلفن کرد و گفت که برای طرح مسئله مهم دیگری می خواهد باتفاق همکاران خود به استکهلم بیاید. برای کسب دستور به نخست وزیر تلفن کردم و آقای بازرگان با آمدن آنها موافقت کرد و موضوع را به آنها اطلاع دادم که می توانند به استکهلم بیایند. این بار آنها سه نفر بودند. جان استمپل و جرج کیو و یکی دیگر از همکاران آنها که نام او را فراموش کرده ام. موضوع مورد بحث آنها این بود که اتحاد جماهیر شوروی که از صادرکنندگان عمده نفت بود به زودی به دلیل احتیاج به سوخت، وارد کننده نفت خواهد شد و دراین باره گزارش مفصل مدونی را تهیه کرده بودند. در این مسافرت دو موضوع دیگر نیز مورد بحث و مذاکره قرار گرفت:
اول – آنها اطلاع دادند که اتحاد جماهیر شوروی از طریق پرواز هوایی برای جدایی طلبان کردستان اسلحه ارسال می کند و تعداد پروازها و مقدار جنگ افزاری را که از یک ماه گذشته یعنی شهریور ۱۳۵۸ برای کردها ارسال شده بود، شرح دادند. دوم– در آخر جلسه در زمانی که جرج کیو خداحافظی می کرد گفت:

وقتی که مرحوم حاج احمد آقا آمد و این پیشـــنهاد امام را به من داد من به ایشـــان گفتم که مصلحت نمی‌دانم که ســـفیر شوم چرا که به هر حال من ســـابقه کار دیپلماتیک ندارم و یکسری آموزش‌هایی لازم دارد و من که طلبه‌ای بودم که هر چند در فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی بودم اما کار دیپلماتیک نکرده بودم و سابقه این کار را نداشتم و روحانی هم هستم. اگر از ناحیه ما به دلیل ناآشنایی با سیستم و اصول دیپلماتیک خطایی سربزند دامن روحانیت را می‌گیرد و من ترجیح می‌دهم که سفیر نشوم.

«راســـتی شما همان کسی هســـتی که نامهٔ اعتراضیهٔ نهضت مقاومت ملی را در سال ۱۳۳۲ به نیکســـون دادی»؟ گفتم بله، من بودم. جرج کیو گفت: «آیـــا هنوز به مصدق و راه او وفا داری و از سیاست او پیروی می کنی»؟ گفتم بله. صد در صد همین طور است.

دراین جلسه قرار شد آنها به امریکا برگردند و ده روز بعد در تهران باشند و من هم در تاریخ مقرر در تهران بودم و به اتفاق آنها به دیدن نخست وزیر رفتیم. آنها همان مطالب سوئد را به اطلاع نخست وزیر رســـاندند. و بعد هم به دیدن دکتر ابراهیم یزدی وزیر خارجه رفتیم و آنها پس از تکرار مطالب مورد مذاکره با نخست وزیر، گزارش چاپ شدهٔ خودشان را در مورد نفت به وزیر خارجه دادند.» (۵)

آقای امیر انتظام می گوید، آمریکایی‌ها با من در این دو دیدار و مذاکره چند مطلب را مورد بحث و مذاکره قرار دادند که از جمله:

۱- ارتش عراق خیال حمله به ایران را دارد و با اســـلاید جابجایی ارتش عراق را در مرزهای ایران نشان دادند.

۲- شرح ارسال اسلحه و جنگ افزار نظامی شـــوروی‌ها برای تجزیه طلبان کردستان. و این سئوال که آیا شما (یعنی آقای امیر انتظام. نادر) به مصدق و راه وی وفاداری و از سیاست وی پیروی می کنی؟ که آقای امیر انتظام می گوید بله. صد در صد همینطور است. (۶)

و اما، بعد از انتشـــار مقاله "مارک گازیوروسکی" برای اطلاع از صحت و سقم مسئله، با ایشان تماس گرفته شد و از ایشان سئوال شد که:

شما از کجا دانستید چنین اطلاع مهمی به دولت بعدی منتقل نشده است؟ آقای گازیوروسکی پاسخ می دهد: اولا این اطلاع برای اولین بار در دادگاه امیر انتظام توسط بازرگان فاش شد و این بعد از حملـــه عراق به ایران بود و ثانیاً دکتر یزدی به من گفت که این اطلاع به وزیر خارجه بعدی منتقل نشده است. بنی صدر که وزیر خارجه بعد از یزدی بود، به من گفت که نه یزدی و نه کس دیگری این اطلاع آمریکائی‌ها را به من منتقل نکرده است و یزدی هم تأیید کرد که اطلاع منتقل نشده است.

بیش از همه من به این علت از یزدی نپرسیدم که چرا او این اطلاع را به احدی نگفته است زیرا نمی خواستم که چنین سئوال ســـخت و آزار دهنده ای را در برابر او مطرح کنم (این تعارف بدی بود). اما چنین به نظر می رسید و برایم روشن بود که خطر بزرگی یزدی را تهدید می کرد [اگردر آن موقـــع] چنین می کرد. من فکر می کنم که بازرگان قادر بود که در دادگاه انتظام در مورد آن صحبت بکند زیرا او مطمئن بود که دســـتگیر نخواهد شد زیرا او مستقیم جرج کیو[شخص آمریکائی که با امیر انتظام تماس گرفته و اطلاع را به او منتقل کرده اســـت.ن.] را ملاقات نکرده و بعداً این اطلاع به او منتقل شده بود. اما این برای یزدی ریسک بالائی داشت. (۷)

نتیجه:

اســـناد ارائه شده و نیز مصاحبه آقای عبدالعلی بازرگان مسلم می کند که آمریکائیها به آقایان: امیر انتظام، مهندس بازرگان و دکتر یزدی از حمله احتمالی عراق به ایران خبر داده بودند. گفته‌های آقای امیرانتظام هم روشـــن است که این اطلاع به مهندس بازرگان و دکتر یزدی منتقل شده است.

الّا اینکه آقای عبدالعلی بازرگان مدعی است که این اطلاع از طریق دکتر بهشتی و دعائی به شورای انقلاب و آقای خمینی منتقل شده است. از سه نفر نامبرده شده، دو نفر که در قید حیات نیستند. نفر سوم که آقای دعائی است، ایشان به شدت مطلب را تکذیب کرده است و اطلاع خود را از این مسئله در سال ۱۳۸۷ یعنی ۴ سال قبل از مقاله « مارک گازیوروسکی» منتشر کرده است و همچنانکه در بالا آمد او چنین اطلاعی را به آقای خمینی و شورای انقلاب نداده است.

حال تحقیق مســـتدل و روشنی که انجام گرفته از نظر خوانندگان محترم گذشت. قضاوت از کم و کیف این مسئله هم برعهده شما است.

محمد جعفری ۲۱ بهمن ۱۳۹۱
mbarzavand@yahoo.com

یادداشت:

1- http://www.namir.info/home/pdf/af8/aghaz-jang.htm

۲- آقای دعائی در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ به سرپرستی مؤسسه اطلاعات منصوب شد.

۳- گوشه ای از خاطرات حجت الاسلام و المسلمین سید محمود دعائی، به اهتمام: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول ۱۳۸۷، ص ۱۷۷-۱۷۴.

۴- گروگان گیری و جانشـــینان انقلاب از محمد جعفری، ص ۱۸۱؛ به نقل از: آنســـوی اتهام خاطرات عباس امیر انتظام ۱، نشرنی، چاپ ششم ۱۳۸۳، ص ۴۰.

۵- گروگان گیری و جانشینان انقلاب از محمد جعفری، ص ۱۸۱؛ به نقل از: آنسوی اتهام خاطرات عباس امیر انتظام ۱، نشرنی، چاپ ششم ۱۳۸۳، ص ۴۶-۴۵.

۶- گروگان گیری و جانشـــینان انقلاب از محمد جعفری، ص ۱۸۱؛ به نقل از: آنســـوی اتهام خاطرات عباس امیر انتظام ۱، نشرنی، چاپ ششم ۱۳۸۳، ص ۴۶- ۴۵

۷-

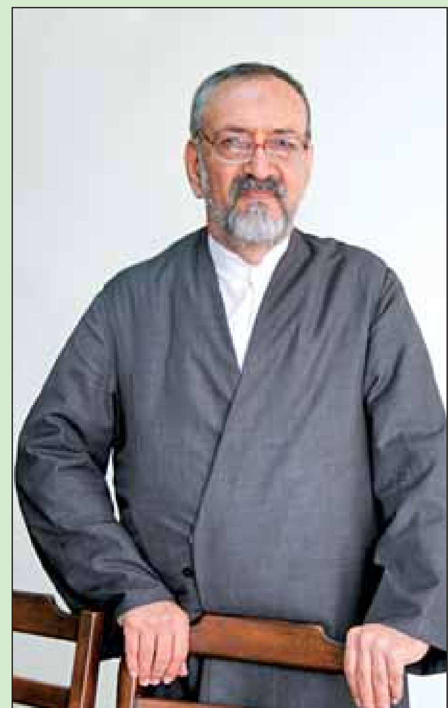
Yazdi told me that the information was not passed on. He said that his successors never asked. I doubt they would have believed him anyway. By the time .of Entezam's trial it was too late, of course, since Iraq had already invaded Bani-Sadr (who succeeded Yazdi as foreign minister) told me neither Yazdi nor anyone else told him about the US warning, and Yazdi told me he did not tell his successors about the warning snd that they never asked about anything like that. I didn't ask Yazdi why he did not tell anyone, mainly because I didn't want to raise a very awkward question (it would have been bad taaroof). But it seems quite clear to me that there would have been grave danger for him in doing so -- what happened to Entezan could have happened to him. I think Bazargan was able to talk about it at Entezam's trial because he was fairly confident that he would not be arrested for saying so, and also because he did not directly meet with Cave; he was told about ..the warning afterward. This would have been much more risky for Yazdi



روزنامه اعتماد ـ ۱۳۹۴/۷/۶

سید محمود دعایی از سفارت در عراق و جنگ می گوید

پیغام صدام برای مذاکره را در جلسه خصوصی به امام گفتم



مهشید ستوده | «خدا به ســـلامت دارد امام موسی صدر را»؛ این عبارتی است که در برخی نقل‌قول‌هایش از آن استفاده می کند؛ مردی که در طبقه سوم موسسه اطلاعات در یک دفتر کوچک نشســـته است هنوز هم امید به زنده بودن مردی دارد که دیگر خیلی‌ها بـــه آن امیدی ندارند. تواضع نخستین صفتی است که با دیدنش توجهت را جلب می کند. عمامه را از سر برداشـــته و با عبا مشغول خواندن صفحه‌ای است؛ کاری که در آن ســـاعت روز خیلی از مدیران مسئول باید کنند. ســـید محمود دعایی اما ۳۵ سال است که هر روز همین کار را می کند. شـــمرده حرف می‌زند و دقیق. همه چیز را از ۴۰ ســـال پیش به این طـــرف با تاریخ دقیق به‌یاد دارد. سید محمود دعایی همان مردی که می گوید خود عهد کرده همواره یک طلبه باشـــد در کنار نمایندگی مجلس و حضور در روزنامه اطلاعات، یک سمت مهم دیگر هم داشته اســـت، سفیر ایران در عراق که شاید زودتر از هر فرد دیگری احتمال وقوع جنگ را می‌داده است. معتمد امام که به دلیل همین اعتماد شـــد یک طلبه ســـفیر. همان طلبه سفیری که در گزارش‌های وقت ســـاواک و مذاکرات امنیتی رژیم پهلوی و عراق به عنوان تنها گزینه نزدیک و تاثیر گذار بر امام شناخته می‌شده است. سیدمحمود دعایی را علاوه بر تواضع به صراحتش هم می‌شناسند آرامش نه‌تنها در چهره‌اش که در تحریریه تحت مدیریتش هم دیده می شود. سیدمحمود دعایی اما این‌بار در گفت‌وگو با «اعتماد» از شـــرایط جنگ ۳۵ ســـال پیش و روزهای حضورش در ســـفارت ایران در عراق می‌گوید. متن گفت‌وگوی «اعتماد» با حجت‌الاسلام والمسلمین محمود دعایی را در ادامه می‌خوانید.

اگر اجازه بدهید از آغاز جنگ شروع کنیم. می‌خواهم نگاه شخصی شما به دلیل وقوع جنگ میان ایران و عراق را بدانم.

رژیم حاکم بر عراق که عمدتا بعثی‌ها بودند با رژیم شـــاه اختلافات دیرینه داشـــتند. سر ســـیادت در منطقه خودشان را رقیب شاه می‌دانستند. از ســـوی دیگر کشورهای پیرامونی ما یا همان کشـــورهای حوزه خلیج فارس مثل امارات، کویت و حتی عربســـتان از جمله کشورهایی بودند که با رژیم شاه نوعی همراهی داشتند و مورد حمایت رژیم شاه بودند چون کشورهای ضعیفی بودند و برای مصون ماندن از تعرضاتی که امثال عراقی‌ها می‌توانستند داشته باشند و در یک مقطعی از سوی مصر احساس خطر می‌کردند و از قدرت و نفوذ رژیم شـــاه بهره می‌بردند. به بیانی دیگر پشـــتوانه آنها رژیم حاکم بر ایران بود. بعثی‌ها زمانی که در عراق بر سر کار آمدند برای ســـیطره بر این منطقه، نفوذ بر کشـــورهای عربی و بهره‌گیری از امکانات آنها و داعیه‌ای که داشتند و معتقد بودند که کشورهای عربی باید متحد و هماهنگ باشند به این دلیل با رژیم شـــاه در تعارض بودند. دسیسه‌هایی هم در کشورهای منطقه یا مناطق مرزی داشتند و مزاحمت‌هایی را ایجاد می‌کردند. به دلیل همان شعار ناسیونالیستی که داشتند، تلاش می‌کردند که از هموطنان عرب‌زبان ما در منطقه خوزستان حمایت کرده و در تحریک آنها بـــرای مقاومت در برابر رژیم مرکزی بهره ببرند.

رژیم شاه برای اینکه پاســـخگویی به این تعرضات داشته باشـــد، آمد و از نقطه ضعف عراقی‌ها اســـتفاده کرد که آن هم مساله کردســـتان عراق بود که در همین راستا کردهای عراق را مورد حمایت خودش قرار داد و در مبارزه‌ای که آنها با حکومت

مرکزی عراق داشتند حامی آنها شد و به عنوان یک پشتیبان و محرک در کنار آنها قرار گرفت و رژیم عراق را تهدید کرد. به دلیل همین حمایت‌هایی که از طرف ایران می‌شد کردها به عنوان یک خطر جدی در عراق مطرح شدند و مقاومت مسلحانه کردند و داعیه استقلال داشتند یا در اقل حکومت خودمختار منطقه‌ای را درخواست داشتند که رژیم عراق حاضر به تسلیم نشد. سال‌ها ارتش‌های نیرومندی از عراق در مقابله با کردهای شمال درگیر بودند و طبیعتا این مساله برای رژیم عراق یک تهدید جدی به حساب می‌آمد و مشکلاتی را از لحاظ انسانی و اقتصادی به آنان تحمیل می‌کرد. این احتمال هم وجود داشت که در یک مقطعی به دلیل حمایت‌های جدی که رژیم شاه انجام می‌داد کردها به پیروزی برسند و حکومت مرکزی حاکم بر عراق تضعیف و ناتوان شود.

ابتدا فعالیت‌های تبلیغاتی را شروع کرده و سعی کردند تا از عناصر مخالف رژیم شاه حمایت کنند یا آنکه امکاناتی را در اختیار آنها بگذارند و حتی اگر فعالیت مسلحانه‌ای شروع می‌شد، حمایت کنند منتها گروه‌های مخالفی که در ایران بودند در آن حد از توان و پیشرفت فعالیت‌های مسلحانه نبودند که مشابه کردهای عراق تهدید تلقی شوند. سرانجام با وساطت الجزایر بنا شد که مذاکرات تعیین‌کننده‌ای بین رژیم شاه و رژیم حاکم بر عراق برگزار بشود. در آن مذاکرات عراقی‌ها در مقابل رژیم شاه ناگزیر از تسلیم شدند. آنها ادعاهایی در مورد شط‌العرب و برخی مسائل منطقه داشتند اما در آن مذاکرات عقب‌نشینی کردند. پذیرفتند که شط‌العرب مساوی میان ایران و عراق تسلیم شود و داعیه‌های‌شان را فراموش کردند و صدام حسین در آن مذاکرات ناگزیر از امضای قراردادی شد که به او تحمیل شده بود منتها در شرایطی این قرارداد را امضا کردند که برای آنها شرایط طلایی قلمداد می‌شد. یعنی آنها پذیرفته بودند که رژیم شاه دیگر از مخالفان‌شان دیگر هیچ گونه حمایتی نکند و خودشان هم پذیرفته بودند که به مخالفان ایرانی که مورد حمایت‌شان بود هیچ گونه کمکی نکنند و آنها را محدود کنند. در حقیقت این توافق یکی از شعارهای اولیه حزب بعثی که حاکم بر عراق بود را محقق می‌کرد چراکه زمانی که بعثی‌ها در عراق کودتا کردند و حکومت را در دست گرفتند یک شعار دادند که آن هم این بود که ما آمدیم تا بمانیم. چون عراق قبل از کودتای آنها به کودتاخیز بودن معروف بود. هر سالی یک مرتبه یا حتی چند مرتبه در سال کودتاهایی به این شکل انجام می‌شد و حتی آنقدر معروف بود که توفیق کاریکاتوری کشیده و عربی را آفتابه به دست در حال رفتن به دستشویی نشان می‌داد که به همسرش می‌گوید که اگر تا برمی‌گردد کودتایی رخ می‌دهد به او خبر دهد. یعنی آنقدر احتمال کودتا بالا بود. لذا زمانی که اینها بر سر کار آمدند شعارشان ماندن به هر قیمتی بود. حالا این ماندن می‌تواند با کشتن مردم باشد یا ایجاد خفقان و یا سازش. صدام حسین برای تحقق این شعار و برای پاسخگویی به تهدیداتی که درون کشورش بود ناگزیر از تسلیم در مقابل رژیم شاه با وساطت الجزایری‌ها شده و ناگزیر توافقی را امضا کرد که بسیاری از ادعاها را فراموش کردند.

در سایه این توافق اما آنها مشکلات داخلی‌شان را حل کرده و کردها را سرکوب و حتی کوچ دادند و به هر حال مسائل را حل کرده و به یک تفاهم و تبادل همکاری‌های خیلی تعیین‌کننده‌ای با رژیم شاه رسیدند. اینها پذیرفته بودند روابط دو کشور قبل از اینکه روابط دیپلماتیک باشد روابط امنیتی باشد. یعنی در کنار سفیر و نماینده دیپلماتیک کشور که در کشور مقصد مقیم می‌شود بالای سر او یک نماینده تام‌الاختیار امنیتی قرار می‌گرفت. مثلا در آن زمان یک فردی که اختیارات تام داشته و فقط ارتباط امنیتی با تشکیلات امنیتی کشور خود و کشور مقیم داشت، تعیین می‌شد و عراق هم متقابلا چنین نیرویی داشت. این افراد با ابزارهای خیلی قوی مثل گیرنده‌های توانمند مسائل امنیتی کشور مقیم را شنود و گزارش می‌کردند و نیازهای امنیتی را مبادله می‌کردند.

▼ این روند یعنی چقدر ادامه داشت؟ تا انقلاب؟

بله، از شروع توافق ایران و عراق در الجزایر این قرار گذاشته شد و در سفارت یک واحد به عنوان واحد امنیتی شکل گرفت که مستقل و فوق‌العاده نیرومند بود. مثلا اگر سفیر ما در عراق بنا به ضرورت قصد دیدار با وزیر خارجه را داشت باید یادداشت نوشته و از قبل درخواست وقت کند و بعد به آنها وقت داده می‌شد اما مسئول امنیتی این گونه نبود و زنگ می‌زد و می‌گفت من آمدم. مستقیما پیامش را می‌رساند.

▼ پس اختیارات گسترده‌ای داشت این مامور امنیتی؟

بله، از قدرت بالایی برخوردار بود اما این موضوع نشان می‌داد که دو رژیم قبل از آنکه روابط دیپلماتیک داشته باشد روابط امنیتی با یکدیگر داشته‌اند و به شدت یکدیگر را کنترل و نیاز امنیتی خود را تامین می‌کردند. یعنی عراقی‌ها مطمئن بودند که دیگر هیچ نیروی مخالفی را در ایران نخواهند داشت که قدرت فعالیت و تحرک داشته باشد و متقابلا ایرانی‌ها هم اطمینان داشتند که عراقی‌ها کمکی به مخالفان‌شان نخواهند کرد.

در پرتو این توافق آنها به آنچه از دست داده بودند، راضی بودند تا اینکه انقلاب ایران پیروز شد. البته ماجراهای فشاری که به امام آورده بودند و تاکیدی که رژیم شاه داشت که باید آیت‌الله خمینی که مخالف آنها بود از سوی عراق کنترل شود هم در همین شرایط رخ داد. آنها وقت گرفتند و نزد امام آمدند و به ایشان گفتند که بنا به تعهدات امام باید فعالیت‌های سیاسی خود را خارج از عراق انجام دهد که ماجرای آن جدا است و به هجرت امام انجامید. امام در همان زمان تعبیر خودشان را داشتند که به جایی می‌روند که مستعمره ایران نباشد. البته تصمیم امام به هجرت از عراق تصمیمی بود که از یک طرف عراقی‌ها از آن استقبال کردند و از یک طرف ایران نگران بود. امام با هجرت از عراق به هر کشوری که می‌رفتند دیگر تعهدی به رژیم شاه نداشت که امام را کنترل کند. لذا ایران از هجرت امام ناراضی و نگران بودند و حتی تمایل داشتند شرایط به گونه‌ای شود که امام در عراق بماند. زمانی هم که امام از طرف کویت مورد پذیرش قرار نگرفته و به عراق بازگشتند عراقی‌ها به ایشان پیغام دادند که باید در منزل بماند و با هیچ کس در تماس و دیدار نباشد و به بیان دیگر ایشان را محصور می‌کردند که امام هم تصمیم خودشان را گرفته بودند که از عراق بروند. این مساله هم بیانگر این بود که عراقی‌ها می‌خواستند به امام فشار بیاورند که یا از کلیه فعالیت‌هایش دست بردارد یا آنکه از عراق خارج شود. به هر حال امام هجرت کردند که به پیروزی انقلاب هم انجامید. در جریان پیروزی انقلاب خب شرایطی جدید بر ایران حاکم شد که مطلوب دولت عراق نبود. از آن سو کشور از یک استبداد جهنمی نجات پیدا کرده بود. مردم آزاد شده بودند و هر حرفی را به راحتی می‌زدند و از طرف دیگر هیچ قراردادی را با کشورهای دیگر که نافی منافع ملی کشورشان می‌بود نمی‌پذیرفتند. از جمله همان روابط امنیتی دیپلماتیکی که وجود داشت.

قبل از پیروزی انقلاب در آبان ماه ۵۷ حکومت وقت برای آرام کردن جامعه و مردم، ساواک را منحل کرد و قوی‌ترین پایگاه امنیتی و اطلاعاتی که عراق به آن اتکا داشت، منحل شد و طبیعتا نماینده ایران در عراق که عالی‌ترین نماینده امنیتی ما بود دیگر رسالت و مسئولیتی نداشت. خوب است که این مساله را که می‌گویم در تاریخ بماند. آن مقام امنیتی مقامی بود که همه مسئولان سفارت اعم از سفیر و کاردار و سایر کارکنان حرمت او را داشته و سعی می‌کردند کوچک‌ترین ارتباطی با او نداشته باشند. البته خود او هم تمایل به عدم ارتباط داشت چراکه مسئول امنیتی بود و کارهایش را شخصاً انجام می‌داد. همه از این شخص پرهیز داشتند. هم حرمتش را نگه می‌داشتند و هم نگران بودند که کاری از آنها سر بزند که موجب شود آن مقام امنیتی گزارشی در مورد آنها بنویسد. عراقی‌ها پس از انحلال ساواک به این نتیجه رسیدند که حکومت شاه در حال فروپاشی است یعنی شرایطی بر ایران حاکم شده بود که هم مسئولان نظامی به دستور رهبر انقلاب از پادگان‌ها فرار می‌کردند و هم دیگر مسئولان امنیتی قدرتی نداشتند. صدام حسین به عنوان مرد نیرومند و مبتکر قرارداد کذایی با رژیم شاه به این نتیجه رسیده بود که شیرازه حکومت شاه در حال فروپاشی است و دیگر آن قدرت نظامی و امنیتی وجود ندارد و این انقلاب هم تا بخواهد پیروز شود و قوام امنیتی خودش را بگیرد شرایط شکننده‌ای خواهد داشت و بهترین وقت است تا بیاید و انتقام آن تسلیمی که در برابر شاه شده بود را بگیرد و در حقیقت شرایطی را دنبال کند که یا به تسلیم ایران در برابر خواسته‌های او بینجامد یا به سرنگونی رژیم حاکم بر ایران. از همان آبان ماه صدام حسین در بصره قرارگاه جنگ را زد.

▼ همان آبان ماه ۵۷؟

بله. از همان موقع. برادرش برزان تکریتی را مسئول آن قرارگاه کرد که مطمئن‌ترین فرد از نگاه او بود. صدام تصمیم گرفت که با شرایط ویژه‌ای که در آن زمان بر ایران حاکم شده بود و مرزها از وضعیتی متفاوت با قبل برخوردار و امکان تردد زیاد بود سعی بر گرفتن نیرو در ایران کرد. این کار از طریق اعرابی که در ایران بودند صورت گرفت. عراق دو کنسولگری در ایران داشت که هر دوی آنها را خیلی فعال کرد. یکی در خرمشهر بود و دیگری در کرمانشاه. البته ما هم در مقابل دو کنسولگری در عراق داشتیم. نیروهای امنیتی‌شان در این دو کنسولگری یارگیری کرده و عناصر مختلف را جذب کرده و برای برنامه اصلی‌شان که انتقامگیری از ایران و بهره‌گیری از شرایط شکننده کشور بود برنامه‌ریزی می‌کردند. جالب اینجاست که آن مامور امنیتی که قبل از فروپاشی ساواک رابط ایران و عراق بود و ارتباطات خیلی قوی و تعیین‌کننده‌ای داشت را احضار کردند.

▼ همان مامور ایرانی؟

بله او را احضار کرده و به او گفتند که تو تا به حال از طرف ایران مامور امنیتی بوده‌ای اما حالا سازمانی که تو از طرف آن مامور بودی منحل شده و الان تو اگر به ایران برگردی به دلیل وابستگی‌ات به ساواک در صورتی که انقلابیون تو را بشناسند کشته خواهی شد. اما ما به پاس تمام خدماتی که تا به حال به ما کردی و رابط بین ما و ایران بودی آمادگی اعطای پناهندگی را به تو داریم.

▼ تلاش کردند که جذبش کنند.

به او وعده اعطای حقوق مکفی و پاسپورت و از سوی دیگر اجازه تحصیل فرزندانش را دادند. این مامور امنیتی هم درخواست فرصت برای فکر کردن می‌کند. بلافاصله به سفارت بازمی‌گردد و برای نخستین بار مسئولان سفارت را جمع می‌کند و آنها هم تعجب می‌کنند که چه شده است که این مامور امنیتی به آنها مراجعه کرده است. به آنها می‌گوید که من این بعثی‌ها را می‌شناسم اینها جنایتکارانی هستند که هیچ اصول انسانی و اعتقادی ندارند و فوق‌العاده خبیث‌تر از آن چیزی هستند که ما می‌دانیم. او تاکید کرد که من ترجیح می‌دهم در وطنم به دست هموطنانم قطعه‌قطعه شوم اما مزدور این بی‌شرف‌ها نشوم. از آنجایی هم که حالا الان مراقب هستند تا ببینند من چه تصمیمی می‌گیرم به من پیشنهاد مالی دادند و دنبال تطمیع من هستند.

▼ اسم این مامور امنیتی چه بود؟

می گویم. این مامور گفته بود که اگر در برابر تطمیع بعثی‌ها تسلیم نشود او را شکنجه خواهند کرد و وادار به همکاری می‌شوم و چون مراقب من هستند به منزل برای برداشتن اثاثیه‌ام نمی‌روم و سریعا به کشورم بازمی‌گردم. از همانجا هم بلافاصله به ایران بازگشت. خب این ماجرا ختم به خیر می‌شود و آنها نتوانستند از یک عامل رژیم شاه که فکر می‌کردند با آنها همکاری خواهد کرد و پشتوانه امنیتی و اطلاعاتی آنها خواهد شد بهره بگیرند و آن مامور امنیتی به دلیل میهن‌دوستی و عرق به مردمش به ایران بازگشت.

▼ به ماجرای سفیر شدن شما بازگردیم. چرا شما به عنوان سفیر ایران در عراق انتخاب شدید؟

علت انتخاب من به نگاه امام بازمی‌گشت. یکی از مواردی که ایشان تاکید داشتند مورد توجه قرار بگیرد حسن همجواری با همسایگان بود و قبل از هر چیزی برای این کار باید رابطه دیپلماتیک شکل بگیرد و سفیر رد و بدل شود تا اگر مذاکره‌ای قرار است صورت بگیرد انجام شود. من خاطرم هست که همان ایام وزیر خارجه کویت به دیدار دکتر یزدی که وزیر خارجه بود آمد. نخستین دیپلماتی که بعد از عرفات به ایران آمد وزیر خارجه کویت بود. او آمد و رسما به دکتر یزدی گفت که ما تا به حال به دلیل نگرانی‌هایی که از تندروی‌های عراقی‌ها داشتیم شاه از ما حمایت می‌کرد و حالا هم شما باید از ما حمایت کنید که در همین راستا قول‌هایی رد و بدل شد. به هر حال به دنبال تاکید امام بر ایجاد رابطه و حسن همجواری با همسایگان و زدودن تشنج‌ها بنا شد که برای عراق سفیر انتخاب شود که پیشنهاد امام من بودم.

▼ نخستین پیشنهاد بودید؟

بله. وقتی که مرحوم حاج احمد آقا آمد و این پیشنهاد امام را به من داد من به ایشان گفتم که مصلحت نمی‌دانم که سفیر شوم چراکه به هر حال من سابقه کار دیپلماتیک ندارم و یکسری آموزش‌هایی لازم دارد و من که طلبه‌ای بودم که هرچند در فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی بودم اما کار دیپلماتیک نکرده بودم و سابقه این کار را نداشتم و روحانی هم هستم. اگر از ناحیه ما به دلیل ناآشنایی با سیستم و اصول دیپلماتیک خطایی سر بزند دامن روحانیت را می‌گیرد و من ترجیح می‌دهم که سفیر نشوم. ایشان هم پیغام را خدمت امام بردند و امام در ابتدا نوعی تحسین کرده بودند که به هر حال پیشنهادی به کسی شده اما او به دلایلی که منطقی هم هست نمی‌پذیرد. به بیان دیگر این عدم پذیرش را امام حمل بر تقوا کردند اما منتها فرمودند که استدلال دیگری دارند. امام فرمودند که در دوران اقامت‌شان در عراق فلانی یعنی من که واسطه ما با مسئولان امنیتی و سیاسی عراق بوده اگر سفیر شود نشان‌دهنده نوعی حسن نیت از طرف ما است. یعنی ما می‌خواهیم به عراقی‌ها بگوییم که عنصری را اعزام می‌کنیم که او را شما به زیبایی می‌شناسید و از او سابقه ارتباطی دارید. به دلیل اهمیتی که برای این ارتباط داریم می‌خواهیم کسی انتخاب شود که این سوابق و صلاحیت را داشته باشد و من از ایشان می‌خواهم که پیشنهاد را بپذیرند.

▼ یعنی امام از همان زمان پیش‌بینی می‌کردند که ممکن است روابط با عراق کمی سخت باشد؟

در ادامه می‌گویم. در کنار این ارایه حسن نیت یک‌سری



در یک مقطعی امام ما را جمع کردند. من، آقای خاتمی و فکر می‌کنم آقای مسیح مهاجری، آقای نبوی از رسالت و آقای گرشاسبی هم از ابرار حضور داشتند. امام از ما پرسیدند یعنی چه که مرتبا اخبار ما و عکس ما را منتشر می‌کنید؟ بروید سراغ کسانی که اخبار و نقش آنها در این کشور تعیین‌کننده است و گمنام هستند. تأکیداتی کردند علاوه بر رزمندگان و نیروهای مسلح که مورد توجه قرار می‌گیرند اما صنعتگری که در شرایط تحریم ابتکار به خرج می‌دهد باید نشان داده شود.

مسائل مربوط به بیت امام بود و وسایل امام که در نجف بود و بنا بود با یک دقت و امانتداری به ایران حمل شد. البته هر کسی که می‌رفت می‌توانست این کار را بکند اما من به دلیل آشنایی‌ام با نجف و مرتبط بودن با بیت امام بهتر می‌توانستم این کار را انجام دهم.

در نهایت چه شد؟

من به امام عرض کردم که تابع امر شما هستم اما عهد کردم که در دوران زندگی‌ام چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب طلبه باشم و نمی‌خواهم به عنوان یک کادر وزارت خارجه و کارمند آنان تلقی شوم پس اجازه بدهید که همان رابطه طلبگی را با شما داشته باشم که ایشان هم پذیرفتند و حکمی را برای من فرستادند.

چه حکمی؟

حکم مشابه همان احکام امور حسبیه است که ما طلبه‌ها می‌گوییم. من مجاز به دریافت وجوهاتی و تصدی اموری که مربوط به نماینده مرجع می‌تواند باشد بودم. حکمی بود که با سخاوت بود. معمولا احکامی که امام برای نمایندگان‌شان صادر می‌کردند احکامی بود که به آنها اجازه می‌دادند نصف وجوهاتی که دریافت می‌کنند را تصرف کنند یا ثلث یا یک‌پنجم اما به من مطلق اجازه داده بودند یعنی دیگر می‌توانم آنچه را تشخیص می‌دهم را کلا عمل کنم. خب این حکم بزرگوارانه بود و من از ایشان هم اجازه گرفتم که حقوق را از وزارت خارجه نگیرم و شهریه‌ام را همان طور که در گذشته از دفتر ایشان می‌گرفتم به همان ترتیب شهریه را بگیرم که همان کار را می‌کردم. ماهیانه مبلغی را از دفتر ایشان در نجف برای من می‌فرستادند و من در اختیار ذی‌حساب سفارت می‌گذاشتم و امور مادی سفارت را از آن طریق دنبال می‌کردم.

از ورودتان به سفارت بگویید.

باید به این نکته اشاره کنم که مسئولان عراقی دو طیف بودند؛ یک طیف مسئولانی بودند که از یک پختگی و یک متانت و جهان‌دیدگی ویژه برخوردار بودند و از انتخاب من به عنوان سفیر استقبال کردند. در کنار آنها گروه تندرویی بودند که آنها برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران برنامه داشتند آنها این موضوع را به عنوان یک تهدید تلقی می‌کردند. به همین دلیل من در ملاقاتی که با رییس‌جمهور وقت عراق حسن البکر داشتم او با یک صمیمت و صفایی با من برخورد کرد و تحسین کرد انتخاب من را. برای امام سلام و درود فرستاد و از برخی تعدی‌های مرزی که در آن ایام شده بود عذرخواهی کرد و توجیه کرد و گفت که طبیعتا وقتی هواپیمایی در مرز می‌خواهد برای شناسایی و کنترل عناصر ناراضی داخلی حرکتی کند ممکن است در یک حرکت چند کیلومتر آن‌طرف‌تر برود که این موضوع نباید تجاوز تلقی شود.

انتظار چنین برخوردی را داشتید؟

از آن طیف بله. حسن البکر یک عنصر جاافتاده‌ای بود که تمایل به جنگ و درگیری نداشت و دلش می‌خواست مسائل با حسن نیت و تفاهم حل شود. او درک می‌کرد که یک انقلاب مردمی نیرومندی در کشور همجوارش می‌تواند یک فرصت باشد و می‌تواند یک پشتوانه باشد. اما صدام و طیف طرفدار او که طیف تندرو و چپ آنها تلقی می‌شدند معتقد بودند که باید از این فرصت فروپاشی رژیم شاه و سقوط ارتش و جانیفتادگی و شرایط ابتدایی حاکم بر کشور بهره بگیرند و آنها وادار به تسلیم خواسته‌ها شوند یا جنگی را آغاز کنند که پیش‌بینی پیروزی‌شان را هم می‌کردند. او تمام عوامل پیروزی که تصور می‌کرد را در اختیار داشت؛ هم حمایت بین‌المللی را در اختیار داشت و هم سازماندهی نیرومند نظامی داخلی و هم اطلاعات تقریبا تعیین‌کننده‌ای از طریق عناصر وابسته به خودش در داخل در اختیار داشت. او مطمئن بود که ما در این جنگ یا شکست می‌خوریم و یا آنکه تسلیم خواسته‌های آنان می‌شویم. بنابراین آنها تاکید بر جنگ داشتند اما حسن البکر و طیف پخته همراه او این اعتقاد را نداشتند.

مراحل حضورتان در عراق چگونه طی شد؟

معمولا وقتی که یک سفیر برای ماموریتش به کشوری می‌رود اول رونوشت اعتبار نامه‌اش را به وزیر خارجه می‌دهد و بعد برایش وقت تعیین می‌شود تا اعتبارنامه‌اش را به رییس‌جمهور بدهد. من در قسمت رونوشت اعتبارنامه‌ام خیلی سریع این مرحله را طی کردم و با شخصی مواجه شدم که این شخص فرد تحصیلکرده و متینی بود. اما فاصله تقدیم رونوشت تا تقدیم اعتبارنامه من به رییس‌جمهور طول کشید. معمولا باید یک تا دو هفته باشد اما به بیش از یک ماه به طول انجامید که این موضوع ناشی از تبادل آرایی بود که در درون خود حزب بعث عراق وجود داشت. گروهی تندرو مایل نبودند که به این سرعت انجام شود بلکه می‌خواستند کمی تاخیر بیفتد اما گروه دیگر نظر دیگری داشتند اما در وقتش که قرار شد من اعتبارنامه را به حسن البکر بدهم به زیبایی از من استقبال شد. من خاطرم هست در این جلسه ایشان، وزیر خارجه عراق، عزت ابراهیم که آن موقع نیروی صدام و ناظر او بود حضور داشتند و طولانی‌ترین جلسه‌ای بود که یک رییس‌جمهور با یک سفیر می‌توانست داشته باشد. این جلسه نزدیک به دو ساعت به طول انجامید و این دو ساعت با توضیحات حسن البکر و درددل‌های او همراه بود. من هم توضیحاتی داشتم و گفتم که خاطرم هست در دورانی که در عراق بودیم مسئولان امنیتی شما کتاب فلسفتنای آیت‌الله سید محمد باقر صدر را در اختیار ما قرار می‌دادید و معلوم بود که شما از افکار فلسفی آیت‌الله صدر استقبال می‌کنید و به این دلیل



که شما مثل ما و همه مسلمان‌ها با حاکمیت لاییسم و کمونیسم مخالف بودید و اعتقاد آرمانی داشتید و الان هم درخواست داریم نسبت به ایشان که در حصر هستند تجدیدنظر شود. مسائلی اینچنینی را مطرح کردیم. او هم با صمیمیت می‌پذیرفت و توضیح می‌داد. خلاصه بگویم که در آن شرایط گروهی که حاکمیت را داشتند مایل به تفاهم و نوعی ابراز حسن نیت بودند اما گروه تندرو قطعا می‌خواستند که برنامه‌های خودشان را دنبال و انتقام تسلیم در برابر شاه را بگیرند. به همین دلیل ناگزیر شدند تا درون تشکیلات عراق کودتا کنند. کودتای حزبی صورت گرفت، حسن البکر استعفا داد و صدام رسما رییس‌جمهور شد.

چندماه بعد از اینکه شما سفیر شدید این اتفاق افتاد؟

تقریبا سه تا چهار ماه بعد. رسما مانورها شروع شد و در نطق‌های تعیین‌کننده‌اش نسبت به ایران موضع گرفت و عمده فعالیت‌هایی که داشتن تحریک اعراب منطقه و هموطنان خوزستانی ما و حتی کردهای ایرانی ما بود. ادعای حاکمیت بر شط‌العرب و ادعای حاکمیت بر جزایر سه‌گانه ما یا به قول امام موسی صدر که خدا به سلامتش دارد تنبان ابوموسی که به شوخی می‌گفتند، داشتند. امام موسی صدر به شوخی می‌گفت که اینها دست از تنبان ابوموسی برنمی‌دارند. به هر حال ادعاهایی اینچنینی داشتند و بلندگوهای تبلیغاتی‌شان را به طرف گروه‌های طرفدار شاه فعال کردند. من اعتراضاتی را به این ادعاها و مطالبی که در روزنامه‌های‌شان بود با مراجعه به وزارت خارجه ابلاغ می‌کردم. آنها هم متقابلا اعتراضاتی داشتند نسبت به آنچه یا در روزنامه‌های ما مطرح می‌شد یا آنکه مسئولان سیاسی ما عرضه می‌کردند. در یک مقطع جدی که من ملاقاتی با وزیر خارجه‌شان داشتم ،گفتم که شما می‌دانید که من علاوه بر اینکه نماینده دیپلماتیک هستم و از طرف وزارت خارجه به عنوان سفیر انتخاب شده‌ام سوابق نزدیکی و آشنایی با رهبر انقلاب را هم دارم. خب شما چه مشکلی دارید و چرا مطرح نمی‌کنید؟ در ملاقات بعد که من پذیرفته شدم پیامی از طرف صدام به من داده شد و پیام جالبی بود. صدام پیشنهاد داده بود که من به ایران بیایم و راسا از امام خمینی نماینده‌ای را درخواست کنم که تام‌الاختیار بیاید و در عراق با صدام‌حسین مذاکره کند.

مذاکره بر سر جزایر و شط‌العرب؟

سر همه مسائل اختلافی. خب طبیعتا آنچه آنها می‌خواستند در مذاکرات از ما پذیرش شود یکی تسلیم ما در مقابل ادعاهای آنها برای شط‌العرب بود. تسلیم در برابر ادعاها در مورد جزایر سه‌گانه و پذیرش در برابر تجزیه‌طلبی برخی هموطنان در داخل که عراق هم حامی آنها بود. من به ایران و خدمت امام آمدم و شرایط را توضیح دادم که برنامه‌های عراق چیست و پیشنهاد اعزام نماینده برای مذاکره را هم داده‌اند. من به دلیل آشنایی‌ای که داشتم پیشنهادم به امام این بود که در شرایط فعلی بهترین نماینده‌ای که می‌تواند از طرف امام برای مذاکره برود آقای هاشمی رفسنجانی است.

امام چه نظری داشتند؟

امام فرمودند که باید فکر کنند. روز بعد که من رفتم امام فرمودند که من به حسن‌نیت عراقی‌ها اعتقاد ندارم. اینها ما را در شرایط ویژه‌ای تصور کرده و می‌خواهند در مذاکره ما را تسلیم یک‌سری از خواسته‌های‌شان بکنند که آن خواسته‌ها عملی نیست و ما نمی‌توانیم نسبت به تمامیت ارضی کشورمان تصمیمی بگیریم و ادعاهای واهی آنها را بپذیریم. امام تاکید داشتند که آنها را صادق نمی‌بینند و مذاکره با آنها را بی‌فایده می‌دیدند. امام اما توجیه زیبایی در عدم پذیرش کردند. گفتند که من از طرف ایشان بگویم که فلانی ضمن تشکر از حسن نیت شما ترجیح می‌دهد که مذاکره‌کننده رسمی با شما نماینده واقعی مردم باشد. ما در آینده نزدیک، انتخابات ریاست‌جمهوری داریم. مردم نماینده رسمی خود به عنوان رییس‌جمهور کشور را انتخاب خواهند کرد. در آینده نزدیک ما انتخابات مجلس شورا داریم و نمایندگان واقعی مردم انتخاب خواهند شد. من ترجیح می‌دهم نماینده‌ای اعزام شود که از طرف منتخب مردم ایران باشد. در شرایط فعلی که مرحله گذار از پیروزی انقلاب و رسمی شدن حاکمیت است ترجیح می‌دهم که من کسی را اعزام نکنم و اجازه دهید انتخابات برگزار شود و نماینده رسمی ما برای مذاکره بیاید و شما تا آن موقع که مردم نماینده‌شان را انتخاب می‌کنند

حسن نیت نشان دهید تا شرایط برای مذاکره مناسب باشد. من هم آمدم و عینا همین مسائل را نقل کردم. خب طبیعتا آنها در ترفندشان شکست خوردند. البته من اخیرا شیطنتی را احساس کرده‌ام که برخی رسانه‌های مجازی به آن دامن می‌زنند و ادعایی را مطرح می‌کردند که صدام برای مذاکره اعلام آمادگی کرده بوده است یا خودش به ایران بیاید و من به اتفاق مرحوم بهشتی و مرحوم‌بازرگان خدمت امام رفتیم و امام بدون مطالعه این پیشنهاد را رد کردند و من گریه کردم که این موضوع صحت ندارد. تلاش کردند جلوه دهند که من و مرحوم بهشتی و مرحوم بازرگان علاقه‌مند به مذاکره بودیم تا جنگ نشود ولی امام با خشونت و خشکی مخالفت کردند. در صورتی که اصلا این گونه نیست و امام کاملا با ماهیت آنها آشنا بودند. بعد از آغاز جنگ هم امام با دریادلی‌ای که داشتند شرایط را طوری جلو بردند که عراقی‌ها محکوم شدند و صدام در نهایت سقوط کرد.

▼پیغام امام را به وزیر خارجه‌شان دادید؟

بله، گفتم که امام ضمن تشکر از حسن نیت ایجاد شده ترجیح می‌دهند نماینده واقعی مردم برای مذاکرات بیاید و چون انتخابات در پیش است، ترجیح می‌دهند منتخب مردم تصمیم بگیرد. شما هم فضا را با اعتماد پیش ببرید تا اگر قرار است مذاکره‌ای صورت بگیرد در یک فضای آرام باشد. البته طرح آنها این بود که برای مذاکره درخواست کرده‌اند و در مذاکره حاضر نشدند حق یا اراده امت عرب را بپذیرند. خب این ماجرا گذشت و در یکی از سفرهایی که من به ایران آمده و خدمت امام بودم پیام و سلام خیلی از عراقی‌های علاقه‌مند به ایشان را خدمت‌شان ابلاغ کردم. معمولا بعد از ملاقات‌هایی که من با امام داشتم مصاحبه‌هایی هم می‌کردم که در آن زمان با خبرگزاری پارس مصاحبه‌ای کردم و گفتم که پیام علاقه‌مندان امام در عراق را رساندم که عراقی‌ها این مساله را بهانه کرده بودند که علاقه‌مندان به امام در عراق چه کسانی هستند؟ آنها به شدت ما را کنترل می‌کردند و تقریبا هفته‌ای یک بار می‌شد که تحرکاتی می‌کردند. عده‌ای را به عنوان خلق عرب تحریک می‌کردند و می‌آمدند جلوی سفارت شعار می‌دادند. خیلی هم جالب بود که چون تابستان بود ما می‌گفتیم که یک سینی شربت بیاورند و میان‌شان توزیع کنند. سعی می‌کردیم مساله‌ای ایجاد نشود. آنها برای اینکه مدعی شوند که انقلاب در امور داخلی آنها دخالت کرده است، می‌آمدند و صحنه‌های ساختگی درست می‌کردند. مثلا در یک مسیری که طارق عزیز یا شخصیت دیگری عبور می‌کرد نارنجکی را پرت می‌کردند که چند نفری را زخمی می‌کرد و بعد مدعی می‌شدند که این نارنجک را یک ایرانی پرتاب کرده است. با این بهانه‌ها خبرهایی را بزرگ می‌کردند که ایرانی‌ها تحرکاتی دارند. به همین دلیل سعی می‌کردند مراکز ایرانی را کنترل کنند. یکی از این مراکز دبیرستان‌ها و مدارس ایرانی بود که به همین دلیل مدارس را تعطیل و دانش‌آموزان را اخراج می‌کردند. حوزه علمیه‌نجف را تهدید و خیلی از علما را اخراج کردند. ما در بصره و کربلا کنسولگری داشتیم و عراقی‌ها هم متقابلا در کرمانشاه و خرمشهر کنسولگری داشتند. می‌دانستم که کنسولگری‌های آنان فعال است و برای آینده‌شان در حال جمع کردن نیرو و یارگیری هستند. اما کنسولگری ما در بصره و کربلا اصلا مراجعی نداشت و یک محلی بود که پرچم ایران بالای آن بود و از آنجایی که به شدت تحت کنترل بود کسی جرات مراجعه به آنجا را نداشت. من پیشنهاد دادم که کنسولگری‌های‌مان را تعطیل و متقابلا کنسولگری‌های عراقی‌ها را هم تعطیل کنیم. این پیشنهاد را من به زحمت توانستم به ایران بقبولانم و تا من سفیر بودم خوشبختانه موافقت شده و کنسولگری‌ها بسته شد. البته آنها آمدند و تحت عنوان لانه خرابکاری عده‌ای را به کنسولگری‌های ما ریختند و هرچه بود را تاراج کردند. البته به بهانه این مراجعه آمدند و اسناد سجلی را که در کنسولگری‌های ما بود، برداشتند. مثلا افرادی که ایرانی بودند و شناسنامه ایرانی گرفتند را ربودند تا ببینند که کدام عراقی‌ها هستند که می‌توانند پیشینه ایرانی داشته باشند. به هر حال این تحرکات بود تا زمانی که من در یکی از سفرهایم که به ایران داشتم و پیام علاقه‌مندان امام را رساندم آنها ادعا کردند که من در امور داخلی عراق دخالت می‌کنم و بعد به من پیغام دادند که ظرف ۴۸ ساعت عراق را ترک کنم. اما این را اعلام نکردند. در آن زمان آقای خرازی معاون سیاسی وزیر خارجه بودند که من با ایشان تماس گرفتم و پیام محرمانه فرستادم که اینها پیشنهاد اخراج مرا داده‌اند و ۴۸ ساعت وقت تعیین کرده‌اند که من پیشنهاد می‌دهم که شما رسما و علنا سفیرشان را به دلیل دخالت‌هایی که می‌کند اخراج و مرا احضار کنید که این یک برند تبلیغاتی باشد.

▼این ماجرا چند وقت قبل از حمله عراق به ایران بود؟

اسفند ۵۸ بود. همین طور هم شد و وزارت خارجه ما رسما سفیر عراق در ایران را با مهلت ۲۴ساعته اخراج و مرا هم احضار کردند که من آمدم که سفارت ما با کاردار یعنی آقای مهدی بشارت که از دیپلمات‌های بسیار کاردان و ورزیده و امین بود مسئولیت سفارت را بر عهده گرفتند و عراقی‌ها هم همین طور. من در اسفند۵۸ به ایران بازگشتم و طبیعتا به دفتر امام رفتم که مرحوم حاج احمد آقا آمدند و پیشنهاد دادند که من مسئولیت روزنامه اطلاعات را بپذیرم که اطاعت کردم و از اردیبهشت ۵۹ تا به حال در روزنامه اطلاعات هستم.

▼در آن زمان شما احتمال حمله اینچنینی عراق به ایران و آغاز یک جنگ هشت ساله را می‌دادید؟ یا اینکه هشداری در این مورد به امام داده بودید؟

بله، من پیش‌بینی می‌کردم. جالب اینجاست که من آن حرکت میهن‌دوستانه و بزرگوارانه‌ای که مسئول امنیتی ما در عراق کرده بود را در جریانش قرار گرفته بودم و زمانی که به سفارتخانه رفتم در اتاقش را بازکردیم اما متوجه شدیم که او با کمال هوشمندی هیچ سندی را باقی نگذاشته و همه را به ایران منتقل کرده بود. فقط یک سند در گاوصندوق بود که آن سند خیلی مهمی بود. سندی بود که آخرین مذاکراتی که ایشان در رابطه با برخورد با امام و هجرت صورت گرفته بود را گزارش کرده بودند که رونوشت این سند را در گاو صندوق اتاقش نگه داشته بود. در این سند گزارش شده بود که پیرو درخواست و توافق با آقای خمینی ملاقات شده بوده است. ملاقات سعدون شاکر که عالی‌ترین مقام امنیتی‌شان بود را منظورشان بود. اعلام کرده بودند که صحبت‌هایی شده و خمینی تسلیم نشده و تصمیم به عزیمت به خارج از عراق گرفته است. یک پیشنهادی هم مقامات عراقی در آن زمان داده بودند که ما قدرت نفوذ در فلانی را نداریم اما یک نفر هست که رابط و مورد اعتماد او است که اگر بتوانید او را جذب کرده و از طریق او در ایشان نفوذ کنید موفق می‌شوید. اما او خیلی حرامزاده و جلب است.

▼دور از جون شما را که نمی گفتند؟

(خنده) چرا منظورشان من بودم. من این سند را دیدم. در یکی از مناسبت‌هایی پس از برگشتنم به ایران یک مصاحبه‌ای کردم و در این مصاحبه ماجرای آن مسوول امنیتی را گفتم و اعلام کردم که مقامات عراقی برای جذب او و همکاری در مسیر توطئه‌های‌شان پیشنهاد اینچنینی دادند و این مسوول اظهار کرده که من ترجیح می‌دهم به دست هموطنانم در کشور قطعه‌قطعه شوم اما مزدور این بی‌شرف‌ها نشوم. در آن مصاحبه گفتم که من به عنوان یک کارگزار وابسته به انقلاب به وجود چنین انسانی افتخار می‌کنم و به ایشان درود می‌فرستم چراکه ملتی داریم که با وجود همه تنگناها در مقاطع تعیین‌کننده و حساس نسبت به حرمت به میهن و مردم‌شان از هیچ گذشتی فروگذار نیستند. روز دوم یا سوم ورود من به روزنامه اطلاعات بود که می‌خواستم وارد دفترم شوم اما دیدم فردی منتظر من است. گفتم شما؟ گفت صحبتی با شما دارم.

▼همان مامور امنیتی بود؟

بله، به من گفت که مصاحبه شما باعث نجات من شد. از زمانی که از عراق بازگشتم به دلیل شرایط حاکم بر کشور نمی‌توانستم با آشنایان و فامیل‌هایم در ارتباط باشم و آنها هم از من به دلیل وابستگی‌ام به ساواک پرهیز می‌کردند. وقتی شما این مصاحبه را کردید، دیدم که همه علاقه‌مندانم به من افتخار کردند و همین مصاحبه باعث نجات من شد. من هم همانجا ایشان را به مسئول نخست‌وزیری معرفی کردم. ما هنوز وزارت اطلاعات را تشکیل نداده بودیم و تنها در نخست‌وزیری یک معاونتی بود که آن معاونت امور اطلاعاتی و امنیتی را عهده‌دار بود آن موقع آقای خسرو تهرانی مسئول این دفتر بود که من ایشان را به آقای تهرانی معرفی کردم و به قدری وجودش نافع و مفید بود که حد نداشت. تخصص در بهره‌گیری از امواج و شنودها داشت و خرمشهری بود و زبان عربی هم می‌دانست و به دنبال آغاز جنگ در بخش‌های مربوطه بیشترین خدمات و حمایت‌ها را کرده و نقش موثر و تعیین‌کننده‌ای داشت.

▼الان هم از این فرد خبری دارید؟

ایشان هر عیدی که می‌شود مثل عیدهای رسمی تبریکی برای من می‌فرستند.

▼هنوز هم در وزارت اطلاعات مشغول هستند؟

شنیدم که بعد از پایان جنگ بازنشسته شدند. فرد بسیار شریفی هستند که خانواده بسیار محترمی هم دارند.

▼بعد از خروج شما از سفارت، بر سفارت ایران چه گذشت؟

در دوران جنگ ایران و عراق یکی از پدیده‌های نادر دیپلماتیک، وجود دو سفارت فعال دو کشور بودند. فعالیت‌های سختی هم داشتند. در بحبوحه جنگ کاردار احضار می‌شد و پیام می‌دادیم و بالعکس. شدیدترین کنترل‌ها را نسبت به سفارتخانه‌های ما داشتند و شدیدترین اهانت‌ها به کارکنان ما صورت می‌گرفت.

▼حتی محاصره هم شدند؟

بله، چندین سال محاصره بودند و شخصیت تعیین‌کننده و عنصر سرنوشت‌سازی که در آن روزهای محاصره منشا خدمات بسیاری برای ما شده است آقای مهدی بشارت است. ایشان خاطرات زیادی از آن روزها داشتند.

▼اگر بشود در مورد حضور شما در رسانه اطلاعات هم صحبت کنیم که امام چه نگاهی در مورد رسانه در جنگ داشت.

با آغاز جنگ آنچه اما انتظار داشتند که کاملا بحق و عاقلانه هم بود، این بود که ما آب به آسیاب دشمن نریزیم. باعث تضعیف روحیه هموطنان نشویم و روحیه رزمندگان‌مان را تقویت کنیم. آن اصل کلی هم که امام از همان ابتدا داشتند هم مورد توجه بود که دروغ نگوییم و فحاشی نکنیم. تندروی نکنیم و حقایق را بگوییم اما مسائل امنیتی را رعایت کنیم. تاکیدی که امام داشتند همین بود. امام تاکید داشتند که دروغ گفتن حرام است اما هر راستی را گفتن واجب نیست. قبل از هر چیزی هم از نمایندگان‌شان انتظار داشتند. ما در اطلاعات بودیم، برادرمان دکتر خاتمی در کیهان و دوستان دیگر در رسانه‌های دیگر. در برخی مواقع امام نگران بودند که تکیه تبلیغاتی رسانه‌ها بیشتر روی بزرگنمایی اخبار مربوط به رهبران کشورها باشد. در یک مقطعی ما را جمع کردند. من، آقای خاتمی و فکر می‌کنم آقای مسیح مهاجری، آقای نبوی از رسالت و آقای گرشاسبی هم از ابرار حضور داشتند. امام از ما پرسیدند یعنی چه که مرتبا اخبار ما و عکس ما را منتشر می‌کنید؟ بروید سراغ کسانی که اخبار و نقش آنها در این کشور تعیین‌کننده است و گمنام هستند. تاکیداتی کردند علاوه بر رزمندگان و نیروهای مسلح که مورد توجه قرار می‌گیرند اما صنعتگری که در شرایط تحریم ابتکار به خرج می‌دهد باید نشان داده شود. یا پلیسی که در تابستان گرم سر چهارراه می‌ایستد و ترافیک را کنترل می‌کند و با آلودگی صوتی روبه‌رو است باید نشان داده شوند یعنی چه که هر روز عکس من و رییس‌جمهور را می‌گذارید؟ دیگر از امروز حق ندارید عکس و خبر من را تیتر اول یا در صفحه اول بیاورید. این از جمله تاکیداتی بود که امام برای حق‌شناسی آحاد مردم داشتند. ما در آن ایام نیازی که فکر می‌کردیم ضرورت دارد به آن توجه شود اما جایش خالی بوده است در اطلاعات برآورد کردیم. همان طور که گفتم عراق از مدت‌ها قبل برنامه‌ریزی کرده بود و برای کنترل اطلاعات و تقویت روحیه نیروهای مسلحش یک نشریه ویژه‌ای را طراحی کرده بود به نام القادسیه؛ القادسیه همان جنگی بوده است که اعراب در آن بر ایران پیروز شده بودند. این نشریه مخصوص نیروهای نظامی‌اش بود. ما برای رفع این نیاز آمدیم و اطلاعات جبهه را پایه‌گذاری کردیم. قبل از آن هم به سراغ رزمندگان رفتیم و شورای سردبیری ما می‌رفتند و در جبهه‌ها با فرماندهان ملاقات‌هایی داشتند مثلا با مرحوم خرازی ملاقات تعیین‌کننده‌ای داشتندکه مرحوم خرازی هم تحلیل‌های خوبی داشت و سرانجام پذیرفتند که باید یک نشریه اختصاصی برای جبهه‌ها عرضه شود. یک نگرانی این بود که در آن زمان نشریات متفاوتی بودند که هر کدام خط خاصی داشتند و نوعا اختلافات داخلی را دامن می‌زدند. نشریه انقلاب اسلامی بنی‌صدر بود و جمهوری اسلامی هم در مقابلش. بعداً رسالت هم به آنان اضافه شد.

▼این نشریات میان رزمنده‌ها توزیع می‌شد؟

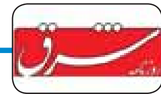
بله و طبیعتا درگیری‌هایی سیاسی که وجود داشت رزمندگان را نگران می‌کرد. برای اینکه نشریه‌ای که در مسیر صحیح آگاهی‌بخشی باشد و نیاز رزمنده‌ها رفع شود تفاهم به ایجاد یک نشریه مخصوص کردند که ما هم داوطلبانه اعلام آمادگی کردیم.

▼امام چه نظری داشتند؟

از ایشان هم اجازه گرفتم. بعدش هم دوستان اطلاعات جبهه را راه‌اندازی کردند که مخصوص جبهه‌ها بود و تا وقتی که جنگ ادامه داشت توزیع می‌شد.

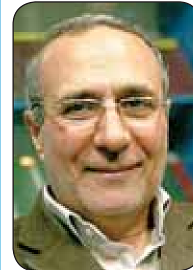
▼روزانه یا هفتگی؟

موسمی بود. البته گاهی مناسبت‌هایی بود که هر روز بود و گاهی هم هفتگی. خبر و داستان داشت و نشریه خوبی بود.



روزنامه شرق، شماره ۲۳۲۹– ۹۴/۳/۳۱

نامه جاوید قربان اوغلی به حجت‌الاسلام دعایی



با عرض سلام و تبریک حلول ماه ضیافت‌الله و آرزوی قبولـــی طاعـــات و عبادات و بهره‌گیـــری از برکات بی منتهای سفره خداوند رحمان و کریـــم، مصاحبه حضرت عالی با هفته‌نامه صدا، شماره ۳۸، مورخ ۱۶ خرداد ۱۳۹۴ با عنوان «داستان خمینی‌ها» را با دقت خواندم. نکاتی به نظرم رسید که به اختصار معروض می گردد.

۱. خارج از مبالغه و مجامله که ان‌شـــاءالله حقیر از آن مبرا هســـتم، مصاحبه، در حد خود، مروری هنرمندانه به برخی از زوایا، ویژگی‌ها و زندگی پرفرازونشیب فرزندان و خانواده ارجمنـــد خمینی با تاکید بر حاج آقا مصطفی و حاج احمدآقا (رحمت‌الله علیهما) و همچنین حاج حسن آقای عزیز اســـت. مهم‌تر اینکه بیان زوایایی از زندگی این بزرگان از زبان یکی از نزدیک‌ترین یاران امام و دو فرزند گرام آن عزیز سفرکرده در مراحل مختلف دوران مبارزه، تبعید، پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظام جمهوری اســـلامی بیان شده و می تواند مرجعی قابل اتکا برای محققان و پژوهشگران باشد.

۲. در مورد مطالبی که درباره حاج حســـن آقای عزیز بیان شده، حقیر که برای مدتی کوتاه افتخار میزبانی و درک حضور این فرزند شایســـته خمینی کبیر را داشتم، توضیح ذیل را لازم دانســـتم. حضور ایشان در آفریقای جنوبی در دو مقطع بود، دوره اول در زمان ســـفارت این جانب بود که سه ماه طول کشید. تا جایی که مطلع هستم حاج حسن آقـــا قبل از عزیمت به آفریقای جنوبی موضوع را به اطلاع مقام معظم رهبری رســـانده بودند. در همان مطقع حضور ایشان، بنده جهت شرکت در سمینار سفرا به تهران آمدم. در ملاقات با مقام معظم رهبری ایشان از بنده درباره شرایط حضور حاج حسن آقا و اینکه کی بازمی گردند، سوال کرده و فرمودند نگران ایشان (حاج حسن آقا) هستم که از سوی این جانب پاسخ مقتضی داده شد و مقام معظم رهبری نیز توصیه‌هایی را درباره ایشان کردند. در این مقطع سه ماهه ایشان هر روز (به جز روز شنبه و یکشنبه) به مدت قریب به شش ساعت در کالجی در ژوهانسبورگ در کلاس درس انگلیســـی حاضر می‌شدند. از سه ماه مذکور دو ماه (اول و آخـــر) بدون حضور خانواده و با دو همراه بودند، ماه دوم، خانواده به ایشان ملحق شدند و یک ماه در آفریقای جنوبی اقامت داشتند. کلیه هزینه‌ها را شخصا می‌پرداختند (کلاس، خرید مایحتاج روزانه زندگی). تنها امکاناتی که سفارت در اختیار ایشان گذاشته بودند ساختمان خالی بازمانده از دوران رژیم سابق در شهر ژوهانسبورگ بود، به همراه یک دستگاه اتومبیل با راننده. جهت مزید استحضار پول بنزین را نیز شـــخصا می‌پرداختند.اقامت دوم ایشان در آفریقای جنوبی، زمانی بود که دوران ســـفارت من به پایان رسیده و به مرکز مراجعت کرده بودم، ولی حســـب الامر، ایشان را تا آفریقای جنوبی همراهی کردم. ســـفارت کشورمان از این سفر ســـفارت اطلاع نداشت (ایشان چنین خواسته بودند) و طبعا امکانات سابق الذکر نیز (ساختمان، اتومبیل، راننده) در اختیار ایشان قرار نگرفت.البته این جانب پس از استقرار ایشان و اطمینان از فراهم بودن امکانات، به تهران بازگشـــتم و سجاد عندالاقتضاء در خدمت حاج حسن آقا بود. قبل از عزیمت، با یکی از دوستان اهل آفریقای جنوبی تماس گرفتم و بدون نیاز به اعلام اینکه چه کســـی خواهد آمد، ایشان منزلی مفروش و مرتب و یک دستگاه اتومبیل در اختیار قرار داد. در این ســـفر نیز ایشان کلیه هزینه‌ها را شـــخصاً پرداخت کردند.اگر حمل بر جسارت نباشد، در فضای شـــبهه ناک سیاسی کشور که تیغ‌های نامردمان علیه حاج حســـن آقا و بیت مکرم امام خمینی (ره) از نیام درآمده و غوغاســـالاران در تلاش برای خدشه دارکردن شـــخصیت بی بدیل ایشان هستند، اعلام موضوع حضور ایشان در آفریقای جنوبی و به کاربردن واژه «پانسَیون» به مصلحت نبود.



روزنامه شرق ـ ۱۳۹۴/۳/۳۱

گفت‌وگوی هفته‌نامه صدا با سیدمحمود دعایی:

حسن خمینی آینده‌ای درخشان دارد

پس از انتشار گفت‌وگوی حجت‌الاسلام دعایی با هفته‌نامه صدا، آقای جاوید قربان اوغلی از دیپلمات‌های باســـابقه کشـــورمان توضیحاتی درباره مطالب مطرح شـــده در آن گفتگو مرقوم کردند. بعد از مشورت با حجت‌الاسلام دعایی بنا بر این شد که توضیحات آقای قربان‌اوغلی به همراه متن کامل گفتگو که توسط آقای دعایی در اختیار «شـــرق» قرار گرفته، هم‌زمان منتشر شود. آنچه در پی می آید گفت‌وگوی مذکور و توضیح جاوید قربان‌اوغلی در این باره است:

فاطمه شیرزادی: سیدمحمود دعایی در سال ۱۳۴۶ پس از اینکه تحت تعقیب حکومت پهلوی قرار گرفت، مخفیانه به عراق رفت و به اجبار در آنجا ســـکونت گزید. در آن ایام که امام خمینی به عراق تبعید شده بود، دعایی نیز از دوستان و همراهان امام و سیدمصطفی خمینی بود و در کنار امام و فرزندش در مبارزه و مباحثه حضور داشت. ارتباط او با این خانواده تا حدی بود که وقتی ســـیدمصطفی خمینی پس از استفاده از موج رادیویی رادیو بغداد، تصمیم گرفت رادیوی مستقلی به نام صدای روحانیت مبارز ایران ایجاد کند، او را به عنوان گوینده انتخاب کرد. خانه سیدمحمود دعایی در نجف در صدمتری خانه ســـیدمصطفی خمینی قرار داشت. در روز درگذشت این فرزند امام خمینی، او که برای تهیه نان از خانه بیرون رفته بود، با فریادهای مستخدم خانه سیدمصطفی خمینی، متوجه واقعه شد و از اولین کسانی بود که پیکر بی‌جان او را که پشت میز مطالعه‌اش افتاده بود، دید و در تشییع و عزاداری در تبعید، در کنار خانواده امام خمینی و فرزند دیگر امام، سیداحمد خمینـــی، بود. پس از آن نیز او در کنار امام خمینی و فرزندش بود، مبارزه را تا پیروزی انقلاب ادامه داد و بعد از انقلاب هم ضمن برعهده گرفتن مســـئولیت‌های گوناگون، یار و همراه امام خمینی و فرزندانش باقی ماند. دعایی در حال حاضر نیز ارتباط نزدیکی با سیدحسن خمینی، فرزند ســـیداحمد خمینی، دارد. سیدحسن خمینی در مراسمی که اخیراً با حضور بیت امام خمینی برای بزرگ‌داشـــت سیدمحمود دعایی برگزار شد، درباره او گفت: «تفاوت خوبی‌های جناب آقای دعایی با سایرین در این نکته اســـت که خوبی‌های او هیچ‌وقت شنیده نشد، اما احساس شد.» و او را یک انقلابی توصیف کرد که «بیش از هر کســـی انقلابی بود اما انقلاب سکان و پلکان شخصی او نشده است، در حالی که بی‌تردید هر کس جای دعایی با این ســـابقه بود ادعاهای فراوانی داشت اما دعایی بی‌ادعا زندگی کرده است.» هم‌زمان با سالروز ارتحال امام خمینی، در دفتر کار سیدمحمود دعایی در مؤسســـه اطلاعات، با او به گفتگو نشستیم. او هنگام سخن گفتن از فرزندان امام خمینی می گویـــد: «من به دلیل اعتقادی که به باطن پاک امام و به خلوص راه امام دارم، معتقدم از تفضلات الهی برای امام این بود که یادگاران عزیز و ارجمندی را برای ایشان پدید آورد.»

* * *

به نظر شـــما بارزترین و مهم‌ترین ویژگی خانواده سیاســـی امام خمینی که فصل مشـــترک همه افراد این خانواده است، چیست؟

ابتدا از همســـر امام شروع می کنیم. در زمانی که امام به خواستگاری ایشان رفتند، ایشان از معدود تحصیل‌کرده‌هایی بودند که در خانواده یک روحانی تحصیلات جدید داشتند. ایشان تحصیلات دبیرستانی داشتند، با زبان فرانسه آشنا بودند و به نوعی عضو جامعه فرهیخته و روشـــنفکر عصر خودشان بودند البته با پایبندی به تقیدات آرمانی و مذهبی؛ چون از یک خانواده روحانی بودند، اما به هر حال، شـــرایط آزادی داشتند و خیلی راحت می توانستند آنچه را به آن علاقه دارند، پیگیری کنند و در زندگی با امام هم شرایطی برای ایشان پیش آمد که ایشـــان تقریباً علی‌رغم پیش‌بینی‌هایی که خودش داشت درباره اینکه مثلاً در زندگی با یک روحانی و شخصیت حوزه‌ای ممکن اســـت تقیدات و محدودیت‌هایی باشد، از آزادی کامل برخوردار بود و احترام ویژه‌ای داشت، امام هیچگاه به ایشان فرمانی نمی‌داد و امری را به ایشـــان تحمیل نمی کرد و ایشـــان از هرگونه پیگیری در امر تحقیق و مطالعه منعی نداشت. در دورانی که ایشـــان زندگی امام را اداره می کرد، اوقات‌شـــان طوری تقسیم شده بود که بخشی از آن به مطالعه و تحقیق مربوط می شد. در انتخاب آثار برای مطالعه هم منعی نداشـــتند و حتی معروف بود که رمان‌ها و داستان‌های روز را هم می خوانند؛ هم خود امام می‌خواندند و هم همسرشان. به طور کلی زندگی شیرینی داشتند. در پرتو همین زندگی هم بود که فرزندان خوبی را پروراندند. صبیه‌های امام تحصیلات

متناسب خودشان را داشـــتند و آقازاده‌های امام، مرحوم حاج‌آقا مصطفی و مرحوم حاج‌احمد آقا، نیز تحصیلات دلخواه خودشـــان را داشتند. یعنی چیزی به آنها تحمیل نشده بود. مرحوم حاج‌آقا مصطفی شخصاً راه پدرش را انتخاب کرده بود، در همان مسیر هم حرکت می‌کرد و از آزادی کاملی هم برخوردار بود.

مرحوم حاج‌احمد آقا هم در دوران دبیرســـتان برای فعالیت‌های اجتماعی که آن ایام متداول بود،هیچ منع و محدودیتی نداشـــت. بخشی از فعالیت‌های جنبی او حضور در تیم‌ها و تشکل‌های ورزشی زمان خودش بود. حاج‌احمد آقا به عنوان یکی از برجسته‌ترین فوتبالیست‌ها و دونده‌های قم معروف بود. در مسابقات دوومیدانی و دو سرعت حضور داشت و کاپیتان تیم دبیرستان‌های قم بود. بعد از اتمام دوران دبیرســـتان، امام او را در انتخاب راه مخیر کردند. هزینه زندگی حاج احمد آقا را امام تأمین می‌کردند؛ هزینه‌های او یا از درآمدهای شـــخصی که ممکن بود امام داشته باشند تأمین می‌شـــد که البته خیلی محدود بود و یا از محل وجوهات شـــرعی که امام در اختیار داشتند و می‌توانستند صرف هزینه‌های شخصی خودشـــان کنند. وقتی حاج‌احمد آقا دیپلم گرفت، امام در نجف در تبعید بودند، ابتدا توسط دامادشـــان، مرحوم آقای اشراقی، و بعد مسئول دفترشان، به حاج‌احمد آقا پیغام دادند که شـــما به ســـن و مرحله‌ای از دانش و سواد رسیده‌ای که می‌توانی راه خودت را در زندگی انتخاب کنی، اگر آمادگی داشتی طلبه شوی و به عنوان عنصری در حوزه علمیه مشغول تحصیل شـــوی، من می‌توانم از وجوهات شرعی هزینه زندگی تو را تأمین کنم، چون در مسیر فعالیت‌های حوزه‌ای قرار گرفته‌ای، اما اگر تمایل نداشتی، راه دیگری را انتخاب کن؛ می‌توانی کارمند شوی یا شغل دیگری را انتخاب کنی.



مرحوم حاج‌احمد آقا هم به دنبال این آزادی که به او داده شده بود، راه خودش را انتخاب کرد و به مسیر پدر و برادر پیوست.

صبیه‌های امام هم در انتخاب همسر آزاد بودند. وقتی کسی به خواستگاری یکی از آنها می‌آمد، امام این موضـــوع را که فردی با این مشخصات آمده طرح می‌کردند و می‌گفتند نظر شما ملاک است، اگر تمایل دارید، می‌توانید انتخاب کنید. آنها هم بعـــد از تحقیقاتی که می‌کردند، شخصاً راه‌شان را انتخاب می‌کردند و چیزی به آنها تحمیل نمی‌شـــد. علی‌رغم حرمتـــی که خانواده امام داشـــتند و معمولاً افراد بیگانه و نامحـــرم کمتر با آنها در تماس بود و از نوعی رعایت منطقی و حساب‌شـــده شـــرعی پیروی می‌کردند، به دلایلی اتفاقی افتاد که من ساعاتی با برخی از صبیه‌های امام هم‌صحبت شـــوم. ماجرا از این قرار بود که بعد از شـــهادت حاج‌آقا مصطفی، همسر امام در عراق تنها و داغدیـــده بودند و ضرورت داشت مونسی در کنارشان باشد. امام پیشنهاد داده بودند که یکی از صبیه‌های‌شـــان بیاید و در کنار مادر باشـــد. یکی از صبیه‌های امام که همســـر مرحوم آقای اعرابی – از بازاری‌ها و روحانی‌زاده‌هـــای معروف، متدین و اصیل قم– بود، بـــه عراق آمده بود و بنا بود از نجف سفری به لبنان یا دمشـــق داشته باشد؛ چون صبیه ایشان، تنها فرزندشان که عروس مرحوم آیت‌الله ســـلطانی بود، به اتفاق همسرش در دانشـــگاه بیروت تحصیل می‌کرد. بنا بود که من صبیه امام را به صبیه‌شـــان ملحق کنم. امام امر فرمودند که من همراه صبیه‌شان به لبنان و سوریه بروم، ایشان را به فرزندشان متصل کنم و برگردم. این همراهی توفیقی بود که ما با هم صحبت‌هایی داشـــته باشیم. در آن صحبت‌ها من احساس کردم ایشان چقدر اهل مطالعه و روشنفکر اســـت. در آن دوره که تازه مرحوم شریعتی فعالیت‌های تبلیغی خود را آغاز کرده بود، واکنش‌هایی در مجامع سنتی ایجاد شده بود؛ برخی از روحانیون و برخی مراکز سنتی مذهبی نوآوری‌های مرحوم شریعتی را برنمی‌تابیدند و عکس‌العمل‌ها، واکنش‌ها و انتقاداتی نسبت به آرای او داشتند. همین‌جا بگویم که خود حضرت امام تمامی آثار مرحوم شریعتی را مطالعه کرده بودند و یک دید واقع‌بینانه نســـبت به او داشتند. اگر هم نقدی داشتند، نقدی بود که خود دکتر قبول داشـــت و به دنبال همان پذیرش نقد بود که پذیرفته بود در بعضی آرا و اندیشه‌هایی که ارائه کرده بود، تجدید نظر کند و بزرگانی را هم برای نظردهی و راهنمایی تعیین کرده بود. به هر حال خود امام مخالف مرحوم شریعتی به حساب نمی‌آمدند و در عین حال سعی می‌کردند تحفظی داشته باشند، اما به عکس، مرحوم حاج‌آقا مصطفی تحت تأثیر القائات محافل سنتی، برخورد متفاوتی داشتند و ما نگران بودیم. من در آن صحبت‌ها دیدم که این صبیه حضرت امام، خواهر حاج‌آقا مصطفی، متأسف بود که چرا داداش از مطالعات روز فاصله گرفته است و معلوماتش به‌روز نیست.

یعنی مرحوم سیدمصطفی آثار مرحوم شریعتی را مطالعه نکرده بود و مخالفت داشت؟

بله، ایشان مطالعه نکرده بود. من دیدم که خود صبیه امام اهل مطالعه و تحقیق بود و تمامی آثار را مطالعه کرده و پیگیر بود. نوعی سمپاتی و علاقه داشت. به هر حال این امر نشان‌دهنده یک فضای باز و آزاد در زندگی خانواده امام بود. یک دختر ایشان می‌توانست در این حد مطالعات به‌روزی داشته باشد، یک پسرشان می‌توانست طور دیگری فکر کند و یک فرزندشان هم می‌توانست مثل مرحوم حاج‌احمد آقا باشد که روابط صمیمانه و خوبی با جامعه روشنفکری ایجاد کرد؛ با مرحوم آل‌احمد، مرحوم شریعتی، بزرگان دیگر و کانون‌های فعال روشنفکری که در آن ایام حضور داشتند، در تماس بود. من تصور می‌کنم با این توضیحات شما پاسخ سؤال خود را گرفته باشید.

منظور شما این است که وجه مشترک همه افراد این خانواده این بوده که هر کدام مسیرشان را با آزادی و اختیار خودشان انتخاب می‌کردند؟

بله. هیچ چیزی به آنها تحمیل نمی‌شد.

حاج آقا مصطفی در کنار امام چه نقشـــی داشـــت؟ آیا فعالیت‌هایش تنها در کنار امام و حمایت از ایشان بود یا علاوه بر این، خودش هم به صورت مستقل منشأ اثر بود؟

مرحوم حاج‌آقا مصطفی اســـتعداد فوق‌العاده درخشانی بود. کسی بود که در سنین نوجوانی به درجات عالی علمی حوزوی رســـیده بود. در حالی که دروس بالا را می‌خواند، تدریس می‌کرد؛ هم مدرس بود و هم متدرس؛ هم تحصیل می‌کرد و هم تدریس. شـــرایط بسیار ایده‌آلی هم برایش فراهم شـــد که بهترین بهره‌ها را از محضر پدرش برد. در شـــرایطی که در ترکیه در تبعید و فقط با پدر بود، بهره‌گیری‌های فراوانی از محضر پدر در مباحثه با ایشـــان و تحصیل در محضر پدر برد. در آنجا آنچـــه را تا آن زمان خوانده بود، بازخوانی و مجدداً بر پدر عرضه کرد. بعد هم که به نجف آمدند، این توفیق را داشـــت که هم از محضر پدر در درس عمومی استفاده می‌کرد و هم مطالعات شخصی داشت، خودش هم در حد یک مجتهد جامع‌الشرایط به الزامات اجتهاد خود عمل می‌کرد و آن تدریس درس خارج فقه و اصول بود. ایشـــان یک مدرس برجسته بود. در کنار اینها کار تفسیر هم انجام می‌داد. من به خاطر دارم که به مناســـبتی من تفســـیر «پرتوی از قرآن» مرحوم طالقانی را به محضر امام بردم. ایشـــان وقتی این تفســـیر را خواندند، خیلی تحت تأثیر بینش و نوع برداشت مرحوم آقای طالقانی قـــرار گرفتند و به من توصیه کردند این تفســـیر را در اختیار حاج آقا مصطفی قرار دهم؛ چون حاج‌آقا مصطفی روی تفسیر کار می‌کند و این تفسیر می‌تواند راهنمای او باشـــد و به شیوه تحقیق او کمک کند. البته بعداً علاقه‌مندان ایشـــان آثارشان را چاپ کردند که آثار قابل عرضه‌ای هم هستند. با این حال حاج‌آقا مصطفی مطالعات روز را در آن حد نداشت و کتاب‌های جدیدی را که از ایران می‌آمد و حتی روزنامه‌هایی را که از ایران می‌آمد، مطالعه نمی‌کرد به این دلیل که بر اثر درگیر شدن جدی در مباحث حوزوی و مطالعات و تحقیقات خودش فراغتی برای این کار نداشـــت. به همین دلیل هم از برخی نوآوری‌هایی که در آن ایام بود، فاصله داشت. من یک بار در مراجعه‌ای به عنوان گله به ایشان گفتم امام وقتی در سنین نوجوانی‌شان بودند، کتاب‌هایی می‌نوشتند که خوراک روشنفکران روز بود؛ «کشف‌الاســـرار» را می‌نوشتند و به شبهات روز پاســـخ می‌دادند، کاش شما هم این فراغت را می‌داشتید و با مطالعه آثاری که الآن عرضه می‌شـــود نیازهای روز جامعه ما را بررسی می‌کردید. ایشان گفتند اشتغالاتم اجازه نمی‌دهد، باشد برای فرصت‌های آینده. یقیناً اگر این فرصت برای‌شان پیش می‌آمد، ایشان هم مثل اخوی‌شان، حاج‌احمد آقا، در مسیر این نوآوری‌ها قرار می‌گرفتند.

حاج‌آقا مصطفی یکـــی از چهره‌های برجسته درس پدر بود. درس امام در نجف با دروس متداول خارج که در نجف بود تفاوت داشت. معمولاً مراجع برجسته نجف هنگام تدریس درس خـــارج، کمتر اجازه می‌دادند مستشکلی اشـــکال بگیرد، به عکس امام که وقتی درس‌شان را شروع کردند، اول احساس کردند کسی اشـــکال نمی‌گیرد، فرمودند ما روضه نمی‌خوانیم، آمده‌ایم مباحثه کنیم، قوام یک مباحثه به طرح ســـؤال و اشکال است وَ من از اشکال اســـتقبال می‌کنم. به دنبال این تأکید بود که علاقه‌مندان تشویق شدند که با ایشان در مباحث علمی درگیر بحث شوند. جمع برجسته‌ای به عنوان مستشـــکلین درس امام مطرح شدند که از علمای مطرح نجف و فضلا و برجســـتگان مدرسین نجف بودند و در دانش بالا شهره بودند. یکی از آنها مرحوم آقا سیدعباس خاتم بود که از اصحاب اســـتفتای امام شد، دیگری آقای آیت‌الله کریمی مازندرانی بود که الآن در قم هستند، آقای اشرفی شـــاهرودی و مرحوم آقای قدیری بودند، آقای سیدمحمود شاهرودی که رئیس قوه قضاییه شد، مستشکلین دیگری هم بودند و پیشاپیش و سرآمد همه اینها مرحوم حاج‌آقا مصطفی بود که در درس پدر درگیر می‌شد و جدی هم مباحثه می‌کرد. گاهی امام تعابیری می‌کردند که نشان می‌داد ایشان به علمیت فرزندشان اعتقاد دارند. مثلاً در پاسخ به سؤالی که حاج‌آقا مصطفی می‌پرســـید، امام بعد از توضیح می‌فرمودند مصطفی از تو بعید است؛ یعنی تو باسوادی و مبانی را می‌دانی و نباید این حرف را بزنی. این نشـــان‌دهنده برداشتی بود که امام نسبت به حاج‌آقا مصطفی داشت. در تعبیری هم که امام بعد از شهادت مرحوم حاج‌آقا مصطفی کردند که «مصطفی امید آینده اسلام بود»، خیلی حرف هست. امام کسی را امید آینده اسلام می‌داند که از هر جهت سرآمد باشد؛ هم از نظر تقوا، هم از نظر دانش و هم از نظر صلاحیت‌های اجتماعی و اخلاقی که باید وجود داشته باشد. مرحوم حاج‌آقا مصطفی در این حد از کمالات بود.

فعالیت‌های ایشان در امر مبارزه علاوه بر پشتیبانی از امام، به چه صورت بود؟

در امر مبارزه و در امر نهضت طبیعتاً ایشان به راه پدر معتقد بود و بدون اجازه و مصلحت پدر اقدامی نمی‌کرد. البته ممکن بود در بعضی اقدامات مقدمتاً از امام اجازه نگیرد، به امام اطلاع ندهد و



درباره امری شخصاً اقدام کند که البته آن هم به دلیل تشخیصی بود که داشت چون به هر حال خود ایشان عنصر باصلاحیت و صاحب‌نظری بود که می‌توانست تصمیمی بگیرد. اما آن تصمیم را طوری انتخاب می‌کرد که مطمئن باشد در راه و سلیقه و خط مشی پدر خدشه‌ای وارد نمی‌کند. نمونه‌اش تصمیم‌گیری برای استفاده از موج رادیویی بود. وقتی بنا شد از امکانات فرستنده‌های عراق برای تبلیغ استفاده شود، این یک حرکت ریسک‌مانند بود، امکان داشت تبعات منفی داشته باشد و عده‌ای بگویند ما داریم از امکانات بیگانه در تبلیغات خود استفاده می‌کنیم. در نتیجه ممکن بود این اقدام دامن امام را به این اتهام آلوده کند که ایشان به یک قدرت و جناح بیگانه وابسته شده‌اند. اینجا بود که ایشان بدون اجازه پدر پیشنهاد داد که بهره‌گیری از موج رادیویی عراق آغاز شود. گفته شد که اگر این حرکت مورد استقبال واقع شد، جامعه ایرانی آن را پذیرفت و موفق بود، طبیعتاً امام هم وقتی مطلع شد، از این حرکت موفق و تأثیرگذار حمایت خواهد کرد، اما اگر به دلایلی ناموفق بود و بنا بود به عنوان یک حرکت غیرموجه متوقف شود، دامن امام آلوده نمی‌شود؛ چون این اقدام بحق بدون اطلاع ایشان صورت گرفته و بحق ایشان از این مسأله مطلع و آگاه نبودند. ممکن بود گاهی مسائلی از این قبیل به وجود بیاید. در رابطه با فعالیت‌های مبارزاتی انقلابی هم می‌دانیم که امام خط مشی مسلحانه را قبول نداشتند و با آن مخالف بودند. به همین دلیل ایشان هیچگاه جمعیت فداییان اسلام را تأیید نکردند یا حرکت سیدجمال‌الدین اسدآبادی را که امر کرده بود ناصرالدین شاه را ترور کنند و میرزا رضای کرمانی از ایشان اجازه گرفته بود، تأیید نمی‌کردند. در دوره‌ای که نماینده ما در سفارت مصر آقای خسروشاهی بودند، اخوان‌المسلمین و گروه‌های جهادی مصری از ایشان سؤال کرده بودند که اگر امام و مقامات بلندپایه انقلاب اسلامی ایران اجازه دهند برای ما این امکان وجود دارد که ولیعهد و مادرش را که سالی یک مرتبه سر قبر محمدرضا پهلوی می‌آیند، در قاهره ترور کنیم. آقای خسروشاهی آمده بودند خدمت امام و گفته بودند چنین سؤالی را از ما پرسیده‌اند، آیا شما اجازه می‌دهید؟ امام قویاً منع کرده و گفته بودند به چه حقی این کار بشود؟ این نظر نشان‌دهنده مشی امام در مبارزه و روش ایشان در فعالیت‌های سیاسی بود، اما حاج‌آقا مصطفی گاهی متفاوت با این نظر امام، اجازه می‌داد ما دوستانی که در نجف بودیم فعالیت‌های مسلحانه داشته باشیم؛ یعنی حداقل آشنایی با سلاح و مواد انفجاری پیدا کنیم. همین‌طور ایشان گروه‌های جهادی را که آن موقع فعالیت‌های مسلحانه داشتند می‌پذیرفت و با آنها ارتباط داشت. البته خود حاج‌آقا مصطفی یک فقیه صاحب‌نظر و مجتهد مسلم بود و این مشی متفاوت را با پدرش داشت. ایشان ارتباطاتی با گروه‌های مختلف سیاسی داشت، رابط مطمئنی بین جناح‌های مختلف داخل و خارج ایران با پدر بود و اطلاعات را در اختیار پدر قرار می‌داد. نکته دیگر اینکه امام در پرداخت هزینه‌هایی که دوستان فعال و مبارزی که در عراق بودند نیاز داشتند، احتیاط می‌کردند، اما حاج‌آقا مصطفی این نقیصه را جبران می‌کرد و با وجوهاتی که گاهی در اختیار داشت، نیازهای دوستان را تأمین می‌کرد.

به نظر شما با توجه به اینکه امام خمینی و سیدمصطفی خمینی هر دو فقهای صاحب‌نظری بودند، ریشه این اختلاف نظر آنها در زمینه مبارزه مسلحانه چه بود؟

من نمی‌خواهم بگویم حاج‌آقا مصطفی در اقدامات مسلحانه‌ای که ممکن بود صورت بگیرد، آمر بوده است. در فضایی که آن موقع برای اپوزیسیون داخل و خارج وجود داشت، ایشان نمی‌خواست یکسری تحرکات را که می‌توانست رژیم را در بعضی نقشه‌ها و برنامه‌هایش ناکام کند، منع کند. من در این زمینه که ایشان آمر باشد یا حرکتی را دستور دهد، اطلاعی ندارم.

اختلاف‌نظرهای دیگری در زمینه فعالیت‌های مذهبی، سیاسی یا مبارزه بین ایشان و امام نبود؟

نخیر. چیزی غیر از این نبود.

پس از درگذشت حاج‌آقا مصطفی، سیداحمد خمینی چقدر توانست جای او را برای امام خمینی پر کند و نقش برادر را در مبارزه و انقلاب ادامه دهد؟

خیلی بهتر از مرحوم حاج‌آقا مصطفی. مرحوم حاج‌آقا مصطفی از نظر علمی و موقعیت‌های حوزوی و فقاهتی می‌توانست به عنوان یک چهره برجسته علمی، در کنار پدر بدرخشد و برای امام افتخاری بود که فرزند برجسته‌ای از نظر موقعیت‌های علمی و اجتهادی دارند که می‌تواند در آینده، بالقوه موقعیت خیلی بالایی داشته باشد. با این حال در تحرکات بعدی امام از هجرت‌شان از نجف به کویت، بعد به پاریس و بعد به ایران، اگر مرحوم حاج‌آقا مصطفی حیات می‌داشت، چه بسا به دلیل اشتغالات و درگیری‌های علمی، این قدرت تحرک را نمی‌داشت که آن طور عمل کند که مرحوم حاج‌احمد آقا به عنوان یک نیروی توانمند و یک سپر توانا در کنار امام قرار داشت. مرحوم حاج‌احمد آقا در پرتو تجربیاتی که در ایران آموخته بود، ارتباطاتی که با محافل مختلف سیاسی و روشنفکری در ایران داشت، کادرسازی‌هایی که داشت، کانون‌هایی که ایجاد کرده بود و عناصری را به عنوان یک تشکل زیرزمینی موفق در امر مبارزه در کنار یاران حضرت امام در ایران و بعد که به عراق آمد، در عراق ایجاد کرده بود، با مطالعاتی که در زمینه‌های مختلف داشت و آشنایی با نوآوری‌ها، عنصر متفاوتی بود که در کنار پدر قرار گرفت. البته او با یک تشنگی و علاقه فوق‌العاده سعی می‌کرد در کنار امام، از امام فرابگیرد و راه انتخاب کند. بعد از شهادت مرحوم حاج آقا مصطفی، به بیت امام هم نظم و نسقی داده بود. ایشان کانونی ایجاد کرد که دوستان با بینش جدید و متد نوینی سعی کنند در کنار امام و با اشتغال به فعالیت‌های مبارزاتی و علمی در نجف حضور پیدا کنند. ایشان با یک تیزبینی و هوشمندی درباره گروه‌هایی که مراجعه می‌کردند، قضاوت می‌کرد و سعی می‌کرد در قضاوت خود هم عجله نکند. هیچ گروهی را نمی‌رنجاند و با هیچ گروهی هم عقد برادری نمی‌بست. سعی می‌کرد همه را با یک شیوه منطقی و معقول نگه دارد، از همه پتانسیل‌ها و توانمندی‌ها استفاده می‌کرد، همه استعدادها را به کار می‌گرفت و به همین دلیل در جریان هجرت امام به عنوان یک مشاور و یاور بسیار نیرومند در کنار امام درخشید. در پاریس اجازه نداد امام برای یک جریان، گروه یا طیف مصادره شود و در عین حال سعی کرد از همه توانمندی‌ها و استعدادهایی که در آنجا وجود داشت، در راه پیشبرد اهداف و آرمان‌های پدر استفاده کند. مثل یک پروانه دور پدر می‌چرخید و واله و شیدای او بود. بهترین و زیباترین پاداشی که گرفت، تعبیراتی بود که امام درباره او به کار برد که بسیار زیبا و حق‌شناسانه بود. امام نگرانی‌هایی داشت که مخالفان امام از او انتقام بگیرند و پیشاپیش به او هشدار داده بود. او را تزکیه کرده بود؛ یعنی می‌توان گفت مرحوم حاج‌احمد آقا در کنار امام، یک دوران عرفان عملی و عرفان واقعی و حقیقی را آموخت و درک کرد. البته استعداد پذیرش عرفان نظری را هم داشت، چه‌بسا مطالعاتی هم در این زمینه داشت و با امام مباحثی را دنبال می‌کردند.

پس از انقلاب در دورانی که امام تشخیص داده بودند بعد از انتخابات اول ریاست جمهوری و جریاناتی که در کشور اتفاق افتاد، دورانی را با بی‌طرفی کامل و با خیرخواهی نسبت به همه جریان‌ها و طیف‌ها نظر بدهند و عمل کنند. مرحوم حاج‌احمد آقا هم دقیقاً همین روش را داشت؛ سعی می‌کرد با همه گروه‌ها و جریان‌ها در ارتباط باشد و طوری رفتار کند که راز هیچ‌کدام را به هیچ‌کس منتقل نکند و با صداقت کامل، وفای به عهد کامل و امانت‌داری کامل با همه جریان‌ها ارتباط برقرار کند، به نفع پدر عمل کند و در پیشبرد راه و آرمان پدر موفق باشد. امام هم این ویژگی‌ها را در احمدآقا به زیبایی درک می‌کردند. ممکن بود طیفی در درون حزب جمهوری اسلامی ایران از موضع‌گیری‌های حاج‌احمد آقا نسبت به یک طیف آزرده باشند، طیف مقابل یا جریان بنی‌صدر یا جریان نهضت آزادی هم ممکن بود درباره برخورد حاج‌احمد آقا با گروه‌ها و طیف‌های دیگر نظرات متفاوتی داشته باشند. همه اینها را تحمل می‌کرد و همه تبعات منفی، آزردگی‌ها، گلایه‌ها و چه‌بسا طعنه‌ها را به جان می‌خرید، ولی در نهایت آنچه برایش اهمیت داشت، رضایت پدر و عمل به تشخیص پدر بود، پدر تشخیص داده بود که باید بی‌طرف بود، بی‌طرف می‌ماند، پدر تشخیص داده بود که باید فداکاری، از خودگذشتگی و سکوت کرد، سکوت می‌کرد. بعد از رحلت امام نیز در جریان رحلت، حاج‌احمد آقا زیباترین حرکت ممکن را در مسیر آرمان پدر انجام داد. دکترین پدر ولایت فقیه و حکومت اسلامی بود و او در تحکیم این دکترین و در تحقق تعیین شایسته ولی فقیه بعد از پدر بیشترین فداکاری را کرد و بعد از اینکه ولی فقیه تعیین شد، صادقانه خودش را عرضه کرد، خودش را به عنوان یک خادم و پیرو مطرح کرد و آنچه را در اختیار داشت، در اختیار ولی فقیه بعدی قرار داد، حتی منزل موروثی‌ای را که از پدر مانده بود. منزل امام در قم به عنوان یک مرکز فرهنگی، یک مرکز بزرگ اجتماعی و یک مرکز بزرگ حکومتی مطرح بود. این منزل موروثی بود و به صورت ارث به احمدآقا و خواهرانش رسیده بود. حاج‌احمد آقا خواهران را راضی کرد که این منزل را در اختیار ولی فقیه زمان قرار دهند، آن را به مقام معظم رهبری منتقل کرد و با کمال پاک‌دستی و امانت‌داری زندگی کرد. امام در دوران مرجعیت و زعامت‌شان چه بسا در تمام تاریخ تشیع، از متمکن‌ترین و صاحب‌اختیارترین مراجع و از شخصیت‌های بلندپایه مرجعیت بود. ایشان فقیهی جامع‌الشرایط و مرجعی بود علی‌الاطلاق. جهان تشیع قبولش کرده بود و سیل وجوهات به طرف امام جاری بود. در کنار آن امکانات دیگری هم وجود داشت که امام می‌توانست به عنوان یک رهبر و پیشوای علی‌الاطلاق از آنها استفاده کند. وقتی که امام از دنیا رفتند، آنچه در اختیار امام بود؛ شامل وجوهات، حساب‌های بانکی مربوط به امام، نقدینگی‌ها اعم از ریالی و ارزی، و اموال دیگری که مربوط به رهبری امام بود، در اختیار حاج‌احمد آقا قرار گرفته بود. احمد آقا ظرف ۲۴ ساعت تمامی آنچه را در اختیار داشت، به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم واگذار کرد که رهبرشان آقای فاضل لنکرانی و سایر بزرگانی بودند که در حد مرجعیت بودند. ایشان تمام وجوه را منتقل کرد؛ یعنی بعد از ۲۴ ساعت حاج‌احمد آقا به طلبه‌ای تبدیل شد که هیچ‌چیز ندارد، می‌تواند از مسیر حوزه ارتزاق کند و برایش شهریه تعیین کنند. این برای ما بزرگ‌ترین درس است که جانشین پیشوایی که در آن حد از تمکن، اقتدار و توانایی مالی بوده، خودش را بحق در این جایگاه قرار دهد. بعد از آن هم ایشان اوامری را که رهبری داشتند، می‌پذیرفت. به دستور آقا، ایشان تولیت آستان پدرش را پذیرفت و در مسیر بود.

حاج‌احمد آقا در اواخر عمر خودش را در شرایطی قرار داد که کاملاً پالایش شد. سعی کرد خودش را از آنچه تصور می‌کرد آلودگی‌های سیاسی و اجتماعی است، پالوده و پاک کند، دورانی را به ریاضت می‌گذراند، از اجتماعات فاصله می‌گرفت، به دهاتی در اطراف شهرستان قم می‌رفت و در منطقه‌ای به صورت گمنام محل محقری را انتخاب و سعی می‌کرد در آنجا با حداقل‌ها زندگی‌اش را بگذراند. عبادت و نیایش می‌کرد، شب‌ها بیدار بود و با خدا راز و نیاز داشت و سعی می‌کرد آنچه را فکر می‌کند به عنوان ناشایستگی‌های اخلاقی و رفتاری در وجودش بوده پاک کند، خودش را پالوده کند و خودش را آماده ملاقات با حضرت حق کند. سعادتی که حاج‌احمد آقا در زندگی‌اش داشت این بود که در سفری که با مرحوم اخوی‌اش به سوریه و لبنان رفته بودند، با شخصیتی مواجه شدند که به او الهاماتی می‌شده است. در نشستی که مرحوم حاج‌آقا مصطفی، مرحوم حاج‌احمد آقا و آقای سیدمحمد بجنوردی بودند، این شخصیت به آنها نزدیک شده، ابتدا به حاج آقا مصطفی رو کرده، از ایشان مشخصاتی پرسیده، ظاهراً دست او را نگاه کرده و به او گفته بوده شما به هدفی که دارید نمی‌رسید و تا چند ماه دیگر از دنیا خواهید رفت. این برای حاج‌آقا مصطفی خیلی گران بوده که یک نفر مرگ و ناکامی‌اش را در اهدافش پیشگویی کند. آن شخص درباره آقای بجنوردی هم پیش‌بینی‌ای کرده که پیش‌بینی بدی نبوده است و وقتی به حاج‌احمد آقا رسیده، به او گفته بوده تو به همه اهدافت می‌رسی و موفق خواهی شد؛ درواقع او همه موفقیت‌ها و پیروزی‌های بعدی او را در کنار امام پیش‌بینی کرده است. آنها اعتنایی نمی‌کنند، اما وقتی ماجرای رحلت حاج‌آقا مصطفی رخ می‌دهد، حاج‌احمد آقا به فکر فرو می‌رود که این شخص که بود که چنین پیش‌بینی‌ای کرد. خیلی هم دلش می‌خواست او را دوباره ببیند، اما دیگر نمی‌توانست. تا اینکه بعد از رحلت امام، حاج‌احمد آقا در سال پایانی حیاتش باخبر می‌شود که این شخص در جماران است. سراسیمه به تنهایی، بدون محافظ و راننده خودش به سراغ این شخص می‌آید، لحظاتی با هم می‌نشینند و او به حاج‌احمد آقا می‌گوید تو عید امسال را درک نمی‌کنی؛ یعنی ایشان پنج – شش ماه قبل از رحلتش این پیش‌بینی را شنیده بود. این برای انسان موفقی که در زندگی یار و یاور پدرش بود، سعادتی بود. پدر از او راضی بوده، عاشقانه خدمت کرده و به دور از هر آلودگی مادی و به دور از طمع‌ورزی به هر مال و منال و موقعیتی، خودش را به مقطعی رسانده که داشته خودش را پاک می‌کرده، بعد هم به او خبر داده‌اند که چند ماه دیگر از دنیا خواهی رفت تا کاملاً خودش را برای آن روز آماده کند. درواقع خداوند این توفیق را به او داد که با آمادگی کامل به دیدار حق برود.

بعد از انقلاب، نقش سیداحمد خمینی در بیت امام، به چه صورت و در چه حد بود؟ گفته می‌شود بعضی تصمیمات را او می‌گرفته ولی تلقی و تصور این بوده که اینها تصمیمات امام است.

اینها دروغ است. وقتی شما نامه‌های امام خمینی را درباره ایشان بخوانید، می‌بینید که پاسخ

همه اینها داده شده است.

مثلا اعضای نهضت آزادی می گویند نامه امام درباره نهضت آزادی را سیداحمد خمینی نوشته است.

من از این موضوع اطلاع ندارم.

نمونه دیگر این است که گفته می‌شود او در عزل آقای منتظری نقش داشته است. این موضوع تا چه حد درست است؟

کاملاً عکس است. حاج‌احمد آقا در حل مسأله امام و آقای منتظری خیلی تلاش می کرد تا موضوع به یک سامان برسد که آقای منتظری امام را درک کنند، ولی متأسفانه موضوع به نتایج دیگری انجامید. تا قبل از تصمیم امام و قبل از اعلام نظر نهایی حضرت امام، مرحوم حاج‌احمد آقا خیلی اصرار داشت آقای منتظری را متقاعد کند که نظر امام را بپذیرند و شرایطی پیش نیاید که عکس‌العمل و حساسیتی برانگیخته شود، ولی متأسفانه موضوع به جایی رسید که امام ناگزیر از تصمیم‌گیری شدند و تصمیمی اتخاذ کردند که به جریان انزوای آقای منتظری انجامید. البته امام در پایان مایل بودند آقای منتظری به عنوان یک شخصیت علمی و آکادمیک در حوزه منشأ اثر باشند، تدریس کنند و از وجودشان استفاده شود، اما شرایط دیگری پیش آمد. به هر حال بعد از اینکه امام اعلام نظر کردند، حاج‌احمد آقا در کنار پدر قرار گرفت. ایشان برای تثبیت نظر امام و نتیجه‌ای که امام مایل بودند گرفته شود، همت و تلاش کرد، البته با رعایت خیلی از موازین اخلاقی؛ ایشان اهانت به آقای منتظری را لازم، واجب و ضروری نمی‌دانست، بلکه جایز نمی‌دانست. دلش می خواست همان طور که امام نهایتاً نظرشان این بود که از شخصیت آقای منتظری به عنوان یک شخصیت علمی و حوزوی استفاده شود، این فضا به وجود بیاید.

در رابطه با نهضت آزادی هم من مطمئنم حاج‌احمد آقا بدون نظر و اجازه امام هیچ تصمیمی نگرفته و هیچ اقدامی نکرده است. من شرعاً نمی‌توانم چنین چیزی را قبول کنم که ایشان را متهم کنند نظری را تحمیل کرده یا نظری را از طرف امام ابراز کرده است. البته درباره این موضوع دو مقوله وجود دارد؛ یک مقوله احترام و حرمت به بنیان‌گذاران نهضت آزادی است؛ مثل مرحوم آقای طالقانی، مرحوم آقای بازرگان، مرحوم آقای سحابی و کسانی که در این ردیف بودند و یک موضوع خط مشی یک جریان سیاسی به صورت حزب و تشکیلات نهضت آزادی است. مطمئناً هم امام و هم مرحوم حاج‌احمد آقا نسبت به شخصیت این افراد حرمت‌گذار بودند. حتی من یادم هست اواخر حیات حضرت امام، روزی در بیت ایشان بودم که مرحوم آقای بازرگان، مرحوم آقای سحابی و مرحوم آقای صدر حاج‌سیدجوادی خدمت امام رسیدند و با حرمت و ادای احترام با آنها رفتار می‌شد. هم حاج‌احمد آقا آنجا حضور داشتند، هم اصحاب دفتر بودند، هم خود حضرت امام هم لطف داشتند و آنها را پذیرفته بودند. طبیعتاً آقایان اگر نظر یا انتقادی هم داشتند، خیلی راحت مطرح می کردند و پاسخ هم می‌شنیدند. یا مثلاً تسلیتی که مقام معظم رهبری بعد از رحلت مرحوم آقای بازرگان، به آقای سحابی فرستادند، نظر و احترام ایشان به شخصیت معنوی و شخصیت تأثیرگذار چنین بزرگانی در زمان حیات‌شان را هم نشان می‌دهد. ممکن است از نظر مشی سیاسی و تلقی آنها از مسائل اجتماعی و سیاسی زاویه‌ای وجود داشته باشد که به جای خودش محفوظ است، ولی حرمت و شخصیت این افراد همیشه محفوظ بوده است. من یادم هست که بعد از رحلت حضرت امام، روزی مرحوم حاج‌احمد آقا به عیادت بیماری در بیمارستان دی رفته بودند و آنجا می‌شنوند که آقای بازرگان هم بستری هستند، به عیادت ایشان می‌روند، احوال‌شان را می‌پرسند و خیلی با صفا و لطف و صمیمیت با یکدیگر برخورد می‌کنند.

جریان حلالیت‌خواهی سیداحمد خمینی از مهندس بازرگان هم همان موقع بوده است؟

شاید. البته حلالیت‌خواهی را نمی‌دانم. به هر حال در دل‌جویی ممکن است تعابیری باشد که مثلاً معذرت‌خواهی هم بشود. من دقیقاً مضامینی را که رد و بدل شده، نمی‌دانم، ولی می‌دانم برخورد بسیار صمیمی و خیلی مغتنمی بود که آنجا برای ایشان به وجود آمد و لحظات طولانی هم نزد آقای بازرگان نشستند و درددل کردند. طبیعتاً در این مجال‌ها تعابیر خوشایندی وجود دارد. یکی از این تعابیر ممکن است این باشد که اگر در گذشته چیزی بوده، بگذریم.

درباره رابطه سیداحمد خمینی با مجمع روحانیون مبارز هم بحث‌هایی بوده مبنی بر اینکه ممکن است این مشی ایشان باعث شود بیت امام از بی‌طرفی در مسائل دور شود.

البته امام در مقاطعی تشخیص می‌دادند که در برخی جریانات تندروی‌هایی وجود دارد و برای کنترل آنها تدابیری می‌اندیشیدند. ایشان به این نتیجه رسیده بودند که جریان حزب جمهوری اسلامی ایران دارد به مسیری می‌رود که شاید اگر بزرگان و شخصیت‌های منزه و پاک‌سرشتی در جریان حزب جمهوری اسلامی آسیب نبینند، بهتر باشد و برای مصون ماندن آن شخصیت‌ها و آن بزرگان تشخیص دادند که میان آن بزرگان و حزب فاصله‌ای گرفته شود، طبیعتاً حزب رو به افول رفت و تعلیق شد. در جریان جامعه روحانیت مبارز هم امام با گلایه‌هایی مواجه شدند که بعضی از دوستان عضو جامعه روحانیت مبارز به محضرشان رساندند و پیشنهاد آنها را شنیدند که برای مصون ماندن از تبعات خط سیر یک جریان، خوب است تشکل دیگری به وجود بیاید که این تشکل نوعی کنترل‌کننده یا دربرگیرنده جریاناتی باشد که الآن از جامعه روحانیت مبارز فاصله گرفته‌اند. وقتی این مسائل مطرح می‌شود، امام هم با منطق روبه‌رو می‌شوند و می‌پذیرند که تشکل جدیدی هم در کنار جامعه روحانیت باشد، بدون اینکه بخواهند جامعه روحانیت را تخطئه کنند، بلکه مکمل هم باشند و به این ترتیب حاج‌احمد آقا که همیشه رابط بین همه جریانات با امام بوده، در مسیر این جریان هم قرار می‌گیرد.

یعنی ارتباط بیشتری بین سیداحمد خمینی و مجمع روحانیون مبارز وجود نداشت؟

با بعضی از اعضایش چرا، اما این به آن معنا نبود که ایشان نسبت به عناصر دیگری در جامعه روحانیت بی‌حرمتی کند یا با آنها فاصله داشته باشد. در جامعه روحانیت مبارز هم شخصیت‌های ارجمندی مثل مقام معظم رهبری، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی حضور داشتند که اشخاص محترمی بودند و مرحوم حاج‌احمد آقا با آنها روابط خیلی گرم و صمیمی‌ای داشت، اما ممکن بود در بدنه جامعه روحانیت، تفکرات و سلیقه‌هایی وجود داشته باشد که عامل دفع برخی از نیروهای وفادار به انقلاب و نظام باشد. به همین دلیل تشخیص داده شد که این حرکت صورت بگیرد وگرنه مرحوم حاج‌احمد آقا همان علاقه‌ای را که به آقای خوئینی‌ها داشت، به مقام معظم رهبری هم داشت، همان علاقه‌ای را که به آقای خاتمی داشت، نسبت به آقای هاشمی رفسنجانی هم داشت، همان اعتقاد و علاقه‌ای که آن موقع به آقای کروبی داشت، نسبت به آیت‌الله مهدوی کنی یا آیت‌الله امامی کاشانی هم داشت. به هر حال اینها نشان نمی‌دهد که حاج‌احمد آقا جریانی را طرد کرده یا به جریانی پیوسته و آن را جذب کرده است. اما موضوع این بود که چه اشکالی دارد در مسیر تشخیص امام و برای اینکه عناصر درون نهضت و درون انقلاب امکان بالندگی و فعالیت سیاسی داشته باشند، تشکل‌های مختلفی باشد؟ اینها می‌توانند مکمل یکدیگر باشند.

از نظر شما می‌توانیم این تعبیر را درست بدانیم که سیداحمد خمینی ارتباطی با خط امامی‌ها داشتند که می‌توان گفت پدرخوانده آنها محسوب می‌شدند؟

ایشان خدمت به پدرش را در این می‌دانست که همه را در خط پدرش تلقی کند و این تصور به جامعه القا نشود که عده‌ای در خط امام هستند و عده‌ای نیستند. او می‌خواست همه را در مسیر امام قرار دهد و همه را علاقه‌مند به امام می‌دانست، اما ممکن است جریانی را صمیمی‌تر، متعصب‌تر و حاضرتر در صحنه در کنار امام ببیند و جریانی آن طور باشند که اگر حادثه‌ای اتفاق افتاد، نشان بدهند که وفادار هستند و خواهند بود. به هر حال اینها واقعیاتی است و نمی‌خواهیم خدایی‌ناکرده بگوییم ایشان یک جریان را خط امامی‌تر می‌دانست و جریانی را ضد امام می‌دانست. نه، این‌طور نبود. ایشان همه را علاقه‌مند به امام می‌دانست و رسالتش این بود که همه را در کنار امام نگه دارد و عواطف همه را نسبت به امام جذب کند. ایشان می‌دانست که امام نسبت به همه علاقه دارد و خیرخواه همه است.

در حال حاضر سیدحسن خمینی، فرزند سیداحمد خمینی، در معادلات سیاسی چه نقش و جایگاهی دارد؟ آیا می‌توان گفت ایشان به طور کامل در اردوگاه اصلاح‌طلبان قرار دارند؟

من به دلیل اعتقادی که به باطن پاک امام و به خلوص راه امام دارم، معتقدم از تفضلات الهی برای امام این بود که یادگاران عزیز و ارجمندی را برای ایشان پدید آورد. مرحوم حاج‌احمد آقا به زیبایی راه پدر را ادامه داد، اعتبار راه و مسیر پدر را حفظ کرد و بلکه آن را اعتلا بخشید با شیوه تعاملش در جامعه، وفاداری‌اش به دکترین امام که ولایت فقیه بود و او واقعا به این دکترین وفادار بود و از تقویت‌کنندگان جدی ولایت بعد از پدر بود.

سرنوشت حاج‌احمد آقا این بود که از دنیا بروند. خداوند فرزندانی به ایشان داده بود؛ سه فرزند که یک از یک بهتر. همه‌شان شایسته، پاک‌نهاد، بااستعداد و برخوردار از سلامت نفس و سلامت جسم هستند. همه این فرزندان از نجابت و صفای واقعی و از ادب و طمأنینه عجیبی نسبت به یکدیگر برخوردارند؛ برادرها حرمت حاج‌حسن آقا را خیلی خوب نگه می‌دارند. برادرها می‌توانند از نظر مطالعات در بعضی مسائل در ردیف ایشان باشند، ولی خودشان را شاگرد برادر می‌دانند، از تقویت‌کنندگان و تقریرکنندگان درس برادر هستند. با اصراری که حاج احمد آقا در تربیت درست و آزاد و شاداب بار آوردن فرزند داشت و همان‌طور که خودش در دوران زندگی‌اش شاداب بود؛ ورزش و تلاش می کرد، تحرک داشت و در برخوردهایش صمیمیت خاصی داشت، دلش می‌خواست بچه‌هایش هم همین‌طور باشند و انصافاً هم همین‌طور شدند. به خصوص حسن آقا که فرزند رشید دوران خودش بود. ایشان در جشن عمامه‌گذاری فرزندش حالت ویژه‌ای داشت؛ یک حالت شادابی و شیدایی داشت. من این افتخار را داشتم که در آن جشن حضور داشتم و افتخار عمامه‌گذاری ایشان را هم آیت‌الله سلطانی طباطبایی (پدربزرگ مادری سیدحسن خمینی) داشت. آیت‌الله سلطانی طباطبایی شخصیت وارسته و ارجمندی بود که قدرش دانسته نشد. قدر ایشان را فقط امام می‌دانست. بعضی متوجه شده بودند که امام به ایشان فوق‌العاده احترام می‌گذارد، بعد نه اینکه رشک و حسادتی باشد، بلکه بیشتر از روی تعجب در این‌باره سؤال کرده بودند و ایشان پاسخ گفته بودند «و ما ادراک ماالسلطانی؟» یعنی شما نمی‌دانید سلطانی کیست؛ گوهری است ناشناخته. بعد از پیروزی انقلاب که امام به عنوان رهبر انقلاب تلقی شدند و زمام امر انقلاب و اداره کشور بر عهده ایشان قرار گرفت، ایشان به عنوان یک ولی فقیه می‌بایست در امور تصرف می‌کرد. در این زمان امام به عنوان احتیاط برای آقای سلطانی پیغام می‌فرستند که شما به من اجازه امر ولایی بدهید. یعنی در ذهن امام این می‌آید که ممکن است آقای سلطانی اعلم باشد و شرط احتیاط این است که امام از یک ولی فقیه مطمئن و مرجعی که فقیه علی‌الاطلاق جامع‌الشرایط است، اجازه داشته باشد. پس با اینکه خودش هم در همان مقام است و به عنوان یک ولی فقیه جامع‌الشرایط مطرح است، مع‌ذلک برای احتیاط به آقای سلطانی پیغام می‌دهد که شما به من اجازه تصرف ولایی بدهید تا من از طرف فقیهی که به او اعتماد دارم، اجازه تصرف داشته باشم. آقای سلطانی امام را می‌شناخت و قبول داشت، علم و اجتهاد امام را قبول داشت، شاید اعلمیت امام را هم قبول داشت و با آن تواضع و فروتنی که ایشان داشت، برایش گران بود که چنین خواسته‌ای را اجابت کند و بپذیرد. ایشان به حرمت امام امتناع می کند و با تأکید و اصرار دوباره امام، ناگزیر اجازه می‌دهد. می‌خواهم بگویم که آیت‌الله سلطانی در کنار امام و در حضور امام در این حد از اهمیت بود. آقای سلطانی فرزندان برجسته‌ای داشت که همه در رشته‌های مختلفی صاحب‌نظر بودند و شایستگی‌هایی داشتند، اما هیچ‌کدام از آنها روحانی نشدند؛ گرچه شایستگی‌هایی داشتند، معمم نشدند. ایشان آرزو داشت که از تبارشان یک روحانی وجود داشته باشد و به هر حال راهشان را ادامه دهد. وقتی ایشان تصمیم حاج‌احمد آقا را بر طلبه شدن فرزندانش می‌شنود، استقبال می کند و حاج‌حسن آقا در دوران قبل از معمم شدن در قم به منزل آقای سلطانی می‌رود، در آنجا اتاقی در اختیارش قرار می‌گیرد و تحصیلاتش را آغاز می‌کند. البته ایشان به دبیرستان هم رفته بودند، اطلاع ندارم که دیپلم هم گرفته بودند یا خیر. اما به هر حال تحصیلات حوزوی را در سایه پدربزرگ‌شان آیت‌الله سلطانی که شخصیت جامع علمی حوزوی بود و از هر جهت در حد بسیار عالی اخلاقی و آرمانی و عرفانی منزه بوده است، آغاز می‌کند و با نظارت دقیق و دلسوزی ویژه پدربزرگ خیلی



سید حسن خمینی الآن دکترای فلسفه دارد، مدرس است ودرس خارج می‌گوید، مجتهد مسلم است، و با نوآوری‌هایش، آشنایی‌اش با زبان خارجی و تحقیقاتش در زمینه مسائل تاریخی، عنصری است که بحق یادگار شایسته‌ای برای آن بزرگوار است. خوشبختانه ایشان مورد احترام و علاقه مقام معظم رهبری هم هست؛ یعنی آقا نسبت به ایشان فوق‌العاده علاقه‌مند هستند. به دلیل همین وارستگی‌ها، ویژگی‌ها، کارآمدی‌ها و توانمندی‌های علمی و فراگیری‌های مختلف در علوم گوناگون در حال حاضر ایشان به عنوان یک شخصیت برجسته مطرح هستند.

خوب درس‌هایش را می‌خواند، پایه‌هایش را قوی و محکم می‌کند، سطوحش را به انجام می‌رساند و دانش‌آموخته‌ای می‌شود که در بهترین بستر و در بهترین شرایط، دانشی را فراگرفته و پایه‌های علمی خودش را تقویت کرده است. در کنار داشتن چنین پدربزرگی، روشن‌بینی‌های دایی‌ها و روشن‌بینی‌های مادرش هم نقش داشته است؛ چون مادرش فردی با ضریب هوشی بسیار بالاست که سال‌های متمادی توفیق مجالست و حضور در کنار امام را داشته و از محضر امام استفاده می‌کرده است، فلسفه خوانده، از امام درس فلسفه، عرفان و معرفت گرفته، رشد کرده و خودش به مراتب عالیه تحصیلی در فلسفه رسیده است. ایشان الآن دکترای فلسفه دارد و مدرس است. با داشتن یک مادر این چنینی، با تربیت سالمی در دامان یک مادر، با آموزه‌های روشن اجتماعی، هم دایی‌ها و هم مادرش به حاج‌حسن آقا کمک می‌کردند و او در این بستر رشد و معنویت روز به روز ارتقای علمی پیدا کرده است. ایشان مطالعات متفرقه هم داشته، به خصوص علاقه شدیدی به تاریخ داشته و مسائل ریشه‌ای، تحلیلی و بنیادی تاریخی را مطالعه کرده و به اعتقاد من حاج‌حسن آقا می‌تواند یک مجتهد در امر تاریخ تلقی شود. من خاطرم هست ایشان همه آثار مرحوم باستانی پاریزی را با دقت خوانده بود و خیلی دوست داشت آقای باستانی پاریزی را ببیند. یک روز من آقای باستانی پاریزی را به دفتر ایشان بردم، ساعت‌ها نشستند با هم صفا کردند. نوبت بعد آقای باستانی از حاج‌حسن آقا دعوت کرد و حاج‌حسن آقا به منزل او رفت و ساعت‌ها نشستند. ایشان آثار شخصیت‌های دیگری را هم که در امر تاریخ صاحب‌نظر بودند، مطالعه می‌کرد و نشست‌هایی با آنها داشت.

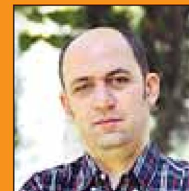
یکی از آرزوهای من این بود که این یادگار ارجمند و عزیز امام حتماً یکی- دو زبان خارجی را بیاموزد. من اصرار داشتم که شما زبان بخوانید. خوشبختانه ایشان پذیرفت و زبان انگلیسی را هم در همنشینی با همسر ارجمندش که او هم لیسانس زبان انگلیسی دارد، با ایشان خواند و هم در شرایط خوب دیگری که ایجاد شد؛ با استقبال سفیر ما که به امام علاقه‌مند و ارادت‌مند بود، برای ایشان در افریقای جنوبی شرایط خیلی خوبی فراهم شد و ایشان توانست به مدت شش ماه در پانسیونی در سفارت، اقامت کند و کاملاً به زبان مسلط شود. حالا مهارت ایشان در حدی است که می‌تواند راحت مکالمه کند، کنفرانس دهد و کتاب‌های علمی انگلیسی را به راحتی بخواند. عربی علمی را هم که در حوزه به‌خوبی آموخته‌اند، اما نمی‌دانم برای یادگیری عربی محاوره‌ای هم تلاش کرده‌اند یا نه. حاج‌حسن آقا پایه‌های علمی‌اش را محکم کرده و در چند درس مهم خارج حوزه هم شرکت کرده است. تا جایی که من می‌دانم ایشان شاگرد حضرات آیات وحید خراسانی و سیدعلی محقق‌داماد بوده‌اند و احتمالاً در درس‌های دیگری هم حضور داشته‌اند و به عنوان شاگردی برجسته، مورد احترام مدرسان‌شان هم بوده‌اند. خود ایشان به مرحله‌ای رسیده که الآن صلاحیت گفتن درس خارج را دارد؛ یعنی به مرحله‌ای از دانش و علم رسیده که ما اصطلاحاً به آن اجتهاد می‌گوییم. در گذشته می‌گفتند اگر کسی «کفایه» یا «مکاسب» را خوب درس بگوید مجتهد است. ایشان نه‌تنها در تدریس «کفایه»، «مکاسب» و «سطوح» دوره‌هایی را گذرانده، بلکه این آمادگی را داشته که درس خارج هم بگوید و در حال حاضر درس خارج ایشان یکی از مطرح‌ترین درس‌های خارج حوزه است. علت آن هم این است که ایشان شاگردان زیادی دارد. البته حرمت مراجع و مدرسین برجسته را نگه می‌دارد و حوزه درسی را هنوز در مدرسه شفاهی قرار داده‌اند. مدرس مدرسه دارالشفا است و ایشان نزدیک به ۲۰۰ نفر شاگرد دارد که شاگردان ممتاز هستند. ایشان با شیوه و متد علمی روز و با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های کامپیوتری و مجازی تدریس می‌کند و از شیوه‌هایی استفاده می‌کند که در سیستم مجازی هم امکان مراجعه به آن فراهم است. یعنی یکی از درس‌های مطرح است برای کسانی که در خارج از حوزه و در هر جای جهان بخواهند به آن مراجعه کنند و این موضوع به ابتکار دوستان و علاقه‌مندان ایشان که در درس‌شان حاضر می‌شوند شکل گرفته است. یکی از مقررین درس ایشان برادر دانشمندشان، علی آقای خمینی، است که چندین دوره تقریرات درس ایشان را به عربی چاپ کرده است. در کنار این مباحث، ایشان علاقه زیادی هم به مباحث تاریخی و کلامی داشته‌اند و کار جالب و ماندگاری را که مرحوم سیدمهدی روحانی انجام داده ولی ناقص مانده بود، با صرف سال‌ها وقت، با دقت و درایت خاصی که داشتند و با کمک تیمی آن را در قالب یک مجموعه کامل کردند که «دایره‌المعارف فرق اسلامی» است. ایشان برای این کار فوق‌العاده زحمت کشید؛ یعنی اگر مرحوم سیدمهدی روحانی یک ششم آن مجموعه را تدوین کرده بود، ایشان شش برابر کار کردند و آن را کامل و جامع کردند. این کار در سه جلد عرضه شد و در چاپ اول، برنده جایزه کتاب سال شد که ایشان گرفتار بودند و جایزه را اخوی‌شان گرفتند. این جایزه هم برای علاقه‌مندان و هم برای ما که ناشر آثار ایشان بودیم، افتخاری بود. ایشان گاه‌گاهی مقالات خوبی می‌نویسد. مثلاً در سالگرد رحلت مرحوم آیت‌الله سلطانی ایشان شرح بسیار زیبایی از هم‌نشینی با ایشان، استفاده از محضر آقای سلطانی و بیان خصلت‌های معنوی و فضایل اخلاقی و آرمانی آن مرحوم نوشته بود که مقاله ماندگاری است. آثار دیگری هم از ایشان چاپ شده است. مقالاتی که ایشان تا به حال نوشته‌اند، عبارتند از: «انقلاب امام خمینی در گام سوم»، «مبانی تنظیم خانواده و کنترل جمعیت از دیدگاه فقه و حدیث»، «تبیین مستندات فتوای امام خمینی در مسئله استظلال»، «شبهه عبائیه و آرای اصولی امام خمینی در زمینه قاعده استصحاب»، «اصل شرطیت قدرت در تکالیف و تأثیر آن بر اندیشه سیاسی امام خمینی»، «تفاوت مطلق و عام از دیدگاه آخوند خراسانی و امام خمینی»، «نظری بر نقدهای شهید سیدمصطفی خمینی بر مقدمات پاسخ ابداعی امام خمینی به مساله ضد»، «خطابات قانونیه»، «کلمه توحید از منظر اصولیین و امام خمینی»، «نگاهی دیگر به شرح منظومه از منظر تقریرات فلسفه امام خمینی» و «نقد و تحلیل شبهه ابن کمونه از منظر تقریرات شرح منظومه امام خمینی. اینها مقالات تخصصی است که ایشان نوشته و بیانگر سطح علمی ایشان است. «آیین مسلمانی» از دست‌نوشته‌های ایشان است. اثر دیگرشان «دلیل راه» است که نوشتاری بود به مناسبت ماه رمضان که هم پاورقی شد و هم بعداً چاپ‌های متعدد شد. از دیگر دست‌نوشته‌های ایشان است: «خاطرات حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی از آخرین روزهای امام (ره)، «در رثای همسر مکرمه حضرت امام (ره)»، «در رثای آیت‌الله سلطانی طباطبایی» و «نامه یادگار امام به رئیس صدا و سیما (۱۳۸۸)» که این نامه تبیین راه امام بود و اینکه خوب است اینطور عمل شود که البته دوستان کمی برآشفتند و خوب برخورد نکردند. «در سوگ فقیه مجاهد؛ یادداشت حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی به مناسبت اربعین آیت‌الله طاهری»، «به سوی جامعه اخلاقی؛ مقدمه حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی بر کتاب «انقلاب اخلاقی، راهی به رهایی»، «شور و شناخت (یادداشتی از حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی درباره هشت خصوصیت استاد شهید مرتضی مطهری)» و «شیخ عصر عسرت و غربت (در رثای حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حسین شریعتی)» نیز از دیگر نوشته‌های ایشان است. «فرهنگ جامع فرق اسلامی» هم از کتاب‌های ایشان است که به آن اشاره کردم و برنده جایزه کتاب سال شد. ویراست سوم این کتاب با اصلاحات و اضافات بسیار زیاد آماده عرضه است. «آیین مسلمانی»، «دلیل راه»، «ده مقاله» و «مبانی فقهی تنظیم خانواده» هم دیگر کتاب‌هایی است که ایشان تدوین کرده است.

ایشان یک جوان حدود ۴۰ساله است که درس خارج می‌گوید، مجتهد مسلم است، تحقیقاتش در زمینه‌هایی است که اشاره کردم و با نوآوری‌هایش، آشنایی‌اش با زبان خارجی و تحقیقاتش در زمینه مسائل تاریخی، عنصری است که بحق یادگار شایسته‌ای برای آن بزرگوار است. خوشبختانه ایشان مورد احترام و علاقه مقام معظم رهبری هم هست؛ یعنی آقا نسبت به ایشان فوق‌العاده علاقه‌مند هستند. به دلیل همین وارستگی‌ها، ویژگی‌ها، کارآمدی‌ها و توانمندی‌های علمی و فراگیری‌های مختلف در علوم گوناگون در حال حاضر ایشان به عنوان یک شخصیت برجسته مطرح هستند و یکی از بزرگان بحق به ایشان گفت «علامه". ایشان در این سنین این همه دستاورد، موقعیت علمی و شاگردان برجسته دارند. بنابراین می‌توانند به عنوان کسی که جامعیت ویژه دارند، بحق علامه تلقی شوند و ما برای ایشان آینده بسیار درخشانی را امید و انتظار داریم. ایشان با تواضعی که دارد، برای بزرگان احترام بسیاری قائل است، همه طیف‌ها را فرزندان انقلاب می‌داند و به همه احترام می‌گذارد، همه گروه‌ها را به‌راحتی و با صمیمیت می‌پذیرد و یکسان به آنها ادب و احترام می‌ورزد. این جامعیت و این ویژگی که در حضرت امام و در فرزندان امام بوده، الآن دارد در ایشان خلاصه و متبلور می‌شود. امیدواریم خداوند وجود ایشان را حفظ کند و با همین طمأنینه، ادب و تواضعی که نسبت به همه بزرگان و علاقه‌مندان به راه امام و انقلاب دارد، راهش را ادامه دهد و برای آینده یک ذخیره ارجمند و ارزشمند برای نظام و انقلاب بماند.

درباره نقش سیدحسن خمینی در معادلات سیاسی، آیا می‌توان گفت او به اصلاح‌طلبان نزدیک‌تر است و در این گروه جای دارد؟

ایشان بحق اصرار دارد فراجناحی باشد. به همه کسانی که در مسیر انقلاب خدمتی کرده‌اند و نقشی داشته‌اند ادای احترام می‌کند و از کم‌توجهی یا بی‌حرمتی و جفایی که به برخی شخصیت‌های خدمت‌گزار سابق انقلاب می‌شود متأثر است و بدون اینکه بخواهد موضعی بگیرد و اعتراضی نسبت به یک قضاوت و یک تصمیم داشته باشد، سعی می‌کند فراتر از هر جریان و جناحی، حرمت‌گذار حیثیت، شخصیت و کرامت همه انسان‌ها باشد.

به اهتمام منوچهر دین‌پرست





گفتگو با دکتر رضا داوری اردکانی، رئیس فرهنگستان علوم

«اطلاعات» کوشیده حرمت اشخاص و گروهها را رعایت کند

منوچهر دین‌پرست

اشاره: در بسیاری از زمان‌ها و رویدادهای سیاسی مردم از نخبگان و روشنفکران جامعه انتظار موضع‌گیری و راهنمایی جدی دارند. اما این موضع گیری برای نخبگان چندان کار ساده‌ای نیست. آنها بر اساس منش و نگرش خود بر بسیاری از رویدادهای سیاسی نظر خاصی دارند که این رویدادها باید تا حدودی با نگاه و منش روشنفکران، همخوانی داشته باشد. اما معمولاً نخبگان تمایلی به اظهار نظر صریح نیز ندارند. در این گفتگو که با دکتر رضا داوری اردکانی صورت گرفته از ایشان درباره جایگاه رسانه در دنیای مدرن و متجدد صحبت شده است. اما بهانه نود سالگی روزنامه اطلاعات می‌تواند ما را به بحثی جدی درباره نسبت رسانه با دنیای مدرن نیز سوق دهد. دکتر داوری اردکانی در این مصاحبه به برخی از موضوعات درباره مسئله فوق اشاره می‌کند و به تفصیل درباره جایگاه روزنامه اطلاعات نیز سخن می‌گوید.

***

در دنیای امروز بدون رسانه‌ها گویی زندگی چیزی کم دارد. مثل آب برای ماهی شده است و شاید کسی را نتوان یافت که بگوید از رسانه‌ها استفاده نمی‌کند. اگرچه بهره بردن از رسانه‌ها حداقلی و حداکثری دارد. کسانی هستند که خوانندگان حرفه‌ای روزنامه‌ها و مجلاتند و کسانی نیز هستند که در حد دیدن تیتر روزنامه‌ها در مقابل دکه‌ها و شنیدن برخی از اخبار در اتومبیل و... از رسانه‌ها استفاده می‌کنند. یکی از مسائلی که جنابعالی طی سالهای اخیر به آن توجه داشتید و تاملاتی نیز در این باره ارائه کردید بحث توسعه و تجدد و ماهیت علم بوده است. به عنوان پرسش نخست و آغاز بحث، آیا شما رسانه و به خصوص روزنامه را جزوی از محصولات دنیای متجدد می‌دانید؟ و مواجههٔ ما را چه از آغاز آشنایی با روزنامه و چه اکنون که از یک قرن هم گذشته و روزنامه اطلاعات هم جزو رسانه‌هایی است که نزدیک به یک قرن منتشر شده است چگونه می‌بینید؟

آنچه اکنون رسانه خوانده می‌شود و در همه جا حضور دارد و زندگی بی آن نمی‌گذرد متعلق به جهان متجدد است یعنی پیش از تجدد نه بوده است و نه مردمان به آن نیازی داشته‌اند. در سالهای اخیر نه فقط همه چیز در سایه رسانه قرار دارد بلکه دیگر کمتر چیزی را می‌توان یافت که رسانه نباشد یا نسبت و مناسبتش را با رسانه نتوان آشکارا دید. رسانه‌ها بسیارند و به روزنامه و رادیو تلویزیون و اینترنت و... محدود نمی‌شود. امروز کوچه و بازار هم رسانه‌اند و البته روزنامه قدیمی‌ترین و اولین رسانه است و به این جهت با فرهنگ مناسبت بیشتر دارد. روزنامه از همان آغاز آشنایی اسلافمان با آثار تجدد و تمدن جدید به کشور ما آمد. نکته شایان توجه اینست که گرچه تأسیس روزنامه کاری فراگرفته از اروپا بود، شأن و مقام روزنامه در اینجا متفاوت با شأن روزنامه در اروپا بود. در آنجا روزنامه وظیفه داشت که روابط و مناسبات تازه پدید آمده در جهان جدید را با نظارت بر آراء همگانی حفظ کند اما در اینجا روزنامه می‌بایست مردمان را از طریق سیاست و انتشار مطالب سیاسی با جهان جدید آشنا سازد و مقدمات پدید آمدن وجهی از افکار عمومی را فراهم سازد. روزنامه در سراسر آسیا و آفریقا یکی از مؤثرترین عوامل آشنایی با جهان جدید بود که در عین حال وظیفه اصلی اطلاعرسانی را نیز کم و بیش انجام میداد. جهان قدیم به اطلاعات به معنی امروزی نیاز نداشت زیرا روابط و مناسبات از ثباتی نزدیک به ثبات روابط و مناسبات طبیعی برخوردار بود و کارها بر وفق رسوم و سنن انجام می‌شد ولی دنیای جدید دنیای تحول است و چنانکه از نام مدرن و مدرنیته و تجدد برمی‌آید هر روز دگرگون و نو می‌شود. در چنین جهانی روابط و مناسبات می‌بایست و باید مدام تنظیم و تعدیل شود و برای نظارت بر این روابط، اطلاعات لازم است. جهان کنونی بدون اطلاعات نمی‌تواند دوام یابد. ما هم وقتی در راه تجددمآبی قرار گرفتیم به خبرگزاری و روزنامه نیاز داشتیم. بنا بر این نیاز بود که در سال ۱۳۰۲ خبرگزاری اطلاعات تأسیس شد و سه سال بعد روزنامه اطلاعات انتشار یافت. در سرمقاله شماره اول روزنامه مورخ ۱۳۰۵/۴/۱۹ آمده است که روزنامه اتکایی به هیچ‌جا جز «افکار عمومی» ندارد. این داعیه را بی‌اهمیت ندانیم. روزنامه اطلاعات حتی اگر فکر کنیم که به جایی اتکایی داشته و همواره آن را حفظ کرده است وظیفه و شأن روزنامه را این می‌دانسته است که به افکار عمومی متکی باشد. پیداست که در دوران استبداد، افکار عمومی وضعی خاص پیدا می‌کند و روزنامه هم دیگر به دشواری می‌تواند نماینده افکار عمومی باشد و صرفاً بر آن اتکا کند زیرا افکار عمومی در زمان استبداد بی‌جان و پژمرده است. می‌ترسم از آنچه گفتم استنباط شود که روزنامه را با قصد خاص پدید آوردند و هر طور که می‌خواستند از آن بهره‌برداری کردند. نه اینکه کارها بخصوص در سیاست مطابق با طرح و برنامه نباشد اما هر چه پیش می‌آید طراحی شده نیست و حتی طرح‌ها همیشه چنانکه طراحان می‌خواسته‌اند و می‌خواهند اجرا نشده است و نمی‌شود. در ابتدای قرن چهاردهم تأسیس روزنامه یک ضرورت بود. چنانکه در آن زمان تنها روزنامه اطلاعات منتشر نشد. امتیاز این روزنامه این بود که دوام پیدا کرد و شاید وجه دوامش عدم وابستگی رسمی به یک حزب و گروه بود و سیاست خاصی را نیز ترویج نمی‌کرد یا درست بگویم اطلاعات یک روزنامه حرفه‌ای بود نه اینکه صرفاً برای رسیدن به مقصد خاص سیاسی تأسیس شده باشد. اگر روزنامه اطلاعات در زمان پهلوی‌ها با حکومت کنار آمده بود معنیش این نیست که هرکس در آنجا کار می‌کرد مأمور حکومت بود و برای حفظ حکومت تلاش می‌کرد. سخنی که بحث در باب آن آسان نیست و شاید با هزار سوءتفاهم درک شود اینست که آیا کسانی که رفتار حکومت را ظالمانه می‌دانند و در جایی نشسته‌اند که می‌توانند ظلم پوشیده در لعاب و لفافه تعارفات و توجیهات را افشاء کنند و



نمی‌کنند، شریک ظلم ظالمانند و باید مؤاخذه شوند؟ من در این باب حکم نمی‌کنم اما می‌دانم حکم‌هایی که تاکنون صادر شده است سطحی و نیندیشیده است. در کارهای اخلاقی و در امور خطیری مثل مقابله با ظلم تا احساس وظیفه نشود اقدامی صورت نمی‌گیرد و احساس وظیفه به حکم عقل عملی است. عقل عملی وقتی به ادای فعل و عملی حکم می‌کند که شرایط و لوازم و آثار آن را سنجیده باشد البته این سنجش با محاسبات معمولی و به قصد رعایت مصلحت شخصی صورت نمی‌گیرد بلکه نحوی شهود است. در روزنامه‌ای که نود سال پیدرپی انتشار یافته است کسان بسیار کار کرده و قلم زده‌اند که برای خود رأی و نظر و سلیقه‌ای داشته و اگر مخالف حکومت هم بوده‌اند به ندرت مخالفت خود را به صراحت اظهار کرده‌اند. آیا از همه باید توقع داشت که در وقت و زمانی که گوش‌ها برای شنیدن مخالفت آماده نیست فریاد مخالفت برآورند. مگر نه اینکه برخی از نیکوان و سرآمدان زمان با اینکه با استبداد و ستم استبدادی مخالف بودند در همه عمر یا در مدتی از آن سکوت را ترجیح دادند و وقتی هم که شرایط مساعد شد جانب اعتدال را رعایت کردند. نمی‌گویم در سالهای منظور نظر در این یادداشت، مجاهده یا افراط و تفریط نبوده است. مجاهدانی بودند که به ادای وظیفه قیام کردند اشخاص معدودی هم بودند که هر چند در تحکیم حکومت پهلوی کوشیده بودند، وقتی شاه رفت هر چه توانستند درباره ستم و تجاوزش فریاد زدند و دیدیم که آن فریادها چندان سودی نداشت. کار ملک را با اندیشه و تدبیر باید سامان داد نه با هیاهو و غوغاگری. به این مطلب بدان جهت اشاره شد که گاهی در مورد کسانی که بحکم تقدیر در زمان استبداد زندگی کرده‌اند و زندگی می‌کنند با سهل‌انگاری و سختگیری حکم می‌شود روزنامه اطلاعات ۸۹ سال است که منتشر می‌شود و صفحات آن متضمن وجوهی از تاریخ نودساله کشور ماست. کاش اهل ذوق و نویسندگی در اوراق این روزنامه نظری میانداختند و سیر تحول و تغییرهای آن و بحران‌هایش را می‌دیدند و بازمی گفتند. از اینها که بگذریم روزنامه اطلاعات گذشته‌اش هر چه بوده، اکنون در زمره نجیب‌ترین و معتبرترین روزنامه‌های کشور است.

با توجه به پاسخی که فرمودید می‌خواهم به نکته دیگری اشاره کنم و آن این مسئله است که آیا رسانه‌ها در راستای انتشار اخبار و اطلاع رسانی می‌توانند جامعه و یا مخاطبان خود را به سوی تفکر و فکر کردن سوق دهند؟ آیا اصولاً این امکان در ذات رسانه‌ها هست؟ اگر پاسخ شما مثبت است چگونه این امر میسر است و اگر پاسخ شما منفی است شما مهمترین وظیفه رسانه را در چه چیزی می‌دانید؟

روزنامه‌های ما غالباً صفحه‌ای بنام اندیشه دارند یا بهرحال مقالات ادبی و فلسفی و تاریخی چاپ می‌کنند. من هم اتفاقاً گاهی این قبیل نوشته‌ها را در روزنامه‌ها می‌خوانم ولی کار اصلیِ روزنامه چیز دیگری است. شما از وظیفه و رسالت روزنامه پرسیده‌اید مسلما مرادتان وظیفه رسمی است و نه اخلاقی؛ یعنی نظر به کارکرد روزنامه به طور کلی دارید. روزنامه نامه اخبار روز است و سخن مشهور و مقبول می‌گوید. گاهی این مشهورها و مقبولها در برابر هم قرار میگیرند اما همه آنها در حدّ فهم همگانیند. روزنامه با فهم همگان سر و کار دارد و راه می‌رود اینکه در کشور ما که روزنامه و تأسیسات جدید را از غرب گرفت افکار عمومی چگونه ساخته شده و روزنامه‌ها در ساختن آن چه اثری داشته‌اند مطلبی است که ظاهراً هنوز در مورد آن پژوهشی صورت نگرفته است. کار روزنامه و رسانه اطلاع رسانی است. جامعه کنونی هم به اطلاعات نیاز دارد و شاید از روزنامه و رادیو و تلویزیون توقعی بیش از این نباید داشت و اگر بتواند این وظیفه را با امانت انجام دهد باید سپاسگزار بود. البته حکومت‌ها و مقام‌ها و مؤسسات و اشخاص که رسانه‌هایی در اختیار دارند می‌کوشند که از آن برای تحکیم قدرت و جلب سود و پیشبرد مقاصد خود بهره‌برداری کنند اما رسانه هم اقتضاهایی دارد و با آن هر کاری نمی‌توان کرد و آن را برای رسیدن بهر مقصودی نمی‌توان بکار برد.

شما جزو آن دسته از کسانی هستید که در عالم رسانه تنفس کردید. خود مسئولیت مجله نامه فرهنگ را داشتید و سرمقاله‌های متعددی یادداشت کردید و در انتشار این مجله که چند سال متمادی منتشر می‌شد اهتمام داشتید. این مسولیّت تجربه خوبی است. از سوی دیگر شما استاد فلسفه هم هستید. پرسش من این است که آیا استفاده از حوزه اندیشه و فلسفه در رسانه‌ها به خصوص روزنامه امری مطلوب است؟ آیا این حوزه می‌تواند روزنه‌های جدیدی را برای مخاطبان بگشاید و یا افق‌هایی را به آنها نشان دهد؟

چنانکه عرض کردم من گاهی مطالب فلسفی و تاریخی روزنامه‌ها را هم می‌خوانم. اما بهتر می‌دانم که این قبیل مقالات در مجلات چاپ شود. شاید به این گفته دو اشکال وارد باشد یکی اینکه من خود مقالاتم را در روزنامه چاپ میکنم دیگر اینکه ما مجله به اندازه کافی نداریم که آثار همه نویسندگانمان را چاپ کنند. این مجلاتی هم که هستند قواعد و ضوابطی دارند که هر مقالهای را چاپ نمی‌کنند. مقصودم این نیست که آنها بهترینِ مقالات را برای چاپ برمی گزینند. در مجلاتی که نام علمی ـ پژوهشی دارند معمولاً مقالاتی چاپ می‌شود که واجد شرایط صوری باشد و به مضمون کمتر اهمیت داده می‌شود. این وضع گرچه عادی شده است اما نشان عدم تعادل و قرار نگرفتن امور در جای خویش است. وقتی مجله بیشتر نظرش به ظواهر و شرایط صوری است آنها که کم حوصله و بی‌پروا نسبت به قواعد صوریند، اگر بخواهند مقالاتشان زود چاپ شود آنها را ناگزیر باید به روزنامه بدهند. چیز دیگری هم هست و آن اینکه گاهی برخی مطالب و مسائل فلسفی و آراء مد می‌شود و غیر از اهل این معانی دیگران هم به آنها توجه نشان میدهند. روزنامه هم به حکم توجه به آراء و علایق همگانی به این قبیل مطالب می‌پردازد این وضع اثرهای خوب و بد دارد. اثر خوبش اینست که فلسفه و نظر را به خوانندگان روزنامه که تعدادشان از تعداد خوانندگان مجلات بیشتر است، عرضه می‌کند و شاید جرقّه‌ای به ذهن بعضی مستعدان بزند. اما بردن فلسفه به کوچه و بازار در کنار این حسن احتمالی عیب‌های بسیار دارد. این عیب‌ها را امروز در جامعه خودمان به عیان می‌بینیم از جمله اینکه صاحبان دعوی مدعیات خود را هر چه باشد بجا و بیجا با الفاظ و تعابیر فلسفی می‌آرایند و با فلسفه‌ای که در روزنامه‌ها خوانده‌اند توجیه می‌کنند. بنظر من درست نیست که مقالات فلسفه که قاعدهً باید در مجلات و کتاب‌هایی که در کتابخانه‌های شخصی و عمومی محفوظ می‌مانند چاپ شود در اوراق روزنامه‌ها بیاید. روزنامه در شرایط عادی صرفا باید به آنچه می گذرد و نمی‌پاید و به اطلاعاتی برای گردش کارها لازم است بپردازد اما با توجه به محظوراتی که به آن اشاره کردم بگذاریم روزنامه‌ها هم صفحه اندیشه و ادب و فرهنگ داشته باشند. گاهی مقالاتی در روزنامه‌ها منتشر می‌شود که حیف است خوانده نشود. به هر حال ما با اروپا و امریکا و ژاپن تفاوت‌ها داریم. چرا روزنامه‌هایمان متفاوت نباشند. روگرفت‌ها و شباهت‌ها به اندازه کافی وجود دارد. بگذاریم کمی هم اختلاف وجود داشته باشد که اگر می گویند حتی ستون‌بندی روزنامه‌هایمان تقلیدی است بگوییم بعضی اختلاف‌ها هم داریم.

با توجه به پرسش فوق، شما روزنامه اطلاعات را در این مسیر چگونه دیدید؟ جدی‌ترین نقد شما به ساحت این روزنامه با توجه به پیشینه تاریخی آن و آینده پیش رویی که دارد و دنیای امروز نیز دنیایی پیش‌بینی ناپذیر و بسیار متغیر و متحول است این روزنامه چگونه در مسیر خود باید قدم بردارد تا حوزه‌هایی که به آن اشاره کردید مورد توجه مخاطبان قرار گیرد و یا شاید بتواند افق‌هایی را نیز بگشاید؟

صاحبان و مدیران روزنامه این را بهتر می‌دانند. کسی باید به پرسش شما پاسخ بدهد که با دشواری‌های کار روزنامه‌نویسی آشنا و حتی درگیر باشد. روزنامه اطلاعات در طی دهه‌های اخیر کوشیده است که جانب اخلاق را نگاه دارد و از افراط و تفریط و ایجاد غوغا و هیجان بپرهیزد و حرمت اشخاص و گروه‌ها را رعایت کند و مخصوصاً صفحه‌ای برای درج اخبار مربوط به دانش و فرهنگ گشوده است. روزنامه معمولاً وقت و فرصت تحقیق درباره صحت و سقم اخبار ندارد و به این جهت بسیار چیزها با آن انتشار می‌یابد که شاید به کلی نادرست باشد این را به بی‌اخلاقی روزنامه نگاران نسبت نباید داد. اقتضای کار روزنامه نویسی شتاب کردن است. در این صورت روزنامه به دشواری می‌تواند پایبند اخلاق و قواعد اخلاقی باشد اما با آنچه در سالهای اخیر در روزنامه اطلاعات دیده‌ایم می‌توانیم بپذیریم که در روزنامه نویسی می‌توان جانب اخلاق را رعایت کرد. من در مورد مطالب روزنامه پیشنهاد خاص ندارم. روزنامه اطلاعات قهراً سختی‌ها و گرفتاری‌ها داشته و گاهی در نزاع‌ها هم (مثلاً با روزنامه کیهان یا...) وارد شده است. اگر شمه‌ای از آن نزاع‌ها و جدال‌ها بازگو شود شاید مورد توجه قرار گیرد. از این گذشته روزنامه‌ای که نود سال عمر دارد بد نیست که گاهی از گذشته‌ها و مخصوصاً از جوانیش بگوید. سابقاً روزنامه ستونی داشت که نامش «چهل سال پیش» بود. چه عیب دارد که ستونی باز شود که اخبار منتخب نود و هشتاد و هفتاد و شصت و پنجاه و... ده سال پیش در آن درج شود.

نکته‌ای که در این قبیل بحث‌ها باید مورد توجه باشد اینست که خردمندی و حماقت امور صرفاً نفسانی و روانشناختی نیستند زیرا خرد پیوند و رابطه است. اگر بین مردمان یگانگی و هماهنگی یا چنانکه ارسطو می‌خواست دوستی غالب باشد اذهان و جان‌ها بهم نزدیک می‌شوند. یکدیگر و اشیاء جهان خود را چنان درک می‌کنند که گویی جهانشان نظمی چون نظم طبیعی دارد و این البته موقوف به الفت و دمسازی افراد با جامعه و هماهنگی من خردی با طبیعت و شأن اجتماعی فرد است.



گفت‌و‌گو با دکتر تقی آزاد ارمکی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

باید به ظرفیت اجتماعی خودمان بازگردیم

اشاره: دغدغه تحولات جهانی و حضور ما در عرصه سیاستها و تصمیم‌گذاری‌ها نقش جدی در رشد و تکوین فرهنگ بومی ما دارد. بسیاری از اصحاب فرهنگ بر این نکته نقد و اعتراض دارند که چرا ما در زمینه‌های مختلف فرهنگی در عرصه سیاستها و تصمیم گذاری‌ها نقشی نداریم و اگر هم داریم بسیار کم رنگ و کم تاثیر است. اگرچه بررسی این موضوع در یک گفتگو نمی گنجد و باید از زوایای مختلف و با حضور صاحب نظران و متخصصان در حوزه‌های گوناگون به کند و کاو موضوع نشست اما در نقطه آغاز با دکتر تقی آزاد ارمکی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران این مبحث را پیش گذاشته‌ایم.

***

چرا دست کم در دو سه قرن اخیر ما شاهد حضور چهره‌های شاخص و اثر گذار به خصوص در حوزه فرهنگ طیِ حداقل یک صد سال اخیر در سطح جهانی نبودیم؟ مثلا در حوزه موسیقی ما شجریان را داریم، اما او با همه احترامی که نسبت به هنرش داریم هرگز به عنوان یک موسیقیدان جهانی شناخته نمی‌شود. یا در حوزه سینما عزت الله انتظامی را داریم اما او با همه توانایی اش صرفا در قلمرو ملی شناخته شده است نه جهانی. در دیگر حوزه‌های فرهنگی اعم از شعر و ادبیات و داستان و نقاشی و تئاتر و... نیز اوضاع به همین گونه است. به نظر شما چرا ما در یک سده اخیر به نوعی دچار تصلب اندیشه شدیم که حاصل آن عدم حضور چهره‌های مهم فرهنگی در عرصه بین‌المللی است؟

به نظر می‌آید موضوع مهم و خوبی است. البته اینکه نوعی از تصلب اندیشه را داریم قابل بحث است. من در مقابل این نوع سؤال حساس هستم. چرا که می‌خواهیم درباره بود و یا نبود چیزی خیلی مشخص و شفاف سخن بگوییم. این نوع سؤالات گرفته شده از پارادایم گسست و انقطاع است که ما دچار انحطاط شدیم که حتی انحطاط صرفا سیاسی نیست بلکه به عبارتی انحطاط اندیشه‌ای است. اگر حتی در دوره‌ای اندیشه‌ای بوده که توانسته اثر گذار باشد و کنش اجتماعی داشته باشد دچار تصلب شده است. به نظرم این مفهوم کلیشه‌ای و خارج از تأملات آکادمیک است. شما کمتر جامعه شناس و یا فیلسوفی را می‌بینید که به این شکل محکم و قطعی سخن گفته باشد. باید بگویم که این ماجرا نه تنها گلوی اندیشه بلکه سیاست و آکادمی را هم گرفته و آکادمی هم دچار تصلب شده است. به هر حال ما به شکلی در این جهان زندگی می‌کنیم هم به لحاظ سیاسی و هم اندیشه ای. این «شکل» باید مشخص شود. چرا که معیار ما یک امر مطلق ایدئالیستی از نوع جامعه غربی است که متفکران درجه یکی دارد و آنها سرمایه کل جهان هستند و ما هم در ساختن آن کل جهان سهیم بودیم، خودمان را با آن کل جهان مقایسه می‌کنیم. آنها روز به روز در حال ایده دادنند و ما دچار انحطاط و گسست شدیم.

یعنی معیار ما غرب است؟

چیزی بدتر از غرب. چرا که غربی وجود ندارد.

پس معیار ما باید چه چیزی باشد؟

معیار ما باید مقتضیات اجتماعی باشد. ما به زمانه و زیست و امکانات و توانایی خودمان باید توجه کنیم. لذا آن نحوه زیست ما در جهان بر اساس جامعه‌شناسی بیرون می‌آید. غرب می‌آید داوری می‌کند و حرفهای میانی و سطحی آگوست کنت را درجه یک می‌کند و مزخرفات مارکس را به عنوان یک ایدئولوژی درجه یک طرح می‌کند. این همان جامعه‌شناسی است که آنها ارائه می‌کنند و هر کسی در آن فضا صحبت می‌کند درجه یک می‌شود. ما چون در اینجا جامعه‌شناس نداریم که مقتضیات ما را بررسی کند، افراد درجه یک را سطح پایین فرض می‌کنیم. پس اگر ما می‌خواهیم به معنای دقیقی برسیم باید بازگردیم و معناها را بررسی کنیم. اتفاقا جامعه‌شناسی دارد به همین سمتی می‌آید و دارد کار خودش را برای رسیدن به آن معناها انجام می‌دهد اما برخی جلویش را گرفته‌اند و می‌خواهند آن را رادیکالیزه کنند. لذا جامعه‌شناسی باید مختصات را برای ما مشخص کند و یک تصویر نسبتا جامعی از وضعیت ما نشان دهد اما ما داریم آن را به سمت فروپاشی می‌بریم.

همین واژه سیاه‌نمایی از کجا آمده است؟ می گویند شما دارید وضعیت جامعه را سیاه می‌کنید در حالی که جامعه‌شناسی سیاه نمایی نمی‌کند بلکه دریچه‌ها و روزنه‌هایی را می‌یابد که واقعیت جامعه ایرانی را مشخص کند. جامعه‌شناسی به این مرحله رسیده است اما ما در این مرحله جلویش را گرفته ایم. غرب توانسته که یک معرفتی را درست کند که از تصویری که از آن به دست آمده جامعه‌شناسی سیاسی در آن قابل توضیح است و آن وقت شخصیتها معنا هم پیدا می‌کنند. بنابراین من می گویم باید برگردیم به یک جای دیگری حالا آن چه چیزی است باید آسیب‌شناسی کنیم. مسئله دیگر این است که نمی‌دانم شما این معیار شخصیت درجه یک و درجه دو را از کجا آورده‌اید. برخی می گویند اصغر فرهادی را هالیوود بزرگ کرده و شجریان را ضد انقلاب درست کرده است. شریعتی را فلانی ساخته است و غیره... من می‌خواهم بگویم که چه کسی و با چه منطقی در فرهنگ ایرانی ما شخصیتها را درجه دو و ساختگی طرح می‌کند؟ چه کسی می گوید شجریان و فرهادی حاشیه‌ای و ساختگی هستند؟

مقصود این است که مثلاً شجریان چرا بین‌المللی نشده است؟

کجای فرهنگ ما بین‌المللی شده که شما از ایشان این موضوع را می خواهید؟ کدام کشور بین‌المللی شده است؟ به جز چهار تا کشور که انحصارطلبی در آنها وجود دارد مابقی را در سطح بین‌المللی قرار نداده اند. مگر هندی‌ها و چینی‌ها در سطح بین‌المللی هستند؟ یک تعداد از این طرف و آن طرف جوایز نوبل و اسکار را می‌برند و بعد ما می گویم اینها بین‌المللی شدند. من نمی‌خواهم نگاه استعماری و این بحثها را طرح کنم.

به طور مثال از کلمبیا که یک کشور جهان سومی و فقیر است مارکز معرفی می‌شود و جهانی می‌شود. چرا ژوزه ساراماگو جهانی می‌شود اما ما نمی‌توانیم؟

برای اینکه مسئله اش جهانی است. مسئله ما منطقه‌ای است. فیلمساز شما منطقه‌ای عمل می کند در حالی که سینمای جهان اصلاً مسئله منطقه‌ای را نمی‌پسندد. هر کسی جهانی اندیشید در جهان برای او کف زدند. من به سینمای ایران و سیاست ایران و دانشگاه ایران انتقاد دارم اما باید توجه داشت اینها دارند در حفره‌های محلی کار می‌کنند.

شما معتقدید که اصحاب فرهنگ ما منطقه‌ای فکر می‌کنند و نتوانستند جهانی عمل کنند؟

اصلا قرار نیست جهانی عمل کنند. ما انتظار زیادی از اینها داریم. طی دویست سال اخیر روشنفکران ما سعی کردند یک تصویر منطقه‌ای از چیزی به نام وطن نشان دهند.

آیا اینها نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند؟

به پختگی نرسیده اند. وقتی هم کسی می‌خواهد به پختگی برسد توی سرش می‌زنیم که تو ضد غرب نیستی! اما



*** جامعه‌شناسی باید مختصات را برای ما مشخص کند و یک تصویر نسبتا جامعی از وضعیت ما نشان دهد**
*** من به سینمای ایران و سیاست ایران و دانشگاه ایران انتقاد دارم اما باید توجه داشت اینها دارند در حفره‌های محلی کار می‌کنند**
*** وقتی کسی می‌خواهد به پختگی برسد توی سرش می‌زنیم که تو ضد غرب نیستی!**
*** در غرب پیش از اینکه خود اندیشه مهم باشد تاریخ اندیشه مهم است ما هنوز دو کتاب قابل توجه درمورد سیر تاریخ مطبوعات در ایران نداریم که از نقش دهخدا و ملکم خان و غیره تا نقش دعایی در مطبوعات ما را بررسی کرده باشد**
*** هرکسی نقش اش را خوب بازی کند درجه یک است. به نظر من فهم درست جامعه‌شناسی مهم است نه اینکه مثلا بگوییم چرا روزنامه اطلاعات تنش درست نمی‌کند و بعد هم بگوییم چون محافظه کاراست. مگر باید هر روز تنش درست کند؟ ما اگر تنش درست نکنیم و کارمان را درست انجام دهیم همان آدم درجه یک می‌شویم**
*** در ایران تمامی اتفاقات فرهنگی معطوف به دین و دولت و خانواده بوده است. پس جامعه ایرانی را باید با این سه محور سنجید و هر گونه تغییر و تحول در جامعه ایرانی صرفا از طریق این سه محور قابل تحقق است**

اینکه جایگاه بین‌المللی تا کجاست. ایران خودش را کانون قرار داده و داوری‌های مکرری هم نسبت به او می‌شود. هند و ژاپن خودشان را کنار کشیدند و در خیلی جاها خودشان را دخالت نمی‌دهند.

اما همین ژاپن و هند در تکنولوژی خودشان را کنار نکشیده اندو بین‌المللی شده‌اند.

این هم نتیجه همین رفتار کنار کشیدنشان است. ما وسط قرار گرفتیم و بد سلیقگی هم می‌کنیم و می‌خواهیم جهان را هم عوض کنیم. برای همین است که ما نمی‌توانیم منفذ ورود به جهان را پیدا کنیم. شما از سینمای ایران که نتوانسته منطقه‌ای بودنش را ادا کند انتظار جهانی دارید.

ما هم می‌خواهیم آسیب شناسی کنیم و به این چرا برسیم؟

باید بپذیریم که عمل اشتباهی انجام می‌دهیم. همین سینمای ایران حل مسئله فرهنگی می‌کند. دانشگاه و مطبوعات حل مسئله می‌کنند. مطبوعات ما تمام قد در خدمت حاکمیت نیست. این مقدار دموکراسی نیم بندی هم که داریم مدیون کارکرد مطبوعات و روشنفکری و دانشگاه است. این مقاومتی که در برابر رادیکالیزم چپ و راست می‌شود را مطبوعات و دانشگاه انجام می‌دهد. این وضعیت باید تکثیر شود. چرا تکثیر نمی‌شود؟ برای اینکه ما آن را به رسمیت نمی‌شناسیم. دیگر آنکه آن نیرویی که باید این وضعیت را انتقال دهد یا شکل نمی‌گیرد و یا قرار نیست شکل بگیرد و یا خودش شأن ارزشش را نمی‌داند. در غرب پیش از اینکه خود اندیشه مهم باشد تاریخ اندیشه مهم است. ما متأسفانه کسی را نداریم که تاریخ سینمای ایران، تاریخ تئاتر ایران، تاریخ موسیقی، تاریخ دولت و تاریخ دین و غیره را مدون کرده باشد.

شما بحث دیگری را طرح کردید و آن این نکته است که مورخ ما سیر تطور گذشته ما را بررسی نمی‌کند. چرا این موضوع را طرح کردید؟

برای اینکه ما باید سیر تطور تارخ اندیشه‌مان را قبلاً مدون کرده باشیم. به طور مثال ما هنوز دو کتاب قابل توجه درمورد سیر تاریخ مطبوعات در ایران نداریم که از نقش دهخدا و ملکم خان و غیره تا نقش دعایی در مطبوعات ما را بررسی کرده باشد. ما فکر می‌کنیم شخصیت این فرد می‌تواند برای ما جوابگو باشد در حالی که اقتضائات معرفتی بحث را باید بیرون کشید.

البته باید دقت داشت که از مورخ چه انتظاری داریم. آیا سیر تطور معرفتی را ارائه کند و یا گزارشگر تاریخی باشد؟

قطعا باید سیر تطور معرفتی را ارائه کند، ما که می‌دانیم کتابهای تاریخی که درباره رویدادهای تاریخی نوشته‌اند به جایی نرسیده است. اینها مشکل ما را حل نکرده اند. تاریخ مدرن اندیشه وقتی که می‌خواهد با دغدغه‌ها و افت و خیزها و مناسبات اجتماعی به خوبی مواجه می‌شود. کتاب تاریخ اندیشه هیوز که به عنوان یک کتاب خوب معرفی می‌شود به خاطر این است که می‌گوید این فرد که می‌رود ساختار را هم به همین شکل تغییر می‌دهد. او پس این جابجایی اندیشه را برای من بازگو می‌کند. ما در زمان انقلاب به دو روزنامه اطلاعات و کیهان نگاه می‌کنیم و فقط دو تیتر «شاه رفت» و «امام آمد» را توجه می‌کنیم و مابقی دگردیسی‌هایی که رخ داده است را نگاه نمی‌کنیم. در تحریریه‌ها اتفاقاتی رخ داده است که آنها را باید توجه کرد. در غرب دنبال افراد درجه یک می‌روند اما درجه یکها بدل درجه دوها هستند. تاریخ اندیشه تاریخ افراد درجه دوها هست. معمولاً به نام درجه یکها ثبت می‌شوند. دغدغه ساده من این بوده که فلان موضوع تاریخ دارد یا ندارد. از جامعه‌شناسی به عنوان یک علم به درد بخور و تاریخ‌دار در ایران حرف زدم و چهار تا کتاب درمورد تاریخ جامعه‌شناسی در ایران حرف زدم. هنوز هم هر جا می‌روم درمورد تاریخ جامعه‌شناسی صحبت می‌کنم. کسانی که نمی‌خواهند تاریخ اندیشه نوشته شود برای این است که نمی‌خواهند جایشان و سهمشان در علم و اندیشه مشخص شود. شما در مطبوعات هم همین وضع را دارید. اگر تاریخ مطبوعات مشخص بود سهم سرانه اطلاعات در ایران هم مشخص می‌شد. دعوا و درگیری به حوزه سیاست کشیده شده در حالی که دعوا باید در پایین اتفاق بیفتد. من می‌گویم که این عدم نگارش تاریخ اندیشه به خاطر این است که منفعت‌طلبانه و تعمدی است. سه چهار تا دانش در ایران وجود دارد که روان‌شناسی و فلسفه و الهیات را در بر می‌گیرد که این دانشها اگر تاریخشان را می‌نوشتند تکلیف خیلی چیزها مشخص می‌شد. اینها نمی‌نویسند برای اینکه منافعشان در ننوشتن تاریخ است. تمام مناقشات معرفتی را در این کشور این سه حوزه مرتکب شدند و خلاف انجام دادند. فیلسوفان این کشور هستند که از طریق فلسفه سیاسی و ایدئولوژی مناقشه به وجود آوردند.

شما جامعه شناسها اغلب با فیلسوفها مشکل داشتید؟

نه من مشکل ندارم. آنها می‌گویند معرفت درجه یک هستند. مشکل اصلی من جایگاه فلسفه در ایران است که به خاطر توهم و قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی ایجاد کرده است. مگر فیلسوفان در غرب چه کار کردند. آمدند سلسله مراتب ایجاد کردند اما ما در ایران همه فیلسوفان و متألهان درجه یک هستند.!

من البته این مناقشات را گردن فیلسوفان نمی‌اندازم.

ولی من این کار را می‌کنم. سیاست با فیلسوفان توافق ضمنی کردند که پدر اندیشه را در ایران دربیاورند. همیشه فیلسوفان در ایران در سطح بالا با شخصیتهای سیاسی مراودات و کنشهای لحظه به لحظه داشتند.

از بحث اصلی‌مان دور شدیم.

من نکته‌ای را بگویم. چیزی که در ایران غایب است اندیشه ورزی نیست. اندیشه ورزی وجود دارد ولی نتوانسته خودش را ظهور دهد. برای اینکه آن کسی که باید این را فعال می‌کرد وجود ندارد. و آن هم برای این است که الزامهای سازمانی و اندیشه‌ای به وجود آوردیم که اجازه سامانی را نمی‌دهیم. بنابراین آن نیروی اجتماعی که باید ما را به جهان معرفی کند یک طرفه عمل می‌کند. تا وقتی که این نیروی اجتماعی به رسمیت شناخته نشود ما همچنان با مشکل رو به رو هستیم. شما آمریکای جنوبی را مثال می‌زنید اما باید دقت کنید که آنها هم نیروی اجتماعی را به رسمیت شناختند و حتی آمدند ببینند چه چیزی در دنیای امروز به رسمیت شناخته شده است. جوایزی هم که به برخی از چهره‌های جهان سومی داده می‌شود گزینشی بوده و بخشی از کلیت اقتصاد و اجتماع جامعه جهانی هستند. اینکه مثلاً آقای شجریان در خارج از ایران شناخته نمی‌شود به خاطر این است که اولا نیرویی که باید آن رامعرفی کند نیست و ثانیا این موسیقی دغدغه دنیای مدرن هم نیست. ما در صورتی می‌توانیم که پایگاهمان را در جهان غرب بزنیم که دست از ماجرای استقلال و مقولات فرهنگی برداریم. من البته فکر می‌کنم اینجا اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی مهم است. وقتی که انجمن جامعه‌شناسی ایران پروژه مشترک با جامعه جهانی ندارد برای چه چیزی باید آنها به ما توجه کنند. عدم به رسمیت شناختن ایران در جامعه جهانی باعث شده که ما با مشکل مواجه باشیم. اگر این اتفاق نیفتاده بود باعث می‌شد که ایده‌های حتی متوسط ما در سطح جامعه جهانی استفاده می‌شد. اینکه رئیس‌جمهور ما سالی یکبار نیم ساعت در سازمان ملل سخنرانی کند مشکلی را حل نمی‌کند و فقط توجه جامعه جهانی را به ما جلب می‌کند اما آنها حرف ما را نمی‌خوانند.

این مثالی که می‌زنید که رئیس جمهور نیم ساعت در سازمان ملل سخنرانی کند بر اساس یک چارچوبی مشخص شده است. این بازی ماست در زمینی که دیگران طراحی کردند. آیا ما می‌توانیم زمین بازی طراحی کنیم که این زمین جهانی شود. به این معنا یک جامعه شناس یا فیلسوف یک ایده‌ای را طراحی کند آیا به اندازه فیلسوف و یا جامعه شناس غربی شانس جهانی شدن دارد؟

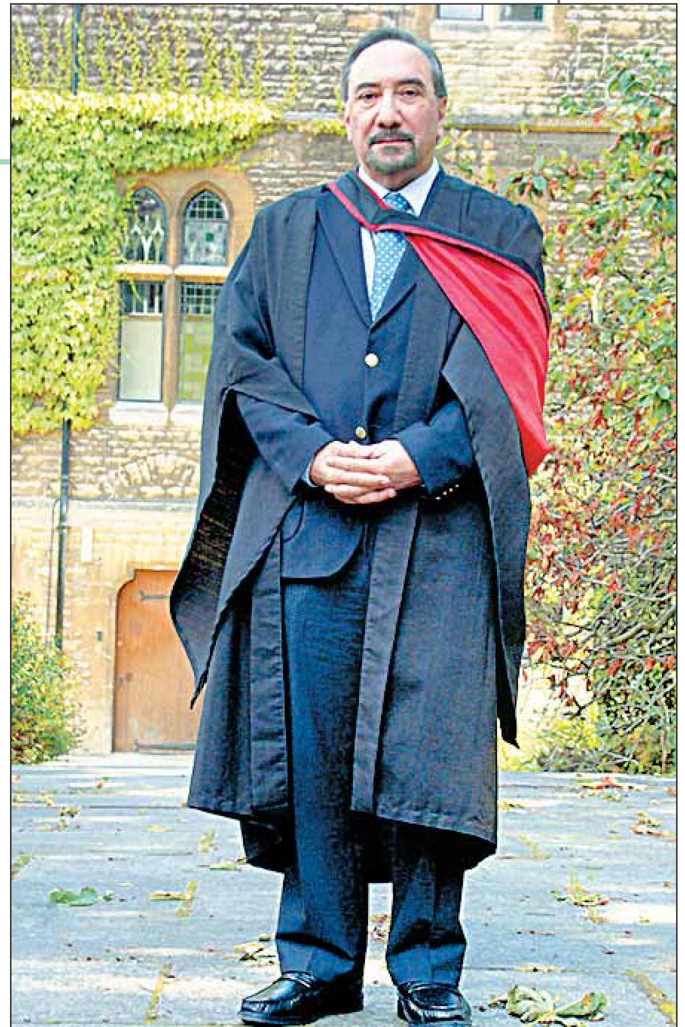
شما معیار آنها را می‌گیرید و بر این اساس هم فرض را بر این می‌گذارید که ما عقب افتاده‌ایم. من می‌گویم که باید منطقه‌ای نگاه کنیم. همان کاری که هندی و روسی و ژاپنی می‌کند. آنها به خودشان نگاه می‌کنند.

یعنی همان بحث بازگشت به خویشتن را دوباره طرح کنیم؟

بله ما باید ملاحظات خودمان را طرح کنیم. ما باید به مختصاتی و ملاحظاتی بازگردیم که در آن هم افراد متوسطمان درجه یک محسوب شوند. ما فکر می‌کنیم که هر جایی که می‌رویم باید همه درجه یکها در آن باشند. وقتی که تقسیم کار وجود داشته باشد هرکسی نقش اش را خوب بازی کند درجه یک است. به نظر من فهم درست جامعه‌شناسی مهم است نه اینکه بگوییم چرا روزنامه اطلاعات تنش درست نمی‌کند و بعد هم بگوییم چون روزنامه محافظه‌کاری است. مگر باید هر روز تنش درست کند؟ ما اگر تنش درست نکنیم و کارمان را درست انجام دهیم همان آدم درجه یک می‌شویم. ما باید به ظرفیت اجتماعی خودمان بازگردیم و نمره صد به خودمان دهیم نه نمره صفر. کتاب نخبه کشی و یا چرا عقب مانده‌ایم به ما نمره صفر می‌دهد. من می‌گویم چرا نمره صفر می‌دهید حالا صد هم نمی‌دهید لااقل نمره کارتان را بدهید. وقتی که کارتان به رسمیت شناخته شد مناسبات آن هم تنظیم می‌شود و چالشهای آن هم خودش را نشان می‌دهد. پس از آن است که چالش واقعی ما مشخص می‌شود. بحث دوگانه گسست و گذار از این مختصات بیرون نمی‌آید. در این صورت کنشگری اجتماعی ما خودش را مشخص می‌کند. ما مسئولیت کنشگری اجتماعی را تنها به رهبران و لیدرهای سیاسی واگذار کردیم.

شما نکات مختلفی در این گفت گو طرح کردید از جمله عدم توجه به تاریخ نویسی اندیشه، منطقه‌ای فکر کردن، ما را به رسمیت نمی‌شناسند و همینطور نیروهایی حضور ندارند که ایده‌های ما را در جهان معرفی کنند. هر کدام از این موارد جای بحث و بررسی دارد. شما با توجه به تمامی این موارد چه نتیجه گیری از بحث دارید؟

من بحثی دارم درباره نظریه جامعه ایرانی. مفروض من این است که جامعه ایرانی به لحاظ فرهنگی و تاریخی و اجتماعی در فرایند بقا قرار گرفته است و استمرار دارد. بحث استمرار بحث ایجابی است و ما پیشینه‌ای داریم و درک تاریخی از این پیشینه داریم و مولفه‌هایی که تعیین کننده در این عناصر هستند ساحت تاریخی دارند. من سه عنصر دین و دولت و خانواده را سه عنصر مرکزی می‌دانم که منشا پیدایش نیروهای اجتماعی و جریانهای تاریخی می‌شوند. اینها دقیقا تاریخی هستند به این معنا که هیچ وقت در تاریخمان وضعیتی نداشتیم که دغدغه دولت نداشته باشد. در این موقعیت جنبشهای اجتماعی و نحله‌های فکری و دیدگاه‌های متفاوت را می‌بینیم. ما در تاریخ ایران هیچ وقت جامعه بی‌دین نداشتیم و همیشه دغدغه دین مطرح بوده است. از سوی دیگر هیچ وقت بحث خانواده هم بحث حاشیه‌ای نبوده وهمیشه کانون توجهات بوده است. تمامی اتفاقات فرهنگی معطوف به دین و دولت و خانواده بوده است. پس جامعه ایرانی را باید با این سه محور سنجید و هر گونه تغییر و تحول در جامعه ایرانی صرفاً از طریق این سه محور قابل تحقق است.



گفتگو با دکتر همایون کاتوزیان،

عضو هیأت علمی مؤسسه شرقشناسی دانشگاه آکسفورد

«اطلاعات» می‌تواند سر مشقی برای رسانه‌های جوان‌تر باشد

منوچهر دین‌پرست

اشاره:

دکتر همایون کاتوزیان چهره شـــناخته شـــده‌ای در میان اصحاب فرهنگ و اندیشه است. طی سالهای اخیر برخی از آثار او و گفت و گوهایی که با وی صورت گرفته از ایشـــان چهره‌ای صاحب نظر در حوزه فرهنگ نشان داده که مورد توجه پژوهشـــگران و علاقمندان این حوزه نیز شده است. از همان زمستان ۱۳۸۷ که مقالهٔ «جامعه کوتاه مدت: بررسی مشکلات توسعه سیاسی و اقتصادی بلند مدت ایران» نوشتهٔ دکتر همایون کاتوزیان به ترجمهٔ عبدالله کوثری در مجله بخارا به چاپ رســـید، ایدهٔ «جامعهٔ کوتاه مدت» به یکی از بحث‌برانگیزترین نظریه‌ها در حوزهٔ جامعه‌شناسی تاریخی ایران تبدیل شد. موضوعی که پس از انتشـــار کتابی به همین نام در ســـال ۱۳۹۱، بسیاری از نویسندگان و متفکران معاصر از تاریخ‌پژوهان تا جامعه‌شناســـان را وامی‌دارد در موافقت و مخالفت با آن ســـخن بگویند. او برای توصیف این کوتاه‌مدت بودن از اصطلاح «خانه کلنگی» استفاده می کند و جامعه ایران را نیز مانند یک خانه کلنگی در شرایطی قرار می‌دهد که هر فردی سراغ این خانه کلنگی می‌آید، هدفی جز کوبیدن و تخریب آن و ســـاخت بنایی جدید و متفاوت در سر ندارد. او جامعه ایران را نیز به همین منوال «جامعه کلنگی» می‌نامد و می‌نویســـد: «بنابراین به جای نوسازی آن خانه یا هر بنای دیگر و افزون بر سرمایه مادی موجود، کل آن ساختمان به دست مالک یا خریدار ویران می‌شود و بنایی جدید بر زمین آن بالا می‌رود. از این‌روست که صاحب این قلم گاه برای توصیف جامعه کوتاه‌مدت ایران آن را «جامعه کلنگی» نامیده، یعنی جامعه‌ای که بســـیاری از جنبه‌های آن -سیاســـی، اجتماعی، آموزشی، ادبی- پیوسته در معرض این خطر است که هوی‌وهوس کوتاه‌مدت جامعه با کلنگ به جانش افتد». با توجه به نوع نگاه دکتر کاتوزیان درباره جامعه کوتاه مدت، در این گفتگو که هر چند موجز و مختصر صورت گرفته ایشـــان به نسبت جامعه کوتاه مدت و رسانه اشاراتی داشته و در پایان از روزنامه اطلاعات به مثابه روزنامه‌ای که می‌تواند الگویی برای رسانه‌های جوان‌تر باشد یاد کرده است.

***

به عنوان ســـؤال نخســـت می‌خواهم با این موضوع بحث را آغاز کنم. شـــما از جمله اندیشـــمندانی هستید که طی سالهای اخیر به موضوعات مختلفی درباب جامعه ایرانی و نسبت آن با دنیای مدرن از زوایای گوناگون بحث کرده اید. یکی از مهمترین بحثهایی که از ســـوی شما طرح شـــد بحث جامعه کوتاه مدت بود که بسیار مورد توجه و نقد قرار گرفت. شاید بی‌ارتباط نباشد که از منظر بحث شما به یک مقوله بسیار مهم نیز اشاره کنیم و آن هم موضوع رسانه‌هاست. به نظر شما آیا رسانه‌ها نیز در پروژه جامعه کوتاه مدت جای دارند و آیا می‌توانیم از نقش و تأثیر آنها در این پروژه یاد کنیم؟

از لطف شما سپاسگزارم. جامعه کوتاه مدت پروژه نیست بلکه یکی از وجوه مهم و موثر جامعه شناســـی ایران است. جامعه کوتاه مدت جامعه‌ای است که در آن بیشتر (اگر نه همه) حوادث، اتفاقات، تصمیمات و غیره در کوتاه مدت صورت می گیرد. و این نکته هم به دولت و هم به اجتماع و اجزای آن ربط دارد. «کلنگی» کردن یک ســـاختمان ســـالم به همان اندازه نمونه رفتاری در جامعه کوتاه مدت اســـت که گفتن «تا شش ماه دیگر کی زنده کی مرده» یا اینکه «این سرمایه گذاری تا دو سال دیگر پول خودش را در می‌آورد». شما به هر سو بنگرید آثار این رویکرد و رفتار را در تاریخ و جامعه ایران مشـــاهده می کنید، اعم از مسائل بزرگ و تاریخی و حوداث و آراء و عقاید روزانه.

یکی از مهمترین اهداف رسانه‌ها اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به جامعه است. آیا رسانه‌ها در صورتی که آنها را جزو ســـرمایه‌ها و نهادهای اجتماعی بدانیم می‌توانند در بلند مدت شدن جامعه همراه باشند؟ اگر نظرتان مثبت است لطفا به موانعی که در این مسیر با آن رو به رو خواهند بود اشاره کنید؟

رسانه‌ها به عنوان یکی از مهمترین، نیرومندترین و موثرترین نهادهای اجتماعی طبعا در هر موضوعی دخالت دارند به شـــرط آنکه هیچیک از آنها به خود به عنوان یک پدیده گذرا ـ یک «سرمایه گذاری دو ســـاله» ـ ننگرد. آنها اگر مشکل کوتاه مدت بودن جامعه را پذیرفته باشند می‌توانند در افشای نمونه‌های آن با آن مقابله کنند: مثلا در نقد و انتقاد تخریب بناهای تاریخی. البته این یک نمونه از هزاران اســـت. از همه مهمتر آگاه کردن جامعه نسبت به این مشـــکل اجتماعی است. البته رسانه‌ها در انجام رسالتشان گاه و بیگاه با موانع گوناگون رو به رو می‌شـــوند ولی به نظر من تشویق جامعه به رفتار بلند مدت با مانع جدی رو به رو نخواهد شد.

شـــما بر این باورید که طبقات متوســـط و بخش خصوصی از جمله زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بلند مدت شـــدن جامعه در ایرانند. با توجه به ســـؤال فوق که مطرح شد می‌توانیم به این نکته نیز اشـــاره کنیم که یکی از طبقات جامعه ما که با رسانه‌ها در ارتباط است همین طبقه متوسط است. شما معتقدید عامل اصلی تغییرات در جامعه طبقات متوسطند. مواجههٔ طبقه متوسط با رسانه‌ها چگونه باید باشد که در بلندمدت شدن جامعه تأثیر گذار باشند؟

طبقات متوسط آگاه‌ترین و بیشترین مخاطبان و خوانندگان و بینندگان رسانه‌ها هستند. این یک رابطه دو جانبه است. هم رسانه‌ها باید در تبلیغ رفتار بلند مدت بکوشند و هم طبقات متوسط این شیوه را در پیش بگیرند و کار رسانه‌ها را در این جهت تشویق و تایید کنند.

می‌خواهم از یکی از گفته‌های شما استفاده کنم که آورده‌اید «ما ایرانیان هرازچندگاه با یک و دگرگونی بنیادی در نظام سیاسی، تمام دستاوردها و تجربه‌های سازنده و سرمایه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی که در دوران پیش از آن را داشته‌ایم، نابود می‌کنیم و همه چیز ناگهان به نقطه صفر و آغازین آن بازمی‌گردد». گویی این اتفاق در رسانه‌ها هم رخ می‌دهد و طی بیش از یکصد سالی که با رســـانه‌ها آشنا شدیم تجربیات بسیاری به دست آمد و همگی با دگرگونی ناخواسته به نقطه صفر بازگشـــتند. البته باید پذیرفت که در این میان کسانی بودند و هستند و کوشیدند که درخت رســـانه‌ها خشک نشود و همچنان پا برجا بماند. به نظر شما برای اینکه رسانه‌ها به عنوان ســـرمایه‌ای فرهنگی و اجتماعی از بین نروند و تجربیات به دست آمده به نسل بعدی انتقال یابد چه رویکرد و روشی را باید اتحاذ کرد؟

در این مورد خود شما به شـــواهد تاریخی مشکل در این مورد اشاره کردید. راه چاره تدوام اســـت اما این نیز هست که گاه تداوم از دست رســـانه‌ها خارج است و خود قربانی هیجانات و نوسانات می‌شـــوند. یکی دیگر از بزرگترین مشکلات جامعه ما افراط و تفریط است.

با توجه به توضیحاتی که تا کنون ارائه کردید می‌خواهم به این نکته اشـــاره کنم که یکی از ملزومات دموکراسی را رسانه‌ها دانسته‌اند و رسانه‌ها نیز نقش جدی در توسعه هر کشوری می‌توانند ایفا کنند. شما هم بر این نکته اتفاق نظر دارید که «جامعه ایران توسعه پیدا کرده است. تکنولوژی‌ای که امروز به کار برده می‌شـــود با صد سال پیش فرق دارد. اما منظور من توسعه اجتماعی و از جمله توسعه سیاسی است و این امر فقط ممکن است در بلند مدت انجام گیرد.» در چنین فرایندی رســـانه‌ها چگونه می‌توانند نقشی جدی در توسعه سیاسی و اجتماعی ایفا کنند؟

رسانه‌ها اگر دقیقا رسالت خود را در بسط دموکراسی تمیز دهند و با موانع غیر معقول رو به رو نباشند می‌توانند و باید نقش عمده‌ای در توسعه سیاسی ایفا کنند چنانکه در کشورهای دیگر کرده اند. توسعه سیاسی یا بهتر بگویم حرکت به سوی توسعه سیاسی گام اول است که راه را در جهت دموکراسی باز می کند. دموکراسی هم یک برنامه نیست که یکروزه و یکماهه و یکساله پیاده شود بلکه یک فرایند مداوم است. رسانه‌ها می‌توانند در این فرایند نقش بسیار موثری داشته باشند.

به عنوان آخرین پرســـش. توقع از رسانه‌یی مانند اطلاعات که نزدیک به یک قرن در فضای تاریخ مطبوعات ایران تنفس کردند و با تمام فراز و نشیبهای مختلف این مسیر را بدون وقفه ادامه داده‌اند چیست و در بلندمدت شدن جامعه ایرانی چه نقشی را می‌تواند و باید ایفا کند؟

تاریخ روزنامه اطلاعات به نســـبت تاریخ بلندی است ولی اگر توجه کنید می‌بینید که همین تاریخ نیز عبارت از کوتاه مدت‌های به هم پیوســـته بوده، اگرچه همین که این روزنامه نود ســـال عمر کرده است پیشرفت قابل ملاحظه‌ای اســـت و به همین دلیل می‌تواند بیشتر از برخی رســـانه‌های دیگر در این راه گام‌های سودمندی بردارد. این روزنامه در طول عمر درازش کم دچار نوســـان نبوده ولی متانت و اعتدال و مـــدارای دوره‌های اخیر بر ارزش و اهمیت آن افزوده چنانکه می‌تواند سر مشقی برای رسانه‌های جوان‌تر باشد.







تجلی کلام خدا در طبیعت

آیت‌الله دکتر سید مصطفی محقق داماد

رفتن این آب فوق آسیاست
رفتنش در آسیا بهر شماست
چون شما را حاجت طاحون نماند
آب را در جوی اصلی باز راند
ناطقه سوی دهان تعلیم راست
ورنه خود آن نطق را جویی خداست
می‌رود بی‌بانگ و بی‌تکرارها
«تحتها الانهار» تا گلزارها
ای خدا، جان را تو بنما آن مقام
که در او بی‌حرف می‌روید کلام

بحث درباره صفت «تکلم» در تاریخ علم کلام ریشه دیرینه‌ای دارد و یکی از نخستین مسائل کلامی است که در اواخر قرن نخست و یا اوایل قرن دوم مطرح گردید و درگیریهای لفظی و مشاجرات دامنه‌دار و احیاناً زد و خوردهای خونینی به دنبال داشت، و داستان دستگیری احمدبن حنبل و یارانش که در تاریخ به «محنت احمد» معروف است، از نتایج این اختلاف است. فتوحات و کشورگشاییهای مسلمانان، سبب شد که افکار ملل جهان به میان مسلمانان راه پیدا کند و مسائل جدیدی در جوامع اسلامی مطرح شود. درباره تکلم خدا در دو محور گفتگو می‌شود:

۱ـ آیا صفت «تکلم» مانند صفات علم و قدرت، از صفات ذات خداست و یا اینکه مانند زنده کردن، میراندن، آفریدن و روزی دادن از صفات فعل او به شمار می‌رود؟

۲ـ آیا کلام خدا از جمله قرآن، قدیم است یا حادث؟

کلام لفظی و نفسی

اشاعره و ماتّریدیّه کلام را به دو گونه لفظی و نفسی تقسیم کرده‌اند. قرآن و دیگر کتب آسمانی که بر پیامبران الهی نازل شده است، کلام لفظی و حادث‌اند، ولی کلام لفظی، حقیقت کلام نیست، حقیقت کلام یا کلام حقیقی، کلام نفسی است، یعنی حقیقی است در نفس یا ذات متکلم که کلام لفظی بیانگر آن است. کلام نفسی در خداوند، صفت ذات و قدیم است، به بیت ذیل از أخطل شاعر عرب (۷۱۰م) نیز استدلال نموده‌اند:

انّ الکلام لفی الفؤاد و انّما   جعل اللسان علی‌الفؤاد دلیلا[۱]

ترجمه: کلام، تنها در دل قرار دارد و زبان فقط یک راهنما برای نشان دادن آن است.

ملاصدرا در کتاب شواهدالربوبیه و جلد ششم اسفار به بحث کلام پراخته است؛ در شواهد مختصر و در اسفار مفصل. در شواهد می گوید: «انّ الاعتقاد فی‌الکلام لیس کما قالته الاشاعره من انه المعانی القائمه بذاته تعالی و سموها الکلام النفسی والا لکان علما»:[۲] کلام نفسی که آنان می گویند علم است و نه کلام.

طرفداران کلام نفسی می گویند: گاهی انسان از چیزی خبر می دهد که خلاف آن را می داند، و یا در درستی آن شک دارد. بنابراین، آن چیزی که خاستگاه کلام لفظی است علم نخواهد بود.[۳] به نظر صدرا این استدلال تمام نیست؛ زیرا در فرض یاد شده علم، تصدیق نیست. اما علم تصوری وجود دارد، یعنی انسانی که به نادرستی مطلبی علم دارد، آن مطلب را تصور می کند، و تصور خود را بازگو می کند. همین گونه است در صورت شک.

ملاصدرا پس از رد نظریه اشاعره به بیان نظریه خود می پردازد. ایشان دو بیان برای نظر خود دارد: یکی در اسفار و دیگری در شواهد. در شواهد بیانش نوعی کلام لفظی است. می گوید: بل هو عباره عن انشاء کلمات تامّات و انزال ایات محکمات واخر متشابهات فی کسوه الالفاظ والعبارات. والکلام قرآن و فرقان باعتبارین و هما جمعیاً غیر الکتاب. لانه من عالم الخلق... والکتاب یدرکه کل احد والکلام لایمسه الا المطهرون.[۴]

اما در کتاب اسفار به بیان کلام عینی و یا به تعبیر دیگر کلام فعلی می پردازند.[۵]

کلام عینی یا فعلی

از دیدگاه حکمای اسلامی، اگرچه واژهٔ کلام برای الفاظی وضع شده است که بر معانی خاصی دلالت دارند، ولی غرض و هدفی که کلام لفظی برای آن وضع شده است، اعم از کلام لفظی است؛ زیرا غرض از وضع کلام لفظی دلالت و حکایت است. این مطلب به کلام لفظی اختصاص ندارد، گاهی از طریق اشاره و مانند آن می توان مراد و مقصود خود را به دیگری فهماند. چنان‌که در عرف محاوره نیز این گونه افهام‌ها را کلام و تکلم می گویند. از سوی دیگر، شکی نیست که فعل نسبت به فاعل خود دو گونه دلالت دارد، یکی دلالت بر اصل وجود فاعل و دیگری دلالت بر صفات آن. بر این اساس می توان گفت: عالم هستی که فعل و آفریده خداوند است، بر وجود و صفات کمال او دلالت می کند. بنابراین عالم هستی کلام خداوند است. حکیم سبزواری با تلخص در گزارش نظر صدرا می گوید: فاکل با لذات له دلاله/حاکیه جماله جلاله: تمام هستی کلمات حق‌اند؛ زیرا ظاهرکنندهٔ آن چیزهایی هستند که مکنون غیب حق‌اند. کلمات لفظی از برخورد نفس انسان در بیست و هشت مقطع حروف که به عدد منازل قمرند، به‌وجود می آیند. حروف تهجی ۲۸ است و مخارج آن سه است: حلق، دهان و لب. شش حرف از حلق است، هجده حروف از دهان است و چهار حرف از لب است. مبدأ ریه آدمی یعنی نفس آدمی است. تطبیق کلمات وجودی را چنین کرده‌اند که: ظهور قمر در ۲۸ شب است. و شب‌های محاق ظهور ندارد مقاطع وجودات نیز به تعداد منازل ۲۸ شب است با این فرق که مقاطع حروف قبل از تقاطع و پیدایش وجود دارند، اما مقاطع وجودات با تنزل وجود منبسط پیدا می‌شوند. مراد از مراتب ۲۸ گانه ماهیات است که با تنزل وجود منبسط موجود می‌شوند و قبل از این تنزل ماهیاتی نبوده‌اند.

کلمات وجودی و تکوینی یعنی تمام موجودات عالم که از برخورد نفس رحمانی که وجود منبسط است در مراتب ۲۸ گانه حاصل می‌شوند.

مراتب ۲۸ گانه عبارتند از:

عقل ـ نفس ـ افلاک نه گانه ۱۱،

عناصر اربعه (آب، باد، خاک، آتش) ۱۵،

موالید ثلاثه (معدن، نبات، حیوان) ۱۸،

و عالم برزخ (یعنی عالم مثال البته در قوس نزول) ۱۹،

و مقولات نه گانه عرض ۲۸،

نفس رحمانی به مقاطع ۲۸ گانه حروف ۲۸ گانه در عالم تکوین به‌وجود می‌آید. مانند برخورد نفس انسان به مقاطع حروف تهجی.

حکیم سبزواری یک بیت عربی از عارفی نقل می کند که معلوم نیست کیست:

وجودک فی کل الحقایق سائر
و لیس له الا جلالک ساتر[۶]

مراد از «جمال» صفات ثبوتیه حق است. و مراد از «جلال» صفات سلبیه حق متعال. او می گوید: صفات ثبوتیه (مانند حیات، قدرت، علم) در جمیع حقایق عالم سریان دارد. چون وجود هرجا تنزل

می‌یابد، صفات خاص وجود هم تنزل می‌یابد. اگر تو در صفات سلبی مانند دیگران بودی، تو هم مربی بودی. مرکب بودی (جسم بودی) ولی صفات سلبیهٔ تو ساتر توست. ملاصدرا این مطلب را از عرفا گرفته است. شیخ محمود شبستری در قرن هشتم گفته است:

به نزد آن که جانش در تجلی است
همه عالم کلام حق تعالی است
مراتب همچو آیات وقوف است
عرض اعراب و جوهر چون حروف است
یکی زان فاتحه و آن دیگر اخلاص
از او هر عالمی چون سوره‌ای خاص
که در وی همچو باء بسمل آمد
نخستین آیتش عقل کل آمد
دوم نفس کل آمد آیت نور
که چون مصباح شد از غایت نور
سیم آیت در او شد عرش رحمان
چهارم «آیه‌الکرسی» همی‌دان
پس از وی جرمهای آسمانی است
که در وی سوره سبع المثانی است
که هر یک آیتی هستند با هر
نظر کن باز در جرم عناصر
که نتوان کرد این آیات محدود
پس از عنصر بود جرم سه مولود
که بر ناس آمد آخر ختم قرآن
به آخر گشت نازل نفس انسان

کلام الهی در قرآن و روایات

در قرآن و روایات کلام الهی گستره وسیعی دارد، هم کلام لفظی را شامل می‌شود، و هم کلام فعلی و هم گونه‌های دیگری از کلام بیان شده است. کلمه‌الله گاهی مخلوقات خاصی مانند عیسی خوانده شده و گاهی همه جهان. مانند آیهٔ شریفه: «قل لوکان البحر مداداً لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی ولو جئنا بمثله مددا: بگو: اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکب شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد، قطعاً دریا پایان می‌یابد، هر چند نظیرش را به مدد [آن] بیاوریم.» (کهف: ۱۰۹)

«ولو انّ ما فی الارض من شجرهٔ اقلام و البحر یمده من بعده سبعهٔ ابجر ما نقدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم. اگر همه درختان روی زمین قلم می گردید و دریا را هفت دریای دیگر یاری می‌رساند (و همه مرکب می‌شد) نوشتن کلمات خداوند پایان نمی‌پذیرفت به راستی خداوند پیروزمند فرزانه‌ای است.» (لقمان: ۲۷)

«سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبیّن انه الحق. أو لم یکف بربک انّه علی کل شیء شهید: به زودی نشانه‌های خویش را در گستره‌های بیرون و پیکره‌های درونشان نشان آنان خواهیم داد تا بر آنها روشن شود که او راستین است. آیا بسنده نیست که پروردگارت بر همه چیز گواه است؟» (فصلت: ۵۳)

عشق در پرده می‌نوازد ساز
هر زمان زخمه‌ای کند آغاز
همه عالم صدای نغمه اوست
که شنید این چنین صدای دراز؟

نظریه «نمود» صدرا

ملاصدرا در تفسیر این آیه با دیگر مفسران کاملاً متمایز است و نظریه‌ای خاص بر اساس مبانی حکمی خود دارد. تفسیر صدرا در این آیه از دو جهت با دیگران متمایز است:

الف) «سین» در آغاز «سنریهم» در تفسیر سایر مفسران به معنای حرف استقبال تفسیر شده و گفته‌اند که خداوند در آینده آیاتی را به مشرکین نشان خواهد داد.

ب) اغلب مفسران قرآن ضمیر در «انّه» را به قرآن برگردانده‌اند، هر چند که طبرسی پنج قول نقل می‌کند[7]؛ ولی علامه طباطبایی نخست با قاطعیت نظریه مرجع بودن قرآن را ترجیح می‌دهد و البته در سطور احتمالات دیگری را هم مطرح می‌کنند و ضمیر «أنّهُ» للقرآن... فالآیه تعد إراءه آیات فی الآفاق و فی أنفسهم حتی یتبین بها کون القرآن حق[8].

ج) اغلب مفسران و شاید همه آنان واژه «آیات» در این آیه شریفه را به معنای نشانه یعنی «نماد» تفسیر کرده و مراد از نشانه امور خارق‌العاده و غیرطبیعی دانسته‌اند. طبرسی در جوامع‌الجامع آیات آفاقی را فتوحات رسول‌الله(ص) و غلبه وی بر اکاسره و ملوک و پیروزی عدد قلیل بر گروه کثیر و امور غیرطبیعی می‌داند.[9]

تفسیر شریف‌المیزان سه احتمال به شرح زیر مطرح می‌کند: آیاتی که بتواند حقانیت قرآن را اثبات کند، آیاتی از خود قرآن خواهد بود که از حوادث و وعده‌هایی خبر می‌دهد که به زودی واقع خواهد شد، مانند آیاتی که خبر می‌دهد که به زودی خدای سبحان پیامبرش و مؤمنین را یاری می‌کند، و زمین را در اختیار آنان قرار داده، دین آنان را بر تمامی ادیان غلبه می‌دهد و از مشرکان قریش انتقام می‌گیرد. همچنان که دیدیم این طور شد، نخست پیامبر خود را دستور داد تا از مکه به مدینه هجرت کند، چون دیگر کارد به استخوان رسیده بود، و آن جناب و مؤمنان به وی در نهایت شدت قرار گرفته بودند، نه کسی ما فوق خود داشتند تا در زیر سایه قدرت او ایمن باشند، و نه در خانه خود می‌توانستند درنگ کنند، و بعد از هجرت صنادید و بزرگان قریش را در بدر شکست داد، و مدام امر آن جناب بالا می‌گرفت تا آنکه مکه به دست حضرتش فتح شد، و همه شبه‌جزیره عربستان به فرمانش درآمد، و بعد از آنکه خود آن جناب از دنیا رفت، بیشتر آبادی کره زمین به دست مسلمانان فتح گردید، و خدای سبحان آیات خود را در آفاق و نواحی زمین به مشرکان نشان داد، و هم آیات خود را در نفس مشرکان نشان داد، و همه آنان را دربدر به هلاکت رسانید.

البته این حوادث تاریخی از این جهت که حوادثی تاریخی بودند، آیت خدا بر حقانیت قرآن نبودند، بلکه از این جهت آیت بودند که قبل از اینکه واقع شوند، قرآن کریم از وقوع آنها خبر داده بود، و درست همان‌طور که قرآن خبر داده بود، واقع شد.

احتمال هم دارد مراد از «آیات» و روشن‌شدن حق به وسیله آن آیات، آن مطلبی باشد که از آیات دیگر استفاده می‌شود، و آن اینکه خدای تعالی به زودی دین خود را به تمام معنای کلمه ظاهر، و بر همه ادیان غالب می‌سازد، به طوری که دیگر در روی زمین غیر از خدای یگانه هیچ چیزی پرستش نشود، و همای سعادت بر سر تمامی افراد نوع بشر بال بگستراند که رسیدن چنین روزی غایت و هدف از خلقت بشر بود.

این معنا را از آیه شریفه «وعد اللهُ الذین آمنوا منکُم وعملوا الصالحات لیستخلفنّهُم فی‌الأرض» (نور:۵۵)، و آیاتی دیگر استفاده کردیم، و با دلیل عقلی هم تأییدش نمودیم.

فرقی که بین این وجه با وجه قبلی است، این است که بنا بر وجه اول، روی سخن در آیه موردبحث تنها به مشرکان مکه و پیروان ایشان است. و بنا بر وجه دوم به عموم مشرکان امت است؛ ولی به هر حال خطاب در آن عمومی و اجتماعی است، و ممکن هم هست بین هر دو وجه جمع



کرد.

احتمال هم دارد مراد آن حالتی باشـــد که انســـان در لحظات آخر عمر پیدا می‌کند که همه پندارهایش نقش بر آب شده، و ادعاهایی که داشت از بین رفته، و دیگر دستش از همه جا بریده، به غیر از خدا چیزی برایش نمانده است، مؤید این معنا ذیل آیه و آیه بعد از آن است. و بنابراین، احتمال ضمیر در «أنّهُ الحق» به خدای سبحان برمی‌گردد.[۱۰]

صدرا در جلد ششم «اسفار» در آغاز بحث از برهان صدیقیین می‌گوید: این آیه دو بخش دارد، بخش نخســـتین «سنریهم آیاتنا فی الافاق حتی یتبیّن انه الحق» است و بخش دوم «اولم یکف بربک انه علی کل شـــیء شهید» است. در بخش نخســـتین این آیه اشاره به طرقی است که دیگران برای خداشناسی اقامه نمودهاند. متکلمان از طریق حدوث عالم و طبیعیین از رهگذر حرکت جسم و در بخش دوم به طریقه صدیقیین با بیان و تقریر خاص صدرایی اشاره دارد.[۱۱] از کلام صدرا به وضوح مستفاد است که:

الف) به نظر ایشـــان «ســـین» در سنریهم به معنای تأکید و تکرار اســـت، نه به معنای حرف استقبال.[۱۲]

ب)ایشان مرجع ضمیر«انّه» را خدا دانسته است نه قرآن مجید؛ یعنی تا روشن شود که خداوند متعال حق است. شاهد این برداشت، ذیل آیه شریفه است که سخن از مشهود بودن خداوند و لقاءالله است. قرآن مجید در دوجا (ســـوره حج و سوره لقمان) با یک تعبیر خدا را به عنوان حق محض و مبدأ حقیقت[۱۳] معرفی فرموده است: ذلک بانّ الله هو الحق و انّ مایدعون من دونه هو الباطل و ان الله هو العلی الکبیر: این بدان روســـت که خداوند حق است و آنچه به جای او [به پرستش] می‌خوانند، نادرست است و اینکه خداست که فرازمند بزرگ است.[۱۴]

نظر صدرا در تفسیر این آیه آن است که سراسر جهان اعم از آفاق و انفس، «نمود» حق متعالند. تفاوت نماد و نمود آن اســـت که از نماد به عنوان معلول پی به علت برده می‌شود و حد وسط معلول اســـت. در حالی که نمود شئ، ظهور خود اوست حد وســـطی در کار نیست. تفاوت صدیقین و دیگران آن اســـت که آنان از غیر حق به حق راه می‌یابند. در حالی که صدیقین با تأمل در حق به حق می‌رسند.

شاهد مدعای صدرا در تفسیر آیه شریفه جمله ذیل آیه است که می‌فرماید: اوَ لم یکف بربّک انّه علی کل شئ شهید؟ این استفهام، از نوع تقریری است؛ یعنی در حقیقت چنین بیان می‌کند که «کفی بربک» و «شَـــهید» صفت مشبهه به معنای اسم مفعول است؛ یعنی خداوند بر چیزی مشهود است و کلمه «علی» رسانندهٔ فوق و مفهوم سبقت است؛ یعنی هر چیز را که شما بخواهید بشناسید، مشهودِ قبل از آن خداوند است. به دیگر سخن، اول خدا مشهود شماست و سپس آن چیز نظیر دریا، صحراَ، کوه و بیابان؛ و حتی اگر بخواهید خودتان را بشناسید، اول خدا مشهودتان است و سپس خودتان.

بیان این مطلب چنین است که قبول حقیقت و واقعیت زیربنای تمام مشهودات بشری است و مادام که آدمی این گزاره را تصدیق نکند که حقیقتی هست، هیچ گزاره دیگری را نمی‌تواند تصدیق کند و درک گزاره حقیقتی هست به نحو علم حضوری از اصلی‌ترین گزاره‌های اولی است. آدمی اگر بخواهد فکر خود را هم بشناسد و بگوید من می‌فهمم، باید قبل از آن «حق» یعنی خداوند را بشناسد. خلاصه آنکه مشاهده هر مشهودی متأخر از شهود حقیقت است.

بنابراین تفسیر آیه شریفه به نظر صدرا این است که سراسر جهان نمود حق متعال است. و این است معنای «هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیی علیم».[۱۵]

دوســـتان، در پـــرده می‌گویـــم ســـخن
گفتـــه خواهد شـــد به دســـتان نیـــز هم:
جملـــه عالـــم یک فـــروغ روی اوســـت
گفتمـــت پیـــدا و پنهـــان نیـــز هـــم

امام علی(ع) کلام خداوند را فعل الهی دانســـته و فرموده است: «هرچیزی را که بخواهد ایجاد کند، می‌گوید باش؛ پس آن چیز موجود می‌شـــود. این گفته خداوند از مقوله صدا و ندا نیست، بلکه کلام او فعل اوست که آن را ایجاد می‌کند: یقول لمن أراد کونه: کن فیکون. لابصوت یقرع و لا بنداء یسمع. و انّما کلامه سبحانه فعل منه انشاه و مثله».

پی‌نوشتها:

۱ـ تفتازانی: شـــرح مقاصد، ج۴، ص ۱۵۰؛ فخرالدین رازی، ابوعبـــدالله محمدبن عمر؛ مفاتیح‌الغیب، بیروت، دار احیاءالتراث‌العربی، ۱۴۲۰ق، چاپ سوم، ج۱، ص۳۵.

۲ـ ملاصدرا، الشواهدالربوبیه، تصحیح و تحقیق و مقدمه، سیدمصطفی محقق داماد، ص۷۵.

۳ـ میر سید شریف، شرح مواقف (قاضی عضد)، جلد ۸، ص۹۴.

۴ـ الشواهد، همانجا. ۵. اسفار، همانجا.

۶. ملاهادی سبزواری، شرح منظومه، چاپ ناصری.

۷. ر.ک: طبرسی، مجمع‌البیان، ج۹، ص ۳۰، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲.

۸. المیزان، ج۱۷، ص ۴۰۴.

۹. «فی نصره رسولنا محمد(ص) فی آفاق الدّنیا من الفتوح، و من الإظهار علی الأکاسره والملوک و تغلیب العدد القلیل علی الکثیر و الأمور الخارجه عن المعهود» (مجمع‌البیان، همانجا)

۱۰. «فالآیه تعد إراءه آیات فی الآفاق و فی أنفســـهم حتی یتبین بها کون القرآن حق و الآیات التی شأنها إثبات حقیه القرآن هی الحوادث و المواعید التی أخبر القرآن أنها ســـتقع کإخباره بأن الله سینصر نبیه (ص) و المؤمنیـــن و یمکن لهم فی الأرض و یظهر دینهم علی الدین کله و ینتقم من مشـــرکی قریش إلی غیر ذلک...» المیزان، همانجا).

۱۱. الاسفار الاربعه، ج۶، به تصحیح دکتر احمد احمدی، انتشارات بنیاد صدرا.

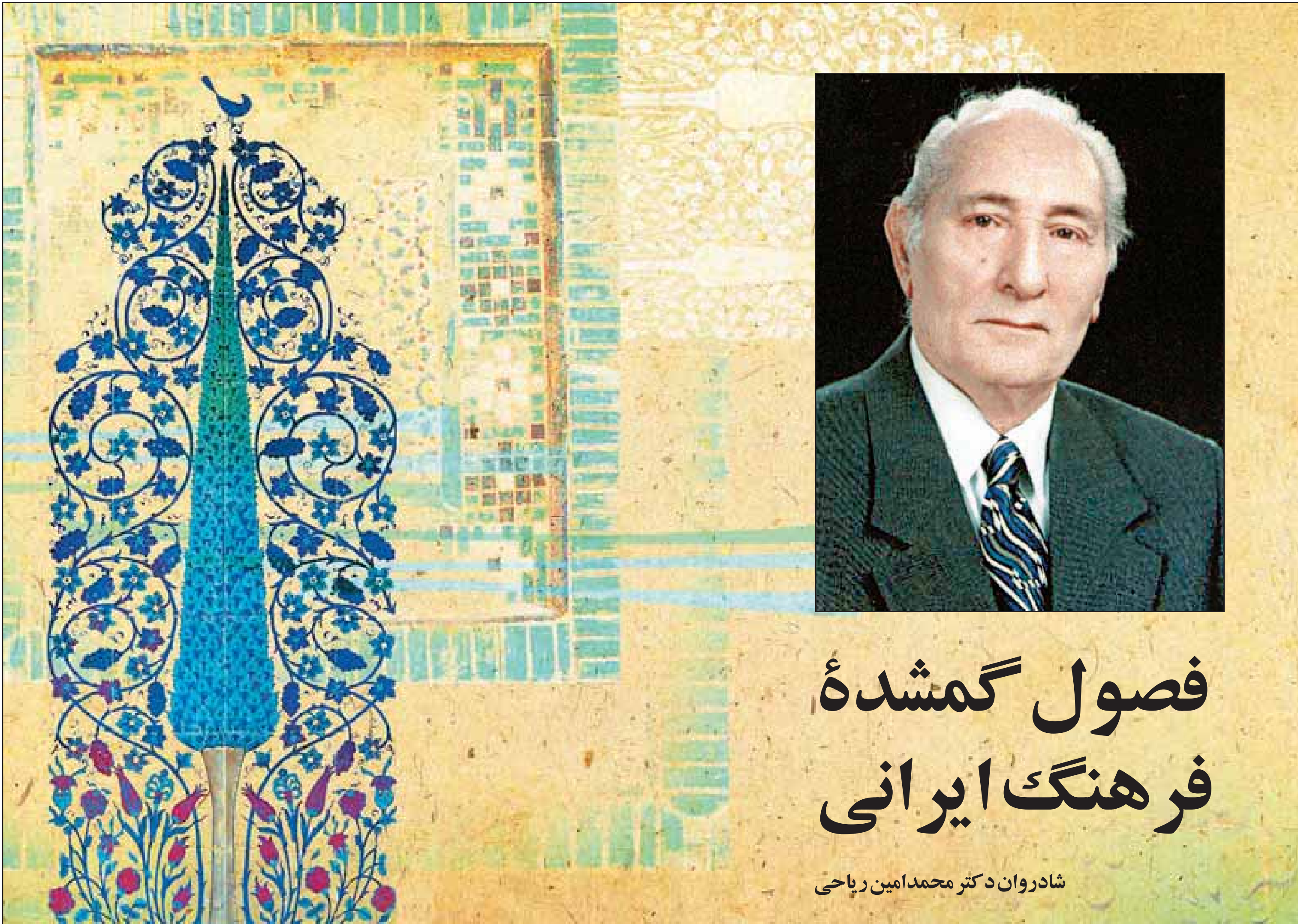
۱۲. البته این نکته موردتأیید اهل ادب عرب نیز می‌باشـــد که این حرف در گویش عربی برای تأکید فعل و تکرار آن نیز به کار می‌رود. این ویژگی به «ســـین» اختصاص دارد و در «سوف» که حرف دیگر استقبال است نمی‌باشد. حسن، عباس، النحو الوافی، تهران، آوند آویش، ۲۰۰۴م، چاپ اول، ج۱، ص ۵۸.

۱۳ـ برای مطالعه بیشـــتر درخصوص مبدأ حقیقت ر.ک: محقق داماد، ســـیدمصطفی، روشنگری دینی، ج۲،ص ۶۱، انتشارات روزنامه اطلاعات

۱۴ـ حج:۶۲؛ لقمان: ۳۰.

۱۵ـ حدید:۳.





فصول گمشدهٔ فرهنگ ایرانی

شادروان دکتر محمدامین ریاحی

این نکته در تاریخ روشن است که وقتی در سرزمینی، سلسله‌ای یا حکومتی می‌رود و سلسله‌ای دیگر جای او را می‌گیرد، با تحول حکومت، تحول فرهنگی آغاز می‌شـــود و سعی تازه‌رسیدگان بر آن است که خاطره رفتگان را بزدایند و چنین فرانمایند که همه چیز از اکنون شروع می‌شود. تقسیم تاریخ و ادب و فرهنگ به دوره‌های مختلف از همین‌جاست.

در تاریخ شناخته‌شدهٔ ما نخســـتین بار با آمدن اسکندر، چنین فراموشی و گسستگی فرهنگی ایجاد شـــد و با گذشـــت زمان از زبان و فرهنگ و تاریخ آن دولت عظیـــم چیزی در خاطر ملت ایران نماند و در طول قرنها در هیچ کتاب فارســـی (جز در فارسنامهٔ ابن‌بلخی و یکی دو تفسیر که ذوالقرنین را با کوروش یکی دانسته‌اند)، ذکری از آنها نشد. تا وقتی که با کوشش دور و دراز صدها باستان‌شناس و ایران‌شـــناس خارجی و ایرانی، بر مبنای روایات یونانی و سنگ‌نبشته‌های میخی و ســـکه‌های بازیافته از آن روزگاران، به تدریج معلوم شد که قدرتمندرین دولت باستانی جهان با درخشـــان‌ترین فرهنگ آن عصر به مدتی نزدیک به دو قرن و نیم در این سرزمین و نواحی مجاور فرمان رانده‌اند و حق عظیمی بر گردن تمدن جهانی دارند.

بعدها امپراتوری اشکانی تشکیل شد. با آمدن ساسانیان آن سلسله و حوادث آن عصر آنها هم از یادها رفت و تنها نامهای پراکنده‌ای به اختلاف در برخی متون دوره اســـلامی از آنها بر جای ماند. تا جایی که فردوسی در شاهنامه فقط در چند بیت به آنها اشاره کرد و گفت:

چو کوتاه شد شاخ و هم بیخشان   نگوید جهاندیده تا رنجشان
از ایشان به جـــز نـــام نشنیده‌ام   نه در نـامه خسروان دیـده‌ام

باز هم در قرن اخیر در سایه تحقیقات فراوان، روشن شد که امپراتوری اشکانی نزدیک به پانصد ســـال دوام داشته و سی و چند پادشاه از آن خاندان سلطنت کرده‌اند. در هزار سال اخیر هم با اینکه خط و زبان و فرهنگ و دین واحدی جز با تحولاتِ جزیی در ایران استمرار داشته، باز هم با تغییر هر سلسله، تاریخ قبلی و آثار فرهنگی عصر آنها طبعاً رنگ باخته یا به عمد مورد بی‌مهری بوده و رو به نابودی نهاده است؛ اما مهمترین گسستگی و فراموشی در تاریخ و فرهنگ این سرزمین، در دویست ساله فاصله پایان امپراتوری ساسانی و هجوم اعراب و ظهور اسلام روی داده است.

در کتابهای تاریخ ادبیات ما، محمد بن وصیف سگزی را نخستین شاعر پارسی گوی شمرده‌اند که از نیمه قرن ســـوم به بعد می‌زیسته، و نخستین اثر منثور فارسی موجود هم مقدمه کهن شاهنامه ابومنصوری از ســـال ۳۴۶ شناخته شده اســـت، و دیگر از آثار سالهای پیش از آن سخنی نیست یا اثری بر جای مانده. خواننده عادی ایرانی هم همانها را می‌خواند و بوده‌ها را می‌آموزد و به نابوده‌ها کمتر می‌اندیشد، رفته‌رفته این تصور به صورت حقیقت قطعی درمی‌آید که آن دویست ساله دوره گسستگی و خاموشی و ظلمت بوده و هیچ گونه دانش و ادب و فرهنگی در آن سالها در این سرزمین وجود نداشته است! اما ســـرزمینی که پیش از آن در طول قرنها مرکز بزرگترین تمدن جهان بوده، چگونه بدان صورت ناگهان همه چیز خود را از دست داده است؟

شـــهرِ یاران بـــود و خـــاک مهربانان ایـــن دیار
مهربانی کی ســـر آمد؟ شـــهرِ یاران را چه شـــد؟
لعلـــی از کان مـــروت برنیامـــد، سالهاســـت
تابش خورشـــید و ســـعی باد و باران را چه شد؟
صدهزاران گل شـــکفت و بانگ مرغی برنخاست
عندلیبان را چـــه پیش آمد؟ هزاران را چه شـــد؟
زهره سازی خوش نمی‌سازد، مگر عودش بسوخت
کس ندارد ذوق مســـتی، میگســـاران را چه شد؟

حکومتها می‌آیند و می‌روند، اما ملتها پایدار و بر جای می‌مانند، و زبان و فرهنگ و آداب و سنن خود را حفظ می‌کنند. ساســـانیان رفتند، حرفی نیست؛ اما ملت ایران که بر جای بود، آن‌همه علوم و فنون کجا رفت؟ فرض کنیم با ظهور اســـلام در ایران کتب دینی که با اسلام مباینت داشته، از میان رفته، اما آن همه آثار غیردینی و کتب مربوط به علوم و فنون و ادبیات کجا رفته اســـت؟ فرض کنیم کتابخانه‌ها را آتش زدند، اما قطعاً کتابهایی باید در خانه مانده باشد.

دوره انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی

استاد دانشـــمند دکتر محمد محمدی ملایری از همان آغاز دوره جوانی و دانشجویی، ذهن پویا و کنجکاوش به این معما برخورده، و به این نکته هم توجه یافته که آغاز عصر شـــکفتگی تمدن اسلامی و ادب عربی نیز درست همزمان با گسستگی فرهنگ ایرانی بوده است. آنگاه «در جستجوی پاسخی خردپذیر» برآمده، و چون در زبان و ادبیات عرب تخصص یافته و به درجه استادی رسیده، بیش از نیم قرن برای حل معما در راهی نارفته پیش‌رفته و به نتایج قطعی روشـــنی رسیده، و حاصل تحقیقات خود را در دهها مقاله و چندین کتاب به فارســـی و عربی منتشر نموده است. اینک چکیده آن همه تحقیقات کتابی اســـت به نام «تاریخ و فرهنگ ایران در دوره انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی» که نامش گویای محتویات آن و نتیجه‌گیری‌های مؤلف است.

دکتر محمدی راههای تازه‌ای در تحقیقات ایرانی گشوده، و کتابش یک تحقیق اساسی و درجه اول و اثری ممتاز و ماندگار و حاوی فصول گمشـــده‌ای از تاریخ و فرهنگ دیرسال ایران است و از این پس معتبرترین منبع کار کســـانی خواهد بود که در این زمینه تحقیق می‌کنند و انتشار آن را یک حادثه مهم علمی و فرهنگی باید شناخت.

حق این است که کتابی با این همه مزایا در رشته‌های تاریخ ایران و تاریخ اسلام و ادبیات فارسی در دانشـــگاهها جزو کتابهای درسی و کمک درســـی قرار گیرد. نیز چقدر خوب است که به جای این‌همهٔ کتابهای کم‌ارزش که با ســـرمایه‌گذاری گزاف به زبانهای دیگر ترجمه و چاپ می‌شود و احتمالاً کمتر کسی رغبت خواندن آنها را می‌یابد، این کتاب به زبانهای دیگر و در وهله اول به عربی ترجمه و منتشر شود تا از این راه رابطه ما با عقلای اقوام مسلمان عرب محکمتر شود، و فشار ستیزه کوردلان و بی‌خبران بر فرهنگ ایرانی سبکتر گردد.

در کشوری که متخصصان و محققان این مباحث فراوان نیستند و بیشتر آنها وسایل و امکانات تحقیق در اختیار ندارند، یا در گوشـــه و کنار جهان پراکنده‌اند و گاهی اصولاً نفس تخصص نفی می‌شده، دکتر محمدی تخصصی اســـتثنایی در زمینه تألیف خود دارد، و به همین سبب کاری که او طی یک عمر کرده، از دســـت هیچ کس ساخته نبوده است. او دکترای زبان و ادبیات عربی را از دانشگاه بیروت گرفته است و سالها در دانشگاه تهران استاد زبان و ادبیات عرب بوده، آنگاه سالیان دراز به عنوان نماینده فرهنگی ایران در لبنان خدمت کرده، و در همان حال با ســـمت استاد زبان و

ادبیات فارسی، در دانشگاههای بیروت به تدریس و تحقیق پرداخته و مواد کتاب خود را فراهم نموده است.

محقق تیزبین و ژرف‌اندیش، نیم قرن درباره موضوعی که سراسر غرق ظلمت و ابهام بوده اندیشیده، و با تسلطی که به زبانهای فارسی و عربی و چند زبان اروپایی داشته، و با دسترسی به منابع نایاب دست اول و آخرین تحقیقات دانشمندان، همه منابع و روایات و گفته‌ها و نوشته‌ها را به نظر دقت سنجیده، و در سایه شور و عشق و کنجکاوی به نتایج کلی و تازه و روشنی رسیده، و حاصل یافته‌های یک عمر خود را به دور از تردید و ابهام در این کتاب بیان کرده است.

در مجموع کتاب و در هر گفتار آن سیر منطقی و نظم فکری مطلوبی پدیدار است. شیوه نگارش و لحن آرام و تواضع عالمانه مؤلف و دوری او از تعصبی که طبیعتاً در چنین مباحثی ممکن است دامنگیر ذهن و قلم نویسنده بشود، بر دل می‌نشیند و خواننده‌ای که آگاهی قبلی از موضوع ندارد یا شاید در برابر یافته‌های تازه و بی‌سابقه، پیش‌داوری نامساعد داشته باشد، با تأثیر لحن منطقی و قدرت استدلال مؤلف ناچار تسلیم می‌شود.

پیش از این در صدها مقاله از محققان ایرانی و فرنگی و عرب گوشه‌هایی از نفوذ زبان فارسی در ادبیات عرب و تأثیر فرهنگ ایرانی در تمدن اسلامی به طور پراکنده مطرح می‌شده، اما محمدی با نظری وسیع و همه‌جانبه به مسأله نگریسته، و در هر مورد به نتایج قطعی رسیده و حرف آخر را زده است. مؤلف در مقدمه زیر عنوان «داستان این کتاب»، گزارش تحقیقات دور و دراز خود را در زمینه گسیختگی تاریخ ایران در دویست ساله نخست استیلای عرب بیان می کند و می گوید حاصل نخستین پژوهشهای خود را در کتابی به نام «فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی» منتشر کرده، و آنگاه فصلنامه‌ای به نام «الدراسات الادبیه» نشریه کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیروت بنیان نهاده و آن را به مدت ۹ سال(مجموعاً در ۳۵۰۰ صفحه) منتشر نموده، و مقالات متعدد و چندین کتاب نوشته و چاپ کرده، و پس از بازگشت به ایران نیز نشریه «مقالات و بررسیها» را در دانشکده الهیات تهران برای نشر ادامه تحقیقات به راه انداخته است.

شاید کسی با خواندن مقدمه و گفتار اول کتاب چنین تصور کند که مؤلف با گزارش فعالیتهای علمی و فرهنگی خود، و ضمن آن نقل ستایشهای استادان عرب درباره کارهای خود قصد خودنمایی داشته است؛ اما به نظر من این هم هنر مؤلف است که با گزارش سیر جستجوها، دست خواننده را می گیرد و در راه دشوار و پر فراز و نشیب تحقیق با خود همراه می‌برد، و خواننده استمرار کار را طی پنجاه سال به چشم می‌بیند و درمی‌یابد که آنچه پیش رو دارد، کتابی نیست که مؤلف در خلوت کتابخانه خود به تفنن و با مراجعه به منابع محدود فراهم آورده و تنها به قاضی رفته باشد، بلکه معلوم می‌شود که این کتاب حاصل یک عمر تدریس و تحقیق مستمر در محیط‌های علمی عربی زبان و بحث و گفتگو با استادان و محققان و متعصبان آن سرزمین‌هاست.

حاصل تحقیقات مؤلف، مرحله به مرحله در طی سالها به‌تدریج در کشورهای عربی چاپ شده، و به نظر علمای بزرگ عرب رسیده، و به محک نقد و بررسی خورده و مورد تأیید و تحسین آنها قرار گرفته است؛ مثلاً فؤاد افرام بستانی ـ رئیس وقت دانشگاه لبنان ـ ارزش تحقیقات دکتر محمدی را طی مقاله‌ای ستوده و از جمله گفته است: «یکی از نتایج تحقیقات دکتر محمدی این است که امروز دیگر این مسأله برای ما روشن شده است که تا وقتی دانشمندان عرب، زبان فارسی را هم از لحاظ قواعد دستور، و هم از نظر ادبی به خود فرا نگیرند، نه محقق و ادیب عرب می تواند ادبیات عربی به‌خصوص ادبیات دوره عباسی را چنان‌که باید بفهمد، و نه شناسایی تمدن عربی و ادبیات اسلامی برای دانشمند عربی میسر می گردد...» همان دانشمند عرب جای دیگر نوشته است: «دکتر محمدی خلأیی را که در تاریخ ادبیات عربی از لحاظ شناخت سرچشمه‌های آن وجود داشت، پر کرده است.»

از نظر ما ایرانیان خدمت بزرگ مؤلف دانشمند در این است که با یک عمر جستجوی عاشقانه و تألیف و نشر چنین کتاب گرانقدری، به دفاع از حق پایمال شدهٔ فرهنگ ایرانی برخاسته و نشان داده است که با انقراض دولت ساسانی، فرهنگ عظیم ایرانی از میان نرفت و کتب پهلوی با نقل و ترجمه به زبان عربی، صورت اسلامی یافت. پس اینکه بسیاری از دانشمندان و متفکران ایرانی، عرب معرفی می‌شوند، اساسی ندارد. حال ببینیم این غلط مشهور از کجا پیدا شده است؟

عرب معرفی شدن دانشمندان ایرانی

اروپاییان مقارن با جنگهای صلیبی در ابتدا با عربها ارتباط یافتند و تحت تأثیر آوازه و شکوه خلافت عربی بغداد (که ایران هم تحت استیلای آن بود)، و بعدها در نتیجه داشتن ارتباط نزدیک با اقوام عرب، همه علوم و فنون و آثار ادبی و هنری ایرانی را کلاً «تمدن عرب» نامیدند. تا بعدها ایران‌شناسان دقیق‌تر تا اندازه‌ای به شناخت تمدن ایرانی رسیدند.

مؤلف در چهار گفتار اول کتاب، با دلایل و شواهد کافی این تصور غلط را که با حمله عرب همه آثار تمدن ایران از میان رفته، زدوده و استمرار فرهنگ ایرانی را در دوره اسلامی ثابت کرده و می گوید: بعد از استیلای عرب، تا سالها مظاهر فرهنگی و عرف و عادات و لباس ایرانیها بر جای بود و جشنهای نوروز و مهرگان و سده و بهمنجنه و... با جلال و شکوه برگذار می‌شد. با بهره‌گیری از دانش و تجربه ایرانیان، نظام مالیاتی و دیوانی ساسانی استمرار یافت و دبیران و وزیران ایرانی، دستگاههای حکام عرب را اداره می‌کردند، و زبان فارسی در دیوان عراق تا دهه ۸۰ هجری و در استانهای دیگر تا سالها بعد به کار می‌رفت. سکه‌های ساسانی همچنان رواج داشت. گاهشماری شمسی ایرانی، که گاهشماری قمری عربی نمی‌توانست جایگزین آن شود، همچنان بر جای بود و تا قرن اخیر هم که در بیشتر کشورهای عربی و اسلامی سالشماری میلادی مسیحی معمول شد، همان تقویم ایرانی رایج بود.

تأثیر فرهنگ ایرانی در عصر جاهلی

درباره تأثیر زبان و فرهنگ ایرانی در تمدن دوره عباسی پیش از این هم بحثهایی شده است؛ اما از مباحث مهم تازه‌ای که دکتر محمدی مطرح کرده، پیشینه این تأثیرات در پیش از اسلام است. درباره ادبیات عصر جاهلی که خود دانشمندان عرب از جمله طه حسین در اصالت آن تردید کرده‌اند، دکتر محمدی نکته تازهٔ دقیقی بیان کرده و گفته است که هرچه باشد، آن‌همه حاصل نواحی مرزی با ایران و تحت تأثیر روابط با ایران به وجود آمده، و از قبایل دور از ایران شعر و ادبی باقی نمانده است. در زمینه سابقهٔ نفوذ کلمات فارسی در زبان عربی، و رواج داستانهای ایرانی یا مربوط به ایرانیان در میان اعراب، مؤلف حق مطلب را ادا کرده، و نیز به دلایل متعدد گفته است که اعراب خط و کتابت نداشتند و این عامل اساسی تمدن، در آغاز از دو شهر «حیره» و «انبار» که تابع دولت ساسانی بودند، به عربها رسیده است.

مؤلف با برشمردن جنبه‌های مختلف موضوع، نتیجه گرفته است که مجموعه فرهنگ اسلامی که به غلط «تمدن عرب» نامیده شده، دستاورد کوششهای دانشمندان و متفکران همه اقوام مسلمان است، و هر قومی سهمی کم یا زیاد در آن دارد. چون در طلوع آفتاب اسلام، قبیله‌های بیابانگرد عرب تمدن قابل ملاحظه‌ای نداشتند، سهم عمده از آنِ ایرانیان است که وارث تمدنی چندهزار ساله بودند و در چند قرن نخستین اسلام همه دانشمندان و مؤلفان، تبار ایرانی داشتند، حتی زبان و لغت و علوم ادبی را ایرانیان تدوین کرده‌اند.

در برابر اعراب بدوی که از خون اسیران، آسیابها می چرخانیدند و کتابخانه‌ها را آتش می‌زدند، فرزانگان مسلمان ایرانی با اندیشه و خرد و دانش و منطق و استدلال در گسترش اسلام می کوشیدند. مؤلف با نقل گفته ابن‌ندیم از کتاب «الفهرست» و با کشف نام و نشان دهها کتاب گمشدهٔ از یاد رفته، نشان می‌دهد که بیشتر کتابهای سده‌های نخستین اسلامی برگرفته از کتابهای ایرانی است و با تغییرات و تحولاتی که در این کتابها به منظور سازگار کردن آنها با محیط و معتقدات جدید داده شده، اصل آنها متروک شده است.

مؤلف برای اثبات تأثیر فرهنگ ایرانی در اعتلای تمدن اسلامی دو دلیل اساسی می‌آورد: اول اینکه نهضت علمی و ادبی اسلام از جایی شروع شد که قرنها پایتخت ایران بود، از «بغداد» پایتخت عباسیان در کنار «تیسفون»، نه از مکه و مدینه و خاستگاه اسلام، یا دمشق پایتخت بنی‌امیه. دوم اینکه پایه‌گذاران علوم عقلی و نقلی و ادبی در زبان عربی، به تعبیر عربها از «موالی» یعنی مسلمانان غیر عرب و بیشتر ایرانیان بودند.

برای نمونه با تحقیق دقیق، تبار ایرانی کسانی چون حسن بصری و ابن‌سیرین و واصل بن عطا و عمرو بن عبید را که حکمت و کلام اسلامی را پایه‌ریزی کردند، روشن می کند و می گوید اینها از راه علم و منطق و استدلال و علم و عرفان در پیشرفت اسلام می‌کوشیدند، در حالی که امرای عرب اسلام را دستاویزی برای کشتار و غارت و مصادرهٔ اموال و سوزاندن کتابخانه‌ها قرار داده بودند. فجایع حَجاج بن یوسف در عراق و سایر امرای عرب در خراسان معروف است. به نوشته بیرونی در آثارالباقیه: قتیبهٔ بن مسلم باهلی در خوارزم نویسندگان را کشت و کتابها را آتش زد. روایتی هم از ابوالفرج مالتی در تاریخ مختصرالدول نقل شده که عمروبن عاص بعد از فتح اسکندریه، درباره کتابهای آنجا از خلیفه عصر دستور خواست، پاسخ رسید که: «همه را بسوزانید.» در دوره خلافت عباسی هم که دم از ترویج علم و حکمت می‌زدند، کتاب‌سوزی به وسیله عمّال خلافت رواج داشت. و یک نمونه، سوختن کتابخانه‌های ری به امر محمود غزنوی است.

دلایل گسستگی و بی‌خبری

مؤلف درباره اینکه چگونه فرهنگ وسیع و درخشان عصر ساسانی در زیر پردهٔ ابهام و فراموشی پنهان مانده، تا آنجا که آن دوره را دوره گسستگی و بی خبری نامیده‌اند، به عوامل متعددی اشاره کرده و مهمترین و مؤثرترین آنها را عامل «تعریب» و «ولا» شمرده است. در آنجا ضمن برشمردن انواع تعریب، که نوع «تعریب لغات» را خوب می‌شناسیم، تعریب اشخاص را که یک پدیدهٔ جاهلی بوده و در صحرا و در میان قبایل عرب کاربرد داشته، روشن می کند و از جمله می گوید: «یکی از این گونه‌ها، تعریب اشخاص است. بدین ترتیب که به جای نام اصلی آنها، نام عربی بر آنها نهند و با نادیده گرفتن اصل و تبار آنها، با نسب ولاء، آنها را به فرد یا قبیله‌ای عربی منسوب سازند و آن را به جای اصل و تبار واقعی آنها به کار برند. بادیه‌نشینان چون بر افراد یا قبایل دیگری غلبه می‌یافتند، هم اموال آنها را به غنیمت می‌بردند و هم افراد آنها را به اسارت می گرفتند. کسانی که بدین گونه یا به گونه‌های دیگر به اسارت می‌افتادند و به بردگی کشیده می‌شدند، حتی هنگامی هم که آزادی خود را به هر نحوی به دست می‌آوردند، باز از وابستگی این فرد یا قبیله رها نمی‌شدند، بلکه همچنان با نسب ولاء به آنها وابسته می‌ماندند، و این وابستگی همچنان به اولاد آنها هم سرایت می‌کرد. این افراد را مولی می‌خواندند.»

مؤلف اثر «حقیقت‌پوش» و «ابهام‌زای» این پدیده جاهلی را می‌شکافد و نتیجه می گیرد که از این راه بزرگان ایرانی را جزو موالی یعنی بردگان بی اصل و نسب معرفی کرده‌اند. به عنوان نمونه تحقیق مفصلی درباره حسن بصری زاهد معروف دارد که پدر و مادرش از اسیران ایرانی بودند و یک فرد عرب شناسانده شده است. این بحث مؤلف آغاز راهی است که در تحقیق نسب کلیه آنها که به نسبت عربی شهرت یافته‌اند، باید پیموده شود.

آنگاه به «تعریب اسلام» می‌رسد و می گوید: «پدیده‌ای که آن را تعریب اسلام خوانده‌اند، از یادگارهای دوران اموی بود. یعنی القای این توهم در اذهان که عرب و اسلام تفکیک ناپذیرند و اسلام را جز در زبان عربی نمی‌توان فهمید! بنی‌امیه تعبیرات «عرب» و «مسلمان» را مترادف هم و به جای هم به کار می‌بردند. این نژادپرستی و تعصبات مفرط قومی که با روح مقدس اسلام مغایرت داشت، و از مفاخرات قبیله‌ای عصر جاهلیت به امویان به ارث رسیده بود، متأسفانه هنوز هم از اذهان بعضی از اعراب زدوده نشده است. چند سال پیش در روزنامه‌ها سخنان رئیس جنجالی یکی از دولتهای شمال آفریقا را چاپ کرده بودند که گفته بود: اسلام دین ملی اعراب است. هر کس به زبان عربی حرف می‌زند، مسلمان است، حتی اگر ادعا کند که دین دیگری دارد و هرکه زبانش عربی نیست، ما او را مسلمان نمی‌شناسیم.

واکنش خردمندانه ایرانیان

این توهمات ادامه مسأله «ولاء» و «تعریب» است، و آنچه مؤلف در این موضوع و واکنش خردمندانه ایرانیان در مقابل آن از قبیل تصمیم منصور بن نوح سامانی به ترجمه تفسیر طبری و دعوت او از فقیهان بزرگ عصر و فتوا گرفتن از آنها، و نیز آغاز اسلام در بخارا و فتوای ابوحنیفه و آنگاه سیاست سلجوقیان و دوران رکود و انحطاط و «فرق علما و خلق عوام» و خوارداشت زبان فارسی در مدارس دینی در قرون بعد گفته، بحثهای دقیق و بدیع و دلکشی است که آن‌همه را در صفحات ۱۲۶ـ۱۴۴ [جلد اول] کتاب باید خواند.

راز فروپاشی ساسانی و دوام روم

از بحثهای دلکش و محققانه کتاب بررسی آشفتگی درونی در دولت ساسانی در دوران اخیر آن (بعد از انوشیروان) در گفتارهای هفتم تا نهم است که معمای فروریختن سریع و ناگهانی و نامنتظر آن دولت را روشن می کند. مؤلف این پرسش مهم را مطرح می کند که: چرا دولت ساسانی با آنکه مقارن حمله اعراب به ایران بسی نیرومندتر از دولت روم شرقی بود، و اندکی پیش از آن بخش بزرگی از متصرفات آسیایی آن دولت را تا مصر تصرف کرد، بعد از چند نبرد کوچک بدان صورت از میان رفت، اما دولت روم تا قرنها بعد پایدار ماند و فقط مناطقی را از دست داد که پیش از آن در تصرف سرداران ایرانی بود؟

آنگاه با بررسی دقیق منابعی که کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته بوده، مخصوصاً جریان محاکمه و قتل خسرو پرویز و دو نامه که میان او و پسرش شیرویه رد و بدل شده بوده، جوابی تازه و روشن و پذیرفتنی برای آن سؤال کهن می یابد، و نتیجه می گیرد که ناسپاسی هرمز ـ پسر انوشیروان ـ و خسرو پرویز در حق سرداران و رجال توانا و لایق و ازمیان بردن خردمندان و کاردانان و برکشیدن فرومایگان و ناآزمودگان موجب خشم و ناخرسندی سپاهیان و عامهٔ مردم و تزلزل اعتبار دولت شده بود، و ایرانیان بهرام چوبین سرداری را که بر خسرو پرویز شورید بود، یک قهرمان ملی و مظهر خواستهای خود می‌دانستند و کشته شدن او و سردار دیگر شهربُراز، رشته پیوند میان خاندان ساسانی و مردم ایران را از هم گسیخته بود.

بر مقدماتی که مؤلف می‌شمارد و نتایج صحیحی که می گیرد، نفوذ مؤبدان و بی‌رحمی و سختگیری آنها را درباره گروهها و مذاهب دیگر باید افزود که از علل اصلیِ ناخرسندی عمومی و تزلزل وحدت و ثبات جامعه بود که نظایر آن در سقوط دولت صفوی و اخیراً مشابه آن در فروپاشی امپراتوری شوروی مشهود افتاد.

تقویت فرهنگ ملی

این را هم باید به فال نیک گرفت که کتابی با چنین مباحث دلاویز و تفکرانگیز، درست به هنگامی منتشر می‌شود که مردم ایران نیازمند اندیشیدن به گذشته‌های فرهنگی خود و شناخت قدر و ارزش آن هستند. در این جهان آشفته، ما ایرانیان برای تأمین موجبات بقای خود وظیفه‌دار تقویتِ فرهنگ ملی خود و شناختن و شناساندن آن، و نشان دادن سهم و تأثیر آن در تمدن جهان عموماً و در تمدن اسلامی خصوصاً هستیم. ملتهای نوخاسته و کشورهای نوخاسته برای خود سابقه فرهنگی و تاریخی می تراشند، ما چرا از آنچه داریم غافل باشیم.

در دنیایی که هزار عامل آشکار و نهان در کار دگرگون‌سازی چهره آن است، با چشم باز و دل بیدار مراقب تحولات باید بود. تحولاتی که در این سالها از نظر علمی و فنی و فکری و سیاسی در دنیا در شرف روی دادن است، به قدری مهم است که جهانیان هنوز چنان‌که باید چگونگی و نتایج آن را درک نکرده‌اند. به همان‌سان که گذشته جهان به ادوار پیش و پس از تاریخ و قرون و وسطی و جدید و معاصر تقسیم می‌شد، اینک دوره مشخص جدیدی بر آنها افزوده می‌شود که با دوره‌ای که نسل ما در آن زیسته تفاوتهای آشکار خواهد داشت.

دیگ جهان در جوش است. بر روی پرده جمعی شعار می‌دهند و می کشند و کشته می‌شوند و پس پرده، سردمداران طرح می‌ریزند و چک و چانه می‌زنند. در این میان از کشاکشهای اقتصادی کشورهای گذشته، آزادی و آسایش و رفاه افراد جوامع مسائل مهمی است، و از آنها مهمتر رقابت فرهنگهای ملی است که نقشه جغرافیایی فردای جهان را ترسیم خواهد کرد. می گویند کانالها و امواج ماهواره‌ای در راهند. این، ضمن فوائدی که می‌تواند داشته باشد، برای فرهنگهای ملی زیانبار خواهد بود، و در رقابتهای آنها همان تأثیر را خواهد داشت که سلاحهای پیشرفته جنگی در رقابتهای نظامی داشت.

مقارن با فروپاشی امپراتوری شوروی و پایان جنگ سرد مقاله‌ای به مناسبت نوروز و فرهنگ ایرانی نوشتم که در مجله دنیای سخن چاپ شد.[1] در ضمن آن گفته بودم که جهان به نقطه عطف تاریخ خود رسیده و آبستن تحولات باورنکردنی شگرفی است، و دنیای آینده، عرصه رقابت و پیکار چند مجموعه بزرگ فرهنگی جهان خواهد بود که یکی از آنها فرهنگ ایرانی است. اخیراً دیدم که محققان خارجی هم عیناً به همین نتیجه رسیده‌اند. وقتی هم که می گوییم فرهنگ ایرانی، مراد یک فرهنگ منتزع محدود نیست. آن تمدن گستردهٔ فراگیری است که حاصل هزارها سال زندگی اقوام و گروه‌های ساکن این سرزمین است. مجموعه تجارب زندگی و آداب و رسوم و سنن و معتقدات و زبانها و لهجه‌ها و تاریخ و شعر و ادب و هنر ساکنان این سرزمین و تفکرات و جهان‌بینی دانایان که طی قرون و اعصار به هم آمیخته و درهم جوشیده و به صورت تمدن عظیم گسترده‌ای در ایران و اطراف آن سر برافراشته، و ارکان عمدهٔ آن زبان فارسی و اسلام ایرانی و تاریخ این ملت و کشور است.

فرهنگ ملی صرف نظر از جنبه عاطفی و ذهنی، پشتوانه حیات و هستی ملتهاست. ما در روزگاری زندگی می‌کنیم که هر ایرانی حق دارد با دلهره و اضطراب نگران سرنوشت آینده کشور و ملت و فرهنگ ملی خویش باشد. در هیچ زمانی فرهنگ ایرانی بدین‌سان از دو سوی در زیر فشار خودیهای غافل و ناآگاه و دشمنان آزمند و کینه‌جوی دیرینه و نورسیده از دور و نزدیک قرار نداشته است. هر روز خبری از جعل حقایق و تاریخ‌سازی و تغییر نامهای جغرافیایی می‌شنویم. در مجله ایرانشناسی خواندم که کسی در مجامع علمی خارجی نطقها کرده و گفته است که اصولاً در گذشته کشوری به نام «ایران» وجود نداشته و هویت ایرانی واقعیت ندارد و بر ساخته رضاشاه و ایران‌شناسان اروپایی است. البته در جواب او دکتر متینی و دکتر خالقی مطلق مقالات مستدل محققانه‌ای درباره سوابق نام و موجودیت ایران نوشته‌اند و حق مطلب را ادا کرده‌اند؛[2] اما تصور اینکه یک ایرانی چنین بیندیشد و با گذرنامه ایرانی در مجامع بین‌المللی چنین حرفهایی بزند، حیرت‌آور و تأسف‌انگیز است، و زنگ خطری است برای هستی و حیات ما.[3]

پی‌نوشتها:

۱ـ دنیای سخن، شماره ۳۹، اسفند ۱۳۶۹، ویژه نوروز، ص ۶.
۲ـ مجله ایران‌شناسی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۱.
۳ـ آینده، شماره‌های ۷ـ ۹، سال نوزدهم، ۱۳۷۲.





تورم بخشیدن به خود حیوانی

علامه محمدتقی جعفری(ره)

چهره‌هایی در تاریخ بشریت ظهور کرده‌اند که یک بار دیدن یا شنیدن توصیفی از آنان، برای اطلاع از وقاحت و بی‌شرمی بی‌نهایت و شدت مبارزه آنها با حق و حقیقت که یک انسان‌نما می‌تواند داشته باشد، کفایت می‌کند. بی‌تردید یزید یکی از آنهاست که به تنهایی مجمع خباثت نسل و رذالت خانوادگی و نشو و نمای خودمحوری و لذت‌پرستی و کامجویی حیوانی را در وجود خود جمع کرده است. نخستین جمله را از عبدالرحمن ابن‌خلدون مؤلف مقدمه تاریخ معروف می‌شنویم. او می‌گوید: «درباره حسین چه بگویم؟ وقتی که فسق و انحراف یزید بر همه مردم دورانش آشکار شد، پیروان اهل بیت پیغمبر(ص) در کوفه، از حسین درخواست کردند که به کوفه برود و آنان در قیام علیه یزید یاری‌اش کنند.»

این جمله مختصر می‌تواند شخصیت یزید را به تمام معنی آشکار کند؛ زیرا فساد و تبهکاری و انحراف یک شخصیت تا به حد نهایی نرسد، گفته نمی‌شود که اوصاف قبیح مزبور آن شخص برای همه ثابت شده است، زیرا صدها احتمال و تأویل و تفسیر و اغراض شخصی و عمومی، مانع از آن است که همه مردم در بیش از ده جامعه بزرگ اسلامی آن روز، از کوچک و بزرگ و دانا و نادان و خوب و بد... همه و همه، فساد و تبهکاری شاخص‌ترین فردشان را بپذیرند. اگر از این اتفاق نظر جوامع عصر خود یزید و صاحب‌نظران قرون و اعصار بعدی بگذریم، توجه شایسته به کردار سه سال و نیمه‌اش، جای تردیدی در این حقیقت نمی‌گذارد که در صورت موافقت امام حسین(ع) با او، نتیجه‌ای جز امضای نابودی اسلام و بردگی مردم به بنی‌امیه در بر نداشت. اما کارنامه سه سال و نیم یزید:

۱ـ کشتن امام حسین(ع) با هفتاد و یک رادمرد دیگر به وضعی که تاکنون هیچ مورخی ـ چه مسلمان و چه غیرمسلمان ـ بدون لرز و وحشت و ناراحتی روحی شدید، نتوانسته است پیرامون آن حادثه مطالعه‌ای کند و چیزی بنویسد.

۲ـ قتل عام اهالی مدینه که به قول مورخان درباره جلادان خون‌آشام مغول: «آمدند و کشتند و سوزاندند و رفتند»، با این تفاوت که در هیچ تاریخی دیده نشده است که چنگیز و هلاکو و آباقاخان به فرماندهان خود دستور بدهند که کسانی را که از لبه شمشیر شما سالم ماندند، دور خود جمع کنید و از یکایک آنان برای برده من شدن بیعت بگیرید. این دستور را یزید صادر کرده است. دستور او به جلادش مسلم بن عقبه چنین بود که: «اگر کسی از اهل مدینه زنده بماند، باید برای بردگی محض با من (یزید) بیعت کند و اگر کسی از پذیرش بردگی امتناع ورزید، گردنش از بدنش جدا شود.»

۳ـ سوزاندن بیت‌الله الحرام و کشتار اهل مکه.این بود کارنامه یزید. معاویه پسرش یزید را بر جای خود نصب کرد و برای رویارویی بی‌پرده با شخصیتی که برای خود ساخته بود، به زیر خاک رفت. بار دیگر تاریخ بشری، شخصیتی تبلوریافته از سرگذشتی را که از نظر اهداف و آرمانهای اعلای انسانی اسلامی غیرقابل توجیه بود، راهی زیر خاک تیره نمود؛ ولی همان گونه که خاک تیره، به جهت جانشین ساختن فرزندش یزید که ادامه وجود او بود، نتوانست آن چهره شناخته شده را مخفی نماید، همچنان یاوه‌گویی‌های چاپلوسان نیز نتوانست صورت واقعی او را از دلها بزداید و از تاریخ محو سازد. آنچه در آثار نقل شده از آن روزگار دیده می‌شود، بیش از این نیست که معاویه، زمینه تحمیل سلطه یزید را بر بعضی از مردم به وسیله شمشیر و یا سفره‌های رنگین آماده کرد، ولی هیچ تاریخ مستندی نگفته است که مردم ـ از طبقه معمولی گرفته تا شخصیت‌های برجسته ـ با کمال رضایت با یزید بیعت نموده و او را که فردی پست‌تر از او در میانشان نبود، برای زمامداری برگزیده باشند.

آری، در آن هنگام که قدرت نامشروع، با ناآگاهی اکثریت مردم، با تلقین‌پذیری عامیان و ناتوانی و زبونی و مصلحت‌اندیشی عده‌ای که استعداد اصلاح مدیریت جامعه را دارند، دست به دست هم داد، فرزندی به نام یزید می‌زاید که دستور کشتن مردی به نام حسین بن علی(ع) را صادر می‌کند که جلوه‌گاه اعلای همه ارزشهای والای انسانی ـ الهی است. قرائن و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که امام حسین(ع) حتی در دوران معاویه که مقداری از ظواهر اسلامی را در استخدام به حکومتش مراعات می‌کرد، دائماً در فکر چاره‌جویی و نجات‌دادن جامعه از سلطه‌جویان خودکامه بود؛ ولی با نظر به مجموع شرایطی که در آن دوران وجود داشت، مخصوصاً با توجه به تعهدی که امام حسین(ع) برای جلوگیری از خونریزی بی‌حد و کران با معاویه داشت، حرکتی برای نهضت و انقلاب نکرد. حتی پس از وفات برادر بزرگوارش امام حسن مجتبی(ع) به تقاضای شیعیان عراق که از او می‌خواستند برود و در عراق حکومت عدل اسلامی را برپا دارد، پاسخ مثبت نداد و به آنان گوشزد فرمود: «میان ما و معاویه تعهدی برقرار شده است. صحیح نیست که من آن را بشکنم، تا مدت آن عهد سپری گردد. و آنگاه که معاویه مُرد، در این باره می‌اندیشم و تصمیمی خواهم گرفت.» هنگامی که جابر بن عبدالله به آن حضرت عرض کرد: «نظر من این است که تو هم مانند برادرت که با معاویه صلح کرد، با یزید صلح نمایی»، حسین(ع) فرمود: «صلح برادرم با معاویه به امر خدا و رسول او بود، و جنگ من هم با یزید، به امر خدا و رسول اوست.»

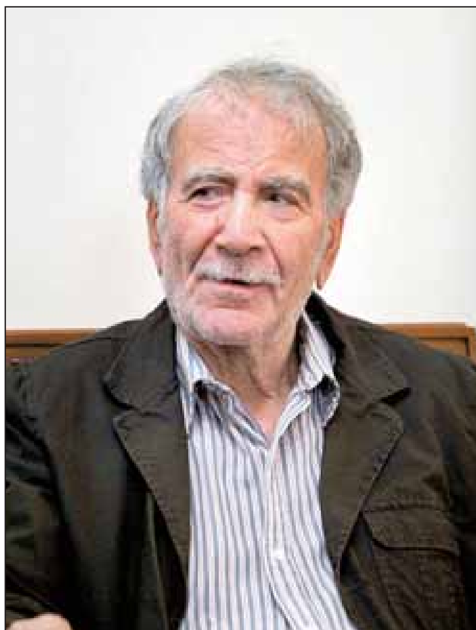
عظمت اصل وفا به عهد و پیمان بود که حسین(ع) را در مقابل معاویه به سکوت واداشت. سکوت امام در آن روزگار تیره و تار، ناشی از تعهد به متارکه جنگ بود که در زمان برادر بزرگوارش بسته شده بود. حسین(ع) که شخصیتش در جاذبیت ارزشهای عالی انسانی ـ الهی بود، می‌فهمید که عظمت اصل وفا به عهد چیست، و این اصل شایسته هرگونه گذشت و فداکاری است، نه معاویه که همه مواد آن عهد را که برای متارکه جنگ بسته بود، زیر پا گذاشت و بر ضد همه آن تعهدها عمل نمود. او معاویه بود و این امام حسین علیه‌السلام. او همه چیز را برای سلطه و حکومت دنیوی می‌خواست و حتی تعهدهایی که می‌بست، برایش هیچ ارزش و انگیزگی برای وفا به آنها نداشت، ولی این (امام حسین(ع)) نه تنها سلطه و حکومت، بلکه همه وجود خود را فدای عمل به انجام آن تکلیف برین تلقی می‌کرد که نغمه‌اش را از اعماق وجدان پاکش می‌شنید. شخصیت این مرد بزرگ، دامنه شخصیت علی بن ابی طالب(ع) و دومین جلوه‌گاه او بود. همان گونه که ایمان و عمل به اصل وفا به عهد، از مختصات روحی آن پدر باعظمت بود، آن ایمان و عمل در حسین(ع) که تجلی‌گاه آن روح بزرگ بود، وجود داشت.

دستور امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر چنین است: «مالکا، اگر میان خود و دشمن معاهده‌ای منعقد نمودی، به طور کامل به معاهده خود وفا کن، و نفس خود را در برابر عهدی که بسته‌ای سپر کن؛ زیرا عموم مردم در هیچ یک از واجبات الهی با آن همه پراکندگی که در آرا و خواسته‌های خود دارند، مانند بزرگداشت وفای به معاهده‌ها اتفاق نظر ندارند. این یک قانون محکم است که حتی مشرکان هم در بین خود، با قطع نظر از اسلام و مسلمین، به آن عمل می‌کردند؛ زیرا آنان نیز عواقب ناشایست عهدشکنی را آزموده بودند. هرگز برای مختل ساختن امر پناهندگی دشمن به تو، نیرنگ راه مینداز و تعهد خود را نقض مکن، و برای دشمنت حیله‌گری روا مدار؛ زیرا هیچ کس جز نادان شقی، به خدا جرأت نمی‌کند. خداوند متعال، قانون تعهد و پناهندگی و پناه دادن را با رحمت الهی خود میان بندگانش، عامل امن و امان قرار داده است که در منطقه ممنوعه آن بیارامند و در همسایگی آن، با احساس امن، به زندگی خود ادامه بدهند. پس هیچ گونه فریبکاری و نیرنگ را نباید در تعهد راه داد، و هیچ معامله‌ای را به گونه‌ای منعقد مکن که ابهام‌انگیز بوده و امکان وارد کردن اختلالات در آن وجود داشته باشد. هرگز پس از تأکید و استحکام متن معاهده، تکیه بر مغلطه‌کاری مکن. و اگر به جهت تعهد الهی در تنگنا قرار گرفتی، این امر هرگز موجب نشود که درصدد فسخ به ناحق آن برآیی؛ زیرا شکیبایی تو بر تنگنایی که امید گشوده شدن و نیکی عاقبت آن را داری، بهتر از آن عذرخواهی است که از نتیجه بد آن، بیمناک، و از بازخواست خداوندی که در دنیا و آخرت دامن تو را خواهد گرفت، هراسناک باشی.»

اگر ما نتوانیم قانونی را که در زیر برای حیات معقول انسانها مطرح می‌نماییم، بپذیریم، یقین داشته باشید که ارزش دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، جز به اندازه ارزش سرگرمی در قهوه‌خانه‌ای که مشتریان آن را پوچ‌گرایان تشکیل می‌دهند، نخواهد بود. آن قانون چنین است: انواع حکومتها ـ چه حق و چه باطل ـ بالاخره پس از سپری شدن روزگاری معین، غروب می‌کنند. تنها تفاوتی که میان آنها وجود دارد، در این است که هدف اصلی حکومتهای حق، نصب و روشن کردن مشعلهای ارزشهای عالی فرا راه کاروان بشریت در مسیر تکامل است و هدف حکومتهای باطل، تورم بخشیدن به «خود حیوانی» است با قربانی کردن همه حقایق به عنوان وسیله در راه وصول به هدف خود. به همین جهت است که حکام حق، نه تنها همه فعالیتها و تلاشهای خود را در راه نصب و روشن ساختن مشعلهای حق به کار می‌بندند و نه تنها خود حکومت را هم برای این هدف مقدس می‌خواهند، بلکه وجود خود را همواره در مرز شهادت در مسیر هدف خود می‌بینند. بر مبنای این قانون است که مقدار و طول زمان زمامداری و گسترش قلمرو آن، برای حکومت حق مطرح نیست. آنچه برای این نوع حکومت اهمیت دارد، طرح و اثبات ارزشهای «حیات معقول» انسانهاست. از این جهت است که حکام باطل، هدف و مقصودی جز تسلط بر انسانها و وسیله ساختن زندگی مادی و معنوی آنان برای همین سلطه‌گری و خودکامگی ندارند. لذا، همه سرمایه‌ها و استعدادهای وجودی خود را برای هرچه بیشتر متورم ساختن «خودطبیعی حیوانی» به کار می‌بندند تا بتوانند حوزه سلطه‌گری‌های خود را توسعه بدهند و حتی اگر بتوانند، لحظه‌ای بر جولانهای خود در میدان کامکاری‌ها بیفزایند.

طباطبایی؛ فیلسوف آزاداندیش

دکتر غلامحسین دینانی



علامه طباطبایی امروز در ایران شناخته شده است؛ ولی معتقدم آن‌چنان که باید، هنوز شناخته شده نیست. اهل تفسیر او را با «المیزان» می‌شناسند که یکی از بهترین و مهمترین تفاسیری است که تاکنون بر قرآن کریم نوشته شده است؛ عده‌ای او را به‌عنوان عابد و زاهد و عارف می‌شناسند که دستورات ذکری به اشخاص داده است و خود نیز اهل ذکر و عرفان بود و استادانش عارف بودند، مثل مرحوم قاضی طباطبایی. کسانی که با علامه آشنایی دارند، مقام عرفانی او را می‌دانند، هرچند که در زمینه عرفان، اثر روشن و شایعی به صورت مستقیم منتشر نکرد؛ ولی گفتار و کردارش همه عرفانی بود و همه دیده‌اند. زهد و عرفان و ادبش بی‌نظیر بود. او در برخورد با شاگردان و غیر شاگردان و مقوله ادب، نمونه بود.

مقام فلسفی او را نیز همه می‌دانند. بسیاری از رجال کشور در فلسفه شاگردش بوده‌اند. بزرگان و فیلسوفان فعلی، در حوزه و جاهای دیگر غالباً شاگردان او هستند. کتاب «بدایه‌الحکمه» و «نهایه‌الحکمه» ایشان در دسترس است و همه می‌خوانند و مقام فلسفی ایشان را نشان می‌دهد و همچنین تعلیقاتی که بر «اسفار» ملاصدرا و «بحارالانوار» نوشته است. مرحوم علامه طباطبایی فیلسوف، مفسر و فقیه است. البته آثار فقهی ایشان چاپ‌نشده است. ایشان در علم فقه و اصول آثار فراوان دارد و در زمان خودش از هیچ فقیه و اصولی کمتر نبود. در ادبیات عرب نیز کم‌نظیر بود. نوشتارشان نشان می‌دهد که چقدر بر ادبیات عرب تسلط دارد و بیشتر به عربی می‌نوشت؛ ولی به فارسی هم می‌نوشت و شعرهایشان نشان می‌دهد که چقدر ذوق و احاطه به‌فارسی داشت؛ شعرهای ایشان بسیار خوب بود.

آن چیزی که گفته نشده و من کمتر شنیده‌ام یا اصلاً نشنیده‌ام و خودم به عنوان یک شاگرد که بسیار به ایشان نزدیک بودم، شاهدش بوده‌ام، این است که علامه طباطبایی یکی از آزاداندیش‌ترین مردانی است که من در طول عمرم تاکنون دیده‌ام و شاید بتوانم بگویم که: من تاکنون که در سن پیری‌ام، انسانی را به حریت فکری علامه طباطبایی رؤیت نکرده‌ام، علی‌الاطلاق! تاکنون با انسانی ملاقات نکرده‌ام که در حریّت فکری آزاد اندیش‌تر از علامه طباطبایی باشد. من کسی را به رتبه ایشان در آزادفکری ندیده‌ام.

آن مرد بزرگ همواره در حال اندیشیدن بود: در شب و روز، در سفر و حضر، در راه رفتن و نشستن، در خواب و بیداری؛ همیشه می‌اندیشید؛ آن هم به مسائلی که روزمره نبود و من می‌دیدم چه در میان طلاب و چه در جلساتی که باهانری کربن داشت و بسیاری از اساتید دانشگاه در آن حضور داشتند، مسأله‌ای مطرح نمی‌شد، مگر اینکه احساس می‌کردم ایشان قبلاً درباره‌اش فکر کرده است و برایش تازه نیست. هر اندازه هم که آن سؤال یا مسأله مخالف نظریاتش بود، روی ترش نمی‌کرد و برای فکرکردن و پاسخ گفتن آماده بود و حاضر بود که درباره هر مسأله‌ای از نو بیندیشد. هم قبلاً اندیشیده بود و هم آمادگی برای اندیشه درباره آن مسئله را داشت. هرگز نمی‌گفت که این مسئله خلاف مذاق و رشته من است، یا کفر است! هیچ سؤالی نبود که از علامه طباطبایی بپرسم و حتی کفرآلود باشد، و ایشان با روی باز و لبخند با آن روبرو نشود و پاسخ ندهد.

درس خارج فلسفه

به درس اسفار آقای طباطبایی عده زیادی می‌آمدند، من هم رفتم. درس عمومی بود. این رفتن همان و مجذوب شدن همان. بعد متوجه شدم که یک جلسه خصوصی شبانه دارند و فلسفه درس می‌دهند. می‌توان گفت که آن درس، درس خارج فلسفه بود. آن هم نه در مدرسه، در منزلها و مخفیانه! اعضای جلسه بیش از هفت هشت نفر از اصحاب خاص ایشان نبودند و شبهای پنج‌شنبه و جمعه در منزل یکی از دوستان برگزار می‌شد.

در این جلسه امهات مسائل فلسفه مطرح می‌شد و همه کس به آن راه نداشت، مگر کسی که خود آقای طباطبایی اجازه بدهد. با ورود به این جلسه، دومرتبه شوقی دیگر در من ایجاد شد که عجیب و غریب بود و دیدم که گمشده من در آن جلسه است و دیگر اساساً کاری با جهان نداشتم. برای من آنچه بود، آنجا بود و آن جلسه و فکر می‌کردم این جلسه همه چیز من است و دیگر مردن و زنده ماندن و پول داشتن و نداشتن برایم مهم نبود. در آن برهه، همه چیز من آن جلسه و شخصیت علامه طباطبایی بود و ایشان هم هر چیز تازه و بدیعی داشت، در طبق اخلاص می‌گذاشت. ما هم هر چه از ذهنمان می‌گذشت، با او در میان می‌گذاشتیم. بیشتر دغدغه‌های فکری و مسائل اعتقادی و فلسفی مطرح می‌کردم و او با سماحت و بزرگواری تمام گوش می‌داد، می‌اندیشید و جواب می‌داد. ممکن بود در مواردی از پاسخشان قانع نشوم؛ ولی او با بردباری و سماحت بی‌نظیر گوش می‌داد و جواب می‌داد. من به عمرم مردی به این عاطفه ندیده‌ام. او فیلسوفی کامل و متفکری تمام‌عیار بود؛ در عین حال، عاطفی‌ترین انسان روزگار نیز بود.

گفتگو باهانری کربن

در جلسات تهران که هانری کربن هم حضور داشت، شرکت می‌کردم. کربن هر سال ۶ یا ۴ ماه از فرانسه به ایران می‌آمد و این جلسات تشکیل می‌شد و آقای طباطبایی از قم به تهران می‌آمد و بنده همراهشان می‌آمدم. از قم با اتوبوس به شمس‌العماره می‌آمدیم و این معمولاً در هوای گرم تابستان بود. بعد هم تاکسی می‌گرفتیم و به منزل آقای ذوالمجد طباطبایی می‌آمدیم. او مردی متمکن بود و خانه‌اش در واقع آکادمی فلسفه بود و این جلسات در آن تشکیل می‌شد. در این جلسه کربن و بعضی از اساتید دانشگاه شرکت می‌کردند. این جلسه از غنایم روزگار بود. چیزها آموختم و سودها بردم. علامه طباطبایی را قبلاً کشف کرده بودم؛ ولی کربن را در این جلسه کشف کردم که او نیز علامه بود. سالکی بود که از غرب به شرق آمده بود. در غرب بی‌نظیر بود. حرارت فراوانی داشت و تشنگی‌اش برای درک معارف اسلامی و حقایق معنوی لایتناها بود.

کربن یکی از بزرگترین فیلسوفان غرب در عصر ما بود. همه فیلسوفان عصر را دیده و درک کرده بود، نه اینکه مثل ویتگنشتاین یاهایدگر تئوری خاصی بیان کرده باشد. شاید هیچ فیلسوفی به اندازه کربن استاد ندیده بود. او ازهایدگر گرفته تا امیل بریه و ژیلسون و ماسینیون و... را دیده بود. با مکتب‌های فلسفی غرب فوق‌العاده آشنایی داشت و متبحر بود. کربن سخت شیفته معنویات و روحانیت بود و معنویت را جستجو می‌کرد و بر این باور بود که جهان در حال تهی شدن از معنویت است و باید آن را از نو احیا و پیدا کنیم. کربن از طریق ماسینیون با سهروردی آشنا شد و همه معارف را در آثار سهروردی و سپس ملاصدرا یافته بود و مجذوب این دو فیلسوف بود. او آثار متعددی پدید آورده که شگفت‌انگیز است.



آقای طباطبایی مرحوم کربن را دوست داشت و کربن نیز آقای طباطبایی را عاشقانه دوست داشت. من در جلسات می‌دیدم که چقدر همدیگر را دوست دارند و به هم ارادت و علاقه دارند. یادم می‌آید که کربن یک شب آقای طباطبایی را به منزلش دعوت کرد. این یک دعوت خصوصی بود و شخص دیگری در آن حضور نداشت. مرحوم علامه به منزل کربن رفت. کربن فرزند نداشت و خانمش هم اهل عرفان و حکمت بود و همراه با او روی آثار عرفانی کار می‌کرد. کربن معمولاً شبها کار می‌کرد و تا صبح بیدار می‌ماند. خانمش نیز او را همراهی می‌کرد. در میهمانی آن شب، نمی‌دانم چه گذشت؛ ولی تا سالیان بعد، آقای طباطبایی چندین بار از آن گفت، همچنین بارها از بزرگواری خانم کربن و فرهیختگی او سخن به میان آورد.

حکمت شرقی

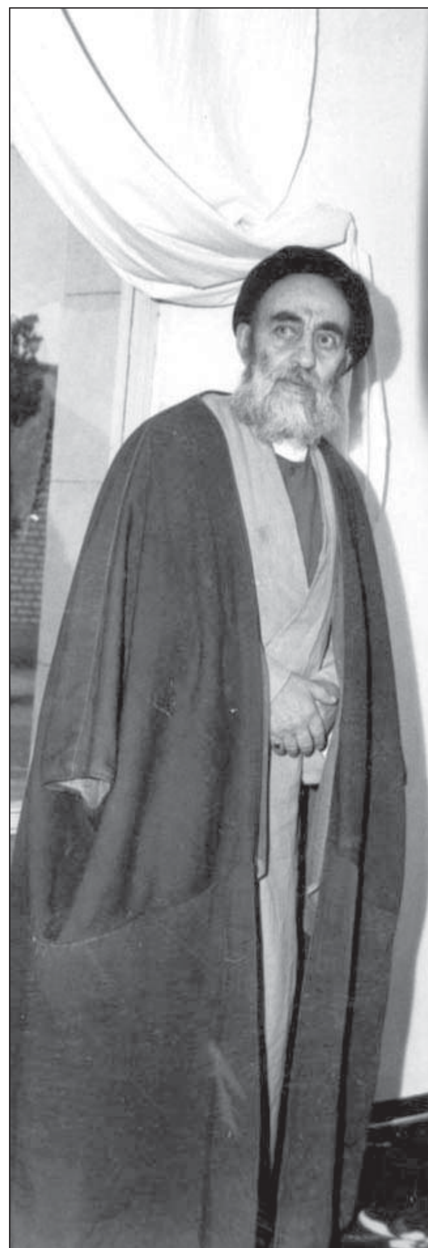
کربن حکمت شرق، و حکمت ایرانی شیعی را طلب می‌کرد و مظهر کاملش را در وجود آقای طباطبایی می‌دید. در کتاب، حکمت را می‌خواند؛ ولی تجسمش را در چهره آقای طباطبایی می‌دید. آقای طباطبایی در کربن همین معنویت و احاطه به جهان و اطلاعات فراوان و تفکر جهانی را می‌دید. ایشان می‌خواست بداند در دنیا چه می‌گذرد و تازه‌ترین بحثهای فکری جهان چیست و به چه سمت و سویی می‌رود و ما در کجای جهان ایستاده‌ایم؟ کربن تحت تأثیر اندیشه‌های علامه طباطبایی قرار گرفت و علامه هم از اندیشه‌های کربن خیلی بهره برد و نتیجه آشنایی و سود بردن علامه از آشنایی با مکاتب فلسفی غرب بود و توانست در مسائل فلسفی و برخی موضع گیری‌های علمی، از آنها بهره ببرد و تیر به تاریکی نینداخت. می‌دانست چه بگوید. کربن هم فراوان استفاده می‌کرد. آنچه در کتابها خوانده بود، در اینجا تطبیق می‌کرد و تصحیح می‌شد و از حرفهای علامه تجسم آنها را می‌یافت و هر دو واقعاً استفاده‌های فراوان می‌کردند و این به نفع عالم تشیع بود. خدمات علامه طباطبایی به عالم‌تشیع نیاز به گفتن ندارد؛ اما من معتقدم هیچ غربی در طول تاریخ به اندازه کربن به عالم تشیع خدمت نکرده است.

کربن یک فیلسوف معنوی از تبار حکمای اِشراقی است. او فیلسوف معنوی است که در مغرب زمین تقریباً نوبر است. و انتهای اندیشه او رسیدن به معنویت تشیع است. در آنجا مستغرق می‌شود. معنویت تشیع، عرفان و ولایت است و ولایت کلیّه. او از سرگشتگی غرب فراوان سخن می‌گفت و دنیا را در سراشیب انحطاط مادی و خالی شدن از معنویت می‌دید و نگران بود و از این رو، تا آنجا که می‌توانست، می‌کوشید نوری از معنویت را به‌جهان بتاباند.

علامه طباطبایی

از نگاه دوربین









یادداشت

یکشنبه ۱۳۹۴/۸/۲۴

سیاست دوگانه غرب در مبارزه با تروریسم



دکتر حسام‌الدین واعظ‌زاده

این بار فرانسه شاهد اقدامات تروریستی و وحشیانه تکفیری‌ها بود. به امید آنکه هشدار و زنگ خطری باشد برای حل و فصل دائمی و جلوگیری از ظهور و گسترش این پدیده شوم تروریسم غیر دولتی در سطح بین‌المللی. کشورهای اسلامی از جمله ایران و منطقه غرب آسیا سال‌هاست با تروریسم شبکه‌ای منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه بوده و همچنان هزینه‌های کلان جانی، مالی و معنوی ـ فرهنگی می‌دهند. جوانانی که در کشـــورهای اسلامی می‌بایست برای تولید و توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تربیت شوند، از فرط بیکاری، ظلم و تبعیض و در همان حال دریافت آموزش‌های عقاید وهابی ـ تکفیری دسته دسته به گروه‌های تروریستی می‌پیوندند. علاوه بر آن نسل دوم و سوم مهاجرین مسلمان در غرب نیز به دلایل مختلف و تحت تاثیر عقاید تکفیری، خانه و کاشانه خود را در اروپا رها کرده به این گروهها در سوریه، لبنان، یمن، عراق و علیه هرکسی که مخالف آنها باشد می‌پیوندند، می‌کشند و خون می‌ریزند. آنها زمانی که از ارتکاب جنایت در سرزمین‌های اســـلامی به تنگ آیند و با موانعی مواجه شوند، به اروپا می‌آیند، جایی برای ادامه اقدامات تروریستی و غیر انسانی، پس دولت‌های غربی باید هوشیار باشند و با اهمال کاری‌های سیاسی، جان و زندگی شهروندان خود را به خطر نیندازند.

برای یک تحلیل راهبردی کوتاه و مختصر می‌بایســـت رهبران سیاســـی و دینی جهان به چند متغیر موثر برای شـــناخت علل ظهور و نیز مبارزه و نابودی این پدیده شوم تروریستی قرن بیست و یکم توجه نمایند:

تداوم خطای تکراری غرب در مورد:

۱. رفتار دو گانه غرب با انتخاب و تمایل سیاسی مسلمانان و نیز حکومت‌های عربی
۲. حمایت غرب از حکومت‌های غیر منتخب، موروثی و کودتاچی در کشورهای مسلمان
۳. تقویت و هدایت گروههای تروریستی برای بهره برداری به نفع خود در رقابتها و برخوردهای منطقه‌ای و بین‌المللی

غرب تا حد زیادی باید مســـئولیت اقدامات گروه‌های تروریستی مانند القاعده و داعش، آنهم بعلت سیاست دوگانه و اهمال در مبارزه با پدیده تروریسم بین‌الملل را بپذیرد. تا زمانی که دولت‌های غربی به این واقعیت نرسند که خود عاملی مهم در ظهور و گسترش تروریسم هستند، همچنان باید شاهد این اقدامات هولناک تروریستی باشیم. گروه‌های تروریستی در زیر سایه و چتر امنیتی و اطلاعاتی و لجســـتیک قدرتهای غربی و عربی توانســـته‌اند در داخل دو کشور سوریه و عراق رشد و گسترش یافته و شهرهایی را تصرف کنند. این اقدامات بدون دسترسی به حمایت فراملی و منابع خارجی ممکن نیست. باید منشاء کمک‌های خارجی از هر نوع شناسایی، محکوم و متوقف شود. ضمن آنکه غرب از اسلام هراسی و تبعیض نسبت به جوامع مسلمان در غرب دست بکشد و به آن خاتمه دهد و حقوق بشر را نسبت به آنها رعایت کند. کشورهای غربی باید نسبت به مشروعیت نظام‌های غیرمنتخب عرب و میزان پایبندی و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های مدنی و دینی از سوی آنها، حساسیت و توجه بیشتری داشته باشند، و این تئوری قدیمی قرن نوزدهمی که «هنوز ملتهای مسلمان شایستگی و عرضهٔ داشتن حکومت‌های منتخب و دموکراتیک را ندارند» تغییر دهند و به رای مردم احترام بگذارند.

در این راستا، غرب برای مبارزه با تروریسم غیر دولتی باید اقدامات فوری زیر را انجام دهد:

۱. کاهش یا قطع روابط و تحریم تسلیحاتی علیه کشورهای حامی تروریست‌های تکفیری
۲. تقویت روابط با کشورهای خط مقدم مبارزه با تروریسم
۳. عدم مذاکره با گروههای تروریستی و امتناع از امضای قرارداد صلح و نیز به رسمیت شناختن آنها!

غرب و ســـایر کشورهای آسیب دیده از پدیده تروریسم تکفیری فقط با توجه به ملاحظات ذکر شده، با اتخاذ سیاست گذاری بازدارندگی و نیز اقدام مؤثری برای مواجهه و مبارزه با این پدیده شوم می‌توانند موفق باشند.

کمبود و تحدید منابع لجستیک و انرژی و سوخت داعش که با شروع اقدام نظامی روسیه، پیروزی‌های نیروهای مردمی سوریه و عراق و نیز برخی حملات هوایی و پراکنده آمریکا آغاز شد، داعش را در بحران ســـخت و ناامید کننده‌ای فرو برده است که گواهی بر فرارسیدن پایان بازی آنان است. حادثه تروریستی در فرانسه که ممکن است سایر کشورهای اروپایی را فرا بگیرد باید به دستاوردهای راهبردی‌تری در نشست وین بینجامد. ایران نیز باید نسبت به هرگونه اقدامات تروریستی در خاک خود و در عراق بویژه در ایام اربعین حسینی هوشیاری خود را حفظ و تقویت کند.

علمای مســـلمان کشورهای اسلامی باید متوجه ظهور نسل جدیدی از جوانانی باشند که به سختی می‌توانند به گفته‌ها و توصیه‌های آن‌ها اعتقادی داشته باشند. مسئولیت علما و بزرگان دینی جهان اسلام برای روشنگری و زدودن افکار شیطانی از جوامع مسلمان و پیروان خود یک وظیفه فوری و ضروری است.

علما و رهبران مسلمان در سراسر جهان باید ضمن تعامل سازنده با هم، با جوانان جوامع خود نیز ارتباط کمّی و کیفی مناسب و نزدیکی داشته باشند، داشتن روش‌های تربیتی و استراتژی‌های آموزشی هماهنگ، نزدیک و کاربردی میان علمای جهان اسلام، برای جلوگیری از ظهور و گسترش عقاید ضدبشری و ضد اسلامی میان جوانان مسلمان مهم و ضروری است.

زاویه



سه‌شنبه ۱۳۹۴/۹/۳

آمریکا و انتخاب بین دموکراسی و تروریسم

بازی با کلمات به عنوان یک فن و قابلیت در دیپلماســـی و مواضع رســـمی رواج قابل توجهی دارد. چند روز قبل اوباما اعلام کرد، روسیه و ایران باید بین بشار اسد و حفظ حکومت و حاکمیت سوریه یکی را انتخاب کنند.

این موضع اوباما بدین معنی بود که اگر روســـیه و ایران از بشـــار اســـد حمایت کنند حاکمیت سوریه که هدف اقدامات تروریستی است را باید نادیده بگیرند و تروریسم تکفیری در سوریه را نه به عنوان یک پدیده ضد بشری و تهدید جهانی، بلکه به عنوان یک واکنش قابل توجیه در مقابل حمایت از بشار اسد مورد اغماض قرار می‌دهند. نکته مهم در بحران سوریه این است که اســـتانداردهای دوگانه بر رفتار آمریکایی‌ها حاکم است و با تکیه بر روش‌های فریبکاری و غیرقانونی قصد دارند رقبای خود را در تنگنا قرار دهند.بحران سوریه رامی‌توان در چند محور خلاصه کرد تا بدانیم مشـــکل اصلی در انتخاب بین دموکراســـی و القاعده و تروریسم است و یا انتخاب بین بشار اسد و رویکرد براندازی حاکمیت در سوریه؟

بشار اســـد رئیس‌جمهور انتخاب شده از سوی مردم سوریه است و حتی آوارگان سنی مذهب که در لبنان به ســـر می‌برند با تمامی فضاسازی و شانتاژ جریان ۱۴ مارس و المستقبل در این انتخابات با هجومی غافلگیرکننده به بشـــار اسد رای داده‌اند.بحران سوریه پدیده‌ای مداخله‌گرانه و تروریســـتی اســـت که از حمایت ارتجاع عرب و متحدان غربی در تمامی عرصه‌های مالی، لجستیکی، تسلیحاتی و سیاســـی و رسانه‌ای برخوردار است.ماهیت این بحران مصنوعی در سوریه منافع نامشروع استعماری است و عقده‌گشایی برخی سران عرب و توهم عثمانی گری ترکیه در کنار آن اســـت.هیچ جریان میانه رو و مسلحی در سوریه وجود ندارد و تمامی جریان‌های مســـلح، یا با داعش و یا با جبهه النصرهٔ بیعت کردند و ذیل پرچم القاعده قرار می گیرند. جریان‌های سیاسی معارض و غیرمسلح و شرافتمند در سوریه هستند که ضمن انتقاد به نظام سیاسی ســـوریه تروریسم و اقدامات نظامی در سوریه را نیز محکوم می‌کنند.موتور اصلی تروریســـم تکفیری که از یکصد کشور جهان به سوی سوریه سرازیر شده‌اند در اختیار سعودی، ترکیه و قطر است که توسط سیستم‌های اطلاعاتی غربی و منطقه‌ای و به ویژه صهیونیســـتی مدیریت و هدایت و حمایت می‌شوند.از ابتدای این بحران که از پنج ســـال قبل شروع شد و در نشست‌های ژنو و وین، همواره راهبرد ثابت براندازی نظام سوریه از ســـوی آمریکا و متحدان آن دنبال شد. آمریکا و ارتجاع عرب و رژیم صهیونیستی به خوبی می‌دانند که دستیابی به این هدف، تجزیه سوریه را به دنبال خواهد داشت. لذا از آنجا که آمریکا و غرب و رژیم صهیونیستی و ارتجاع عرب مداخله مستقیم در سوریه را منطبق بر منافع خود نمی‌دانســـتند و یا آن را امکانپذیر نمی‌دانند، تکیه بر ابزار افراطی گری تروریستی و تکفیری برای براندازی نظام سوریه را ضروری می‌دانند. از این رو، همه توان اجرایی خود در سال‌های گذشـــته را در حمایت و تقویت از این تروریسم تکفیری قرار دادند و به شکل‌های گوناگون آنها را بزک هم کرده‌اند.

با اینکه همه می‌دانند که افسار گروه‌های مسلح در سوریه در دست القاعده با دو نام داعش و یا النصره اســـت و با آن بیعت کرده‌اند، اما رسانه‌های منطقه‌ای و جهانی استعماری از آنها به عنوان شورشی، معارض، انقلابی و مدافعان حقوق اهل سنت نام برده‌اند. امروز که در نشست وین در تنگنای انتخاب سیاسی و مشـــت آهنین نظامی سوریه–ایران در داخل سوریه قرار گرفته‌اند، در تلاش برای نامگذاری جدید برای بخشـــی از این تروریست‌ها در سوریه به نام نیروهای میانه‌رو هستند و مسئولیت خود در حمایت از تروریسم در سوریه را کم‌رنگ نشان می‌دهند تا در روند سیاسی وین امکان کسب امتیازهای بزرگ را فراهم کنند. مهمترین تلاش آمریکا، ارتجاع عرب و صهیونیسم جهانی این است که مواضع روسیه، ایران و مقاومت را در حمایت از بشار اسد به عنوان سمبل وحدت ملی و سرزمینی سست کنند. آنها همچنین مانند ســـخنگوی وزارت خارجه آمریکا با خوش خیالی امید به مصالحه و معامله با ایران و روسیه بر روی بشار اسد دارند.

نکته مهم اینجاســـت که ایران و روسیه در حمایت از دموکراسی در سوریه از بشار اسد حمایت می‌کنند و این آمریکا اســـت که باید بین دموکراســـی ادعایی و موجود در غرب و تروریســـم القاعده در ســـوریه یکی را انتخاب کند و هیچ راه حل میانه‌ای بین دموکراسی و تروریســـم وجود ندارد. لذا این آمریکا و متحدان مرتجع منطقه هســـتند که باید با خودشان مصالحه و از حمایت تروریســـم عقب‌نشینی کرده و دموکراســـی و نتایج آن را در سوریه بپذیرد.

*خبرگزاری فارس


محک
خوش بود گر محک تجربه آید به میان
ابوالقاسم قاسم‌زاده

هدف بعدی کجاست؟

یکشنبه ۱۳۹۴/۸/۲۴

موجی از تیراندازی‌ها و انفجارها به یکباره پاریس را شهر تروریست زده کرد. حملات تروریستی در شش نقطه از مرکز فرانسه بیش از ۱۵۳ کشته و ۲۰۰ نفر زخمی بجای گذاشت که به روایت مسئولان امنیتی فرانسه، حال ۸۰ نفر از زخمی‌ها بسیار وخیم گزارش شده و احتمال بالارفتن آمار کشته شدگان به بیش از ۲۰۰ نفر داده می‌شود. برای نخستین بار پس از سال ۱۹۴۴ میلادی در فرانسه حکومت نظامی و منع رفت و آمد به اجرا گذاشته شد و تمام پروازها در این کشور لغو شد. رئیس جمهور فرانسه که از مهلکه انفجار در ورزشگاه با تدابیر شدید امنیتی خارج شده بود، برای نخستین بار در سراسر فرانسه اعلام وضعیت اضطراری کرد و مرزهای این کشور را برای جلوگیری از فرار تروریست‌ها بست.

اولاند رئیس جمهور فرانسه سفرش به ترکیه برای شرکت در نشست گروه ۲۰ را نیز لغو کرد. او ارتش فرانسه را برای مقابله با عملیات تروریستی فراخواند و دستور اعزام ۱۵۰۰ سرباز به پاریس را صادر کرد. برخی از رسانه‌ها می‌گویند، داعش در وب سایت خود مسئولیت رسمی حمله به پاریس را برعهده گرفته و اعلام کرده است» این ۱۱ سپتامبر فرانسه است.» همین رسانه‌ها اطلاع داده‌اند که داعش در شب حمله چندین‌بار بر روی صفحه تویتر خود «توییت» با این عبارت‌ها گذاشته است.» پاریس در آتش»، «پاریس شهر اشباح» و سرانجام نوشته است «بعد از پاریس نوبت روسیه است.»

۱ـ نزدیک به پنج سال است که سیاستمداران غربی، خاورمیانه را مرکز بحران زدگی تروریسم معرفی کردند. در این پنج سال رؤسای کشورهای غربی(آمریکا و اروپا) اطلاعات کافی از چگونگی ظهور و بروز گروه‌های تروریستی و فراگیری تروریسم در خاورمیانه به دست آوردند. حمایت رژیم صهیونیستی از بسط تروریسم در کشورهای خاص عربی (عراق، سوریه، لبنان، یمن، لیبی و مصر) را می دانند و از دلارهای نفتی که از سوی دولت‌های سعودی، امارات و قطر در اختیار شبکه تروریسم قرار می‌گیرد آگاهی دقیق دارند. داعش بسیار سریعتر از شبکه تروریستی القاعده اعلام موجودیت و رشد کرد. در اغلب محافل سیاسی و رسانه‌ای مستقل غرب قدرت مالی این گروه تروریستی و انواع و اقسام تسلیحاتی که در اختیار او قرار گرفته است، سوال برانگیز شد. اما تا امروز هیچ دولت قدرتمند غربی به این پرسش‌ها پاسخ نداده است. هفته گذشته برخی از رسانه‌های غربی، خبر فروش نفت توسط داعش از طریق ترکیه را اطلاع دادند. داعش ماهانه تا ۳ میلیون دلار از فروش نفت، به دست می‌آورد. دولت‌های غربی در ۵ سال گذشته براساس پذیرش تحلیل و تفسیر نتانیاهو از خاورمیانه حرکت کردند که اساس آن بر تولید بحران پیرامونی و جنگ‌های درونی در کشورهای مسلمان استوار است. بسیاری از دولت‌های غربی بحران کنترل شده در درون خاورمیانه را سودآور برای خود دانستند. آقای اولاند با همین برداشت از بحران و جنگ در خاورمیانه در سفر کوتاه به عربستان و امارات بیش از ۲۰ میلیارد دلار قرار داد فروش تسلیحات را بست و این تجارت را موفق‌ترین مأموریت سیاسی خود نامید.

اما اینک بحران تروریسم از کنترل خارج شده و در خاورمیانه مسدود نمانده است بلکه امروز در پاریس فاجعه می‌آفریند.

۲ـ اروپا یکباره خود را به طور مستقیم با پدیده تروریسم در خاورمیانه و آثار شوم آن مواجه دید. از یک طرف امواج انسانی آوارگان جنگ با نام «پناهجویان» از مرزهای کشورهای اروپایی عبور و همه اروپا را دچار مشکلات متعدد کرده است. از سوی دیگر شهرهای بزرگ و مشهور و چه بسا دولت‌های اروپایی به طور مستقیم هدف تروریسم قرار می‌گیرند.

اگر تا دیروز محافل سیاسی صهیونیست‌ها از بحران کنترل شده در خاورمیانه و جنگ‌های داخلی در کشورهای عربی سود می‌بردند و از آن حمایت می‌کردند، امروز این بحران علاوه بر خاورمیانه، اروپا را نیز فرا گرفته است.

۳ـ دیگر هیچ دولت و کشوری از حملات تروریستی آن هم به صورت سازمان‌یافته چه در خاورمیانه یا در اروپا در امان نیست. دولت‌ها در خاورمیانه و یا در کشورهای اروپایی اگر هم بخواهند که آتش تروریسم را خاموش کنند، کار چندانی نمی‌توانند انجام دهند. الا اینکه مسکو و واشنگتن به اشتراک نظر درباره بحران خاورمیانه دست پیدا کنند و به طور جدی بخواهند پرونده بحران در این منطقه بسته شود.



آنچه که در میدان سیاست دیده می‌شود، تنافر نظری و سیاسی مسکو و واشنگتن است که هزینه‌پرداز آن ملت‌های خاورمیانه و اکنون برخی از کشورهای اروپایی شده‌اند. صهیونیست‌ها که «اسلام‌هراسی» را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده‌اند، همچنان از تداوم تروریسم حمایت می‌کنند و خود در فلسطین اشغالی کمترین بهاء و ارزشی به حقوق انسانی و شهروندی فلسطینیان نمی‌دهند. وقتی از یک طرف تشکل‌های تروریستی مرحله به مرحله گسترش پیدا می‌کنند و از سوی دیگر نتانیاهو به کشتار فلسطینیان می‌پردازد و خانه‌های آن‌ها را ویران می‌سازد، خط ادامه فعالیت‌های تروریستی همچنان ادامه می‌یابد تا آنجا که داعش در اطلاعیه خود بعد از انفجارهای پاریس آن را ۱۱ سپتامبر برای فرانسه می‌خواند و وعده می‌دهد که بعد از پاریس «نوبت» روسیه، انگلیس، ایتالیا و آمریکا خواهد بود!

نابودی تشکل‌های تروریستی از داعش، النصره، القاعده و ... نیازمند اراده و توافق بین‌المللی، به خصوص همسویی مسکو ـ واشنگتن است این توافق امروز وجود ندارد و بیشتر بازی سیاسی دیده می‌شود تا اقدام جدی و مؤثر برای عبور از چندین سال بحران تروریسم در خاورمیانه. تا این شرایط ادامه یابد، هر زمان هر شهری ممکن است هدف بعدی تروریست‌ها باشد ...



چهارشنبه ۱۳۹۴/۹/۴

از بلندیهای لبنان تا دشت‌های تفتیده خوزستان

دهلران ـ خبرنگار اطلاعات: بزرگ بود و نجیب،غریب بود و سپید. دلش دریایی بود و نگاهش آسمانی. سنگرها او را خوب می‌شناسند. خاکریزها در دلتنگی نگاهش به تعزیت نشسته‌اند. درخت‌ها در سوگ قامت او مویه می‌سرایند. سال‌های اسارت در دلتنگی و غربت به عشق مشغول بود. اسارت او راخم نکرد، زخم‌ها او را به ستوه در نیاوردند، نی‌ها پابه‌پای حنجره‌اش از جدایی‌ها سرودند.

لشکری در اندوه او به کوهی از بغض پناه برده‌اند و ترکش‌های بی‌شماری در او گرد آمده بوند، زخم‌ها او را به خوبی می‌شناختند، قامت او به کوه می‌مانست.

لبنان، بلندی‌های جولان، مهران، قلاویزانو و دشت‌های تفتیده خوزستان شجاعت او را از یاد نبرده‌اند و خیابان‌های شهرم از او می‌سرایند از پایمردی، مردی که چون کوه بود. اکنون او رفته است و ما مانده‌ایم لشکری مانده است و کوهی از غم، نی‌ها نالانند و چشم‌ها گریان، تو نیستی دشت‌ها به غربت می‌گرایند و آسمان شعر و غزل بارانیست، تو نیستی دلتنگی و مویه ما را دوره کرده است و می‌اندیشیم به باران به بغض و روزهای تنها و شب‌های تیره کدام سنگر کدام خاکریز ترا به یاد خواهد آورد.

سردار...! سردار حاج صارم طهماسبی دارای قدی بلند بود مانند نام و آوازه‌اش از ویژگی‌های بارز این مرد خدا، می‌توان به ولایت‌پذیری، مردمداری، مهربانی، گشاده‌رویی، احترام به بزرگ و کوچک و... اشاره کرد. صارم طهماسبی سال ۱۳۳۳ در روستای سراب‌باغ شهرستان آبدانان از توابع استان ایلام دیده به جهان گشود و دوران ابتدایی و راهنمایی را در همان روستا به پایان رساند و برای گذراندن مقطع متوسطه راهی آبدانان، دهلران و شهرستان اسدآباد استان همدان شد. در سال ۴۹ پس از آشنایی با شهیدان محمد منتظری و اندرزگو وارد مبارزات سیاسی علیه رژیم ستمشاهی شد که توسط ساواک ایلام شناسایی و دستگیر شد.سردار طهماسبی سال ۵۰ همراه با چند نفر از مبارزان انقلابی به لبنان سفر کرد و به مدت پنج سال، ضمن فراگیری فنون رزمی و پارتیزانی و زندگی در شرایط بسیار سخت، در کنار مجاهدان و مبارزان جنبش امل لبنان علیه رژیم غاصب اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی جنگید و توسط مأموران رژیم به شدت مجروح شد که آثار به جای مانده از جراحات آن زمان در پای چپ این مجاهد نستوه همچنان باقی‌مانده بود.

طهماسبی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی به وطن بازگشت و در یک مرکز چریکی به صورت مخفیانه به ساخت بمب‌های دستی و آموزش و هدایت تظاهرکنندگان ضد حکومت شاه پرداخت و آنها را تجهیز و تسلیح می‌کرد. پس از سرنگونی رژیم پهلوی و برپایی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به دستور و همراه شهید محمد منتظری با یک فروند هواپیمای نظامی برای تکمیل مأموریت‌ها و فراگیری آموزش‌های پیشرفته دوباره راهی لبنان و شهرهای سور، صیدا، نبتیه و برج‌البراجنه شد و پس از گذشت یک سال و نیم به کشور بازگشت و با هماهنگی و دستور شهید مصطفی چمران در جبهه میانی جنگ تحمیلی (استان ایلام) مشغول نبرد جانانه با متجاوزان بعثی شد.

سردار طهماسبی در مسئولیت‌های مختلف عملیاتی، شناسایی، رزمی و فرماندهی یگان‌های پیاده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان ایلام خدمات شایانی به اسلام و انقلاب کرد و در سیزدهم آبان ۶۳ هنگام مأموریت شناسایی در منطقه سرخجر مهران از سوی گروه معروف به "گوش‌برها" به اسارت درآمد و پس از ۵۰ ماه اسارت آزاد و به آغوش ایران اسلامی بازگشت. حاج صارم طهماسبی دارای مدرک کارشناسی ارشد علوم سیاسی بود و سوابق درخشانی در تدریس و تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه داشت.سردار صارم طهماسبی آزاده و جانباز بالای ۷۰ درصد در دوران دفاع مقدس و همرزم شهید مصطفی چمران در لبنان، اخیرا بر اثر سکته قلبی در سن ۶۱ سالگی ندای حق را لبیک گفت و به جمع همرزمان شهیدش پیوست.

پنجشنبه ۱۳۹۴/۹/۵

بسیج، شجرهٔ طیّبه انقلاب



فتح‌الله آملی

وقتی در پنجم آذر ۵۸ فرمان تشـــکیل بسیج مستضعفین توسط امام(ره) صادر شد کمتر کســـی فکر می‌کرد که این نهاد مردمی بتواند چند ماه بعد چنین ظرفیتی از خود نشان دهد و ضرورت وجودی‌اش را به نمایش بگذارد. گرچه تا پیش از آن نیز این ضرورت احساس شده بود. نیروهای مردمی توانســـته بودند در ماجراهای مقابله با ضدانقلاب در حوادث ماه‌های ابتدایی پیروزی نهضت، قـــدرت حضور مردم را به نمایش بگذارند. چه قبل و چه بعد از این تاریخ در غائله ترکمن‌صحرا، کردســـتان، آزادی پاوه، ماجرای ششم بهمن آمل و خلق عرب و... در همه و همه این عرصه‌های حضور گسترده مردم نمایش قدرت لایزالی بود که انقلاب را حفظ کرد.

وقتی در پائیز ۵۹ جنگ تحمیلی آغاز شد همگان از ظرفیت بالای بسیج بیشتر باخبر شدند و انصافاً اگر بسیج نبود سرنوشت جنگ به ناکجاآباد می‌انجامید. نیروهای مردمی و بی‌ادعایی که از سر اخلاص و فقط برای رضای خدا و پاسداری از میهن اسلامی سر از پا ناشناس، بهترین جلوه‌هایِ ایثار را آفریدند. اما پس از پایان جنگ شـــاید این تصور پیش آمدهٍ باشد که با توجه به پایان دوران دفاع مقدس و با وجود ارتش و سپاه، حضور یک نیروی تقریباً نظامی دیگر چه ضرورتی دارد؟ اما فلسفهٍ تشـــکیل بسیج از ابتدا صرفاً حضور در صحنه نبرد نظامی با دشمن معنا نمی‌گرفت و اصولاً از ابتدا نیز تنها این مأموریت برایش در نظر گرفته نشـــد بلکه بسیج ســـازمانی بود که می‌بایستی در همه جا از کشور و انقلاب و مردم و مستضعفین دفاع می‌کرد و پشتوانه‌اش نیز مردم بود.

شـــاید همین تصور نادرست موجب شد که کم‌کم این شائبه به وجود آید که بسیج صرفاً یک نیروی نظامی است درحالی‌که این نهاد و سازمان اصلی‌ترین وظیفه‌اش استفاده از نیروی مردم و تشـــکل‌های مردمی بود تا در همه عرصه‌ها به مدد انقلاب و مملکت بیاید. گرچه شاید نتوانســـت آنچنان که انتظار بوده و هست در نمایش مأموریت اصلی و مردمی خویش توفیق یابد اما بی‌انصافی است که بگوییم بسیج مستضعفین موفق نبوده است. در طول همین سال‌ها تجربه کرده‌ایم که هرگاه تفکر و تقوای بســـیجی در جایی فرصت عرض‌اندام پیدا کند و به آن اعتماد شود نتایج شگفتی به بار می‌آورد.

نمونه و مصداق آن در تحولات علمی کشـــور اســـت. آنها که در علم و فناوری با همین روحیه وارد میدان شـــدند و کار برای رضای خدا و در مســـیر پیشرفت کشور صورت دادند شـــگفتی آفریدند. نکته این است که بسیج را تنها در برخی گشت‌های سر چهارراه‌ها خلاصه دیده‌ایم و یا تصویری که از آنان متأسفانه تبلیغ شده، چهره‌های عبوس و خشنی که مأموریت دارند فلان ســـخنرانی را برهم بزنند یا جلوی برگزاری فلان کنسرت را بگیرند. اینها که چهرهٔ بســـیج نیست و این ظلم به بسیج و بسیجی است که بگوییم مأموریت بسیج این است که فقط به پوشـــش این و آن گیر بدهد و یا جلوی این و آن را بگیرد و پرخاشجو و عصبی و متوقع و تمامیت‌خواه باشد و یا خیلی که بخواهیم از این نهاد مردمی تعریف بهتری ارائه دهیم بگوییم مأموریت برگزاری دعای کمیل در ادارات و ســـازمان‌ها با بسیج است و نیز یک اجتماع و رژه نظامی در روز بسیج.

شـــاید برخی از اقدامات فرهنگی و یا حساسیت نسبت به برخی پدیده‌های ناهنجار که بسیج در آنها دخالت می‌کند و به میدان می‌آید در راستای وظیفه ذاتـــی مقابله با تهاجم فرهنگی ضرورت پیدا کند اما تصویری که از بسیج باید باشد که این نیست. البته خود این نهاد نیز بیش از هر که و هرچه، باید از خود و حرمت خود حراســـت کند و شاید هم در این زمینه نیازمند حرکت‌های اصلاحی و مراقبت بیشتر اســـت. براساس آموزه‌های امام و رهبری، بسیج الگوی تقوا، مدارا، اخلاص، فداکاری و ایثار اســـت. تعریف رهبر انقلاب در همین سخنرانی روز گذشته در جمع بسیجیان چنین است:

بسیج برخاسته از متن مردم و نماینده مجموعه ملت است و بسیجیان آحاد مردمی هستند که با هدف والای الهی و با روحیه خســـتگی‌ناپذیر در هر میدانی که لازم باشـــد حضور پیدا می‌کنند و اســـتعداد خود را بروز می‌دهند و از خطرات این راه نیز نمی‌هراسند... قاعدتاً با این تعریف نگاه تک‌وجهی و یا انتزاعی نمی‌توان در مورد بسیج داشت.

به اعتقاد نگارنده بسیج باید بیش از گذشته به اصالت وجودی خویش نزدیک شود به این معنا که در هر اداره‌ای بهترین، پرهیزکارترین، مهربان‌ترین افراد نســـبت به مردم، منظم‌ترین و درســـت‌کارترین کارمندان، عضو بسیج به حساب آیند به گونه‌ای که مردم در هر اداره‌ای که پا می‌گذارند بهترین تصویر را از بسیج و بسیجی به ذهن بسپارند. اگر بسیجیان مخلص و واقعی و کاردان و صاحب‌صلاحیت در هر مجموعه اداری و اقتصادی حضور می‌داشـــتند و منشأ اثر می‌بودند آیا شـــاهد اینهمه نابسامانی و بی‌اخلاقی و نارضایتی می‌بودیم؟ آیا اگر افراد مخلص و کاربلد و پاک‌نهاد در دســـتگاه‌های اقتصادی حضور مؤثرتری می‌داشتند شاهد اینهمه فساد اقتصادی می‌بودیم؟ اشـــکال کار ما این است که از روحیه اخلاص، کار برای رضای خدا و از روحیه فداکاری و ایثار و گذشـــت و قانون‌مداری و اخلاق حســـنه فاصله گرفته‌ایم و همین فاصله گرفتـــن از ارزش‌های معنوی و آلودگی بیش از حد به امـــور مادی و زیاده‌خواهی و منفعت‌طلبی و ریا و نفاق و نادیده گرفتن مشـــکلات مردم عادی و در یک کلام فاصله گرفتن از روحیه بسیجی بر مشکلات ما افزوده است.

باید افزود که ممکن اســـت بسیاری لباس بسیجی بر تن داشته باشند اما بسیجی نباشند و بسیاری بی‌این لباس‌ها بسیجی به حســـاب آیند. این نکته، نکته مهمی است چرا که بسیجی با لباس هویت نمی‌یابد بلکه با عمل و رفتار محک می‌خورد. در تعریف بســـیج و بســـیجی نگفته‌اند کســـی که محاسنی دارد و یا تنها نماز می‌خواند و یا لباس بسیجی به تن دارد بسیجی اســـت. بلکه گفته‌اند بسیجی مخلص است، خداترس، بی‌باک و شجاع، نرم‌خو و اهل مدارا و گذشت با مردم، بی‌ادعا، ایثارگر، دســـت‌پاک و اهل حلال و حرام و غیرقابل خرید و فروش و بی‌آلودگی به مشـــغله‌های دنیایی و مادی و الگو و نمونه در سبک زندگی... چه در محل کار، چه در محل زندگی و چه در خانه و خانواده... اســـت و اگر کسی لباس بسیجی بر تن می‌کند و فرهنگ آن‌را از یاد برده و یا می‌برد، دیگر بســـیجی نیست. بهتر است لباسی بپوشد که در خور فرهنگ و رفتار اوست.



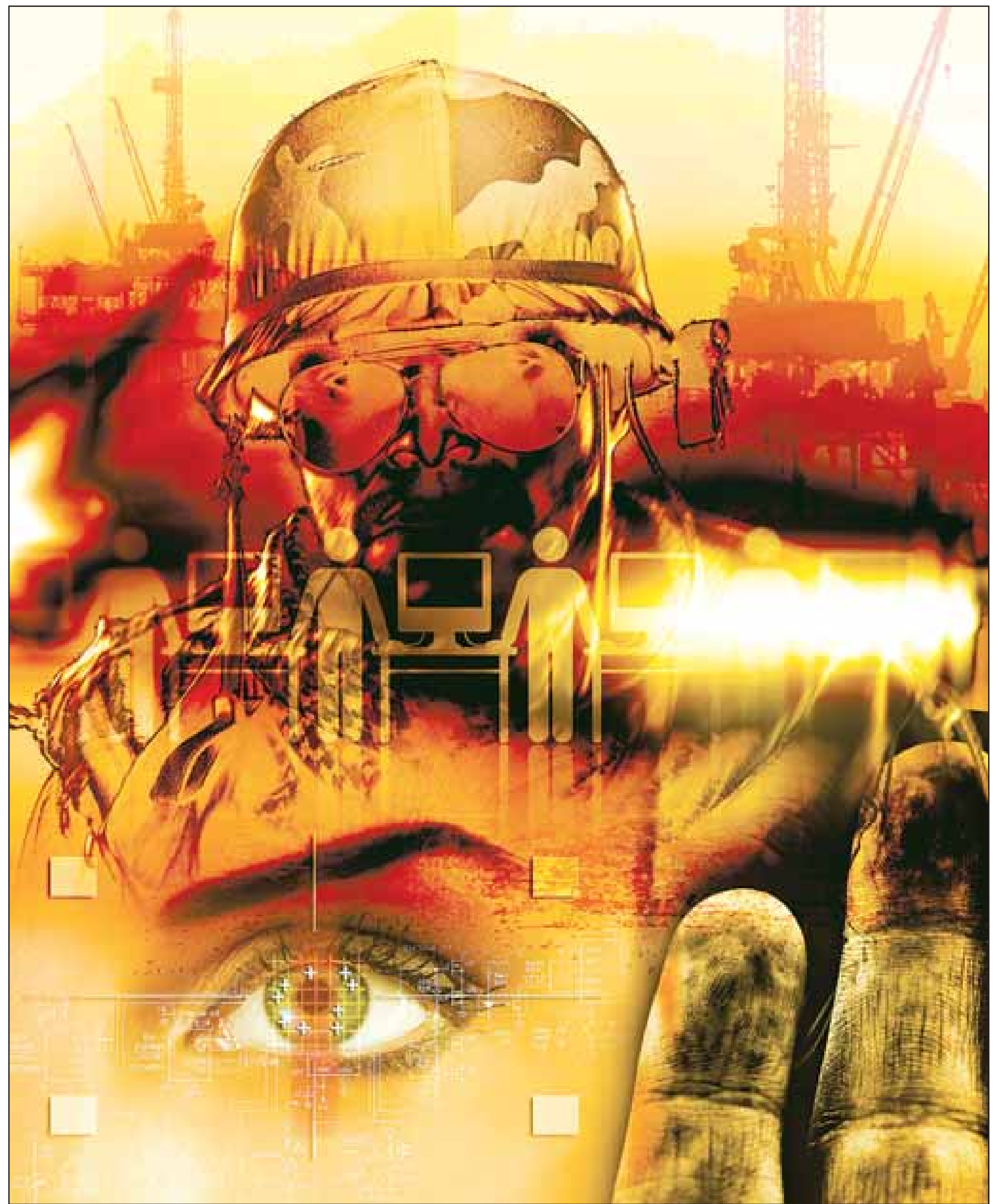
یادداشت

یکشنبه ۱۳۹۴/۹/۱

کوچ جهانی تروریسم

آرش میری‌خانی





جهان در تب بحران می‌سوزد. اکنون واژه «تروریسم فرامرزی» بیش از پیش نمود پیدا کرده و با توجه به مناسبات شکل گرفته در جهان امروزی و علی‌الخصوص سیر تحولات پس از حملات نظامی غرب به خاورمیانه پس از سال ۲۰۰۱، می‌توان به جرأت گفت که هیچ نقطه‌ای از کره خاکی نمی‌تواند ملجأ امنی برای شهروندان باشد. به باور کارشناسان تعریف ابتر غرب از ماهیت تروریسم و دهشت‌افکنی از یک سو و استفاده ابزاری از افراط‌گرایان برای نیل به اهداف از پیش تعیین شده از سوی برخی دُول غربی موجبات بروز و ظهور این ناآرامی‌ها را فراهم آورده و با توجه به نبود درکی صحیح در نحوه مواجهه با این پدیده شوم، رسیدن به نقطه عطفی جهانی برای معکوس کردن روند رو به رشد اقدامات تروریستی دست کم در کوتاه‌مدت متصور نیست. از طرفی، با نیم نگاهی به دو حادثه بزرگ تروریستی اخیر که یکی در خاورمیانه و دیگری در قلب آنچه اروپای متمدن خوانده می‌شود، رخ داد می‌توان به آسانی به دیدگاهی دست یافت که در آن متاسفانه جان انسان‌ها با توجه به ملیت، قومیت و جغرافیای زندگی آنها ارزشگذاری می‌شود. حملات تروریستی ضاحیه بیروت با نوعی سکوت خبری مواجه شد، در حالی که حملات پاریس زیر ذره‌بین غول‌های خبری جهان قرار گرفت و موجی از ابراز همدردی به سوی فرانسه روانه شد. اگرچه کشتن انسان‌ها در هر حالتی اقدامی مذموم و نفرت‌انگیز محسوب می‌شود، اما برخورد دوگانه با حوادث تروریستی که در نقاط مختلف به وقوع می‌پیوندد، قابل تحمل نیست.

به نظر می‌رسد این برخورد دوگانه نیز به نوبه خود بستری را برای فعالیت‌های دهشت‌افکنان فراهم آورده و تروریست‌ها اکنون می‌دانند که می‌توانند با حمله‌ای جدید افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند و بر روی حملات پیشین خاکستر فراموشی بپاشند.

آگاهان ابراز عقیده می‌کنند که مرزبندی در بطن تروریسم اقدامی از بُن اشتباه بود و اکنون تبعات این اشتباه محاسباتی دامن جهان را فراگرفته است. حافظه تاریخی جهان هیچگاه حوادث تلخ سوریه را از یاد نمی‌برد. هنگامی که چاقوی کند داعش سر جوان سوری را می‌برید، لوله تفنگ جبهه النصره و احرارالشام و چندین گروه تروریستی دیگر بر پیشانی دیگر مردمان این کشور بحران زده بوسه می‌زد. اما داعش تروریست خطاب شد و دیگران میانه‌رو! این ارزیابی اشتباه موجب شد تا برخی گروه‌های تروریستی به نوعی تطهیر شوند و دست به اقداماتی جدید بزنند. در همین رابطه می‌توان به سخنان بشار اسد پس از حادثه تروریستی پاریس اشاره کرد که گفت: فرانسه اکنون لحظاتی را تجربه می‌کند که سوری‌ها ۵ سال است با آن زندگی می‌کنند.

از دیگر سو، مرزبندی غرب در مبارزه با تروریسم فرآیند مواجهه با این پدیده شوم را ناکارآمد کرده است. اکنون تروریسم فارغ از نام‌هایی چون داعش، القاعده، جبهه النصره و غیره در ابعاد کلان خود به صورت جهانی عمل می‌کند و طبیعتا مبارزه با آن نیز عزمی جهانی می‌طلبد.

تا چند هفته پیش غرب به شدت به حملات روسیه علیه تروریست‌ها در سوریه می‌تاخت، اما اکنون و پس از حملات پاریس زمزمه‌هایی از کاخ سفید و الیزه مبنی بر لزوم همکاری غرب با مسکو در این روند به گوش می‌رسد.

از طرفی، همین برخورد گزینشی با ایران به عنوان قدرتمندترین کشور منطقه‌ای که می‌تواند بازوی اصلی مبارزه با تروریسم در خاورمیانه باشد نیز صورت گرفت. پس از حملات آمریکا به افغانستان و عراق، جرج بوش، رئیس جمهوری وقت آمریکا از ایران به عنوان یکی از محورهای شرارت(!) نام برد و کشورمان بر اساس این تعریف غلط تحت ظالمانه‌ترین تحریم‌ها و فشارها قرار گرفت. جالب آنکه پس از شدت گرفتن حملات تروریست‌ها در منطقه و البته اروپا اکنون شاهدیم که مقامات واشنگتن و اروپا از تریبون‌های مختلف از ایران درخواست کمک می‌کنند. تحلیلگران ابراز عقیده می‌کنند که دکترین تازه غرب در مبارزه با تروریسم برای اجرایی شدن نیاز به ستونی استوار به نام ایران دارد.

در همین رابطه چندی پیش «هنری کی‌سینجر»، سکان‌دار دستگاه دیپلماسی آمریکا در سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ و یکی از نظریه‌پردازان و استراتژیست‌های آمریکایی به مقامات واشنگتن توصیه کرده است که باید با توجه به چالش‌های منطقه‌ای آماده تعامل با ایران بود. این سیاستمدار برجسته آمریکایی، ایران را دارای بالاترین پتانسیل اقتصادی و نظامی دانست و تصریح کرد که آمریکا باید برای حل چالش‌های منطقه با ایران تعامل داشته باشد.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا ایرانی که تا چندی پیش جزو محور شرارت بوده اکنون به کشوری قدرتمند و تأثیرگذار تبدیل شده و آمریکا باید به تهران به عنوان یکی از اهرم‌های اصلی فشار بر تروریسم بنگرد. با تجزیه و تحلیل مواضع غرب به آسانی می‌توان به این نکته پی برد که سیاست‌های پیشین غرب کاملا خصمانه و به دور از واقعیت تعریف و صرفاً برای انزوای ایران در منطقه و جهان تبیین شده بود، اما اکنون با فرو نشستن غبارهای ناشی از چند سال جنگ در منطقه این واقعیت هویدا شد که ایران خود زخم خورده تروریسم است و عزمی جدی میان مردم و دولت برای مبارزه با این پدیده شوم وجود دارد.

اکنون مدعیان قدرت‌های جهانی اگر در آنچه مبارزه با تروریسم می‌خوانند، جدی هستند دست به تغییر رفتارهای عملی در قبال ایران بزنند و بستر را برای به دست آوردن اعتماد ملت ایران فراهم آورند.

در این برهه ترسیم چارچوبی جدی برای مبارزه واقعی با دهشت‌افکنی امری اجتناب‌ناپذیر است؛ چارچوبی که اگر منتظر نتیجه‌بخش بودن آن باشیم باید تمامی کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای را شامل شود و برخورد گزینشی با دولت‌ها در آن جایی نداشته باشد. بلکه در آینده شاهد تشریک مساعی جهانی و ریشه‌کنی تروریسم و موج دهشت‌افکنی در جهان باشیم.

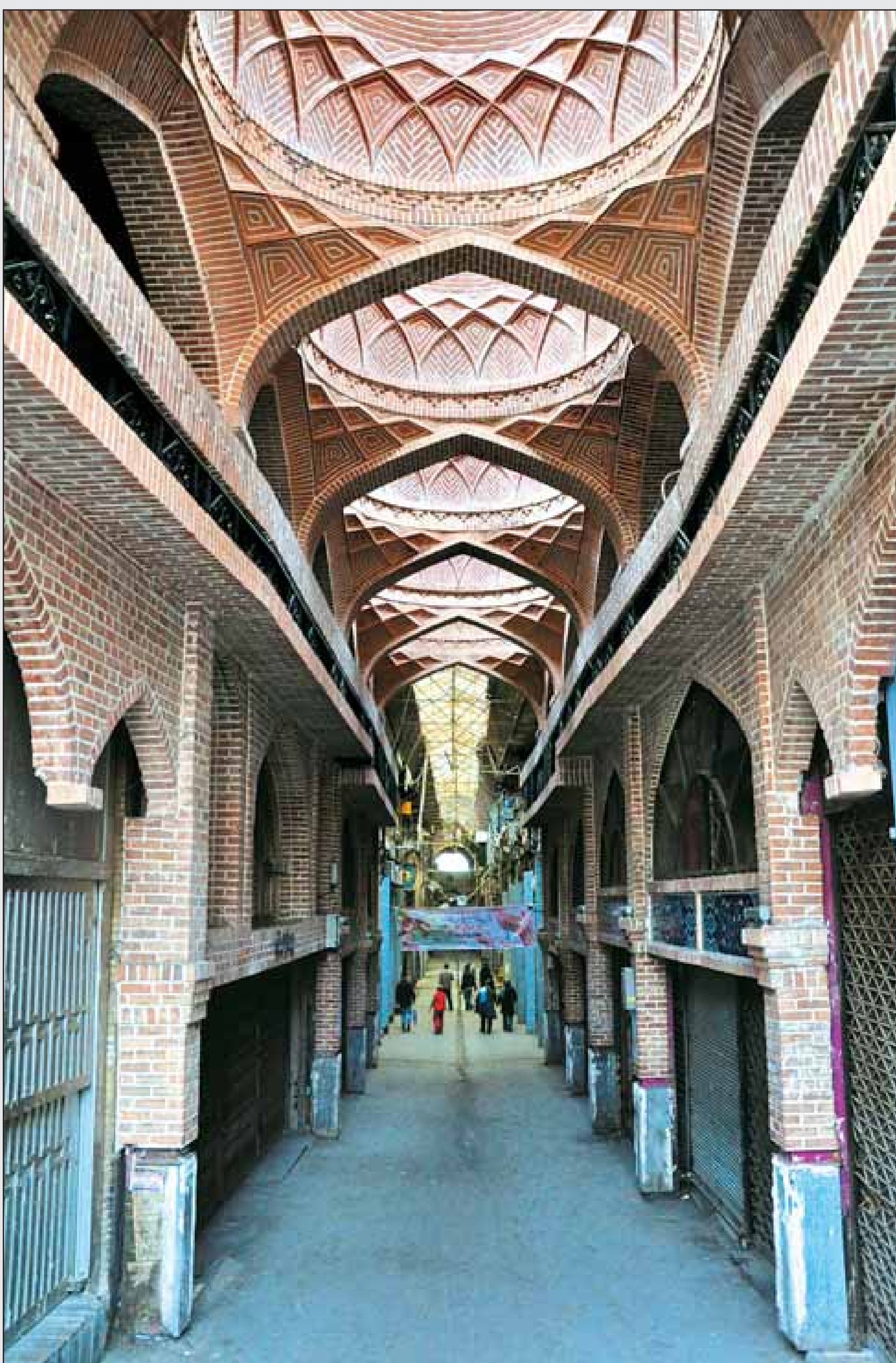


گزارش یک واقعه: تظاهرات ۲۱ آبان ۱۳۳۲

نوری در تاریکی

چهارشنبه ۱۳۹۴/۸/۲۰

نوشته: امیر (بهروز) طیرانی



وقتی عصر ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کودتاچیان حکومت دکتر مصدق را سرنگون کردند و مراکز دولتی را تصرف نمودند و شـــب با رؤیای اتمام کار به خانه رفتند، تصور نمی‌کردند که این قصه سر دراز داشته باشد. تصور آنها این بود که بعد از تصرف مراکز قدرت و بازداشت تعدادی از عناصر طرفدار دکتر مصدق و نیز فعالان سایر احزاب و گروه‌های سیاسی همچون توده‌ای‌ها، غائله به پایان خواهد رسید و همه چیز به خوبی و خوشی به نفع کودتاگران و حامیان آمریکایی ـ انگلیسی آنها پایان خواهد یافت.

اما این تصور خام دولت برآمده از کودتا که برخاســـته از عدم شـــناخت و آگاهی آنها از جامعه ایرانی و مردم این سرزمین بود، خیلی سریع هنگامی رنگ باخت که به فاصله چند روز پس از ۲۸ مرداد، در خانه‌های خیابانهای مرکزی شهر همچون خیابان شـــاهپور، منیریه، خیابان فرهنگ و... اعلامیه‌هایی با این مضمون پخش شد: «نهضت ادامه دارد».

مبتکر توزیع این اعلامیه‌ها کسی نبود جز آیت‌الله حاج ســـیدرضا زنجانی، یکی از علمای مطرح و بانفوذ تهران که دو روز بعـــد از کودتا، با دعوت از چند از هواداران مصدق همچون حسین شاه‌حســـینی و عباس رادنیا و با استفاده از کاغذ کاربن، اعلامیه‌های مزبور را نوشتند و تکثیر و توزیع کردند. آیت‌الله زنجانی در ادامه این اقدام، با دعوت از عده‌ای از یاران و هواداران و همکاران سابق دکتر مصدق، تشکیلاتی را برای مقابله با رژیم کودتا بنیان گذاشت که پس از چندی نام «نهضت مقاومت ملی» بر آن نهاده شـــد و در طول دهه ۱۳۳۰ تأثیر مهمی بر فضای سیاسی ایران بر جای گذاشت.

نهضت مقاومت ملی در طول ســـالهای فعالیت خود با انتشار اطلاعیه، برگزاری جلسات سخنرانی، نشریه‌های راه مصدق، مکتب مصدق، درخواست تظاهرات از مردم و دانشجویان، و ترتیب دادن اعتصابهای دانشجویی و تعطیل بازار توانســـت گامهای زیادی در راه افشای شاه و رژیم کودتا بردارد. از جمله اقدامات تأثیرگذار نهضت مقاومت، برگزاری دو اعتصاب و تظاهرات مهم در ۱۶ مهر و ۲۱ آبان ۱۳۳۲ در اعتراض به کودتـــا و برگزاری محاکمه ناعادلانه دکتر مصدق بود.

نخســـتین اقدام در این زمینه در ۱۶ مهر ۱۳۳۲ صورت گرفت. به دنبال فراخوان نهضت مقاومت ملی، بازار تهران با بستن مغازه‌ها و تظاهرات علیه رژیم و شعار به نفع مصدق، نارضایتی مردم و اصناف را از محاکمه دکتر مصدق به نمایش گذاشـــتند. به گزارش روزنامه اطلاعات: «دیروز عصر دو اعلامیه یکی از طرف جمعیت مقاومت ملی و یکی دیگر از از طرف دانشگاه در بازار به طور مخفی منتشر شد. مضمون این اعلامیه‌ها این بود که باید فردا دکاکین بازار بســـته شود و بر له دکتر مصـــدق تظاهراتی صورت گیرد و اگر چنانچه دکاکین بازار بســـته نشود و باز باشـــد، آتش خواهیم زد.» (اطلاعات ۱۶ مهر ۱۳۳۲ـ ص ۱۲)

با این حال در روز ۱۶ مهر به رغم تمهیدات نیروهای نظامی و انتظامی و حضور شـــخص سرلشـــکر دادستان فرماندار نظامی تهران در بازار تهران و گفتگو با سران بازار که در تجارتخانه حاج حســـینعلی جواهریان انجام گرفت، تقریباً کلیه بازار تهـــران (اطلاعات، همان، ص ۱۲) به جز بازار زرگرها و جواهرفروش‌ها با تعطیل مغازه‌های خود به دعوت نهضت مقاومت پاسخ مثبت دادند.

از ســـوی دیگر بازاریان به همراه مردمی که از گوشه وکنار شهر به بازار آمده بودند و به‌ویژه دانشجویان دانشگاه تهران علیه شاه و کودتاگران تظاهرات کردند.

این تظاهرات در حالی انجام گرفت که به گزارش اطلاعات، از صبح آن روز مأموران به هر کسی که در بازار وحوالی آن مشکوک می‌شدند، بازداشتش می‌کردند. (اطلاعات، همان تاریخ)

به‌رغم تلاش مأموران فرمانداری نظامی و بازداشتهای وسیع، در تظاهرات آن روز دو نفر کشته و عده‌ای مجروح شدند. مأموران نظامی با استفاده از زور اسلحه توانستند به تظاهرات خاتمه دهند. به گفته آقای حسین شاه‌حسینی: «در روز ۱۶ مهر مأموران فرمانداری نظامی کرکره مغازه‌های بازار را علامت‌گذاری کردند تا با صاحبان آنها برخورد شود. بخشی از سقف بازار توسط مأموران تخریب شد و اموال بعضی مغازه‌ها به غارت رفت.» (درجستجوی آزادی؛ خاطرات در دست انتشار حسین شاه‌حسینی)

فردای آن روز عده‌ای از سران بازار و از جمله حاج ابوالقاسم عظیمی، حاج غلامحسین اتفاق، حاج حسن شمشیری، حاج اصغر جهان، حاج محمدحسین راسخ افشار، حاج تقی انوری و... جمعی دیگر از بازاریان سرشناس بازار تهران دستگیر و روانه زندان شدند و از این میان، کسانی همچون شمشیری، انوری، حاج محمود مانیان و... بعد از چندی به جزیره خارک تبعید شدند و بیش از شش ماه در آنجا به سر بردند. (اطلاعات، همان تاریخ) بقیه بازداشت شدگان نیز با تهدید مجبور به امضای متنی در محکومیت بازار و پشتیبانی از رژیم شدند که در روزنامه‌ها منتشر گردید و آنگاه آزاد شدند.

با این همه و به‌رغم فشارهای شدید علیه بازاریان و مردم، تجربه موفق این تظاهرات موجب شد تا یک ماه بعد، بار دیگر در اعتراض به محاکمه دکتر مصدق و بازگشایی سفارت انگلستان در تهران، تصمیم به تکرار تجربه ۱۶ مهر گرفته شود. به گفته آقای شاه‌حسینی، آیت‌الله زنجانی با انتشار اعلامیه شخصاً از بازاری‌ها و دیگر اصناف درخواست کرد تعطیل عمومی اعلام کنند. از سوی دیگر با هماهنگی‌های به عمل آمده با سایر احزاب وگروههای عضو نهضت مقاومت و نیز حزب توده، نهضت مقاومت با صدور اطلاعیه‌ای روز ۲۰ آبان را روز برگزاری تظاهرات عمومی علیه بازگشایی سفارت انگلستان اعلام کرد و از مردم و دانشجویان خواست در این تظاهرات شرکت کنند. بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، قرار بود تا در صبح روز ۲۱ مهر در چهار نقطه بازار تهران و از جمله چهارسوق بزرگ و کوچک، سخنرانی‌های کوتاهی برگزار و سپس تظاهراتی انجام شود.

برای سخنرانی‌ها، آقایان حاج سیدمهدی حاج قوام، شیخ باقر نهاوندی، امامی کاشانی و حسین صالحی در نظر گرفته شده بودند. به گفته شاه‌حسینی که خود از ترتیب‌دهندگان تظاهرات بود و در آن روز در بازار حضور داشت: «در آن روز آقا سیدمهدی حاج قوام که از واعظان معروف و از اندیشمندان عارف و عضو جامعه علمیه تهران بود، در محل چهارسوق بزرگ بازار تهران روی چهارپایه به منبر رفت...او به استناد آیات قرآن گفت: «اختیارتان را به دست اجنبی وسایر ادیان ندهید.

آنها به هیچ وجه نمی‌توانند با شما ارتباط دوستانه داشته باشند. آنها منافع شما را به خطر می‌اندازند.» من پای همان چهارپایه ایستاده بودم و به سخنرانی گوش می‌دادم که ناگهان پلیس از طرف چهارسوق کوچک و از طرف بازار آهنگرها حمله کرد وآقای قوام و پسر آقا سیدصادق رضوی را دستگیر کردند و به زندان مهرآباد بردند؛ زیرا در زندانهای دیگر جا نبود. در آن روز تمام بازارهای مرتبط با چهارسوق بزرگ نظیر بازار آهنگرها و بازار نجارها به تعطیلی کشیده شد.(در جستجوی آزادی) گزارش خلاصه شده روزنامه اطلاعات از تظاهرات روز ۲۱ آبان را در زیر مرور می کنیم: «اولین قسمت تظاهرات امروز از خیابان شاهرضا شروع شد. باید دانست که این تظاهرات جزئی و موضعی بود و به محض رسیدن مأمورین، تظاهرکنندگان متفرق می‌شدند. وهردفعه تظاهری رخ می داد چند نفر دستگیر شده و به فرمانداری نظامی منتقل می‌شدند... چون متظاهرین مرتباً شعار می دادند و متفرق نمی‌شدند، از طرف مأمورین اقدام به تیراندازی هوایی و بعد تیراندازی به سوی متظاهرین گردید که بر اثر آن یکی از متظاهرین مجروح شد و گلوله به شکم او اصابت کرد.

همچنین در خیابانهای نادری و شاه‌آباد نیز جمع ضمن تظاهرات، اعلامیه پخش کردند که پخش‌کنندگان اعلامیه بلافاصله دستگیر شدند... مقارن ساعت ۹ ونیم صبح آقای سرلشکر دادستان شخصاً به بازار آمد و به صاحبان مغازه‌ها و بازاریان اطمینان داد که کسی حق تعرض و منع از کسب آنها را ندارد... مقارن این تذکر در ساعت ۱۰ آقای سرهنگ شاه‌خلیلی... به اتفاق چند نفر از مأمورین در حالی که مقداری رنگ سیاه حمل می‌کردند، به بازار آمدند و هر دکان و مغازه‌ای را که بسته بود، در کنار آن یک علامت ضربدر می‌زدند تا بعد از صاحب مغازه به علت عدم اشتغال به کار بازخواست شود...

در همین احوال در مقابل بازار عده‌ای اجتماع کرده بودند که مأمورین آنها را متفرق می ساختند و چون اجتماع کنندگان گاه‌گاه شعار می‌دادند، چند نفر از آنها دستگیر گردیدند. همچنین دو نفر دختر همراه چهار نفر پسر در مقابل بانک ملی اعلامیه‌هایی بین عابرین پخش می‌کردند که مأمورین مطلع شده، آنها را بازداشت کردند. برای حفظ انتظامات بازار ۱۲ کامیون سرباز و دو زره‌پوش به علاوه عده‌ای از مأمورین شهربانی در میدان سبزه‌میدان و مقابل مسجد شاه و وزارت کشور گمارده شده بودند... از دبیرستان‌ها و دبستان‌های تهران نیز امروز مراقبت زیادتری به عمل می‌آمد و دانش‌آموزانی که وارد مدارس می‌شدند، از خروج آنها جلوگیری به عمل می‌آمد. در دانشگاه هم به همین ترتیب عمل می‌شد...

مراقبت از مدارس: شاگردان اغلب مدارس مشغول کار بودند؛ ولی در بعضی از آنها دانش‌آموزان به کلاسها نرفته و یا درخارج از مدرسه اجتماع کرده بودند. در دانشگاه هم اکثر کلاسها تعطیل بود.

در کاخ دادگستری: از صبح امروز عده ای از زنان دراطراف کاخ دادگستری اجتماع کرده و دسته‌های کوچک چند نفری تشکیل داده بودند. مقارن ساعت ۱۱ این زنان به دور یکدیگر جمع شده، یکی از آنها شعارهایی داد که دیگران گفته‌های او را تأیید نمودند و بر عده آنها مرتباً افزوده می شد...

تظاهرات علیه بیگانه‌پرستان: با اینکه اقدامات کسانی که قصد اخلال داشتند بر اثر مراقبت مأمورین انتظامی به جایی نرسید، ولی دسته‌های دیگری از قبیل افراد حزب سومکا، جمعیت قیام ملی ۲۸مرداد و حزب آریا برای خنثی نمودن دسته‌های مخالف شروع به گردش در خیابانها و دادن شعار نمودند. افراد حزب آریا در چند اتومبیل جیپ سوار شده در خیابانهای بوذرجمهری و ناصر خسرو و سایر خیابانها مرتبا رفت و آمد کرده و عکسهای اعلیحضرت را بین مردم پخش می‌کردند و شعارهای زنده‌باد شاهنشاه می‌دادند.

همچنین افراد حزب سومکا با لباسهای مخصوص در خیابانها حرکت کرده و شعارهایی مبنی بر میهن‌پرستی و شاه‌دوستی و مبارزه با عناصر بیگانه‌پرست می‌دادند. افراد جمعیت قیام ملی ۲۸ مرداد هم در اتومبیل‌هایی سوار شده در خیابانها به تظاهرات ملی مبادرت ورزیدند.

مقارن ظهر امروز دو اتومبیل جیپ متعلق به فرمانداری نظامی حامل بلندگو به خیابان ناصرخسرو و سبزه‌میدان و بازار اعزام گردید. در این جیپ مأمورین به وسیله بلندگو صاحبان مغازه‌ها را به بازکردن دکاکین ترغیب می‌کردند و اعلام می‌نمودند که چنانچه دکانهایی که بسته‌اند از بازکردن خودداری کنند، علاوه بر اینکه علامت بر دکانهای آنها گذارده می‌شود، قفل دیگری نیز روی قفل دکان زده می‌شود و به این وسیله از بازکردن دکان تا یک ماه جلوگیری به عمل می‌آید.

دستگیر شدگان: تا ظهر امروز عده دستگیرشدگانی که به فرمانداری نظامی تحویل داده شده بودند، ۹۰ نفر بوده‌اند.

مجروح شدگان: علاوه بر مجروحینی که بر اثر تیراندازی یا اصابت سرنیزه در خیابان شاهرضا وبازار مجروح شده بودند، در خیابانهای نادری و اسلامبول نیز ۸ نفر مجروح شدند. این جراحات همگی جزئی بوده. شخصی که گلوله به شکمش اصابت کرده بود، از بیمارستان شهربانی به بیمارستان سینا منتقل گردید.

دستگیری روزنامه‌فروش‌ها: مقارن ساعت یک بعدازظهر نیز دو نفر را که دربازار به طور مخفی روزنامه‌های مردم و صرصر را می‌فروختند، دستگیر ساختند. (اطلاعات، ۲۱آبان ۱۳۳۲) در پایان این گزارش، اسامی تعدادی از بازداشت‌شدگان درج شده بود.

روز ۲۳ آبان روزنامه اطلاعات تکمیلی این واقعه را در صفحات اول و هشتم خود منتشر کرد. به نوشته روزنامه اطلاعات مقامات فرمانداری نظامی به دنبال تظاهرات ۲۱ آبان تصمیم گرفتند تا برای رعب و وحشت بازاریان، سقف بازار تهران را تخریب کنند. در روز جمعه ۲۲ آبان این اقدام شروع ودر نتیجه ۶ طاق ضربی و ۷ طاق شیروانی از طاقهای بازار تخریب شد. بازاریان که با این اقدام غافلگیر شده بودند، با مراجعه به روحانیت ودرخواست از آنها برای بازداشتن مقامات از این کار، به مقابله برخاسته و تلاش کردند که از ادامه آن جلوگیری کنند. این اقدام موثر واقع شد و دولت از ادامه تخریب سقف بازار خودداری کرد.

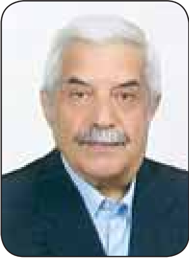
به نوشته روزنامه اطلاعات تعداد دستگیرشدگان تظاهرات روز ۲۱ آبان ۲۶۸ نفر بود که از این تعداد، ۲۱۸ نفر آنها همان صبح روز جمعه ۲۲ آبان به خارک تبعید شدند. علاوه بر آنها در روز شنبه ۲۳ آبان نیز ۵۰ نفر از کسبه بازار به دلیل تعطیل کردن مغازه خود دستگیر و تحویل مقامات فرمانداری نظامی شدند. (اطلاعات ۲۳ آبان ۱۳۳۲)

بدین ترتیب رژیم کودتا موفق شد تا یک بار دیگر مخالفان را بر سر جای خود بنشاند؛ ولی برخلاف تصور مقامات کودتا که می‌پنداشتند از طریق ایجاد رعب و ترس در دل مردم قادر به ساکت کردن آنها هستند، سیاست هراس و سرکوب نتیجه‌ای برایشان در بر نداشت. کمتر از یک ماه بعد، در جریان سفر ریچارد نیکسون ـ معاون ریاست جمهوری آمریکا ـ به تهران، تظاهرات گسترده دانشجویی علیه رژیم آغاز شد. تظاهراتی که به حادثه ۱۶ آذر دانشگاه تهران و رسوایی هرچه بیشتر رژیم شاه، کودتاچیان وحامیان امپریالیست آنها منتهی شد.

۱۳ مهر ۱۳۹۲

طنین قرآن در نزدیکی خرابه‌های پمپئی رم

درخشش نام امام رضا(ع) در ونیز



حبیب‌الله کریمی

دانشکده علوم سیاســـی و امور اجتماعی که در ســـال ۱۳۵۰ توسط گروهی از اساتید دانشگاه‌های ایران و با سرمایه‌گذاری خصوصی آنان ایجاد شده بود، هر سال به منظور آشنایی و دیدار دانشـــجویان گردش‌های جمعی برپا می‌کرد، که اهم آن‌ها مســـافرت به کشورهای اروپایی بود و البته در این راســـتا مبالغی از دانشجویان علاقه‌مند جهت صرف هزینه‌ها اخذ می‌شد و بنابر مخارج تمام شده آن گردش‌ها که حداکثر با احتساب قیمت آن روزها از ۵۰هزار ریال تجاوز نمی‌کرد، دانشجویان می‌توانستند با بهره‌مندی از امتیاز به سرزمین‌های ناشناخته ســـفر کنند و از نزدیک ویژگی‌ها و دیدنی‌ها و آثار تاریخی و باستانی آن‌ها را ملاحظه نمایند بر این اساس من هم که در ســـال ۱۳۵۴ چهارمین سال حضور خویش در دانشکده مزبور را طی می‌کردم همراه با گروهی از همکلاســـی‌ها در روز ۲۹ اسفند ۱۳۵۴ پس از ۵ساعت پرواز به شهر رم مرکز کشور ایتالیا وارد شـــدیم و در فرودگاه «لئوناردو داوینچی» به قصد حرکت به شهر رم پله‌های مســـتقر در کنار هواپیما را به سمت خروج از محوطه داخلی پرنده مزبور درنوردیدیم.

در تالار انتقال مسافران به خاک ایتالیا، گروه ۶۰ نفری دانشجویان ایرانی در هنگام بررسی روادیدها با مشـــکل عدم ویزای ورود به ایتالیا مواجه شدند که این امر یکی از نابسامانی‌های دســـت‌اندرکاران راه‌اندازی مسافرت‌های برون‌مرزی دانشکده به حساب آمد. به طوری که ۴ ساعت از فرصت ورود دانشجویان به رم صرف تماس تلفنی و وساطت کارکنان سفارت ایران با مأموران مســـتقر در فرودگاه رم گردید و دانشجویان هم در این مرحله برای گذراندن وقت به سرودخوانی پرداختند و آهنگ‌هایی از قبیل‌ای ایران‌ای مرز پرگهر و همچنین ترانه‌هایی از غلامحسین بنان و داریوش رفیعی و... را زمزمه کردند که آن تعداد از مأموران انتظامی مستقر در فرودگاه رم که همراه با سگ‌های چابک و تیزدندان مراقب مسافران به اصطلاح مشکوک بودند وقتی این گونه صداقت و صمیمیت دانشـــجویان ایرانی را ملاحظه کردند با آن‌ها به شراکت پرداختند و موجب تشویق ایشان شدند.

* حدود ساعت ۱۲:۱۵ روز شنبه ۳۰اسفند ۱۳۵۴ بچه‌ها از بندر ناپل به سوی شهر تاریخی «پمپئی» عزیمت کردند و از لحظه حرکت دانشـــجویان در انتظار حلول سال نو دقیقه‌شماری می‌کردند. ســـاعت ۱۲:۴۵ بود که دانشجویان برای صرف ناهار به تالار ناهارخوری یک هتل ژاپنی راهنمایی شدند و در این مرحله که بیش از چند دقیقه به تحویل سال نو باقی نمانده بود هر کدام از بچه‌ها به سرعت از داخل ساک‌ها و کیف‌های خود وسایل هفت‌سین را که از تهران به همراه آورده بودند روی میز بزرگی که در وسط تالار غذاخوری مستقر بود با خوشی و سرور و نشـــاط خاصی چیدمان می‌کردند. سیر و سرکه و سماق و سنجد و سیب و سکه منقوش به نام صاحب‌زمان(ع)، بشقاب حاوی گندم سبزه شده که پارچه شکیلی دور آن تزیین شده بود و توسط یکی از همکلاســـی‌های دانشکده به نام خانم نیره طالب‌جدی که نمی‌دانم اکنون در کجای این کره خاکی زمین حضور دارد و با دقت و ممارســـت بسیار از ایران آن را حفظ کرده بود جلوه‌ای خاص به تالار مزبور داد. دراین لحظه آقای فرخ مکرمی‌نژاد سرپرســـت گروه که امیدوارم زنده وســـلامت باشد، از جیب خود یک مجلد قرآن کریم کوچکی در آورد و به من داد تا قبل از حلول سال نو ســـوره‌ای از آن قرائت کنم. همه بچه‌ها به ساعت‌های دستی خود نگاه می‌کردند و من شاداب و خرســـند از این که این فرصت نیکو را یافته‌ام تا دور از ایران و خانواده و آشـــنایان خود اما در کنار دوســـتان و عزیزان و هم دانشکده‌ای‌های همسفر آغاز ســـال ۱۳۵۵ را با تلاوت آیاتی از قرآن مجید آن هم در کشوری دور از وطنم و در کنار یک اثر باســـتانی ماندگار و در برابر دیدگان حیرت‌زده گردشگران خارجی و کارکنان هتل که برخی از آنها ژاپنی بودند جشـــن بگیرم در وجودم نمی‌گنجیدم به هر حال پس از تلاوت قرآن، همه بچه‌ها یک صدا ســـرود ایران را که بنان روانشاد آن را با صدای دلنشین خود اجرا کرده بود با یکدیگر خواندند و با اعلام تحویل ســـال غریو شادی بچه‌ها سالن را تحت‌الشعاع قرار داد و همه به یکدیگر تبریک گفتند و سرپرستان آن‌ها خانم صمدی و آقای مکرمی‌نژاد که نمی‌دانم اکنون کجایند هریک، به رســـم ایرانیان به بچه‌ها عیدی دادند سکه‌های منقوش به نام حضرت صاحب‌الزمان(ع) و اسکناس رایج.

* وقت ناهار که فرا رسید اعلام شد که غذای امروز این هتل نوعی خرچنگ است که این خوراکی به مذاق بچه‌ها خوش نیامد و سرآشپز هتل گفت مقادیری تخم‌مرغ در یخچال داریم که یکی از بچه‌ها به نام خانم شهشـــهانی آمادگی خود را برای همکاری با سرآشپز جهت تهیه خاگینـــه و نیمرو و املت اعلام کرد و خلاصه نیمروی همراه با سالاد و نان غذای دلچسبی شد که بچه‌ها با میل و رغبت فراوان به تناول آن پرداختند و پس از صرف چای و قهوه و نســـکافه گروه دانشـــجویی در حالی که ساعت ۳ بعدازظهر به وقت رم بود در شهر تاریخی پمپئی از اتوبوس‌ها پیاده شدند.

* آنچنان که در تاریخ آمده پمپئی شهری است که قدمت چندهزارساله دارد و در قرن دوم میلادی به واســـطه آتشفشانی در کوههای همجوار شهر در زیر قشری از خاکستر به قطر ۷متر مدفون می‌شود و ۲۰ هزار نفر از اهالی آن نیز همگی در لابلای شعله‌های آتش جان می‌بازند.

نقاطی از این شهر تاریخی که مورد بازدید قرار گرفت عبارت از مرقد آپولو ـ میدان بزرگ شـــهر به نام (فوروم) خانه دو برادر ثروتمند از اهالی پمپئی، نانوایی و بازار بزرگ شهر و موزه جالب و دیدنی آن بود.

هنگامی که از پمپئی دیدار می‌کردم یاد ارگ بم افتادم که در سال ۱۳۴۶ هنگامی که دوران آموزشـــی را در پادگان صفر۵ کرمان در گروهان سپاهی‌دانش طی می‌کردم، فرصتی بدست آمد تا بعدازظهر روز پنجشـــنبه‌ای با مرحوم علی صنعتی یکی از به اصطلاح هم گروهانی‌های خود که اهل بم بود به شـــهر بم رفتیم و از نزدیک ارگ بم آن اثر تاریخی و ماندگار را دیدم و بعدها در ســـال ۱۳۸۲ هنگامی که در رخداد تلخ زلزله بم فرا روی بم و ارگ بم قرار گرفتم و به مناســـبتی و به همراه گروهی خیر به بم رفتم و خرابی وحشتناک آن را دیدم گویی عزیزترین کســـانم را از دست داده‌ام دیدگانم پر از اشک شد و آنی نفسم متوقف گردید. ادامه سفر ما در ایتالیا به شهر تاریخی ونیز مربوط می‌شود شهری که در چند ماهی از سال فرصت گردشگری در آن مهیا اســـت و ماههای دیگر چنان شهر را آب فرا می گیرد که هیچ تنابنده‌ای نمی‌تواند در شهر مزبور زندگی کند.

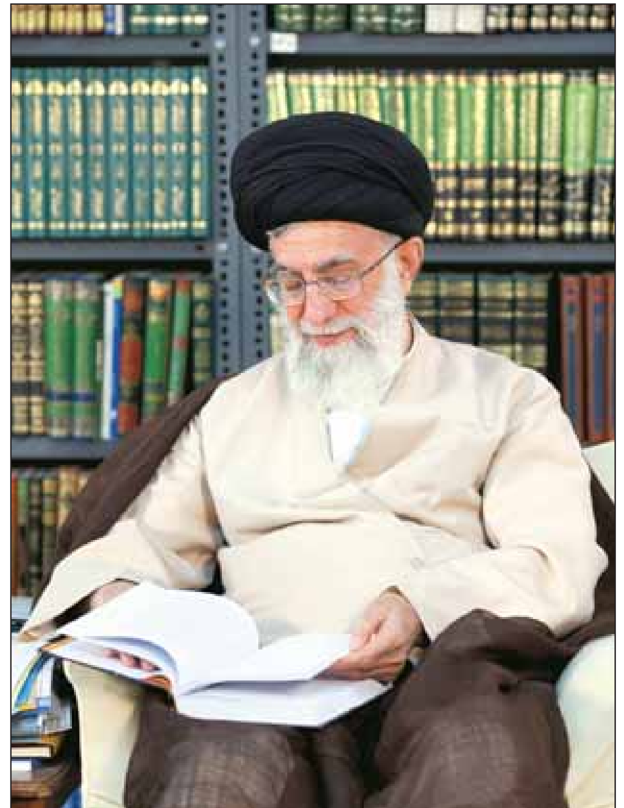
در ایام اقامت در ونیز روزی در گشت و گذار از بازارهای ونیز به مجموعه‌ای از مغازه‌ها یا به عبارتی مرکز خرید رسیدیم که قسمتی از آن مرتبط به فروش کیف و کفش مردانه و زنانه می‌شد و با توجه به فرا گرفتن چند واژه ایتالیایی در تهران از یکی از دوستانم به نام آقای مهدی طباطبایی که نمی‌دانم اکنون کجاست معنی بعضی کلمات ازجمله قیمت این کالا چقدر است؟ ارزان بدهید. من ایرانیم! و... را یاد گرفته بودم در یک مغازه مملو از کیف و کفشـــهای شکیل و زیبا قیمت کفشـــی را که به نظرم جالب آمد از او پرسیدم. وی مبلغی را به لیر پول رایج ایتالیایی گفت که بســـیار گران بود و من مدام با تکرار واژه (نونجسکنتو) یعنی ارزان بده ـ می‌خواستم نظر او را به خواسته‌ام جذب کنم وی در ادامه این ارزانخواهی من پرسید کجایی هستم؟ و من با افتخار گفتم (سونوپرســـیانو) یعنی من ایرانی‌ام. مرد فروشنده اندکی به من خیره شد و واژه پرسیانو را تکرار کرد و سپس ناگهان به من گفت امام رضا!

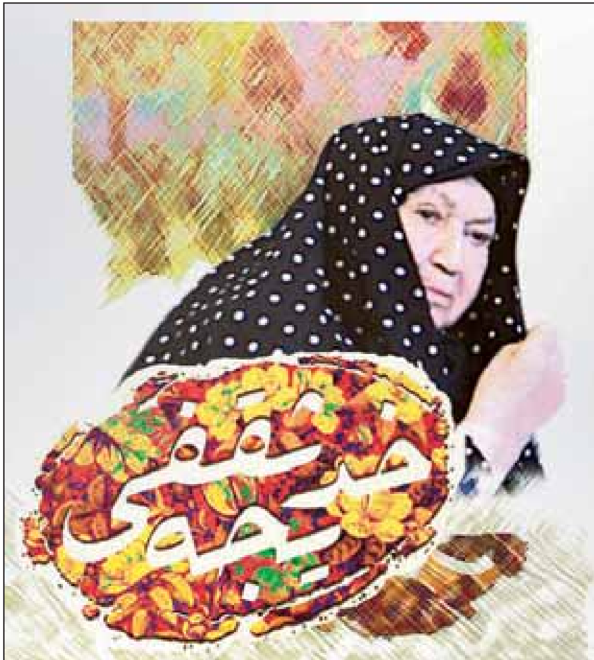
من با شنیدن نام امام رضا(ع) حیرت کردم و بلافاصله به نزد یکی از همراهانم که بهتر از من به زبان ایتالیایی آشـــنا بود و در مغازه دیگری در همان مجموعه حضور داشت رفتم و موضوع را بـــرای وی مطرح کردم و این مورد برای او هم جالب و بدیع بود بنابراین با هم به نزد آن مرد فروشـــنده رفتیم و او شرح داد که ۴۰ سال پیش یک مرد ایرانی مقیم ایتالیا به دنبال درگذشت همسر و فرزندانش آن هم در اثر یک حادثه رانندگی در شهر رم کلیه اموال خویش را می‌فروشد و به این شهر (ونیز) می‌آید و چون شغل او در ایران کفاشی بوده و در حرفه تولید کفش مهارت داشته این مغازه را خریداری می‌کند و سالها در آن به تولید و فروش کفش و کیف می‌پردازد و براساس وصیتی که در دفتر شهرداری و بخشداری شهر ونیز به ثبت رسیده و صاحب مغازه به خاطر تعلق خاطری که به امام رضا(ع) داشـــته و اتفاقا نام خود او هم رضا بوده ماحصل درآمد این فروشگاه را بعد از کاهش درآمدها و هزینه‌ها و دستمزدها وقف امام رضا(ع) نموده است. البته فروشنده ونیزی‌الاصل بود و در واقع موصی وی به شمار می‌رفت.

هنگامی که از فروشنده نام خانوادگی و نشـــانی و محل سکونت این ایرانی هموطن را پرسیدم او گفت از ذکر نام فامیلی او معذور است و فقط می‌تواند عنوان کند که او مرد کهنسالی است که دائم‌السفر می‌باشد....

به راستی که امام رضا(ع) تا ونیز هم جای پا دارد.







انتشار کتاب خاطرات رهبر معظم انقلاب از دیدار با همسر مکرمه امام خمینی(ره)

یادی از یک یادگار

کتاب «یاد و یادگار» که شـــامل خاطراتی از دیدار حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اســـلامی با همسر مکرّمه حضرت امام (قدّس سرّه‌الشرّیف)اســـت، در ششمین سالگرد درگذشت این بانوی بزرگوار و همزمان با هفته گرامیداشت مقام زن منتشر شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رســـانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، آنچه در این کتاب مختصر و کم حجم، جمع آوری و به علاقه مندان رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان گذار جمهوری اســـلامی ایران، امام خمینی تقدیم شده، نمونه‌هایی از سخنان و گفتگوهای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با همسر مکرّمه حضرت امام برای تقدیم به علاقه مندان اســـلام ناب محمّدی و پیروان راه امام راحل است.

آنچه در این دیدارها بیان شده، نمایانگر حقایقی نورانی از شـــخصیت الهی امام عزیز و حاکی از اعتقاد و ارادت ویژه رهبر معظّم انقلاب به امام بزرگوار و علل این باور و عشق و نیز حاوی نکته‌ها و درســـهای فراوان برای پیروان راه آن امام راحل قدّس سرّه است.

کتاب "یاد و یادگار" همزمان با ششمین سالگرد درگذشت بانو ثقفی به کوشش مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی منتشر گردیده است.

پس از ارتحال جانســـوز حضرت امام رحمه‌الله در خرداد ۱۳۶۸، رهبر معظم انقلاب هرســـاله برای احوالپرسی، عیادت و زیارت همسر گرامی امام عظیم‌الشـــان، دیدار یا دیدارهایی با ایشان داشـــته‌اند. همه دیدارها به‌جز دیدار آخر در بهمن ۱۳۸۷ که در بیمارســـتان و برای عیادت از ایشان صورت گرفت، در بیت حضرت امام رحمه‌الله در جماران و تا ســـال ۱۳۷۳ و فقدان جانسوز حجت‌الاسلام و المســـلمین حاج سیداحمد خمینی رحمت‌الله‌علیه با حضور ایشان صورت پذیرفته است.

محتوای این دیدارها نمایانگر حقایقی نورانی از شخصیت الهی امام عزیز و حاکی از اعتقاد و ارادت ویژه رهبر معظّم انقلاب به امام بزرگوار و علل این باور و عشـــق و نیز حاوی نکته‌ها و درس‌های فراوان برای پیروان راه آن امام راحل است.

رهبر معظـــم انقلاب در اولین روزهـــای پس از ارتحال حضرت امام خمینی فرمودند:

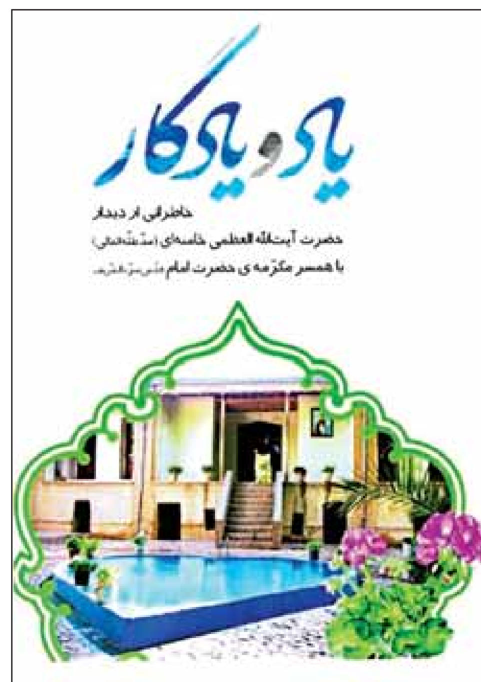
«امروز بزرگترین وظیفه مـــا ملت ایران که مریدان قدیم و اولین یاران امام خمینی بودیم، این اســـت که درس‌های آن امام بزرگوار را مرور کنیم. شخصیت عظیم رهبر کبیر انقلاب و جوهر درخشانی که همه دنیا را تحت تأثیر قرار داد، در درس‌ها و بیانات و رهنمودهای او آشکار شده است. البته همه ما با شناخت کامل آن شخصیت عظیم خیلی فاصله داریم و بدون مبالغه و اغراق باید گفت که هنوز ابعاد بسیاری از شخصیت آن روح ملکوتی و انسان بزرگ و والا برای ما شناخته شده نیست.» (۱۵/۴/۱۳۶۸)

آنچه از ملاحظه و دقـــت در همین چند یاد و خاطره برای خواننده بصیر حاصل می‌شـــود، نکاتی ارزشمند و راهگشا در سیر تکاملی انسان مؤمن انقلابی برای زندگی به سبک اسلامی و پیام‌هایی مهم برای فعالان و دغدغه‌مندان فکری و فرهنگی است که در ذیل به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

۱- نگاه الهی به حوادث و وقایع و تحلیل کلی از شرایط، از ورای حوادث تلخ و شیرین روزگار به حکمت الهی نگریستن و در نتیجه شاکر دائمی بودن بر مشیت الهی. (صفحات ۱، ۲)

۲-ارادت عمیق، قلبی و خالصانه و واقعی به حضرت امام و تصریح به عشق ورزیدن به آن مراد، ورای تمامی شئون استادی و حتی رهبری انقلاب عظیم اسلامی، که نشانه‌ها و نتایج این عشق الهی در جای‌جای این کتاب و در انبوه سخنان مقام معظم رهبری در طول ســـال‌های قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون آشکار است. (صفحات ۳، ۱۵، ۱۶، ۲۹)

۳- تشـــخیص و تمیز ویژگی‌ها و خصوصیات اعتقادی و رفتاری امام راحل و سبک زندگی شخصی، اجتماعی و سیاسی ـ فرهنگی آن حضرت و تأکید و توصیه به شـــناخت آن به‌عنوان الگویی برای همه نســـل‌ها در همه اعصار مخصوصاً برای نسل جـــوان؛ خصوصیاتی همچون اعتقاد راســـخ به انقلاب و نظام اسلامی، عبادت و تهجّد شبانه، عدم هراس و ترس از دشمن، که این ویژگی‌ها امام را به اسوه‌ای برای همه مردم خصوصاً جوانان و اهل علم و تحقیق تبدیل می‌کند.



۴- تجلی تقوا در تمامی ابعاد زندگی شـــخصی، سیاسی ـ اجتماعی، و عبـــادی که مهمترین عامل موفقیت امام راحل بوده اســـت. رهبر انقلاب درباره این خصوصیت حضرت امام می فرمایند:

«تقوا در زندگی امام بزرگوارِ ما صرفاً به معنای انجام کارهای عبادی نبود؛ تقوا در همه امور بوَد. تقوا یعنی مراقب درستیِ کار و عمل؛ بخصوص در آنجایی که به مســـائل مهم ارتباط می‌یابد. درس و معاشرت و حضور در مرکز تحصیلی و حضور در میان جامعه و خانواده و محیط‌های زندگی هم مظهر تقواست. در همه اینها شما به عنوان یک جوان برگزیده ـ که برای یکی از مهمترین کارهای این کشور انتخاب و پذیرفته شده‌اید ـ باید آن را در مقابل خودتان قرار دهید.

تقـــوا یعنی مراقبت از رفتار و گفتارتـــان، با همان روحیه نوآوری و ابتکار و فعال بودن و نشاط جوانی. وقتی تقوا با روحیه جوانی و به کار بردن استعدادهایی که در شما وجود دارد، همراه شود، معجزه‌ها خواهد آفرید.» (۲۹/۲/۱۳۷۸)

۵- تأکید بر اهمیت خانواده توجه به وجود نعمت همســـرِ همراه، فداکار، صبور، ایثارگر و مســـتحکم؛ و تکریم همســـرَ. (صفحات ۹، ۱۰، ۲۷، ۳۱، ۶۹ـ۷۰)

۶- توجه به نعمـــت زندگی در دوران حیات حضرت امام و آثار ایـــن همعصری و فواید آن برای بهره‌مندان از این فرصت بی‌نظیر الهی. (صفحات ۳۱ـ۳۲)

۷- توصیه به اهمیت تشـــکیل خانواده در اولین و بهترین فرصت و شرایط براســـاس الگوی زندگی اسلامی. (صفحات ۴۹، ۶۷)

۸-اهمیت حفظ، اشـــاعه، ترویج و انتشـــار ابعاد زندگی سیاســـی ـ اجتماعی ـ فرهنگی و خانوادگی امام راحل رحمه‌الله و بیان زیبایی‌های الهی در حیـــات آن امام رحمه‌الله که بهترین سرمشـــق و الگو برای همه‌ی انسانها مخصوصاً مسلمانان عصر حاضر و نسل‌های بعدی است. (صفحات ۱۷ـ۱۹، ۴۳)

در این کتاب، ســـخنان مقام رهبری، بـــدون لحاظ ترتیب تاریخی دیدارها و براســـاس تناسب محتوایی در کنار یکدیگر آمده اســـت. فرموده های رهبر انقلاب و نیز عناوینی که عیناً از گفته‌های ایشان انتخاب شده، به رنگ سبز و سخنان همسر مکرمه حضرت امام و دیگر حاضران به رنگ سیاه درج شده و در موارد محدودی که به علت کیفیـــت نامطلوب صوت و فیلم، گوینده نامشخص است، دایره سیاه گذاشته شده است. برای زیباسازی متـــن توضیحات لازم در پرانتز با اندازه حروف کوچکتر در بین سخنان آورده شده است.

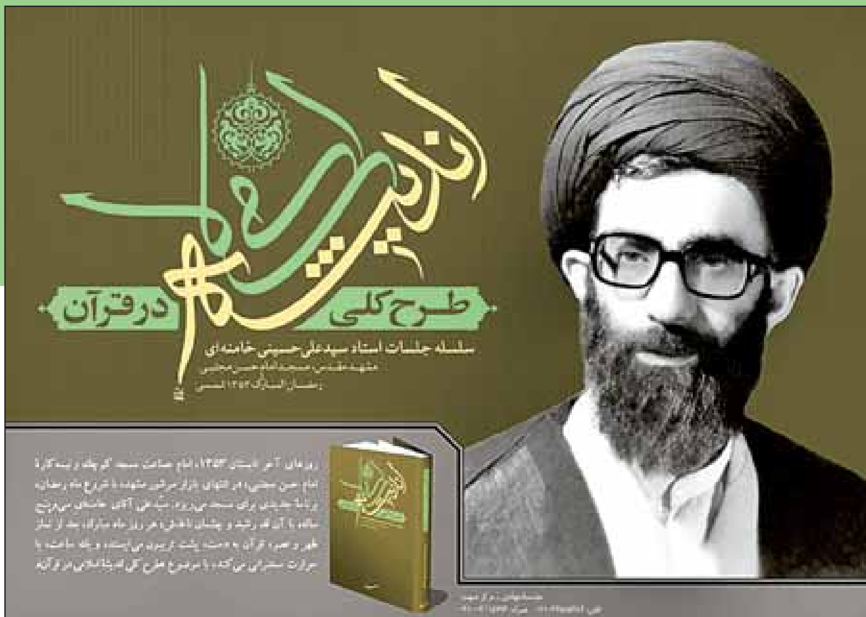
***

علاقه‌مندان برای اطلاع از نحوه تهیه کتاب فوق می توانند با شماره تلفن‌های ۶۶۴۹۳۵۴۸-۰۲۱ و ۶۶۴۸۳۶۹۵-۰۲۱ تماس حاصل نمایند و یا به پایگاه اطلاع‌رسانی www.book-khamenei.ir مراجعه کنند.

ماجرای کتاب رهبری



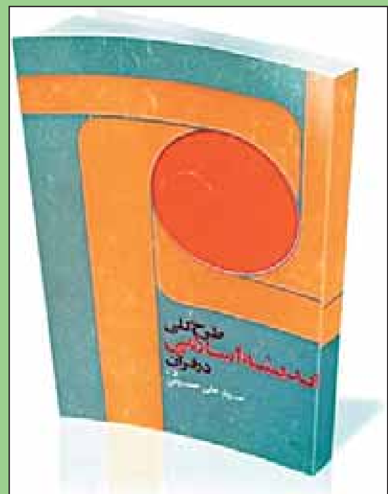
محمدرضا حیدرزاده



در سال ۱۳۵۳ حضرت آیت‌الله خامنه ای که امامت جماعت مسجدی در مشهد رضوی را بر عهده داشتند،سخنرانی های مهمی ایراد کردند که در نهایت در کتابی با عنوان «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» منتشر شد و باعث نگرانی رژیم از افزایش آگاهی‌های دینی و انقلابی مردم گردید.

تیرماه امسال، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی پایگاه اطلاع‌رسانی دفترحفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی، گزارشی با عنوان ماجرای کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» منتشر کرد.ماجرای این کتاب به رمضان سال ۱۳۵۳ شمسی باز می‌گردد که پس از تعطیلی جلسات آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد کرامت مشهد در اسفند سال ۱۳۵۲ به‌وسیله ساواک، ایشان جسته و گریخته در میعادگاه‌های مختلفی به سخنرانی و تبلیغ می‌پرداختند. با این حال ایشان از همان روز نخست بعد از تعطیلی مسجد کرامت، اقامه نماز جماعت در مسجد امام حسن مجتبی علیه‌السلام را به‌عهده گرفتند.البته هنوز امکان ارائه یک برنامه منسجم وجود نداشت و تنها شب‌های شنبه بود که آیت‌الله خامنه‌ای به سخنرانی می‌پرداختند.

به مرور زمان، کار مسجد امام حسن (ع) رونق گرفت. به اندازه‌ای که کوچکی مسجد، گنجایش علاقه‌مندان به سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای را نداشت. ایشان در همین‌باره می‌گویند:«با شروع نماز جماعت در آن مسجد کوچک که به تعبیر حدیث شریف همچون مفحص قطاه (آشیانه مرغ سنگ‌خوار) بود، طلاب و کسبه به آن روی آوردند؛ به‌طوری‌که دیگر جایی نبود و متولیان مسجد مجبور شدند آن را توسعه دهند، به حدی که وسعت آن از مسجد کرامت هم بیشتر شد. من به خاطر حساسیت‌زدایی و یا لااقل کم‌کردن آن، فقط شب‌های شنبه در آنجا نماز می‌خواندم و درس‌هایی از نهج‌البلاغه ایراد می‌کردم که جمع زیادی در آنها شرکت می‌کردند.»[۱]



به این ترتیب بود که پیشنهاد آیت‌الله خامنه‌ای برای توسعه مسجد قبول عام پیدا کرد. خیلی زود قبض‌های کمک به طرح توسعه به فروش رفت و حتی به ریالی از وجوهات شرعی و سهم امامی که در اختیار ایشان قرار می‌دادند، نیازی نشد. همزمان با همین کوشش‌ها بود که آیت‌الله خامنه‌ای طرح تازه‌ای برای سخنرانی‌ها و مباحث شان در مسجد امام حسن ریختند:«طرح تبیین رئوس و اصول کلی اندیشه اسلامی با تکیه بر قرآن کریم». در این طرح قرار بود اصول اصلی اعتقادات اسلامی، مستند به آیات قرآن بررسی و تبیین شود. به عبارت دیگر یک تفسیر موضوعی قرآن کریم به شمار می‌آمد. ماه رمضان سال ۱۳۵۳ شمسی، بهترین زمان برای ارائه این مباحث بود. این گونه بود که مقدمات کار فراهم آمد.«تازه مسجد امام حسن مجتبی را بازسازی کرده بودند و هنوز کامل نبود که ماه رمضان شد و ظهرها ایشان در مسجد یک بحث سنگین و عمیق را شروع کردند که جمعیت هم خیلی استقبال می‌کرد. مسجد پر بود. پشت مسجد یک گاراژی بود که همین الآن هم هست، آنجا هم افراد می‌آمدند، می‌نشستند و استفاده می‌کردند. چون داخل جا نبود، ما هم که جوان بودیم، ظهرها برای نماز به آنجا می‌رفتیم.

سلسله مباحثی را که درآنجا بحث کردند و این کتاب طرح کلی اندیشه های اسلامی در قرآن، چکیده همان مباحث ماه رمضان ایشان است عمدتاً مباحث زیربنایی اعتقادی است؛ یعنی بحث توحید هست، نبوت و ولایت که به این سه تا محور بیشتر نتوانستند برسند و عمدتاً هم با استفاده از آیات قرآن مجید بود.»[۲]

رهبر معظم انقلاب، خود درباره اهداف و چگونگی آن برنامه و سخنرانی‌ها این‌طور توضیح می‌دهند: «بنده یک ماهِ رمضان در مسجد امام حسن مشهد سخنرانیِ مستمر سیِ جلسه‌ای داشتم. آن زمان به ضبطِ سخنرانی‌ها خیلی اهمیت داده نمی‌شد؛ اما استثنائاً همه این سی سخنرانی ضبط شده است. در آن سخنرانی‌ها راجع به توحید، امامت، ولایت، نبوّت و سایر مباحث اساسی بحث شده است که الان هم آنها را تأیید می‌کنم. اینها پایه‌های فکری برای ایجاد یک نظام اسلامی بود؛ اگرچه ما آن موقع امیدوار نبودیم که نظام اسلامی شش، هفت سال دیگر محقق شود. می‌گفتیم اگر پنجاه سال دیگر هم ایجاد نشود، بالاخره پایه‌های فکری‌اش اینهاست. آن کار، جهت دادن به فکر نسل جوان آن روز بود.»(۴/۴/۱۳۸۱) [۳]

نحوه ارائه مباحث

مباحث مطرح‌شده در این جلسات، یک ویژگی منحصربه‌فرد هم داشت که شاید در میان بیشتر کارهای تبلیغاتی –مبارزاتی یاران امام خمینی یگانه بود.«روش طرح و بحث» مطالب از سوی آیت‌الله خامنه‌ای به‌شکلی بدیع و ابتکاری پایه‌ریزی شده بود. به گفته یکی از حاضران در این جلسات:«روش هم این بود که قبلاً خلاصه درس را می‌نوشتند، بعد اینها پلی‌کپی می‌شد، تکثیر می‌شد و قبل از درس در همان‌جا به افراد فروخته می‌شد.

افرادی که دوست داشتند می‌خریدند، جلو‌یشان می‌گذاشتند و درس را هم گوش می‌کردند. سخنرانی بیشتر به درس شباهت داشت. در حقیقت درس بود، گرچه سخن شکل سخنرانی داشت. برخی از مخاطبان سرپا می‌ایستادند. جمعیت هم بعد از نماز مغرب، عشا و ظهر ماه رمضان می‌نشستند استفاده می‌کردند.» [۴]

یکی دیگر از ویژگی‌های این روش، تدریس و بحث، شرکت دادن مخاطبان و جوانان از طریق «کنفرانس دادن مطالب جلسه پیشین» بود:

«مسجد امام حسن مجتبی علیه‌السلام هم محل حضور و تجمّع نیروهای انقلابی، بازاری، تحصیل‌کرده حوزوی و دانشگاهی بود. آنجا، از جمله موارد که تدریس فرمودند، نهج‌البلاغه و درس و طرح کلی اندیشه‌های اسلام بود. آنجا خیلی کلاسی‌تر کار می‌شد. به این معنا که بیانات ایشان را جوان‌های حاضر یادداشت می‌کردند و جلسه بعد کنفرانس می‌دادند. در واقع، تربیت انسان‌های آگاه به معارف دینی به تمام معنا بود.»[۵]



در همین رابطه، یکی از شاگردان آیت‌الله خامنه‌ای در مشهد، برداشت شخصی جالب یکی از مستمعان حاضر در جلسات از سیمای آیت‌الله خامنه‌ای و روش طرح مباحث ایشان را به یاد دارد که در نوع خود شنیدنی است:

«[آیت‌الله خامنه‌ای] جلوی تخته می‌نشستند و شروع می‌کردند به نوشتن. عبای ایشان که افتاد، یک کسی پهلوی من بود ــ آن زمان برای ما سیدجمال‌الدین اسدآبادی یک الگو بود ــ گفت که:«سیدجمال!» سیمای آقا را از پشت که نگاه کرد، گفت اصلاً سیدجمال زنده شده است.ای کاش که موفق باشد، سیدجمال که موفق نشد. نحوه دستشان را وقتی که می‌نوشتند و صحبت می‌کردند، حالت اینجوری داشتند.»[۶]

گزارشگر ساواک معتقد است که آیت‌الله خامنه‌ای در این سخنرانی‌ها «به تشریح اصول انقلابی قرآن و به طور کنایه در لفافه به تشویق و تحریک مردم» می‌پردازد. به اعتقاد او «این گروه به طور مدام آموزش می‌بینند و تبلیغات آن‌چنان مؤثر است که جوانان را به صورت گلوله آتش درآورده و از هیچ چیز ترس ندارند.مبلغین گروه به عناوین مختلف ثابت می‌کنند که در حال حاضر دستگاه دولتی از حکومت یزید پلیدتر و بدتر است.»مباحث طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، واکنش‌های گوناگونی را برانگیخت. افزون بر علاقه‌مندان و مستمعان مباحث که ارتباط خوبی با محتوا و روش ابتکاری ارائه آن برقرار کرده بودند. دو گروه اما تلقی چندان مثبتی از این برنامه نداشتند. گروه نخست، بخشی از بدنه مذهبی آن روزهای شهر مشهد بود که با دیده تردید به نوآوری‌های مباحث آیت‌الله خامنه‌ای می‌نگریست و در گوشه و کنار انتقادهای بعضاً تند و گزنده‌ای به مباحث داشت. انتقادهایی که امثال آیت‌الله مطهری هم به دلیل برخی آثار نوآورانه و بدیع خود از آن بی‌نصیب نمی‌ماند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، خود راوی خوبی برای این فضای گزنده و پرتردید به شمار می‌آیند:

«من یادم می‌آید توی همین تهران، بعضی از علماء و بسیاری از مردم با مرحوم مطهری سر همین قضیه [کتاب] حجاب درافتادند. من در مشهد یک بحثی کردم در باب ولایت، یک برداشت جدیدی از کلمه ولایت و مسأله ولایت که ماه رمضان بود و بحث‌هایی برای جوان‌ها می‌کردیم. آن وقت‌ها راجع به توحید و نبوت و چه و از جمله ولایت، یک بحث قرآنی خیلی خوب و کاملی بود. بعد هم چاپ شد؛ یعنی خلاصه‌اش هم یک جایی چاپ شد. اصل سخنرانی‌ها را هم بعد از انقلاب درآوردند چاپ کردند. یک عده‌ای در مشهد جنجال علیه من به راه انداختند که چرا در زیر کلمه ولایت، فلانی این حرف‌ها را زده؛ در حالی که این منکر به معنای انکار آن ولایتی که آنها می گفتند که نبود. آنها می گفتند ولایت یعنی محبت. خب ما محبت ائمه را که قبول داریم؛ ولایت یعنی اعتقاد به امامت علی. این را که ما قبول داشتیم. یک چیزهایی علاوه بر اینها ما از کلمه ولایت پیدا کرده بودیم.

من آیات ولایت را در قرآن جمع کردم. آیاتی که در آن کلمه ولایت به کار رفته است؛«هنالک الولایهٔ لله»مثلاً و آیات متعددی را. از این کلمات من یک برداشت جدیدی از کلمه ولایت را مطرح کردم. خب این باید مغتنم شمرده بشود. در عالم پزشکی اگر یک نفری بیاید فرض بفرمائید درباره حصبه یک ایده جدیدی را مطرح کند که اضافه بر معلومات قبلی باشد، با او چه جوری رفتار می‌کنند؟ خب احترامش می‌کنند، تکریمش می‌کنند.» (۱۳/۷/۱۳۶۷)[۷]

گروه دوم که به‌شدت برنامه مسجد امام حسن مجتبی را زیر نظر داشتند، نهادهای امنیتی رژیم پهلوی و به‌ویژه سازمان اطلاعات و امنیت (ساواک) بودند. محتوای سیاسی که از برخی سخنان آیت‌الله خامنه‌ای برداشت می‌شد و پیشتر هم در گفتارهای شرح نهج‌البلاغه تجربه شده بود، حساسیت ساواک را به‌شدت برمی‌انگیخت.

سخنرانی روزهای ۲۶ و ۲۷ رمضان (۲۱ و ۲۲ مهرماه ۱۳۵۳)، که با موضوع «ولایت مطلقه امام» مطرح شد، یکی از همین فقره‌های حساسیت‌برانگیز بود. آیت‌الله خامنه‌ای در این سخنرانی‌ها با تأکید بر این که ولی، حاکم مطلق، فرمانروای مردم، باید از طرف خدا منصوب شود، گفتند که نقش ولی و امام مانند جان در بدن انسان است. جامعه بدون امام، مانند کالبد بی‌جان است. «ولی را خدا معرفی می‌کند، مانند ۱۲ امام. ولیّ بعد از امام را امام زمان معرفی کرده است. کسی که جانشین من است، چهار شرط باید داشته باشد: صائناً لنفسه، حافظاً لدینه، مخالفاً لهواه و مطیعاً لأمر مولاه».

آیت‌الله خامنه‌ای پس از قرائت این نکته، خطاب به حاضران گفت:«با این بیان،[جانشین] امام زمان [را] خودتان فکر کنید، قالب‌گیری نمایید و اندازه‌گیری کنید و از آلبوم [علمای بزرگ] آن را انتخاب کنید... قضاوت با خودتان. انتخابِ ولی با خود شما».

سخنان ایشان به قدری آشکار بود که گزارشگر ساواک در پایان گزارش خود نوشت:«منظور [آیت‌الله] خامنه‌ای از جانشین امام، در این شرایط، [امام] خمینی است.»[۸]

در گزارش ساواک که هنگام انتشار نسخه نخست «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» نوشته شده هم به رویکردهای ضد رژیم آیت‌الله خامنه‌ای اشاره شده است:

«آقای سیدعلی خامنه‌ای، امام جماعت سابق مسجد کرامت (واقع در چهارراه نادری) به علت تبلیغات علیه حکومت وقت و پشتیبانی از آیت‌الله خمینی، چندین ماه به زندان رفت و اخیراً از زندان آزاد شد. او کتاب‌هایی که اخیراً نوشته و یا می‌نویسد [را] به نام سیدعلی حسینی چاپ و منتشر می‌کند، برای اینکه او را نشناسند؛ چون که او به سیدعلی خامنه‌ای معروف است، نه سیدعلی حسینی. از جمله [در] کتابی به نام «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» همین کار را کرد.»

در گزارشی دیگر، تلقی ساواک از مباحث مطرح‌شده در این جلسات به‌روشنی آمده است. گزارشگر ساواک معتقد است که آیت‌الله خامنه‌ای در این سخنرانی‌ها «به تشریح اصول انقلابی قرآن و به طور کنایه در لفافه به تشویق و تحریک مردم و به پایداری [در برابر] اختلافات طبقاتی» می‌پردازد. به اعتقاد ساواک،«در پس این نشست‌ها سازماندهی دیگری وجود دارد که این جوانان را تبدیل به گلوله‌های آتشین می‌کند. هر کس قدری دقت و توجه به وضع مجلس مزبور... و نحوه اعمال و گفتار اکثر حضار می‌نمود، درمی‌یافت که جوان‌ها... [که] بیش از صد نفر بوده و هر دانشجو و کارگر و کارمند جزء و دهاتی‌هایی که در یکی دو سال اخیر به مشهد کوچ کرده‌اند بودند و به طوری که... می گویند این گروه به طور مدام آموزش می‌بینند و تبلیغات آن‌چنان مؤثر است که جوانان را به صورت گلوله آتش درآورده و از هیچ چیز ترس ندارند. مبلغین گروه به عناوین مختلف ثابت می‌کنند که در حال حاضر دستگاه دولتی از حکومت یزید پلیدتر و بدتر است و گفته می‌شود که شماها مانند امام حسن علیه‌السلام و علی‌اکبر حسین علیه‌السلام هستید. دستگیری و احیاناً مرگ برایتان افتخار است و تمام اعضای وابسته، با ایمان راسخ این ادعا را قبول دارند.»[۹]

مجموعه مباحث آیت‌الله خامنه‌ای در چند مرحله برای چاپ آماده شد و به انتشار رسید. در ابتدا کتابچه‌ای از خلاصه مباحث در سال ۱۳۵۴ منتشر شد.اما صورت کامل و پیادهٔ شدهٔ همه سخنرانی‌ها به بعد از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. البته پیش از انقلاب هم به توصیه شخص آیت‌الله خامنه‌ای، کار پیاده‌سازی سخنرانی‌ها آغاز شده بود؛اما به‌دلیل تهدیدهای ساواک ناتمام ماند. مرحوم علی‌جان زاهدی، معاون حزب وحدت اسلامی افغانستان و از شاگردان رهبر معظم انقلاب، درباره این پیاده‌سازی ناتمام می‌گوید:

«ایشان می‌گفتند که این کتاب را من خلاصه کردم ولی بسیار خلاصه شده. به این خاطر دستور دادند که نوارهایی از این سخنرانی‌ها را من پیاده کنم. ما یک دوستی داشتیم به نام سیدحیدرمحمودی. ایشان نویسنده بود، شاعر بود و متفکر بود. ایشان وظیفه گرفت که این سخنرانی‌ها را خلاصه کند. شش سخنرانی پیاده شد و ایشان خلاصه کردند و بردند خدمت آقا، آقا پسندیدند. بعد گفتند کار را به همین ترتیب شما ادامه بدهید. نوارهای سخنرانی را آقا آدرس دادند از یک مغازه‌ای به نام سعید [آقای سیدمرتضی فاطمی]، برو از آنجا بگیر.رفتیم آنجا بسیار با ترس و لرز رفتیم. می‌ترسیدیم از ساواک. چون تعقیب می‌کرد ما را. نوارها را گرفتیم و خلاصه پیاده کردیم و بعد آن دوست ما پنج – شش نوار را خلاصه کردند وخدمت آقا بردند، و آقا هم پسندیدند. بعد ما تحت نظر ساواک بودیم و حمله صورت گرفت. هشت نفر از رفیقان ما را گرفتند و ما فرار کردیم به افغانستان، و این کار ناتمام ماند.»[۱۰]

پس از وقوع انقلاب اسلامی، باز هم تا مدت‌ها انتشار متن کامل سخنرانی‌ها ممکن نشد. البته بخش‌هایی از آن در قالب جزوه‌ها و کتابچه‌هایی در دسترس قرار می‌گرفت که نمونه آن، جزوه و کتابچه «ولایت»، محصول حزب جمهوری و سازمان تبلیغات اسلامی است که مطالب فصل ولایت از سخنرانی‌ها را در بر می‌گرفت. با این حال پس از مدتی که حتی همین کتابچه‌ها هم نایاب شده بودند، مجموعه سخنرانی‌ها در سال ۱۳۹۲ در قالب کتابی با همان نام «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» از سوی مرکز صهبا منتشر شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، حین مراحل آماده‌سازی نخستین نسخه از سخنرانی‌ها که نتیجه آن در قالب کتابچه «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» در سال ۵۴منتشر شد، مقدمه‌ای نوشته‌اند که تبیینی از کلیت مباحث مطرح‌شده در سخنرانی‌ها و اهداف و اهمیت آن است.

پی نوشت:--------------------

۱- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خاطرات آیت‌الله خامنه‌ای، ص ۸۰

۲- گفت‌وگوی دفتر نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با آقای ابوالحسن مالکی

۳-بیانات در دیدار اعضای هیأت مؤسس و هیأت امنای مؤسسه‌ی پژوهشی -فرهنگی انقلاب اسلامی، ۴/۴/۱۳۸۱

۴- گفت‌وگوی دفتر نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با آقای ابوالحسن مالکی

۵- گفت‌وگوی دفتر نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با آقای هاشمی گنابادی

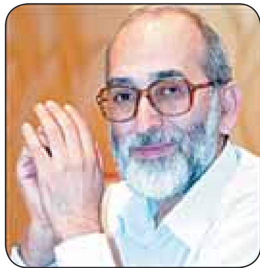
۶- گفت‌وگوی دفتر نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با آقای عبدالرضا ایزدپناه

۷- سخنرانی در اجتماع دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، ۱۳/۷/۱۳۶۷

۸- شرح اسم، ص ۵۱۱ و ۵۱۲

۹- همان منبع، ص ۵۱۱

۱۰- گفت وگوی دفتر نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با علی‌جان زاهدی



عشق الهی

حمید یزدان پرست

درباره عشق از جنبه‌ها و چشم‌اندازهای گوناگونی می‌توان سخن گفت؛ چنان که تا کنون گفته‌اند: عشق مجازی، عشق حقیقی، عشق پاک و پیراسته از شوائب نفسانی، عشق هوس‌آلود، عشق آسمانی، عشق زمینی و... آنچه در این نوشتار عرضه می‌شود، عشق الهی است: دوست داشتن خدا و دوستی خدا با انسان؛ چنان که درباره حضرت ابراهیم(ع) می‌خوانیم: «**و اتخذ الله ابراهیم خلیلا**: خداوند ابراهیم را به دوستی گرفت» و به عبارتی ملموس‌تر: «خدا با ابراهیم دوست شد» (نساء، ۱۲۵) و دربارهِ حضرت موسی(ع) آنگاه که به قول حافِظ: «چند سال به جان خدمت شعیب کرده» بود و از وادی ایمن می گذشت، فرمود: «**و اصطنعتک لنفسی**: تو را برای خود پروردم» (طه، ۴۱) و پیامبر اکرم(ص) نیز لقب «حبیب‌الله» یافت. زهی آن بزرگواری که به استناد زیارت وارث، میراث‌دار همه این انبیاست!

خیال روی کسی در سر است هر کس را
مرا خیال کسی کز خیال بیرون است

(سعدی)

عشق حقیقتی است ذومراتب و کششی است درونی به موجود یا موجودات صاحب کمال که مراتبی متعدد و انواعی گوناگون دارد: از تعلقات طبیعی و غریزی و نفسانی گرفته تا جاذبه‌های روحانی و ربانی؛ از دل نهادن به مال و منال تا دلبستگی به میهن و هنر، و از شیفتگی به خویشان و دوستان، تا دلباختگی به حقیقت و خداوند. اگر کمترین اثر عشق زمینی، منصرف کردن آدمی از خودپرستی و خودخواهی باشد که در ضمن، «شوری در نهاد ما می‌نهد» و زمینه را برای بیرون آمدن از پیله منیت و رستن از رذیلت خودمحوری فراهم می‌آورد، نه تنها کم نیست، بلکه غنیمت است؛ چنان که در پاره‌ای روایات آمده است: «**العشقُ من غیر ریبةٔ کفّارةٌ للذنوب**: عشقی که از سر شهوت نباشد، کفاره گناهان است.»[1] غلام دولت آنم که پایبندَ یگی است/به جانبی متعلق شد، از هزار برَست. (سعدی، دفتر طیبات، ص۳۷۴) عشق زمینی که این باشد، عشق الهی را باید قیاس کرد که فرد را تا بدان سوی فنا نیز پیش می‌برد؛ باز به گفته سعدی:

چو عشقی که بنیاد آن بر هواست
چنین فتنه‌انگیز و فرمانرواست،
عجب داری از سالکان طریق
که باشند در بحر معنی غریق؟
به سودای جانان ز جان مشتغل
به ذکر حبیب، از جهان مشتغل
به یاد حق از خلق بگریخته
چنان مست ساقی که می ریخته...

(بوستان، ۱۶۴۴_۱۶۴۷)

منشأ این عشق ربانی چیست، از کجا آمده و تا کجا می‌برد؟ در این موضوع بسیار سخن گفته‌اند و شاید ساده‌ترین توجیه این باشد که اگر از «وجه خلقی» بنگریم و به عبارتی از پایین به بالا نظر کنیم، می‌یابیم که عشق و علاقه آدمی به خداوند، در درجه نخست پیامد احساس وامداری و نوعی سپاسگزاری از نعمت‌هاست که پیامبر(ص) فرمود: «**أحِبّوا الله لما یغذوکم به من نعمه**: خدا را دوست بدارید، به سبب نعمت‌هایی که در اختیار شما می گذارد.» (امالی الصدوق، ص۳۶۴) و فرمود: خداوند به موسی وحی کرد: «**أحببنی و حَبّبنی الی خلقی**: دوستم بدار و مردم را دوستدارم کن.» گفت: «من که دوستت دارم، مردم را چگونه دوستدارت کنم؟» فرمود: «**اذکر لهم نعمای علیهم و بلایی عندهم. فانّهم لا یذکرون** (او لا یعرفون) **منّی الا کل الخیر**: نعمت‌هایی را که به آنها داده‌ام، و آزمونهایم را که در آنهاست، به یادشان بیاور؛ چون آنها از من جز انواع خوبی به خاطر ندارند (و یا: نمی‌شناسند).» (بحارالانوار، ج۶۷، ص۱۸) همین مضمون را در گفتگوی حق تعالی با حضرت داوود می‌بینیم که: «**اذکُر ایادیَّ عندهم فانّک اذا ذکرتَ ذلک لهم، أحبّونی**». (همان، ص۲۲)

در نتیجه، هر چه علم و آگاهی بشر از نعمت‌های ظاهری و باطنی بیشتر می‌شود، علاقه‌اش به خدا افزایش می‌یابد تا جایی که پیوسته مشغول کار او می‌شود و از دیگران دست می‌شوید؛ چنان که از امام صادق(ع) روایت شده است: «**حُبُّ الله اذا اضاء علی سرّ عبد أخلاهُ عن کل شاغل و کل ذکر سوی الله عند ظُلمه**». (همان، ج۶۷، ص۲۳) این محبتْ آتش‌وار همه چیز را مشتعل میً کند و همزًمان ویژگی نور و آب و باد و خاک را در تابندگی و حیاتِ‌بخشی و جنبش‌آفرینی و رویانندگی دارد: «**حُبّ الله نارٌ لا یمُرُّ علی شیء الا احترق و نورُالله لا یَطلُع علی شیء الا اضاء، و سحابُ الله ما یَظهرُ من تحتهِ شیءٌ الا غطّاهُ، و ریحُ الله ما تَهبّ فی شَیءِ الا حرّکتُه، و مَاءُ الله یَحییَ به کلّ شیَء، و ارضُ الله یَنبُتُ منها کل شیء**: عشق و دوستی خدا آتشیً است که بر چیزی نَمی گذرد، مگر اینکه آن را می‌سوزاند و نور خداست که بر چیزی نمی‌تابد، مگر آنکه روشنش کند؛ و ابر خداست که بر چیزی ظاهر نمی‌شود، مگر اینکه او را می‌پوشاند؛[2] و باد خداست که بر چیزی نمی‌وزد، مگر اینکه او را به جنبش درمی‌آورد؛ و آب خداست که هر چیزی به او زنده است؛ و زمین خداست که هر چیزی از آن می‌روید.» (بحارالانوار، ج۶۷، ص۲۴)

فردی که چنین شد و تا این حد پیش رفت، به‌تدریج دلش از محبت دیگران تهی می‌شود و دلبستگی‌اش به خود و زن و فرزند و قوم و خویش و مال و منال رو به کاستی می‌گذارد و بدین ترتیب به حقیقت ایمان دست می‌یابد؛ چنان که در روایت امام صادق(ع) آمده است: «**لا یُمَحَّض رجلُ الایمانَ بالله حتی یکونَ الله احبّ الیه من نفسه و ابیه و امُّه و وُلده و اهله و ماله و من الناس کلهم**». (همان، ص۲۵) به قول سعدی: «هر که با یار آشنا شد، گو ز خود بیگانه باش» (خواتیم، ۷۳۲)؛ چنان که «هر گاه خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، مبتلایش گرداند. **فاذا احبّه الله الحبَّ البالغ اقتناه**: و چون بسیار دوستش بدارد، او را از آنِ خود می کند؛ [یعنی] مال و فرزندی برایش نمی گذارد.» (میزان‌الحکمه، ج۲، ص۴۳۸) این ویژگی از برترین حالات و بهترین کارهاست و به فرموده پیامبر اکرم(ص): «**افضل الاعمال الحبّ فی الله و البغض فی الله**» (بحار، ج۶۶، ص۲۵۲) و امیر مؤمنان(ع) آن را پاکترین و لذت‌بخش‌ترین چیز در بهشت معرفی کرد: «**انّ اطیب شیء فی الجنه و الذّهُ، حُب الله و الحبّ فی الله**». (همان، ص۲۵۱) و به فرموده پیغمبر، ما بدان مأمور شده‌ایم: «**اما القلوبُ فتقطعونها علی حبّ الله**: دل خود را منحصر به محبت خدا بسپارید.» (همان، ج۹، ص۳۲۵) و «**الحبّ فی الله فریضه**». (همان، ص۲۵۲) و فرمود: «**احِبّوا الله من کلّ قلوبکم**: خدا را با تمام وجود دوست بدارید.» (درالمنثور، ج۳، ص۶۶) نشانه این محبَت را نیز در پیروی از آن حضرت به شمار آورده‌اند: «**علامةٔ حب الله تعالی، متابعةٔ الرسول**». (بحار، ج۲۷، ص۹۵) و خدا خود از زبان پیامبرش می‌فرماید: «**ان کنتم تحبون الله فاتّبعونی یحببکم الله**: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد.» (آل عمران، ۳۱) و از آن حضرت نیز روایت شده: «**علامةُ حبّ الله حبُّ ذکر الله**: نشانه دوست داشتن خدا، دوست داشتن یاد خداست.» (بحار، ج۴۶، ص۲۵۲) وَ نیزِ دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا و اشتیاق به لقای اوست که فرمود: «**ان زَعَمتُم أنّکم اولیاءُ لله... فَتَمنّوا الموت ان کنتم صادقین**: اگر می پندارید که شما دوستان خدا هستَید...، اگر راست می گویید، آرزوی مرگ کنید.» (جمعه، ۶) و فرمود: «**من کان یرجوا لقاءالله فانّ اجل الله لآت**: کسی که امیدوار به دیدار خداست، [بداند که] وعدهٔ خدا آمدنی است.» (عنکبوت،۵) پس باید به اعمال صالح (که فهرستشان بسیار طولانی است) رویِ بیاورد و دلش را از زنگار شرک بپیراید تا بدان آرزو نایل آید: «**فمن کان یَرجو لقاء ربه فلیَعمل عملا صالحا و لا یُشرک بعبادةِ ربّه احدا**: هر که به دیدار پروردگارش امید دارد، باید به کار شایسته بپردازد و هیچ کس را در پرستَش پروردگارش شریک نسازد.» (کهف، ۱۱۰) که به قول سعدی:

غوغای عاشقان و تمنای عارفان
حرص بهشت نیست، که شوق لقای توست

(غزلیات قدیم، ۷۲۳)

دوام این وضعیت چنان بر فرد اثر می‌نهد که گفتار و کردار و دیدارش را دگرگون می‌سازد؛ به طوری که ممکن است در چشمِ دیگران ناهنجار و بلکه دیوانه بیاید؛ همان گونه که در روایت امام صادق(ع) آمده است: «**اذا تَخَلّی المؤمنُ منِ الدنیا، سَما و وجد حلاوةَ حب الله و کان عند اهل الدنیا کأنّه قد خُولِطَ و انما خالَطَ القومَ حلاوةُ حب الله فلم یشتغلوا بغیره**: هرَ گاه مؤمنی [محبت] دنیا را از دلش بیرونَ کند، [مقامش] بالا می‌رود و شَیرینی محبت خداوند را می‌یابد. [در این وضع] دنیاداران خیال می کنند او دیوانه شده، در حالی که محبت خدا با آنها درآمیخته و از این رو به غیر خدا مشغول نمی‌شوند.» (الکافی، ج۲، ص۱۳۰ و بحارالانوار، ج۷۰، ص۵۶) از اینجا به بعد است که دل آتش می گیرد، فکر پریشان می‌شود، عقلِ جزئی معاش‌اندیش بساطش را برمی چیند و دیگر با چنین کسی نمی‌شود رایزنی کردِ و در امور دَنیوی نَظر خواست؛ همچنان که از پیامبر اکرم(ص) روایت شدهِ است: «**لا تستشیروا اهل العشق، فلیس لهم رأی، و انّ قلوبهم مُحتَرقه، و فکرَهم متواصله، و عقولَهم سالبه**». (الفردوس، ج۵، ص۳۸؛ به نقل از حکمت‌نامه پیامبر، ج۱۴، ص۳۰۶)

استمرار این حالت، خواب را از چشم عاشق می‌رباید و پرده‌ها را کنار می‌زند و گفتارش را دگرگون می‌سازد و به سخن پیامبران همانند می کند و به عشق دوجانبه‌ای می‌انجامد که دیگران نیزِ از آن برخوردار می‌شوند و به یُمن آن از خشم و عذاب الهی امان می‌یابند: «**یقول الله تعالی: اذا کانَ الغالبُ علی عبِدی الاشتغال بی، جعلتُ نعیمهُ وِ لذتّه فی ذکری، فاذا جعلتُ نعیمه و لذته فی ذکری، عَشقنی و عَشقتُه. فاذا عشقنی و عشقته، رَفعتُ الحجابَ فیما بینی وِبینه، و صرتُ مَعالمَ بین عینیه، لَا یَسهو اذا سَها الناسِ، اولئِک کلامهمِ کلامُ الانبیاء؛ اولئک الأبطالُ حقا؛ اوَلئک الذین اذا اردتُ بأهل الارض عقوبةً و عذاباً، ذَکرتُهُم فَصَرَفتُ ذلک عنهم**». (حلیةالاولیاء، ج۶، ص۱۶۵ و با اندکی تفاوت در کنزالعمال، ج۱، ص۴۳۳)

در روایت مشهور قرب نوافل از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است: خداوند فرمود: «بنده‌ام با هیچ کاری دوست داشتنی‌تر از انجام واجبات، محبوب من نمی‌شود.[3] و با انجام مستحبات وسیلهٔ جلب محبت مرا فراهم می‌آورد، چندان که محبوب من می‌شود. **فاذا أحببُتُهُ، کنتُ سمعهُ الذی یَسمعُ به**...: و چون دوستش بدارم، گوشش می‌شوم که با آن بشنود، و چشمش می‌شوم که با آن ببیند، و زبانش می‌شوم که با آن بگوید، و دستش می‌شوم که با آن تلاش می کند، و پایش می‌شوم تا با آن برود. **اذا دعانی، أجبتُه و اذا سَألنی، أعطیته**: هرگاه مرا بخواند، پاسخش می‌دهم و هر گاه چیزی از من بخواهد، عطایش می کنم.» (بحارالانوار، ج۶۷، ص۲۲) اینانند که خدا را جستند و یافتند و شناختند و محبت ورزیدند و عاشق شدند و خِدا عاشقشان شد و آنها را کشت و پرداخت دیه‌شان رِا بر خود واجب کرد و خِود دیهٔ آنها شد: «**مَنِ طَلَبنی وَجَدنی، و منِ وجدنی عَرَفنیِ، و من عرفنی احَبّنی، و منِ احبنی عَشقَنی، و من عشقنی عَشقتُه، و من عشقته قتلتُه، و من قتلته فعَلیّ دیته، و من علیّ دیته، فأنا دیته**». (اَلمنهج‌القوی، ج۴، ص۳۹۸)[4] سعدی در این باره می گوید:

به داغ عشق چنانم که گر اجل برسد
به شرعم از تو ستانند خونبها ای دوست

(بدایع، ۳۹۸)



هـر آدمی که کشتـه شمشیـر عشق شد
گو غم مخور، که ملک ابد خونبهای اوست
(بدایع، ۷۲۴)

آن دوست نباشد که شکایت کند از دوست
بر خون که دلارام بریزد، دیتی نیســـت
(طیبات، ۷۲۶)

و گر به دست نگارین دوست کشته شویم
میـــان عالمیـــان افتخـــار ما باشـــد
(خواتیم، ۴۲۸)

این همه برای آن است که:
عـاشـــقـان کشـــتگان معشـــوقند
هر کـــه زنده‌ســـت، در خطر باشـــد
(طیبات، ۴۲۸)

به این ترتیب اساس عشق آدمی به خداوند، در همسازی آنهاست؛ زیرا گرچه انسان در جهان مادی به سبب گرایشهای نفسانی که از جنس دنیاست، دلبستگی‌های دنیوی پیدا می‌کند و شیفتهٔ مال و منال و شهوت و قدرت می‌شود، اما به لحاظ روحی که بُعد دیگری از وجود اوست، تنها می‌تواند به موجود برینی که همذاتش است، دل ببندد و او هموست که در آغاز آفرینش انسان، از «**نَفَخْتُ فیه من روحی**» (حجر، ۲۹ و ص، ۷۲) خبر داد و در پایان قوس صعودش نیز به «**الی الله المصیر**» (آل‌عمران، ۲۸؛ نور، ۴۲ و فاطر، ۱۸) و «**الیه المصیر**» (مائده، ۱۸؛ غافر، ۳؛ شـــوری، ۱۵ و تغابن، ۳) و «**الی الله مرجعکم**» (مائده، ۴۸ و ۱۰۵) مژده داد و اینکه «**یا ایها الانسان انک کادحٌ الی ربک کدحا فمُلاقیه**» (انشقاق، ۶) و جان سالکان را به سرود «**انّا لله و انا الیه راجعون**» (بقره، ۱۵۶) مترنم ساخت؛ به همین روست که آدمی تنها با یاد او آرامش می‌یابد: «**الا بذکرِ الله تطمئن القلوب**». (رعد، ۲۸)

آری، تن از جنس خاک اســـت و بدین جهت نفس به فرآورده‌های خاکی و دنیوی می گراید؛ اما روح که از جنس جماد و نبات و حیوان نیســـت، در این جهان عنصری احساس غربت و جدایی و بیگانگی می کند. پس، از فراق می‌نالد و از تنهایی شـــکوه سر می‌دهد، و از «غم غریبی و غربت» می گوید و میل پر گشـــودن و عروج دارد که به قول مولانا: جان گشـــوده سوی بالا، بالها / تن زده اندر زمین چنگالها. این اســـت که به آن محبوب کلّ رو می‌آورد و می گوید: «**یا صاحب الغرباء، یا انیس الاصفیاء، یا حبیب الاتقیاء**: ای همصحبت غریبان، ای آرامبخش برگزیدگان، ای دوســـتدار پرهیزگاران!» (دعای جوشـــن کبیر، بند ۹۱) و: «**یا حبیب من لا حبیب له... یا شفیق من لا شفیق له، یا رفیق من لا رفیق له، یا انیس من لا انیس له**...» (همان، بند ۵۹)

منشأ الهی

آنچه آمد، در نگرش خلقی و از پایین به بالا بود؛ اما اگر به مقوله عشـــق از بالا به پایین بنگریم، سخن رنگ دیگری می گیرد. عشق الهی منشأیی الهی نیز دارد و دیرینه و ازلی است که به پیش از بود و نبود و آفرینش انسان برمی گردد، تا چه رسد به عشق ورزیدن او: «پیش از آب و گل من، در دل من مهر تو بود» (طیبات، ۴۹۴) و «هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی» (طیبات، ۵۵۲) و به قول حافظ: «نبود نقش دو عالم که رنگ اُلفت بود/ زمانه طرح محبت نه این زمان انداخت»؛ در آن زمانِ بی‌زمان که «غیر از خدا هیچ کس نبود»، او در خود نگریســـت، کمال و جمال را به غایت دید، بر خود عاشق شد و چون «پریرو تاب مستوری ندارد»، «در ازل پرتو حسنش ز تجلی دم زد» و جهان به وجود آمد و او خواست عشـــقش را از زبان دیگری بشنود، پس بر آسمانها و زمین عرضه‌اش کرد، «**فأَبَینَ أن یَحملنها و أشـــفقنَ منها و حَمَلها الانسان**: از برداشتنش سر باز زدند و از آن هراسان شدند و انسان آن را برداشت.» (احزاب، ۷۲) «عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد»؛ عشقی که فرشته نیز نداند که چیست؛ زیرا «فروغ تجلی بسوزد پَرش» (بوستان، ۸۲)؛ ولی انسان این بار را پذیرفت، چون او را بر صورت خویش آفریده بود: «خلق ما بر صورت خود کرد حق» و در او می‌توانست به دیدهٔ معشوقی نیز خود را بنگرد که: «**المؤمن مرآة المؤمن**: مؤمن آینهٔ مؤمن است». (جامع‌الصغیر، ج ۲، ص ۶۶۰)

نظری کـــرد ببیند به جهان قامت خویش
خیمـــه در مزرعـــه آب و گل آدم زد

و او که «اول و آخر و ظاهر و باطن است» (حدید، ۳)، مؤمن نیز هست: «**السلامُ المؤمن المهیمن العزیز الجبار**...» (حشـــر، ۲۳) و بلکه به قول شمس تبریزی: «الحق مرآة العبد، یا العبد مرآة الحق!» (مقالات، ج ۲، ص ۱۰) و پیداســـت آن که آینه را دوست دارد، خود را دوست دارد؛ آینه بهانه است: «بر صورت خویش گشـــته عاشق / بر غیر نهاده صد بهانه»؛ چرا که: «او مرغ خود است و آشیان خود است... صیاد خود است و شکار خود است... طالب خود است و مطلوب خود است. اولِ خود است و آخر خود است... او هم باغ است و هم درخت، هم شاخ است و هم ثمره.

صیـــاد همـــو، صید همـــو، دانـــه همـــو
شـــمع و لگن و آتـــش و پروانه همو
محبوب و محـــب و جان و جانانه همـــو
ســـاقی و حریف و مـــی و پیمانه همو»
(سوانح، ص ۱۲۰)

نجم‌الدین رازی (متوفای ۶۵۴ق) می گوید:

زان پیـــش که آب و گل ما ســـاخته‌اند
جان و دل مـــا به عشـــق پرداخته‌اند
عشـــاق تو پیـــش از گل و دل با رخ تو
بی‌زحمت خویش، عشـــقها باخته‌اند

*

تـــا ظـن نبـری کـه مـا ز آدم بـودیـم
کـــان دم کـه نبـــود آدم، آن دم بودیم
بی‌زحمت عین و شین و قاف و گِل و دل
معشـــوقه و ما و عشـــق، همدم بودیم
(رساله عشق و عقل، ۶۶ و ۶۷)

شاعر عارف دیگر، یعنی فخرالدین عـراقی (متوفای ۶۸۸ق) می‌گوید:

هم عشـــقم و هـم عاشـــقم و معشوقم
هـــم آینه، هـــم جمال و هـــم بینایی

و باز می‌گوید:

ظاهر و باطن تویی و طالب و مطلوب تو
وآن دگر نامی‌ست اندر هر زبان انداخته
جمله یک چیز است موج و گوهر و دریا، ولیک
صورت هر یک خلافی در میان انداخته
روی خود بنموده هر دم در هزاران آینه
در هر آیینه رُخت دیگر نشـــان انداخته
آفتابـــی در هـــزاران آبگینـــه تافته
پس به رنگ هر یکی تابی عیان انداخته
در همه صورت تویی و نیست خود صورت تو را
وین حقیقت حیرتی در رهروان انداخته
تا جمـــال تو نبینند بی‌نقـــاب انقلاب
بر رخ از غیرت، ردای جاودان انداخته
یک کرشمه کرده با خود جنبشی عشق قدیم
در دو عالم این همه شور و فغان انداخته
در گلستان روی خود دیده به چشم بلبلان
غلغلی از بلبلان در گلســـتان انداخته

(کلیات عراقی، ص ۷۱)

این اســـت که در دعای جوشـــن کبیر پس از آنکه می‌گوییم: «**یا خیـــر المطلوبین، یا خیر المذکورین، یا خیر المشـــکورین، یا خیر المحبوبین**...» (بنـــد ۳۹)، می‌گوییم: «**یا خیر ذاکر و مذکور، یا خیر شـــاکر و مشکور، یا خیر حامد و محمود، یا خیر شاهد و مشهود... یا خیر مونسً و انیـــس... یا خیر حبیب و محبوب**: ای بهترین یادکننده و یادشـــونده، ای بهترین سپاس گزارندّه و سپاســـگزاری شوندهً، ای بهترین ستاینده و ســـتوده، ای بهترین نگرنده و نگریسته، ای بهترین اُنس گیرنده و انس گرفته شده،...ای بهترین دوستدار و دوست.» (بند ۹۵)

محبوبان خدا در قرآن

در قرآن کریم بارها به صراحت از کســـانی یاد شده که خداوند دوستشـــان دارد و آنها عبارتند از: نیکوکاران، توبه‌کنندگان، پاکان و پاکیزگان، صبوران، متوکلان، دادگران و جنگاوران پایدار: «**ان الله یُحبّ المُقســـطین**: خدا نیکوکاران و دادگران را دوست دارد.» (بقره، ۱۹۵ و مائده، ۴۲)؛ «**انّ الله یحبّ التوابین و یحب المتَطهرین**: خداوند توبه‌کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد.» (بقره، ۲۲۲)؛ «**انّ الله یحب المتقین**: خداوند پرهیزگاران را دوست دارد.» (آل‌عمران، ۷۶ و توبه، ۴)؛ «**والله یحب الصابرین**: خداوند شکیبایان را دوســـت دارد.» (آل‌عمران، ۱۴۶)؛ «**انّ الله یحب المتوکلین**: خداوند توکل‌کنندگان را دوست دارد.» (آل‌عمران، ۱۵۹)؛ «**ان الله یحب المطّهّرین**: خداوند پاکان را دوســـت دارد.» (توبه، ۱۰۸) و «**ان الله یحب الذین یُقاتلونَ فی سبیله صفّاً کأنّهم بُنیانٌ مَرصوص**: خداوند دوســـت می‌دارد آن کسانی را که در راه او به صف همچون دیواری ســـربی [استوار می‌ایستند و] می‌جنگند.» (صف، ۴) در عوض از کســـانی هم یاد می‌شـــود که خدا دوستشـــان ندارد و پیداست صفت مخالفش را دوســـت می‌دارد: «**ان الله لا یحب المُعتدین**: خدا تجاوزگران را دوست ندارد.» (بقره، ۱۹۰)؛ «**والله لا یحبُّ کل کفّار أثیم**: خداوند هیچ کفران‌کنندهٔ گناهکاری را دوســـت ندارد» (بقره، ۲۷۶)؛ «**والله لا یحِب الظالمینً**: خداوند ستمگران را دوست ندارد» (آل‌عمران، ۵۷)؛ «**ان الله لا یحب مَن کان مُختالاً فَخورا**: خداوند هیچ متکبر نازنده‌ای را دوست ندارد» (نساء، ۱۰۷)؛ «**والله لا یحب المفســـدین**: خداوند تبهکاران را دوست ندارد» (مائده، ۶۴)؛ «**انه لا یحب المسرفین**: او اسراف‌کنندگان را دوست ندارد» (انعام، ۱۴۱)؛ «**ان الله لا یحب الخائنین**: خداوند خائنان را دوست ندارد» (انفال، ۵۸)؛ «**ان الله لا یحِب کلّ خَوّان کفور**: خداوند هیچ خیانت‌پیشهٔ ناسپاسی را دوست ندارد» (حج، ۳۸)؛ «**ان الله لا یحَب المستکبریًن**: خداوند گردنفرازان را دوست ندارد» (نحل، ۲۳)؛ «**ان الله لا یحب الفرحین**: خداوند سرمستان را دوست ندارد» (قصص، ۷۶)؛ «**انه لا یحبِ الکافرین**: او کافران را دوســـت ندارد» (روم، ۴۵) و «**لا یحب الله الجهَر بالسوء منَ القول الا مَن ظُلم**: خداوند بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد، مگر [از] کسی که بر او ستم رفته باشد.» (نساَء، ۱۴۸)

به این ترتیب خداوند کسانی را که اهل دست‌درازی نیستند، کفران نعمت نمی‌کنند و گناه‌پیشه نیستند، ســـتم و تکبر نمی‌ورزند، به خود نمی‌نازند و فخر نمی‌فروشند، خیانت نمی‌کنند، مفسد و مسرف نیستند، گردنفرازی و سرمستی و خوشباشی نمی‌کنند، کفر نمی‌ورزند و به افشاگری بدی دیگران نمی‌پردازند، دوســـت می‌دارد. در متون حدیثی نیز آمده است که: «خداوند انسان باحیای بردبارِ پاکدامنِ با مناعت را دوست دارد» و «کسی را که نیمه‌شب برخیزد و قرآن بخواند»، و «کسی را که بَا دســـتَ راست صدقه دهد و دست چپش آگاه نشود» و «کسی که همرزمانش بگریزند و او با دشمن مقابله کند» و «کسی را که با مردم شوخی کند، اما سخن زشت به زبان نیاورد» و «کسی را که اندیشـــه‌ای یکتاپرست داشته باشد» و «کسی را که آراسته به صبر و شکیبایی باشد» و «کسی را که به نماز خواندن افتخار کند» و نیز «انسان آزرمگینِ خویشتندار را دوست دارد.»[5]

یُحبهم و یحبونه

بیـــش از همه اینها، دو جنبه محبی و محبوبی آدمی در نزد خداوند را می‌توان از آیه شـــریفه «**یُحبهم و یحبونه**: خدا دوستشـــان دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند» (مائده، ۵۴) برداشت کرد که عارفان در شـــرح و بیانش جولان داده‌اند و رازها گشوده‌اند؛ از جمله خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶ـ۴۸۱ق) در رســـاله «محبت‌نامه» می‌گوید: در سَبق سبق، پیش از جمع و فرق که نهان بود و ننمود، نه قبل بود و نه بَعد،... از پندار خلقـــت آثار نبود، وَ جمال «یُحبّهم» را خال «یُحبّونه» به کار نبود... لیکن چون خواست که مکنونات صدف محبت آشکار کند،... نقد هر کسی پیدا کرد... ارادت ربانی و عنایت سبحانی چنان اقتضا کرد که خورشید «یحبهم» بدرخشید و گل «یحبونه» بشکفید تا جملهٔ کائنات در ضیاء آن پناه یافتند و هر یک به مقصد خویش راه یافتند... نشـــان محبت آن است که غرقه جمال محبوب باشـــد... این محبت از حضرت بی‌چون است و نصّ «یحبون» است و خلق بر او مفتون است.

بـــی بـودِ شـــمـا، یحبّهـم مـن گفتم
هـــم درّ یحبّـــونِ شـــما من ســـفتم
جـز مـن دگـری نبُـد، شـــنیدم، گفتم
من بودم و مـــن شـــنیدم و من گفتم

(رسائل فارسی، ص ۳۳۷ ـ ۳۴۲)

میبدی نیز در نوبت سوم تفسیر کشف‌الاسرار می‌نویسد: «در عهد ازل که بنیاد دوستی می‌نهاد، ارواح درویشان در مجلس انس بر بساط انبساط یک جرعه شراب **یحبهم و یحبونه** نوش کردند و بدان بُستاخ[6] شدند. مقربان ملأاعلی گفتند: «اینْت عالی‌همت قومی که ایشانند! ما باری، از این شراب هرگز جرعه‌ای نچشیدیم و نه شمه‌ای یافتیم.» و های و هوی ارواح این گدایان در عیّوق افتاده که:

اول تـو حدیث عشـــق کردی آغـاز
انـــدر خور خویش کار ما را می‌ســـاز
مـا کـی گنجیـم در ســـراپـردهٔ راز؟
لافی ســـت به دســـت ما و منشور نیاز

(کشف‌الاسرار، ج ۱، ص ۷۶۳)

همو جای دیگر می‌نویسد: «نخست محبت خود اثبات کرد و آنگه محبت بندگان، تا بدانی که تا الله بنده را به دوســـت نگیرد، بنده به دوست نبوَد... به داوود وحی آمد که:... مرا بندگانی است که من ایشان را دوست دارم و ایشان مرا دوست دارند: **یحبهم و یحبونه**. ایشان مرا یاد کنند و من ایشان را یاد کنم: **فاذکرونی اذکرکم**. [بقره، ۱۵۳] ایشـــان از من خشنود و من از ایشانِ خشنود: **رضی‌الله عنهم و رضوا عنه**. [بینه، ۸] ایشـــان در وفاء عهد من و من در وِفاء عهد ایشان: **اُوفوا بعهدی اوف بعهدکم**. [بقره، ۴۰] ایشان مشتاق من و من مشتاق ایشان: **الا طال شوق الابرار الی لقائی، و انا الیَ لقائهم لاشدّ شوقا**.[7] (همان، ج ۳، ص ۱۵۶) هفتصدهزار سال جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و کرّوبیان گرد کعبهٔ جبروت طواف کردند و ســـبّوحٌ قدّوس گفتند، هرگز به نام وَدودی و مهربانی و دوســـتی ما راه نبردند و خود نشـــناختند. هرگز زَهره نداشتند که دعوی دوســـتی ما کنند. ما خود دعوی دوستی خاکیان کردیم که: **نحـــنُ اولیاءکم یحبّهم**. چندین نام خود از دوستی و مهربانی بر ایشان مشتق کردیم که: **هو الغفورُ الودودُ الرؤوف الرحیم**. فریشتگان را همه قهاری و جباری نمودیم، در حُجب هیبت‌شان بداشتیم؛ خاکیان را همه رئوفی و رحیمی نمودیم، بر بساط انبساطشان بداشتیم... تا آدم صفیی نیامد، فراق و وصال و رد و قبول نبود؛ حدیث دل و دلارام نبود. این عجائب و ذخائر همه در جریدهٔ عشق است و جز دل آدم، صدف درّ عشق نبود. دیگران همه از راه خلق آمدند، او از راه عشق آمد: **یحبهم و یحبونه**. (همان، ج ۳، ۵۷۰ تا ۵۷۲)

پیش از آنکه تو گفتی که: «من دوست توام»، من گفته‌ام که: «من دوست توام: **یحبهم و یحبونه**»... پیر طریقـــت گفت: «از کجا یابم آن روز که تو مرا بودی و من نبودم؟ تا بازِ آن روز نرسم، میان آتش و دودم. ور به دو گیتی آن رَوز را بازیابم، بر ســـودم. ور بودِ تو دریابم، به نبود خود خشـــنودم.» (همان، ج ۸، ص ۳۱۶) مقربان درگاه عزت و ساکنان حضرت جبروت، انگشت تحیر در دهان تعجب گرفته که: شگرف کاری و عجب حالی که خاکیان را برآمد! نواختگان لطف او اَند، برکشیدگان عطف او اند، عارفان به تعریف او اند،... عالم و آدم نبود، عرش و لوحِ و قَلم نبوَد، بهشـــت و دوزخ نبود، که ایشان را برای ایشان حدیث محبت بود که: **یحبهم و یحبونه**. (همان، ج ۹، ص ۱۱۷)[8]

عشق و توبه

این رشته ســـر دراز دارد و می‌توان آن را تا حدودی با موضوع «توبه: بازگشتن» مقایسه کرد. درســـت است که انسان گناه می‌کند، ســـپس به خطایش پی می‌برد، آنگاه پشیمان می‌شود و توبه می‌کند و به خدا روی می‌آورد؛ اما حقیقت آن اســـت که خداوند به دلایلی از بنده روی می‌گرداند، پس او به تاریکی می‌افتد و می‌لغزد و گناه می‌ورزد، آنگاه خداوند مهر می‌آورد و به او روی می‌کند، پس بنده بر خطایش واقف می‌شـــود؛ آنگاه توفیق بازگشت به او ارزانی می‌شود و او توبه می‌کند و خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد. همچون پدری که دســـت کودک نوپایش را می‌گیرد و او را تشویق به راه رفتن می‌کند: کودک گامی چند برمی‌دارد، پدر به نرمی دســـتش را کنار می‌کشد، کودکِ غافل قدمکی برمی‌دارد و می‌افتد، پدر تاب نمی‌آورد، دســـت دراز می‌کند و کودک را برمی‌خیزانَد و باز به رفتن تشـــویق می‌کند و... این اســـت که خداوند خود را «**توّاب**: بسیار بازگردنده و توبه‌پذیر» می‌نامد (نور، ۱۰ و حجرات، ۱۲ و...) و در باب بازگشت خود به گناهکار و سپس توفیق گناهکار در بازگشتن می‌فرماید: «**ثمّ تابَ علیهم لیتوبو ان الله هو التواب الرحیم**: پس (خدا به رحمت خود) به آنها بازگشت تا آنها بازگردند و توبه کنند. بی‌تردید خدا همان بازگردنده و توبه‌پذیر مهربان است.» (توبه، ۱۱۸) این در مقام بازگشـــت اولیه خداست، و اما چون گناهکار متوجه حق شود و برِگردد و توبه کند، دوباره خداوند به او روی می‌کند و مهر می‌ورزد و می‌آمرزد: «**الا الذین تابوا و أصلَحوا و بیّنـــوا فاولئک اتوبُ علیهم و انا التّواب الرحیم**: کسانی که برگشتند و توبه کردند و اصلاح نمودند و [حقیقت را] آشـــکار ســـاختند، پس من نیز به آنها روی می‌آورم و می‌بخشم و من بازگردنده و توبه‌پذیر مهربانم.» (بقره، ۱۶۰)[9]

بازتابی از این معانی را که به نوعی نمایانگر کشـــش خداوند و سرکشی بنده است، در بخشی

*** عشـــق به خدا همه چیز را مشتعل می‌کند و همزمان ویژگی نور و آب و باد و خاک را در تابندگی و حیات‌بخشـــی و جنبش‌آفرینی و رویانندگی دارد: آتشی است که بر چیزی نمی‌گذرد، مگر اینکه آن را می‌سوزاند؛ نوری است که بر چیزی نمی‌تابد، مگر آنکه روشـــنش کند؛ ابری است که بر چیزی ظاهر نمی‌شـــود، مگر اینکه او را می‌پوشاند؛ بادی است که بر چیزی نمی‌وزد، مگر اینکه آن را به جنبش درمی‌آورد؛ آبی اســـت که هر چیزی به او زنده است؛ و زمینی است که هر چیزی از آن می‌روید**

***عشق الهی منشأیی الهی نیز دارد و دیرینه و ازلی است که به پیش از بود و نبود و آفرینش انسان برمی‌گردد، تا چه رسد به عشق ورزیدن او. در آن زمانِ بی‌زمان، او در خود نگریســـت، کمال و جمال را به غایت دید، بر خود عاشقَ شد و «پرتو حسنش ز تجلی دم زد» و جهان به وجود آمد و خواست عشقش را از زبان دیگری بشـــنود، پس انسان را آفرید که در او می‌توانست به دیدهٔ معشوقی نیز خود را بنگرد؛ چه، مؤمن آینهٔ مؤمن است!**

***او مرغ خود اســـت و آشیان خود است؛ صیاد خود است و شکار خود است؛ طالب خود است و مطلوب خود است؛ اولِ خود است و آخر خود است. هم باغ است و هم درخت، هم شاخ اســـت و همَ ثمره. صیـــاد همـــو، صید همـــو، دانـــه همـــو!**



از «دعای افتتاح» می‌توان دید؛ آنجا که می گوییم: «**یارب، اِنک تدعونی فَاُولّی عنک، و تتحبَّبُ الیَّ فاتبغّضُ الیک، و تتودّدُ الیّ فلا أقبلُ منک؛ کأنَّ لیَ التطوُّل علیک! فلم یمنعک ذلک من الرحمهٔ لی و الاحســـان الیّ و التفضل علیّ بجودک و کرمک**: ای پروردگار، تو مرا می خوانی و من از تو روی برمی گردانم، تو به من محبت می کنی و من با تو به خشـــم می آیم. تو به من مهر می‌ورزی و من از تو نمی‌پذیرم؛ چنان که گویی مرا بر تو منتی اســـت [و حقی به گردنت دارم]! و این ناسپاسی، تو را از مهربانی به من و فضل و احسان بر من بازنمی‌دارد و این همه از بخشندگی و بزرگواری توست.»

آنچه آمد، خلاصه‌ای بود از مبحث شـــیرین و مفصلی که البته پیچیدگی‌هایی نیز دارد؛ چرا که به قول جامی: «... ســـرّ عشق/رمزی است کس مگوی و حدیثی است کس مدان» و به قول ابوسعید ابوالخیر: «دام حق تعالی اســـت.» (اسرارالتوحید، ص ۲۶۲) و به قول سنایی: «شاهی‌ست پا به تخت ازل» و به قول ســـعدی: «حدیث عشق جانان گفتنی نیست/و گر گویی، کسی همدرد باید» (بدایع، ۴۵۸) و «دردی است درد عشق که هیچش طبیب نیست» (بدایع، ۴۰۱)؛ از این روی آن را چه از این سر بدانیم که مخلوق با خالق می‌ورزد و چه از آن سر که خالق با مخلوق می‌بازد، باز، هم از اوست و هم بدو منتهی می‌شود: «عشق‌ها گر زین سر و گر زان سر است/عاقبت ما را بدان سو رهبر است» و به قول حافظ: «بحری است بحر عشق که او را کرانه نیست» و سنایی می گوید که «آن را بدایت نیست/ در ره عاشقی نهایت نیست» و عطار نیز می گوید: «هم نهایت، هم بدایت نبوَدش» و به قول سعدی: «عشق را نه پدید است غایتی». (طیبات، ۵۵۵) پس باید در این بحر فرو رفت و از عمق جان چشید که «مستی خمرش نکند آرزو/هر که چو سعدی شود از عشق مست». (طیبات، ۳۷۴)

جا دارد که پایان‌بخش این ســـخن، دعای بزرگانِ دین در افزایش محبت الهی باشد. از پیامبر اکرم(ص) روایت شـــده است: «**اللهم، واجعل حُبّک اَحبَّ الاشـــیاء الیّ... و اقطع حوائج الدنیا بالشـــوق الی لقائک**: خدایا، محبتت را محبوبترین چیزها نزد من بگردان... و با شـــوق دیدارت، نیازهای دنیوی را از دلم برکن.» (بحارالانوار، ج۹۸، ص۲۸۷) «**اللهم، انی اسئلک حبّک و حبّ من یحبک، و العمل الذی یبلغنی حبک، اللهم اجعل حبک احبَّ الیّ من نفســـی و اهلی و من الماء البارد**: ای بارخدای، روزی کن مرا دوســـتی خود، و دوستی کسی که دوست دارد تو را و [کاری که مرا به دوستی تو می‌رساند. خدایا،] دوســـتی خود را نزدیک من دوستر از [خودم و کسانم و] آب خنک گردان.» (ترجمه احیاء علوم، ج۲، ص ۸۴۵) امام سجاد(ع) گوید: «**اللهم انی اسئلک ان تملأ قلبی حُبّاً لک... و شوقاً الیک**: خدایا، از تو می خواهم که دلم را از محبت... و شوق به خودت لبریز کنی.» (الاِقبال)[10] همین حضرت در فقراتی از «مناجـــات المحبین» عرضه می‌دارد: «**الهی، من ذا الذی ذاقَ حلاوهَ محبتـــک فرامَ منک بَدَلا؟ و من ذا الذی اَنسَ بقُربک فابتغی عنک حوَلا؟ الهی، فاجعلنـــا ممن اصطفیته لقُربک و ولایتک، و اخلصته لـــوُدّک و محبتک... و اَعذتَه مَن هَجرک و قلاِک،... و اَخلیْتَ وجهه لک، فَرّغتَ فُؤادهُ لحبّک، و رَغّبته فیما عندک...، و شـــغَلته بطاعتک،... وَ قَطعتَ عنه کلّ شـــیِء یقطعه عنک. اللهم اجعلنا ممّن دأبهُمُ الارتیاحُ الیک... و قلوبهم متعَلّقهٌ بمحبتک، و افئدتهُم مُنخلعَهٌ من مهابتک. یا من انوارُ قَدسه لابصار مُحبّیه رائقه، و سُبُحاتُ وجهه لقلوب عارفیه شـــائقه. یَا مُنی قلوب المشـــتاقین، و یا غایهٔ آمال المحبین، اسئلک حُبّک و حبَّ من یُحبک و حبِ کل عمل یوصِلنی الی قربک، و ان تجعلک احبَّ الیّ مما ســـواک و ان تجعل حبّی ایاک قائداً الی رضواَنک...**: معبود من، کیســـت که شیرینی محبتت را چشید و جز تو کسی را گزید؟ و کیســـت که به قرب تو آرَمید و آنگاه از تو روی گردانید؟ معبود من، ما را از آنان قرار ده که به مقام نزدیکی و دوســـتی خود برگزیده‌ای، و برای عشق و محبت خود خالص گردانیده‌ای... و از دوری و فراق خود پناهشـــان داده‌ای... و روی او را تنها به سوی خود آورده‌ای، و دلش را از هر چه جز دوســـتی توست، پیراسته‌ای... و او را به طاعت خود سرگرم نموده‌ای،... و پیوندش را از هر چه او را از تو دور کند، بریده‌ای. ای خداوند، ما را از آنان قرار ده که شادی‌شـــان تنها به توست... و دلشـــان به محبت تو آویخته است، و مهابت تو قلبشان را [از هر تعلقی] برکنده است. ای خدایی که انوار قدسش به چشم دوستان در کمال روشنی است، و تجلیات ذاتش بر قلوب عارفان نشاط‌انگیز اســـت؛ ای آرزوی دل مشتاقان، و ای منتهای مقصود محبان! از تو دوستی‌ات را درخواست می کنم و دوســـتی دوستدارانت را و دوستی هر کاری را که مرا به تو نزدیک می‌سازد. و از تو می خواهم که خود را از هر چه غیر توست، بر من محبوبتر گردانی و محبتم را منجر به مقام خشنودی خود سازی.» (مفاتیح‌الجنان، مناجات خمس‌عشر)

این همه جلوه‌ای از عشـــق به آن معشوق کل است و چنین عشقی البته که جزر و مد و حالات و درجات و آثار متنوعی همچون انس و خوف و شـــوق دارد و در آن از درد و درمان و هجر و فراق و اشتیاق و وصال گریزی نیست و گفته‌های عارفان در این موارد فراوان است.

پی‌نوشتها:

۱. الفردوس، ج۳، ص۹۴؛ به نقل از حکمت نامه پیامبر(ص)؛ ج۱۴، ص۳۰۸.

۲. در برخی نســـخه‌ها: «آسمان خدا» آمده که «بر چیزی سایه نمی‌افکند، مگر اینکه بر آن اضافه می کند». مصباح‌الشریعه، ص۱۹۳.

۳. در اصول کافی، ج۲، ص۳۵۲: به من نزدیک نمی‌شود. نیز وسائل‌الشیعه، ج۴، ص۷۲.

۴. به نقل از تفســـیر المحیط الاعظم، ج۲، ص۴۲۹. نیمه دوم این سخن را ملاهادی سبزواری نیز در شرح الاسماء الحسنی (ج۱، ص۳۴) آورده است.

۵. میزان‌الحکمه، ج۲، ص۴۲۹ و ۴۳۰.

۶. بستاخ: گستاخ.

۷. در المحجّهٔ البیضاء (ج۸، ص۵۸) از پیامبر اِکرم(ص) نقل شده است. (میزان‌الحکمه، ج۴، ص۲۷۹۶) نیز روایت شـــده است: **من احبَّ لقاء الله، احبّ الله لقاءه**: هر که دیدار خدا را دوست دارد، خدا نیز دیدارش را دوست دارد. (کافی، ج۲، ص۱۳۴)

۸. در این زمینه ر.ک: فتوحات المکیه، ج۲، ص۱۱۲ به بعد و ۳۲۲ به بعد؛ مصباح‌الانس، ص۵۵۷؛ ترجمه احیاءالعلوم، ج۴، ص۵۰۸ و ۵۶۶ به بعد؛ راه روشن (ترجمه محجهٔ‌البیضاء) ج۸، ص۱۳ به بعد و ص ۸۱ به بعد.

۹. این معنی را می توان در آیات مختلف قرآن یافت؛ از جمله آنجا که در باره بنی‌اسرائیل که از نعمت‌های فراوانی برخوردار شـــده بودند و پیاپی می‌لغزیدند و دستگیری می‌شدند و آزمونهای متعددی برایشان پیش می‌آمد، به طور ضمنی می‌فرماید: خداوند یک بار آنها را از رحمت خود دور کرد، در نتیجه عموماً گمراه شدند و به این دل خوش کردند که چون از فرزندان حضرت یعقوب(ع) هســـتند و نورچشمی به حساب می‌آیند، دیگر امتحان و ابتلایی در کار نیســـت، پس، از دیدن حق و درک حقیقت بازماندند، ســـپس دوباره خداوند با رحمت خود به ایشـــان روی آورد و توفیق درک حقیقت را داد، آنها نیز آگاه شدند و توبه کردند؛ اما باز جمع فراوانی از آنها گرفتار همان وضعیت شدند. این مطلب را قرآن کریم به شیوه موجزگویی خود چنین می‌فرماید: «پنداشتند که گرفتاری و آزمایشی نخواهد بود، پس کور و کر شدند، **ثمّ تاب الله علیم**: سپس خداوند [با رحمت خود] بر آنان بازگشـــت و توبه‌شان را پذیرفت، بار دیگر بسیاری از آنها کور و کر شدند و خدا بدانچه می کنند، بیناســـت.» (مائده، ۷۱؛ ر.ک: المیزان، ج۶، ص۹۹ به بعد) و جای دیگر در باره همین قوم که برخی‌شان گرفتار گوساله‌پرستی شدند، می‌فرماید: «**فتوبوا الی بارئکم... فتاب علیکم**: به درگاه آفریدگار خود بازگردید... آنگاه [خداوند با نظر لطف خود] به شما بازگشت و توبه‌تان را پذیرفت.» (بقره، ۵۴) یا می‌فرماید: «**فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فانّ الله یتوب علیه**: هر که پس از ستم کردن، بازگردد و توبه کند و خود را اصلاح نماید، خدا [نیز به رحمت خویش] بر او بازمی‌گردد و توبه‌اش را می‌پذیرد.» (مائده، ۳۹) قرآن مجید شرایط پذیرش توبه را نیز اعلام فرموده است: «**انما التوبهُ علی الله للذین یعملون السّوء بجهالهٔ ثم یتوبون من قریب. فاولئک یتوب الله علیهم و کان الله علیماً حکیما**: [پذیرش] توبه که [طبق وعده الهی] بر عهدهٔ خداســـت، تنها برای کسانی است که از روی نادانی کار بدی می کنند، ســـپس به‌زودی [پشیمان می‌شوند و] توبه می کنند. آنها هستند که خدا [به رحمت خویش] به آنان بازمی گردد و توبه‌شان را می‌پذیرد و خدا دانا و سنجیده‌کار است.» (نساء، ۱۷)

۱۰. همگی به نقل از میزان‌الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج۲، ص۴۲۲ و ۴۲۳.

کتابنامه

ـ ابوحامد محمد غزالی، احیاء علوم الدین، ترجمه محمد خوارزمی، تصحیح: ســـید حسین خدیو جم، چاپ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم: ۱۳۶۴ش.

ـ محمد منور، اســـرارالتوحید، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگاه، چاپ سوم: ۱۳۷۱ش.

ـ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، با ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی، انتشارات علمیه اسلامیه، چاپ اول، بی تا.

ـ شـــیخ صدوق، الامالی، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، ناشر: مؤسسه البعثه، چاپ اول: ۱۴۱۷ق.

ـ علامه ملامحمدباقر مجلسی، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء بیروت، چاپ دوم: ۱۴۰۲ق/۱۹۸۳م.

ـ سعدی شیرازی، بوستان سعدی (سعدی‌نامه)، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ دوم: ۱۳۶۳ش.

ـ سید حیدر آملی، تفسیر المحیط الاعظم و البحر الخضم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، تحقیق سیدمحسن موسوی تبریزی، چاپ سوم: ۱۴۲ق.

ـ جلال‌الدین سیوطی، الجامع‌الصغیر، دارالفکر، بیروت.

ـ محمد محمدی ری‌شـــهری، حکمت‌نامه پیامبر اعظم(ص)، ترجمه گـــروه مترجمان، دارالحدیث، چاپ دوم: ۱۳۸۷ش.

ـ علامه طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن.

ـ جلال‌الدین سیوطی، الدرّ المنثور فی التفسیر المأثور، دارالمعرفه، جده، چاپ اول: ۱۳۶۵ق.

ـ ملامحسن فیض کاشانی، راه روشن (ترجمه الحجّهٔ‌البیضاء)، ترجمه سید محمدصادق عارف، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول: ۱۳۷۲ش.

ـ فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی، کلیات دیوان عراقی، مقدمه و حواشـــی از: م. درویش، با مقدمه از سعید نفیسی، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ پنجم: ۱۳۶۸ش.

ـ خواجه عبدالله انصاری، مجموعه رســـائل فارسی خواجه عبدالله انصاری، تصحیح: دکتر محمدسرور مولایی، انتشارات توس، چاپ سوم، ۱۳۸۹ش.

ـ شیخ عباس قمی، زبده مفاتیح‌الجنان، انتخاب و ترجمه کریم زمانی، انتشارات اطلاعات، چاپ چهارم: ۱۳۸۵ش.

ـ احمد غزالی، سوانح، (از مجموعه آثار فارسی احمد غزالی)، به اهتمام احمد مجاهد، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم: ۱۳۷۶ش.

ـ محیی‌الدین ابن عربی، الفتوحات المکیه (۴ جلدی)، دار صادر، بیروت، بی تا.

ـ قرآن مجید، ترجمه محمدمهدی فولادوند، دارالقرآن الکریم، چاپ سوم: ۱۳۷۶ش.

ـ شیخ کلینی، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه ـ آخوندی، چاپ سوم: ۱۳۶۷ش.

ـ ابوالفضل رشـــیدالدین میبدی، تفسیر کشف‌الاسرار و عدهٔ‌الابرار، به سعی و اهتمام علی‌اصغر حکمت، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم: ۱۳۵۷ش.

ـ سعدی شیرازی، کلیات سعدی، براساس تصحیح و طبع محمدعلی فروغی و مقابله با دو نسخه معتبر دیگر. تصحیح، مقدمه، تعلیقات و فهارس به کوشش بهاءالدین خرمشاهی، انتشارات دوستان، چاپ سوم: ۱۳۸۱ش.

ـ متقی الهندی، کنزالعمّال، ضبطه و فسر غریبه و صححه: الشیخ بکری حیانی و الشیخ صفوهٔ السفا، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۵ق.

ـ سعدی شیرازی، گلســـتان، تصحیح و توضیح: دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، چاپ اول: ۱۳۶۸ش.

ـ ملامحسن فیض کاشـــانی، المحجهٔ البیضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ چهارم: ۱۴۱۷ق.

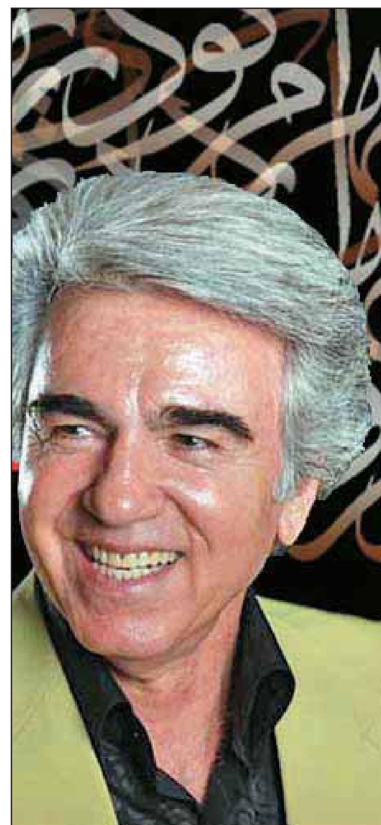
ـ محمد بن حمزه فناری، مصباح الانس (شرح مفتاح الغیب)، تصحیح: محمد خواجوی، انتشارات مولی، چاپ اول: ۱۳۷۴ش.

ـ امام صادق(ع) (منسوب)، مصباح‌الشریعه، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول: ۱۴۰۰ق.

ـ محدث قمی، شـــیخ عباس، مفاتیح‌الجنان، ترجمه آیت‌الله دکتر مهدی محیی‌الدین الهی قمشه‌ای، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ششم: ۱۳۷۰ش.

ـ شمس تبریزی، مقالات، تصحیح دکتر محمدعلی موحد، انتشارات خوارزمی، چاپ اول: ۱۳۶۹ش.

ـ محمد محمدی ری‌شهری، میزان‌الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، چاپ نهم: ۱۳۸۷ش.



یادی از یک هنرمند قدیمی تلویزیون

درد عشقی کشیده ام که مپرس ...

محمدرضا ممتاز واحد

اواسط یا اواخر دهه هفتاد، در یک برنامه تلویزیونی در شبکه تهران، شاهد هنرنمایی بهرام گودرزی بودم. با این که در آن زمان، بیش از پنجاه سال از عمر گودرزی طی شده بود؛ چنان آواز قدرتمند و با احساسی را اجرا کرد که هنوز هم در خاطرم باقی مانده است.

جالب این که گودرزی پس از اتمام برنامه به عنوان انتقاد، از مجریان برنامه خواست که لااقل نوازندگان را جلوی دوربین آورده و به معرفی آنان بپردازند. معلوم نیست که این رسم دیرینه مخفی کردن نوازنده در پستوی استودیوهای تلویزیونی، تا کی باید تداوم یابد؟!

به هر حال با این که بارها شاهد هنرنمایی های بهرام گودرزی در شبکه های تلویزیونی و رادیویی بودم ولی تا قبل آن شب، اجرای آواز وی را نشنیده بودم. تسلط اجرای ایشان آن هم در یک برنامه زنده برایم بسیار جای تعجب داشت. نگارنده و هم نسلان من در عصری پرورش یافتیم که همه چیز تصنعی شد. حال رفت و قال جای آن را گرفت.

خواننده در تلویزیون برای اجرای ترانه یا حتی آوازش لب خوانی می کند و یا به اصطلاح پلی بک می نماید؛ در استودیوهای ضبط نیز در یک اتاق خالی بدون وجود نوازندگان، قطعات آوازی را تکه تکه می خواند و بعد در مراحل ویرایش و تدوین نهایی، قطعات با هم میکس می شوند. ولی در دورانِ دور وضع به این منوال نبود. بهرام گودرزی از اولین خوانندگان رسمی تلویزیون ملی ایران است و تا سال ها که امکان تهیه برنامه های تولیدی میسر نبود، هنرمندان به صورت زنده به اجرای برنامه می پرداختند.

گودرزی فراگیری جدی آواز را در هنرستان موسیقی نزد استاد محمود کریمی آغاز کرد. در زمان افتتاح تلویزیون ملی ایران، این سازمان تصمیم گرفت تا از هنرمندان مختص خود استفاده کند. به همین جهت یک کنکور هنری ترتیب داد که حدود سه هزار نفر در آن ثبت نام کردند. شرط قبولی بر مبنای اولویت بر صدای خوب و معلومات موسیقیِ بود. گودرزی در این رقابت هنری رتبه اول را کسب کرد و مجموعاً ۲۶ نفر پذیرفته شدند. در کلاسی به سرپرستی مرتضی حنانه شروع به تحصیل کرده و پس از دو سال، باز هم بهرام گودرزی بود که به عنوان چهره جدید هنری با ارکستر بزرگ آن زمان اجرای آواز داشت که مقارن با سال ۱۳۴۷ بود.

گودرزی در دوران آموزشی تلویزیون مدت کوتاهی نزد اسماعیل مهرتاش و سپس از محاضر حسین قوامی (فاخته ای) و ادیب خوانساری نیز بهره مند گردید. اینجا ذکر نکته ای بس مهم ضرورت دارد که طی ۹۴ سال گذشته، موسیقی ایران شاهد سبک ها و صداهای متعدد و متنوعی بوده است. ولی به زعم نگارنده سبک و شیوه استادان اسماعیل ادیب خوانساری و حسین قوامی متأثر از شیوه قدما و بسیار تأثیرگذار بر سبک و شیوه آیندگان بوده است. به عبارتی سبک و شیوه اجرایی این دو آوازخوان و البته تنالیته منحصر به فرد صدای این دو هنرمند، چکیده آواز و موسیقی آوازی قرن اخیر است که هم ریشه در شیوه گذشتگان آنها و هم – به طور خودآگاه یا ناخودآگاه– بر شیوه و صدای نسل های بعدی (به خصوص آوازخوانان رادیو و تلویزیون) تأثیر داشته و دارد.

در خصوص شاخصانی چون تاج و ادیب که به آموزش تعداد بسیاری از هنرجویان اهتمام نهادند، این بسط و اشاعه مشهودتر و آگاهانه تر است. به طور نمونه در خصوص سبک تاج اصفهانی، علی اصغر شاهزیدی و در مورد ادیب خوانساری، بانو هنگامه اخوان ظرایف و دقایق شیوه آوازی استادان خویش را دریافته و اشاعه دهنده آن بوده اند. ولی در خصوص حسین قوامی این خلا بسیار محسوس بوده و ظرایف و دقایق سبک آوازی ایشان مکتوم مانده و تأثیر و تأثر یاد شده بیشتر ناخودآگاه بوده است. از معدود آوازخوانانی که تا حد بسیاری به ویژگی های سبک و اسلوب آوازخوانی حسین قوامی احاطه و اشراف دارد، بهرام گودرزی می باشد. با این که گودرزی در اجرای آواز متأثر از سبک و شیوه ادیب خوانساری و حسین قوامی است ولی با این حال صاحب سبک و شیوه ای کاملاً شخصی است. این تأثیرپذیری آواز او را غنا داده و آن را اعتلا بخشیده است.

صدای گودرزی دارای سطح مطلوبی از مؤلفه های کیفی صداست. جنس، رنگ، حس و گیرایی صدای او مطلوب و مطبوع و در عین حال دارای حالت رسایی است. استقلال صدایی وی به انضمام سال های سال تحصیل و کسب تجربه، به فرم آوازخوانی ایشان شخصیتی مختص به خویش بخشیده است. به عنوان نمونه در اثر شورانگیز «درد عشقی کشیده ام که مپرس»، بهرام گودرزی در خصوص اجرای آواز این اثر، بدون تحریر درآمد و دِلِی دِلِی ها و امان امان های مرسوم در ابتدای آواز، مستقیم به سراغ شعر رفته و از بیات راجه، آواز دشتی را آغاز می نماید.

در این بین تحریر اوج و عشاق او جلوه برانگیز می شود و آواز موجزش در عین کوتاهی، بسیار کامل جلوه می نماید. انتخاب غزل آواز (رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند/ چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند) متناسب با مضمون شعر تصنیف، بسیار حائز اهمیت است که انگار آب بر روی آتش است که ایام وصال را نوید می دهد. خود تصنیف نیز که بسیار تأثیرگذار و شنیدنی است: «درد عشقی کشیده ام که مپرس / زهر هجری چشیده ام که نپرس / گشته‌ام در جهان و آخر کار / دلبری برگزیده ام که مپرس ...» ادای کلمات و توجه به حس واژگان و در نهایت بیت نهایی تصنیف، شنونده آگاه را بی تاب و بی قرار می نماید. گویی که این اثر، شرح حال خودِ گودرزی است!

توجه به ادبیات و ادای صحیح شعر، به دلیل انس و الفت او با ادبیات و وادی شعر و شاعری است. از ایشان دو اثر از مجموعه سروده‌هایش به نام های «چکامه» و «چامه» نیز منتشر شده است. گودرزی همواره با مطبوعات در ارتباط بوده و معتقد است که مطبوعات دوست همیشگی همه مردم، به خصوص هنرمندان هستند.[۱]

اما در پایان کلام نکته ای شایان ذکر است. برنامه هفت شهر عشق یکی از برنامه های خوب تلویزیونی قبل از انقلاب بود که توسط بهمن بوستان، تهیه و اجرا می شد. بهرام گودرزی از اولین آوازخوانان آن برنامه بود. به دلیل اجرای زنده و مغناطیسی بودن نوارهای آن زمان، متأسفانه امکان کپی برداری میسر نبوده و صاحبان اثر همیشه فاقد آثار خود بوده اند. بیشتر هنرمندان فعال در این برنامه وزین از داشتن آثار خود محروم اند و نگارنده از آرشیوداران و مجموعه داران آثار فرهنگی و هنری (به ویژه موسیقی) تقاضا دارد که اگر آثاری از این دست در کلکسیون شخصی آنها موجود است، آن آثار را به هنرمندان و پژوهشگران ارائه نمایند. این کار ارزنده و حسنه، دنیایی از خاطره را برای هنرمندان قدیمی تجدید کرده و محققین نیز بهره برداری های پژوهشی خود را از این آثار خواهند داشت.

پی نوشت: ۱ـ برای آشنایی بیشتر با شرح حال بهرام گودرزی، به مصاحبه مندرج در سایت ایشان به آدرس www.bahram-goudarzi.com مراجعه نمایید.





نامه و غزل هایی از سهراب سپهری بعد از هفت دهه

اولین شعرهای سهراب سپهری

با ســـلام؛ احتراماً ضمن ابراز ارادت مجدد، به پیوست سه‌برگ از دستخط مرحوم سهراب سپهری را که برای پدرم «علی‌اکبر سلیمی» ارســـال نموده بودند تا در مجله «گل‌های رنگارنگ» چاپ شود و یکی از این اشعار، خطاب به شـــاعر تازه فقید مرحوم مشفق کاشانی است، جهت استحضار و صلاحدید برای چاپ در ضمیمه ادب و هنر روزنامه اطلاعات، خدمتتان تقدیم می‌دارم. امید است که مفید واقع شوند.

با احترام بسیار:
سینا مشیر سلیمی

***

نامه سهراب سپهری در سال ۱۳۲۵هـ
دانشمند محترم حضرت آقای سلیمی

بیش از سه ماه نیست که در نزد شاعر ارجمند معاصر آقای عباس کی‌منش (مشفق) به فرا گرفتن فنون شعر پرداخته‌ام در طی این مدت در سایه زحمات و تشویق ایشان ترقی و پیشرفت محسوس در این راه به‌تصدیق خود ایشـــان کرده و توانسته‌ام موجبات خرسندی ایشان‌را از طرز کار و کوشش خویش فراهم آورم لیکن از آنجائیکه، انتشـــار شعر موجب تشویق و دلگرمی زیادی از سازنده شعر است، دو غزل از ساخته‌های خود را تقدیم و تقاضای درج آنرا در آن مجله محبوب می‌نمایم تا بدینوسیله وسائل تشویق و امیدواریم فراهم آید.

با تقدیم احترامات فائقه
سهراب سپهری (سپهر)

شب‌های فراق

سوز عشق تو چه گویم که چه سوزانم کرد
غم هجر تو چه آشفته و حیرانم کرد
بنگر ایدوست چسان محنت ایام فراق
زار و افسرده و خونین دل و پژمانم کرد
غم دوری تو ای ماه بشب‌های فراق
همچو شمعی ز دل سوخته گریانم کرد
دیدی آخِر که غم عشق تو بی‌مهر و وفا
رهسپار که و هامون و بیابانم کرد
خبر از حال دل سوخته‌ام کی دارد
آنکه دلسوخته از آتش حرمانم کرد
نظری بر گل روی تو به‌گلزار جمال
سیر از سیر گل و بلبل و بستانم کرد
ایدل از رنج حیات و غم ایام بسوز
سوز دل بود که در دهر سخندانم کرد
درد پنهان فراق تو بشب‌های سیاه
گوشه کلبه اندوه غزلخوانم کرد
این غزل بود ز مشفق که سپهر اینجا گفت
«بی‌وفائیِ تو ایدوست پریشانم کرد»

۱۶ـ ۱۲ـ ۲۵
سهراب سپهری (سپهر)

بازار عشق

آتش عشق تو جانا در دل و جان من است
مظهر این عشق سوزان اشک سوزان من است
در شرار شمع رویت بی خبر خاموش سوخت
زین سبب بی‌بال و پر پروانه جان من است
دیشب ای‌دلبر غم چون کوره در تب سوختم
خود گواه از سوز دیشب چشم گریان من است
با کسی هرگز نگویم قصه شبهای هجر
تا قیامت این سخن ز اسرار پنهان من است
اشک چشم و روی زردم بین که در بازار عشق
هم طلای خالص و هم سیم ارزان من است
آن نگاری کز فراقش روزگارم تیره شد
در سپهر آرزوها ماه تابان من است
وه که عمری رفت و من در سوز هجرانم هنوز
حاصل این سوز من نظم پریشان من است
بود آئین تو عمری بی‌وفائی زین سبب
پر ز شرح بیوفایی تو دیوان من است
هر شب اندر دوری آن ماه بی مهر ای سپهر
پرز اختر از سر شک دیده دامان من است

۲۰ ـ اسفند ۲۵
سهراب سپهری (سپهر)



گفت و گو با «محمد موسی اکبری»؛ هنرمند گرافیست و عکاس افغانستانی

بیا و به تماشای سرزمینم بنشین

مریم نظری



مجموعه ای ازعکس هایش را که به صورت کارت پستالی چاپ شـــده اند،به همراه دارد. خودش ناشر این مجموعه ۲۸ تایی از عکس هایش شـــده بود و گِله از این می کند، با وجودی که عکس هایش میراث مشـــترکِ ایران و افغانستان است،اما هیچ ناشـــری، نه در ایران و نه در افغانستان، حاضر به چاپ آنها نشـــده و از همین رو بالاخره خود آستین همت بالا زده است. عکس‌های انتخابی اش در این مجموعه را که نگاه می کنم، در شگفت می شوم؛ چرا که به راستی بخشی از تاریخ گم شده ایران را درآنها می بینم. عکس هایی از آرامگاه سلطان محمود غزنوی در غزنـــی، مکتب بهاء الدین ولد پـــدر مولانای بلخی از دوره خوارزمشاهیان، آتشکده نوبهار زردشتیان در بلخ و ... .

می گوید: وقتی برای عکاسی به افغانستان می رفتم، با توجه به فضای نا امنی که طالبان حاکم کرده بود –و هنوز هم این ناامنی در بعضی نقاط وجود دارد– تمامی وسایل عکاسی ام را داخل گونـــی می کردم تا از نظرها پنهان بماند و خودم هم اینگونه در امان باشم . «محمد موسی اکبری» عکاس افغان که طراح گرافیک هم هست ، در ایران ساکن اســـت اما در انیستیتو هنرهای زیبا کابل عکاسی و گرافیک هم تدریس می کند و به همین دلیل بین ایران و افغانستان همواره در سفر است. با او در گفت و گو را باز می‌کنم تا درباره خودش، انگیزه هایش و دشواری های کارش در عکاسی و همچنین افغانستان بیشتر بدانیم.

***گویا شما در افغانستان نقاشی خوانده اید؟**

–بله، اما فارغ التحصیل نشـــدم و فقط سه ترم توانستم در این رشته تحصیل کنم و چون زمان حکومت کمونیست ها در افغانســـتان بود ، مجبور به مهاجرت شدم و تیر ۱۳۶۲ به ایران آمدم و این زمان مصادف بود با انقلاب فرهنگی در ایران و تعطیلی دانشگاه ها. بعد هم که دانشگاه ها آغاز به کار کردند، حرفی از اینکه افغانی ها بتوانند وارد دانشـــگاه شوند نبود؛ چون در آن روزها تمامی ارتباط های ایران با افغانستان، اعم از سیاســـی و فرهنگی، قطع بود و فقط آن تعداد دانشجویانی که از قبل در دانشـــگاه های ایران درس می خواندند، به تحصیل شان در دانشگاه ها ادامه دادند و دانشجوی جدیدی گرفته نشد تا سال ۶۵ که اولین دانشجویان افغانی توانستند وارد دانشگاه های ایران شوند.

***چرا ایران را برای مهاجرت انتخاب کردید؟**

از روی علایقی که از قبل به ایران داشتم، آن را انتخاب کردم و زمانی که انقلاب اسلامی اتفاق افتاد، این علاقه مندی بیشـــتر شـــد. زمانی هم که به ایران آمدم، چون شرایط تحصیل فراهم نبود، خیلی از دوستانی که به امید ادامه تحصیل آمده بودند، مجبور شدند به اروپا و آمریکا بروند. اما من با خود تصمیم گرفتم حتی اگر امکان تحصیل در دانشگاه هم نباشد، چونِ آن زمان در حوزه هنری فعالیت می کردم و دوستانی را پیدا کرده بودم که به آموزش هنر، مخصوصاً هنر شرقی می پرداختند؛ همچنان در ایران بمانم و در این زمینه کار کنم .

*** چه فعالیتی در حوزهٔ هنری داشتید؟**

ـ بیشتر فعالیت گرافیکی داشتم.

*** این همکاری شما با حوزهٔ هنری مربوط به پیش از ورودتان به دانشگاه می‌شود؟**

ـ بله، پس از مهاجرت به ایران و زمانی که هنوز وارد دانشـــگاه نشده بودم، با حوزه هنری که فعالیت در آن بیشـــتر جنبه آموزشی برایم داشت ،همکاری می کردم و برای بخشی از کارهایی که برای افغانستان انجام می‌دادم، از امکانات حوزه هنری استفاده می کردم . در این دوره ، نقش مرحوم ابوالفضل عالی در اشتیاق من به انتخاب رشته گرافیک در دانشگاه بی‌تأثیر نبود. دکتر محمد خزایی هم یکی دیگر از دوســـتان دوره فعالیتم درحوزه هنری بود. بعد از این دوره، در ستاد امور افغانستان فعالیت فرهنگی می‌کردم واین همکاری تا سال ۷۱ که من در دانشگاه مشغول بودم، ادامه داشت.

*** چگونـــه وارد دانشـــگاه شدید؟**

ـ در کنکور ورودی شـــرکت نکردم و فقط از من مدارک تحصیلی و رزومه‌ای از کارهایی که کرده بودم را خواستند و امتحانی برای تعیین سطح از من گرفتند که گرچه با این امتحان استاد حلیمی اصرار داشت که من رشـــته نقاشی را در دانشگاه انتخاب کنم اما من چنانکه گفتم به گرافیک علاقه‌مند شـــده بودم و از طرفی آن روزها همزمان با انقلاب افغانستان بود و من به وسیله گرافیک کارهای بیشتری می‌توانستم برای افغانستان انجام دهم. این شد که من وارد رشته گرافیک شدم.

تا ســـال ۷۰ من مشـــغول به تحصیل در دانشـــگاه بـــودم و با توجه به این که در زمان دانشـــگاه تمامی پروژه‌های کاری و عملی ام با موضوع افغانســـتان بود ، در مورد منابع من به مشکل برخوردم چون حتی در کتابخانه‌ها هم مطالبی در مورد افغانستان پیدا نکردم. این بود که از همان زمان با خودم عهد بســـتم که هر زمانی که دست بدهد به افغانستان بروم و روی آثار تاریخی، مسائل اجتماعی و فرهنگی افغانستان به صورت تصویری و عکس کار کنم و هر فرصتی هم که پیش آمد من رفتم . در اولین پیروزی مجاهدین در افغانســـتان، وقتی که هنوز کمونیست‌ها سر قدرت بودند، من وارد هرات شدم و عکس‌هایی از آثار تاریخی و مقبره خواجه عبدالله انصاری گرفتم. قبرهایی تاریخی در آنجا بود که بعدها بیشتر آنها یا از بین رفت یا بعضی از آنها به خارج برده شد و یا تمامی نشانه‌هایی که نشان می‌داد، این قبرها مربوط به کیست و همه‌اش با خطوطِ نستعلیق فارســـی و اشعار و مطالب فارسی نگاشته شده بود، از آنها تراشیده و پاک شد که یقیناً در این مورد هم مثل موارد بی‌شمار دیگر دست هایی از خارج از کشور دخالت داشت.

*** کدام کشور یا کشـــورهای خارجی را در حذف چنین پیشینه‌ای فرهنگی در افغانستان دخیل می‌دانید و چرا؟**

ـ خیلی‌ها معتقدند پاکســـتان در این زمینه دخالت دارد. چون نمی‌خواهند حد بالای ارتباط زبان فارسی با افغانستان نشان داده شود در حالیکه افغانستان مهد زبان پارسی بوده است و خیلی‌ها معتقدند زبان فارسی همان زبان دری است و منشـــأ زبان فارسی افغانستان بوده است و خیلی‌ها دوست دارند که این پیشینه نباشد. حتی در زمان طالبان جلوی بسیاری فرهنگ‌ها که در افغانستان رایج اســـت گرفته می شد ، مثل نوروز که در افغانستان جنبه مذهبی و دینی دارد، برخلاف ایران که وجهی باســـتانی دارد. در تمامی افغانستان شیعه‌ها و سنی‌ها هر دو معتقدند که در نوروز حضرت علی(ع) به خلافت رسیده است و آن روز در مزارشریف افغانستان عَلَم بلند می‌کنند.

*** بازگردیم به فعالیت عکاسی تان .**

ـ در زمان تجاوز شـــوروی سابق به افغانستان ، با توجه به اینکه رشته ام در دانشگاه کابل هنر بـــود به ثبت تصاویر فضاهای مربوط به این تجاوز با عکاســـی می پرداختم. بعد از آمدن به ایران، مثلاً راهپیمایی‌های افغان‌ها را، ســـمینارها و نشست‌های مربوط به افغانستان را عکاسی می کردم و زمانی که وارد دانشـــگاه در ایران شدم به صورت جدی به دنبال فرصت‌هایی بودم که به افغانستان برگردم و از آثار تاریخی و وجوه مثبت مســـائل اجتماعی و فرهنگی افغانستان ؛ وجهی که کمتر به آن پرداخته شده ،عکاسی کنم.



*** از چه تاریخی دنبال کردن این وجه عکاسی را شروع کردید؟**

ـ از زمانـــی که توانســـتم به افغانستان برگردم یعنی سال ۱۳۷۰ ؛ زمانی که مجاهدین افغانستان پیروز شدند .

*** در آن موقع آیا شـــناخت کامـــل و کافی از آثـــار تاریخی کشورتان داشتید؟**

ـ نه شناخت کاملی نداشتم اما به مرور زمان جاهایی را با مطالعه یا از طریق معرفی دوستان پیدا می‌کردم و به آن مکان‌ها می‌رفتم و عکاســـی می‌کردم.

*** بیشتر سعی می‌کردید کدام آثار تاریخی افغانستان را عکاسی کنید؟**

ـ آن مواردی که بیشتر به گذشته و تاریخ خود افغانستان برمی‌گشت مورد نظرم بود و آثار تاریخی قبل از اسلام افغانستان تا دوره اسلامی را



عکاسی می کردم. از دوه قبل از اسلام، معابدی از دوره بودائیان به جا مانده که از آنها عکس می گرفتم تا دوره اســـلامی که آثار بسیار غنی را مانند دوره غوریان، دوره تیموریان و سلجوقیان از این دوران در افغانستان داریم که متأسفانه معرفی و شناخته نشده است.

*** در میان عکس‌های شما فقط آثار تاریخی افغانستان دیده نمی‌شوند ، بلکه شما از برخی مناظر طبیعی افغانســـتان یا فرهنگ ها و آداب و رسوم هم عکاســـی کرده‌اید. در این باره چه توضیحی دارید؟**

ـ مسائل فرهنگی افغانستان خیلی پوشیده و پنهان است و تا الان کسی دقیقاً نمی‌داند چه آدابی در افغانســـتان رواج دارد یا زندگی و فرهنگ روزمره افغانستان به چه شکل است. من سعی کردم روی این موارد هم متمرکز شوم. عکاسی مستقل از این موارد هم خیلی سخت و هزینه بر است؛ این که خودت عکاســـی کنی و خودت هم چاپ و توزیع کنی هزینهٔ بسیار سرسام‌آوری دارد که من از عهده‌اش به سختی برآمدم و تمامی زندگی‌ام را روی این کار گذاشتم اما خوشحالم که با این عکس ها یک فرد افغانی می تواند به صورت مثبت افغانستان را معرفی کند.

*** چقدر موفق بودید؟ آیا از عکس‌هایتان نمایشگاه برگزار کردید؟**

ـ بله، نمایشـــگاه زیاد برگزار کرده‌ام. آخرین نمایشـــگاهم در ایران بود که آذر سال گذشته ، محرم در افغانســـتان را معرفی کردم که در مرکز«نقش جهان» وابســـته به فرهنگستان هنر برگزار شد. در مؤسســـه فرهنگی هنری صبا هم نمایشگاه دیگری در سال ۸۸ برگزار شد که همراه با آثار نقاشـــی و خط، عکس‌های من هم به نمایش درآمد. نمایشگاه دیگری در سال ۹۲ در برلین آلمان داشتم. این نمایشگاه برای آلمانی‌ها جالب بود و می گفتند ما تا به این نمایشگاه افغانستان را فقط با جنگ و موادمخدر می‌شـــناختیم و فکر نمی‌کردیم افغانستان جایی برای زندگی باشد و چیزی به نام فرهنگ و تمدن در افغانستان بوده باشد ولی عکس‌های من نشان داد که افغانستان نه تنها جایی برای زندگی اســـت که جایی برای دیدن این کشور از نزدیک هم هست. من در هند هم در سال ۹۱ نمایشگاه دیگری داشتم.

*** در این مدت چه تعداد عکس عکاسی کرده‌اید؟**

ـ عکس‌هایم خیلی زیاد است شـــاید حدود ۱۰ هزار فریم اما آنچه که من توانستم به‌صورت یک مجموعه چاپ کنـــم و در اختیار مردم بگذارم همین مجموعـــه ۲۸ قطعه ای از عکس‌های انتخابی‌ام به‌صورت کارت‌پستال است.

*** انتخاب عکس‌هایتان در این مجموعه بر چه اساسی بود؟**

ـ این انتخاب خیلی برایم سخت بود، اما بیشتر می خواستم که دو جنبه فرهنگی – اجتماعی و تاریخی در عکس‌های انتخابی‌ام باشد. انتشار این مجموعه خیلی با عجله صورت گرفت. تصمیم ســـختی بود چون ممکن بود هزینه زیادی داشته باشد و این هزینه هم به من برنگردد. بعد از انتشار هم شاید بیشـــر از این که این مجموعه را به فروش برسانم آن را هدیه داده ام؛ صرفاً به خاطر این که معتقد بودم کاری اســـت که باید به لحاظ فرهنگی دیده شود. با توجه به این که آثاری که از آنها عکاسی کرده‌ام، آثار مشـــترک فرهنگی میان دو کشور است . از مجامع فرهنگی افغانستان و ایران هم انتظار حمایت و همکاری برای نشر آن داشتم.

برخلاف صحبت‌هایی که در ایران می‌شـــود مبنی بر این که افغانســـتان جزو ایران بوده، من معتقدم که نگاه تفاخری در این گونه صحبت‌ها باعث دوری این دو کشـــور از هم می شود. به نظرم این دو کشـــور مجموعه بزرگی از یک کشور پهناور بوده اند که به مرور زمان تکه تکه شده و حرف زدن درباره این که افغانستان مال ایران بوده یا ایران مال افغانستان بوده، بیهوده است و این یک نگاه تفرقه برانگیز است.

*** علاقه‌مندان چگونه می توانند این مجموعه را تهیه کنند؟**

ـ با انتشـــارات یساولی همکاری دیرینه‌ای دارم و کتاب‌هایی از این انتشارات تهیه می کنم و به افغانستان می‌برم. این مجموعه را برای توزیع در اختیار انتشارات یساولی گذاشته‌ام.

*** این مجموعه به افغانستان هم راه پیدا کرده؟**

ـ بله، اما خودم آن را به افغانســـتان برده‌ام و هیچ نهاد افغانـــی یا ایرانی حمایتی در این زمینه نکرده اســـت. حدوداً ۲۰۰۰ نسخه از این مجموعه چاپ کردم. تعدادی از آن را در نمایشگاه کتاب سال گذشته که افغانستان در آن میهمان ویژه بود، به فروش رساندم و با وجودی که افغانی‌ها هم در این نمایشـــگاه حضور داشتند، اما فقط از طرف ایرانی ها از آن استقبال بسیار خوبی شد و بیشتر آن را ایرانی ها خریداری کردند.

***آیا در میان عکس ها یتان از بامیان افغانســـتان که طالبان مجسمه های عظیم بودایی آن را منفجر کرد ، عکس دارید؟**

– متاسفانه عکس های من از بامیان، بعد از تخریبش به دست طالبان است.

***پس قبل از تخریب، از آنجا عکاسی نکرده اید؟**

– یکی از آرزوهای من بود که از بامیان عکاســـی کنم. سال ۱۳۷۰ با وجودی که کمونیست ها برســـر قدرت بودند، گروهی از مجاهدین عازم بامیان بودند؛ چون حزب وحدت ملی افغانستان می خواست کنگره ای را آنجا برگزار کند و من صرفا به این دلیل که به بامیان برسم و از آثار تاریخی آنجا عکاســـی کنم با اعضای این حزب همراه شدم، اما متاسفانه درمسیرمان در استان فراه از طرف میلیشـــیای افغانستان(میلیشیا به نیروهای نظامی گفته می شود که از شهروندان عادی تشکیل شده باشـــد) بمباران و مجبور به بازگشت شدیم. بعد از آن هم طالبان قدرت را به دست گرفت و بازهم نشد.

***یعنـــی در این فاصله تا زمان ظهور طالبان فرصتی برایتـــان پیش نیامد خود را به بامیان برسانید؟**

–به محض پیروزی مجاهدان به افغانســـتان رفتم و توانســـتم از هرات و بلخ عکاسی کنم اما فرصتی برای رفتن به بامیان پیش نیامد. تقریباً ۳ ماه از پیروزی مجاهدان گذشـــته بود که درگیری های داخلی شـــروع شد و این درگیری ها باعث شد من دوباره به ایران برگردم و دیگر نتوانستم به افغانستان بروم و بعد از آن هم طالبان با فجایعی که پیش آورد، حکومت را غصب کرد.

*** تصمیم دارید در روزهای پیش رو هدف تان را چگونه دنبال کنید؟**

– تلاش می کنم چند کتاب در این زمینه چاپ کنم.بدون اغراق می توانم بگویم که من بیشترین عکس ها را از آثار تاریخی و فرهنگی افغانستان دارم، ولی با توجه به اینکه پرداختن به موضوعات فرهنگی نیاز به کار فراوان و وســـیع دارد احساس می کنم؛ هنوز راه طولانی در پیش دارم که نیاز به امکانات و صرف زمان بیشـــتری دارد و باید دوباره به تمامی جاهایی که رفته ام و عکاسی کرده ام، بروم و از جزئیات بیشتر این آثار عکاسی کنم.



سریال سازی یا سری دوزی؟

سید رضا صائمی

واقعیـــت این اســـت که ســـاخت مجموعه‌های تلویزیونی به عنوان یک شکل از فیلمسازی و کارگردانی، تفاوتی با ساخت یک فیلم سینمایی یا تله فیلم ندارد. قصه هست و بازیگر و دوربین و کارگردانی. شاید بسیاری از کارگردان‌ها و سینماگران هم گمان کنند که ساخت مجموعه‌های نمایشی یا سریال برای تلویزیون، کاری دم‌دستی یا سهل است که هر کس از عهده آن برمی‌آید.

حتی برخی معتقدند کـــه برای حفظ شأن حرفه‌ای خود نباید به آن تن دهند؛ مثلاً سریال‌سازی در حد و اندازه‌های آنان نیست. اما تجربه نشـــان داده اســـت که بسیاری از کارگردان‌هایی که بنا به دلایل مختلف به سراغ تلویزیون رفته و برای آن ســـریال ساخته‌اند، چندان موفق نبوده و بسیاری از آنها شکست خورده‌اند. البته این یک قاعده کلی نیســـت؛ مثلاً حســـن فتحی، هم در تلویزیون و هم در سینما موفق بوده و به نوعی دوگانه‌ساز است.

نتیجه بحث این‌که سریال‌ســـازی برای تلویزیون، تخصص ویژه و منحصربه‌فردی اســـت که به شـــناخت مدیوم تلویزیون و روان‌شناســـی مخاطبان آن و حد و مرزهای رســـانه ملی نیاز دارد. زبان تلویزیونی برای جذب مخاطب قطعاً با زبان ســـینما متفاوت است و بسیاری که تفاوت این دو را نمی‌دانند، نمی‌توانند در این عرصه موفق باشند.

اگر نگاهی اجمالی به مجموعه نام‌هایی بیندازیم که دســـت‌کم طی دو دهه اخیر برای تلویزیون سریال ساخته‌اند، متوجه می‌شویم که تعداد معدودی از آنها توانسته‌اند به برندی در تلویزیون تبدیل شوند و کارهای آنها معمولاً با استقبال خوب مخاطب همراه شده؛ کسانی مثل ســـیروس مقدم، محمدحسین لطیفی، حسن فتحی و محمدمهدی عسگرپور.

با وجود ایـــن، برخـــی معتقدند که سریال‌ســـازی در تلویزیون در انحصار چند کارگردان و فیلمنامه‌نویس قرار دارد. به اعتقاد آنها، وقتی سریال‌سازی در انحصار تعدادی مشـــخصی از کارگردانان باشـــد، به تدریج سوژه‌ها و شیوه بیان تکراری می‌شود. بنابراین صدا و سیما لازم است که برای جلوگیری از ریزش مخاطبان خود به باز شدن فضای کار بپردازد و با سپردن کار به کارگردانان جدید، به فرم، مضمون و دیدگاه‌های تازه‌تری برسد.

به نظر می‌رســـد که این دیدگاه منطقی باشد، اما حضور پیوسته یا پرکار یک کارگردان در تلویزیون لزوماً بـــه معنای انحصارطلبی رســـانه ملی یا آن کارگردان نیست. معیار در اینجا بایـــد کیفیت عملکرد کارگردان و اثر و رضایت‌مندی مخاطبان باشد.

شـــاید یکی از نام‌هایی که در این بحث همیشه مصداق قرار می‌گیرد، سیروس مقدم باشد که طرفدارانش او را به آقای سریال لقب می‌دهند و مخالفانش از ســـری‌دوز بودنش حرف می‌زنند، ولی واقعیت این اســـت که ســـیروس مقدم بارها ثابت کرده که مخاطب تلویزیون را خوب می‌شناســـد و می‌داند که باید چگونه او را سرگرم کند و پای تلویزیون بنشاند.

در عین حال باید صدا و ســـیما بستر و فرصت لازم بـــرای کارگردان‌های دیگر را نیز فراهـــم کند و با حمایـــت خود از چند کارگردان مشخص، خود را در معرض اتهام انحطارطلبی قرار ندهد. از این سو نیز بسیاری از کارگردان‌هـــا بوده‌اند که امتحان خود را به خوبی پس داده انـــد، اما حمایت لازم از آنها صورت نگرفته و شـــرایط ادامه همکاری با سازمان برای آنها فراهم نشده است.

مثلاً همایون اسعدیان که مجموعه موفق «راه بی‌پایـــان» را در کارنامه خود دارد، چرا نباید بازهم ســـریال بسازد یا رامبد جوان که نخستین سریال ماه رمضانی به نام «گمگشته» و بعد کمدی متفاوت «مســـافران» را با جلب تعداد زیادی از مخاطبان در کارنامه خود دارد؛ اکنون کجاست؟ حتی کسی مثل حسن فتحی که ســـریال‌های ماندگاری برای تلویزیون ساخته، چرا دیگر سریال نمی‌سازد؟!

این سخن درباره ســـریالی شدن خود ســـریال‌ها نیز قابل تعمیم است؛ به این معنی که نه لزوماً کارگردان که خود سریال به دلیل محبوبیت و اســـتقبالی که از سوی مخاطب پیدا می کند، ســـریالی شده و سری بعدی آن نیز ساخته می‌شـــود؛ مثل «زیر آسمان شهر»، «هوش سیاه» و «پایتخت» که این آخری برای اولین بـــار به ســـریالی در تلویزیون تبدیل می‌شود که به سری چهارم رسیده است.

در اینجا نیز باز کیفیت اســـت که حرف اول را می‌زند و بهترین تبلیغ و دلیل استمرار کار کارگردان یا استمرار سریال است. به عبارت دیگر آنچه سریال‌ســـازی و سری‌دوزی را از هم متمایز می‌کند، کیفیت کار، تکراری نبودن فرم و مضمون و رضایت مخاطبان اســـت. تا زمانی کـــه کارگردان بتواند اثری ارائه کند که رضایت مخاطب را در بالاترین حد به همراه داشته باشد، باید شـــرایط استمرار فعالیت و ادامه همکاری او برای تلویزین فراهم باشـــد که در غیر این صورت، فرصت‌سوزی اتفاق می‌افتد.

اگر سری‌دوزی بد است، فرصت‌سوزی هم بد است و برای پرهیز از سری‌دوزی، نیاز است که استعدادهای مختلف غربال شود و آن‌که خالص‌تر اســـت، بماند. سریال‌سازی برای تلویزیون می‌تواند چیزی شـــبیه کنکور باشد. کســـی که در این آزمون پذیرفته شد، به مراحل بالاتر می‌رود و فرصت آموزشـــی بیشتری پیدا می‌کند؛ اما به این معنا نیست که دیگر آزمونی برگزار نشود.



دیوانگان هیچگاه نمی توانند جمله بسازند و همواره فقط با کلمات زندگی می کنند و کلمه می گویند. دنیای دیوانگان دنیای کلمات است...

گردهمایی اهل قلم بر مزار حسین پناهی

مردی که انسان کلمه بود

پنج شـــنبه و جمعه گذشته، شهر دهدشت شاهد برگزاری یادمان حسین پناهی ملقب به انسان کلمه بود.

در مراسمی که به همین مناسبت برگزار شد، دکتر نصرالله حکمت استاد دانشگاه و نویســـنده کتاب «فیلسوف دیوانه»(حسین پناهی) برای حاضران سخنرانی کرد.

شرکت‌کنندگان در این همایش سپس بر مزار حسین پناهی در شهر سوق حضور یافتند....

کتاب «فیلسوف دیوانه» دربردارنده شرح افکار و شعرهای «حسین پناهی» است. نویسنده در این اثر کوشیده تا با شناختی از شـــخصیت این هنرپیشه و شاعر فقید، به شرح رفتار، اندیشه و شعرهای وی پرداخته و تخیل، ایمان، حیرت، جنون و فلسفه وی را به مخاطب خود شناســـانده، فیلســـوف بودن وی را نیز اثبات کند.

نویسنده و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران از حسین پناهی به فیلسوف ناشـــناخته نام برد و گفت: پناهی انسان کلمه بود.

نصرالله حکمت اظهار داشت: این کتاب تفسیری از جنون فیلســـوفانه حســـین پناهی بود که در دو جلد به چاپ رسیده است.

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران با بیان اینکه در معرفی این متفکر و فیلسوف بزرگ با یک کتاب ۵۰ صفحه‌ای نمی‌توانستم دین خود را ادا کنم، افزود: به این نتیجه رسیدم که شناخت جوانب، اندیشه و تفکر پناهی نیاز به آثار متعدد دارد. به همین دلیل جلد دوم «فیلسوف دیوانه» را ارائه دادم.

این نویسنده از دهدشت به شهر ادب، شعر و شعور نام برد و تصریح کرد: آدم اگر شاعر هم نباشد در این شهر شاعر می‌شود.

وی برای نخســـتین بار از غزل آغازین دفتر دوم «فیلسوف دیوانه» با نام «مرثیـــه‌ای برای جنون» رونمایی و با قرائت غزلی خاطرنشان کرد: دیوانگی مقام والایی است و حسین پناهی یک فیلسوف گمنام و به قول خودش یک دیوانه بود.

حکمت با بیان اینکه یک فیلســـوف در واقع همان انسان کلمه است با تفســـیر کلمه، حسین پناهی را انسان کلمه نامید و از وی چهره دیگری غیر از هنرمندی و شـــاعرانه بلکه علمی و فلسفی نشان داد.

نویسنده فیلســـوف دیوانه تصریح کرد: حسین پناهی اهل تفکر و اندیشیدن بود و شاید مقوم نگاه فلسفی‌اش که همواره از ظواهر امور می‌خواست عبور کند و به آن دست پیدا کند.

وی با اشـــاره به تعابیر به کار رفته در آثار پناهی گفت: یک انسانی، انسان جمله و یک انسانی انسان کلمه است، پناهی انسان کلمه بود یعنی کلماتش دقیق و حساب شده بود.

دکتر حکمت افزود: امروز امور کشور ما بی تفکر می گذرد و وضعیت به گونه ای است که گویی ما به فیلسوف و متفکر نیاز نداریم، بلکه به فوتبال و فوتبالیست نیازمند هستیم.

وی اظهار داشت: درحالی که اکثر مردم کشور ما با اسامی فوتبالیست ها آشنا هستند، اما فیلسوف ها و متفکران دوران خود را نمی شناسند.

حکمت بیان داشـــت: هر ملتی آن چیزی که نیاز دارد را به وجود می آورد و اینطور به نظر می رســـد که ما به تفکر چندان نیازی نداریم و امورمان بی تفکر هم می گذرد.

وی تأکید کرد: باید فیلسوف و متفکر دوران خود را شناخته و دردها و پیام هایش را درک کنیم.

نویسنده کتاب «فیلسوف دیوانه» در خصوص نگارش این کتاب یادآور شـــد: در ایام حیات زنده یاد حسین پناهی در این اندیشـــه بودم که در مورد وی کتابی بنویسم و همان زمان نیز به فیلسوف دیوانه می اندیشیدم و پس از درگذشت حسین پناهی عزم خود را جزم کرده و این کتاب را به رشته تحریر درآوردم.

حکمت تصریح کرد: هنگامی که قصد داشتم نگارش کتاب فیلســـوف دیوانه را شروع کنم تصورم این بود که با نگارش ۵۰ یا ۶۰ صفحه می توانم شخصیت حسین پناهی را معرفی کنم و دین خود را در خصوص معرفی یک متفکر و فیلسوف بزرگ به این سرزمین ادا کنم.

وی اضافه کرد: اما هنگامی که نگارش این کتاب را شروع کردم به این نتیجه رســـیدم که شناساندن اندیشه و تفکر حسین پناهی نیاز به نگارش آثار متعدد دارد و این هدف با نگارش یک یا دو کتاب محقق نمی شـــود، بنابراین کتاب «فیلسوف دیوانه» را نیمه کاره رها کرده و در پایان کتاب وعده دادم که شناساندن اندیشه و تفکر حسین پناهی را ادامه دهم.

نویسنده کتاب فیلسوف دیوانه بیان کرد: پس از پایان نگارش کتاب «شمس تبریزی پرســـش» جلد دوم فیلسوف دیوانه را با عنوان "مرثیه ای برای جنون" به رشته تحریر درآوردم.

حکمت «کلمه» را از تعابیری نام برد که در آثار حســـین پناهی بسیار مورد توجه است و عنوان کرد: حسین پناهی انسان کلمه بود.

وی ادامه داد: کلمه از حروف تشکیل شده است و حروف منطقه ممنوعه هســـتند مثلا زبان فارسی ۳۲ حرف دارد و منطقه ممنوعه بودن به این معنی است که هیچکس این قدرت را ندارد که تعداد این حروف را تغییر دهد با این وجود از این ۳۲ حرف می توان بینهایت کلمه ساخت، جمله گفت و کتاب نوشت.

نویسنده کتاب فیلســـوف دیوانه بیان کرد: منطقه حروف منطقه سکوت است، حروف ساکت هستند و حرف نمی زنند و نکته شگفت انگیز این است که از ترکیب این حروف ساکت که به ظاهر بی معنی هستند، معانی متفاوت بوجود می آید.

حکمت اظهار داشت: دنیای حروف دنیای سکوت است و اگر کسی بخواهد با دنیای حروف آشنا شود باید سکوت کند و هنگامی که انسان توانست تمرین سکوت کند با سکوت سخن بگوید و با ســـکوت بشنود آن هنگام می تواند به معنای حروف دست یابد و این کاری بود که مرحوم حسین پناهی انجام داد.

دکتر حکمت درباره ســـابقه آشنایی تان با حسین پناهی و اینکه چطور شد که با ایشان آشنا شد گفت:

ســـابقه آشـــنایی ما با مرحوم پناهی به چاپ کتاب «من و نازی»برمی گردد با آقای محمدرضا شـــریفی نیا رفیق بودیم از ســـالهای قبل از انقلاب که در کارهای راجع به نوشتن و چاپ بعضی آثار (چون من با انتشارات الهام همکاری می کردم و آقای شـــریفی نیا هم در کارهای گرافیک با انتشارات الهام همکاری می کرد)با آقای شریفی نیا آشنا شدم.

بعد یک روزی بعد از انقلاب آقای شـــریفی نیا (دقیقاً نمی دانم چه سالی)به انتشارات الهام گفته بود که می خواهم بعضی از نوشته های پناهی را با عنوان «من ونازی» چاپ کنم. انتشارات الهام هم به ما ارجاع دادند که قضیه را بررسی کنیم. من هم تا آن روز نثر پناهی را ندیده بودم و حقیقتش را بخواهید نمی دانستم که مرحوم پناهی این چنین بعد و جنبه ای دارد؛ یعنی با این بخش از شخصیتش من آشنایی نداشتم.

از طریق تلویزیون و ســـینما با آن جنبه ظاهری اش آشنا بودیـــم تا اینکه کتاب «من و نازی» را دیدم و حقیقتش در همان نگاه اول من را جذب کرد که این آدم اینجوری هم حرف‌می‌زند.



به هر صورت کتاب را انتشارات چاپ کرد و چاپ آن هم با استقبال بسیار خوبی مواجه شد که اصلاً انتظارش را نداشتیم. بلافاصله در بازار مورد استقبال قرار گرفت و به چاپ مکرر رسیدو فکر می کنم چهار ،پنج بار تجدید چاپ شد و همه اینها مسببش آقای شریفی نیا بود؛ چون اصلا مرحوم پناهی در این وادی ها نبود که اثری از خودش چاپ کند وشاید خیلی تمایلی هم نداشت.

چاپ کتاب «من و نازی» آرام آرام باب آشنایی من را با مرحوم پناهی باز کرد و ایشان گاهی برای همین کتاب که به انتشارات مراجعه می کردند، همانجا همدیگر را می دیدیم و ایشان هم متوجه شدکه من هم اهل فلسفه هستم، خیلی علاقه مند شده بود و گاهی وقت ها با هم می نشستیم و گپی می زدیم .تا اینکه ایشان آرام آرام آثار دیگرشان را به انتشارات پیشنهاد کردند و حقیقتش را بخواهید یک مشکل مالی هم داشت؛ یعنی یکی از عواملی که بعداً ایشان را سوق داد به سمت انتشار آثاری که داشته یا نوشته بود، مثل «خروسها و ساعت ها» یا نمایشنامه ای که حتی اجرا کرد به نام «چیزی شبیه زندگی» یا «بی بی یون» که حتی از تلویزیون پخش شد و آثاری که چاپ نشد و با ما در میان گذاشت و چون نیاز مالی داشت ،حتی حق آنها را به انتشارات الهام واگذار کرد و فروخت.

البته استقبالی که از «من و نازی شد»،از آن دو سه کتاب دیگر نشد.حالا چه عاملی باعث آن بود، نمی دانم.آن جلساتی که می آمد و با هم می نشستیم، برای این آدم خیلی جذاب بود. یک مطلبی که خیلی جلب توجه می کرد این بود که خیلی عالم و اشیا را دقیق می دید؛ یعنی یک نگاه نافذی داشت به اطرافش و به اشیا.این نگاه نافذ و عمیق در آثارش هویداست.

در حرف زدن هم همین حالت را داشت. اینجوری نبود که ادا در بیاورد. خیلی ها برای اینکه بخواهند بنویسند، به خودشان زحمت می دهند؛مخصوصاً در عرصه شعر و ادبیات،اما واقعیتش این بود که وقتی ما داشتیم با هم حرف می زدیم، احساسم این بود که ایشان دارد کتاب می نویسد. یعنی آن(من ونازی)همینی بود که داشت حرف می زد. نمونه اش نامه هایی است که برای من نوشته؛همان نامه اش یک متن ادبی بود. نمی شد که یک جمله ای بگوید و یا یک چیزی بنویسد و عمق نداشته باشد و یک حرفی در آن نباشد.

یعنی حرف عادی اش هم حرف داشت، ولی حرف عادی مردم به مجرد اینکه از دهانشان خارج می شود، تاریخ مصرفش به پایان می رسد؛یعنی عموم مردم در لایه سطحی کلمات باقی می مانند وبه اعماق کلمات نمی روند. بنا بر این عمر جملاتشان کوتاه است.

به نظر من انسان ها در سطوح مختلف قرار دارند. یک انسان،تلی از جملات است،یک انسانی انسان جمله است و یک انسانی انسان کلمه است. پناهی انسان کلمه بود؛ یعنی کلماتش دقیق و حساب شده بود.

از سخنان و آثارش کاملاً هویداست که او به شدت به فلسفه علاقه مند بوده و از میان فلاسفه استنباط من این که نیچه راخوب خوانده بود و تحت تاثیر او بوده. در عین حال چون تخصصی و آکادمیک فلسفه نخوانده بود، به طور ناخودآگاه یک فیلسوف بود؛یک فیلسوف نا شناخته و گمنام و غریب و به قول خودش دیوانه. چون اهل تفکر و اندیشیدن بود و شاید مقوم نگاه فلسفی اش بود،همواره می خواست از ظواهر امور عبور کند و به باطن آنها دست یابد.

پناهی در جایی می گوید: پشت این این پنجره جز هیچ بزرگ هیچی نیست. این تعبیر مثل سایر تعابیرش عمیق است. ممکن است بشود چند جور آن را تفسیر کرد. شاید یک تفسیرش با اندیشه نیچه مطابق باشد ولی شاید تفسیر دیگرش گرچه ما خیلی حال و هوای عرفانی به شکل بارزش در آثار او نمی بینیم اما تفسیر عرفانی هم می توان از آن داشت؛ یعنی در واقع همه این ظواهر دنیوی را و همه آنچه که ما می بینیم و با آن سر و کار داریم گذراست و هیچ چیزی نیست.

البته آن جلساتی که ما با هم داشتیم، کم هم نبود. گاهی وقت ها یک ساعت، نیم ساعت و گاهی عجله داشت، می آمد و سیگاری می کشید و می رفت. اما من بحث صریح یا تمایل آشکاری از ایشان در ارتباط با عرفان ندیدم ولی خود کلمات و عبارات و حتی زندگی و سلوکش یک زندگی کاملاً عارفانه و درویشانه بود. آنچنان که بود، در رفتارش بروز می داد و وقتی آدم با او می نشست، احساس آرامش می کرد؛ یعنی آدم احساس می کرد دارد از این ظواهر خارج می شود و وارد فضای کاملاً آرام و فارغ از جنجال و غوغا می شود.

فیگورهایی که می گرفت،می دیدم این همان است که در فیلم ها هم اجرا می کرد؛ یعنی موقعی که داشت حرف می‌زد، توی چشم مخاطبش نگاه نمی کرد.چشمش به اطراف می گشت. تأنی و مکثی که بین ادای کلماتش داشت، انگار داشت کلمات را از جایی بیرون می کشید. دقیقاً همین حالتی که ما در فیلم هایش می بینیم. در واقع در فیلم هم داشت زندگی میکرد ،ادا در نمی آورد.

یک نکته دیگر هم اینکه من این آدم را به عنوان یک متفکر و فیلسوف می دیدم. یک چیزی در فلسفه هست که کمی با فلسفه عجین است و این را ما در مهم ترین و بزرگترین فیلسوفی که سقراط است می بینیم و آن هم ایرونی است. ایرونی یک طنز است؛ یک طنز کمی گزنده وتلخ.

برای کسی که نگاه فلسفی به عالم دارد؛ یعنی از ظواهر عبور می کند و عمیق نگاه می کند و عالم را به صورت واحد می بیند، نه یک کثرت پراکنده و منقطع و گسسته. کسی که عالم را اینجوری می بیند و در واقع پشتوانه ای دارد، حالا این پشتوانه ایده هست، مفاهیم و معانی است، خداست یا هر چیزی که برای این کثرات قایل است؛ به یک طنز می رسد.

این طنز دو سویه است؛ از یک طرف این جریانات گذرا برایش اهمیتی قایل نیست. پول،زندگی ، مقام برایش مهم نیست و آن وحدت را می بینید و آن حقیقتی که پشت این جریانات است می بیند؛ مثل اینکه با تکیه به آن حقیقت، احساس آرامش درونی می کند.

و طرف دیگر گزندگی ماجراست؛ یعنی حالا با آن نگاه می‌آید مردم را می بیند که گرفتار این گیر وبند های ظاهری هستند و زندگی و داد و ستد و کسب کار و گاه در میان مردم دروغ به خاطر به دست آوردن این تمتعات را می بیند. آن وقت یک زبان تلخ و گزنده نسبت به اینها پیدا می کند؛یعنی آن آرامش به حقیقت را یک طرف دارد و از این طرف این زبان تلخ و گزنده را. وقتی این دوتا با هم جمع شود، یک طنز خیلی عجیب و غریبی به وجود می آید و این در حسین پناهی بود.



پای صحبت های «عباس خجسته پاد» و «شیث یحیایی» درباره نمایشگاه عکس های جهان پهلوان تختی

در پی دغدغهٔ فراموشی یک قهرمان ملی

مریم نظری

به کوچه شیرزاد که رسیدم و چند قدم که جلوتر رفتم، دیگر نیازی به پرس و جو نبود؛ چون پوستر بزرگ آبی رنگ نمایشـــگاه عکس های تختی که کنار در قدیمی گالری «شیث » نصب شده بود، خبر از رسیدن به مقصد می داد. گالری «شـــیث » به مناسبت بزرگداشت جهان پهلوان تختی نمایشگاهی از عکس ها ، بریده جراید و آثار گردآوری شـــده از وی را از ۵ شهریور که مصادف با روز تولد تختی اســـت، برگزار کرده بود. گردآوری آثار این نمایشگاه توسط «عباس خجسته پاد» صورت گرفته بود و نمایشـــگاه به مدت ۲ هفته یعنی تا ۱۸ شهریور ادامه داشت. در روزهای برگزاری نمایشگاه به گالری «شیث » رفتم تا ضمن دیدار از آثار به گفت و گو با عباس خجسته پاد؛ گردآورنده عکس های تختی و همچنین «شیث یحیایی» مدیر و صاحب امتیاز گالری شیث بنشینم.

نمایشگاه

با ورود به فضای قدیمی و نوســـتالژیک گالری با دیوارهایی مواجه می شوم که هیچ جای خالی روی آنهـــا نمی توان یافت. دیوارهای راهرو و همچنین دو ســـالن گالری از عکس ها و آثارمربوط به تختی در چند ردیف منظم زیر هم پر شـــده است. دربدو ورود، با گودی طاقچه مانند در دیوار راهرو مواجه می شـــوم که با شیشه پوشانده شده و فضای ویترین گونه ای را ایجاد کرده و در آن صفحاتی از روزنامه ها و مجلات قدیمی که در آنها خبرها و گزارش هایی از رقابت های ورزشی تختی منتشر شده، به نمایش گذاشته شده است.

کمی آن سوتر، پرتره ای از جهان پهلوان به شیوه سیاه قلم روی دیوار است و جلوتر ، تابلوی نقاشی که با الهام از جلد مجله« زن روز» توســـط «بهداد پنجه زاده» کشیده شده و عنوان «مرد روز» دارد. روی این تابلو ، تختی با لباس ورزشـــی در کنار نشانه های نمادین شیر و خورشید که از نشانه های تشیع و ایران باستان هستند ، دیده می شود در حالی که در بالای تصویر او ،عنوان «اطلاعات مردان» و زیر این نوشـــته نیز عنوان «پهلوان جهانیان» آمده است. در این اثر نقاشی ، تاریخ انتشار نشریه به عنوان شماره اول ، پنجم شـــهریور ۱۳۰۹ ذکر شده که اشاره ای نمادین به تاریخ تولد تختی دارد و در پایین تابلو نیز در مقابل عنوان «بهای نشریه» نوشته شده : «تمام شد» و در پایین آن تاریخ مرگ جهان پهلوان به عنوان شماره آخر این نشریه نمادین؛ یعنی ۱۷ دی ۱۳۴۶ آورده شده است.

دیوارهای ســـالن کوچکتر گالری «شیث» از ردیف عکس هایی از تختی پر شده که در پای آنها توضیحاتشـــان نیز آمده است. عکس های این سالن پیش از این در سال ۹۲ و در همین گالری به مدت یک هفته به نمایش در آمده بود که به دلیل استقبال بسیار از آن و محدودیت زمان برگزاری نمایشگاه در آن ســـال ، مجدداً در این نمایشگاه به تماشا گذاشته شده اند.عکسهای این بخش از بعضی رقابت‌های تختی ، همچنین عکس های شخصی تر تختی از حواشی مسابقات و عکس های یادگاری او با دوستان و دیگر پهلوانان همدوره خود تشکیل شده است؛ مانند عکس های «تختی در دریای رامسر با گیوه چی ، فردین ، ایزدپناه و...» ، «تختی در ضیافتی در ژاپن ،سال ۱۹۵۴ » و یا عکس یادگاری او در یک مجلس عروسی با استاد ابوالقاسم رایگان.

اما در ســـالن بزرگتر گالری ، ترتیب آثار به نمایش در آمده بر اساس موضوعیت و همچنین نوع آنها به گونه دیگری اســـت. در این سالن علاوه بر ارائه عکس هایی از رقابت ها و مسابقات ورزشی تختی در آن ســـالها و همچنین تصاویری از پرتره های مختلف از او، عکس های شخصی تر از وی نیز به نمایش در آمده است. مانند عکســـی از تختی که پزشک اش مشغول مداوای زخمی است که گویا در مســـابقات کشتی بر پشت او ایجاد شده، عکسی از او که با پسرش در حال بازی است؛ تصویری از تختی در حالی که مادر پیرش را در آغوش گرفته اســـت؛ تختی در حال شنا در استخر؛ تختی با کلاهی کابویی بر سر که در کنار دونده جوان آمریکایی دارنده سه مدال طلا در المپیک ملبورن استرالیا عکسی یادگاری گرفته اســـت؛ عکسی از ۱۹ سالگی تختی در کنار مادر ، خاله، دختر خاله ها، عمو و خواهرش در خانه شـــان در خانی آباد نو؛ عکسی از تختی با همسرش که در بازگشت از ماه عسل شان در شیراز به اصفهان ســـری زده بودند و کنار سی وســـه پل اصفهان به اتفاق دو نفر دیگر عکس یادگاری گرفته بودند و دیگر عکس ها.

از عباس خجسته ؛ گردآورنده عکس ها می پرسم که کدام عکس را در این مجموعه بیشتر دوست دارد و او به عکسی اشاره می کند که در آن تختی با چهره ای مغموم و غم گرفته در المپیک رم ایتالیای ســـال ۱۹۶۰ دیده می شود و در توضیح می گوید: این عکس مربوط به بعد از مسابقه نهایی او با حریف تُرکش اســـت که به دلیل تُرک بودن رئیس کمیته هیأت داوران مسابقات کشتی و با وجود برنده شدن تختی در مسابقه نهایی، به ناحق و از روی تقلّب، مدال طلا را به کشتی گیر طرف مقابلش دادند.

در این ســـالن در کنار عکس هایی که اشاره شـــد، بریده جراید آن دوران ، لباس ورزشی تختی، مجسمه ای ازپرتره او و تصاویری از فضای نمایشگاهی و دیدار های صورت گرفته در دو نمایشگاهی که پیش از این از عکس های خجســـته پاد به صورت انفرادی و گروهی برگزار شده است، به تماشا گذاشته شده است. عکس ها و آثار این سالن بدون توضیح ارائه شده اند، اما با حضور آقای خجسته در نمایشگاه که خود اذعان می کند حضورش در طول برگزاری نمایشگاه ، هر روزه است؛ این توضیحات درباره هرعکس و هر اثری به صورت شفاهی و با تمامی جزئیات داده می شود.

گردآوری عکس ها

از خجســـته می پرسم که چه شـــد به فکر گردآوری این عکس‌ها افتاد؟ و او در پاسخ به دوران کودکی اش پرتاب می شـــود: پدر من در بازارچه شاپور قنادی داشت و من که به آنجا می‌رفتم، آقایان کشتی گیر را که به باشگاه پولاد در خیابان شاپور می‌آمدند، می دیدم. حتی وقتی ۹ ساله بودم عکسی را به آقای تختی دادم و او برایم امضاء کرد. از همان موقع به تختی و کشتی علاقه‌مند شدم ، ولی جمع‌آوری عکس ها را از ۱۳ سالگی ام که در آن زمان خودم هم به باشگاه کشتی می رفتم، آغاز کردم.

از او که خود از پیشکسوتان ورزش کشتی است درباره چگونگی گردآوری عکس ها می پرسم و او با بیان این که عکس های این نمایشگاه فقط گوشه ای از مجموعه عکس های اوست ، می گوید: من برای یافتن و بدست آوردن بعضی از این عکس‌ها حتی به شهرهای دیگر سفر کرده ام. مثلاً با پرس و جو متوجه می‌شدم صاحب مغازه یک آتلیه عکاسی در مشهد عکسی دیده نشده از تختی دارد و برای خرید آن به مشهد سفر می‌کردم. تعدادی از عکس ها هم توسط هم دوره‌ای‌های آقای تختی مثل حاج محمود ملا قاسمی، ناصر گیوه‌چی و مهدی یعقوبی به اعتبار شناختی که نسبت به بنده به واسطه کشتی گیر بودنم داشتند، به دستم رسید و علاوه بر این سه، کسان دیگری مانند آقای حسین پور، آقای سیف‌پور و آقای اکبر حیدری هم آلبوم‌هایشان را در اختیار من گذاشتند تا از عکس‌هایشان استفاده کنم. من عکس‌ها را از آنها می گرفتم و اسکن می کردم و به آنها برمی گرداندم و به این ترتیب با پرینت عکس‌ها روی کاغذ عکاسی ، آنها را در نمایشگاه‌ها به نمایش می گذارم.

خجســـته تصریح می کند که به جز عکس‌هایی که در قاب‌های سه رنگ پرچم ایران به روی یکی از دیوارهای گالری نصب شده اند ، باقی عکسهای این نمایشگاه اصل نیستند و فقط به صورت پرینت ارائه شـــده اند. او درباره عکس های اورجینال در قاب هایی به رنگ پرچم ایران توضیح می دهد: این سری عکس ها به تعداد سن آقای تختی تا زمان مرگ،یعنی در ۳۶ قاب به نمایش آمده اند و پیش از این نیز در نمایشـــگاه گروهی گالری شیرین با عنوان«جهان پهلوان تختی»که دی سال گذشته برگزار شد، به نمایش درآمده بودند.

از عباس خجســـته که ازسال ۱۳۴۹ به جمع آوری عکسها پرداخته و از ۲۰ سال پیش هم شروع به گردآوری روزنامه ها و مجلاتی قدیمی که درباره تختی نوشته اند، کرده است، درباره تعداد کل عکس هایش و این که چه تعدادی را از آن میان در این نمایشـــگاه به نمایش گذاشته ، می پرسم و او می گوید: حـــدود ۲۰۰۰ عکس از تختی دارم که از آن میان فقط ۴۰۰ عکس را در این نمایشـــگاه ارائه کرده ام و سعی کردم عکسهایی را به نمایش بگذارم که کمتر دیده شده اند. مثلاً حدود ۶۰ عکس از تشییع جنازه مرحوم تختی داشـــتم که چون این نمایشگاه به مناسبت روز تولد او برگزار و در همین روز نیز افتتاح شده بود ، آنها را به نمایش نگذاشتم.

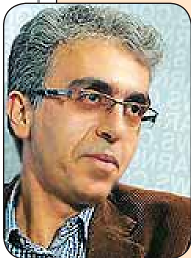
می پرســـم:«چرا بعضی عکس های این نمایشـــگاه توضیح دارند و بعضی دیگر نه؟»، می گوید: متأسفانه برگزاری این نمایشگاه با عجله صورت گرفت و فرصت این نبود که برای همه عکس‌ها بتوانیم توضیح بگذاریم؛ چون در لحظات آخر نزدیک به افتتاح، چاپ و پرینت عکس‌ها درهم اندازه بودنشان به مشـــکل برخورد و به همین دلیل شـــب قبل از افتتاحیه تا ساعت نزدیک ۱ نیمه شب برای چیدمان عکس ها در گالری بودیم و اگر می بینید عکس های یک سالن گالری توضیح دارد به این خاطر است که این عکس ها پیش از این با همین توضیحات در سال ۹۲ در گالری شیث به نمایش در آمده بودند.

اشاعه فرهنگ پهلوانی

در سالن بزرگتر گالری ، تعداد عکس ها به قدری زیاد است که علاوه بر ردیف چند تایی عکس ها بر دیوار، قاب های اضافی با تکیه به دیوار روی زمین به تماشا گذاشته شده اند. از خجسته می پرسم با توجه به تعداد زیاد آثارش چرا گالری دیگری را برای نمایش آنها انتخاب نکرده است؟ و او با بیان اینکه

تشکر از آن مرد ژاپنی!

رضا رفیع



خوبی آدمیزاد به میزان فهم و احساس و انســـانیت اوست. فلذا اگر یک خارجی هم یک کار خوبی کرد، باید ازوی تشکر کرد.جای دوری نمی رود. آثار مثبتش عین بومرنگ به خود ما و جوامع انســـانی مان برمی گـــردد. خدانکرده، بنی آدم اعضای یک پیکرند. تحقیق هم کردیم، معلوم شد که دِر آفرینش ز یک گوهرند. و پزشکان بعداً اعلام کردند که:«چو عضوی به درد آورد روزگار/دگر عضوها را نماند قرار»....

اگرچه در روزگار فعلی گاهی، دگرعضوها جملگی الفرار!

چنـــد روز قبل: چنـــدی پیش خبردار شـــدیم که برادرارزشـــی مان جناب«آکایو تویودا»رئیس شـــرکت تویوتای ژاپن که به غول صنعت خودرو سازی دنیا معروف اســـت؛ در یک کنفرانس خبری با تعظیـــم در برابر دوربین رسانه‌ها، ازمشتریان خود به خاطرمختصری نقص فنی؛یعنی به خاطرســـفت بودن پدال گازدر یکسری ازخودروهای تویوتا عذرخواهی کرد. راستش باور نکردیم؛ رفتیم عکس خبری‌اش را پیدا کردیم، دیدیم کـــه جلّ الخالق، طرف به نشان عذرخواهی از مردم، تا کمر خم شده!

چند روز بعد: شـــنیدیم که مدیرعامل سایپا نیز در یک حرکت انسانی، ضمن پوزش از مشتریان به خاطر مشکلاتی که تاکنون وجود داشته، گفته است که در مقابل مردم،سر تعظیم فرود می آورم و از ملت عزیز و مشتریان گرامی عذرخواهی می کنم. همچنین از تمـــام همکارانم می خواهم که فرهنگ عذرخواهی و انتقادپذیری را سرلوحهٔ خود قرار دهند.

واکنش هـــای مردمی: در پی ایـــن عذرخواهی های قشـــنگ، به میان مردم رفتیم تا از نظرات لذیذ آنها بهره مند شویم:

یک ســـوار خودرو: ضمن ســـلام گرم به جناب وزیر صنعـــت که باب این عذرخواهی هـــا را باز نمودند؛ خیلی خوشحالم سوار خودروی می شـــوم که مسؤولان آن اگر مشکلی داشته باشـــد، از مشتری ها عذرخواهی می کنند؛به طوری که ژاپنی ها هم یاد می گیرند و تا کمر خم می شوند.

یک ثبت نام کننده: من نفهمیدم بابت چی عذرخواهی کردند؟ بابت اصل تولیدش یا نواقصی که در حاشـــیه دارد؟ اصلش را که در تخصص ما نیســـت،اما مشکلات جنبی اش را ما که تا به حال کنار آمدیم. مشـــکلی نبود بازهم. ما حتی یک بار ســـپر عقب و جلوش را هم جدا از خودرو تحویل مان دادند گفتند خودتان وصلشان کنید؛ گفتیم چشم. توقع عذرخواهی هم نداشتیم.

یک پراید ســـوار: به کدام دوربین نگاه کنم؟...ســـلام عرض می کنم خدمت جناب نعمت زاده که وجوشان برای حمایت از صنعت خودروسازی، نعمت است. این خودروی که سوارش هســـتم، عالی اِست. مرگ دست خداست. این چیزها وســـیله اند. من اصلاً راضی نبودم کسی عذرخواهی کند. همین که این ماشـــین، حرکت می کند، خدا را شاکرم. عذرخواهی هم می کنم اگر زیاده گویی کردم.

یک منتقد پیـــاده: ترویج و توســـعهٔ فرهنگ انتقاد و عذرخواهی خیلی خوب است. همه باید یاد بگیریم که اگر جایی اشـــتباهی کردیم یا کم گذاشتیم، خیلی صاف و ساده عذرخواهی کنیم. فکر این هم ناشیم که روزنامه های ما برای چاپ این همه عذرخواهی،جا ندارند. خیر؛ جا هست. شما عذخواهی کنید، جاش با ما!

یک عضو کمپین: من با این که به خاطر برخی مشکلات کیفی خودروهای تولید داخل و توپ پر برخی از مسؤولان پش قضیه، کمی دلخور بـــودم و به کمپین نخریدن خودرو صفر داخلی پیوستم؛ اما الان حس می کنم که گول خوردم. اگر با هم مهربان باشـــیم، می توانیم با هـــم کنار بیاییم تا مشـــکلات خودروها به تدریج برطرف شود. منتهی باید یاد بگیریم که مهربانی یکطرفه نباشد. عزیزان،مهربانی از دو سر بی/که یک سر مهربانی،دردسر بی!



محیط گالری شـــیث را به خاطرنوستالژیک بودنش و هم به دلیل اینکه در مرکز شهر قرار دارد و در دسترس همه از جمله دانشجویان است، دوست دارد، ادامه می دهد: البته به خاطر آشنایی با آقای یحیایی مدیر گالری شیث هم هست. من و آقای یحیایی یک دوست مشترک به نام آقای سپاهی داریم که مرا با آقای یحیایی آشنا کرد و به این ترتیب قرار شد از این فضا برای نمایشگاه استفاده کنیم .

هیچکس به اندازه آقای یحیایی در برگزاری این نمایشگاه به ما کمک نکرد؛ نه وزارت ورزش و جوانان، نه فدراسیون کشتی، نه شورای شـــهر و نه شهرداری. امثال آقای یحیایی کم هســـتند که بخواهد فرهنگ پهلوانی کشورش را اشاعه دهد و در این راه خودش پی گیر باشد و کمک کند ، اینها به نظرم مهم اســـت.چون الان فرهنگ مرام و مســـلک پهلوانی تختی در حال از بین رفتن و گم شدن است. برگزاری این نمایشگاه یک کار فرهنگی است و با آن می خواهیم فرهنگ تختی را اشاعه بدهیم.

به عنوان سئوال آخر از او می پرسم ، به چه دلیل عکس های برپایی دو نمایشگاه قبلی خود را وارد عکس های این نمایشگاه کرده است؟ و او پاســـخ می دهد: این اقدام در امتداد هدف برگزاری این نمایشگاه یعنی اشاعه فرهنگ پهلوانی صورت گرفته است چون در نمایشگاهی که سال ۹۲ از عکسهای تختی در گالری شیث برگزار کردیم ، رونمایی از تمبر جهان پهلوان تختی را هم داشتیم و به همین مناسبت چهار تن از همدوره‌ای‌های آقای تختی در مسابقات «تولیدو» در نمایشگاه حضور پیدا کرده بودند و من دوست داشتم تصاویر این پهلوانان پیشکسوت را هم در کنار مجموعه عکس های تختی داشـــته باشـــم. عکس های نمایشگاه گروهی گالری «شیرین» در دی سال ۹۳ را هم به بهانه دیدار تعدادی از قهرمانان پیشکسوت کشتی از این نمایشگاه در اینجا به نمایش گذاشتم تا به این وسیله از حضور آنان تقدیر کرده باشم.

شکل گیری نمایشگاه

به ســـراغ «شیث یحیایی» مدیر گالری می روم تا درباره چگونگی شکل گیری این نمایشگاه بپرسم و او تعریف می کند: حدود ۶ سال پیش در بخش آموزشگاهی گالری «شیث» که در آن دخترم مسئول آموزش کودکان پیش دبستانی فصل تابستان است، دیدم بچه‌های زیر ۶ سال فیگورهای بلند و کشیده و سرعتی می کشند و یک اسم تُک زبانی هم برای آنها به کار می‌برند. آن روز به دلیل حضور دوستان و آشنایان و والدین بچه‌ها نتوانستم دلیل این کشیده هاپشان را پیگیری کنم تا این که یک روز به خانه که رفتم دیدم نوه ام هم دارد همین کار را می کند. از دخترم دلیلش را پرسیدم و او گفت:«اینها کُشتی کج‌های خارجی را که از تلویزیون می‌بینند می کشند».

این مسأله برایم ناراحت کننده بود؛ چون کودکان بسیار تأثیرپذیرهستند و دیدن این ورزش خیلی خشن برای آنها مضر است. به این فکر افتادم که چرا ما نباید بتوانیم قهرمان‌های ملی خودمان را به آنها و مردم خودمان بهتر بشناسانیم و به دوستانم سپردم که اگر کسی را می‌شناسند که می خواهد در ارتباط با قهرمانان‌ها ملی خودمان نمایشگاه بگذارد ، من آماده به همکاری و در اختیار گذاشتن گالری‌ام هستم. دوستی به نام آقای ســـپاهی دارم که پشت سفارت روسیه قاب عکس می‌سازد و او با آقای خجسته که خود از پیشکسوتان کشتی است ، دوست بود و او را به بنده معرفی کرد و این شد که بنده از دل و جان تمامی امکانات هر چند ناچیز گالری را در اختیارش گذاشتم.

سال ۹۲ اولین نمایشگاهی از عکس‌های تختی درگالری شیث برگزار شد که با استقبال بسیار خوبی همراه بود و حتی همدوره‌ای‌های مرحوم تختی که در قید حیات بودند به این نمایشگاه آمدند. در همان سال آقایی به نام «آرش تنهایی» که نمایشگاه گردان نمایشگاه گروهی «جهان پهلوان» در گالری «شیرین» بود به سراغ من آمد و از بنده خواست که تصاویری ازاین نمایشگاه را به او دهیم تا نقاشانی که قرار است در نمایشگاه گالری شیرین شرکت کنند از روی این تصاویر نقاشی بکشند و حدود ۱۰۶ عکس را انتخاب کرد . با برگزاری نمایشگاه گالری شـــیرین و پس از دیدار از آن متوجه شـــدم چنانکه باید هنرمندان شخصیت و مرام تختی را درک نکرده و به تصویر نکشیده اند، این شد که دوباره تصمیم گرفتم نمایشگاه دیگری را برگزار کنم که این بار مصادف با ســـالگرد تولد تختی، پنجم شهریور باشد .

یحیایی هـــدف از برگزاری نمایشـــگاه عکس‌هـــای تختی را چنین بیـــان می کند: می خواســـتیم با برگزاری این نمایشگاه اخلاقیات پسندیده گذشـــته مان را برای جامعه و جوانان امروز یادآوری کرده و بشناسانیم ، این که ما چه هویتی و چه تمدن انسانی داشتیم. دنیا به پهلوان تختی افتخار می‌کند اما متأســـفانه نسل جوان ما شاید فقط اسم او را شنیده باشد و حتی یک عکس هم از او ندیده باشـــد. به دلیل ارتباطات جهانی سهل و آسان هدایت شده ،اخلاقیات در جامعه امروز ما سست و کمرنگ شده است. متأسفانه با وجود وسایل ارتباط جمعی جدیدی که امروزه در دســـت جوانان به وفور دیده می شود و آنقدر جذابیت بـــرای آنان ایجاد کرده که حتی تا لحظه خواب و در رختخواب هم این وسایل را با خود همراه دارند، دیگر وقتی برای شناسایی قهرمانان با اخلاقی مانند مرحوم تختی برای آنها باقی نگذاشته . با این وسایل، نه تنها جوانان ما شستشوی مغزی می‌بینند که به تمامی معنا و بدون پشتوانه فکری از آنان یک مصرف‌کننده صرف می‌ســـازد. اینها دغدغه‌ها و دردهای امروز ماست.



عباس خجسته یاد ،شیث یحیایی



گفت و گو با «پیتر تیلر» سفیر سوئد به بهانه برگزاری هفته فرهنگی نوردیک در خانه هنرمندان ایران

از نمایش آثار هنرمندان ایرانی در سوئد استقبال می کنیم

حمیدرضا یوسفی

هفته فرهنگی نوردیک با حضور چهار کشور نروژ، سوئد، دانمارک و فنلاند از ۱۷ تا ۲۶ خرداد در خانه هنرمندان ایران برگزار شد. در این هفته فرهنگی آثاری در زمینه هنر های تجسمی، ادبیات، سینما و... از سوی کشور های نوردیک برای مخاطبان ایرانی به نمایش در آمد. به همین منظور با «پیتر تیلر» سفیر سوئد درباره چرایی برگزاری این هفته فرهنگی و روز فرهنگی سوئد در ایران به گفت و گو نشسته ایم که در ادامه از نظر می گذرد.

***می خواستم سؤال اولم را به این موضوع اختصاص دهم که هدف کشور های نوردیک از برگزاری این هفته فرهنگی در ایران چیست؟**

ــ دلایل بسیار زیادی برای برگزاری هفته فرهنگی نوردیک در ایران وجود دارد، اما یکی از دلایل مهمی که در اینجا می توانم به آن اشاره کنم این است که ما احساس کردیم کشور های اروپای شمالی و یا همان کشور های نوردیک باید شناخته شوند، تا مردم دیگر کشور ها در نقاط مختلف دنیا شناخت خوب و درک درستی از این کشورها داشته باشند.

به همین منظور سعی کردیم با همکاری یکدیگر این هفته فرهنگی را در ایران برگزار کنیم اگرچه این چهار کشور این هفته فرهنگی را در کنار یکدیگر برگزار کردند اما هر یک از این چهار کشور فرهنگ و هنر مستقل به خود را دارد که این موضوع خود نشانگر تفاوت و تمایز عمده میان آنهاست. برگزاری این هفته فرهنگی نشان می دهد که ما اگرچه از یک منطقه جغرافیایی هستیم و با یکدیگر شباهت های بسیاری داریم، اما از داخل با یکدیگر متفاوت ایم و هر یک دارای ویژگی ها و آثار هنری و فرهنگی مختص به خود هستیم.

***اما اگر به طور خاص بخواهیم به سوئد بپردازیم ، می خواستم بدانم هدف سوئد از حضور در این هفته فرهنگی چه بود؟**

ــ هدف ما از برگزاری روز فرهنگی سوئد و به ویژه نمایشگاهی که در ایران برگزار کردیم، اگرچه با محدودیت مکانی و زمانی مواجهه بودیم و نمی توانستیم خود را آن طور که می خواهیم در بعد های مختلف به نمایش بگذاریم، با این حال بر روی سه نکته متمرکز بود: نخست به غیر از تصاویری که مربوط به طبیعت سوئد است و از اهمیت بسیار زیادی برای شناخت این کشور برخوردار است، تلاش کردیم تصاویر دیگری از جامعه سوئد را نیز به نمایش بگذاریم، تصاویری که برای نمونه نشان می دهد زن ها سر کار می روند و این مرد ها هستند که در خانه می مانند و از فرزندان مراقبت می کنند و تصاویر دیگری که نشانگر وجوه مختلف زندگی در کشور سوئد است.

دومین مورد، موضوع طراحی در سوئد است. دو نمونه از طراحی منحصر به فرد در سوئد، طراحی شیشه و طراحی مبلمان است که ما تلاش کردیم در این نمایشگاه این نمونه ها را به نمایش بگذاریم. صندلی هایی در این نمایشگاه برای مخاطبان به نمایش گذاشته شدند، که قدمت طراحی آن ها بیشتر از ۸۰ سال است. دو مدل از این صندلی ها با تکنیکی منحصر به فرد که به مربوط به گذشته است ساخته شده اند.

تاریخ ساخت این صندلی ها اگرچه قدیمی است اما تکنیکی که در ساخت آنها مورد استفاده واقع شده است، آنها را تبدیل به صندلی هایی کرده که حس راحتی هم چنان بعد از گذشته سال با نشستن بر روی آنها حس می شود و در نهایت هدف سوم ما از برگزاری این نمایشگاه و روز فرهنگی سوئد در این مجموعه، معرفی ادبیات کودکان سوئد است. آنچه که این ادبیات را با دیگر ادبیات مربوط به کودکان در سایر نقاط دنیا متمایز می کند، خصوصیت واقعگرایی آن است؛ به طوری که این ادبیات به جای آن که کودکان را با شاه، پری و افسانه و اسطوره آشنا کند، با نکته ها و مسائل مهمی که یک کودک در دوران بزرگسالی خود با آنها مواجهه می شود، آشنا می کند.

این ادبیات از داستان های واقعی زندگی صحبت می کند، داستان هایی که یک کودک در فرآیند رشد خود با آن ها درگیر می شود، برای مثال کودکی که مادر خود را از دست می دهد و می آموزد در تنهایی چگونه با بیماری خود مقابله و از خود مواظبت کند. این نوع ادبیات، شخصیت کودکان را برای زندگی آینده آماده می کند. از سوی دیگر موضوع حقوق کودکان نیز در این ادبیات مطرح می شود که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

***سینما و ادبیات سوئد به ویژه سینمای سوئد در میان ایرانیان شناخته شده است، چرا بیشتر به این دو موضوع در این هفته فرهنگی نپرداختید؟**

ــ از اینکه سینما و ادبیات سوئد در ایران و به ویژه در میان جوانان شناخته شده ، خیلی خوشحال هستم. درباره سینما باید به این موضوع اشاره کنم که ما علاقه بسیار زیادی داشتیم که در این هفته فرهنگی به سینما نیز بپردازیم، اما متاسفانه با مشکلاتی روبرو شدیم. ما حدود ۲۰ فیلم برای نمایش انتخاب کردیم اما دقیقاً نمی‌دانستیم که این فیلم ها باید چگونه باشند و چه ویژگی هایی داشته باشند.

به همین دلیل بخش هایی از این فیلم ها با حذف همراه شد و این وضعیت به موضوع و شاکله اصلی فیلم ها لطمه وارد کرد و در نهایت ما تصمیم گرفتیم این فیلم ها را با این شرایط به نمایش نگذاریم و با وجود احترامی که به قوانین ایران قائل ایم اما تهیه کنندگان یک فیلم مایل به حذف بخش هایی از فیلم شان نیستند چون فیلم نیز مانند هر اثر هنری دیگر دارای انسجامی است و اگر بخشی از آن را حذف کنیم انسجام هنری خود را از دست می دهد.

***امروز جمعیت زیادی از ایرانیان مقیم سوئد هستند و در آنجا زندگی می کنند، آیا ایرانیان نقشی در عرصه فرهنگ و هنر سوئد دارند؟**

ــ ایرانیان بسیاری در سوئد زندگی می کنند، این روند مهاجرت به سوئد همچنان نیز ادامه دارد و امسال ما تاکنون حدود ۲۵۰۰ اجازه اقامت در سوئد صادر کرده ایم. در این میان فرهنگ و هنر سوئد از حضور ایرانیان بهره کمی نبرده است، ما امروز در سوئد در زمینه های مختلف هنری از جمله تئاتر، سینما، ادبیات، موسیقی، هنر های تجسمی و... شاهد حضور ایرانیان هستیم و از این بابت بسیار خوشحالیم. برای نمونه باید اشاره کنم ، امروز در سوئد نویسندگانی داریم که همزمان به دو زبان سوئدی و فارسی و برای هر دو مخاطب خود کتاب می نویسند و این موضوع برای ما بسیار اهمیت دارد.

***به نظر شما روابط فرهنگی و هنری میان دو کشور، می تواند تاثیری در روابط سیاسی این دو داشته باشد؟**

ــ باید به این موضوع توجه داشت که مساله سیاست را سیاستمداران دنبال می کنند و مساله هنر و فرهنگ را هنرمندان و دوستداران هنر و البته بخش خصوصی. این دو زیاد با یکدیگر ارتباطی ندارند و همواره دیواری بین این دو وجود دارد. فکر نمی کنم که روابط فرهنگی تاثیر عمیقی بر روی روابط سیاسی داشته باشد. در مورد ایران و سوئد، این دو کشور نه فقط در زمینه روابط فرهنگی بلکه این دو در زمینه روابط سیاسی نیز تاکنون با یکدیگر روابط بسیاری خوبی داشته اند. از سوی دیگر فرهنگ و هنر بیشتر در اختیار مردم است و سیاست نمی تواند در مسائل فرهنگی و هنری نقش پررنگی داشته باشد.

***چرا خانه هنرمندان ایران را برای برگزاری هفته فرهنگی نوردیک انتخاب کردید؟**

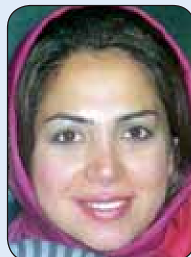
ــ ما از گذشته با خانه هنرمندان ایران همکاری داشته ایم و با این خانه و فعالیت های آن آشنا بودیم. هدف اصلی ما از برگزاری این نمایشگاه جوانان بودند. با توجه به اطلاعاتی که داشتیم، تجمع جوانان در مرکز شهر تهران بیشتر است و خانه هنرمندان ایران هم که در مرکز شهر قرار گرفته است و این فرصتی بود تا این هفته فرهنگی در خانه هنرمندان برگزار کنیم.

***به عنوان سؤال آخر، با توجه به روابط فرهنگی بین دو کشور و حضور هنرمندان سوئد در ایران، آیا امکانی برای حضور هنرمندان ایران در سوئد نیز وجود دارد؟**

ــ همان طور که ما در ایران آثار هنری خود را به نمایش گذاشتیم، هنرمندان ایرانی نیز این فرصت را دارند تا در سوئد هنر ایران را برای ما به نمایش بگذارند، قطعاً این موضوع هم مانند بازی فوتبال دوستانه ای که بین ایران و سوئد در ابتدای همین سال برگزار شد، مخاطبان بسیار زیادی خواهد داشت و ما نیز قطعاً از این موضوع استقبال می کنیم.

نامه به شازده کوچولو

وجیهه تیموری



سلام شازده کوچولو، مسافر کوچکی که در کودکی های من با ستاره ای بر گردن، به زمین آمدی و رز زیبایت را تنها گذاشتی تا راز سیاره مرا کشف کنی. تو را با آن دردل هایت با روباه و آخر قصه ات را خوب به یاد دارم که چگونه زمین را ترک و ما بچه ها را دلگیر کردی. حالا که بزرگ شده ام، معنای زمین و زندگی در دنیای آدم بزرگ‌ها را جور دیگری می فهمم. آدم ها وقتی بزرگ می شوند، فراموش کار می شوند ولی خوب یاد می گیرند برای هر چیزی «روز» مشخص کنند و همان یک روز در مورد آن حرف بزنند. مثلا این روزها، می خواهند برای اهمیت دادن به زمین و پاکی و پاکیزگی آن، لباس رسمی بپوشند و جلوی دوربین ها و بلندگوها بیایند و از آمار خرابی ها و بی مسوولیتی هایشان حرف بزنند.

تو هم این چیزها را دیده بودی که از زمین رفتی و آن حرف ها را زدی و با آن زبان کودکانه به ما گفتی آدم بزرگ ها ارقام را دوست دارند و اگر به آن ها بگویید «من خانه زیبایی دیدم که پشت بامش کبوتران می پریدند» نمی توانند آن خانه را مجسم کنند، اما اگر بگویید«یک خانه صدهزار فرانکی دیدم» آن وقت به بانگ بلند خواهند گفت: به به! چه خانه قشنگی!!

آه شازده کوچولو، من همین طور کم کم به زندگی محدود و غم انگیز تو پی بردم. تو که مدت ها به جز لطف غروب های خورشید تفریح دیگری نداشتی. آدم وقتی زیاد دلش گرفته باشد غروب خورشید را دوست دارد. من هم این روزها دلم خیلی می گیرد اما غروب خورشید را نمی بینم. چون اسیر پنجره های بسته و پرده های کشیده ام.

نگاه کن! زمین دیگر خیلی سبز و قشنگ نیست و آدم ها دیگر وقت شناخت هیچ چیز را ندارند.آنها چیزهای ساخته و پرداخته از دکان می خرند، اما چون کاسبی نیست که به دوست بفروشد، بی دوست مانده اند! زمین جای کسانی شده است که «نان» می فروشند و می خورند، اما گندمزار را دوست ندارند و به فکر تشنگی ساقه های طلایی خرمن ها نیستند. زمین جای مردمانی شده است که همه چیز را «اهلی» می کنند اما نه برای دوست داشتن، بلکه برای «نزدیک شدن» و استفاده کردن از آن.

می دانی از وقتی تو از زمین رفته ای، چند دریاچه و رودخانه خشک شدند؟ چند کوه و دامنه سوراخ شدند تا تونل ها و جاده ها، صورتشان را زخمی و زشت کنند؟ می دانی کمر خیلی درخت ها شکست و خیلی جنگل ها دشت شدند و خیلی دشت ها شهر شدند و خیلی شهرها، کثیف و آلوده شدند تا بچه‌های کمتری در باد بدوند و بادبادک بازی کنند؟ می دانی خیلی نیزارها بریده شدند تا آدم ها با توپ و تفنگ وسط آن زمین ها با هم بجنگند و بچه ها، هوای آلوده به گلوله و سم تنفس کنند و ماهیان در آب های گل گرفته، به جای حباب های هوا، خودشان روی آب بیایند؟

می دانی از خیلی حیوانات فقط عکسشان باقی ماند و از عکسشان، پوسترها درست شد تا آدم بزرگ ها، دور صندلی ها بنشینند و درباره این که چرا این حیوانات از بین رفته اند حرف بزنند و بعد از جلسه هم کاغذ امضا کنند و آبمیوه بخورند؟

مهمان زمین! از آن بالا به کره خاکی ما و به کوه های زباله ای و پلاستیکی، به آسمان خاکستری و پرغبار، به زمین های خراشیده و خشک، به کودکان بدون اسباب بازی و پروانه، به حیوانات جدا مانده از طبیعت، به رودخانه ها و رگ‌های تشنه زمین، به درختان سوخته و قهوه ای نگاه کن و بگو امسال، برای هفته گرامیداشت زمین پاک در سرتاسر سیاره مان، عکس زمین را قهوه ای و سیاه چاپ کنیم یا باز هم بدهیم سبز و رنگی نقاشی کنند؟



به انگیزه ۲۷ شهریور؛ روز بزرگداشت استاد شهریار

سریال شهریار و ذکر یک توضیح

محمدرضا ممتازواحد

مؤانست و رفاقت صبای موسیقیدان و شهریار مُلک سخن، دیگر بر کسی پوشیده نیست. دو هنرمندی که یار گرمابه و گلستان هم بودند و چه بسیار تَأثیرها و تأثرهای متقابل که نه تنها وجوه شخصیتی آن دو، بلکه شعر و موسیقی این دیار را متأثر ساخت.

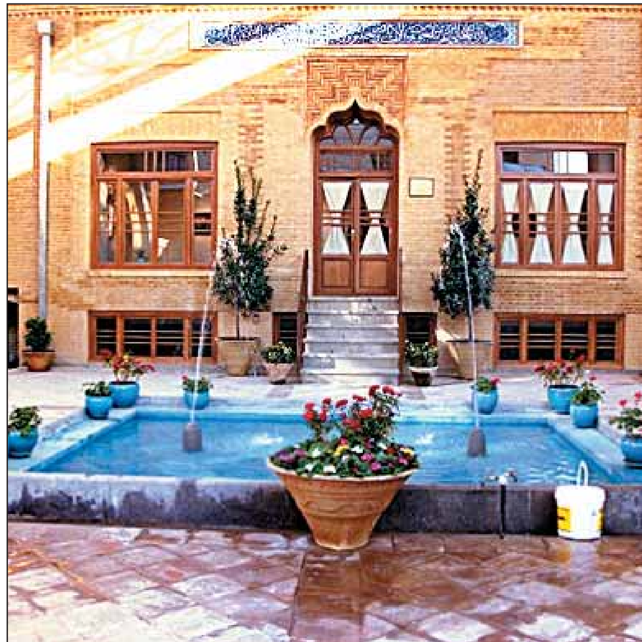
در بازپخش مجدد سریال شهریار از شبکه آی فیلم در زمستان سال گذشته نکته ای نظرم را برانگیخت. در گریم بازیگر نقش صبا اشکالات عجیبی به چشم می خورد. صبا (متولد ۱۲۸۱ ه.ش) و شهریار (متولد ۱۲۸۵ ه.ش) تقریباً هم سن و سال هم بودند ولی چهره ای که از صبا در مقابل شهریار جوان در سریال می بینیم، چهره انسانی میانسال است. در ضمن با رجوع به آرشیو عکس های هنرمندان، صبا در دوران جوانی لاغراندام بوده و آن هیبتی که در سریال و آن هم در سنین جوانی نمایش داده شد، تحقیقاً چهره و اندام سنین میانسالی استاد صبا را در برمی گیرد که قدری چاق تر و فربه تر از ایام جوانی‌اش شده بود. حال فارغ از مباحث گریم و چهره پردازی، دیالوگ های رد و بدل شده بین این دو بازیگر هم خالی از اشکال نبود. نحوه صحبت صبا با شهریار نوعی لحن نصیحت و پندآموزی را تداعی می کند که فردی سالخورده، جوانی را اندرز می دهد و از مرگ و خاموشی سازش و ماندگاری شعر شهریار سخن می گوید که البته نگارنده معتقد است دو هنرمند مذکور در آن مَقطع زمانی که به سنین بیست و یکی دو سالگی هم نمی رسیدند؛ در نهایت حزن و اندوه و غم، باز هم سری پر شور و حال و دلی پر غوغا و پر امید داشتند. یا خجالت شهریار از بیان عشقش به ثریا که آن را از صبا مخفی می کرد، در صورتی که با مراجعه به تاریخ در می یابیم که آن دو با هم بسیار صمیمی تر از آن چیزی بودند که در این سریال نمایش داده شد. اتفاقاً جالب است بدانید در خصوص ازدواج صبا با همسرش، نقش شهریار تا به چه حد پررنگ بوده است. خانم فروغ بهمن پور نویسنده و پژوهشگر موسیقی، سال ها پیش در کتاب «زمزمه های پایدار» با منتخب صبا (همسر استاد صبا) مصاحبه ای انجام داد که در قسمتی از آن آمده است: « ... خانواده مادرم سخت مخالف این وصلت بودند. مادرم پیغام فرستاد که دیگر صبا به خانه ما نیاید. وقتی پیغام مادرم به او رسید، شتابان به منزل ما آمد تا آقاصدر را ببیند. ولی او خود را پنهان کرد. صبا خیلی ناراحت و پریشان، از خانه ما رفت. بعدها گفت که آن روز ناامید و مأیوس در خیابان ناصرخسرو قدم می زدم که محمدحسین (همان استاد شهریار) را دیدم و تمام ماجرا را برای او تعریف کردم. شهریار گفت که نامه ای به آقاصدر بنویس و بگو که چقدر به این دختر دل بسته ای ... نامه به منزل ما رسید. اثر چند قطره اشک صبا روی آن به خوبی محسوس بود. بالاخره وساطت استاد شهریار و سماجت من و صبا کار خودش را کرد و ازدواج ما در سال ۱۳۱۰ خورشیدی انجام شد ... شاید بتوان عشق این دو [صبا و شهریار] را پیوند شعر و موسیقی تعریف کرد. آن دو در جوانی دست برادری به هم داده بودند. حتی یک روز هم از هم جدا نشدند ... او عاشق فرزندانم بود. با تولد هر کدام از آن ها، شهریار غزلی می سرود. در مرگ صبا غزلی با این مطلع برای من نوشت: ای منتخب بعد از صبا چه می کنی؟» (چاپ اول ۱۳۷۸/ صص ۴۰۴– ۴۱۷)

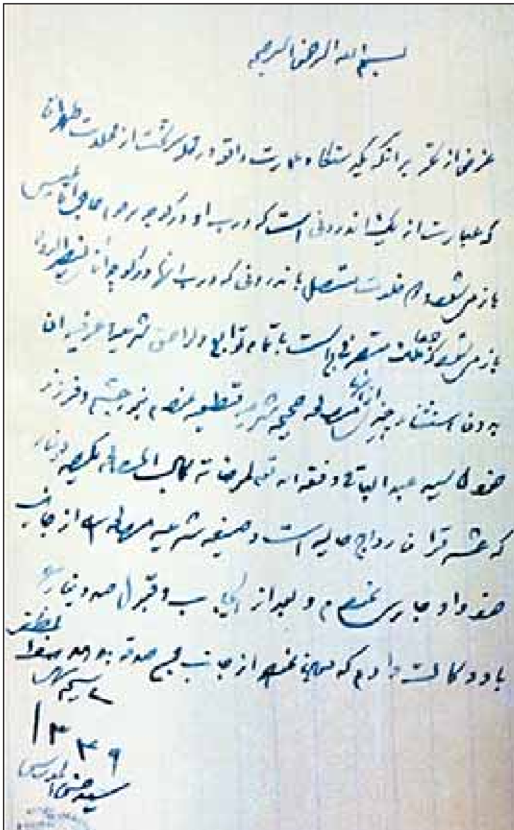
البته خدمات و زحمات و مطالعات و پژوهش های عوامل و دست اندرکاران این اثر ماندگار به خصوص شخصیت ارجمند جناب آقای کمال تبریزی غیر قابل انکار است. به عنوان نمونه، تصویری که از عارف قزوینی به نمایش درآمد بسیار نزدیک به اصل بود. از انتخاب بازیگر گرفته که مرحوم استاد احمد آقالو به زیبایی از عهده آن برآمد تا گریم هنرمندانه و دیالوگ های زیبا و تمامی ظرایف و دقایقی که هر چه بیشتر و بهتر وجوه شخصیتی عارف قزوینی را نمایان می ساخت. بازی شاعرانه اردشیر رستمی که به زیبایی نوجوانی و جوانی شهریار را به تصویر کشید نیز در یادها و خاطره ها باقی ماند. ولی ضمن احترام و تقدیر از عوامل محترم این سریال، جای آن بود که به وجوه شخصیتی شهریار به ویژه از منظر «موسیقی» و ارتباط گسترده ایشان با رجال موسیقی آن دوران بیشتر و بیشتر پرداخته می شد.

امید است کارگردانان و تولیدکنندگان آثار سینمایی و تلویزیونی در خصوص مباحث موسیقایی در آثارشان با پژوهشگران و مورخین موسیقی مشورت بیشتری نمایند که در برخی از آثار تولیدی، اشتباهات تاریخی فاحشی به چشم می خورد. مثلاً در سری دوم سریال زیبای کارآگاه علوی که مقطع زمانی داستان، اواخر دهه بیست و اوایل دهه سی را در برمی گرفت؛ در سکانسی صدای جمال وفایی به گوش می رسید، در صورتی که وفایی هنرمند دهه چهل بوده و اصلاً در آن ایام فعالیت هنری نداشته است. این که سی دی «پنجاه سال موسیقی ایرانی» را که اینک در کنار پیاده روهای خیابان هم به فروش می رسد را در قسمت های خالی سریالی گنجانده و در سکانس های مختلف، ترَک (track) به ترَک آن را پخش کنند، کار جالب و کارشناسانه ای نیست! البته مجموعه تلویزیونی کارآگاه علوی نیز از معدود آثار به یادماندنی و شاخص چند دهه اخیر تلویزیون بوده و تحقیقات و مطالعات و خلاقیت عوامل پژوهشی این مجموعه نیز قابل احترام و ستودنی است.



آیت‌الله مدرس در کنار فرزندش حجت‌الاسلام سیدعبدالباقی مدرس





بسم الله الرحمن الرحیم

احیاء خانه شهید مدرس پس از هشتاد سال

دارالقرآن امام علی(ع) ۴ سال پیش نیز بیت شریف آیت‌الله علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان را در قم خریداری و احیاء کرد.

خانه شـــهید مدرس بعد از گذشـــت قریب هشتاد سال از شـــهادت این عالم مجاهد و پس از آنکه سالها این خانه مخروبه گشته و غیر قابل استفاده شده بود، سال گذشته به همت دارالقرآن امام علی(ع) خریداری و در مدت زمانی حدود ۹ ماه مورد مرمت و بازســـازی قرار گرفت و هم اکنون این خانه مصفا روحی تازه یافته تا پذیرای علاقمندان و ارادتمندان شهید مدرس شود.

مرتضی نجفی قدسی مدیر دارالقرآن امام علی(ع) با اظهار این مطلب گفت: این خانه که درقلب بافت قدیمی محله تاریخی «عودلاجان» تهران در نزدیکی سرچشـــمه قراردارد، سالها محل زندگی این شهید والامقام بوده و بسیاری از ملاقاتها و دیدارهای سیاسی و اجتماعی شهید مدرس در این مکان بوده است و علاوه بر اینها کرســـی درسی در بخشـــی از آن وجود داشته که شهید مدرس به طلاب علوم دینی تدریس علوم حوزوی و تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه داشته است.این قسمت از خانه که در حکم بیرونی منزل بوده و حیاط مستقلی داشته و درب جداگانه‌ای هم دارد، در بالای آن حدیث شریف نبوی «انا مدینه العلم و علی بابها» بر کاشی بالای آن نقش بسته است.

به هرحال این خانه خاطرات فراوانی دارد و بســـیاری از بزرگان، نمایندگان مجلس و رجال سیاســـی از داخل و خارج به منظور دیدار و ملاقات شهید مدرس به آنجا رفت و آمد داشته‌اند، حتی حضرت امام خمینی(رض) که در آن زمان، جوانی برومند بوده اند، به این خانه بارها رفت و آمد داشـــته و با شهید مدرس ملاقات‌هایی داشته‌اند.

وی گفت: حضرت امام خمینی همیشـــه بر حفظ نام و یاد شهید مدرس تأکید داشـــتند و برهمین اساس به آیت‌الله واعظ طبسی مأموریت دادند تا آســـتان قدس رضوی نسبت به احیاء مقبره ایشـــان در کاشمر اهتمام ورزد و آستان قدس نیز به حق اثر ارزشـــمندی را در آن مکان بنا نهاد و یادمان شهید مدرس در آن محل شهادت ایشان به نحو شایسته‌ای احیاء گردید.

وی افزود: در تهران، تنها جایی که منتسب به شهید مدرس بوده است، منزل وی در محله عودلاجان بود که مخروبه گشته و سالها به آن بی توجهی می‌شد، علیرغم آنکه الگوی امام خمینی در نهضت و انقلاب اسلامی شخصیتی مانند شهید مدرس بود که با شهامت تمام در مقابل دسیسه‌های استعمارگران و وطن‌فروشان خائن ایستادگی می‌کرد.

مرتضی نجفی قدسی مسئول دارالقرآن امام علی(ع) که خانه شهید مدرس یکی از شعبه‌های این دارالقرآن نیز شده است، بیان کرد: همانطور که شهید مدرس سیاست و دیانت را با هم ممزوج کرده بود و آن جمله مشـــهور از ایشان است که «سیاست ما عین دیانت ماســـت و دیانت ما عین سیاست ماست» سعی کرده‌ایم تا در این خانه هر دو بعد سیاسی و دینی شهید مدرس را به نمایش بگذاریم، از همین رو بخشی از این خانه به عنوان موزه که نمایانگر مجاهدت‌ها و مبارزات سیاسی شهید مدرس با استعمار و استبداد است به نمایش گذاشـــته میشود و بخش دیگری از این خانه که محل درس و بحث علمی، حوزوی و تفسیری شهید مدرس بوده به عنوان دارالقرآن مورد استفاده قرار می گیرد.

وی افزود: شهید مدرس نسبت به قرآن اهتمام خاصی داشت به طوری که در وصیتی به فرزندش سید عبدالباقی، در پشت جلد قرآن مینویسد: «فرزندم نماز را با قرآن خواندن هیچ گاه ترک نکن، پدر و مادر را دعا کن و در زندگی خود قناعت کن.»

مدیر دارالقـــرآن امام علی(ع) اضافه کـــرد: حضرت امام خمینی که همواره نســـبت به شـــهید مدرس اظهار ارادت و علاقه نموده و توصیفات بســـیاری در وصف این شهید بزرگوار فرموده‌اند، در جمله‌ای بســـیار زیبا شهید مدرس را یک انسان قرآنی معرفی می کننـــد، آنجا که می‌فرمایند: «یک آدم اگر موافق تعلیم قرآن درســـت شود، یک وقت می‌بینید که یک «مدرس» از کار درمی‌آید.»

نجفی قدســـی گفت: آیت الله شـــهید مدرس به موازات مجاهدتها و مبارزات ضد اســـتعماری و ضد استبدادی، از شان علمی، روحانی و معنوی خاصی در حوزه‌های علمیه برخوردار بود، ایشـــان در جوانی از جمله شـــاگردان عـــارف و مجتهد عظیم‌الشان مرحوم میرزاجهانگیرخان قشـــقایی بودند که این عالم بزرگ از اعاظم علمای مهذب و مشـــهور در اصفهان بود و در فقه، اصول، عرفان و اخلاق شهرت داشتند، درک حضور این عالم وارسته و همچنین حضرات آیات سید محمدباقر درچه‌ای و شـــیخ مرتضی ریزی نیز در حوزه اصفهان برای مرحوم شهید مدرس بســـیار مغتنم بود، وی پس از آن به نجف اشرف مشرف شـــده و در نزد آیات عظام و مراجع عظیم الشان آن دوران یعنی حضرات آیات میرزای شـــیرازی بزرگ (صاحب فتوای تنباکو)، آخوند خراسانی و سید محمدکاظم طباطبایی یزدی فیض برده و به دریافت اجازات اجتهادی نائل آمد.

مدیر دارالقرآن امام علی(ع) افزود: شـــهید مدرس پس از مراجعت به ایران مدتی در حوزه علمیه اصفهان در مدارس جده بزرگ و جده کوچک به بیان فقه، اصول، حکمت و کلام و تدریس نهج‌البلاغه می‌پردازد که حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی از کسانی بودند که در درس نهج البلاغه ایشان شرکت می‌کردند و ازجمله شاگردان ایشان محسوب می‌شدند.

وی افزود: مرحوم شهید مدرس بنا به تایید و سفارش مراجع عظام نجف اشـــرف، ابتدا به عنوان یکی از پنج مجتهد طراز اول که وظیفه نظارت بر قانون اساسی مشروطیت را داشتند، انتخاب گردیدند و پس از آن پنج دوره نمایندگی مردم تهران را در مجلس شورای ملی بر عهده داشتند. شرح مبارزات ایشان با نفوذ بیگانگان مخصوصا روس و انگلیس در جریان قرارداد ننگین وثوق الدوله که در سال ۱۲۹۸ قصد داشتند بخش اعظمی از شمال ایران را به روسها و بخشـــهای جنوبی را به انگلیس و تنها بخش کویری را برای ایران باقی گذاشته بودند، بسیار مهم و حائز اهمیت است.

وی اضافه کرد: طبق اسناد تاریخی دولت انگلیس با پرداخت مبلغ چهارصد هزار تومان به وثوق‌الدوله و دو وزیر همدست او، قصد داشت با اجرای قرارداد ننگینی ایران را به سه قسمت تقسیم کرده و موجودیت کشـــور ایران را از بین ببرد که با مخالفت‌های شدید شهید مدرس روبرو شدند و بیانات افشاگرانه و روشنگرانه این شـــهید بزرگوار در مجلس شورای ملی آن زمان موجب شد تا نمایندگان به مخالفت با این قرارداد برخاســـته و نگذارند که اساس کشور ایران بر باد رود، گرچه دولت انگلیس، یکسال پس از سرخوردگی از این توطئه ننگین، طی کودتایی رضاخان قلدر را در سال ۱۲۹۹ بر کشور ایران مسلط کرد و از آن پس صفحات سیاهی را در تاریخ ایران مسبب شد.

وی گفت: این خانه در عین حال که محل زندگی شـــهید مدرس بود، برکات علمی و معنوی ایشـــان را نیز با هم داشت. ما پس از آنکه باخبر شدیم ســـازمان میراث فرهنگی سال‌ها است که می‌خواهد این خانه را مرمت کند، اما بودجه ندارد با مدیرکل میراث فرهنگی استان تهران صحبت کرده و اعلام آمادگی کردیم که این خانه را در تملک قرار داده و مرمت کنیم.

نجفی قدســـی با بیان اینکه مؤسسه دارالقران امام علی(ع) ۴ ســـال پیش هم خانه مرحوم علامه طباطبایی صاحب تفسیر گرانقدر المیزان را در قم خریداری و طی یک ســـال مرمت کرده است، ادامه داد: شهید مدرس در تبعیدگاه خود نامه‌ای به فرزندش سید عبدالباقی نوشته و این خانه را به پسرش واگذار کرده بود، که ما متن آن را در سایت دارالقرآن نیز قرار داده‌ایم.

وی اضافه کرد: این خانه تا ســـال ۱۳۲۵ در اختیار مرحوم سید عبدالباقی فرزند شهید مدرس بوده و پس از آن وی این خانه را به مرحوم سید احمد کتابچی، ناشـــر کتاب فروشی اسلامیه میفروشد.

وی گفت: سازمان میراث فرهنگی این ارتباط را برقرار کرد تا بتوانیم با ورثه مرحوم ســـید احمد کتابچی مذاکره کرده و این خانه را بخریم، که بالاخره یک ســـال و نیم پیش طی بازدیدی که در روز مشروطیت به همراه مؤسس دارالقرآن از این خانه داشتیم، بسیار راغب گشتیم تا به منظور حفظ یادمانی برای شهید مدرس و ترویج افکار و ایده‌های این مجاهد بزرگ این مکان را پس از آنکه بسیار مخروبه شده بود، از ورثه مرحوم کتابچی خریداری و پس از آن مراحل مرمت و بازســـازی این خانه تحت نظر کارشناسان میراث فرهنگی با سرعت در مدت ۹ ماه انجام شد.

وی در خصوص اشـــیاء و اسناد به نمایش گذاشته شده در این خانه گفت: از جمله استاد گرانقدری که از شهید مدرس باقی مانده دلنوشـــته‌های ایشان در زندان خواف بوده که آن هم منتشر شده و دست‌نوشته‌های ایشـــان را نتیجه دختری شهید مدرس به مرکز ملی اسناد کشـــور تحویل داده و ما کپی آن را به نمایش گذاشتیم.

وی افزود: به منظور تقریـــب ذهنی بازدیدکنندگان با دوره شهید مدرس، بخشی از اشیای آن دوره و تندیس‌های مربوط به ایشان و شخصیت‌هایی که با شهیدمدرس ملاقات میکردند را در این خانه به نمایش درآوردیم.

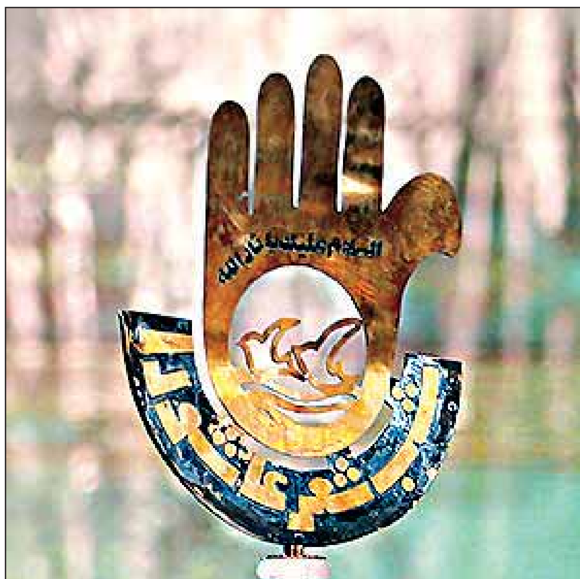


چهارشنبه ۱۳۹۴/۸/۲۰

آذربایجان

دکتر احمد احمدی

خـــاک آذربایجـــان، ای ســـرزمین افتخار
ای به دیـــن مرزداران مرزداری ســـر به دار
ای هوایت عنبرآگین، باغ و راغت مشـــکبیز
جویبارت مشـــکبار و کوهســـارت مشکسار
راســـخ و نستوه و بشکوه و ســـتبر و سرفراز
راســـت چون ســـرو تناور، در گذار روزگار
افسری بر فرق دانش، چون تو را علامه‌هاست
سروری بر چامه‌ســـازان زانکه داری شهریار
راست گفتندم که: ایران پیکر و این خطّه سر
دارم این دُرّ گرانســـنگ از نیـــاکان یادگار
آن امام راســـتان خواندت هماره پیشـــتاز
وه‌چه‌خوش‌نامی،به‌بهین‌فخری‌چوزمزم‌خوشگوار
در ملایـــر یافتـــم نشـــو و نما، امـــا دلم
می‌زند پیوســـته پـــر با نام و یـــاد آن دیار
هر کجا نقش هنر، دســـت تو در آن نقشبند
هر کجا رنگ شـــرف، رنگ تو بر آن آشـــکار
فارسی همواره رنگ و روی و رونق از تو داشت
حجتـــم: خاقانی و صائب، نظامی، شـــهریار
بوســـه بر کوه و در و دشتت زنم، وین بوسه را
می‌ســـتایم زانکه دارد زاوســـتادم یادگار
راد زی، آبـــاد زی، وز هـــر غمـــی آزاد زی
تا دماوند و ســـبالان و ســـهند است استوار
اولین دُرّ ســـفتنم در چامـــه در مدح تو بود
زیبـــدم گر آفریـــن آید ز عـــرش کردگار



شنبه ۱۳۹۴/۹/۷

به مناسبت سی‌امین سال برگزاری شب شعر عاشورای شیراز

با نای نی

افشین علا

به قربانگاه بردی حسن و شور و ناز را ای سر
نهان کردی در آن گودال صدها راز را ای سر
چه گودالی که قاف عشق کوتاهست در نزدش
به بـــال جبرئیل آموختی پرواز را ای ســـر
چنان زیبا تو با نای نی قرآن به نی خواندی
که بردی از نیســـتان‌ها دل آواز را ای ســـر
بیا بر نیزه‌ات یک ســـر به بزم شعر عاشورا
ببین این شـــاعرانِ با غمت دمساز را ای سر
بیا از خیمه پرشـــور مهمانان شـــیرازت
ببر هر قد خواهی عاشـــق جانباز را ای سر
چراغ شعر سی سال است در این خیمه می‌سوزد
به تعداد شـــهیدانت بیار ایجاز را ای ســـر
بیا این جمع را با خود ببر سوی خیام امشب
مقیم کربلا کن مردم شـــیراز را ای ســـر

آذر ۹۴ شیراز

چهارشنبه ۱۳۹۴/۹/۴

پناه و ضامن امنیت تمامی مایی

افشین علا

تقدیم به سربازان گمنام امام زمان(عج) که شاید گاهی فراموش می‌کنیم امنیت ما و کشورمان در جهان بحران‌زده امروز، مدیون تلاش و تعهد عاشقانه آنهاست.

***

نمی‌شناسمت ای دوســـت! گرچه حامی مایی
پنـــاه و ضامـــن امنیـــت تمامـــی مایـــی
اگـــر چه گاه به مـــن نیز بدگمان شـــدی اما
چه جای شـــکوه؟ که روز خطر، تو حامی مایی
به نام، یا به نشـــان، گیرمت کســـی نشناسد
تو یـــار مایـــی و مأنـــوس با اســـامی مایی
به قصر باشـــم؟ اگر یا به حصـــر، امنیت من
ز توســـت گرچه تو غافـــل ز تلخکامی مایی
مصون ز خصـــم بمانی که در مســـیر صیانت
ز شـــأن واژه ایـــران و نـــام نامـــی مایـــی
چه غم ز دشمن سرکش؟ ز صهیونیسم، ز داعش؟
کـــه رهـــزن ره اهریمـــن حرامـــی مایی
مرا چه دوســـت، بدانی، چه اهل فتنه، چه گمره
بـــدان کـــه روشـــنی دیده‌گرامـــی مایی



به انتخاب بیژن آبـی



ایران در تحقیقات اسلامی سهمی بزرگ دارد

۵۴/۶/۶


دکتر مرزآبادی


خانم دارائی


دکتر عبدالامیر سلیم


علی سامی


عباس سلمی


دکتر حسین آلیاری


استاد محیط طباطبائی


استاد مجتبی مینوی

جلسـات ششـمین کنگره تحقیقات ایرانی، باسـخنان دانشمندان، پژوهشـگران و محققین، در شعب مختلف کنگره از شور و هیجان غرورانگیزی مالامال شده و سخنرانان با ارائه اسناد و مدارک زوایای تازه‌یی از زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و هنری کشورمان را روشن‌تر می‌سازند.

در ادامه جلسات کنگره، به‌درخواست استاد محیط طباطبائی، آقای دکتر حسـین صالحی استاد دانشگاه اصفهان گوشه‌هایی از موسـیقی ایرانی را در افشاری و چهارگاه با آواز اجرا کرد و خانم بهین دارائی و آقایان اسـتاد محیط طباطبائی، مجتبی مینوی، دکتر حسـین آلیاری، دکتر مرزآبادی، عبدالعلی کارنگ، دکتر منوچهر مرتضوی، علی سـامی، عبدالامیر سـلیم، دکتر جلال خالقی، پروفسور تحسـین یازیجی، عباس سلمی و محمدجواد شریعت سخنرانی کردند.

سیر تحقیق در ایران

اسـتاد محمد محیط طباطبائی درباره سیر تحقیق در ایران در جلسه عمومی تالار خواجه رشیدالدین فضل‌اله سخن گفت. قسـمتی از سخنرانی استاد چنین است:... تحقیق با میزان معرفت و علم انسانی رابطه مستقیم دارد و در مواردی که زمینه بیشتری از این موهبت باسـرمایه رشد عقلی به‌وجود آمده باشد، آثار تحقیق و شـخصیت محقق و حاصل تحقیق یا دریافت حقیقت به‌نحو بارزتری نمودار می‌گردد. پس در میان پیشـرفت دانش و فرهنگ بشری تحقیق عامل موثری به‌شمار می‌رود.

ملت ما و کشور ما بنا به سابقه قدمت و خدمتی که به فرهنگ و تمدن بشری دارد واجد و شـاهد چنین موقعیتی بوده و در طی چهار هزار سال که دوران پر افتخار انسانی، مادی، پارسی و اسلامی را گذرانده به‌وجود هر گونه مزیت و فضیلت و پیشـرفتی که لازم رشـد و ترقی فکری و علمی بوده آراسـته شده و بدان مرحله از حقیقت‌جوئـی که به‌اختلاف ادوار تاریخ با میزان تحول و تکامل عقلی و فرهنگی او مربوط می‌شده مجهز و مسلح‌تر است. تحقیق در دوره اسلامی رواج کامل داشـته و به نسبت پیشرفت علوم، تحقیق در حقیقت اشیاء به‌وجود آمده و رشد کرده است.

مردان آنزمان اسلام از تحقیق قرآن و زبان قرآن و زبان حدیث و رجل حدیث «راوی حدیث» تا حد میسر و ممکن از تحقیق فرو نگذارده‌اند.

در تمام دوره مسیر فرهنگ اسـلامی، جز دو سه قرن اول، تحقیق در رجال حدیث به‌صورت پیشرو اجرا می‌شده است.

ما از بزرگان اهل دین محققی مانند سـیدمحمد باقر شفتی داریم که در تحقیقات خود، راجع به مسـایل فقهی، غوغا می‌کند و قابلیت این را دارد که در مدارس حقوق و در دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مجموعه وی با نام «رجال حدیث» تدریس شود.

کتاب «حاوی» محمد زکریـای رازی، راجع به طب و آثار ابوریحان راجع بـه ریاضی نیز همـان ارج و منزلت را دارد و بزرگ‌ترین رجل تاریخ اسـلام از نظر فلسفه تاریخ «ابن خلدون» است که مقدمه مبسوط او در تاریخ، در دنیای جامعه‌شناسی یکی از بهترین اسناد جامعه‌شناسی محسوب می‌شود.

خواجه رشـیدالدین فضل‌اله، وزیر دانشمند ایلخان، مرد فاضلی بوده اسـت و مجموعه او نشان می‌دهد که وی سعی کرده است همه چیز را مطالعه کند و دستی نشان دهد.

پس در تاریخ دوره اسلامی با وجودی که قریب ۱۱۵۰ سال از دوره تدوین آن می‌گذرد در طی قرون متمادی تحقیقی در مورد «رجال حدیث» نشده و به همین شکل مانده است.

اسـتاد مجتبی مینوی در جلسه عمومی کنگره سخن گفت. استاد مینوی در قسمتی از سخنرانی خود اظهار داشت: کتابی به‌نام «بلغه» بیاری چند تن از اندیشـمندان و دانشمندان و بنیاد فرهنگ ایران به چاپ می‌رسانیم.

برای چاپ متن کتاب نسخ متعدد متعلق به قرون هفتم و هشتم و نهم را در دست داشتیم. یکی از این نسخه‌ها از روی خط مسمط استنساخ شده است و تاریخ ۶۶۸ هجری دارد که فعلاً در کتابخانه مرحوم «چستربیتی» در دوبلین محفوظ است.

این مجموعه تماماً رساله‌های مربوط به لغت و همه آن به خط «عبدالملک بن ابراهیم بن عبدالرحمان الغفالی» است.

«غفالی» مردی خوش‌خط و با سـواد و اهل آذربایجان بوده است.

«غفالی» در نسخه خود در موارد بسیار حاشیه‌هایی نوشته که معلوم است برای آنها به کتب لغات متعددی رجوع کرده...

قواعد املاء و انشاء

خانم «بهین دارائی» استاد مدرسه عالی دختران ایران، در مورد تدوین قواعد املا و انشاء فارسی سخنرانی کرد.

وی اظهار داشـت: تدوین قواعد املا و انشاء فارسی از اهم مباحث ادبی است و این کاری نیسـت که ادبا و اساتید کشور با تکروی بدان بپردازند. این کار باید گروهی انجام شود تا نسل آینده با یک روش صحیح املا و انشاء فارسی را بنویسد. هنوز در برگهای آزمونی و سئوالات آزمون کنکور ورودی دانشگاه‌ها چندین لغت عربی وجود دارد که بر ادب پارسـی خدشه می‌اندازد. هنوز در برگ‌های آزمونی دانشگاه‌ها اغلاط املایی وجود دارد چرا توجهی به املای فارسی نمی‌شود؟

جوانان و تحقیق

آقای عبدالامیر سلیم اسـتاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آذرآبادگان در مورد تحقیقات جوانان ایرانی چنین اظهار داشت.

جوانان در تحقیقات ایرانی دو نوع سـهم می‌توانند داشته باشـند. یکی گوش دادن به تحقیقات پیشکسوتان و یاد گرفتن روش کار و ادامه کار، و یکی عرضه کارهای خودشـان، به‌شرطی که آماده باشند انتقادهای پیشکسوتان را با جان و دل بپذیرند و در راه اصلاحش بکوشند. وی همچنین پیشنهاد کرد که افرادی که به کنگره دعوت می‌شوند اگر مشکلات خود را مطرح سازند، بدون شـک، راه‌حل‌های منطقی را از مجموع راه‌حل‌های ارائه شده به دسـت خواهند آورد. دکتر عبدالامیر سلیم گفت من با تغییر طرز تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها موافق نیستم.

مکتب‌های هنری شیراز و تبریز

آقای علی سامی استاد سـابق باستان‌شناسی و تاریخ تمدن ایران و جهان در دانشکده ادبیات دانشگاه پهلوی شیراز، در گروه باستان‌شناسـی و هنر پیرامون مکتب‌های هنری شیراز و تبریز مطالبی بیان کرد و ضمن آن اظهار داشـت: راجع به هنر نقاشی و خوش‌نویسـی و معماری هنرمندانی که تا سده دهم هجری برای پیشرفت این هنرها در شیراز و تبریز فعالیت کردند و یادبودهایی از خود به‌جای گذاشتند، نشان داده‌اند که به‌طور کلی یک همبستگی فرهنگی و هنری بین ایـن دو مرکز بزرگ علمی و هنری موجود بوده است. استاد علی سامی ضمن سخنان خود پیشنهاد کرد که در کنگره‌های آینده به دانشگاه‌ها اعلام شود که اگر دانشجویانی مایل به‌شرکت در کنگره هستند در جلسات حضور یابند تا کار تحقیق وسیله گروه‌های کثیر دانشجوئی انجام گیرد.

اسب مقدس

دکتر جلال خالقی در مورد مقدس بودن ردپای اسبان در ایران باستان سـخنرانی کرد. وی اظهار داشت بقایائی که از این عقیده در شـاهنامه و بعضی آثار خارجی دیگر به‌طور پراکنده و خیلی مختصر باقی مانده نشان می‌دهد که ایرانیان قدیم به‌عنوان یک ملت سوارکار معروف بوده و در تربیت اسب شهرت بسیاری داشته‌اند.

اقوام آریایی نیز در زمینه اسب سواری و پرورش اسب شهرت داشته‌اند و اسب در میان اغلب اقوام به‌عنوان یک حیوان مقدس به شمار می‌رفته اسـت. از عقیده مقدس اسب در میان اقوام آریائی، بقایائی در زندگی امروز این مردم و در رسوم و عادات روزانه‌شان هنوز دیده می‌شود به‌عنوان مثال فال نیک گرفتن نعل اسب در میان اغلب مردم اروپا را می‌توان نام بودن سم و رد پای اسب است. بودن سم رد پای اسب است.

زبان و ادبیات فارسی

آقای دکتر جلال خالقی مطلق اسـتاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هامبورگ پیرامون کیفیت تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها سخنرانی کرد و ضمن آن اظهار داشت: من معتقدم که نه تنها در تدریس زبان و ادبیات، بلکه در تدریس تمام رشـته‌های مختلف علمی باید از این روش که دانشجو از جزوه استاد استفاده کند و از آن یادداشت بردارد، از میان برود.

تغییر روش تدریس

آقای محمدجواد شریعت سرپرست گروه ادبیات دانشکده ادبیات دانشـگاه اصفهان، در گروه زبان فارسـی (دسـتور و زبان‌شناسی) سخنرانی کرد او که با تغییر روش تدریس ادبیات در مدارس و دانشـگاه‌ها موافق است اظهار داشت: به‌طور کلی باید وضع تدریس ادبیات در تمام سـطوح از دبستان گرفته تا دانشگاه تغییر کند زیرا اگر یکی از آنها ثابت نگاه داشته شود و دیگری تغییر یابد مسلماً نتیجه‌ای دربرنخواهد داشت.

غالباً شنیده می‌شـود که باید ادبیات معاصر در دانشگاه‌ها تدریس شـود در حالی که به‌نظر من ادبیات معاصر ابتدا باید در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها تدریس شود تا دانشجویان بتوانند در سطح دانشگاهی به ادبیات سنتی ایران بپردازند.

درباره کنگره

پروفسور تحسین یازیجی رئیس کرسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه استانبول در یک گفتگوی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی اظهار داشت:

کنگره تحقیقات ایرانی که با شرکت بیش از ۲۱۸ تن از محققان و مدرسین و دانشمندان و اندیشـمندان و نویسندگان ایرانی و خارجی در دانشـگاه آذرآبادگان تشکیل یافته است اثرات بسیار نیکو و ارزنده‌ای در زمینه عرفان، فلسـفه، زبان، ادبیات فارسی، هنر، فرهنگ‌نامه، باستان‌شناسی و تاریخ به‌جای خواهد گذاشت و بحث و بررسـی و تفسیر و توجیه‌هایی که از سوی سخنرانان و شرکت‌کنندگان در کنگره به‌عمل می‌آید بسیار آموزنده و ارزنده است.

بمناسبت ماه مبارک رمضان

مذهبی

۵۴/۷/۲

علی (ع)، جاودانه مرد

درجنگ «اُحد»... نود ضربه شمشیر بر پیکر مردانه علی (ع)

نوشته: دکتر صادق جلالی

نامه‌ای از مکه:

پیامبر وقتی نامه را از جمازه سوار عرب گرفت، نگاهی به آن افکند، نامه بر پاره پوستی نوشته شده بود، آنگاه به دست مردی که همراهش بود داد و گفت:

ـ ابی ابن کعب، این نوشته را بخوان.!

ابی بن کعب نامه را گرفت و خواند:

«یامحمد! شـــهر مکه یکپارچه همراه با مردان قبایل اطراف مکه بسوی تو بسیج کرده‌اند، این بار ابوسفیان تصمیم دارد وقتی به مکه بازگردد که خون ترا ریخته باشد و ریشه اسلام را در حجاز خشکانیده باشد.

تو باید بیدار و هوشیار باشـــی، چون ابوسفیان قصد دارد ناگهانی بر تو و مسلمانها بتازد یا محمد، سپاه عظیمی بسوی تو میاید، با ساز و برگ فراوان، سه هزار نفر که دویست سوار سراپا مسلح در میان آنهاست که جنگاور چیره‌دستی چون «خالد ولید» بر آنهـــا فرمان میدهد و تو خوب این خالد را ای برادرزاده عزیز میشناسی، او مردیست جنگی، جسور، بی‌باک و میدان دیده و تو خوب میدانی که خالد ولید تنها یک فرمانده جنگی نیست، یک نابغه جنگی است و همیشه در آخرین فرصت نقاط ضعف دشمن را پیدا می کند و بر آن میتازد.

ای محمد! غیر از این دویست سوار مسلح، هفتصد تن سراپا غرق در آهن مانند ســـیلی بسوی تو میایند، یکهزار شتر بار و بنه سپاه را می کشد و تو در این میان پانزده هودج خواهی دید که زنان اشراف مکه مانند «هنت» در آن سوارند تا در میدان جنگ با هلهله و آواز و دف و نی شوهران و برادران خود را تهییج کنند و تو ای پسر برادر من باید بدانی که ابوسفیان در این سفر جنگی دو بت بزرگ «لات» و «عزی» را نیز به همراه دارد تا او را یاری کنند!

من نمیدانم که تو با این ســـپاه عظیم جنگی که در سرزمین حجاز تاکنون نظیرش دیده نشـــده چگونه روبرو خواهی شد، من آرزو میکنم که تو در این جنگ آسیبی نبینی و دیگر فرزندان عبدالمطلب نیز زنده بمانند...».

نامه پایان گرفت، پیامبر به فکر فرو رفت، حادثه عظیمی بود، تمام مکه و قبایل اطراف آن یکپارچه به جنگ او و نیروی اســـلام می آمد، اندیشه پیامبر اوج گرفت و آنگاه به «ابی بن کعب» گفت:

ـ ای برادر! از تو میخواهم که از این نامه با کســـی ســـخن نگویـــی و آن را فراموش کنی. ابی بن کعب اطاعت کرد و وقتی پیامبر به مدینه رســـید به خانه یکی از سران شهر مدینه «سعد بن ربیع» رفت و با او در این باره گفتگو کرد و سعد گفت:

ـ یا محمد(ص) روزهای بزرگـــی در پیش داریم، بگو آیا مردم مدینه میتوانند با چنین سپاهی روبرو بشوند؟... نابودی ما حتمی است.!

پیامبر لبخندی زد و گفت:

ـ اما ای سعد. تو باید بدانی ایمان بالاتر از هر چیزی است. کدام نیرو عظیم‌تر از ایمانســـت؟ همان خدایی که در صحرای «بدر» ما را یاری کرد همچنان یاور ماست. خدای ما که برتر است بما پیـــروزی خواهد داد، اما همچنان که خداوند فرموده تنها در سایه سعی و کوشش و استقامت میتوان به ظفر رسید.

سعد گفت:

ـ ای پیامبر، ما تو را راستگو میدانیم و از هر کوششی در راه خدا مضایقه نخواهیم کرد!.

پیامبر گفت:

ـ باید با مردان مدینه، بـــا مهاجر و انصار گفتگو کنیم لکن تا یهودیان و منافقین بر این راز واقف نشـــوند و به شهرت‌های کذب و دروغ نپردازند، تو این راز را پوشـــیده بدار ولی این راز پوشیده نماند، زیرا زن «سعد بن ربیع» که با خوی زنانه خود در پشت در به این گفتگو گوش میداد این راز را آشکار کرد و چیزی نگذشت که مدینه در هیجان و هراس و هیاهو فرو رفت و پیامبر ناچار شد هرچه زود بزرگان مدینه و مردان جنگی را به مجلس مشورت بخواند.

ـ ای مردان باایمـــان و دلاور عرب، ما یکبار دیگر در برابر امتحانـــی بزرگ قرار گرفته‌ایم، امتحانی که در آن درجه ایمان ما به خداوند، به حقیقت، به صداقت به راســـتی، به انساندوستی و نیکی نمایان میشود.

یکبار دیگر مرگ بر فراز ســـر یک یـــک ما پرواز می کند و گرگ‌های ســـرزمین مکه بقصد پاره کردن بدنهای ما با چنگ و دندان تیزکرده پیش میتازند، از شمشـــیرهای قریش برق کینه و حسد می جهد و از دلهایشان زهر انتقام و خشم میریزد.

اما ای مردان برتر، ای یاران محمد، خدای برتر با ماست، او قادر است، یاری‌کننده است، برای مردان مومن و راست‌اندیش بهشـــت را آفریده و برای آدمهائی زبون و بت‌پرست جهنم را ساخته، من از جانب خداوند به شما ابلاغ می کنم که پیروزی از آن شماست، بشرط اینکه در این کارزار دلتان پاک و جانتان بدون تزلزل باشد و در همه حال خداوند را پشتیبان خود بدانید.

عبدالله بن ابی گفت:

ـ ای پیامبر ما در مدینـــه میمانیم و کوچه به کوچه و خانه به خانه با دشـــمن می جنگیم و از بامها و پنجره‌ها بر سر دشمن میتازیم و شمشیرکش آنها را مانند رمه‌ای میرانیم.

ولی گروهی از مسلمانان که پرشور بودند یکصدا گفتند:

ـ نه، هرگز، چگونه تحمل کنیم که ابوسفیان به مدینه بتازد و ما در پناه زنان خود باشیم و پشت دیوارها مخفی شویم، یا محمد ما را بسوی «احد» بر، ما نمیخواهیم قریش بگوید: جوانان مدینه از ما ترســـیدند، ما همان مردان وادی «بدر» هستیم، ما فرزندان شجاع‌ترین مردان حجاز هستیم، ما به خدای یگانه اعتقاد داریم، شمشـــیر ما تشنه خون ناپاکان اســـت و دلهامان سرشار از کینه بت‌پرستان. جوانان مدینه چنان پرشور سخن گفتند که دیگران تحت تاثیر قرار گرفتند و پیامبر با همه بی‌میلی که نمیخواســـت در احد با خصم روبرو شـــود نیز خاموش ماند و از جای خود بلند شـــد و لباس رزم پوشید و فرمان داد تا سپاه اسلام نیز آماده حرکت شوند.

روز بعد، یک روز جمعه بود، چهاردهم شـــوال، پیامبر در پیشاپیش سپاه حرکت میکرد هزار مرد جنگی با او بود. از مهاجر و انصار، پرچمدار سپاه مسلمانان علی(ع) بود و حمزه با آن بالای بلند در قلب سپاه حرکت میکرد.

در میان راه دو نفر از جاسوسانی که پیامبر برای خبر فرستاده بود بســـوی او بازگشـــتند و خبر دادند که سپاه مکه، با هیمنه و شکوه، اینک نزدیک احد رسیده‌اند، و پیامبر گفت:

ـ باید ســـریعتر برانیم و زودتر از قریش در صحرای «احد» موقعیت جنگی را استوار کنیم اما در این وقت «عبدالله بن ابی» با سیصد نفر از سواران خود از حرکت باز ایستاد و آهنگ بازگشت کرد و پیامبر باتعجب از او پرسید:

ـ یا عبدالله، تو با ما نخواهی آمد؟!

عبدالله جواب داد:

ـ من این سفر جنگی را صلاح نمی‌دانم!.

پیامبر پرسید:

ـ آیا تو گمان میکنی که با رها کردن یاران و برادران خود در برابر دشمن یک کار شرافتمندانه‌ای در پیش میگیری؟!

ـ اما جنگی روی نخواهد داد:

ـ تو این را از کجا میدانی؟!

ـ من خوب می‌دانم، من اطمینان دارم.

و دیگر منتظر نشد و با سیصد نفر از یارانش به سوی مدینه بازگشت و پیامبر را با یارانش تنها گذاشت و مردان دلاوری که همراه پیامر بودند نگاههای غضب‌آلودشان ار بدرقه راه این مرد عهدشکن کردند و یکصدا گفتند:

ـ ما ترا، ای پیامبر تنها نمیگذاریم، ما تا پای جان و خون خود ترا حمایت خواهیم کرد.

پیامبر همچنان با شـــتاب پیش رانده تا وارد احد شد، این سرزمین برای جنگ مناسب بود، پیامبر مانند فرماندهی بر بالای یک بلندی رفت و تمـــام زوایای آن صحرای خاموش را که در ســـایه کوهها آرمیده بود با نگاههای تیزبین خود زیر نظر گرفت و بعد یک نقشـــه صحیح جنگی را در ذهن خود ترسیم کرد و آنگاه گفت:

ـ یا انصارالله، ما اینک در «احد» هستیم، خدای بزرگ ناظر اعمال ماست، بنگرید که در پس این صحراهای خاموش و خفته چشمان جزیرةالعرب نگران پیروزی شماست، پیروزی حقیقت و روشنی و خداپرستی، مرگ شـــما پر از شرافت و بزرگواری است، آن کس را که شمشـــیر شما بکشد به جهنم خواهد رفت و اگر خود کشـــته شوید به بهشـــت روانه خواهید شد، بهشت با نهرهای جاری و زلالـــش و باغ‌های پرمیوه و هوای لطیف و تازه‌اش متعلق به شماست، خداوند را یاری کنید که خداوند نیز یاور شما باشد. استقامت کنید، بکوشید، پایمردی کنید، باایمان و صمیمیت روز روشن را در چشم بت‌پرستان چون شب تاریک سازید.

اکنون ما در دامنه کوه «احد» که مسلط به میدان جنگ است مستقر خواهیم شد تا پشـــت سر ما کوه باشد و از حمله دشمن در امان باشیم.

آنگاه پیامبر پنجاه نفر از زبده‌ســـواران تیرانداز را انتخاب کرد و گفت:

ـ شـــما از بهترین تیراندازان و شمشیرزنان عرب هستید، معبر «عینین» کوه احد را بگیرید و از آن جا تمام حملات را که از پشت سر به سپاه ما میشود دفع کنید و فراموش نکنید که به شما توصیه میکنم، اگر دیدید ما پیروز شـــدیم و یا برعکس شکست خوردیم از جای خود حرکت نکنید، این فرمان من است، هرگز از جایتان تکان نخورید.

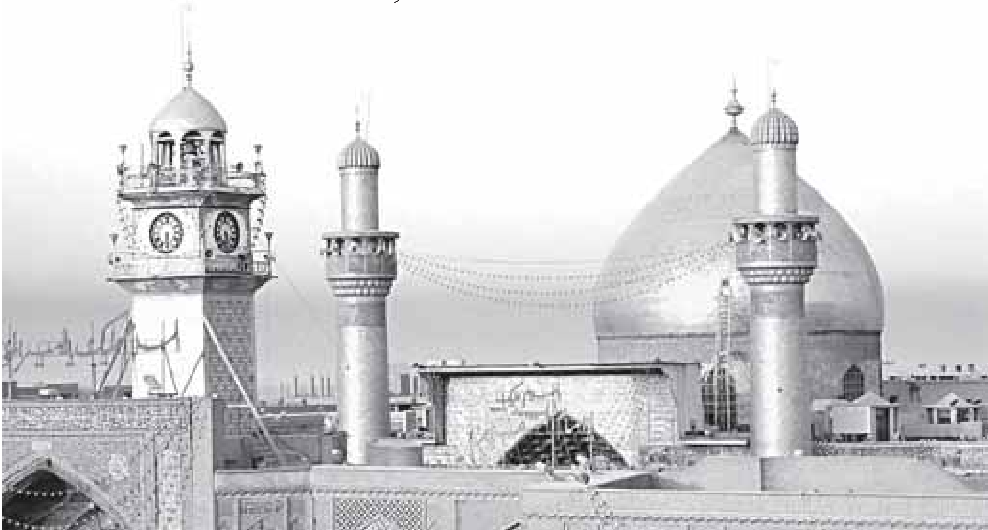
سپس پیامبر، این فرمانده پرنبوغ جنگ صف‌آرایی کرد، همه راههای جنگ را پیمود و آماده شـــد تا با انبوه سپاه قریش روبرو شود، او میدانســـت که بزودی قریش از پشت تپه‌های صحرای «احد» نمایان خواهد شـــد زیرا همهمه آنها در خاموشی صحرا مانند دریایی که از دور می‌خروشد شنیده میشد، و در اینوقت بود که پرچمهای ســـواران بت‌پرستان نمودار شد و به دنبال آن سیل سپاه به دامن صحرا فرو ریخت، بیش از سه برابر و نیم سپاه پیامبر بود، در میان نعره و فریاد و همهمه و خروش و شیهه اسبان و نعره شتران گرد و خاک بهوا برخاست. تازه صبح آغاز شده بود، هنوز تنور صحرا داغ نشده بود و خون در رگها بجوش نیامده بود. هنوز زمین تفته نشده بود.

ابوسفیان که آرایش جنگی مسلمین را دید با همه پشتگرمی که به ســـپاه جرار خود داشـــت از یک وحشت ناشناس دلش لبریز شـــد و فرمان داد تا قریش نیـــز صف‌آرایی کنند، در میان هیاهوی خشـــم‌آمیز صف‌های جنگ آراسته شد و شمشیرها در تلالو خورشـــید برق زد، زنان مکه در جامه‌های رنگین، در میان ســـپاه قریش پای می‌کوبیدند و میرقصیدند، زنانی که چشمهای سیاهشان برنگ شـــب صحرا بود سرمه کشـــیده بودند، پای می‌کوبیدند و یکسره میخواندند:

«ما هستیم دختران ستارگان درخشان
«اگر ای مردان با شمشیرهای آخته
«روی به دشمن آورید
«شما را در آغوش میکشیم
«و برایتان بسترها و بالشها می گستریم

و گروهی دیگر از زنان عبدالدار با دف و نی می‌خواندند:

«ای شیران دلاور، ای پشتیبان زنان
«آغوش پرنوش ما حلالتان باد
«اگر با شمشیرهایتان
«یارانِ محمد را قطعه قطعه کنید.



۵۴/۷/۳

«جک گیلبرت» استاد و شاعر آمریکایی در شیراز:

به شیراز آمده‌ام، تا در مقابل مزار حافظ تعظیم کنم

اشاره:

جک گیلبرت شاعر امریکائی در سفر اخیر خود به‌شیراز در شب شعری که از طرف انجمن ایران و امریکای شیراز در سرای آقا بابائی ترتیب یافت شرکت کرد و با شعرای شیرازی آشنا شد و قطعاتی از آخرین سروده‌های خود را برای حاضرین خواند.

جان گیلبرت فوق لیسانس خود را از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در سانفرانسیسکو دریافت کرد و سابقه تدریس در دانشگاههای هاروارد ـ بوکلی استانفوردو ... دارد. جک گیلبرت در سال ۱۹۶۲ نامزد دریافت جایزه بولینزر شد و در حال حاضر عضو انجمن دانش ککنهایم است از آثار او میتوان از دیدگاه‌های خط و یک سری مقالات تحت عنوان انتقاد و شعر نام برد.

فرصتی دست داد تا با این شاعر امریکایی به گفتگو بنشینیم و از نظریاتش درمورد شعر و شاعری و اجتماع جویا شویم.

جک گیلبرت، در تعریف شعر معاصر میگوید: من نمیخواهم که خواننده شعر را تمام کند و بگوید چقدر دل انگیز بود. میخواهم که ناراحت شده حتی احساس درماندگی کند. در قدیم شعرا سعی می‌کردند زیبایی بیافرینند و خواننده را راضی کنند رسم بود که شاعر به معشوق خود بگوید: آه من ترا دوست دارم.

ولی برای من این مسائل مطرح نیست. شعرا امروز بجای اینکه تعالی آنی و با یک احساس اشرافیت بیافرینند سعی میکنند که توجه و ناراحتی هر دو را بوجود آورند بعضی از این شعرا در روش خود واقعا صدیق هستند همانطور که بعضی از سور رئالیست‌ها هستند و بعضی دیگر لغت‌بازهایی هستند که عاشق لفافی‌های میان تهی میباشند ـ تمام شعرای خوب امروز سعی میکنند که زبان را بپیچانند و آنرا تازه کنند. ولی توجه و علاقه من به فرم دیگری است.

بسیاری از شعرا برای شعر گفتن یک راه دارند، از نظر آنها شعر مثل تزئین کیک است که شما مواد مختلف را هر بار در همان ظرف قرار می‌دهید و می‌فشرید و هر بار کیک بشکل دیگری آراسته میشود ولی روش کار یکی است. بزرگترین مشکل من پیدا کردن خود شعر است. چون میخواهم مسائلی را بیان کنم که دیگران نگفته‌اند و میخواهم مطلب آنها را عوض کنم و این عشق‌ها را تغییر دهم می‌خواهم دین و روح آنها را دگرگون کنم و من حتی میگویم راه من درست و صحیح است.

جک گیلبرت در دنباله سخنان خود اضافه می کند: مسئله بزرگ زیباشناسی در قرن بیستم عبارتست از تلاش برای رهایی از قالب نو، در آغاز قرن بیستم بسیاری از شعرا به پیروی از نظریه «هنر بخاطر هنر» و تحت نفوذ «فلوبر» و «مبابی میلی»، برای دنیایی که در آن تزویر اساس قرار گرفته بود به آن چیزی گرایش یافتند که «ییتسر» آنرا صداقت فنی نامیده بود آنها صداقت را در یک زیباشناسی تکنولوژی یافتند. اخیرا شعرا و سایر هنرمندان از قالب و فرم بعنوان یک هدف ناراضی هستند.

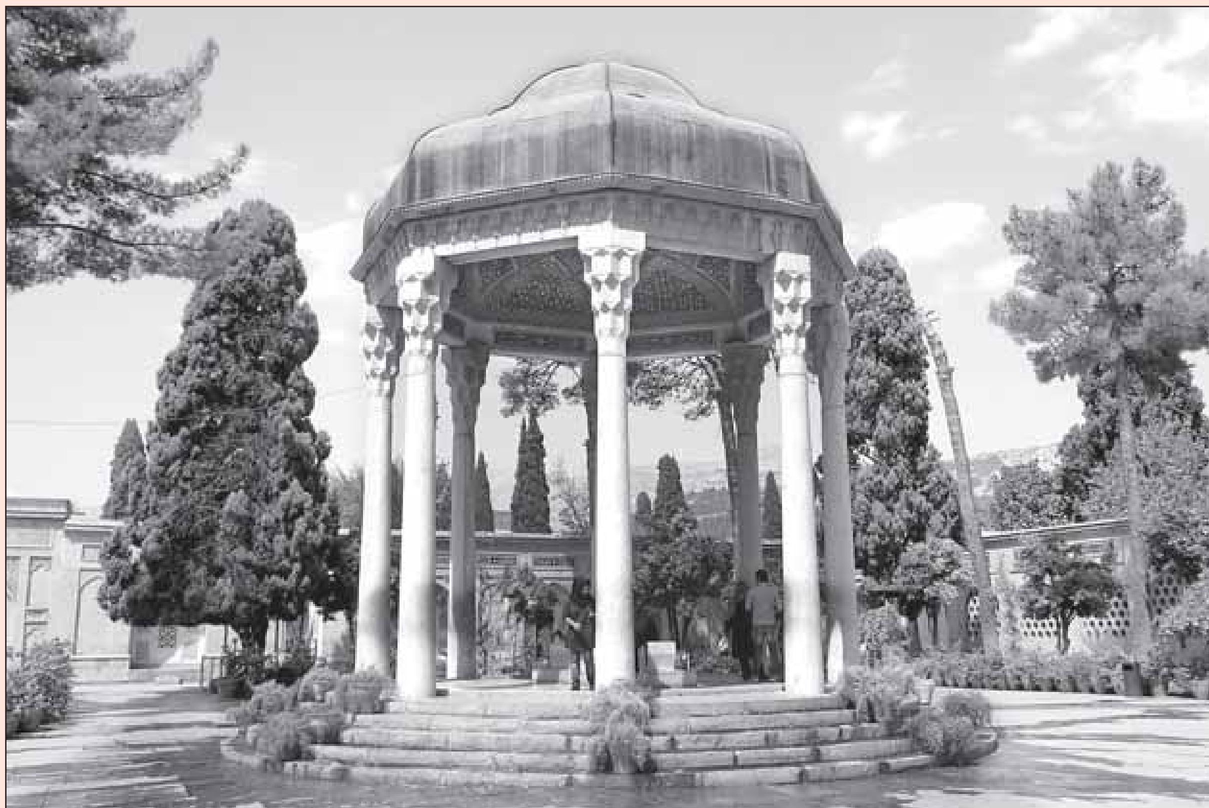
آنها دیگر با بوجود آوردن یک چیز زیبا و خوش ساخت ارضا نمیشوند بلکه میخواهند شعری بسازند که از حد «موژه»ی کمال فراتر رود و غالبا توجهی به این ندارند که ظاهر شعر چیست. زشت یا زیبا، آنچه موردنظر شان است اینست که شعر در خواننده اثربگذارد آنطورکه شاعر میخواهد در حقیقت ممکن است برای جلوگیری از سوء تفاهم شعر خود را عمدا با عبارت غیرشعری بسازد، او نمیخواهد فقط چند جمله زیبا تحویل خواننده بدهد، من راجع به این نکته با عده‌ای از بهترین نویسندگان صحبت کرده‌ام، یا بعضی از آنها به طور مفصل مثل «ازراپوند» و با بعضی به طور مختصر مانند «سائول بیلر» و در نتیجه این نکته پی بردم که آنها میخواهند از حصیصه بازدارنده قالب و فرم به عنوان یک عامل تخیلی ظاهر پسند بگریزند. آنها مایلند قالبی بوجود آورند که به آنها امکان آزادی عمل بدهد «پوند» موضوع را با این گفته بیان کرد که بزرگترین یاری‌اش بشاعران جوان آنان را قادر خواهد ساخت که همه چیز را به اشعار خرد بازگردانند یعنی مثلا به اشارات تاریخی بپردازند، این تلاشی مستمر برای فرم باز را میتوان در تمام تاریخ ادبیات اروپا ردگیری کرد.

جک گیلبرت در مورد شعرای گذشته و حال و شعر ایران اظهار داشت: شعر شعرای ایران بویژه: شعر شعرای قدیم مانند باقلوا است که تنها دهان را شیرین میکند اما من شعری میگویم که خواننده آنرا مانند سیب زیر دندان مزه مزه کند و با تمام وجود آنرا حس کند من نمیخواهم شعر در قلب و مغز تنها یک اثر آنی و زودگذر داشته باشد.

من آمده‌ام تا با فرهنگ و ادب ایران آشنا شوم. اطلاعات من درباره ادبیات شما خیلی زیاد نیست آنهم بعلت بدی ترجمه و نبودن دیوان شعرای بزرگ به زبان‌های زنده دنیاست. شما شعرای خوبی دارید که اشعار عالی و در سطح بالا سروده‌اند اما تاکنون مترجمین شما نتوانسته‌اند این خدمت را بجامعه ادبی شما بنمایند و این آثار را به معنای واقعی ترجمه نمایند اگر ترجمه‌ها از لحاظ کمی و کیفی در سطح بالایی بود. شعرای امروز شما هم در سطح بالای بین‌المللی بودند که اشعار آنها را همه مردم دنیا زیر آب زمزمه میکردند. جک گیلبرت افزود من بشیراز آمده‌ام تابحافظیه بروم و در مقابل مزار حافظ تعظیم کنم. تعظیم به بزرگی روح و عظمت اشعار او. آمده‌ام تا بشما تبریک بگویم که حماسه‌سرای بزرگی چون فردوسی را در میان خود دارید، فردوسی شمانمرده و هنوز زنده است جسم او زیر خاک است اما یاد و عظمت او و شاهنامه او در قلب و خاطر یک یک شما زنده است.

در مورد شعر و شعرای جدید و سبک نو در شعر و ادبیات فارسی جک گیلبرت گفت: من احساس میکنم که شعرای جوان و جدید ایران سخت کوشی ندارند و با آنکه به سبک نو شعر میگویند اما هنوز شعرشان در همان چهارچوب قدیم است که از عشق و اینجور چیزها حرف میزند و در حقیقت آنها هنوز اشعار رمانتیک میسرایند، امروز جوامع بشری به کسانی توجه دارد که به انسان بعنوان یک کره عظیم فکر می کنند به انسانهای خیلی جدی، شاعر قرنها را میسازد و اجتماع را. پس باید اصولی را نیز در اجتماع پی‌ریزی کند. شعرای جدید ایران چرا راجع بفلسفه مادی گرایی حرف نمی‌زنند؟ چرا راجع به اینکه دانش آموزان و دانشجویان زیاد کتاب نمیخواند حرف نمیزنند؟ و همچنین در اشعار خود به این مسئله اشار نمیکنند که بعضی از افراد اجتماع چند هزار تومان خرج می‌کنند که یک کیف از پاریس بخرند و آن پز بدهند! اصولا آنها راجب به جزئیات حرفی نمی‌زنند و تنها چسبیده‌اند به کلیات در صورتی که تهران امروز مانند نیویورک است با تمام مشکلات آن.

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات





کامپیوتر با قدرت و ظرفیت شگفت‌انگیزش میرود تا درهمه شئون زندگی انسانها دخالتکند. ایران بزودی کامپیوترهائی خواهد ساخت که‌از الفبا واعداد فارسی از آنها استفاده خواهد شد.

۵۴/۷/۳

برای اولین بار :

کامپیوتر به فارسی سخن میگوید!

ایران کامپیوتر می‌سازد. امتیاز کامپیوترهای ایرانی بر ساخته‌های مشابه خارجی پاسخگوی دستگاه بزبان فارسی است و این بسیاری از کارها را تسریع و آسان میکند. با عرضه کامپیوترهای ایرانی به بازار موسسات و سازمانهایی که هم اکنون دستگاههای اجاره‌یی دارند با صرف هزینه کمتر میتوانند از کامپیوترهای ایرانی استفاده کنند.

کامپیوتر: این غول بزرگ قرن بیستم کم‌کم دارد به تمامی زندگی آدمها سرک میکشد و مداخله میکند.

فول‌پارا از این هم فراتر گذاشته و حالا در بسیاری از مسائل یار مشاور انسان‌ها شده و گاه بعنوان یک حاکم ظاهر میشود و امر نهی میکند.

با اینهمه این غول این چراغ جادو چون بسیاری از پدیده‌های شگفتی‌آور قرن، جز مقداری پیچ و مهره، سیم، لامپ و ترانزیستور چیز دیگری نیست و آن عامل اصلی و اساسی که کارهای جادویی این غول را تحسین برانگیز و افسانه‌یی کرده نیروی پایان ناپذیر اندیشه انسان است.

جعبه جادو:

کامپیوتر، این جعبه سیاه جادویی که برنامه سفر انسان را به دور دست به کهکشان‌ها طرح‌ریزی میکند و محاسباتی را که دهها ریاضی‌دان برجسته از انجام آن عاجزند در چند ثانیه انجام میدهد، چیست؟ چرتکه‌یی که حدود دو هزار سال قبل بوسیله بشر اختراع شد قرنهای متمادی بهمان نخستین باقی ماند و موثرترین دست ساخت و محصول اندیشه بشر برای تسهیل محاسبات بود.

نخستین گامها را در تکامل این وسیله محاسبه «لئوناردداوینچی» و «پاسکال» برداشتند.

آنها در یک زمان دو ماشین حساب دستی ساختند که گرچه طرز کارشان برای مردم زمان ما بسیار ساده است اما در آن موقع انقلابی در کار محاسبه و نمایش محسوب میشد. بعد از آن نیز دانشمندان در راه تکامل این وسیله کوششهایی کردند اما زمان تولد «کامپیوتر»های کنونی که نام دیگرشان مغزهای الکترونیکی است سال ۱۹۴۰ میلادی است.

در این سال، دانشمندان دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا(جان ماکنی و پرپسراکرت) طرح اولین محاسب الکترونیکی را پیاده کردند و آنرا ساختند.

دخالت در زندگی انسانها!

بجرأت میتوان گفت که هیچکس ولو آگاه‌ترین دانشمندان نمیتواند به تنهائی تمام کاربردهای کامپیوتر را تشریح کند. اما اگر بخواهیم وسعت کار کامپیوترها را مجسم کنیم میتوان گفت:

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم کامپیوترها روز به روز بیشتر در زندگی‌مان دخالت خواهند کرد و روزی خواهد رسید که هر تصمیم درباره زندگی ما به وسیله غول‌ها اخذ شود.

کامپیوترها از برنامه‌های فضایی سفاین و موشکها تا کارهای قصابی سفاین و موشکها تا کارهای قصابی یک گوشت فروشی را انجام میدهند.

کامپیوتر میتوان یک فروشنده خوب، یک نقاش یک طراح بدون اشتباه جنگ‌های اتمی و اخیراً یک موزیسین خوب باشد.

تدریس با کامپیوتر:

در یکی از مدارس سوئیس دانش آموزان دبیرستان بجای این که تحت نظر معلمین درس بخوانند روزانه درس خود را از کامپیوتر میگیرند.

کارشناسان آموزشی سوئیس اعلام کرده‌اند که دانش‌آموزان این دبیرستان نه تنها در فراگیری دروس بلکه در زمینه نظم و ترتیب و حضور در کلاس به نسبت دانش آموزان دبیرستانهای دیگر در آن کشور پیشرفت محسوسی داشته‌اند.

کامپیوتر نقاش:

از مدتها پیش برنامه‌نویسان متخصص با دادن برنامه‌های منظمی به کامپیوتر توانسته‌اند نمونه‌های جالبی از آثار معروف نقاشان جهان را کپی کنند.

برنامه‌نویسان با استفاده از دو نوع حروف پررنگ و کم‌رنگ باین مهم دست یافتند.

نقاشی با کامپیوتر کندن در ایران نیز متداول شده و برنامه‌نویسان ایرانی کامپیوترها در تلاش‌اند تا بتوانند با صرف دقت بیشتر از روس عکس‌ها(فتو) نیز با کامپیوتر نقاشی کنند.

قهرمان شطرنج

کامپیوتر میتواند با مهارت بی‌مانندی در آن واحد با دهها نفر از بهترین قهرمانان شطرنج جهان مسابقه بدهد و پیروز شود.

اگر چه این تجربه چندین بار تاکنون به ناکامی کامپیوتر انجامیده و در مبارزه با شطرنج بازان نه چندان معروف شکست خورد، اما مسلم اینست که اگر برنامه‌هایی که به کامپیوتر داده میشود از هر جهت بی‌نقص باشد امکان شکست دادن آن وجود نخواهد داشت.

مشاور ازدواج

یکی از رایجترین کاری که فعلاً کامپیوتر بجز شمارش انجام می‌دهد مشاورت در کار انتخاب همسر و ازدواج است.

در آمریکا کلوپ‌های ویژه‌یی بهمین منظور دایر شده و جوانانی که در شرف ازدواج هستند مسایل خود را بعنوان مشاوره با کلوپ در میان می گذارند.

کلوب سئوالات را به کامپیوتر میدهد و برای پاسخگویی از آن کمک میگیرد و نتیجه کار را در مقابل اخذ پولی بعنوان حق مشاوره که اغلب بین ۵۰ تا ۸۰ دلار است در پاکت سر بسته‌یی به مشتریان تحویل می‌نماید.

پیش‌بینی نتیجه جنگها

متخصصین و کارشناسان کامپیوتر برای دست‌یابی به یکی از اساسی‌ترین کاربردهای کامپیوتر به تجربه خاصی دست زدند و نتیجه بسیار جالبی بدست آوردند.

کارشناسان با ایجاد و نیروی جنگی مصنوعی که با علامت ای و بی مشخص شده بود در چهارچوب دو برنامه متفاوت طرح‌ریزی کردند و بهرکدام یک استراتژی ویژه دادند، برنامه جنگی برای اعلام نتیجه جنگ به کامپیوتر داده شد و کامپیوتر سریعا نیروی پیروز عملیات جنگ مصنوعی ۷۲ ساعت بطول انجامید و کارشناسان با کمال تعجب متوجه شدند که در پایان کار نیروی ای موفق شد حریف جنگی را شکست دهد.

این تجربه بعدها در موارد مشابه با نیروهای دیگر و استراتژی مختلف تجربه شد و آنچه که کامپیوتر پیش‌بینی کرده بود، درست از آب در آمد.

کامپیوتر گندم فروش

چشم و همچشمی در مورد استفاده از کامپیوتر و بی‌اطلاعی از شیوه کار آن در ایران گاهی به حوادث خنده آوری منجر شده است.

چندی پیش یک فروشنده عمده گندم از نمایندگی یک کمپانی اجاره کامپیوتر در ایران در خواست اجاره یک دستگاه کامپیوتر کرد. برنامه‌ریزان نمایندگی برای آنکه کار کامپیوتر را تنظیم کنند پرسیدند مایل است چه نوع استفاده‌ای از کامپیوتر بکند و جواب شنیدند: هیچ استفاده‌یی! می‌خواهیم چراغهای سبز و زرد و قرمز آن مرتبا روشن و خاموش شود تا مشتری‌ها ببینند و تعجب کند. یک سرمایه‌دار آمریکائی نیز پیشنهاد کرده بود. کامپیوتری به او اجاره داده شود که بتواند میزان مالیات بر درآمدش را تا ۵۰ درصد کمتر محاسبه کند.

کامپیوتر عاشق می‌شود

حالا که سخن از مسایل نه چندان جدی در کار کامپیوتر پیش آمد بد نیست به خبر رسمی یک خبرگزاری توجه فرمائید. این خبر اگر چه ممکن است جدی جلوه نکند ولی از غولی با نام کامپیوتر بعید نیست که خبرساز حادثه‌یی این چنین باشد: مسکو خبرگزاری تاس:

در مرکز کامپیوترهای «نو و سیبرف» یک ماشین محاسبه‌گر وجود دارد که عاشق شده است. وقتی ریاضی‌دانان مرد مسئله‌یی را با این مغز الکترونیکی در میان میگذارند پاسخ کاملاً صحیح است ولی وقتی که یک زن جلو آن قرار میگیرد درست مدل یک بچه مدرسه که در نخستین وعده گاه دست و پای خود را گم میکند و وضع آشفته‌یی پیدا میکند و سیم‌هایش قاطی میشود و پاسخ‌های پرت و پلا میدهد.

۵۴/۷/۳

حیف و میل آب جنایت است

حیف و میل کردن آب و استفاده بی‌رویه از آن برای کسانی که در مناطق خشک زندگی میکنند جنایت محسوب می‌شود و کسانی که دست به حیف و میل آب می‌زنند در حقیقت با زندگی انسانها بازی کرده و آنها را در معرض خطر تشنگی و مرگ قرار میدهند.

در حال حاضر فقط در جنوب شرقی آسیا ۶۳۲ میلیون نفر از آب کافی برای مصارف شخصی محرومند و از ۱/۷۳ میلیارد نفر مردم روستایی در جهان تنها ۱۴ درصد آب پاک و غیرآلوده دراختیار دارند. هم‌چنین کمبود آب برای مصارف خانگی و بهداشتی مهمترین عامل بروز بیماریهای مختلف در بعضی از کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌آید.

وجود آب نه تنها برای مصارف خانگی و بهداشـــتی بلکه برای پیشرفت کشورهای درحال توسعه عاملی ضروری است.

وجود آب نه تنها عاملی مهم در پیشـــرفت کشورهای درحال توســـعه بشمار می‌آید بلکه کشـــورهای پیشرفته هم برای صنایع خود بدان نیازمندند. بعنوان مثال برای تولید یک قوطی کنسرو ســـبزیجات چهل لیتر آب لازم است. نفت که خود از ضروریات صنعت بشمار می‌آید. هرگز قابل جانشین شدن بوسیله آب نیست، چه خود از استحاله آب بدست می‌آید، برای بوجود آمدن یک لیتر نفت ده لیتر آب لازم است کشوری چون عربستان سعودی که از نظر نفت بسیار غنی و از نظر ذخائر آب ضعیف است باید هفت تا هشت میلیارد دلار به مصرف شیرین ساختن آب دریاهایش برساند، بدین‌ترتیب مشاهده میشود که آب در تمام سطوح ترقی و پیشرفت ممالک جزو ضروریات است.

توزیع نامتناسب آب:

بعضی از مناطق جهان از آبهای فراوان در سطح زمین برخوردارند رودخانه آمازون طویل‌ترین رودخانه جهان(۶۵۰۰ کیلومتر) حوزه‌یی بوســـعت ۷ میلیون کیلومتر مربع را سیراب میکند، حجم آب آمازون تنها در کشور برزیل ۱۸۰ هزار مترمکعب برثانیه است.

رود کنگو (۴۶۴۰ کیلومتر) آب مورد احتیاج منطقه‌ای بوسعت ۳/۷ میلیون کیلومترمربع را تأمین میکند. رودخانه نیل (۶۷۰۰ کیلومتر) حوزه‌ای بوسعت ۲/۸ کیلومترمربع را سیراب میکند. زامبزی (۲۶۶۰ کیلومتر) و نیجر (۴۲۰۰ کیلومتر) مجموعا ســـرزمینی بوسعت ۲/۵ میلیون کیلومترمربع را آبیاری میکنند همچنین رودخانه‌های بزرگ مکونگ در جنوب شرقی آسیا و هند و در پاکستان منابع آبی بسیار مغتنمی را برای توسعه کشورهای حوزه خود تشکیل میدهند.

طبق برآوردهای رسمی، امریکا ۳۳ درصد و آفریقا ۱۲ درصد آبهای جهان را دراختیار دارند. تنها در آفریقا مجموع وسعت دریاچه‌ها ۹۶۷ هزار مترمربع میرسد و نباید از نظر دور داشت که تقریبا تمام کشورهای درحال توسعه از ذخائر آبی زیرزمینی فراوان برخوردارند. حتی ظاهرا در قشرهای زیرزمینی مناطق کویری صحرای آفریقا هم پهنه‌های آب وسیعی وجود دارد بنابراین میتوان نتیجه گرفت که آبهای جهان بطور متناســـب توزیع نشده است و مناطق وسیعی از جهان فاقد میزان کافی از آبهای سطحی هستند.

آبیاری و کشاورزی:

در کشاورزی آبیاری، تقریبا تنها شرط افزایش تولید است. از پنج‌هزار سال قبل از میلاد مسیح، آبهای نیل برای آبیاری بکار می‌رفته و ظاهرا تمدنهای کشاورزی بزرگ زائیده آشنایی به فن آبیاری بوده‌اند تمدنهای باستانی چین، پروومکزیک شواهدی دیگر برای این مدعا بشمار می‌آیند.

استفاده ناقص از آب:

تکنولوژی جدید ســـهولت چشمگیری در ساختن سدهای عظیم بر رودخانه‌ها بوجود آورده اســـت. با اینحال تا امروز کشورهای درحال توســـعه بطور کامل از منابع آبی خود بهره‌برداری نکرده‌اند. طبق برآوردهای دقیق از ۳/۳ میلیارد هکتار ســـطح قابل کشت جهان تقریبا دو میلیارد هکتار آن در کشـــورهای درحال توسعه آفریقا، آسیا و امریکا قرار دارد. از این سطح ۱/۳۳۵ میلیارد هکتار آن قابل آبیاری است ذخائر آبی این سه منطقه از جهان قادر است ۱/۳۱۶ میلیارد هکتار زمین کشاورزی را سیراب ســـازد. درحالیکه طبق آمار ۱۹۶۲ مجموع زمینهای زیرکشت این مناطق از ۵۶۳ میلیون هکتار تجاوز نیمکند دلیل این نارسایی چیزی جز ضعف سرمایه‌گذاریها و کافی نبودن تعداد کارگران نیســـت بنابراین ضروری است که در کشورهای درحال توسعه، همزمان باتوجه به پیشرفتهای تکنولوژی نسبت به بهبود وضع کشاورزی و آبیاری هم توجه شود.

بهره‌برداری کامل از منابع آبی، در این زمینه مهمترین عامل بشـــمار می‌آید آبهای جاری در ســـطح زمین، اغلب از مناطقی که بوجود آنها احتیاج است دورندو برای استفاده از آنها لوله‌کشی و کانال‌سازی ضروری اســـت همچنین نصب تلمبه‌های کافی برای بهره‌برداری از آبهای زیرزمینی لازم بنظر میرسد.

در مقابل آبیاری دائم هم خطراتی مثل شورشدن و اشباع زمین در بردارد. در سودان، مصر، طول رودخانه نیل و دره هند و زمینهای زیادی بهمین ترتیب قابلیت کشـــت خود را از دست داده‌اند. در پنجاب، بعد از دهها سال آبیاری مداوم برای احیاء ۳/۲ میلیون از ۶/۴ میلیون هکتار زمین زیرکشت، لزوم استفاده از سیستم‌های زه‌کشی آشکار شد.

شیوع بیماریها:

خطر دیگر آبیاری دائمی، شیوع بیماریهائی نظیر مالاریا و بیماریهای انگلی است و کشاورزانی که در این مناطق کار میکنند دائما با عوامل ناقل بیماری در تماس هستند. در سال ۱۹۵۲ عمر متوسط روستائیان حوزه نیل فقط، ۲۷ سال بود. شـــیوع بیماریهای مختلف به اهالی منطقه ولطا خسارات غیرقابل جبرانی وارد آورده است.

البته تاکنون تلاشهای پی گیری در جهت مبارزه با بیماریهای ناشی از آبیاری دائمی زمین بعمل آمده اســـت. از آنجمله تغییر دادن مسیر جریان‌های آب، بمنظور از بین بردن کانون‌های زاد و ولد میکروبها، که نتایج مفیدی ببار آورده است. استفاده از داروهای مخصوص هم بی‌نتیجه نبوده است ولی بعلت گرانی بیش از حد چندان مقرون به صرفه نیست.

تامین آب آشامیدنی مردم، تخلیه آبهای راکد، تامین بهداشت، بکار بستن روشهای معقول در استفاده از آب و خاک و آموزشهای بهداشتی در مبارزه با بیماریهائی که دامنگیر کشاورزان میشود. بسیار دخیل هستند. ذخایر آب که اینقدر برای توسعه یک کشور اهمیت دارند ممکن است بوسیله فاضلاب‌های خانگی و مازاد تولیدات شیمیایی، کشاورزی و صنعتی، آلوده شوند تغییر ماهیت آب و آلوده شـــدن آن باعث از بین رفتن جنگلها و کشتزارهای اطراف خواهد شد و خسارات غیرقابل جبرانی ببار خواهد آورد.

اغلب خیال میکنیم که جریانهای آب پایان ناپذیرند و هر وقت اراده کنیم با پیچاندن یک شیر، آب مورد نیازمان را بدســـت می‌آوریم. البته این احساس تا وقتی است که آب در دسترسمان است: باران می‌بارد پهنه‌های آب تشکیل میشوند و ظاهر آبی پایان می‌نمایند.

اما حیف و میل کردن آب و استفاده غلط از آن برای کسانی که در مناطق خشک زندگی میکنند جنایب به حساب می‌آید، حفظ کیفیت آب، صرفه‌جویی در مصرف آن استفاده صحیح بموقع از آن و جلوگیری از آلوده شـــدن آن به کشورهای درحال توسعه امکان میدهد که حداکثر بهره‌برداری را از این ماده ضروری بعمل آورند.

بنابراین، باید مردم یاد بگیرند که به آب بطور کلی احترام بگذارند.

مترجم فاطمه فیروزان









منوچهر آتشی شاعر ومنتقد :

۵۴/۷/۹

شعر، نمودار خلاقیت ملت ما است

شاعران نجواگر خیالپرست، خصم فرهنگ ملی هستند

ـ شعر معاصر فارسی شعری است که در دورن خود با تضادهای رنگارنگی درگیر است. در این جریان شعری سبک‌ها و شیوه‌های بیانی گوناگونی را می‌شناسیم و گاه این گوناگونی تا مرز تناقض‌های آشکار پیش می‌تازد. این تنوع و تلون را به چه تعبیر می‌کنید؟

منوچهر آتشی: آنچه را که شما از آن به نام تنوع یاد کردید من تعدد می‌خوانم. به گمان من این تعدد ناشی از ناهماهنگی‌های تفکری موجود میان شاعران زمانه است.اندیشه‌ی مشترک، درد مشترک، چاره‌اندیشی‌های مشترک است آنچه یک جریان شعری را با خویش هماهنگی می‌دهد. اما وقتی هر کسی برای خویش میسراید و در آئینه‌ی خود می‌نگرد، وقتی یگانگی اندیشه و عاطفه در میان نیست تعدد و تکثر نطفه می‌بندد. وقتی هر کسی ساز خودش را در تنهائی میزند تو نمی‌توانی از صدای سازهای ناهماهنگ هماهنگی الحان یک ارکستر را چشم داشته باشی.

باید به امید روزی بنشینیم که این تفرقه و کثرت به یگانگی و وحدت بیانجامد. تنها در آن زمان است که شعر را با جامعه‌ی عصر خویش پیوند توانیم زد. با نگرانی باید بگویم آنچه امروز بنام شعر معاصر می‌شناسیم چارپایه است که سه پایه‌اش در اندوه گذشته و خیال آینده و خلاء جای دارد و تنها یک پایه‌اش بر واقعیت‌های زمانه استوار است. اما شما اطمینان داشته باشید که آینده از آن هماهنگی‌ها خواهد بود.

ـ آیا دوران نیما و شعر نیمایی سپری شده و تجارب نیمائی در کار شاعری دیگر نمی‌تواند برای شاعران معاصر را هگشا باشد؟

منوچهر آتشی: نیما را هنوز خوب نشناخته‌ایم هنوز عصر شاعر بلندپرواز سپری نگشته و تا دیرزمانی وانمود می‌کنند که زمختی و درشتی زبان نیما از کم‌سوادی او در فارسی دانی مایه می‌گیرد حال آنکه چنین نیست. یکی از مسائلی که نیما بعنوان یک شاعر بزرگ و دست نیافتنی جلوه‌گر ساخته همین زبان زمخت و ناهموار است و همین ویژگی زبانی باعث می‌شود که خواننده‌ی شعر او همیشه در آثارش گمگشته‌هائی را جستجو کند. این فرم کار نیما است که زبانش را تا حدی نامانوس کرده است. در آثار این شاعر بلند آوازه من هیچ شعری را سراغ ندارم که از نوعی کمال در فرم برخوردار نباشد حتی منظومه‌ی مانلی او نیز دارای چنین خصلتی است. نه برادر! کار نیما به این سهلی‌ها پایان نمی‌گیرد نیما عقاب تیزپروازی است که گنجشکان خسته از پرو از نمی‌توانند در فضای بیکران شعر، پرواز بی‌گسست او را تعقیب کنند.

ـ شعر امروز از کدامیک از میراث‌های شعر کلاسیک فارسی می‌تواند بهره بگیرد؟

منوچهر آتشی: شعر فارسی بزرگترین نشانه و نمودار خلاقیت ملت ما است کسی که نسبت به این میراث شگفت انگیز بی‌توجه است به کشتی نشسته‌یی میماند که دریای زیرپایش را فراموش کرده باشد. شاعران معاصر چنانکه باید و شاید دراین دریای ناپیداکران غوطه نخورده‌اند و همین طبع بسیاری از آنان را ساده پسند کرده است، هنوز تجارت فردوسی، ناصر خسرو، نظامی، مولانا جلال‌الدین، حافظ و صائب و بسیاری از گردنفرازان آن شعر کهن فارسی چنانکه باید مورد بهره‌برداری شاعران زمانه‌ی ما قرار نگرفته است، از اینها گذشته تجربه‌های صدها شاعر گمنام فارسی زبان دیگر که شهرت این چند شاعر یاد شده آنان را از یادها برده است چیزی نیست که نادیده انگاشته شود، بگمان من شاعر معاصر نه تنها از مولانا و حافظ که از اثیرالدین اخسیکتی هم می‌تواند چیز یاد بگیرد، متأسفانه ما امروزیان غافلیم که گذشتگان چه میراث گرانقدری برای ما بیادگار گذاشته‌اند. مثلا سبک هندی بزرگترین نهضت سازنده‌ای است که در زمینه‌ی شاعری در فاصله‌ی عصر حافظ و نیما رخ نموده است و این واقعیتی است که پیشوای شعر امروز هم آنرا متذکر گردیده است اما واقعا از میان صدها و شاید هزاران شاعر معاصر چندتایشان کوشیده‌اند از تجارب این گروه از شاعران گذشته بهره‌یاب شوند؟ من فکر نمی‌کنم تعداد این گونه شاعران واقع‌بین از شمار انگشتان دست درگذرد. برادر ماروی گنج خوابیده‌ایم و خودمان خبر نداریم.

ـ شعر متعالی از چه ویژگی‌هائی برخوردار است؟

منوچهر آتشی: «این سخن بگذار تا وقت دگر» پاسخ این سؤال سخن را بدرازا خواهد کشاند اما نکته‌ای اساسی را می‌گویم و می‌گذرم. وقتی در جان شاعری نشانه‌هائی از تعالی رابببینیم کافی است که بپذیریم شعر او نیز متعالی است شعری که از جان شاعری خلاق و پرتوان می‌تراود دارای ویژگی‌هائی است که همانها ویژگی‌های شعر متعالی است.

ـ درباره نورآوردیهای افراطی در شعر معاصر چگونه می‌اندیشید؟

منوچهر آتشی: نوآوری باید توام با شناخت باشد اما وقتی چنین نیست باید اسمش را انحراف و کجروی گذاشت. نوآوری هم برای خودش دارای ضوابط و معیارهائی است، شاعر نمی‌تواند به بهانه‌ی خلق مضمونی زیبا با فکری ظریف بی‌قید و شرط عنان خود را بدست خیال بسپارد، دور شدن از حقیقت شعر بویژه در سرزمین ما که شعر بخش عظیمی از بار فرهنگ ملی‌مان را بدوش کشیده است خیانت به فرهنگ اجتماع است. شعر راستین هرگز واژه‌ها و نظام‌های بیانی زبان را فدای خیالات خویش نمی‌کند.

شاعری که همه چیز را برده‌ی فکر و خیال کند به زبان ملی خود خیانت کرده است. متأسفانه بسیاری از شعرهای امروزیان به آوارادی میماند که چندان نجوا گونه بیان میشود که فاصله‌ی میان زبان و گوش گوینده‌ی ورد را بسختی طی می‌کند. بعضی از شاعران انگار به این دنیان آمده‌اند تا با خودشان در خلوت تنهائی‌های پرسوز و گداز نجوا کنند شاعری که از کنار معجزه و فاجعه بی‌خیال می‌گذرد شاعری است که می‌خواهد سکوت را جانشین فریاد کند.

ـ آینده‌ی زبان شعر آینده چگونه خواهد بود؟

منوچهر آتشی: اگر وردخوانی‌ها همچنان بی‌گسست و بی‌امان دنبال گرفته شود بی‌گمان زبان شعر فارسی در آینده چیزی جز ایماء و اشاره نخواهد بود.

شاعری که بخیال خود می‌کوشد تا معانی عمیق و بسیار را در قالب واژه‌هائی اندک بریزد در حقیقت تیشه بریشه‌ی زبان و شعر می‌زند و این گناهی است که آیندگان آنرا نخواهند بخشود.

اما اگر شعر امروز در مسیر طبیعی خویش به جریان در آید ـ که جبرا چنین خواهد شد ـ درآنصورت شعر با زمانه هماهنگ خواهد شد و همانند زمانه خویش را تا بی‌نهایت‌ها خواهد گسترد. در چنین شرایطی زبان شعر نیز زبانی خواهد بود گویا، گسترده و رنگارنگ.

ـ آیا هرج و مرج کنونی در شعر دیرزمانی ادامه خواهد یافت؟

منوچهر آتشی: من به یگانگی می‌اندیشم و فکر میکنم آینده از آن یگانگی‌ها خواهد بود.

بخشی از یک مثنوی سروده‌ی آتشی

گر عشق نگردد آفتابی

ای خوب بدور رفته‌ی من
شیرین به شور رفته‌ی من
ای بدر رمیده در سیاهی
چون تو سفری نکرد ماهی
ماهی تو در آسمان و من نه
مهری تو و مهربان من نه
بی‌ماه تودر محاق خویشم
هم آتش و هم اجاق خویشم
شور سفرت چنان برانگیخت
کز آنهمه همدلیت بگسیخت
پنداشتی آسمان آنجا
جز آبی رنگ بینی آنرا
بیزار زمانه‌ی دو رنگی
پس شیفته‌ی خز پلنگی!
بوی چه گلیت کرد مدهوش
کان همنفسیت شد فراموش
آن همنفسی که راز ما بود
در معبد شب نماز ما بود
راز که چو فاش گشت شد راز
چون عطر که پرداز گل باز
رازی نه بمعنی نهفته
بل واژه‌ی معنی شکفته
باغی که خزان کند بهاریش
شامی ز چراغ بیش تاریش
نه ریش بگل نه گل بر آب است
نیلوفر برکه‌ی سراب است
تشنه که پی سراب پوید
نه موج نمک که آب جوید
آبی نه جز آشکار تشنه
خمری همه زوخمار تشنه
افسانه‌ی عشق و رازداری
رازی است خود از فریبکاری
فرقی که میان عشق وراز است
فرق سریار سرفراز است
گرعشق به بام جان علم نیست
پس اینهمه جنگ بر سر چیست؟
گر عشق نگردد آفتابی
تو زنده‌ی جاودانه خوابی

۵۴/۷/۹

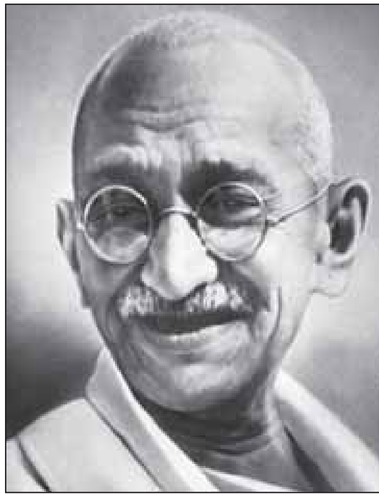
گاندی، آئینهٔ وجدان بشریت

بی‌آرام، انسان‌دوست، دانشمند و مرد مقدس

بیاد گاندی

شاید در نخستین نگاه هیچ ارتباطی بین فولاد و زندگی و فلسفه مهاتما گاندی وجود نداشته باشد ولی بجرئت میتوان گفت که نقش گاندی در احیاء هند از نقش صنایع فولاد در توسعه صنعتی این کشور بمراتب مؤثرتر و ارزنده‌تر بوده است. او با تکیه به قدرت اخلاقی خود تمام موانع را از پیش پا برداشت و در مبارزه با استعمار توفیق حاصل کرد. گاندی هیچگاه از سلاحهای مادی استفاده نکرد زیرا یقین داشت که قدرت اخلاقی نیرومندتر از بمب و گلوله است.

این صفحات ویژه [چاپ شده در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۵۴/۷/۱۰] که پیشرفت هندوستان را در زمینه صنایع فولاد نشان میدهد و نقش این صنایع را در توسعه و گسترش و پیشرفت هند روشن میسازد بمناسبت تصادف با یکصدوششمین سال روز تولد گاندی بیاد آن مرد بزرگ منتشر میگردد.



او رفت و احساس غم‌انگیز تنهائی سرتاسر هندوستان را گرفت همه ما با شدت رنج این تنهائی را احساس میکنیم و من نمیدانم کی از این احساس با یک نوع حس غرور ملی همراه است و ما خدا را شکر میگوئیم که مردی بزرگ همچون گاندی را برای راهنمائی ما آفرید، بعد از ما قرنها و شاید هزاران سال مردم جهان بیاد ما خواهند بود که با مردی بسیار باعظمت همعصر و همفکر بودیم ـ ما چه قدر خوشبخت هستیم که با او آشنا بودیم و بر همان زمینی که او قدم میزد و زندگی میکرد. ما هم قدم میزنیم و زندگی میکنیم.»

با این کلمات جواهر لعل نهر و از «گاندی» که مورداحترام همه مردم هند بود و با اسامی پدر ملت و مهاتما معروف است یاد کرد. گاندی در تاریخ سی‌ام ژانویه ۱۹۴۸ یعنی شش ماه و نیم پس از استقلال هند بدرود حیات گفت یکی از نخست‌وزیران پیشین فرانسه لیون بلسون طی کتابی در مورد گاندی نوشت: من اصلاً گاندی را ندیده‌ام، من زبان او را نمیفهمم و به کشورش مسافرت نکرده‌ام ولی بازهم احساس میکنم که یکی از نزدیکترین بستگان و دوستان خود را از دست داده‌ام. تمام جهان با مرگ آن مرد بزرگ در دریای عمیق غم و اندوه فرو رفته است.

پرزیدنت «ترومن» پادشاه انگلستان، رئیس جمهوری فرانسه، پاپ رهبر مسیحیان جهان و کلیه رؤسای جمهوری و سران کشورهای جهان و بزرگان ادیان مختلف دنیا پیامهای تسلیت خود را به هند مخابره کردند.

پرچم سازمان ملل در سوگ او نیم افراشته شد و اجلاسیه شورای امنیت برای تجلیل از آن مرد بزرگوار تعطیل گردید. نماینده بریتانیا در سازمان ملل «فیلیپ توئل بیکر» بدین ترتیب از وی تجلیل کرد: گاندی دوست مفلس‌ترین، تنهاترین و عقب‌مانده‌ترین مردم جهان بود. سناتور «آرتوروی واندن برگ» ضمن بزرگداشت گاندی گفت: گاندی صداقت و فروتنی را قدرتی بیشتر از پادشاهی بخشیده سیاستمدار معروف انگلستان «سراستافورد گرپس» در مورد گاندی میگفت: گاندی قدرت روحی خود را بر قدرت نیروهای مادی تفوق بخشید. ژنرال «ژرژمارشال» وزیر امور خارجه پیشین امریکا و نویسنده طرح مارشال، گاندی را سخنگوی وجدان بشری نامید.

جالب اینجاست کسی که مورد احترام مردم سرتاسر جهان بود در اوایل زندگی، مردم کشور خود او از وی کناره‌گیری میکردند ولی این کناره‌گیری بعلت عدم احترام به شخص گاندی نبود بلکه شخصیت خود گاندی بود که با وجود عظمت فکری و روحی، زندگی خود را با ناکامی و عدم موفقیت، آغاز نمود.

گاندی در یک خانواده بیسواد و متوسط‌الحال بدنیا آمد و در دوران کودکی هیچگونه تمایلی نسبت به سوادآموزی و کسب دانش از خود نشان نداد. او فاقد هرگونه اعتماد بنفس بود و بهمین جهت اطرافیانش او را به تمسخر و استهزاء میگرفتند، تنها دوستان او کتابهایش بودند ولی او از این کتابها هیچ سردر نمیاورد.

او هنوز به بیست سالگی نرسیده بود که ازدواج کرد. او اعتراف میکرد که من از دزدها، جانورها و ارواح میترسیدم و شبها جرأت نمیکردم قدم از خانه بیرون بگذارم ولی زن جوان او هیچگونه ترسی را نمیشناخت، گاندی از زنش خجالت میکشید ولی همانند تمام شوهران شرقی اصرار داشت. که زنش بدون کسب اجازه او از خانه قدم بیرون نگذارد، بچه‌هایش را وادار میکرد که کارهای بسیار مشکل را از قبیل تمیزکردن توالت‌های خانه‌اش را انجام دهند.

هنگامیکه زنش «کاستربائی» از انجام این کارها خودداری میکرد گاندی به وی دستور داد که خانه‌اش را ترک کند اما بمحض اینکه رنج و اندوه همسرش را از این دستور ملاحظه کرد پشیمان شد و زن را بخانه بازگردانید! این بود گاندی در زندگی قبلی خود و ممکن بود گاندی زندگی خود را بهمین منوال ادامه دهد ولی دو واقعه باعث شد که مسیر زندگی او بکلی عوض شد:

واقعه نخست

روزی برادر بزرگ گاندی از وی خواهش کرد که به نماینده سیاسی دولت بریتانیا در ایالت گجرات توسل جسته و از وی خواهش کند که او را بعنوان نخست‌وزیر ایالت منصوب نماید. گاندی با نماینده سیاسی رفیق بود و این رفاقت از زمان تحصیل در انگلستان آغاز شده بود اگر چه گاندی با اینگونه پارتی‌بازی مخالف بود ولی باز هم خواهش برادرش را قبول کرد. نماینده سیاسی از قبول توصیه گاندی معذرت خواست ولی این معذرت‌خواهی باعث شد که گاندی برای همیشه بصورت دشمن سرسخت پارتی بازی و توسل جوئی درآمده و اصول معینی را برای زندگی خود تعیین کند.

واقعه دوم

گاندی روزی در آفریقا با یک قطار مسافرت میکرد او بلیط درجه یک گرفته بود در همین قطار یک سفید پوست هم سوار شد و به گاندی دستور داد که کوپه درجه یک را ترک کند. گاندی باین دستور اعتراض کرد ولی سفیدپوست از مأمورین خواست که گاندی را اخراج نمایند.

مأمورین نیز بلادرنگ گاندی و اثاثیه‌اش را از قطار بیرون کرده و از ادامه مسافرت وی جلوگیری بعمل آوردند. از همان روز گاندی تصمیم گرفت که علیه سفیدپوستان مبارزه کند.

گاندی کسی نبود که گفتار و کردار وی با هم اختلاف داشته باشد. هنگامیکه او نهضت عدم اطاعت از مقررات ظالمانه را آغاز کرد مصمم بود که به پیروزی نایل آید و در غیر اینصورت هرگونه مجازاتی را که برای او تعیین شود تحمل کند.

اگرچه تعدادی از مردم هند با گاندی مخالف بودند و از عقاید سیاسی او پیروی نمیکردند ولی احترام زیادی برای او قائل بودند، یکی از مخالفین سرسخت گاندی که ژنرال اسموس نام داشت و در آفریقا زندگی میکرد در هفتادمین سالروز گاندی یک جفت کفش را که گاندی ۲۵ سال پیش به وی اهدا کرده بود. برای او پس فرستاد. وی طی نامه‌ای نوشت: من سالها این کفش را پوشیده‌ام ولی احساس میکنم لیاقت پوشیدن کفشهای مردی به آن عظمت را ندارم.

گاندی استعداد زایدالوصفی در حمایت از بینوایان نشان میداد، هنگامیکه در آفریقا شغل وکالت دادگستری داشت یکنفر هندی که طبق قرارداد در آن کشور کار میکرد در حالی پیش وی آمد که دو دندانش شکسته و خون از سرش جاری بود آن هندی از گاندی خواست که قرارداد تعهد وی را لغو کند. گاندی وکالت وی را قبول کرد و بعد از مدتی موفق شد که قرارداد او را لغو نماید. آن شخص سپس به تبلیغ از گاندی پرداخت و در اندک مدتی تمام هندی‌های مقیم آفریقای جنوبی فهمیدند که گاندی دارای شخصیتی ارزنده و مبارز بوده و میتواند علیه هرگونه تبعیضی قیام کند.

اگرچه گاندی همیشه از حقوق بی‌نوایان حمایت میکرد ولی هیچگونه بی‌نظمی را تحمل نمی‌نمود و از تمام پیروان خود میخواست که زندگی منظمی را در پیش داشته باشند.

آیا گاندی سیاستمدار بود یا مرد مقدس؟ او به این سوال هنگامی جواب داد که در آفریقای جنوبی زندگی میکرد. «او گفت عده‌ای میگویند که من مردی مقدس هستم ولی حقیقت اینست که من سیاستمدار هستم و مجدانه میکوشم که بصورت مردی «مقدس در آیم». سیاست او بشدت تحت تأثیر مذهب قرار گرفته بود و میگفت که وطن‌دوستی من تابع مذهب من است. گاندی در اوایل زندگی خود بشدت تحت تأثیر مادر خود قرار گرفته هر روز به معبد میرفت و قبل از انجام عبادت غذا نمیخورد، روزه‌های مذهبی بصورت زندگی عادی وی درآمده بود «هگوت گیتا» که کتاب مقدس هندوهاست همیشه منبع نور و هدایت گاندی بود. او میگفت: هنگامیکه شک و یاس به من روی میآورد و من هیچ نور امید را نمی‌بینم. به «هگوتِ گیتا» مراجعه میکنم تا احساس آرامش نموده و لبخند را جایگزین هراس نمایم.

وقتی در لندن زندگی میکرد یکنفر بازرگان انگلیسی از وی خواست که انجیل مقدس را مطالعه کند. او پس از مطالعه انجیل گفت کلمات انجیل عمیقا در قلب من تأثیر میگذارد.

مطالعه گاندی در کتب شوریو تالستائی و روسکن باعث شد که او فلسفه‌ای را به اسم «سیتاگراها» یعنی توسل به راستی بوجود آورد. او در سیاست نیز از همین اصل پیروی نموده و حامی سرسخت عدم توسل به قدرت و زور بود. وی میگفت در سیاست و روش من جائی برای زورگوئی و اعمال فشار وجود ندارد. او بطور راسخ عقیده داشت که فقط صداقت و راستی پیروز میشود. اعمال زور بحدی در نظر گاندی محکوم بود که وی حاضر نمیشد حتی برای رسیدن به عدالت نیز به زورگوئی متوسل شود. اگر میدید که عده‌ای حاضر به همکاری با او نیستند همیشه راه مسالمت را در مذاکرات خود پیش میگرفت؟ اگر باز هم موفق نمی گردید هرگز به انتقامجوئی دست نمیزد.

«سیتاگراها» یک نوع مبارزه و مقاومت منفی بود، هنگامیکه پیروان او جواب سختی را با سختی میدادند او ناراحت می‌شد و روزه‌های طولانی میگرفت. او از پیروانش میخواست که از وی تقلید کنند.



گاندی ساتیاگراها را نه تنها در هند بلکه در آفریقای جنوب نیز مرسوم کرد. هنگامیکه دولت آفریقای جنوبی قوانینی را جهت حمایت از نژادپرستی تصویب کرد و بمرحله اجراء گذارد او از هندیهای مقیم آن کشور خواستار شد که متشکل گردیده و از هرگونه همکاری با مقامات دولتی خودداری کنند. اگرچه ظاهرا این سیاست با سیاست ظالمانه آفریقای جنوبی تطبیق نمیکرد ولی تا اندازه‌ای به هندی‌ها کمک کرد و رویه دولت تغییر یافت. مثلا مالیات سه لیره بر کارمندان قراردادی و تعهدی لغو گردید. رسوم و قوانین هندی‌ها در برگزاری ازدواج برسمیت شناخته شد و شناسنامه‌ای دارای نقش انگشت هندی‌ها جهت ورود بمرزهای آفریقای جنوبی رواج پیدا کرد.

در سال ۱۹۳۹ میلادی یعنی در حدود ربع قرن بعد از اتمام نهضت سیتاگراها دشمن بزرگ گاندی باسم ژنرال اسموتس گفت: گاندی خواه ناخواه برای مدتی در زندان استراحت کرد. او باین استراحت احتیاج داشت! تمام برنامه‌های او طبق پیش‌بینی‌های اولیه انجام گرفت، برای من بعنوان شخص مسئول نظم و آرامش خیلی مشکل بود قوانینی را که بهیچ عنوان موردتائید و قبول مردم نبود اجراء نمایم و هنگامیکه دولت مجبور میشد اینگونه لوایح را تعویض نماید برای من ایجاد ناراحتی و برای او احراز موفقیت میشد.

تغییر و تحول گاندی از صورت یک آدم خجالتی و ضعیف بصورت سیاستمداری برجسته و فهمیده در آفریقای جنوبی صورت گرفت. در بمبئی بعنوان یک وکیل جوان دادگستری حتی نمی‌توانست در کوچکترین دادگاه جنحه هم حرف بزند. ولی در آفریقای جنوبی بصورت سیاستمداری واقعی درآمد و یک حزب سیاسی را بنیان نهاد. گاندی طی مبارزات خود در هندوستان از تجربه خویش در آفریقای جنوب مدد میگرفت و پیروز میشد.

در نهضت آزادی و استقلال هند گاندی نقش بسیار مهمی را ایفاد نمود. اگرچه تعدادی از رفقای هندی وی در این نهضت به وی کمک کردند ولی این گاندی بود که شعله‌های قیام را به وجود آورد و بخواسته‌های خود جامه عمل پوشانید. گاندی جامعه‌ای بسیار ضعیف را قدرتی بسیار بزرگ بخشید و بخاطر همین قدرت بود که هندیها توانستند علیه بزرگترین امپراطوری عصر خود مبارزه نمایند، اگر گاندی رهبری نظامی بود موفقیتهای سیاسی او زیاد چشمگیر بنظر نمی‌رسید ولی آنچه که واقعا جالب توجه است این است که یک مرد بسیار ضعیف با قدرت روحی و فکری خود علیه انگلیسیها قیام کرد و به پیروزی نائل آمد.

خیلی آسان است که یک نفر بتواند لقب سیاستمدار بگیرد ولی گرفتنِ لقب مهاتما از طرف ملت هند کار آسانی نبود. عده‌ای میخواهند بدانند که کلمه مهاتما را چه کسیَ برای گاندی انتخاب کرد ولی آنان باین نتیجه میرسند تمام ملت هند این لقب را برای گاندی انتخاب نمودند. اگرچه میلیونها نفر حداکثر احترام را برای شخص گاندی قائل بودند و با کمال میل عزیزترین متاع خود را نثار او میکردند ولی هنگامیکه گاندی این ابراز علاقه و صمیمیت را مشاهده مینمود فروتنی بیشتری نشان میداد.

او میتوانست بعد از آزادی هند نقش یک دیکتاتور را ایفا نماید ولی وی قلبا به دموکراسی علاقه داشت.

روزی هنگام مسافرت با گاندی یکنفر از قطار به خارج پرتاب شد ولی آسیبی به وی نرسید. او بعد از نجات از این حادثه گفت که من بعلت مسافرت با مردی مقدس یعنی گاندی از خطر مصون مانده‌ام ولی گاندی فورا مداخله کرد و گفت اگر این طور بود تو اصلا از قطار به خارج پرتاب نمیشدی. شخص دیگری در حالیکه یک گردن بند با عکس گاندی همراه داشت به گاندی گفت من با کمک این گردن‌بند از مرض فلج نجات پیدا کرده‌ام. گاندی باو جواب داد: خداوند ترا از مرض نجات داده است، اگر میخواهی مرا خوشحال کنی این گردنبند را از گردنت بیرون بیاور!

عقیده راسخ گاندی به دموکراسی موجب میشد که وی نسبت به انگلیس‌ها نیز که مدت زیادی برهند حکومت داشتند و گاندی میخواست آنان را از هند بیرون کند راه ارفاق و مسالمت در پیش گیرد.

او هیچوقت نسبت به انگلیسیها یا سفیدپوستان ابراز نفرت نکرد.

در حقیقت در بعضی از موارد او از صفحات و عادت انگلیسها شدیدا تمجید میکرد.

او در مبارزه تساوی حقوق مردم آفریقای جنوبی و آزادی هند از پیروان خود میخواست که هرگونه تعصبات مذهبی را کنار گذاشته و حداکثر ارزش را برای سوادآموزی، جدیت و پشتکار قائل شوند. او می گفت که تنها راه نیل به اهداف بزرگ و مقابله با ظلم همین است و باید همین راه در پیش گرفته شود.

گاندی نمیخواست فقط آزادی هند بدست آید. بلکه آرزو داشت مردم هند با آزادی و رشادت و سعادت زندگی کنند. او تمام هند را از تعصبات مذهبی، نژادی و اجتماعی نجات داد. از بین بردن عقیده نجس بودن انسان و پیشرفت فکری و روحی زنان، از هدفهای عالیه او بود. او همواره میگفت که نیل به آزادی سیاسی و اجتماعی فقط در صورتی ممکن است که مردم از تعصبات ارثی رهائی یابند. برای اینکه او از مردم فقیر کشور خود که اکثریت آنان بمیزان ۸۰ درصد در روستاها زندگی میکردند حمایت کند شیوه زندگی آنان را برای خود انتخاب کرد و زندگی ساده‌ای را در یک خانه محقر چوبی با یک لباس پاره و غذای ساده برای خود برگزید. لباس او معمولا استهزا انگیز بود. چرچیل او را گدای لخت نامید ولی این عکس‌العمل هیچگونه تأثیری در روحیه او نداشت و او هنگام اقامت خود در لندن جهت شرکت در کنفرانسها همان لباس را بتن میکرد و در محله فقیرنشین اقامت داشت تا با مردم فقیر باشد. گاندی شدیداً عقیده داشت که تنبلی انواع انحطاط‌های اخلاقی را ببار می‌آورد. او می گفت تنها راه نیل به کمک و توجهات خداوند اینست که مردم تنبل هند بکار و کوشش علاقمند شوند. جهت رهائی مردم از فقر و گرسنگی گسترش صنایع کوچک و صنایع دستی را توصیه می‌کرد. او از چرخی که یک نوع نخ باف دستی بود حمایت کرد و بعدا چرخ بعنوان سمبل گاندی درآمد. پوشیدن لباس نخی دوخته شده با نخ داخلی برای تمام اعضای حزب کنگره هند بدستور او اجباری شد. او این قدر برای چرخ اهمیت قائل بود که آنرا در وسط پرچم حزب کنگره گذارد. ولی گاندی بهیچ عنوان با مدرنیزه شدن مخالف نبود. او می گفت من با ماشین مخالف نیستم، خود بدن آدم یک نوع ماشین ظریف است، من فقط مخالف بیماری دویدن بدنبال ماشینها هستم، گاندی نمیخواست هند بسوی قهقرا برگردد، او همیشه از پیشرفت صحبت میکرد و می گفت تنها راه پیشرفت احراز موفقیت در تکنولوژی است. گاندی دارای خصوصیات ارزنده‌ای بود که در یک مقاله نمی‌توان تمام آنها را مطالعه کرد. او بزرگترین سیاستمدار هند بود و در عین حال از تمام عیوبی که سیاستمدارها دارند مبرا بود.

او با راستی و صداقت به هدفهای خود نائل آمد.

زندگی سیاسی او اکنون قسمتی از تاریخ بشر را تشکیل میدهد. بهمین جهت این مقاله گاندی را بعنوان یک بشر و نه بعنوان یک سیاستمدار نشان داده است.

او آرزو داشت ۱۲۵ سال عمر کند تا به بشریت خدمت نماید ولی متأسفانه در سن ۷۹ سالگی کشته شد.

گاندی هرگز از مرگ نمیترسید، در سال ۱۹۰۶ هنگامیکه یکی از هموطنانش او را تهدید به مرگ کرده بود او گفت مرگ سرانجام زندگی است، مرگ به دست یک برادر نمی‌تواند مرا متأسف کند و اگر من از احساسات قاتل خود آگاه نباشم باید قبول کنم که روزی قاتل من خواهد فهمید که من گناهی نکرده بودم.

ولی آن قاتل نتوانست صدمه‌ای به گاندی برساند و فقط پس از یک حمله ساده بر آن رادمرد پا بفرار نهاد، گاندی نام خدا را بر زبان رانده بیهوش شد ولی هنگامیکه ۴۲ سال بعد مجددا هدف گلوله قرار گرفت با تکرار همین کلمات بدرود حیات گفت.

انشتین درباره گاندی گفت قرنها خواهد گذشت ولی مردم باور نخواهند کرد که مردی با اینهمه صفات نیک و نکات اخلاقی در این زمین زندگی میکرده است.

دکتر زرین کوب:

بزرگداشت دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در خرم‌آباد

تاباندن نور فرهنگ در دل جوانان، آرزوی

اشاره

پنجشـــــنبه شب از ســـــوی فرهنگ و هنر لرستان مجلس بزرگداشت دکتر عبدالحسین زرین کوب ادیب، منتقد و مورخ ایرانی برگزار شـــــد که در آن جمعی از پژوهشگران و استادان دانشگاه و ادبا و علاقمندان شرکت جستند.

عظمت در سادگی است، سادگی رفتار اجتماعی، سادگی در روابط انسانی، سادگی بیان اندیشه و انتقال حس و عاطفه.

عظمت در روابط ساده با توده نهفته است.

زرین کوب عظمت را با ســـــادگی رفتار و کار خود تجلی میدهد، اینرا در نوشـــــته‌هایش و در اندیشه‌هایش میشود حس کرد.

در بزرگداشت زرین کوب عظمتی بود که از سادگی زاده میشد. دوســـــتانی که بی‌مزد و منت از همه جا آمده بودند تا با خلوص نیت کار مردی پژوهشگر را سپاس گزارند.

به مجلس بزرگداشـــــت دکتر عبدالحسین زرین کوب به خرم‌آباد خوانده شـــــده بودیم، همراهان سفر پاره‌ئی شاگرد عده‌ئی همکار و دوست او بودند از آن جمله: حبیب یغمائی، باستانی پاریزی، محمد امین ریاحی، ایرج افشار، جلال ستاری، کیکاوس جهان‌داری، غلامرضا سمیعی، سید جعفر شهیدی، ضیاءالدین سجادی و کاوه دهکان.

بانی مجلس مدیرکل فرهنگ و هنر بود، آقای ایزدپناه، که بی‌شک در پناه ایزد است که چنین راستگار و پرتلاش در گسترش فرهنگ‌زاد و بومش میکوشد، شب ورود به مهمان‌سرای شهرداری که «بر بالای بلندی نهاده» و چشم اندازی از شهر را در دامنه دارد مسکن گزیدییم. یکی از زیباترین مهمانسراهای کشور در نظرم آمد. نـــــه تنها بخاطر زیبائی و راحتیش بلکه بخاطر آنکه با بودجه‌ئی اندک ـ بی تصرفات معمول ـ ساخته شده است.

پس از جابجا شـــــدن، سری به سالن شیر و خورشید زدیم که بمناسبت جشن فرهنگ و هنر نمایش کرکس‌ها در آن اجرا میشد.

سالن پر از جمعیت بود و نمایش باب طبع آنها که سالی یکی دو تئاتر می‌بینند: ســـــرگرم کننده و هیجان آور، شنیدم که سالن راشیرو خورشید بفرهنگ هنر اجازه میدهد، چون خود فرهنگ و هنرسالنی برای نمایش ندارد بچه‌ها با علاقه کار کرده بودند دکور و موسیقی هم سرجایش خوب بود، بازیها هم کمی بالاتر از حد جشن فارغ‌التحصیلی.

شب در مهمانسرا چند نوازنده و خواننده محلی، ترانه‌هایی را برایمان زمزمه کردند که این زمزمه شیرین در موج گفتگوی اساتید گمشد، اما ایزد پناه امیدوارمان کرد که اگر چیزی از ترانه‌ها نشـــــنیدید همه آنها را در نواری برایتان ضبط کرده‌ایم و هدیه سفر است.

پیش از نوشـــــتن این مقاله آن نوار را بروی دستگاه پخش گذاشتم، نوار خالی بود، صدائی از آن برنخاست، گویا دوســـــت عزیزم خواسته است بما بفهماند که رفیق! دیگر صدائی از ترانه‌های بومی برنمیخیزد. حیف شد که بجای ترانه‌های لری، خش‌خش نوار بیصدا صنعت از این دستگاه می‌آید. صبح روز بعد به تماشای قلعه فلک‌الافلاک رفتیم. زندانی کتابخانه شده است، جائی که زندانیان سیاست سال‌ها در آن دفتر عمر سیاه کرده بودند. جائی برای دفتر و کتاب و ابزار جنگ و وسایل مردم شناسی تعبیه میشد. فکر خوبی است و جای شکرش باقی است.

قلعه‌ئی است در وسط شـــــهر. بالای تپه‌ئی، با صلابت و جبروت سرکشیده و ایزدپناه میگفت، بنای ساسانی بوده که پی و بنایش باقیست، بعدها در دوران اسلامی بنائی بر آن ویرانه‌ها نهاده‌اند.

روزی دخمه کورشو و دور شـــــو بوده حالا هیبتش ریخته و موزه «بیدارشو» شـــــده است. ساعت ۵ بعد از ظهر پنجشنبه در سالن شهرداری جمع شدیم استاندار جلسه را گشود یادآور گردید: که بزرگداشت دکتر زرین کوب در زادگاهش، استان لرستان، نشانه حقگزاری مردم این سامان نسبت به خدمتگزاران فرهنگ ایران است. سپس حبیب یغمائی پیر ادب ایران ســـــخن گفت و اشاره کرد: من پیرتر از آنم که بخواهم به مصلحتی تعارف کنم یا دروغ بگویم یا درســـــت را از نادرست تشخیص ندهم پس آنچه را درباره زرین کوب میگویم کلمه به کلمه ســـــنجیده‌ام و حقیقتی است عین واقع.



زرین کوب در دوران بلند عمـــــر تحقیق، آثاری بوجود آورده کـــــه ارزش‌های فرهنگ ایرانـــــی را در ابعاد مختلفش جستجو کرده است، او نه تنها به شهر خود و کشور خود بلکه به فرهنگ جهانی یاری رســـــانده و شعاع نام خود را در مجامع پژوهشی جهان گسترده است.

در نقل تاریخی مورخی امین و در نقد ادب پژوهشگری دقیق است، شاعری با شعرهای خوش و محققی با پژوهش‌های والاست. در تاریخ و عرفان و شعر ایران، او پژوهنده‌یی آگاه و کوشنده است.

پس از یغمائی ایرج افشـــــار سخن گفت: «در کتاب‌های زرین‌کوب در زمینه تاریخ چنان ارزشی دارد که او را در جمع پژوهش گران غربی نامدار کرده اســـــت از او خواسته شد که نوشتن بخشی از تاریخ ایران ـ اوایل عصر اسلامی ـ را در کتاب «تاریخ ایران، طبع کمبریـــــج بعهده بگیرد. حضور زرین‌کوب در گروه تاریخ ایران افتخاری برای پژوهشـــــگران تاریخ ایران شمرده میشود. غلامرضا ســـــمیعی دوست دیرین زرین‌کوب شعری درباره او ساخته بود با این مطلع و مقطع:

ای که در کاخ ادب صدرنشینی به عیان
ای که در ملک سخن عقده گشائی به خبر

چون زپنجاه فزون داری در پنجه واند
از رسالات و مقالات و مقامات و سمر
دیرزی‌ای هنری مردو گرانمایه چنانک
تا به پنجاه دگرآری، پنجاه دگر

سپس گفته شد که شرکت‌کنندگان در بزرگداشت دکتر زرین‌کوب مقالاتی تهیه کرده‌اند که در کتابه بعنوان «ارمغان زرین‌کوب» چاپ خواهد شد و شادباش‌هائی که دوستان و مقامات فرهنگی خطاب به او فرستاده بودند یاد شد.

در پایان جلســـــه هدایائی به زرین کوب تقدیم گردید، در آخر استاد پشت میز خطابه ایستاد و گفت: لطف و محبتی که دوستان من از دور و نزدیک نثارم کرده‌اند بیش از اســـــتحقاقم بود. اگر کار قابلی انجام داده باشم لذت و هیجان حاصل از آن، پاداش کارم بوده است. لطف بی‌دریغ شما بایستی شامل حال کسی میشد که آنچه را میخواســـــت و آرزو میکرد به انجام میرساند، اما این بنده میدانم که تنها پاره‌ای از آنچه را که میخواسته و میتوانسته‌ام به پایان برده‌ام.

من مدیون تمام کســـــانی هستم که مرا یاری داده‌اند تا آثار خود را پدید آورم و بپراکنم. مدیون معلمان خود هستم که از سال‌های پرشور دبستان تا سال‌های سرد دانشگاه با پوزش از استادانم ـ مرا دانائی و آگاهی بخشیده‌اند.

مدیون فرد فرد مردمی هســـــتم که مالیات داده‌اند، با کار مایه بازو و ذهنشان چرخهای مملکت را گردانده‌اند همه آنهائی که وســـــائل و اسباب توسعه فرهنگ و دانش را مهیا کرده‌اند.

من همه زندگی و دانشـــــم را مدیون مردم کشورم و تاریخم هستم. سهمی که در برابر اینهمه دین پرداخته‌ام چه کم است و چه جای تجلیل است. «هم مگر لطف شما پیش نهد گامی چند.» من امروز یکی از سخت‌ترین لحظاتم را گذراندم طنین اینهمه حق شناســـــی و بزرگواری، باری بر دوش من بود و به گفته سعدی شمسار خویش بودم. که من آنم که دانم، سالهاســـــت که گفته‌ام و نوشته‌ام و بقولی سپید را سیاه کرده‌ام.

کار من نوشـــــتن بوده و کار هنری و علمی را هیچ رجحانی بر کارهای دیگر نیســـــت. من همانقدر در حرفه خود کوشیده‌ام که یک آهنگر یا باغبان در کار خود، مرا چه جای دعوی؟

بقول ناصرخسرو:

اگر شاعری را تو پیشه گرفتی یکی نیز بگزید خنیاگری را من باقتضای حرفه‌ام کتابها نوشته‌ام. کاغذ سپید را به سطرهائی سیاه انباشته‌ام، اما کاشکی میتوانستم سیاه را سپید کنم بهره‌ئی از آن روشنائیها که در فرهنگ و میراث معرفت و دانش انسانی و ایرانی است و سالهاست چشم مرا خیره کرده به جوانان برسانم و ذره‌ئی از آن نور را در دل مشتاقان بتابانم اگر اینکار را میکردم اینهمه نوشتن و گفتن بی‌فایده نبود.

حقگزاری و بزرگواری شما این آرامش را بمن میدهد که در کاری که کرده‌ام راه خطا نرفته‌ام و این بزرگترین پاداش برای یک نویسنده است.

۵۴/۸/۱۲

جواد مجابی

من است

زرین کوب در پایان آنشـــب در محفلی شعری خواند که گرچه درباره دیگران سروده اما تمثیلی از زندگی خود میتواند باشد.

ســـیمرغ گشـــت از پس زال زر سال‌ها جهان دید بس گونه‌گون حالها دگرباره سیمرغ فرخنده‌فر زخلوتگه قاف، برکرد سر برو جمله مرغان فراز آمدند بشادی بر او نغمه ساز آمدند در آن جمله مرغان، مگر مرغ شب به تحسین او هیچ نگشاد لب. یکی گفتش آخر خمو شیت چیست چو داری زبان پرده پوشیت چیست؟

شنیدم که بگریست مرغک زدرد
که بیچاره سیمرغ فرداست، فرد
زمردم از آن روی کرده نهان
که تنهاست تنها و بی‌همزمان
زتنهائیش جان به لب میرود
که داند که بروی چه شب میرود
نه دشنام دشمن نه پیغام دوست
زهی زهر حسرت که در جام اوست
زدهقان شنیدم کزین گفتگوی فرو ریخت
سیمرغ را رنگ و بوی چو از مرغ شب این سخن کرد گوش

برآورد از جان به زاری خروش که چون من گراید و نکه یک مرغ نیست

به تنهائی من بباید گریست چنین گفت دانا کز آن روز باز نهان کـــرد رخ مرغ گردن فراز و زآن پس ندارد کس از وی خبر مگردور عمرش درآمد بســـر من ایدر نه آن مرغ افسانه ولی قاف عزلت بود خانـــه‌ام چو از همزبانان جدامانده به غربت چنین بینوا مانده‌ام.

برای آشنائی بیشتر:

عبدالحســـین زرین کوب، تولد ۱۳۰۱ در بروجرد، دکترای «دانشـــکده ادبیات» دانشگاه تهران ۱۳۳۴، رســـاله دکتری: نقد و شعر استاد رشـــته‌های تاریخ ادیان و تاریخ کلام و ادبیات تطبیقی و نقد ادبی. تالیفات: ۱ـ دو قرن سکوت ۲ـ با کاروان حله ۳ـ ارزش میراث صوفیه ۴ـ از کوچه رندان ۵ـ بامداد اســـلام ۶ـ شعر بی‌دروغ ـ شـــعر بی‌نقاب ۷ـ کارنامه اسلام ۸ـ نقد ادبی ۹ـ نه شـــرقی، نه غربی، انسانی ۱۰ـ یادداشتها و اندیشـــه‌ها ۱۱ـ تاریخ ایران بعد از اسلام ۱۲ـ تاریخ در ترازو ـ هنوز منتشر نشده

ترجمه:

۱۳ـ ادبیات فرانســـه در قرون وسطی اثر شـــارل‌وردن ول ۱۴ـ ادبیات فرانسه در دوره رنســـانس اثر شارل‌وردن ول ۱۵ـ خاقانی شرح قصیده ترسائیه مینورسکی ۱۶ـ فن شعر: ارسطو ۱۷ـ متافیزیک: فلیسین شاله همکاری در تألیف:

* در دائره المعارف فارسی با همکاری دکتر غلامحسین مصاحب
* فارسی و دستور زبان
* قرائت فارسی و تاریخ ادبیات
* بخش اسلامی تاریخ ایران طبع کمبریج و نوشتن ده‌ها مقاله در مقولات ادبی و همکاری با مجلات ادبی سال‌های اخیر.

۵۴/۷/۲۹

زبان فارسی در کام انگلیسی قند است!



چهل و هفت ســـال پیش از این روزی به دیدار مرحوم حسن متین فرماندار دیرین خرمشهر یا به تعبیر دور خود به اداره حکومتی محمره رفته بودم روســـای ادارات محلی غالبا حضور داشتند در میان حضار مجلس پیرمردی را با ابروهای پرپیشت ســـفید دیدم که درباره مزیت بندر جدید شاهپور و خورموسی برای کار ارتباط عمومی و اقتصادی و برتری آن بر آبادان و محمره چنان به زبان فارســـی سلیس و بی‌لهجه و درست سخن میگفت که تا حین معرفی نمیتوانستم تشخیص بدهم که گوینده ایرانی اســـت یا غیرایرانی او دکتر رینگ از قدیمی‌ترین کارمندان شرکت سابق نفت جنوب ایران بود که درباره مشـــکلات اولیه کار شرکت هم برای حضار توضیحات مفیدی میگفت که پیش از آن نظیر آنها را نخوانده و نشنیده بودم. بعدها شنیدم که دکتر رینگ زبان بومی را هم میدانست.

بیست و دو سال پیش بعد از آنکه رابطه سیاسی میان ایران و انگلیس تجدید شد آقای مشفق کاظمی سفیر کبیر ایران در دمشـــق ضیافتی بافتخار سفیر انگلیس در آن شهر مستر «گاردنر» داد. نایب کنسول قدیم بوشهر که سالها از ایران به دور مانده و بیش از دو ســـال در سوریه به سر برده بود سر میز شام دیدم که زبان فارسی را به لهجه‌ای نزدیک به مردم اصفهان روان و ساده و درست سخن میگفت در بحث لغوی که پیش آمد نسبت به کلمه ترمه اظهارنظری خاص کرد و آن را به معنی گرمه آورد و استناد او در این تفسیر باسم ترمابی در کوهستان غربی ایران بود که نام چشمه آب گرم است.

کسانی که با خانم «کمبتون» استاد دانشگاه لندن سخن گفته‌اند میدانند که در تکلم و درک نکات زبان فارسی در میان خاورشناسان امروز کم‌نظیر است.

این سه نمونه نماینده این نکته است که انگلیس‌ها در آموختن زبان فارسی برخلاف نظر نویسنده روزنامه اطلاعات تنبل‌ترین مردم جهان نیستند بلکه در صده نوزدهم از بهترین فارسی‌دانان اروپا محسوب میشدند.

آری در آن روز که زبان فارســـی از کنار دریای ادریاتکتا سواحل خلیج بنگاله رایج‌ترین زبان شرقی شمرده میشد و در هندوســـتان زبان سیاست و قانون و تجارت و ادب تفاهم عمومی بود. آموختن فارسی به درجه کمال مطلوب هر فرد انگلیســـی بود که میخواست در دستگاه حکومت ســـرکار کمپانی و بعد از آن در امپراطوری هند انگلیس متصدی شغل و مقامی گردد. همه صاحبان مناصب کشـــوری و لشـــگری حکومت هند خود را موظف میدانستند که فارسی را خوب بیاموزند تا در انجام کارهای دولتی از توفیق و پیشـــرفت بیشتری برخوردار باشند از نیمه صده نوزدهم هم که فارسی را به مشـــورت و توصیه ماکولی از دفتر و دیوان و دبستان و دادرسی هندوستان برداشتند و انگلیسی را به جای آن نهادند به تدریج عقب‌نشینی زبان فارسی در برابر انگلیسی آغاز شد و در طی یکصد سال خط عقب‌نشینی این زبان از مرزهای خلیج بنگاله و تبت و ســـواحل دریای عمان و خلیج فارس گذشت تا آنکه سی سال پیش به کنار خیابانهای شیراز و اصفهان و تهران رسید.

بدیهی است در چنین اوضاع و احوالی که ناشی از تغییر شرایط سیاسی و اقتصادی زمان بوده وقتی لفظی یا جمله‌ای فارســـی بر زبان وزیر دارائی انگلستان میگذرد «گل از گل میزبانان ایرانی میشکفد» زیرا متعارف چنان بوده که فارسی در اینگونه حوزه‌های دوجانبه اقتصادی و سیاســـی محلی از اعراب یا مورد استعمالی برای خودنمائی نداشته باشد. این نکته مرا به یاد معرفی افکند که اگر به نحو منظور صورت وقوع یافته بود امروز وضع زبان فارســـی در روابط دوجانبه داخلی و خارجی صورت دیگری پیدا کرده بود.

چند سال پیش یکی از هموطنان در مقاله‌ای پیشنهاد کرد که برای جلوگیری از سقوط و اضمحلال بیشتر زبان فارسی در کشـــور بیگانه باید زبان اقتصادی کشور را در شـــرکت‌های بزرگ صنعتی و تجارتی و بانکها و زبان روابط سیاسی با کشورهای جنوبی و غربی آسیا را زبان فارسی کرد تا هر جا پول و اعتبار و حیثیت و سرمایه ایرانی قدم مینهد زبان فارسی را با خود همراه داشته باشد و انگاه بنگریم همه نمایندگان عالی مالی و اقتصادی خارجی که برای انجام مقاصد خاصی به کشور ما قدم میگذارند مانند مستر هیلی زبان فارسی را در کام خود همچون قند پارسی شیرین و مرغوب خواهند پذیرفت و بدان سخن خواهند گفت.

در هشتمین جشن فرهنگ و هنر

گفت وشنودی با محمود فرشچیان

۵۴/۸/۱۵

جواد مجابی

تأسیس موزه «هنر ایرانی» ضروری است



استاد محمود فرشـــچیان تازه‌ترین آثار خود را به‌مناسبت هشتمین جشن فرهنگ و هنر در انجمن ایران و آمریکا عرضه کرده است گفت و شنودی با هنرمند درباره آثارش داریم.

آقای فرشچیان، در نمایشگاه تازه شما که طرح‌های شش ماهه اخیر را در بر می‌گیرد دو نوع کار متفاوت دیده می‌شـــود. نخست آن‌ها که مضامین ادبی دارند و با پرداختی ســـنتی ساخته شده‌اند. دیگر آنها که جز طبیعت تصویری خود، هدفی نمی‌شناسند در این هر دو نوع کار، فضای تابلوها را پر از دوایر گردنده و منحنی‌های بسته‌یی می‌بینیم که ترکیب دوار تابلوها را تشکیل می‌دهد.

چرا این‌همه به فضای دایره‌وار دلبسته‌اید؟

فرشـــچیان: منحنی در هنر ایرانی از نوعی نرمش و عطوفت حکایت دارد، بازتابی از عاطفه سلیم و مشرب عرفانی هنرمندان ایرانی است. در موســـیقی و معماری و خوشنویسی هم می‌توان این فضاهای منحنی را دید. در نقاشـــی قدیـــم ایران منحنی‌ها بیشـــتر در جزئیات اثر دیده می‌شد مثلاً در حرکت پرپیچ و تاب ابرها، قوس گردن اسبان و قامت سواران، انحناهای کوه‌ها و پیچ رودخانه‌ها، من این حالت را از جزئیات نقاشی ایرانی گرفته و آنرا چون عنصری مسلط به فضای نقاشی خود بخشیده‌ام. در فضای پرانحنای تصاویر تابلوهای من همه‌چیز در حال گردش است، سر در پی هم نهاده و در کشاکش است و چشم بیننده از یک نقطه که شروع کرد با خطوط دوار می‌چرخد و تابلو را دور می‌زند و دوباره به مرکز تابلو می‌رســـد بدینگونه خواسته‌ام بیننده تمرکز بیشتری روی تصاویر و حرکت‌ها داشته باشد. در تابلوهای پیشین من این حالت کمابیش مشهود بود اما در طرح‌های تازه‌ام عنصری مسلط شده است.

ـ در پاره‌یی از آثارتان از مضامین ادبی سود جسته‌اید از شعرهای حافظ و خیام، از روایات مذهبی یوسف و زلیخا و قربانی اسمعیل و از اسطوره‌ها، و افسانه‌ها. فکر می‌کنم که هنگام آن رسیده است که نقاشی را از دنباله سایر هنرها معاف بداریم و بگذاریم به طبیعت هنر تصویری بازگردد این کار را شما «در سیاه مشق پرندگان» و در تابلوهای «گرفت و گیر» و «کشاکش» کرده‌اید.

فرشـــچیان: به‌نظر من بایستی نقاشی ایرانی از ادب جدا شـــود زمانی به ضرورتی مینیاتور در خدمت شعر و تاریخ درآمد و همین ملازمه مایه ماندگاریش شد اما در روزگار ما نقاشی چنان قلمروئی از حرکت و تفکر را در بر می‌گیرد که نیازی به دنباله روی از سایر هنرها ندارد.

اگر روزگاری نقاشی واسطه انتقال اندیشه شاعران و مورخان بود اکنون می‌تواند بی‌واسطه از دنیای نقاش حکایت کند و به طبیعت تجریدی خود باز گردد.

در نمایشگاه من آنچه که به بازسازی حکایات ادبی اختصاص یافته همانهاست که بنا به شیوه معمول نقاشان قدیمی پرداخته‌ام اما بیشتر آنهائی را می‌پسندم که حاصل اندیشه من و تجربه‌های تازه‌ام بوده است.

روزگاری مردم مینیاتور را با پیرمردهای لاغر و زن‌های جوان صراحی بکف می‌شناختند و اصلاً تابلوئی جز این نوع ـ که متاسفانه هنوز هم دکان‌های عتیقه فروشی را آکنده و نام نیک هنر ایران را ضایع کرده است ـ در کار نبود نقاشان ما کوشیدند تا با تنوع بخشیدن به مضامین و تغییراتی در شگرد و پرداخت کار غبار مرگ را از چهره هنر دیرپای ایران بزدایند.

ـ در این تجربه‌های تازه به‌جز چندتن از مینیاتورســـازان که پا از دایره اصول فراتر نمی‌نهادند گروهی از نقاشان نوگراهم بودند از جمله اویسی و ژازه و دیگران که در زمینه نقاشی مدرن از مینیاتور نیز بهره جستند و ترکیبی از شگردهای غربی و اشکال مینیاتوری عرضه کردند درباره این نقاشان چه نظری دارید؟

فرشچیان: من به‌طور کلی با بسیاری از این نقاشان موافقم، چون آنها توانسته‌اند از هنر سنتی کشورشان دستمایه‌یی برای تجربه‌های نو فراهم آورند، اما این یک موافقت مشروط است تنها با آنها موافقم که مینیاتور را در راه هنر غربی قربانی نکرده‌اند بلکه با آموخته‌های خود از هنر غرب به بازآفرینی هنر سنتی خود برخاسته‌اند.

ـ روزگاری بحث در این بود که آیا درســـت اســـت پرسپکتیو را در نقاشی ایرانی مینیاتور وارد کنیم یا نه چون پرسپکتیو عنصری از فرهنگ نقاشی غرب است و با مینیاتور سازگاری ندارد. خودتان هم مدتی از اختلاط این دو جانبداری می‌کردید حالا چطور؟

فرشچیان: با اینکه من مدتی پرسپکتیو را در نقاشی‌هایم مراعات می‌کردم اما حالا با اختلاط این عنصر غربی با هنر ایرانی مخالفم ضرورتی برای این کار نمی‌بینم. پرسپکتیو به نقاشی فضای عینی و مادی می‌دهد در حالی که نقاشی ایرانی در فضای روحانی و معنوی متجلی است و نیازی به طبیعی بودن و مادی بودن ندارد. درست است که باید ابداعاتی برای تکامل مینیاتور صورت گیرد اما نه به‌صورتی که آسیبی بر اصول این هنر وارد آورد.

فرشـــچیان در برابر مســـاله آموزش مینیاتور می‌گوید: گروهی معتقدند که هنر مینیاتور جدا از زندگی امروز است، باید بگویم به‌طور کلی هنرها چندان هم در رابطه با زندگی عامه نیستند، اما اگر غرض همان رابطه فرهنگی با دوستداران هنر است مینیاتور هم می‌تواند مثل هر شیوه هنری دیگری دوستداران خود را بین مردم با فرهنگ بیابد و معتقدم که گستره بیشتری را هم در بر خواهد گرفت.

نقاشی ایرانی می‌تواند و باید ماندگار شود پس باید برای بقای آن چاره‌ای اندیشید.

من پیشنهاد می‌کنم

* آموزش مینیاتور در مدارس و دانشگاه‌ها گسترش یابد.

چرا باید از هنر خویش و فرهنگ ملی خود شرمسار باشیم و چرا در کتاب‌های درسی از سبک و مکتب براک و شاگان مطلب هست و از استادان مینیاتور ایرانی نیست؟

* چرا نباید یکی از این دانشکده‌های هنری بخشی را به آموزش این هنر سنتی اختصاص دهد تا بیاری هنرآموزان جوان چشم‌اندازهائی در هنر بومی این ملک به‌وجود آید.

* بســـیاری از آثار هنری قدیم ما که در کتاب‌ها یا بر دیوارهاست نیاز به کارشناس، منتقد، یا بازپیرا دارد اگر به‌این هنر اینگونه که می‌نماید بی‌اعتنا باشیم آثار هنری ما در آینده دچار نابودی خواهد شد.

* باید بین آثار قلابی و بی‌ارزشـــی که در بازار عتیقه‌فروشان به‌عنوان هنر مینیاتور عرضه می‌شود با آنچه هنرمندان اصیل این کشور می‌سازند تفاوتی قائل شد چرا که غربیان بیشتر از طریق این دکان‌ها با هنر ایران روبرو می‌شـــوند و مایه تأسف خواهد بود اگر برداشـــت آنها از هنر معاصر ایران بر چنین اساسی نادرست باشد. پیشنهاد می‌کنم عنوان مینیاتور به هنر ایرانی تبدیل شود که عنوانی رساتر و درست‌تر است.

* شگفتی‌آور است که ایران با هنر سنتی خود در محافل فرهنگی دنیا شهره است و هنوز در ایران مجموعه‌یی از مینیاتور معاصر ایران چاپ نشده است.

بجاســـت که موزه‌یی چون موزه نگارستان که اختصاص به آثار دوره قاجاریه دارد برای حفظ و اشاعه مینیاتور به‌وجود آید و آثار گرانبهائی که در کتابخانه‌های ایران است در آن به‌معرض نمایش در آید و از سوی موزه آثاری شامل مجموعه‌ها و پژوهش در زمینه این هنر منتشر شود.

می‌دانید که هنر مینیاتور ایران نمرده است که آنرا به وسائل تصنعی احیا کنیم، بلکه چندان ناشناس مانده که به خفقان دچار شده است، کافی است که اینهمه حجاب را از رخساره آن براندازیم هنری که آدمهائی چون ماتیس، میرو، پیکاسو وامدار آنند و از آن بهره‌ها جسته‌اند چرا که برای خود ما مایه جهش‌ها و ابداعاتی در گسترش هنر تجسمی‌مان نشود.

۵۴/۹/۴

این ژنرال ایرانی‌الاصل و مسلمان میخواست امپراتوری روسیه را نجات دهد

جنگ‌های ایران و روس موجب آن شـــد که بسیاری از متصرفات ماوراء خزر از جمله شـــهرهای قفقاز از ایران جدا شود. در هر دو جنگ عشایر غیور ایرانی خیلی خوب جنگیدند ولی نداشـــتن تعلیمات صحیح نظامی از یک طرف وخسّت فتحعلی‌شـــاه قاجار که حاضر نبود وسائل لازم را به موقع در اختیار قشون ایران بگذارد از طرف دیگر موجبات شکست را فراهم ساخت.

یک شـــخصیت ایرانی که سال‌ها در روسیه تحصیل کرده و در این مورد مطالعات عمیق دارد می‌گفت روس‌ها از عشایر ایرانی وحشت داشـــتند و این ترس و وحشت بی‌جا نبود زیرا عشایر غیور ایرانی حقیقتاً قادر بودند تا مسکو پیش بروند تنها توقع آن‌هـــا این بود که دولت تا زمانی که آن‌ها در میدان جنگ هســـتند از خانواده آنان سرپرستی کند و فتحعلیشاه این کار را نکرد.

پس از جدا شدن شهرهای قفقاز از ایران گروهی از ایرانیان تبعیت امپراطوری پیروز را نپذیرفتند و به ایران معاودت کردند و گروهی از ایرانیان تابعیت روسیه را پذیرفتند و بازماندگان آن‌ها به مقامات مهمی نیز رسیدند.

یکی از خانواده‌های قفقازی که تابعیت روســـیه تزاری را پذیرفت خانواده حسین خان بود که نام خانوادگی نخجوانسکی را برای خود انتخاب کردند.

حسین خان که یک روز ایرانی‌الاصل و مسلمان بود وارد ارتش روسیه تزاری شد و به علت لیاقت و نبوغ خاص نظامی که داشت خیلی زود ترقی کرد مخصوصاً در جنگ‌های روس و ژاپن شجاعت‌های چشم‌گیر او باعث شد که امپراطوری را به پایتخت احضار کند و مورد محبت و عنایت قرار دهد.

حســـین خان پس از احضار شـــدن به پایتخت درگارد امپراطوری به خدمت مشغول شد و به زودی فرمانده سپاه سوار گارد امپریال شد.

ولـــی زندگی در پایتخت به مذاق حســـین‌خان قفقازی سازگار نبود زیرا هزینه زندگی در دربار پرتشریفات امپراطوری روس آسان و کم‌خرج نبود.

حســـین خان پس از مدتی اقامت در دربار عریضه‌ای به امپراطور نوشـــت و معروض داشت زندگی در پایتخت برای من کمرشکن اســـت اجازه فرمایند به قفقاز بروم و در همانجا مشغول خدمت باشـــم. امپراطور که نسبت به او علاقه زیادی داشت دستور داد املاکی در اطراف پایتخت به وی واگذار شود تا کمک خرجی برای حسین خان باشد ولی درآمد این املاک نیز دردی را دوا نکرد و حســـین خان مجدداً عریضه نوشت و اجازه مرخصی و انتقال خواســـت امپراطور این بار دستور داد هر مقدار که حســـین خان برای مخارج لازم دارد در اختیارش گذاشته شود.

بدین‌ترتیـــب ژنرال حســـین‌خان به صـــورت یکی از برجسته‌ترین افســـران گارد امپراطوری در پایتخت مقیم شد تا آنکه جنگ جهانی اول آغاز شـــد و امپراطور حسین‌خان را برای جنگ با آلمان‌ها به جبهه فرستاد حسین خان در این جنگ شهامت و دلیری فراوان نشان داد گزارش‌های جنگ حاکی از آن بود که حسین خان در زیر آتش بی‌امان توپخانه آلمان خونسرد و بی‌اعتنا مثل آنکه در خانه خود نشسته فرماندهی می‌کند.

جنگ جهانی اول چهار ســـال به طول انجامید در اواخر جنگ شـــیرازه کارها از هم پاشـــید. در روسیه انقلاب شد و امپراطور به ناچار اســـتعفا داد همان روزها که شایعه استعفای امپراطور بر سر زبان‌ها بود حسین خان از جبهه تلگراف کرد و از امپراطور استدعا کرد استعفا ندهد تا او با قوای تحت فرماندهی خویش خود را به پایتخت برســـاند و کودتا کند. ژنرال‌ها این تلگراف را به امپراطور نشان ندادند و او استعفا داد. چند روز پس از استعفا از چنین تلگرافی باخبر شد و خواست حسین خان را احضار کند ولی به او گفته شد شما حالا فقط یک سرهنگ ارتش هستید! نه امپراطور.

نیـــکلا بارها گفته بود آنکه به من وفادار ماند یک ژنرال بود و آن هم مسلمان بود.

حســـین خان پس از تسلط انقلابیون به جرم مخابره همین تلگراف به زندان افتاد و در همانجا درگذشت.

شـــجاعت‌های حســـین خان در جنگ روس و ژاپن و در جنگ جهانی اول بارها موضوع و عنـــوان مطالب صفحه اول روزنامه‌های روسیه بود.

مرکز پژوهش از دانشـــمندانی که به زبان روســـی تسلط داشـــته و به منابع آن دوره دسترسی دارند خواهشمند است هر اطلاع دیگری در مورد این ژنرال ایرانی‌الاصل دارند ما را مطلع فرمایند تا در شـــماره‌های آینده جهت اطلاع خوانندگان گرامی درج شود.

صفحه ۹

مرکز پژوهش روزنامه اطلاعات برای نخستین بار منتشر میکند

این ژنرال ایرانی‌الاصل و مسلمان میخواست امپراتوری روسیه را نجات دهد

باهمکاری
احمد احرار
منصور تراجی
محمدعلی سفری
محسن مقدم
نصرت‌الله فتحی
صادق قیبائی
محسن میرزائی

ژنرال حسین‌خان از امپراتور درخواست کرد اجازه داده شود با قوای تحت فرماندهی خود کودتا کند

نیکلا گفته بود: در میان ژنرالها آنکه به من خیانت نکرد یکنفر بود و آنهم مسلمان بود









۵۴/۸/۲۴

ساخاروف پدر بمب هیدروژنی سخن میگوید

سلاح هسته‌ای نکبت ابدی به بشر ارمغان میکند

ترجمه ـ ن ـ بهرامی

انفجار یک هسته کوچک در فضا بیماری و نابودی چندین انسان است و بر این اساس یک بمب چند مگاتنی میلیونها قربانی دارد.

کتاب حاضر در بر گیرنده آثار مهم من در کلیه زمینه‌های اجتماعی، حقوقی و سیاسی است که طی چند سال اخیر نوشته‌ام.

برخی از این آثار برای خوانندگان غیر روسی نیازمند کمی توضیح و معرفی است، بدون تردید رفع هر نوع ابهام و شبهه منها از راه یک بررسی و نقادی شرافتمندانه و ارائه صحیح مدارک و اسناد امکان‌پذیر است. میخواهم بصراحت و امانت شرایط و اوضاعی که در آن رشد کرده و افکار و اندیشه‌هایم شکل یافته‌اند بیان دارم. باید عناصر تعیین کننده و سازنده ادراک و برداشت کنونیم را با عدالت و انصاف معرفی نمایم تا جلوی آنهمه دروغ و یاوه گوئی‌های درهم و پریشان را که درباره من منتشر میشود بگیرم.

در سال ۱۹۲۱در مسکو در یک خانواده فرهنگی متولد شدم. پدرم معلم فیزیک و مولف کتب و آثار پر طرفداری بود. از کودکی در محیط سرشار از صمیمیت و مهربانی و دستگیری از دیگران و فعالیت و تحرک بار آمدم. در سال ۱۹۳۸ پس از اتمام دبیرستان وارد دانشگاه دولت مسکو شدم. در سال ۱۹۴۲ دانشگاه را به پایان رساندم. فاصله سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ را در یک کارخانه سازنده وسائل جنگی در سمت مهندسی کار میکردم و در همین دوره چند اکتشاف جدید در زمینه روش کنترل بعضی ابزار جنگی داشتم.

از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۷ دوره عالی علمی را زیر نظر دانشمند و تئوریسین بزرگ فیزیک شوروی درایگوریو گویچ تام) گذراندم. چند ماه پس از دفاع از رساله نامزدی دکترای علوم که در بهار ۱۹۴۸ بود وارد گروه تحقیقاتی در زمینه مسائل سلاح‌های هسته‌ای شدم.

کوچکترین تردیدی در دل نداشتم که برخورداری شوروی از سلاح مافوق هسته‌ای می‌تواند تعادل قوای جدیدی در سرتاسر جهان به‌وجود آورد. کار مداوم و انجام دقیق و کامل وظایف علمی چندین اثر مستقل و چند اثر کلیدی دیگر را با همکاری دیگران به وجود آورد و عقاید جدیدی در زمینه علوم هسته‌ای، مطرح شد در مطبوعات غرب اغلب از من به عنوان «پدر بمب ئیدروژن» یاد می‌شود.

در تابستان ۱۹۵۰ تقریباً همزمان با کار روی سلاح‌های هسته‌ای باتفاق ا ـ ی ـ تام کار پردامنه‌ای را در زمینه انعکاس کنترل شده انرژی هسته‌ای به منظور استفاده از نیروی هسته‌ای عناصر سبک در صنایع آغاز کردیم.

در سال ۱۹۵۰ مشترکاً عقیده ایزو لاسیون و جاذبه هسته‌ای را در حرارت‌های مختلف و پلاسما مطرح و توسعه دادیم و تئوری‌های ما برای اندازه‌گیری دقیق تأسیسات هسته‌ای به اثبات رسید، این تحقیق اندیشه پس از قرارداد و کنفرانس هسته‌ای ژنو جهت بکار گرفتن انرژی اتمی جهت مقاصد صلح‌آمیز به‌نام هارول شناخته شد و آنهم از طریق مقاله ا ـ ر ـ کورچاتف مشهور شد. و همین کنفرانس از تئوری ما به عنوان راه‌گشا نام برد.

در سال ۱۹۶۱ این تئوری را تکامل داده و ایجاد حرارت از هسته را پیشنهاد کردم. هدفم از تکرار این مطالب تأکید بر این حقیقت است که تمام تلاش‌ها و فعالیت‌های من صرف امور نظامی نشد.

در سال ۱۹۵۰ گروه تحقیقاتی به صورت یک انستیتوی ویژه‌ای درآمد. هیجده سال بعد از این تاریخ تمام زندگی من در کادر برنامه‌های این گروه که کاملاً نظامی بود صرف شد و در این مدت سر و کارمان با مهندسین نظامی و مبتکرین ابزار جنگی، انستیتوهای ویژه، کمیته‌ها و امضای دانشمند شوراها و برنامه‌های آزمایشی افتاد.

روزانه شاهد تهیه گزارشات فعالیت هزاران دانشمند و مغزهای پر قدرت و متفکر شدم که در راه ایجاد جنگ افزارهای فوق سلاح جهت ویرانی تمامی مدنیت و انسان‌های روی زمین

آرشیو سردبیر

روز اول ماه مه در مسکو



رهبران شوروی نظارهگر رژه در میدان لنین هستند و از چپ بهراست عبارتند از نیکیتا خروشچف ، احمدبن‌بلا رئیس جمهور الجزایر، رئیس جمهور شوروی (برژنف) ـ میکویان و پادگورنی و سوسولف.
از این گروه خروشچف درگذشته و بن‌بلا ومیکویان از صحنه سیاست خارج شده‌اند .

بود. متوجه شدم که کنترل در دست عده‌ای اگرچه وارد و مستعد در رشته خاص خود لکن متفرعن قرار داشت، تا تابستان سال ۱۹۵۳ رئیس کل برنامه‌های اتمی بریا بود که بر میلیون‌ها برده و زندانی نیز حکومت میکرد. تقریباً تمام بناها به‌دست آنان ساخته میشد. با شروع اواخر سال‌های پنجاه می‌توانستید بصراحت تشخیص دهید که قدرت نظامی، صنعتی به دست رهبران خود کامه‌ای افتاده که بهمه «چیز» برخوردی «وظیفه» مانند داشتند. موقعیت من بسیار دشوار بود. وضعیت عجیبی داشتم. تئوریسین و متخصص جوانی بودم که نه عضویت حزب را داشتم و نه در امور اداری مسئولیت و دخالتی و بنابر این انضباط و مقررات ایدئولوژیک حزبی شامل حال من نمی‌شد و همین مسأله امکاناتی ایجاد کرد که مسائل زیادی را دیده و تجربه نمایم و آموزش خود را مهمتر از هر چیزی تکمیل کنم.

این مسأله باعث شد که روی پای خود بایستم و اندیشه مستقلی داشته و تماشاگر صحنه پر آشوب سیستم باشم. کلیه این عوامل و کنگره بیستم حزب کمونیست و مرگ استالین مسائل جدید صلح و امنیت جهانی را طرح کرد و برای ما که در راه کشف وسائل نابودی هرچه بیشتر جهان تحقیق می‌کردیم اهمیت زیادی در برداشت.

افرادی مانند آلبرت شوایتزر و لینوس پالینک و دیگران را در این زمان بی‌اثر ندانم احساس وحشت همراه با دل‌زدگی در زمینه مسائل سلاح‌های هسته‌ای و قدرت تخریب آن در ذهن من قوت گرفت. امروز این مطلب را تقریباً همه میدانند که عوارض سلاح هسته‌ای تنها تخریب ناگهانی و از بین بردن یک عده و سرزمین نیست، بلکه بیماری‌های ابدی و همیشگی برای ساکنان زمین ایجاد می‌کند که تأثیر مستقیم بر زندگانی نوزادان آینده و بالاخره تمامی نسل بشریت در چند نسل کم عمر می‌گذرد. هرگاه یک هسته کوچک از فضا منفجر میشود معنی و مفهوم آن نابودی و بیماری چندین انسان بیگناه و عاشق زندگانی است.

آنگاه فاصله آزمایش یک بمب و سلاح چند مگاتنی را میتوان حدس زد. ده‌ها هزار یا شاید میلیون‌ها قربانی بیگناه...

برای توضیح این مطلب مشکلات زیادی در مقابلم قرار داشت و تعدادی گوش‌های ناشنوای سیاستمدار.

نامه و یادداشت‌هایی به مسئولین امر ارسال کردم. (ملاقاتی هم با خروشچف که در تعطیلات دریالتا به سر می‌برد داشتم و تمام کوشش‌های من جهت متوقف کردن آزمایشات هسته‌ای سال ۱۹۵۸ موثر نیافتاد) کنفرانس‌ها تشکیل دادم و مطالبم را اظهار کردم.

تابستان ۱۹۶۱ را درست به خاطر دارم که جلسه‌ای از دانشمندان اتمی و صدر شورای وزیران نیکتا خروشچف داشتیم. این جلسه همزمان با سیاست هسته‌ای جدید شوروی و مسأله آلمان «دیوار برلین» بود، شوروی خود را جهت آزمایشات مفصل و پی در پی آماده کرده بود یادداشتی برای خروشچف نوشتم و متذکر شدم؛

«از سر گرفتن آزمایشات پس از قطعه سال آنها مذاکرات خلع سلاح را با دشواری‌های جدیدی روبرو خواهد کرد. مسابقات جدید تسلیحاتی را آغاز خواهد نمود.»

خروشچف یادداشت را خواند و به جیب خود نهاد. تمام حضار را به شام دعوت کرد، سر میز شام سخنانی گفت که به خاطر صمیمیت و صراحت آنها کلمه به کلمه در خاطرم مانده است.

سخنان خروشچف تنها عقاید شخصی وی نبود.

بیش و کم حرف‌های خروشچف این بود که: «ساخاروف دانشمند خوبی است، ولی اجازه بدهید، امور پر دردسر و حقه‌های سیاست خارجی را به عهده داشته باشیم. تنها قدرت و تنها گمراه کردن دشمن می‌تواند ما را به هدف‌هایمان نزدیک کند. ما نمی‌توانیم با صدای بلند فریاد برداریم که ما از موضوع قدرت سخن می‌گوئیم ولی ادامه آزمایشات می‌تواند این مطلب را بگوید. اگر به حرف آدم‌هایی مانند ساخاروف گوش می‌کردم ولگرد بیچاره‌ای میشدم و هرگز صدر هیأت وزیران شوروی نبودم. در سال ۱۹۶۰ به کمک روش سیاسی ماکندی به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شد. اما حالا پشیزی ارزش ندارد اگر کندی سرنگون شود».

حادثه دیگر در سال ۱۹۶۲ روی داد. وزارتخانه با الهام از ماهیت بورکراتیک خود فرمانی در امور ادامه آزمایشات صادر کرد که از نظر فنی و علمی هیچ لزومی نداشت. انفجار آزمایشات



می‌بایست بسیار قوی و قدرتمند انجام می‌شد تا در مورد تعداد قربانیان رقم بیشتری صادر میگردید. با توجه به هدف آزمایشات و غیر لازم بودن آن تلاش‌های شدید و بیحاصلی برای متوقف نمودن آن آغاز کردم. تلاش‌های من چند هفته ادامه داشت و هیجان و تأثر فراوانی تمام وجودم را فرا گرفته بود، شب قبل از آزمایشات به وزیر تلفن کردم و تهدید به استعفا نمودم. وزیر جواب داد: «ترا از گلو آویزان نکرده‌ایم که بمانی».

بعد از آن موفق شدم تلفنی با عشق‌آباد تماس بگیرم که خروشچف آنجا بود و التماس کردم که دخالت کند و نگذارد آزمایشات ادامه یابند. روز بعد با یکی از مشاوران نزدیک خروشچف ملاقات و مذاکره داشتم.

تا انجام ملاقات ما ساعت آزمایش فرا رسیده بود و هواپیمای حامل بمب بار مرگ خود را به محل آزمایشات حمل می‌کرد.

احساس سترون بودن و مرگ از آن پس همدم و همساز فعالیت‌های بعدی من شد و هرگز از خاطر زدوده نخواهد شد.

در سال ۱۹۶۲ با وزیر صنایع اتمی ملاقاتی داشتم.

در آن زمان وزارت مذکور بخشی از وزارت امور خارجه به حساب می‌آمد و درجه اهمیت بین‌المللی نیروی هسته‌ای را نشان می‌داد. آن زمان صحبت‌های مکرر خلع سلاح عمومی و وسائل ضبط میزان تخریب آزمایشات زیر زمینی در فضا و اقیانوس‌ها و نحوه کنترل آن مطرح بود.

اما تشعشعات اتمی تنها از آزمایشات فضائی و اقیانوس به‌دست می‌آید و خطرناک است، به‌همین جهت محدودیت آزمایشات مسئله حفظ نسل را حل می‌کرد. باید خاطرنشان ساخت چنین پیشنهادی از طرف آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا بدون به حساب آوردن شوروی مطرح شده بود. در سال ۱۹۶۳ قرارداد به‌اصطلاح مسکو با ابتکار و پایمردی خروشچف وکندی امضاء شد. باید این نکته را تأکید نمایم که ملاقات‌های من در امضای این قرارداد تاریخی بی‌تأثیر نبوده است؛ در سال ۱۹۶۴ در کنفرانس آکادمی علوم اتحاد شوروی در ارتباط با انتخاب یکی از نوچه‌های لی‌سنکو صحبت کردم. در سخنرانی به یکی از مواردی که در شوروی مطرح است یعنی تابلوی «ورودو صحبت ممنوع»، اشاره کردم و آن شرایط ناهنجاری بیولوژی است. سال‌های سال است که بیولوژی مدرن و ژنتیک از حیطه علوم شوروی خارج شده و حتی صحبت و تفکر هم درباره آن ممنوع و غیر قانونی است، دانشمندانی که در زمینه ژنتیک مدرن صاحب نظر و تألیفاتی می‌باشند مدام به یاد انتقاد گرفته شده و رشته علمی آنان « شیادی» لقب یافته و خودشان نیز «عالم فما» نام یافته‌اند. دانشمندان بنام و عالیقدری تحت پیگرد وحشیانه و به شیوه جاهلانه‌ای حیثیت و موقعیت خود را از دست داده‌اند. خلاصه این که اندیشه‌هایم را درباره آنان روی کاغذ آوردم و برای خورشچف ارسال کردم.

سخنرانی و نامه‌ام سر و صدای زیادی به‌راه انداخت و عده زیادی از آن پشتیبانی کردند تا این که شرایط جدیدی برای علم بیولوژی در شوروی ایجاد کرد. درست در همین زمان است که نام من اول بار در مطبوعات شوروی به‌طور رسمی مطرح شد و حتی رئیس آکادمی علوم کشاورزی شوروی ملی مقاله‌ای حملات و اتهامات غیر قابل بخششی را به من آغاز کرد.

برای من این اتفاقات معنی و مفهوم بزرگ روانی در برداشت. همین حملات ارتباطات جدیدی بین من و دیگر افراد شرافتمند و دانشمند که در شوروی پراکنده بودند ایجاد نمود. ویژه آشنایی و همفکری من با برادران مدودیف، ژورس وروی بسیار مغتنم و هیجان انگیز بود. نسخه دست‌نویس و سانسور نشدهٔ ژورس مدودیف بیولوژیست شوروی به‌مقیاس وسیعی دست به دست گشت و سرانجام به‌دست من رسید.

ایرج افشار درباره چاپهای شاهنامه سخن گفت.

قهرمانان شاهنامه بالباس قاجاری


ایرج افشار

۵۴/۸/۲۸

بنیاد شاهنامه فردوسی «پنجمین روز از هفته گفتگو درباره شاهنامه فردوسی» را با سخنان ایرج افشار درباره «چاپهای مختلف شاهنامه» آغاز کرد وی چاپهای گوناگون شاهنامه را به چهار دسته تقسیم کرد: نخست چاپهای اعتبار یافته که عمر آنها حداکثر یک قرن و نیم بوده و در نزد اهل ادب اعتبار یافته‌اند سلسله نشر آنها عبارتست از لمسدن ترنرماکان مسرهل، فرلرس، بروخیم، شورروی و دبیرسیاقی.

دوم چاپهائی را می‌توان ذکر کرد که بنا به نیازی، بین مردم رواج یافته است این‌گونه چاپها حتی در تحقیقات هم مورد استفاده واقع شده‌اند.

سوم چاپهای منتخب و گزیده اعم از اینکه حاوی سرتاسر شاهنامه باشند دو یا تنها یک یا چند داستان را برگزیده باشند این منتخبات در ممالک گوناگون نظیر فرانسه، آلمان، هند حتی سوئد به‌چاپ رسیده است.

چهارم قطعات و بیتهائی که در گوشه و کنار به‌چشم می‌خورد و چندان کلی به‌حساب نمی‌آید. در مورد شکل این چاپها نیز می‌توان به نتایج جالبی رسید. نخستین چاپ مربوط به سال ۱۸۱۱ بوده و به نام لمسدن معروف است این چاپ یک ستونی بوده و به‌خط نستعلیق نوشته شده است و به تدریج این چاپها از یک ستونی به ۶ ستونی تغییر شکل داده است می‌توان نتیجه گرفت نسخه‌ای که به‌دست خود فردوسی نوشته شده است تک ستونی بوده و سنت ۶ ستونی متعلق به‌زمان شاعر نمی‌باشد همانطور که «وامق و عذرا» و «گرشاسب نامه» نیز یک ستونی به‌دست ما رسیده است. تصاویر شاهنامه نیز گوئی با خود شاهنامه خلق شده‌اند. چرا که این تصاویر در قدیمی‌ترین شاهنامه‌های خطی نیز خودنمائی می‌کنند سوزنی سمرقندی در قصائد خود دوبار از «نقش» شاهنامه سخن می‌گوید اصولاً شاهنامه با تصویرش مورد پسند مردم بوده است شاهنامه‌های دوره مغولی و ایلخانی اغلب مصور است محقق امریکائی گرابار پس از ۲۰ سال تلاش کلکسیونی از نسخ مصور شاهنامه را فهرست کرده و نتیجه می‌گیرد که از برخی صحنه‌ها نظیر جنگ «رستم و اسفندیار» بالغ بر ۱۰۰ صحنه تصویر موجود است حال آنکه از صحنه‌های دیگر بیش از دو یا سه تصویر موجود نیست این خود حکایتگر علاقه مردم به برخی صحنه‌های کتاب می‌باشد.

نکته جالبی که در این تصاویر خودنمائی می‌کند انعکاس زمانی و مکانی نقاشی است بدین معنی که مثلاً در تصاویری که در تبریز به دست آمده نقش‌ها دارای کلاه قاجاری هستند حال آنکه همین نقش‌ها در هند دارای هیات ایلخانی و مغولی بوده‌اند و یا نقشهائی که یک نقاش روسی از نقشهای فردوسی ساخته نظیر جنگ‌های لنین‌گراد است می‌توان نتیجه گرفت که شیوه مصور کردن شاهنامه تحت تاثیر عوامل زیر بوده است:

نخست: تصاویر قهوه‌خانه‌ای که باید گفت ضمن متاثر بودن از شاهنامه بر آن نیز اثر گذاشته است.

دوم: نقاشی‌های «درویش پرورده» که مربوط به چاپ بروخیم بوده و با تصاویر دیگر شاهنامه تفاوت دارد این تصاویر بدعتی را برای دیگران بجای نهاد چنانکه اخیراً یار شاطر گزیده‌ای از شاهنامه با تصاویری از ممیز به‌چاپ رسانده است که با سنت نقاشی شاهنامه تفاوت کلی دارد.

اطلاعات شنبه ۱۸ آذر ۱۳۵۴ (شماره ۱۴۸۸۱)

مرکز پژوهش روزنامه اطلاعات تلگرافهای تاریخی را منتشر میکند

زیر نظر: محسن میرزایی

با همکاری: احمد احرار، منصور تاراجی، محمدعلی سفری، محسن مفخم، نصرت‌الله فتحی، صادق ضیایی

آقای محمود میرزایی متن یک تلگراف مهم تاریخی را در اختیار مرکز پژوهش و اسناد تاریخی روزنامه اطلاعات گذاشته‌اند و شما گراور آن را در این صفحه ملاحظه مینمائید.

این تلگراف، در ۲۲ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ هجری قمری مخابره شده و تمام علمای ایران اعم از موافق و مخالف نسخه‌ای از آنرا دریافت داشته‌اند.

بطوریکه ملاحظه می نمائید این تلگراف بدون عنوان صادر شده و بصورت بخشنامه بتمام ولایات مخابره گردیده و تلگراف خانه یا حکومت محل موظف به توزیع آن بوده است لذا میتوان حدس زد که دهها هزار از این تلگراف در آن روزهای بحرانی بین علما و بزرگان کشور توزیع شده باشد.

اهمیت این تلگراف بیشتر در تاریخ مخابره آنست زیرا با واقعه توپ بستن مجلس شورای ملی فقط ۲ روز فاصله دارد. تاریخ این تلگراف ۲۱ جمادی الاولی ۱۳۲۶ هجری قمری است و می‌دانیم که در تاریخ ۲۳ جمادی‌الاولی مجلس به توپ بسته شد سران آزادی دستگیر و عده‌ای از آنان در باغشاه بدست متصدی اعطاء این موهبت شده برای خدمت بدین و دولت اسلام شیداله ارکانه قانون اساسی را در حالی که پدر مرحوم را رمقی نبود قلم را در دست مبارکش گذارده و بصحه رسانیدم و بعد از آن هم از ساعتی که به تخت سلطنت جلوس کردم تمام همّ خود را در استقرار اساس مشروطیت مصروف و بآنقدری که خود در قوه داشتم و اسباب فراهم بود در پیشرفت اساس قصور نورزیده تا مشروطیت دولت و آزادی ملت مستحکم ساختم. ولیکن متاسفانه این آزادی را که از لوازم استقرار مشروطیت بود جمعی مفسد و مغرض وسیله پیشرفت را اغراض باطنیه و خیالات فاسد خود که منافی و مباین با اساس مقدس اسلام بود قرار داده در ذهن عوام بنوع دیگر رسوخ دادند خاصه وقتی که در متمم قانون اساسی دیدند مذهب رسمی اهالی ایران مذهب مقدس جعفری و قانون غرای احمدی صلوات‌الله علیه است و دیگر آزادی مذهب برای آنها غیرممکن خواهد بود بانواع حیله و دسیسه گاهی بزبان ناطقین و زمانی به عبارات و اشارات در روزنامه‌جات باسم ترک کهنه‌پرستی و خرافات عقیده اذهان به جلادان سپرده شدند.



بسیار بعید است که تصور کنیم محمدعلی شاه تصمیم توپ بستن مجلس را ظرف چند ساعت گرفته باشد بلکه بموجب اسنادی که در دست میباشد لیاخوف روسی دستورات لازم را از فرماندهان متبوع خود در خارج از کشور دریافت می‌کرد لذا با توجه به دلائل فوق محمدعلی شاه در موقع مخابره این تلگراف تصمیم نهایی خود را دائر بر توپ بستن مجلس گرفته بود و برای اینکه زمینه‌سازی کند این تلگراف را صادر کرده و مشروطه‌خواهان را بی‌دین قلمداد نموده است و حربه‌های موثری مثل آزادی نسوان را نیز بکار گرفته و خواسته است اعمال وحشیانه روزهای بعد را پیشاپیش موجه جلوه بدهد.

البته حوادث آینده نشان داد که حسابهای او درست نبود زیرا بمحض آنکه خبر توپ بستن مجلس منتشر شد مراجع تقلید در عراق عکس‌العمل بسیار شدیدی نشان دادند و آنگاه تبریز مردانه قیام کرد و سرانجام گیلانیها و بختیاریها بتهران روی آوردند محمدعلی شاه به سفارت روس پناهنده شد و از سلطنت خلع گردید اکنون متن این تلگراف تاریخی:

متن تلگراف:

جنابان مستطابان ملاذالانام حجج اسلام دامت افاضاتهم از قراری که بعرض رسید در این موقع که برای رفع و جلوگیری از پاره اغتشاشات داخله و طرد و منع سیاده عوام را مشوب ساختند و مقاصد خود را در ضمن الفاظ و عبارات ظاهرالصلاح به لباس مشروطیت جلوه داده تا بمدتی که میانه را از ذکر مصیبت و پاره اعمال خیریه دیگر که بنای شرع مقدس بر آنها استقرار دارد بازداشته و بآنها اکتفا نکرده نسوان را به تشکیل انجمن و گفتگوی آزادی واداشتند. دیدم نزدیک است در ارکان شرع مقدس نبوی رخنه وارد آورد مقصود حضرت ختمی مرتبت را که از فرمایش (انی تارک فیکم الثقلین کتاب‌اله و عترتی) باالمره از بین ملت اسلام مرتفع سازند. چنانچه بعضی خیالات و اقدامات آنها بسمع جنابان عالی نیز رسیده و امروز به نوعی اغراض خود را در ذهن عوام رسوخ داده که علماء اعلام و بزرگان اسلام طهران نیز تا یک درجه از جلوگیری عاجز مانده تا این ایام که غرض‌ورزی و شورش‌طلبی آنها نزدیک بود دولت و ملت را دچار مخاطرات صعب‌العلاج کند و اساس سلطنت شش هزار ساله را متزلزل نماید. برحسب وظیفه شخصی زیاده از این تحمل و سکوت را جایز نشمردیم. اول: برای حفظ و حراست دین مبین اسلام و دیگر برای نگاهداری بعضی مفسدین بطوری که بعموم ولایات دستخط نمودیم لازم دانستیم شروع به بعضی اصلاحات کنیم و امنیت که از تمام مملکت سلب شده بود بهرنحو ممکن شود اعاده دهیم. باز مغرضین به اشتباه کاری و خلط مبحث اذهان عامه را مشوب ساخته و هم چه اظهار داشته‌اند که شاید قصد ما العیاذبالله عدم مساعدت با اساس مقدس مشروطیت است!. تلگرافاتی هم که ناشی از این خیال بی‌اصل بود از بعض ولایات ملاحظه شد برای رفع اشتباه و اطمینان قلوب عامه لازم شمردیم اوضاع حالیه مملکت و عقاید باطنی خودمان را بتوسط علمای اعلام که پیشوایان دین حنیف اسلامند به عموم ملت و فرزندان خودمان اظهار نمائیم. بر قاطبه اهالی ایران عموماً و بر آن جنابان خصوصاً معلوم است که در موقع ارتحال شاهنشاه مبرور پدر تاجدارم که در اساس دولت و اوضاع مملکت تغییراتی رخ داده و مرا برای نیابت سلطنت از آذربایجان به طهران احضار و زمام مهام مملکت را به عهده من تفویض فرمود بواسطه نقاهت مزاج هنوز قانون اساسی که علامت مشروطیت دولت بود از صحه شاهنشاه مغفور نگذشته و بلکه بواسطه بعضی عرایق نمیگذشت و هرچند عقلای مملکت و علمای این فن هنوز استعداد مشروطیت را در ایران فراهم نمی‌دیدند و لوازم اقدام این امر مهم به هیچ وجه ممکن نبود من شخصاً چون ترقی دولت و سعادت ملت را در ایجاد و استقرار این اساس می‌دیدم خود بشخصه سلطنت که اجداد و نیاکان به قیمت جان و قدرت شمشیر بدست آورده و به موهبت خداوندی و توجه امام عصر عجل اله فرجه بمن تفویض شده از فساد آنها جلوگیری نمایم و وجود آنها را که اسباب هرج و مرج و بی‌نظمی تمام مملکت گشته از این مملکت طرد و منع کنم. این است که اگر تلگرافاتی انتشار داده و اظهاراتی کرده‌اند مبنی بر عقاید باطله خودشان است و مجدداً به همه اعلام مینمائیم که مشروطیت مشروعه را خودمان در کمال میل و رغبت امضاء نموده در استقرار اساس و حفظ و حمایت مجلس شورای ملی با تمام قوا خواهیم کوشید و انشاءالله ببرکت اولیاءاله در هر نوع مساعدت با این اساس که مستلزم ترقی دولت و آسایش ملت خودمان است مضایقه نخواهم نمود از مقاصد حسنه خودمان به هیچ عائق و مانعی نخواهم ایستاد.

فی شهر جمادی الاولی
۱۳۲۶
محمدعلی شاه قاجار

باهمکاری: احمد احرار ● منصور تاراجی ● محمدعلی سفری ● محسن ملغم ● نصرت‌الله فتحی ● صادق ضیائی ● زیر نظر: محسن میرزائی

آزادی زنان دستاویز محمدعلی میرزا برای توپ بستن مجلس

مرکز پژوهش روزنامه اطلاعات تلگرافهای تاریخی را منتشر میکند

محمد علی میرزا با مخابره این تلگراف برای بتوپ بستن مجلس زمینه سازی می کند



اداره تلگرافی دولت علیه ایران



اداره تلگرافی دولت علیه ایران



اداره تلگرافی دولت علیه ایران



اداره تلگرافی دولت علیه ایران



اداره تلگرافی دولت علیه ایران



اداره تلگرافی دولت علیه ایران



آقای محسن میرزائی متن یک تلگراف مهم تاریخی را در اختیار مرکز پژوهش و اسناد تاریخی روزنامه اطلاعات گذاشته‌اند و شما گزارش آن را در این صفحه ملاحظه مینمائید.

این تلگراف در ۲۱ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ هجری قمری مخابره شده و تمام علمای ایران اعم از موافق و مخالف نسخه‌ای از آنرا دریافت داشته‌اند.

بطوریکه ملاحظه می‌نمائید این تلگراف بدون عنوان مخاطب شده و بصورت بخشنامه بتمام ولایات ابلاغ گردیده و تلگرافخانه یا حکومت محل موظف به توزیع آن بوده است اما میتوان حدس زد که بعدها هم از این تلگراف در آن روزهای بحرانی بین علماء و بزرگان کشور توزیع شده باشد.

اهمیت این تلگراف بیشتر در تاریخ مخابره است زیرا با واقعه توپ بستن مجلس شورای ملی فقط ۲ روز فاصله دارد. تاریخ این تلگراف ۲۱ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ هجری قمری است و می‌دانیم که در تاریخ ۲۳ جمادی‌الاولی مجلس بتوپ بسته شد و مردان آزادی مشروطه عده‌ای از آنان در باغشاه بقتل رسیدند.

بسیار بعید است که تصور کنیم محمدعلی شاه تصمیم توپ بستن مجلس را ظرف چند ساعت گرفته باشد بلکه بموجب اسنادی که در دست میباشد لیاخوف روسی دستورات لازم را از فرستادگان مشروع خود در خارج از کشور دریافت میکرد (البته با توجه به تلاش) محمدعلی‌شاه در موقع مخابره این تلگراف تصمیم نهائی خود را در توپ بستن مجلس گرفته بود و برای اینکه زمینه سازی کند این تلگراف را صادر کرده و مشروطه‌خواهان را بی دین قلمداد نموده است و حربه های موثری مثل آزادی زنان را نیز بکار گرفته و خواسته است اعمال وحشیانه روزهای بعد را پیشاپیش موجه جلوه بدهد.

البته حوادث آینده نشان داد که مسلمانان از درست نبودن آن آگاه بودند زیرا بمحض اینکه خبر توپ بستن مجلس منتشر شد مراجع تقلید در عراق عکس‌العمل بسیار شدیدی نشان دادند و آنگاه تبریز مردانه قیام کرد و سرانجام گیلانیها و بختیاریها تهران را فتح کردند و محمدعلی شاه به سفارت روس پناهنده شد و از سلطنت خلع گردید. اکنون متن این تلگراف تاریخی:

متن تلگراف

جناب مستطاب ملاذالانام حجج‌الاسلام دامت افاضاتهم از قراری که بعرض رسید در این موقع که برای رفع و جلوگیری از پاره انتشارات باطله برخی از مفسدین بطوری که بعموم ولایات مملکت تصریح لازم دانسته‌ایم شروع به بعضی اصلاحات کنیم و امنیت که از تمام مملکت سلب شده بود بهترین ممکن شود اعاده دهیم باز مغرضین به اشتباه کاری و خلط مبحث اذهان عامه را مشوش ساخته و هم به اظهار داشته‌اند که شاید قصد ما العیاذبالله عدم مساعدت با اساس مقدس مشروطیت است. تلگرافاتی هم که ناشی از این خیال بی اصل بود از بعضی ولایات ملاحظه شد برای رفع اشتباه و اطمینان قلوب عامه لازم است تصریحاً ارتفاع عالیه مملکت و عامه پاکدلی خودمان را بتوسط علمای اعلام که پیشوایان دین حنیف اسلامند به عموم ملت و فرزندان عزیزمان اظهار نمائیم و نوعیه اهالی ایران عموماً و بر آن جنابان خصوصاً معلوم است که در موقع ارتحال شاهنشاه مبرور پدر تاجدارم که در اساس دولت و اوضاع مملکت تغییراتی رخ داده و ما برای نیابت سلطنت از آذربایجان به طهران احضار و زمام مهام مملکت را به عهده من تفویض فرمود بواسطه کسالت مزاج همون قانون اساسی که علامت مشروطیت دولت بود از صحه شاهنشاه مغفور نگذشته و بلکه بواسطه بعضی عوارض نیگذشت و عزت عقلای مملکت و علمای این امر هنوز استعداد مشروطیت را در ایران فراهم نمی دیدند و لوازم اقدام این امر مهم به هیچ وجه ممکن نبود من شخصاً بعزم ترقی و سعادت ملت و اجرای استقرار این اساس می دیدم خود متعهد و متضمن انعقاد این موهبت شده برای خدمت بدین و دولت اسلام شبانه که قانون اساسی را در حالی که پدر مرحومم را رمقی نبود قلم را در دست مبارکش گذارده و بصحه رسانیدم و بعد از آن هم از ساعتی که به تخت سلطنت جلوس کردم تمام هم خود را در استقرار اساس مشروطیت مصروف و مأموری که خود در قوه داشتم و اسباب فراهم بود در پیشرفت اساس قصور نورزیده تا مشروطیت دولت و آزادی ملت مستحکم ساختیم ولیکن متأسفانه این آزادی را که از لوازم استقرار مشروطیت بود بعضی مفسدین و مغرضین وسیله پیشرفت اغراض باطله و خیالات فاسده خود که منافی و مباین با اساس مقدس اسلام بود قرار داده در ذهن عوام بدرجه دیگر رسوخ دادند خاصه وقتی که در متمم قانون اساسی دیدند مذهب رسمی اهالی ایران مذهب مقدس جعفری و قانون الهی احمدی صلوات‌الله علیه است و دیگر آزادی مذهب برای آنها غیر ممکن خواهد بود بانواع حیله و دسیسه گاهی بزبان ناطقین و زمانی به عبارات و انتشارات در روزنامه‌جات باسم ترک کهنه پرستی و خرافات عقاید القاء ساده عوام را مشوب ساختند و مقاصد خود را در ضمن الفاظ و عبارات ظاهرالصلاح به لباس مشروطیت جلوه دادند تا بجائی که میانه را از ذکر معصیت، لا بل پاره اعمال شنیعه دیگر که بنای شرع مقدس بر آنها استقرار دارد باز داشته و بآنها اکتفا نکرده نسوان را به تشکیل انجمن و گفتگوی آزادی وا داشتند دیدیم نزدیک است در ارکان شرع مقدس تزلزل رخنه وارد آورند مقصود حضرت ختمی مرتبت را که از فرمایش انی تارک فیکم الثقلین کتاب‌الله وعترتی بالمره از این ملت اسلام مرتفع سازند چنانچه بعضی خیالات و اقدامات آنها بسمع جنابان عالی نیز رسیده و امروز به نوعی اغراض خود را در ذهن عوام رسوخ داده که علماء اعلام و بزرگان اسلام طهران نیز تا یک درجه از جلوگیری عاجز مانده تا این ایام که غرض ورزی و شورش طلبی آنها نزدیک بود دولت و ملت را دچار مخاطرات صعب‌العلاج کند و اساس سلطنت شش هزار ساله را متزلزل نماید برحسب وظیفه شخصی زیاده از این تحمل و سکوت را جایز نشمردیم اولاً برای حفظ و حراست دین مبین اسلام و دیگر برای نگاهداری سلطنت که اجداد و نیاکان به قیمت جان و قدرت شمشیر بدست آورده و به موهبت ایزدی و توجه امام عصر عجل‌الله فرجه بمن تفویض شده از فساد آنها جلوگیری نمایم و وجود آنها را که اسباب هرج و مرج و بی نظمی تمام مملکت گشته از این مملکت طرد و منع کنم این است که اگر تلگرافاتی انتشار داده و اظهاراتی کرده‌اند مبنی بر عقاید باطله خودشان است و مجدداً به همه اعلام مینمائیم که مشروطیت مشروعه را خودمان در کمال میل و رغبت امضاء نموده در استقرار اساس و حفظ و حمایت مجلس شورای ملی با تمام قوا خواهیم کوشید و انشاءالله ببرکت اولیاءالله در هر نوع مساعدت با این اساس که مستلزم ترقی دولت و آسایش ملت خودمان است مضایقه نخواهیم نمود و از مقاصد حسنه خودمان به هیچ عائق و مانعی نخواهیم ایستاد

فی شهر جمادی الاولی ۱۳۲۶

محمدعلی شاه قاجار

فرهنگی ۲۲۵

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان
چهارشنبه ۳ تیر ۱۳۹۴ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال هشتادو نهم - شماره ۲۶۱۸۸

آموزه

بعید است برای هر سخن تازه‌ای، نتوان گفته‌ای از قدما پیدا کرد که از جهتی با آن شباهت نداشته باشد

ایمانوئل کانت

قلم‌انداز

کریم‌فیضی

«ژن» و «موج»

سایبرنتیک و اصول و فروع آن،تنها یکی از شاخه‌ها و شعبه‌های فکر و فرهنگ بشری است که در نیم قرن اخیر ظهور پیدا کرد، و بخشی از محورهای امروزی کار و زندگی انسانی را به رنگ خویش درآورده است. با این وصف، چگونه می‌توان سایبرنتیک را در کنار ژنتیک قرار داد؟

اگر بخواهیم، از یک مثال روشن بهره بگیریم ـ البته از زبان کسانی که از زبان آنها سخن می‌گوییم ـ می‌توانیم به چشم اشاره کنیم و عینک: چشم امری است ملازم با خلقت و همزاد انسان و عینک، به صورت امروزی خویش امری است که عمر و ریشه‌اش به بیش از دو قرن هم نمی‌رسد. با این حال، چگونه می‌توان از عینک در برابر چشم سخن گفت؟ عینک، در نهایت امکانی خویش ابزاری است برای خوب دیدن ولی اگر چشم نباشد، چه موضوعیتی برای عینک می‌توان در نظر گرفت؟

طبق این بیان، عینک امری است مکمل که در برابر چشم فاقد اصالت است. حال، اگر به موضوع اصلی برگردیم، حاصل سخن این خواهد بود که: ژنتیک به عنوان پایهٔ حیات که موجودیت و میراث انسانی از طریق آن به نسلهای انسانی منتقل شده و می‌شود، چه ارتباطی با سایبرنتیک و انواع و اقسام آن می‌تواند داشته باشد و اساساً سایبرنتیک ـ به عنوان یک ابزار و در نهایت یک شیوه و اسلوب، گیرم بسیار هم خوب و پرقابلیت ـ چه شأن و منزلتی می‌تواند در کنار ژنتیک در مقام پایهٔ حیاتی و بنیاد انتقال میراث فکری و رفتاری و ماهوی انسانها در همهٔ ادوار تاریخ پیدا کند؟

... «موج» از این چشم‌انداز، تصویری غیر از آنچه تعلیم ـ و می‌گویند ـ نمی‌تواند داشته باشد و به اصطلاح سعدی: حد همین است سخندانی و زیبایی را. اگر معادله را به این صورت بچینیم که تمام امتیازها و درخشش‌ها و عظمت‌های کوچک و بزرگ و به طور ...

مقاله ای از ایرج افشار
کتاب و کتابخانه

متنی که ... به یاد زنده یاد استاد «ایرج افشار»؛ ایران ... است. این مجموعه روز سه‌شنبه ۲۶ خرداد با حضور اصحاب فرهنگ رونمایی شد و از روز چهارشنبه ۲۷ خرداد به بازار کتاب عرضه شد. مقاله حاضر از سوی مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، درروزنامه «ایران» منتشر شد که با یاد مرحوم افشار به نقل آن مبادرت می‌کنیم.

از آن هنگام که ایرانیان ـ در قرون نخستین اسلامی ـ خط کنونی را برای نگارش و ضبط نوشته‌های خطی از خط عربی اخذ و اختیار کردند نامه‌ها و اسناد و قباله‌ها و کتاب‌ها به آن خط نوشته شده است. البته آنها که به آیین زردشتی باقی ماندند تا قرن ۴ و ۵ ق خط پهلوی را نگاه داشته بودند. زیرا خط پهلوی حتی در کتیبه برج‌های رادکان (۴۱۱ـ۴۰۷ ق) در خطه گرگان)، لاجیم (از ۴۱۳ق) و رسکت (همان دوره) در ناحیه مازندران، که مربوط به مقابر امرای مسلمان است، ...

... عن حقائق‌الادویه تالیف ابومنصور موفق بن علی هروی است به خط اسدی طوسی شاعر، مؤلف گرشاسب‌نامه، مورخ به سال ۴۴۷ق.

نسخه الابنیه از حیث کاغذ و خط طبعاً می‌تواند و می‌باید اساس شناسایی و وضع قواعد کدیکولوژیک ...

سه نقطه زیر سین و سه نقطه زیر کاف (برای نشان دادن تلفظ گاف) و سه نقطه روی ف در مواقعی که ضرورت داشته است آوایی میان فا و واو شناسانده شود، تقریباً در سراسر متن رعایت شده است. کتاب از خط کوفی آرایشی برای نوشتن نام کتاب در صفحه عنوان و لفظ «باب» در صفحات متن استفاده کرده است.

قطع کاغذ این نسخه ۱۸/۵×۱۴ سانتیمتر است که می‌بایست به همان اندازه اصلی ورق کاغذی باشد ... «من در آوردی» و تفننی ایجاد کنند. در همین نسخه، کاتب اگر یکی دو کلمه از عباراتی را می‌بایست در سطری جدا بنویسد و در نتیجه دنباله آن سطر نانوشته و سفید می‌ماند، آن یکی دو کلمه را درهامش ورق نوشته است. همین کار ظاهراً نوعی صرفه‌جویی بوده ...

۴ یاد
مرگ چنین خواجه
دیالکتیک تاریخ

۷ نامه
دکتر اسلامی ندوشن و مشاهیر
نامه‌های روزگار

۴-۵ مقاله
به قلم دکتر محمد خوانساری
ابن سینا

۳ علم
قلم‌انداز استاد شهرام انصاری
نجم دانش

۴-۵ اندیشه

اجتماعی ۲۴۲

دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۹۴
سال نودم ـ شماره ۲۶۳۰۵
ضمیمه اجتماعی روزنامه اطلاعات

چیدمان فیروزه بر فلز

فیروزه کوبی یکی از معدود رشته های صنایع دستی است که زیبایی و گیرایی یک فرآورده خوب صنایع دستی را با خود دارد. به طوری که گفته می شود قدمت این صنعت به حدود شصت سال قبل می رسد. در آن زمان شخصی به نام یوسف حکمیان معروف به محمدرضا در مشهد کار فیروزه کوبی بر روی زینت آلاتی مانند دستبند، گل سینه، گوشواره و ... را شروع کرد و حدود بیست سال بعد این صنعت توسط صنعتگر دیگری به نام حاج داداش از مشهد به اصفهان برده شد.

در صفحه ۵ بخوانید

جنگ با چاقی و اضافه وزن صفحه ۲

اصلاح نفس و کامیابی! صفحه ۳

شاید طلاق آخرین چاره نباشد صفحه ۶

در ایران ببینیمتان صفحه ۴

یادداشت
اصلاح سبک زندگی آیندگان

وجیهه تیموری

روزگاری دراز می گفتند پسرها باید کار کنند، تابستان ها شاگردی و پادویی کنند و وردست یک استاد بایستند و هنرش را بیاموزند و پول در بیاورند و خرج دفتر و کتاب اول مهرشان کنند یا کمک خرج نان و نمک خانه شوند.

دخترها هم بنشینند در خانه و لباس عروسک بدوزند و سوزن زدن بیاموزند و خیلی چیزها را که می شود از بیرون خرید، خودشان ...

... حال آن که بهتر آن بود که برای جلوگیری از هرگونه هدرفت سرمایه های مالی یا بر باد دادن ثروت یا بسیار کاری و پول کم درآوردن و راندمان نداشتن، اطلاعات و آموزش های اقتصادی را به شیوه‌ای درست از کودکی آموزش می دادند ...

گوش بچه ها از چه وقت به ساز سکه ها کوک می شود؟

... صفر پشت صفر شمردن برای اکثر بچه های دنیا وجود دارد.حتی در برخی جوامع، گرفتن اسکناس یا سکه نو به عنوان عیدی یا هدیه، بسیار متداول است و بچه ها از همان زمان ...

... بچه ها می خواهند روابط مالی و مسایل و مفاهیم مربوط به آن را یاد بگیرند.

این درحالی است که برنامه ها و تبلیغات تلویزیونی و سبک زندگی امروزی و تشویق ...

... اقتصادی و مالی را با روش ها و اصول درست از کودکی و با روش های مناسب هر سن به فرزندانمان بیاموزیم، در بزرگسالی مدیریت مالی زندگی از دستشان در نمی‌رود.

آموزش مفاهیم اقتصادی به کودکان ...

ادب و هنر ۳۳۵

سه شنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۴
سال نودم- شماره ۲۶۳۰۰
ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات

«دکتر محمد مصدق» ـــ ۱۴ اسفند ۱۳۴۵ ـــ احمدآباد

دکتر یدالله سحابی می گوید:«دکترمصدق روزهای آخر به بیماری مبتلا شده بود. پزشکان تشخیص سرطان فک داده بودند و بارها به او تذکر می دادند که به سفر خارج برای معالجه راضی بشود. دکترمصدق از پیشنهاد پزشکان برمی آشفت و به فرزندش مرحوم غلامحسین خان مصدق که پزشک بود، با تندی می گفت: شماها این همه درس خواندید که پدرتان برای معالجه به فرنگ برود؟...»

سخنی با هنرمندان موسیقی
ردیف میراث نیاکان ماست، نه ارثیه پدری!

محمدرضا ممتاز واحد

در خصوص آسیب شناسی اوضاع نابسامان و وضعیت بلاتکلیف موسیقی و همچنین در خصوص دلایل مجهول و مبهم به رسمیت نشناختن این هنر، سخن بسیار رفته است. از انتقاد به مسئولان و متولیان فرهنگی و غیرفرهنگی گرفته تا رسانه های دیداری و شنیداری؛ ولی به یک موضوع نیز باید توجه داشت و در مورد آن به طور جدی تأمل کرد که «آیا پندار و گفتار و کردار موسیقی دانان، به معنای واقعی درست و پسندیده بوده است؟!» بدون تعارف، موسیقی دانان، هنرمندان خودستایی هستند و شاید «هنرمندان» به طور اعم نیز از این خصیصه بی بهره نباشند ولی با عرض پوزش از ساحت محترم هنرمندان ...

... جای بسی تأسف است که یک «موسیقی دان» و یک «هنرمند» حایز دیدگاهی چنین سطح پایین و صاحب افکار و بیاناتی تا به این حد پوچ و کلیشه ای است. نه ...

دیدار اعضای هیأت مدیره انجمن قلم ایران با استاد حمید سبزواری

رضا اسماعیلی

شاد زی ای گل همیشه بهار

بعدازظهر پنجشنبه ۱۴ آبان، اعضای هیات مدیره انجمن قلم ایران شامل محسن پرویز(نایب‌رئیس وسخنگوی انجمن قلم)،راضیه تجار،عباس براتی پور، کامران پارسی نژاد و نگارندهٔ این گزارش ادبی، به دیدار پدر شعر انقلاب استاد سبزواری رفتند.

در این دیدار صمیمانه که در منزل استاد و با حضور خانواده مُکرّم ایشان برگزار شد، عباس براتی پور به قرائت اخوانیه ای که تقدیم به استاد سبزواری کرده بود، با مطلع زیرپرداخت:

شاد زی ای گل همیشه بهار

ای گل آرزو ، گل بی خار

کوتاهی ازنقش تاثیر گذار استاد سبزواری در باروری و بالندگی شجره طیبه شعر انقلاب اسلامی و همدلی وهمراهی این استاد فرهیخته با نهضت امام خمینی(قدس سره الشریف) و همچنین حضور فعال ایشان در جبهه های نبرد حق علیه باطل در طول دوران دفاع مقدس سخن گفتم.

... درشعراونباشد. شاعرباحساسیت ویژه خویش،هر رویداد مهم تاریخ معاصر ایران را با گلواژه‌های شعرش در حافظه زمانه نقش کرده است تا آیندگان ازیاد نبرند که نسل گذشته در چه شرایط دشواری ازآرمان‌ها و انقلابش دفاع کرده است.

از آثاراومی توان به«سرود درد»،«سرود سپیده»،«سرودی دیگر»،«توعاشقانه سفرکن»و «بانگ جرس»اشاره کرد.

در ادامه این دیدار نیزنگارنده، ضمن آرزوی طول عمر و سلامتی برای پدر شعر انقلاب و خالق اکثر سرودهای انقلابی صدا و سیما در دوران هشت ساله دفاع مقدس از جمله سرودهای خاطره انگیز:«خمینی ای امام، ای مجاهد شهید مطهر ، همپای جلودار ، خجسته باد این پیروزی و ...»؛ طی سخنان ...

خانواده ۲۲۷

شنبه ۶ تیر ۱۳۹۴
سال هشتادو نهم ـ شماره ۲۶۱۹۰ ضمیمه خانواده روزنامه اطلاعات

امام علی(ع):

خوشا به حال آن کس که پرداختن به عیب خویش، وی را از عیب دیگران باز دارد

نهج البلاغه

دوستی‌های ظاهرا معمولی

تعریف سنتی و کلی «خیانت» نقض تعهد جنسی زن یا مرد در رابطه زناشویی است. به این معنای مرسوم که؛ وارد رابطه جنسی دیگری شوید در حالی که از نظر اخلاقی به یک نفر متعهد هستید. اما در چند دهه اخیر معنای خیانت بسیار تغییر کرده است. همه خیانت‌ها جنسی نیست.

خیانت عاطفی هر نوع ناسپاسی و شکستن تعهد در اندیشه و احساس است. با پیشرفت‌های روزانه فناوری‌ها، خیانت معنای گسترده‌ای یافته است. درگیری فکری و عاطفی با یک فرد جدید نیز یک نوع ناسپاسی و نقض تعهد است. صمیمیت و رابطه بسیار نزدیک حتی از طریق گوشی‌های همراه، برقراری هر نوع رابطه صمیمی خارج از رابطه با همسر در حالی که شریک زندگی از آن باخبر نیست همگی انواعی از ناسپاسی است.

در صفحه ۶ بخوانید

بازی
یک نیاز کودکانه

صفحه ۷

پیشنهاد سرآشپز: رول مرغ سوخاری صفحه ۴

ناخن‌ها چه هشداری می‌دهند؟ صفحه ۵

این پنج اشتباه حق نوجوان است صفحه ۷

همسران شبیه هم می‌شوند صفحه ۶

... یک تکه آسمان

ای خداوند

در این ماه ما را موفق دار که به خویشاوندانمان نیکی کنیم و به دیدارشان بشتابیم و همسایگانمان را به بخشش و عطای خویش بنوازیم و اموالمان را از هر چه به ناحق بر آن افزوده‌ایم پیراسته‌داریم و با ادای زکات پاکیزه گردانیم و با آنان که از ما گسیخته‌اند بپیوندیم و با آن که در حق ما ستمی روا داشته به مقتضای انصاف رفتارکنیم و با آن که با ما دشمنی ورزیده دوستی کنیم، جز آن کسان که به‌خاطر رضای تو با آنان دشمن شده‌ایم،که با چنین دشمنی هیچ گاه‌سخن از دوستی نگوییم و همدل‌نشویم.

ای خداوند،در این ماه ما را توفیق ده که به کردارهای پسندیده به تو تقرب جوییم،آن سان که ما را از گناهان پاک داری و از بازگشت به‌اعمال ناشایست نگه‌داری،تا هیچ یک از ملائکه تو ...

... پنجره

شتر دیدی ندیدی

مردی در صحرا بدنبال شترش می‌گشت تا اینکه به پسر با هوشی برخورد. سراغ شتر را از او گرفت.

پسر گفت: شترت یک چشمش کور بود؟ مرد گفت: بله.

پسر پرسید: آیا یک طرف بار شیرین و طرف دیگرش ترش بود؟ مرد گفت:بله.

حالا بگو شتر کجاست؟ پسر گفت من شتری ندیدم.

مرد ناراحت شد و فکر کرد که شاید این پسر بلایی سر شتر او آورده و پسرک را نزد قاضی برد و ماجرا را برای قاضی تعریف کرد. قاضی از پسر پرسید: اگر تو شتر را ندیدی چطور مشخصات او را درست داده ای؟

پسرک گفت: در راه، روی خاک اثر پای شتری دیدم که فقط سبزه‌های ...

روزی کارگر

مردی سرپرستی مادر، همسر و فرزندش را برعهده داشت و نزد اربابی کار می‌کرد، وی در کارش اخلاص داشت و کارها را به بهترین شکل ممکن انجام می‌داد.

یک روز او سر کار نرفت. به همین علت اربابش با خود گفت: باید من یک دینار زیادتر به او بدهم تا او دیگر غیبت نکند. زیرا حتماً به خاطر درخواست افزایش دستمزدش غیبت کرده است. وقتی که در روز بعد سرکارش حاضر شد ارباب حقوقش را به او داد و دیناری هم به آن اضافه کرد. کارگر چیزی نگفت و از اربابش تشکر کرد و دلیل زیاد شدن را نپرسید.بعد از مدتی کارگر بار دیگر غیبت کرد. اربابش به شدت خشمگین شد و گفت: دیناری را که برایش اضافه کرده ام کم خواهم کرد و آن را کم کرد... و کارگر ...

دانش ۲۸۳

یکشنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۴
سال نودم-شماره ۲۶۲۰۱
ضمیمه علمی روزنامه اطلاعات

تازه ترین روبات های امداد و نجات

آتشفشان های ونوس ... صفحه ۲

فایل DLL ، کتابخانه ... صفحه ۲

درندگان کوچک و تیزپا صفحه ۴

درمان های خانگی برای رفع ...

آفتابگردان ۲۶۹

ضمیمه کودک و نوجوان روزنامه اطلاعات
پنجشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۴ ـ سال نودم ـ شماره ۲۶۲۰۵

برایم نوشتی ـ برایت نوشتم ۲

قصه های ایران ۴

بخوانیم و بدانیم

روزه بودم ۳۰ روز
هیچ گنجشکی
از من آزرده نشد

اطلاعات ۱۳۰۴

ویژه‌نامهٔ نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

حماسه پایداری



... آنهـــا که رفتند، ایـــن یادگاران گرانســـنگ را به‌عنوان نماد شرافت و شـــهامت برجای نهادند، تا مبادا بازمانـــدگان و راهپویانی که از پی می‌آیند و هنوز هـــم حقیقتاً پلاک برایشـــان ملاک است، در پیچ و خم جاده‌ی چندبانده‌ای که کفش‌هایشان را به خود می‌خواند و گرم و گرســـنه در پیش پایشان دهان گشوده است، علائم راهنمایی و رانندگی را نبینند؛ و آنگاه دانســـته یا ندانسته خدای ناکرده در ژرفای درّه‌های زر و زور و تزویرِ سیاسی و اقتصادی و اخلاقی که رهاوردی جز ابتلای به بیماری‌های واگیردار و علاج‌ناپذیر دروغ و غرور و غیبـــت و تهمـــت و تندخویی و تیزگویی و حق‌کشی و حقیقت‌سوزی و نفس‌ســـتایی و دنیاپرستی ندارد، سقوط کنند.

با نگاه امیر طوسی‌نژاد





اشاره: «یک لشـــکر را یک جوان بیست و چهار ـ پنج ساله اداره می‌کند، در حالی که در هیچ جای دنیا، افسری به این جوانی پیدا نمی‌شود که یک لشکر را اداره کنـــد. چند صد نفر یا چند هزار تا انسان را این رهبری می‌کند، در کجا؟ نه در مسافرت به سوی فلان زیارتگاه یا فلان ییلاق، در میدان جنگ، زیر آتش، در مقابله با تانک‌های دشـــمن با وجود آن همه مانع یک جوان بیســـت و چند ساله، چند هزار آدم را شما می‌بینید دارد هدایت می‌کند؛ با ســـازماندهی می‌برد جلو، خط را می‌شکنند، دشمن را تار و مار می‌کنند، اسیر هم می‌گیرند، منطقه هم اشـــغال می‌کنند و مستقر می‌شوند. پس نظامی گری هـــم در معجزه گری انقلاب و سازندگی انقلاب وجود دارد، نه تنها معنویت؛ اما بالاتر از نظامی گری ایـــن معنویت و تقوای جوانان اســـت که آن را هم دارند.» / «محمود (شـــهید محمود کاوه) زمان انقلاب شـــاگرد ما بود؛ اما حالا استاد ما شد.»

جملات بالا، توصیف رهبر معظم انقلاب از شهید محمود کاوه است. دهم شهریور، سالروز شهادت سردار کاوه اســـت. به این مناسبت مروری می‌کنیم بر زندگی، فعالیت‌ها و نحوه شـــهادت این رزمنده.





چهارشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۲

یادکردی از «کاوه» انقلاب و دفاع مقدس

محمود کاوه ســـال ۱۳۴۰ هجری شمسی در مشهد مقدس متولد شـــد. پدرش که از کسبه متعهد به شمار می‌آمد، در دوران ستمشـــاهی، با علما و روحانیون مبارز از جمله آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، شهید هاشمی‌نژاد و شهید کامیاب ارتباط داشت.

وی که برای تربیت فرزندش اهمیت زیادی قائل بود محمود را همراه خود به مجالس و محافل مذهبی و نماز جماعت می‌برد و از این راه فرزندش را با مکتب اهل‌بیت(ع) و تعالیم انسان‌ساز اسلام آشنا می‌کرد.

وی دوران تحصیلات ابتدایی خود را در چنین شـــرایطی سپری کرد. از آنجا که خواســـت پدرش به هنگام تولد محمود این بود که وی را جزو پیروان واقعی مکتب اســـلام قرار دهد،او با علاقه قلبی و مشـــورت پدر وارد حوزه علمیه شد و همزمان، تحصیلات دوران راهنمایی و دبیرستان را نیز ادامه داد.

با شـــروع جریانات انقلاب، او که جوانی با نشاط، فعال و مذهبی بود با شـــرکت در محافل مساجد جوادالائمه(ع) و امام حسن مجتبی(ع) که در آن زمان از مراکز تجمع نیروهای مبارز بود، از هدایت‌ها و تعالیم آیت‌الله العظمی خامنه‌ای بهره‌های فراوانی برد و ره‌توشـــه‌های همین تعالیم را با خود به محیط دبیرستان و میان دانش‌آموزان منتقل کرد. او در دبیرســـتان به عنوان محور مبارزه شناخته می‌شـــد. با علاقه وافر به پخش اعلامیه‌های امام خمینی(ره) می‌پرداخت و فعالانه در راهپیمایی‌ها و درگیری‌های زمان انقلاب شرکت داشت.

فعالیت‌های بعد از پیروزی انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی، کاوه جزو نخستین عناصر مؤمن و متعهدی بود که به ســـپاه پاســـداران انقلاب اسلامی در شهر مقدس مشهد پیوست و پس از گذراندن یک دوره آموزش شش ماهه چریکی، به آموزش نظامی برادران سپاه و بسیج پرداخت.

پس از آن برای حفاظت از بیت شـــریف امام(ره) در یک ماموریت شـــش ماهه به تهران عزیمت کرد و با شـــروع جنگ تحمیلی، به همراه شـــماری از نیروهای خراسان به جبهه‌های جنوب اعزام شـــد. مدتی بعد به علت نیاز شدیدی که پادگان به مربی داشـــت او را برای آماده‌سازی و آموزش نیروها به مشهد فراخواندند.

کاوه در کردستان

به رغم این که برای آموزش نیروها اهمیت بالایی قائل بود و مسئول مستقیم او زیاد تمایل نداشت وی را (که از مربیان دلسوز و قوی محسوب می‌شد) به جبهه اعزام کند، اما روح پرتلاطم او به دنبال فرصتی بود تا رودرروی دشمن قرار گیرد و از انقلاب و ارزش‌های آن عملاً دفاع کند.

بنابراین در نخستین فرصت با جلب رضایت فرمانده پادگان به دیار کردســـتان (که در آن زمان توسط گروهک‌ها و عناصر ضدانقلاب دچار مشکلات و آشوب شده بود) عزیمت کرد.

او که به همراه شـــماری از برادران پاسدار برای آزادسازی شهر بوکان وارد کردستان شده بود به دلیل لیاقت‌ها و مهارت‌هایی که داشت، در همان ابتدا به عنوان فرمانده یک گروه دوازده نفره انتخاب شد.

کاوه در این منطقـــه برای مبارزه بـــا ضدانقلاب –که از حمایت‌های خارجی برخوردار بود و با جنایاتی هولناک،توطئه شوم جدایی آن نقطه از میهن اســـلامی را در ذهن می‌پروراند –شـــب و روز نداشت و به دلیل تلاش بســـیار زیاد،جدیت و پشتکار، شجاعت و روحیه شجاعت‌طلبی‌ای که داشت، در مدت کوتاهی به سمت فرماندهی عملیات سپاه سقز منصوب شـــد و در این زمان با ناباوری همگان همراه شمار کمی نیرو،عملیات آزادسازی منطقه مرزی بسطام را با شهامت غیرقابل وصفـــی طرح‌ریزی و ۴۵ کیلومتر جاده مرزی را طی یک مرحله و در مدت ۲۴ ســـاعت در قلب منطقه تحت نفوذ ضدانقلاب آزاد کرد.

ضدانقلاب که با برخورداری از سلاح و امکانات و نیروی رزمی فراوان، عرصه را بـــرای نیروهای نظامی و انتظامی تنگ کرده بود و جنایات فجیعی مرتکب می‌شد، با ورود جوانان دلیر و متعهدی چون کاوه به صحنه عملیات، به این نتیجه رســـید که ماندن در کردستان برایش سنگین تمام خواهد شد.

کاوه و همرزمانش با عملیات پی در پی،مزدوران اســـتکبار را در منطقه منفعل کـــرده بودند تا جایی که ضدانقلاب در اوج درماندگی برای زنده یا مرده او جایزه تعیین کرده بود.

نقش کاوه در تیپ ویژه شهدا

به دنبال عملیات سرنوشت‌ســـاز نیروهای ســـپاهی در محورهای مختلف کردستان و همزمان با تشکیل تیپ ویژه شهدا (که فرماندهی آن بر عهده شهید ناصر کاظمی بود) کاوه به عنوان فرمانده عملیات این تیپ انتخاب شد.

پس از گذشـــت مدتی کوتاه از فعالیت او در این مسئولیت (که با آزادسازی بســـیاری از مناطق همراه بود) آوازه تیپ ویژه شهدا، آنچنان ضدانقلاب را متحیر کرد که به کلی روحیه خود را از دست دادند و در مقابل هر یورش رزمندگان اسلام، فرار را بر قرار ترجیح می‌دادند و می‌دانستند که مقاومت در مقابل این یگان

● سرتیپ شهید آبشناسان: اگر در دنیا یک چریک پاکباخته و دلباخته به اسلام و حضرت امام(ره) وجود داشته باشد، محمود کاوه است و هر رزمنده‌ای که بخواهد خوب پخته و آبدیده شود باید با تیپ ویژه شهدا پیش برود

● آینده جنگ کاملاً روشن است که پیروزی نصیب رزمندگان اسلام خواهد شد و هیچگاه ما نخواهیم گذاشت که خون شهیدانمان هدر رود

● پدر شهید کاوه در مراسم تشییع پیکر پسرش، درخواست تولیت آستان قدس رضوی را مبنی بر این که پیکر شهید محمود کاوه در حرم مطهر امام رضا(ع) یا در یکی از حجره‌های مخصوص حرم دفن شود، نپذیرفت و گفت: «پسرم از ابتدا با بسیجی‌ها بوده و بهتر است در کنار آن‌ها دفن شود.»

جز خسارت و نابودی ثمری نخواهد داشت.

آزادسازی سد بوکان و جاده ۴۷ کیلومتری آن، آزادسازی جاده صائین‌دژ به تکاب، آزادسازی محور استراتژیک پیرانشهر به سردشت که به عنوان مرکزیت و نقطه ثقل ضدانقلاب به شمار می‌آمد و منجر به انهدام مرکز رادیویی آنها و فتح ارتفاعات مهم مرزی منطقه «آلواتان» و آزادسازی زندان «دوله‌تو» و هلاکت بیش از ۷۵۰ نفر از ضدانقلاب شد، از جمله نبردهای تهاجمی‌ای بود که توسط شهید کاوه و همرزمانش در تیپ ویژه شهدا طرح‌ریزی و به اجرا گذاشته شد.

تعداد عملیات‌هایی که به وسیله کاوه علیه ضدانقلاب فرماندهی شد آن قدر زیاد است که ذکر نام تمامی آنها در این مختصر میسر نیست.

او که پس از شهادت سرداران رشید اسلام از جمله شهید ناصر کاظمی، شهید محسن گنجی‌زاده و شهید محمد بروجردی در خرداد ۱۳۶۲ رسماً به فرماندهی تیپ منصوب شده بود، با تلاش همه جانبه برای آموزش، سازماندهی و آماده‌سازی نیروها از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد.

بنا به صلاحدید فرماندهی سپاه ۲۹ تیر ۱۳۶۲ تیپ ویژه شهدا مأموریت یافت تا در عملیات برون‌مرزی «والفجر ۲» که در منطقه حاج عمران انجام می‌گرفت، شرکت کند.

در این عملیات، کاوه با هدایت قوی رزمندگان، اهداف از پیش تعیین شده تیپ از جمله «ارتفاعات ۲۵۱۹» را با موفقیت به تصرف درآورد. همزمان با «عملیات والفجر ۴»، ماموریت پاکسازی محور سردشت از لوث وجود ضدانقلاب (دموکرات‌ها و منافقین) به این تیپ واگذار شد.

رزمندگان غیور و سلحشور نیز ضمن تسلط به ارتفاعات مرزی کوه سیر، قوری، تالشو روستای اسلام‌آباد، مرکز رادیویی منافقین و مقر دموکرات‌ها را تصرف کردند.

تیپ ویژه شهدا در سال ۶۳ در «عملیات بدر» همراه با سایر یگان‌های سپاه، با دشمن تا دندان مسلح جنگید و روز ۲۳ تیر ۱۳۶۴ در «عملیات قادر» (همراه با یگان‌هایی از ارتش جمهوری اسلامی) در جبهه شمالی «سیدکان» عراق سبب بر هم زدن آرایش نظامی دشمن شد. همچنین در عملیات پشتیبانی «والفجر۹» که در منطقه «چوارته» عراق انجام گرفت، در انهدام قوای دشمن و تصرف بخشی از خاک آنان نقش مؤثر داشت که هر کدام نشانی از دلاوری‌ها و حماسه‌آفرینی کاوه و یارانش را در خود ثبت کرده است.

ویژگی‌های اخلاقی

صفات ارزنده و ویژگی‌های ایمانی محمود کاوه سبب شد که خود را وقف انقلاب کند و با اهمیتی که کردستان برای وی داشت خود را فرزند کردستان معرفی می‌کرد.

روحیه والا و انسان‌دوستی او به قدری در اطرافیانش اثر می‌گذاشت که با وجود تبلیغات سوء دشمنان و ایجاد جو مسموم علیه آن،کاوه و یگان تحت امرش، هنگامی که به درجه رفیع شهادت نائل شد، مردم مهاباد با پای برهنه زیر پیکر پاک و مطهر سردار بزرگ خود بر سر و سینه می‌زدند و اشک می‌ریختند و ضدانقلاب را نفرین می‌کردند.

او با الهام از سخن خداوند که در وصف مومنان بیان شده است: «اَشِدّاءُ عَلَی الکُفّار رُحَماء بَینَهم»، در قلب مردم و نیروها جای گرفته بود و هیچ انگیزه‌ای جز خدمت به انقلاب و احیای ارزشهای الهی نداشت.

کاوه در عین حال که همه اوقاتش را برای مبارزه به کار می‌بست، از پرداختن به تکالیف دینی و انجام مستحبات نیز غافل نبود.

او از مروجین قرآن کریم بود و با عشق خالصانه به اسلام و مکتب، آیات جهاد را تلاوت می‌کرد و در صحنه جنگ با دشمنان، آن را در عمل تفسیر می‌کرد.

روحیه اطاعت‌پذیری و ولایتی، هوش سرشار و چابکی در عملیات، مسلح بودن به سلاح تقوا و اخلاق حسنه، شجاعت و بی‌باکی، ساده زیستی و صمیمیت با نیروها از جمله ویژگی‌های شخصیتی محمود کاوه بوده است.

با وجودی که در مقابل ضدانقلاب سازش‌ناپذیر، جسور و با شهامت بود، اما در داخل تیپ با نیروهای تحت امر خود برخوردی بسیار متواضعانه و باصفا و صمیمی داشت و همین تواضع او سبب شده بود که محبوبیت خاصی در بین نیروها داشته باشد.

کاوه در قلب نیروهای بسیجی و سپاهی جای داشت. او مصداق بارز تلفیق محبت و قاطعیت در امر فرماندهی نظامی بود.

روزی یکی از نزدیکان وی به منطقه آمده بود. یکی از برادران تقاضا کرد که کار مناسبی به او محول کند، کاوه پاسخ داد: همه بسیجی‌ها فامیل من هستند.

در بعد آمادگی جسمانی، هیچ‌گاه از ورزش غافل نبود و با تشویق نیروها و حضور در مسابقات ورزشی، آمادگی رزمی نیروها را بالا می‌برد. همواره برای تشویق بچه‌ها می‌گفت: موفقیت من در کوه‌های بلند کردستان مدیون ورزش است.

او چریکی زبده بود که در عمل و جنگ چریک شده بود نه با درس‌های تئوری.

کاوه همیشه راهگشای عملیات بود، هرجا که کار گره می‌خورد او رهگشا بود و هر کجا که از عزم و اراده رزمندگان کاسته می‌شد، اراده پولادین او به همه روحیه‌ای تازه می‌بخشید.

او برای این که بتواند عملیات را بهتر هدایت کند پیشاپیش رزمندگان حرکت می‌کرد.

با اینکه بارها در صحنه‌های عملیاتی مجروح شده بود، ولی همیشه قبل از بهبودی، به منطقه بازمی‌گشت و در برخی مواقع نیز نیروها او را با سر و بدن باندپیچی شده می‌دیدند که در میانشان حاضر می‌شد و آماده پذیرش ماموریت و اجرای عملیات بود.

سرتیپ شهید حسن آبشناسان ـ فرمانده لشکر ۲۳ نوهد ـ می‌گوید: اگر در دنیا یک چریک پاکباخته و دلباخته به اسلام و حضرت امام(ره) وجود داشته باشد، محمود کاوه است و هر رزمنده‌ای که بخواهد خوب پخته و آبدیده شود باید با تیپ ویژه شهدا پیش برود.

او دارای فضایل روحی و اخلاقی ویژه‌ای بود و انجام کار خالصانه و بی‌ریا را سرلوحه زندگی خود قرار داده بود.

عموما کم سخن می‌گفت و بیشتر عمل می‌کرد و همواره سعی می‌کرد وحدت ارتش و سپاه حفظ شود و ارتشیان نیز او را از خود می‌دانستند.

نحوه شهادت

دهم شهریور ۱۳۶۵، روزی است که روح این سردار شجاع اسلام و سرباز وارسته حضرت بقیه‌الله الاعظم(عج) در «عملیات کربلای ۲» بر بلندای قله ۲۵۱۹ حاج عمران به پرواز درآمد و دل صخره و کوه، یاد و خاطره شجاعت او را در خود ثبت کرد. آن روز، کاوه مزد جهاد را که شهادت بود، دریافت کرد.

ویژگی‌های درخشنده او در مدت خدمتش و در تصدی مسئولیت‌های مختلف درسی است بس بزرگ برای همه سربازان اسلام و پاسداران انقلاب اسلامی، تا با بکارگیری آنها و آراسته شدن به آن سجایای اخلاقی، نمونه‌هایی از لشکریان مخلص حضرت بقیهٔ‌الله العظم(عج) باشند و خود را برای دفاع از حریم اسلام و ارزش‌های متعالی آن، همواره مهیا و آماده کنند.

حرکت فرمانده تیپ به سوی شهادت

طاقت و شدت دشواری‌ای که نیروهای عمل کننده خواه ناخواه با آن مواجه بودند سبب شده بود پیروزی را نیز دور از دسترس ببینند. تیپ ویژه ۱۵۵ شهدا به خصوص فرمانده آن، مؤمنانه و شجاعانه در عرصه درگیری وارد شدند.

شهید امیری مقدم، راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در این تیپ، در گزارش خودش از عملیات کربلای ۲ درباره حرکت نیروها برای ادامه عملیات و سرانجام آن، چنین روایت کرده است: «تغییرات انجام شده در طرح مانور و موفق نبودن کامل تیپ ویژه ۱۵۵ شهدا در عملیات شب گذشته، موجب تردید در مسئولان، به ویژه فرماندهان این تیپ شده بود.

این تردید اگرچه در خود فرمانده تیپ (برادر محمود کاوه) نیز وجود داشت ولی وی با توجه به حساسیت زمان و مصلحت کل عملیات، این تردید را بروز نمی‌داد و به همین دلیل تصمیم گرفت برای زدودن تردیدها و تقویت روحیه عملیاتی در افراد تیپ، به همراه نیروهای عمل کننده در منطقه درگیری حاضر شود.

وقتی مسئولان تیپ از این تصمیم آگاه شدند درصدد برآمدند که وی را از این عمل باز دارند.

فرمانده یکی از گردان‌ها (برادر صلاحی) برای منصرف کردن وی می‌گوید: «شما این کار را نکنید، آتش دشمن زیاد است، مسیر بد است، خدای نکرده طوری می‌شود.

فرمانده در جواب می‌گوید: «خب، اگر این طور است، ما هم شهید می‌شویم.

اگر کار مثل شب گذشته بشود، ما هم حاضریم امشب شهید شویم.» به همان اندازه که خود وی در رفتن به خط درگیری مصمم بود، سایر مسئولان تیپ مخالف بودند.

هنگام اعزام گردان‌ها برای انجام ماموریت، ابتدا گردان امام حسین(ع) سپس گردان امام سجاد(ع) در حالی که فرماندهی تیپ (محمود کاوه) پیشاپیش آنها قرار داشت، حرکت خود را برای تصرف ارتفاع ۲۵۱۹ آغاز کردند.

طبق طرح مانور قرار بود گردان امام حسین (ع) «پایگاه‌های ۱ و ۲» و «گردان امام سجاد(ع)» «پایگاه‌های ۳ و ۴» را تصرف کنند. حساسیت دشمن نیز نسبت به شب اول کمتر شده بود و احتمال جدی نمی‌داد در این محور مجدداً عملیات شود، از این رو اجرای آتش و پرتاب منور آنها نیز اندکی کاهش یافته بود.

به هر ترتیب حدود ساعت یک بامداد که نیروهای پیاده پس از پیمودن مسافت فاصله خط خودی تا دشمن به زیر اهداف مورد نظر رسیدند تا با هماهنگی آتش خودی درگیری را شروع کنند در همین هنگام گلوله خمپاره کنار برادر کاوه به زمین اصابت کرد و او در همان محل شهید شد.

راوی قرارگاه حمزه(ع) (اسدالله احمدی) به نقل از فرمانده «لشکر ۵ نصر» (محمدباقر قالیباف) نوشته است: «در مراسم تشییع پیکر شهید محمود کاوه، پدر وی درخواست حجت‌الاسلام طبسی تولیت آستان قدس‌رضوی را مبنی بر این که پیکر شهید محمود کاوه در حرم مطهر حضرت رضا(ع) و یا در یکی از حجره‌های مخصوص حرم دفن شود نپذیرفت و گفت: «پسرم از ابتدا با بسیجی‌ها بوده و بهتر است در کنار آنها دفن شود.»

گوشه‌ای از وصیتنامه

دشمن باید بداند و این تجربه را کسب کرده باشد که هر توطئه‌ای را که علیه انقلاب طرح‌ریزی کند، امت بیدار و آگاه با پیروی از رهبر عزیز، آن را خنثی خواهد کرد.

آینده جنگ هم کاملاً روشن است که پیروزی نصیب رزمندگان اسلام خواهد شد و هیچگاه ما نخواهیم گذاشت که خون شهیدانمان هدر رود.



چهارشنبه ۲۰ دی ۱۳۹۱

روایت بیسیم چی

غربت در شلمچه

بخش اول

اشاره: چهارشنبه گذشته همزمان با سالروز اجرای عملیات کربلای ۴، جزئیاتی از این عملیات و عملکرد رزمندگان کشورمان در گزارشـــی با عنوان «عملیات کربلای ۴، مقدمه‌ای برای انهدام ماشین جنگی دشمن» در همین صفحه از نظر خوانندگان گذشت. در این شماره یکی از رزمندگان حاضر در این عملیات، گوشه‌ای ازدلاورمردی‌های قهرمانان کشورمان را اینگونه تشریح می کند:

***

عملیات کربلای ۴ هیچگاه مظلومیت و شـــجاعت بســـیجیان لشکر ۲۵ کربلای مازندران را فراموش نمی کنـــد. عملیاتی که رادارهای آمریکایی به جبران قضیـــه مک فارلین، همه جزئیات عملیات را به عراقی‌ها داده بودند. لشـــکر ۲۵ کربلای مازنـــدران در این عملیات، نزدیک به ۲۰ گردان عملیاتی داشـــت که از بین آنها گردان عاشورا به عنوان خط شکن انتخاب شد. رمز عملیات یا محمد(ص) بود که ساعت ۲۲ و ۴۵ دقیقه سوم دیماه ۶۵ اعلام شد و لشکر ۲۵ کربلای مازندران از سه معبر عملیاتی وارد عمل شد. مظلومیت شهدای عملیات کربلای چهار تداعی کننده غربت و مظلومیت اباعبدالله الحســـین (ع) و یاران باوفایش در روز عاشورا است. بخشی از این مظلومیت و رشادت‌ها به نقل از جانباز شیمیایی علی امانی، بیسیم چی «کربلای ۴» را با هم می‌خوانیم:

اول دی «۱۳۶۵» شـــلمچه، غروب بود، حاج بصیر چند تا نامه محرمانه به من داد، گفت: برو این‌ها را به فرمانده گروهان یک و دو سه تحویل بده و بیا، نامه‌ها را گرفتم فوری سوار موتور شدم، رفتم خط، نامه‌ها را تحویل دادم برگشـــتم. خیلی راه نبود، صحبت شد که چند روز دیگر باید آماده باشیم برای یک اتفاق بزرگ.

روز موعود فرا رســـید، ســـوم دی ۶۵، عصر روز عملیات «کربلای چهار» گردان یا رسول(ص) را به خط کرد، رفتیم توی کانال، نماز مغرب و عشاء را توی همان کانال در حوالی شـــلمچه خواندیم. نماز که تمام شد، حاجی شروع کرد به صحبت کردن، آسمان کاملا تاریک شده و کناره کانال، هر چند متر یک فانوس روشن بود.

فضای بسیار دل انگیز و شـــاعرانه، باران نرم نرم می‌بارید و هوا ســـرد، اما داخل کانال گرم است، چون دل‌ها دارد آتش می گیرد، حاج حسین، مثل شب عاشورا، که امام حســـین(ع) ایستاد و با یارانش در دل شب اتمام حجت کرد، بلند شـــد و ایستاد و گفت: بچه‌ها امشب، عاشورای امام حسین(ره) است.

ما داریم امتحان می‌شـــویم، آمده‌ایم که به تکلیف خودمان عمل کنیم. بچه‌ها امشـــب هوا خیلی سرده، عملیات سخت و نفس گیره، موقعیت خاص شلمچه، بچه‌ها شاید یک نفر هم برنگردیم.

ببینید ما خیلی وقته که با هم هستیم. اما تا ساعاتی دیگر فرق دارد، هر کســـی ذره‌ای شک دارد توی دلش. ترس دارد، منتظـــر دارد. بچه اش منتظره، زنش منتظره، پدر و مادر پیر دارد، خواهر و برادر بی سرپرســـت دارد. دلش جایی، گیر است. وســـط صحبت، گفت: بچه‌ها فانوس‌ها را خاموش کنید. فانوس‌ها یکی یکی خاموش و کانال سراسر تاریک شد. چشم چشم را نمی‌دید.

حاج حســـین ادامه داد: بچه‌هـــا الان دیگه اینجا تاریکه، مـــا هم همدیگر را نمی‌بینیم. من دارم می‌رم. ده دقیقه دیگر بر می گردم. من وقتی آمدم، باید ببینم چند نفر از شما مانده اید، که تصمیم بگیرم باید چکار بکنم. حاج حسین که گفت من باید چکار بکنم. ناگهان کانال منفجر شد. گریه سراسر کانال را گرفت. مگر بچه‌ها گذاشتند که حاج حسین بصیر برود و ۱۰ دقیقه دیگر بر گردد.

فانوس‌ها یکی یکی روشـــن شدند، یکی از وسط بچه‌ها بلند شد و گفت: ما باید همدیگر را ببینیم. ببینیم کسی از این گردان عاشـــورایی حاج حسین هست که پشـــت کند به امام حسین(ع) شروع کرد به نوحه امام حسین(ع) گریه بچه‌ها لحظه به لحظه شدت می گرفت. حاج بصیر گریه می کرد. گریه هیچ کســـی را امان نمی‌داد. حاج حسین دوباره گفت: من میدانم که شما آنقدر اهل معرفتید که هرگز پا پس نخواهید کشید، وقتی امام حسین(ع) شب عاشورا با یارانش اتمام حجت کرد، عباس فقط گفت: نباشم اگر نباشی! فقط فکر و ذکرش حسین(ع) بود؛ امامش! ما آمدیم اینجا همین را ثابت کنیم. دعای توســـل را خواندیم و حرکت کردیم. بیسیم روی شـــانه ام، پشت پای حاج حسین، از زیر طاق قرآن با شور و اشک و عشق روانه شدیم، چند قدم که رفتیم، دو رزمنده، پدر و پســـر از ستون کنده شده اند، با هم بحث می کنند، نوروزعلی یزدانخواه و رحیم یزدانخواه پســـرش، سخت با هم در جدالند، پدر می گوید: تو بمان، پسر می گوید: نه، تو پدر من هستی، امرت واجب، اما نگو بمانم و در عملیات امشب شرکت نکنم، نه پدر، من باید بروم، تو بمان، که مادر بی تو تنهاســـت. «نوروزعلی یزدانخواه» در آستانه انقلاب از کوچک تا بزرگ، همه خانواده اهل مبارزه اند، طوبی یزدانخواه، متولد سال ۱۳۴۷ کلاس چهارم ابتدایی، دختر شیرین زبان، نوروزعلی، وقتی ۱۰ ســـاله که بود، روز نهم آذر سال ۵۷، در شهر فریدونکنار، خواهر کوچکترش خدیجه ســـه ساله را می‌بندد روی کولش، راهی تظاهرات می‌شود، توی راه برادر طوبی، «قربانعلی یزدانخواه» به طوبی می گوید: برگرد، زیر دســـت و پا می‌مانی، طوبی قبول نمی‌کند، نزدیک‌های ظهر، تظاهرات به خشـــونت کشیده می‌شود، ماموران شاه لعین و دربدر، به طرف مردم تیراندازی می‌کنند. یکی از ماموران ظالم، از سه چهار متری، یک تیر «ژ ۳» به طرف قلب طوبی شلیک می کند، گلوله ناجوانمردانه، سینه طوبی را می‌شـــکافد، گلوله از پشت طوبی خارج می شود، خدیجه سه ساله که روی شانه طوبی است، گلوله در قلب دختر سه ساله نوروزعلی می‌نشیند. طوبی و خدیجه در دم شـــهید می‌شوند، پس از گذشت حوادث انقلاب همه مردهای خانه نوروزعلی عازم جبهه می‌شـــوند، قربانعلی برادر بزرگتر طوبی، در سال ۶۱ شهید می‌شود. رحیم اصرار دارد، پدرش را که سه شهید تقدیم انقلاب و آرمان‌هایشان کرده اســـت، حالا می‌خواهد که پدر بماند. به حاج حســـین گفتم: شـــما نگذار هردویشان بیایند، حاجی بین پدر و پسر قرعه انداخت، قرعه به نام رحیم افتاد، رحیم برود، پـــدر بماند، پدر زد زیر قرعه، راه افتاد. رحیم دنبال پدر، حاجی چه داشت که بگوید. زیر نم نم باران راه افتادیم. شب سوم دی «۱۳۶۵» توی کانال با ذکر یا زهراء(س) یا حســـین(ع) می‌رویم برای تعیین سرنوشت. بچه‌ها همه سرحال و آماده به رزم، با دلی پر از آرزوهای آســـمانی، منتظر خش خش بیسیم مانده اند. حاجی گوشـــی را از من گرفت و شروع کرد: بسم الله الرحمن الرحیم. لاحول ولاقوهً الاباللّه «یامهدی ادرکنی» ناگهان آتش از نوک ســـلاح بچه‌ها با فریاد یا مهدی ادرکنی(عج) زبانه کشید. عملیات آغاز شد. منطقه عملیاتی در حد فاصل شمال شلمچه تا چهار کیلومتری انتهای جزیره مینو، از دو محور شلمچه و ابوخصیب، با هدف بصره، با عبور از بین جزیره ام الرصاص، بوارین، تاکتیک ویژه این عملیات است. گردان یارسول(ص)، ساعت ۱۱ شب ســـوم دی، از محور گمرک شلمچه، با عراقی‌ها شدید درگیراست، چهارلول‌های عراقی بچه‌ها را توی نیزار درو می کنند، بیشتر بچه‌ها در همان لحظات اولیه عملیات شهید می‌شوند. خط اول را که شکستیم، افتادیم توی نیزار، هوا ســـرد و سوزناک، بوی باروت، خمپاره‌هـــا که لحظه به لحظه، اطراف ما می نشـــینند، هربار فریادی را به آســـمان می‌بره، من پا به پای حاج بصیر می‌دوم، بچه‌ها که از خاکریز پائین می‌آیند، نوبت پاک سازی ســـنگر عراقی‌هاست، می‌رویم داخل سنگر فرماندهی، گرم می‌شویم. می‌نشینم، کمی از خستگی و سرمای وجودم کاسته می‌شود. حاج بصیر گوشی بیسم گرفت به «آقا مرتضی قربانی» فرمانده لشـــکر ۲۵ کربلا





آنسوی خط است می گوید: به لطف خدا و همت بچه‌ها ما خط اول را شکستیم، انشالله اگر خدا یاری کنه ما تا کربلا پیش می‌رویم. همه کانال و منطقه را بچه‌ها تصرف کردند، الان دارند اسرا را به پشت جبهه منتقل می کنند. ما تا آخر ایستادیم. به امام بگو بچه‌ها تا آخرین قطره خونشان ایستاده‌اند. انشالله ما آماده‌ایم برای ادای تکلیف، برای ما دعا کنید، دل خانواده شهدا را شاد کنیم. حرف‌های حاج بصیر که با مرتضی قربانی تمام می‌شـــه، آماده می‌شویم که از سنگر بزنیم بیرون، داخل سنگر گرم است و امن، بیرون سرد و کشنده، حاجی می گوید: برویم.

می گویم حاجی خســـته ایی چند دقیقه اســـتراحت کنید. نگاهم می کند، پا به پایش می‌روم. روبروی گمرک خرمشـــهر قرار گرفته ایم، خیلی از بچه‌ها شهید و زخمی شده اند. دوباره نیروها را ســـازماندهی می کند. هر یک از بچه‌ها لای نیزارها نشسته و ایستاده نماز ظهر را می خوانند، بیسیم روی شـــانه ام را پائین نمی گذارم، نماز را می خوانم، با پوتین. نمازهای وسط معرکه جنگ را خیلی دوست دارم. داری نماز می خوانی، ناگهان یک گلوله می‌نشیند وسط پیشانی ات. زیباترین لحظه‌ایی کـــه توی عمرت خواهی دید. صحنه‌های غریبی که در جنگ زیاد دیده‌ام، اما خود هنوز مشـــمول رحمت خداوند نشـــده‌ام. هوا به شدت سرد اســـت، باران نرم نرم شروع شده، هر چه به غروب نزدیک‌تر می‌شویم، فشار دشمن بیشتر می‌شـــود، از یک راه باریکه، میان نیزار دنبال حاجی بصیر می‌دوم. چند قدم که جلو می‌رویم، باران گلوله اســـت که به ســـمت ما می‌بارد. خیز می‌رویم کف نیزاری که مرداب گونه اســـت، می چسبیم به گل ولای، فقط راه برون رفت، ذکر است و دیگر هیچ کاری از ما ساخته نیست.

عراقی‌ها پنج، چهار لول کاشته اند، و همه نیزار را دارند درو می کنند، نیم خیز راهمان را عوض می کنیم، از هر کجا می‌رویم، بچه‌های یا رســـول با سربندهای سرخ یا زهرا و یا حسین شهید روی زمین سرد افتاده اند. چهارلول‌ها یک لحظه خاموش نمی‌شوند، بیسیم هشدار می‌دهد، به حاجی بگو عملیات شکسته، بچه‌ها را بکش عقب؛ عقب نشینی کنید، عملیات لو رفته، جلو نرید نرید ...

به حاجی می گویم که آقا مرتضی گفت: باید عقب نشـــینی کنیم. حاج بصیر ناراحت نگاهم می کند. دوباره بیســـیم صدا می کند، «جلوتر نرید، نرید جلو عملیات لو رفته، رادارهای جاسوسی آمریکا، کل عملیات را از قبل گذاشتند کف دست عراقی‌ها، راهی نیست برگردید... «گردان مالک هم به ما الحاق شده است، حالا بیشتر بچه‌های گردان مالک هم شهید شده اند. فرمانده گردان مالک و حـــاج بصیر با هم صحبت می کنند، می‌روم جلوتر، می گویم: حاجی، آقا مرتضی می گه باید عقب نشینی کنیم. برگردیم عقب. حاج حسین بصیر رنگ می‌بازد و فریاد می کشد: مرتضی میگه برگردیم عقب چیه؟ کی می خواد برگرده؟ ما به امام قول دادیم، تا آخرین نفس می‌ایستیم.

برگردیم عقب یعنی چی؟

حالی غریب ریخت توی دلم، با گریه پشـــت بیســـیم گفتم: حاج حسین و یارانش رفتند به میدان برای جنگیدن. باران نم نم می‌بارید، زمین ســـخت و سوزناک شده بود، سرما تا مغز استخوان را می ترکاند. دشـــمن آنها را محاصره کرد و از هر ســـو ضربه‌ای خوردند. هیچ راهی نبود، کمکی نبود، از جمع گردان فقط ۶۲ نفر ماندند... ده تن دیگر شـــهید بشوند به عاشورا خواهیم رسید. این چند کلمه مثل وحی بر دلم جاری شـــد، حاج بصیر گریه افتـــاد، به فرمانده گردان مالک گفت: تو برمی گردی عقب. فرمانده گردان مالک سرش را انداخت پائین. مرتضی قربانی فرمانده لشکر پشت بیســـیم، گاهی به من گاهی به گردان‌های دیگر همه را دستور عقب نشینی می‌دهد، دوباره مرتضی هم روی ســـرم داد می کشه، چی شد علی؟ گفتم: حاج حسین می گوید، من کجا برگردم، اینجا شده قتلگاه، نیروهام همه شهید شـــدند، افتادند. میگه ما به امام قول دادیم که تا آخرین نفس، تا آخرین قطره خون می‌ایستیم. میگه کجا برگردم عقب. مرتضی قربانی گفت: گوشی را بده به حاج حسین. گفتم: حاجی، آقا مرتضی تو را می خواد. بیسیم روی شانه‌ام، رفتم کنار حاج حسین، حاجی گوشی را گرفت، مرتضی قربانی به حاج حســـین گفت: حاج حســـین جان. اطاعت از فرماندهی واجب اســـت‌ها. واجب... این را که مرتضی گفت، گوشی از دست حاج حسین افتاد. نشست روی زمین، زار زار گریه کرد. مگر می توانســـت برگردد. از جمع کل گردان ماندیم ۶۲ نفر. شهدای زیادی روی زمین افتاده اند. از بچه‌های لشـــکر امام حسین(ع) که با ما دست داده بودند، گردان مالک، گردان یا رسول(ص) بیش از ۴۸۰ تا شهید روی زمین افتاده اند، مگر می‌شود که شهدا را بشماریم، اصلا کجا شهدا قابل شمارش هستند.

از جمع باقی مانده معلوم می‌شـــود که گردان از گروهان هم خیلی کمتر شده است، هم گردان یارســـول(ص) هم گردان مالک، بسیاری هم ســـخت مجروح، توی نیزارها افتاده اند. مجروحان را بعضـــی از امدادگرها از معرکه می‌برند. از یک طرف ناله مجروحان، از یک طرف جنازه شـــهدا صحنه‌ایی غریبانه، مانند آنچه در عصر عاشورا رخ داده است.

حـــال این صحنه را هیچ احدی چون زینب کربلا درک نخواهد کرد و آن که در صحنه حاضر است و شاهد. حاج بصیر خودش شب شام غریبان بدنیا آمده؛ توی دلم دارم به آن شبی فکر می کنم که اهل حرم امام حســـین(ع) چه حال غریبی داشتند، اتصال آن حال با تولد حاج حسین بصیر، این حالی که اکنون حاج حسین بصیر در این نیزارها دارد. آن لحظه‌ها هیچ ذکری مثل گریه کردن نبود، بغض و گریه حاج حسین آتش میزد به دلم، آتش می‌زد به آسمان، تاب بی تابی اش را نداشتم، حاج حسین آتشفشانی شده بود.

مرتضی قربانی امر می کند به حاج بصیر که باید برگردی، این دســـتوره، حاجی نشست روی زمین، زار زار گریه می کند. مگر می‌تواند که از جایش برخیزد و برگردد.

من دور حاج حســـین می‌چرخم، برای خود من هم حاجی یک مرید بود، داشت می‌سوخت و من سخت پریشان دور حاجی میســـوزم. خدایا به من قدرتی بده که حاج بصیر را ببرم، لحظات بسختی می گذشت، بیسیم لحظه به لحظه پیغام فرمانده لشکر را ابلاغ می کند. من دست حاج بصیر را گرفتم و بلندش کردم، فضا بشـــدت سنگین و عاشورایی است، نیروهایی که مانده‌اند به دستور حاج بصیر یکی یکی بر می گردند عقب، من وحاج بصیر آخرین نفری هســـتیم که پشت سر ستون می‌رویم.

بچه‌ها باید از کنار شـــهدا عبور می کردند، شـــب قبل با هم توی کانال عهدی سنگین و ابدی بسته‌اند، ستون سخت و سنگین حرکت می کرد، هی بچه‌ها خم می‌شوند، صورت رفقای خود را که توی آن حال غریبانه دارند جا می گذارند، می‌بوسند و گریه کنان می‌روند. آخر آنها با هم عهد بسته بودند تا آخرین قطره خونشان بجنگند، ایستادگی کنند. حالا باید برگردند، گردان رفتند، گروهان نه، تنها دو سه دسته، خسته و شکسته و بغض بر گلو نشسته دارند هم عهدی‌های خود را جا می گذارند و بر می گردند. صحنه‌هایی که دل آســـمان را هم به درد می‌آورد. دوشکاها، چهارلول‌ها، خمپاره و کاتیوشا، لحظه به لحظه قلب زمین را خراش می‌دهد، زمین دائم در حال لرزیدن است. حاجی و من ته ســـتون، بچه‌ها در حال عقب نشینی، تیر می‌خوردند و می‌افتند. هوا هم داشت تاریک می‌شد. از کنار هر شهید که می گذریم، حاج حسین می‌نشیند، سر شهید را می گذارد روی زانوهاش، های‌های گریه می کند، صورتش را می‌بوسد، سرشان را دست می کشد، نوازش می کند، خدا حافظی می کند، حلالیت می طلبد. دســـت حاجی را می گیرم، حاجی به خون همین شهدا که باید بریم، تو اگر شهید بشی، اسیر بشـــوی، کی می خواهد فردا انتقام خون این شهدا را از این لعنتی‌ها بگیرد. حاج حسین با شهدا حرف می‌زند، ســـرش را می گذارد، روی سر شهدا زار زار گریه می کند. به سختی بلندش می کنم.

دو سه قدم باز یک شهید دیگر. می‌نشینم کنار حاج حسین بصیر، حاج حسین نوحه می خواند، من گریه می کنم. هر دو سه قدم، این حال تکرار می‌شود.

می‌رسیم به شهید «رحیم یزدانخواه» حاج بصیر، می‌نشیند، آخه پسر من جواب پدرت را چی بدهم. سرش را می گذارد روی ســـینه رحیم، به مادرت چی بگم، حالا یک شهید دیگر به خانواده یزدانخواه اضافه شـــده، شدند چهار شـــهید، دو برادر، دو خواهر. خدا خدا می کنم که نوروز علی پدرشـــان شهید نشده باشـــد، که دیگر رمقی برای گریه نمانده است. چند متری که می‌رویم، یک شـــهیدی می‌بینم که کپ می کنم، دلم می خواهد زمین بشـــکافد و فرو بروم، قلبم بشدت سنگین می‌شـــود، نفس ام بند می‌افتد، بغض ام می ترکد. می خواهم جوری حاج بصیر را هدایت کنم، دیگر این شهید را نبیند، ناگهان حاجی زانوهایش سست می‌شود. بابای رحیم شهید شده، حاج بصیر سر نوروزعلـــی را می گذارد روی زانوهایش، من را دور می کند، می گوید: بروبرو برو برو.... چند قدم

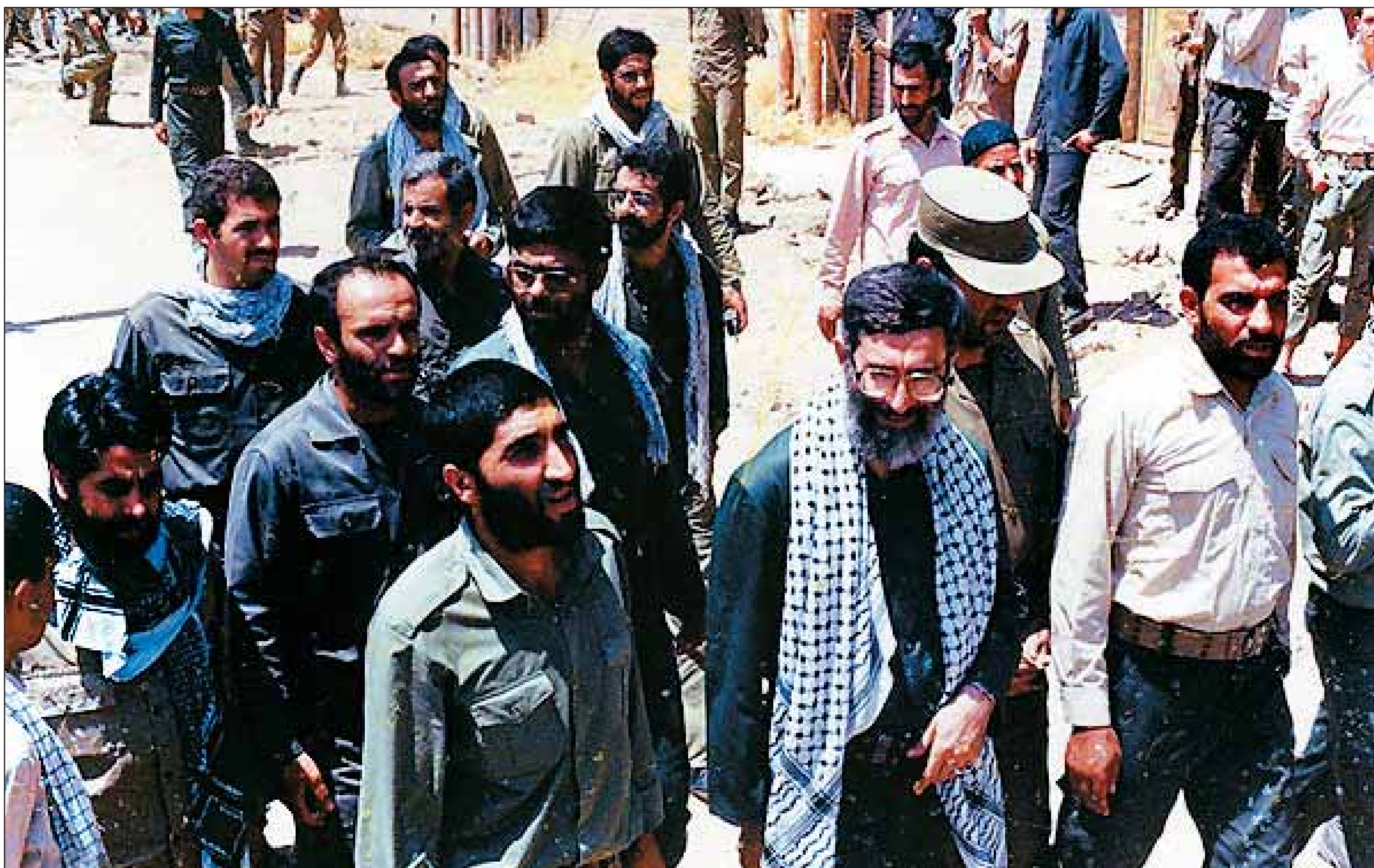


دور می‌شوم، حاجی با پدر رحیم خلوت می کند، دارد با شهید حرف می‌زند، یک جور که تو گویی او زنده است، بعد در گوشی یک حرف‌هایی به نوروزعلی می گوید، می‌بوئیدش و می‌بوسیدش، گاهی پیشانی، گاهی صورت، نوازشش می کرد، های‌های می‌زند زیر گریه، تند می‌روم، دستش را می گیرم به سختی بلندش می کنم، باز جلوتر شهدا همین طور افتاده اند. شهید اسفندیاری، نژاد بخش، ایزدی، حســـینی، اصغری ..... دیگر نای گریه نداریم. رسیدیم لب رودخانه، انتهای خط، که باید سوار قایق بشـــویم، چند نفری که ماندند، با قایق‌ها می‌روند، حاج بصیر دو دل می‌شود، من می‌روم به سمت قایق، صدا می‌زنم بیا، حاجی بر می گردد به طرف شهدا، از قایق پیاده می‌شوم، یک مرتبه از توی نیزار یک نفر با یک دســـت قطع شده، همراه چند نفر دیگر پیدایشان می‌شود، نزدیک‌تر که شد، شناختم. «حاج حسین خرازی» است، سلام می کنم و می گوید: برادر، فرمانده تان کجاست؟

صدا می‌زنم، حاج حسین، حاج بصیر از لای نی‌ها پیدایش می‌شود. حاج حسین بصیر و حاج حسین خرازی زل می‌زنند به هم، بعد می‌دوند، هم را بغل می کنند.. شهید حاج حسین بصیر به شهید حاج حسین خرازی می گوید: این جا چکار می کنید؟

حاج حســـین خرازی می گوید: بچه‌های ما زمینگیر شدند. آمدیم سمت شما. چند لحظه با هم حرف می‌زنند و همه ســـوار قایق می‌شویم، می‌رویم. مدتی بعد قایق رسید به ساحل، جایی که باید پیاده شویم. یک مرتبه حاج بصیر و حاج حسین خرازی گیردادند، باید برویم شهدا را بیاوریم.

بیسیم زدم به مرتضی قربانی که حالا حاج حسین خرازی و حاج بصیرند که دوتایی از قایق پیاده نمی‌شوند، مرتضی قربانی گفت: گوشی را بدهید به حاج بصیر. پریدم توی قایق و گفتم: آقا مرتضی شـــما را می خواهد. حاج بصیر گوشی بیسیم را گرفت. نمی‌دانم چی گفتند به هم که حاج بصیر هم به حاج حســـین خرازی گفت و با هم پیاده شدند. حاج حسین خرازی با همراهانش خداحافظی کردند و رفتند. ما ماندیم. حاج بصیر ایســـتاد کنار ساحل و شروع کرد به داد و فریاد «ای خدا» باید برویم شـــهدا را بیاوریم. ۴۰۰ شهید را مگر می‌شود آورد. زیر آن آتش سنگین، آن سوی رودخانه، حاج بصیر مرتب داد و فریاد می کند که‌ای خدا شهدا را نیاوردیم. گریه می کند، توی سرش می‌زند، از یک طرف هم مرتضی قربانی داد و فریـــاد می کند که علی امانی بدون حاج بصیر برنگرد. هنوز چند دقیقه نگذشته بود که دیدیم عراقی‌ها آمده‌اند لب رودخانه، آن طرف که موقعیت از دست رفته ماست، شهدا افتاده اند، روی سر شهدا شادی می کنند، تیراندازی می کنند. با ناامیدی و اشک و بغض برگشتیم و شهدا جا ماندند...



چهارشنبه ۲۰ دی ۱۳۹۱

شهید کاظمی دُر غلطان سپاه

فرازی از وصیتنامه شـــهید احمد کاظمی: خداوندا فقط می‌خواهم شهید شوم، شهید در راه تو، خدایا مرا بپذیر و در جمع شهدا قرار بده. راستی چه بگویم، سینه ام از دوری دوستان سفرکرده ازدرد، دیگر تحمل ندارد.

احمد در دوم امرداد ۱۳۳۸ در نجف آباد اصفهان متولد شـــد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به اتفاق شهید محمد منتظری، شـــهید غلامرضا صالحی و شهید غلامرضا یزدانی در دی سال ۵۸ راهی سوریه شد. او تصمیم داشـــت همراه با گروه‌های فلسطینی آموزش‌های چریکی را در کنار سازمان‌های فعال و مبارز فلسطینی فراگیرد و وارد مبارزه علیه رژیم صهیونیستی شود. اما حوادث کردســـتان در حالی او را مجبور به بازگشت به کشـــور کرد که وی کوله باری از تجربه جنگ‌های چریکی و مبارزه علیه رژیم شـــاه را باخود داشت. حوادث کردســـتان او را بی‌قرار کرده بود، لذا بلافاصله برای یاری رساندن به مردم کردستان و مبارزه علیه ضد انقلاب وارد کردستان شد و در کنار سرلشکر رحیم صفوی، شهید حسین خرازی، شهید همت, متوسلیان و دیگر برادران سپاه، موفق به شکست ضد انقلاب و بازگرداندن امنیت به کردستان شد.

شهید کاظمی و شهید خرازی

در ســـال ۵۹ به عضویت سپاه درآمد و با شروع تجاوز دشمن با وجود مجروحیتی که در یکی از جنگ‌هایی که با ضد انقلاب در کردستان داشت و هنوز با عصا راه می‌رفت, به همراه گروه شهید غلامرضـــا محمدی به پادگان گلف اهواز رفت تا در نصاره، نقطه‌ای نزدیک آبادان به دوســـتانش بپیوندد. تجربیات آموزش چریکی در پادگان حموریه ســـوریه و در جنگ کردستان برایش خیلی ارزشمند بود و در جبهه جدید جنگ یعنی در محور فارسیاد و دارخوین به کمکش آمد و از همه آن توانمندی‌ها اســـتفاده کرد و به سرعت مورد توجه قرار گرفت. نیروهای مردمی به صورت خودکار فرماندهی او را پذیرفتند و احمد نخســـتین دوره فرماندهی بر نیروهای مردمی را درجبهه فارسیاد تجربه کرد و هر روز بر علاقه رزمندگان به او افزوده می‌شـــد. ابتکارات و اقدامات او روز به روز از جبهه فارسیاد فراتر می‌رفت و خبرها به مرکز فرماندهی گلف می‌رسید.

جبهه فیاضیه

احمد و جبهه فارسیاد تبدیل به یک موضوع مورد توجه در تمامی جنگ شد و اقدامات چریکی او بـــه همراه گروه کوچک چند ده نفره، جبهه فیاضیه را برای دشـــمن تبدیل به یک کابوس کرد و فیاضیه در کنار جبهه دارخوین به فرماندهی شهید حسین خرازی زبانزد تمامی جبهه‌ها شد. احمد تا پایان امرداد همان سال، قبل ازعملیات ثامن الائمه(ع) نیروهای مستقر در فیاضیه را به سه گردان رساند و با آمادگی کامل در پنجم مهر سال ۶۰ به دشمن حمله سختی کرد و با تدبیری که برخاسته از شجاعت او بود، با دور زدن دشمن موفق شد حصر آبادان را بشکند و به هدف خود دست یابد.

وی همچنین توانســـت با غنایم فراوانی که از دشمن بدســـت آورد، مقدمات تشکیل تیپ ۸ نجف اشـــرف را فراهم کند. بعد از اتمام موفقیت‌آمیز عملیات ثامن الائمه(ع)، در اجرای عملیات طریق‌القدس هم نقش آفرینی کرد.

حاج احمد و فتح‌المبین

در سوم آذر ۱۳۶۰ با استفاده از دوستان همرزم خود و امکانات بدست آمده از دشمن، در بیست و دو سالگی یک تیپ قدرتمند به نام تیپ ۸ نجف اشرف را تشکیل داد و با استقرار در شهر شوش، یکی از مهمترین محورهای عملیاتی را عهده دار شد و مقدمات مهمترین عملیات جنگ که بعدا از سوی امام(ره) فتح المبین نام گرفت را فراهم کرد.

ساعت ۱۲ نیمه شب ۱۳۶۰ از طریق ارتفاعات برغازه به دشمن حمله شدید و غافلگیر کننده‌ای کرد و در حالی که در تمامی جبهه‌ها دشـــمن به شدت مقاومت می‌کرد و عملیات با بن بست مواجه شده بود و پاتک‌های شدید دشمن برای باز پس گیری مناطق از دست رفته ادامه داشت, با دور زدن تمامی جبهه (که شگرد خاص او بود)و راهکاری بی نظیر از طریق تنگه رقابیه و ورود به عقبه جبهه دشمن، آخرین ضربات خود را وارد و دشمن را در جبهه‌ای به وسعت ۳۵۰۰ کیلومتر مربع وادار به شکست کرد. بعد از آن نام احمد آوازه جبهه خودی و دشمن شد.

احمدکاظمی؛ فاتح خرمشهر

یک هفته بعد از عملیات فتح المبین ,او بدون وقفه و اســـتراحت وارد دارخوین شد و مقدمات عملیات آزادسازی خرمشـــهرکه بیت‌المقدس نام گرفت را فراهم کرد. او یکی از طولانی‌ترین و ســـخت‌ترین محورها را عهده دار شد و چهارروز پس از عملیات فتح المبین در نیمه‌های شب در حالی که دشـــمن در خواب عمیق فرو رفته بود به آرامی از رودخانه پرخروش کارون عبور کرد و بانفوذ به عمق بیست کیلومتری خط دشـــمن خود را به جاده استراتژیک اهواز ـ خرمشهر رساند. در حالی که هنوز واحدهای دشـــمن در خطوط اولیه و در نزدیک رودخانه کارون بودند، در کنار جاده جنگ تن به تن رخ داد. فرماندهان دشمن که متحیر از این پیشروی بودند در حالی که صدام و جوخه‌های اعدام پشت آنها ایستاده بود، بارها به نیروهای احمد حمله کردند اما تمامی این تلاش‌ها ناکام ماند و او با تثبیت جاده آســـفالت حملات بعدی خود را به سمت خرمشهر آغاز کرد، در حالی که خود و دیگر همرزمانش بشدت زخمی بودند.

او در شـــرایطی بسیار سخت ونابرابر با دشـــمن با قبول یکی از بیادماندنی‌ترین تصمیمات در حالی که همه از آزادی شهر خرمشـــهر ناامید بودند به صورت استشهادی همراه شهید خرازی (فرمانده نامدار لشگر ۱۴ امام حسین) به انبوه دشمن در خرمشهر حمله کرد و با تدبیر تاکتیکی خود ,شـــهر خرمشهر را باهزاران نفر از نیروهای دشمن به محاصره خود در آورد و لحظاتی بعد بیش از ۱۵۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن با زیر پوش‌های سفید خود را تسلیم او کردند و صدای بانگ الله اکبر در شهر خرمشهر طنین افکن شد. اما هرگز کســـی ندانست که احمد به همراه حسین فاتح اصلی خرمشهر بود و او هیچگاه حاضر نشد از این حماسه چیزی بگوید. او از هر عملیات زخمی به یادگار داشت و در طول هشت سال جنگ واحد خود را از تیپ به لشکر و سپاه ارتقاء داده بود و جنگ‌های مهمـــی همچون رمضان، محرم، والفجر (۱، ۲، ۴، ۸) و تمامی عملیات‌های که به نام کربلا نام گرفت (کربلای ۲، ۳، ۴، ۵، ۶)شرکت کرد و در تمامی این عملیات‌ها نام احمد، آرام بخش جمع فرماندهان



و لشکر بود ونبود او به عنوان یک خلأدر صحنه عملیات حس می‌شد.

عملیات بدر و غم فراغ

او در عملیات خیبر و بدر همراه رفیق شفیق خود مهدی باکری فرمانده قهرمان لشکر ۳۱ عاشورا که به شدت به او عشق می‌ورزید، یکی از صحنه‌های حیرت‌آمیز جنگ را که به فیلم‌های جنگی شباهت داشت به نمایش گذاشت و درنیمه‌های شب با هلی برد به روی جزایر مجنون در عمق هور العظیم که خود و شهید باکری در نخستین فرود در آن شرکت داشتند، در طول یک شب دو جزیره بسیار مهم نفتی یعنی جزیره مجنون شمالی و جنوبی را از تصرف دشمن خارج، از آن عبور و در شمال شرق بصره ضربات سنگینی به دشمن وارد کردند.

در همین عملیات، یکی از انگشتان احمد بر اثر اصابت ترکش قطع شد. او با وجود درد شدید برای جلوگیری از عفونت، محل زخم انگشت را در آب و نمکی که از سنگر عراقی‌ها آورده بودند قرار می‌داد ولی حاضر به ترک جبهه نبود. در عملیات بدر او و دوست شهیدش باکری، به دشمن تاختند و با عبور از رودخانه خروشان دجله، جاده استراتژیک بصره ـ العماره را قطع کردند. اما در این هنگام مهدی آهنگ رفتن کرد و با شهادتش احمد را در حسرتی جان سوز فرو برد.

حاج احمد؛ در تمنای شهادت

عملیات والفجر ۸ به موفقیت چشمگیری رسید و احمد از امتحانی دیگر سر بلند بیرون آمد. او در نزدیک‌ترین مناطق به خطوط دشمن حمام آب گرم فراهم می کرد. بهترین غذا را در خط مقدم خطوط فرماندهی اش برای لشکر تهیه می‌دید. تئوری اش این بود: چلو کباب در خط مقدم و ساچمه پلو در عقب جبهه. در لشکر احمد نظم حرف اول را میزد، طوری که بارها سپهبد شهید صیاد شیرازی نظم و نگهداری تجهیزات را در لشکر ۸ نجف بی نظیر و به عنوان الگو مطرح می کرد.

۲۵ اسفند ۶۶ لشکر ۸ نجف بار دیگر با فرماندهی احمد کاظمی در عملیات والفجر ۱۰ در محور دربندیخان حلبچه با همه توان شرکت کرد و با موفقیت به تمامی اهداف نائل آمد. او که مسئول تصرف شهر حلبچه بود، برای حفظ جان مردم و برای رعایت حال زنان و کودکان دستور داد هیچ کس حق ورود به شهر حلبچه را ندارد و عملیات را پیگیری و به غایت رساند. روزهای جنگ به سرعت می گذشت و احمد غمگین از این بود که چرا از کاروان دوستان شهید خود عقب مانده است، اما او راهی جز پذیرش تقدیر الهی نداشت.

عملیات کربلای ۸ و تحرکات دشمن مجدداً شرایط سختی را بوجود آورد و دشمن دست به تحرکاتی در مناطق جنوب و غرب زد، وضع نابسمانی بود، فرماندهان جنگ عملیات بیت‌المقدس ۷ را در سال ۶۷ برنامه ریزی کردند. محور شلمچه بار دیگر با احمد کاظمی دست بیعت داد و یاد و خاطره شهدا را لحظه به لحظه از جلوی چشمانش می گذراند. او منتظر بود که در لحظات پایانی جنگ به دوستانش برسد اما اینطور نشد و تقدیرچیز دیگری بود.

فرمانده همیشه پیروز

هیچ عملیاتی نیست که در طول جنگ اتفاق افتاده باشد و احمد کاظمی در آن پیروز نباشد و همیشه نقشش را هم به بهترین شکل انجام می‌داد. حتی در عملیات رمضان که عملیات ناموفقی بود، حاج احمد تنها فرمانده‌ای بود که در شرق بصره تا نهر کتیبان جلو رفت و قلب دشمن را شکافت ولی به علت عدم پیشروی در مناطق دیگر به منطقه قبلی بازگشت.

کمترین تلفات در عملیات‌های جنگ در لشکر ۸ نجف بود. برای تامین امنیت جانی رزمندگان دغدغه فراوان داشت. بدون تحلیل جزء به جزء اهداف و نتایج عملیات، وارد عمل نمی‌شد. بهترین راهکار عملی و تاکتیکی در صحنه رزم را در دشوارترین شرایط طراحی و اجرا می‌کرد.

سردار احمد سوداگر در خاطرات خود در کتاب «جاده‌های سربی» می‌نویسد: کاری که احمد کاظمی در والفجر ۸ کرد خارج از توان یک انسان معمولی است.

محسن رضایی فرمانده وقت سپاه نیز می گوید: ما در حقیقت چهار لشکر داشتیم که این‌ها وقتی هرجا وارد می‌شدند، هیچ خطی در مقابلشان قدرت مقاومت نداشت، حاج همت و لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)، حسین خرازی و لشکر ۱۴ امام حسین(ع)، مهدی باکری و لشکر ۳۱ عاشورا، احمد کاظمی و لشکر ۸ نجف که در هر کجا وارد می‌شدند بدون استثنا با موفقیت همراه بود.

دو نفر از فرماندهان عراقی که اسیر شده بودند می گفتند وقتی اسم احمد کاظمی، حسین خرازی و مهدی باکری می‌آمد ما بر اندامهان لرزه می‌افتاد و دعا می‌کردیم ما روبروی این لشکرها نباشیم چون مطمئن بودیم این‌ها می آمدند و می‌زدند و هیچ کس جلودارشان نبود. احمد مرد پر قدرتی بود, با اراده بود,فرد طراحی بود,تاکتیک را خوب می‌فهمید.

سرلشکر رحیم صفوی نیز می گوید: کوه‌های سر به فلک کشیده و پر از برف کردستان و دشت‌های سوزان خوزستان شهید کاظمی را می‌شناسند. در فتح و آزادی بستان محورعملیات بود. در فتح المبین جبهه رقابیه را ایشان شکافت و بزرگترین پیروزی را آفرید. در تمامی عملیات‌ها به عنوان فرمانده‌ای بود که با خلاقیت، دشمن را به زمین می کشاند.

هیچ جبهه‌ای در طول ۸ سال دفاع مقدس نبود که در مقابل لشکر ۸ نجف تاب استقامت بیاورد. یکی از فرماندهان فتح فاو شهید کاظمی بود. نیروهای دشمن دررمضان و در کربلای ۵ دیدند که با آرامش چگونه دروازه شرق بصره را شکافت وآنان را مجبور به صدور قطعنامه ۵۹۸ کرد.

فرمانده سپاه قدس حاج قاسم سلیمانی از شهید کاظمی اینگونه یاد می‌کند: در بین فرماندهان جنگ سه نفر بودند که اگر در جلسه‌ای نبودند حتما در آن نقص بود. حسن باقری ,حسین خرازی و احمد کاظمی. اگر همه ما می‌نشستیم در جنگ حرف می‌زدیم تصمیم گیری می کردیم سکوت هر یک از این سه نفر حتما امکان تصمیم گیری را مشکل می‌کرد. اگر با عملیاتی مخالفت می‌کردند,حتما یک مساله و دلیل داشت.

سردار مهدی کلیشادی از فرماندهان دوران دفاع مقدس می گوید: اگر تا شب قبل از عملیات خودش مطمئن نمی‌شد که این معبری که برای عملیات باید از آن بگذرند پاک شده است یا نه دست به کاری نمی‌زد. به جزیی‌ترین چیز فکر می‌کرد. حقوق زیر دست برایش خیلی مهم بود. با کمترین تلفات اهداف را تصرف می‌کرد.

پس از جنگ، حاج احمد و کردستان

سال ۱۳۷۲ با بروز مجدد ناامنی‌ها در کردستان و علاج چنین بحرانی و کمک به مردمی که در تنگناهای ناامنی گروه‌های ضد انقلاب بودند، مقام معظم رهبری حکم فرماندهی قرارگاه حمزه سید شهداء(ع) را به ایشان ابلاغ کردند تا هیبت، شجاعت و فرماندهی مقتدرانه او ریشه ظلم و ستم را در منطقه بخشکاند. رفتن او همه را خوشحال کرد. حدود دو سال پس از حضور در قرارگاه حمزه، واحدهای زبده خود را به دنبال دشمن در عمق حدود ۱۲۰ کیلومتری خاک عراق فرستاد و موفق شد با محاصره دشمن، گروههای مسلح را وادار کند که طی توافقنامه‌ای بپذیرند که دست از عملیات مسلحانه و ناامن کردن فضای زندگی مردم کرد و آذری‌ها بردارند و او توانست با آن نبوغ ذاتی اش امنیت را به کردستان بازگرداند. تا سال‌ها بعد اثرات این اقدام شجاعانه احمد در منطقه باقی ماند و مردم منطقه از آن به نام «طرح سردار کاظمی» یاد می کردند.

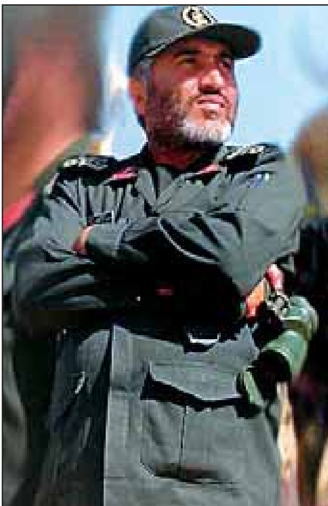
حاج احمد و نیروی هوایی

سال ۱۳۷۹ با حکم فرمانده کل قوا به مدت پنج سال به عنوان فرمانده نیروی هوایی سپاه منصوب شد. در این مقطع هم همانند گذشته توانست برای بالا بردن توان و ارتقای ساختار و سازماندهی هوایی و موشکی قدم‌های فوق العاده مهمی بردارد و بر ارتقای کمی و کیفی آن بیفزاید و برای نخستین بار نیروی هوایی سپاه را مجهز به هواپیمای جنگنده سوخو ۲۴ کرد و سازمان هلی کوپتری را با خرید هلی کوپترهای ام.ای ۱۷ سازماندهی کرد.

نقش قابل توجه اش در پیشرفت سیستم موشکی سپاه بود. با تلاش و همکاری سرلشکر شهید حسن تهرانی مقدم برای موشک شهاب ۳ با بردهای گوناگون شبانه روز وقت گذاشت تا به ثمر رسید.

حاج احمد و زلزله بم

در دوران ماموریتش در نیروی هوایی حادثه اسفناک زلزله بم پیش آمد. حاج احمد به محض خبردار شدن جزو نخستین کسانی بود که خود را به فرودگاه بم رساند و تا آخرین روزها در آنجا حضور داشت. همه امکانات نیروی هوایی سپاه و کشور را برای کمک به مردم زلزله زده مهیا کرد.



«این فرمانده شجاع و متدین و غیور(سرلشکر شهید احمد کاظمی، فرمانده نیروی زمینی سپاه)از یادگارهای ارزشمند دوران دفاع مقدس و در شمار برجستگان آن حماسه بی نظیر بود. تدبیر و قدرت فرماندهی او در طول جنگ هشت ساله کارهای بزرگی انجام داده و او بارها تامرز شهادت پیش رفته بود. آرزوی جان باختن در راه خدا در دل او شعله می کشید و او با این شوق و تمنا در کارهای بزرگ پیش قدم می گشت. اکنون او به آرزوی خود رسیده و خدا را درحین انجام دادن خدمت ملاقات کرده است».

مقام معظم رهبری

در این زمینه سرلشکر رحیم صفوی می گوید: در زلزله بم در ساعت‌های اول، شهید کاظمی به عنوان فرمانده نیروی هوایی همه ناوگان خودش را برای نجات مردم بم بسیج و خودش هم فرودگاه بم را آماده کرد، هر ۱۳ دقیقه یک هواپیما ویک هلیکوپتر چه در شب و چه در روز پرواز می‌کرد، ۳۰ هزار مجروح را با هواپیما و هلیکوپتر تخلیه کرد، چند شبانه روز بیخواب بود. این است روحیه مردم داری و مردم یاری.

احمد کاظمی، دُر غلطان سپاه

احمد کاظمی به علت جراحت‌های زیاد در طول دوران دفاع مقدس به ۵۵ درصد جانبازی نائل شد و به دلیل رشادت‌ها و توانمندی‌های خود، سه مدال فتح و شجاعت را به افتخارات خود افزود. در سال ۸۴ به فرماندهی نیروی زمینی سپاه منصوب شد. احمد کاظمی یکی از نام آورترین سرداران عرصه‌های عشق و ایثار و در عین حال برای بسیاری از مردم ایران گمنام‌ترین فرماندهان دوران دفاع مقدس و پس از آن بود.

او پس از شهادت مهدی باکری یار و همرزم دیرینه اش در روز پنجم عملیات بدر, همچنان منتظر ماند تا سر انجام در صبح نوزدهم دی سال ۱۳۸۴ بر پیمان خویش با خدا وفا کرد و در حوالی ارومیه نزدیکی‌های محل تولد شهید مهدی باکری به وی پیوست.

او در کنار دوستان شهیدش حسین خرازی و مصطفی ردانی پور در گلزار شهدای اصفهان جای گرفت. سردار سرلشکر پاسدار کاظمی به همراه یارانش رفت و آنانی که با عشق به آنها زندگی می‌کردند در فراقشان چشم انتظار ماندند.

منابع:

۱ـاولین مسافر خرمشهر ـمرتضی سیاح=چاپ اول ۱۳۸۷ نشر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس اصفهان

۲ـتمنای شهادت ـجانمراد احمدی ـچاپ پنجم اردیبهشت ۸۶ـنشر موسسه حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس اصفهان لشگر هشت نجف اشرف

۳ـما اهل اینجا نیستیم ـچاپ اول زمستان ۸۵

۴ـفصلنامه شماره ۱۶ مطالعات جنگ ایران و عراق ـنگین ایران

۵ـفاتح خرمشهر ـموسسه فرهنگی هنری جنات فکه ـیادواره شهید حاج احمد کاظمی و یاران



۱۳۹۲/۸/۱

سردار شوشتری؛ شهید وحدت آفرین

«دیروز از هر چه بود گذشتیم، امروز از هرچه بودیم گذشتیم. آنجا پشت خاکریز بودیم و اینجا در پناه میز. دیروز دنبال گمنامی بودیم و امروز مواظبیم نامامان گم نشود. جبهه بوی ایمان می‌داد و اینجا ایمانمان بو می‌دهد. آنجا روی در اتاقمان می‌نوشتیم یا حسین(ع) فرماندهی از آن توست؛ الان می‌نویسیم بدون هماهنگی وارد نشوید. الهی نصیرمان باش تا بصیر شویم،بصیرمان کن تا ازمسیر برنگردیم. آزادمان کن تا اسیر نشویم.»[۱]

۲۶ مهر یادآور حادثه‌ای تلخ و سالگرد شهادت سردار رشیدی است که برنامه‌های متعدد فرهنگی و اقتصادی را برای ایجاد امنیت پایدار در جنوب شرق کشور جستجو می‌کرد. در همین باره به سراغ سروان مهدی امیری، یکی از یاران این سردار شهید رفتیم. امیری در زمان واقعه شهادت سردار شوشتری، در آن مکان حضور داشت. حاصل گفتگوی امیری با ایسنا را می‌خوانیم:

به نظر شما مهمترین فضیلت اخلاقی سردار شوشتری در چه زمینه‌ای بود؟

سردار شوشتری برای هر کسی یکسری فضایل اخلاقی خاصی را دارا بود و در کنار این فضایل اخلاقی و معنوی برجسته، پشتکار و جدیت ویژه‌ای داشت و روی مسائلی که به این سردار شهید واگذار می‌شد، دقت و پشتکار کافی تا حصول نتیجه وجود داشت و با جدیت برنامه‌ها را چه برای بسیجیان یا مردم دنبال می‌کرد تا به نتیجه مدنظر دست یابد. در کنار این موارد وارستگی، با ایمان بودن و خدایی بودن از دیگر فضایل برجسته سردار شوشتری بود.

رمز الفت سردار شوشتری با مردم را در چه چیزی می‌توان جستجو کرد؟

همیشه همه چیز را مردمی می‌نگریست و با مردم بود و همیشه مشکلات مردم را با خودشان حل می‌کرد و مردم را در تمامی موارد از جمله امنیت و مسائل فرهنگی دخیل می‌کرد تا به مقصود نهایی برسیم و همواره در مسیر جلب رضایت مردم گام برمی‌داشت و از محبوبیت خاصی در بین مردم برخوردار بود.

دلیل موفقیت اقدامات اساسی سردار شوشتری به ویژه در استان سیستان و بلوچستان که همچنان همگان آن را دستاورد این شهید بزرگ می‌دانند را در چه می‌بینید؟

بچه روستا بود و در یک زندگی سخت و فقیرانه بزرگ شده بود و فردی رنج کشیده و بسیار محکم بود. به همین دلیل در زندگی خودش،به محرومان توجه ویژه داشت و خدمت به آنان را عبادتی بزرگ می‌دانست. سردار شهید شوشتری سه کار اساسی ایجاد وحدت و همدلی بین قبایل منطقه و به ویژه شیعه و سنی، محرومیت‌زدایی و ایجاد امنیت پایدار در سیستان و بلوچستان در دستور کار داشت. در برنامه‌ای که وی برای منطقه جنوب شرق کشور اعلام کرده بود، چند بند وجود داشت که از آن جمله، رسیدگی به وضع اشتغال مردم منطقه، رفع محرومیت از مردم، اتحاد قبایل و واگذاری برقراری امنیت به نیروهای بومی، برقراری امنیت پایدار و فراگیر بود. ابتدای آمدن سردار شوشتری به استان سیستان و بلوچستان تصور می‌شد فضای نظامی بر منطقه حاکم شود اما برخلاف این تصور شاهد بودیم که سردار شوشتری دنبال برنامه‌های دیگری است و بیشتر بر اقدامات فرهنگی و محرومیت‌زدایی از منطقه تاکید دارد. حرکت فرهنگی سردار شوشتری بارقه امید را در دل جوانان اهل سنت زنده کرد و بسیاری از طوایف و بزرگان اهل سنت از این حرکت سردار استقبال کردند. برای ما جالب بود که سردار شوشتری همچون پدری دلسوز دست نوازش بر سر یتیمان می‌کشید و به نیازمندان و مستمندان دست یاری می‌رساند. سردار شوشتری با درایتی که داشت متوجه شده بود دشمن وحدت مردم شیعه و اهل سنت منطقه را هدف گرفته است و به همین خاطر او نیز تاکید اصلی بر تقویت وحدت و اخوت دینی داشت. صداقت سردار شوشتری در رفتارها و برخوردهایش با مردم منطقه خیلی زود نتیجه داد و همانطور که او عشق مردم محروم را در دلش جای داده بود مردم منطقه هم عاشق رفتارهای وحدت آفرین او شدند.

تعامل و برخورد شهید شوشتری با رزمندگان به چه شکل بود؟

شهید شوشتری انسانی باصلابت و اقتدار و دارای یک ژست نظامی از زمان جنگ تا شهادت بود که در روحیه گروه‌ها بسیار تاثیر می‌گذاشت و در عین این صلابت بسیار انسان خاکی و افتاده‌ای بود و برخوردهای صمیمانه و دوستانه‌ای با نیروهای پاسدار و بسیجی داشت.

خاطره‌ای ماندگار از سردار شوشتری

روز حادثه تلخ شهادت سردار شوشتری، زمانی که قرار بود برویم برای آغاز مراسم، بنا بر بازدید سردار شوشتری از نمایشگاه بیرون محوطه نبود اما زمانی که این شهید بزرگوار دید مردم با چه شوقی صنایع دستی را با همت خود درست کرده‌اند،به بازدید تک تک غرفه‌ها رفت و مانند یک پدر با مردم رفتار کرد و در صحنه‌ای که لحظاتی قبل از انفجار بود پیرمردی مشغول بافتن دمپایی حصیری بود که سردار با دیدن این صحنه به سمت او رفت و با گفتن «بارک‌الله». کنار او نشست و لحظاتی مشغول صحبت شد و این صحنه و این نگاه مسئولانه سردار شوشتری را هیچگاه از یاد نمی‌برم.

به نظر شما چگونه باید راه این شهیدان را ادامه داد و برای جلوگیری از عملی شدن برنامه دشمنان باید چه اقدامی انجام بگیرد؟

دشمن، دشمن قسم خورده است و از هیچ کوششی برای به نفع خود کردن انقلاب اسلامی دست برنمی‌دارد و برای تک‌تک نیروهای با ارزش جمهوری اسلامی ایران برنامه‌ریزی کرده است و سردار شوشتری نخستین و آخرین شهید نیست اما نقطه عطف انقلاب اسلامی ایران این است که درختان نظام با خون شهدا آبیاری و روز به روز تنومندتر و ورزیده‌تر می‌شود و بر انگیزه مردم، بسیجیان و جوانان این مرز و بوم برای پاسداری از ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران هر روز افزوده‌تر می‌شود. برای بسیجیان راه مشخص شده است و همگی در یک مسیر حرکت می‌کنند تا به یک نتیجه واحد برسند اما زمانی که ارکان بسیج را تعریف می‌کنیم باید ایمان و دیانت را در راس امور قرار داد و پس از آن رهبری و ولایت به عنوان شاخص‌های برتر و جهاد و شهادت به عنوان شاخص‌های پایانی سرلوحه اقداماتمان باشد. ایمان، ولایت و عبادت سه رکن اساسی یک فرد بسیجی است.

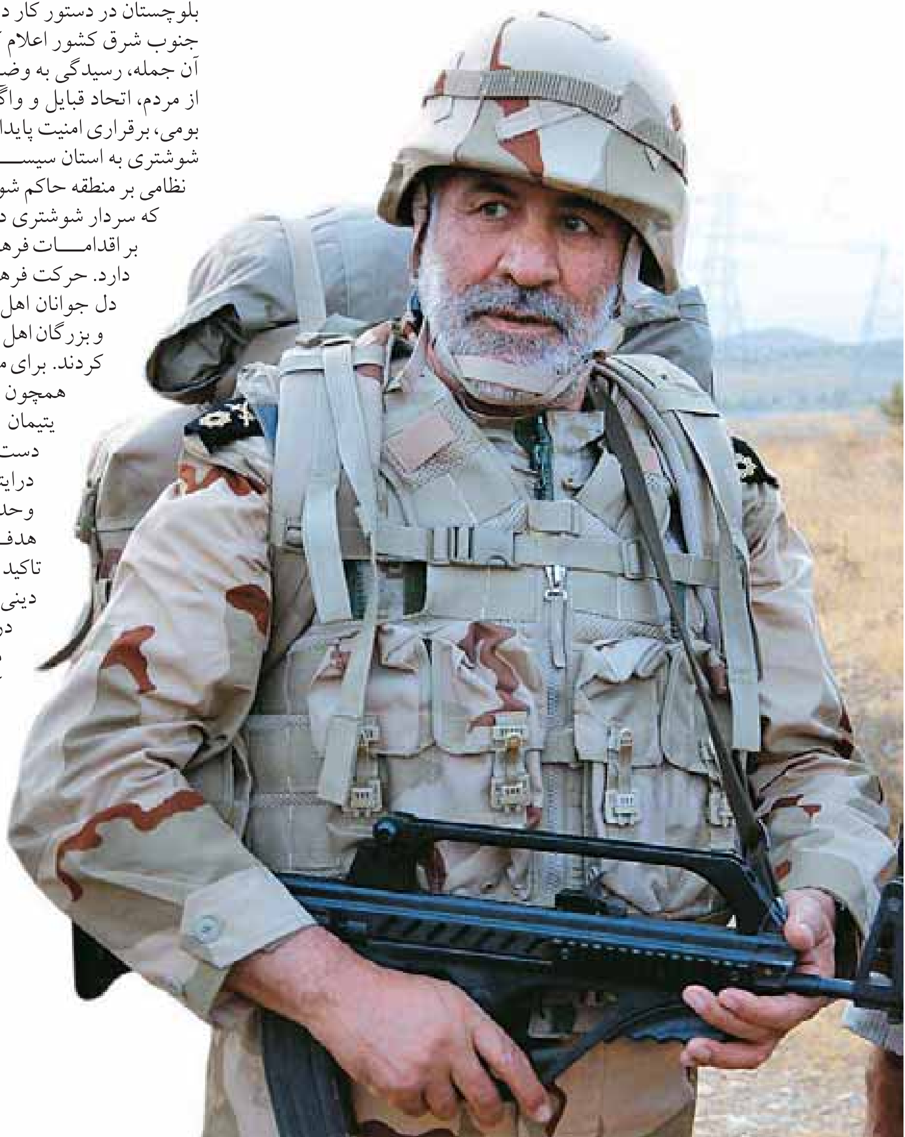
به نظر شما حاصل خون شهیدان چه ارمغانی برای نظام جمهوری اسلامی ایران دارد؟

شهید به خون ارزش می‌دهد و او با ارزش‌ترین کار را با خون خود انجام می‌دهد. همه قشرهای جامعه فعالیت‌هایشان در پرتو امنیت انجام می‌گیرد و خون شهید کار زیربنایی در جامعه اسلامی انجام می‌دهد. خون شهید ارزش‌ها را در کالبد جامعه تزریق می‌کند، همه افتخار و سربلندی کشور به برکت خون شهیدان است که باید همه قدردان آن باشیم. مردم به پای انقلاب هرچه که خواسته‌اند، داده‌اند و از هیچ چیزی دریغ نکردند.

سردار شوشتری از زبان محسن رضایی

نورعلی شوشتری، انسانی وارسته و عاشق مردم بود که در آخرین سال‌های عمر با برکتش و با وجود سن و سال بالا پروانه‌وار، همچون پدری مهربان گرد مردم محروم جنوب شرق کشور می‌گشت تا بتواند گرهی از مشکلات آنان بگشاید. . . .

محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام که در ایام جنگ تحمیلی، فرماندهی کل سپاه پاسداران را به عهده داشت از جمله افرادی است که ارتباط کاری و عاطفی با شهید شوشتری داشته است. بخشی از رشادت‌های شهید شوشتری را از زبان محسن رضایی مرور می‌کنیم. محسن رضایی می‌گوید: معمولاً حوادث بزرگ، معلول انسان‌های بزرگ است، ولی خود حوادث بزرگ نیز در درون خود، انسان‌های بزرگ را بار می‌آورد و به سوی خویش فرا می‌خواند. شهید شوشتری، انسان بزرگی بود که بر اثر بزرگی و عظمت انقلاب، پیدا و کشف شد و می‌توان گفت، انقلاب، شهید شوشتری را کشف کرد و به همین دلیل بود که از روزهای اول انقلاب و در حوادث پس از پیروزی انقلاب، ایشان یک رزمنده عاشق و فدایی بود که در خط اول انقلاب حاضر می‌شد. در رخدادهای کردستان (سال‌های ۵۸ و ۵۹) و در غائله گنبد کاووس در سال‌های (۵۸ و ۵۹) ایشان رزمنده‌ای بود که کیلومترها از خانه خود مهاجرت کرد و در خط مقدم انقلاب حاضر شد و از انقلاب و تمامیت ارضی کشورش دفاع کرد و در حقیقت اوج بزرگی آقای شوشتری، در دفاع مقدس پیدا شد. جنگ که آغاز شد، بسیاری از مردم پنج استان کشورمان، خانه و کاشانه‌هایشان را ترک کردند، ولی با ترک این جمعیت بزرگ از ملت ما، یک جمعیت دیگری می‌آمد جایگزین آنها می‌شد که از شهرهایشان دفاع کند. در اهواز روزهای اول جنگ که بسیاری از مردم و دانش‌آموزان، از خانه‌ها و مدرسه‌هایشان رفته بودند، مدارس اهواز محل تجمع رزمندگانی بود که از دیگر استان‌ها از جمله خراسان می‌آمدند تا بلکه بتوانند اشغالگران را از ایران بیرون و آتش‌ها را از خانه‌ها و کاشانه‌های مردم دور کنند. شهید شوشتری را در این شرایط یافتم که با بچه‌های خراسان، در







*** شهید شوشتری در بخشی از وصیتنامه‌اش: دیروز دنبال گمنامی بودیم و امروز مواظبیم نامان گم نشود. جبهه بوی ایمان می‌داد و اینجا ایمانمان بو می‌دهد. آنجا روی در اتاقمان می‌نوشتیم «یا حسین(ع) فرماندهی از آن توست»؛ الان می‌نویسیم «بدون هماهنگی وارد نشوید». الهی نصیرمان باش تا بصیر شویم**

*** سرهنگ «جاسم» پسرخاله صدام در جنگ سرنیزه و تن به تن با شهید شوشتری، به هلاکت رسید و با کشته شدن وی و آزادی یک تپه؛ عملیات مهران با موفقیت به پایان رسید**

یکی از مدارس شهر اهواز ساکن شدند. من که تا آن موقع هنوز فرمانده سپاه نشده بودم، از شورای فرماندهی سپاه رفته بودم جنوب و روزهای اول جنگ وقتی که رزمندگان خراسان که در چند مدرسه مستقر شده بودند دیدم. در بین آنها، فرد شاخصی که قوی‌هیکل بود و با یک چهره پرصلابت خودش را نشان می‌داد، وجود داشت. این شخص، شهید شوشتری بود که با او آشنا شدم. شهید شوشتری به پایگاه منتظران شهادت که پیشتر باشگاه گلف آمریکایی‌های پیش از انقلاب بود و در زمان جنگ تبدیل به پایگاه منتظران شهادت شده بود و محل تجهیزات و تدارک و فرماندهی هم آنجا قرار داشت مراجعه کرد و با ایشان آشنا شدم و ارتباط ما ادامه پیدا کرد. در عملیات طریق القدس که در آن زمان، چندماهی می‌شد که فرمانده سپاه شده بودم ایشان به عنوان فرمانده گردان از تیپ ۲۵ کربلا، ظاهر شد. ایشان کارش با موفقیت همراه بود و در آن جنگ سخت، عبور عراقی‌ها را از پل سابله که می‌خواستند بیایند و عبور کنند و شهر آزاد شده را از دست ما پس بگیرند ناممکن کرد. نیروهای ما، شهر بستان را آزاد کرده بودند؛ عراقی‌ها هم می‌خواستند ما را دور بزنند و عقبه نیروهای ما را ببندند، در این هنگام، نبرد بسیار سنگینی روی پل سابله انجام گرفت و نقش شهید شوشتری در آن شب، بسیار مهم بود.

در آذر ۱۳۶۰، آقای شوشتری جزو آن رزمندگانی بود که در آن ساعات بسیار حساس و خطرناک، نیروهای عراقی را عقب زدند و جنگ تن به تن شدیدی بین رزمندگان ما و ارتش عراق روی همین پل انجام گرفت. نیروهای عراقی قصد داشتند پل را به تصرف خود درآورند و از روی پل عبور کنند و ما مصمم بودیم پل را حفظ کنیم تا فتوحاتی را که در عملیات طریق‌القدس به دست آورده بودیم، از دست ندهیم.

بخشی از خاکمان را آزاد کرده بودیم، تعداد بسیاری روستا و شهرستان بستان آزاد شده بود و این پل، پل سرنوشت این عملیات بود. شهید شوشتری، آن شب نبرد سنگینی داشتند. وی همین نقش را در عملیات‌های «فتح‌المبین» و «بیت‌المقدس» نیز داشت تا این که در عملیات والفجر مقدماتی، من، آقای مرتضی قربانی را که از اصفهان آمده بود خواستم و گفتم که در استان خراسان، فرماندهان و رزمندگان زیادی هستند، شما را مسئول می‌کنیم که بروید و یک لشکر عظیمی از استان خراسان درست بکنید، این استان شایستگی تشکیل یک لشکر را دارد.

در همان ارتفاعاتی که پیشتر عملیات والفجر مقدماتی بود، آقای غزالی که آن موقع فرمانده سپاه خراسان بود، مسئولان استان را صدا کردم و آقای قربانی را به آنها معرفی کردم. آقای مرتضی قربانی، چهار، پنج نفر را پیش من آورد که آنها را می‌شناختم. گفتم که می‌خواهم هسته لشکر را از آن آقایان تشکیل بدهم. آقای شوشتری یکی از آنها بود. آقایان قالیباف و قاآنی تیمی بود که ایشان انتخاب کرد و لشکر ۵ نصر را با کمک آنها درست کردیم که در عملیات والفجر ۱ و ۲ و ۳ شرکت کردند. آقای شوشتری به عنوان فرمانده تیپ موسی‌بن‌جعفر پیشنهاد شد و من حکم ایشان را صادر کردم و از فرماندهی گردان، به فرماندهی تیپ رسیدند.

هلاکت پسر خاله صدام

در عملیات والفجر ۳ که در مهران انجام شد جنگ بسیار سختی برای آزادسازی مهران انجام گرفت. دشمن برای نگهداری یک تپه، مقاومت بسیاری از خود نشان می‌داد و سرهنگی به نام جاسم (پسر خاله صدام) از نیروهای عراقی تلاش فراوانی برای حفظ این تپه از خود نشان می‌داد و مدتها بود که وقت نیروهای ما گرفته شده بود.

ما حملاتی را برای به دست آوردن این تپه آغاز کردیم، اما آنها مقاومت سختی نشان می‌دادند. شهید شوشتری، با یک دسته، خودش را بالای تپه رساند و وارد سنگر دشمن شد اما متوجه شد که مهماتش تمام شده است. در این هنگام، جنگ سرنیزه و تن به تن آقای شوشتری با سرهنگ جاسم انجام گرفت و با کشته شدن سرهنگ جاسم، این تپه هم آزاد شد و عملیات مهران، با موفقیت به پایان رسید.

در عملیات خیبر، ایشان رشد بیشتری یافتند؛ به این معنی که آقای شوشتری، فرمانده تیپ بودند، اما در آن زمان، جانشین لشکر نیز شدند. سال به سال به دلیل قابلیت‌ها، استعدادها و توانایی‌هایی که داشت، از رده پایین یعنی از رزمندگی مدارج را به دست می‌آورد و روند رو به رشدش، به سرعت در حال پیشرفت بود. در سال‌های ۶۶ و ۶۷ که ایشان را فرمانده قرارگاه گذاشتیم، به نتیجه رسیده بودیم که اگر عملیات در جنوب قفل شود و نتوانیم کاری بکنیم، باید در شمال غرب وارد عمل شویم اما به خاطر اهمیت جنوب، نمی‌توانستیم قرارگاه‌های پرنام و نشان و موجود را به سمت شمال غرب ببریم. به آنها در جنوب مأموریت دادیم و یک قرارگاه جدید ساختیم که از نظر مدیریت و فرماندهی، با آن قرارگاه‌های قدیمی، برابری کند.

وقتی مروری بر فرماندهان کردم، به این نتیجه رسیدم که آقای شوشتری، برای قرارگاه جدید مناسب است، وی را برگزیدیم و به شهر بانه بردیم. به کمک وی، قرارگاه شهید داودآبادی را ایجاد کردیم و عملیات‌هایی که در شمال غرب از ماموت گرفته تا والفجر ۱۰ اجرا شد، عملاً با فرماندهی آقای شوشتری بود. وی توانسته بود در یک رده بالاتر از گذشته، یک امکان و ظرفیت جدید فرماندهی و مدیریتی برای سپاه ایجاد کند و در حقیقت، کمک مؤثری برای رزمندگان ما شد. پس از پایان جنگ نیز وی به دلیل همان قابلیت‌ها، به رشد چشمگیری دست یافت و توانست به جانشینی نیروی زمینی سپاه منصوب شود. پیش از آن، فرماندهی قرارگاه حمزه در شمال غرب کشور را عهده‌دار و در ایجاد آرامش در آن منطقه، بسیار مؤثر بود. این فرمانده لایق، پس از آنکه شهید احمد کاظمی او را به جانشینی خود در نیروی زمینی سپاه انتخاب کرد، تلاش‌های بسیار خوبی انجام داد.

پس از شهادت کاظمی، وقتی قرار شد شهید شوشتری به جنوب شرق برود و در استان سیستان و بلوچستان، امنیت پایدار را پدید آورد با وجود آن‌که سال‌ها بود حضور مستمری در کنار خانواده نداشت و فرزند وی، بزرگ و مستقل شده بود و نیز با وجود سن بالا، پذیرفتن چنین مأموریتی کار سختی به نظر می‌آمد درنگی کرد و سپس پذیرفت. بعدها وقتی از ایشان پرسیده بودند که تأمل شما برای چه بود، گفته بود: من به ذهنم آمد با این همه نیازی که خانواده‌ام به من دارند، باید چه کنم؟ آن لحظه چهره امام(ره) جلوی صورتم آمد و من دریافتم که باید این کار را قبول کنم... و به جنوب شرق بروم.... به هر روی، ایشان برادری فداکار و انسانی متواضع بود. از آنجا که هر یک از فرماندهان ما، یک خصلت اخلاقی مخصوص به خود داشتند، تواضع شهید شوشتری، ایشان را بسیار برجسته کرده بود. سن ایشان بالا بود و گاه فرماندهان شهید شوشتری، از خودش جوانتر بودند اما هیچ گاه به رویش نمی‌آورد که سنش از بقیه بالاتر است و نباید حرف کسی را گوش کند. به حرف فرماندهانش احترام می‌گذاشت و از مشورت آنها استفاده می‌کرد و هیچ گاه سن خود را به رخ کسی نمی‌کشید. شهید شوشتری بسیار خونسرد و آرام بود. در عین حال، بسیار زیرک و باهوش بود و می‌دانست که چه می‌کند و از ترفندهای مقابلش معمولاً آگاه بود. آرامش و خونسردی، از مهمترین ویژگی‌هایی است که یک فرمانده در حوادث سخت جنگ، باید داشته باشد تا از سختی‌ها گذر کند. اگر فرمانده بلرزد، همه نیروهای تابع او، دچار دلسردی و ناامیدی خواهند شد.

از دیگر ویژگی‌های وی، صبر فوق‌العاده‌ای بود که داشت. او فرد بسیار صبوری بود به عبارتی، صبر در برابر او، زانو می‌زد! گاه در این سال‌های آخر، با من درد دل می‌کرد البته بعضاً اگر من می‌پرسیدم، سفره دلش را باز می‌کرد بعد متوجه می‌شدم که وی، چه تحمل بالایی دارد. شاید او بسیاری از دغدغه‌های خودش در چاه دل خویش می‌ریخت و هیچ کس جز خود و خدای او، از این امور آگاهی نداشت.

از سوی دیگر، شهید شوشتری بسیار شجاع و عملیاتی بود؛ در درگیری با سرهنگ جاسم، نه تسلیم می‌شد و نه اجازه می‌داد که سربازها و اطرافیانش، تسلیم شوند. وقتی دید که هیچ راهی وجود ندارد، تصمیم گرفت خودش به سنگر برود و مقاومت جاسم را در هم بشکند. این امر، حاکی از شجاعت و فداکاری اوست. اواخر نیز فوق‌العاده به معنویت روی آورده بود؛ وقتی به مشهد مقدس می‌رفت تا در کنار خانواده‌اش باشد، چون از خادمین امام رضا(ع) بود، بخشی از وقت کوتاه خود را صرف خادمی آن بارگاه ملکوتی می‌کرد. از آنجا که اگر کسی همواره دور از خانواده باشد، در صورت رسیدن به خانواده، می‌کوشد که بیشتر در خدمت آنها باشد تا این که به کشیک حرم برود، اما او به کشیک کامل حرم ثامن‌الحجج می‌رفت و با انجام عبادت خود در آن بارگاه، لذت و از حالات معنوی، کمال بهره را می‌برد. البته این اواخر، کاملا این معنویت در چهره او مشخص بود و موج می‌زد.

سرانجام شهید شوشتری، خود را به قافله شهدا رساند و به کاروان آنها پیوست. شکرگزاریم که امروز شهید شوشتری در نزد پروردگار متعال و در جمع برادران شهید خود است. خوشا به حال آنها و افسوس به حال ما که مانده‌ایم و راه پرسنگلاخ و پرمشقت دنیوی را پیش روی داریم. امیدوارم که ملت ایران و جوانان عزیز، این راه را نگه دارند. حقیقتاً برای این انقلاب و کشور، زحمات بسیاری به دست انسان‌های بزرگ کشیده شده است و باید همه این فداکاری‌ها را ادامه دهیم و خسته نشویم. باید قدر گذشته‌ها را بدانیم و خدای ناکرده، ناسپاسی نکنیم.

پی نوشت:

۱ـ بخشی از وصیتنامه شهید شوشتری



سخنگوی نیروی هوایی ارتش در گفتگو با اطلاعات:

نیروی هوایی سیمرغ شاهنامه دفاع مقدس

اشاره: اهل دزفول است و آشنایی کاملی با مناطق جنگی دفاع مقدس در جبهه جنوب کشور دارد. از سال ۱۳۵۴ لباس مقدس نیروی هوایی را به تن کرده و پس از گذراندن دوره خلبانی در آمریکا، دفاع از آسمان کشور را در کنار دیگر همکارانش آغاز کرده است.

امیر سرتیپ خلبان حسین چیت‌فروش به لحاظ اعتقاد قلبی‌اش به اسلام، در طول آموزش خلبانی در آمریکا،انجمن اسلامی نیروی هوایی ایران را در آمریکا بنیان گذاشت و در کنار فراگیری علوم و فنون خلبانی، از تبلیغ اسلام در غربت هم غافل نشد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی، حفاظت از آسمان ایران و دفاع از کشور را در کنار همرزمانش آغاز و تا پایان جنگ در عملیات‌های مختلف هوایی شرکت کرد.

مشاور هوایی فرمانده کل ارتش، وابسته نظامی نیروهای مسلح در کشور چین، فرمانده مجتمع اوج نهاجا، رئیس دفتر مطالعات راهبردی نهاجا از عمده مسئولیت‌های قبلی این پیشکسوت و رزمنده دفاع مقدس طی سال‌های گذشته بوده است که ساخت نمایشگاه تخصصی نیروی هوایی و ساخت هواپیمای جنگنده ایران با عنوان صاعقه، دو ثمره بزرگ فعالیت وی در مسئولیت‌های یادشده است.

علاقه خاص و ویژه‌ای به تاریخ سرزمینمان دارد و معتقد است فقط با عبرت‌آموزی از تاریخ می‌توان موفق بود و زمینه پیشرفت کشور را هم فراهم کرد. "شخصی که دیروز خود را نشناسد، به طور حتم امروز را هم نمی‌تواند درک کند". این اعتقاد امیر چیت‌فروش، یک انگیزه قوی را برای وی ایجاد کرد تا در سال ۸۸ با راه‌اندازی موزه نهاجا، در صدد معرفی گوشه‌ای از دلاورمردی‌های خلبانان در هشت سال دفاع مقدس برآید، موزه‌ای که از ماکت هواپیماهای مختلف نهاجا و چندین بنر مربوط به عملیات‌های مختلف دفاع مقدس و خاص نیروی هوایی تشکیل شده است.

نمایش سردیس خلبانان شاخص نهاجا، از ویژگی‌های دیگر این موزه است، موزه‌ای که به نظر می‌رسد می‌بایست در آن را به روی عموم باز کرد تا مردم کشورمان بتوانند با گوشه‌ای از فعالیت‌های نهاجا در دفاع مقدس هم آشنا شوند.فرا رسیدن هفته دفاع مقدس، فرصت مناسبی است تا با این پیشکسوت جنگ، به گفتگو بنشینیم. وی در این مصاحبه که در این موزه انجام شد، با صبر و حوصله مثال‌زدنی، به تشریح عملیات‌های مهم جنگ و نیروی هوایی می‌پردازد.

وی قبل از آغاز بیان موضوعات مربوط به عملیات‌های مختلف، تأکید می‌کند پیروزی در دفاع مقدس را همه ملت ایران اعم از طبقات، اقوام و سازمان‌های مختلف خلق کردند و من خلبان نمی‌توانم بگویم به دلیل این که توانستم بمب را روی سر دشمن بریزم، پس نقش من در جنگ بیشتر بوده است، بلکه در جریان دفاع مقدس هر شخص، نقش خودش را ایفا کرد. این گونه نیست که بگویم چون من در نیروی هوایی بودم، پس سهم بیشتری در جنگ داشتم یا این که سهم بیشتری بخواهم.

امیر چیت‌فروش با تأکید بر این که متأسفانه جایگاه نیروی هوایی به شایستگی در حد و حق خودش در دفاع مقدس ترسیم نشده است، می‌افزاید: نیروی هوایی مانند یک چتر زیر باران عمل می‌کند، اگر دشمن نتوانست در عملیات‌های مختلف گلوله‌ای از آسمان به طرف رزمندگان شلیک کند، یعنی چتر نیروی هوایی باز بوده است.

وی همچنین به عملیات رهگیری هواپیمای حامل «عبدالمالک ریگی» در آسمان کشورمان توسط نیروی هوایی ارتش و نشاندن آن در خاک ایران اشاره می‌کند و یادآور می‌شود: نهاجا چه در زمان دفاع مقدس و چه پس از آن توانسته است به خوبی به وظایف خود عمل کند.امیر چیت‌فروش که اکنون مسئولیت سخنگویی نیروی هوایی ارتش را بر عهده دارد، تأکید می‌کند: نیروی هوایی در ۳۱ شهریور ۵۹ و ساعاتی پس از حمله جنگنده‌های عراق به کشورمان، نخستین نیرویی بود که وارد عمل شد و نخستین پاسخ را به دشمن داد و حتی تا چند هفته نیروهای دشمن را در مناطق عملیاتی جنوب معطل و از پیشروی آنها جلوگیری کرد تا نیروهای مردمی از راه برسند. در کل دفاع مقدس و به طور شبانه‌روز آماده بود و پرواز می‌کرد و به دفاع می‌پرداخت ولی هرگز به دنبال بلندگو و تریبون نبوده است.

وی نحوه شهید شدن خلبانان را هم منحصر به فرد می‌داند و با بیان این که ۶۴ خلبان نهاجا در دفاع مقدس در آسمان شهید شدند و از پیکر مطهر آنها هیچ چیز باقی نماند، یادآور می‌شود: اگر کل جنگ را شاهنامه بدانیم، نیروی هوایی رستم این شاهنامه است.

این خلبان پیشکسوت بار دیگر بر لزوم آشنایی با تاریخ به ویژه دوران دفاع مقدس توسط نسل‌های جدید تأکید می‌کند و با قرائت شعر ذیل، سخنانش در این بخش را به پایان می‌رساند:

آنکه ناموخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار

۴ عملیات شاخص

امیر چیت‌فروش در جریان این مصاحبه از چهار عملیات ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس به عنوان چهار عملیات شاخص دفاع مقدس در یک سال نخست جنگ تحمیلی یاد می‌کند و می‌گوید: نیروی هوایی در این چهار عملیات با نقش‌آفرینی منحصر به فردی، توانست رزمندگان را در رسیدن به پیروزی یاری دهد.

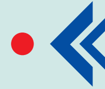
جنگ تانک‌ها

وی از نیروی هوایی به عنوان نخستین نیرویی یاد می‌کند که توانست در یک ماه آغاز جنگ تحمیلی، دشمن را در مواضعش تثبیت کند و جلوی پیشرفت آنها را بگیرد.

چیت‌فروش در این باره می‌گوید: صدام قبل از آغاز جنگ و در جریان یک مصاحبه تلویزیونی اعلام کرد: «ما در حال رفتن به یک تفریح نظامی هستیم که طی این تفریح و در روز نخست آن، خرمشهر را فتح می‌کنیم و پس از سه روز خوزستان را به اشغال خود در می‌آوریم و یک هفته بعد در تهران ادامه این مصاحبه را انجام خواهم داد».

وی افزود: به طور حتم صدام جنایتکار بدون برنامه‌ریزی





* امیر چیت‌فـــروش: خلبانان وقتی با یورش تانک‌هـــای عراقی مواجه شــدند، بـــا پروازهای پی‌درپی، انهدام تانک‌ها را هنگام پیشروی‌شان، در دســـتور کار خود قرار دادند و عراقی‌ها را در همان روزهای نخست پشیمان کردند

این سخنان را نگفته بود و پشت صحبت‌های او، برنامه‌ریزی وجود داشت اما وی هیچ‌گونه آشنایی با ملت ایران نداشـــت و نمی‌دانست مردم کشورمان برای دفاع از ایران تا آخرین قطره خونشان به دفاع خواهند پرداخت. ســـخنگوی نیروی هوایی یادآور می‌شود: پس از این که نیروهای عراقی در روزهای نخســـتین جنگ با خیال باطل اشغال خوزستان، به طرف کشورمان لشکرکشی کردند، خلبانان پایگاه شکاری دزفول هم‌قسم و همپیمان شدند تا مقابل یورش وحشیانه بعثی‌ها تا رسیدن نیروهای دیگر ایستادگی کنند.

در آن زمان دســـتور تخلیه این پایگاه هوایی صادر شده بود ولی ۱۰۸ خلبان شجاع مستقر در پایگاه با عهدی که با خدای خود بســـته بودند، دســـت به کار و به طور خودجوش وارد عملیات گسترده‌ای شدند.

وی می‌گوید: خلبانان وقتی با یورش تانک‌های عراقی مواجه شـــدند، با پروازهای پی در پی، انهدام تانک‌ها را هنگام پیشروی‌شـــان، در دستور کار خود قرار دادند و به این ترتیب هواپیماهای جنگنده «اف‌ـ۵» به آرپی‌جی تبدیل شدند و عراقی‌ها را در همان روزهای نخست پشیمان کردند.

رفته رفته از پایگاه‌های دیگر از جمله همدان و تبریز هم به یاری خلبانان مســـتقر در دزفول شتافتند تا به این ترتیب نیروهای مردم آماده شوند و به فریاد جنگ و دفاع برسند.

چیت‌فروش می‌افزاید: جنگ تانک‌ها تا حدود ۴۰ روز به طول انجامید و خلبانان روزانه چندین فروند تانک را منهدم می‌کردند که البته بیان این جملات کار ساده‌ای است ولی در عمل، از پیچیدگی خاص برخوردار است، همان طور که تاکنون ده‌ها کتاب درباره جنگ تانک‌ها چاپ شده است.

حضور در عملیات مروارید

وی در ادامه به اقدامات جنگنده‌های نهاجا در عملیات مروارید در هفتم آذر اشـــاره می‌کند و یادآور می‌شود: خلبانان تیزپرواز نیروی هوایی در این عملیات هم با نمایش توانمندی‌های خاص خود و در کنار نیروی دریایی ارتش، دشمن را وادار به شکست سنگین کردند.

چیت‌فروش تأکید می‌کند: در این نوع از عملیات، وجود خلبانان حرفه‌ای و خاص، بسیار حائز اهمیت اســـت که در جریان عملیات مروارید شهدایی همچون دوران و خلعتبری با مهارت بسیار توانســـتند موشک‌های ضد کشتی را به طرف اهداف مورد نظر شلیک و دشمن را پشیمان کنند و به این ترتیب ارتش ایران توانست نیروی دریایی عراق را با شکست سنگینی روبرو کند.

آزادسازی خرمشهر

بیت‌المقدس، عنوان عملیات دیگری است که این خلبان و رزمنده پیشکسوت به تشریح نقش نیروی هوایی در آن می‌پردازد.

وی در این باره می‌گوید: نیروی دریایی از ۴۰ روز قبل از عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر، فعالیت‌های تخصصی خود را برای شکســـت دشمن و موفقیت رزمندگان کشورمان آغاز کرده بود و در مجموع ۲۲ عملیات تاکتیکی قبل از ســـوم خرداد انجام داد.چیت فروش در این باره توضیح می‌دهد: قبل از اجرای هر گونه عملیاتی، نیروی هوایی می‌بایست با پرواز در منطقه از مواضع دشمن عکس‌های تخصصی تهیه کند که اجرای عکسبرداری، نیازمند اجرای یک عملیات است، زیرا قبل از ورود هواپیما به منطقه، باید پدافند هوایی دشمن را فریب دهی و به طور برق‌آسا و با بهره‌گیری از تاکتیک‌های مختلف، عکس‌های موردنظر را تهیه کنی و بلافاصله به پایگاه برگردی که اجرای این پروسه نیازمند طرح و نقشه قبلی و دقیقی است که خلبانان کشورمان توانستند در تمامی عملیات‌ها، آن را به نحو خوبی اجرا کنند.

وی یادآور می‌شود: نیروی هوایی پس از این که از چیدمان مواضع دشمن از قبیل توپ، تانک و سنگرها عکسبرداری می‌کند، فعالیت دیگرش را با انهدام مراکز حساس آغاز می‌کند تا ارتباط دشمن در منطقه را با عقب قطع کند که تمامی این فعالیت‌ها قبل از اجرای عملیات کلی انجام می‌شود.

چیت فروش به انهدام پل ارتباطی روی رودخانه اروند رود در جریان عملیات آزادســـازی خرمشـــهر اشاره می‌کند و می‌افزاید: خلبانان نهاجا در این عملیات توانستند با مهارت خاصی، این پل را منهدم کنند و به این ترتیب راه ارتباطی دشـــمن با عقب قطع شد و شمار زیادی عراقی هم در منطقه اسیر شدند.

ســـخنگوی نیروی هوایی ارتش در ادامه این مصاحبه نگاهی به عکس شهدای نیروی هوایی در جریان عملیات ۱۴۰ فروندی و عملیات‌های دیگر که در نمایشـــگاه تخصصی نهاجا خودنمایی می‌کند، می‌اندازد و می‌گوید: صدام در آن زمان در جریان ملاقاتی با شاه اردن به وی گفته بود که من اینگونه روی نیروی هوایی ایران حساب نکرده بودم و در محاسباتم دچار اشتباه شدم.

وی می‌گوید: نیروی هوایی در جریان دفاع مقدس بیش از ۱۶۱۴ شهید را تقدیم انقلاب کرد و این عزیزان در شرایط منحصر به فردی و در هوا، به سوی معبود شتافتند.

چیت فروش در ادامه درباره عملیات ۱۴۰ فرونـــدی می‌گوید: در این عملیات، ۱۴۰ فروند هواپیما ساعاتی پس از تجاوز هواپیماهای عراقی به پایگاه‌های هوایی کشورمان، به پرواز درآمدند و چندیـــن پایگاه هوایی عراق را مورد هدف قرار دادند و به این ترتیب به بعثی‌ها اعلام کردیم برای پاسخگویی به هر تهدیدی حاضریم.

وی همچنین به عملیات‌های مستمر و شبانه‌روزی هواپیماهای اف‌ـ۱۴در آسمان ایران اشاره می‌کنـــد و می‌گوید: این هواپیما با قابلیت ویژه‌اش، توانایی این را دارد که تا ۲۰۰ کیلومتر دورتر از مرزهای کشـــورمان را تحت نظر مستقیم خود قرار دهد و همه تحرکات هوایی دشمن را رصد کند و در حقیقت خلبانان با این هواپیما به پاســـداری از آسمان ایران می‌پرداختند که مأموریت پی در پی آنها و حضورشـــان در آسمان ایران در طول دفاع مقدس سبب شد عراقی‌ها کمتر جرأت کنند تا سمت ایران بیایند.

ســـخنگوی نیروی هوایی ارتش که پرواز با انواع هواپیماهای شناســـایی و جنگنده از جمله سی‌ـ۱۳۰، اف‌ـ و خفاش را در دوران دفاع مقدس را تجربه کرده است، یادآور می‌شود:

در عملیات فتح‌المبین و قبل از اجرای آن، نیروی هوایی عراق سعی کرد با پرواز برفراز منطقه، چیدمان نیروی‌های ما را به هم بریزد و در روند اجرای این عملیات، خلل ایجاد کند که نیروی هوایی کشـــورمان قبل از این‌کار وارد عمل شد و بالای سر آنها حضور یافت و به این ترتیب آنها نتوانستند کوچکترین مشـــکل در اجرای این عملیات ایجاد کنند. وی از این عملیات به عنوان، فتح‌الفتوح یاد و تأکید می‌کند: موفقیت رزمندگان در این عملیات غرورآفرین، سبب شد کمر ارتش عراق بشکند و ۵۴۰۰ کیلومتر از مناطق اشـــغالی هم آزاد شود.سخنگوی نیروی هوایی ارتش همچنین از چهار عملیـــات ثامن‌الائمه (مهر ۶۰) و حصر آبادان، طریق‌القدس (آذر ۶۰)، فتح‌المبین (اســـفند ۶۰) و بیت‌المقدس (خرداد ۶۱) به عنوان چهار عملیات مهم و شاخص یاد می‌کند که نیروی هوایی به‌طور مشترک با نیروهای دیگر در آنها حضور یافت و نقش بی‌بدیلی را ایفا کرد.

وی اشاره‌ای هم به عملیات بزرگ «اچ ـ۳» می‌کند، عملیاتی که خلبانان کشورمان با لیدری امیر براتپور توانســـتند با اجرای یک نقشه ویژه، دورترین پایگاه هوایی عراق در «الولید» را مورد هدف قرار دهند و ضربه سنگینی به نیروی هوایی ارتش عراق بزنند. به گفته سخنگوی نیروی هوایی نقشه و نحوه اجرای این عملیات اکنون در آکادمی‌های هوایی جهان تدریس می‌شود.

ایده تأثیرگذار شهید بابایی در جنگ

چیت فروش که هم‌دوره‌ای شهید بابایی و از نزدیک با وی آشنایی داشته است، در پاسخ به این سئوال که نیروی هوایی در جنگ تا چه میزان به تجهیزات وابسته بود، می‌گوید: نیروی هوایی در یک سال نخست جنگ به‌طور کامل برتری هوایی را در اختیار داشت ولی پس از این‌که کشورهای شرقی و غربی نیروی هوایی عراق را به انواع هواپیماهای پیشـــرفته جنگی تجهیز کردند، موضوع شکل دیگری به خود گرفت که در آن هنگام شهید بابایی با ایجاد قرارگاه رعد در امیدیه و خلق تاکتیک‌های نوین، کاری کرد که به رغم از دست رفتن برخی تجهیزات هوایی، به جایگاه قبلی‌مان باز گردیم.

به عنوان مثال اگر برای شناسایی منطقه‌ای در عراق به پرواز ۱۰ فروند هواپیما نیاز بود، این شهید بزرگوار با ارائه تاکتیکی توانســـت آن‌کار را با یک یا دو فروند هواپیما به نحو خوبی انجام دهد و در حقیقت یک نیروی هوایی جدیدی را در دل نیروی هوایی ایجاد کرد.خلبان و رزمنده پیشکســـوت دفاع‌مقدس همچنین از اعتقاد و انگیزه رزمندگان و رهبری امام راحل به عنوان رمز و عامل موفقیت خلبانان در جنگ یاد می‌کند و می‌افزاید: در آن زمان شاهد این موضوع بودیم که خلبانان پس از هر دیدار با امام خمینی(ره)، با یک انقلاب درونی به کارشان باز می‌گشتند که البته مهارت و آموزش بالا از مؤلفه‌های مهمی است که خلبانان کشورمان از آن برخوردار بوده و هستند.

وی اشاره‌ای هم به ســـابقه آموزش خلبانان کشورمان می‌کند و یادآور می‌شد: در طول تاریخ خلبانان کشـــورمان ابتدا توســـط روس‌ها آموزش دیدند و پس از آن آموزش‌ها توسط آلمانی‌ها، فرانســـوی‌ها و در آخر آمریکایی‌ها انجام شـــد که از زمان پیروزی انقلاب‌اسلامی تاکنون، تمامی خلبانان در کشـــورمان آموزش می‌بینند که مهارت‌های آنها بسیار بیشتر شده و در مجموع قوی‌تر هستند.چیت‌فروش در پایان درخواستی هم از مسئولان دارد. وی پیش از طرح این مسأله می‌گوید: اقتدار نظامی کشورها در گرو داشتن نیروی هوایی قدرتمند است، جنگ فقط موشک و پهپاد نیست، بنابراین مسئولان باید بیش از پیش به نیروی هوایی توجه کنند.

دریادار سیاری فرمانده نیروی دریایی ارتش در گفتگو با «اطلاعات» اعلام کرد

نیروی دریایی راهبردی در خدمت امنیت اقتصادی کشور

اشاره: هفته دفاع مقدس، یادآور دلاورمردی اقشار مختلف مردم کشورمان در طول ۸ سال جنگ تحمیلی است، در روز ۳۱ شهریور ۵۹، رژیم بعث عراق تجاوز به کشورمان را به طور رسمی آغاز کرد و با پشتوانه برخی کشورهای غربی، درصدد تصرف خاک کشورمان برآمد.

صدام به خیال این که کشورمان در آغاز راه انقلاب اسلامی، از پشتوانه قوی ارتش و مردم در زمینه جنگ برخوردار نیست، از هیچ تلاشی برای دستیابی به اهداف شومش فروگذار نکرد که نمونه بارز آن بمباران شیمیایی منطقه سردشت در سال‌های بعدی جنگ بود. این لکه ننگ به طور حتم از دامان عاملان آن و حمایت کنندگانش پاک نخواهد شد.

سالروز آغاز جنگ تحمیلی و هفته دفاع مقدس همچنین یادآور تلاش خستگی‌ناپذیر ارتش ایران است. ارتشی که توانست در ماه‌های اولیه جنگ به تنهایی مقابل تجاوز ناجوانمردانه بعثی‌ها ایستادگی کند و مانع ورود دشمنان به خاک کشورمان شود و اقدامات نیروهای زمینی، دریایی و هوایی ارتش در حالی یکی پس از دیگری به ثمر می‌نشست که هنوز سپاه پاسداران تشکیل نشده بود.

دریا یکی از عرصه‌هایی بود که رژیم صدام در آن زمان قصد داشت با ورود به آن و به خطر انداختن امنیت کشتی‌های ایران، اقتصاد کشور را فلج کند، ولی این خیال باطل و نقشه دشمنان در کمترین زمان ممکن توسط دریادلان نیروی دریایی ارتش نقش بر آب می‌شد و دشمنان به کوچکترین موفقیتی در این عرصه دست نیافتند.

چند سال پس از پایان جنگ، نیروی دریایی ارتش براساس تدابیر مقام معظم رهبری، ورود به دریاهای آزاد را در دستور کار قرار داد. ورودی که امروز نتایج آن بیش از گذشته آشکار شد و اقتدار کشورمان را در عرصه بین‌المللی حضور در دریاهای آزاد به اثبات رسانده است.

فرا رسیدن هفته دفاع مقدس بهانه‌ای شد تا در گفتگو با فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، پای صحبت‌های وی درباره دفاع مقدس، نتایج و پیامدهای حضور نیروی دریایی در دریاهای آزاد. آخرین دستاوردهای این نیرو در زمینه ساخت تجهیزات و تسلیحات بنشینیم.

امیر دریادار دکتر حبیب‌الله سیاری که حضور فعالی در جنگ تحمیلی داشته و از نیروهای گردان تکاوران نداجا بوده است، در این مصاحبه به نکاتی اشاره می‌کند که بیانگر احساس عمیق مقام عالی نداجا از دفاع مقدس است.

این گفتگو را می‌خوانیم:

اهداف کلان نداجا

سیاری در ابتدا، به اهداف کلان نیروی دریایی اشاره می‌کند و می‌گوید: نداجا دفاع از مرزهای آبی و منابع و منافع جمهوری اسلامی ایران در آب‌های سرزمینی، منطقه نظارت و فلات قاره و همچنین تامین خطوط مواصلاتی و حضور در دریاهای آزاد را دنبال می‌کند و تمامی موارد یاد شده جزو اهداف کلان این نیرو به شمار می‌آید و برای انجام این ماموریت‌ها در دریا، نیازمندهایی داریم که تلاش برای ساخت آنها از اهداف دیگر نداجا است.

فرمانده نیروی دریایی ارتش با تاکید بر این که نیروی دریایی یک نیروی تجهیزات محور است، می‌افزاید: اگر تجهیزات لازم را در اختیار نداشته باشیم، نخواهیم توانست در دریا حضور یابیم. از سوی دیگر حضور یک بعد قضیه است، روی دیگر آن در اختیار داشتن تجهیزات متناسب با محل انجام ماموریت است.

به عنوان مثال هنگام اعزام یک ناوشکن به دریای آزاد باید این موضوع را در نظر گرفت که امکانات و سطح توانمندی‌های آن ناوشکن متناسب با مسافت و مسائل مربوط به دریاها باشد و این ناوشکن بتواند در صورت وقوع هرگونه تهدید در سطح دریا، به دفاع و مقابله بپردازد و در حقیقت همواره ناوشکن‌های اعزامی به دریاهای آزاد باید آماده دفاع از خودشان باشند.

وی درباره سطح آمادگی نداجا برای اعزام ناوگروه به همه نقاط دریاهای آزاد، یادآور می‌شود: تجهیزات ساخت داخل توسط متخصصان بومی، این امکان را برایمان فراهم کرده است تا در نقاط مختلف دریاهای آزاد حضور پیدا کنیم و تدابیر لازم هم برای جایگزینی تجهیزات فعلی و ساخت شناورها و ناوشکن‌های جدید در آینده، اندیشیده شده است تا توان حضور در دریاهای آزاد و آمادگی دفاع در مقابل هرگونه تهدید علیه یگان شناور یا ناوهایمان را حفظ کنیم.

تسلیحات جدید نیروی دریایی

بیان جدیدترین تجهیزات و تسلیحات، موضوع دیگری است که از مقام عالی نداجا می‌خواهیم به تشریح آن بپردازد. سیاری دراین‌باره می‌گوید: تا قبل از پیروزی انقلاب، هیچگونه ساخت تجهیزات مورد نیاز نداجا در داخل کشور انجام نمی‌گرفت و حتی اگر ناوشکن به تعمیر اساسی نیاز داشت، باید آن را به خارج از کشور انتقال می‌دادند. بعد از انقلاب با مرور زمان و براساس نیازها و درس خودباوری که امام راحل به ما آموختند و در ادامه توسط مقام معظم رهبری پیگیری شد، ابتدا ساخت قطعه در دستور کار قرار گرفت و در ادامه به سمت ساخت و راه‌اندازی سامانه‌ها پیش رفتیم و سپس به علم تعمیرات اساسی دست یافتیم و نهایتاً امروز به مرحله ساخت ناوشکن، زیردریایی و موشک‌انداز رسیده‌ایم.

فرمانده نداجا در ادامه به ساخت ناو موشک انداز پیکان و ناوشکن جماران و الحاق آنها به این نیرو اشاره می‌کند و یادآور می‌شود: در سال ۷۱ به علم و صنعت زیردریایی دست پیدا کردیم و وارد مراحل ساخت آن شدیم و امروز با تلاش متخصصان داخلی به توانمندی ساخت زیردریایی دست یافته‌ایم.

سیاری از رونمایی از زیردریایی کلاس غدیر در آینده نزدیک خبر می‌دهد و درباره فاکتورهای توانمندی یک زیردریایی، می‌گوید: توانمندی میزان قوس و عمق ورود به زیرآب، سرعت. امکان شناسایی، سلاح‌های نصب شده و توان انجام نبرد دریایی، بزرگی و کوچکی و قابلیت‌ها و توانمندی‌ها در سطح آب و همچنین توانایی ماندن در زیر آب از جمله فاکتورهای توانمندی یک زیردریایی محسوب می‌شود که هرچه موضوع‌های یاد شده ارتقاء یابد، زیردریایی مورد نظر بهتر خواهد بود.

وی به تدبیر فرمانده معظم کل قوا مبنی بر این‌که هدف اصلی از ساخت تجهیزات دفاعی، صرفاً برای دفاع از خودمان است و قصد تجاوز به دیگران را نداریم، اشاره و تأکید کرد: حق هر ملتی است که برای دفاع، توانمندی تجهیزات را افزایش دهد.

نتایج حضور در دریاهای آزاد

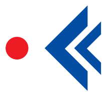
فرمانده نیروی دریایی ارتش در بخش دیگری از این گفتگو، به تشریح اهداف نداجا درباره اعزام ناوگروه‌ها به دریاهای آزاد می‌پردازد.

وی درباره آغاز فعالیت این ناوگروه‌ها برای اعزام به دریاهای آزاد می‌گوید: پس از این‌که مقام معظم رهبری فرمودند، «نیروی دریایی. یک نیروی راهبردی است». موضوع حضور در دریاهای آزاد در دستور کار قرار گرفت. براساس فرمایش ایشان، دریاهای آزاد، متعلق به همه ملت‌ها است و ایران اهل حضور در دریا است و اهل تجاوز و تعدی به دیگران نیست.

سیاری از حضور بیست و هفتمین ناوگروه ایران در بندر سودان در دریای سرخ خبر می‌دهد و یادآور می‌شوند: ما توانسته‌ایم در راستای تحقق بخشیدن تدابیر مقام معظم رهبری، در دریای سرخ، مدیترانه، اقیانوس هند جنوبی، خلیج بنگال، دریای چین و اقیانوس آرام و کانال سوئز حضور یابیم و پرچم کشورمان را در بین کشورهای دیگر به اهتزاز درآوریم.

وی به آثار و نتایج حضور ناوگروه‌ها در دریاهای آزاد اشاره می‌کند و می‌گوید: در حقیقت ایران





افزایش قدرت دفاعی، حق هر ملتی است

سالروز آغاز جنگ تحمیلی و هفته دفاع مقدس یادآور تلاش خستگی‌ناپذیر ارتش ایران است. ارتشی که توانست در ماه‌های اولیه جنگ به تنهایی مقابل تجاوز ناجوانمردانه بعثی‌ها ایستادگی کند

دریادار سیاری: در چند سال گذشته نیروی دریایی ایران توانسته است بیش از ۱۶۰۰ کشتی را همراهی و اسکورت کند و از منطقه عبور دهد و از سوی دیگر شاهد ۱۵۰ مورد حمله به کشتی‌های تجاری بودیم و نیروها توانستند دزدان را از منطقه دور کنند و سه مورد هم دستگیری داشتیم

با حضور در دریاهای آزاد، در یک عرصه بین‌المللی حضور می‌یابد، اگر ما در این عرصه حضور نداشته باشیم، در اصل مانند این است که نیستیم و جزو کشورهای دنیا محسوب نمی‌شویم که این موضوع برای کشورمان خوب نخواهد بود.

وی حضور در دریاهای آزاد را مانند حضور ایران در مسابقات بین‌المللی از جمله مسابقات جام جهانی فوتبال یا المپیک می‌داند و می‌گوید: با این حضور می‌توانیم موجودیت خود را در میان کشورهای دیگر ثابت کنیم.

سیاری تأکید می‌کند: سازمان ملل هم یک عرصه بین‌المللی است، وقتی همه کشورها در آن حضور دارند، ما هم باید حضور داشته باشیم و این موضوع غرور ملی را در پی دارد که این موضوع مانند حضور ایران در آب‌های آزاد که یک عرصه بین‌المللی به شمار می‌آید، است.

توسعه روابط با کشورهای همسایه

وی در ادامه از توسعه روابط با کشورهای دوست، همسایه و مسلمان به عنوان یکی از اهداف استراتژیک جمهوری اسلامی ایران یاد می‌کند و می‌گوید: ما در دریای خزر ۴ همسایه داریم و در خلیج‌فارس با کویت، عربستان، امارات، قطر، عمان و بحرین و در دریای عمان هم با پاکستان و عمان همسایه هستیم و ۳۶ کشور هم در حاشیه اقیانوس هند هستند که در منطقه پایین‌تر آبی واقع شده‌اند. در این شرایط جغرافیایی، با در اختیار داشتن یک نیروی راهبردی می‌توانیم با همه این کشورها رابطه داشته باشیم و رفت و آمد کنیم.

سیاری بار دیگر به پهلو گرفتن ناوگروه ایران در سودان اشاره می‌کند و می‌گوید: وقتی ناوگروه ایران به این منطقه اعزام می‌شود، قطعاً نیروهای آن پیاده می‌شوند و روابط دیپلماتیک برقرار می‌شود و از سویی دیگر انتقال فرهنگ و دانش انجام می‌گیرد. حضور در دریاهای آزاد، توسعه روابط دوستی و ارسال پیام صلح را به دنبال دارد.

فرمانده نداجا از تقویت روابط تجاری و اقتصادی و همچنین گردشگری به عنوان نتایج دیگر حضور در دریاها یاد می‌کند و می‌گوید: لازمه حضور در دریاهای آزاد، وجود امنیت است. اگر بخواهی از منابع زیردریا و انرژی‌های جدید و نو استفاده کنی و ضمن رابطه با کشورهای دنیا، از انزوا خارج شوی، لازمه آن داشتن امنیت ا ست.

مقابله با دزدان دریایی

وی به اقدام‌های ایران درچند سال گذشته درباره برخورد با دزدی دریایی اشاره می‌کند و یادآور می‌شود: در چند سال گذشته نیروی دریایی ایران توانسته است بیش از ۱۶۰۰ کشتی را همراهی و اسکورت کند و از منطقه عبور دهد و از سوی دیگر شاهد ۱۵۰ مورد حمله به کشتی‌های تجاری بودیم و نیروها توانستند دزدان را از منطقه دور کنند و سه مورد هم دستگیری داشتیم.

سیاری از کمک ایران به کشتی آمریکایی و عربستانی اشاره می‌کند و می‌افزاید: برای ارتقای جایگاه کشورمان، حتی به کشتی کشورهای دیگر برای مبارزه با حمله دزدان دریایی کمک کرده‌ایم و ایران جزو نخستین کشورهایی است که به درخواست سازمان کشتیرانی جهانی در منطقه ناامن دریایی حضور پیدا کرده است و تقدیرنامه هم دریافت کرده‌ایم.

وی تأکید می‌کند: نبود خبری از دزدان دریایی، از نابودی کامل آنها و حضور نداشتن آنها در منطقه خطر حکایت ندارد، بلکه حضور مقتدر نیروی دریایی ایران، سبب ناکامی آنها شده است.

فرمانده نداجا تأکید می‌کند: ۹۰ درصد صادرات و واردات کشور ما از طریق دریا انجام می‌گیرد، دزدان دریایی با حضور در خلیج عدن، به دنبال به خطر انداختن امنیت کشتی‌های تجاری ما بوده و هستند. آیا می‌توان برای برقراری امنیت در این منطقه نیروی پلیس اعزام کرد؟ چه نیرویی باید اعزام شود و امنیت را برقرار کند؟

وی سؤال خود را این گونه پاسخ می‌دهد که با در اختیار داشتن نیروی دریایی راهبردی باید امنیت را برای اقتصاد کشور برقرار کرد.

وی می‌گوید: شاید دزدی دریایی به جای عدن، در منطقه دیگری اتفاق بیفتد. به عنوان مثال پارسال کشتی کشورمان را در سواحل سومالی گرفتند و ما توانستیم آن را آزاد کنیم. حال اگر قدرت نداشتیم و آن را آزاد نمی‌کردیم. چه اتفاقی می‌افتاد؟

سیاری تأکید می‌کند: در این صورت به اقتصادمان لطمه وارد می‌شود. کشتی‌مان را می‌بردند. انسان‌هایی از بین می‌رفتند و جایگاه کشورمان هم لطمه می‌دید.

وی در ادامه از تجهیزات همه شناورهای بزرگ نداجا به پهپاد خبر می‌دهد و می‌گوید: تمامی شناورهای بزرگ نداجا به پهپاد مجهز هستند، پهپادهایی که توسط متخصصان داخلی ساخته شده‌اند.

دفاع مقدس

در ادامه این مصاحبه پای صحبت‌های مقام عالی نیروی دریایی ارتش درباره دفاع مقدس و اقدامات این نیرو در آن زمان می‌نشینیم.

دلایل و رمز پیروزی رزمندگان کشورمان در جنگ تحمیلی، نخستین موضوعی است که بسیاری به آن می‌پردازند.

فرمانده نداجا با تأکید بر این‌که دفاع ما جنبه قداست داشت و مقدس بود. می‌گوید: جنگ برای حفظ منافع شخصی، گروهی و توسعه‌طلبی ما نبود. بلکه هدف اصلی دفاع از اسلام، انقلاب، شرف و ناموس و برای دفاع از انسانیت و ایستادگی مقابل ظلم بود، با این جنبه‌ها و ویژگی‌های جنگ، مردم وارد جنگ شدند.

وی به وحدت مردم و همچنین دست‌اندرکاران کشور در زمان جنگ اشاره می‌کند و یادآور می‌شود: فرمانده، امام راحل، مرجع تقلید و ولی امرمسلمین بود. همه دست در دست یکدیگر یک هدف را دنبال می‌کردند. سیاری تأکید می‌کند: تا زمانی که مردم در صحنه حضور دارند، دفاع می‌کنیم و قصد دست‌اندازی به مال و منافع دیگران را نداریم. متحد هستیم و زیر لوای اسلام و ولایت فقیه کار می‌کنیم، در همه عرصه‌ها پیروز هستیم.

سیاری که در زمان جنگ و فتح خرمشهر از نیروهای گردان تکاوران نیروی دریایی بوده است درباره خاطره تلخ و شیرینش از دوران دفاع مقدس می‌گوید: ساعت ۴ صبح چهارم آبان ۱۳۵۹ ما مجبور شدیم از عرض خرمشهر و کارون عبور کنیم و قسمتی از خاک خرمشهر در اشغال عراقی‌ها بماند که این موضوع خاطره تلخ من از جنگ تحمیلی است و خاطره شیرین هم هنگامی بود که عکس اتفاق یاد شده رقم خورد و توانستیم ساعت ۴ صبح سوم خرداد ۶۱ از همان محلی که از خرمشهر خارج شده بودیم به این منطقه وارد شویم و دشمن را وادار به عقب‌نشینی کنیم.

اهداف رژیم بعث از حمله به ایران

سیاری مهمترین اهداف حمله رژیم بعث عراق به ایران را در دو نوع اصلی و فرعی می‌داند و می‌گوید: هدف اصلی جلوگیری از رشد و پیشرفت ایران بعد از انقلاب و شکست جمهوری اسلامی بود. هدف فرعی این حمله هم تصرف بخشی یا همه خوزستان و تسلط بر اروند رود و رفع خفگی عراق از نظر دریا بود و در حقیقت صدام به دنبال قدرت طلبی بود و می‌خواست ژاندارم منطقه و به عنوان بزرگترین رهبران عرب شناخته شود.

فرمانده نداجا با اشاره به دلایل کمک شرق و غرب به رژیم بعثی می‌افزاید: زمانی که انقلاب پیروز شد هم استکبار و غربی‌ها به این نتیجه رسیدند که منافع نامشروعشان را در ایران از دست داده‌اند لذا به دنبال برگرداندن این منافع بودند و چون از نظر فکری در تضاد با ما بودند مهمترین راه حل را در سرنگونی رژیم ما و سرکار آوردن رژیم مورد نظرخودشان دیدند. اسناد نشان می‌دهد که حدود ۳۶ کشور جهان در ابعاد تسلیحاتی، اقتصادی، مالی، نیروی انسانی، تاکتیکی، آموزشی و واگذاری سلاح‌های ویژه به رژیم بعثی کمک کردند.

آغاز حمله با راهبرد سریع

سیاری با بیان این که رژیم بعثی عراق تصور می‌کرد در کمترین زمان می‌تواند پیروز شود، یادآور می‌شود: زمانی که رژیم بعثی حمله را آغاز کرد برآورد اطلاعاتی داشتند، چون وقتی کشوری بخواهد به کشور دیگری حمله کند بررسی و برآورد می‌کند که توان حمله را دارد یا نه؟

آنها برآوردشان این بود که با وجود انقلاب در ایران هنوز سازمان‌ها، ارگان‌های نظامی و دولتی شکل خود را پیدا نکرده‌اند و تفرقه زیاد است و اختلافات قومی و مذهبی و همچنین ترور شخصیت‌های مهم وجود دارد. از طرف دیگر رژیم بعثی بر این باور بود که ارتش جمهوری اسلامی با آسیب‌های زیادی روبرو است و توان دفاع، مقابله و ایستادگی را ندارد. سپس حمله را با راهبرد سریع و به خیال این که با کمترین زمان ممکن می‌تواند پیروز شود، آغاز کرد.

نیروی دریایی، محور کار در خرمشهر

فرمانده نیروی دریایی ارتش تصریح می‌کند: در آن مقطع زمانی آسیب‌های زیادی به بدنه ارتش وارد شده بود، خدمت سربازی یکساله شده بود و همه متخصصان به محل زندگی خود منتقل شده بودند که حمله آغاز شد. ارتش در کمترین فرصت ممکن توانست مانع از پیشروی دشمن شود که اگر این چنین نمی‌شد آنها به هدفشان می‌رسیدند و طی یک هفته در تهران حضور می‌یافتند.وی می‌افزاید: نیروی هوایی در روز سوم، عملیات «کمان» را انجام داد و منابع حیاتی دشمن را بمباران کرد و نیروی دریایی با حضور تکاوران خود محور کار در خرمشهر شد.

نیروی دریایی بعد از این که متوجه حضور بیشتر دشمن در شمال خلیج فارس شد، شکست راهبرد سریع دشمن در آنجا را رقم زد و به این ترتیب دشمن در ابتدای جنگ در کمترین زمان ممکن شکست خورد. ارتش با توکل به خدا و با حمایت‌های مردم و فرمان امام راحل، اقدامات ارزشمندی را انجام داد و در نخستین سال جنگ موفقیت‌های بسیاری بدست آورد.

نابودی کامل رژیم بعثی در دریا

سیاری می‌افزاید: نیروی دریایی کشورمان توانست ۶۷ روز پس از جنگ، رژیم بعثی را در دریا شکست دهد و نابودی و بزرگترین ضربه اقتصادی را به این کشور وارد کند. با این عملیات توانمندی بالای نیروی دریایی به معرض نمایش گذاشته شد.

سیاری با بیان این که متأسفانه اغلب مردم از ماجرای عملکرد نیروی دریایی در اسکورت کشتی‌های تجاری و نفتکش در جنگ تحمیلی بی‌اطلاعند، یادآور می‌شود: اگر دشمن می‌توانست توان اقتصادی مارا از بین ببرد این کار را انجام می‌داد اما نیروی دریایی در هشت سال دفاع مقدس در مقابل هر تهدیدی ایستادگی کرد، یعنی ما با اسکورت بیش از ۱۰ هزار فروند کشتی تجاری و نفتکش و جلوگیری از بسته شدن بندر امام توسط دشمن که آن زمان به عنوان مهمترین بندر تجاری ما محسوب می‌شد. سبب شدیم چرخ اقتصاد کشور بچرخد.

وی تاکید می‌کند: هنوز نیروهای مردمی پای کار نیامده بودند و هنوز سپاه شکل نگرفته بود که ارتش جلو پیشروی دشمن را گرفت و بعد مردم آمدند. بسیج آمد، سپاه شکل گرفت و طی دو سال همه سرزمین‌ها پس گرفته شد.

قدرت جمهوری اسلامی ایران در مردم است، هر جا مردم در صحنه باشند در هیچ عرصه‌ای شکست معنی ندارد و هرجا مردم نظام را از خود بدانند و دفاع، مقدس شود پیروزیم و دیدیم که پیروزی بدست آمد.

فرمانده نیروی دریایی ارتش یادآور می‌شود: تجربیات دفاع مقدس یک گنج است و به تعبیر مقام معظم رهبری «هشت سال دفاع، عملیات، شناسایی، تاکتیک و تکنیک همه تجربه است».

وی می‌افزاید: نخستین اقدام در نیروی دریایی این است که تجربیات دفاع مقدس را در امر آموزش بکار ببریم، امروز در تاکتیک‌ها و برنامه ریزی برای انجام مأموریت‌ها از تجربیات دفاع مقدس استفاده می‌شود و همچنین در سیادت دریایی، رزمایش‌ها و در همه ابعاد از آن تجربیات ارزشمند بهره‌برداری می‌شود. یعنی این گنجینه به همین راحتی کنار گذاشته نمی‌شود.

توان بالای بازدارندگی و رزمی ارتش

سیاری در ادامه با تاکید بر توان بازدارندگی و رزمی بالای ارتش تصریح می‌کند: اگر می‌بینید که دشمنان ما طی چند سال گذشته تهدیدات خود را عملی نکرده‌اند و نتوانسته‌اند گزینه‌های رزمی را اجرایی کنند علتش آمادگی نیروهای مسلح در هر زمینه‌ای است.

فرمانده نیروی دریایی ارتش از نیروی انسانی به عنوان یکی از ارکان افزایش توان نظامی یاد می‌کند و می‌گوید: نیروی انسانی مؤمن، متعهد، متخصص و ولایتمدار، تحت هر شرایطی با همه قوا ایستادگی می‌کند و آنچه که امروز در نیروی دریایی ارتش داریم ساخته و پرداخته دست توانمند همین نیروهای مومن و ولایی است.

فصل عاشقی

چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۳



امیر صلواتی (اولین نفر ایستاده از سمت چپ)در سال پنجم اسارت، اردوگاه صلاح الدین عراق

اشاره: هر ساله با فرا رسیدن ۲۶ مرداد، مردم کشورمان و به ویژه یادگاران دوران دفاع مقدس به یاد آزادی اسرای ایرانی از زندان‌های عراق می‌افتند، زندان‌ها و اسارتگاه‌هایی که سال‌ها شاهد استقامت، صبر و رشادت فرزندان این کشور بودند و زندانبانانی که مقابل شکیبایی آزادگان کشورمان به زانو درآمدند.

۲۴ سال قبل در چنین روزهایی، فداکاری رزمندگان اسیر کشورمان در عراق به ثمر نشست و آن‌ها به آغوش خانواده‌هایشان بازگشتند، این آزادگان با پشت سر گذاشتن دوران اسارت، فصل عاشقی را با سربلندی به پایان رساندند و درس مردانگی را بار دیگر در تاریخ کشورمان به ثبت رساندند.

بهای اثبات بزرگمردی آزادگان، شهادت غریبانه شماری از این افراد در زندان‌های عراق بود که خشم و خباثت بعثی‌ها، نامشان را در زمره شهدا قرار داد و جاودانه‌شان کرد.

این دسته از اسرای کشورمان در اوج مظلومیت و بدون این که شخصی از سرنوشت آن‌ها مطلع باشد، زیر شکنجه عراقی‌های مزدور کمر خم نکردند و با اسوه و سالار شهیدان، عهدی همیشگی بستند.

تشنگی، گرسنگی، ضرب و شتم شدید و در نهایت شهادت و تکه‌تکه شدن پیکر مطهرشان فقط گوشه‌ای از سرفصل‌های دوران اسارت این عزیزان سفر کرده است که به راستی این عزیزان با استقامت خود در راه اعتلای میهن، توانستند فصل پایانی زندگی‌شان را با عشق به مردم کشورشان، به سرانجام برسانند.

خلبانان دفاع مقدس که قبل از پیروزی انقلاب هم عهدی ناگسستنی را با امام راحل بسته بودند، جزو اسرای ایرانی در عراق بودند، فداکارانی که در جریان دفاع از کشور در مقابل تجاوز بعثی‌ها، توانستند ضربات سهمگین را بر دشمن وارد کنند و به این ترتیب بود که نیروی هوایی نخستین نیرویی بود که مقابل تجاوز عراق در نخستین روز جنگ، قد علم کرد و در همان ساعات نخستین حمله صدام به ایران، درس فراموش نشدنی به دشمن داد، دشمنی که با پشتیبانی کشورهای سلطه‌گر، نتوانست حتی یک وجب از خاک کشورمان را اشغال کند و با زبونی ناگزیر، به فرار شود.

فرا رسیدن سالروز آزادی اسرا بهانه‌ای است تا سراغی از این افراد بگیریم و گوشه‌ای از جانفشانی آن‌ها را به رشته تحریر درآوریم.

به همین منظور گفتگویی با سرتیپ خلبان جانباز محمدرضا صلواتی از آزادگان کشورمان انجام دادیم.

۱۰ سال صبر و دلدادگی

امیر سرتیپ صلواتی، خلبانی است که ۱۰ سال اسارت را در زندان‌ها و اسارتگاه‌های مخوف عراق تجربه کرده و تمامی سختی‌های آنجا را پشت سر گذاشته است.

موضوع و مسأله‌ای که همواره سبب آزار روحی و ناراحتی این آزاده دفاع مقدس در آن دوران می‌شد، شکنجه‌های عراقی‌ها و اذیت و آزارشان نسبت به اسرای ایرانی نبود بلکه مواجه شدن با رفتارهای نامعقول عراقی‌ها بوده است که هنوز هم وی را ناراحت می‌کند.

این خلبان شجاع رنج ۱۰ سال اسارت را به جان خرید بدون این که خم به ابرو بیاورد ولی با یادآوری برخی خاطرات در دوران اسارت و پس از آن، اشک در چشمانش حلقه می‌زند بغض غریبانه‌اش را همانند دوران اسارت در سینه حبس می‌کند، بغضی که از مرگ پدرش در دوران اسارت و درگذشت همسر بیمارش پس از آزادی‌اش هم خبر می‌دهد، همسری که در تمامی مدت اسارت محمد، دو پسرش را به دور از یاری پدرشان به نحوی شایسته تربیت و جسم ضعیفش را در این راه هدیه کرد.

بهنود و داوود دو فرزند این خلبان هستند که توانسته‌اند با پشت سر گذاشتن مقاطع عالی تحصیلی، به جایگاه تدریس در دانشگاه و دکتری معماری برسند که به طور حتم رسیدن به این موفقیت‌های علمی میسر نبود مگر در سایه فداکاری همسر این خلبان آزاده.

زندگینامه امیر صلواتی

خلبان و جانباز ۶۰ درصد جنگ تحمیلی در سال ۱۳۴۸ وارد نیروی هوایی شد و پس از گذراندن دوره خلبانی در آمریکا، به میهن بازگشت و به عنوان خلبان شکاری ـ تاکتیکی هواپیمای «اف ـ ۵» در پایگاه شکاری دزفول مشغول انجام وظیفه شد و یک سال بعد هم با انتقال به پایگاه سوم شکاری همدان، پرواز با «اف ـ۴» را بار دیگر در پرونده کاری و پروازی‌اش به ثبت رساند.

وی می‌گوید: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گردان‌های ما بسته شد ولی پس از ۲۴ ساعت از تهران دستوری رسید مبنی بر این که خلبانان باید به پایگاه‌ها بازگردند و حتی برای محافظت از جان آنها به خدمت گرفته شوند.

از آن زمان تا آغاز حمله عراق به کشورمان، پروازهایمان را به طور مرتب انجام می‌دادیم و در کنار آن به فراگیری علوم مورد نیاز و تدریس می‌پرداختیم.

امیر صلواتی با اشاره به تهاجم هوایی عراق به کشورمان در ساعت ۱۴ آخرین روز شهریور، یادآور می‌شود: دشمنان در آن زمان تحمل نمی‌کردند که مردم کشورمان توانسته‌اند از سلطه استعمار و حکومت دیکتاتور نجات پیدا کنند، لذا دست ابرقدرت‌ها از آستین مرد جنایتکاری به نام صدام بیرون آمد و این آدم‌کش به کشورمان حمله کرد.

در همان روز نخست و روزهای پس از آن، خلبانان چنان درسی به صدام دادند که تا آخرین روز جنگ، او ترس زیادی از حملات هوایی ایران داشت و اقدام آنی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، در ذهن او باقی ماند وی از سوم مهر ۵۹ به عنوان روز به اسارت درآمدنش یاد می‌کند و می‌گوید: در این روز در حالی که با هواپیمای «اف ـ۴» برفراز یکی از پایگاه‌های شکاری عراق در حال پرواز بودم، توسط چند موشک «سام۶» عراقی‌ها مورد اصابت قرار گرفتم و از بالای سر هم یک فروند «میگ۲۳» به جنگنده‌ام حمله کرد که نهایتا با شلیک بمب‌های جنگنده‌ام به سمت هدف و اطمینان از اصابت آنها، با صندلی پرش، هواپیما را ترک کردم.

این خلبان دوران دفاع مقدس ادامه می‌دهد: پس از فرود با چتر، دستگیر و بازجویی شدم که یک سال بعد به زندان‌های مختلف عراق انتقال داده شدم و ۳ماه هم در یک اتاق بسیار کوچک و به طور انفرادی، به سر بردم.

امیر صلواتی به یک دوره انجام بازجویی اشاره می‌کند و می‌گوید: یک دفعه وقتی گروهی بازجو وارد محل نگهداری‌ام شدند، یکی از همکاران قدیمی‌ام را که در ماجرای کودتای نوژه از ایران فرار کرده بود و هم دوره و همسایه‌ام در ایران بود همراه چندنفر بازجوی عراقی وارد اتاق شد، ابتدا گمان کردم او اسیر شده ولی متاسفانه فهمیدم او به عنوان بازجو نزد من آمده است.

آنها ابتدا از من خواستند شکل و موقعیت باند هواپیمای فرودگاه محل خدمتم در ایران را روی یک کاغذ مشخص کنم که من با یک خودکار یک باند هواپیما طراحی و دور تا دور آن را با زدن علامت به عنوان محل پدافند مشخص کردم.

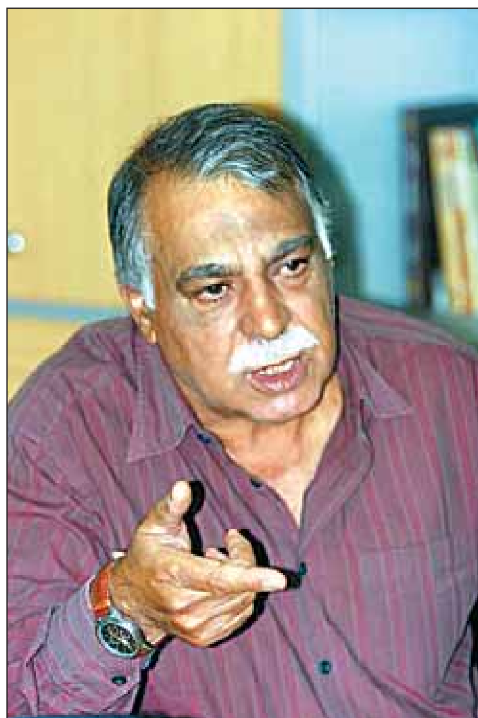
این خلبان بازنشسته وقتی صحبت‌هایش به این جا می‌رسد، اشک در چشمانش حلقه می‌زند و می‌افزاید: در این هنگام آن همکار قدیمی‌ام من را لو داد و میزان واقعی ساعت پروازی و درجه اصلی نظامی‌ام را اعلام کرد.

با شنیدن صحبت‌های او، با اسم کوچک وی را صدا زدم و علت این موضوع را جویا شدم که وی با زبان انگلیسی خطاب به من گفت: «فقط انگلیسی صحبت کن»

وی در ادامه یادآور می‌شود: سپس من را همراه خلبانان اسیر دیگر به زندان ابوغریب بردند، در آنجا به دو گروه تقسیم شدیم که یک گروه به یک اردوگاه منتقل شدیم و گروه دیگر که هرگز نامشان در صلیب سرخ ثبت نشد، به محل نامعلومی انتقال یافتند و هنگامی که من این موضوع را به ماموران صلیب‌سرخ اطلاع دادم، یکی از عراقی‌ها از پشت سر، دهانم را گرفت و به

● بهای اثبات بزرگمردی آزادگان، شهادت غریبانه شماری از این افراد در زندان‌های عراق بود که خشم و خباثت بعثی‌ها، نامشـــان را در زمره شهدا قرار داد و جاودانه‌شان کرد

● امیر رمضانی که در جریان عملیات جلوگیری از سقوط خرمشهر و همچنین آزادسازی این شهر حضور داشته اســـت، از این دو رویداد به عنوان تلخ‌ترین و شیرین‌ترین خاطره‌اش از دفاع مقدس یاد می‌کند



بیرون از اتاق انداخت که متاســـفانه صلیب سرخ هم توجهی به موضوع نکرد.

جانباز ۶۰درصد جنگ تحمیلی از دســـتورهای نامعقول و عقب‌ماندگی فکری عراقی‌ها به عنوان عامل ناراحتی اســـرای ایرانی یاد می‌کند و می‌افزاید: اذیت و آزار آنها هیچ وقت ســـبب نشد از پای درآئیم بلکه عقب‌ماندگی و دستورهای نامعقول آنها، آزار دهنده بود.

وی یادی از خلبان شهید اقبالی می‌کند و می‌گوید: عراقی‌ها شماری از خلبانان را به طرز وحشیانه‌ای به شهادت رساندند و زنده به گور کردند و حتی برای بازجویی، آنها را از درخت آویزان می‌کردند که وحشیانه‌ترین اقدام آنها در ماجرای شهادت دوست و همکار عزیزمان، شهید اقبالی ظهور و بروز پیدا کرد، آنها دست و پای این خلبان شجاع را که حاضر به همکاری و ارائه اطلاعات نبود، به دو دستگاه خودرو بستند و بدنش را به دو نیم کردند.

بغض گلـــوی این خلبان دفاع مقدس و نمناک شـــدن مژه‌هایش نشـــانگر اوج مظلومیت خلبانان است، خلبانانی که اسمشـــان هم به دست فراموشی سپرده شده است و نسل جوان کشـــورمان هیچگونه آشنایی با آنها ندارند چه برسد به این که با فداکاری‌هایشان و نقش اساسی آنها در پیروزی دفاع مقدس آشنا باشند. وقتی سخنان امیرصلواتی به این‌جا می‌رسد، درد دل‌های او هم آغاز می‌شود، دردی که نشان می‌دهد چگونه این عزیزان در لابه‌لای زندگی روزمره، به دست فراموشی سپرده شده‌اند.

وی همچنیـــن با یادآوری خاطره‌ای از دوران اســـارت می‌گوید: یک سرباز عراقی طی مدتی در محل اسارت من خدمت می‌کرد. او یک بار سراغم آمد و لقمه نانی را به طور پنهانی به من داد و گفت یک بار همراه خانواده‌اش به مشـــهد آمده و از وقتی به مادرش گفته زندانبان یک اســـیر ایرانی است، او شب تا صبح برای من گریه می‌کند.

این خلبان آزاده، یادی هم از پدرش می‌کند، پدری که در دوران اســـارت محمد، زمانی که لباس خلبانی فرزند اسیرش را روی چشمانش گذاشته بود و به یاد ثمره زندگی‌اش می‌گریست، تسلیم مرگ شـــد، بدون این که سایه فرزندش را پشت در خانه ببیند.

نگاه خســـته و دلواپس پدر روی لباس محمد خشـــک می‌شود بدون این که جسم خسته فرزند را در آغوش بگیرد.

این خلبان شـــجاع نیروی هوایی که چهار روز در اسارت بوده است، آزادی‌اش را ابتدا مدیون لطف خداوند و سپس عنوان فامیلی‌اش می‌داند و تأکید می‌کند: اگر هنگام دستگیری، خودم را با عنوانی غیر از «رمضانی» معرفی می‌کردم، سرنوشت دیگری در انتظارم بود.

زندگینامه

امیر رمضانی در ســـال ۱۳۵۲ به نیروی هوایی پیوست و تا ۱۳۹۰ به انجام وظیفه پرداخت و ســـرانجام با ۳۸ سال خدمت بازنشسته شد. وی که حضور در عملیات‌های مختلف هوایی در دوران دفاع مقدس را تجربه کرده، دارای دو پسر به نام‌های امین و معین اســـت و همسری که طی دوران خدمتش به دلیل شرایط مختلف کاری و اعزام به مأموریت‌های زیاد، سختی‌های فراوانی را علاوه بر تربیت فرزندان خانواده متحمل شـــده اســـت. وی همچنین معتقد است همسر تمامی خلبانان دفاع مقدس، جانباز جنگ تحمیلی به شـــمار می‌آیند، زمانی که توانستند با فداکاری و از خودگذشـــتگی، دوری همسران خود را به جان بخرند و به تربیت صحیح فرزندان خود بپردازند.

این خلبان و آزاده جنگ تحمیلی در ابتدای ســـخنانش به تجاوز هواپیماهای عراق به کشورمان در ۳۱ شهریور ۵۹ و آغاز جنگ تحمیلی اشـــاره می‌کند و می‌گوید: پس از نخستین حمله هوایی صدام و آغاز جنگ تحمیلی علیه کشورمان، نیروی هوایی نخستین نیرویی بود که در همان روز، نخستین پاسخ دندان‌شکن را بـــه عراق داد که در جریان این عملیـــات دو نفر از همکاران عزیزمان به نام‌های شـــهید صالحی و شهید خالد حیدری، جان خود را فدا کردند و به این ترتیب نیروی هوایی نخستین شهدا را تقدیم انقلاب کرد.

وی می‌افزایـــد: روز پس از آن یعنی در یکم مهرماه ۵۹هم عملیات ۱۴۰ فروندی به اجرا درآمد و طی آن این تعداد جنگنده در آســـمان عراق حاضر شدند و اهداف پیش‌بینی شده در خاک این کشور را مورد هدف قرار دادند.

امیر رمضانی در ادامه یادی از خلبانان شهید نهاجا می‌کند و با نام بردن از شهید لشگری و شهید عباس دوران، تأکید می‌کند: صدام در آن زمان به هیچ وجه گمان نمی‌کرد نیروی هوایی ایران در جایگاه بالایی از لحاظ قدرت باشد، لذا دست به حمله هوایی زد ولی با سیلی محکم خلبانان ایران مواجه شد.

این خلبان آزاده در ادامه به تشـــریح نحوه به اســـارت درآمدنش می‌پردازد و می‌گوید: غروب ۲۳ مرداد سال ۶۵ من و آزاده یوسف سمندریان مأموریت پیدا کردیم سوار بر دو فروند جنگنده، به آسمان عراق نفوذ و یک تأسیسات نظامی در شمال سلیمانیه را منهدم کنیم. در وقت مقرر، سوار بر دو فروند «اف ـ۵» ایران را ترک کردیم و وارد آســـمان عراق شدیم به محض ورود به منطقه مـــورد نظرمان، پدافند این منطقه که تمامی تجهیزاتش توسط کشورهای سلطه‌گر تأمین می‌شد، فعال شد.

هنگام جســـتجو برای یافتن محل مورد نظر متوجه شدم هواپیمای ســـمندریان مورد اصابت قرار گرفته و دچار حریق شده اســـت، بلافاصله با وی ارتباط برقرار کردم و شدت حریق هواپیمایش را بـــه او اطلاع دادم. از طرفی دیگر به لحاظ این که قصد داشتم به هر نحوی، پادگان سلیمانیه را هدف قرار دهم، به موقعیت بازگشتم که امداد غیبی خداوند شامل حالم شد و یک لحظه متوجه شـــدم پادگان مورد نظر زیر پایم است. بلافاصله بمب‌ها را شلیک کردم و سپس به دنبال سمندریان رفتم.

وی می‌افزاید: پس از تقسیم‌بندی آسمان، بالاخره یوسف را پیدا کردم ولی متأســـفانه به دلیل وضع نامناسب هواپیما، وی توانایی ادامه مسیر نداشـــت لذا با صندلی پرش، جنگنده‌اش را ترک کرد و پس از فرود در خاک عراق، توســـط بعثی‌ها دستگیر شد.

امیر رمضانی یادآور می‌شـــود: پس از این ماجرا، موتور هواپیما را در حالت ۱۰۰ درصد قرار دادم و با ســـرعت به طرف ایران به راه افتادم ولی هنگام بازگشـــت، هواپیمایم مورد هدف قرار گرفت.

با تلاش بسیار توانستم تا کوه‌های سلیمانیه عراق هواپیما را هدایـــت و کنترل کنم ولی از آن زمان به بعد، کنترل جنگنده از دستم خارج شد و به این ترتیب «اف ـ۵» با سرعت بسیار بالا به سمت پایین ســـقوط کرد که در لحظات پایانی با صندلی پرش، خروج اضطراری کردم و دچار شکســـتگی گردن، دست و پا و همچنین بیهوش شدم. وقتی به هوش آمدم متوجه صدای چند نفر شدم که به طرف من آمدند.

یکی از آن‌ها اهل همـــان منطقه بود، ابتدا فکر کرد من از خلبانان صدام هستم، و قصد داشـــت من را بکشد. وی از من خواست در صورت در اختیار داشتن سلاح، آن را تحویل دهم و خـــود را هم معرفی کنم. من که در آن لحظات توانایی صحبت کردن هم نداشتم، به سختی گفتم «من رمضانی هستم».

امیر رمضانی می‌افزایـــد: آنها که رابطه خوبی با نیروهای سپاه پاسداران داشتند، با شـــنیدن کلمه رمضانی، گمان کردند من از نیروهای پایگاه رمضان ســـپاه پاسداران هستم، لذا من را به روستایشـــان انتقال دادند و در آن جا متوجه شـــدم که بر اثر بمباران من در پادگان ســـلیمانیه، بیـــش از ۱۴۰ نفر عراقی به هلاکت رســـیدند. جانباز دفاع مقدس که در مجموع چهار روز را در اسارت بسر برده اســـت و در آن زمان توانست با هدایت هواپیما به ســـمت خارج از عراق، از چنگال بعثی‌ها بگریزد، در ادامه می‌گوید: با همکاری آنها، به کشـــور بازگشتم ولی به دلیل جراحات بالا و شکستن گردن، دو سال بستری بودم.

وی در ادامه درباره سرنوشـــت یوســـف سمندریان، می‌افزاید: او پس از خروج اضطراری از هواپیما، توسط بعثی‌ها به اسارت درآمد و در سال ۶۹ به کشور بازگشت.

خاطره تلخ و شیرین

امیر رمضانی که در جریان عملیات جلوگیری از ســـقوط خرمشهر و همچنین آزادسازی این شهر حضور داشته است، از این دو رویداد به عنوان تلخ‌ترین و شیرین‌ترین خاطره‌اش از دفاع مقدس یاد و تأکید می‌کند: عشق به کشور و درآمیخته شدن آن با تعالیم اســـلامی سبب شده بود خلبانان و همه رزمندگان کشور، بدون توقع، به دل خطر بروند و به جنگ با دشمن بپردازند.

یـادآوری رشادت خلبانان نیروی هوایی در دفاع مقدس، بخش دیگری از صحبت‌های این خلبان فداکار است.

وی می‌گوید: خداوند را شاکرم که در آن زمان این افتخار نصیب ما شد که با مشارکت درجنگ، به وظیفه‌مان عمل کنیم و در حقیقت با این کار، به آرامشـــی رسیده‌ایم که با میلیون‌ها دلار آن را عوض نخواهیم کرد.وی اشاره‌ای هم به مشکلات اقتصادی خلبانان آزاده یا بازنشسته می‌کند و امیدوار است با اقدامات انجام گرفته توسط مسئولان ذیربط، این مسائل هم حل شود.

پایان بخش این مصاحبه، تأکید مجدد خلبان بازنشســـته ارتش بر نقش و جایگاه نهاجا در جریان دفاع مقدس اســـت، نیرویی که در روز سخت جنگ توانست ماشین جنگی عراقی را چه در بحث هوایی و همچنین زمینی متوقف کند.

امیر رمضانی درباره زمینگیرکردن نیروهای پیاده عراق و تانک‌های بعثی‌ها در آن روزها، می‌گوید: پس از تجاوز عراق به کشـــورمان، نیروهای پیاده فرصت کافی برای حضور فوری در مناطق را نداشتند، لذا خلبانان نهاجا تا زمان رسیدن آنها، به جنگ با تانک‌ها هم رفتند و دشمن را ناکام گذاشتند.

پیام سیاسی امام از رزمندگان پیروزمند اسلام و ایثارگران پشت جبهه

بُعد معنوی رزمندگان جبهه‌ها را باهیچ معیاری نمی‌توان سنجید

فردا میلیونها نفر در جبهه‌ای بوسعت ایران با نظام جمهوری اسلامی تجدید عهد می‌کنند

مسیر های راه‌پیمایی فردا

در صفحه ۲

هروقت بایکی از این چهره‌ها روبرو می‌شوم و عشق او را بـه شهادت درمییابم و چهره نورانیش مشاهده می‌کنم احساس شرمساری و حقارت می‌کنم

در صفحه ۲

رزمندگان اسلام هر آن قادر به تصرف شهر العماره عراق هستند

در صفحه ۲

ایران در منطقه فکه به مرز تسلط یافت

اکنون ملت مادر یافته است که «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»

جامعه‌ی اطلاعات

تکشماره ۲۰ ریال

چهارشنبه ۱۱ فروردین‌ماه ۱۳۶۱ ـ پنجم جمادی‌الثانی ۱۴۰۲ ـ شماره ۱۶۶۸۴

جهان به پیروزی ایران اعتراف کرد

بوسه‌ای که امام نیز بر آن افتخار میکند

ایست آن بوسه‌ای که امام است افتخار میکند ...

جدول کامل خسارات عراق در عملیات فتح

بیش از ۲۵ هزار مزدور عراقی کشته و یا زخمی شدند

در صفحات ۲ و ۳

ملاقات با قائم مقام وزارت خارجه

تعقیب بقایای دشمن در مرزها ادامه دارد

رزمندگان کفرستیز بر مرز ایران و عراق ایران در منطقه فکه تسلط یافتند

رئیس جمهور در دیدار با اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در کره شمالی:

سیاست خارجی ما در قبال هر یک از کشورهای جهان، سیاستی مستقل و متوازن است

یادداشت

یادواره سالروز استقرار نظام عدل الهی

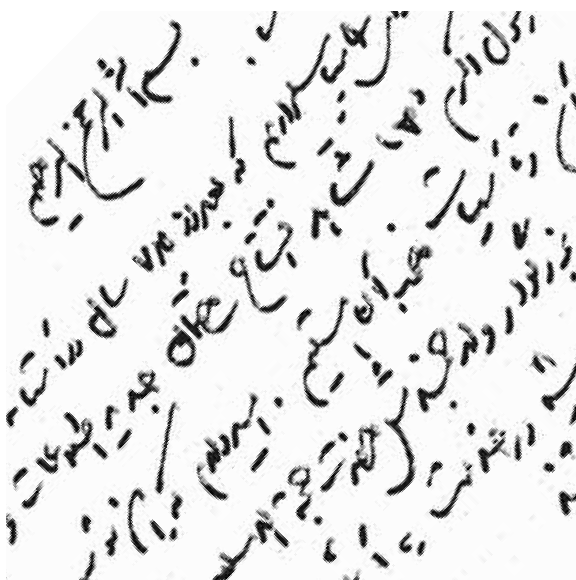
بیعت با بهار

روز دوازدهم فروردین روز غلبه جنود‌ا... بر جنود شیطان و روز فتح و نصر خدا و بندگان مؤمن به اوست — امام خمینی



یاد و یادآوران

در دفتر یادبود



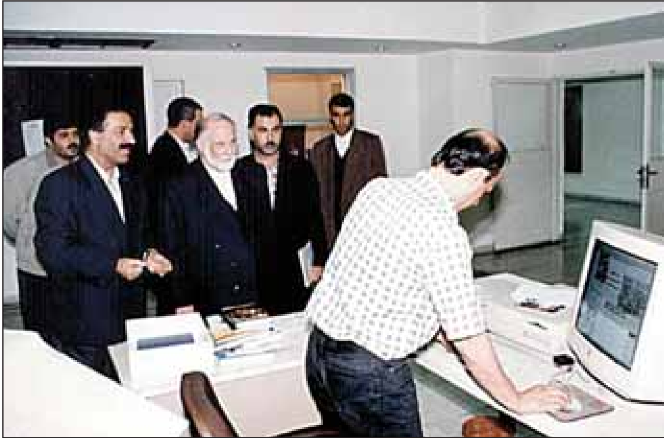
مهمانان بسیاری در طول سال‌های متوالی، مجتمع فرهنگی و انتشاراتی اطلاعات را در برج و باروی پس از انقلابش، مورد بازدید و بازرسی از نزدیک نه داوری از دور قرار داده‌اند. برخی از آنان خطی نیز در دفتر ایام به یادگار نگاشته‌اند. البته این احساس غبن هم وجود دارد که مؤسسه مطبوعاتی اطلاعات ۵۹ تا ۹۴ چرا درخواست سی و پنج سال یادگارنگاری را که نوعی نظرخواهی هم هست، با همه مهمانان، درمیان نگذاشته و از درک این فرصت فرهنگی غافل بوده است. امّا به هر حال اگر درک تمامش میسّر نبوده، باری ترک تمامش نیز توجیه نداشته است. چنین است که اکنون در اینجا برخی از آنهمه «مهمان ـ نگاشته»ها را البته در حدّ نشان و نمونه، بازخوانی می‌کنیم.



دکترحسن حبیبی وعلی‌اکبر اشعری رئیس وقت کتابخانه ملی در واحد «افست ورق» موسسه اطلاعات –۱۳۸۹



روزنامه اطلاعات، دیماه ۱۳۸۹ –از راست:سید حسین دعایی،...، احمددانیالی، ...،حمید یزدان‌پرست، حامد نیّری، دکتر حسن حبیبی، دکتر ابوالقاسم قاسم‌زاده،...، ایرج جاوید،مهندس محمد جواد رفیع، سید محمود دعایی، علیرضا خانی، فتح‌الله جوادی‌آملی، عباس تهرانی،محمدرضا ابری، دکتربهمن بهروزی، جلال رفیع، کریم فیضی، سید کاظم مرعشی، مسعود نوری،... ، رضا گنجی


بازدید حسن حبیبی از موسسه اطلاعات در سال ۱۳۸۰

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

شـــاید بتوان با اطمینان خاطر گفت که کارهای خوب و ماندگار را بلندهمتان فروتن به انجام و فرجام نیک می‌رســـانند. بنای جدید روزنامه اطلاعات و تجهیزات و امکانات خوب آن ثمره‌ای از ایـــن بلندهمتی همراه با فروتنی جناب آقای دعائی و همه همکاران ســـخت‌کوش ایشان است، که در این یادگار ماندگار نباید از همدلی و یاری آنها با جناب دعائی غافل ماند. برای همه این عزیزان آرزوی توفیق خدمتگزاری بیشتر را به مردم فداکار و هوشمند و عدالتخواه و آزادی دوست ایران بزرگ و عزیز دارم.

روزنامه اطلاعات با امکانات فراوان، تجربهٔ طولانی در کار اطلاع‌رســـانی و گنجینهٔ با ارزش اطلاعاتی که گردآورده اســـت می‌تواند و باید بهرهٔ بیشـــتری را مردم برساند. نمی‌گویم باید بساط تحقیق بگستراند، بلکه می‌خواهم پیشنهاد کنم ترتیبی بدهد که از این تجربه‌ها و گنجینه محققان بیشـــتر و بهتر استفاده کنند. کارکنان قدیمی روزنامه می‌توانند تجربه‌های گوناگون خود را در زمینه‌های متعدد و مختلف روزنامه‌نگاری و اطلاع‌رسانی به رشتهٔ تحریر در آورند بایگانی ارزشمند روزنامه می‌تواند منبع خوبی برای پژوهش‌های پرشمار جامعه‌شناسی و روان‌شناسی جمعی، تاریخ و ایران‌شناسی و... باشد. برای برخی از صفحات روزنامه می‌توان وظایف جدید با تعریف‌ها و تحدیدهای نو درنظر گرفت. به مسائل ایران از منظر معرفی امکانات استعدادها و هویت و سابقه می‌توان بیشتر پرداخت و...

بنام خدا
حبیبی اسفند/۸۰

به نام خداوند «حقیقت، خیر و زیبایی»
امید آنکه مراکزی فرهنگی از این دست بتوانند فرصت‌هایی برای طرح این برگانه «حقیقت، خیر و زیبایی باشند.»

سوسن شریعتی سوم اردیبهشت ۹۳



۱۳۷۹شمسی- افتتاح رسمی مجموعه مطبوعاتی و فرهنگی مؤسسه اطلاعات با حضور رئیس جمهور وقت و مسئولان دو رسانهٔ اطلاعات و کیهان

۱۳۷۱شمسی- نخستین روز احداث ساختمان جدید روزنامه اطلاعات در تقاطع خیابان نفت‌جنوبی و بزرگراه شهید حقانی با حضور رئیس وقت کتابخانه ملی و مهندس سید محمد غرضی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

هر کس که افتخار آشـــنایی با نهضت امام خمینی و سالهای سخت و دشوار مبارزه برای تحقق آرمانهای این حرکت خدایی داشـــته باشد بویژه کســـانی که غربت نهضت و تبعید امام را درک کرده‌اند خوب می‌دانند که در آن زمان، یارانی اندک با اراده‌ای اســـتوار خطرها پذیرفته و در یادنامه امواج توطئه عمال رژیم ستمشـــاهی از یکسو و وسایل مهجّران وامانده از زمان را از سوی دیگر در نوردیده و آفاق پیروزی را بروی ملت مســـلمان ایران گشودند در این میان نام سید محمود دعایی به عنوان ســـخنگوی روحانیت بیدار و مبارز نامی آشنا و شخص او چهره‌ای شناخته شده بود که با بهره‌گیری از فرســـتنده رادیویی ندای امام و فریاد یارانش را به شیفتگان حقیقت و مشتاقان راه و رسم امام می‌رساند.

از او که در آن دوران غربت و تنهایی با کمترین امکانی مسئولیت آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی نهضت را عهده‌دار شده بود، سامان‌بخشی مؤسسه بزرگ اطلاعات و ایجاد امکانات وسیع برای این مؤسسه مطبوعاتی اقدامی خارج از انتظار نبوده و نیست اما اینکه در مدتی کوتاه تمامی امکانات آنهم در حد مطلوب آن فراهم شده باشد جای تحسین و تقدیر دارد و می‌توان از آن به عنوان برگ زرین دیگری در کارنامه تدبیر و تلاش جناب آقای دعایی مشاهده نمود.

اینجانب در بازدید از مرکز جدید مؤسســـه اطلاعات مشاهده کردم که تواضع، فروتنی، صفا، صمیمیت و حســـن خلق این یار فداکار امام، هم یارانی صاحب فکر و نظر فراهم کرده است و هم بنایی استوار و ماندنی پایه گذاشته است. خداوند بر عزت و سربلندی ایشان بیفزاید.

سید عبدالواحد موسوی ۱۳۸۳/۴/۱۶ هـ ش



بازدید دکتر محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهوری سابق از غرفه انتشارات اطلاعات در سالن حجاب تهران– سال ۱۳۸۷

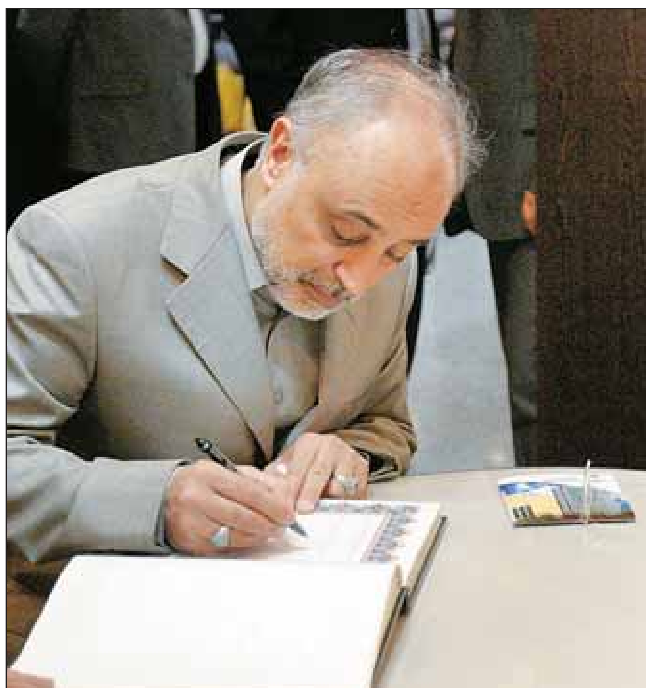
بسم الله الرحمن الرحیم

امروز یک روز فراموش نشدنی برای بنده بود
در بازدید مفصلی که از موسسه اطلاعات داشتم
به این نتیجه رسیدم که مدیریت برادر بزرگوار جناب
حاج آقای دعائی چقدر در اعتلای این موسسه و ایجاد
یک فضای دوستانه موثر بوده است. حفظ کرامت
انسانها و شأن آنها نشان از خصلتهای اخلاقی
دارد که ریشه در دین عزیز اسلام دارد. همکاران
حاج آقای دعائی احترام و علاقمندی خاصی به ایشان
داشتند. آثاری که این موسسه معظم تقدیم جامعه
ایران اسلامی داده است یقیناً در اعتلای فرهنگ
و فرهیختگی آن اثر پایداری خواهد گذاشت. علی اکبر صالحی
۸۹/۴/۱۳

بسمه الله الرحمن الرحیم

امروز یک روز فراموش نشدنی برای بنده بود در بازدید مفصلی که از موسسه اطلاعات داشتم به این نتیجه رسیدم که مدیریت برادر بزرگوار جناب حاج آقای دعائی چقدر در اعتلای این موسسه و ایجاد یک فضای دوستانه موثر بوده است. حفظ کرامت انسانها و شأن آنها نشان از خصلتهای اخلاقی دارد که ریشه در این عزیز اسلام دارد. همکاران حاج آقای دعائی احترام و علاقمندی خاصی به ایشان داشتند. آثاری که این موسسه معظم تقدیم جامعه ایران اسلامی داده است یقینا در اعتلای فرهنگ فرهیختگی آن اثر پایداری خواهد گذاشت.

علی‌اکبر صالحی
۸۹/۴/۱۳





بسمه تعالی

مؤسســـــه اطلاعات طی ۹ دهه خدمات ارزنده فرهنگی و رسانه‌ای را تقدیم مردم ایران کرده است، امروز ۹۴/۵/۱۰ توفیق بازدید از مؤسســـــه و دیدار با مدیران، خبرنگاران و همه تلاشگران این عرصه را داشتم. مدیریت پیشرو، حسن نیت و اخلاق بسیار والای آقای حجت‌الاسلام والمسلمین دعائی در رشد و تعالی مجموعه تأثیر شایانی داشته، خصوصاً اینکه امروز مؤسسه علاوه بر گســـترش کمی و کیفی فعالیت‌ها در اجرای مدیریت سبز و ارتقای استانداردهای محیط زیست به عنوان یکی از مؤلفه‌های تعهد اجتماعی بســـیار قوی عمل کرده است. امروز علاقه و اعتماد عمومی مردم به مؤسسه اطلاعات و جایگاه انتشارات آن در کشور حاصل این زحمات و کار حرفه‌ای همکاران بوده، برای همه تلاشگران آرزوی توفیق و سربلندی دارم.

معصومه ابتکار
۹۴/۵/۱۰



به نام خدا

افتخار داشتیم برای عرض خسته نباشید خدمت برادر فرهیخته و ارزشمند دعائی برسیم و از زحمات ایشان و همکارانشان در عرصه اطلاع‌رســـانی و ارتقاء فرهنگ مردم تشکر کنیم. اطلاعات طی ۳۵ سال گذشته خط تعادل و انصاف را طی کرده و امید است که چنین ادامه دهد.

در حوزه اقتصاد نیز با اطلاعات برخورد مردم و کارآفرینان را در جریان اخبار و تحلیل‌ها قرار می‌دهد، دست مریزاد.

و مهم‌ترین خدمت اطلاعات سالنامه است که تاریخ را نگارش و ضبط می‌کند، ضمن آنکه جناب دعائی استاد اخلاق، موجب شده‌اند که همکارانشان نیز اخلاق حسنه داشته باشند.

مهدی کرباسیان
معاون وزیر صنعت و معدن و تجارت و ریاست
هیأت عامل سازمان نوسازی صنایع معدنی ایران
۹۴/۴/۹

بنام خدا

جای بسی افتخار است که از یکی از مراکز بزرگ فرهنگی ـ رسانه‌ای کشور بازدید کردم. به عنوان معاون حقوقی ریاست محترم جمهور مشـــی میانه‌روی و اعتدال که زمینه پیشرفت مسئولین و دست‌اندرکاران این مؤسسه معظم را حس کردم و به آن باور دارم. سخت‌کوشــی و استفاده از پیشرفته‌ترین تجهیزات چاپ و نشر و در نهایت رضایت مخاطبین و کارمندان باعث مباهات اینجانب به عنوان یک شهروند ایرانی و یک خدمتگزار دولت اسلامی است.

با امید به موفقیت همه خانواده اطلاعات علی‌الخصوص جناب آقای دعائی

امین‌زاده

معاون حقوقی رئیس جمهور

۹۴/۲/۲۰





بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمدلله امروز توفیق حاصل شـــد که به دعوت برادر بسیار عزیزم حضرت حجت‌الاســـلام والمســـلمین دعائی، بازدیدی از مؤسسه اطلاعات داشته باشم.

نام مؤسســـه اطلاعات، در تاریخ مطبوعات کشـــور نامی دیراشـــنا و خاطره‌انگیز است. به‌ویژه در دوران پرشکوه انقلاب اســـلامی ایران، لحظه لحظه‌های انقلاب با صفحات و تیترهای زنده این روزنامه در خاطره ملت عزیز ایران نقش بسته است.

توفیق روزافزون همه اعضای صمیمی و فرهیخته این مؤسسه را در توســـعهٔ آگاهی‌های ملت عزیزمـــان و در ارتقاء همدلی و همزبانی دولت وملت ایران و از درگاه حضرت احدیت مسئلت دارم.

حمید چیت‌چیان

۹۴/۲/۲

بنام خداوند جان و خرد

براستی روزنامه اطلاعات صوراسرافیل جامعه ما بوده و هست. آنچه امروز این روزنامه وزین را به یکی از بزرگترین و معتبرترین مؤسسات انتشاراتی و فرهنگی کشور و حتی خاورمیانه تبدیل کرده است تنها مجموعه تجهیزات فنی و پیچیده و مجهز آن نیست بلکه مدیریت مدبرانه، منش مخلصانه و اخلاق پرجاذبه و متواضعانه یکی از مفاخر فرهنگی ایران یعنی جناب آقای دعائی عزیز است که باعث رفعت این کاخ بلند و جاودان شده است. مدیریت مثال‌زدنی ایشان و روش‌ها و منش‌هایی که در اداره این مؤسسه معتبر به‌کار گرفته‌اند خود نماد تفکر مقبول اجتماعی شده است و جلوه رحمانیت نظام اسلامی هم. البته ثبات مدیریت و مشی اعتدالی و تجمیع کارشناسان و عزیزان گرانسنگ این مجموعه از روزنامه اطلاعات تراز مقبول و شاخص مطلوبی ساخته که بر اصحاب رسانه باید به آن تأسی کنند.

باید به جناب آقای دعائی و همکاران و همراهان ایشان به خاطر خدمات ارزنده‌شان به فرهنگ و آموزش این مرز و بوم تبریک گفت که توانسته‌اند این جایگاه رفیع را بنا نهند و گنجینه گرانبهایی از تاریخ ۹۰ ساله اخیر ایران فراهم آورند. گنجینه‌ای که خود نشان «هویت پایدار» ایران عزیز است. جا دارد از پیشگامان و مؤسسان روزنامه اطلاعات به نیکی یاد شود که با نیت خیر این بنیان مرصوص را ساختند و در قلب ملت ایران جای دارند.

حمید میرزاده
رئیس دانشگاه آزاد اسلامی
تهران ـ ۱۳۹۲/۳/۲۰



به نام خدا

بکوش خواجه و از عشق بی‌نصیب مباش
که بنده را نخرد کس به عیب بی‌هنری

عشق و هنر و صفا و صمیمیت در سراسر مؤسسه افتخارآمیز اطلاعات موج میزند و دیرپایی و مانایی مؤسسه بدون تردید محصول صفای دل و وفای دوستان و همکاران خوب آنست نقش بی‌بدیل عزیز و ارجمند جناب آقای دعایی باعث حیرت و سپاس توأمان است. برای همه همکارانم طول عمر و عزت و سربلندی آرزو می‌کنم.

با احترام
محمدحسین مجدزاده
سازمان امور مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۹۲/۶/۱۷



هوالحق

امروز، دوشنبه هفدهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و نود خورشیدی به دعوت نیکمردی به راستی ـ و نه تنها به ظاهر ـ روحانی یعنی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمود دعایی توفیق بازدید از مؤسسهٔ فرهنگی و مطبوعاتی اطلاعات فراهم آمد. باور نمی‌کردم کاری بدین پایه بزرگ صورت گرفته باشد. دیدم و باور کردم؛ باور کردم که عشق و اخلاص، اگر محرّک باشد چه آثار به بار تواند آورد. از جناب دعایی جز به نیکی نشنیده بودم و از آن زمان که از نزدیک ایشان را دیدم؛ از همایش بزرگداشت فردوسی، در دولت‌آباد اصفهان تا امروز نیز آنچه دیدم جمله شرف بود و نیکی و خدمت که مؤسسهٔ اطلاعات جلوه‌ای از آن است:

بکاوی اگر خاک تاروی آب
نه رستم بیابی نه افراسیاب
بر این دخمه جز تاب خورشید نیست
به گیتی نشانی ز جمشید نیست
برفتند و ماندند دو مرده ریگ
یکی نام زشت و یکی نام نیک

با آرزوی عمر دراز و توفیق خدمت برای این نیکمرد

اصغر دادبه



بسمه تعالی

خداوند بزرگ را شاکرم که مجدداً فرصتی برای زیارت برادر ارجمند دانشمند معظم حجت‌الاسلام والمسلمین دعائی نماینده محترم ولی‌فقیه در روزنامه اطلاعات پیدا شد در بین همه زمانی که در بازدید اینجانب بود بحمدالله توسعه و تجهیز و پیشرفت این موسسه که به همت جناب آقای دعائی و همکاران صدیق ایشان بوجود آمده چشمگیر بود و نمونه مثال زدنی برای جمهوری اسلامی است (در مقایسه با آنچه بوده است) نشانه فرهنگ والای جمهوری اسلامی برای ارج‌نهادن به رسانه و فرهنگ مکتوب است. نظم و دلسوزی و دلگرمی کارکنان و مدیران در حوزه مدیریت اخلاقی رئیس موسسه موردسپاس فراوان است به امید توفیقات بیشتر و مدد الهی

سیدمحمد
۸۹/۵/۹



بسمه تعالی

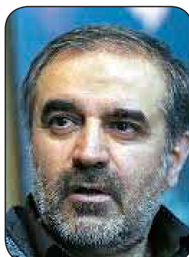
الحمدالله لذی جعلنا من المتمسکین بولایت علی بن ابیطالب

۱۹ ذالحجه

نهاد مؤسسه اطلاعات یکی از مصادیق شجره طیبه شده است حضور روحانی با صفا و انقلابی آقای دعایی در رأس این مؤسســـه تحولی را در ذات آن بوجود آورده است که در تمامی ابعاد انسانی، مادی، علمی و فن‌آوری جهش‌های قابل تقدیری انجام داده است. باتوجه به سرمایه‌گذاری‌های فوق بنظر من مؤسســـه اطلاعات به یک کانون رسانه‌ای می‌تواند تبدیل شود و لازمهٔ این کار ایجاد مراکز مستشاری و نرم‌افزاری رسانه‌ای است که در کنار مدیریت رسانه‌ای و انتشارات مؤسسه بوجود آید. امروزه بسیاری از کشورهای منطقه چشم به محصولات فرهنگی و هنری و رسانه‌ای ایران دوخته‌اند ولی مهمتر چشم به راه مشورت‌ها و اندیشه‌هایی است که با کمک آن بتوانند نهادهای فرهنگی و تبلیغی و رسانه‌ای خود را بسازند. مؤسسه اطلاعات به این درجه از رشد رسیده است که می‌تواند از آن بهره برد.

برادر شما محسن رضایی

۱۶ آذرماه ۱۳۸۸

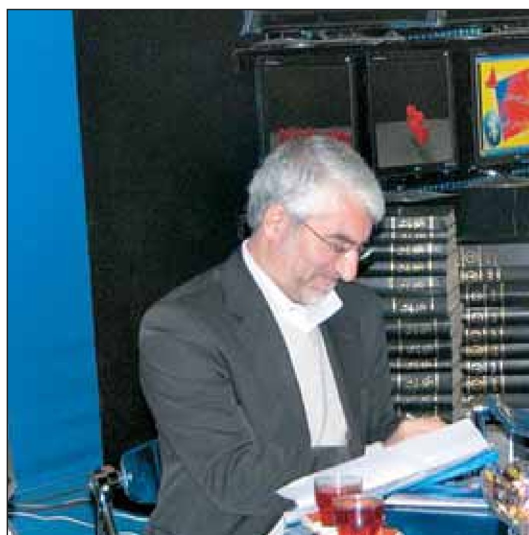


بسم‌الله الرحمن الرحیم

در بهار ســـال ۸۹ ســـال همّت مضاعف و کار مضاعف توفیق الهی یار شد و اینجانبان محمدکاظم انبارلویی و ســـیدمرتضی نبوی خدمت برادر ارجمند جناب حجت‌الاســـلام و المسلمین آقای دعایی مسئول معزّز مؤسسه اطلاعات رســـیدیم. روزی بود بیادماندنی و خاطره‌انگیز. از بیان خاطرات آموزنده‌ی ایشـــان بهره‌مند شدیم و از مصاحبت حضرت ایشـــان و همکاران ارجمندشان محظوظ گردیدیم. انشاءالله خداوند جناب ایشان را همیشه در کارهای نیک و مؤثر فرهنگی موّفق و مؤیّد بدارد.

محمدکاظم انبارلویی

۸۹/۱/۱۵



جمشیدی در حال امضاء دفتر یادبود انتشارات اطلاعات- نمایشگاه کتاب



بنام حضرت دوست
با یاد شهیدان ۷تیر

فرصت مغتنمی بود دیدار با عائله و دست‌اندرکاران موسسه باسابقه و وزین اطلاعات و تجدید دیداری با دوست دیرین جناب آقای دعائی که با صدای اعتراض او در کنار امام راحل در نجف اشرف در رادیوی روحانیون بیدار قبل از انقلاب و در نخستین مجلس شورای اسلامی بعد از انقلاب آشنائی داشتم.

گفتگوهای مفیدی داشـــتیم. از نقطه نظرات و سؤالات دقیق دوستان رسانه اطلاعات بهره‌یابی شد. امید که عرصه رســـانه‌ای کشور بالنده‌تر از هر زمان دیگر در ایفای رسالت ســـنگین خویش نمایشگر صحنه‌های مختلف پایمردی و مقاومت بزرگ ملت شریف ایران در راه با صلابت خویش در تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی باشد.

منوچهر متکی ــ وزیر امور خارجه
۸۹/۴/۷



از راست به چپ: حسن فرازمند، مسعود فقیه تنکابنی، بیژن آبی، استادعلی نصیریان، سید محمود دعایی، فتح‌الله جوادی آملی در تحریریه روزنامه اطلاعات

به نام خدا

دیدار از مؤسسهٔ اطلاعات برای این بنده ناچیز بسیار شوق انگیز و افتخارآمیز بود. درود میفرستم به همت مردی که با تلاش خود این بنیاد را احیا کرد نوکرد خیر باید گفت ساحت حضرت آقای دعایی که اجرشان با خداوند متعال.

امیدوارم روز به روز توفیق بیشتری نصیبشان شود.

از مهمان‌نوازی مدیران و کارکنان این مؤسسه عظیم بسیار سپاسگزارم همراه با بهترین آرزوها برای همه کارکنان اطلاعات ســـوای روزنامهٔ و مجلات و نشریات اطلاعات چیزی که بیش از هر چیز مرا تحت تأثیر قرار داد گستردگی امکانات چاپ بود که واقعاً تحسین برانگیز است. خداوند به شما توفیق بیشتری عنایت فرماید.

باسپاس و احترام و ارادت ــ علی نصیریان
۱۳۸۶/۹/۴



بسم الله الرحمن الرحیم

اگر روزی قرار باشد لقب «شـــیخ الجراید» را به روزنامه‌ای اعطا کنند، بی‌تردید روزنامه اطلاعات شایسته‌ترین جایی است که می‌تواند حامل این عنوان باشد و خدا را شکر که آن قدمت زیاده از هشتاد سال، با شکوه و جبروت امروزی آن، درهم آمیخته و بشارت استواری این بنگاه عظیم اطلاع‌رسانی را در عصر فشرده شدن رقابت‌ها می‌دهد.

این دستاورد را به یاران انقلاب اســـلامی و پیشوای جمهوری اسلامی در موسسه اطلاعات به ویژه عزیز گرانمایه جناب آقای دعایی تبریک می‌گویم.

۸۶/۸/۲۰

حسین صفار هرندی



بسمه تعالی

خداوند متعال را شاکرم که در ابتدای مسئولیت سخنگویی وزارت امور خارجه این توفیق را نصیبم فرمود که از نزدیک شاهد تلاشهای شبانه‌روزی دست‌اندرکاران مؤسسه بزرگ اطلاعات که در رأس آن ســـیّدی جلیل‌القدر و بزرگوار و دلســـوز انقلاب و نظام مقدس جمهوری اســـلامی قرار دارد، باشـــم. برای تمامی خدمتگزاران در این مؤسسه آرزوی توفیق روزافزون و سلامتی و عافیت دارم.

سیدمحمدعلی حسینی

۸۵/۸/۱۵



بازدید دکتر حسین انواری از غرفه انتشارات اطلاعات در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران



بنام آنکه جان را روشنی داد

صحبت دوستان روحانی

بهتر از حشمت سلیمانی

آرمانی باشکوه، تدبیری عمیق، اراده‌ای راسخ، انگیزه‌ای خالص، مدیریتی قوی، عزمی جزم، محاسبه‌ای دقیق و دست‌اندرکارانی صادق باعث شده است تا لطف خداوند متعال شامل حال این سرزمین گردد و امروز مؤسسهٔ عظیم مطبوعاتی فرهنگی اطلاعات همچون نگینی در جامعهٔ فرهنگی ایران اسلامی بدرخشد.

به خاطر همهٔ این زیبایی‌ها خدا را شکر و به خدمتگزاری خود در چنین جامعه‌ای افتخار می‌کنم.

مؤسسهٔ اطلاعات شاهدی روشن در اثبات این شعار محوری مردم آزادهٔ ایران است که «ما می‌توانیم»

با آرزوی سعادت و سلامت برای حجت‌الاسلام والمسلمین دعایی مدیر فرهیخته و همچنین همکاران سختکوش مؤسسهٔ اطلاعات.

و من الله التوفیق

معاون مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۸۴/۹/۱– **علیرضا مختارپور**



بسمه تعالی

توفیق دیدار از روزنامه اطلاعات و در محضر اســـتاد گرامی جنـــاب آقای دعائی و همکاران خدوم و تلاشـــگر متقارن با دههٔ مبارک فجر انقلاب اســـلامی فرصت مغتنمی بود برای احترام به پیشگامان توسعه اطلاعات و دانائی در کشور تاریخی ایران، جامعهٔ امروز جامعه دانایی محور است و جمعیت جوان ما پیشگام در تولید، اشاعه و ترویج اطلاعات و دانائی‌اند مؤسسه اطلاعات هم در گذشته جلودار ترویج دانائی و معرفت بوده اســـت و همه با حضور ســـرور گرانقدر جناب آقای دعائی به تبعیت از سیرهٔ نبی اکرم(ص) که رسالت اصلی آن تعلیم و تربیت و بسط علم و دانائی بوده است شایسته تقدیر مضاعف است.

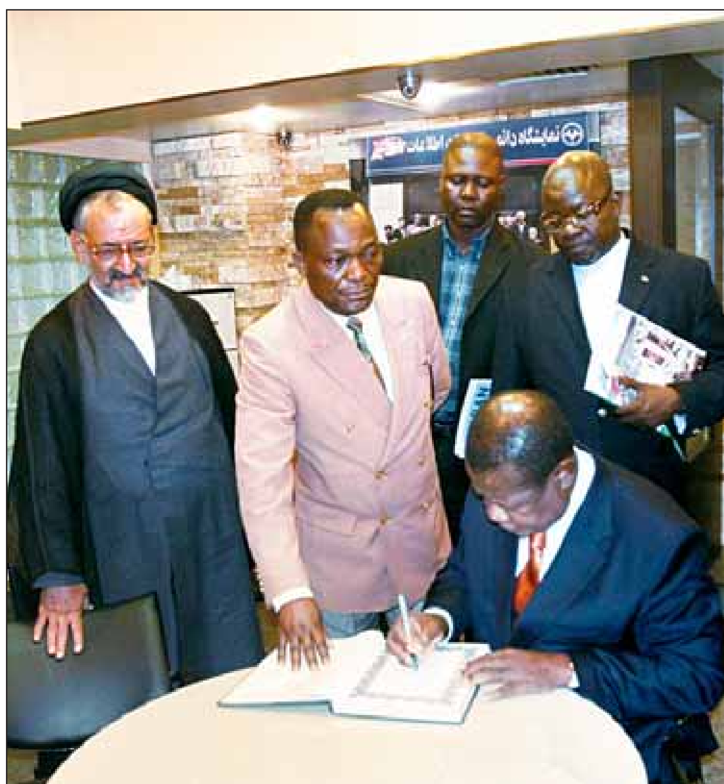
امید است باتوجه به اعتبار و وجه ملی روزنامه اطلاعات همیشه در توسعه دانائی و آگاهی جامعه بویژه جوانان میهن اسلامی سربلند و موفق باشند.

با احترام رحیم عبادی

۸۲/۱۱/۲۰



۱۳۸۲ شمسی – از چپ به راست: سید کمال‌الدین محمدیان، مهندس علیرضا حبیبی‌مهر، رحیم عبادی، مهندس محمد جواد رفیع



A toute l'équipe
de Etela'at, toute notre
admiration et nos
encouragements pour
cette œuvre magnifique
au service de la
vérité et des intérêts
du vaillant peuple
iranien.
Téhéran, le 11 sept. 2015
Lambert Mende
(Ministre de la Communication de la RD Congo)

بدین‌وسیله مراتب تحسین و تشویق‌های گرم خود را به مجموعه‌ی کارکنان مؤسسه اطلاعات برای کار ارزنده‌شان در راه خدمت به حقیقت و منافع ملت شجاع ایران ابراز می‌کنم.

لامبر منده (Lambert Mende)
وزیر ارتباطات جمهوری دموکراتیک کنگو
تهران ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۵ (۲۰ شهریور ۱۳۹۴)



بسم‌الله الرحمن الرحیم

من و همکارانم در وزارت اطلاعات [اطلاع‌رسانی/ فرهنگ و ارشاد] کشور پادشاهی عمّان، به زیارت این سرزمین کریم و به زیارت این مؤسسه اصیل مشرّف شدیم. مؤسسه‌ای که برای آن و برای اداره‌کنندگان و کارکنانش، توفیق و پیشرفت کامل را آرزو می‌کنیم.

عبدالمنعم الحسنی، وزیر اطلاع‌رسانی و ارشاد، پادشاهی عمان.

بسم الله الرحمن الرحیم

تشرفنا أنا وزملائي في وزارة الإعلام بسلطنة عمان بزيارة هذا البلد الكريم وزيارة هذه المؤسسة العريقة التي نتمنى لها وللقائمين عليها كل التوفيق والتقدم.

عبدالمنعم الحسني
وزير الإعلام
سلطنة عمان

بسمه تعالی

بازدید از این مجتمع عظیم فرهنگی برای هر بازدیدکننده عاشق فرهنگ و اعتلای فرهنگی ایران اسلامی موجب بسی غرور و مباهات است. بی‌شـــک انجام این گام مهم جز با مدیریت فهیم و هوشمندانه حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا دعایی که موجب افتخار روحانیت معظم شیعه می‌باشند امکان‌پذیر نبود. از درگاه خداوند متعال برای این عزیز عمر باعزت و برای همه دست‌اندرکاران مؤسسه اطلاعات توفیقات بیشتر آرزومندم.

محمدحسین ایمانی

معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

۶/۱۵/



بسمه تعالی

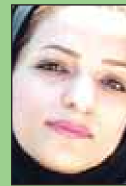
باسلام، خوشحالم که موفق شدم از غرفه ارزشمند و تأثیرگذار اطلاعات بازدیدی داشته باشم. برای برادر عزیزم حجت‌الاســـلام دعائی و همه دست اندرکاران و تلاش گران این موسسه ارزشمند سعادت و موفقیت بیشتر را در خدمات موثر فرهنگی و رسانه‌ای خواستارم.

محمدرضا عارف

۹۴/۸/۱۹



یادگارنوشته دکترمحمد رضا عارف در دفتر یادبود روزنامه اطلاعات – نمایشگاه مطبوعات



ارمغان زمان فشمی



نشریه‌های مؤسسه اطلاعات از دیدگاه بازدیدکنندگان بیست و یکمین نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها

اطلاعات، آیینه تمام نمای تاریخ مطبوعات ایران

امسال، رنگ جلد دفتر نظرخواهی از بازدیدکنندگان غرفه روزنامه اطلاعات، در بیســـت و یکمین نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها، «پوست پیازی» است و یادگار نوشته‌های آن هم مثل پیاز، لایه‌لایه‌اند، گاهی تند و گاهی شـــیرین، اما در نهایت، خوشمزه!

خوانندگان وفادار

از روی این نوشته‌ها به راحتی می‌توان فهمید خوانندگانی داریم که از ســـال‌ها قبل، نشریات موسســـه اطلاعات را دنبال می‌کنند، مثل مرتضی حســـینی که نوشته است: «اطلاعات، حتی برای من که ۳ دهه از عمر خود را ســـپری کرده‌ام، یادآور دنیایی از خاطرات شیرین است. لذت خواندن دنیای ورزش، اطلاعات هفتگی و جوانان امروز هرگز از یادم نخواهد رفت».

ســـید نورالدین موسوی، ۴۹ ســـال دارد و ۲۸ سال است روزنامه اطلاعـــات و مجله اطلاعات هفتگی را می‌خواند و قبلاً خواننده دنیای ورزش هم بوده اســـت. پرویز سپاهلوی ۷۰ ساله با شـــنیدن واژه اطلاعات، به ۶۰ سال پیش باز می‌گردد؛ زمانی که منتظر چاپ اطلاعات کودکان بوده است تا صفحه «هوکی پابوکی، آن مرد قدرتمند» را بخواند.

ســـید مرتضی زریـــن کیا، ۴۵ ســـال اســـت روزنامه اطلاعـــات را می‌خواند. او می‌نویســـد: «من بـــا اطلاعات به میانســـالی رســـیدم. هر ســـال برایتان می‌نویسم و خسته نباشید می‌گویم. اگر زنده باشم، ســـالی دیگر، یادداشتی دیگر خواهم نوشت.»

یدالله سهامی، از سال ۱۳۵۷ تا کنون، ۳۷ سال است که به‌طور دائـــم روزنامه اطلاعات را می‌خوانـــد و آن را روزنامه‌ای بدون سانسور می‌داند.

محمد سینجلی، ۶۷ ســـاله، متولد محله سرچشمه تهران و بزرگ شده سرآسیاب دولاب، نیم قرن است با مطبوعات آشنایی دارد، یعنی از همان دورانی که پدرش ترشـــی فروشـــی داشته اســـت. او می‌نویســـد: «روزنامه اطلاعات بسیار عالی است، به ویژه مطالب آقای خانی و نوشـــته‌های دکتر فیاض بخش، فتح‌اله آملی و صفحه ۶، من مقالات این صفحه‌ها را به همسایه‌ها نشان می‌دهم».

باقر یکتا با بیان خاطراتی از دوران سردبیری شمس آل احمد در روزنامه اطلاعات می‌نویسد: «سال‌ها پیش در انتشارات رواق، نزد آقای آل‌احمد کار می‌کردم. چند بار از طرف ایشـــان خدمت آقای دعایی رسیدم و یک بار هم ایشان را در مشهد دیدم».

آقای عبدالهی به کارکنان مؤسسه اطلاعات خدا قوت گفته و نوشته است: «از گذشته با شما بوده‌ام، از زمانی که روزنامه‌های شما را سر چهارراه‌ها می‌فروختم تا الان که روزنامه‌ها و مجلات شما را می‌خوانم».

پیغام‌های نسبتا شخصی!

بعضی‌هـــا پیام شـــان را صرفا خطاب به یـــک یا دو نفر از مسئولان یا نویسندگان موسســـه اطلاعات نوشته‌اند. آقای ســـوخکیان برای مهندس حبیبی مهر، مدیر فنی روزنامه، پیغام گذاشته و نوشته است: «از غرفه آن موسسه محترم بازدید به‌عمل آمد، امید که همیشه سایه تلاشتان مستدام باشد».

علیرضاهاشـــمیان پور معتقد است که روزنامه اطلاعات با وجود آقای علی محمدهاشـــمی (مدیر امور توزیع و فروش) و آقای تهرانی (مدیر امـــور مالی) رونق دارد. یکی از مخاطبان روزنامه اطلاعات که خواهان استفاده بیشتر از مقالات ارزشمند دکتر اســـلامی ندوشن است، از کریم فیضی، نویسنده تحریریه، با عنوان «جوان بسیار مستعد، باســـواد و پرتلاش» یاد می‌کند.

آقای توکلی نوشته است: «من با روزنامه اطلاعات توسط آقای جلال رفیع آشنا شدم. او مرا از ســـقوط به دامن منافقان نجات داد».

محمدرضـــا غلامپور، خطاب به آقـــای دعایی، گلایه‌ای طنزآمیز از آقای هاشمی کرده و نوشته است: «ایشان خودکار خود را به من قرض نداد تا برایتان بنویسم که از گذشته به واسطه اعتیاد پدرم به مطالب جوانان امروز، مشتری دائم شما شده ایم. از خانم مقدم، مسئول غرفه مؤسسه اطلاعات تشکر می‌کنم که با رویی گشاده خودکارشان را به من قرض دادند تا اینها را بنویسم!»

تنوع محصولات مطبوعاتی در موسسه اطلاعات

فرهاد اسفندیاری ـ روزنامه نگار پیشکسوت، در یک کلام می‌نویســـد: «فقط و فقط روزنامه اطلاعات در صدر مطبوعات ایران مستدام می‌درخشد، والسلام!».

اقدس رضایی ـ ۵۶ ساله، ساکن شـــهران، می‌گوید: «من روزم را با روزنامه اطلاعات شـــروع می‌کنم و حالم با روزنامه شـــما بهتر می‌شود، بخصوص صفحه سیاسی آن و سرمقاله‌های آقای خانی.»

دکتر مهدی صادقی شـــاهدانی ـ رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) می‌نویسد: «مجموعه اطلاعات، علاوه بر سابقه طولانی زمانی، دارای تنوع محصولات نشر است که کمتر مجموعه‌ای چنین تنوعـــی را دارد. فصلنامه علمی ترویجی این مجموعه، قابل ارتقا به فصلنامه علمی پژوهشی است.»

سید محســـن طباطبایی ـ دبیر انجمن علمی اقتصاد شهری ایران نیز می‌نویسد: «پیشنهاد می‌شود فصلنامه سیاسی- اقتصادی اطلاعات، از وزارت علوم، تحقیقـــات و فناوری مجوز علمی پژوهشی دریافت کند تا فعالان رسمی عرصه‌های دانشگاهی با سرعت، کیفیت و کمیت بیشتری، بیش از پیش به علاقه‌مندان و مخاطبان این روزنامه بپیوندند».

انتقادها و پیشنهادها

عمران فروغی مهر، خواســـتار تجدیـــد چاپ اطلاعات جوانان ســـال ۱۳۳۸، اطلاعات ماهانه سال‌های ۱۳۲۷، ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹، اطلاعات کودکان و چاپ نقدهای سیدحسن صدر حاج ســـیدجوادی به صورت کتابی مستقل است و می‌افزاید: «ستون گفتگوی تلفنی قطعاً در تاریخ به یادگار خواهد ماند، ولی لطفاً تاریخ ضبط پیام‌ها را دســـت کم در آخرین پیام مشخص کنید تا خواننده بداند نوبت چاپ پیامش رسیده است یا خیر؟ در ضمن لطفاً شـــخصی را مأمور بفرمایید که جای «را» (علامت مفعول بی واســـطه) را در جملات به درستی تعیین کند. در هرحال «را» همـــواره باید قبل از فعل بیاید، نه بعد از آن. به قول مرحوم دکتر محمدرضا درخشـــان در کتاب درباره زبان فارسی، «را» باید در نزدیک‌ترین محل ممکن به متعلق خود واقع شود».

وی همچنین می‌نویسد: «لطفا ضمیمه‌های روزنامه اطلاعات را طوری چاپ کنید که امکان صحافی آنها باشد، زیرا در حال حاضر صفحات وسط ضمیمه، جای خالی و سفید برای تەدوزی یا اره کشی را ندارد».

ف. خطیبی کـــه روز خود را با روزنامـــه اطلاعات آغاز می‌کند، نوشته است: «به تازگی قدری دلسردی و روحیه منفی در روزنامه احساس می‌شود. خواهشمندم از مقالات دلسردکننده و انرژی منفی دوری کنید. ســـایر رسانه‌ها به قدر کافی سعی در مأیوس کردن مردم دارند. لطفاً راجع به امراض لاعلاج و صعب العلاج این قدر مطلب ننویسید و مطالب تخصصی پزشکی را به مطبوعات تخصصی واگذار کنید. ضمیمه دانش بسیار تخصصی

روزنامه اطلاعات بزرگترین دائره المعارف تاریخ ایران بوده و خواهد بود

لیلا مسعودی

است و برای بیشتر مخاطبان قابل درک نیست. ضمیمه ادب و هنر را فقط به هنرمندان درگذشته اختصاص ندهید و به زندگان هم بپردازید».

آقا یا خانم فتحی درباره مجلاتی که توسط موسسه اطلاعات چاپ می‌شود، نظر داده و نوشته است: «اطلاعات هفتگی به‌تازگی جهت گیری‌های سیاسی پیدا کرده و حتی مسایل سرگرم‌کننده آن، خشک و خسته کننده شده است. جوانان امروز واقعا برای خودش ملغمه‌ای شده است از افکار گوناگون که خواننده را گیج می‌کند و به جای مسایل اجتماعی و فرهنگی سرگرم کننده، جهت‌گیری‌های سیاسی پیدا کرده است».

دوست دیگری نوشته است: «داستان‌های زندگی در مجله اطلاعات هفتگی دروغ است یا دست کم نویسنده نمی‌تواند آنها را به واقعیت نزدیک کند. غلط‌های دستوری هم دارد که از قدیمی‌ترین مجله خانوادگی ایران بعید است». البته خواننده دیگری نوشته است: «من رویای چاپ شدن مطالبم در مجله اطلاعات هفتگی را داشتم که به وقوع پیوست».

اکبر عابدی اشلقی نوشته است: «در صورت امکان، نامه‌های خوانندگان را کامل یا کامل‌تر چاپ کنید».

انرژی‌های مثبت

علیرضا شهبازی به قول خودش، «برای دیرپاترین روزنامه ایران» نوشته است: «این روزنامه هم اخلاق را حفظ می‌کند و هم قلمش زیباست و هم اگر نقدی دارد، سازنده است، نه تخریب کننده؛ روزنامه‌ای که سال‌هاست حرمت یاران انقلاب را نگه می‌دارد. دوستتان دارم!».

یکی دیگر از خوانندگان روزنامه، نوشته است: «به افرادی که تازه می‌خواهند روزنامه خوان شوند، توصیه می‌کنم که روزنامه اطلاعات را برای شروع انتخاب کنند، زیرا مطالب حاشیه‌ای در این روزنامه یا کم است یا اصلا وجود ندارد و در شرایط مناسب به مسایل حاشیه‌ای می‌پردازد».

سید محمود میرلوحی، انتخاب شیوه معتدل و حرفه‌ای روزنامه اطلاعات را روشی برای اطلاع‌رسانی توأم با تمدد و آرامش اعصاب خوانندگان آن می‌داند و می‌نویسد: «اطلاعات در عین لطافت و اعتدال، حضور به موقع و مواضع شجاعانه‌ای در انعکاس دیدگاه‌های اهل فرهنگ و سیاست دارد».

دکتر مرضیه محمدزاده و سید احمد موسوی، در یادگار نوشته مشترک‌شان، روزنامه اطلاعات را بزرگ‌ترین منادی اعتدال و وفاق در جامعه نامیده‌اند و آن را تبلوری از شخصیت مدیر روزنامه دانسته‌اند.

عبدالرضا سلیمانی نوشته است: «به راستی که گروهی اندیشمند و خردگرا گرد هم جمع شده‌اند و روزنامه‌ای را زینت می‌دهند که به دور از سیاه نمایی و هوچی گری‌های برخی روزنامه‌ها، آرامش می‌دهد و آینده‌ای روشن را رقم می‌زند».

یک دانشجو از تهران نوشته است: «شما از معدود روزنامه‌هایی هستید که اخبار را به صورت معمول (بدون القائات مثبت و منفی) می‌نویسید و برداشت از آن‌ها را به مخاطبان واگذار می‌کنید».

حسین شکراوی معتقد است هیچ‌گاه این مجموعه مطبوعاتی به سمت جناح یا حزب سیاسی خاصی گرایش نداشته و همواره در تلاش برای امیدبخشی به جامعه در عرصه اطلاع‌سانی قدم برداشته است.

آقا یا خانم اکبرنیا، روزنامه اطلاعات را به دلیل در پیش گرفتن مشی اعتدال در قضاوت‌ها و تحلیل‌های سیاسی و پرهیز از دامن زدن به اختلاف‌ها و تشتت در جامعه، روزنامه‌ای قابل تقدیر می‌داند.

در بازار مکاره مطبوعات



از آنجا که امسال جای رقیب و رفیق دیرین روزنامه اطلاعات، یعنی روزنامه کیهان، در نمایشگاه مطبوعات خالی بود، در میان پیام‌ها گاهی به این موضوع اشاره شده است. وحید تفرشی نوشته است: «پس چرا رفیق نیمه راه شدی، کیهان کجاست؟»

«یک شهروند آگاه» نوشته است: «روزنامه اطلاعات خوبی‌اش این است که مثل دیگران وارد مناسبات خطرناک نمی‌شود». یکی دیگر از خوانندگان روزنامه، عدم حضور برخی رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها را نتیجه جلوی روی مردم ایستادن آنها می‌داند.

برخی دیگر، نام رفیق گرمابه و گلستان حاج آقا دعایی را در کنار نام ایشان قرار داده‌اند و نوشته‌اند: «زنده باد دعایی، زنده باد خاتمی!» یکی از جوانان دهه ۶۰ نوشته است: «آقا سید محمود عزیز! شما برای ما جوان‌های دهه ۶۰، بوی پیر مرادمان را می‌دهی. نفست گرم!»

احمدرضا غلامی، برای طول عمر بزرگان دعا می‌کند و آنان را «پدرانی مهربان برای ایران عزیزمان» می‌نامد و محمدرضا ساعدی برای بیان دلایل ارادت اش توضیحات بیشتری می‌دهد: «به دلیل ۳ موضوع از شما و خانواده بزرگ اطلاعات، کمال تشکر را دارم. اول این که امانتدار تاریخ هستید و سعی می‌کنید آن را همان طور که هست بنویسید، دوم به خاطر پایداری بر حفظ صراط مستقیم و عدم درگیر شدن در موج‌های کف آلود و لحظه‌ای و سوم به علت مطالب تخصصی و علمی و پربار در تمامی زمینه‌ها».

ایشان اما گلایه‌ای نیز دارد: «چرا باید روزنامه وزینی مانند شما چنین کم رنگ و کم اثر و کم خریدار باشد؟ لطفا همه را به حساب خوانندگان جوزده مطبوعات نگذارید. قبول کنید که نتوانسته‌اید طلای خود را در این بازار مکاره، آن گونه که در شأن آن مجموعه است، ارائه کنید!»

خوانندگان شوخ‌طبع روزنامه

شادمان، دانشجوی سال آخر رشته ادبیات انگلیسی، به شادمانی نوشته است: «هر وقت در خانه برای سبزی پاک کردن یا شیشه تمیز کردن، روزنامه و کاغذ کم می‌آوریم، اولین انتخاب من اطلاعات است. جنس کاغذ اطلاعات بهتر است، آب را خوب جذب می‌کند و قدرت پاک کنندگی بالایی دارد. در خوابگاه هم به عنوان زیرسفره‌ای استفاده می‌شود!» او در پایان تأکید می‌کند که برخی کتاب‌های انتشارات مؤسسه اطلاعات را پسندیده و یادگارنوشته‌اش، شیطنتی بیش نبوده است!

البته خودش هم اشاره کرده است که وقتی روزنامه کم می‌آورد، از اطلاعات استفاده می‌کند، یعنی ابتدا روزنامه‌های دیگر را به کار می‌گیرد و در نهایت اگر کاغذ کم بیاورد، به ناچار به اطلاعات رو می‌آورد!

بهروز علیخانی که در مترو کار می‌کند، ضمن گلایه از این که حقوق شان را پرداخت نکرده‌اند، نوشته است:

«بیسکویت غرفه شما کم است!».

یکی از خوانندگان روزنامه رندانه نوشته است: «بیش از ۲۰ سال است هر روز، روزنامه اطلاعات را می‌خرم و فزون از ۳۰ سال است اطلاعات می‌خوانم. هرچند بر اطلاعاتم افزوده شده است، اما برای هیچ کس اطلاعاتی نشدم، درست مثل خود آقای دعایی!»

وارطان وارطانیان، با نوشته خود قصد دارد بگوید «کار، کار انگلیسی‌ها است». او می‌نویسد: «انگلیسی‌ها نمی‌فهمند که دروغگو کم حافظه است، چنان که ارامنه می‌گویند دروغ دزد و دروغ بدکاره بیش از ۴۰ روز دوام ندارد. به نظر بنده نباید به انگلیس رو داد و باید ریشه فرهنگی شان را در ایران، در منطقه و در جهان زد!».

جالب اینجاست که گاهی مخاطبان روزنامه، خودشان پاسخ همدیگر را داده‌اند و در واقع دفتر یادگارنوشته‌ها را تبدیل به تشکیلات خودگردان خوانندگان روزنامه کرده‌اند! مثلا یک نفر نوشته است: «مدیران روزنامه اطلاعات باید گاهی با یاد کردن از موسس اولیه آن، حق مرحوم مسعودی را ادا کنند». یک نفر دیگر در پاسخ به این نظر، نوشته است: «از آقای بهرام مسعودی دعوت شده بود تا در مراسم ۹۰ سالگی روزنامه حضور داشته باشند!».

همه مخاطبان روزنامه اطلاعات

روزنامه اطلاعات در میان همه اقشار مردم، طرفدارانی دارد، از جانباز آزاده، امیرعباس لطفی که از زحمات و برخورد خوب مسئولان غرفه تشکر کرده است، تا محمدحسن اصغرنیا، عضو هیأت علمی دانشگاه و مشاور هنری استادان و پیشکسوتان خوشنویسان ایران در دانشگاه تهران که نوشته است: «همچون گذشته بدون تبلیغات و تابلو و بنر و پرده، حرف حق را می‌نویسید و نه خوشبینانه و نه بدبینانه، که واقع بینانه مطالب را منعکس می‌کنید».

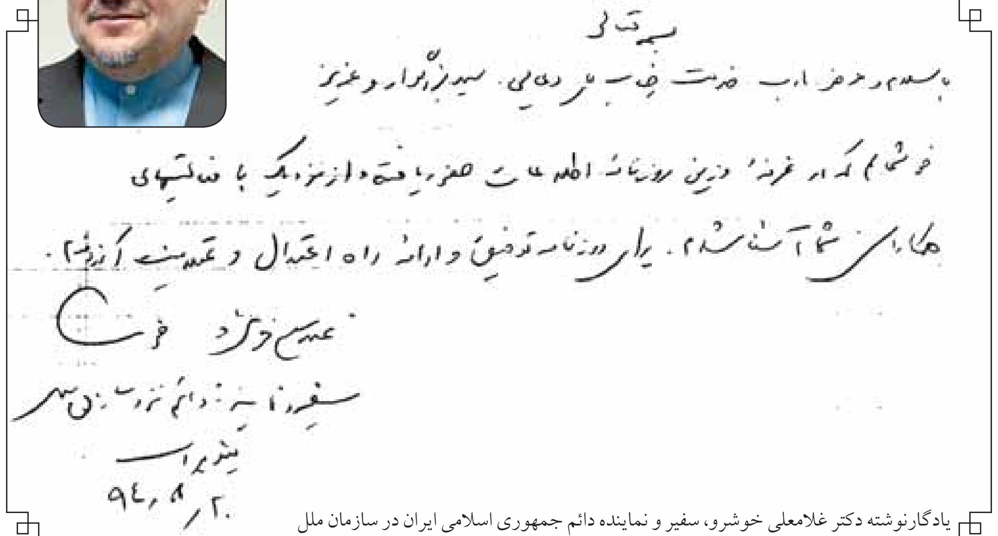
آقای اصغرنیا بعد از سلام رساندن به کارکنان مخلص و بی‌ادعای نشریات اطلاعات و توصیه به دانستن قدر «سید بلندقامت دیار قنوت و قناعت و بزرگ منشی»، کلام خود را با این بیت شعر به پایان می‌برد:

«بگذاریم که زنجیر قلم باز شود
بگذاریم که تاریخ تکانی بخورد».

حمید حاتمی ـ پژوهشگر تاریخ ورزش، حمید از کرج، آقای عبدالملکی ـ کارشناس تاریخ که از عباس و بهرام مسعودی یاد کرده است، آقای حسین نژاد ـ معلم بازنشسته، مهدی جمالی‌نژاد ـ شهردار اصفهان، سید شهاب الدین چاوشی ـ معاون سیاسی استانداری تهران، علی اصغر فانی ـ وزیر آموزش و پرورش، امیرحسین خرم ـ جانباز شیمیایی، بهروز بقایی ـ بازیگر، عبدالحسین مختاباد ـ عضو شورای شهر تهران و هنرمند، سیدمحمد مهدی رفیع پور، اصغر آذرمانی ـ رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر اصفهان، سوگند شفیعی از همدان، دکتر محمدامین قانعی راد ـ جامعه شناس، مجتبی عبدالهی ـ معاون خدمات شهری و محیط زیست شهرداری تهران، جابر انصاری و سردبیر هفته نامه پیام ساختمان که ۳۰ سال است اطلاعات می‌خواند، از دیگر کسانی هستند که به غرفه مؤسسه اطلاعات آمدند و در دفتر یادبود، جملاتی به یادگار نوشتند.

چرا پوشش نمی‌دهید؟!

بعضی از خوانندگان روزنامه، سوژه‌هایی پیشنهاد داده‌اند



بسمه تعالی

با سلام و عرض ادب خدمت جناب آقای دعایی، سید بزرگوار و عزیز

خوشحالم که در غرفه زیبای روزنامه اطلاعات حضور یافته و از نزدیک با فعالیت‌های شما آشنا شدم. برای روزنامه توفیق و ادامه راه اعتدال و تعمیق آرزومندم.

غلامعلی خوشرو

سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل

نیویورک

۹۴/۸/۲۰

یادگارنوشته دکتر غلامعلی خوشرو، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل



یادگارنوشته دکترحمید میرزاده، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی

۲۱/ ۸/ ۱۳۹۴

تا در روزنامه بیشتر به آنها پرداخته شود، از جمله عزیزانی مثل علی شـــریفی که خواسته‌اند درباره وضع معیشتی کارگران و واقعی شدن دســـتمزد آنان یا وضعیت حقوق بازنشستگان بیشتر بنویسیم. یک نفـــر خواهان افزوده شـــدن بخش طنز سیاسی به روزنامه شده است. آقای نادری تقاضای تجدید چـــاپ خاطرات حاج سیاح از سوی انتشارات اطلاعات را دارد و نوشته است: «این سفرنامه ارزشمند در هیچ کتابفروشی یافت نمی‌شود و طی این سال‌ها نیز تجدید چاپ نشده است».

یک نفر هم خواســـته است راجع به قرص برنج و مواد غذایی غیر استاندارد مطالبی چاپ شود.

شهریار شـــریعتی ـ خبرنگار ایکنا، اظهار امیدواری کرده اســـت تا بتواند در مورد فقه قرآنی و رســـالت رسانه‌های معارفی، با آقای دعایی مصاحبه کند.

الهـــام امین‌زاده ـ معـــاون حقوقی رئیس‌جمهوری به گلایه نوشـــته است: «هرچقدر در اطلاعات بین‌الملل به دنبال خبر تشویق‌های حقوقی سرمایه گذاری برای ایرانیان در خارج از کشـــور که در همایش‌ها و سخنرانی‌ها ارائه کرده بودیم گشـــتم، چیزی پیدا نکردم. چرا این قبیل خبرها را پوشش نمی‌دهید؟!».

انتقادهای متفرقه

یک نفر گله دارد که چرا ویژه نامه اول نودمین سالگرد چاپ روزنامه اطلاعات به استان خراسان‌جنوبی ارسال نشده است، اما ســـلطنت مولوی و همسرش حسین باســـتانی نژاد که هردو بازنشسته هســـتند و به تازگی مشترک روزنامه شده‌اند، از نحوه توزیع آن ابراز رضایت کرده‌اند. حسین نوروزی نوشته است: «لطفا توزیع نشریات اطلاعات در کرج را قدری سامان دهید، تا ما هم به نشاط دائم آن مشعوف شویم».

کیفیت چاپ و صفحه آرایی نیز از مسایلی است که شماری از خوانندگان، انتقادهایی نســـبت به آن دارند. «بنده خدا اکبر» نوشته است: «انتظار داریم که قدیمی‌ترین روزنامه ایران با کیفیتی بهتر چاپ شود تا آبرودار پرچمدار روزنامه‌های ایران باشد».

آقاسی زاده، پژوهشـــگر علوم ارتباطات در دانشگاه صدا و ســـیما می‌نویسد: «یکی از مســـایلی که در خواندن روزنامه اطلاعـــات، واقعا مخاطب را اذیت می‌کنـــد، طراحی قدیمی و چینش غیر حرفه‌ای اخبار و گزارش‌هاســـت و دلیل این همه ســـماجت و مقاومت در برابر تغییرات بصری و اســـتفاده از گروه‌های صفحه‌آرایی جدید برای من مشخص نیست!».

عبدالـــه میرزاجانی، اطلاعات را روزنامه معتدلی می‌نامد و می‌افزاید: «اما از نظر فرم و صفحه بندی به روز نیســـت و هنوز مانند سی ـ چهل سال پیش چاپ می‌شود. لطفا کمی به روزتر و سیال‌تر شوید».

یکی از دوستان که به ادعای خودش، ۱۰ سال سابقه رفاقت با روزنامه اطلاعات را دارد، آقای دعایی را به اسم شریف و جد عزیزش سوگند داده است که روزنامه را تغییر بدهد، اما ننوشته منظورش چه جور تغییری اســـت! اما خواننده دیگری در انتقاد خود، به قطع ضمیمه روزنامه اشـــاره می‌کند و می‌نویسد: «چرا قطع ضمیمه با قطع خود روزنامه همخوانی ندارد، یعنی نه نصف روزنامه است و نه یک چهارم آن؟»

و اما درباره قیمت‌ها...

آقا یا خانم نیازی نوشته است: «کتاب‌هایتان گران شده است. انتشارات شما تنها امید ما برای خرید کتاب با قیمت مناسب بود که آن هم بحمدالله جمع شد.» اما علی سعادت، روزنامه اطلاعات را ارزان‌ترین روزنامه ایران می‌داند.

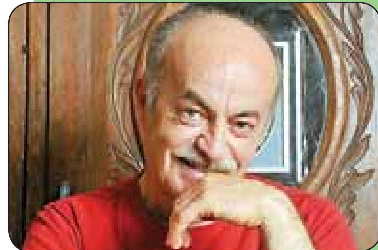
محمد توکلی طرقی، یکی از کسانی است که پیشنهاد می‌کند قیمت روزنامه افزایش پیدا کند! او می‌نویســـد: «چون پول خرد دیگر کاربرد ندارد، در کیوسک‌های مطبوعاتی به جای بقیه پول، به ما آدامس می‌دهند. من ترجیح می‌دهم کل ۵۰۰ تومان را برای خرید روزنامه بدهـــم و در عوض، روزنامه‌ای با کیفیت کاغذ و گرافیک بهتر دریافت کنم. مطمئن باشید با افزایش قیمت، شمار خریداران روزنامه هم افزایش پیدا می‌کند».

ابورشاد نیز پیشـــنهاد می‌کند قیمت روزنامه به ۵۰۰ تومان افزایش یابد و اضافه درآمد آن به مناطق محروم کشور اختصاص داده شود.

حسن ختام مطلب، شـــاید این بیت شعر معروف باشد که محمد موسی پور از کرج نوشته است:

«تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن
به دمی یا درمی یا قدمی یا قلمی!».

یادگارنوشته بهروز بقایی، بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر



بیست و یکمین نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها، سال ۱۳۹۴(مقارن با نودمین سالگرد تأسیس روزنامه اطلاعات)- روز پایانی

از راست: داود قهردار، اسماعیل محمودی، عباس تهرانی، سید علیمحمد هاشمی، رنجبری، حسن سلطان‌محمدی، سید کمال محمدیان، مژگان مقدم‌فر، محسن نیری، امیر علینقیان، سید مهدی هاشمی





نگاهی به روابط روزنامه اطلاعات با مقامات دولتی قبل از انقلاب

مصاحبه دکتر حسن حاج سیدجوادی یکی از سردبیران روزنامه اطلاعات قبل از انقلاب با محمود تربتی‌سنجابی*

س ـ شما چه سالی به سردبیری روزنامه اطلاعات برگزیده شدید؟

ج ـ در سال ۱۳۵۰ مرحوم مسعودی از نظر ملاحظات سیاسی با انتصاب من به سمت سردبیری موافق نبود اما افراد خانوادهٔ او و برخی علاقه‌مندان روزنامه به این نتیجه رسیده بودند که تعویض سردبیر و انتخاب بنده، که در آن موقع ریاست آرشیو و کتابخانه و سردبیری اطلاعات سال را به عهده داشتم می‌توانست از سقوط تیراژ جلوگیری کرده به افزایش آن کمک کند. کیهان با کسب تیراژی بالاتر از صدهزار رقیب خطرناکی بود و اطلاعات ضررهای قابل توجهی را از نظر نرخ آگهی‌های دولتی و غیره متحمل می‌شد.

س ـ من می‌دانم که در زمان سردبیری شما تیراژ اطلاعات افزایش یافت. این افزایش به چه میزان بود؟

ج ـ من به کمک خبرنگاران باتجربه و سختکوش و نویسندگان خوب اطلاعات که صمیمانه با من همکاری می‌کردند تیراژ اطلاعات را به ۱۱۲,۰۰۰ نسخه رساندم که مورد تأیید وزارت اطلاعات [۵۱ـ۱۳۵۰] و حسابرسان وزارت دارایی قرار گرفت.

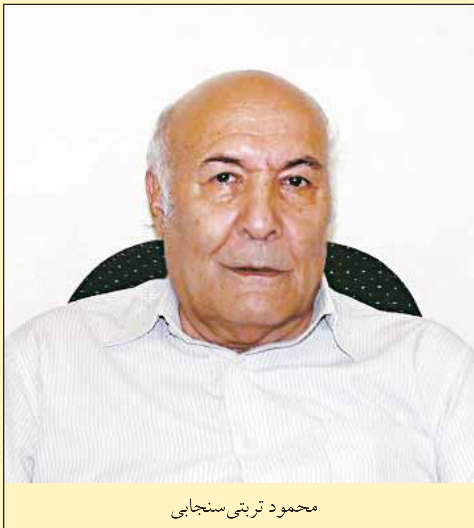
س ـ شما که در کار روزنامه‌نگاری با تعدادی از نخست‌وزیران آشنایی و تماس داشتید هویدا را در مقام نخست‌وزیری و در مقایسه با سایر نخست‌وزیران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج ـ هویدا از نظر تحصیلات و سواد و اطلاعات اجتماعی و سیاسی از دیگران کمتر نبود و بر بسیاری از آنها برتری داشت. به زبانهای فرانسه، انگلیسی و عربی مسلط بود. با زبان آلمانی آشنایی داشت ولی از نظر تجربه و کارآیی و شخصیت سیاسی و اجتماعی در سطح بسیار پایین‌تری قرار داشت. هرگز پست وزارت و پستهای مهمی چون سفارت، استانداری و نظایر آنها را تجربه نکرده بود. جز مدت کوتاهی در کابینهٔ منصور پست وزارت نداشت. استحقاق او برای پست وزارت دارایی نیز مورد تردید بود زیرا وی از اطلاعات اقتصادی کافی و تجربهٔ کاری بی‌بهره بود. برحسب اتفاق و در یک برههٔ بحرانی، هنگامی که منصور ترور شد طبق فرمان شاه به عنوان نخست‌وزیر در رأس کابینه قرار گرفت؛ حتی هیچ فرصت و اجازه‌ای برای انتخاب وزرا به او داده نشد. در مدت سیزده سال نخست‌وزیری نیز به همین صورت اجازهٔ انتخاب وزرای کابینه را نیافت. هویدا مجری فرامین و اوامر شاه بود و هرگز از اختیارات خود به عنوان نخست‌وزیر استفاده نکرد. علت دوام او در مقام نخست‌وزیری نیز چیزی جز اطاعت کورکورانه و فرمانبرداری مطلق از شاه نبود. او از نظر شاه بهترین نخست‌وزیر ایران بود. دکتر مصدق، قوام‌السلطنه و دکتر امینی که جای خود دارند، او را با حسین علاء، اسدالله علم، دکتر اقبال و حکیم‌الملک هم نباید مقایسه کرد.

س ـ در حقیقت می‌خواهید بگویید که مملکت به دست شاه اداره می‌شد و نخست‌وزیر واقعی هم شاه بود. با توجه به جوّ دیکتاتوری آن‌زمان آیا شما هویدا، نخست‌وزیر بدون اختیار را مقصر می‌دانید و مسئولیت خرابی اوضاع را به عهدهٔ او می‌گذارید؟

ج ـ آری، او به علت فرمانبرداری محض و عدم توجه به مسئولیتهایی که قانون اساسی آن‌زمان متوجه نخست‌وزیر کرده بود مقصر بود. این مطلبی نیست که من امروز پس از دگرگون شدن اوضاع و احوال بگویم. در همان‌زمان که هویدا در اوج قدرت بود من به عنوان یک روزنامه‌نگار و شهروند ایرانی این نکته مهم را به او تذکر دادم و شاهد ادعا هم آقای فریدون هویدا برادر اوست که اگر دچار فراموشی نشده باشد می‌تواند گواه صادقی باشد. جریان امر هم از این قرار است:

شبی در منزل دکتر شیرینلو، گروهی از دوستان دوران تحصیل در پاریس جمع بودند که برخی از آنها مانند دکتر نهاوندی، دکتر شادمان، دکتر علیخانی و فریدون هویدا در پستهای حساس قرار داشتند. بحث در مسائل مختلف به انتقاد از وضع مملکت در زمینه‌های مختلف کشیده شد. مرحوم شیرینلو و بنده نمونه‌های گوناگونی از وخامت اوضاع، نارضایی شدید مردم و سیاستهای غلط دولت را در مسائل داخلی و خارجی مطرح کردیم و وقوع بحرانهای شدید مخصوصاً خطر شورویها و عوامل داخلی آنها را گوشزد نمودیم. فریدون هویدا که با دقت به سخنان ما گوش می‌داد و حرفی نمی‌زد فردای آن روز با دکتر شیرینلو تماس گرفت و خواهش کرد که در ملاقاتی با هویدا ما عقاید و نظریات و انتقادات خود را بازگو کنیم. گرچه از نظر ما این کار بی‌فایده بود ولی به اصرار او قبول کردیم.


محمود تربتی‌سنجابی



دکتر حسن حاج سیدجوادی

در گفتگوی مفصلی که مدت سه ساعت به طول انجامید ما با صراحت و بدون پرده‌پوشی همهٔ مسائل را مورد بحث قرار دادیم. هویدا که خود را به شدت خوشبین نشان می‌داد و هیچیک از کاستیها و مشکلات را مهم تلقی نمی‌کرد معتقد بود ما سیاه‌نمایی می‌کنیم و مشکلات و مفاسد را بزرگتر از آنچه هست جلوه می‌دهیم. اما بالاخره وقتی او را با استدلال و منطق و شواهد گوناگون در بن‌بست قرار دادیم، مسیر گفتگو را به بحث دربارهٔ راه‌حلها کشانید و عقاید ما را جویا شد. وقتی راه‌حلهای پیشنهادی ما را به دقت گوش کرد سری به علامت یأس تکان داده به عکس شاه اشاره کرد و با زبان بی‌زبانی گفت: نمی‌گذارد! من در پاسخ گفتم: آقای هویدا این حرف را روزی از شما قبول نخواهند کرد!

هویدا، که از شنیدن این حرف به سختی ناراحت شده بود گفت: تهدید می‌کنی؟!

طبیعی بود که من قصد تهدید نداشتم و حقیقتی را بیان کرده بودم که چند سال بعد خود او آن را با تمام وجود لمس کرد!

هویدا نه تنها در برابر شاه بلکه در برابر توقعات و دستورات خلاف برادران، خواهران، دوستان و اطرافیان شاه ضعیف عمل می‌کرد و جز اطاعت از آنها کاری انجام نمی‌داد.

در یکی از مصاحبه‌ها که به مناسبت نهمین سال صدارت با او داشتیم وی گفت: «من اگر نخست‌وزیر هم نباشم مهم نیست». این جمله را در عنوان مصاحبه گذاشتیم. اطرافیان به او گفته بودند که شاه ممکن است از این حرف عصبانی شود و او به شدّت ناراحت شده و درصدد برآمده بود که به صورتی آن‌را جبران کند.

در یک گفتگوی دیگر من جملات تملّق‌آمیز او نظیر رهنمودهای داهیانهٔ شاهنشاه و غیره را حذف کرده بودم. هادی هدایتی که به علت بی‌لیاقتی از پست وزارت آموزش و پرورش به مشاورت تنزّل کرده بود به هویدا گفته بود در سخنان شما هیچ تعریف و تمجیدی از شاه نشده و نویسنده در این زمینه سوءنیت داشته است. هویدا از این سخن چنان دچار وحشت شده بود که بلافاصله موقعیتی پیدا کرده به شرح رهنمودهای داهیانه و رهبریهای خردمندانهٔ شاه پرداخت.

س ـ آقای دکتر، چنان‌که می‌دانید بین هویدا و عباس مسعودی مدیر روزنامهٔ اطلاعات کدورت و دشمنی وجود داشت. علت آن چه بود؟ آیا این اختلاف، در تیراژ روزنامه و نرخ آگهیهای دولتی و وضع روزنامه تأثیر داشت؟

ج ـ آری اختلاف بین آنها وجود داشت ولی دشمنی هویدا با مسعودی در وضع اطلاعات تأثیر زیادی نداشت. من خود نیز در همین زمینه تردید داشتم. به همین سبب هم پس از اشتغال به کار سردبیری به دیدن هویدا رفتم و به او اطمینان دادم که هیچ مطلبی در اطلاعات براساس دوستی و دشمنی و اغراض شخصی چاپ نخواهد شد و من خود را در اجرای این شیوه، مسئول احساس می‌کنم. شاید تذکر این نکته لازم باشد که اصولاً شرط من هنگام قبول پست سردبیری، دارابودن استقلال کامل و نیز عدم دخالت مدیر روزنامه در مسئولیتهای سردبیر بود.

هویدا که با چند تن از نویسندگان و خبرنگاران اطلاعات آشنایی و حتی دوستی داشت ابراز تمایل کرد که از اطلاعات بازدید کند و به پیشنهاد من ناهار را در رستوران اطلاعات صرف نماید. او با قبول دعوت ناهار، آن را مشروط بر عدم حضور مسعودی کرد. من که در محذور عجیبی قرار گرفته بودم به ناچار موضوع را با مدیر روزنامه در میان گذاشتم. برخلاف تصور من او [مسعودی] در نهایت خونسردی با موضوع برخورد کرد و گفت مهم نیست من روز قبل از آن به ویلای خود در شمال خواهم رفت و شما با فراغ بال میهمانی را برگزار کنید. اما هویدا از آن شرط منصرف شد. شاید عدم حضور صاحب مؤسسه را برای خود موهن دانسته بود. بدین ترتیب ناهار با حضور مسعودی در محیطی دوستانه صرف گردید و تا حدودی از شدت اختلافات کاسته شد.

س ـ علت این اختلاف چه بود؟

ج ـ علت این اختلاف دقیقاً برای من روشن نیست. چون مسعودی به قدری مردم‌دار و مقید به رعایت ادب و احترام افراد بود که تصور نمی‌رفت شخصاً مورد عداوت و دشمنی کسی باشد اما موقعیت سیاسی او بالطبع انگیزهٔ دوستیها و دشمنیهای بسیاری برای او بود.

س ـ در این مورد شما چه فکر می‌کنید؟

ج ـ می‌دانید برخی از شخصیتهای متنفذ نظیر علم وزیر دربار و اقبال و اغلب سناتورها با هویدا میانهٔ خوبی نداشتند و مسعودی نیز که در زمرهٔ آنها و از دوستان آنها بود طبعاً به آنان وابسته بود. شاید برخی اقدامات او در این جهت هویدا را نسبت به او بدبین کرده بود. از طرف دیگر مسعودی روابط صمیمانه‌ای با شیوخ عرب و امیران خلیج‌فارس برقرار کرده و در اختلافات و مسائل سیاسی از جمله مسئلهٔ بحرین مستقیماً از سوی شاه به او مأموریت داده می‌شد. او نیز بدون توجه به مسئولیتهای دولت نه تنها با وزیر خارجه بلکه با نخست‌وزیر هم تماس نمی‌گرفت. حتی از جانب خود و مؤسسه اطلاعات، شیوخ عرب را به ایران دعوت می‌کرد. این امر نیز می‌توانست از علل اختلاف عمیق بین این دو بوده باشد. اما به نظر من این اختلاف، مورد شخصی نبود. هویدا در اصل با هر دو روزنامهٔ عصر یعنی اطلاعات و کیهان میانهٔ خوبی نداشت. در همان موقع طرحی برای دولتی کردن اطلاعات و کیهان در دست مطالعه بود که شاه نیز نسبت به آن ابراز تمایل کرده بود. در این جریان، مرحوم مسعودی هویدا را به عنوان محرک اصلی معرفی می‌کرد ولی طرح ملی کردن یا دولتی کردن این دو روزنامه از مرحلهٔ مطالعه جلوتر نرفت و هیچوقت به صورت جدی مطرح نشد.

پی‌نوشت:

* متولد قزوین، لیسانسیه ادبیات و زبان فارسی (دانشگاه تهران)، فوق‌لیسانس ادبیات فرانسه (پاریس)، دکترای ادبیات تطبیقی (دانشگاه پاریس «سوربن»)، نویسنده و روزنامه‌نگار و مترجم، سردبیر روزنامه اطلاعات و اطلاعات هوائی و اطلاعات سال، رئیس آرشیو و کتابخانه، استاد دانشگاههای تهران، مدرسهٔ عالی پارس، مدرسهٔ عالی شمیران، دانشگاه آزاد.



عکس‌ها و نوشته‌هایم در «اطلاعات» (۱۳۹۴ـ۱۳۳۷)

حبیب کریمی (روزنامه‌نگار قدیمی)

اشاره

* هنگامی که دومین ویژه‌نامه نودمین ســـال انتشار مستمر اطلاعات به‌دست رسید و در بخش خاطرات دو مقاله خویش را با عکسهایم دیدم که یکی از آنها مزین به تمثال روانشاد منصور تاراجی یکی از سردبیران ادوار گذشته اطلاعات بود و دیگری زنده‌یاد صارمی خبرنگاری که در افغانستان به شهادت رسید، توســـن خاطراتم به پرواز درآمد. یاد اولین نوشته‌ام در مجله اطلاعات کودکان در ســـال ۱۳۳۷ شمسی افتادم. مطابقت عکسی که در ویژه‌نامه نودمین سال (۱۳۹۴ شمسی) از من چاپ شـــده با عکسی که در سال ۱۳۳۷ در مجله اطلاعات دختران و پسران درج گردیده بود، مرا به فکر فرو برد.

گذر ۵۷ سال، شوخی نیســـت. اگرچه قبل از آن در سال ۱۳۳۵ هنگامی که دانش‌آموز کلاس پنجم دبستان بودم در اقتراحی شرکت کردم که مجله آسیای جوان که هر هفته چاپ و منتشر می‌شد ترتیب داده بود و از کودکان دبستان می‌خواست تا به این پرسش پاسخ دهند که مدرسه بهتر است یا خانه؟ و برای اولین بار عکسم با نظرم در آنجا درج گردید، اما در ســـال ۱۳۳۷ برای نخستین بار بود که پایم به یک موسسه مطبوعاتی و در ۱۳ سالگی زمانی که دانش‌آموز سال اول متوسطه در دبیرستان جلوه بودم به عنوان خبرنگار افتخاری ـ رسید.



مسئول انتشارات کانون دانشجویان

آقای حبیب‌اله کریمی دانشجوی دانشکده بازرگانی و عضو کانون دانشجویان بسمت مسئول انتشارات و تبلیغات کانون دانشجویان منصوب و بوزارت اطلاعات معرفی گردید.

چند هفته بعد اولین نوشته‌ام که خبری درباره دبیرســـتان جلوه بود در صفحه خبرنگاران درج گردید. در ســـال ۱۳۳۸ عکسم به‌عنوان خبرنگار افتخاری در کنار دیگر خبرنگاران مدارس چاپ شد و نوشـــتن خبر به‌عنوان خبرنگار افتخاری تا سال ۱۳۴۱ که به مدرسه دارالفنون رفتم در مجله اطلاعات کودکان ادامه داشت.

در اینجا بجاست از زنده‌یادان عباس مسعودی، بهرام افرهی، خسرو ذوالفقاری که راهگشای من در تداوم روزنامه‌نگاری در هفت‌سال حضور در مجله اطلاعات کودکان بودند به نیکی یاد کنم.

همزمـــان با حضور در مدرســـه دارالفنون همکاریم با این مجله به‌واسطه اشتغال به تحصیل آنهم در رشته ادبی که بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود به‌ظاهر قطع شد، اما مطالعه روزنامه اطلاعات که از سال ۱۳۳۲ آنهم به کوشش روانشاد پدرم مرحوم علی اصغر کریمی خریداری می‌شد ادامه داشت و این روند تاکنون دقیقاً ۶۲ سال است که تداوم دارد.

* دومیـــن بار که عکســـم در روزنامه اطلاعات به‌چاپ رســـید مربوطه به سال ۱۳۴۵ بود که روانشاد مســـعود فقیه بازیگر تئاتر و سینما و نویسنده و خبرنگار روزنامه اطلاعات باعث و بانی آن شـــد. آن‌موقع من در کلاس‌های آزاد روزنامه‌نگاری درس می‌خواندم و با مسعود (که نوهٔ مرحوم میرزا طاهر تنکابنی فیلســـوف بود) رفاقتی داشتم.

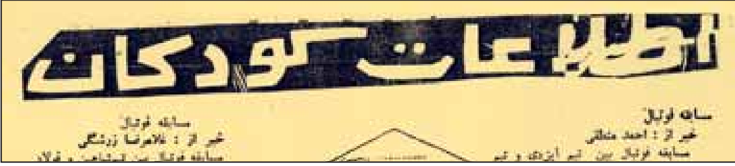
مقابل دانشگاه تهران کانونی برای دانشجویان برپا بود که عصرها در آن شب شعر و موسیقی و بحث و تبادل درباره موضوعات روز مطرح بود. من و مســـعود عضو آن کانون شدیم و به تشویق مسعود دوره‌های سخنرانی و پرسش و پاسخ مطبوعاتی دایر کردیم. از مدیران و سردبیران و نویسندگان و شاعران آن دوران دعوت می‌کردیم تا در این آیین حضور یابند. کما هو حقه برگزاری این مراسم با استقبال دانشجویان برپا شد و مدیر کانون برای آنکه این موضوع تحقق رسمی یابد مرا به سمت مسئول روابط عمومی و سخنگو و رابط با مطبوعات معرفی کرد.

مسعود هم عکس مرا که همزمان در دانشکده بازرگانی تحصیل می‌کردم در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۰ دیماه ۱۳۵۴ (شماره ۱۲۱۷۱) به‌چاپ رساند.

دفعه سوم که نامم در روزنامه اطلاعات درج شد مربوط به پذیرفته شدگان در آزمون گویندگی صدا و ســـیما بود که جزو برگزیدگان آنها یکی هم من بودم و از نام‌های آشنای دیگر حسین محبّ اهری بشـــمار می‌رفت. گرچه به گفته جلال مقامی (دوبلور وصدا پیشـــه مشهور) که عضو هیأت داوران بود، صدایم برای گویندگی مناســـب بود، اما نفر بعد از من که نامش کاویانی بود و پدرش، آنموقع جزو گزارشگران صدا و سیما محسوب می‌شد، دعوت به‌کار شد. و من کنار ماندم.

ولی درج نامم در روزنامه اطلاعات که از ۸ سالگی با آن آشنا شده بودم و در ۱۳ سالگی به صحن و سرای روزنامه به عنوان خبرنگار افتخاری راه یافتم، جالبتر به‌نظر رسید.

در ســـال ۱۳۸۴ که به عنوان دبیر اجتماعی اقتصادی مجله ماهانه صنعت نســـاجی و پوشاک فعالیت می‌کردم به‌دنبال درج خبری در روزنامه اطلاعات که ضمن آن، آمده بود که آقای سید محمود دعایی سرپرست روزنامه اطلاعات از عباس مسعودی بنیانگذار اطلاعات در سالروز انتشار روزنامه اطلاعات تجلیل به عمل آورده، به‌همین خاطر غلیانی در من بواسطه وابستگی روحی‌ام به اطلاعات به‌وجود آمد و مقاله‌ای را که توام با عکس مرحوم منصور تاراجی سردبیر وقت اطلاعات بود برای مجله مزبور نوشتم، که شرح آن در پی می‌آید:



اطلاعات کودکان

مسابقه فوتبال
خبر از: احمد منطقی

مسابقه فوتبال
خبر از: غلامرضا زرشگی



مسابقه والیبال
خبر از: حبیب‌اله کریمی

مسابقه فوتبال
خبر از: ناصر امامی

مسابقه پرش
خبر از: احمد منطقی

خبر از: کاظم لیک رفتار (تبریز)



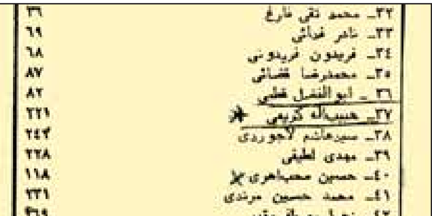
بسمه تعالی

اسامی پذیرفته شدگان مرحله اول گویندگی

پیرو آگهی مورخ ۶۲/۱۱/۲۹ و آزمون برگزار شده در تاریخ ۶۳/۲/۲۸ بدینوسیله اسامی قبول‌شدگان مرحله اول به شرح زیر اعلام میگردد.

از افراد قبیلع تقاضا میشود جهت دریافت کسارت و تعیین تاریخ ارزیابی صدا و تصویر در روزهای دوشنبه ۶۳/۴/۱ و سه‌شنبه ۶۳/۴/۲ به امور استخدام سازمان واقع در خیابان آمریکا ـ نبش بلوار ناهید ـ ساختمان شماره ۲ مراجعه نمایند.

ردیف نام	نام خانوادگی	شماره کارت
۱ـ محمد تقی آقائی‌راد		۷۵
۲ـ ژیلا احمدی		۲۵۱



۳۲ـ محمد تقی فارغ	۳۶
۳۳ـ ناصر غرائی	۶۹
۳۴ـ فریدون فریدونی	۶۸
۳۵ـ محمدرضا قشائی	۸۷
۳۶ـ ابوالفضل قطبی	۸۲
۳۷ـ حبیب‌اله کریمی	۲۲۱
۳۸ـ سیدهاشم لاجوردی	۲۴۴
۳۹ـ مهدی لطیفی	۲۲۸
۴۰ـ حسین محب‌اهری	۱۱۸
۴۱ـ محمد حسین مرندی	۲۳۱



خبرنگاران ما که درسال گذشته بامجله همکاری داشته‌اند

شماره مخصوص اطلاعات کودکان

این حرکت زیبا و دلپذیر ستودنی است!...

حبیب کریمی

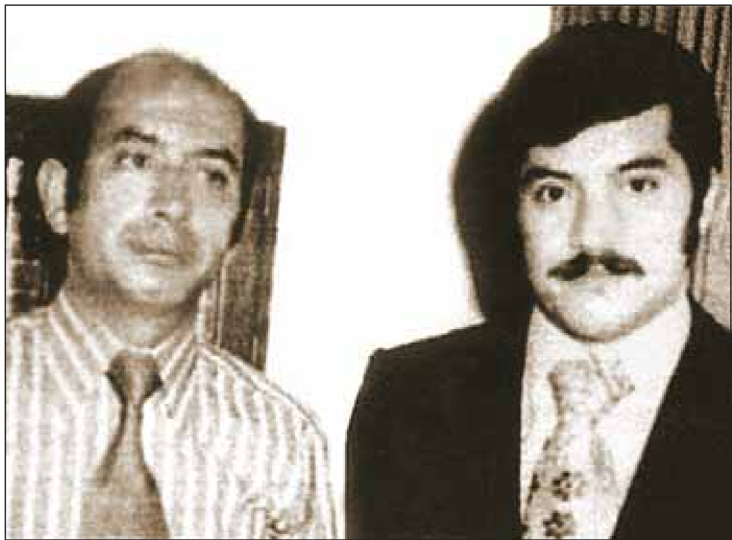
هر روزنامه‌نگاری مثل من که اینک دهه شـــصت زندگی را طی کرده و در سال اولیه دهه هفتاد باز هم می‌نویسد چرا که به قول آن روزنامه نویس غربت‌نشین، نویسندگی «ویری» است که به جان آدمی می‌افتد و تا مرحله مرگ دست بردار او نیست، مثل تمامی روزنامه‌نگاران در همه نقاط جهان نوشـــتن را از جایی شروع کرده‌اند، مثلا در ایران، خیلی‌ها با کیهان بچه‌ها، تهران مصور کوچولوها، اطلاعات کودکان و یا دختران و پســـران آغاز کردند که اتفاق قضیه، این نگارنده دقیقا این مســـیر را از ســـال ۱۳۳۴ تا به حال ادامه داده و همچنان و اینک که در صنعت نساجی می‌نویسد و به همین دلیل نوعی رغبت، علاقه، دلبســـتگی و به عبارتی، شیفتگی زائدالوصفی در نهان و درون احساس می‌شـــود که مثلاً او که پنجاه ســـال پیش اطلاعات یومیه و اطلاعات هفتگی و اطلاعات جوانان و اطلاعات دختران و پســـران (کودکان) و اطلاعات بانوان را دیده و با بسیاری از آنها هم کار کرده و حـــالا هم که برخی از آنها را هر از چند گاهی می‌بیند، دیدن این مطبوعات که او و امثالهم عمری را در پشت میز تحریریه و پای گارسه حروفچینی و حال و هوای چاپخانه و اتاق پر از دود و اشباع شده از سیگارکشـــی همکاران جوان و یا مسن‌تر از او طی کرده‌اند، غنجی را بر دل می‌نشاند که نوشتن و پرداختن به آنها و سال‌های پشت ســـر حوصله و وقت و فرصت بسیار می‌خواهد اما، پنجشنبه شـــب بیست و سوم تیرماه ۱۳۸۴، روزنامه اطلاعات ضمیمه‌ای دلپذیر و خواندنی داشت مربوط به هشتادمین سالروز انتشار این نشـــریه که خیلی‌ها بزرگ‌ترهایی فراتر و برتر و دانشمند و ادیب و فرزانه و عالم و راهبرتر از من با این نشـــریه آغاز کردند و عظمت و کبریایی این نشریه را که اکنون سراپا ایستا و پایدار است. به اوج و مترتبت متعالی رساندند.

وقتی این ضمیمه را با شـــوق و ذوق خاصی ورق زدم، ابتـــدا غنجی دلپذیر روح و روانم را صیقل داد چرا که اســـب خاطره‌ها مرا به سال ۱۳۳۷ به ســـوق آن سال کشاند که دانش‌آموز سال هفتم دبیرستان جلوه بودم و به طریقی که آن هم روزانه خواندن اطلاعات بود و از این بابت از پدرم ممنونم که با خریدن روزنامه مرا با دنیای عجیب و پیچ در پیچ مطبوعات آشنا کرد، با روزنامه مزبور آشنا شدم و در آنجا خواندم که مجله اطلاعات دختران و پسران (کودکان) خبرنگار افتخاری برای مدارس می‌خواهد و من که قبل از آن با کیهان بچه‌ها، تهرانمصور کوچولوها، آســـیای جوان، اراده آســـیا، واهمه، آتش و روزنامه‌های دیگر آشنا بودم و گهگاه در آنها مطالبی را می‌نوشتم، مشتاقانه به مؤسسه اطلاعات که آن موقع نبش خیابان خیام، مقابل قورخانه (محل فعلی مترو) و در طبقه فوقانی تعدادی از مغازه‌های آهن‌فروشـــی که هنوز هم هست گرایش یافتم و در مجله اطلاعات دختران و پســـران (کودکان) به عنوان خبرنگار افتخاری تا ســـال ۱۳۴۰ فعالیت کردم و بعد از آن به عنوان روزنامه‌نگار حرفه‌ای از قبل نوشتن و خبرنویسی و تهیه گزارش و غیره، به اصطلاح ارتزاق می‌کردم و همچنان بر اهم تاکنون ادامه داده‌ام.

اما غنجی که بر دل من نشست، حکایت از نمک‌شناسی، قدردانی، علو طبع، متانت، بزرگواری مردی به نام سیدمحمود دعایی مدیرمسئول روزنامه اطلاعات است که چگونه از تلاش و کوشش و تقلا و زحمت و رنج و مرارت مردی که اطلاعات را به وجود آورد، یعنی عباس مســـعودی، به نیکی و سخاوت هرچه تمام‌تر یاد کرده بود، گرچه از خیلی از بچه‌های همکار دیرینه‌ام که هنوز در اطلاعات هستند شنیده‌ام که او ـ یعنی دعایی ـ در ساختمان جدید مؤسسه اطلاعات در میرداماد و بزرگراه حقانی، جایگاه و یا اتاق ویژه‌ای به منظور پاسداشت و حفظ حرمت عباس مسعودی ایجاد نموده و یادگارهای او را جمع‌آوری کرده، اما حرکت پسندیده و ارزشمند و نکومنشانه او که ضمن سالگشت انتشار روزنامه اطلاعات در مجموعه‌ای از عباس مسعودی به نیکی تجلیل کرده، ستودنی، در خور اعتنا و قابل ستایش و احترام بسیار است.

... و من به عنوان کســـی که در مؤسسه اطلاعات و در نزد خیلی از اساتید و بزرگان آن زمان که بســـیاری از آنها اکنون یا در مغاک خاک فرو رفته‌اند و یا بســـیاری در هجرت هستند و برخی هم هنوز می‌نویســـند، مثل منصور تاراجی که سالها به عنوان شاگرد در جوارش بودم و صدها تن دیگر آموختم، از این حرکت دلپذیر، بزرگوارانه، ســـخاوتمندانه و در خور اعتنای ســـیدمحمود دعایی که فقط یک بار او را در جمع گروهی از نویســـندگان و خبرنگاران آن هم بعد از انقلاب و در تالار بزرگ اطلاعات به هنگام حضور نماینده دبیرکل وقت سازمان ملل متحد در ساختمان خیابان خیام مؤسسه اطلاعات از نزدیک دیدم، به سهم خود تشکر می‌کنم.

مجله صنعت نساجی/۳۱
شماره ۱۵۲ـ شهریور ۱۳۸۴



نویسنده مقاله در کنار اســـتاد روزنامه‌نگاری (دکتر منصور تاراجی) در سمت چپ (سال ۱۳۵۰ تحریریه روزنامه اطلاعات)

مرحوم عباس مسعودی مدیر و صاحب امتیاز نشریه اطلاعات بین خبرنگاران افتخاری اطلاعات کودکان – ۱۳۴۰ شمسی



ناگفته نگذارم وقتی که خواســـتم این مقاله را بنویسم تلفنی از آقای سیدمحمود دعایی درخواســـت کردم تا عکســـی از خود را به دفتر مجله ارسال نماید که توأمان با عکس تاراجی و مسعودی باشد اما مشارالیه از ارسال عکس خود امتناع نمود.

* در روز ۳ شـــنبه هفتم آذرماه ۱۳۸۵ و در شماره ۲۲۷۸۶ روزنامه اطلاعات به همت بهروز قطبی همکلاسی‌ام در دانشـــکده علوم سیاســـی و امور اجتماعی مقاله‌ای از من تحت عنوان «دارالفنون این میراث فرهنگی را ســـپاس داریم» چاپ شد و علت آن گذری به جمع گردهمائی تحصیلکرده‌های دارالفنون بود که از سال ۱۳۴۵ بعد از دریافت دیپلم از این مدرسه تا بحال ادامه دارد و در آن مقاله از بی‌توجهی ســـازمان میراث فرهنگی و وزارت آموزش و پرورش و به این میراث انتقاد بعمل آمده بود.

* اما تلخ‌ترین درج نامم در روزنامه اطلاعات مربوط به مراســـم یادبود درگذشـــت پدرم روانشـــاد مرحوم علی‌اصغر کریمی است که هر سال اول دیماه که سالروز عروج ملکوتی اوست ـ تمثال آنمرحوم در ستون یادبود روزنامه اطلاعات که همو مرا با این روزنامه آشنا کرد می‌باشد، همراه با متنی که در آن قید می‌شود هزینه‌های آئین سالروز فقدان آن روانشاد به کودکان سرطانی «محک» اختصاص می‌یابد درج می‌شـــود. نهادی که آقای سیدمحمود دعایی اخیراً در مراسمی در دانشگاه شـــهید بهشـــتی ضمن تجلیل از خانم قدس بنیانگذار آن یادآور شد حاضر است برروی چادر دست این بانو را ببوســـد! و این نشان از عظمت روحی و فکری فرزندان اصیل و نجیب کرمان اســـت که من ۴ ماه از خدمت سربازی‌ام در کسوت سپاهیگری دانش را در پادگان سرآسیاب آن دیار گذرانده‌ام و در طول ۴ ماه حضور در کرمان با جوانانی از خاندانهای ابراهیمی، ایرانمنش، منوری، موحدی کرمانی که هم لباس در پادگان بودیم آشنا شدم.

لازم به ذکر اســـت که غمگنانه این روند یعنی چاپ نامم در ستون یادبود روزنامه اطلاعات از ســـال ۱۳۸۵ تاکنون هر سال در اول دیماه ادامه دارد و تا دیماه ۱۳۹۳ که مادر روانشادم در قید حیات بود، نام فامیل آن فقید سعید هم درج می‌شد!

* نوشـــته بعدی من در روزنامه اطلاعات مربوط به ۱۳ مهر ۱۳۹۲ در شماره ۱۵۷۰۷ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۳ ضمیمه خانواده اطلاعات و تحت عنوان «طنین تلاوت قرآن در نزدیکی خرابه‌های پمپئی رم و درخشـــش نام امام رضا(ع) در ونیز» می‌شـــود که در این مقاله به حضورم همراه با دانشجویان دانشکده علوم سیاســـی و امور اجتماعی در سال ۱۳۵۵ در ایتالیا و برگزاری حلول سال نو در نزدیکی خرابی‌های پمپئی ایتالیا و قرائت سوره‌ای از قرآن کریم همزمان با حلول سال نو مربوط می‌شـــود، اشاره کرده‌ام. ضمن آنکه یادآور شدم در شهر ونیز ایتالیا یک ایرانی مقیم آن شهر یادآوری نمود که از مازاد حاصل درآمد مغازه‌اش در ونیز سالانه مبلغی را برای امام رضا(ع) تخصیص می‌دهد.

* و بالاخره تلخبارتر درج توامان عکســـهای روانشادان مرحوم علی‌اصغر کریمی (پدرم) و خانم خدیجـــه احمدی (مادرم) در شـــماره ۱۲ ـ اردی‌بهشـــت ۱۳۹۴ روزنامه اطلاعات توام با درج نامم در ذیل آن که باز هم یادآور شـــده بـــودم هزینه چهلم مرحومه مادرم به «مؤسســـه محک» اختصاص می‌یابد.

یادبود

یادبود

اول دیماه ۱۳۹۱، آغاز هفتمین سال عروج ملکوتی مرحوم مغفور خلد آشیان حاج علی‌اصغر کریمی نراقی خواهد بود که ما غمگنانه و دردناک دوری ظاهری او را در ۶ سال گذشته با تلخی و اندوه سپری کرده‌ایم.

آن شادروان انسانی متعهد و متعبد به خداوند متعال و اولیاء و انبیاء الهی بود، پهلوان نامدار ورزش‌های باستانی که از نوجوانی تا سالیانی چند قبل از رحلت، در گود مقدس ورزش باستانی با ذکر نام خدا بندگی و عبودیت خویش را در محضر پروردگار با موحدت ابراز می‌نمود.

رادمردی که از دوران نوجوانی تا کهنسالی حتی تا سالهای نه‌چندان دور قبل از رحلت، در انجام امور خیریه کمک به مستمندان، ایتام، ایجاد مدارس و هیئات مذهبی و مسجد کوشا بود.

اینک همچون همیشه در نبودش یاد او را گرامی می‌داریم و با درخواست از خدا تا هنگامی که بر این جهان گذرا چشم داریم هر روز به تصویر مهربانش می‌نگریم و در ایام سوگواری بر مزارش به احترام می‌ایستیم و هزینه‌های سالیاد رحلت ملکوتی‌اش را به کودکان سرطانی اختصاص می‌دهیم.

همسر: خانم احمدی نراقی

فرزند: حبیب

نهایتاً باز هم بدون مداهنه و تملق و چاپلوســـی با آنکه نوشته‌ام آقای سیدمحمود دعایی را چند بار فقط از دور در چند مراسم دیده‌ام ولی فرصت همکاری با مشارالیه را نداشته‌ام ـ اما از حرکت زیبا و دلپذیر و تحسین‌برانگیز مشـــارالیه در تجلیل از بنیانگذار مؤسسه چاپ و نشر اطلاعات در نود سال پیش و همکاران اسبق این مؤسسه دلشـــادم. و جالب است عنوان کنم وقتی قصد داشتم دو مقاله‌ای را که در دومین ویژه‌نامه «نودمین سال فعالیت اطلاعات» درج شد به مؤسسه اطلاعات بدهم، در نامه جداگانه‌ای که به عنوان مشـــارالیه نوشتم یادآور شدم که می‌خواهم دربارهٔ منصور تاراجی که ســـالهای دراز عمرم را با او در روزنامه اطلاعات طی کردم بنویســـم، ایشان مهربانانه و صمیمانه از طریق تلفن دستی‌ام اظهار لطف نمود و یادآور شـــد که مقاله را ارسال کنم، که این ابراز عنایت باز هم نشان از صداقت و سلامت فکری و سلیمی و دوراندیشـــی و جامع‌نگری و وسعت اندیشه کرمانی‌ها و یزدی‌های خوش‌سلیقه و اندیشمند است.

سلامت باشید.

نامه خوانندگان

عشق به اطلاعات



اینجانب سیدابوالحسن مصطفوی‌پور متولد سال ۱۳۰۳ تهران هستم. پدرم عشق فراوانی به روزنامه داشت و از میان روزنامه‌ها روزنامه اطلاعات را انتخاب کرد و منزل ما دروازه شمیران بود. یک نفر دوچرخه‌سوار روزنامه را به منزل ما می‌رساند و من هم همان روزنامه را مطالعه می‌کردم. بعدها مجله هفتگی خورشید ایران و بابا شَمَل نیز انتشار یافت که آن دو مجله هفتگی هم مورد مطالعه قرار می‌گرفت ولی روزنامه اطلاعات هیچگاه کنار نرفت و گاهی هم مجله اطلاعات هفتگی و این اواخر مجله کیهان بچه‌ها که آقای حسین فردی سردبیر آن مجله بود برای فرزندان کوچکم خریداری و مطالعه می‌شد و به هر حال از روزنامه اطلاعات در این مدت دست نکشیدم و از تاریخ پیروزی انقلاب با جمع‌آوری روزنامه به مدت ۱۳ سال به مدرسهٔ استاد مطهری تحویل می‌شد و ۱۴ سال هم به خود روزنامهٔ اطلاعات بوسیله روابط عمومی آن مؤسسه تحویل گردیده است و بار دیگر مدت ۹ سال شماره‌های روزنامه پشت نمره شده و مرتب بوسیله روابط عمومی مؤسسهٔ اطلاعات و شرکت ایران‌چاپ تقدیم شده است و جالب که بدانید ضمائم که در طول چاپ آن ضمیمه روزنامه بود بصورت کتاب و هزینه بالا در همان مؤسسه اطلاعات تنظیم و هم‌اکنون زینتبخش کتابخانه منزل است و مقدار زیادی از سال ۹۲ در منزل جمع‌آوری و آماده جلد کردن است ولی بخاطر پرهزینه بودن و تبدیل به کتاب همچنان اقدامی روی آن صورت نگرفته است. جالب است که بدانید تعداد زیادی کتاب از کتابفروشی مؤسسهٔ اطلاعات تهیه و در کتابخانه موجود است و به هر حال ارتباط من با مؤسسهٔ اطلاعات به هیچ وجه قطع نشده و تا عمرم باقی است با روزنامه اطلاعات و نشریات آن خواهم بود.

اطلاعات کودکان

۵ ریال

شماره ۱۹۰ پنجم تیرماه ۱۳۴۱

روی جلد مجله اطلاعات کودکان، شماره ۱۹۰ - تیرماه ۱۳۴۱

اطلاعات ۱۳۰۴

ویژه‌نامهٔ نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

مشاغل دیروز و امروز

آرشیو تاریخی روزنامه اطلاعات، تصویر گوشه‌های گوناگون زندگی اجتماعی ما را در قاب و قالب زمان و مکان ثبت و ضبط کرده است. آنچه اکنون در این بخش می‌بینیم، برگ‌هایی از کتاب مستطاب زندگی آدمیانی است که حیات و مماتشان در گرو کار و کوشش مداوم بوده است. جامعه دیروز ـ هر چه دورتر ـ با مشاغل و مشغله‌های ساده‌تر و به خود متکی‌تر سروکار داشته، و جامعه امروز ـ هر چه نزدیکتر ـ با مشاغل و مشغله‌های پیچیده‌تر و وابسته‌تر سروکار پیدا کرده است. آیا متناسب با پیچیدگی‌ها و وابستگی‌های ابزاری، دانش و فرهنگ و تربیت و مدیریت لازم نیز فراهم آمده است؟ برخی از ما با دیدن مظاهر زندگی دیروزمان آه می‌کشیم و افسوس می‌خوریم که چرا هر چه از آن دیروزِ ساده و پیش پا افتاده پیشتر آمده‌ایم و ظاهراً پیشرفته‌تر شده‌ایم، نارواییهای رفتاری و نادرشتی‌های اخلاقی در بازار کار و کوششمان گویی فزونی گرفته است؟ پاسخ جامعه شناختی و روانشناختی و به هر حال توضیح تجربی و علمی برای این پرسش چیست؟




پارچه فروش در بازار تهران–دوره‌قاجاریه

آب فروشی با درشکه–تهران،دهه ۱۳۱۰ شمسی





بازار امین‌السلطان – دهه ۱۳۴۰

آرایشگر – دهه ۱۳۳۰



آب زرشک فروش دوره‌گرد

دستفروشی – لوازم آرایش





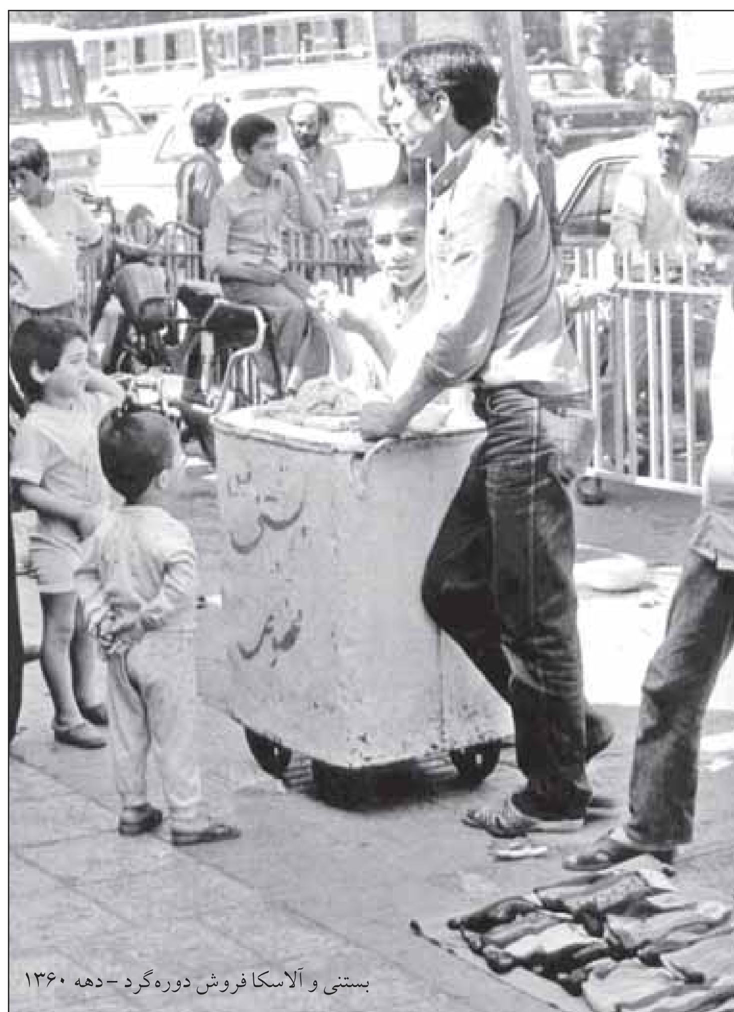
دکه آبمیوه و نوشابه فروشی – دهه ۱۳۴۰

شهربازی – دهه ۱۳۶۰





ماست‌بندی



بستنی و آلاسکا فروش دوره‌گرد - دهه ۱۳۶۰

کبابی در ییلاقات تهران – دهه ۱۳۶۰



طباخی و سیرابی – دهه ۱۳۴۰

جگرکی – کنار خیابان



گردو فروش دوره گرد



دل و جگر فروش دوره گرد– دهه ۱۳۵۰

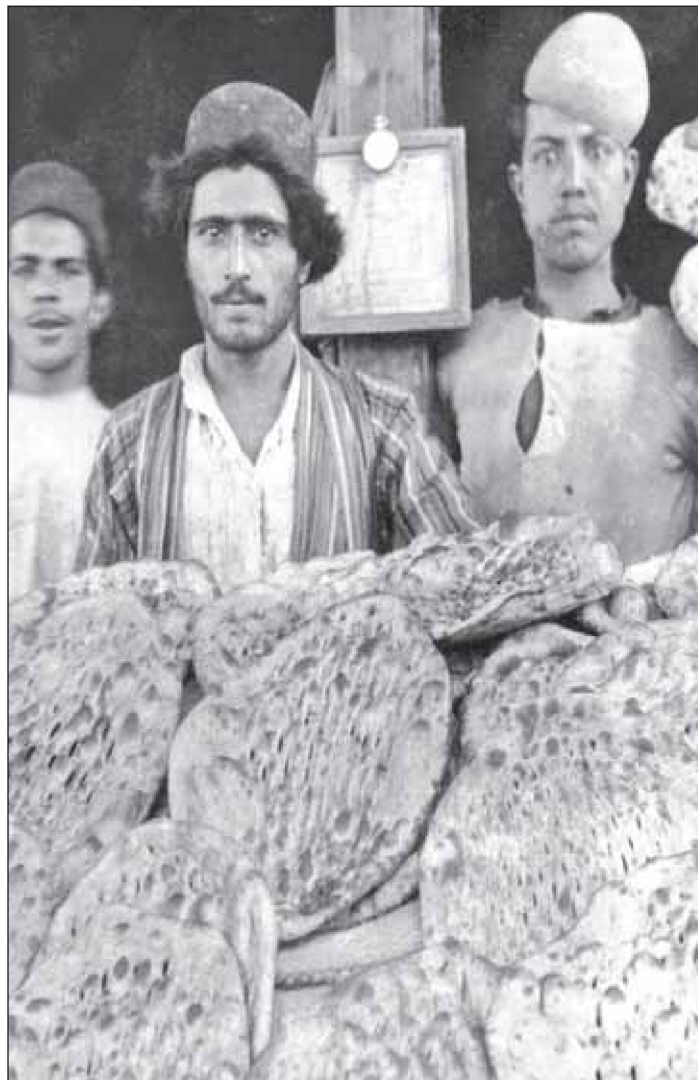




جگرکی – دوره قاجار



سبزی فروشی

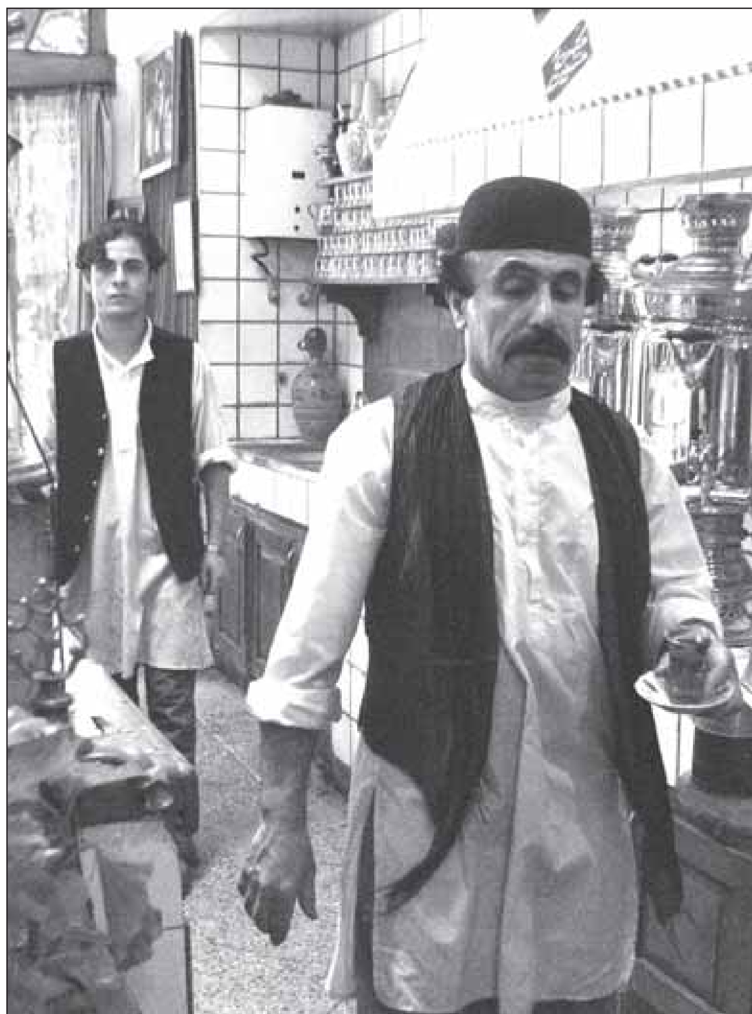


نانوایی در اواخر دوره قاجار



نان ماشینی







سفره‌خانه و قهوه‌خانه سنتی



پسرک سیگار فروش

سیگار فروش کنار خیابان





مسگری در اوایل دوره پهلوی



بازار مسگرها در اواخر دوره قاجار





بازار مسگرهای تهران







حمام عمومی در اواخر دوره پهلوی



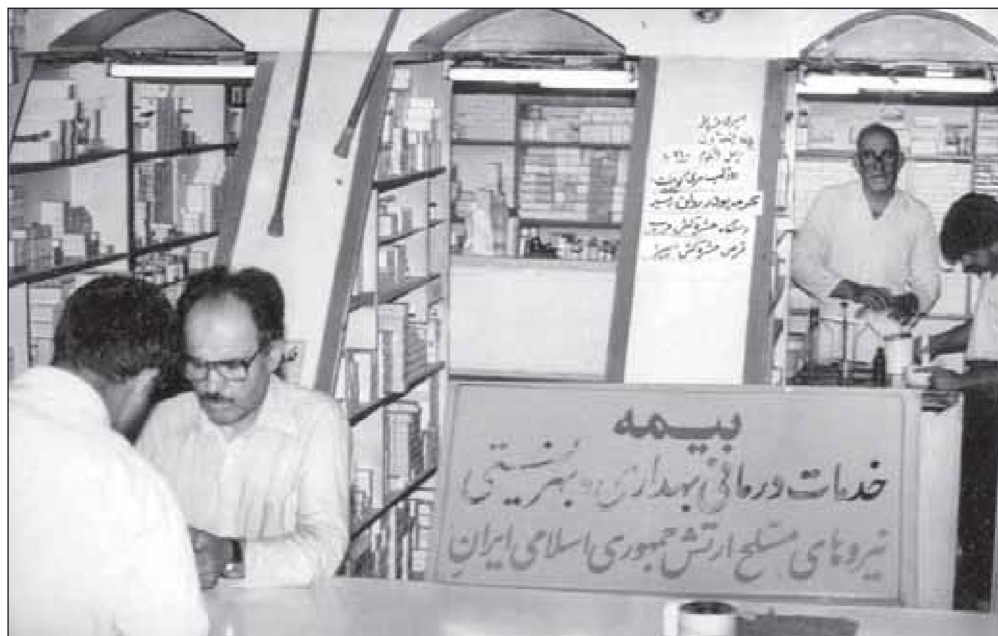
دوچرخه‌سازی – دهه ۱۳۶۰







کلید ساز و قفل ساز دوره‌گرد





داروخانه

پنبه زن دوره گرد





نفت‌فروش دوره گرد – دهه ۱۳۶۰



پمپ بنزین – دهه ۱۳۳۰ شمسی



زن کفاش در کنار خیابان

شعبه فروش نفت



شیشه‌فروشی





تعمیر کفش


سراج


کارگاه خیاطی زنانه-دهه ۱۳۵۰






کارگاه خیاطی -اواسط دهه ۱۳۴۰



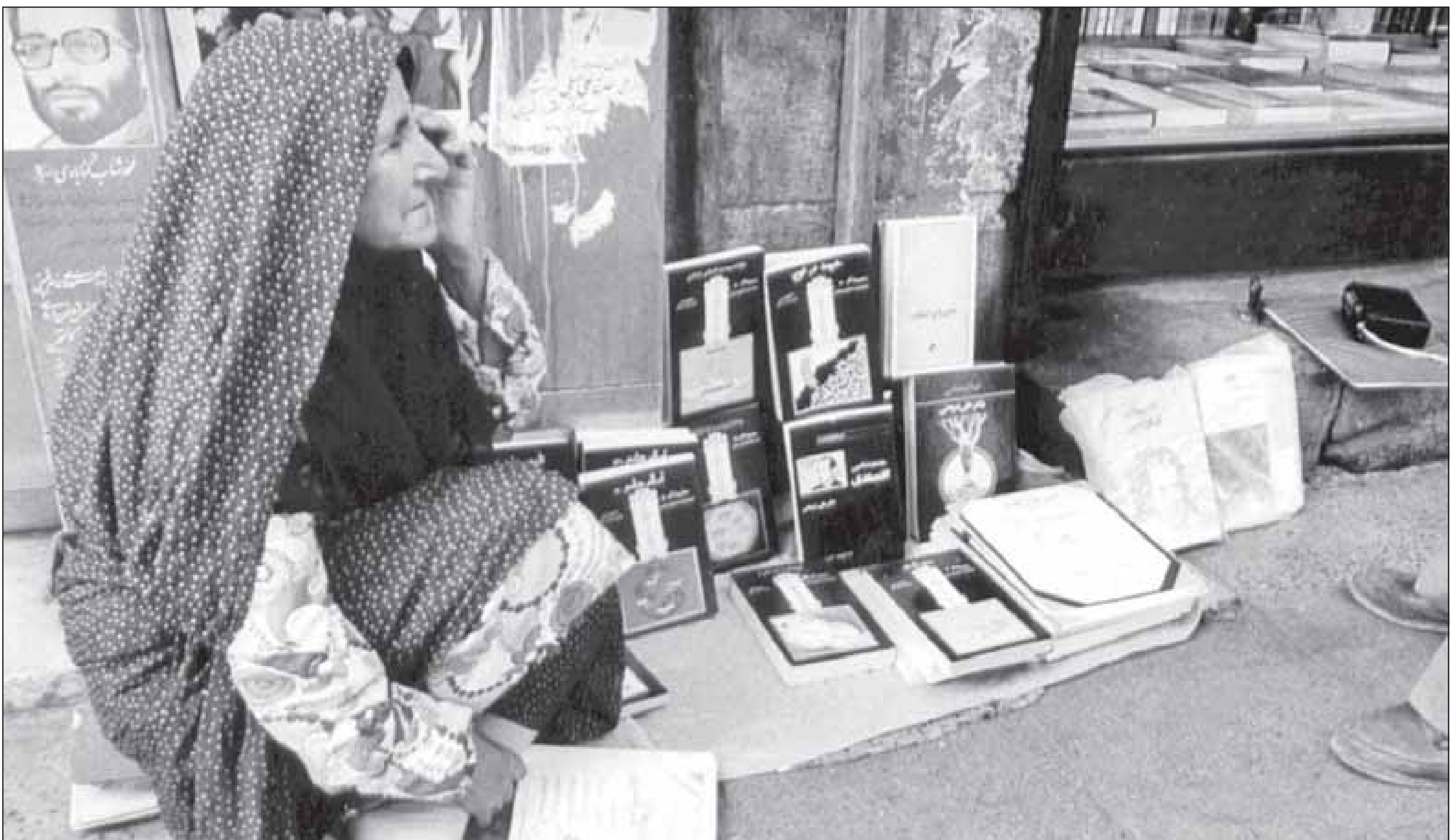
دکه روزنامه فروشی – دهه ۱۳۶۰



دکه روزنامه فروشی ،خیابان خیام
صف مردم برای خرید روزنامه
اطلاعات– دهه ۵۰



عرضه و فروش کتابهای دکتر علی شریعتی در پیاده رو جلو دانشگاه تهران



حمل و نقل مسافر با درشکه – دهه ۱۳۰۰ شمسی



ماشین دودی – دهه ۱۳۲۰ شمسی

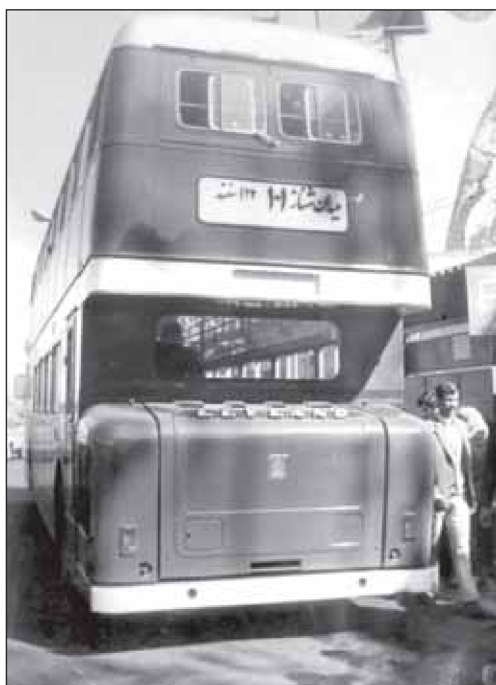




صف خرید بلیط اتوبوس شرکت واحد

اتوبوس های شرکت واحد – دهه ۱۳۵۰ شمسی





تاکسی رانی تهران –دهه ۱۳۳۰

میدان بهارستان –اتوبوس‌های شرکت واحد– ۱۳۵۰ شمسی



ویژه‌نامهٔ نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

قهرمانان ورزشی جامعه ایران

مردان المپیکی و فوتبالی





نیرودهی و نشـــاط‌آفرینی جسمی و روحی، از ویژگی‌های بارز دنیای ورزش و ورزیدگی است. نیاکان ما در روزگاران کهن، این عرصه را با عرصه تربیت و اخلاق و شـــخصیت و به عبارت دیگر با نیروی معنوی و نشاط روحانی آدمی، همپیوند می‌دانســـته‌اند. ورزش، یکی از راه‌ها بلکه یکی از رازهای زندگی و ســـرزندگی بوده است. روزنامه اطلاعات در کارنامه عمر طولانی خویش همواره به این فصل اساسی از حیات ملی چشم دوخته و آینه‌گردان موفقیت‌های جوانان قهرمانان ایران بوده است.

المپیک ۱۹۴۸ لندن

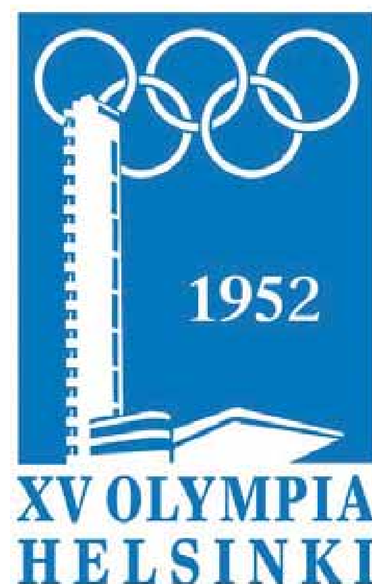


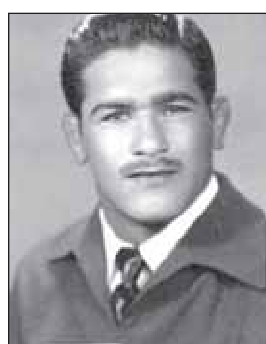




وزنه برداری: جعفر سلماسی: -۵۶ کیلوگرم - ۱۹۴۸ لندن (نخستین مدال ایران در بازی‌های المپیک)

المپیک ۱۹۵۲ هلسینکی

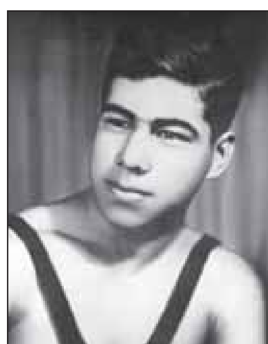




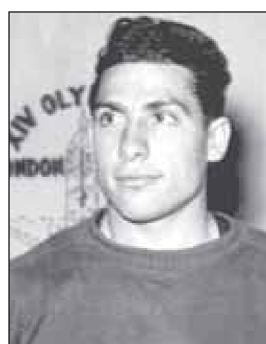
ناصر گیوه‌چی



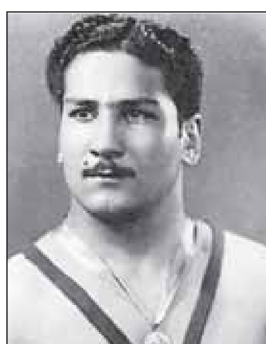
محمود نامجو



غلامرضا تختی



علی میرزائی



عبدالله مجتبوی



جهانبخت توفیق



محمود ملاقاسمی

مدال نقره

وزنه برداری

محمود نامجو: ۵۶ کیلو گرم

کشتی آزاد

ناصر گیوه‌چی : ۶۳-۵۷ کیلوگرم

غلامرضا تختی:۷۳-۷۹ کیلوگرم

مدال برنز

وزنه برداری

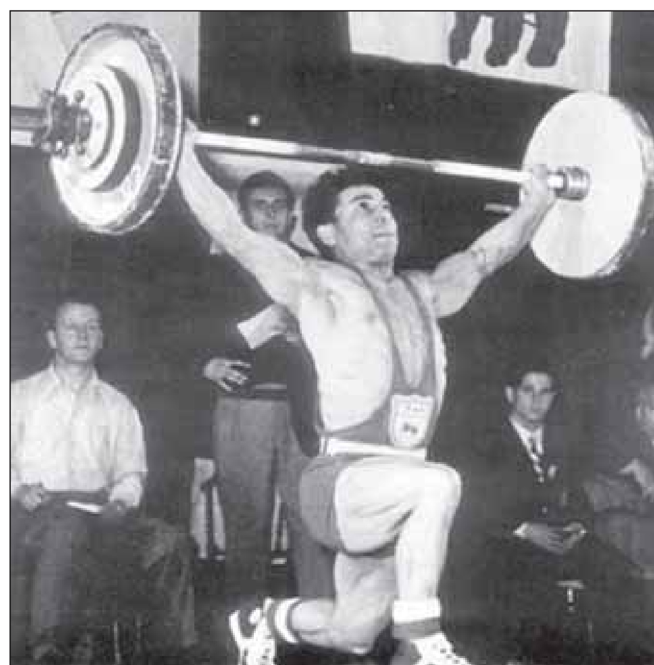
علی میرزائی: منهای ۵۶ کیلو گرم

کشتی آزاد

محمود ملاقاسمی: منهای ۵۲ کیلوگرم

جهانبخت توفیق: ۶۷ -۶۳ کیلوگرم

عبدالله مجتبوی: ۷۳ -۶۷ کیلوگرم



وزنه برداری: محمود نامجو: -۵۶ کیلوگرم - ۱۹۵۲ هلسینکی

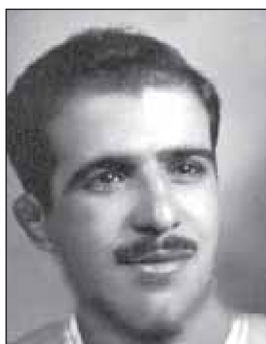
المپیک ۱۹۵۶ ملبورن

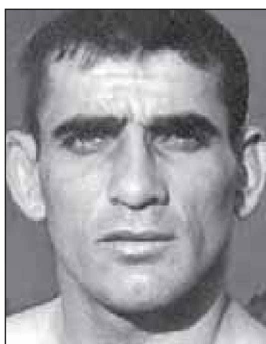


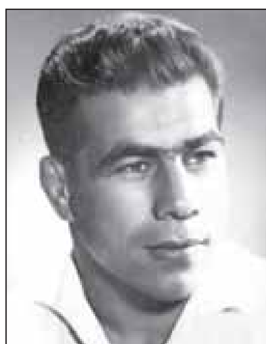
مدال برنز
وزنه برداری
محمود نامجو: ۵۶ کیلوگرم

مدال نقره
محمد علی خجسته‌پور
مهدی یعقوبی

مدال طلا
کشتی آزاد
غلامرضا تختی
امام‌علی حبیبی


محمد علی خجسته‌پور


امام‌علی حبیبی


غلامرضا تختی

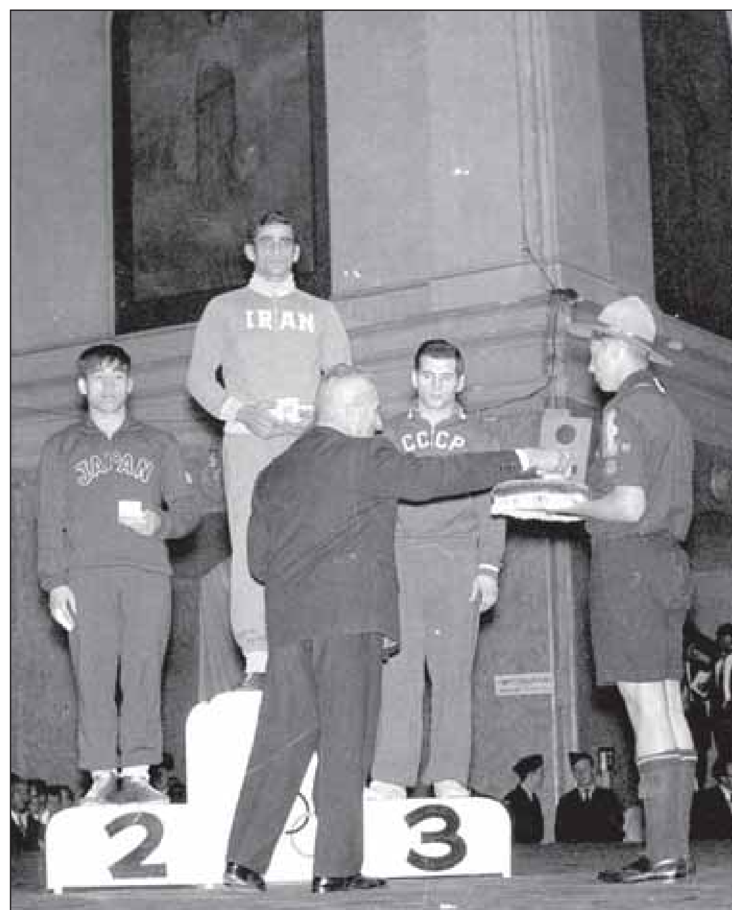

مهدی یعقوبی


محمود نامجو





جهان پهلوان تختی پرچمدار کاروان المپیک ایران در المپیک ۱۹۵۶ ملبورن استرالیا



امام‌علی حبیبی بر سکوی قهرمانی در المپیک ملبورن استرالیا

المپیک ۱۹۶۰ رم



مدال برنز

وزنه‌برداری

اسماعیل علم‌خواه

کشتی

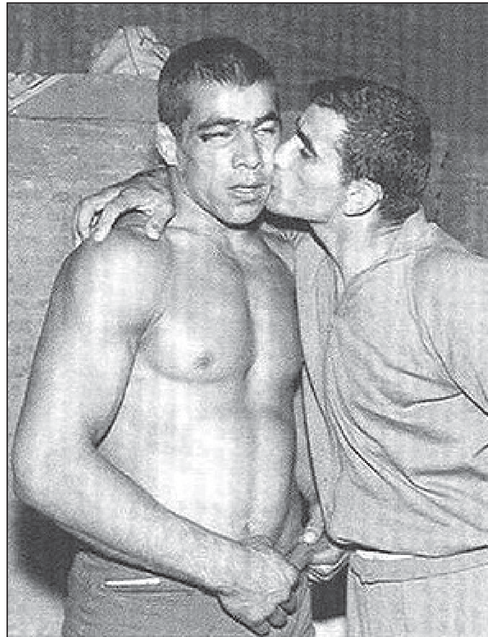
محمد ابراهیم سیف پور منهای ۵۲ کیلو

محمد پذیرایی منهای ۵۲ کیلو کشتی فرنگی

مدال نقره

کشتی

غلامرضا تختی ۸۷ کیلو



امام علی حبیبی و غلامرضا تختی، المپیک ۱۹۶۰ رم



محمد ابراهیم سیف پور



غلامرضا تختی

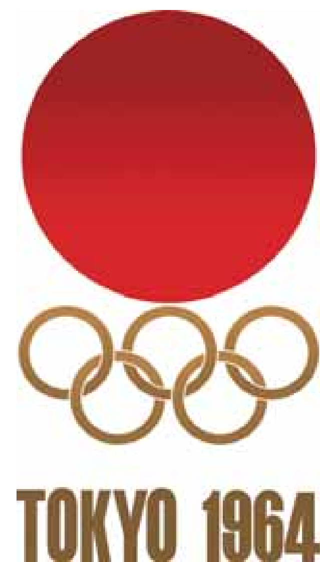


اسماعیل علم‌خواه



محمد پذیرایی

المپیک ۱۹۶۴ توکیو

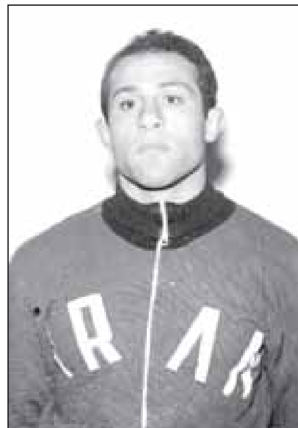


مدال برنز

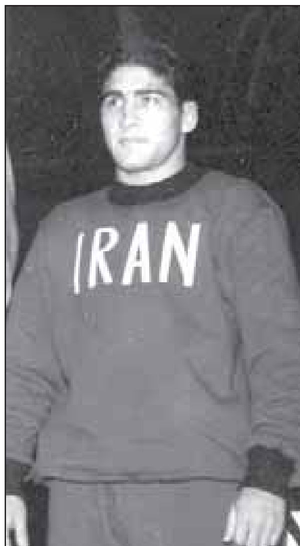
کشتی

محمد علی صنعتکاران ۷۸-۷۰ کیلو

اکبر حیدری منهای ۵۲ کیلو

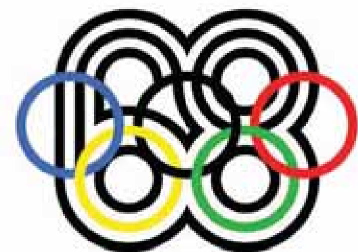


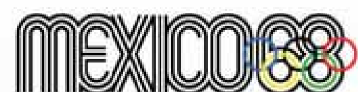
محمد علی صنعتکاران



اکبر حیدری

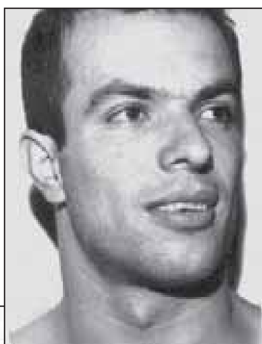
المپیک ۱۹۶۸ مکزیک



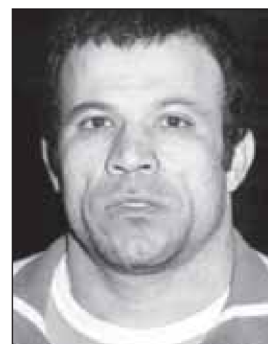


حضور موفق ایران در بازیهای المپیک ۱۹۶۸

پس از حضور ضعیف ورزشکاران ایران در بازیهای المپیک ۱۹۶۴ توکیو و کسب دو مدال برنز، این بار با حضور پر قدرت خود موفق شدند به نتایج خوبی دست یابند. هیأت ورزشی ایران متشکل از ۱۴ ورزشکار در رشته های کشتی آزاد، کشتی فرنگی، مشت زنی، وزنه برداری در این دوره از بازی ها حضور یافت که حاصل تلاش آنها کسب ۲ مدال طلا در کشتی و وزنه برداری، یک مدال نقره در وزنه برداری و همچنین دو مدال برنز در کشتی بود. ایران با کسب این ۵ مدال در بین ۱۱۲ کشور شرکت کننده مقام نوزدهم جدول رده بندی را به دست آورد که بهترین نتیجه ای بوده است که ما در طول بازیهای المپیک (طی سالهای ۱۹۹۶-۱۹۴۸) به دست آورده ایم.
در وزنه برداری محمد نصیری مدال طلا گرفت ضمن آن که پرویز جلایر، دیگر قهرمان تیم ملی وزنه برداری موفق به کسب مدال نقره بازی های المپیک شد. به این ترتیب او دومین مدال نقره المپیک را برای وزنه برداری تصاحب کرد.
در کشتی آزاد، عبداله موحد موفق به کسب مدال طلای کسب وزن (۶۸ کیلوگرم) شد. شمس الدین سیدعباسی و ابوطالب طالبی نیز به مدال برنز بازی های المپیک مکزیکوسیتی دست یافتند.
اعضای تیم ملی کشتی آزاد در بازیهای المپیک مکزیکوسیتی عبارت بودند از : محمد قربانی، ابوطالب طالبی، شمس الدین سید عباسی، عبدالله موحد، علی محمد مؤمنی، منصور مهدی زاده، فیلابی، ابوالفضل انوری.
تنها شرکت کننده در کشتی فرنگی حسین مقرب بود. تیم ملی وزنه برداری را این افراد تشکیل میدادند. محمد نصیری، پرویز جلایر، نصرالله دهنوی، دانیل گورگیز. نصراله دهنوی با مجموع ۳۶۵ کیلوگرم در پروزن ششم شد. دانیل گورگیز دیگر وزنه بردار تیم ملی جایی در میان رده بندی این وزن نداشت.
تنها شرکت کنندهٔ در دو و میدانی، جلال کشمیری بود که در پرتاب دیسک با رکورد ۵۳/۹۶ متر نتوانست به دور پایانی راه یابد و حذف شد.
به این ترتیب کاروان ورزشی ایران در بازهای المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی موفق به کسب دو مدال طلا، یک مدال نقره و دو مدال برنز شد. این نتایج یکی از بهترین نتایجی بوده که کشور ما توانسته است تا پایان سده المپیک حضور خود در بازیها کسب کند.
در مجموع از میان ۱۱۲ کشور شرکت کننده تنها ۴۳ کشور صاحب مدال شدند که در بین این تعداد، ما در رده نوزدهم جدول قرار گرفتیم.


پرویز جلایر


عبداله موحد اردبیلی


محمد نصیری

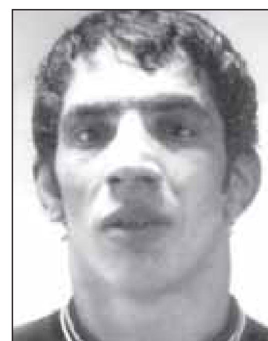

محمد نصیری بر سکوی قهرمانی وزنه‌برداری المپیک مکزیک

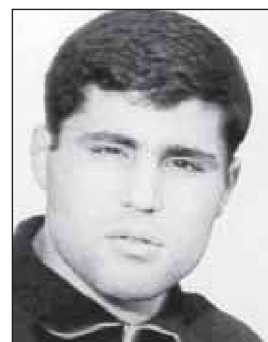


مدال برنز
کشتی
شمس‌الدین سید عباسی ۶۳-۵۷ کیلو گرم
ابوطالب طالبی ۵۷-۵۲ کیلوگرم

مدال نقره
وزنه‌برداری
پرویز جلایر ۶۰ کیلو گرم

مدال طلا
وزنه‌برداری
محمد نصیری ۵۶ کیلو گرم
کشتی
عبداله موحد


شمس‌الدین سید عباسی

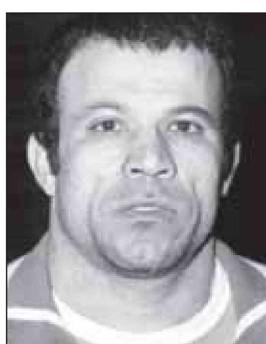

ابوطالب طالبی

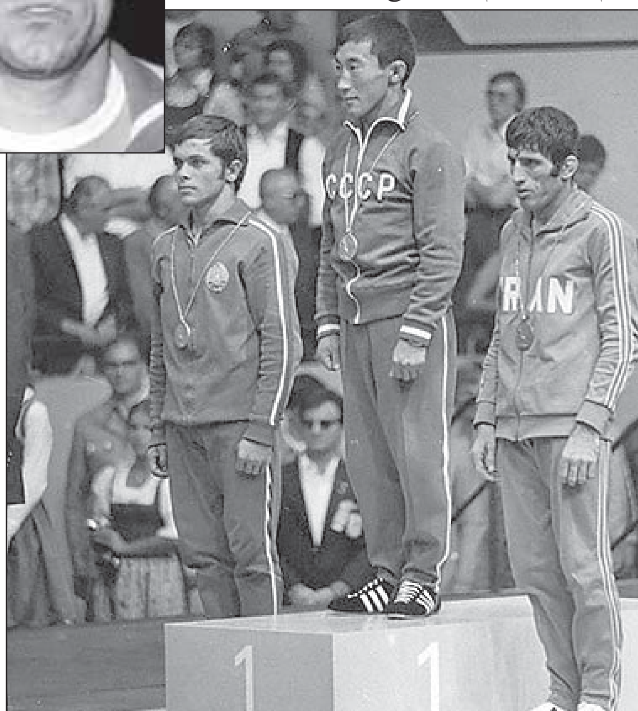
المپیک ۱۹۷۲ مونیخ

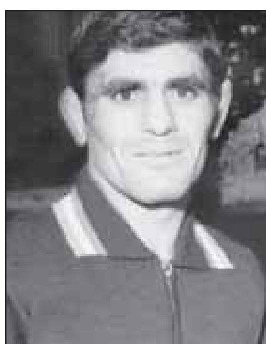


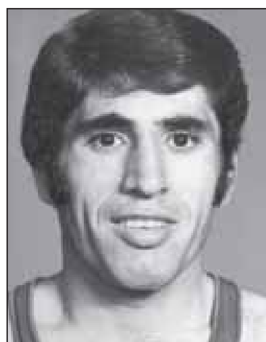
مدال برنز
کشتی آزاد
ابراهیم جوادی ۴۸ کیلوگرم

مدال نقره
کشتی فرنگی
رحیم علی آبادی ۴۸ کیلوگرم
وزنه‌برداری
محمد نصیری ۵۶-۵۲ کیلو گرم


محمد نصیری


ابراهیم جوادی نفر سوم المپیک مونیخ


رحیم علی‌آبادی

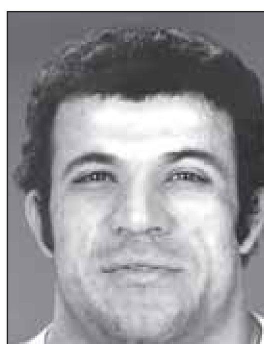

ابراهیم جوادی

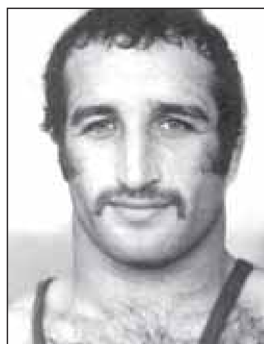
المپیک ۱۹۷۶ مونترال



مدال برنز
وزنه‌برداری
محمد نصیری ۵۲ کیلوگرم

مدال نقره
کشتی
منصور برزگر ۷۴-۶۸ کیلوگرم


محمد نصیری

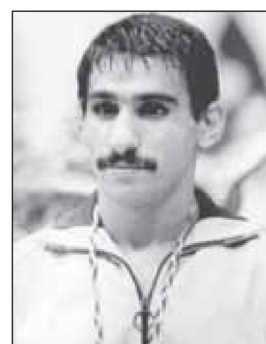

منصور برزگر


منصور برزگر در مصاف با حریف خود

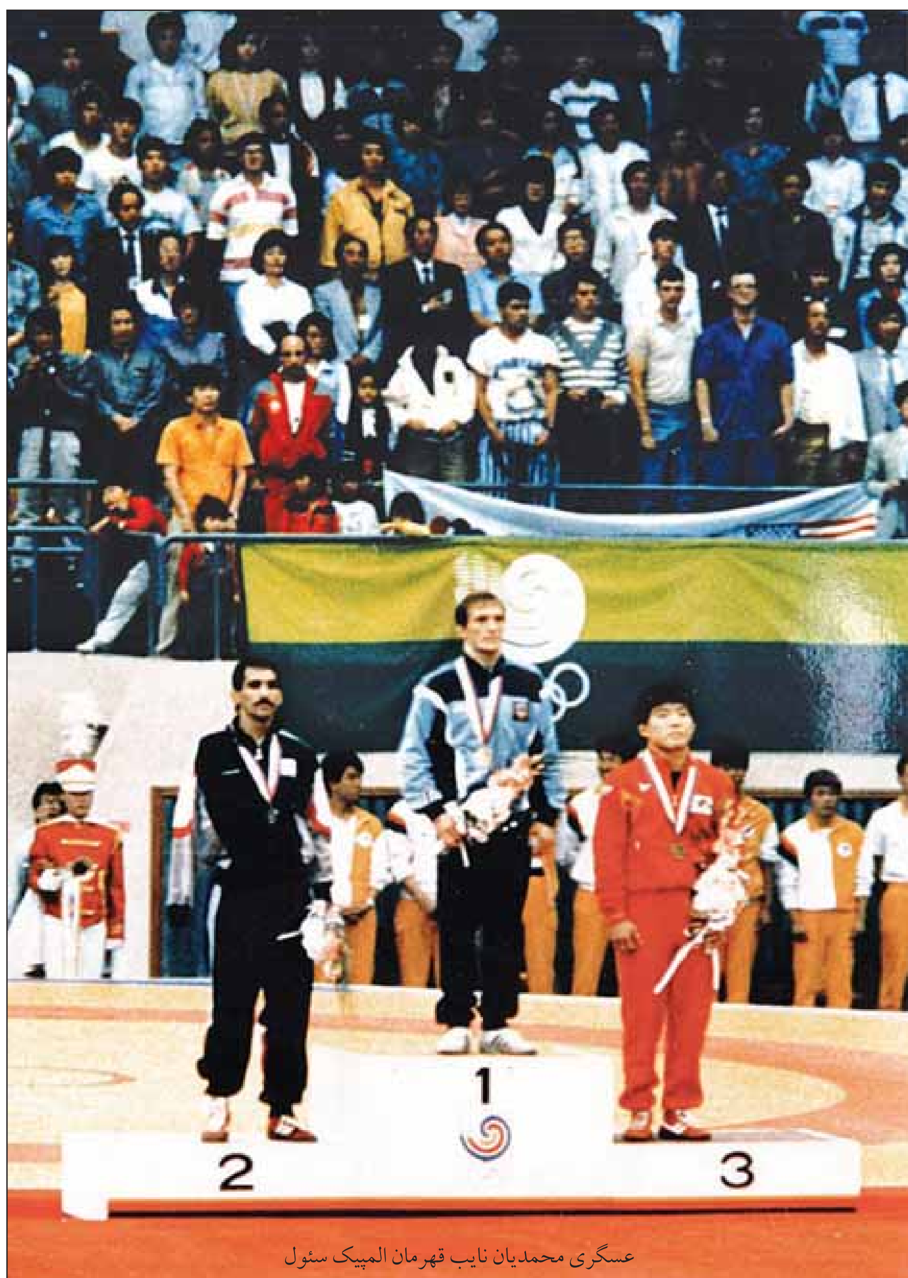
المپیک ۱۹۸۸ سئول






عسگری محمدیان

مدال نقره
کشتی
عسگری محمدیان ۵۷-۵۲ کیلوگرم


عسگری محمدیان نایب قهرمان المپیک سئول

المپیک ۱۹۹۲ بارسلونا

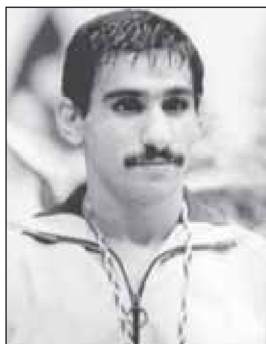


مدال نقره
کشتی
عسگری محمدیان ۶۲-۵۷ کیلوگرم

مدال برنز
کشتی
امیررضا خادم ۷۴-۶۸ کیلوگرم
رسول خادم ۸۲-۷۴ کیلوگرم


امیررضا خادم


رسول خادم


عسگری محمدیان

المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا

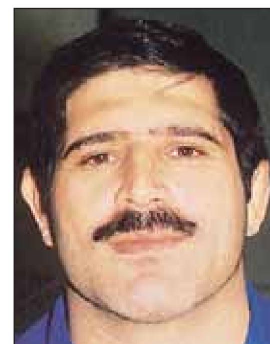


مدال طلا
کشتی
رسول خادم
۹۰-۸۲ کیلوگرم

مدال نقره
عباس جدیدی
۱۰۰-۹۰ کیلوگرم

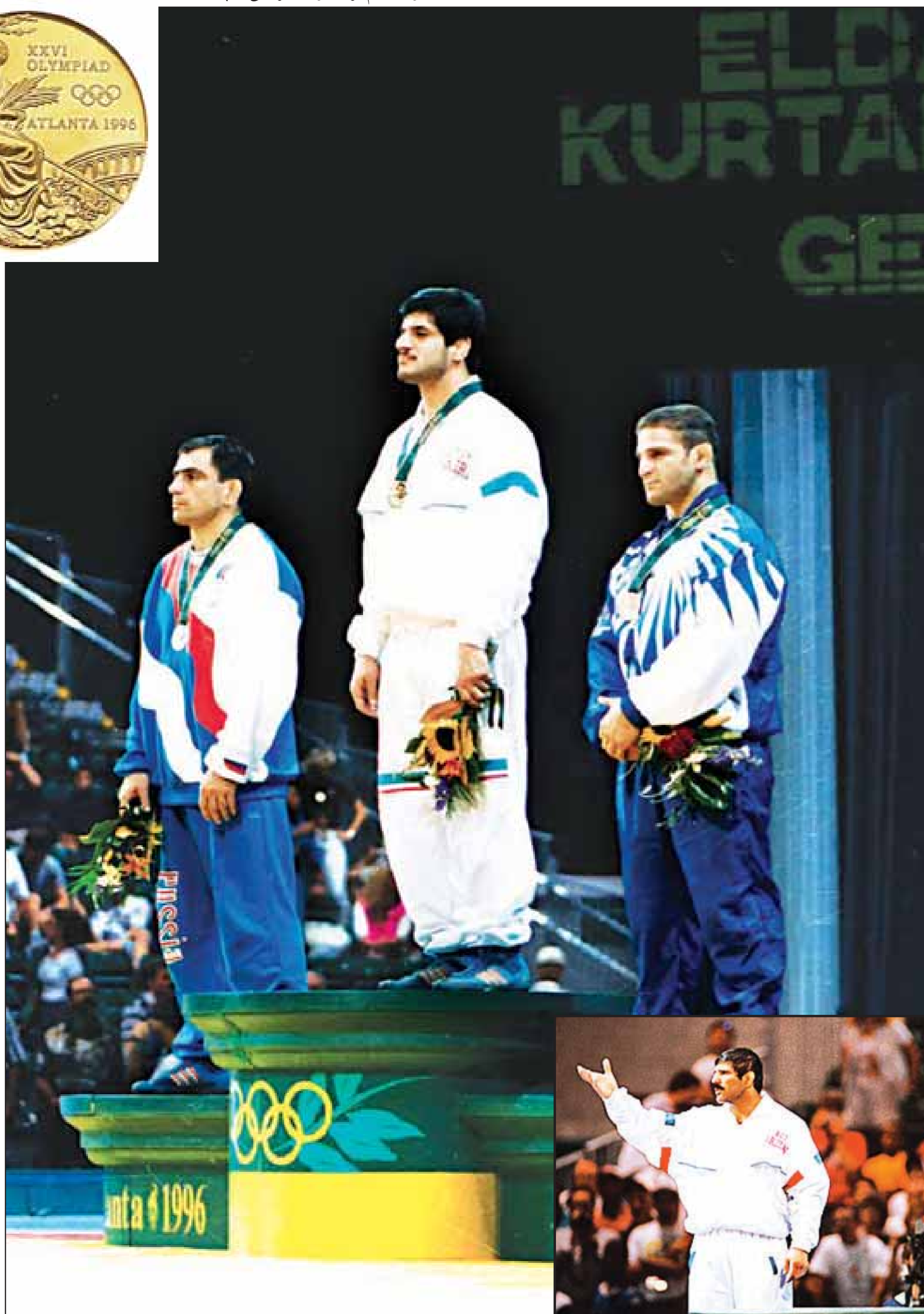
مدال برنز
امیرضا خادم
۸۲-۷۴ کیلوگرم


امیر خادم


عباس جدیدی

رسول خادم بر سکوی قهرمانی المپیک آتلانتا





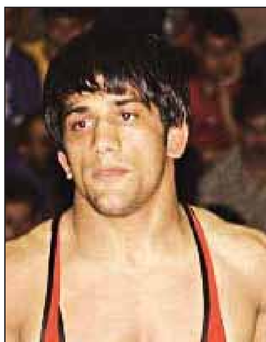

ناداوری در المپیک طلای عباس جدیدی را ربود

المپیک ۲۰۰۰سیدنی



مدال طلا
وزنه‌برداری
حسین رضا زاده،
بالای۱۰۵ کیلوگرم
حسین توکلی ۱۰۵-۹۴ کیلوگرم
کشتی
علیرضا دبیر ۵۸ کیلوگرم

مدال برنز
تکواندو
هادی ساعی ۶۸-۵۸

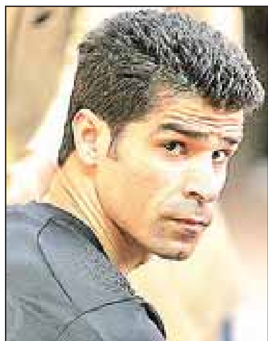

علیرضا دبیر

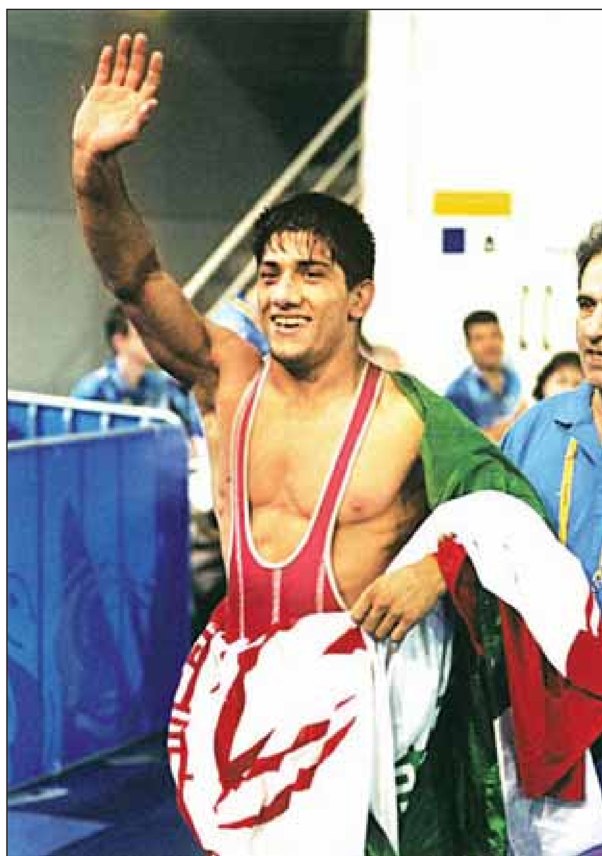

حسین توکلی

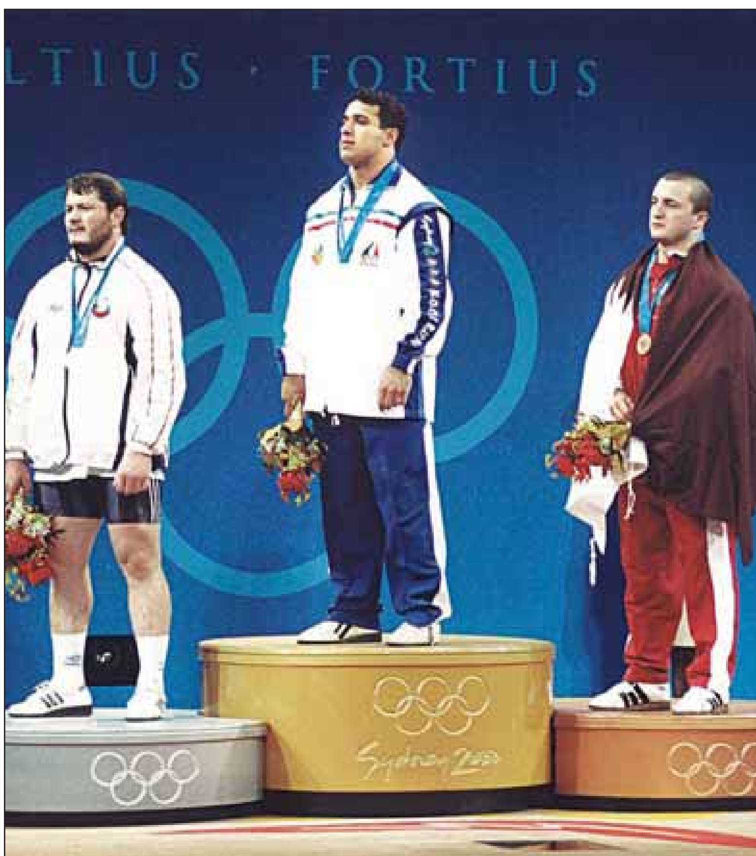

حسین رضا زاده

تعداد ورزشکاران ایران: ۳۵ تن
جودو(۳)، مشت زنی(۵)، دوچرخه‌سواری(۲) ، تیراندازی(۱)، وزنه‌برداری(۶)، تکواندو(۲)، دوومیدانی(۱)، شنا(۱)، تنیس روی میز(۱)، کشتی فرنگی(۳)، کشتی آزاد(۸)، سوارکاری(۱)، قایقرانی(۱)
نتایج کاروان ورزشی ایران:
– وزنه‌برداری: حسین رضازاده (مدال طلا)، حسین توکلی (طلا)، کوروش باقری (چهارم).
– کشتی آزاد: علیرضا دبیر (طلا)، امیرضا خادم (چهارم)، عباس جدیدی (چهارم)، علیرضا حیدری (ششم)، محمد طلایی (چهارم).
– تکواندو: هادی ساعی (برنز).
– جودو: آرش میراسماعیلی (پنجم).
نتیجه: ایران با کسب ۳ مدال طلا و یک برنز به مقام بیست و ششم دست یافت.




هادی ساعی


علیرضا دبیر قهرمان کشتی وزن؟ المپیک ۲۰۰۰ سیدنی



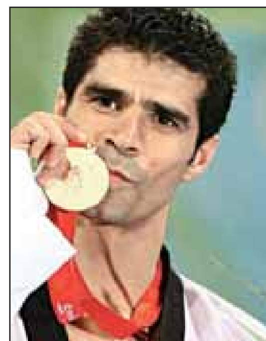
حسین توکلی قهرمان المپیک ۲۰۰۰ سیدنی

المپیک ۲۰۰۴آتن



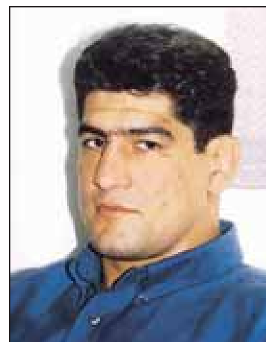
تعداد ورزشکاران ایران: ۳۸ تن
جودو(۷)، مشت زنی(۱)، دوچرخه‌سواری(۴)، تیراندازی(۱)، وزنه‌برداری(۵)، تکواندو(۲)، دوومیدانی(۲)، شنا(۱)، تنیس روی میز(۱) ، کشتی فرنگی(۶)، کشتی آزاد(۷)
نتایج کاروان ورزشی ایران:
– **وزنه‌برداری:** حسین رضازاده ،بالاتراز۱۰۵ کیلوگرم (طلا)، شاهین نصیری‌نیا (چهارم)
– **تکواندو:** هادی ساعی ۶۸ کیلوگرم (طلا)، یوسف کرمی ، منهای ۸۰ کیلوگرم (برنز)
– **کشتی فرنگی:** سجاد برزی (چهارم)
– **کشتی آزاد:** مسعود مصطفی جوکار ۶۰ کیلوگرم (نقره)، مجید خدایی (پنجم)، علیرضا حیدری ۹۶ کیلوگرم(برنز)، علیرضا رضایی ۱۲۰ کیلوگرم (نقره)
– **نتیجه: تیم ایران با کسب ۲ مدال طلا، دو نقره و دو برنز در رده بیست و نهم جای گرفت.**


مسعود مصطفی جوکار

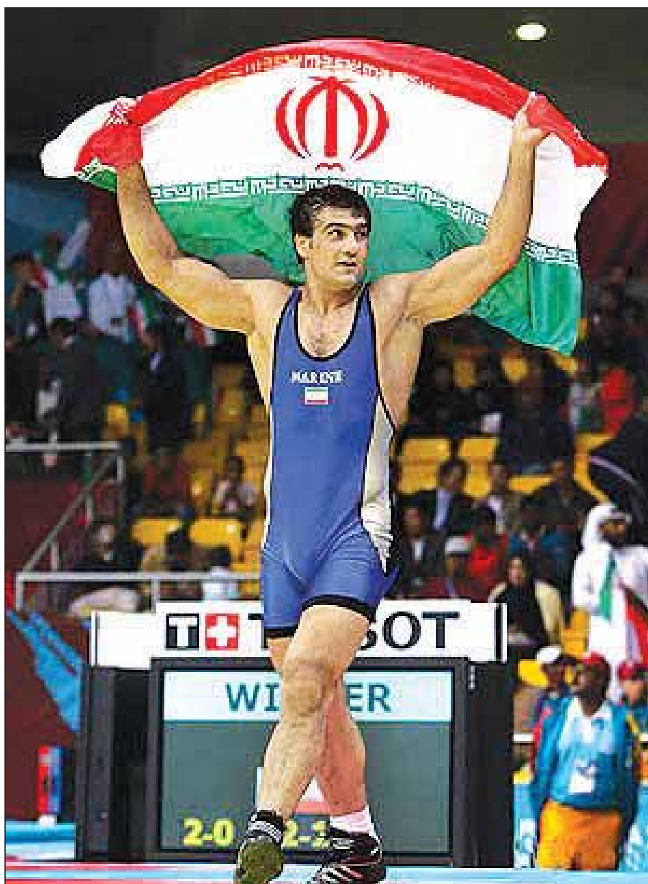

هادی ساعی


حسین رضا زاده


علیرضا رضایی


علیرضا حیدری


یوسف کرمی



علیرضا حیدری بعد از پیروزی،پرچم کشور عزیزمان ایران را بالای سر برده است




مسعود مصطفی جوکار

حسین رضا زاده با بالای سربردن این وزنه و شکستن رکورد جهانی ، قوی ترین مرد جهان شد

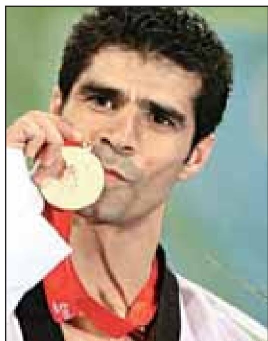


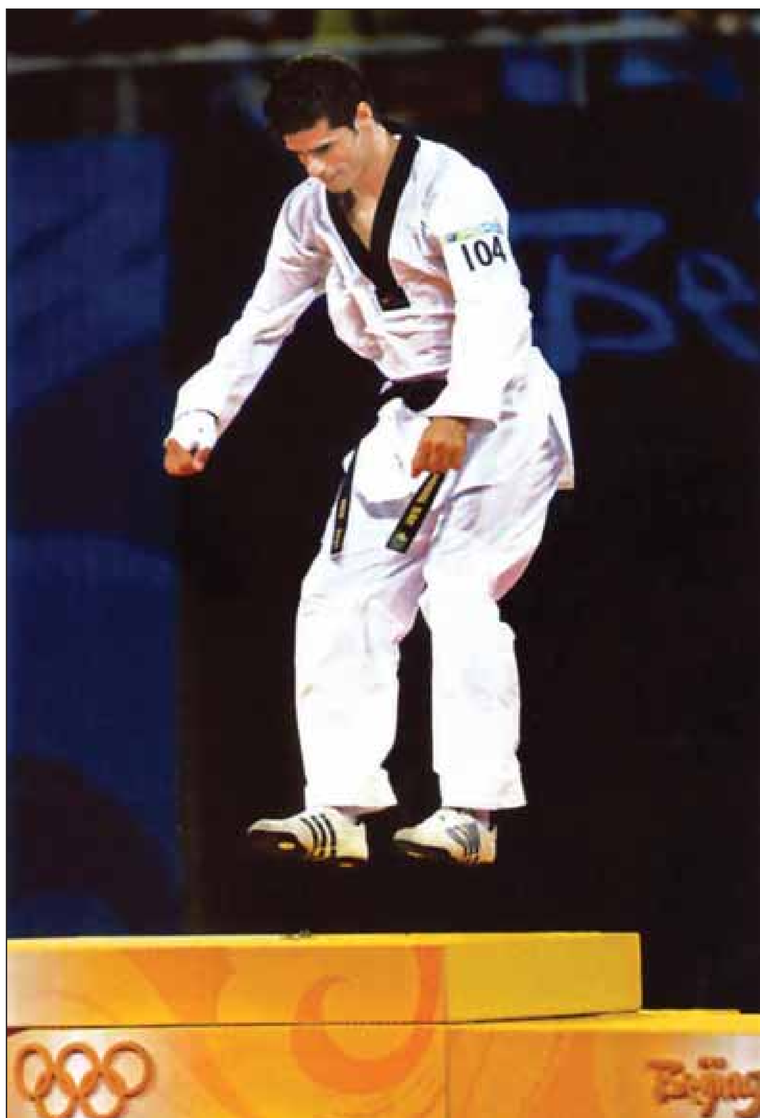

علیرضا رضایی






سید مراد محمدی


هادی ساعی







نتایج کاروان ورزشی ایران:

– **تکواندو:** هادی ساعی، ۸۰ کیلوگرم (طلا)

– **بسکتبال:** (یازدهم)

– **کشتی آزاد:** عباس دباغی(دهم)، سید مراد محمدی، ۶۰ کیلوگرم(برنز)، مهدی تقوی(دهم)، میثم مصطفی جوکار(نوزدهم)، رضا یزدانی(یازدهم)، سعید ابراهیمی(دهم)، فردین معصومی(پنجم)

– **کشتی فرنگی:** حمید سوریان(پنجم)، علی محمدی(یازدهم)، سامان طهماسبی(یازدهم)، مسعود هاشم زاده(پانزدهم)

– **جودو:** علی معلومات(پنجم)، محمد رضا رودکی(پنجم)

– **بوکس:** مرتضی سپهوند(پنجم)

– **وزنه برداری:** اصغر ابراهیمی(هفتم)،محسن بیرانوند(یازدهم)، رشید شریفی(ششم)

– **قایقرانی:** محسن شادی در مجموع(بیست و ششم)، هما حسینی در مجموع(بیست وهشتم)

– **دوچرخه سواری**

مسیر جاده: حسین عسگری(پنجاه ودوم)، قادر میزبانی(هفتاد و نهم)

تایم تریل انفرادی: حسین عسگری(سی و پنجم)

– **دوومیدانی:**

پرتاب دیسک: احسان حدادی در مجموع(هفدهم)، عباس صمیمی در مجموع(بیست وششم)

دوی ۸۰۰ متر: سجاد مرادی(نهم)

ده گانه: هادی سپهرزاد(بیست ودوم)

نتیجه:تیم ایران با کسب یک مدال طلا و یک مدال برنز در رده پنجاه و یکم جای گرفت.

المپیک ۲۰۱۲ لندن





فهرست مدال آوران ایران در بازیهای المپیک لندن

مدال طلا

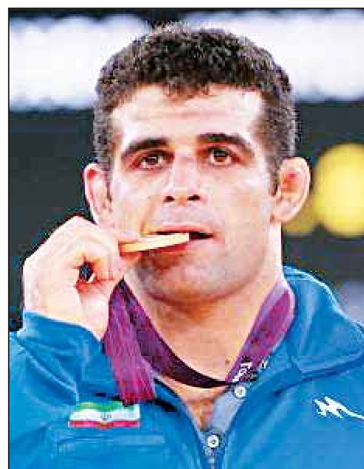
* حمید سوریان: مسابقات کشتی وزن ۵۵ کیلوگرم
* بهداد سلیمی: مسابقات وزنه برداری دسته ۱۰۵+ کیلوگرم
* قاسم رضایی: مسابقات کشتی فرنگی وزن ۹۶ کیلوگرم
* امید نوروزی: مسابقات کشتی فرنگی وزن ۶۰ کیلوگرم

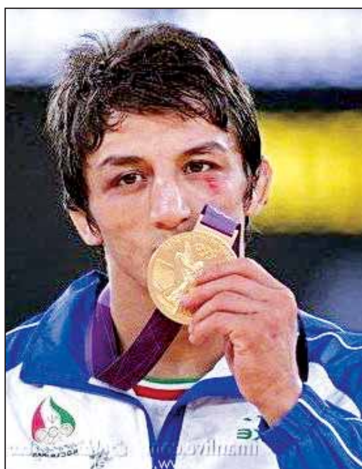
مدال نقره

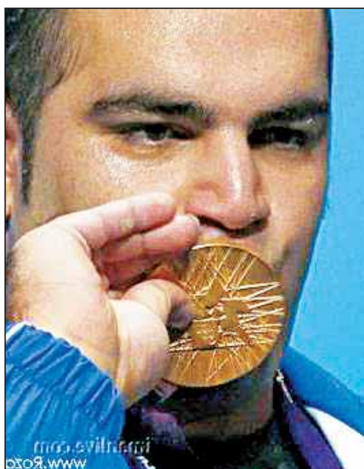
* سجاد انوشیروانی: مسابقات وزنه برداری دسته ۱۰۵+ کیلوگرم
* احسان حدادی: مسابقات دوومیدانی پرتاب دیسک
* صادق گودرزی: مسابقات کشتی آزاد وزن ۷۴ کیلوگرم
* نواب نصیرشلال: مسابقات وزنه برداری دسته ۱۰۵ کیلوگرم
* محمد باقری معتمد: مسابقات تکواندو وزن ۶۸- کیلوگرم

مدال برنز

* کیانوش رستمی: مسابقات وزنه برداری دسته ۸۵ کیلوگرم
* احسان لشگری: مسابقات کشتی آزاد وزن ۸۴ کیلوگرم
* کمیل قاسمی: مسابقات کشتی آزاد وزن ۱۲۰ کیلوگرم


قاسم رضایی


حمید سوریان


بهداد سلیمی


امید نوروزی


احسان حدادی

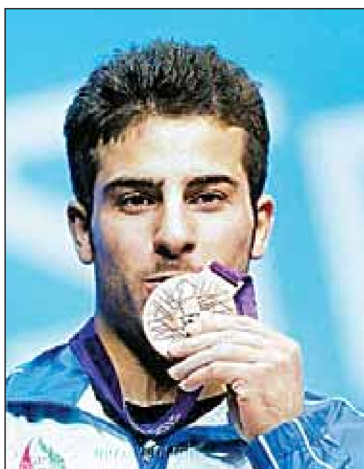

سجاد انوشیروانی


صادق گودرزی


محمد باقری معتمد


نواب نصیر شلال


احسان لشگری


کیانوش رستمی


کمیل قاسمی

تاریخچه تیم ملی فوتبال ایران

■ اولین بازی تیم ملی ایران

تیم ملی فوتبال ایران برای اولین بار در تاریخ ۴ شهریور ۱۳۲۰ در دیداری دوستانه، در کابل به مصاف تیم ملی افغانستان رفت؛ که این دیدار با نتیجه (۰-۰) به پایان رسید. در دو دهه بعد اتفاقی در فوتبال ایران رخ نداد، اما در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی ایران توانست به عنوان یکی از قدرتمندترین تیم‌های آسیایی جایگاه ثابتی برای خود دست و پا کند. طی آن سال‌ها ایران موفق شد سه بار پیاپی در ۱۹۶۸، ۱۹۷۲ و ۱۹۷۶ به مقام قهرمانی دست یابد. ایران هرگز نتوانست بار دیگر به چنین عنوانی دست یابد اما موفق شد چهار بار به مقام سوم این مسابقات برسد.

■ جام ملت‌های آسیا ۱۹۶۸

ایران در سه دوره نخست جام ملت‌های آسیا (۱۹۵۶، ۱۹۶۰ و ۱۹۶۴) غایب بود. اما در جام ملت‌های آسیا ۱۹۶۸ نخستین حضور خود را تجربه کرد و البته میزبانی بازی‌ها را نیز بر عهده گرفت. همه بازی‌ها در ورزشگاه امجدیه برگزار شد. ایران در این دوره که دوره چهارم جام بود به همراه ۴ تیم دیگر رقابت می‌کرد: اسرائیل، برمه، تایوان، هنگ کنگ. ایران با ترکیبی از جوانان جویای نام و برخی ستارگان قدیمی با مربی گری محمود بیاتی به این مسابقات پا گذاشته بود. در بازی نخست به تاریخ ۲۰ اردیبهشت سال ۱۳۴۷ خورشیدی برابر هنگ کنگ، ایران با نتیجه ۲ - ۰ و گل‌های همایون بهزادی و علی جباری به پیروزی رسید. ۲۰۰۰۰ تماشاگر از این بازی دیدن کردند. سه روز بعد ایران به مصاف تایوان رفت و این تیم را با حساب ۴ - ۰ در حضور ۳۰۰۰۰ تماشاگر شکست داد، گل‌های ایران را همایون بهزادی، حسین کلانی، اکبر افتخاری و حسین فرزامی به ثمر رساندند. ۲۶ اردیبهشت ایران با برمه دیدار کرد و توانست این بازی را هم با نتیجه ۳- ۱ و گل‌های حسین کلانی، اکبر افتخاری و همایون بهزادی در حضور ۳۰۰۰۰ تماشاگر شکست دهد. ایران بازی پایانی را در ۲۹ اردیبهشت و مقابل اسرائیل برگزار کرد. این بازی در حضور ۳۰۰۰۰ تماشاگر برگزار شد و ایران توانست با گل‌های بهزادی و قلیچ‌خانی پیروز و فاتح جام شود. بدین ترتیب ایران در همه بازی‌های خود پیروز شد. پس از این قهرمانی تهران غرق در شادی شد و برای نخستین بار فوتبال مردم ایران را به خیابان‌ها کشاند.

■ جام ملت‌های آسیا ۱۹۷۲

در پنجمین دوره جام ملت‌ها ایران مدافع عنوان قهرمانی بود. تیم‌های بیشتری در این دوره شرکت کرده بودند و بنا بر این دوره مقدماتی بازی‌ها نیز برگزار شد. رقابت‌های نهایی در کشور تایلند و شهر بانکوک برگزار می‌شد. تیم‌ها به دو گروه ۴ تیمی تقسیم شدند. ایران با مربی گری محمد رنجبر در این رقابت‌ها حاضر شده بود و در بازی نخست که روز ۱۷ اردیبهشت سال ۱۳۵۱ خورشیدی و در حضور ۲۰۰۰ تماشاگر برگزار شد به مصاف کامبوج رفت. این بازی که در ورزش‌گاه ملی بانکوک انجام شد با دو گل حسین کلانی و صفر ایرانپاک و با نتیجه ۲ - ۰ به سود ایران خاتمه یافت. روز ۱۹ اردیبهشت ایران در حضور ۵۰۰۰ نفر به دیدار عراق رفت و این بازی را نیز با هت‌تریک حسین کلانی با نتیجه ۳ - ۰ به سود خود پایان بخشید. روز ۲۳ اردیبهشت ایران به مصاف میزبان بازی‌ها یعنی تایلند رفت. این بازی با استقبال تماشاگران تایلندی برگزار شد و حدود ۲۰۰۰۰ نفر از این بازی دیدن کردند. ایران با دو پیروزی پیشین از گروه خود صعود کرده بود و این بازی در حقیقت تشریفاتی محسوب می‌شد، به همین دلیل تیم ملی ایران از بازیکنان ذخیره خود استفاده کرد. بازی زیر باران شدید آغاز شد و تا دقیقه ۸۰ با نتیجه ۲ - ۰ به سود میزبان ادامه یافت. در دقایق پایانی علی جباری موفق شد ۳ بار پیاپی دروازه تیم تایلندی را باز کند تا نتیجه ۳ - ۲ به سود ایران خاتمه یابد. روز ۲۶ اردیبهشت ایران بار دیگر برای انجام دیدار نیمه‌پایانی به مصاف کامبوج رفت و توانست این بار هم با نتیجه ۲ - ۱ و گل‌های صفر ایرانپاک و پرویز قلیچ‌خانی (پنالتی) به پیروزی دست یابد و راهی بازی فینال شود. بازی پایانی برابر کره جنوبی روز ۲۹ اردیبهشت سال ۱۳۵۱ خورشیدی در حضور ۱۵۰۰۰ تماشاگر در ورزشگاه ملی بانکوک برگزار شد و در خاتمه با نتیجه ۲ - ۱ به سود ایران پایان یافت. گل‌های ایران را علی جباری و حسین کلانی (در وقت اضافی) به ثمر رساندند. این بازی در تهران به صورت زنده از تلویزیون دولتی پخش شد.

■ جام ملت‌های آسیا ۱۹۷۶

ششمین دوره جام ملت‌های آسیا در سال ۱۹۷۶ به میزبانی ایران برگزار شد. تیم ایران در گروه دوم بازی‌ها با دو تیم عراق و یمن جنوبی همگروه بود.

در دیدار نخست تیم ایران موفق شد با گل‌های ناصر نورایی و حسن روشن در دقایق ۴۵ و ۵۸ تیم عراق را با دو گل شکست بدهد.

در بازی دوم تیم ایران با نتیجهٔ پرگل ۸ بر صفر تیم یمن جنوبی را در هم کوبید. گل‌های این بازی را غلامحسین مظلومی در دقایق ۶۳ و ۷۴ و ۸۰، علیرضا عزیزی در دقایق ۱۷ و ۷۳، ناصر نورایی در دقایق ۴۰ و ۴۲ و علیرضا خورشیدی در دقیقه ۴۵ به ثمر رساندند.

در مرحله نیمه نهایی تیم ایران به مصاف چین رفت که این بازی در وقت‌های قانونی گلی در بر نداشت. در وقت‌های اضافی این تیم ایران بود که با گل‌های علیرضا خورشیدی در دقیقه ۱۰۰ و حسن روشن در دقیقه ۱۱۹ موفق شد دو بر صفر چین را شکست داده و به فینال صعود کند.

در دیدار فینال ایران به مصاف تیم کویت رفت که موفق شد این تیم را با تک گل علی پروین شکست داده و برای سومین بار پیاپی قهرمان آسیا شود.

تیم ایران در این دوره منصور رشیدی را درون دروازه داشت و با زدن ۱۳ گل حتی یک گل دریافت نکرد.

در این دوره از بازیها مربیگری تیم ملی فوتبال ایران را حشمت مهاجرانی بر عهده داشت.

■ جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین

تیم ملی فوتبال ایران توانست در تاریخ ۲۵ نوامبر سال ۱۹۷۷ موفق شد تیم فوتبال استرالیا را با نتیجه ۱-۰ در حضور ۹۰۰۰۰ هوادار در ورزشگاه آزادی تهران شکست دهد و به جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین راه یاید و در ۱۹۷۸ پا به عرصه رقابتهای جام جهانی گذاشت این اولین حضور تیم ملی ایران در این رقابتها بود. ایران در دو بازی نخست با شکست در مقابل هلند و پرو مواجه شد. و در بازی سوم خود مقابل اسکاتلند با شگفتی آفرینی بازیکنان و با گلزنی دانایی فرد به نتیجه تساوی ۱-۲ دست یافت و از راه یابی به مرحله پلی آف جام جهانی باز ماند.

■ جام جهانی ۱۹۸۸ فرانسه

در نوامبر ۱۹۹۷ میلادی، تیم ملی ایران در شرایطی دشوار برای حضور در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه به دیدار تیم ملی استرالیا رفت و در هر دو بازی با نتیجه تساوی پایان رسید، اما ایران به لطف قانون گل زده در خانه حریف توانست برای دومین بار به جام جهانی راه یابد. در بازی برگشت تیم ملی ایران در مقابل استرالیا تا دقایق پایانی ۲-۰ به سود تیم ملی استرالیا بود اما با دو گل کریم باقری و خداداد عزیزی نتیجه را به نفع تیم ایران رقم زد. هواداران فوتبال در ایران از آن بازی با عنوان حماسه ملبورن یاد می‌کنند. تیم ملی ایران توانست در جام جهانی ۹۸ فرانسه نخستین پیروزی خود را با گل تاریخی حمید استیلی در جام جهانی مقابل تیم ملی آمریکا به دست آورد. این بازی که به دلیل مواضع سیاسی و خصومت دو کشور شرایطی ویژه داشت با نتیجه ۲-۱ به سود ایران خاتمه یافت.

■ جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان

و اما سومین حضور تیم ملی ایران در جام جهانی در سال ۲۰۰۶ در کشور آلمان بود. تیم ملی ایران با مربی گری برانکو ایوانکوویچ توانست به راحتی به جام جهانی صعود کند و هنوز یک بازی به پایان رقابت‌های مقدماتی باقی مانده بود که تیم ملی ایران به این جام جهانی راه یافت.

در دور نخست ایران با تیم‌های قطر، لائوس و اردن هم‌گروه شد. تیم ایران ابتدا ۳-۱ قطر را برد، سپس لائوس را ۷-۰ شکست داد آن‌گاه برابر اردن در ورزشگاه آزادی ۰ـ۱ شکست خورد. در دور برگشت بازی‌ها ایران در بازی نخست باید اردن را شکست می‌داد. فدراسیون توانست وحیدهاشمیان را راضی کند تا پس از مدت‌ها به تیم ملی بازگردد. همین بازیکن در بازی با اردن با پاس گلی که در دقیقه ۸۱ به علیرضا واحدی نیکبخت داد زمینه‌ساز شکست تیم ملی اردن در خانه شد. این بازی با نتیجه ۲-۰ به پایان رسید و گل دوم را علی دایی در دقیقه ۹۰ ثبت کرد. در بازی بعدی با قطر وحیدهاشمیان بار دیگر درخشید و با گل‌زنی در دقایق ۸ و ۸۹ حضوری مؤثر داشت. نتیجه پایانی این بازی ۳-۲ به سود ایران بود. دیگر گل ایران را آرش برهانی در دقیقه ۷۷ درون دروازه تیم ملی قطر جای داد. ایران در بازی آخر بار دیگر لائوس را ۷ - ۰ شکست داد و به عنوان تیم نخست گروه به دور بعدی صعود کرد.

در مرحله بعد تیم ملی ایران با تیم‌های ژاپن، کره شمالی و بحرین هم گروه شد. در دیدار نخست ایران برابر بحرین با نتیجه ۰ - ۰ متوقف شد. بازی دوم بار دیگر با درخشش وحیدهاشمیان همراه شد، و تیم ملی ایران توانست ژاپن را با دو گل این بازیکن ۲-۱ شکست دهد. در بازی سوم مقابل کره شمالی، تیم ملی موفق شد با دو گل میزبان خود را مغلوب کند. گل‌های ایران را مهدی مهدوی‌کیا در دقیقه ۳۴ و جواد نکونام در دقیقه ۸۰ رقم زدن. بازی برگشت در مقابل کره شمالی با نتیجه ۱ - ۰ و گل دقیقه ۴۵ رحمان رضایی به سود ایران پایان رسید تا تیم ملی ایران در بازی بعدی به مصاف تیم ملی بحرین برود. ایران در صورت تساوی برابر بحرین هم بدون احتساب بازی پایانی برابر تیم ملی ژاپن به جام جهانی صعود می‌کرد. تیم ایران توانست این بازی را با گل به یاد ماندنی دقیقه ۴۸ محمد نصرتی در ورزشگاه آزادی پیروز شود و به جام جهانی ۲۰۰۶ راه یابد. در بازی آخر این گروه ایران در یک دیدار تشریفاتی برابر میزبانش ژاپن ۲-۱ شکست خورد. تنها گل ایران را علی دایی در دقیقه ۷۸ از روی نقطه پنالتی درون دروازه ژاپن جای داد. بدین ترتیب ایران با ۱۳ امتیاز به عنوان تیم دوم گروه بعد از ژاپن راهی دور نهایی جام جهانی شد.

تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان به همراه پرتغال، آنگولا و مکزیک در گروه D این رقابت‌ها قرار گرفت. تیم ایران پیش از ورود به آلمان نتوانست بازی‌های تدارکاتی مناسبی برگزار کند. به همین دلیل تیم ملی به آمادگی کامل نرسید و نتوانست نتایج خوبی در این مسابقات کسب کند.

■■ تیم ملی فوتبال ایران یکی از پر قدرترین تیمهای ملی در سطح آسیا به خصوص غرب آسیا منطقه خاورمیانه بشمار می‌رود. تیم ملی ایران تاکنون ۳ سه بار به جام جهانی راه یافته است که در هر سه دوره، از صعود به دور بعدی مسابقات بازمانده است. ۱ پیروزی (مقابل آمریکا)، ۲ تساوی (مقابل اسکاتلند و آنگولا) و ۶ شکست (مقابل هلند، پرو، یوگسلاوی، آلمان، مکزیک و پرتغال)، کارنامه ایران در مسابقات جام جهانی فوتبال است.

■■ بهترین گلزن تاریخ فوتبال جهان و ایران علی دایی با ۱۰۹ گل زده آقای گل فوتبال ملی جهان است.

■■ فدراسیون بین‌المللی تاریخ و آمار فوتبال ناصر حجازی رابه عنوان دومین دروازه بان برتر قرن بیستم قاره آسیا معرفی کرده‌است.

■■ تاکنون در سال‌های ۱۹۹۶، ۱۹۹۹، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ چهار بازیکن ایرانی موفق به کسب جایزه بهترین بازیکن سال آسیا شده‌اند.

■■ خداداد عزیزی، علی دایی، مهدی مهدوی‌کیا و علی کریمی چهار بازیکنی هستند که بهترین بازیکن آسیا شده‌اند.

ایران بازی نخست را ۲۱ خرداد (۱۱ ژوئن) در ورزشگاه نورنبرگ در حضور ۴۱۰۰۰ تماشاگر و برابر تیم ملی مکزیک برگزار کرد. تیم ایران در نیمه اول بازی خوبی به نمایش گذاشت. نیمه دوم مکزیک سه تعویض انجام داد، و ایران دیگر نتوانست کاری از پیش ببرد. در پایان ایران با نتیجه ۳-۱ بازی را واگذار کرد. تک گل ایران را یحیی گل‌محمدی به ثمر رسـانـد. پس از این بازی به شدت از حضور علی دایی در تیم انتقاد شد. این بازیکن در بازی بعد بر روی نیمکت نشست علی دایی بعدها گفت برخی بازیکنان به وی پاس نمی‌دادند. در بازی دوم برابر پرتغال نیز ایران در نیمه نخسـت خوب ظاهر شـد، اما در نیمه دوم باز هم نمایش ضعیفی ارائه داد و در پایان با نتیجه ۲-۰ این بازی را نیز باخت. بازی با پرتغال در فرانکفورت روز ۲۷ خرداد و در حضور ۴۸۰۰۰ تماشـاگر برگزار شـد. بازی سوم ایران روز ۳۱ خرداد در لایپزیک در حضور ۳۸۰۰۰ تماشاگر مقابل تیم ملی آنگولا انجام شـد. در این بازی نیز ایران مقابل حریفی که نخستین حضور خود را در جام جهانی تجربه می‌کرد با نتیجه ۱-۱ متوقف شـد. تنها گل ایران را مدافع این سهراب بختیاری‌زاده به ثمر رساند. با این تسـاوی ایران تنها یک امتیاز کسب کرد و از راه‌یابی به دور بعد بازماند. و تجربه‌ای تلخ را برای تیم ملی فوتبال ایران رقم زد.

■جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی

ایران برای حضور در جام جهانی ۲۰۱۰ در مسابقات مقدماتی قاره آسیا شرکت کرده‌است. این تیم به همراه کویت، سوریه و امارات متحده عربی در گروه ۵ این رقابت‌ها قرار گرفت و با ۱۲ امتیاز به دور بعدی مسـابقات صعود کرد. ایرانیها هر سه بازی دور رفت را با مساوی به پایان رساندند، اما هر سه بازی دور برگشت را با پیروزی خاتمه بخشیدند.

ایران در بازی نخست خود برابر سوریه با نتیجه ۰ - ۰ متوقف شد. این بازی در استادیوم آزادی برگزار شـد. پس از آن ایران به مصاف کویت رفت که این بازی نیز در کویت با نتیجه ۲ - ۲ به پایان رسید. گل‌های ایران را علیرضا نیکبخت واحدی در دقیقه ۲ و سید جلال حسینی در دقیقه ۵ به ثمر رسـاند. اما در ادامه نتوانست برتری خود را حفظ کند و با دریافت دو گل در دقایق ۳۸ و ۸۲ که به دلیل اشتباه در خط دفاعی درون دروازه ایران جای گرفت دو امتیاز حساس این بازی را از دست داد. ایران در سومین بازی خود در این گروه روز ۱۷ خرداد سال ۱۳۸۷ در آزادی به دیدار امارات متحده عربی رفت و در این بازی توانسـت نتیجه ۲ـ۰ را کسب کند و در بازی برگشت در شهر ابوظبی در ورزشگاه العین توانست این تیم را با یک گل در دقیقه ۹ ببرد.

تیم ایران در تاریخ ۲۵ خرداد به تیم ملی فوتبال سوریه در ورزشگاه العباسیون دمشق رفت و با پیروزی مقتدرانه ۲ـ۰ توانست صعود خود را به مرحله بعدی مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی صد در صد کند. در این بازی غلامرضا رضایی در دقیقه ۶۴ و محسن خلیلی در دقیقه ۵+۹۰ گل زدند. محسن خلیلی در این بازی اولین گل ملی خود را به ثمر رساند.

تیم ایران با پیروزی ۰ـ۲ مقابل تیم ملی فوتبال کویت با ۱۲ امتیاز به مرحله بعدی این رقابت‌ها راه بافـت. گل‌های این بازی را جواد نکونام در دقیقهٔ ۱۷ که اولین گل او در رقابت‌های جام جهانی ۲۰۱۰ بود و غلامرضا رضایی در دقیقهٔ ۲+۹۰ به ثمر رسیدند.

ایران در پایان این مرحله با ۱۲ امتیـاز در رده اول این گروه قرار گرفت و به همراه امارات به مرحلهٔ بعدی مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۰ صعود کرده‌است.

ایران در مرحله دوم رقابت‌ها در یک گروه پنج تیمی که شـامل تیم‌های امارات، کرهٔ شمالی و جنوبی و همچنین عربسـتان است قرار دارد. دو تیم اول این گروه به طور مستقیم و تیم سوم پس از برد در برابر تیم سوم گروه دیگر و بعد از آن در برابر نماینده اقیانوسیه به جام جهانی صعود خواهند کرد. ایران در بازی اول در ریاض ۱-۱ با تیم عربستان مساوی کرد. تک گل ایران را جواد نکونام به ثمر رساند. در بازی دوم ایران موفق شد ۱-۲ با گلهای مهدوی کیا و نکونام کره شمالی را با شکست از تهران بدرقه کرد. در بازی سـوم ایران که باید امارات را شکست می‌داد در یک بازی پر اشتباه در ورزشگاه آل مکتوم ۱-۱ مقابل این تیم مساوی کرد. تنها گل ایران را کریم باقری به ثمر رساند. در این مسابقه سید مهدی رحمتی دروازه بان ایران بهترین بازیکن میدان شناخته شد. در بازی بعدی ایران در ورزشگاه آزادی در حضور ۸۰۰۰۰ هوادار در برابر تیم کره جنوبی بازی کرد که در آن بازی ابتدا ایران توسـط جواد نکونام به گل رسید اما در دقایق پایانی بازی پارک جی سونگ نتیجه را مساوی کرد. پس از این بازی علی دایی از سـمت خود برکنار شـد و محمد مایلی کهن به عنوان سرمربی انتخاب شد اما بدون انجام حتی یک بازی در پی اتفاقاتی که بعد از بازی استقلال - سایپا روی داد و بیانیهٔ توهین آمیزش، وی در تاریخ ۱ اردیبهشت ۱۳۸۸ با صدور بیانیه‌ای دیگر از ادامه مربیگری تیم ملی فوتبال ایران استعفا کرد. او در این بیانیه با سخره گرفتن انتقاداتی که از وی شده وضعیت فوتبال ایران را با زبان کنایه زیر سـوال برد. فدراسیون فوتبال نیز بلافاصله با این استعفا موافقت نمود. بعد از مایلی کهن نوبت افشین قطبی بود تا هدایت تیم ایران را در دست بگیرد.

نخسـتین بازی تیم ملی با هدایت افشین قطبی مقابل کره شمالی در کشور کره شمالی بود که این بازی با تسـاوی بدون گل به پایان رسید. بازی بعدی مقابل امارات بود در ورزشگاه آزادی که این بازی با تک گل علی کریمی به سود ایران به پایان رسید. بازی آخر در شهر سئول مقابل تیم کره جنوبی بود. تیم ایران در صورت پیروزی می تواسـت به جام جهانی صعود کند. تیم ملی ایران ابتدا با گل دقیقه ۵۲ مسعود شجاعی از حریف پیش افتاد اما مانند بازی رفت پارک جی سونگ در دقیقه ۸۲ بازی را به تساوی کشاند و با توجه به تساوی بدون گل تیم‌های عربستان و کره شمالی، تیم ملی ایران از رسیدن به جام جهانی بازماند.

■جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل

مقدماتی

تبـم ملی ایران برای حضور در رقابت‌های جام جهانی ۲۰۱۴ با هدایت کارلوس کی روش در نخستین مرحله در دو بازی رفت و برگشت به مصاف تیم مالدیو رفت.

در بازی رفت تیم ایران موفق شـد با گل‌های کریم انصاری‌فرد در دقایق ۴ و ۶۱، علی کریمی در دقیقه ۶۸ و سعید دقیقی در دقیقه ۸۶ تیم مالدیو را در ورزشگاه آزادی با نتیجه ۴ بر صفر شکست دهد.

در بازی برگشت که به میزبانی مالدیو برگزار می‌شد ایران با ارائه یک بازی ضعیف با نتیجه دور از انتظار ۰ـ۱ و تک گل محمدرضا خلعتبری در دقیقه ۴۵ تیم مالدیو را شکسـت دهد و در مجموع با نتیجه ۵-۰ به مرحله بعد راه یابد.

■مرحله اول گروهی

در مرحله بعد تیم ایران با تیم‌های قطر، بحرین و اندونزی همگروه شـد در این مرحله که تیم ملی با قدرت حاضر شد توانسته در ۵ بازی خود با ۳ برد و ۲ تساوی صعودش را قطعی و بازی آخر با قطر در ورزشـگاه آزادی در ۱۰ اسفند تشریفاتی شود ایران با ۱۱ امتیاز قطر با ۹ امتیاز بحرین با ۶ امتیاز و اندونزی با ۰ امتیاز در رده‌های ۱ تا ۴ قرار بگیرند تا الان صعود ایران و حذف اندونزی قطعی شده و صعود قطر هم تقریبا هموار شده‌است ایران در اولین بازی گروهی در استادیوم خانگی اش در شبی که به نظر میامد مردان کیروش کار سـختی در مقابل اندونزیایی‌ها ندارند با دو گل جواد نکونام و تک گل آندرانیک تیموریان توانست اندونزی را که تماما به دفاع پرداخته بود و به تساوی قانع بود را با نتیجه ۰ـ۳ شکسـت دهد تا چهار روز آینده به سراغ تیم قطر در شهر دوحه برود. بازی با قطر که در نیمه نخست بی حرکت بود با تساوی به پایان رسید تا تمام چشمها به نیمه آخری بسته شـود که بلکه فوتبال بهتری از دو تیم قوی فوتبال آسیا ببینند. نیمه دوم هم ناگهان با حملات ایران شروع شد تا در همان اوایل بازی ایران یک گل از حریف جلو بیافتد ولی قطریها که رازی به باخت خانگی نبودند بی مهابا شروع به حملات طوفانی از قلب دفاع ایران کردند تا بلاخره گل مساوی را بزنند. گرچه به نظر می‌رسید حق ایران برد بود ولی طرفین به تساوی قانع شدند. ایران در روز سوم این مسابقات میزبان بحرینی بود که ایران در صورت پیروزی تقریبا نصف راه رو می‌رفت اما ایران در این بازی هم از بحرین انتقام سـختی گرفت هم خود را مدعی اصلی صعود به جام جهانی. ایران با شـش گل جلال حسینی،هادی عقیلی، آندرانیک تیموریان، کریم انصاری‌فرد، غلامرضا رضایی و مجتبی جباری بحرین را در هم کوبید. ایران در چهارمین بازی خود و در اولین بازی برگشت رو در روی بحرین در منامه قرار گرفت و درپایان ایران و بحرین به تساوی ۱ـ۱ رضایت دادند بحرین در آخرین دقایق نیمه اول روی ضربه آزاد و دفع ناقص مهدی رحمتی به گل رسیدو توپ برگشت به دهانه دروازه فرستاده شد و گل به ثمر رسید اما این پایان کار نبود ایران حملاتش را شدیدتر کرد و در دقیقه ۹۳ روی ارسـال جواد نکونام و ضربه سر قاضی به تیر و در برگشت مجتبی جباری گل تساوی را وارد دروازه بحرین کرد. ایران در ۴ روز بعد در جاکارتا رو در روی اندونزی قرار گرفت و در پایان ایران با نتیجه ۴-۱ اندونزی را شکست داد و کار راحتی در این بازی داشت گل‌های ایران را میلاد میداوودی مجتبی جباری غلامرضا رضایی و جواد نکونام از روی نقطه پنالتی به ثمر رساندند ایران در اخرین بازی خود در ۱۰ اسـفند ۱۳۹۰ با قطر به تساوی ۲ـ۲ رسید و به مرحله بعد صعود کرد. هر دو گل ایران در این بازی توسط اشکان دژاگه،هافبک فعلی تیم فولهام انگلیس به ثمر رسید و در نتیجه ایران راهی مرحله دوم گشت.

■مرحله دوم گروهی

ایران بازی نخست خود را در این مرحله، مقابل تیم ازبکستان در تاشکند با پیروزی ۰ـ۱ به پایان رساند اما در بازی دوم خود در ورزشگاه آزادی در مقابل قطر با نتیجه ۰ـ۰ متوقف شد.سپس ایران بازی یک باورنکردنی در مقابل لبنان انجام داد و در بیروت با حساب ۱ـ۰ نتیجه را به این تیم واگذار کرد. تیم ایران بازی بعدی خود در آزادی با حسـاب ۰ـ۱ کره جنوبی را شکست داد؛ اما در بازی بعدی خود در دور برگشـت این رقابت‌ها با حساب ۱ـ۰ بازی را به ازبکستان در ورزشگاه آزادی واگذار کرد. در خرداد ماه سال ۹۲، تیم ایران در بازی برگشت خود مقابل قطر ایران موفق شد با گل دقیقه ۶۵ رضا قوچان‌نژاد میزبان خود را در ورزشگاه السد با نتیجه ۰ـ۱ شکست دهد.در بازی بعد، در روز ۲۱ خرداد سال ۹۲ تیم ایران موفق شد در ورزشگاه آزادی تیم لبنان را با نتیجه ۴ـ۰ شکست دهد تا بدین ترتیب گام بلندی برای صعود به جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل برداشته باشد. آخرین بازی ایران در این رقابت‌ها در روز ۲۸ خرداد ۹۲ در شهر اولسان کره جنوبی مقابل این تیم برگزار شد.در این مسابقه، تیم ایران با تک گل رضا قوچان نژاد و با حساب ۱ـ۰مقابل این تیم به برتری رسید و به عنوان سرگروه در گروه خود به جام جهانی صعود کرد.

■بهترین برد تیم ملی ایران

از سوی دیگر تیم ملی ایران در طول ۷۱ سـال گذشته دو بار توانسته است حریف خود را با شکسـتی دو رقمی بدرقه کند. پیروزی ۱۹ بر ۰ مقابل گوام در سال ۱۳۷۹ (مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۲ کره -ژاپن) در تبریز و پیروزی معروف ۱۷ بر ۰ مقابل مالدیو در سال ۱۳۷۶ (مسابقات مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه) در دمشق. این دو دیدار پرگل‌ترین دیدارهای تیم ملی ایران نیز محسوب می‌شوند.

■بدترین شکست تیم ملی ایران

بین اولین و دومین بازی ثبت شـده تیم ملی ایران ۱۰۵ ماه وقفه بوجود آمد. دومین دیدار تیم ملی فوتبال ایران روز ۷ خرداد ۱۳۲۹، در استانبول برگزار شده است. این دیدار دوستانه سنگین‌ترین شکسـت تاریخ تیم ملی فوتبال ایران بود که با نتیجه ۶ـ۱ به نفع تیم ملی ترکیه به اتمام رسیده است. شـایان ذکر است که تیم ملی ایران بار دیگر در سـال ۱۳۳۷ و در رقابتهای آسیایی توکیو (۱۹۵۸) شکستی با اختلاف ۵ گل را مقابل کره‌جنوبی پذیرفته است.

■افتخارات تیم ملی فوتبال ایران

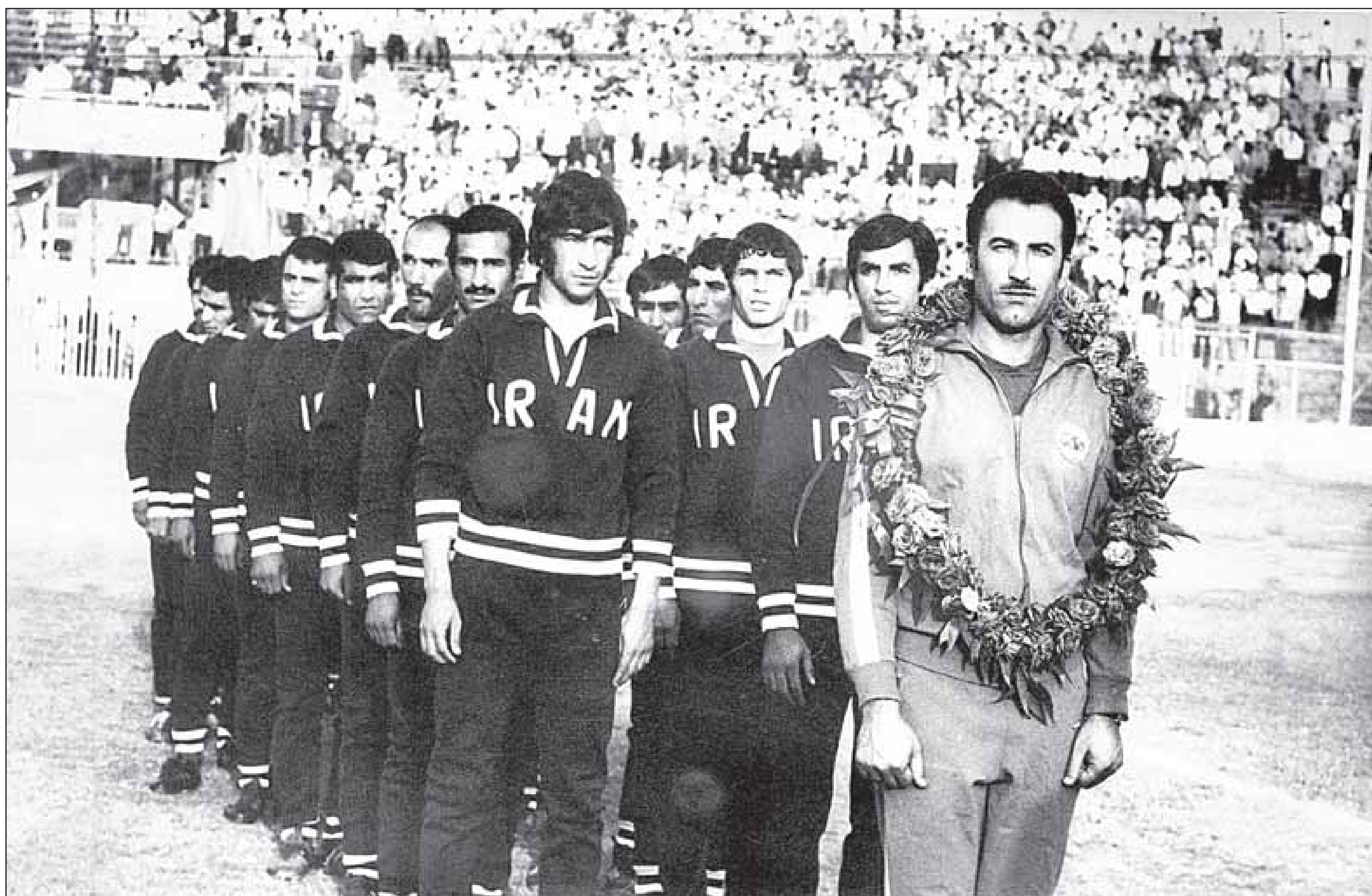
۳ بار قهرمانی در جام ملتهای آسـیا در سالهای: ایران ۱۹۶۲ (۱۳۴۰) - تایلند ۱۹۷۲ (۱۳۵۰) - ایران ۱۹۷۶ (۱۳۵۴)

۴ بار قهرمانی در بازیهای آسیایی در سالهای: ایران ۱۹۷۴(۱۳۵۲) - چین (۱۳۶۸) ۱۹۹۰ تایلند ۱۹۹۸ (۱۳۷۶) ـ کره جنوبی ۲۰۰۲ (۱۳۸۰) و ۲ بار نایب قهرمانی در سالهای ۱۹۵۱ ـ ۱۹۶۶

۴ بار قهرمانی در مسـابقات فوتبال غرب آسیا در سالهای: اردن ۲۰۰۰ (۱۳۷۸) ـ ایران ۲۰۰۴ (۱۳۸۲- اردن ۲۰۰۷ (۱۳۸۵) - ایران ۲۰۰۸(۱۳۸۶) و ۱ بار نایب قهرمانی در سال ۲۰۱۰



تیم ملی فوتبال ایران در سال ۱۹۵۸ توکیو ژاپن –ایستاده از راست:حسن حبیبی،منصور امیرآصفی،مصطفی عرب،فریبرز اسماعیلی،کرم نیرلو و بیاتی
نشسته از راست: کامبیز جمالی،جلال طالبی،محسن نوریان،نادر لطیفی و داریوش مصطفوی



تیم ملی فوتبال ایران در سال ۱۳۵۰، جام کورش کبیر– سمت راست: محمد رنجبر،بهرام مودت،کاروحق‌وردیان،نظام آزادی وعلی جباری
سمت چپ:ناصرحجازی، غلامحسین مظلومی، رضاوطنخواه، مجید حلوایی، همایون بهزادی،فریدون معینی،اصغر ادیبی و فریبرز اسماعیلی

تیم ملی فوتبال ایران در سال ۱۳۵۲–ایستاده از راست:مسیح مسیح‌نیا،محسن یوسفی،اصغر صدری،سعید باغوردانی،حسن نگارش،کریم غیاثی،علی گیوه‌ای،محمد دستجردی و حسین راغفر
نشسته از راست:نوری خدایاری،هادی نراقی،...،حسن روشن،اسماعیل نوربخش،مهدی دینورزاده و پرویز مظلومی





تیم فوتبال ارتش ایران در مقابل تیم فوتبال ارتش ایتالیا، سال۱۳۵۳–از چپ به راست:مصطفی عرب،ناصر نبوی،عزیز اسپندار،مجید تشرفی،بهرام مودت،...،حسین کلانی،عباس نوین روزگار، مهدی مناجاتی،پرویز مظلومی،محمود خوردبین،حسن نایب‌آقا،حمید سه‌برادران،هوشنگ نصیری،مجید حلوایی،آندرانیک اسکندریان،محسن هوشنگی،...،منصور پورحیدری و مسعود مژدهی



اعضای تیم ملی فوتبال ایران دربازی تیم ملی هنگ کنگ، سال ۱۳۵۶–ایستاده از راست: آندرانیک اسکندریان،حسن نایب‌آقا،نصرالله عبدالهی،غفورجهانی،منصور رشیدی،حسین کازرانی
نشسته از راست:علی پروین ایرج دانایی‌فر،حسن نظری،ابراهیم قاسمپور،علی خورشیدی

تیم ملی فوتبال ایران– سال ۱۳۵۴
ایستاده از راست: علی خورشیدی،مائیس میناسیان،حسن نایب‌آقا،بیژن ذوالفقارنسب،غلامحسین مظلومی،حسین کازرانی
نشسته از راست:حسن روشن،حسن نظری،ابراهیم قاسمپور، ناصرحجازی،علی پروین



تیم ملی فوتبال ایران در مصاف با کره جنوبی
سمت چپ: علی پروین، ناصرحجازی و حسین کازرانی





تیم ملی فوتبال ایران فاتح جام کورش کبیر - ۱۳۵۰
کاروحق‌وردیان جام را به بالای سر برده است.مصطفی عرب و غلامحسین مظلومی در کنار او حضور دارند



تیم ملی فوتبال ایران- دی ۱۳۴۴
ایستاده از چپ: محمد کشاورز، حمید امینی‌خواه، محمد رنجبر، جلال طالبی،مصطفی عرب، محمود یاوری، حسن حبیبی، عزیز اصلی
نشسته از چپ: حسین کلانی، نادر لطیفی،اکبر افتخاری، علی جباری، داریوش مصطفوی، پرویز قلیچ‌خانی



محمد بوقی در استادیوم آزادی-سال ۱۳۵۶



دیدار ایران با برزیل
مجید حلوایی، ابراهیم آشتیانی در مصاف با مهاجم برزیلی-اسفند ۱۳۵۰



ایران- کره شمالی، بازی رفت مسابقات انتخابی المپیک ۱۹۷۲ مونیخ در تهران با نتیجه صفر-صفر به پایان رسید
علی پروین در مصاف با بازیکنان کره شمالی - خرداد ۱۳۵۱

تیم ملی جوانان ایران – سال ۱۳۶۴



تیم ملی ایران و کویت، مسابقات مقدماتی جام جهانی آرژانتین، سال ۱۳۵۶ – ایستاده از راست: محمد صادقی، ابراهیم قاسمپور، آندرانیک اسکندریان، حسن نایب‌آقا، محمدرضا عادلخانی، نصرالله عبدالهی، غفور جهانی، حسین کازرانی، ناصر حجازی و علی پروین



تیم ملی ایران و کره شمالی، سال ۱۳۵۱ – علی پروین (۷) و حسین کلانی درمقابل دروازه کره شمالی

تیم ملی ایران و شوروی – غفورجهانی مهاجم تیم ملی در مصاف با مدافع روسی











تیم ملی فوتبال ایران

ایستاده ازراســـت بالا:علی جباری،محمدرضا عادلخانی،منصور رشیدی،ناصرحجازی،اکبرکارگر جم ،غلامحسین مظلومی
ردیف وســـط:عزت‌جانملکی،محمود اعتمادی،غفور جهانی،کارو حق‌وردیان،حسن روشن،ابراهیم آشتیانی،پرویز قلیچ‌خانی
ردیف نشسته:جعفرکاشــــانی،علی پروین،محمــــد صادقی،بهرام مودت،مسیح مسیح‌نیا،محسن هوشنگی، محمد دستجردی





تیم ملی فوتبال ایران در جام ملت‌های آسیا-۱۹۷۲

ایستاده از راست:بهرام مودت ، مصطفی عرب،علی جباری، اکبرکارگر جم،همایون بهزادی
نشسته: علی پروین،پرویزقلیچ‌خانی،مجید حلوایی، ابراهیم آشتیانی، جواد قراب،حسین کلانی



قهرمانی تیم ملی فوتبال ایران دربازیهای آسیایی تهران

ایستاده از راست:پنجعلی،عابدزاده،عاشوری،انصاری‌فر، رضاحسن‌زاده وسید مهدی ابطحی
نشسته:ناصرمحمدخانی،فرشادپیوس،شاهین بیانی،مهدی فنونی‌زاده،بهزاد غلامپور و شاهرخ بیانی
ردیف جلو:علی پروین





تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی۱۹۷۸ آرژانتین

ایستاده ازراســـت: محمد رضا عادلخانی ،نصرالله عبداللهی غفور جهانی، ناصر حجازی و حســـین کازرانی،نشسته از راست: ابراهیم قاســـمپور، آندرانیک اســـکندریان، محمد صادقی، علی پروین، حسن روشن و حسن نظری



انتخابی جام جهانی ۱۹۷۸ – ایران و کره
از راست: علی پروین، ناصر حجازی، حسین کازرانی، غفور جهانی، نصرالله عبداللهی ،محمد رضا عادلخانی ،آندرانیک اسکندریان، ابراهیم قاسمپور، محمد صادقی، حسن نظری ، حسن روشن



تیم ملی فوتبال ایران
ایستاده ازراست: عبدالعلی چنگیز،حسین مسگرساروی، ناصر محمدخانی،مهدی ابطحی،مجید نامجو مطلق،شاهین بیانی،نادرمحمدخانی،کریم باوی،مرتضی فنونی‌زاده،احمد سجادی و اصغر حاجیلو



تیم ملی امید ایران اعزامی به مسابقات دیوار بزرگ چین – سال ۱۳۶۲
ایستاده از راست:غلامرضا باغ‌آبادی،عبدالعلی چنگیز،حمید فرزام‌نیا،ناصرمحمدخانی،حمید فرزام‌نیا،غلامرضا فتح‌آبادی،شاهین بیانی،احمد طوسی(داور)،عباس قلی‌زاده(داور)،محمد خضری،و اسماعیل اردلان
نشسته از راست:وحید قلیچ،محمود معمار،جعفر مختاری‌فر، محمد محبی، مرتضی یکه،رضا احدی،گلایو حنا و روح‌الله عبادزاده



دیدارهای مقدماتی جام ملتهای آسیا، اردیبهشت سال ۱۳۷۱- ورزشگاه کلکته هندوستان
علی پروین ســـرمربی تیم ملی فوتبال ایران پس از پیروزی تیم ملی ایران مقابل هندوستان در کنار زمین ورزشگاه کلکته به سوالات خبرنگار دنیای ورزش(اکبر عزیزی) نفر اول از سمت چپ و دو تن دیگر از خبرنگاران هندوستان و امارات متحده عربی پاسخگوی سوالات شد.



تیم ملی ایران - سال ۱۳۶۴،ایستاده از راست: رضا تقوی،محمد حسن انصاری‌فرد،...،مرتضی فنونی‌زاده،پیروز جغتاپور و بهتاش فریبا -نشسته از راست:امیرقلعه‌نوعی،حسین وکیلی،فرشاد پیوس، مصطفی اردستانی، و مجید نامجو مطلق



کاروان ورزشی ایران در بازیهای آسیایی دهلی نو،هندوستان-۱۹۸۲ برپایی نماز جماعت در سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو به امامت حجت‌الاسلام مطلبی نماینده سازمان تبلیغات اســـلامی. در عکس گروهی از ورزشکاران ایران دیده می‌شوند، از جمله ضیاء عربشـــاهی« فوتبال»، زاکانی «داور کشتی»، ملکی« وزنه‌برداری»، رضا احدی« فوتبال» محمد رضا توپچی«کشتی»، کدخدایی« کشتی» جانباز مهرداد آگین« بسکتبال».



تیم ملی ایران در مصاف با کره جنوبی، ایران ۶ - کره‌جنوبی ۲
علی دایی به هنگام زدن پنالتی ، حمید استیلی پشت سر او دیده می‌شود



تیم ملی ایران ،سال ۱۳۷۶
از راست:احمدرضا عابدزاده،علی دایی، محمد خاکپور، مهدی پاشازاده، رضا شاهرودی، حمید استیلی، افشین پیروانی، نعیم سعداوی، مهدی مهدوی‌کیا، خداداد عزیزی، علیرضا منصوریان

مسابقه فوتبال ایران ، استرالیا – ۱۳۷۷ در ملبورن استرالیا





ویژه‌نامه ورزشی روزنامه اطلاعات به مناسبت راهیابی تیم ملی به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه



خداداد عزیزی پس از پایان مسابقه تیم ملی فوتبال ایران و استرالیا



تیـــم ملی فوتبال ایران درجام جهانی ۲۰۰۶ آلمان–ایستاده از راست:جواد زرینچه، محمد خاکپور، مهدی پاشازاده، نادرمحمدخانی، علی دایی و احمد رضا عابدزاده
نشسته:خداداد عزیزی، مهرداد میناوند، کریم باقری، حمید استیلی، مهدی مهدوی کیا



تیم ملی فوتبال ایران درجام جهانی ۲۰۰۶ آلمان–ایستاده از راست:افشـــین پیروانی، مهدی پاشـــازاده، احمدرضا عابدزاده، علی دایی، محمد خاکپور، رضاشاهرودی
نشسته: نعیم سعداوی، خداداد عزیزی، مهدی مهدوی‌کیا، حمید استیلی، کریم باقری



تیم ملی فوتبال ایران درجام جهانی ۲۰۰۶ آلمان–دیوار دفاعی تیم ملی ایران در مســـابقه با تیم ملی یوگسلاوی. دایی، پاشـــازاده، باقری، خاکپور، زرینچه، محمدخانی و مهدوی‌کیا در تصویر دیده می‌شوند

تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۱۰ – ایستاده از راست: علی دایی، ابراهیم میرزاپور، محمد نصرتی،فریدون زندی، یحیی گل‌محمدی، جواد نکونام،
نشسته: مهدی مهدوی‌کیا، علی کریمی، وحید هاشمیان، حسین کعبی، ستار زارع





آندرانیک تیموریان در مصاف با بازیکن تیم ملی آرژانتین– جام جهانی برزیل



آندرانیک تیموریان و رونالدو بازیکن تیم ملی پرتغال

رضا قوچان‌نژاد در بازی با تیم بوسنی ،جام جهانی برزیل



اشکان دژاگه و لیونل مسی،جام جهانی برزیل



تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۱۴برزیل–ایستاده از راست: جواد نکونام، سید جلال حسینی، پژمان منتظری، آندرانیک تیموریان، امیرحسین صادقی، علیرضا حقیقی
نشسته: اشکان دژاگه، رضا قوچان‌نژاد، مسعود شجاعی، احسان حاج‌صفی، مهرداد پولادی






تیم منتخب تهران در مسابقات قهرمانی باشگاههای کشور در اهواز – سال ۱۳۴۵
ایستاده از راست: محمد رنجبر، حمید جاسمیان، عزیز اصلی، محمود یاوری، گودرز حبیبی، حسن حبیبی
نشسته از راست: پرویز میرزاحسن، محراب شاهرخی، فریبرز اسماعیلی، علی جباری، همایون بهزادی، مصطفی عرب

مسابقات دسته دوم دوره‌ای باشگاه‌های تهران ، تیم تاج(استقلال) مقام اول را بدست آورد و در دسته اول قرار گرفت.
از راست به‌چپ نفرات ایستاده: مددنوعی(سرپرست)،استاد علی اکبر،بزرنگی،خلیلی،عبدالله‌زاده(کاپیتان)،حضرتی،فرهمند.
ردیف نشسته:امامی،کتابی،ابراهیم‌زاده،نوروزی،ابوطالب
دهه ۳۰



مسابقات فوتبال تیم نیروهوایی و تیم فوتبال ارتش شوروی
خرداد ۱۳۳۶



صحنه‌ای از حمله فروارد‌های تیم تاج به دروازه شاهین .
در این عکس نفر جلو بیوک جدیکار، نفر وسط(پیراهن سفید) امیرعراقی« او قاضی دادگستری بود»
و آقا حسینی گلر شاهین در حال مشت‌کردن توپ دیده‌می‌شوند – اردیبهشت ۱۳۳۸

تیم تاج شاهین ، «مالمو» را با نتیجه دو بر هیچ شکست داد. تیم مالمو یکی از گل‌ها خودش وارد دروازه کرد!–آبانماه ۱۳۴۰







تیم فوتبال پرسپولیس تهران - اردیبهشت ۱۳۵۴
ایستاده از راست: علی پروین، محمد خلعتبری، بیژن ذوالفقارنسب، محمد دستجردی، رضا وطنخواه، یعقوب قاضی‌مقدم
نشسته از راست: جواد الهوردی اصغر ادیبی، صفر ایرانپاک، محمود خوردبین، حسین قره‌خانلو







تیم تاج تهران - اردیبهشت ۱۳۵۴
ایستاده از چپ: غلامحسین مظلومی، کارو حق‌وردیان، سعید باغوردانی، علی جباری، حسن ابراهیمی
نشسته از چپ: منصور رشیدی، اندرانیک اسکندریان، عباس نوین روزگار، منصور پورحیدری، هادی نراقی و



مسابقه تیم‌های پاس تهران و شاهین تهران، ورزشگاه امجدیه (شیرودی) - مرداد ۱۳۴۷
از چپ به راست: پرویزمیرزاحسن، دکترمالکیان(۷)، رضا وطنخواه(۱۷)، جعفر کاشانی



تیم فوتبال صنعت نفت آبادان - سال ۱۳۵۴



تیم تراکتورسازی تبریز – سال ۱۳۵۴



تیم فوتبال دانشکده علوم دانشگاه تهران – آذر ۱۳۴۶





تیم فوتبال نیروی زمینی – قهرمان دوم مسابقات فوتبال ارتش – سال ۱۳۳۹

تیم فوتبال شاهین اصفهان – دهه ۴۰

مرحوم حریری بنیانگذار تیم فوتبال شاهین اصفهان ، سمت چپ تصویر ایستاده دیده می‌شود







ایستاده از راست:مهدی مناجاتی، اسماعیل حاج رحیمی‌پور، جواد الـه وردی، مجید تشرفی، رضا قفل‌ساز، علیرضا عزیزی
نشسته از راست: غلام وفاخواه، نصراله عبدالهی، اصغر ادیبی، مسعود مژدهی، محمود خوردبین



تیم فوتبال ماشین‌سازی تبریز قهرمان جام آزادی - سال ۱۳۵۴

تیم فوتبال منتخب تهران در جام کورش بزرگ ، تیر ۱۳۵۰- ایستاده از راست: پرویز قلیچ‌خانی، همایون بهزادی، کاروحق‌وردیان، ناصرحجازی، جعفر کاشانی، حسن حبیبی
نشسته از راست: اصغر شرفی، ابراهیم آشتیانی، صفر ایرانپاک، علی پروین، علی جباری





تیم فوتبال تراکتورسازی تبریز - دهه ۵۰

خداحافظی اصغر شرفی در امجدیه
دیدار پرسپولیس و پاس، بازی خداحافظی اصغر شرفی از فوتبال،شرفی بر روی دوش بازیکنان پرسپولیس،از راست:رضا وطنخواه، ایرج سلیمانی، بهرام مودّت وابراهیم آشتیانی– ورزشگاه امجدیه(شیرودی)





تیم فوتبال تاج – درجام چهارم تخت جمشید – سال ۱۳۵۵
ایستاده از راست:مسعود مژدهی، جهانگیرکوثری، جواد قراب، مصطفی مسلمی، عزت جانملکی، منصور رشیدی . نشسته از راست: هادی نراقی، حسن نظری، عباس نوین‌روزگار، حسن ابراهیمی، آندرانیک اسکندریان



تیم فوتبال پرسپولیس قهرمان جام سوم تخت جمشید – دی ۱۳۵۴
ایستاده از راست: بهرام مودّت، اسماعیل حاج‌رحیمی‌پور، ایرج سلیمانی، جواد الهوردی، بیژن ذوالفقارنسب، ابراهیم آشتیانی
نشسته از راست: علی پروین، محمد دستجردی، جهانگیر فتاحی، اصغر ادیبی، رضا وطنخواه

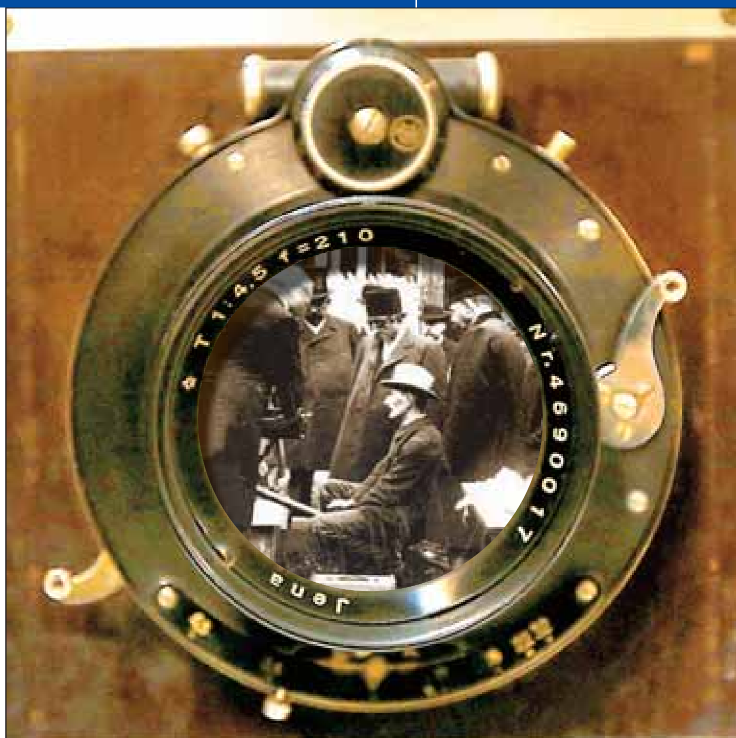


تیم مدرسه عالی ورزش قهرمانان فوتبال دانشگاهها و مدارس عالی کشور
فروردین ۱۳۵۳

اطلاعات
۱۳۰۴

ویژه‌نامهٔ نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

تاریخ سینما در ایران





تاریخ سینمای ایران با همهٔ نیکی‌ها و بدی‌هایی که به پایش نوشته‌اند، فصلی از بایگانی تاریخی (آرشیو) مؤسسه اطلاعات است.

وقتی ابراهیم‌خان عکاس‌باشی، اولین فیلمبردار ایران، سه‌شنبه ۲۳ مرداد ۱۲۷۹ هجری شمسی در شهر «اوستاند» در ساحل بلژیک و در جشن روز عید گل از مظفرالدین‌شاه قاجار فیلم گرفت و بعد هم به دستور شاه دوربین فیلمبرداری خرید و وارد ایران کرد، هرگز نمی‌توانست حدس بزند که نامش در تاریخ سینمای ایران ثبت خواهد شد و تصویر متحرک در ایران با چنان استقبالی روبرو می‌شود که پس از گذشت چندین دهه، محبوب‌ترین هنر و سرگرمی برای ایرانیان لقب می‌گیرد.

ابراهیم خان عکاسی باشی پنج سال پس از اختراع سینما توسط برادران لومیر و رواج آن در اروپا، در فروردین ۱۲۷۹ همراه با مظفرالدین‌شاه سفرش را به اروپا آغاز کرد و پس از فیلمبرداری از شاه و همراهان در اروپا با دوربین مدل «گومون» به ایران آمد و به فیلمبرداری از درباریان پرداخت...

به‌قلم:سید محمد سلیمانی



مروری بر آثار و فیلمسازان جریان‌ساز

تاریخ سینمای ایران

سید محمد سلیمانی

وقتی ابراهیم‌خان عکاس‌باشی، اولین فیلمبردار ایران، سه‌شنبه ۲۳ مرداد ۱۲۷۹ هجری شمسی در شهر «اوستاند» در ساحل بلژیک و در جشن روز عید گل از مظفرالدین‌شاه قاجار فیلم گرفت و بعد هم به دستور شاه دوربین فیلمبرداری خرید و وارد ایران کرد، هرگز نمی‌توانست حدس بزند که نامش در تاریخ سینمای ایران ثبت خواهد شد و تصویر متحرک در ایران با چنان استقبالی روبرو می‌شود که پس از گذشت چندین دهه، محبوب‌ترین هنر و سرگرمی برای ایرانیان لقب می‌گیرد.

ابراهیم خان عکاسی باشی پنج سال پس از اختراع سینما توسط برادران لومیر و رواج آن در اروپا، در فروردین ۱۲۷۹ همراه با مظفرالدین‌شاه سفرش را به اروپا آغاز کرد و پس از فیلمبرداری از شاه و همراهان در اروپا با دوربین مدل «گومون» به ایران آمد و به فیلمبرداری از درباریان پرداخت.

اما میرزا ابراهیم خان صحاف باشی اولین کسی بود که پروژکتور نمایش فیلم را به ایران آورد و به نمایش فیلم برای مردم پرداخت. او در مهر سال ۱۲۸۳ در حیاط پشت مغازه‌اش برای اولین‌بار برای عموم مردم فیلم نمایش داد ولی آغاز نمایش عمومی فیلم در ایران، حاشیه‌های متعددی داشت که در این نوشته قصد اشاره به آنها را ندارم چرا که هدف این نوشتار تاریخ‌نگاری نیست بلکه می‌خواهد به نقاط عطف ویژه سینمای ایران در دوران قبل و بعد از انقلاب بپردازد و فیلم‌ها و فیلم‌سازان شاخص را معرفی کند تا شمایی کلی از گذشته و حال سینمای ایران فراروی مخاطبان قرار دهد. ضمن اینکه رویکرد روزنامه اطلاعات در دوران قبل و بعد از انقلاب به سینمای ایران هم در این نوشتار در قالب عکس مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

روشن است که مردم ایران در خلال رویدادهای سال ۷۵ شمسی به سینمایی که آنرا حلقه مرکب «فیلمفساد» می‌دانستند به سختی اعتراض کردند و البته به همان اندازه و بیش از آن در پی طرحی نو بودند تا سینمای سلامت‌جویی و سرزندگی و فرهنگ‌پروری را ارج گذار باشد.

اولین سالن نمایش عمومی فیلم در تهران در رمضان سال ۱۳۲۲ هجری قمری توسط میرزا ابراهیم‌خان صحاف‌باشی افتتاح شد که در خیابان چراغ گاز قرار داشت. این سینما، فقط یک سال فعالیت کرد و به دلیل مشکلات و رقابت‌های موجود، تعطیل شد و میرزا ابراهیم‌خان صحاف باشی هم از ایران به هندوستان رفت.

از دیگر کسانی که در ورود سینما و نمایش فیلم در ایران نقش داشت، روسی خان بود که همزمان با سلطنت محمدعلی شاه به عنوان عکاس‌باشی دربار دست یافت. پس از او افراد دیگری سعی کردند با تأسیس سالن سینما به تقاضای دوستداران سینما که به تازگی با این پدیده مدرن قرن روبرو شده بودند، پاسخ دهند ولی همه آن‌ها موفق نشدند عمری طولانی داشته باشند.

گراند سینما از جمله سالن‌های پر تماشاگر تهران در آن سال‌ها بود که به طور مرتب و روزانه برنامه‌های جدید خود را در قالب «اعلان» در روزنامه اطلاعات معرفی می‌کرد.

در آن سال‌ها و تا قبل از تولید اولین فیلم‌های فارسی، همه سالن‌های سینمای پایتخت به نمایش فیلم‌های آمریکایی، روسی، اروپایی و ... اختصاص داشت و برخی از آن‌ها به صورت سریال به نمایش درمی‌آمدند.

سینما برای اشراف

این، واقعیتی بارها گفته شده است که پای فیلم و سینما در ایران ابتدا به دربار باز شد و تفریحی صددرصد اشرافی بود ولی سینما به عنوان هنری که بدون تماشاگران متعدد از اقشار گوناگون مفهومی نداشته و ندارد، نمی‌توانست تا ابد در محدودهٔ کاخ باقی‌بماند و طبیعی بود که خیلی زود توسط همان کسانی که آن را به ایران آوردند در معرض دید عموم مردم قرار گیرد. سینما در ایران، از همان اولین سال‌های ورود و رواج، توانست دنیایی از واقعیت و خیال را فرا روی مخاطبانش قرار دهد و نکته جالب و در عین حال در خور تعمق و تأمل اینکه، اولین فیلم‌های صامت و ناطق سینمای ایران، مضامین کمدی و اجتماعی داشتند که نشان می‌داد این دو گونه، از ابتدا برای علاقه‌مندان سینما در ایران جذاب بوده است.

«آبی و رابی» اولین فیلم صامت ایران که توسط «آوانس اوگانیانس» ساخته شد، مضمونی طنزآمیز داشت و اگرچه کپی‌برداری از روی یک اثر مشهور خارجی به شمار می‌آمد ولی مورد استقبال قرار گرفت. این فیلم از ۱۲ دی ۱۳۰۹ در سینما مایاک تهران روی پرده رفت.

سه سال بعد «دختر لر» ساخته اردشیر ایرانی و عبدالحسین سپنتا به عنوان اولین فیلم ناطق ایرانی نمایش داده شد که به نوعی اولین فیلم سینمای ایران در ژانر اجتماعی هم به شمار می‌آمد.

فیلم در بمبئی هندوستان ساخته شد و ۳۰آبان ۱۳۱۲ در سینما مایاک و سپه روی پرده رفت و با استقبال چشمگیری هم روبرو شد. تماشاگران به مضمون اجتماعی فیلم علاقه نشان داده و همین امر باعث شد که دیگر تولیدات سینمای ایران در سال‌های بعد هم اغلب مضامین اجتماعی داشته باشند ضمن اینکه با افزایش تعداد سینماها در تهران و شهرستان‌ها، اقشار بیشتری از مردم که اغلب در طبقه متوسط قرار داشتند، توانستند سینما را در سبد سرگرمی‌های نسبتاً ارزان قیمت خود قرار داده و به زودی سینما رفتن به مهم‌ترین تفریح مردم تبدیل شد.

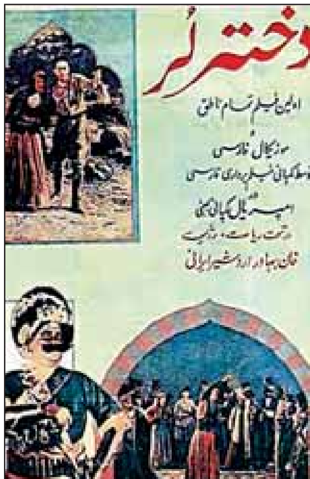
معضلات نمایش فیلم ایرانی در مقایسه با فیلم‌ها و سریال‌های خارجی که در سینماهای ایران به نمایش درمی‌آمدند، مشکلات بسیاری را سد راه سازندگان اولین فیلم‌های ایرانی قرار داد ضمن اینکه وقوع جنگ جهانی دوم و معضلات اجتماعی و سیاسی پیامد آن، باعث شد که سینمای ایران در مقاطعی با کاهش شدید و حتی توقف کامل تولید روبرو شود.

از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۶ هیچ فیلمی در ایران ساخته نشد و سینماها فقط فیلم خارجی نشان دادند، فیلم‌هایی که بازیرنویس فارسی به نمایش درمی‌آمدند چرا که هنوز دوبله در ایران رایج نشده بود تا اینکه به همت اسماعیل کوشان، دوبله هم در ایران رونق گرفت و فیلم‌های خارجی هم با گفتار فارسی روی پرده رفتند که به طور طبیعی استقبال مردم از سینما را افزایش داد و به همین نسبت به رقابت بین سازندگان فیلم‌های ایرانی و واردکنندگان فیلم‌های خارجی هم دامن زد.

در دوران قبل از انقلاب این رقابت هیچ‌گاه ـ به جز مقطعی کوتاه به محدود شدن ورود فیلم خارجی منتهی نشد ولی در سینمای بعد از انقلاب رفته‌رفته محدودیت ورود فیلم خارجی به قصد حمایت از تولید فیلم ایرانی جدی گرفته شد و بیش از ۹۰ درصد ظرفیت نمایش فیلم در سینماها به فیلم‌های ایرانی اختصاص یافت.

سینمای ایران تا اواسط دهه ۳۰ فیلم سازان جدیدی را به خود می‌بیند که هر کدام فیلم‌هایی را در گونه‌های مختلف اعم از کمدی، اجتماعی و تاریخی به کارنامهٔ سینمای ایران افزودند از جمله این فیلمسازان می‌توان به حسین مدنی، سیامک یاسمی، ساموئل خاچیکیان، گرجی عبادیا، ابراهیم مرادی، علی کسمایی، نصراله محتشم و ... اشاره کرد.

در بین فیلم‌سازان تازه وارد، بودند استعدادهایی که رفته‌رفته سینمای ایران را به لحاظ فنی به سطوح استاندارد نزدیک کردند و به چهره‌های تاریخی ساز سینمای ایران بدل شدند. ساموئل خاچیکیان پس از کارگردانی دو فیلم بازگشت و دختری از شیراز که با توفیق چندانی روبرو نشدند، چهارراه حوادث را ساخت که مورد توجه تماشاگران سینمای ایران قرار گرفت و نشان داد که خاچیکیان شیوه‌های ایجاد تعلیق و دلهره در سینمای ایران را می‌شناسد.



ژانر روستایی

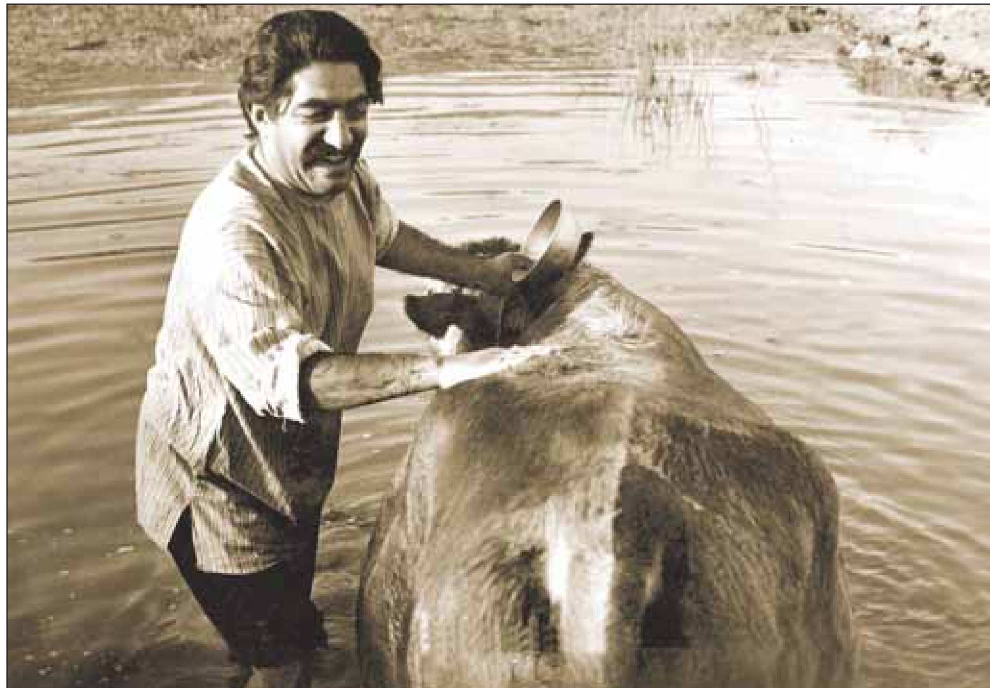
گونه روستایی در سینمای ایران در کنار مضامینی اجتماعی، حادثه‌ای و تاریخی با حضور فیلم‌سازانی همچون مجید محسنی که سال ۱۳۳۶ فیلم بلبل مزرعه را روانه اکران کرد، مورد توجه قرار گرفت.

مجید محسنی در سال‌های بعد هم به تولید فیلم‌های روستایی ادامه داد و پرستوها به لانه باز می‌گردند را ساخت.

سینمای کمدی، خانوادگی و تاریخی به تناوب موضوع فیلم‌های کارگردانان سینمای فارسی قرار گرفت و در کنار همه فیلم‌های ضعیف و متوسطی که ساخته شد، تولید فیلم مهمی همچون «فریاد نیمه شب» توسط ساموئل خاچیکیان به عنوان اثری جذاب و حادثه‌ای در کنار کمدی های



عزت الله انتظامی در فیلم گاو،ساخته داریوش مهرجویی



سطحی و فاقد جذابیت، باعث شـــدند که رفته‌رفته فیلم فارسی با همه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایش شکل بگیرد.

تا اواخر دههٔ ۴۰، هنوز فیلمی که بتواند جریان‌ساز باشد و تحولی اساسی در ساختار و مضمون سینمای ایران به وجود بیاورد، روی پرده نیامده است.

سینمای ساموئل خاچیکیان هم به عنوان کارگردان فیلم‌های پرفروش حادثه‌ای آنقدرها مورد اقبال فیلمسازان دیگر قرار نگرفت و تقریباً به عنوان سبک شخصی خاچیکیان باقی ماند.

■زمینه‌سازی برای گنج قارونیسم

در آغاز ســـال ۱۳۴۸، سیامک یاسمی با کارگردانی آقای قرن بیستم زمینه را برای ظهور پدیده فردینیســـم و تولید فیلمی همچون گنج‌قارون فراهم کرد. آقای قرن بیســـتم با استقبال گسترده‌ای روبرو شد.

در همین سال، ساموئل خاچیکیان هم با «ضربت» دایره موفقیت‌هایش را در سینمای حادثه‌ای کامل کرد.

■فرخ غفاری و شب‌قوزی

فیلم‌های کمدی اجتماعی در سال ۴۳ هم روی پرده رفتند تا اینکه فرخ غفاری «شب قوزی» را به عنوان یک کمدی اجتماعی کاملاً متفاوت با فیلم‌های معمول ســـینمای ایران ارائه کرد و این فیلم و سازنده‌اش را در فهرست آثار برتر تاریخ سینمای ایران قرار داد.

■گنج قارون و سینمای ایران

یک سال بعد از اکران موفق آقای قرن بیستم، یکی از فیلم‌های شاخص سینمای ایران به لحاظ موفقیت در جریان‌سازی و تأثیرگذاری بـــر فیلم‌های بعد از خود، با نام «گنج‌قارون» روانه پرده ســـینماها شـــد و در کوتاه‌مدت مخاطبان بسیاری پیدا کرد و تصنیف‌هایش بر ســـرزبان‌ها افتـــاد و از همین زمان بود که ســـیامک یاسمی‌توانست با پیدا کردن رگ خواب تماشـــاگرانی که به فیلم فارسی خو کرده بودند، فیلمی را به کارنامه سینمای ایران اضافه کرد که تا مدت‌ها شاخص سینمای تماشاگرپسند آن سال‌ها باشد.

■خشت و آینه

امـــا در کنار همهٔ فیلم‌های کافه‌ای و جاهلی با مضامین رؤیـــا پردازانه فعالان وجوه متفاوت ســـینمای ایران دست روی دست نگذاشتند و یک سال بعد از شب قوزی، ابراهیم گلستان «خشت و آینه» را روانه پرده ســـینماها کرد که اگر چه بین دوستداران جدی سینما اختلاف نظرهایی بر سر ارزش‌های این فیلم وجود داشت ولی در پایان موافقان فیلم توانستند خشت و آینه را هم مانند شب قوزی در رده فیلم‌های برگزیده سینمای ایران قرار دهند.

■ورود فیلمسازان تازه نفس

اواســـط دهه ۴۰، مقطع ورود فیلمسازان شاخص به جرگه کارگردانان سینمای ایران است که به همین نســـبت توانست سینمای ایران را با همه مشکلات و فراز و فرودهایش به لحاظ کیفی بالا بکشد.

در این مقطع و چند سال بعد سینمای ایران شاهد ظهور فیلمسازانی همچون جلال مقدم، بهرام بیضایی، ناصر تقوایی، علی حاتمی، هژیر داریوش ، داریوش مهرجویی، کامران شـــیردل، بهمن فرمان‌آرا، مسعود کیمیایی، فریدون گله، رضا میرلوحی، امیر نادری و ... بود که هرکدام توانستند با مجموعه آثار یا چند اثر شاخص شـــان جانی تازه به پیکر نحیف و سودازده سینمای ایران ببخشند. البته تعداد آثار شـــاخص در این دهه محدود است ولی این فیلم‌ها و فیلمسازان در برهوت سینمای مبتذل آن سال‌ها توانستند برای سینمای ایران کسب آبرو کنند.

مســـعود کیمیایی در سال ۱۳۴۷ بیگانه را ســـاخت و خود را به عنوان استعدادی تازه مطرح کرد.

فریدون گله هم در همین ســـال فعالیت ســـینمایی خود را آغاز کرد و مدتی بعد به یکی از فیلمسازان شاخص سینما تبدیل شد.

داریوش مهرجویی پس از تجربه ناموفق «الماس ۳۳» با «گاو» نقطه عطفی در ســـینمای ایران پدید آورد. فیلم، محصول وزارت فرهنگ و هنر وقت بود و مهرجویی برای اکران فیلم با مشکلات بسیاری روبرو شد تا اینکه سرانجام توانست آن را در مهرماه ۱۳۴۸ در سینما کاپری روی پرده ببرد. «گاو» با استقبال گرم منتقدان روبرو شد و در چند جشنواره جهانی هم درخشید.

مهرجویی در فضای ویژه تولید مستمر فیلمسازی توانست به کمک بازیگران معروف تئاتر آن سال‌ها فیلمی را به کارنامه خود و سینمای ایران اضافه کند که تاکنون همواره جزو ۱۰ فیلم برگزیده سینمای ایران بوده است و این، برای فیلم‌ساز مستقلی همچون داریوش مهرجویی در نیمه دوم دههٔ ۴۰ موفقیت کمی نبود.

■مسعود کیمیایی و قیصر

مسعود کیمیایی به کمک عباس شباویز تهیه‌کننده سرشناس آن سال‌ها، توانست مهم‌ترین فیلم کارنامهٔ ســـینمایی خود و یکی از آثار شاخص سینمای ایران را به نام قیصر روانه پردهٔ سینماها کند، فیلمی که همچون نقطه آغاز موجی نو در سینمای ایران، توانست ضمن کسب موفقیت تجاری، به واسطه نوع نگاه فیلمســـاز به جامعه پیرامونی، به اثری در خور تأمل در تاریخ سینمای ایران تبدیل شود. فیلم از همان ابتدا مخالفان و موافقان بسیاری داشت و به همین دلیل هم توانست بیش از دیگر آثار شاخص سینمای ایران در فضای رسانه‌ای مطرح شود.

■علی حاتمی، شاعر سینما

علی حاتمی با «حســـن کچل» و در برنامه نوروزی سال ۱۳۴۹ به سینما دوســـتان ایرانی معرفی شد و خیلی زود توانســـت جایگاه ویـــژه‌ای را در میان سینماگران جوان و با استعداد ایرانی به خود اختصاص دهد.

حســـن کچـــل، یکـــی از اولین موزیکال‌های ایرانی است و علی حاتمی در اولین فیلم بلندش نشـــان می‌دهد که به روایت قصه‌های فولکلوریک ایرانی علاقه‌مند اســـت و اگرچه در آثار بعدی خود به سراغ سینمای جدی می‌رود، ولی نشانه‌های تعلق خاطر خود را به این مقوله به وضوح نشان می‌دهد.

آقای هالـــوی داریوش مهرجویی که دلگرمی دیگری برای دوســـتداران سینمای جدی و متفاوت بود، در شهریور

علی نصیریان در فیلم آقای هالو





۴۹ راهی پرده سینماها شد و داریوش مهرجویی فیلم به فیلم جلوه‌های متفاوتی از استعدادهای بالقوه خود را به ظهور رساند.

درسال ۱۳۵۰ «فرار از تله» جلال مقدم و «داش آکل» مسعود کیمیایی روی پرده می‌روند و تصویر تازه‌ای از سینمای درخور اعتنا را فراروی مخاطبان سینمای ایران قرار می‌دهند تا مخاطبان سینما، در اوج تولید فیلم‌های بی‌ارزش فارسی مجال «سینما» دیدن پیدا کنند.

■«رگبار» بیضایی

یکی از نقاط عطف سینمای ایران در اردیبهشت سال ۱۳۵۱ شکل می‌گیرد؛ زمانی که «رگبار» بهرام بیضایی با بازی پرویز فنی‌زاده، محمدعلی کشاورزی و پروانه معصومی در ۱۷ سینمای تهران روی پرده رفت و در آشفته بازار سینمای آن سال‌ها همچون نگینی در سینمای ایران درخشید.

بهرام بیضایی که پیش از رگبار با چند فیلم کوتاه موفق به سینمای ایران معرفی شده بود، در رگبار، قصه انسان‌ها و احساسات انسانی را به گونه‌ای روایت می‌کند که در سینمای ایران تازگی دارد.

آقای حکمتی رگبار با بازی به یادماندنی پرویز فنی‌زاده شخصیتی نمونه از روشنفکر سرگشته این دیار است که برای رسیدن به آنچه که می‌خواهد، موانع بسیاری را پیش روی خود می‌بیند و عاقبت هم ظاهراً برای همیشه از آرمانی که در جستجوی آن است دور می‌شود.

بیضایی، گام اول را در سینمای ایران محکم برداشت و پس از آن و تا آخرین سالی که همچنان در سینمای ایران فیلم ساخت، ثابت کرد که در هر شرایطی فیلم خودش را می‌سازد.

■«بلوچ» و مسعود کیمیایی

بلوچ در کارنامه مسعود کیمیایی اتفاقی ویژه بود و نشان داد که او رفته‌رفته صاحب سبک و شیوه بیانی ویژه‌ای می‌شود که می‌تواند برایش حکم امضا را داشته باشد. بلوچ، نقطه آغاز دیگری برای مسعود کیمیایی است تا مسیر پیش روی خود را روشن و هموار سازد.

■مهرجویی «پستچی» و تداوم موفقیت‌ها...

مهرجویی براساس نمایشنامه‌ای از «گئورگ بوخنر» پستچی را می‌نویسد و کارگردانی می‌کند و یک اثر شاخص دیگر را به کارنامه خودش و سینمای ایران اضافه می‌کند.

پستچی در کارنامه داریوش مهرجویی نقطه آغازی است بر پرداخت جسورانه درام‌های روانکاوانه که این را با چاشنی فلسفه در آثار بعدی مهرجویی به وضوح می‌بینیم.

پستچی در چندین جشنواره خارجی هم به نمایش درآمد و به موفقیت‌هایی دست یافت.

■ورود ناصر تقوایی

در سال ۱۳۵۱ ناصر تقوایی هم توانست اولین فیلمش را روی پرده سینماها ببرد. «صادق کرده» با بازی سعید راد، محمدعلی کشاورز و عزت‌الله انتظامی، فیلمساز مستعد و کاردان دیگری را به سینمای ایران معرفی کرد؛ کارگردانی که دغدغه‌اش سینمای اجتماعی بود و می‌خواست در این عرصه نگاه عمیق و مؤثر را تجربه کند.

■کامران شیردل و «صبح روز دهم»

راهی که بهرام بیضایی در رگبار برگزیده بود، رهرو دیگری به نام کامران شیردل پیدا کرد که اگر چه بیشتر به عنوان مستندساز شناخته می‌شد در عرصه سینمای داستانی هم موفق بود.

همراهی اصلانی و شیردل در نوشتن فیلمنامه این اثر کاملاً جواب داد و یکی از متفاوت‌ترین فیلم‌های دهۀ ۵۰ روانه پرده سینماها شد.


تنگسیر، ساخته امیرنادری

«آرامش در حضور دیگران» اثر ناصر تقوایی، «تنگنا» اثر امیرنادری، یک اتفاق ساده (سهراب شهید ثالث)، مغول‌ها (پرویز کیمیاوی)، تنگسیر (امیر نادری)، نفرین (ناصر تقوایی)، شازده احتجاب (بهمن فرمان‌آرا)، غریبه و مه (بهرام بیضایی) و غزل (مسعود کیمیایی) تا قبل از پیروزی انقلاب، تنها فیلم‌های مهم سینمای ایران هستند که نشان می‌دهد دوران افول سینمای ایران آغاز شده است.

این چند فیلم در مقابل خیل فیلم‌های مبتذلی که از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ ساخته شد، نقش چندانی در نجات سینمای ایران ایفا نکرد و اگر چه در کارنامه سازندگانشان برای همیشه ماندگار شدند ولی تأثیری بر بدنه سینمای ایران برجای نگذاشتند.



در سال ۱۳۵۶ علی حاتمی در شرایطی که سینمای ایران نفس‌های آخرش را می‌کشید، با «سوته‌دلان» جان تازه‌ای به این سینمای رو به زوال بخشید ولی این تک ستاره فقط توانست نقش مسکن را ایفا کند.

در سال ۵۷، علاوه بر داریوش مهرجویی که با «دایره مینا» یک بار دیگر پدیده‌ای را به سینمای ایران معرفی کرد. عباس کیارستمی با «گزارش» مسعود کیمیایی با «سفر سنگ» و امیر نادری با «مرثیه» آبروداری کردند تا اینکه سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی، سینمای ایران هم وارد دوران تازه‌ای شد که می‌توانست برایش تولدی دوباره باشد.

سینمای بعد از انقلاب؛ آغاز دگردیسی

طبیعی بود که در نخستین سال‌های بعد از پیروزی انقلاب، سینمای ایران هم مثل بسیاری از دیگر وجوه فرهنگی، هنری و سیاسی کشور دچار تغییر و تحولات عمده‌ای شود؛ تغییراتی که به واسطه کم تجربگی بسیاری از سینماگران تازه نفس بعد از انقلاب، گاهی عمده و قابل توجه هم بود.

استعدادهای جدید سینما، در کنار باتجربه‌هایی آمده از دوران قبل از انقلاب، در کنار هم دهه نخست سینمای بعد از انقلاب را شکل دادند که در این مجال، شمایی کلی از آن و دو دهه بعدش تا آغاز دهه ۹۰ ارائه خواهد شد.

در سال ۱۳۵۹ و بعد از یک سال رکود کامل، باز هم اتفاق مهمی در سینمای ایران رخ نداد. عده‌ای از فعالان سینمای قبل از انقلاب که مجال فعالیت دوباره یافتند، در کنار چند کارگردان جدید، فیلم‌هایی را روانه پرده سینماها کردند. فضای ملتهب اولین سال‌های بعد از پیروزی انقلاب، تأثیر خود را بر فضای عمومی سینمای ایران هم بر جای گذاشته بود و علاقه‌مندان سینما باید برای شروع تولید جدی در سینمای ایران همچنان صبر پیشه می‌کردند.

در سال ۱۳۶۰، یکی از تولیدات سینمای جمهوری اسلامی ایران در آن سال‌ها با نام «اشباح» ساخته رضا میرلوحی کارگردان باتجربه سینمای قبل از انقلاب، نمایش محدودی در سینماهای تهران داشت؛ فیلمی که در میان آثار ضعیف و متوسط آن سال و به ویژه در عرصه بازیگری حرف‌هایی برای گفتن داشت.

در این سال، رفته رفته تعاونی‌های فیلم‌سازی شکل گرفت که «آفتاب نشین‌ها» ساخته مهدی صباغ‌زاده در این زمینه یکی از اولین‌ها بود.

با فرا رسیدن سال ۱۳۶۱، یکی دیگر از تولیدات سینمای جمهوری اسلامی ایران با نام «مرگ یزدگرد» ساخته بهرام بیضایی ارائه شد ولی به دلیل مشکل حجاب سوسن تسلیمی، به نمایش عمومی در نیامد. مرگ یزدگرد، اثری شاخص در کارنامه بهرام بیضایی با ساختاری نمایشی بود و چون به نمایش عمومی در نیامد، در زمرۀ آثار مهجور کارگردان باتجربه سینمای ایران قرار گرفت.

■ادامه حضور حاتمی با «حاجی واشنگتن»

در این سال، باز هم نوبت به یکی دیگر از تولیدات تلویزیون رسید که حالا در دوران بعد از انقلاب گویی سعی می‌کرد افت تولید در سینمای ایران را به نوعی جبران کند.

«حاجی واشنگتن» علی حاتمی، مهم‌ترین فیلم به نمایش درآمده سینمای ایران در سال ۱۳۶۱ بود و نشان از آن داشت که زنده یاد علی حاتمی با کوله‌باری از تجربه‌های ذیقیمت می‌تواند، یکی از نیروهای شاخص سینمای ایران در دهه نخست دوران جدید باشد؛ دهه‌ای که جوانان کم‌تجربه نسل جدید، باید از تجربه‌های فیلمسازان مطرح با استعداد دوران گذشته بهره می‌گرفتند.

مسعود کیمیایی هم در این سال خط قرمز را داشت که این فیلم هم به دلیل مشکل حجاب بازیگر آن به بایگانی راکد سپرده شد. مسعود کیمیایی هم مانند داریوش مهرجویی و زنده یاد علی حاتمی با این فیلم وارد دوران جدید سینمای ایران شد و توانست موقعیت جدید خود را در شرایط جدید سینمای ایران تثبیت کند. اولین فیلم محسن مخملباف یعنی توبه نصوح نیز در همین سال روی پرده رفت.

رسول صدر عاملی هم با «رهایی» که مضمونی مرتبط با دفاع مقدس داشت به عنوان نیرویی تازه نفس، داود رشیدی را به سینمای بعد از انقلاب آورد.



صـــدر عاملی در ادامه و با کارگردانی چندین فیلم در ســـینمای ایران، توانســـت به یکی از فیلمسازان شاخص سینمای بعد از انقلاب تبدیل شود.

آغاز سینمای جنایی با «بازجویی یک جنایت»

سال ۱۳۶۲، یک فیلمساز مهم دیگر را به سینمای ایران معرفی کرد: محمدعلی سجادی. اولیـــن فیلم او «بازجویی یک جنایت» همچنان تا مدتها یکی از آثار شـــاخص پلیس جنایی ســـینمای بعد از انقلاب و مهم‌ترین فیلم کارنامه سجادی بود. این فیلم هم محصول یکی از همان تعاونی‌هایی بود که قبلاً از آن‌ها نوشتم و با ساختاری حرفه‌ای و متناسب، توانست یکی از آثار جدید سینمای بعد از انقلاب باشد.

ابوالفضل جلیلی

ابوالفضل جلیلی هم در این ســـال اولین فیلمش را برای تلویزیون ساخت که نمایش عمومی هم داشت، او با «میلاد» به سینمای ایران معرفی شد و توانست در میان فیلمسازان نوجوی سینمای ایران، حرفی برای گفتن داشته باشد.

مهدی صباغ‌زاده و سینمای بدنه

سینمای بدنه ایران رفته رفته شـــکل می‌گرفت و مهدی صباغ‌زاده با فیلم «پرونده» خود را به این ســـینما معرفی کرد و به عنوان فیلمسازی که فیلم استاندارد و حرفه‌ای می‌ساخت، توانست در قالب تعاونی‌ها به کمک تهیه کنندگان دولتی فیلم‌های درخور اعتنایی را به کارنامه ســـینمای ایران اضافه کند.

در «پرونده» فرامرز قریبیان هم به عنوان یکی از بازیگران شـــاخص ســـینمای قبل از انقلاب حضورش را در دوران جدید سینما اعلام کرد.

خسرو سینایی، دیگر سرمایه دوران نوین سینمای ایران بود که در این سال هیولای دوران را به عنوان اثری متفکرانه به سینمای ایران عرضه کند.

ســـیروس الوند هم با «ریشه در خون» پس از سال‌ها دوری از سینما، یک بار دیگر به سینمای ایران بازگشت و فیلمی متوسط را با بازی فرامرز قریبیان و اکبر زنجان‌پور راهی پرده سینماها کرد. زنده یاد محمدرضا اعلامی با نقطه ضعف به ســـینمای ایران معرفی شـــد. ساختار درست و حرفه‌ای این فیلم در گونه سیاســـی اجتماعی به شکلی بود که نوید حضور فیلمسازی با استعداد و خلاق را در سینمای ایران می‌داد.

کیومرث پوراحمد با «تاتوره» آمد

«تاتوره» کیومرث پور احمد، فیلمســـاز ارزشمند، خلاق و پرتلاش دیگری را به سرمایه‌های سینمای ایران اضافه کرد.

پور احمد از همان ابتدا نشان داد که آینده‌ای درخشان در انتظار او و سینمای اوست. او سال‌ها بعد ثابت کرد که دوران سینمای بعد از انقلاب به دلیل دور شدن از جاذبه‌های کاذب فاقد ارزش‌های هنری، توانسته با تربیت نیروهای مستعد، آگاه و اندیشمند به موفقیت‌های چشمگیری دست یابد.

علـــی حاتمی با «کمال‌الملک» بار دیگر گرایش‌هایش را به تاریخ معاصر ایران اینبار در عرصه زندگی بزرگان هنر ثابت کرد و علی رضا داودنژاد هم با «خانه عنکبوت» بازگشتی موفق به سینمای ایران در دوران تازه داشت و او هم در کنار فیلمسازان با تجربه دوران گذشته سینمای ایران، توانست قابلیت‌های خود را به اثبات برساند و خود را با شرایط جدید سینمای ایران وفق دهد.



جنگ تحمیلی و سینمای ایران

وقوع جنگ تحمیلی، فیلمسازان جوان و مستعدی را به ســـینمای ایران معرفی کرد که اولین آن‌ها، زنده‌یاد رســـول ملاقلی‌پور بود که «نینوا» اولین فیلمش به شمار می‌آمد. او در خلال دهه‌های ۶۰ و ۷۰ تعدادی از مهم‌ترین آثار ســـینمای دفاع مقدس را به کارنامه سینمای ایران افزود.

شهر موشها

اولین قســـمت شهر موشها که دومین قسمت آن به یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ ســـینمای ایران تبدیل شد، سال ۱۳۶۴ به کارگردان مرضیه برومند روی پرده رفت که به نوعی اولین تولید جدی سینمای کودک و نوجوان در دوران جدید سینمای ایران به شمار می‌آمد.

رسول صدرعاملی و فیلمی جریان‌ساز

رسول صدر عاملی در این سال «گل‌های داودی» را عرضه کرد؛ یک ملودرام خانوادگی بسیار پرفروش و تأثیرگذار بر بدنه ســـینمای ایران که در عین حال بیژن امکانیان را هم که مدتی در دوران قبل از انقلاب از سینمایی نویس‌های روزنامه اطلاعات بود، به عنوان یکی از جوان اول‌های سینمای بعد از انقلاب معرفی و تثبیت کرد.

امیر نادری، دونده و امیرو

امیر نادری در ســـال ۱۳۶۴، یکی از مهم‌ترین فیلم‌های سینمای متفاوت ایران را با نام «دونده» کارگردانی کرد.

این فیلم تا مدت‌ها در میان ۱۰ فیلم برتر سینمای بعد از انقلاب جایگاه خود را حفظ کرد. دونده یکی از آثار برتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سینمای بعد از انقلاب بود و نشان داد که تفکر درست و اصولی در این کانون همچون گذشته پابرجاست.

امیری دونده، یکی از شخصیت‌های به یادماندنی سینمای ایران بوده و خواهد بود، جوانی تنها و جنوبی که محکم و استوار برای ماندن و زنده‌ماندن تلاش می‌کند.

دونده امیر نادری موفقیت‌های چشمگیری در عرصه‌های جهانی به دست آورد.

رکورد شکنی «عقاب‌ها»

عقاب‌ها، یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ ســـینمای ایران، ساخته ساموئل خاچیکیان است که در سال ۱۳۶۴ به نمایش در آمد و مدت‌ها روی پرده سینماهای ایران بود. حضور ساموئل خاچیکیان در سینمای بعد از انقلاب با عقاب‌ها استارت خورد.

«بی‌بی چلچله»، تداوم موفقیت‌های کیومرث پوراحمد است که حالا دیگر رفته رفته به چهره‌ای شاخص تبدیل می‌شود. فیلمی شریف و انسانی که یکی از آثار برتر سال ۱۳۶۶ به شمار می‌آید.

یدالله صمدی دیگر کارگردان نام آشـــنای ســـینمای ایران نیز اولین فیلم خود را با نام «مردی که زیاد می‌دانســـت» روانه پرده سینماها کرد؛ فیلمی متوسط که نشان از استعداد فراوان صمدی در کارگردانی کمدی‌های اجتماعی داشت. او هم مثل بسیاری از فیلمسازان هم نسل خود توانست در کوتاه مدت موقعیتش را تثبیت کند.

«مادیان» و علی ژکان

«مادیان» یکی از برترین آثار به نمایش درآمده در سال۱۳۶۵ ساخته علی ژکان بود؛ فیلمسازی که به رغم تلاش فراوانش دیگر نتوانست موفقیت اولین فیلمش را تکرار کند.

حضور بسیار موفق سوسن تســـلیمی و حسین محجوب در این اثر برگزیده سینمای ایران به موفقیت آن در جلب توجه تماشاگران و منتقدان کمک بسیار کرد و توانست به لحاظ کیفی سینمای اجتماعی ایران را چند پله به لحاظ کیفی ارتقا بخشد.

«مادیان» یکی از اولین آثار ســـینمای بعد از انقلاب اســـت که حکایت رنج زن ایرانی را در





مناسبات بسته سنتی و روستایی به تصویر می‌کشـد. محمد طالبی، دیگر فیلمساز معرفی شده به سـینمای ایران است که با «خط پایان» از راه می‌رسد، فیلمی که اولین اثر حادثه‌ای ورزشی سینمای ایران شـناخته می‌شـود. او در فیلم‌های بعدی‌اش رویه متفاوتی را در پیش می گیرد و به سینمای اجتماعی روی می‌آورد.

■کیانوش عیاری

سـال ۱۳۶۵ برای سینمای ایران، سالی مهم و به یاد ماندنی بود چرا که در این سال، اولین فیلم کیانوش عیاری یکی از چند کارگردان شـاخص سینمای بعد از انقلاب با نام «تنوره دیو» روی پرده می‌رود؛ اثری ارزشمند در دهه ۶۰ سینمای ایران که نقطه آغازی کاملاً واضح و روشنگر برای معرفی کیانوش عیاری به عنوان فیلمسـازی بود که از سینمای آزاد قبل از انقلاب قدم به سینمای حرفه‌ای بعد از انقلاب می گذاشت.

■مسعود جعفری جوزانی و «جاده‌های سرد»

در این سال، سینمای ایران یکی دیگر از سرمایه‌های مهمش را شناخت آن هم با فیلمی که هنوز هم از خاطره و ذهن شیفتگان سینمای متعالی ایران زدوده نشده است. «جاده‌های سرد» را می گویم که در شرایط جوّی بسیار نامساعد و با کوشش دسته جمعی دست‌اندرکاران فیلم و به ویژه مسعود جعفری جوزانی به عنوان کارگردان و علی نصیریان در مقام بازیگر سـاخته شد. این فیلم تعریفی متفاوت از ایستادگی در برابر قهر طبیعت در سینمای ایران ارائه می‌کند.

محمد متوسلانی، یکی دیگر از سینماگران با تجربه سینمای ایران در سال ۱۳۶۵ اولین فیلم بعد از انقلابش را با نام «کفش‌های میرزانوروز» روانه پرده سـینماها کرد؛ یکی از آثار پرترکمدی که با بازی هنرمندانه علی نصیریان توانست توجه بسیاری از شیفتگان سینمای کمدی را جذب کند.

زنده‌یاد سـیف‌الله داد هم در این سال یک فیلم تلویزیونی را به عنوان اولین فیلمش به نام «زیر باران» روانه اکرانی محدود کرد.

■پوران درخشنده، اولین زن کارگردان سینمای بعد از انقلاب

پوران درخشـنده، اولین زن سینماگر بعد از انقلاب با فیلم «رابطه» معرفی شد. این فیلم دربارهٔ زندگی نوجوانی کر و لال بود که نمی‌توانست با اطرافیان خود ارتباط برقرار کند.

درخشـنده از همان ابتدا نشان داد که شیفته سـاختن فیلم‌های روانکاوانه با شخصیت‌های نوجوان است که رفته رفته با تلاش برای به تصویر کشیدن آسیب‌های اجتماعی نیز همراه می‌شود.

■ابراهیم حاتمی‌کیا و سینمای دفاع مقدس

سـینمای دفاع مقدس در سـال ۶۶ با فیلم «هویت» ابراهیم حاتمی‌کیـا را به عنوان یکی از شاخص‌ترین سینماگران نسل بعد از انقلاب شـناخت؛ فیلمسازی برآمده از متن دفاع مقدس که می‌خواست همیشه و در همه حال فرزند زمانه خود باشد.

■اجاره‌نشین‌ها، مهم‌ترین فیلم کمدی سینمای ایران

در سـال ۱۳۶۶ داریوش مهرجویی مهم‌ترین فیلم کمدی سینمای ایران را با نام اجاره‌نشین‌ها روانه پرده سینماها کرد.

کمدی اجتماعی اجاره‌نشین‌ها در کارنامهٔ سـینمای مهرجویی اثری متفاوت به‌شمار می‌آید همچنان که توانست به عنوان یک کمدی نمونه‌ای در سینمای ایران مطرح شود.



محمدعلی نجفی با گزارش یک قتل و داریوش فرهنگ با «طلسـم» به سینمای ایران معرفی شدند.

■ناخدا خورشید

ناصر تقوایی در سـال ۱۳۶۶ یکی از شاخص‌ترین آثار سینمای اجتماعی طول تاریخ سینمای ایران را با نام «ناخدا خورشید» روانه پردهٔ سینماها کرد.

این فیلم که فیلمنامه‌اش براسـاس «داشتن و نداشتن» اثر ارنست همینگوی نوشته شده بود، تا مدتها در صدر جدول بهترین‌های سینمای ایران از نگاه منتقدان قرار داشت و هنوز هم به عنوان اثری شاخص در فهرست ۱۰ فیلم برتر سینمای ایران جایگاه ویژه خودش را دارد.

ناصر تقوایی در این اثر با تأکید بر شـخصیت‌محوری ناخدایی یک دست به نام خورشید و با طراحی شخصیت‌هایی پرداخت شده و به یادماندنی و میزانسن‌های دقیق و مؤثر اثری خلق می‌کند که در عرصه سـینمای اجتماعی اهمیت شخصیت‌پردازی و طراحی قصه متناسب با فرم را یادآور می‌کند و در اینجا نمی‌توانم از اشاره به یک نکته بگذرم. شادروان استاد مرتضی ممیز، یکی از بهترین پوسترهای سینمایی را برای این فیلم طراحی کرده است. سینمای ایران، این روزها به امثال مرتضی ممیز نیاز فراوان دارد. یادش گرامی.



■آن‌سوی آتش

در ادامه مرور بر آثار برگزیده سـینمای ایران، باز هم به یکی از آثار کیانوش عیاری می‌رسیم، آن‌سوی آتش؛ یک وسترن تمام‌عیار است که در جنوب ایران می‌گذرد.

عیاری با این فیلم، توانست همه نگاه‌های نگران به اوضاع کیفی سینمای ایران را به خود جلب کند. او همچنان یکی از برترین‌های سینمای بعد از انقلاب بود.

■خانه دوست کجاست؟

اولین فیلم عباس کیارستمی در سـینمای بعد از انقلاب خانه دوست کجاست؟ بود که حالا دیگر در عرصه سـینمای کودک و نوجوان ایران، فیلمی کلاسیک به‌شمار می‌آید. نقش این فیلم در معرفی سـینمای ایران به عرصه‌های جهانی انکارناپذیر است و یکی از شاعرانه‌ترین آثار سینمای





ایران به‌شمار می‌آید. کیارستمی با این فیلم سبکی ویژهٔ خود به‌وجود آورد؛ سبکی که در سینمای ایران و جهان پیروانی هم داشته و دارد.

سینمای کیارستمی، بیش از آنکه متکی به فضاسازی و بیزانس باشد، به دنبال واقعیت‌های بیرون از کادر است. واقعیت‌هایی که گاهی صدایشان را می‌شنویم ولی تصویرشان را نمی‌بینیم.

در خانه دوست کجاست؟ تصویر مشهور دویدن نوجوان در جاده‌ای که به تک درختی می‌رسد، نقطه آغاز حرکتی است که معادلات مرسوم و پذیرفته‌شده فضاسازی در سینمای رئالیستی را به هم می‌زند.

■باشو، غریبه کوچک

بهرام بیضایی در ادامه نگاه اجتماعی آمیخته با تمثیل گرایی خود به واقعیت‌های پیرامونی، اثری را با نام «باشو غریبه کوچک» به سینمای ایران عرضه می‌کند؛ فیلمی که سعی می‌کند متناسب با زمانه خودش باشد و ضمن پرداختن به شخصیت همیشگی زن در آثار بیضایی و تأکید بر استواری و استقامت او، به تفسیری تازه از وطن‌انگاری در پروسه پیچیده تقدیر و تمثیل دست یابد.

مهرجویی با بازگشت به فضای روستا، گویی می‌خواهد خاطرات «گاو» را زنده کند ولی این بار شخصیت اصلی فیلم نوجوانی است که روستای محل سکونتش به جای بلوریها مورد هجوم گرازها قرار گرفته و شیرک به کمک دشتبانی به نام حاج خالو و یک سگ شکاری گرازها را فراری می‌دهد. فیلم آشکار مفاهیم سمبلیک بسیاری دربارهٔ دفع تجاوز دشمن داشته و مهرجویی همچنان دغدغه‌های نگاه سمبلیک را با خود همراه دارد.

■شاید وقتی دیگر

دهه ۶۰، آثار ارزشمندی را به کارنامهٔ سینمای ایران هدیه کرد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها «شاید وقتی دیگر» ساخته بهرام بیضایی است؛ فیلمی که با گذشت نزدیک به سه دهه از اولین نمایش عمومی آن هنوز هم در میان آثار برگزیده سینمای ایران جایگاه ویژه خود را دارد.

شاید وقتی دیگر در ادامه نگاه دقیق و موشکافانه بیضایی به شخصیت زن در آثارش، اینبار مضمونی روانکاوانه با مایه‌هایی از ملودرامی دقیق و بسیار کنترل‌شده را با مفاهیم سمبلیک مرتبط با بازیابی خود واقعی و جستجوی هویت گمشده در هم می‌آمیزد.





شاید وقتی دیگر حضور ارزشمند سینماگری را یادآور می‌شود که با کمال تأسف نتوانستیم ـ یا شاید نخواستیم ـ از همهٔ ظرفیت‌های نهان و آشکارش برای بهتر فهمیدن رابطه سینما و اندیشه بهره بگیریم.

■ابراهیم فروزش

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان در ادامه درخشش چشمگیر خود در دهۀ ۶۰ این بار به سراغ ابراهیم فروزش به عنوان یکی دیگر از استعدادهای سینمای بعد از انقلاب می‌رود و فروزش کلید را به کارنامه سینمای «دربارهٔ کودک» اضافه می‌کند؛ فیلمی ساده و واقعگرایانه با فیلمنامه‌ای از عباس کیارستمی که مثل همیشه واقعیتی بسیار ساده شده را بازگو می‌کند.

■«کانی‌مانگا» و شادروان سیف‌الله داد

اکران سال ۶۷ شاهد نمایش یکی از فیلم‌های نمونه‌ای سینمای جنگ بود و زنده‌یاد سیف‌الله داد را هم به عنوان کارگردانی حرفه‌ای و مسلط بر گونه «جنگی» و «حادثه‌ای» در سینمای ایران معرفی کرد. اگرچه این فیلمساز فقید سینمای ایران در مقاطعی از فعالیت حرفه‌ای خود درگیر کار اجرایی شد و مدتی معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به عهده گرفت، ولی در عرصه کار عملی فیلمسازی همواره فیلمسازی موفق و آشنا با قواعد اصولی سینما و تولید پروژه‌های بزرگ و مهم بوده است و سال‌ها بعد با کارگردانی «بازمانده» بهترین فیلم تاریخ سینمای بعد از انقلاب را دربارهٔ پیدایش صهیونیسم و اشغال فلسطین را به کارنامه‌اش افزود.

کانی‌مانگا، فیلمی خوش‌ساخت و حرفه‌ای بود که توانست در میان فیلم‌های تولیدشده با مضمون دفاع مقدس حرفهای زیادی برای گفتن داشته باشد.

■«شیرک» و مهرجویی

داریوش مهرجویی همچنان به اقتباس‌های ادبی خود ادامه می‌دهد و شیرک را براساس داستانی از کامبوزیا پرتوی می‌سازد.

■رخشان بنی‌اعتماد

سینمای دهۀ ۶۰ در ادامه پرنده کوچک خوشبختی (پوران درخشنده)، ترن (امید قویدل) و پرستار شب (محمدعلی نجفی) را هم به عنوان چند اثر درخور تأمل در کارنامه ثبت می‌کند تا اینکه به اولین فیلم رخشان بنی‌اعتماد می‌رسیم؛ یک کمدی اجتماعی درخور اعتنا که به عنوان اولین اثر فیلمساز توانست نگاه‌های مثبت بسیاری را متوجه خود کند.



بنی‌اعتماد با این فیلم به عنوان دومین فیلمساز زن سینمای بعد از انقلاب معرفی شد و همان‌طور که بسیاری از منتقدان و صاحبنظران پیش‌بینی می‌کردند، در ادامه به یکی از فیلمسازان مهم سینمای ایران تبدیل می‌شود. مایه‌های طنز رقیق در آثار بنی‌اعتماد البته خیلی دوام نمی‌آورد و به‌زودی جای خود را به نگاه جدی و غالباً تلخ به واقعیت‌های اجتماعی پیرامونی می‌دهد.

ایستگاه (یدالله صمدی)، گاویار (کیومرث پوراحمد)، سرب (مسعود کیمیایی)، زردقناری (رخشان بنی‌اعتماد)، عروسی خوبان (محسن مخملباف) دیگر آثار مهم دهه ۶۰ به‌شمار می‌آیند.



کامبوزیا پرتوی و «ماهی»

کامبوزیا پرتوی با فیلم «ماهی» به عنوان یکی از فیلمسازان جوان و با استعداد به سینمای کودک و نوجوان معرفی شد. فیلمنامه ساده ولی تأثیرگذار ماهی، یادآور آثار موفق کانونی در سینمای ایران است که این بار توسط خانه ادبیات و هنر کودکان و نوجوانان تولید شده است.

دیده‌بان

دهه ۶۰ برای سـینمای ایران خوش‌یمن بود و یکی از دلایل آن هم در کنار همه ویژگی‌های دیگرش حضور موفق ابراهیم حاتمی‌کیا در عرصه سینمای دفاع مقدس بود.

زمانی که حاتمی‌کیا بعد از فیلم مهجور «هویت»، دیده‌بان را در سال ۱۳۶۸ روانه پرده سینماها کرد، سـینمای دفاع مقدس پس از معرفی رسول ملاقلی‌پور، چهرهٔ سرشناس دیگری نداشت ولی بعد از دیده‌بان، گونه دفاع مقدس سر و شـکل متفاوتی پیدا کرد و حاتمی‌کیا به عنوان فیلمسازی تربیت شـده در سینمای بعد از انقلاب، به عنوان یکی از سرمایه‌های مهم این سینما، فعالیت جدی خود را در این عرصه آغاز کرد.

ویژگی مهم سـینمای حاتمی‌کیا این بود که او براساس دیده‌ها و تجربه‌های شخصی خود از دوران دفاع مقدس فیلم می‌ساخت. حرفی و فکری داشت که مطمئن بود از طریق سینما و به کمک بیان تصویری بیشـترین تأثیر را بر مخاطبانش خواهد داشت. او درست فهمیده بود و در ادامه هم ثابت کرد که قواعد و اصول سـینما را هم خوب یاد گرفته و فهمیده است. استقبال از دیده‌بان راه را برای حاتمی‌کیا باز و هموار کرد و اگرچه او در ادامه راه با مشکلات بسیاری برای در اختیار گرفتن امکانات لجستیکی روبرو شـد ولی هیچگاه اجازه نداد کمبود امکانات به ساختار بصری آثارش لطمه جدی وارد کند.

در مسیر تندباد (مسـعود جعفری جوزانی)، روز با شکوه (کیانوش عیاری)، گلنار (کامبوزیا پرتوی)، بای‌سیکل‌ران (محسن مخملباف)، نارونی (سعید ابراهیمی‌فر)، مهاجر (ابراهیم حاتمی‌کیا) از جمله آثار مهم دهه ۶۰ به‌شمار می‌آیند.

هامون و هامون‌بازها

نمی‌دانم گفتن و نوشـتن از هامون مهرجویی به عنوان یکـی از برترین و ماندگارترین آثار سـینمای دهه ۶۰، پس از این همه گفته و نوشته درباره این فیلم چقدر می‌تواند لازم و جذاب باشد ولی حالا پس از گذشت نزدیک به ربع قرن از زمان اولین نمایش عمومی آن، در شرایطی که به یک فیلم کالت واقعی و تمام‌عیار تبدیل شـده، می‌توانیم کمی از فضای به‌وجود آمده فاصله بگیریم و یکبار دیگر به شرایط آن سال‌ها و زمانه کنونی بیاندیشیم و ببینیم که به راستی چه اتفاقی افتاده که هامون مهرجویی توانسته این تعداد مخاطب علاقه‌مند داشته باشد و همچنان به حیات خود ادامه دهد.

راز جذابیت هامون برای هامون‌بازها چه بوده و چرا این اتفاق تقریباً برای هیچ فیلمی در تاریخ ربع قرن سینمای ایران رخ نداد. پاسـخ به این سؤال شاید در این مجال محدود نگنجد ولی اجازه بدهید به عنوان کسـی که پیش از سه دهه از ارتباط نزدیک با سینمای ایران به عنوان نویسنده و منتقد می‌گذرد، این چند سطر را بنویسیم و خلاص!

داریوش مهرجویی، هامون را براسـاس فهم و درک غریضی خود از مقوله انسـان و معنا و فلسـفه انسان بودن و عاشق بودن ساخت و این درک غریزی ـ که البته آگاهی را هم به عنوان پوسته ظاهری‌اش با خود داشت ـ با حسن و درک غریزی و احساسی بسیاری از مخاطبان‌اش درهم آمیخته



و آنقدر خوب جواب داد که خیلی‌ها به دلایل ویژه خودشان از جمله همذات‌پنداری، غمخواری، تحریک احساس یا هر اسم دیگری که بخواهیم برایش انتخاب کنیم،هامون را برای همیشه گوشه‌ای از دنیای ذهنی خودشـان به یادگار نگه داشتند تا هر وقت خواستند لذت کشف سینمای واقعی را درک کنند و این اثر برگزیده و جاودانه سینمای ایران را به یاد بیاورند.

«هامون» نقطه عطفی را در سینمای دهه ۶۰ رقم زد. راستی به این نکته فکر کرده‌اید که اگر دهه ۶۰ نبود، کارنامه سینمای ایرانی چه حال و اوضاعی داشت؟

علی حاتمی و «مادر»



«مادر» هم درکارنامه علی حاتمی به نوعی حکم هامون را در کارنامه مهرجویی داشـته و همه شـاخصه‌های سـینمای علی حاتمی را در خود دارد و خاصیت «کالت» بودن را هم. بهترین فیلم تاریخ سینمای ایران دربارهٔ مادر و عرصه هنرنمایی برای بازیگرانی همچون اکبر عبدی، محمدعلی کشاورز و ....

علی حاتمی هم در این فیلم، همانند داریوش مهرجویی در کنارهمه داشـته‌ها و آگاهی‌های اکتسـابی‌اش، ناخودآگاه نگاه غریزی را ملاک کارش قرار می‌دهد و حسـی که از غریزهٔ متکی بر آگاهی نشـأت می‌گیرد، بر پرده سینما جاری می‌شود و مادر را در قلب مخاطبانش جای می‌دهد و اینگونه است که مادر، می‌شود گل سرسبد سینمای علی حاتمی که هر بار دیدنش تجربه‌ای تازه برای همه کسانی است که سینما و مادر را دوست دارد.

دهه هفتاد و فیلمسازان تازه‌نفس

با پایان دهه ۶۰ و آغاز دههٔ هفتاد، فیلمسـازان جوان و تازه نفسی وارد عرصه سینمای ایران شـدند که اگرچه برخی از آنها استعدادهای خوبی از خود به نمایش گذاشتند ولی وقتی به فهرست فیلم‌های به یادماندنی دهه ۷۰ نگاه می‌کنیم، باز هم بسـیاری از آن‌ها متعلق به فیلمسازان باتجربه و قدیمی است.

«نیاز» و داودنژاد

در عرصه فیلم‌های نمونه‌ای ایران در ژانر اجتماعی «نیاز» علیرضا داودنژاد هیچوقت فراموش نمی‌شود و شاید خود فیلمساز هم معتقد باشد که بهترین و واقعگرایانه‌ترین اثرش را ساخته است.

دو شخصیت نوجوان نیاز وقتی در اوج رقابت کاری به آستانه اتخاذ تصمیمی اساسی می‌رسند، مخاطب‌اش، کاملاً برای پذیرفتن آن آمادگی دارد چون پرداخت فیلم به گونه‌ای است که مخاطب را بدون آنکه در برابر شـخصیتش موضع گیری کند، در مسـیری قرار می‌دهد که انتخاب نهایی شخصیت‌ها، باورپذیر باشد. این نوع پرداخت در سینمای آن سال‌ها بسیار کمیاب بود.

خانه خلوت

«خانه خلوت» مهم‌ترین فیلم کارنامه مهدی صباغ‌زاده اسـت که سال ۱۳۷۱ روی پرده رفت. فیلمی که به زندگی یک نویسـنده قدیمی مطبوعات می‌پردازد که در برابر مظاهر روزنامه‌نگاری نوین مقاومت می‌کند؛ مقاومتی که تأثیر منفی‌اش را روی زندگی شخصی امیر جلال‌الدین بر جای می‌گذارد.



چند اتفاق جنبی درام خانه خلوت را تکمیـــل می‌کند و حضور عزت‌الله انتظامی هم که مثل همیشه بسیار مؤثر است.

■تهمینه میلانی
سومین کارگردان زن ســـینمای بعد از انقلاب تهمینه میلانی است که پس از یکی، دو تجربه نه چندان موفق با «دیگه چه خبر؟» شـــلوغ و پرســـرو صدا از راه می‌رسد و با نگاهی جانبدارانه به شخصیت زن در جامعه، خود را به خوبی معرفی می‌کند.

■«عروس» بهروز افخمی
بهروز افخمی با «عروس» دو جوان اول تازه نفس را به ســـینمای ایران معرفی می‌کند. ضمن اینکه خودش هم تسلط تکنیکی‌اش را به عنوان فیلمسازی جوان و جویای نام در سراسر اثر به رخ می‌کشد.
عروس یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های دهه ۷۰ سینمای ایران است و نقطه آغاز حضور موفق نیکی کریمی و ابوالفضل پورعرب در سینمای ایران.
عروس توانست در مقطعی، الگویی برای تولید تریلر ایرانی باشد.

■پرده آخر
دستیاری طولانی مدت بهرام بیضایی، واروژ کریم مسیحی را در دهۀ ۷۰ برای کارگردانی یکی از آثار مهم و «کالت» ســـینمای ایران یعنی «پرده آخر» آماده کرد. این فیلم، اولین و بهترین اثر کریم مسیحی است که تقریباً سرنوشتی همچون علی ژکان در سینمای ایران پیدا کرد.



پرده آخر به لحاظ ساختار، میزانسن و صحنه‌پردازی تحت تأثیر آثار بهرام بیضایی ساخته شد ولی در مجموع هویت مســـتقل خود را حفظ کرده و با نزدیک شدن به فضایی نمایشی، مضمون جنایی معمایی خود را در فضایی کاملاً متفاوت با آثار جنایی متعارف طرح کرد.

■«هور در آتش» و نامی دیگر در عرصه سینمای دفاع مقدس
دهه هفتاد، شـــاهد به بار نشستن تلاش‌های عزیزالله حمیدنژاد به عنوان یکی دیگر از نام‌های شاخص سینمای دفاع مقدس برای کارگردانی هور در آتش بود که به گمانم هنوز هم می‌تواند یکی از ۱۰ فیلم شاخص سینمای دفاع مقدس به شمار آید.
اگرچه حمیدنژاد در سال‌های بعد نتوانســـت در مناسبات ویژۀ سینمای ایران جایگاه تثبیت شـــده‌ای برای خود فراهم آورد و مدت‌هاست کار تازه‌ای از او دیده نشده است ولی هور در آتش نشانه‌های درستی از به عرصه آمدن فیلمسازی مستعد و آشنا با مقوله دفاع مقدس داشت.

■«خاکستر سبز» مهجور برگزیده!
یکی از اتفاقات ناگوار ســـینمای ایران در دهۀ ۷۰، مهجور ماندن یکی از مهم‌ترین آثار ابراهیم حاتمی‌کیا به نام «خاکستر سبز» بود.
او در این فیلم به موضوع جنگ و نسل‌کشـــی در بوسنی و حضور یک عکاس ایرانی در گیر و دار نبرد پرداخته بود. این فیلم که زحمات زیادی برای ساخته شدنش کشیده شد، متأسفانه به دلیل رفتارهای غلط در عرصه نمایش و اکران نامناسب، آن طور که باید دیده نشد درحالی که ارزش‌های خاکستر سبز، هنوز هم بعد از گذشت نزدیک به دو دهه از اولین نمایش عمومی آن کم‌رنگ نشده و نشان از تسلط حاتمی‌کیا بر ابزارهای موردنیازش برای ساختن فیلمی تأثیرگذار دارد.

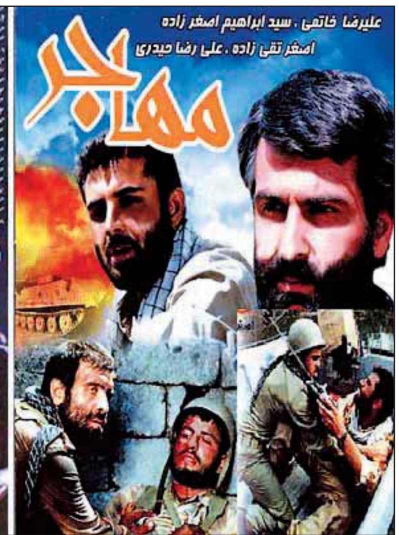


جنگ در بوسنی، محملی می‌شود برای پرداختن به مضامین انسانی در دل جنگ.
معتقدم خاکستر سبز باید در موقعیت کنونی یک بار دیگر به نمایش عمومی درآمده و درباره‌اش بیش از پیش گفته و نوشته شـــود. این فیلم هنوز قابلیت‌های کشف نشده‌ای دارد که می‌تواند برای نسل جوان و کم تجربه مثل کلاس درس عمل کند.

■«عروس آتش» و خسرو سینایی
خسرو سینایی کارگردان باتجربه سینمای داستانی و مستند ایران، در دهه ۷۰ فیلم مهمی را به نام عروس آتش کارگردانی کرد که ضمن به نمایش گذاشتن قابلیت‌های نهفته بازی حمید فرخ‌نژاد، به لحاظ طرح مضامینی دربارۀ سنت‌های قومی یکی از آثار برگزیده سینمای ایران به شمار می‌آید.
عروس آتش با انتخاب مضمونی جسورانه سعی می‌کند با حفظ نگاهی مستندگونه به مضمون اجتماعی‌اش، میزان تأثیرگذاری‌اش را دوچندان کند و سینایی به این هدف نائل می‌شود.
خسرو سینایی بعد از عروس آتش نتوانســـت هیچ محدودیتی را بپذیرد و خود را در عرصه مناســـبات ســـینمای تجاری و حرفه‌ای ایران حفظ کند و سالهاست منتظر شروع کار تازه‌ای از او هستیم.

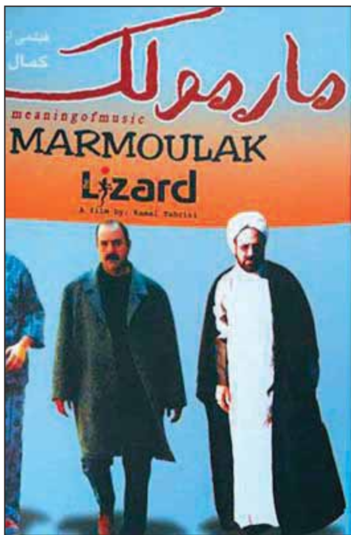
■مهرجویی و سه‌گانه سارا، پری و لیلا
مهرجویی در دهۀ هفتاد به محور قراردادن شـــخصیت ســـه زن و باز هم اقتباس از ادبیات و نمایشنامه، ســـه اثر برگزیده دیگر را به کارنامه خود و سینمای ایران افزود؛ سه اثری که توانستند شـــخصیت متفاوتی از زن در سینمای ایران ترسیم کنند. شـــخصیت‌هایی که بدون نیاز به ترحم راهشـــان را از بین موانع و ناهمواری‌ها باز می‌کنند، تصمیم جدی زندگی‌شان را می‌گیرند و پای آن هم می‌ایستند.
وقایع پیرامون این سه زن، برآمده از همه آن چیزهایی است که نامش را تقابل سنت و مدرنیته می‌گذاریم؛ همان چیزی که مهرجویی با پشتوانه درک و شناخت فلسفی‌اش از حیات انسان معاصر به آن‌ها می‌پردازد و بدون آنکه رأی قاطعی دربارۀ آن‌ها و رفتارهایشان صادر کند، خود واقعی‌شان را به نمایش گذاشته و قضاوت را به عهده تماشاگر می‌گذارد.

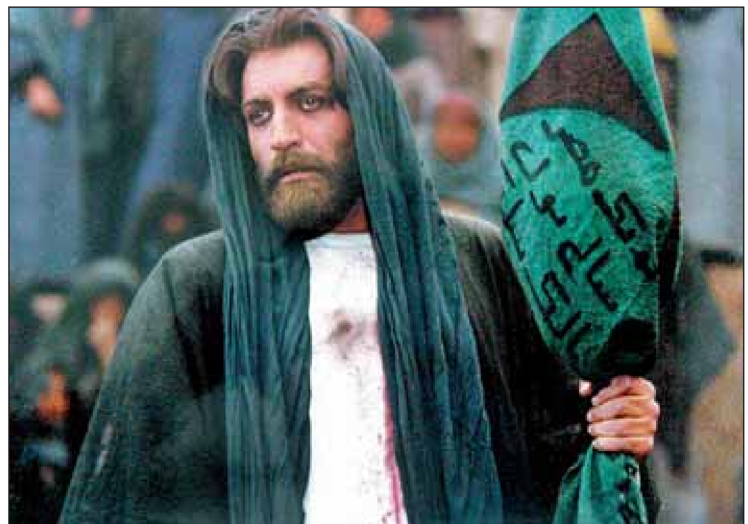
■رضا میرکریمی و تنفس در هوای تازه
رضا میرکریمی با «زیر نور ماه» برای اولین بار در ســـینمای ایران نگاهی متفاوت به شخصیت روحانی در سینما دارد و در «خیلی دور خیلی نزدیک» تحت تأثیر فضای معناگرایی که ظاهراً از آن حمایت می‌شـــد، بی‌آنکه به ورطه شعارزدگی و پرداخت‌های سطحی درغلتد، مضمونی ارزشی و معنایی را در قالب شخصیت پزشکی بی‌اعتقاد که عاقبت دست خدا را بر سر خود می‌بیند، به نمایش گذاشت و بعد هم در «به همین سادگی» به روح و روان زنی تنها در متن زندگی روزمره نزدیک شد و باز هم به «معنا» و «ارزش» مفهومی تازه بخشید. او در هوای تازه سینمای ایران تنفس می‌کرد.











■شهرام اسدی و «روز واقعه»

اما نوشـــتن از دهه ۷۰ سینمای ایران و گذشـــتن از کنار «روز واقعه» شهرام اسدی، خطایی جبران‌ناپذیر است. اســـدی، فیلمنامه‌ای از بهرام بیضایی را به تصویر کشید و حاصل این دو نگاه فیلمی شد که بهترین اثر به نمایش درآمده سینمای ایران درباره واقعه عاشورا است.

روز واقعه، تعریفی متفاوت از سینمای دینی و تاریخی ارائه کرد که اگرچه تأثیر چندانی بر پیکره ســـینمای ایران بر جای نگذاشت و سینمای دینی و تاریخی ایران به راه خودش رفت، ولی به عنوان تجربه‌ای گرانبها که سینماگر و نمایش شناسی همچون بهرام بیضایی پی‌ریز آن بوده است در کارنامه سینمای ایران ثبت شد و تأثیرش را بر مخاطب این سینما برای همیشه برجای گذاشت.

نمایش‌های مکرر این فیلم و اســـتقبال چشمگیر مخاطبان، نشان داد که بهرام بیضایی و شهرام اسدی، راه درستی را پیموده‌اند و سینمای ایران همچنان به تجربه‌هایی اینچنین نیاز دارد.

■آژانس شیشه‌ای

بدون تردید یکی از فیلم کالتِ‌های این دهه، «آژانس شیشه‌ای» ساخته ابراهیم حاتمی کیاست؛ فیلمی بدون تاریخ مصرف و اتفاقاً متعلق به همه عصرها.

شـــخصیت به ظاهر یاغی فیلم اقدام می‌کند، کاری را که درســـت تشخص می‌دهد به انجام می‌رســـاند. اتفاقات پیرامونش تأثیر زیادی روی تصمیمش بر جای نمی‌گذارد و به تکلیفش عمل می‌کند تا لحظه آخر. دســـت آخر هم او می‌ماند و وجدانی آسوده و سرنوشتی نامعلوم. سرنوشت در این لحظه البته خیلی مهم نیســـت. حاج کاظـــم وجدانش را نجات می‌دهد و این موفقیت کمی نیست.



ابراهیم حاتمی‌کیا در آژانس شیشه‌ای به همه کسانی که معتقد بودند اگر موقعیت و اختیارات او را داشتند، دیده‌بان‌ها و مهاجرها و خاکستر سبزهای بسیاری می‌ساختند ثابت کرد که ساخته شدن هیچکدام از آن فیلم‌ها با تکیه بر رانت و شـــانس و الزامات نورچشمی بودن شکل نگرفته‌اند بلکه همگی از یک نیاز سرچشمه می‌گیرد: نیاز به آگاه شدن و آگاه کردن.

آژانس شیشـــه‌ای نتیجه منطقی ســـال‌ها تلاش فیلمســـاز برای پرداختن به شخصیت‌ها و موضوع‌های دفاع مقدس و رنج‌نامه‌ای برای همه سال‌هایی است که حاتمی‌کیا فیلم جنگی ساخت ولی گاهی برای ساختن فیلمی مثل برج مینو، امکانات جنگی موردنیازش را با مشکلات بسیار تهیه کرد و بارها تا آنجایی پیش می‌رفت که عطای سینمای جنگ را به لقایش ببخشد.

■«سفر به چزابه» و «نجات یافتگان»

در همین ســـال‌ها زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور هم با تحمل مشکلات و مرارت‌های بسیار، فیلم دفاع مقدسی می‌ساخت که او هم مثل حاتمی‌کیا از پا نمی‌نشست چرا که به راهی که در پیش گرفته بود، اعتقاد داشت.

دو فیلم ســـفر به چزابه و نجات یافتگان محصول این شرایط و تلاش‌ها هستند. دو فیلم دشوار و تأثیرگذار که به نوعی حدیث نفس فیلمساز هم بودند.

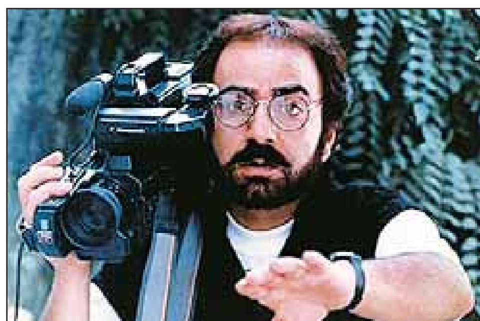
■مجید مجیدی و «رنگ خدا»

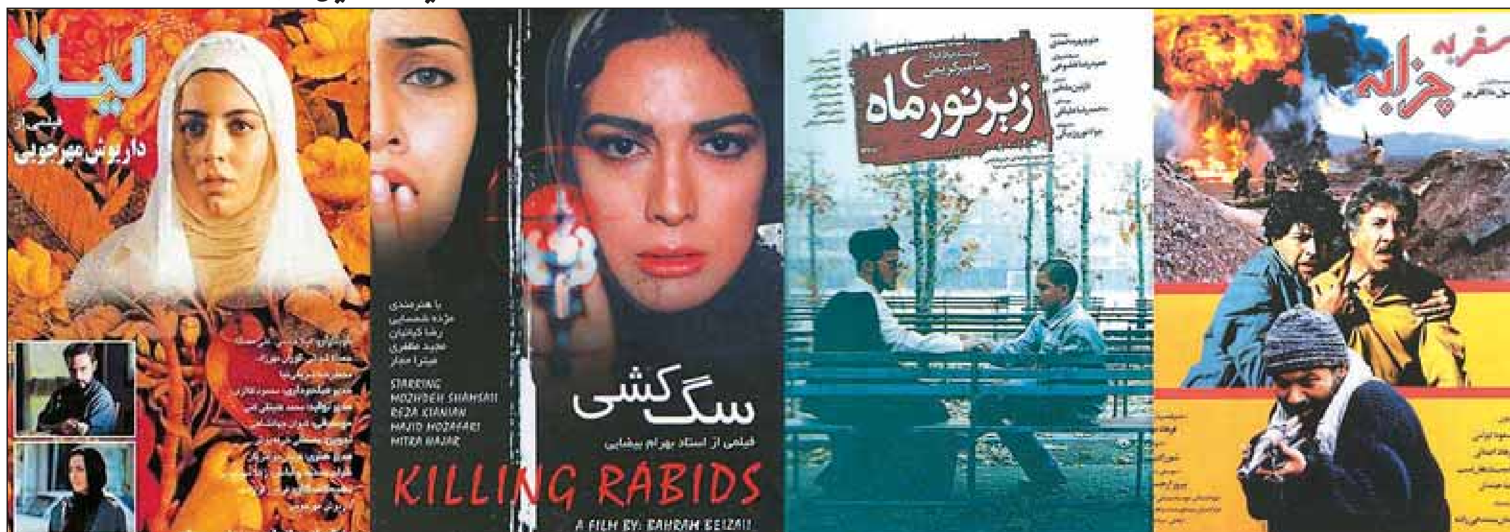


مجید مجیدی که پیش از این با «بچه‌های آســـمان» نام خود را در سینمای ایران و جهان بلند آوازه کرده بود، در دهه ۷۰ با رنگ خدا، یک بار دیگر توانایی‌هایش را در پرداختن به شخصیت‌های نوجوان و مضامینی انسانی و ارزشی به نمایش گذاشت در دل طبیعتی زیبا و سرسبز، با دستمایه قرار دادن شخصیت نوجوانی نابینا، باز هم بدون تکیه به پرداخت‌های شـــعاری منتسب به سینمای معناگرا، تعریف جدیدی از معناگرایی در سینما ارائه می‌کند؛ تعریفی که با سطحی نگری و شعار سنخیتی ندارد.

■لیلی با من است

لیلی با من است در عرصه ســـینمای کمدی ـ جنگی یک پدیده در ســـینمای ایران تلقی شـــد و یکی از فیلم‌های مؤثر و جریان ساز سینمای ایران لقب گرفت.کمال تبریزی بدون عبور از خط قرمزها دو «گونه» طنز و دفاع مقـــدس را در هم آمیخت و نتیجه کار فیلمی شد که پس از بارها نمایش از تلویزیون هنوز از جذابیت‌ها و ارزش‌هایش کاسته نشده است.





دهه ۸۰؛ کم‌فروغ و معمولی

دهه ۸۰ برای سینمای ایران، دهه ظهور نام‌های جدید بود و معرفی استعدادهای تازه، در این دهه اصغر فرهادی توانست سه‌گانهٔ معروفش را تکمیل کند و در عرصه‌های جهانی بدرخشد. در این دهه به جز چند اثر برگزیده، بقیه فیلم‌ها چنگی به دل نمی‌زدند و به طور کلی منهای استثناهایی که ذکر شد، دهه ۸۰ برای کارنامه سینمای ایران خوش‌یمن نبود.

اصغر فرهادی؛ جریان ساز و صاحب سبک



اصغر فرهادی با سه فیلم «چهارشنبه سوری»، «درباره الی» و «جدایی نادر از سیمین» توانست به یکی از چند کارگردان جریان ساز سینمای ایران تبدیل شود. موفقیت جدایی نادر از سیمین در اسکار و موفقیت چشمگیر درباره الی در ایران و آن سوی مرزها، زمینه‌های کافی را برای تبدیل شدن اصغر فرهادی به فیلمسازی صاحب سبک که توانسته بر پیکره سینمای ایران تأثیر بگذارد، فراهم می‌سازد. آثار فیلمسازان جوان چند سال اخیر و تأثیرپذیری برخی از آن‌ها از آثار فرهادی نشان می‌دهد که او نیز همچون عباس کیارستمی جریان ساز شده و حالا می‌توان درباره او و آثارش بیش از آنچه که تاکنون گفته و نوشته شده، گفت و نوشت.

اصغر فرهادی هم مانند بسیاری از فیلمسازان قبل و بعد از خود، به طرح مضامینی اجتماعی علاقه‌مند است ولی آنچه که به عنوان مثال درباره الی و جدایی نادر از سیمین را از سایر آثار اجتماعی سینمای ایران متمایز می‌سازد، نوع نگاه فیلمساز به انتخاب مضمون در این ژانر و پرداخت آن روی کاغذ و پس از آن انتخاب فرم ساختاری مناسب برایِ به تصویر کشیدن فیلم‌نامه است. فرهادی در هر دو زمینه موفق می‌شود متفاوت عمل کند. حتماً تا الان متوجه شده‌اید که تأکید نگارنده بر متفاوت بودن فیلمساز تا چه حد و حدودی بوده و نتیجه آن را هم شاهد بوده‌ایم.

متفاوت بودن اصغر فرهادی باعث مطرح شدن او در سینمای ایران و جهان می‌شود؛ تفاوتی که البته ناشی از تابوشکنی نیست. تفاوت نگاه فرهادی در جایی خودش را نشان می‌دهد که شخصیت واقعی آدم‌های پیرامونش و راست و دروغ‌هایشان را پیش چشم خودشان می‌آورد که آن‌ها درباره شخصیت‌ها قضاوت کنند تا وقتی که پیکر بیجان «الی» را می‌بینیم، بلافاصله درباره سرنوشت او و آدم‌های پیرامونش تصمیم نگیریم و قضاوت نکنیم.

در عرصه ساختاری هم اصغر فرهادی بنا را بر نگاه نزدیک به شخصیت‌ها می‌گذارد. میزانسن‌ها به گونه‌ای است که شخصیت‌ها بدون کمترین جابجایی در مقابل دوربین قرار می‌گیرند تا حضور کارگردان، کمتر احساس شود. تدوین فیلم هم در خدمت چنین میزانسنی است به همین دلیل هم تناسب در خور تأملی بین فرم و مضمون به وجود می‌آید.

حمید نعمت‌الله، استعداد تازه‌نفس

حمید نعمت‌الله پس از کارگردانی چند فیلم کوتاه، عاقبت با «بوتیک» به مخاطبان سینمای ایران معرفی شد، فیلمی که از همان نمایش جشنواره‌ای‌اش بر سر زبان‌ها افتاد و به فیلم مورد علاقه منتقدان تبدیل شد. حمید نعمت‌الله در بوتیک به سراغ یک مضمون آشنای اجتماعی می‌رود و می‌تواند با تکیه بر تجربه‌هایش مسیری را در پیش بگیرد که با تجربه‌های اجتماعی متعارف دیگر فیلمسازان جوان و تازه‌نفس ایرانی متفاوت است و همین تفاوت باعث می‌شود که نعمت‌الله در جایگاه متفاوت و ویژه خودش قرار بگیرد. او بعدها با کارگردانی سریال موفق «وضعیت سفید» نشان داد که موفقیت «بوتیک» اتفاقی نبود و او همچنان با تکیه بر نگاه متفاوت، موفق می‌شود ذائقه تخریب شده مخاطبان سینما و تلویزیون را ترمیم کند.

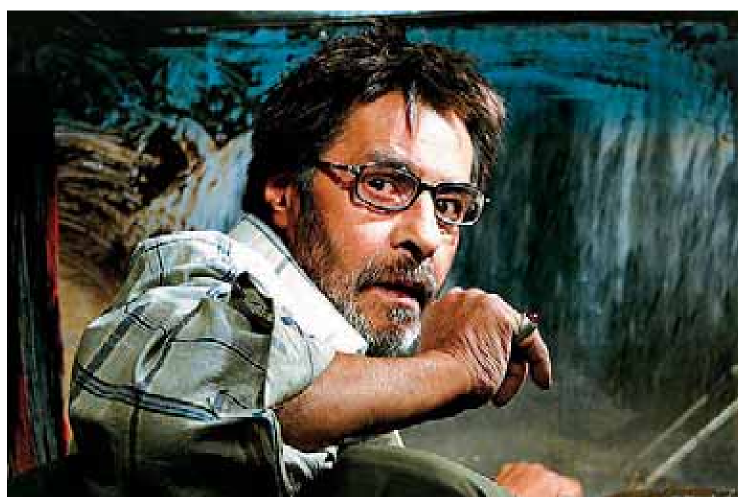
191

از دیگر آثار شاخص دهه ۸۰ می‌توان به این فیلم‌ها اشاره کرد: ارتفاع پست(ابراهیم حاتمی‌کیا)، بمانی(داریوش مهرجویی)، خانه‌ای روی آب (بهمن فرمان‌آرا)، روزگار ما(رخشان بنی‌اعتماد)، زندان زنان(منیژه حکمت)، قارچ سمی(رسول ملاقلی‌پور)، کاغذ بی‌خط (ناصر تقوایی)، من ترانه پانزده سال دارم (رسول صدرعاملی)، شوکران(بهروز افخمی)، طلا و مس(همایون اسعدیان)، به همین سادگی (رضا میرکریمی)، مارمولک(کمال تبریزی)، سگ‌کشی(بهرام بیضایی)، خون بازی(رخشان بنی‌اعتماد)، وقتی همه خوابیم(بهرام بیضایی)، گیلانه (رخشان بنی‌اعتماد)، نفس‌عمیق(پرویز شهبازی)، شب یلدا(کیومرث پوراحمد)، میم مثل مادر(رسول ملاقلی‌پور)، آواز گنجشک‌ها(مجید مجیدی)، اتوبوس شب(کیومرث پوراحمد)، تقاطع (ابوالحسن داوری) و ...





نمایی از فیلم **درباره الی**



خسرو شکیبایی در نمایی از فیلم **اتوبوس شب**

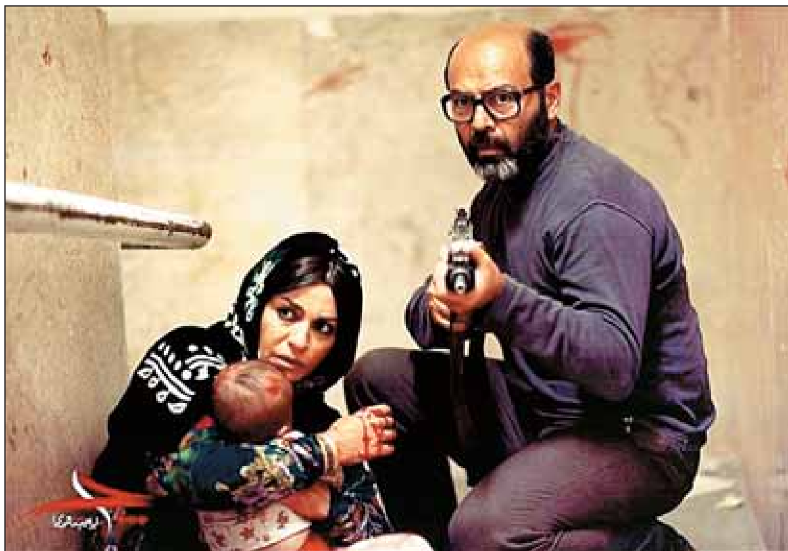
دهه ۹۰ و استثناءها

درآستانه ورود به نیمه دوم دهه ۹۰، سینمای ایران با همه مشکلاتی که پیش رو داشته و دارد، چند فیلم پرفروش و درخور تأمل را به کارنامه‌اش اضافه کرده است.

در این مجال محدود به نام فیلم‌های مهم‌دهه ۹۰ تا پایان آذرماه ۹۴ اشاره می کنم و چند تصویر از فیلم‌های شاخص این سال‌ها را هم در ادامه مشاهده می کنید: ورود آقایان ممنوع (رامبد جوان). اینجا بدون من (بهرام توکلی)، خوابم می‌آد (رضا عطاران)، قصه‌ها (رخشان بنی اعتماد)، کلاه قرمزی و بچه ننه (ایرج طهماسب)، ملکه (محمدعلی آهنگر)، آذر، شهدخت، پرویز و دیگران (بهروز افخمی)، امروز (رضا میرکریمی)، چند مترمکعب عشق (جمشید محمودی)، رستاخیز(احمدرضا درویش)، شیار ۱۴۳ (نرگس آبیار)، ماهی و گربه (شهرام مکری)، ملبورن (نیما جاویدی)، ایران برگر (مسعود جعفری جوزانی)، جامه دران (حمیدرضا قطبی)، در دنیای تو ساعت چند است؟ (صفی یزدانیان)، رخ دیوانه (ابوالحسن داوودی)، شهر موش‌ها(۲)، محمدرسول‌الله (ص)(مجید مجیدی)، من دیه‌گو مارادونا هستم (بهرام توکلی) ناهید (آیدا پناهنده)، نهنگ عنبر (سلمان مقدم) «چ» (ابراهیم حاتمی کیا) و...

فیلم شیار ۱۴۳ ساخته نرگس آبیار، یکی از فیلمهای مطرح و پر فروش سال ۱۳۹۴

فیلم محمد رسول الله (ص) پر هزینه‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران و پر فروش‌ترین فیلم تاریخی سینمای بعد از انقلاب



«چ»: ساخته ابراهیم حاتمی کیا از آثار برگزیده دهه ۹۰



ورود آقایان ممنوع: ساخته رامبد جوان پرفروش‌ترین فیلم سال ۹۰



شهر موش‌ها (۲): پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران با فروش ۹ میلیاردی

فیلم محمد رسول الله (ص)،ساخته مجید مجیدی





هیس دخترها فریاد نمی‌زنند: ساخته پوران درخشنده یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های برتر سینمای اجتماعی ایران در دهه ۹۰



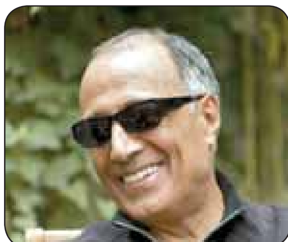
فیلم شیار ۱۴۳ ساخته نرگس آبیار



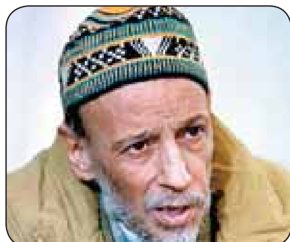
مسعود کیمیایی، ناصر تقوایی و ابراهیم حاتمی کیا
سه کارگردان تاریخ و جریان ساز سینما در شب کارگردانان سینمای ایران



ساموئل خاچیکیان

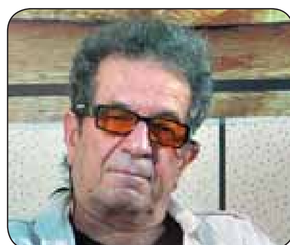


عباس کیارستمی

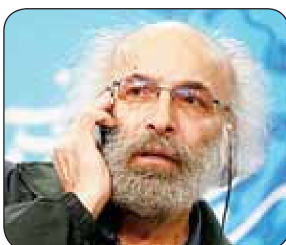


علی حاتمی

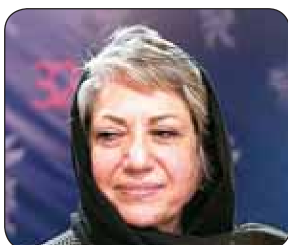
کارگردانان تأثیرگذار در تاریخ سینمای ایران



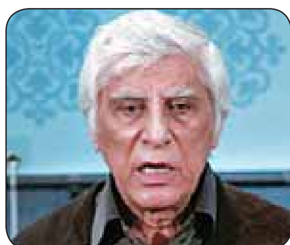
داریوش مهرجویی



کیانوش عیّاری



رخشان بنی‌اعتماد



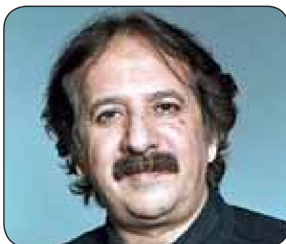
بهرام بیضایی



پوران درخشنده



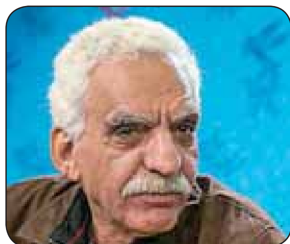
اصغر فرهادی



مجید مجیدی



رضا میرکریمی



کیومرث پوراحمد



بهروز افخمی



ناصر تقوایی



رسول صدرعاملی



ابراهیم حاتمی کیا



مسعود کیمیایی



نهنگ عنبر: ساخته سلمان مقدم



امروز: ساخته رضا میرکریمی



قصه‌ها: ساخته رخشان بنی‌اعتماد

ایران برگر: ساخته مسعود جعفری جوزانی





چند متر مکعب عشق: ساخته جمشید محمودی



رستاخیز: ساخته احمد رضا درویش

صحنه‌ای از فیلم « **ملکوت**»،سال۱۳۵۵-پرویز کیمیایی

صحنه‌ای از فیلم « **داش آکل**» ،سال ۱۳۵۰- مسعود کیمیایی



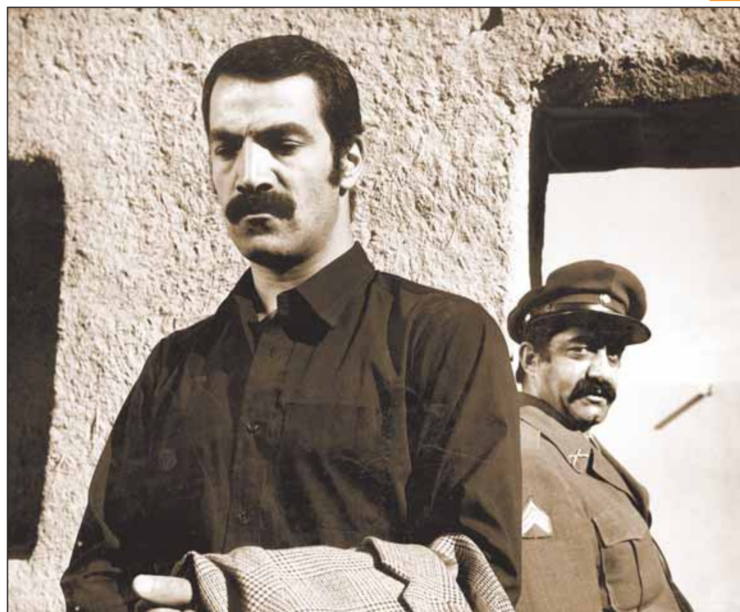


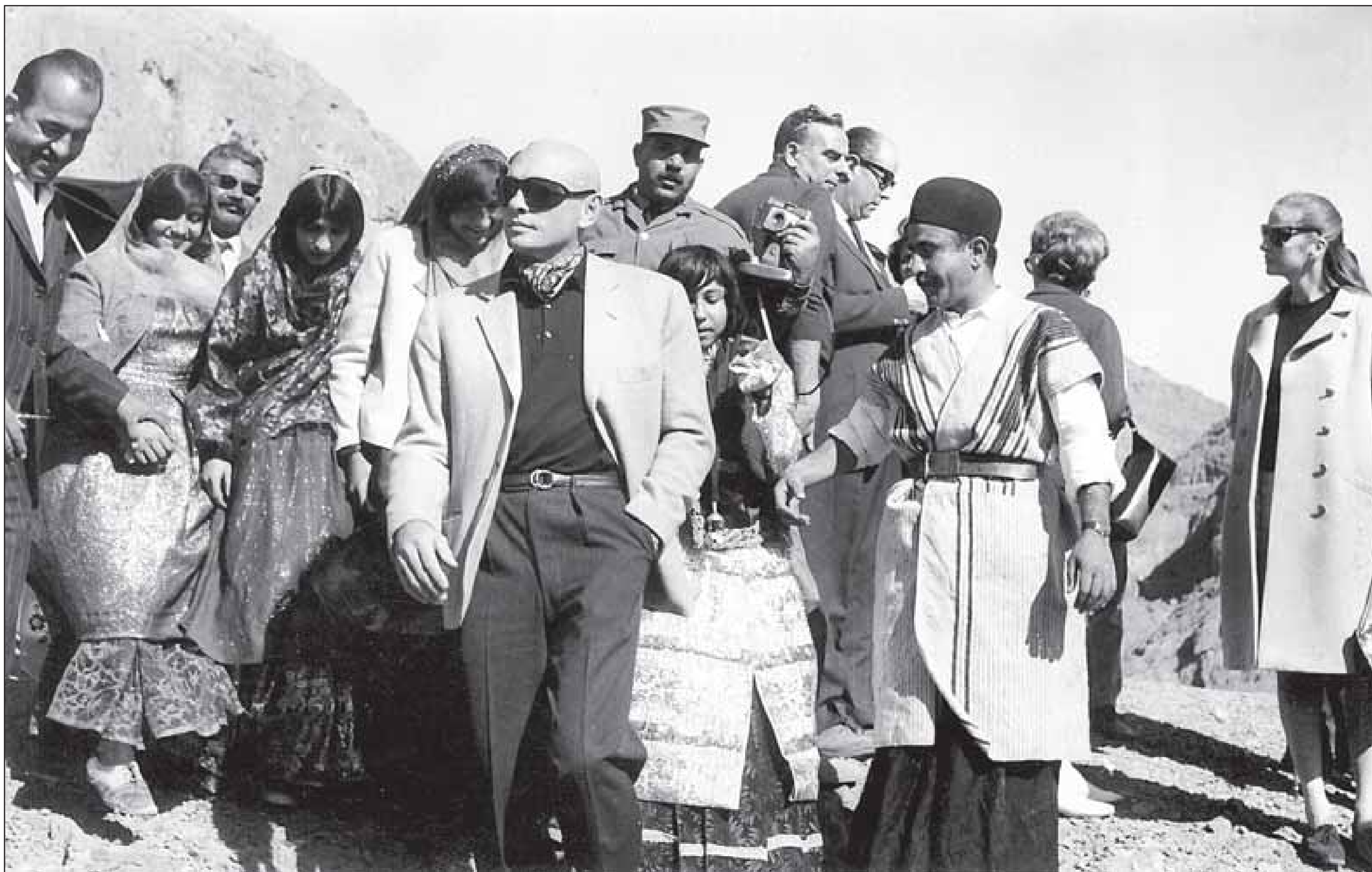
صحنه‌ای از فیلم «**صادق کرده**»، سال ۱۳۵۱- ناصر تقوایی

صحنه‌ای از فیلم « **پستچی**»،سال ۱۳۵۱- داریوش مهرجویی



درسال۱۹۱۶میلادی(۱۳۵۷ش)«والریو زورلینی» کارگردان سرشـــناس ایتالیایی بخش زیادی از فیلم **صحرای تاتارها** را در ارگ بم فیلمبرداری کرد. عده‌ای از بازیگران سرشناس ســـینمای ایران از جمله سعید کنگرانی و محمدعلی کشاورز در این فیلم ایفای نقش کردند. در عکس سعید کنگرانی را در نمایی از فیلم می‌بینید.





«**یول برینر**» بازیگر مشـــــهور ســـــینمای آمریکا در یکی از دوره‌های برگزاری جشنواره جهانی فیلم تهران همراه با همسرش به ایران سفر کرد و در یکی از برنامه‌های سفر به مناطق دیدنی ایران، مدتی را هم در میان ایلات قشقایی گذراند.

هژیر داریوش (نفر وسط) در نشست خبری جشنواره جهانی فیلم تهران ـ این جشنواره مهم‌ترین جشنواره فیلم سینمای قبل از انقلاب بود که هر سال گروهی از بازیگران و کارگردانان سرشناس سینمای جهان در آن شرکت می‌کردند



نورمن ویزدم کمدین سرشناس سینمای آمریکا در سفر به ایران، از شهر شـــیراز هم دیدن کرد. در بدو ورود نورمن به فرودگاه شیراز آقای فرازمند نماینده روزنامه اطلاعات در استان فارس با حلقه گل از او استقبال کرد.



نورمن ویزدم و ارحام صدر در موسسه اطلاعات





محمد علی کشاورز و پرویز فنی‌زاده درنمایی از فیلم «**رگبار**»، سال ۱۳۵۱- بهرام بیضایی

علی نصیریان درنمایی از فیلم «**ستارخان**» ،سال ۱۳۵۱- علی حاتمی





سینما عصر جدید- تهران

پردیس سینمایی آزادی- تهران


پردیس سینمایی ملت- تهران

سینما تربیت هلال احمر – مهاباد



سینما آزادی – بابل



سینما قدس – اردبیل



سینما بهمن – قزوین



سینما فلسطین – تبریز



سینما فرهنگ – اراک



پردیس سینمایی – کرج



پردیس سینمایی هویزه – مشهد



سینما دروازه طلائی–ازدحام مردم برای دیدن فیلم خانه خدا

سینما سانترال–اکران فیلم رابین‌هود





سینما تابان تهران– سال ۱۳۵۶

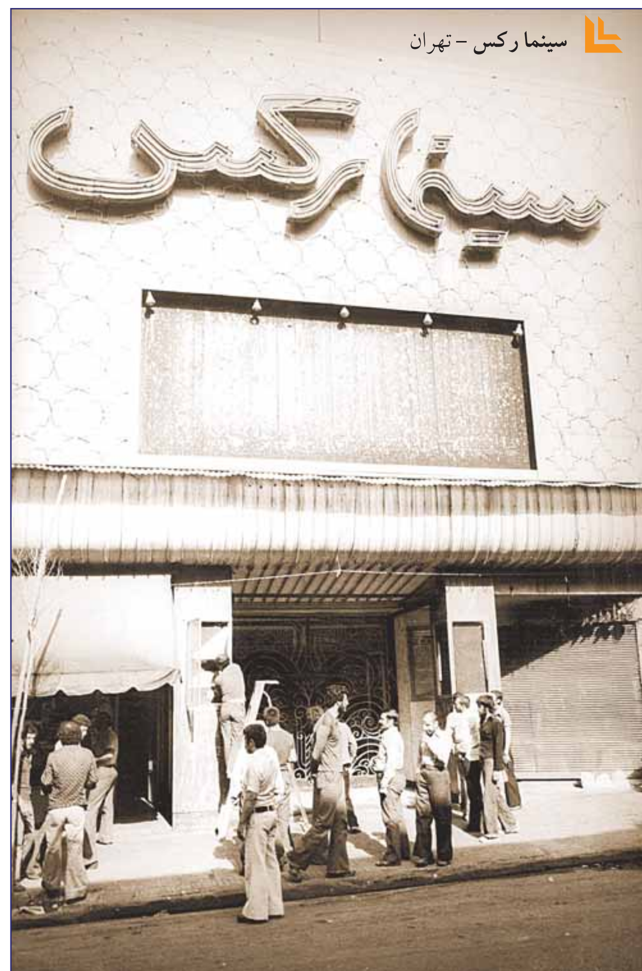


سینما قصر طلایی اراک– سال ۱۳۵۰



سینما رویال– سال ۱۳۵۷

سینما ادئون – تهران



سینما رکس – تهران



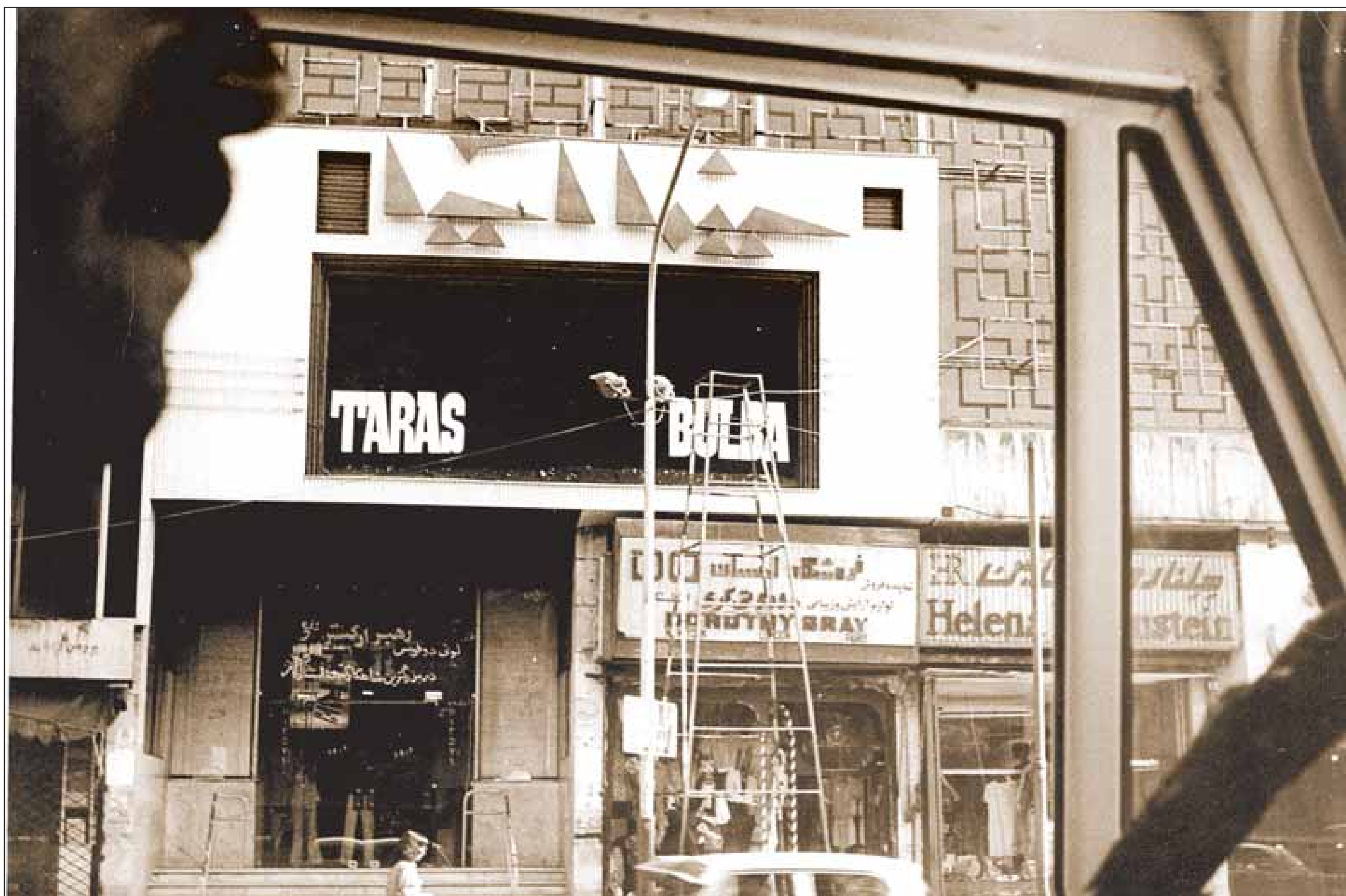
سینما ایران – تهران، سال ۱۳۵۷
به مناسبت فاجعه غم‌انگیز سینما رکس آبادان و همدردی با هموطنان مصیبت دیده سینماهای کشور تعطیل شد



تعطیلی سینما مترو شیراز به مناسبت فاجعه غم‌انگیز سینما رکس آبادان







سینما **آسیا** – تهران، سال ۱۳۵۷



سینما رودکی – تهران، دهه ۵۰

سینما ایران – **ارومیه**، دهه ۴۰



دیروزِ اطلاعات
اطلاعاتِ امروز

۶۵ سال پیش (۱۷ مهرماه ۱۳۲۹) همکارانمان در سازمان مؤسسه فرهنگی اطلاعات ویژه‌نامه‌ای با عنوان «**اطلاعات در یکرُبع قرن**» چاپ و در اختیار خوانندگان خود قرار دادند. در صفحه اول ضمیمه آن ویژه نامه آمده بود:

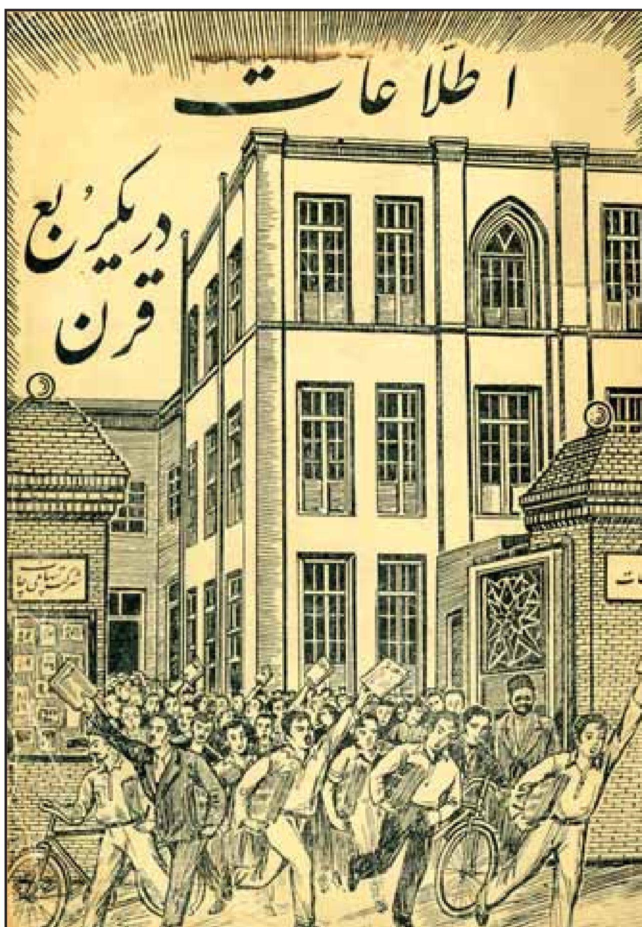
«تأسیس مرکز اطلاعات: شهریورماه ۱۳۰۲

تأسیس روزنامه اطلاعات: تیرماه ۱۳۰۵

تقدیم به خوانندگان محترم بمناسبت جشن بیست وپنجمین سال روزنامه اطلاعات.

قیمت در تهران و تمام کشور=ده= ریال

حق تقدم خرید با مشترکین و خوانندگان اطلاعات است».



زحمات همکاران **دیروز اطلاعات** را ارج می‌نهیم و صفحاتی از این ویژه نامه را در ویژه‌نامه سوم نودمین سالگرد روزنامه اطلاعات تجدید چاپ می‌کنیم. به پاس همکاری و تلاش همکاران صدیق، کوشا و بردبارمان در نودمین سالگرد، تصاویر پرسنل **اطلاعاتِ امروز** را به شما خوانندگان و مردم شریف و فرهنگ‌دوست ایران عزیز تقدیم می‌داریم.

دریغ است که عکس‌ها و تصویرهای ثبت شده در صفحات ویژه‌نامه - چنانچه معمولاً راه و رسم معهود و مألوف همین بوده‌است- منحصر و محدود به مدیران باشد. علاوه بر ضرورت ضبط این اسناد در آرشیو تاریخ مطبوعات، بینندگان نیزمی‌بینند که برگ‌های روزنامه و مجّله، مثل فرش‌های خانه و کاشانه، دسترنج زحمتکشان متعددی است که تار و پود قالی مکتوب مطبوعات را با جسم و جان خویش گره زده‌اند.

کارگران، کارمندان و خدمتگزاران صدیق مؤسسه اطلاعات امیدوارند خدمات فرهنگی و مطبوعاتی خود را همچنان با کمال صداقت و خلوص نیّت ادامه داده و از توجه و عنایات و الطاف بیکران هم‌میهنان عزیز ایران اسلامی بیش از پیش برخوردار باشند.

بمناسبت بیست و پنجمین سال اطلاعات

ضمیمه کتاب اطلاعات در یکربع قرن

سازمان مؤسسه فرهنگی اطلاعات

تأسیس مرکز اطلاعات: شهریورماه ۱۳۰۲

تأسیس روزنامه اطلاعات: تیرماه ۱۳۰۵

مشتمل بر سه بخش

نویسندگی - اداری - فنی


بانی مؤسسه اطلاعات

، مهرماه ۱۳۲۹ ،

اینك كه كارمندان مؤسسه اطلاعات به میمنت ومبارکی جشن بیست وپنجمین سال اطلاعات را منعقد مینمایند لازم میدانند بمناسبت این موفقیت بزرگی که نصیب آنان گردیده است از توجه و عنایات خاص خوانندگان گرامی اطلاعات که پیوسته ما را در راه پیشرفت وترقی مؤسسه خود کمك و پشتیبانی فرموده اند تشکر و امتنان نموده و بتقدیم عرض تبریکات صمیمانه و ادعیه خالصانه خود مبادرت ورزند. کارمندان و خدمتگذاران صدیق اطلاعات امیدوارند بتوانند خدمات فرهنگی و مطبوعاتی خود را همچنان باکمال صداقت و خلوص نیت تعقیب وادامه داده وتوجه وعنایات و الطاف دیگران هم مهمان عزیز را بیش از پیش بخود جلب نمایند و از خداوند متعال مسئلت دارند که ایران میهن عزیز مارا در راه نجات از مشکلات ومصائب کمك کند وملت ایران را سعادت بخشد.



کسی که امروز صفحا نظر باطرافش حلقه زده و مؤسسه بزرگی را تشکیل داده‌اند دراوایل سال۱۳۰۲ یکنفر تنها بود که بخبرنگاری مشغول شد وچیزی نگذشت که در شهریور ۱۳۰۲ بتأسیس اداره کوچکی بنام مرکز اطلاعات برای تمرکز وپخش اخبار دایر نمود وباعزم‌واراده خستگی ناپذیری بکار خود ادامه داد تا تیرماه ۱۳۰۵ که اولین شماره اطلاعات را منتشر ساخت که اکنون بیش‌از بیست وپنج سال از روی خدمات مطبوعاتی ایشان میگذرد.

آقای عباس مسعودی که عکس ایشان را زیب اولین صفحه سازمان قرار میدهیم روی ایمان و عقیده بخدای یکتا، روی صداقت وصمیمیت، علاقه بمیهن ومردم ایران شروع بکار کرد و چون نیت او پاك و منظورش خدمت بمملکت بود، تهمت ها، عداوت ها، بخل و حسد ها بر او تاثیر نکرد زیرا مردم حق پرست ایران او را میشناختند و باافکار وعقایدش آگاه شده او را پشتیبانی و تقویت وکمك کردند باینجهت درآمال وآرزوی‌خود موفق شد وتوانست مؤسسه آبرومندی را بوجودآورد که پس‌از مطالعهٔ این اوراق بعظمت واهمیت آن پی‌خواهید برد.

کارمندان اطلاعات بهترین تبریکات و صمیمانه ترین احساسات خود را بمناسبت یکربع قرن خدمات ذیقیمت مطبوعاتی و سیاسی آقای عباس مسعودی تقدیم ایشان نموده و از یزدان پاك سلامتی وسعادت این عنصر خدمتگزار صدیق را خواهانند.

سازمان اطلاعات

بدون شك‌پایه سازمان اطلاعات‌روی علاقه وصمیمیت‌نهاده شده‌است، کارمندان وکارگران این مؤسسه بادلگرمی کارمیکنند زیرا حس میکنند اینجا یك مؤسسه‌ملی ومملکتی‌است نه مؤسسه شخصی، اینجا مؤسسه ایست که بمنظور تعمیم وبسط فرهنگ برای‌هدایت‌و راهنمائی افکار وبرای روشن شدن مردم باوضاع واحوال کشور خود وجهان بوجود آمده نه برای استفاده شخصی، و میدانستند چنین مؤسسه ای که پایهٔ آن روی هوا و هوس ومنافع خصوصی‌و حفظ مال و منال ریخته نشده ومؤسس‌آن یگانه هدفش توسعه و ترقی مؤسسه اطلاعات میباشد و می بینند قدم بقدم متناسب با استعداد مالی خود جلو رفته و جلو میرود، یعنی هرچه عاید میدارد خرج میکند و توسعه بکار میدهد و در عین حال قدم های‌خود رامحکم برمیدارد که‌دست‌نیاز بسوی کسی دراز نکند باینجهت کارمندان اطلاعات مطمئن هستند که دریك‌مؤسسهٔقائم بذات وپابرجائی‌خدمت میکنند که‌تحت عنایات وتوجهات‌پرورد گاری وپشتیبانی ملت‌ایران میتوانند امیدوار بادامه‌خدمات ملی خود باشند

از خصایص مدیر ماقدردانی از کارمندان صدیق و صمیمی اطلاعات است ومی‌بینیم هر کس از روز اول دست محبت وهمکاری به آقای مسعودی داده این اداره را ترك نگفته چنانچه اکنون‌اعضائی دراین اداره کار میکنند که‌سوابق بیست وسه‌چهار ساله دارند.

هر کس باین اداره داخل میشود می ماند. آقای مسعودی دوست ندارد کارمندان خود را به مقتضای زمان ووضع کار از دست بدهد، البته درطی این بیست و چند سال عده‌ای از نویسندگان وکارمندان اداری خارج شده اند ولی همه بمیل خود و برای جستجوی کار بهتر رفته اند که دراین خصوص مدیر اطلاعات روش مخصوص بخود دارد، یعنی همانطور که هیچ کارمندی را که چند سال کارمیکند راضی نیست از اداره خارجش کند مگر اینکه عذر خیلی موجه داشته باشد، همانطور هم هر کارمندی که بخواهد بمیل خود اداره راترك نماید جلوگیری نمیکند، خیلی از نویسندگانی که ما را ترك کردند مورد علاقه شدید آقای مسعودی بودند ولی ایشان پیوسته میگفتند که چون من سعادت و ترقی‌همگی را میخواهم هرگز جلوگیری از رشد وترقی اشخاص نمیکنم و حتی آن چه بتوانم کمك میکنم.

چه بسا کسانی که‌چند سال در اداره اطلاعات کار کردند و درحقیقت دراین مکتب برموز مطبوعاتی‌ونویسندگی آشنا شدند اکنون خود صاحب‌مجله‌وروزنامه ونشریه میباشند که‌مدیر اطلاعات ویاکارمندان این مؤسسه بانظراحترام‌ودوستی‌به‌آنها می‌نگرند.

در این مؤسسه همه باهم باروح رفاقت ودوستی زندگی میکنیم، کسی را بر کسی مزیت و خودفروشی نیست. قیافهٔباز وحسن‌اخلاق مدیر اطلاعات وبیغرضی‌وبی‌نظری‌اودرمسائل‌مملکتی‌وتوجه او باصلاح امورورفاه عامه که ما ازنزدیك شاهد وناظر آن هستیم بهترین مشوق وباعث تقویت روحی ما است تا همه با جان و دل دراین مؤسسه مفید ملی کار کنیم.

کارمندان این اداره اعم از نویسنده واداری وفنی همه در حقیقت حلقهٔ ارادت و خدمت ملت ایران را بر گردن نهاده واین علقه آنان را واداشته‌است که در این مؤسسه ملی ازروی کمال علاقه و صمیمیت خدمت کنند والا چه چیز احساسات پاك نویسنده را جز عشق وشور خدمت بر می انگیزد همه ما نزد وجدان خود مفتخر وسر افرازیم که علی‌رغم تبلیغات بدخواهان وحسودان در این‌مؤسسه فرهنگی برای کسب سعادت وترقی‌وخیروصلاح جامعه زحمت میکشیم، همه‌ماعشق وعلاقه بمیهن داریم وروی همین علاقه‌زنده‌ایم وزندگی‌میکنیم

بخش اول: سازمان نویسندگی

این سازمان شامل اطلاعات روزانه واطلاعات هفتگی وماهانه وهوائی و ژورنال دوتهران است که در عین جدا بودن تشکیلات هریك، نویسندگان درهرقسمت باهم کمك و همکاری دارند.

سازمان تحریری اطلاعات از چند شعبه تشکیل میشود از اینقرار:

۱ — شعبه تهیه مقالات و مصاحبه ها ۲ـ شعبه خبرنگاری داخله ۳ـ شعبه خبر نگاری خارجه که مجهز بدستگاههای گیرنده تلگرافهای‌خارجه ازتمام‌عالم میباشد ٤ـشعبه‌خبرنگاری مجلس ٥ـشعبه اخبار شهرستانها ٦ ـ شعبه عکس وگراور

سازمان نشریات دیگر فرق میکند و بیشتر بنویسندگان و شعبه‌های نقاشی‌و کاریکاتور و عکاسی محدود میگردد.

اگر بخواهیم هریك از قسمت ها را جدا جدا تشریح نموده و بجزئیات بپردازیم با این که بسیار جالب است وخوانندگان میل‌دارند خصوصیات هریك ازنویسندگان مارا بدانند وباآنهاآشنائی بیشتری پیدا کنند ولی صفحات ما گنجایش آن شرح وبسط را ندارد وباید آنرا بوقت دیگری محول داریم باینجهت تصمیم ما براین شد که مجموع آقایان نویسندگان وخبرنگاران و کسانی که درقسمت تحریری نشریات پنجگانه اطلاعات همکاری مینمایند در صفحه‌های بعد معرفی شوند.

خوانندگان عزیز بیشتر آقایان نویسندگان اداره‌را می‌شناسند زیرا بنوشته‌های جذاب وقلم شیوای آنها آشنائی دارند.

ین نویسندگانی که در پنج نشریه اطلاعات هم قلمی مینمایند کسانی را خواهید یافت که دارای مقام وموقعیت و منزلت‌شایسته ای در مطبوعات ونزد مردم میباشند، محبوب هستند بجامعه‌بانظر احترام‌به‌آنها می‌نگرد وباعشق‌وشورو علاقه‌خاصی که‌بهدایت وروشنائی افکار مردم دارند بانجام این وظیفه مقدس اشتغال ورزیده اند

بدون تردید هیچ‌چیز بیش از تشویق وقدردانی‌محرك قلمروان و دلپذیر نویسندگان عزیز ما نیست واین‌تشویق همان توجه واستقبالی است که ازطرف مردم نسبت به‌آنها میشود وغالباً درمراسلات وارده‌باداره نیز منعکس میباشد

علاوه براین موضوع، عشق خدمت بمیهن، علاقه بهدایت جامعه برای نیل بسعادت وترقی و کمك باصلاحات کشور که هدف مؤسسه اطلاعات است خود بزرگترین محرك احساسات رقیق وطن پرستانه ونوع پرورانهٔ آقایان نویسندگان وعموم کارمندان اطلاعات‌است که‌میداننده زحمات‌وفداکاری های آنها بمنظور کامیابی وسعادت ملت ایران صرف میگردد

اکنون ما بدون اینکه تقدم وتأخری درطبع‌عکس‌آقایان نویسندگان‌محترم‌خود قائل‌شویم به ترتیب حروف تهجی آنها را بخوانندگان گرامی اطلاعات معرفی مینمائیم تااز روی عکس نیز ایشان را بشناسند.

کسانیکه امور تحریری و تنظیم پنج نشریه اطلاعات را زیر نظر و مسئولیت مستقیم خود اداره میکنند



آقای جعفر صادقی «اطلاعات یومیه»



آقای تجلی پیمان «اطلاعات یومیه»



آقای محمد زرگار
«اطلاعات ماهانه و انگلیسی هوائی»



آقای مهندس کردبچه
«اطلاعات هفتگی»



آقای جلال زرنی
«اطلاعات هوائی»



آقای احمد شهیدی سردبیر اطلاعات هفتگی برابطه عارضه کسالت چند ماهی است برخصی در مسافرت اروپا میباشند و فعلا آقای مهندس کردبچه امور مجله را اداره می نمایند



آقای آندری «ژورنال دو تهران»

خبرنگاران ما در کشورهای خارجه

اداره اطلاعات بواسطه وجود دستگاههای گیرنده اخبار تلگرافی و رادیو از لحاظ اخبار جهان نمیتواند از وجود خبرنگاران خود در خارجه استفاده کند ولی بلحاظ فرستادن تغییرات سیاسی و جزئیات مسائل مهم جاری و اظهار نظر های رجال عالم آقایان خبرنگاران ما در خارجه کمک شایانی بما میکنند و ما امیدواریم در آینده بتوانیم سازمان خبرنگاری خود را در خارجه بیش از پیش توسعه داده مورد استفاده بیشتری قرار دهیم و از وجود آقایان محترمی که با کمال مهر و لطف نمایندگی مارا قبول فرموده اند بهرمند شویم.



آلمان
آقای دکتر داود منشی زاده



پاریس
آقای دکتر علی اصغر عزیزی



لندن
آقای عبدالحسین چوبین



بالتیمور
آقای دکتر ایزد



کراچی
آقای ممتاز احمد خان



انگلستان
آقای احمد مینائی پور



هولیوود
آقای احمد ابریشمی



سوئیس
آقای خیرالله آجری



بمبئی
آقای اردشیر خدارحم

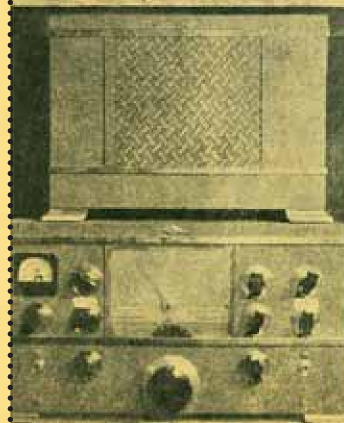


بغداد
آقای عباس دشتیان





آقای تاسملو در پشت دستگاه آگراندیسمان



یک دستگاه گیرنده خبر با بلندگو



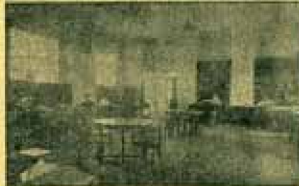
بخش دوم ـ سازمان اداری

سازمان اداری اطلاعات شامل قسمت های زیر است :

۱ ـ شعبه حسابداری ۲ ـ شعبه آگهی ۳ ـ شعبه آبونمان ٤ ـ شعبه نمایندگی ٥ ـ صندوق ٦ ـ ارسال مراسلات ۷ ـ شعبه توزیع ۸ ـ انبار.

باستثنای قسمت توزیع و آرشیو و ضبط و دفتر انبار که در قسمت های دیگر جای گرفته سایر شعبه ها در سالن بزرگی متمرکز گردیده است که چند عکس از گوشه‌های سالن دفتر اداری در زیر چاپ میشود:









چند نفر از اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی چاپ







بخش سوم ـ سازمان فنی

شرکت سهامی چاپ

در تاریخ پنجم شهریور ۱۳۱٤ بتقاضا ودعوت آقای عباس مسعودی مدیر اطلاعات یکعده از بازرگانان و محترمین بتشویق آقای نیك پور رئیس اطاق بازرگانی و آقایان علی وکیلی ـ بیین اسفندیاری ـ احمداخوان ـ خسروشاهی ـ کورس ـ حسین‌چاپچی ـ میراسدالله غفاری و مرحوم علی قیصریه و جمعی دیگر جلسه ای در منزل آقای احمد اخوان تشکیل دادند ودر آن جلسه پایه شرکت سهامی چاپ باسرمایه یکصدهزار تومان ریخته شد و موافقت گردید که مطبعه کوچك اطلاعات تقویم شده و بجای سهام آقای مسعودی بشرکت واگذار شود بلافاصله شرکت بخرید زمین در اراضی سنگلج و ساختمان‌مبادرت ورزید ودرسال دوم‌چون‌سرمایه کافی نبود یکصد هزار تومان دیگر بسرمایه شرکت افزوده شد که دانشگاه تهران سهم قابلی از آن بر داشت که اکنون از شرکای بزرك‌شرکت سهامی چاپ میباشد در سال ۱۳۲٤ بمناسبت نیازمندی به ماشین آلات جدید ودستگاه های تازه سرمایه شرکت اضافه و بالغ بر پانصد هزار تومان گردید.
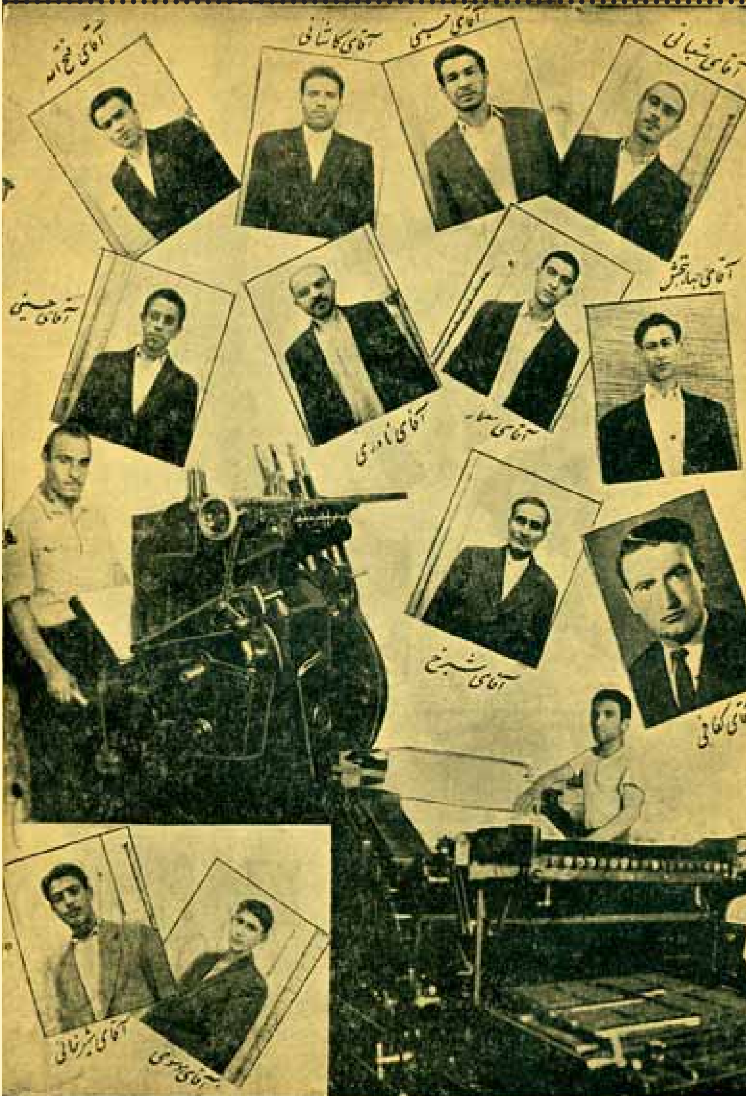
اولین رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت شادروان مرحوم عبدالله یاسائی بود که در گذاردن بنای شرکت وساختمان عمارت بزرك فعلی کوشش و اهتمام شایان نمود و در اینجا بروح پرفتوح آن فقید صمیمدرود میفرستیم.

سایر آقایان هیئت مدیره‌ای که بتدریج انتخاب گردیده وهریك سالها قبول زحمت شرکت را نموده اند از اینقرار میباشند:

آقای احمداخوان، آقای‌دکتر عبدالحمید زنگنه، آقای‌حاج حسن‌بشکدار، آقای‌ناصرعطائی، آقای کاشانیان، آقای جواد مسعودی، مرحوم قیصریه، آقای عبدالله قاسمیان، آقای حاج یوسفعلی شهیرزادی، آقای محمود امینیان.

یکعده عناصر شریف و معارف‌دوست روز اول تاسیس شرکت باعلو طبع و همت بلند خود بمنظور کمك یك روزنامه ملی حاضرشدند سرمایه های خود را در شرکت چاپ بریزند بدون‌اینکه توقع سودی داشته باشندچه بسیار از این آقایان در آنروز که سهم‌برمیداشتند تصور زیان وخسارت و از بین رفتن سرمایه را مینمودند و با وجود این توهم حاضر بهمکاری با اطلاعات شدند.

ما برای تقدیم عرض تشکروقدردانی اسامی آقایان شرکای اولیه خودرا درزیر چاپ مینمائیم:
۱ـ مرحوم‌عبدالله قیصریه ۲ـ آقای احمد اخوان ۳ـ آقای علی وکیلی ٤ـ آقای بوداغیانس ٥ـ آقای حسن کاشانیان ٦ـ آقای خسروشاهی ۷ـ آقای کورس ۸ـ آقای حسن‌چاپچیان ۹ـ آقای رحیم زاده‌بلور فروشان ۱۰ ـ آقای‌عباس مسعودی ۱۱ـ آقای حسن‌مسعودی ۱۲ ـ آقای‌هاشم ضیافت ۱۳ـ آقای‌حاج محمداسمعیل فرشچی ۱٤ـ آقای‌بیین اسفندیاری ۱٥ـ آقای‌میر اسدالله‌غفاری ۱٦ـ آقای‌حاج‌محسن ایلچی ۱۷ ـ آقای‌حاج‌میرزا عبدالله‌قنورمچی ۱۸ـ آقای‌یوسفعلی‌شهیرزادی ۱۹ـ آقای حاج‌محمدتقی معتمدی ۲۰ـ آقای محمدعلی نصرتیان ۲۱ـ آقای حاج میرزا حسین کوشانپور ۲۲ ـ آقای علیزاده کاغذ چی ۲۳ آقای حاج علینقی کاشانچی ۲٤ـ آقای‌حسن میرفخرائی ۲٥ ـ آقای حاج محمدرضا شاد قمی ۲٦ـ آقای حاج‌آقا جلال ۲۷ـ آقای کاشف ۲۸ـ آقای محمد پنبه چی ۲۹ـ برادران مارتین ۳۰ـ مهدی ارباب ۳۱ـ آقای کلشتی ۳۲ـ آقای‌خداداد‌سیروس ۳۳ـ آقای‌حاج‌میرزاحسن بشکدار ۳٤ـ آقای عبدالله‌یاسائی ۳٥ـ آقای‌باقر نیك انجام ۳٦ـ آقای‌خلیل‌شیرازی ۳۷ـ آقای‌سیدمحمود لاجوردی ۳۸ـ آقای‌غلامرضا مهاجر‌اسکوئی ۳۹ـ آقای حسین تراب نیا ٤۰ـ آقای‌بهبهانی ٤۱ـ آقای‌خامنه‌ای ٤۲ـ آقای جعفر دوامی ٤۳ـ آقای‌طاهباز ٤٤ ـ آقای‌حاج‌محمدحسین‌یزدی ٤٥ـ آقای‌یحیی‌محسن‌پور ٤٦ـ آقای‌حاج





شعبه گراور سازی

شعبه گراور سازی این اداره تحت ریاست وسرپرستی استاد هنرمند آقای حبیب الله ژانیخ خواه اداره میشود، ایشان توانسته اند ترقیات بزرگی در این صنعت بوجود آورند، بطوریکه اکنون گراور سازی شرکت سهامی چاپ در تهران از حیث ظرافت و زیبائی و سرعت و هنرمندی نظیر ندارد بخصوص کارهای رنگی این شعبه مورد توجه عموم قرار گرفته است پشت جلدهای اطلاعات ماهانه نمونه هنر این شعبه است که تا چندی قبل بسیاری تصور میشودند که در خارج از ایران چاپ میرسد. سازمان این شعبه را از روی عکس میتوانید ملاحظه کنید.

آقای تیمور رعدی از هنرمندان باذوق میباشند که همواره صمیمانه با مؤسسه اطلاعات همکاری کرده و میکنند

خوانندگان گرامی با آثار گرانبهای آقای اکبر تجویدی در اطلاعات ماهانه بخوبی آشنائی دارند در بالا عکس ایشان هنگام نقاشی دیده میشود.

آقای جواد حمیدی نقاش دیگر شرکت سهامی چاپ هنگام کار مشاهده میشوند.

آقای جواد بهرامی یکی دیگر از نقاشان شرکت سهامی چاپ میباشند که امور دفتری گراور سازیرا هم اداره مینمایند.

میزان کردن عکس — در حال گرفتن عکس

در حال ظاهر کردن شیشه — ماشین رنگ زنی — در حال کپی

مناظری از دستگاههای مختلف گراورسازی و کارمندان آن

شعبه فرم بندی و کتاب چینی

آقای شیرازی — آقای تقوی — آقای طاهری — آقای شقاقی — آقای شجاعی — آقای فرهمندی — آقای سید جعفری — آقای رمضانی

شعبه ماشینخانه

شرکت سهامی چاپ مجهز باقسام مختلف ماشین های جدید طبع میباشد .
در این مؤسسه ماشین های طبع خودکار ، نیمه خود کار ، وجود دارد .
کارهای رنگی مؤسسه شرکت سهامی چاپ بسیار زیبا ومورد پسند وتوجه قرارمیگیرد .

آقای آروید کریستانس نروژی متخصص کارهای رنگی چاپخانه میباشند که از سال ۱۳۲۷ در استخدام این اداره قرار گرفته اند . در اینجا عکس بعضی از ماشینها وکارکنان فنی ماشینخانه را ملاحظه میکنید

آقای فاضل

آقای ناصری

آقای صادقی

آقای قادری مسئول شعبه

آقای طاهری

شعبه حروفچینی و منظره عمومی از سالن آن

فیروزج مشغول بستن صفحه است

دراینجا روزنامه بوسیله آقای آذرمی مصحح وآقای عبدالله مرامی کمک مصحح غلط گیری میشود وبرای طبع آماده میگردد

در اینجا غلط گیری ستونها رامیکنند →

صفحات بسته شده بوسیله این آسانسور بسالن ماشینخانه پائین فرستاده میشود ←

نمایندگان وخبرنگاران اطلاعات درشهرستانها

نمایندگان و خبرنگاران ما در شهرستانها از روی کمال علاقه و صمیمیت با ما همکاری میکنند مردمان شریف ومحترم و فرهنگ دوست و میهن پرست در همه جا نمایندگی اطلاعات را قبول فرموده وبا طیب خاطر در پیشرفت روزنامه باما کمک ومساعدت میفرمایند . تاریخچه تأسیس نمایندگی های ما مفصل است در بسیاری ازشهرها تشکیلات وسیعی داریم بیشتر ازنمایندگیهای ما دارای عضو وموزعین چرخ سوارو روزنامه فروش هستند و بمحض اینکه روزنامه به آنها میرسد ساعتی بعد بدست مشترکین میرسد ودرتمام شهر برای فروش دردسترس مردم قرارمیگیرد .

نمایندگان ما درهمه جا دارای موقعیت ومقام شایسته احترامی هستند وما ازاین حیث کمال خوشوقتی را داریم واحساسات پاک میهن پرستانه ومعارف پرورانه آقایان نمایندگان وخبرنگاران خودرا قدردانی وستایش میکنیم

دردوصفحه بعد با نمایندگان ما آشنامیشوید ودراینجا نام نمایندگان وخبرنگاران شهرستان ها بترتیب حروف تهجی از روی نام شهرطبع میگردد وروی عکسها شماره گزاری شده است :

۱ - اصفهان : آقای جلال ناصری -۲ اهواز : آقای سیدمحمد رضا منصوری ۳- اندیمشک : آقای عبدالله جهدی ۴ - اراک : آقای ابوالحسن آخوندزاده ۵- ابهر ، آقای علیمحمد طیبی ۶- آمل : آقای یوسف پرزاد ۷- اردبیل : آقای عزیز صابر ۸- انزلیان : آقای روح اله شمالی ۹- اهر : آقای یوسف خداوادی ۱۰ - الیگودرز : آقای محمود حجتی ۱۱- آغاجاری، آقای رسول زکی زاده ۱۲- بندرپهلوی، آقای حیدر سعیدی ایال ۱۳ - بروجرد آقای ابوالمجد ارزانی ۱۴- بوشهر ، آقای یوسف ساعی ۱۵ - بیرجند آقای علی اکبر وردست ۱۶- بهبهان: آقای حاج بابالدلی ۱۷ - بیجار ، آقای رحمت اله فریدونی ۱۸ - بندرعباس :آقای غلامرضا فیوض ۱۹ - بندر شاهپور ، آقای احمد ایل بیگی ۲۰ - بوکان : آقای ابراهیم مرادی ۲۱ - بم ، آقای کاظم ایران نژاد ۲۲ - برازجان : آقای اکبر آتش فراز ۲۳- بهشهر: آقای قزل ۲۴- بندرشاه، آقای مصطفی محمدیان ۲۵- بندرمعشور، آقای علی ارکپور ۲۶- تفرش: آقای صادق صداقت کیش ۲۷- تربت جام: آقای هاشم اناری ۲۸- تبریز: آقای اسمعیل واعظ پور ۲۹- تویسرکان: آقای علی اصغر سلیمزاده ۳۰- جهرم : آقای محمد حسین صراف پور ۳۱- چالوس آقای میر عظیم عظیمی ۳۲- خلخ: آقای مظفر لوکی ۳۳- خرم آباد، آقای محمد یوسف لوسلی ۳۴ - خوی : آقای گل زاده ۳۵ - دامغان ، آقای شریف آل داود ۳۶- دزفول آقای محمد رضا ناصی ۳۷ دماوند : آقای جلال مدنی ۳۸- دورود : آقای محمدعلی علی اکبری ۳۹- درگز ، آقای محمود شجاع ۴۰- رشت : آقای گل مژده ۴۱- رفسنجان ، آقای عباس خاندانی ۴۲ - رضائیه ، آقای جبار قاهری ۴۳ - زنجان : آقای شیشه بچیان ۴۴ - زابل ، آقای سیدمرتضی علوی ۴۵ سبزوار : آقای یحیی مهدوی ۴۶ - سقز آقای محمد حسین نورانی ۴۷ - سراب، آقای محمود افشانی ۴۸- ساری: آقای مصطفی ایمن زاده ۴۹ شیراز: آقای سید علی میرزاده ۵۰ - شاهی، آقای احمد جمشیدی ۵۱ - شاهرود آقای مهدی داوری ۵۲ - شاهپور، آقای بهیا ۵۳ شهسوار، آقای محمد رضا رلولی ۵۴ فسا: آقای محمد رضا طاووس ۵۵ - صحنه ، آقای ابوالحسن آذری ۵۶ طفدار، آقای محمدتقی پویان ۵۷ فومن ، آقای محمد حسین بهجت ۵۸ - قم ، آقای علینقی جواهری ۵۹ قزوین ، آقای ابراهیم قائمی ۶۰ قوچان ، آقای محمود وزیری ۶۱ کاشان : آقای عباس فرهومند ۶۲ کاشمر ، آقای غلامعلی کتابادی نژاد ۶۳ گرمی ، آقای سیدمحسن حسینی ۶۴ کرج ، آقای محمدتقی دانش زاده ۶۵ کرمان ، آقای مهربان کیوان آذر ۶۶ کرمانشاه ، آقای باقر عاکری ۶۷ گروکری ، آقای ورزاد کیانپور ۶۸ گرگان : آقای باقری ۶۹ گرمسار ، آقای محمد اسدی ۷۰ لاهیجان ، آقای حمزه ستاوند ۷۱ لنگرود ، آقای سیدمحمد رضا میرفطرس ۷۲ لطف آباد آقای مرتضی کاظمیان ۷۳ لار : آقای مروج ۷۴ مشهد ، آقای شافعی ۷۵ مسجد سلیمان ، آقای احمد ادیب پور ۷۶ میانه : آقای محمد شریف بختیار ۷۷ - مراغه آقای ابوالقاسم بهدورزاده رحیمی ۷۸ - مهاباد آقای محمد حبیبی ۷۹ میاندوآب ، آقای عبدالله عبدی ۸۰ ماکو ، آقای علی عباسقلی زاده ۸۱ محلات ، آقای عرب ۸۲ مرند ، آقای ارکانی ۸۳ ملایر ، آقای حسن سپهر ۸۴ نیشابور ، آقای قاسم لوسلی ۸۵ نهاوند ، آقای محمد علی منصوریان ۸۶ نکاء ، آقای عماد وزیری ۸۷ نوشهر ، آقای محمد قاسمی ۸۸ همدان ، آقای محمد علی ملک ۸۹ هشتگرد ، آقای مصطفی مصطفوی ۹۰ یزد ، آقای مهدی فرزانه

❁❁❁

متأسفانه از ۳۷ نقطه از نقاط کشور عکس نمایندگان محترم اداره درموقع تنظیم صفحات سازمان دردست نبود که بترتیب عبارتند ازآباده ، آبادان ، اصطهبانات ، ازنا ، بابلسر ، بانه ، بابل ، بجنورد، بندرلنگه، تربت حیدریه ، تنکابن ، خرمشهر، خوانسار، خلخال ، رامسر، زاهدان ، سمنان، سنندج ، سیرجان ، ساری، سردشت ، شاه آباد غرب ، شادگان ، شوشتر ، صومعه سرا ، فریمان ، فیروزکوه ، قصرشیرین ، قیدار ، کازرون ، گناباد ، گلپایگان ، کامیاران ، مشکین شهر ، مریوان ، ورامین ، نقده که بعدها عکس نمایندگان مزبور دریکی ازنشریات بنظرخوانندگان گرامی خواهد رسید .


بقیه نمایندگان و خبرنگاران ما در شهرستانها


با نمایندگان و خبرنگاران ما در شهرستانها آشنا شوید





پخش روزنامه و مجله در تهران

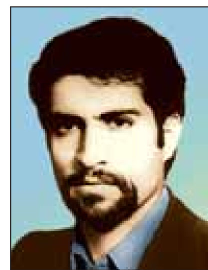
در طرف راست آقای حاج محمد ستارزاده مدیر توزیع جراید دیده میشوند که سالهاست با کمال علاقمندی این خدمت مطبوعاتی را انجام میدهند - در طرف چپ آقای حسن خلج رئیس قسمت پخش اطلاعات در محل کار خود دیده میشود ایشان وظیفه بس مشکلی را انجام میدهند زیرا درفاصله چند دقیقه چندین هزار نسخه روزنامه شماره کرده را طبق تقاضا واحتیاجات هریک از روزنامه فروش ها با سرعت هرچه تمامتر توزیع مینمایند بدون اینکه اختلاف حسابی باهیچ یک از روزنامه فروشها پیدا کند

در این صفحه عکسهائی از روزنامه فروشان هنگام دریافت روزنامه وخروج ازاداره ودو منظره ازجایگاه های فروش که درتمام مراکز عمده شهر قبلا آنها برای فروش نشریات اطلاعات تاسیس شده ودیده میشود همچنین عکس جمعی از روزنامه فروشان قدیمی که سالهاست بمطبوعات خدمت میکنند درروز در صفحه مقابل چاپ شده است واز اینکه عکس بقیه روزنامه فروشان هنگام تنظیم این صفحات دردسترس ما نبوده متاسف بوده وخود را موظف میدانیم که از زحمات کلیه آقایان روزنامه فروشان در اینجا قدردانی نمائیم.

روزنامه فروشان هنگام خروج از اداره

یک عده از قدیمی ترین روزنامه فروشان

شهدای روزنامه اطلاعات


شهید علی اکبر بادپا همدانی
تاریخ شهادت ۵۹/۱۰/۹ هویزه

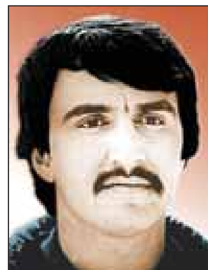

شهید رحمان عبداللهی


شهید دکتر حسن عضدی
انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی (۱۳۶۰)

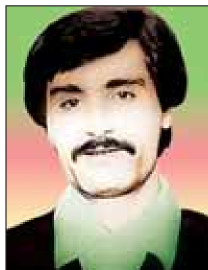

شهید ایرج ایزدپناه
شهادت ۵۹/۱۰/۱۸ هویزه


شهید سید تقی حسینی نژاد

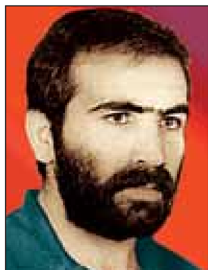

شهید جواد خرمی
مرداد ۶۷ - اسلام‌آباد غرب

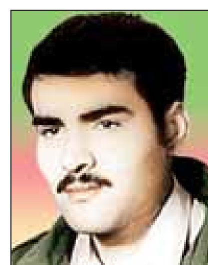

شهید حسین علایی پور
مهرماه ۸۰ - چغالوند

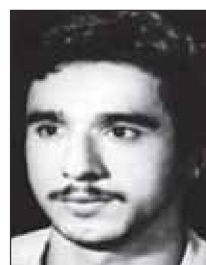

شهید محمود شیخ سفلی
محل شهادت کردستان


شهید مهندس رامین فخار
شهادت ۶۰/۷/۱ - سوسنگرد


شهید محمدرضا امانی
شهادت ۶۵/۱۰/۲۶ شلمچه کربلای ۵


شهید ابراهیم مصطفی دخت
تاریخ شهادت ۶۲/۱۲/۲۷

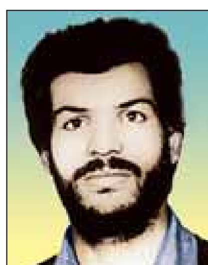

شهید رضا نوروزیان
شهادت ۶۲/۲/۴ دشت‌آزادگان

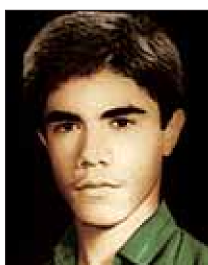

شهید اسماعیل اقتداری


شهید حسین هوشمند
شهادت ۶۱/۱/۲ - عملیات فتح‌المبین


شهید جمشید علی بخشی
شهادت ۶۷/۲/۲۹ -شاخ شمیران


شهید جلال نوبهار
شهادت ۶۶/۱/۱۸ -شلمچه


شهید حسین ترکمان
شهادت ۶۹/۱۲/۲۹ -جاده اندیمشک اهواز


شهید محمدرضا ساری


نماینده ولی فقیه و سرپرست مؤسسه اطلاعات و شرکت ایرانچاپ به همراه مدیران مؤسسه/ نشسته از راست: عباس تهرانی، سید محمود دعایی، ایرج جاوید، محمد جواد محمدی، علیرضا خانی. ایستاده: علیرضا حبیبی مهر، حسن کرّابی، سید علیمحمد هاشمی، محمد رضا گنجی‌زاده



تحریریه/ از راست ـ ردیف جلو: صدیقه هاشمی، مریم نظری، ارمغان زمان‌فشمی، وجیهه تیموری، فاطمه اتراکی. ردیف دوم: سعید نیک‌نژاد، جعفر گلابی، سپیده طاهری، سمیه میرزایی، شهرزاد قیاسی، سیما باقرپور، پریسا علی‌نیا، سوسن صرافی، حشمت رنجبران، بیتا مهدوی. ردیف سوم: داود قهردار، بهروز قطبی، مهوش مجدپزشکی، ساسان یغمایی، منوچهر دین‌پرست، محمدرضا حیدرزاده، حسن فرازمند، خلیل آتش‌دهقان، علی آذرنیا. ردیف چهارم: کامران نرجه، سیدمحمد ویژگان، بیژن نفیسی، سیدمحمود دعایی، حمید یزدان‌پرست، مهران حیدرخطیبی، علیرضا بردبار، سیاوش میرزا آقاسی، سیدمحمد سلیمانی، مرتضی صالح. ردیف پنجم: علی درویشی، کریم فیضی، سید مصطفی کاظمی. ردیف ششم: سجاد تبریزی، حبیب عبداللهی، حمید قندالی، محمودپورعالی، ابوالقاسم قاسم‌زاده، علیرضا خانی، حبیب‌الله صادقی، خسرو قهرمانزاده، حسین آقایی، امیرطوسی‌نژاد. ردیف هفتم: هومن ظریف، آرش میری‌خانی، محمد داودبیگی، بیژن آبی، رضا رفیع، نادر مازوجی، علی‌اکبر فارسی، حسین عبداللهی،جلال رفیع، سید حسن بنی‌الحسینی، علیرضا قره خانلو ، سید احمد سام.



دفتر فنی/ از چپ ـ ردیف جلو: علی قلی‌پور، حمیدرضا عباسی، مهندس سیداحمد موسوی، نظر شریفی، جهانشیر ایمانی، علی استادی، مهندس علیرضا حبیبی‌مهر، ایرج خطایی، سیدحسن خلیلی، کوروش غلامی، صادق علامتی، خانم نرگس سراج‌زاده، خانم بهناز مجدپزشکی. از چپ ردیف عقب: عابدین مرادپور، جاوید یزدانی، مهندس سیامک تعاونی، حمید ستارزاده، تورج سرچمی، علی‌اصغر خدّام، علی شنبه‌ای، پرویز حسین‌پور، عزیزالله عباس‌نژاد، سهیل فرزانه‌فر



ماهنامه اطلاعات فرانسه / از چپ:
بابک ارشـــادی، محمدجـــواد محمدی، اســـفندیار اســـفندی، املی رضوی‌فر، منیره‌سادات برهانی



مجله اطلاعات هفتگی / ایستاده از راست:
داوودبازخو، محمـــد ذبیحیان، دکتر مهرداد حجتی، هـــادی نصیری، اصغر شـــیرزادی، حمید دانش‌اندوز، علـــی کیانی موحد، حاج آقا فتح‌الـــه جـــوادی، نیلوفر گـــردان، مریم نیک‌پور، ســـمیه بیگی، زمـــرد زرکش، زهرا کوچکی، راشین مختاری. نشسته از راست:
سیداحمد شهابی، مهدی اسماعیلی، مسلم آژ، حبیب نیک‌نژاد



مجله جوانان امروز / آقایان از چپ :
اکبـــر کتابدار ، مجیدفلاح شـــجاعی ، جمشـــیدخاوری ، فتح الله جوادی آملی ، محمودکیمیایـــی ، روح الله مهدی پور و محمدولی سهرابی اسمرود.
خانم‌ها از چپ : شهره باقری نژاد ، معصومه پاکروان ، ناهید نوری ، ســـهیلا مودبی ، زهرا جهانشاهی و مریم زارع .



فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی

از راست به چپ:مهدی بشارت، فاطمه زابلی، نصرالله سرمدی، امیر سعید الهی، علی رشیدی



مجله دنیای ورزش

ایستاده از چپ: بیوک محمدپور، ابوالقاسم کیانی،اکبر عزیزی‌منش، احمدرضا میرزائیان، داوود مختاریانی. نشسته از چپ: اشرف‌السادات نظامیان، اکبر فیض‌آسا، حسین اقبالپور



ماهنامه اطلاعات حکمت و معرفت

از چپ: محسن رزاقی، ساسان یغمائی، سیدجواد فندرسکی، دکترانشاءالله رحمتی



امور توزیع و فروش / خانم ها از راست: شهلا نعمت پور، فاطمه سیری، رویا قهری، صدیقه جهانشاهی، مژگان مقدم فر، منیژه شجاعی، محبوبه حیدری، سپیده شعبانی، سیده آذین میرخانی ردیف دوم از راست: اصغر یوسفی، مهدی لاری، سیدحامد موسوی، حمیدرضا بهرام بیگی، سیدعلی محمدهاشمی، احمد برزگر، مهدی سلیمانی، حامد پروانه، محسن دینی. ردیف سه از راست: محمدرضا پورموسی، محمدرضا عطایی، محمد سلیمانی، احسان احمدپور، نوید نوری. ردیف چهارم از راست: رضا خان احمدلو، فرهاد عباسی، مصطفی شبیری، امیرشهابی، امید بذلی، سیدسعید سرفراز امینی، جواد مقدسی، علی اصغری نژاد، غلامرضا رحمت الله، امیر اصغری نژاد



سازمان آگهی ها / خانم ها از راست: سمیه علیپور، زهرا عودباشی، معصومه عباسی، مریم سعیدی، فهیمه نقبائی، مرضیه لطفی، لیلا عبدی، راضیه رجبی، هنده اقبالی. آقایان از چپ به راست: فتح اله زمان فشمی، محمدعلی امانی زنوز، منوچهر پاشائی، بهمن شهریار رهبری راد، جواد احمدی نیا، علی اکبر اختری، داور یگانگی، فرامرز بیوند، ابوالفضل رهبری، علی مجاوری، سهراب صومعه نشین، جعفر رمضانی، سیدعلاءالدین حسینی، ناصر ایپکچی، مهدی صفائی، مصطفی قزاقی، مهدی مومن زاده، رضا روحی، علی رضا صالحی، علی بابویی، علی الله یار، سیدبهنام بنی الحسینی، حسن مدنی، غلامعلی هژبری



امور مالی/ از چپ ردیف اول: حمیدرضا وفائی، سعید افشارفتحی، مهسا قربانی، طاهره آذرمی، اعظم عبدی، افسانه صدیقی، فاطمه کمیلی‌پور، هیلدا ملکی، ندا بینا، خداداد شفیعی و رضا عیسی‌تهرانی. ردیف دوم از چپ: صادق بابائی، رضا بگزاده، جواد یزدانی، عباس رمضانی، مجید آرمند، امیر غلامحسین، عباس تهرانی، غلامرضا آقاجانی، رضا سعادتمند، داود ترکمنی، سیدعلی‌اکبر رحیمی‌موسوی، علی مؤمن‌زاده، رضا ترکمن، محمدمهدی معینی، شاپور مرشدی، امین یارندپور و محسن نجاتی. ردیف سوم (بالا) از چپ: حسین نجاتی، فرهاد دینی، عابد مهابادیان، مسعود لقمانی، ابوالقاسم قیومی، سیداحمد رحیمی‌موسوی، محمد واحدی، ابوالفضل حیدری، عباس عبداللهی، مجید جدیدالاسلامی، ناصر رئیسی، سیدمحمود حائری، امیرعباس پیراینده، محمد حسینی، داوود ساختمانی، محمدتقی فیض، محمود آقایانی و محمد اسدی



امور پیش از چاپ/از چپ ـ ردیف اول: علیرضا رحمتی، حمیدرضا مرتضوی، زینب خیرخواه، طاهره میرزایی، نیلوفر صداقت‌ثمرین، رویا نوروزیان ،مهشید پناهی ، معصومه کمالی‌شاهمیری، حمید دزواره،ابوالفضل عابدین، داود احمدی‌قشلاقی، مریم عودباشی ، (کودک،کیمیا گنجی)، سعیده نقدی، ندا جهازیان، علیرضا سلیمانزاده ، حسن ایمانی ، علیرضا کیماسی، علیرضا رمضانی ، زهره حلوایی ،مهیاسادات شریعتی،صباح سلامت ،علیرضا سرباز وطن‌رشید،زاهدالدین سُلگی، علیرضا اعظمی،علی‌اکبر فرقانی،رحیم رمضانی، رضا گنجی ، شکوفه علی‌بخشی،ناهید مقیسه، مهدی نعنایی،حسین حضرتی ،پیمان صالحی،علیرضا سعیدی‌مزده، محسن شربتی، علیرضا مصلحتی کوچصفهانی، داود عزیزی،شهرام شهدی، قسمت دهقانزاده، اکبر اکبری،ابوطالب ژیان ، رضا صالح عثماوندانی،مهدی رزاقی ، محمد شبیر نجفی، وحید ایقانی ، مهدی عشقی ،آرش علیرضا، علیرضا پرویزی راد، وحید ارزبین، مرتضی عظیمی، امیرجعفر میرزامحمد، محمدرضا بختیاری حصاری، مرصاد جعفری، محمدرضا مافی،مجتبی طیاری آشتیانی ، احمد شریعت نسب،امیر اسلامی، سعید ابراهیمی، آرش محمدنبی



دفتر سفارشات چاپ / از چپ :
بهنازمجدپزشکی، کورش غلامی ، مهندس علیرضا حبیبی‌مهر، حمید محمودی، احسان نصیرنیا، نرگس سراج‌زاده



روابط عمومی / از چپ:
امیر علینقیان، مسلم نجف‌پور ، اسماعیل محمودی، سیدکمال‌الدین محمدیان، محسن نیری عدل، حسن سلطانی محمدی



اداره کارگزینی/ از چپ:
مهناز شریفی، رضیه میرزا آقا، جلال شهباز، اکبر عظیمی، محمدتقی زندی، حمید صومعه‌نشین



سازمان وصول/از چپ نشسته: رضا بگزاده، محمدتقی فیض، جواد یزدانی، سعید افشارفتحی، سیدمحمود حائری، محمود آقایانی، مجید آرمند و رضا ترکمن. ایستاده از چپ: حسین نجاتی، محمدمهدی معینی، سـیداحمد رحیمی‌موسوی، مجید جدیدالاسلامی، سیداکبر رحیمی‌موسـوی، ابوالفضل حیدری، عباس تهرانی، محمد واحدی، ابوالقاسم قیومی، علی مؤمن‌زاده، ناصر رئیسی، امیرعباس پیراینده و محسن نجاتی



حسابداری اطلاعات / نشسته از چپ: خداداد شـفیعی، ندا بینا، اعظم عبدی، فاطمه کمیلی‌پور، مهسا قربانی و غلامرضا آقاجانی. ایستاده از چپ: حمیدرضا وفائی، امین یارندپور، محمد حسینی، داود ترکمنی، عباس تهرانی، امیر غلامحسین، رضا عیسی‌تهرانی، مسعود لقمانی، محمد اسدی و شاپور مرشدی



حسـابداری ایرانچاپ و حسابداری دستمزد/ نشسـته از چپ: عابد مهابادیان، طاهره آذرمی‌نژاد، هیلدا ملکی، افسـانه صدیقی، مهلا صارمی و عباس رمضانی. ایستاده از چپ : عباس عبداللهی، فرهاد دینی، مجتبی شیرازی، حمزه احمدی، عباس تهرانی، مصطفی لاهوتی، داود ساختمانی، رضا سعادتمند و صادق بابائی





لیتوگرافی دیجیتال- کپی افست/ از چپ:امین اصغری، سعید رستمی، مجتبی عشقی، سلیمان جعفرپناه، قسمت دهقانزاده، مهدی رزاقی ،مریم عودباشی ، حمید دزواره،مهدی نعنایی،احمد شریعت نسب،محمدرضا مافی



طراحی، گرافیک و آتلیه آگهی‌ها /نشسته از چپ : ناهید مقیسه، شکوفه علی‌بخشی،(کیمیا گنجی‌زاده،کودک)، سعیده نقدی، ایستاده:علیرضا سلیمانزاده، محمد شبیر نجفی، شهرام شهدی، مجتبی طیاری، علیرضا پرویزی راد، مهدی عشقی، امیر اسلامی، سعید ابراهیمی



اسکنر/ ایستاده از چپ: ابوطالب ژیان ، صباح سلامت ، رضا صالح عثماوندانی



آرشـــیو / از چپ: زهره حســـنی، فاطمه مشـــهدی، زهره فراهانی، حمیده قهرمانی، فاطمه هاشـــمی، زهرا روبین، زهرا خســـروآبادی، بهروز طیرانی، اســـماعیل اخلاق نجات، جعفر بگزاده، حامد اکبری، البرز فتحی،سیدعلی زمانی، علی سرآبادانی، مصطفی رحمانی، محرم بستان، کیوان مرزبند، حسن اینانلو، رضا تقی‌زاده، امیر محمدی



واحدگرافیک تحریریه/ ایستاده از چپ:
علیرضا سرباز وطن‌رشید، اکبر اکبری، علیرضا رمضانی، زاهدالدین سُلگی، پیمان صالحی، مرتضی عظیمی، علیرضا کیماسی، مرصاد جعفری، داود عزیزی
نشسته از چپ: نجمه کاظمی، ندا جهازیان



واحد حروفچینی/ ایستاده از چپ:
ابوالفضل عابدین، محسن شربتی، وحید ارزبین، رحیم رمضانی، آرش محمدنبی، علیرضا سعیدی مزده، علیرضا مصلحتی‌کوچصفهانی، علیرضا اعظمی، علی‌اکبر فرقانی
نشسته از چپ: مرجان تقی‌نژاد، زهره حلوایی، مریم بیگلری، مهیاسادات شریعتی



واحدتصحیح/ ایستاده از چپ:
حمیدرضا مرتضوی، علیرضا رحمتی، محمدرضا بختیاری حصاری، حسن ایمانی، حسن حیدری، امیرجعفر میرزامحمد، حسین حضرتی، داود احمدی‌قشلاقی
نشسته از چپ: معصومه کمالی‌شاهمیری، نیلوفر صداقت‌ثمرین، سپیده رسولی، مهشید پناهی، زینب خیرخواه



چاپ کماندر/ شـــیفت اول چاپ روزنامه از چـــپ: علی پیری، اســـماعیل کریمی، علی قلی‌پور، قاسم عزتی، رضا دانشمند و (حمید اسماعیل‌نژاد/ مکانیک)



چاپ کماندر/ شـــیفت دوم چاپ روزنامه از چپ: مجتبی چنگی‌آشـــتیانی، محسن رئیســـی، عادل خلخالی، ایـــرج خطائی، حسن رنجبری، سجاد جوانمردیان



چـــاپ گاس/ از چپ : مهـــدی امیری اندی، ســـعید زمانی، محسن دهاقین، علی استادی، مرتضی عادلی، سعید صادق‌زاده، محسن نوری



ساخت و تولید قطعات فنی / از چپ : سیداحمد موسوی، محمدرضا پیرجانی، رضا ظاهری اسکوئی، جاوید یزدانی، عابدین مرادپور، جواد سمیعی، محسن رستمعلی

قاب عکس: شامل پرسنل مکانیکی از بدو تأسیس این شعبه، تاریخ ۱۳۲۴/۱/۱ لغایت ۱۳۹۴/۲/۱۰



شعبه برق/ ردیف اول نشسته از چپ: همایون امهوسپند، فریبرز نصیریان، مهندس سیامک تعاونی، حمید ستارزاده، حسن سامع

ردیف پشت ایستاده از چپ : سیدجمال حائری، فرهاد گودرزی، رضا ایمانی، علیرضا ذیقیمت، رضا پورزند، علیرضا صالحی



چاپ کمپکتا/ از چپ: باقر بابایی، حمیدرضا عباسی، مهدی بهار، حمیدرضا جعفری، سعید طوفانی، محمدرضا طرقا، میلاد هادی‌راحت، عین‌الله مرحمتی، مصطفی بابایی



چاپ افست ورق/ نشسته از چپ: مجید مدرس، وحید قیصری، مهرداد نقدعلیزاده، موسی صداقت، امید سیل‌سپور. ایستاده از چپ ردیف جلو: سیدامین موسوی، سیداحمد میرهاشمی، رضا افشار، بهزاد امامی، نظر شریفی، امجد پورزند، جهانشیر ایمانی، مجتبی مبشری، رضا جعفری، صادق سلیمانی‌زاهد. ایستاده از چپ ردیف عقب: حسین داورزنی، رامین صداقت، روح‌الله میرزایی، حمید منتظران، میثم اسکندری، ابراهیم بی غم، محی‌الدین زارعی، حبیب دقیقی، محسن کریمی



صحافی / ردیف پایین نشسته از چپ: فرهاد ارباب، رحمت‌الله درویشی، احمد بهرامی‌راد، احسان آب‌نیکی، ملک احمد قرنلی، مظفر جوادی‌پور، صادق بخشی، مهدی آذری کوشکی ایستاده از چپ: کامران امیری، مهدی هادی‌راحت، ابوالفضل عطائی، مهدی ابراهیمی، سیدحسین میرنبوی، محمود بنی‌جمالی، سیدحسن خلیلی، علی جعفرپناه، صادق علامتی، هادی احدزاده، مهرداد احسانی، داود اصلانی، محمد علیزاده. آخرین ردیف ایستاده از چپ: علی بهرامی، اسلام علیزاده، عیسی صداقت، جلال عظیمی



تأسیسات/ از چپ نشسته: داریوش شفیعی، سیدجعفر موسوی، هادی گروسی، امین بشیری، اسماعیل جماعتی
ایستاده از چپ: ابوالفضل وفایی، عبدالله مهدی‌پور، هادی پروین، علیرضا اسماعیل‌پور، علی‌اصغر جلوخانی، سهراب رستمی‌آذر، امیرحسین نوروزی، سرپرست تأسیسات: عزیزالله عباس‌نژاد



رستوران/ نشسته از چپ : امیرمحمد حیدری‌اصل، مصطفی جانعلی‌پور، محمدرضا ابری، ایمان عبدی
ایستاده از چپ: حسن نوری، حسن اسماعیل‌پور، سبحان حداد، حمید علیزاده، بهروز فیضی، علی محمودی



فروشگاه و تعاونی / از چپ: سلیمان معطوفی‌پور، محمد فضلی، علیرضا کفاش، محمدرضا حاجعلی‌مرندی، مهدی زارع، اصغر پاشاپور



کتابخانه /از چپ: بیتا معصومی ، اصغر حسنی، محسن براتعلی



پرسنل دفتر مدیریت و بازرگانی / از چپ : طیبه مبشر مقدم، نازلی موید بهارلو، مسعود اسلامی



فروشگاه کتاب میرداماد(نبش خیابان نفت جنوبی وبزرگراه شهید حقانی،طبقه همکف برج اطلاعات) از چپ: شهرام صومعه نشین،سید حیدر تقوی،سید حسین زمانی، رسول‌علی‌نقیان



انتشارات / از چپ: آقای عباس قاضی، محمود عباسی، سیدناصر هاشمی، محمدحسین نمازیان



فروشگاه کتاب خیابان انقلاب (مقابل سردر دانشگاه تهران) / از چپ: قیاس مشهدی، سید محمدپورمهانی خامنه



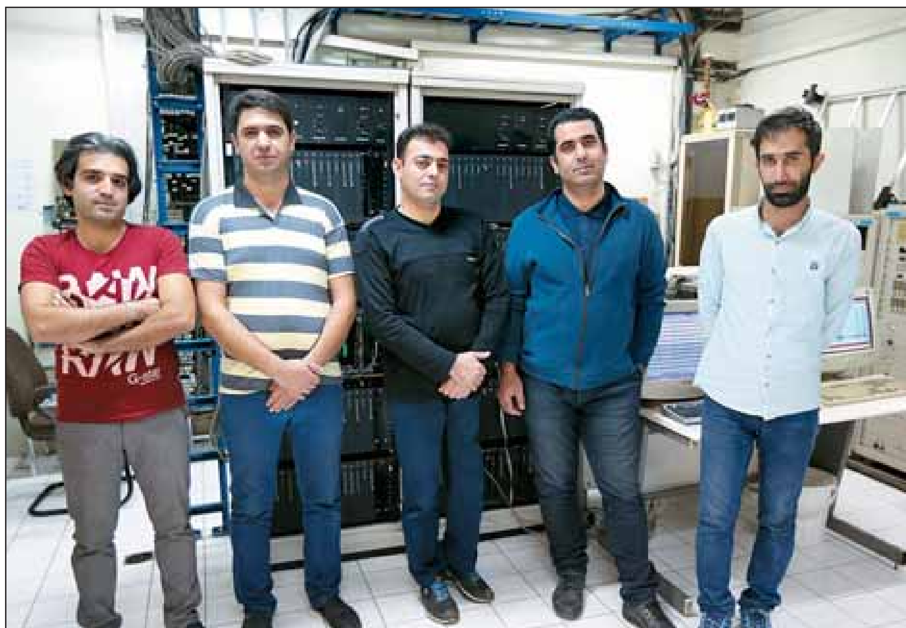
بازرگانی / از چپ : حمیدرضا خوشرو، فرامرز شاپورزاده، کاظم داودی، پرویز حسین‌پور، سیدمصطفی حسینی



اداره حقوقی / از چپ:سید مجتبی میرنعمتی، مهدی دهقانی تفتی، مریم فیضی



بهداری: دکتر مژگان صفری اصل، صغری اسکندری



مرکز تلفن /از چپ: سعید پورزند، نقی خشکباراقدم،اکبر اکبری،محسن بهرامی،شهرام محمدی



دبیر خانه /از چپ: کامبیز شهبد، حامد پروانه، محمد کشاورزی



انبار مصرفی / نشسته از چپ: علیرضا قائم، سعید عرب سرخی
ایستاده از چپ :سید علی اکبر موسوی، پژمان مصلحی



ساعت کنترل:رضا ایمانی



آرایشگاه/حسین صبحی



امور ساختمانی/ از چپ ردیف جلو: علی‌هادی راحت، نورمراد هادی راحت، ابراهیم رجبی، مرتضی بابائی، مهدی اکبری .ردیف دوم: علی رنجبری، کمال خانلری، محرم ورثهٔ، اسماعیل دقیقی آبکناری



خدمات / ایســتاده از چپ ردیف عقب: محمد رنجبری، میثم کوچکمیر، حســین زمانی. ردیف جلو از چپ: مسعود قاسمی، میثم خادمیان، ســیدمحمدرضا زمانی، سیدحسن زمانی، وحید حیدری، محمود رنجبری، احمد عباسی، علی سلطانی



مرکز انتظامات/ حمیدرضا محمودزاده، اکبر کریمی مقدم



آتش‌نشانی/ حسین جهانی، مهدی رستمی



انتظامات / از چپ: مسعود نوری، علی‌رضائی، سیدمحمد میرنعمتی، مهدی رستمی، فتح‌اله بهرامی، محمدرضا قندالی، حسین مؤدبی، محمدرضا ذوالفقاریان، مهدی غلامی



انتظامات / از چپ: میثم صادقی، عباس ظهوریان، بهروز رستمی، مهدی رستمی، محمدناظری، شهرام طاهرلوئی، حسن شاه‌محمدی، حبیبا... صانعی‌مهر



بســـیج پایگاه شهید بادپا همدانی روزنامه اطلاعات: حمید کتابی، محمد فضلی، رضا گنجی ، صباح ســـلامت، سیدعلی‌محمد هاشمی، محمدتقی زندی نظامی،حسن سامع، ابوطالب ژیان‌اقدم، جلال شهباز، جواد سمیعی، حمید اسماعیل‌نژاد، مهدی مروی، رضا صالح عثماوندانی، محمدرضا پیرجانی، حمیدرضا قیصریها، فرهاد گودرزی، رضا ایمانی، حسین سالاروند، علی شـــنبه‌ای، معصومعلی عظیمی، غلامرضا رحمت‌اله، وحید قیصریها، جاوید یزدانی، خلیل آتش‌دهقان، محسن رستمعلی، علی سلیمانزاده، عباس رمضانی‌وش، مسعود قاسمی، حسین دقیقی‌آبکنار، محسن کریمی، عابدین مرادپور، حمیدرضا محمودزاده، حمید قندالی، سیدمحمدرضا زمانی، میثم خادمیان، مهدی ابراهیمی



حمل و نقل /از چپ: جعفر ملک‌زاده، وحید علی‌بخشی، سیدمحرمعلی موسوی، علی افضلی‌بهار، جهانگیر خسروی، حسن صباحی، وحید خوشرو، حمیدرضا صمدیان، عباس صادقپور، رضا افضلی‌بهار



حمل و نقل /از چپ: علی کیوان‌تبار، ابراهیم خدابنده‌لو، فرهاد عظیمان، علی علیزاده، امیر رسـولی‌راد، محمد سلیمانی، قاسم حسن‌زاده، سیدمهدی هاشمی، جبرائیل طاعتی، علیرضا عرب، دانیال ربیع‌نیا



تعمیرگاه / ایستاده از چپ: قاسم حسن‌زاده، اسلامی (انتظامات)، غلامرضا اکبرزاده، بیژن دینی، قربانعلی محمدپور، حمیدقاسم‌نژاد، کرمعلی عیوندپور، علی علیزاده، محمددینی، عبدالله علیزاده، علیرضا بگزاده. نشسته از چپ: میلاد فرهانی، ابراهیم عابد بالاکار، سیدمحسن میرنعمتی، اکبر عباسی



سازمان پخش /ایستاده از چپ: مهدی قاسمی، آقای عباسی، مهدی فلاح، حسین خدام، حسین جهانی‌منش، حسین ستاری، وحید ابراهیمی، علیرضا فتحی، نادر بابایی، حامد معصومی، حمید کتابی، رضا سرمدی، داود امیری، ماشاءالله خسروی، علیرضا دلخوش .نشسته از چپ: جواد اسدی بقا، وحید صومعه‌نشین، جلیل قره‌گوزلو، علیرضا عابدشرقی، علی درویشی، امیر طیبی، نادر عالی‌زاده



تهران حومه/نشسته از چپ: رضا علی‌بخشی، مجید مرادی، احسان حاج‌بابایی، اسماعیل نظری، بهبود یگانه، محمدرضا بیگ‌زاده، احمد عقلی، ابوالفضل باقرزاده، احمد برزگر، امیر آدینه، میثم قلی‌پور، داریوش خسروی. ایستاده ردیف وسط از چپ: اکبر خانی، روح‌اله درویشی، علی بیات، یونس هدایتی، علی اسکندری، محمد عبدوی، محمدتقی پناهی‌فر، رضا افضلی، هادی راحت، حسین منافی، حبیب نیکیان، داود اسماعیلی، علی‌رضا قلی‌پور، محسن مسگرزاده، مهدی جلینی، فرزان نعمت‌پور، صمد حاج‌پور حلوایی، عروج جعفری، کورش سوری، رضا بابایی خاض، آیت نوری، حمید رضایی. ایستاده ردیف آخر از چپ: علیرضا قاسمی، علیرضا شیرزادی، مجید پناهی، ابراهیم حافظی، پرسنل غایب عکس، اصغر یوسفی، حسین رضایی، ایمان امینی و مرتضی میرزایی



آسانسور/از چپ: علی شنبه‌ای، مرتضی پارسا، حسین سالاروند



پخش/از چپ: محمدرضا شیخ علی، مهرداد فرهنگیان، ابراهیم فسنقری، مهدی کاروانی



انبار کتاب / از چپ : یوسف امیدی، مسعود معزی پور، امید رستمی، ابراهیم یزدانی، داود رمضانی



انبار برگشتی/ از چپ : محمد بهرامی‌راد ، علیرضا یوسفی دوگوری، مهدی هادی‌زاده، مصطفی شفیعی





نمازخانه / از چپ : سیدعلاءالدین حسینی، حسن سامع، صباح سلامت ، معصومعلی عظیمی

برخی دفاتر سرپرستی و نمایندگی اطلاعات در شهرستانها



سرپرستی اســـتان اصفهان/ از راست: آقایان حســـین زمانی (مســـئول کتاب و دفتردار) ، محمدحسین متقی (خبرنگار) محمدرضا کلاهـــدوزان (خبرنگار)، علی موســـوی (توزیع، راننده) ، امیر ابوطالبی (مسئول توزیع) ، علیرضا صادقی (توزیع)، پرویز فروزانی (سرپرست).
خانم ها: نســـرین پورعســـکری(آگهی و مسئول سایت) ، نفیسه یزدانی (خبرنگار)، عاطفه رضایی(آگهی).



سرپرستی استان کرمان/ از راست: محســـن ســـیدی (کتابدار)، ســـعید نیشابوری (مســـئول توزیع) ،محمدهادی شـــهیدزاده (حســـابدار)، شـــیما فتح نجات (خبرنـــگار و امـــور اداری) ، الهه عقیلی (خبرنگار) ، نرجس شـــهیدزاده (سرپرست)



سرپرستی استان قزوین/ از راست: دادگر خانبانی (سرپرســـت) اســـمعیل محمدی (مســـئول توزیع)تهمینه مافی (مسئول دفتر و حسابدار) عصمت بهنام‌فر (مســـئول اگهی‌ها و خبرنـــگار اطلاعات هفتگی) ملیحه شریف خواه (خبرنگار)



سرپرستی استان یزد/ از راست: محسن گنجی زاده، سید مهدی دعایی، محمد ابراهیم علیخانی(سرپرست)، هاشم مهران پور و خانم عسکری



سرپرستی استان سیستان و بلوچستان-زاهدان
مهتدی، رضایی، حسینی، پیری، شه‌بخش



سرپرستی استان کرمانشاه/ از راست: محسن عباسی فرد، ابوالحسن باقری نسب، غلامرضا نوری، رسول نیک چی



سرپرستی استان فارس- شیراز
از سمت راست: تهمینه ارزاقی (کتابدار و امور اداری)، سعید رهنما مهارلویی (مسئول توزیع)، نوری صالح‌پور (مسئول مشترکین)
نشسته از راست: سید کامران رضوی (توزیع)، محمد مهدی نعمتی (سرپرست)، نعیم کمال‌الدینی (توزیع)، علیرضا فرضی (خبرنگار)



سرپرستی استان گیلان- رشت
از راست: رسول قدسی (مسئول توزیع) آقای محمد علی وطن دوستان (مسئول آگهی) افشین شیرازی (سرپرست) حبیب هوشیار (خبرنگار) تقی علی هاشمی(توزیع)



سرپرستی استان خوزستان ـ اهواز
از راست: مهدی رحمانی، توفیق فیاضی، حسن فارسی زاده (سرپرست)، بهروز فارسی زاده



سرپرستی استان مازندران ـ ساری/ از راســـت: علی خاکزاد ، علیرضا پورفرج (سرپرست)، شعبان شکری، ایرج بابایی، علی اصغر فلاحی



نمایندگی ایوان غرب- ایلام/ علیخان حاتمی



سرپرستی اســـتان آذربابجان شـــرقی- تبریز/ از راست ایســـتاده : وحید فخیم حبیب زاده (کارمند توزیع)، کمال الدین نیک رفتار خیابانی(همکار دفتر سرپرستی)، کاظم نیک رفتار (سرپرست)، داوود فرنود (مسئول توزیع) ، محمد وردینلو(امور دفتری)
نشسته از راست : مهیا فرید تقی زاده (طراح)، ناهید صادقی(تایپیست)، پری ناز سهرابی (خبرنگار)



سرپرستی استان کردستان ـ سنندج
عرفان خادم (سرپرست)، امامقلی و خانم شمشیری

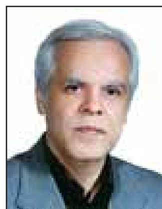


سرپرستی استان بوشهر ـ بندر بوشهر/ از راست: فاطمه صادقی زاده ، مجتبی عالی حسینی، مرتضی عالی حسینی(سرپرست) ، محسن عالی حسینی



سرپرستی استان اردبیل/ از راست: یعقوب شاددل(خبرنگار) یوسف امیدیان، یعقوب امیدیان، ایوب امیدیان (سرپرست)

سرپرستی استان خراسان


محمّد فرید غفاریان
سرپرست


محسن جاویدی
مسئول واحد انتشارات (کتاب)


محمّدصفائی
کارمند دفتری و مسئول برگشتی


زهره رنگ‌آمیز طوسی
خبرنگار


بی‌بی زهره باقریان
مسئول امور دفتری و کامپیوتر


عباس‌سیستانی‌زاده تبادکان
موزع


نادر رحمانی نوده
موزع


وحید افتخاری خواه
موزع


رضا محمودی
متصدی زائر سرا




زائرسرای روزنامه اطلاعات/ مشهد
میدان شهدا ـ کوچه باغ عنبر (شیرازی ۲۴) پلاک ۷۴ -۳۲۲۳۵۳۷۶


سرپرستی استان سمنان ـ شاهرود/ از راست: غلامحسین طهرانی، محمد رضائیان



سرپرستی استان آذربایجان غربی – ارومیه/ رضا دهقانیان، کرامت، بابک دهقانیان، خانم کاظم زاده


سرپرستی استان مرکزی - اراک/ مرشد (سرپرست)،جیریایی (طراح و متصدی دفتر)، بهرامی (خبرنگار)



سرپرستی استان ایلام / آبختی سنجابی
(سرپرست و خبرنگار)، هادی جلیلیان (اموردفتری وتوزیع)



نمایندگی طارم-گیلان
سید مرتضی موسوی



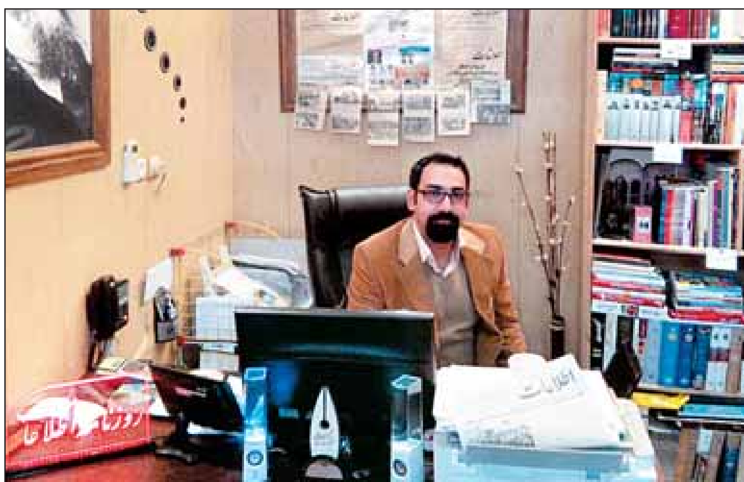
نمایندگی ملایر-همدان
حمید رضا بشیر گنبدی



نمایندگی برازجان-بوشهر
جلال اسلامیان



نمایندگی ســاوه و زرندیه- مرکزی/ از راست: محمد مســـعود امانی، الهه شعبانی، شقایق دانتیسم، علی سلیمانی، محمدرضا غلامی



نمایندگی دورود- لرستان/ فریبرز پیراهن سیاه



نمایندگی رامهرمز- خوزستان/ محمد علی بهوند یوسفی



کارکنـــان بخـش آگهی گیـــلان/ از راســـت: ســـونا پورخائـــف (مدیرداخلی) زهرا علیجانی(خبرنگار)، فتانـــه مرادی (خبرنگار)، زهرا ثابتـــی (دبیرخبر و طراح)، لیلا نامی (خبرنگار ویژه)، حسین خوش سیرت (مدیر ویژه‌نامه‌های استان گیلان)



نمایندگی بانه- کردستان/ حسین حشمتی



نمایندگی ســـرپل ذهاب/ از راســـت: ســـعید حواسی(نماینده روزنامه اطلاعات)، محمد حواسی



نمایندگی اهر ــ آذربایجان شرقی
از چپ: ابوالفضل عمراهی، توحید عمراهی (خبرنگار)



نمایندگی مهاباد ــ آذربایجان‌غربی
علی قبادی





انتشارات اطلاعات

کارنامهٔ سی سالهٔ «انتشارات اطلاعات»

معرفی کتاب‌های منتشرشده در سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۴

مؤسسه اطلاعات با بیش از هشتاد سال سابقه حضور در عرصه فرهنگ، کارنامه‌اش صرفاً محدود به انتشار روزنامه و مجلّه و قبول سفارش چاپ نیست. بلکه در راستای تحقق بخشیدن به رسالت فرهنگی و مطبوعاتی خود، در سال ۱۳۶۳ بر آن شد تا در کنار نشریات مختلف قبلی و فعلی‌اش ـ همچون روزنامه اطلاعات، روزنامه اطلاعات بین‌المللی (برای هموطنان خارج کشور با یک صفحه به زبان انگلیسی)، هفته‌نامه اطلاعات جبهه، هفته‌نامه سهند و مجلات اطلاعات هفتگی، جوانان امروز، دنیای ورزش، اطلاعات علمی، اطلاعات بانوان (راه زینب)، اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی (تخصصی)، اطلاعات فرانسه (روو دو تهران)، ادبستان (فرهنگ و هنر)، حکمت و معرفت (تخصصی) ـ با توجه به امکانات بالقوه این مؤسسه مطبوعاتی در سطح کشور، اقدام به طبع و نشر کتب مختلف در زمینه‌های علمی، فرهنگی، مذهبی، تاریخی، سیاسی،... و کودکان کند. به این ترتیب فعالیت مؤسسه اطلاعات فقط معطوف به روزنامه و مجلّه نیست. این مؤسسه، «ناشر کتاب» هم هست و به عنوان ناشر کتاب کارنامه ویژه‌ای را فراهم آورده است. تاکنون جهت نیل به این هدف، انتشارات اطلاعات توانسته بیش از ۷۰۰ عنوان کتاب در زمینه‌های مختلف منتشر کرده و در راه رفع بخشی از نیازهای دانش‌پژوهان در گوشه و کنار کشورمان گام بردارد. خوشبختانه این حرکت با حُسن نظر اهل تحقیق مواجه شده است. همین استقبال است که انتشارات مؤسسه اطلاعات را بر آن می‌دارد تا در انتخاب موضوعات و عناوین قابل چاپ دقت و سعی بیشتری مبذول دارد.

فهرست حاضر معرفی فشرده و کوتاهی است از آثاری که تاکنون در این انتشارات به چاپ رسیده و منتشر شده است. البته برخی از این کتابها ممکن است در حال حاضر موجود نبوده یا تجدید چاپ نشده باشد، امّا به هر حال مجموعه‌ای که ملاحظه می‌کنید، «کارنامه» این مؤسسه را به عنوان ناشر کتاب نشان می‌دهد.

در این فهرست، هر کتاب با توجه به رده‌ها و ردیفهای استانداردشده بین‌المللی براساس فرمهای فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی (فیپا)، در دسته و گروه خاص طبقه‌بندی شده است.

امید آنکه بتوانیم در آینده با بهره‌گیری از پیشنهادهای اهل فرهنگ قدمهای مؤثرتری در این راه برداریم و بیش از این پاسخگوی خواسته‌های بحق صاحبنظران باشیم.

با توجه به اینکه تاکنون خوانندگان بسیاری در باب چگونگی دسترسی به کتاب‌ها و دوره‌های روزنامه اطلاعات و فهرست کتاب‌های منتشرشده به‌طور مکرّر پرسش‌های متعددی را با ما در میان گذاشته‌اند، ضمن اعلام مشخصات این کتاب‌ها در ویژه‌نامه حاضر به اطلاع آنان می‌رسانیم که برای تهیه کتاب یا دوره روزنامه اطلاعات می‌توانند علاوه بر مراجعه به دفتر نمایندگی‌های این روزنامه در استان‌ها و شهرستان‌ها و مراجعه به نمایشگاه و فروشگاه کتاب‌های این مؤسسه و راهنمایی خواستن از متصدیان آنها، خود نیز مستقیماً با مراکز فروش (به شرحی که در آخرین صفحهٔ همین فصل آمده است) تماس بگیرند و کتاب و دوره روزنامه (بر روی کاغذ یا سی دی) را در صورتی که موجود باشد با پست رایگان دریافت کنند. همانطور که اشاره شد، برخی از کتاب‌های این مجموعه ممکن است به علت عدم تجدید چاپ موجود نباشد. لطفاً پیشاپیش در هر مورد کسب اطلاع شود.

«انتشارات اطلاعات»

کلیات،فلسفه و روانشناسی

آسیب‌شناسی روانی زندگی روزمره
نوشتهٔ زیگموند فروید
ترجمهٔ محمدحسین وقار
وزیری، ۳۱۲صفحه، چاپ سوم، ۷۰۰۰۰ ریال

فروید معتقد است در ذهن انسان هیچ عملی بدون دلیل و علت نیست. براین اساس تلاش می کند نشان دهد که کلیه حرکات انسان که حتی گاهی بدون توجه انجام می‌دهد، دارای دلایلی در ناخودآگاه است. در این کتاب انواع فراموش کردن (نامها، کلمات و مجموعه کلمات)، اشتباه گذاردن اشیاء، گم کردن اشیاء، لغزش زبان، لغزش قلم، بازی کردن با سکه و... خلاصه هر آنچه که در طول روز انجام می‌دهیم و آنها را بی اهمیت تلقی می کنیم، مورد بحث قرار گرفته و با ذکر مثالهای متعدد تلاش شده، دلایل آنها تشریح گردد. در انتهای کتاب نیز بحثی درباره خرافات از نظر روان شناسی ارائه گردیده است.

***

آموزش روزنامه‌نگاری
به انضمام قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران
نوشتهٔ دبورا پاتر
ترجمهٔ حمیدرضا زاهدی
رقعی، ۱۸۰ صفحه، چاپ دوم، ۶۰۰۰۰ ریال

با گسترش اینترنت، نقش رسانه‌های سنتی در اطلاع‌رسانی کم‌رنگ شد. این امر بحران اقتصادی نیز برای بنگاههای اطلاع‌رسانی سنتی در پی داشت. برای رفع این بحران، روزنامه‌نگاران با نشستهای مکرر بر سر برنامه آموزش نوینی به توافق رسیدند. کتاب «آموزش روزنامه‌نگاری» به قلم دبورا پاتر، روزنامه‌نگار برجسته آمریکایی، یکی از همین تلاشهاست.

***

اخلاق برای همه
نوشتهٔ استاد رضا اصفهانی
جلد اول، رقعی، ۴۴۰صفحه، چاپ دوم، ۴۵۰۰ ریال

ادراکات لحظات نزدیک به مرگ و تحولات روحی آن
نوشتهٔ ملوین مورس
ترجمهٔ دکتر رضا جمالیان
وزیری، ۲۶۲ صفحه، چاپ سوم، ۲۱۰۰۰ ریال

کتاب «یافته به وسیله نور» که مترجم آن را «ادراکات لحظات نزدیک به مرگ و تحولات روحی آن» نام نهاده است، گزارشی آماری و تحقیقی میدانی پیرامون کسانی است که احتضار را درک کرده اند .بدون شک مطالعه این کتاب می تواند، تأثیری گسترده و ماندنی در اعتقادات ما نسبت به جهان پس از مرگ داشته باشد.

***

اسلام و بحران عصر ما
نوشتهٔ روژه دوپاسکیه
ترجمه و تحریر دکتر حسن حبیبی
رقعی، ۱۰۴ صفحه، چاپ دوم، ۵۰۰ ریال

این کتاب ترجمه فصولی چند از کتاب «کشف اسلام» نوشته «روژه دوپاسکیه» است.

نویسنده ضمن برخورد نقادانه با تمدن کنونی غرب، به بررسی نقش اسلام در جهان و تلقی این آیین از انسان و اجتماع می‌پردازد و بالاخص حرکت بالنده و سریع امروز این آئین و پیروانش را در جهان امروز مورد مداقه قرار می‌دهد.

***

اصول روزنامه‌نگاری
تألیف بیل کواچ ـ تام رزنتیل
ترجمهٔ حمیدرضا زاهدی
رقعی، ۳۷۲ صفحه، چاپ دوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

فناوری، دنیای جدیدی را سامان داده که به انحصار رسانه‌های رسمی از جمله روزنامه‌ها در امر اطلاع‌رسانی پایان داده است. برای مقابله با این وضعیت، روزنامه‌نگاری روزگار ما متحول شده و این کتاب به همین تحول پرداخته است.

وزیری، ۱۸۴ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر که توسط دو تن از استادان برجسته آمریکا با دقت علمی نوشته شده است پیرامون آموزش مهارتهای اجتماعی و اهمیت آن به‌عنوان مهمترین عامل اجتماعی شدن و سازگاری اجتماعی است. اثر حاضر می‌تواند مورد استفاده دانشجویان رشته روان‌شناسی، تعلیم و تربیت، برنامه‌ریزی درسی و کارشناسان آموزش خانواده قرار گیرد.

***

پیشگامان روان‌شناسی رشد
نوشتهٔ ویلیام سی. کرین
ترجمهٔ دکتر فرید فدایی
وزیری، ۲۰۸ صفحه، چاپ بیست‌ویکم، ۷۵۰۰۰ ریال

این کتاب به شناخت آرای برخی از فرضیه‌پردازان برجسته جهان می‌پردازد که به مسأله رشد به عنوان یک مسأله مهم حیات اجتماعی توجه داشته‌اند.

***

تاریخ مختصر اندیشه
راهنمای فلسفه زندگی
نوشتهٔ لوک فِری
ترجمه محمدحسین وقار
رقعی، ۲۲۷ صفحه، چاپ اول، ۷۵۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب می گوید، می‌خواهم افکار فلسفی را کاملاً عریان کنم تا دو نیاز را رفع کنم، اول نیاز بزرگسالی که می‌خواهد بداند فلسفه چیست، اما لزوماً قصد ندارد از آن فراتر رود؛ و سپس نیاز جوانی که امیدوار است در نهایت درس خود را ادامه دهد اما هنوز پایه و مایه آن را ندارد که بتواند رأساً آثار نویسندگان چالش‌طلب را بخواند. همه باید کمی فلسفه بخوانند، اما چرا؟! اول، بدون فلسفه نمی‌توانیم از دنیایی که در آن زندگی می کنیم رمزگشایی نماییم. و دوم، پس از دریافت خود و دیگران از راه آشنایی با متون اصلی فلسفه، باید درک کنیم که این متون می‌تواند به ما کمک کند تا بهتر و آزادتر زندگی کنیم.







جلد دوم، رقعی، ۲۸۸ صفحه، چاپ اول، ۴۲۰۰ ریال
جلد سوم، رقعی، ۱۹۹ صفحه، چاپ اول، ۴۸۰۰ ریال

آنچه که در این کتاب ملاحظه می‌فرمایید مقالات کوتاه و متنوعی است که نویسنده طی آنها می‌کوشد نکات اخلاقی مورد استفاده در زندگی روزمره فردی و اجتماعی را به زبان ساده و روان و قابل درک و فهم برای عموم، توضیح دهد.

***

اخلاق جلالی
نوشتهٔ جلال‌الدین دوانی
به تصحیح عبدالله مسعودی آرانی
وزیری، ۴۰۳ صفحه، چاپ دوم، سلفون، ۱۵۰۰۰۰ ریال

این کتاب، بازنویسی رساله در اخلاق ناصری، اثر خواجه نصیرالدین طوسی است. جلال‌الدین دوانی کتاب اخلاق جلالی را به سبکی عالمانه و متکلف نوشته است. او با پایبندی به رساله اخلاق خواجه نصیر و حفظ ساختار اصلی آن، کوشیده آن را ساده و خلاصه کرده و زبانش را به زبان روزگار خود نزدیک کند. علامه دوانی در دوره‌ای کتاب اخلاق جلالی را نوشت که در آن عهد تمام مطالب حکمی با مسائل دینی و عرفانی خلط و آمیزش داشت...

***

اخلاق حرفه‌ای در بهداشت روان
تألیف دکتر یدالله فرهادی
وزیری، ۳۶۴ صفحه، چاپ اول، ۲۴۰۰۰۰ ریال

این کتاب مخاطبان فراوان دارد و مباحث و مطالب آن هم برای متخصصان مفید است و هم برای دستیاران پزشکی و دانشجویان رشته‌های مختلف بهداشت روان. در بخش نخست کتاب، چارچوب لازم برای تصمیم گیری اخلاقی آمده است. در بخش دوم، موضوعات اخلاقی بهداشت روان برای درمانگران /مشاوران آورده شده است. بخش سوم درباره مشکلات اخلاقی اختصاصی بحث می کند و بخش چهارم، مواردی را که متخصصان این حرفه از آنها عدول کرده‌اند و نیز مسئولیت آنان نسبت به دیگران را طرح می کند.

انسان آرمانی در نگاه نیچه و اقبال لاهوری
نوشتهٔ محمدجعفر محمدزاده ـ محسن سلگی
رقعی، ۱۸۰ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰۰ ریال

«ابرمرد» نیچه و «انسان کامل» اقبال لاهوری دایر مدار و مهم‌ترین حاصل فکری این دو فیلسوف و اندیشمند است. بر این اساس مکتوب حاضر سعی کرده است تا با مطالعه‌ای تطبیقی رئوس اصلی اندیشه این دو فیلسوف که در انسان موعود و آرمانی آنها طرح می‌شود و اجماع نظر بیشتری در مورد شان وجود دارد را مورد بررسی قرار دهد.

***

با یونگ و سهروردی
تألیف سید محمدعلی بتولی
وزیری، ۲۳۶ صفحه، چاپ دوم، ۲۰۰۰۰ ریال

آیا یونگ تحت تأثیر فلسفه اشراقی و عرفان مشرق زمین قرار گرفته و به ابداع دو مفهوم ناخودآگاه جمعی و الگوهای باستانی دست یازیده؟ و یا اینکه... این کتاب سعی دارد به این گونه پرسشها پاسخ گوید.

***

بررسی علمی خودهیپنوتیزم
تألیف ریچارد شروت
ترجمهٔ دکتر رضا جمالیان
وزیری، ۱۲۸ صفحه، چاپ هشتم، ۴۵۰۰۰ ریال

این اثر، براساس قوانین علوم رفتاری نشان می‌دهد که چگونه هر فرد می‌تواند هیپنوتیزور خود باشد. این کتاب خواننده را با اصول علمی و عملی هیپنوتیزم و استفاده‌های درمانی آن در پزشکی آشنا می کند و در این باره مطالب جالبی ارائه می دهد.

***

بهبودبخشی مهارت‌های اجتماعی کودکان
(ارزیابی و آموزش)
نوشتهٔ جانی ال. متسون، توماس اچ. اولندیک
ترجمهٔ احمد به‌پژوه

تاریخ و تقدیر در مقدمهٔ حکمه‌الاشراق
تألیف محمد کریمی زنجانی اصل
رقعی، ۲۰۰ صفحه، چاپ اول، ۱۳۰۰۰ ریال

این کتاب بخشی است از ترجمه و شرح متن کامل کتاب «حکمة الاشراق» شیخ شهاب‌الدین سهروردی، اثری در احیای عرفان ایرانی/اسلامی با سامان بخشی به اشراق در گونه‌های «خسروانی/نوافلاطونی/هرمسی» اش در چارچوبی نظام‌مند، تقدیر تاریخی تفکر در ایران زمین را رقم می‌زند.

***

تأملات و تحقیقات
پیرامون برخی مسائل فلسفه و کلام
نوشتهٔ دکتر زهرا مصطفوی
رقعی، ۴۳۴ صفحه، چاپ اول، ۲۱۰۰۰ ریال

این کتاب شامل سیزده مقاله است درباره فلسفه و کلام با عناوین زیر: بازسازی نظر خیام درباره وجود؛ بررسی شبهه ابن کمونه؛ صفات واجب الوجود بالذات؛ قاعده «واجب الوجود بالذات از هر جهت واجب است»؛ مقایسه نظر ابن سینا و ملاصدرا در مسأله علم باری تعالی به جزئیات؛ مُثل افلاطونی از منظر صدر المتألهین؛ نظر ارباب انواع از منظر شیخ شهاب‌الدین سهروردی؛ مقایسه نگرش صدر المتألهین و ابن سینا در مسأله اتحاد عاقل و معقول؛ وجود ذهنی از منظر شهید مصطفی خمینی؛ مقسم و چگونگی تقسیم به جوهر و عرض؛ اثبات عصمت پیامبران به مدد آیات قرآن؛ بررسی اشکالات قرآنی بر عصمت انبیاء؛ تحقیقی پیرامون کلیات خمس.

***

تفکر عملی
نوشتهٔ ادوارد دوبُنو
ترجمهٔ محمدحسین وقار
رقعی، ۲۲۰ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰ ریال

چرا در یک منازعه همواره دو طرف خود را محق می‌دانند؟ چرا هیچ کس عمداً اشتباه نمی کند ولی همواره اشتباهاتی صورت می‌گیرد. این مطلب و مطالب حاشیه‌ای آن موضوعی است که کتاب حاضر بدان پرداخته و مسائل روان‌شناختی آن مورد تحلیل قرار گرفته است.



تفکر نقادانه

نوشته تیموتی کروز ـ اندرسن
ترجمهٔ مسعود فرهمندفر
رقعی، ۱۲۰ صفحه، چاپ اول، ۴۰۰۰۰ ریال

هدف این کتاب بررسی تفکر به منزلهٔ فعالیت، کنش یا مجموعه کنش‌هایی است که فرد آگاهانه، دانسته و از روی اختیار به عهده می گیرد. به بیان ساده‌تر، هدف این کتاب تفکر در باب تفکر است. از این رو، با هدف پرورش مهارت‌های تفکر درست و ارزیابی استدلال‌ها، توجه خاصی به فرایند تفکر خواهد شد. برای این امر، باید وارد حوزهٔ منطق شد، که شاخه‌ای است از فلسفه که به مطالعهٔ فرایند استدلال و تعقل می پردازد و می کوشد درکی از تفاوت‌های استدلال درست و نادرست به دست دهد.

***

تنش‌زدایی در روابط انسانی و مدیریت

نوشتهٔ دکتر گوئل کهن
وزیری، ۲۰۸ صفحه، چاپ دوم، ۱۲۰۰۰ ریال

شناخت تنش به مثابه پدیده‌ای منفی و ارائه طریق برای رفع بحرانهای ارتباطی و راهیابی به مدیریت تنش‌زدایی در سطوح گوناگون روابط انسانی، از اهداف این پژوهش است. نویسنده به بعد دیگر تنش ،یعنی نقش مثبت و کم و بیش سازنده آن در شرایط خاص نیز می پردازد. مطالب این کتاب علاوه بر جنبه‌های کاربردی آن برای همگان، طوری تنظیم شده که بتواند مورد استفاده اساتید و دانشجویان رشته مدیریت، روان‌شناسی و برنامه‌ریزی رشد و توسعه فرهنگی قرار گیرد.

***

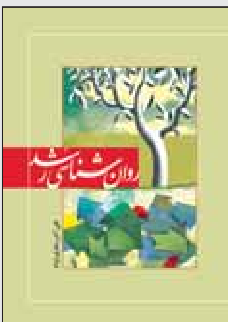
جُنگ ملاصدرا

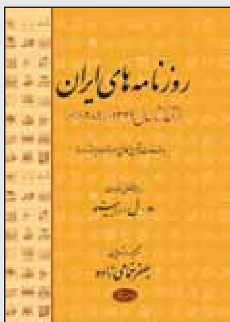
تألیف محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی
تمهید مصطفی فیضی کاشانی













وزیری، ۴۷۲ صفحه، چاپ اول، ۴۳۰۰۰ ریال

«جنگ ملاصدرا» علاوه بر آثاری از ملاصدرا که فقط در این دفتر یافت می‌شود و نیز دو نمونه دستنوشته استادش میرداماد، دربردارندهٔ گزیده‌های بزرگترین فیلسوف متأخر شرق است از: (۱) اشعار گنجینه بزرگ و کهن ادب فارسی و آثار عالمانی که هنر شاعری را برای بیان معانی دقیق و معارف لطیف به کار گرفتند. (۲) نوشته‌های عرفانی، فلسفی، کلامی، اخلاقی و....

***

حکمت اشراقی در هند

برخی ملاحظات تاریخی / متن‌شناختی
نوشتهٔ محمد کریمی زنجانی اصل
رقعی، ۳۰۴ صفحه، چاپ اول، ۲۰۰۰۰ ریال

این کتاب باتوجه به اسناد و مدارک موجود، می کوشد از چگونگی حضور آثار و آموزه‌های شیخ اشراق شهاب‌الدین یحیی سهروردی در هند سده‌های هفتم تا چهاردهم هجری، تصویر روشنی برنماید.

***

حکمت و معنویت در ایران نخستین سده‌های اسلامی

تألیف محمد کریمی زنجانی اصل
رقعی، ۳۲۰ صفحه، چاپ اول، ۲۰۰۰۰ ریال

میراث حکمی و معنوی ایرانی در نخستین سده‌های اسلامی تاکنون پژوهشهای فراوانی را رقم زده است که هریک کوشیده است زوایایی از آن را بررسد و برنماید.

این پژوهشها، طیفی از ملاحظات نقادانه و رویارویی هماوردانه را برتابیده‌اند. آنچه در این کتاب آمده مجموعهٔ چهارده مقاله در بازنمود برخی از زوایای کمتر شناخته شده حکمت و معنویت ایرانی در سده‌های دوم هجری به بعد است.

دانستنی‌های تربیتی و یادگیری

نوشتهٔ سولماز وحیدی
رقعی، ۱۸۴ صفحه، چاپ اول، ۷۵۰۰۰ ریال

در این کتاب سعی شده است بررسی راهکارهایی جهت رفع مشکلات کودکان، قبل و بعد از مدرسه مورد توجه قرار بگیرد؛ از همین روی افزون بر پشتوانه علمی معتبر، زبانی ساده برای توضیح مطالب و انتقال آنها به خواننده به کار گرفته شده است تا برای عموم مادران و پدران جوان قابل استفاده باشد.

***

دو فیلسوف شرق و غرب: صدرالمتألهین و اینشتین

به قلم استاد حسینعلی راشد
با مقدمهٔ استاد دکتر سیدحسین نصر
رقعی، ۱۴۸ صفحه، چاپ ششم، ۵۰۰۰۰ ریال

نویسنده در مقدمهٔ خود می نویسد: «این نامه که به خوانندگان گرامی تقدیم می‌شود، شرح دو نظریه فلسفی است: یکی نظریه «حرکت در جوهر» که یک نفر فیلسوف شرقی «صدرالمتألهین» شیرازی آن را اظهار داشت و با دلایل عقلی به اثبات رسانید. دیگری نظریه «نسبیت عامه» که یک نفر فیلسوف غربی «اینشتین» ریاضیدان مشهور زمان ما آن را با استدلالات ریاضی اثبات نمود و از این جهت به نام وی شهرت یافت.»

***

راهی نو در منطق

نوشتهٔ ویلفرید هاجز
ترجمهٔ عبدالحسین آذرنگ
رقعی، ۳۹۲ صفحه، چاپ اول، ۷۰۰ ریال

راهی نو در منطق، محصول خودآموزی و پژوهش متمادی، تجربه ناشی از آموزش منطق به شش نسل از دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه لندن، تسلط به ریاضیات، فلسفه و کلام و چیره‌دستی در ساده‌نگاری و داشتن نگرش ویژه مباحث منطق و توجه هوشمندانه نویسنده به عوامل جاذب و دافع در راه فراگیری است. این کتاب می تواند خوانندگان ناآشنا به منطق را با بنیادها، مرزها، مبحث‌های اساسی و پاره‌ای از کاربردهای منطق آشنا سازد.

***

رسالهٔ اضحویه

نوشتهٔ شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا
از مترجمی نامعلوم
با تصحیح و مقدمه و تعلیقات حسین خدیوجم
وزیری، ۱۵۲ صفحه، چاپ دوم، گالینگور، ۴۰۰ ریال

این کتاب و ضمیمه آن پژوهشی است عالمانه و عارفانه در «امر معاد» و «شناخت آخرت» که به همت دو استاد مسلمان (ابن‌سینا و غزالی) به زیور تحریر آراسته گشته است.

***

رسالهٔ نقدالنقود فی معرفه‌الوجود

تصنیف سید حیدر آملی
ترجمه و تعلیق دکتر سید حمید طبیبیان
وزیری، ۱۰۴ صفحه، چاپ اول، ۲۲۵ ریال

این رساله منتخبی است از کتاب «رسالة‌الوجود فی معرفة‌المعبود» و شامل سه بحث است: بررسی وجود و اطلاق و بداهت آن؛ در وجوب وجود و وحدت آن؛ در پیدایش وجود و کثرت آن.

***

رفتار درمانی

نوشتهٔ دکتر بهمن بهروزی
وزیری، ۸۳۶ صفحه، چاپ اول ، سلفون ، ۶۵۰۰۰ ریال

این کتاب، در واقع با تکیه بر خاطره‌ها و یادداشتهای نگارنده به عنوان روان‌پزشک به رشته تحریر درآمده است. او پرونده‌های یک دوره ده ساله از حضور خود را در آمریکا باز می گشاید و هر پرونده را به طور جداگانه تشریح و بررسی می کند و روشهای درمانی خود را توضیح می‌دهد. پرونده‌ها متنوع‌اند و زیر عنوان ده فصل فراهم آمده‌اند. نویسنده تمام سعی خود را به کار گرفته تا متنی روان، خالی از پیچیدگی و با گریز اصطلاحات کاملاً تخصصی و مطالب تکراری و با رعایت اختصار ارائه کند.

روان‌شناسی رشد

تألیف دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد
وزیری، ۹۲۴ صفحه، چاپ بیستم، ۳۰۰۰۰۰ ریال

این کتاب سعی دارد خواننده را متوجه این نکته مهم نماید که «شناخت انسان»، بدون شناخت کم و کیف رشد و تکامل او و چگونگی تعاملش با محیط غیرممکن است. زیرا روان‌شناسی رشد جدید به کودک به عنوان یک سیستم می‌نگرد.

***

روان‌شناسی عمومی انسان

برای انسانی برخوردار از طبیعت چندگانه! اما واحد!
تألیف دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد
وزیری، ۱۰۶۰ صفحه، چاپ اول ، سلفون، ۱۳۰۰۰۰ ریال

این کتاب به معرفی علمی انسان کمک می کند با تأکید بر این باور که بدون شناخت واقعی، نه صرفاً تصوری یا آماری، نمی‌توان رفتار او را تغییر داد؛ و این که تغییر رفتار، فرایندی است مداوم، چون شرایط زندگی متغیرند. و تأکید دیگر بر این باور که برخورداری از علم و معرفت و حکمت با هم و همزمان ضروری است اگر می خواهیم انسان بمانیم و انسانی زندگی کنیم.

***

روزنامه‌های ایران

از آغاز تا سال ۱۳۲۹ هجری.قمری ۱۲۸۹ هجری.شمسی
با اضافات و شرح کامل به همراه تصاویر روزنامه‌ها
برداشتی از فهرست ه.ل رابینو
ترجمه و تدوین جعفر خمامی‌زاده
وزیری، ۴۱۲ صفحه، چاپ سوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

این کتاب شامل تاریخچه روزنامه‌های منتشرشده از آغاز نشر تا سال ۱۲۸۹ هجری شمسی و معرفی حدود ۴۰۰ روزنامه به زبانهای فارسی، ارمنی، فرانسه، آشوری یا کلدانی و تصاویر یا سرکلیشه بیش از ۱۸۰ روزنامه و جدول تطابق تاریخ مسلمانان و مسیحیان می گردد.

***

روش نوین استادشدن در هیپنوتیزم

نوشتهٔ هاری آرونز
ترجمهٔ دکتر رضا جمالیان
وزیری، ۲۰۴ صفحه، چاپ هشتم، ۷۰۰۰۰ ریال

این کتاب با احتراز از بحث‌های نظری مرتبط، تنها به بیان مکاتبی می‌پردازد که برای آموزش هیپنوتیزم کاربردی تا سطح استادی لازم است.

***

رهایی از کمند اخلاق علمی

نوشتهٔ علی ابراهیم‌زاده
رقعی، ۱۳۲ صفحه، چاپ اول، ۹۰۰۰ ریال

نویسنده کوشیده است از میان آرای فلاسفه اسلامی، آرای علامه محمدحسین طباطبایی و از میان فلاسفه غربی، عقاید دیوید هیوم را دربارهٔ مسألهٔ دانش و ارزش یا باید و هست نقل و نقد نماید.

***

زندگی و بس (۲ جلد)

تألیف کریم فیضی
جلد اول، وزیری، ۶۲۸ صفحه، چاپ اول، سلفون، ۶۰۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۷۰۰ صفحه، چاپ اول، سلفون ۸۰۰۰۰ ریال

شناوری و نوسان زندگی میان هزارها هزار مسأله و موضوع خرد و کلان به راستی، برای شگفت‌ساز کردن زندگی کافی است و اندکی از شگفتی، برای بازیابی و بازبینی زندگی، ضرورتی انکارناپذیر. در گفتگو با

دانشوران و پیشتازان عرصه‌های علم، فلسفه، عرفان، ادبیات، هنر و تاریخ کوشش شده است «زندگی» به‌سان حقیقتی که در هاله‌هایی انبوه از مجهول و سؤال فرو رفته باشد، این بار به گونه‌ای متمایز بررسی شود... تا دانسته آید که: زندگی، زندگی، زندگی و بس!

***

سرشت و سرنوشت

گفتگو با دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی
به کوشش کریم فیضی
وزیری، ۴۳۲ صفحه، چاپ سوم، سلفون، ۱۲۰۰۰۰ ریال

سرشت و سرنوشت، دو مفهوم فلسفی است که عمری به اندازۀ فلسفه و تاریخ آن دارد. از این دو حقیقت، همواره تلقی‌هایی مختلف و در مواردی شگفت‌ساز صورت گرفته است. در این کتاب، استاد ابراهیمی دینانی به پرسش در باب چند و چون این دو مقوله پاسخ می‌دهد و آنگاه سخن به وابسته‌های دامنه آن دو می‌کشد، تفکر، حقیقت، تاریخ، قبض و بسط، عقل، عشق، ادبیات، دین و سرانجام نامها و یادها.

***

سندرم کمپارتمان یا انسان در حصار باورها

نوشته استیون فلدمن
ترجمۀ دکتر یحیی دولتی ـ دکتر فیض‌الله توحیدی
رقعی، ۱۸۳ صفحه، چاپ اول، ۷۰۰۰۰ ریال

نویسنده کتاب یهودی‌زاده‌ای که در مدرسه یهودیان افراطی ارتدکس سالها زیر پوشش و مغزشویی معلمان متعصب یهودی علیه اسلام و اعراب قرار داشته، به تدریج متحول می‌شود. خطاهای علمی اثبات شده پزشکی و تناقض‌ها و بطلان‌های دانش تخصصی او را به جهتی می‌کشاند که می‌اندیشد، «تکند باورهای دینی من هم مشکل داشته باشد و به من عمداً یا سهواً حق و باطل را به هم آمیخته باشند!» بلافاصله راه می‌افتد و آرشیوهای معتبر یهودی را و تاریخ تشکیل اسرائیل را به مطالعه می‌گیرد و می‌رسد به نقطۀ خیری که اکنون رسیده است.

می‌پردازد ولی بقیه کتاب مستقیماً به درک نوشته‌های ارسطو اختصاص یافته است. زبان او غیر تخصصی و برای خواننده یا دانشجوی متوسط است. او به منطق توجه کمی داشته و بیشتر به فیزیک، مابعدالطبیعه، سیاست، اخلاق و دست آخر فنون بلاغت ادبی روی کرده است.

***

گزارش‌نویسی، چشم‌عقاب روزنامه‌نگاری

نوشتۀ دکتر محمدمهدی فرقانی
وزیری، ۳۳۶ صفحه، چاپ دوم، ۱۷۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر با تکیه بر میراث تجربی و دانشگاهی نویسنده کوشیده است گامی در راه آموزش اصول گزارش‌نویسی بر پایه آموزه‌های بومی و ارزشی بردارد؛ پایبندی به عینیت، صحت، دقت، تعادل و توازن، امانتداری و نقد و نظارت در یک چارچوب اخلاقی.

***

گفتار حکیم

به کوشش محمدجعفر محمدزاده
رقعی، ۱۳۲ صفحه، چاپ اول، ۱۶۰۰۰ ریال

این کتاب روایت دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی از اندیشه‌های بلند حکیم عمر خیام نیشابوری در هستی‌شناسی و حاصل تفرج حکیمانه وی در گلشن جادویی رباعیات اوست که به انضمام نگاهی گذرا و معرفی گونه از شانزده اثر فلسفی ایشان ارائه می‌شود.

***

گفتنی‌ها

(خاطرات، مصاحبه‌ها، سفرنامه‌ها)
نوشتۀ علی‌اکبر عبدالرشیدی
وزیری، ۸۶۰ صفحه، چاپ اول، سلفون، ۷۰۰۰۰ ریال

این کتاب خاطره‌ها، مصاحبه‌ها و سفرنامه‌های یک خبرنگار فعال و شناخته‌شده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران است که بیش از سی سال در کار خبر و اطلاع‌رسانی بوده و سالها در واحد مرکزی خبر، دفتر این سازمان در لندن و... فعالیت داشته است.

وزیری، ۲۰۸ صفحه، چاپ سوم، ۸۰۰۰۰ ریال

آنچه در این کتاب می‌خوانید عمدتاً منتخبی است از سخنرانی‌هایی که برای معرفی روانکاوی در مکتب لکان در مکانهای مختلف و برای مخاطبان متفاوت انجام گرفته است و سعی وافر شده تا حد ممکن این مکتب روان‌شناسی به صورت روان و روشن شرح داده شود.

***

نقش نیازهای روانی در بهداشت روانی و آموزش و پرورش

نوشتۀ علی میرزابیگی
رقعی، ۶۴ صفحه، چاپ پنجم، ۲۰۰۰ ریال

هدف اصلی این تألیف، ارائه اطلاعاتی ضروری در زمینه نیازها و انگیزه‌های روانی و بررسی نقش و تأثیر آن در آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) و بهداشت روانی است.

***

نگاه نو به روان‌شناسی انسان سالم

(یا سفری کوتاه در شخصیت انسان)
نوشتۀ دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد
وزیری، ۵۳۵ صفحه، چاپ سوم، ۲۲۰۰۰۰ ریال

این کتاب با مناجاتی از خواجه عبدالله انصاری آغاز می‌شود و مقدمه‌ای مفصل و ۱۷ فصل را شامل می‌شود. برخی از عناوین آن بدین قرارند: روان، مبانی زیستی و تنکارشناختی رفتار، یادگیری و شناخت، شناخت هوش، شناخت یادگیری، تفکر و زبان، انگیزش، عاطفه، سازگاریهای عاطفی و رفتاری، روان‌شناسی اجتماعی، ارتباط، مدیریت و رهبری، شخصیت یا کل فرد بشر، روان‌شناسی کار، آسیب‌شناسی، روان‌شناختی و روان‌شناسی سلامت.

***

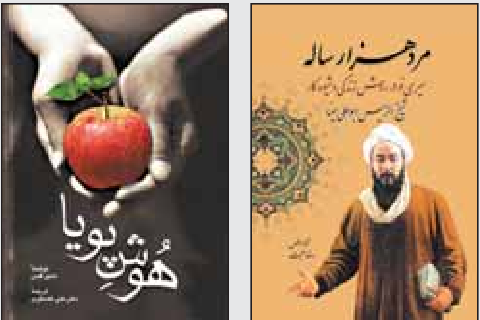
نه گامی جلوتر، نه گامی عقب‌تر همسرم! در کنار من باش

نوشتۀ جاناتان رابینسون
ترجمۀ مهین صدیقی
رقعی، ۱۸۴ صفحه، چاپ هفتم، ۸۰۰۰۰ ریال

در این کتاب توصیه‌های بسیار ساده و جالب توجهی برای درمان







فرهنگ توصیفی علوم رفتاری / شناختی

نوشتۀ دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد
وزیری، ۶۱۶ صفحه، چاپ اول، سلفون ۱۶۰۰۰۰ ریال

شاید اغراق نباشد که بگوییم شرط عمده و اساسی در فهم علم، آشنایی با زبان خاص آن علم و آگاهی از اصطلاحات ویژه آن است؛ یعنی مفاهیم بنیادی که در آن رشته به کار می‌روند و بدون درک آنها هرگز نمی‌توان وارد حریم آن علم شد. به نظر می‌رسد گسترۀ علوم انسانی، وسیع‌ترین محدودۀ علومی باشد که آدمی تاکنون موفق به کشف آن شده است. از میان این علم‌ها نیز قدیمی‌ترین و از وجهی، جدیدترین علمی که مفاهیم آن مورد بحث قرار گرفته است، می‌توان به علوم رفتاری اشاره کرد که به مسائل مهم انسان و انسانی می‌پردازد و آشنایی با مفاهیم به کار رفته در آن، شرط اصلی و مقدماتی آشنایی با علوم رفتاری است که به نوبه خود راه را برای آشنایی با انسان فراهم می‌سازد. کتاب حاضر به تعریف و تشریح مختصر این گونه مفاهیم می‌پردازد.

***

فلسفه اخلاق

از استاد محمدتقی مصباح
وزیری، ۲۰۴ صفحه، چاپ نهم، ۸۰۰۰۰ ریال

این کتاب، سلسله درسهای فلسفه اخلاق استاد محمدتقی مصباح است که در مؤسسه «در راه حق» تدریس گردیده و از نوار پیاده شده است.

***

فلسفه ارسطو

نوشتۀ باربارا جانکار
ترجمۀ مهداد ایرانی‌طلب
وزیری، ۳۹۶ صفحه، چاپ دوم، ۳۲۰۰۰ ریال

در کتاب حاضر، نویسنده رهیافتی بر حسب نوشته‌های ارسطو دارد و آثار وی را یک به یک توضیح داده است. در ابتدای کتاب به پس‌زمینه تاریخی و همچنین فلاسفه پیش از او، خصوصاً استادش افلاطون،

مرد هزار ساله

نگارش رضا حجت
وزیری، ۳۰۴ صفحه، چاپ هفتم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

موضوع کتاب، سرگذشت «ابن سینا» است. اما نه به شیوه رایج سرگذشت‌نامه‌نویسی، بلکه مؤلف سعی دارد حقایق برجسته حیات و کار و تلاش شبانه‌روزی پورسینا را که مایه شهرت و اعتبار وی بوده است، نمایان سازد و الگو و راهنمایی باشد برای دانش‌پژوهان جهان امروز.

***

مروری کوتاه بر تاریخ کتاب در ایران

نوشتۀ محمدحسن رجبی
رقعی، ۱۰۴ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰ ریال

این مجموعه حاوی سه مقاله است: «مروری کوتاه بر تاریخ کتاب در ایران، از آغاز تاکنون»، «کتاب در اسلام» و «امانت کتاب در جهان اسلام و ایران». این سه مقاله در مجموع، جایگاه کتاب در ایران را از گذشته تاکنون در یک چشم‌انداز کلی نشان می‌دهند.

***

مطبوعات ایران

(از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶)
گردآوری دکتر حسین ابوترابیان
وزیری، ۳۵۶ صفحه، چاپ اول، ۹۵۰ ریال

کتاب دربرگیرنده فهرستی است از مشخصات مجلات و روزنامه‌های ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ به انضمام مقاله‌ای تحت عنوان: احزاب سیاسی ایران پس از شهریور ۱۳۲۰ از «الول ساتن» به همراه کتاب‌شناسی تاریخ و بررسی مطبوعات ایران (خارجی، داخلی) و مجموعه قوانین مربوط به مطبوعات در ایران از صدر مشروطیت تا سال ۱۳۶۶.

***

مکتب لکان

(روانکاوی در قرن بیست و یکم)
نوشتۀ دکتر میترا کدیور

نارسایی‌های به ظاهر کوچک ولی مخرب زندگی مشترک زناشویی ارائه شده و همچنین برای بهداشت روان و پیشگیری بیماریهای جان و روان بشری روشهای ساده و مفید ارائه گردیده است که مطالعه و به کار بستن آنها در زندگی امروز بسیار حیاتی به نظر می‌رسد.

***

هوش پویا

نوشتۀ دانیل گلمن
ترجمۀ دکتر علی غضنفری
رقعی، ۳۶۴ صفحه، چاپ دوم، ۳۰۰۰۰ ریال

هوش پویا کتابی است که به بررسی احساسات و عواطف، شناخت عواطف و جنبه‌های جامعه‌شناختی عواطف می‌پردازد. و الهام‌بخش و پیام‌آور است تا همه انسانها این توانایی را کسب کنند که با آگاهی از چگونگی و استفاده از مهارتهای ارتباطی بتوانند زیر ساختهای تفاهم هرچه‌نزدیکتر و عمیق‌تر و واقعی‌تر با دوستان و آشنایان و... ایجاد کنند.

***

هیپنوتیزم علمی نوین

تألیف ریچارد شروت
ترجمۀ دکتر رضا جمالیان
وزیری، ۱۲۸ صفحه، چاپ نهم، ۵۰۰۰۰ ریال

این اثر پژوهشی است در مسأله هیپنوتیزم به گونه علمی. در این اثر بیشتر به خطوط کلی این علم پرداخته شده است.

***

یواقیت‌العلوم و دراری‌النجوم

به تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه
وزیری، ۳۴۲ صفحه، چاپ دوم، گالینگور، ۸۵۰ ریال

دایرة‌المعارفی است به نثر فارسی قرن ششم هجری که به صورت سؤال و جواب نگارش یافته و حوزه‌های مختلف علوم عصر را در بر می‌گیرد.

یـــوگا

نوشتهٔ ارنست وود
ترجمهٔ محمد حسین وقار

وزیری، ۳۱۲ صفحه، چاپ دوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب، اطلاعات نسبتاً جامعی از یوگا و فلسفه آن، هدف و اصول اخلاقی آن به خواننده ارائه می‌دهد. در واقع هدف، معرفی و ارائه اندیشه و تمرین‌های عملی یوگاست که در ضمن آن تلاش شده طیف گسترده‌ای از موضوعات مختلف از ادبیات کلاسیک هند در ارتباط با یوگا نیز مورد اشاره قرار گیرد.

دیـــن

آخرین سخنرانی‌های راشد (۷–۱۳۵۶)

از حسینعلی راشد
با مقدمهٔ دکتر مهدی محقق

رقعی، ۷۳۶ صفحه، چاپ سوم، ۱۵۰۰۰۰ ریال

مجموعه سخنرانی‌های راشد مشتمل بر یک دوره خداشناسی و جهان‌شناسی و انسان‌شناسی است که راشد آن را برای پی‌ریزی مدینه فاضله‌ای که همیشه در آرزوی آن بود، به مردم عرضه داشت. این سخنرانی‌ها به دلیل شیوایی گفتار قطعاً می‌تواند مورد استفاده خواص و عوام قرار گیرد.

***

آشتی اسلام، دموکراسی و غرب

نوشتهٔ بی‌نظیر بوتو
ترجمهٔ علیرضا عیّاری

رقعی، ۴۰۰ صفحه، چاپ سوم، ۸۰۰۰۰ ریال

در این اثر، نخست‌وزیر فقید پاکستان، خاطرات و تجربیات شخصی‌اش را بازگو می‌کند و به دنیای غرب توصیه می‌کنند در جهت شناخت، درک و فهم صحیح از دنیای اسلام حرکت کنند و از تقابل با مسلمانان بپرهیزند.

اخلاق پیامبر و اخلاق ما

نونگاهی به سلوک اخلاقی پیامبر و نقد طنزآمیز خلقیات خودمان
نوشتهٔ جلال رفیع

رقعی، ۵۲۸ صفحه، چاپ سوم، ۸۵۰۰۰ ریال

نویسنده در معرفی کتاب خود می‌نویسد: «...این کتاب، آلبوم آوازهای غرق‌شدگان است، آوازخوان پشت پنجره یعنی نویسنده این کتاب، اگر از انواع نفس‌پرستی‌ها و بت‌پرستی‌ها و سرمستی‌ها و بدمستی‌ها فریاد می‌زند، در واقع تجربه‌های غرق شدن خود را به آواز و فریاد تبدیل کرده است، می‌خواهد به تجربه بگوید: دین اگر دین است باید برای نجات آدمی از این غرقابه‌ها به کار آید، باطن دین همین است، در غیر این صورت پوسته‌ای خواهد بود و بس. پوسته بی‌هسته‌ای در عصر مدرنیته!»

***

اخلاق در شش دین جهان

نوشتهٔ ورنر منسکی، پگی مورگان، النور نسبیت، کلایو لاتون، ترور شاتون، معشوق بن علی
ترجمهٔ محمد حسین وقار

وزیری، ۴۶۲ صفحه، چاپ سوم، ۱۴۰۰۰۰ ریال

این کتاب با این اعتقاد به رشته تحریر درآمده که عبور از مرزهای دین و زبان و نژاد، انسان را قادر می‌سازد که دریافت خود را از موضوعاتی که برای همه حائز اهمیت است، تعمیق بخشد و نشان دهد که اخلاق و پای‌بندی وی به اصول محکم است که او را از ورطه هلاکت نجات می‌بخشد.

***

اربعین (جلد اول)

تألیف حضرت امام خمینی (قدس سره‌الشریف)
با شرح و پاورقی سید احمد فهری

وزیری، ۲۴۴ صفحه، چاپ دوم، شومیز، ۲۰۰۰۰ ریال

این کتاب حاوی چهار حدیث از چهل حدیث اخلاقی، عرفانی، فلسفی و کلامی است که توسط حضرت امام خمینی (ره) جهت تدریس در مدرسه فیضیه در دوران خفقان رضاشاهی شرح شده است.

پراکنده است.

نویسنده پس از جمع بندی این شبهات به بررسی آنها پرداخته است.

***

اسلام برای همه (انگلیسی)

نوشتهٔ رضا اصفهانی
ترجمهٔ پروانه رحیمی

جیبی، ۱۹۰ صفحه، چاپ اول، ۸۰۰ ریال

در این کتاب، به زبان انگلیسی عقاید و مسائل مختلف اسلامی با مباحث بسیار ساده و مختصر آورده شده است.

***

اسلام برای همه (ترکی)

نوشتهٔ رضا اصفهانی

جیبی، ۱۷۶ صفحه، چاپ اول، ۸۰۰ ریال

این کتاب، به روشی بسیار ساده و آسان، نموداری از عقاید و مسائل مختلف اسلامی را به زبان ترکی به تصویر کشیده است.

***

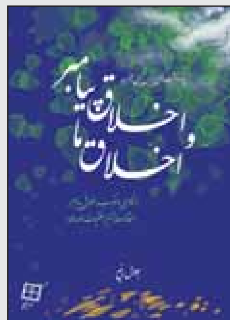
اسلام، دین رحمت نه خشونت

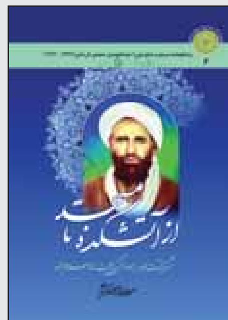
نوشتهٔ علیرضا صدرالدینی

وزیری، ۳۲۸ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰۰۰ ریال

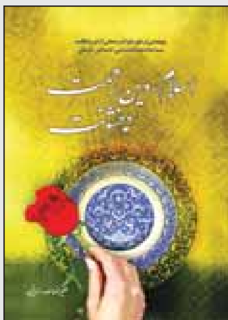
اسلام، آیینی است براساس مدارا، نرمخویی و دوری از توسل به زور و خشونت. مشقتی در احکامش وجود ندارد. هرجا تکلیفی موجبات صدمه و لطمه را برای مکلف فراهم آورد، آن تکلیف ساقط می‌شود. پیامبر (ص) و













آوای محمدی رسولان

مقایسه‌ای میان ادیان توحیدی
تألیف دکتر زهرا مصطفوی

وزیری، ۶۰۰ صفحه، چاپ دوم، ۲۵۰۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب مباحثی چون خداشناسی، توحید و صفات الهی، نبوت و معاد را از نظر ادیان الهی، بخصوص اسلام، مسیحیت و یهودیت مورد مقایسه قرار داده است. این کتاب به طور کلی از سه دفتر تشکیل شده است ۱ـ درونمایه‌های مشترک سه دین توحیدی با رویکرد کلامی، ۲ـ مسیحیت از نگاه قرآن کریم، ۳ـ یهود از منظر اسلام. نویسنده می‌کوشد واقعیات مورد اشاره قرار گرفته در سخنان پیامبر الهی را از منظر دین اسلام مورد بحث قرار دهد.

***

آیت بصیرت

نوشتهٔ دکتر سعید رحیمیان

رقعی، ۱۶۸ صفحه، چاپ اول، ۱۲۰۰۰ ریال

این اثر شما را به سیر زندگی، آثار و آرای عالم ربانی مرحوم علامه شعرانی آشنا می‌سازد و در شش فصل فراهم آمده است: اندیشه و حیات علامه شعرانی؛ ارکان روش‌شناسی کلامی علامه شعرانی؛ نظام و احکام اقتصادی اسلام؛ نظام و احکام قضایی اسلامی؛ خانواده و حقوق زن در اسلام؛ حکومت و نظام سیاسی در اسلام.

***

اخبار حلاج

تصحیح و تحشیهٔ ل. ماسینیون، پ. کراوس
ترجمه و تعلیق دکتر سید حمید طبیبیان

وزیری، ۹۶ صفحه، چاپ دهم، ۵۰۰۰۰ ریال

این کتاب، ترجمه‌ای است از کتاب اخبار الحلاج یا مناجیات الحلاج که به سبب اقوال و روایات مستندی که در آن است، همواره برای کلیه محققانی که درباره حلاج پژوهش و تصنیف کرده‌اند به عنوان سندی معتبر مطرح بوده است. این کتاب حاوی اخباری است در سیرت حسین بن منصور حلاج (۲۴۴-۳۰۹ق).

از آتشکده تا مسجد

نوشتهٔ محمدجواد حجتی کرمانی

رقعی، ۳۲۸ صفحه، چاپ سوم، ۱۲۰۰۰۰ ریال

در این اثر زندگینامه زرتشتی‌زاده‌ای را می‌خوانید که در کودکی با احساس نوری در دل به آیین اسلام گروید و در زمرهٔ عالمان این دین درآمد. مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا عبدالحسین حجتی کرمانی، مردی بود پیوسته به حق، عاشق خلق و گسسته از وابستگی‌های مادی...

***

از چشمهٔ کویر

مجموعه سخنرانیهای مرحوم استاد محمدتقی شریعتی (ره)
به کوشش جعفر پژوم

وزیری، ۴۲۲ صفحه، چاپ اول، ۸۵۰۰ ریال

این مجموعه شامل بعضی از سخنرانیهای ضبط شده مرحوم استاد شریعتی در کانون نشر حقایق اسلامی مشهد است که در اینجا از زبان گفتار به نوشتار درآمده و عباراتی را که نیاز به توضیح داشته سطوری چند به صورت پاورقی قلمی گردیده است و با افزودن متن چند سخنرانی چاپ شده پیشتر از این، تقدیم خوانندگان می‌گردد.

***

از کعبه تا عشق

نوشتهٔ حسینعلی رحمتی

رقعی، ۲۱۲ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰۰ ریال

این کتاب نگاهی دوباره به واقعه جانگداز عاشورای حسینی دارد از این منظر که امروز چه درسهایی می‌توان از آن حادثه آموخت و نویسنده نکاتی را که در این راستا به نظرش می‌رسد در قالب نثری شیوا بیان می‌کند.

***

از معرفت دینی تا حکومت دینی

نوشتهٔ علی صفایی حایری (عین – صاد)

وزیری، ۱۷۶ صفحه، چاپ اول، ۶۵۰۰ ریال

این کتاب، خلاصه‌ای از شبهات در حوزه دین و در حوزه حکومت‌های دینی است و این شبهات در کتابهای روشنفکران چپ و روشنفکران آزاد

امامان، نماد رحمت و محبت‌اند و در برخورد با مخالفان و حتی دشمنان از آنچنان تحملی برخوردارند که حیرت‌انگیز است. تاریخ اسلام از گذشت و بردباری آنان حکایت‌ها روایت می‌کند.

***

اسلام، علم، مسلمانان و فناوری

دکتر سید حسین نصر
در گفتگو با دکتر مظفر اقبال
ترجمهٔ سید امیرحسین اصغری

رقعی، ۱۹۸ صفحه، چاپ اول، ۳۰۰۰۰ ریال

آنچه در این کتاب مهم می‌نماید، این است که دو نماینده از دو کشور باسابقه تمدنی و فرهنگی اسلامی که اتفاقاً هر دو در خارج از کشور خود می‌زیند و در سطوح بالای دانشگاهی و سنتی هم تحصیل کرده و از طرف دیگر تأملاتی جدی هم نسبت به سپهر معرفتی اسلامی خود داشته‌اند، در برابر هم نشسته‌اند تا با واکاوی علمی، فلسفی و دینی مواجهه اسلام و جوامع اسلامی با علم و فناوری مدرن بپردازند.

***

اسلام و قرآن

چهل سخنرانی در معرفی اسلام به زبان ساده
از استاد حسینعلی راشد

رقعی، ۳۸۸ صفحه، چاپ چهارم، ۸۰۰۰۰ ریال

این کتاب مجموعه‌ای است از سخنرانی‌های مرحوم استاد راشد که به زبان ساده و روان معنای دین اسلام و عقاید و دستورهای عملی آن را به طور اختصار شرح می‌دهد و مجملی از تاریخ اسلام را نیز بیان می‌کند.

***

اسوهٔ کامل

نوشتهٔ محمدمحسن دعایی

وزیری، ۵۶۴ صفحه، چاپ اول، ۲۸۰۰۰ ریال

کتاب حاضر تحلیلی است از زندگانی حضرت سجاد (ع) و بررسی ابعاد نورانی وجود اقدس این شخصیت عظیم جهان تشیع. در بین ائمه علیه‌السلام، زندگانی حضرت زین‌العابدین (ع) به خاطر بهره‌مندی

حضرت از طول مدت امامت و حساسیت استثنایی عصر ایشان و نیز حضور حضرت در نهضت عاشورا، از جوانب مختلف، از ویژگیهای خاصی برخوردار است که موضوع تحقیق حاضر را به خود اختصاص داده است. غرض از این تحقیق، معرفی اجمالی یک اسوه کامل در همه ابعاد حیات است.

***

الگوی آسمانی (رفتار علوی)

نوشتهٔ یوسف ابراهیمیان آملی

وزیری، ۲۹۲ صفحه، چاپ دوم، ۹۰۰۰۰ ریال

این کتاب به بررسی زندگانی حضرت علی بن ابی طالب(ع) پرداخته و جنبه‌های مختلف شخصیت و رفتار اجتماعی آن حضرت را به عنوان «یک الگوی اخلاقی» توضیح داده و احادیث اسلامی پیرامون آن را شرح داده است.

***

امام خمینی، تنها گزینه

شیعه و سنی؛ غوغای ساختگی؛ مرکزیت مسأله فلسطین

تألیف دکتر فتحی شقاقی

ترجمهٔ سیدهادی خسروشاهی

وزیری، ۳۲۸ صفحه، چاپ دوم، ۱۶۰۰۰ ریال

موضوع این کتاب اندیشه رهبری جهاد اسلامی در رابطه با: انقلاب اسلامی ایران، مسأله شیعه و سنی و مسأله مرکزیت فلسطین است که به مناسبت‌هایی، توسط شهید شقاقی، در پانزده سال اخیر نوشته شده و نشان دهنده چگونگی اندیشه رهبری جهاد اسلامی درباره مهم‌ترین مسائل جهان اسلام است.

***

امام علی (ع)

نگارش، ترجمه و گردآوری حمید یزدان پرست

وزیری، ۱۲۴۸ صفحه، چاپ سوم، سلفون، ۴۵۰۰۰۰ ریال

این کتاب مجموعه‌ای است از مقالات متنوع تاریخی، روایی، عرفانی و ادبی درباره وجوه گوناگون شخصیت بی نظیر امام علی(ع) که با مراجعه به متون معتبر سنی و شیعه فراهم آمده است. از آن جمله است مطالبی از

معارف توحیدی و بنیانهای دینی می تواند این بحرانها را ریشه یابی دقیق کند و راههای برون رفت از آنها را نشان دهد.

***

بررسی تطبیقی جرم سیاسی همراه با دو قاعدهٔ «درء» و «نفی حرج»

تألیف دکتر سید محمد اصغری

وزیری، ۲۰۲ صفحه، چاپ اول، ۷۰۰۰ ریال

کتاب حاضر در بر گیرنده سه سرفصل است که ظاهراً هر یک می توان مقوله جداگانه ای باشد اما به واقع اینچنین نیست و همواره این مطالب با هم مرتبط بوده و در حقیقت مکمل یکدیگرند.

***

بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران

تألیف دکتر حسین مهرپور

وزیری، ۲۳۶ صفحه، چاپ چهارم، ۱۸۰۰۰ ریال

این کتاب نخستین نوشته‌ای است که به زبان فارسی و به شیوه بحث حقوقی-فقهی عمده مسائل مربوط به ارث زوجه را در زمینه‌های مختلف مطرح و مبانی فقهی و حقوقی آن را مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

***

برزیگران دشت خون

نوشتهٔ پرویز خرسند

رقعی، ۹۶ صفحه، چاپ یازدهم، ۲۰۰۰ ریال

این کتاب، مجموعه‌ای است از ۱۲ روایت که با الهام گرفتن از قیام دشت کربلا شکل می گیرد و نویسنده در کتاب با بیانی شیوا، زوایایی از این حادثه عظیم تاریخی را به قلم کشیده است.

***

بیداری اسلامی

نوشتهٔ محمد قطب

ترجمهٔ صباح زنگنه

وزیری، ۲۲۰ صفحه، چاپ اول، ۴۵۰۰ ریال

این کتاب نوعی نگاه چندوجهی به مبحث جوانمردی است با عرضه حجم مفیدی از اطلاعات ضروری و حاشیه‌ای و تاریخی برای شناخت ابعاد این موضوع مهم.

***

تأملات کلامی و مسائل روز

تألیف آیت‌الله دکتر احمد بهشتی

وزیری، ۵۴۰ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰۰ ریال

کتاب حاضر محصول تلاش محققانه و عالمانه مؤلف است که به بررسی آرای کلامی و مسائل روز مربوط به این موضوع می پردازد.

***

تحلیلی از زندگانی و دوران امام محمدتقی (ع)

نوشتهٔ دکتر فضل‌الله صلواتی

وزیری، ۵۹۹ صفحه، چاپ سوم، ۲۵۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر که به بررسی زندگانی امام جوادالائمه(ع) و تاریخ آن روزگار می پردازد، برای اولین بار در سال ۱۳۵۷ به چاپ رسید و اکنون با ویرایش و اصلاح مجدد و اضافه شدن مطالبی به آن، برای بار دوم به چاپ می‌رسد. نگاهی به پیشرفت‌های علمی و هنری در دوران امام نهم(ع)، انحرافها، حرکتها و انقلابها در آن دوران، نقش امام در حرکتهای زمان و... برخی از عناوینی است که در این کتاب می خوانید.

***

تدبیر قانونی در سن ازدواج

نوشتهٔ لیلی بروجردی

وزیری، ۲۲۰ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰۰ ریال

این کتاب تحقیقی است پیرامون شناخت جوانب و ابعاد موضوع و روایتی است از سرگذشت بازنگری در سن ازدواج در نظام قانونگذاری کشور و مباحث آن از این قرارند: مبانی قرآنی، روایی و فقهی موضوع - موضع حقوق موضوعه کشورمان، از آغاز تاکنون، در خصوص مقوله بلوغ - موضع حقوق دیگر کشورها و اسناد بین المللی در مورد سن بلوغ - مبانی و ضرورتهای بازنگری در سن بلوغ - اقدامات و روند بازنگری در سن بلوغ دختران در چارچوب نظام قانونگذاری کشور.





احمدبن حنبل، شافعی، مؤلفان صحاح شش گانه اهل سنت و دیگر بزرگان ایشان، به انضمام مقالاتی از نام آوران معاصر شیعی.

***

ایران و ایرانیان در متون مقدس

نوشتهٔ حمید یزدان پرست

وزیری، ۱۱۱۲ صفحه، چاپ اول، سلفون، ۱۸۰۰۰۰ ریال

در هر کتاب آسمانی کم و بیش رنگی از محیط را می توان یافت. اوستا و تورات و انجیل که به نوعی روایت یک قوم هم هستند، گواه این سخن است. قرآن نیز که فراتر از تاریخ و قومیت، کتاب هدایت بشر است، در حدی کمتر نمونه‌هایی از این موضوع را در خود دارد. در متون حدیثی نیز اشارات فراوانی به اقوام و سرزمینهای گوناگون شده که در این کتاب تنها بخش ایرانیات آن گرد آمده است.

***

با مخاطبان وحی

شرح و توضیح محمدجواد محمدی

جیبی، ۴۴ صفحه، چاپ اول، ۴۰۰۰ ریال

این کتاب شرح و توضیح سورهٔ مبارکهٔ فاتحة‌الکتاب است که به زبانی ساده پس از اقامه نماز ظهر و عصر در نمازخانه موسسه اطلاعات برای نمازگزاران بیان شده و به اقتضای مجلس وعظ و سخن، توضیح آیات با گرایشی کاربردی، از منظری اخلاقی و با سبکی شفاهی بیان گردیده است.

***

بحران مدرنیته و اسلام

تألیف سیدفضل‌الله حسینی - غلامرضا میناگر

رقعی، ۲۴۰ صفحه، چاپ اول، ۳۵۰۰۰ ریال

بحرانهای دنیای مدرن از زاویه‌های گوناگون، در نحله‌های فکری متفاوت، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. سنت‌گرایان و پست‌مدرنیست‌ها، هر کدام با تکیه بر دیدگاهها و پیش‌فرضهای خود به ریشه‌یابی این بحرانها پرداخته‌اند. به عقیدهٔ مؤلفان این کتاب، بشر تنها با

نویسنده در این کتاب، ریشه‌های بیداری اسلامی را تبیین کرده و مشکلات آن را بررسی می نماید. سپس به چند مورد اختلافی در مورد گروههای حرکت اسلامی مصر پرداخته، مواردی از قبیل تکفیر جامعه و برخورد خشونت‌آمیز را براساس مبانی دینی و اجتماعی تجزیه و تحلیل می کند و آنها را مردود می‌شمارد.

***

پژوهشهایی در تاریخ و ادب

تألیف دکتر صادق آئینه‌وند

وزیری، ۱۸۴ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰ ریال

پژوهشهایی در تاریخ و ادب مجموعه ده مقاله است با ویژگیهای آکادمیک، پیرامون موضوعات تاریخی و ادبی و اجتماعی که می تواند تسلسلی منطقی از عرضه مباحث تاریخ اسلام و ادبیات اسلامی را به دست دهد.

***

پیامبر وحدت

نوشتهٔ حسین حسینی

وزیری، ۳۱۲ صفحه، چاپ دوم، ۲۲۰۰۰ ریال

این کتاب بخشی از یک طرح گسترده است که به دنبال تحلیل و بررسی رویدادهای روشنگر تاریخ زندگی پیامبر اسلام(ص) براساس سبک و سیاق ویژه‌ای می‌باشد. پیامبر وحدت سعی می کند همچنانکه ظواهر آیات را حجت می داند به قواعد و ضوابط صحیح تفسیری نیز پایبند باشد و در این میان بیشتر، دو تفسیر گرانبهای المیزان و کشف‌الاسرار را پیش چشم قرار داده است، اما نه در اندازه طرح و بسط متناسب با مباحث تفسیری.

***

تاریخ و فرهنگ جوانمردی

تألیف و گردآوری سیدمسعود رضوی

وزیری، ۵۶۰ صفحه، چاپ اول، سلفون ۱۲۰۰۰۰ ریال

جوانمردی و عیاری جلوه‌ای از روح بلند و نجیب ایرانی است که به تداوم فضایل اخلاقی در میان همه طبقات اجتماعی مدد رسانده است.

تراجم‌الاعاجم

به کوشش مسعود قاسمی، محمود مدبری

رقعی، ۳۳۶ صفحه، چاپ دوم، ۳۰۰۰۰ ریال

یکی از فرهنگ‌های کهن قرآنی است که ظاهراً در نیمه دوم سده ششم و یا نیمه اول سده هفتم هجری به دست یکی از نویسندگان دانشمند ایرانی به زبان فارسی نگارش یافته است. کتاب نزدیک به ۴ هزار لغت را در خود جای داده است.

***

ترجمه‌الصلوه (نماز)

تألیف ملامحسن فیض کاشانی

وزیری، ۱۶۸ صفحه، چاپ دوم، ۷۰۰۰ ریال

...نماز بهترین طاعات و فاضلترین عبادات است که هرگاه مقبول افتد، همه عبادات آدمی مقبول درگاه حق گردد و اگر مردود گشت، همه عبادات مردود است و بس. مؤلف در کتاب حاضر بر آن است که تا مؤمنین و اهل نظر را بر اهمیت این مهم واقف گرداند.

***

تعادل و استحکام خانواده

نوشتهٔ مجید رشیدپور

وزیری، ۲۲۰ صفحه، چاپ چهارم، ۹۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب به عواملی که در استحکام خانواده قبل از ازدواج مؤثرند اشاره کرده تا آن علل و عوامل به خوبی شناسایی شوند و براساس همین عوامل دختران و پسران به تشکیل خانواده بپردازند.

***

تفاسیر و مفسران شیعه

نوشتهٔ دکتر سیدمحمد شفیعی - دکتر فضل‌الله صلواتی

وزیری، ۶۵۶ صفحه، چاپ اول، ۱۲۰۰۰۰ ریال

قرآن پژوهان در طول تاریخ اسلام کوشیده‌اند مطالب و غوامض این کتاب مقدس را آسان کنند و به زبان روز برای مردم بازگو نمایند؛

چه، قرآن پویا و مفاهیمش سـیال اسـت و معارفش هیچگاه توقف ندارد و کهنـه نمی‌شـود. هر گروهی به اندازهٔ درک و فهم خـود از قرآن برخوردار می‌شـوند و به دریافتی تازه می‌رسـند و به این ترتیب هر روز باب جدیدی برای خوانندگان قرآن و پژوهشگران باز می‌شود. از آنجا که شیعیان ارتباط گسترده‌تری با مهبط وحی و ثقلین داشته‌اند، آثار گرانقدر بسیاری را پدید آورده‌اند که در کتاب حاضر کم و بیش به عمده آنها اشاره شده است.

***

تفسیر قرآن (سوره حمد و بقره)

تألیف حسینعلی راشد

وزیری، ۱۶۸ صفحه، چاپ چهارم، ۱۱۰۰۰ ریال

تفسیر قرآن کتابی است که توسط حسینعلی راشد با نثری شیوا به نگارش درآمده و سوره‌های حمد و بقره را مورد بحث و بررسی و تفسیر قرار داده است.

***

توبه کنندگان

تألیف ابومحمد مُوفق‌الدین بن قُدامة‌المَقدسی

به تصحیح جورج المقدسی

ترجمه و توضیح دکتر محمود مهدوی دامغانی

وزیری، ۲۵۲ صفحه، چاپ هفتم، ۳۸۰۰۰ ریال

این کتاب شامل شش بخش: توبه فرشتگان، توبه برخی از پیامبران، توبه پادشاهان، توبه یاران پیامبر(ص)، توبه گروهی از مشایخ بزرگ صوفیه و... اسـت کـه در نگارش آن از برخی آیات قرآن کریم و کتابهای تفسـیر و قصص قرآن نیز استفاده شده است.

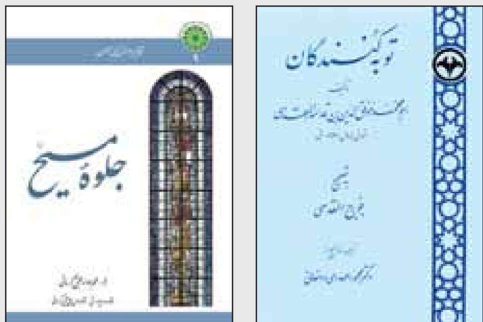
***

توحید فتوا

نوشتهٔ سیدمحمدرضا طباطبایی

رقعی، ۱۳۲ صفحه، چاپ اول، ۸۰۰۰ ریال

این کتـاب دربر گیرنده نظرات و آرای مراجع عظام و اندیشـمندان درباره رؤیت و غروب هلال ماه می‌باشـد که در ماه مبارک رمضان به سبب دقت در مسائل شرعی از اهمیت بیشتری برخوردار می گردد.



نویسـنده که در این باره از زمینه تحقیقات خوبی برخوردار می‌باشد و نظرات خود را پیش از این در مقالات مختلف ارائه نموده، کوشـیده است در این مجموعه مطالب و موضوعات مورد اشاره را در یک مجموعه جالب و خواندنی در هفت فصل و طرح پیشنهادی «توحید فتوا» ارائه نماید.

***

جلوهٔ مسیح(ع)

به قلم محمدجواد حجتی کرمانی

مقدمه و پاورقی شادروان علی حجتی کرمانی

رقعی، ۲۳۶ صفحه، چاپ دوم، ۳۵۰۰۰ ریال

این کتاب در دو بخش فراهم آمده است. بخش اول گفتگوی نویسنده اسـت با کشیش کلیسـای کرمان (ارسطو سـیاح کرمانی) دربارهٔ مسألهٔ «تثلیث» و این موضوع مورد نقد و بررسـی قرار گرفته اسـت. بخش دوم، گفتگوی دیگری است با اسقف دهقانی تفتی که بر محور موضوع اول شکل گرفته اسـت. کتاب سه ضمیمه نیز دارد: (۱) مروری بر آغاز روابط اسلام و مسیحیت، (۲) نگاهی به دو نامه بحث‌انگیز از اکبر ثبوت (۳) یادداشتهای دکتر مجتبایی.

***

جنگ و صلح در قانون اسلام

به ضمیمهٔ رسول اکرم(ص) در میدان جنگ

نوشتهٔ دکتر مجید خدوری، دکتر حمیدالله حیدرآبادی

ترجمهٔ سیدغلامرضا سعیدی

به کوشش و مقدمهٔ سیدهادی خسروشاهی

وزیری، ۵۲۸ صفحه، چاپ اول، ۴۵۰۰۰ ریال

کتـاب اول «جنـگ و صلـح در قانون اسـلام» از مجیـد خدوری و کتاب دوم «رسـول اکرم در میدان جنگ» از پروفسـور محمد حمیدالله حیدرآبادی از مجموعه آثار مرحوم غلامرضا سـعیدی به تناسب تقارب موضوع در یک مجلد گرد آمده است.

این مجلد مقدمه‌ای دارد از اسـتاد خسروشاهی در اشاره به چگونگی جنگ در اسلام و جنگهای دیگران.

جواهر القرآن

تألیف امام محمد غزالی

از مترجمی ناشناخته

تصحیح و تحشیه حسین خدیوجم

وزیری، ۳۸۴ صفحه، چاپ سوم، گالینگور، ۱۲۰۰ ریال

ایـن کتاب بـا پیش درآمدی از امام محمد غزالـی، در نوزده فصل به راهنمایـی اهل خرد در اسـتفاده از کلام‌الله پرداخته اسـت. غزالی در این کتاب آیاتی را تحت عنوان گوهر علم و مروارید عمل برگزیده و به این نتیجه می‌رسد که افضل ایمان «علم و عمل» است.

***

جهانی که در آن به سر می‌بریم

نوشتهٔ ماهاتیر محمد

ترجمهٔ محسن پاک آئین

رقعی، ۲۳۰ صفحه، چاپ سوم، ۱۸۰۰۰ ریال

«جهانـی که در آن به سـر می‌بریم»، ترجمه کتاب «اسـلام و امت مسـلمان» است که شـامل مجموعه‌ای از سـخنرانیهای ماهاتیر محمد نخسـت‌وزیر سابق مالزی اسـت که به عنوان پدر مالزی مدرن لقب گرفته است. در این کتاب با دیدگاهای بنیانگذار مالزی نوین آشنا می شویم.

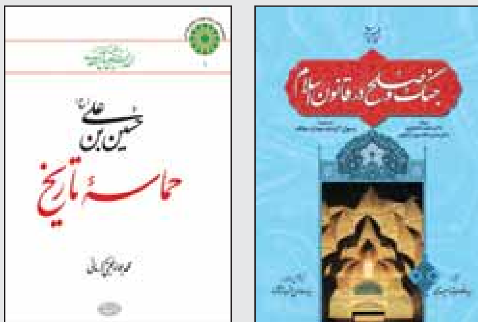
***

چالشهای فکری

به کوشش غلامعلی جهانی مقدم

وزیری، ۶۸۸ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰۰ ریال

آنچه در این کتاب می‌خوانید حاصل چهل و چهار گفتگو و مصاحبه با علماء و دانشمندان معاصر پیرامون مباحث جدید دینی است. قرآن، کلام و فلسفه، اخلاق و عرفان، حکومت و فقه، طب و فقه و... برخی عناوینی است که پیرامون آن با صاحب‌نظران و نکته‌سنجان در علوم اسلامی مصاحبه به عمل آمده است. خوانندگان با مطالعه این مباحث می‌توانند با دیدگاههای مختلف علماء در این زمینه‌ها آشنا گردند.



حج عمره

تألیف دکتر کریم وزیری

رقعی، ۴۴ صفحه، چاپ اول، ۳۰۰۰ ریال

نویسنده از سـفر روحانی اش به مدینه منوره و مکه معظمـه در مرداد و شهریور ۱۳۷۶ سخن می گوید و از راز و نیازی که در خانه خدا به درگاه احدیت داشته یاد می کند.

***

حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلام

تألیف راشدالغنوشی

ترجمهٔ سیدهادی خسروشاهی

رقعی، ۱۲۸ صفحه، چاپ سوم، ۴۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر شـامل مجموعه بحثهایی است درباره انقلاب اسلامی ایران و رهبری این حرکت که از دیدگاه مؤلف موجب تجدید حیات اسلام در عصر ما گردیده است.

***

حسین بن علی(ع) حماسه تاریخ

نوشتهٔ محمدجواد حجتی کرمانی

رقعی، ۳۰۲ صفحه، چاپ پنجم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

موضوع این کتاب، تحلیل و بررسـی شـخصیت امام حسـین(ع) و نگاهی موشکافانه بر قیام حضرت و نتایج آن است.

***

حکمت عملی

نوشتهٔ قادر فاضلی

رقعی، ۱۳۲ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰ ریال

در ایـن کتاب نگـرش اجمالـی و مختصر به مقولـه حکمت عملی از دیدگاه اسـلام شـده اسـت تا خواننده تا حدی با حکمت عملی آشـنا گردد و در این مسـیر گام گـذارد و خود را از ورطـه جاذبه‌ها و دافعه‌های گوناگون برهاند.

حکمت معنوی در عصر پسامدرن

نوشتهٔ امین میرزایی

رقعی، ۱۷۰ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰ ریال

این اثر شامل پانزده مقاله است که محور اصلی آنها، حکمت و عرفان دینی اسـت و شاید برای نخستین بار اسـت که فقه شیعی چنین آشکار با حکمت و عرفان دینی همسـاز عرضه می‌شود. برخی از عناوین مقالات از این قرار اسـت: گفتاری در ژنتیک عرفانی؛ بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن؛ نقـدی بر ترجمه قرآن مبین؛ عیار نقد (نقدی بر پلورالیسـم)؛ متدولوژی شـیعی و راز رواج خرافه‌پرسـتی؛ جهان پسـامدرن و فقه ملاحم و فتن؛ ظاهرگرایی دینی و جهل در دینداری.

***

حکیم استرآباد، میرداماد

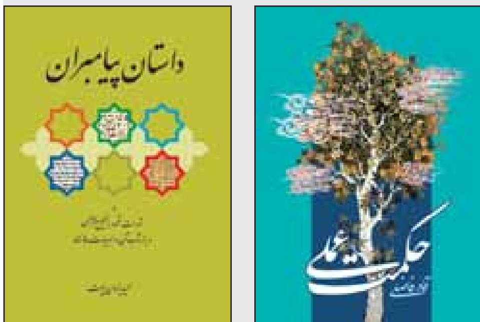
تألیف دکتر سیدعلی موسوی مدرس بهبهانی

وزیری، ۳۸۸ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰ ریال

این کتاب در باب شـرح احـوال و افکار و آثار دانشـمند بزرگ میر محمد معروف به باقر داماد حسـینی اسـترابادی تحریر یافته، نگارنده سـعی کرده است به تحلیل افکار و عقاید میرداماد بپردازد و همه آثار او را مورد بررسی قرار داده و معرفی نماید.

***

دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام



نوشتهٔ محمد کریمی زنجانی اصل

رقعی، ۱۶۰ صفحه، چاپ دوم، ۱۶۰۰۰ ریال

در آغـاز سـده چهـارم هجـری، در پی نفـوذ آل بویـه در دسـتگاه خلافـت و به قـدرت رسـیدن شـیعیان، برخی از بلندپایگان سیاسی- فرهنگـی شیعه، دارالعلم‌ها را تأسـیس کردند. پژوهـش حاضر می کوشـد سـاختار و نحـوه عملکـرد ایـن نهادها را بررسـد تا بدیـن ترتیب، نقش و جایگاه این مؤسسـات علمی- فرهنگی شـیعه در جریان نوزایی فرهنگی در جهان اسلام در سده‌های چهارم و پنجم هجری معلوم شود.

***

داستان پیامبران

نوشتهٔ حمید یزدان پرست

وزیری، ۱۰۵۶ صفحه، چاپ چهارم، گالینگور، ۱۸۰۰۰۰ ریال

ترتیب کار در این رساله بدین نحو است که در ابتدای هر دفتر، کلیاتی از مجموع مطالب آن بخش به عنوان مدخل یا پیش‌درآمد حداکثر در یک صفحه آورده شده. سپس خلاصه‌ای موجز از روایت کتاب مقدس (تورات و ملحقات یا انجیل و ملحقاتش) در مورد زندگی هر پیامبر بی آنکه نکته مهم و اساسـی از نظر بیفتد، ذکر گردیده و آنگاه روایت قرآنی مربوط به همان پیامبر آورده شده است.

***

دانشمندان کُرد در خدمت علم و دین

نوشتهٔ عبدالکریم مدرّس

ترجمهٔ احمد حواری‌نسب

وزیری، ۶۱۲ صفحه، چاپ اول، ۲۷۰۰ ریال

این کتاب حاوی زندگینامه جمعی از دانشمندان و علمای کُرد است که توسط نگارنده گردآوری شده است. شیوه تنظیم کتاب براساس الفبای حرف اول نام افراد است.

دانشنامه قرآن کریم

گردآوری اولیور لیمن
ترجمهٔ محمد حسین وقار
رحلی، ۶۲۸ صفحه، چاپ دوم، سلفون ۴۰۰۰۰۰ ریال

قرآن کریم کتاب آسمانی یکی از بزرگترین و بانشاط ترین ادیان جهان است که امروز بیش از یک و نیم میلیارد پیرو در چهار گوشهٔ گیتی دارد. باتوجه به جایگاه ممتاز و برجستهٔ این کتاب مبارک در اسلام، قرآن همواره موضوع مطالعه و مباحثه مسلمانان، غیر مسلمانان و حتی مخالفان اسلام بوده است. هدف از تألیف دانشنامه حاضر، تدوین کتابی بوده که بتواند به طرح موضوعات قرآنی بپردازد و پاسخهای مناسب و درخوری به پرسشهایی بدهد که در طول چهارده قرن حیات اسلام، دوستان و دشمنان آن مطرح کرده‌اند.

***

درآمدی بر صنایع ادبی در کلام امام علی (ع)

نوشتهٔ کریم زمانی جعفری
وزیری، ۸۲ صفحه، چاپ دوم، ۴۵۰ ریال

کلمات گهربار امام علی (ع) فارغ از محتوای معنوی آن از نظر فصاحت و بلاغت نیز برترین و والاترین سخنان جاوید حیات هستند. نویسنده این اثر در تبیین این ظرافت‌ها و بلاغت‌ها و صناعات ادبی گفتار امام تلاش نموده است.

***

در همسایگی خدا

ره‌آوردی از حج
نوشتهٔ حمیدرضا زاهدی
رقعی، ۱۱۲ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰۰ ریال

نویسنده که از روزنامه‌نگاران پرسابقه مطبوعات است، گزارشی روان و جذاب از سفر حج خود ارائه می‌کند و جاذبه‌های روحانی این سفر و نیز حالات روحی خود را بخوبی شرح می‌دهد.

جاودانه ماندن فرزانگان، وارستگان و آزادگانی است که از تمامی تعلقات دنیوی گسسته و به دنیایی مشحون از ابدیت پیوسته‌اند.

***

راهنمای حج و عمره

نوشتهٔ محمد خادمی
جلد اول، دانستنیهای عمومی، رقعی، ۱۰۴ صفحه، چاپ اول، ۷۰۰۰ ریال
جلد دوم، مکه مکرمه، رقعی، ۱۷۶ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰ ریال
جلد سوم، مدینه منوره، رقعی، ۱۱۶ صفحه، چاپ اول، ۸۵۰۰ ریال

در این دوره سه جلدی، سعی شده است تا حج گزاران با مناسک حج، راز بعضی از اعمال، آداب سفر، نکته‌های بهداشتی و ایمنی، جغرافیای عربستان، چگونگی معاشرت با اهل سنت، و دهها موضوع دیگر در این رابطه آشنا شوند.

***

رساله الانوار (تفسیر آیه نور)

تألیف شرف الدین محمد نیمدهی
به کوشش دکتر اسماعیل حاکمی
وزیری، ۱۶۸ صفحه، چاپ دوم، ۴۰۰۰ ریال

موضوع کتاب، تفسیر آیه مبارکه «نور» است که نویسنده آن را فاضلانه و محققانه شرح و تفسیر نموده است. در این رساله از انبیاء و امامان و رجال معروف دین و عرفان به مناسبتهای گوناگون یاد شده است.

***

رشوه و احتکار

تألیف دکتر سید محمد اصغری
وزیری، ۱۸۶ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰ ریال

در این کتاب به دو موضوع فقهی و حقوقی «احتکار» و «رشوه» پرداخته شده است و دو مبحث مهم «حقوق و اخلاق» و «فرد و جامعه» تفضیلاً مورد توجه قرار گرفته و از «ملاکهای احکام» و «حقوق فطری» و پیوستگی عقل و دین نیز سخنی به میان آمده است.

زلال حکمت

جلد اول: تفسیر
جلد دوم: اخلاق
سخنرانی‌های آیت‌الله سیدرضی شیرازی
تدوین و تنظیم سید محمد حسین آیت‌الله‌زاده شیرازی
جلد اول، وزیری، ۵۴۰ صفحه، چاپ اول، سلفون، ۶۰۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۵۲۴ صفحه، چاپ اول، سلفون، ۹۰۰۰۰ ریال

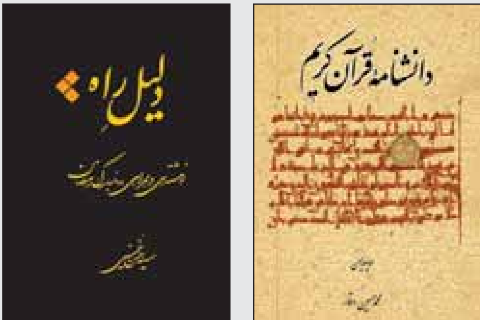
این کتاب دو جلدی گزیده‌ای از مجموعه سخنرانی‌های تفسیری و اخلاقی حضرت آیت‌الله سیدرضی شیرازی در مسجد شفا در یوسف‌آباد تهران است. خواننده با مطالعه این مجموعه درمی‌یابد که عقل در پرتو نقل، چه جایگاه رفیعی در مباحث این اثر دارد. به علاوه که ایشان هیچ‌گاه از بررسی علمی آیات و تطبیق علوم روز با کلام الهی غافل نبوده و به مسائل اجتماعی و اخلاقی جامعه اسلامی و عقب‌ماندگی‌هایی که به خاطر عدم توجه به مفاهیم قرآن گریبان مسلمانان را می‌فشارد، توجه و دقت داشته‌اند.

***

زنا و قصاص (قتل) در حقوق جزای اسلامی

نوشتهٔ حاجی علی موگویی
وزیری، ۲۲۸ صفحه، چاپ اول، ۱۱۰۰۰ ریال

بررسی جرایم زنا و قتل از منظر جرم‌شناسی و تطبیق آن با حقوق اسلامی از یکسو، به روشن شدن مبانی و قالبهای حقوق جزای اسلامی و از دیگرسو، به تبیین دستاوردها و نگرشهای جرم‌شناختی جامعه‌شناسی و گرایش سیاست جنایی در رویکرد به جرایم جنسی و قتل منجر می‌گردد. تحلیل اصول و چارچوبهای نگرش حقوق جزای اسلامی به عنوان یک رویکرد کامل و بدون نقص سیاست جنایی و همچنین موازین و مدل کلی و جهانشمول نگرش آن به رخدادها و جرایم جنسی، از اهداف چنین تحقیقی است که در این کتاب قصد توضیح و ارائه آن، دنبال شده است.







دلیل راه

نوشتهٔ سید حسن خمینی
وزیری، ۳۴۴ صفحه، چاپ سوم، گالینگور، ۸۰۰۰۰ ریال

«دلیل راه» نوشتاری است که مؤلف محترم بر مدار کتاب کشف الاسرار به رشته تحریر درآورده است. وی چنانکه در مقدمه تصریح دارد، در این نوشته مخاطب خود را کسانی می‌داند که از حوزه تخصصی مسائل علوم اسلامی بر کنارند و به همین سبب نیز نویسنده از پرداختن به غوامض مسائل این علوم اجتناب کرده است.

بحث پیرامون فلسفه روزه، لیلة‌القدر، سورهٔ توحید و تشریح برخی فضائل اخلاقی و همچنین بررسی گناهانی از قبیل غیبت، تهمت، سخن‌چینی و ظلم بر غنای این اثر افزوده است.

***

دین و دولت در اندیشه شهید حسن البناء

نوشتهٔ جابر رزق
ترجمهٔ محمدجواد حجتی کرمانی
با مقدمه و مؤخرهٔ سیدهادی خسروشاهی
رقعی، ۱۵۴ صفحه، چاپ اول، ۸۰۰۰ ریال

این کتاب که توسط جابر رزق به رشته تحریر درآمده به بحث و بررسی اندیشه سیاسی حسن البناء، مبارزات او و تاریخچه اخوان المسلمین پرداخته است. مقدمه و مؤخره کتاب به قلم سیدهادی خسروشاهی آگاهی‌های خواندنی در مورد اندیشه‌ها و مبارزات اخوان المسلمین و رهبران آنها در اختیار خواننده می‌گذارد.

***

راز جاودانگی

نوشتهٔ علی اصغر هدایتی
با مقدمهٔ دکتر مهدی محقق
وزیری، ۲۱۶ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰ ریال

این کتاب مشتمل بر مقالاتی است که طی یک دهه (۸۰-۱۳۷۰) از نویسنده در مطبوعات منتشر شده و موضوع همه آنها راز

روابط اجتماعی در اسلام و چند رساله دیگر

از علامه سیدمحمدحسین طباطبایی
ترجمه، نگارش و پاورقی محمدجواد حجتی کرمانی
به کوشش سیدهادی خسروشاهی
رقعی، ۲۳۶ صفحه، چاپ دوم، ۱۸۰۰۰ ریال

این مجموعه مشتمل بر چند مبحث قرآنی، روائی، فلسفی، اجتماعی و اخلاقی است که به صورت آزاد از جلد یکم، سوم و چهارم تفسیر گرانقدر «المیزان» گزیده شده و به ترجمه و نگارش درآمده است.

***

روشنگری دینی (دوره ۲ جلدی)

نوشتهٔ آیت‌الله دکتر سید مصطفی محقق داماد
جلد اول، وزیری، ۳۸۴ صفحه، چاپ سوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۴۲۲ صفحه، چاپ دوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

هر جلد در بیست گفتار مجزا به بحث و بررسی و تفسیر سورهٔ شریفهٔ فرقان می‌پردازد، بی‌آنکه شباهت ساختاری با سایر تفاسیر متعارف داشته باشد. زبان تازه، برداشتهای نو، طرح مسائل روز آمد و رفع و پاسخگویی به پاره‌ای شبهات، از ویژگی‌های این اثر دو جلدی است. فهرستهای چندگانه پایان هر جلد، امکان استفاده کاربردی تر خواننده را فراهم می‌آورد.

***

زبدهٔ مفاتیح الجنان

تألیف حاج شیخ عباس قمی
ترجمهٔ کریم زمانی
وزیری، ۵۳۶ صفحه، چاپ چهارم، گالینگور، ۴۸۰۰۰ ریال

کتاب حاضر گزیده‌ای است از مناجاتها، دعاها و زیارات مفاتیح الجنان که مترجم با ترجمه‌ای روان سعی کرده با این منتخب، نیاز مراجعان و علاقه مندان را مرتفع سازد.

سالک صلح

ترجمهٔ میترا کامی
رقعی، ۲۵۲ صفحه، چاپ اول، ۱۲۰۰۰ ریال

این کتاب از سالک صلح، زنی که ۸۲ سال برای صلح راه رفته و سبب بیداری افکار و تشویق هزاران نفر شده و از راهپیمایی پرشور او که تأثیری وصف‌ناپذیر بر مردم گذاشته سخن می‌گوید و کلمات و پیام او را به دیگران می‌آموزد.

***

سایه هیچ

(یادداشتها و خاطرات سفر حج)
نوشتهٔ حمید یزدان پرست
رقعی، ۲۹۸ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰۰ ریال

سایه هیچ، در واقع یادداشتها و خاطرات سفر حج مؤلف این اثر می‌باشد که به زیبایی تمام به نگارش درآمده است. نویسنده در این کتاب ضمن شرح سفر خود، به مسأله حج از زوایای مختلف، عرفانی، سیاسی، اجتماعی و... می‌پردازد.

***

ستاره‌ای از شرق

شرح احوال و وقایع عصر علامه
سید محمد باقر درچه‌ای
نوشتهٔ تقی درچه‌ای
وزیری، ۹۱۲ صفحه، چاپ اول، ۵۵۰۰۰ ریال

کتاب حاضر شرح مفصلی از زندگی، سجایای اخلاقی و مبارزات سیاسی علامه سید محمد باقر درچه‌ای است که علاوه بر آن نگاهی به مسائل سیاسی آن دوره دارد.

***

سلام بر خورشید (دوره ۲ جلدی)

نوشتهٔ سید علی اکبر حسینی
جلد اول، وزیری، ۵۰۸ صفحه، چاپ دوم، سلفون، ۲۵۰۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۶۴۰ صفحه، چاپ دوم، سلفون ۳۰۰۰۰۰ ریال



این کتاب توصیفی از زندگی درخشان و پرفضیلت و سراسر نور خاتم پیامبران حضرت محمدبن عبدالله(ص) که عین هدایت است و تبیین کامل معنای رحمت و عدالت؛ و هر که در آن بنگرد، بیندیشد، دوستدار و شیفته او می‌شود و به رسالت بزرگ و گرانقدرش ایمان می‌آورد و به صف پولادین و بنیان مرصوص یارانش می‌پیوندد.

***

سیر و سفر در ملکوت

نوشتهٔ محمدجواد حجتی کرمانی

وزیری، ۷۲۶ صفحه، چاپ اول، ۲۷۰۰۰۰ ریال

این کتاب یادداشت‌ها و خاطرات ساعت‌شمار حج‌های هفتگانه مؤلف به مکه مکرمه است و شامل مسائل جزئی و کلی سفرهای حج در کاروانهای مختلف و بیان حکمت‌ها و خاطرات حج را شامل می‌شود.

***

شب قدر و استجابت دعا

گردآوری سید مهدی شبستری

رقعی، ۱۷۲ صفحه، چاپ پنجم، ۴۵۰۰۰ ریال

این کتاب، متن سخنرانی‌های مرحوم آیت‌الله سیدمرتضی شبستری درباره اهمیت و مرتبه شب قدر است که طی ۸ مبحث فراهم آمده است، مراحل نزول قرآن و ارتباط نزول قرآن با امور مسلمین؛ تجدیدنظر در اوضاع جهانی در شب قدر؛ تعیین شب قدر، حالت خوف و رجاء، دگرگونی اوضاع؛ شب قدر و تعیین رهبریت ائمه‌اطهار؛ شب قدر و چگونگی به فعلیت درآمدن رهبری ائمه اطهار؛ چگونگی علم ائمه اطهار؛ گناهان، چگونه دعا کنیم؟؛ چگونگی استجابت دعا.

***

شرح خطبهٔ قاصعه

نوشتهٔ حسینعلی منتظری

وزیری، ۳۱۶ صفحه، چاپ اول، ۸۰۰ ریال

متن این کتاب مجموعه درسهایی است پیرامون خطبه قاصعه امام علی(ع) که توسط فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری ایراد گردیده و از شبکه سراسری صدا و سیما پخش شده است.



شرح دعای سحر

تألیف حضرت امام خمینی (قدس سره‌الشریف)
ترجمهٔ سید احمد فهری

وزیری، ۲۴۰ صفحه، چاپ ششم، ۱۸۰۰۰ ریال

...دعایی که به مباهله مشهور است و از ائمه اطهار علیهم‌السلام در سحرگاهان برای توسل به نورالانوار نقل شده، از دعاهایی است که قدرش بسیار جلیل و منزلتش بسی رفیع است. حضرت امام خمینی(ره)، در این کتاب به شرح این دعا پرداخته‌اند.

***

شرح قواعدالمرام

نوشتهٔ ابن میثم بحرانی
ترجمه و شرح از دکتر زهرا مصطفوی

وزیری، ۳۴۶ صفحه، چاپ اول، ۲۵۰۰۰ ریال

میثم‌بن علی‌بن میثم بحرانی در قرن هفتم هجری قمری می‌زیست و در علوم عقلی و کلام و عرفان و فقه صاحب نظر بود و خواجه نصیرالدین طوسی از شاگردان اوست. وی دارای کتب متعدد، بویژه در کلام بوده و «قواعدالمرام فی علم‌الکلام» و «شرح نهج‌البلاغه» از آثار معروف به شمار می‌آید. مجموعه حاضر شامل ترجمه، منابع و شرح کتاب قواعدالمرام است.

***

شهود و شیدایی

(تأملاتی در باب فلسفه هنر و نسبت دین، عرفان، اخلاق و هنر)
نوشتهٔ علی اکبر رشاد

رقعی، ۱۰۰ صفحه، چاپ اول، ۲۵۰۰ ریال

این مجموعه، تأملاتی است در باب فلسفه هنر و نسبت هنر با دین، عرفان و اخلاق که در مناسبتهایی در جمع اصحاب نظر و ارباب هنر ارائه گردیده و اکنون یکجا به همراه نوشتاری که در شرح جهان شناسی شهودی حضرت امام(س) نگاشته شده عرضه می‌گردد.

عدالت به مثابهٔ «قاعده»

همراه با قواعد، «لاضرر»، «لاحرج»، «عدل و انصاف» و...
نوشتهٔ دکتر سیدمحمد اصغری

وزیری، ۲۹۵ صفحه، چاپ اول، ۲۴۰۰۰ ریال

عدالت در تمام شئون حیات و هستی انسان، پایه، اصل، میزان و «قاعده» است، از این رو، نام کتاب عدالت به مثابه «قاعده» قرار گرفته است و شامل چهار بخش بدین قرار است، تعاریف، کلیات و مفاهیم عدالت؛ عدالت به مثابه قاعده فقهی و حقوقی؛ قاعده لاضرر و لاضرار؛ قاعده نفی عسر و حرج.

***

عدالت و عقلانیت در فقه و حقوق

تألیف دکتر سیدمحمد اصغری

وزیری، ۳۶۰ صفحه، چاپ دوم، ۲۶۰۰۰ ریال

در این کتاب با این سؤال ریشه‌ای روبروییم که چگونه می‌توان ثبات و تحول را در نظام حقوقی اسلامی هماهنگ کرد و «حوادث ممدود را با احکام معدود» پاسخ گفت؟ خصوصاً در عصر «جهانی شدن» و پست مدرن که شتاب تحولات سرسام‌آور شده است. بخش اول کتاب به فرآیند جهانی شدن، آثار و نسبت آن با اسلام و فقه و نیز شناخت مبانی تحول در حقوق اسلامی می‌پردازد و در چهار بخش دیگر، از چهار مبنای عمده بحث به میان آمده و نشان داده شده که عقل یکی از منابع فقه و مکمل دین است.

***

عذر تقصیر به پیشگاه محمد(ص) و قرآن

نوشتهٔ جان دیون پورت
ترجمهٔ سیدغلامرضا سعیدی
به کوشش و مقدمهٔ سیدهادی خسروشاهی

وزیری، ۳۷۴ صفحه، چاپ اول، ۳۲۰۰۰ ریال

این مجموعه شامل سه کتاب است دربارهٔ اتهامات غرب بر ضد قرآن و پیامبر اکرم. نخستین کتاب این مجموعه، «عذر تقصیر به پیشگاه محمد(ص) و قرآن» در سال ۱۳۳۸ کتاب برگزیده سال اعلام گردید، کتاب دوم، «خاورشناسی و توطئه خاورشناسان» نوشتهٔ مریم جمیله (مارگرت)



و کتاب سوم، «پیشرفت سریع اسلام» نوشتهٔ لورا واکسیا واگلری است.

***

عرفان حج

تألیف قادر فاضلی

رقعی، ۲۰۰ صفحه، چاپ اول، ۳۰۰۰۰ ریال

کتاب عرفان حج به بررسی مناسک حج از دیدگاه معنویت و باطن‌نگری عرفانی می‌پردازد، زیرا طبق آموزه‌های دینی هر ظاهری، باطنی دارد و هر باطنی، باطنهای دیگر. ارزش واقعی اعمال در مراتب باطنی آن است. حفظ ظواهر به دلایل مختلفی مهم و واجب است ولی کمال واقعی در باطن آن ظواهر است.

***

عرفان شمس

نوشتهٔ محمد خدادادی

وزیری، ۲۹۶ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰۰۰ ریال

این کتاب پژوهشی است درباره اندیشه‌های عرفانی شمس تبریزی در کتاب مقالات. در این اثر، ابتدا به بررسی عرصه‌های مختلف زندگی شمس براساس سخنان خود او، پرداخته شده است. سپس اندیشه‌های ناب عرفانی او به صورت ساختارمند و طبقه‌بندی شده، مورد بررسی قرار گرفته‌اند و به این ترتیب، تصویر نسبتاً روشنی از تفکرات عرفانی شمس عرضه شده است.

***

عرفان شیعی به روایت سید حیدر آملی

به کوشش محمد کریمی زنجانی اصل

رقعی، ۲۰۰ صفحه، چاپ سوم، ۶۰۰۰۰ ریال

سید حیدر آملی از سرسلسله‌داران حکیمانی است که اندیشه آنها در ورطه‌ای میان شهود عرفانی و تعقل فلسفی در حرکت است. او در آثار خود با وصل کردن صحیفه پُر نقش اندیشه‌اش به چشمه فیاض و منبع لایزال تعالیم شیعی، می‌کوشد به این عالَم صورت و پیکری بخشد که قابل فهمش کند. پس در ادامه سنت حکیمان ایرانی، قیامت را حادثه‌ای می‌داند که در روح واقع می‌شود و...

عرفان و انسان قدسی

نوشتهٔ محمود اَرول قلیچ
ترجمهٔ داود وفایی

رقعی، ۲۶۷ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر خواننده را برای برگزیدن راه عشق و گام نهادن در مسیر سلوک آماده و مهیا می‌کند. مطالب این کتاب که مجموعه‌ای از گفتگوهای عرفانی با دکتر محمود ارول قلیچ از عرفان پژوهان شناخته شده ترکیه می‌باشد، دربرگیرندهٔ مطالب عرفان نظری و عملی به شکل توأمان است.

***

عشق و دعا در رمضان

نوشته محمدجواد حجتی کرمانی

رقعی، ۲۴۶ صفحه، چاپ اول، ۷۵۰۰۰ ریال

ماه رمضان، ماه عبادت است و «مخّ» عبادت، دعاست؛ و جوهرهٔ دعا همانا خواست درون و نیاز راستین انسان، «من هیث هو انسان» است. این کتاب شرح منتخبی از دعاهای ماه مبارک رمضان می‌باشد.

***

عقل و عرفان

سیری در زندگی حضرت شیخ محمد بهاری و شیخ محمدباقر بهاری و...
نوشتهٔ دکتر سیدمحمد اصغری

وزیری، ۴۸۴ صفحه، چاپ دوم، سلفون، ۸۰۰۰۰ ریال

این کتاب به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱) در وادی عقل و عرفان ۲) بهار در بهار. خواننده با مطالعه بخش اول، ابتدا با تعاریف و کلیات عرفان آشنا



می‌شود. سپس بحث مفصل عقل و عرفان طرح می‌گردد. آنگاه طریقت، شریعت و شطحیات عرفانی، و عرفان و مسئولیت اجتماعی مطرح می‌شود. در بخش دوم از عرفای فقیه و فقهای عارف سخن به میان می‌آید که بعد از قرون دهم و یازدهم قمری در عرصهٔ اخلاق و عرفان چهره نمودند.

***

علم جهان، علم جان

ربط جهان‌شناسی اسلامی در دنیای جدید
نوشتهٔ ویلیام چیتیک
ترجمهٔ سیدامیرحسین اصغری

رقعی، ۱۹۶ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰۰ ریال

این کتاب در واقع تبیینی عمیق و معرفتی از فرازی از نهج‌البلاغه امام علی(ع) برای مخاطبی است که در قرن بیست و یکم و در «دهکده جهانی» می‌زید.

***

عیسی(ع) پیام‌آور اسلام

نوشتهٔ آیت‌الله دکتر احمد بهشتی

وزیری، ۳۴۸ صفحه، چاپ دوم، ۹۵۰۰ ریال

در این کتاب با توجه به منابع تاریخی و نکته‌های حکمت‌آفرینی که از عهدین به دست آمد، و با استفاده از آیات قرآنی، چهره واقعی مسیح معرفی شده است. مؤلف، هدف نوشتار حاضر را، زدودن عقاید مشرکانه از ساخت زندگی دینداران عالم عنوان نموده است.

***

عیسی(ع) در قرآن

نوشتهٔ آیت‌الله دکتر احمد بهشتی

وزیری، ۳۶۴ صفحه، چاپ اول، ۷۰۰۰ ریال

مطالعه این کتاب خواننده را به سراغ یکی از موضوعات مهم قرآنی یعنی حضرت عیسی(ع) می‌برد، تا با الهام از قرآن این شخصیت عظیم را بهتر بشناسیم و از این رهگذر، شناختی بهتر نسبت به همه انبیاء، خاصه آخرین ایشان حضرت محمد(ص) پیدا کنیم.

فرج بعد از شدت (دوره ۳ جلدی)

تألیف حسین بن اسعد دهستانی
با مقابله و تصحیح دکتر اسماعیل حاکمی
وزیری، دوره ۱۶۵۶ صفحه، چاپ دوم، گالینگور، ۳۰۰۰ ریال

ایــن کتـاب حـاوی داسـتانهای تاریخـی و اخلاقـی اسـت، این داسـتانها جزئیات دوره زوال خلافت عباسـی را برای ما به شـیرینی تمام مجسم می‌سـازد؛ نویسـنده خصوصیات اجتماع زمان را که لبریز از کینه، حسادت و نمک‌نشناسی و ناسپاسی است ترسیم می‌کند.

***

فرهنگ جامع فرق اسلامی (۳ جلد)

بر پایه دست نوشته‌های مرحوم آیت‌الله سیدمهدی روحانی
تألیف سیدحسن خمینی
وزیری، مجموعاً ۲۰۸۱ صفحه، چاپ چهارم، سلفون (۳جلد)، ۱۰۰۰۰۰۰ ریال

کتابی اسـت درباره فرقه‌های مختلف اسـلامی و شاخه‌های متعدد فقهی، کلامی، و فلسفی شیعه، سنی و خوارج. دو جلد نخست، فرق اسلامی را به ترتیب حروف الفبا معرفی می‌کند و جلد سـوم فهرسـتهای چندگانه را در بر می‌گیرد.

***

فضیلت‌های فراموش‌شده

نوشتهٔ حسینعلی راشد
با مقاله‌ای از جلال رفیع
رقعی، ۲۳۴ صفحه، چاپ چهل و چهارم، ۷۰۰۰۰ ریال

... زندگینامه عارف فرزانه و عالم وارسته حاج آخوند ملاعباس تربتی است که به قلم فرزند دانشمند ایشان مرحوم حسینعلی راشد نوشته شده است. کتاب با مقاله‌ای از آقای جلال رفیع آغاز می‌شود.

کتاب الاربعین

تألیف امام محمد غزالی
ترجمهٔ برهان‌الدین حمدی
وزیری، ۲۸۸ صفحه، چاپ شانزدهم، ۱۲۰۰۰۰ ریال

این اثر ارزشـمند، بحثی اسـت مبسـوط در معارف دینی و مسائل اخلاقی که بسـیاری از مشکلات عقیدتی را با دادن توضیحات کافی و ذکر مثالهای حسی، آسان و قابل درک می‌سازد.

***

کتابشناسی عاشورا

تألیف محمد حیدری قاسمی
وزیری، ۴۴۷ صفحه، چاپ اول، ۱۳۰۰۰۰ ریال

واقعه عاشـورا و مقاومت سـبط نبی اکـرم(ص) حکایتگر حقانیت سیره رسـول‌الله و احیای سنت نبوی است. قول و فعل حضرت سیدالشهدا از آغاز نهضت تا شـهادت آن حضرت مبین این واقعیت اسـت که ارزشها و سنن مطلوب در بسـتر زمان از سوی حاکمان جور و ستم، به صور مختلف مورد تاخت و تاز و از سـوی عالم نمایان سـاده‌اندیش، مورد تفسیر و تعبیر غیرواقعـی قـرار گرفته و بـا پرداختن به این مسـائل، کتـاب گوناگونی در مورد واقعه عاشـورا چاپ شـده اسـت که به کتاب حاضر مرجعی اسـت برای دسترسی به آنها.

***

کشتهٔ اشک

نوشتهٔ عبدالزهراء کعبی
ترجمهٔ عبدالهادی بروجردی
وزیری، ۱۴۴ صفحه، چاپ اول، ۳۵۰۰۰ ریال

عاشـورای کربلا حماسه‌ای است مکرر، داستانی است که هفت گنبد افلاک، همواره از آن پر صداست. این قصه از هر زبان که برآید بس شنیدنی است و این کتاب شرحی بر واقعه بزرگ کربلاست.

***

گزارش سفرهای علمی (۱۳۷۰-۱۳۶۰)

این کتاب به سـال ۱۳۱۳هجری/۱۸۹۵م، در شـهر موصل به زبان عربی تألیف شـده و آن عبارت از یازده [سـتون] عمودی در هر صفحه از صفحات کتاب اسـت و هر سـتون عمودی در تفسـیر یکی از علوم فقهی می‌باشـد. به طور مثال نخستین ستون عمودی در علم کلام و ستون دوم در علم تفسیر، ستون سوم در علم حدیث و...

***

گوهر معنا

بررسی قاعدهٔ وضع الفاظ برای ارواح معانی
تألیف سیدحسن خمینی
به کوشش سیدمحمدحسن مخبر ـ سیدمحمود صادقی
قطع وزیری، ۳۰۰ صفحه، چاپ اول، سلفون ۶۰۰۰۰ ریال

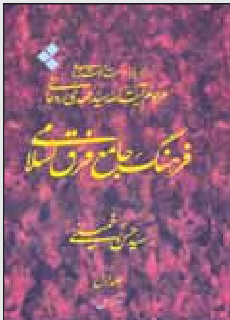
«گوهر معنـا» که حاصل تتبع، تحقیق و تدریس حجت‌الاسـلام و المسلمین حاج سیدحسن خمینی است، در یک پیش گفتار و چهل فصل. بانگاهی جامع و البته رویکردی اصولی، به بررسـی یکی از قواعد کاربردی علم تفسیر، تحت عنوان «وضع الفاظ برای ارواح معانی» می‌پردازد.

***

گوهر و صدف دین

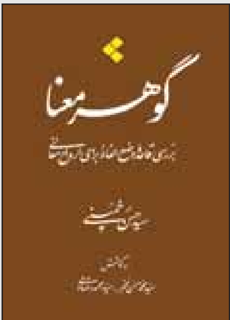
نوشتهٔ آیت‌الله دکتر احمد بهشتی
با ویرایش و مقدمهٔ دکتر سعید بهشتی
وزیری، زرکوب، ۵۳۶ صفحه چاپ دوم، ۵۰۰۰۰ ریال

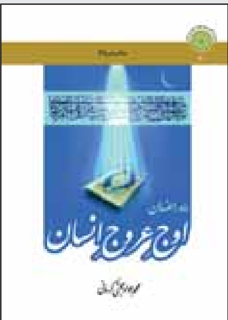
نویسـنده در اثر خود، با رویکردی نوین به تبیین و تحلیل مفاهیم و اندیشه‌های اسلامی پرداخته و وظایف انسان را در چهار حوزه، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل نموده اسـت که عبارتند از: وظایف انسـان در برابر خدا؛ وظایف انسـان در برابر خود؛ وظایف انسان در برابر دیگران و وظایف انسان در برابر جهان هستی. این کتاب در چهار بخش و شصت و یک فصل تدوین گردیده است.

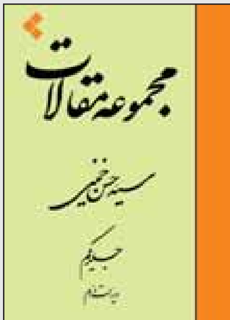












فقیه ری

تألیف سید حسن موسوی خرسان
ترجمهٔ دکتر علیرضا میرزا محمد
وزیری، ۲۰۸ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰ ریال

کتـاب حاضـر دربر گیرنـده زندگینامه و معرفی آثار شـیخ صدوق می‌باشـد و ترجمه‌ای اسـت از رساله حیاةالشیخ الصدوق. از آنجا که این کتاب در عین اختصار و ایجاز مشتمل بر زندگینامه بسیاری از بزرگان علم و دین و کتابهای ایشان است از فهرستهایی گوناگون تهیه گردیده تا از این طریق تسهیلی برای دانش پژوهان فراهم آید.

***

قصه‌های خواندنی از چهره‌ای ماندنی

نوشتهٔ سید تقی درچه‌ای
وزیری، ۲۵۵ صفحه، چاپ دوم، ۱۷۰۰۰ ریال

کتاب حاضر، خلاصه‌ای از شـرح حال علامه فقید سـید محمدباقر درچه‌ای، به همراه حکایاتی از زندگی سراسـر پندآموز اوسـت. اینک در هشتادمین سال درگذشت آن علامه بزرگ، چاپ این کتاب شاید بهانه‌ای برای یاد کرد آن فرزانه بزرگوار در ذهن شاگردان و دوستدارانش باشد.

***

قهرمان علقمه

پژوهشی در تاریخ زندگی و ابعاد شخصیتی حضرت ابوالفضل (ع)
تألیف دکتر آیت الله احمد بهشتی
وزیری، ۳۱۴ صفحه، چاپ سوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

در این کتاب، کار نگارنده تاریخ‌نویسـی نیست، بلکه تحلیل و تجزیه حوادث تاریخی زندگی قهرمان قهرمانان اسـت. در این تجزیه و تحلیل، از زندگی امام بزرگواری که در تکوین شـخصیت وی نقش داشته‌اند و نیز از خاندان هاشـم و از طایفه عدنان و از بنی کلاب و از مادر و دایی‌ها و عموها و برادرها و فرزندان عباس نیز سخن به میان آمده است.

(سومین بیست گفتار)
از دکتر مهدی محقق
وزیری، ۵۳۲ صفحه، چاپ اول، ۳۵۰۰۰ ریال

این کتاب، حاوی مجموعه سـخنرانی‌هایی است که دکتر محقق در مجامع علمی مختلف (از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰) ایراد نموده است.

***

گفتارهایی در مطالعه دین

نوشتهٔ حسین زحمتکش (فرهان)
رقعی، ۳۳۲ صفحه، چاپ اول، ۲۶۰۰۰ ریال

این کتاب شرحی اسـت مختصر از ماجرای اندیشهٔ دینی، فلسفی و عرفانی فراخنای ذهن بشـریت که از آغاز تکوین تاکنون عرصهٔ پرخروش الهیات را درنوردیده است. به اختصار می‌توان گفت که این مجموعه جریان الهیات، ادیان، فلسـفه و عرفان را در فضای آسـمانی دین که نهایت تجربه ماورایی آدمی است، مطالعه می‌نماید.

***

گلچینی از آموزه‌های تربیتی در زندگی حضرت فاطمه زهرا (س)

نوشتهٔ دکتر سید علی اکبر حسینی، فریده یوسفی، مسعود حسین چاری
رقعی، ۱۰۴ صفحه، چاپ چهارم، ۴۰۰۰۰ ریال

این نوشـتار بر آن است تا گوشه‌هایی از سیره تربیتی حضرت فاطمه زهرا (سـلام‌الله علیهـا) را از نظر بگذرانـد. او که کوثر زلال الهی اسـت و عطش بشـریت حقیقت طلب جز با جام نوشی از دریای بی‌پایان معرفت او و خاندانش فرو نخواهد نشست.

***

گنجینه زبانها

(گنجینه‌هایی مشتمل بر شش زبان و دوازده فن)
نوشتهٔ احمد فائز برزنجی
ترجمهٔ مهین دخت معتمدی
وزیری، ۱۳۲ صفحه، چاپ اول، ۲۰۰۰۰ ریال

ماه رمضان اوج عروج انسان

نوشتهٔ محمدجواد حجتی کرمانی
وزیری، ۴۰۸ صفحه، چاپ اول، ۸۰۰۰۰ ریال

این کتاب، مجموعهٔ تنظیم‌شـدهٔ مقالاتی اسـت که به مدت حدود یک دهه در ماههای رمضان در روزنامه «اطلاعات» منتشـر شـده و پس از ویراسـتاری در معرض مطالعهٔ علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. نویسـنده، به سـائقهٔ عشق و شیفتگی به حالات معنوی و روحانی ماه رمضان که پرتوی از آن از دیرباز جان و دل او را صفا و روشنی بخشیده به نگارش کتاب حاضر پرداخته است.

***

مبانی نظری اخلاق و تربیت اسلامی

نوشتهٔ دکتر زهرا مصطفوی
رقعی، ۱۵۶ صفحه، چاپ اول، ۸۵۰۰ ریال

در اسـلام، اخلاق انسـانی جایگاه والایی دارد و در این باب کتابها به نگارش درآمده اسـت، ولی این کتاب از جهتی متفاوت است. نویسنده در ایـن خصوص توضیح می‌دهد: «کتاب حاضر... به غیر از چند صفحه از آن، کمتـر می‌توان آن را کتابی اخلاقی تشـبیه نمود، بلکه در این کتاب کوتاه بیشتر مسائل فلسفی و کلامی و زیربناهای اخلاق و تربیت اسلامی به طور بسـیار خلاصه تحریر شده است. در این میان سعی بر آن بوده تا موضوعی از موضوعات این بحث فروگذار نشود و به هر مطلبی که مورد نیاز این گونه مباحث است اشاره‌ای هر چند گذرا شده باشد.»

***

مجموعه مقالات (۲ جلدی)

تألیف سیدحسن خمینی
جلد اول، وزیری، ۴۰۰ صفحه، چاپ اول، ۱۶۰۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۴۶۱ صفحه، چاپ اول، ۱۸۰۰۰۰ ریال

این کتاب دو جلدی مجموعه بیسـت مقاله‌ای اسـت که طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۶ از نویسنده در مطبوعات منتشر شده و موضوعات آنها در مبانی تنظیم خانواده، تبیین مسـتندات فتوای امام خمینی در مسـئله استظلال،

شبههٔ عبائیه و آرای اصولی امام خمینی، خطابات قانونیه و... می‌باشد.

***

محمد(ص) در اروپا

نوشتهٔ مینو صمیمی
ترجمهٔ عباس مهرپویا
مقدمه و توضیحات از جلال رفیع
وزیری، ۵۲۰ صفحه، چاپ چهارم، ۲۰۰۰۰۰ ریال

کتاب «محمد(ص) در اروپا» تحلیلی است گسترده و نقادانه از تصاویر ساختگی، غیرحقیقی و غیرتاریخی که از اسلام و از شخصیت و خصوصیات اخلاقی پیامبر اسلام در آثار تعدادی از نویسندگان، شعرا، نقاشان، شرق‌شناسان، مورخین، فلاسفه و رهبران مسیحیت اروپایی ترسیم شده و در طول هزاره گذشته در معرض افکار عمومی قرار گرفته است. نویسنده در کتاب خود نشان می‌دهد که چگونه این تصاویر منفی و وحشت‌زا و بی‌اساس کلیشه‌وار، از نسلی به نسل دیگر در کشورهای اروپایی انتقال یافته و بندرت مورد سؤال و تردید واقع شده است.

***

مسائل نهضتهای اسلامی

نوشتهٔ کلیم صدیقی
ترجمهٔ سیدهادی خسروشاهی
وزیری، ۲۲۴ صفحه، چاپ دوم، ۱۴۰۰۰ ریال

با مطالعه این کتاب با افکار و اندیشه‌های کلیم صدیقی درباره نهضتهای اسلامی بیشتر آشنا می‌شویم.

***

مسلمانان اروپای غربی

نوشتهٔ جورجن نیلسن
ترجمه و گردآوری سیدمجید رویین تن
رقعی، ۲۲۰ صفحه، چاپ اول، ۱۷۰۰ ریال

نویسنده کتاب حاضر را بیشتر برای سه گروه به رشته تحریر درآورده است: گروه اول محققانی که خواستار توسعه معلومات و اطلاعات خود فراتر از موقعیت مسلمانان در یک کشور خاص هستند و دو گروه دیگر شامل

رقعی، ۳۴۲ صفحه، چاپ سوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

مرحوم راشد یکی از فرزانگان برجسته و وارسته روزگار ما بود که آرام اندیشید، آرام سخن گفت، آرام زیست و آرام رفت و این کتاب مجموعه‌ای از مقالات اجتماعی و اخلاقی آن مرحوم می‌باشد که حدود ۶۰ سال قبل در روزنامه اطلاعات چاپ شده و اکنون به‌صورت کتاب منتشر می‌شود.

***

من ادب التشیع بالخوارزم

تألیف دکتر صادق آئینه‌وند
وزیری، ۸۰ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰ ریال

کتاب مشتمل است بر احوال و آثار ابوبکر خوارزمی نویسنده و شاعر قرن چهارم و متن نامه وی به شیعیان نیشابور و شرح تاریخی و تراجم و اعلام این نامه تاریخی.

***

مهاجران مسلمان و چالشهای آینده اروپای متحد

نوشتهٔ محمدمهدی مختاری
رقعی، ۳۱۲ صفحه، چاپ اول، ۲۵۰۰۰ ریال

پدیدهٔ مهاجرت یکی از مؤلفه‌های مهم و پیچیده در فرآیند تحولات فرااروپای متحد است. امادر نگاهی واقع‌گرایانه، آنچه بیشتر مورد نظر دولتمردان اروپایی است، در حقیقت مهاجران مسلمان هستند. نویسنده به بررسی و تجزیه و تحلیل این موضوع از جوانب مختلف پرداخته است.

***

نادره مَرد

نوشتهٔ دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی ـ دکتر سیدابوالقاسم پورحسینی ـ دکتر احمد ناظرزاده کرمانی
تنظیم و ویرایش محمدجواد حجتی کرمانی ـ سیدعلی پورحسینی
قطع رقعی، ۱۶۸ صفحه، چاپ اول، ۲۵۰۰۰ ریال

این اثر در واقع ادامهٔ کتاب «از آتشکده تا مسجد» نوشتهٔ حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد حجتی کرمانی به شمار می‌رود که خاطرات ایشان است از پدر بزرگوارش مرحوم عبدالحسین حجتی

دینداری، حکومت و مرز مشروعیت، بنیادگرایی و روشنفکران طراز نو و جامعه دینی و مدرنیسم سخن می‌گوید.

***

نماد و سرنمون؛ پژوهشی در معنای وجود

نوشتهٔ مارتین لینگز
ترجمهٔ زهرا عبداله
رقعی، ۱۳۶ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب تنها بر آن است تا با نظر به مذاهب مطرح روزگار، به ویژه مسیحیت و اسلام، ذهن خواننده را متوجه برخی وجوه نمادپردازی مرتبط با الوهیت، سلسله مراتب هستی، صفات و قوای بشر، محیط و محدودیت‌هایش نماید.

***

نماز، تسلیم انسانی عصیانگر

به قلم جلال رفیع
رقعی، ۱۱۶ صفحه، چاپ هفتم، ۴۰۰۰۰ ریال

این کتاب سیمای راستین نماز را ترسیم می‌کند. این اثر در اوج مبارزات و فعالیتهای دانشجویان -مسلمان در سال ۱۳۵۴- نگاشته شده است و حال و هوای آن روزگاران را دارد.

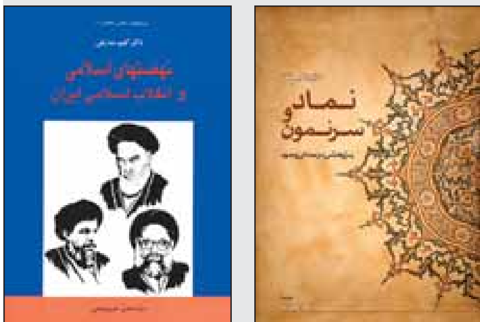
***

نهضت اسلامی شیعیان عراق

تألیف جویس ان. ویلی
ترجمهٔ مهوش غلامی
رقعی، ۲۰۸ صفحه، چاپ اول، ۱۳۰۰ ریال







اروپائیان و مسلمانانی است که در اروپا یا در بیرون از مرزهای آن زندگی می‌کنند. بنابراین کتاب حاضر، سعی دارد در برخوردی دایرةالمعارف گونه با موضوع داشته باشد و بیشتر متوجه وضعیت مسلمانان در کشورهای مختلف اروپایی به طور مستقل و مجرد است.

***

مسئولیت همگانی در پرتو امر به معروف و نهی از منکر

همراه با مقاله شوراها و مشارکت مردم
تألیف دکتر سید محمد اصغری
وزیری، ۲۴۷ صفحه، چاپ اول، ۷۵۰۰ ریال

نویسنده در مقدمه کتاب می‌نویسد: «وجوب» قانون زندگی بخش «امر به معروف و نهی از منکر» در نظام فقهی و حقوق اسلام و شمول و فراگیری این وظیفه و «فریضه بزرگ نظارت عمومی و مسئولیت همگانی» را بخوبی نشان می‌دهد و شعار مقدس و بلند کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته» را که بیانگر وظیفه‌مندی هر مسلمان بلکه هر انسانی است را تفسیر و تبیین می‌کند. آنچه که در این کتاب بدان پرداخته شده در حقیقت تفصیل همین اجمال است.

***

مصلح جهانی

(مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت)
از سیدهادی خسروشاهی
رقعی، ۳۲۴ صفحه، چاپ چهارم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

این کتاب شامل چهار بحث و دو مقدمه است که در مجموع به معرفی کتب جدید درباره مسألهٔ مهدی و علائم ظهور می‌پردازد و به احادیث وارده درباره مهدی(عج) نیز نگرش کوتاهی دارد.

***

مقالات راشد

(روزنامه اطلاعات ۱۳۲۴-۱۳۱۸)
به قلم حسینعلی راشد

کرمانی. کتاب «نادره مرد» نیز مقالاتی از سه تن از نخبگان فرهنگ‌پرور دیار کرمان است دربارهٔ آن شادروان.

***

ناگفته‌هایی از سفر درمانی آیت‌الله سیستانی و بحران نجف

نوشتهٔ حامد الخفّاف
ترجمهٔ محمدرضا مروارید
رقعی، ۲۰۰ صفحه، چاپ دوم، ۸۰۰۰۰ ریال

این کتاب روند ماجرای سفر درمانی آیت‌الله سیستانی (دام‌ظله) در سال ۱۳۸۳ ش. و کامیابی ایشان در فرونشاندن بحران معروف نجف، همزمان با بازگشت به عراق را مستند می‌کند، به تشریح زمینه‌های حوادث و تصمیم گیری‌هایی می‌پردازد که تاکنون برای بسیاری نامفهوم مانده است، به ابهاماتی پاسخ می‌دهد که مرجعیت دینی را در معرض پرسش‌هایی ناروا قرار داده است، و از حجم تلاشهای ایشان برای پایان دادن به بحران پرده برمی‌دارد.

***

نفحات الانس

تألیف نورالدین عبدالرحمان جامی
با مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی
وزیری، ۱۲۱۴ صفحه، چاپ چهارم، گالینگور، ۷۰۰۰۰ ریال

نفحات الانس تذکره‌ای است در باب احوالات صوفیه؛ مأخذ نخست و عمده جامی در نوشتن این کتاب طبقات الصوفیه انصاری است.

در این کتاب از احوالات بیش از ۶۰۰ تن از شیوخ صوفیه و خواجگان سخن به میان آمده که با تعلیقات و توضیحات مصحح پایان می‌پذیرد.

***

نقد دینداری و مدرنیسم

نوشتهٔ دکتر محمدجواد لاریجانی
رقعی، ۲۰۸ صفحه، چاپ چهارم، ۷۰۰۰۰ ریال

این کتاب شامل مجموعه مقالاتی است که از تفکر فلسفی، نقد

در این کتاب نویسنده به شرح تاریخچه فعالیت‌های شیعیان و گروههای اسلامی مبارز پرداخته و زمینه‌های ظهور گروههای اسلامی را مورد بررسی قرار داده است. وی همچنین به توصیف فلسفه حکومت اسلامی به عنوان راهی برای از بین بردن فساد و استبداد پرداخته و در شرح اصول حکومت اسلامی در عراق نظرات آیت‌الله صدر را به تفصیل شرح داده و اتفاق نظرهای او و امام خمینی(ره) را بیان کرده است.

***

نهضتهای اسلامی و انقلاب اسلامی ایران

نوشتهٔ کلیم صدیقی
ترجمهٔ سیدهادی خسروشاهی
وزیری، ۲۱۲ صفحه، چاپ دوم، ۷۰۰۰ ریال

این مجموعه شامل بحثهای دکتر کلیم صدیقی در رابطه با انقلاب اسلامی ایران است که در اختیار علاقه مندان قرار می‌گیرد تا با اندیشه‌های او بیشتر آشنا شوند.

علوم اجتماعی و زبان

آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی محیطی در جنوب شرق ایران

نوشتهٔ دکتر عیسی ابراهیم‌زاده
وزیری، ۴۰۸ صفحه، چاپ اول، ۴۸۰۰۰ ریال

در این کتاب پس از بررسی تعاریف و مفاهیم آمایش سرزمین و ابعاد کارکردی آن، چگونگی تهیه طرح‌های آمایشی و برنامه‌ریزی محیطی و ابعاد مختلف آن مورد بررسی قرار گرفته، آنگاه به صورت ویژه، کارکردهای محیطی استان سیستان و بلوچستان از دیدگاه آمایش و با بهره‌گیری از منطق برنامه‌ریزی استراتژیک تجزیه و تحلیل نموده و راهبردهای توسعه‌ای آن تدوین شده است.

آموزش کودکان عقب‌مانده‌ذهنی

(طرحی برای دوره قبل از دبستان)
نوشتهٔ اعظم آریان‌فر
وزیری، ۱۶۴ صفحه، چاپ دوم، ۳۵۰۰ ریال

کتاب حاضر طرحی است برای دوره قبل از دبستان کودکان عقب‌افتاده ذهنی که از فصولی چند تشکیل شده و شامل مطالبی است چون مهارتهای خودیاری، مهارتهای سازگاری با محیط، خودشناسی، پرورش مهارتهای حرکتی، آموزش علوم انسانی و اجتماعی و...

***

آموزش و آموزشگاه فراگیر

نوشتهٔ محمدطاهر معیری
رقعی، ۱۰۲ صفحه، چاپ اول، ۷۵۰ ریال

این کتاب دگرگونیهای تحصیلات رسمی را در چند دهه اخیر در بعضی کشورهای جهان، بویژه نظام آموزش متوسطه این کشورها امورد توجه قرار داده است. نویسنده در این کتاب، طرح آزادی انتخاب درس را در دوره متوسطه پیش کشیده و آن را یک ضرورت اساسی تربیت مدرسه‌ای معرفی می‌نماید.

***

ارتباط خطرناک

نوشتهٔ اندرو و لسلی کاکبورن
ترجمهٔ محسن اشرفی
رقعی، ۵۹۲ صفحه، چاپ دوم، ۸۰۰۰۰ ریال

پیچیدگی‌های سیاست بین‌المللی در عصر ما طبیعت آن را تغییری نداده است، اما شکل و کاربرد ارتباطات پنهان را به همراه خویش پیچیده‌تر و مؤثرتر ساخته و یکی از بهترین نمونه‌های این پدیده روابط پنهان بین دولتهای ایالات متحده و اسرائیل طی دهه‌های اخیر است که برای آن نامی جز عنوان ارتباط خطرناک نمی‌توان گزید؛ این اثر طی ۱۳ فصل مسائل سیاسی، جاسوسی، اطلاعاتی و نظامی بین دو کشور آمریکا و اسرائیل را مورد بررسی قرار می‌دهد.

اسامه بن لادن

نوشتهٔ پیتر ال. برگن
ترجمهٔ عباسقلی غفاری‌فرد
وزیری، ۵۶۰ صفحه، چاپ دوم، ۱۷۰۰۰۰ ریال

خانواده اسامه بن لادن، مبارزات او، افغانستان زیر سلطه شوروی، تأسیس سازمان القاعده و فعالیت‌های آن، سقوط حکومت طالبان در افغانستان و... در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است.

***

اسناد میتروخین II کا.گ.ب و جهان

نوشتهٔ کریستوفر آندرو ـ واسیلی میتروخین
ترجمهٔ فریدون دولتشاهی
رقعی، ۵۷۶ صفحه، چاپ دوم، ۳۵۰۰۰ ریال

واسیلی میتروخین، افسر سابق کا.گ.ب، وقتی به انگلستان گریخت، اسنادی را با خود آورد که به گفته اف.بی.آی جامع‌ترین اطلاعاتی بود که تا به آن زمان از یک منبع دریافت شده بود. بر پایه این اسناد، دو کتاب نوشت که این کتاب، کتاب دوم اوست. این اثر برای نخستین بار از ابعاد نفوذ جهانی سازمان مخفی اتحاد شوروی سابق و عملیاتش در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین پرده برمی‌دارد و تماسهای مخفی کا.گ.ب را با گروهی از رهبران جهان فاش می‌سازد و...

***

اصلاحات در سیاست توسعه

نوشتهٔ دکتر ناصر خادم آدم
وزیری، ۵۱۸ صفحه، چاپ دوم، ۸۰۰۰ ریال

کندوکاو در شکافتن مسائل موجود اقتصادی و نشان دادن راههای پاسخ به آن، محتوای این مجموعه را تشکیل می‌دهد. این کتاب ضمن بررسی‌های تحلیلی به علل گسستگی‌های بافت اقتصادی پرداخته و سعی دارد در فرایند توسعه اجتماعی ـ اقتصادی نمونه‌هایی ارائه‌دهد. این کتاب با معرفی برندگان جایزه نوبل در علم اقتصاد آغاز می‌شود.

اصول اساسی علم اقتصاد

نوشتهٔ توماس سوئل
ترجمهٔ محمدحسین وقار
وزیری، ۴۰۸ صفحه، چاپ دوم، ۳۲۰۰۰ ریال

این کتاب مقدمه‌ای است بر علم اقتصاد و مطالب آن، و به نحوی تنظیم گشته که برای همه مردم قابل استفاده باشد. در عین حال، دانشجویان رشته اقتصاد و سایر دانشجویانی که اقتصاد را در کنار دروس خود دارند، نیز می‌توانند بخوبی از آن بهره ببرند.

***

اعتیاد به نفت

(تلاش بی‌پایان آمریکا برای امنیت انرژی)
نوشتهٔ یان راتلج
ترجمهٔ عبدالرضا غفرانی
رقعی، ۳۴۰ صفحه، چاپ دوم، ۴۰۰۰۰ ریال

اساس کتاب «اعتیاد به نفت» بر دو مبحث و یا به عبارت بهتر دو اصل مبتنی است: نخست آن که سیاستهای ایالات متحده آمریکا در طول هشتاد سال گذشته و نیز در حال حاضر، براساس نفت و تأمین منابع انرژی تنظیم و اجرا شده و می‌شود و طبعاً عواقب و آثار نامطلوبی هم داشته که در گوشه و کنار جهان شاهد آن هستیم. دوم آن که نیاز معتادگونه مردم آمریکا به نفت، حکومتهای ایالات متحده آمریکا را وادار می‌سازد برای حفظ ساختار اجتماعی و اقتصادی از خواست و نیاز مردم آن کشور تبعیت نمایند.

***

افق‌های ناکجاآباد

سیری انتقادی در مدینه‌های فاضله
تألیف احمد راسخی لنگرودی
رقعی، ۳۱۶ صفحه، چاپ اول، ۳۳۰۰۰ ریال

بشر در طول تاریخ سیاسی خود همواره به تحقق جامعه‌ای مقبول و تأسیس مدینه‌ای مطلوب اندیشیده است و بدین ترتیب انواع گوناگونی مدینه‌های خیالی و شهرهای آرمانی ناظر بر حیات اجتماعی انسان شکل گرفت که طرح و بررسی هر یک از این آرمانشهرها فصلی از این کتاب را به خود اختصاص داده است.

***

اقتصاد خرد

نوشتهٔ دکتر عبدالرسول قاسمی، دکتر مصطفی شریف
وزیری، ۵۴۶ صفحه، چاپ سوم، ۱۵۰۰۰۰ ریال

این اثر با بهره‌گیری از منابع بسیار معتبر و به روز، متناسب با سطح نیاز دانشجویان رشته‌های اقتصاد، مدیریت، حسابداری و مهندسی صنایع به زبان ساده و روان و با استفاده از مثالهای کاربردی متنوع و نیز مفاهیم تکمیلی در قالب ضمائم به رشته تحریر درآمده است. همچنین سؤالهای چهارگزینه‌ای برای علاقه‌مندان به ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد ارائه شده است.

***

اقتصاد در یک درس

نوشتهٔ هنری هزلیت
ترجمهٔ محمدحسین وقار
رقعی، ۲۵۲ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر به تحلیل خطاهای اقتصادی می‌پردازد، خطاهایی که در نهایت آن قدر فراوانند که تقریباً به یک سنت تازه تبدیل شده‌اند. اما امروزه دولت عمده‌ای در جهان نیست که سیاستهای اقتصادی آن متأثر از پذیرش برخی از این خطاها نباشد. شاید کوتاه‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای درک اقتصاد تفکیک این گونه خطاها باشد.

***

اقتصاد کلان

تالیف دکتر مصطفی شریف
وزیری، ۲۰۴ صفحه، چاپ سوم، ۷۵۰۰۰ ریال

اقتصاد کلان در بین مباحث اقتصادی مفهومی بسیار گسترده دارد و از ابعاد گوناگون قابل بررسی و مطالعه است. در این کتاب، نویسنده ابتدا مفاهیم درس اقتصاد کلان را به صورت توصیفی و بدون استفاده از روابط پیچیده ریاضی و مدلها توضیح داده و سپس با آماده شدن ذهن خواننده، مطالب پیچیده‌تر را بیان کرده است.

***

باتلاق

نوشتهٔ لیون تی هَدر
ترجمهٔ رضا خانز
رقعی، ۲۴۸ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب، خطر بالقوه تلاشهای ایالات متحده آمریکا در دخالت نظامی و سیاسی فعال در خاورمیانه را گوشزد کرده و به تحلیل مناسبات میان آمریکا و اسرائیل می‌پردازد. وی سپس به شکاف میان ایالات متحده آمریکا و اروپا در خاورمیانه و برقراری صلح بین اسرائیل و همسایگانش اشاره کرده، آنگاه با جمع‌بندی تمام موارد، پشت صحنه بین‌المللی پس از جنگ خلیج‌فارس را به تصویر می‌کشد.

***

با هم اندیشیدن، راز گفتگو

نوشتهٔ مارتینا و یوهانس هارتکه مایر؛ ل.فریمن دوریتی
ترجمهٔ فاطمه صدرعاملی (طباطبایی)
وزیری، ۲۶۴ صفحه، چاپ دوم، ۲۴۰۰۰ ریال

کتاب حاوی گزارشهایی از تجربه‌ها، مطالعات و آرای چند دانشمند درباره مفهوم گفتگو و چگونگی تمرین آن در بین افراد و رشد و پرورش توانایی گفتگو و کاربرد آن در حوزه‌های مختلف اجتماعی است.

***

بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت

تألیف محمد شریف
رقعی، ۲۴۰ صفحه، چاپ دوم، ۹۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب، جایگاه قانونی و صحیح شورای امنیت سازمان ملل متحد را ضمن تبیین تفسیرهای مختلفی که از سرشت و اوصاف حقوقی آن شده، تعیین کرده است و نیز آثار دکترین نامحدود بودن صلاحیت‌های شورای امنیت را در ارکان مختلف سازمان ملل مورد ارزیابی قرار داده و تلاش دولتهای کشورهای توسعه‌یافته صنعتی را جهت همگون ساختن این ارکان با دکترین یادشده تحلیل می‌کند.



***

برنامه ب ـ ۲

رهاندن سیاره‌ای گرفتار تنش و تمدنی دچار آشفتگی
نوشتهٔ لستر براون
ترجمهٔ فریدون مجلسی
رقعی، ۴۲۴ صفحه، چاپ دوم، ۳۰۰۰۰ ریال

رشد اقتصادی جهانی ما از امکانات پشتیبانی و تدارکاتی زمین برای تأمین نیازهای آن، پیشی گرفته است و ما را به زوال و فروپاشی محتمل نزدیک می‌کند. در نتیجه، منابع تجدید پذیر را با سرعتی بیش از آنچه بتوانند تجدید شوند، مصرف می‌کنیم... اکنون پیشرفت پایدار بستگی دارد به جایگزین کردن اقتصاد دور ریز و مبتنی بر سوخت فسیلی با اقتصادی نو، اقتصادی که منابع بیکران باد، انرژی خورشیدی، نیروی آب و سوخت‌های زیستی توانبخش آن باشد. اقتصادی بازیافتی ـ باز مصرفی.

***

برنامه‌ریزی آموزشی: به سوی یک چشم‌انداز کیفی

تدوین ریموند اس. آدامز
ترجمهٔ دکتر سعید بهشتی
وزیری، ۱۳۶ صفحه، چاپ اول، ۱۷۰۰ ریال

این کتاب، حاوی گزارشی است از یک پیشرفت قابل ملاحظه و احتمالاً توأم با تأخیر در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی و کوششی است برای سازش پیدا کردن با نظامهای تربیتی، هم از لحاظ درونداده‌ها و برونداده‌های کمی و هم از جهت ماهیت، محتوی و آثار تربیتی آنها.

به‌سوی سده بیست و یکم

نوشتهٔ پاول کندی
ترجمهٔ فریدون دولتشاهی
رقعی، ۴۴۸ صفحه، چاپ دوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

ساختار این کتاب نسبتاً ساده است و به تحلیل بعضی نیروهای مهم هوادار دگرگونی در جهان ما می‌پردازد و پیامدهای این تغییرات را مورد بحث قرار می‌دهد.

***

پس از امپراتوری

(روایت زوال سیستم آمریکایی)
نوشتهٔ ایمانوئل تود
ترجمهٔ بهاءالدین بازرگانی گیلانی
رقعی، ۲۴۸ صفحه، چاپ اول، ۱۰۵۰۰ ریال

موضوع کتاب حاضر زوال امپراتوری ایالات متحده آمریکاست. نویسنده در این کتاب، دولت آمریکا را که در صدد تحمیل هژمونی خود بر سایر نقاط عالم و سیطره کامل بر منابع موجود دنیاست، مورد انتقاد قرار داده و این امپراتوری را عامل ناآرامی و بی‌نظمی در عرصه بین‌المللی معرفی می‌نماید. این کتاب در اروپا و بویژه در فرانسه مباحث گسترده‌ای را دامن زده و تاکنون به ۲۱ زبان دنیا ترجمه شده است.

***

پنهانکاری و دمکراسی

نوشتهٔ استانسفیلد ترنر
ترجمهٔ دکتر حسین ابوترابیان
رقعی، ۴۱۰ صفحه، چاپ ششم، ۲۵۰۰۰ ریال

این کتاب دربرگیرنده خاطرات «ترنر» رئیس سیا در دوره ریاست جمهوری جیمی کارتر است. خاطرات ترنر از آن رو برای پژوهشگران حایز اهمیت است که دوران ریاست او بر سیا، مقارن است با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، که سیا نتوانست این رویداد عظیم را پیش‌بینی یا از وقوع آن پیشگیری کند. ترنر خود در خاطراتش به این ناتوانی اعتراف می‌کند.

تاریخ اندیشه سیاسی اسلام

(از عصر پیامبر(ص) تا امروز)
نوشتهٔ آنتونی بلک
ترجمهٔ محمدحسین وقار
وزیری، ۵۶۸ صفحه، چاپ چهارم، ۱۸۰۰۰۰ ریال

اندیشه سیاسی اسلام بخش قابل توجهی از تاریخ فکری انسان و سنتی منسجم، مداوم و مستقل از غرب را تشکیل می‌دهد. امروز لازم است تاریخ اندیشه سیاسی غرب و تاریخ اندیشه سیاسی اسلام را در کنار هم قرار داده، آنها را از زاویه‌ای تازه غور و بررسی نماییم و نشان دهیم عدم توجه کافی به تاریخ اندیشه سیاسی اسلام در گذشته، نافی وجود یا اهمیت آن نبوده و تنها ما را از درک این گستره وسیع از علم محروم ساخته است. این کتاب خوانندگان خود را با تاریخ فعالیت‌های فکری انسان در گستره وسیع تمدن اسلامی آشنا می‌سازد.

***

تاریخ جنگهای ایران

نوشتهٔ علی غفوری
وزیری، ۵۷۶ صفحه، چاپ سوم، ۱۵۰۰۰۰ ریال

آشنایی ایرانیان با جنگهای بزرگ تاریخ کشورمان، نه تنها مفید، بلکه ضروری است. این اثر نیز به همین هدف تدوین شده و به بررسی تاریخ نظامی ایران از عهد باستان به این سو می‌پردازد و معروفترین جنگهای تاریخ کشورمان را شرح می‌دهد.

***

تاریخ جهانی نفت (۲ جلد)

نوشتهٔ دانیل یرگین
ترجمهٔ غلامحسین صالحیار
جلد اول، وزیری، ۶۹۶ صفحه، چاپ سوم، ۳۰۰۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری ۷۳۲ صفحه، چاپ دوم، ۳۰۰۰۰۰ ریال

کتاب «تاریخ جهانی نفت» همان گونه که از نام آن پیداست به تشریح و بازگویی داستانی بس عظیم، یعنی داستان نفت، یا در واقع تاریخ یک قرن

تکنوپولی، تسلیم فرهنگ به تکنولوژی

نوشتهٔ نیل پستمن
ترجمهٔ دکتر صادق طباطبایی
رقعی، ۴۲۰ صفحه، چاپ هشتم، ۱۳۰۰۰۰ ریال

نیل پستمن در ده فصل از کتاب خود شگردها و سازوکارها و رهیافتهای این فرهنگ‌زدایی و دین‌ستیزی را برشمرده و در فصل یازدهم راه‌حلهایی را به جوامعی که هنوز اسیر این دیو مستبد تاریخ کش نشده‌اند عرضه می‌دارد. مؤلف در کتاب تکنوپولی، مکانیسم اسارت و انحطاط فرهنگ را در چنگال تکنوپولی بررسی و شناسایی می‌کند.

***

تلویزیون خطری برای دموکراسی

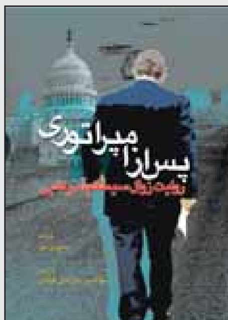
نوشتهٔ کارل پوپر، جان کندری
ترجمهٔ دکتر شهیدی مؤدب
رقعی، ۵۲ صفحه، چاپ اول، ۱۲۰۰ ریال

پوپر و کندری در این کتاب، زنگ خطر را در مورد برنامه‌های مخرب تلویزیون در مغرب‌زمین و آثار سوء آن برای کودکان و خانواده‌ها به صدا درمی‌آورند و سعی دارند طرحی روشن و راه‌حل عملی برای رفع این معضل ارائه دهند.

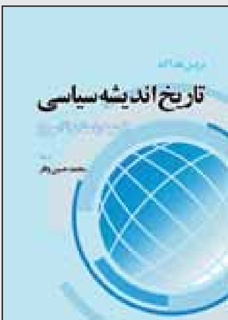
***

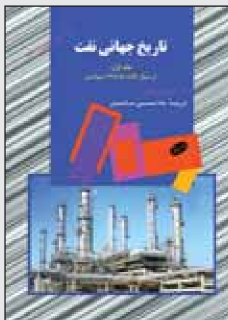
توسعه پایدار روستایی

نوشتهٔ دکتر مصطفی ازکیا - علی ایمانی
وزیری، ۴۵۲ صفحه، چاپ دوم، ۱۷۰۰۰۰ ریال













پیش از خواندن بسوزانید

نوشتهٔ استانسفیلد ترنر
ترجمهٔ بهروز زارع
رقعی، ۲۹۵ صفحه، چاپ دوم، ۶۵۰۰۰ ریال

سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) از ابتدای تأسیس تاکنون، رسواییها، شکستها و فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. نویسنده کتاب، دریادار ترنر، که خود ریاست این سازمان را در زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر به عهده داشته، به بررسی عملکرد آن پرداخته و با طرح پرسشهایی، پاسخ را از لابلای ارتباطات رؤسای جمهوری آمریکا با مدیران دستگاه اطلاعاتی شان از فرانکلین روزولت تا جرج بوش پسر جستجو می‌کند.

***

تاریخ اقتصادی ژاپن (۱۹۹۵-۱۹۴۵)

نوشتهٔ دنیس اسمیت
ترجمهٔ محمدحسین وقار
رقعی، ۲۳۰ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰ ریال

کتاب حاضر از زمره کتبی است که مؤلف آن توانسته با دیدگاهی باز به تاریخ اقتصادی ژاپن نگریسته و زوایای مختلف آن را باز گو کند.

***

تاریخ اندیشه سیاسی

از عهد باستان تا امروز
نوشتهٔ بروس هداک
ترجمهٔ محمدحسین وقار
وزیری، ۴۳۶ صفحه، چاپ اول، ۷۵۰۰۰ ریال

این اثر مقدمهٔ جامع و کاملی برای علاقه‌مندان به مطالعهٔ تاریخ اندیشه سیاسی است که در قالب کتابی جذاب و آسان فهمی به بررسی تطورات دیدگاههای بعضاً متباینی می‌پردازد که از یونان باستان تا امروز در جوامع و دولتها مطرح بوده است.

و نیم اخیر جهان پرداخته است. نفت، این بزرگترین کالای استراتژیک، از بدو پیدایی تاکنون و بویژه در قرن بیستم، هرگز نه تنها از تاریخ جهان جدا نبوده، بلکه توانسته به این تاریخ شکل بدهد و در چگونگی زندگی انسان امروز که برگین آن را انسان عصر هیدروکربن می‌نامد، اثری تعیین کننده به‌جا گذارد.

***

تعیین خسارت در قراردادها و تعهدات

نوشتهٔ دکتر قاسم شعبانی
وزیری، ۳۷۲ صفحه، چاپ اول، ۲۴۰۰۰ ریال

این کتاب تحقیقی است در حقوق کشورهای ایران، آمریکا و انگلیس در خصوص تعیین قراردادی خسارت تخلف از اجرای تعهد. از آنجا که بسیاری از قراردادها در مقام عمل، به نحوی دچار مشکل شده و منتهی به فسخ، عدم اجرا، بطلان و غیره می‌شوند، لذا موضوع تأمین خسارت طرفی که از عدم اجرای صحیح و کامل قرارداد متضرر می‌شود، از مسائل مهم بوده و بدیهی است که تعیین پیشاپیش میزان و نحوه پرداخت خسارت احتمالی نیز از اهمیت به سزایی برخوردار است. این کتاب در صدد تبیین شیوه‌ها، قوانین حاکم بر آنها و دهها مسأله مربوطه است که بویژه در حقوق کشورهای مورد مطالعه مطرح می‌باشند.

***

تکانه جهانمندی (تولد یک تمدن)

نوشتهٔ ایوبر ونسویک، آندره دانزین
ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی
رقعی، ۱۱۶ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر نتیجه گفتگوی گروهی از اندیشمندان فرانسوی با پیشینه‌های علمی مختلف در باب جهانمندی است. روش بحث و گفتگو و استخراج نتایج برای عرضه به سیاستمداران، تصمیم سازان و تصمیم گیران، جزو آداب اندیشه‌وری در برخی کشورهاست.

توسعه روستایی فرایندی چند بُعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر اجتماع روستایی است. توسعه پایدار، فرایند پایدار تغییرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی جهت افزایش و ترقی رفاه و خوشبختی طولانی مدت کل اجتماع است. این کتاب همان گونه از نامش پیداست به موضوع «توسعه پایدار روستایی» پرداخته و از جهات مختلف به بررسی آن پرداخته است.

***

توسل به زور در روابط بین‌الملل

تألیف حمید حیدری
وزیری، ۲۰۴ صفحه، چاپ اول، ۵۵۰۰ ریال

کتاب حاضر حاوی نظرات فقهای بزرگ، با استفاده از منابع فقهی معتبر و مقایسه تطبیقی آن با مقررات حقوق بین‌الملل در زمینه توسل به زور و نیز بیان موارد مشروع و غیرمشروع توسل به زور است که در سه فصل گردآوری شده است.

***

تئوری‌های سازمان و مدیریت

جلد اول، کلیات و مفاهیم
تألیف هربرت جی. هیکس، سی. ری گولت
ترجمه و نگارش دکتر گوئل کهن
وزیری، ۲۲۶ صفحه، چاپ نوزدهم، ۸۰۰۰۰ ریال

جلد نخست این کتاب دربرگیرنده سیزده فصل است که در مجموع، ضمن اینکه سیر تحولات دانش مدیریت و سازمان به صورت یک روند منطقی و منسجم مطرح می‌شود، تئوریهای مدیریت با نگرشی تازه و بسیار دقیق مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این مجلد با برخوردی نسبتاً فلسفی، از فرد در سازمان کلاسیک تا گروه‌بندی در طراحی اقتضایی به مثابه تازه‌ترین دیدگاه مدیریت قرن بیستم، نظریه‌ها و ساختارهای مدیریتی بی‌طرفانه به بحث کشیده شده است.

جاسوسان خط آتش
(عملیات سری واحد اطلاعات نظامی اسرائیل)
نوشتهٔ ساموئل کاتز
ترجمهٔ محسن اشرفی
رقعی، ۶۲۴ صفحه، چاپ دوم، ۳۷۰۰۰ ریال

کتاب حاضر از زمرهٔ آثار نخبه‌ای است که به بحث پیرامون فعالیت‌های جاسوسی رژیم صهیونیستی می‌پردازد و نویسنده در جایی آن را ماجرای «جاسوسان نظامی واحد اطلاعات نظامی اسرائیل که زیر نقابی ابدی عمل می‌کنند» توصیف کرده است.

***

جامعه را چنان که هست بشناسیم
نوشتهٔ پروفسور شاپور رواسانی
رقعی، ۱۴۰ صفحه، چاپ اول، ۴۰۰۰۰ ریال

همچنان که برای حل مسئله ریاضی معینی فقط دانستن قواعد و قوانین عمومی علم ریاضی کافی نیست و برای حل هر مسئله معین باید داده‌ها و پرسش‌های همان مسئله را بررسی نمود، در مورد جامعه ایران نیز آشنایی به قواعد عمومی جامعه‌شناسی کافی نیست و باید تاریخ اجتماعی و ساختار جامعه را چنانکه هست، علمی و دقیق بررسی نمود و شناخت تا بتوان برای حل مشکلات و مسائل آن راه‌حل ارائه نمود و موفق شد.

***

جامعه شناسی
نوشتهٔ دیوید درسلر ـ ویلیام ام. ویلیس
ترجمهٔ مهرداد هوشمند ـ غلامرضا رشیدی
وزیری، ۵۹۶ صفحه، چاپ اول، ۵۴۰۰۰ ریال

این اثر یکی از موضوعات بسیار مهم جامعه‌شناسی ـ یعنی تعامل میان انسانها ـ را موضوع تحقیق خود قرار داده، به نتایج مهم و قابل توجهی دست یافته است. نویسندگان کوشیده‌اند، ضمن رعایت دقت و جامعیت، بسیاری از مشکلات بزرگ و مشترک جوامع مختلف با فرهنگهای متفاوت را به زبان ساده و روان و قابل فهم، بررسی کرده، به نتایج مطلوب دست یابند. در این مسیر، نظریه‌های جامعه‌شناسان بزرگی را نیز مطرح ساخته‌اند.

***

جامعه‌شناسی ارتباطات اصول و مبانی
تألیف دکتر باقر ساروخانی
وزیری، ۲۳۵ صفحه، چاپ سی‌ام، ۸۰۰۰۰ ریال

این اثر تلاشی است در جهت شناخت بهتر مکانیسم ارتباط به عنوان یکی از مهمترین مباحث دانشهای انسانی و نیز وسایل ارتباط جمعی به عنوان ابزاری شگرف که تمامی جامعه جدید انسانی را تحت تأثیر خود قرار داده است. نویسنده تلاش نموده است متن کتاب برای دانشجویان از سهولت و جذابیت خاصی برخوردار باشد.

***

جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران
نوشتهٔ دکتر مصطفی ازکیا
وزیری، ۳۲۴ صفحه، چاپ دهم، ۱۱۵۰۰۰ ریال

کتاب در باب توسعه و دگرگونی اجتماعی در روستاهای ایران در طی سه دهه گذشته بحث می‌کند. این اثر به هیچ‌وجه دستورالعملی برای برنامه‌ریزان توسعه روستایی و یا مدیران و کارشناسان ترویج که در اجرای برنامه‌های توسعه روستایی فعالیت می‌کنند نیست. این اثر سعی می‌کند علاوه بر ارائه مباحث نظری به کاربرد برخی از این نظریه‌ها در باب توسعه روستایی در جامعه روستایی ایران بپردازد.

***

جامعه‌شناسی حقوقی
نوشتهٔ دکتر حسن حبیبی
رقعی، ۲۹۰ صفحه، چاپ دوم، ۳۵۰۰۰ ریال

این کتاب پژوهشی جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی و آماری از پاره‌ای اسناد قدیمی و عمدتاً محضری مربوط به دورهٔ مظفرالدین شاه است (اسناد ازدواج و طلاق محضر خندق آبادی‌ها. تهران، ۱۳۲۴ – ۱۳۱۳ ق) که به یمن آگاهی نویسنده از حقوق، جامعه‌شناسی و ادبیات، توانسته معبری پیش روی پژوهشگران این رشته‌ها بگشاید.



***

جامعه‌شناسی کشاورزی
تألیف دکتر عبدالعلی لهسائی‌زاده
وزیری، ۲۶۸ صفحه، چاپ دوم، ۵۰۰۰۰ ریال

نویسنده در اثر خود به جامعه‌شناسی کشاورزی در ایران، بررسی بحثهای نظری و جمع‌بندی کلیه نظریات موجود در جامعه‌شناسی کشاورزی و ساختار کشاورزی جوامع پیشرفته و نظامهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران (در حال حاضر) پرداخته است.

***

جامعه‌شناسی نوین ارتباطات
رسانه‌ها در جهان امروز
تألیف دکتر باقر ساروخانی
وزیری، ۳۷۲ صفحه، چاپ دوم، ۱۳۰۰۰۰ ریال

جهان امروز، بی‌هیچ شبهه، جهان ارتباطات است؛ تحول تاریخی جوامع در این جهت نه پیوسته، که گسسته و جهشی است. منظور آن است که جهان ارتباطات در امتداد دوره‌های پیشین تاریخ حیات بشری تکوین نیافت، بلکه خود دنیایی خاص، متمایز و جهش یافته است. کتاب مذکور در این باب بحث می‌کند.

***

جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی
نوشتهٔ ژان کازنو
ترجمهٔ دکتر باقر ساروخانی، دکتر منوچهر محسنی
وزیری، ۴۱۴ صفحه، چاپ دهم، ۳۲۰۰۰ ریال

جریان اطلاع و خبر و خبررسانی صرفاً از سوی جهان صنعتی و پیشرفته به سوی جهان سوم صورت می‌گیرد و این بدان معناست که جهان سوم در بمباران اخبار و اطلاعاتی قرار می‌گیرد که تماماً مایه‌هایی از جوامع صنعتی جدید دارند. آیا این واقعیت به امحای فرهنگ جهان سوم و به طور کلی مسخ سه‌چهارم مردم جهان از طریق رسانه‌های همگانی می‌انجامد؟ کتاب مذکور در این باب بحث می‌کند.

***

جشنها و آیینهای شادمانی در ایران
نوشتهٔ ابوالقاسم اخته
رقعی، ۱۶۰ صفحه، چاپ چهارم، ۵۰۰۰۰ ریال

ایرانیان باستان از شیون و غم و اندوه دوری می‌جستند و به سرور و شادمانی، آرامش تن و روان گرایش بیشتر نشان می‌دادند. از همین رو به تدریج یک رشته آداب و رسوم وضع کردند که در تمام طول سال و به مناسبتهای مختلف اجرا می‌شد. این کتاب به فلسفه، تاریخ و علت شکل‌گیری و روش اجرای برخی از این جشنها و آیینها و تداوم آنها در اعصار بعدی پرداخته است.

***

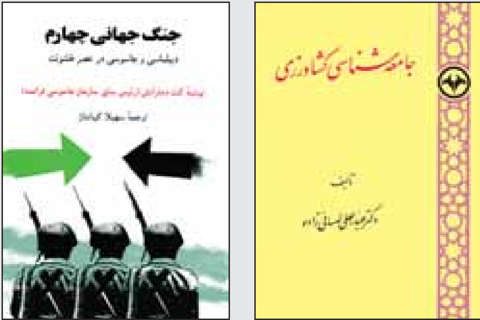
جُنگ تلویزیونی برای کودکان
نوشتهٔ نگین حسینی
رقعی، ۱۸۲ صفحه، چاپ دوم، ۱۵۰۰۰ ریال

آشنایی با جُنگ تلویزیونی به عنوان یک فرم برنامه‌سازی، شناخت خصوصیت کودکان در سنین مختلف و درک آنها از تصاویر و روشهای جلب بیشتر و مؤثرتر کودکان به برنامه، از عمده‌ترین سرفصلهای این کتاب است که در کنار نمونه‌هایی از جُنگهای موفق جهانی و ظرافت‌های خاص سازندگان آنها به عنوان چند مورد مطالعاتی ارائه شده است.

***

جنگ جهانی چهارم
(دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت)
نوشتهٔ کنت دمارانش
ترجمهٔ سهیلا کیانتاژ
رقعی، ۳۸۸ صفحه، چاپ هفتم، ۶۰۰۰۰ ریال

نویسنده که رئیس سابق سازمان جاسوسی فرانسه است، ضمن ترسیم زندگی حرفه‌ای خود از جنگ جهانی دوم تاکنون، پیام ناامیدکننده‌ای را در مورد اوضاع جهان مطلوب غرب، برای رهبران این کشورها می‌فرستد. وی اعتقاد دارد که غرب در طول قرن بیستم، سه جنگ جهانی را پشت سر گذاشته (جنگ جهانی اول و دوم و جنگ سرد) و حال درگیر مهلک‌ترین نبرد می‌باشد و جنگ جهانی چهارم را رویارویی شمال علیه جنوب می‌داند.



***

جنگ شیمیایی، تهدید فزاینده
تألیف سرهنگ حسین علایی
وزیری، ۲۴۸ صفحه، چاپ اول، ۸۰۰ ریال

موضوع مورد بحث و تحقیق در این کتاب، بررسی بُعد سیاسی و نظامی جنگ‌افزارهای شیمیایی و بیولوژیکی و شناخت عوامل آن، اقدامات پدافندی از جمله کشف عوامل شیمیایی و میکروبی، اعلام خطر، حفاظتهای نظامی و جنبه‌هایی که آمادگی مردم را افزایش می‌دهد، رفع آلودگی و اقدامات پزشکی و درمانی است. در عین حال به عوامل بازدارنده، سیاسی این جریان نیز اشاره دارد.

***

جنگ و پادجنگ
(زنده ماندن در سپیده‌دم سده بیست و یکم)
نوشتهٔ الوین و هیدی تافلر
ترجمهٔ مهدی بشارت
وزیری، ۳۶۴ صفحه، چاپ چهارم، ۱۲۰۰۰۰ ریال

نویسندگان کتاب درباره جنگ، این پدیده زشت و تباه‌کننده که سایه‌های شومش از آغاز تاریخ بشر بر گیتی گسترده بوده، و صلح، آرمانی والا که همواره دل آدمیان برایش تپیده است، سخن می‌گویند. آنان به شناسایی ریشه‌ها و انگیزه‌های جنگ و برخورد از دورترین زمانها می‌پردازند.

***

جهان امروز و فردا
نوشتهٔ علی اکبر کسمایی
رقعی، ۴۲۸ صفحه، چاپ دوم، ۳۵۰۰ ریال

اینهمه بحث از تکنولوژی و پیشرفت و رفاه، و دم زدن شبانه روز از عدالت اجتماعی و آزادی و حقوق بشر و صلح جهانی، در دنیایی که دو دقیقه آن آمیخته با جنایات مخوف و فسادهای گوناگون است و... و در همان حال، اقلیتی از مردم جهان، از فرط سیری و ثروت در ناز و نعمت بسر می‌برند. چنین جهانی در فردای روزگار به کجا خواهد رسید. در این کتاب کوشش شده است به این پرسش پاسخ داده شود و جهان امروز و فردا در تنگنای تمدن صنعتی بیشتر و بهتر شناخته گردد.

***

جهان باز، واقعیت جهانی شدن
نوشتهٔ فیلیپ لگرین
ترجمهٔ فریدون دولتشاهی
رقعی، ۴۷۶ صفحه، چاپ اول، ۱۹۰۰۰ ریال

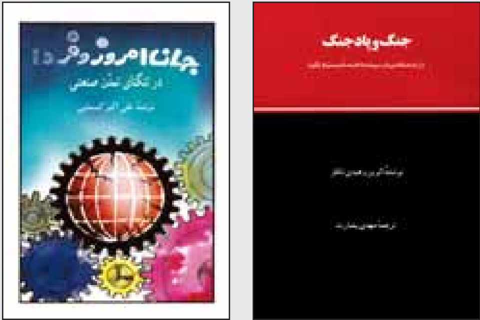
نویسنده در این کتاب، با دیدی واقع‌بین و در عین حال طرفدارانه از واقعیت جهانی شدن سخن می‌گوید.

وی، از موضعی مثبت، نتایج مفیدی را برای این دگرگونی شیوه زندگی و تعامل جهانیان در عرصه اقتصاد بیان می‌دارد. این کتاب خواننده را با دیدگاه موافقان این تحول مهم جهانی و زوایای پنهان و پیدای این تغییر عمیق در عرصه جهانی آشنا می‌سازد.

***

چرا مردم از آمریکا متنفرند
نوشتهٔ ضیاءالدین سردار، مریل وین دیویس
ترجمهٔ عظیم فضلی پور
رقعی، ۳۲۸ صفحه، چاپ دوم، ۱۹۰۰۰ ریال

کتاب حاضر، پیرامون پیش زمینه‌ها و علل اصلی حادثه ۱۱ سپتامبر به نگارش درآمده است و به آثار سیاستهای آمریکا و نتایج دخالتهای این کشور در امور داخلی ملل دیگر، چه در گذشته و چه در حال حاضر، در سراسر جهان می‌پردازد. نویسنده تلاش دارد تا زوایای مختلف این حادثه هولناک را کشف نماید.



چشمان مخفی آمریکا در فضا

(برنامه ماهواره‌های جاسوسی ایالات متحده آمریکا)
نوشتهٔ جفری تی. ریکلسون
ترجمهٔ رضا حائز
رقعی، ۴۲۸ صفحه، چاپ اول، ۴۵۰۰ ریال

کتاب «چشمان مخفی آمریکا در فضا»، جنبه‌های گوناگون برنامه شناسایی ماهواره‌ای را در بر می‌گیرد که شامل افراد، سازمانها، تکنولوژی و استفاده‌های آن و تأثیرات کلی برنامه جاسوسی ماهواره‌ای می‌شود.

***

حزب‌الله لبنان

خط‌مشی، گذشته و آینده آن
نوشتهٔ نعیم قاسم
ترجمهٔ محمد مهدی شریعتمدار
رقعی، ۴۰۸ صفحه، چاپ چهارم، ۱۴۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر، نخستین کتابی است که به زبان فارسی درباره حزب‌الله لبنان منتشر می‌شود و بی‌گمان مأخذی خواهد بود که پژوهشگر ایرانی را در شناخت پدیده حزب‌الله که در شرایط سیاسی منطقه دارای اثرگذاری غیرقابل‌انکاری است، یاری خواهد رساند.

***

حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران

تألیف دکتر قاسم شعبانی
وزیری، ۲۶۸ صفحه، چاپ پنجاه و سوم، ۶۰۰۰۰ ریال

بخشی از نوشته حاضر شامل مباحثی از حقوق اساسی عمومی و یا کلیات حقوق اساسی و شرح و توضیح حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که ضمناً دانشجویان را با مفاهیم و تعاریف حقوقی و برخی از قوانین اساسی دنیا آشنا می‌سازد. مؤلف در بخش دوم به شرح و تفسیر کلیه اصول قانون اساسی می‌پردازد و با بیانی ساده اصول آن را تشریح می‌نماید.

جلد دوم، وزیری، ۱۲۱۲ صفحه، چاپ اول، گالینگور، ۱۰۰۰۰۰ ریال

این کتاب پیرامون موضوعات اساسی حقوق بین‌الملل از جمله رویه قضایی سازمانهای قضایی بین‌المللی، مفهوم حقوق بین‌الملل، تاریخ حقوق بین‌الملل، نظریه حقوق بین‌الملل، سازمانهای بین‌المللی، چگونگی شکل گیری کنوانسیونی حقوقی بین‌الملل و... بحث می‌کند. به گفته مترجم، متن کتاب موسس براساس تحلیل نظریه علمای حقوق و بیشتر از آن و با تفصیل و توضیح کاملتر، بر پایه رویه قضایی بین‌المللی استوار شده است. از ویژگی‌های بارز این کتاب توجه به برخی از مطالبات و اعتراضات دنیای سوم به برخی از جهت‌گیری‌ها و رویه‌های قضایی است که در موارد متعدد چکیده‌ای از آن بیان شده است.

***

حقوق مدنی الزامات بدون قرارداد

تألیف دکتر حسن ره‌پیک
وزیری، ۱۶۸ صفحه، چاپ دوم، ۸۰۰۰۰ ریال

الزام به معنی اجبار و وظیفه می‌باشد. این وظیفه گاهی بر اثر انعقاد قرارداد حاصل می‌شود که به آن الزام قراردادی می‌گویند و گاهی این الزام ناشی از مواردی است که ارتباطی به قرارداد یا عقد ندارد که به این بخش از الزامات غیرقراردادی می‌گویند. مؤلف در این مجموعه کوشیده است تمام موارد فوق‌الذکر را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

***

حمام عمومی در جامعه و فرهنگ و ادب دیروز

(نگرش و پژوهشی مردم شناختی)
نوشتهٔ دکتر محمود روح‌الامینی
رقعی، ۱۴۴ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰ ریال

حمام عمومی علاوه بر مکان شستشوی تن و پاکیزگی بدن، مکانی برای آشنایی‌ها، دید و بازدیدها و مرکزی برای پخش خبر در طایفه و محله به شمار می‌رفت. معروف است که در گذشته، خبرها از آسیا و بازار و حمام که محل رفت و آمد بود به همه مردم می‌رسید... نویسنده کوشیده است از زوایای مختلف به این پدیده نظر اندازد و آن را از جنبه‌های ادبی، تاریخی، اجتماعی، معماری و... مورد بررسی قرار دهد.

خاطرات آندره‌ی ساخاروف (جلد دوم)

ترجمهٔ سهیلا ناصری
رقعی، ۲۲۰ صفحه، چاپ دوم، ۶۰۰۰۰ ریال

این کتاب در واقع دنباله جلد اول خاطرات ساخاروف است که دوره‌ای از دسامبر ۱۹۸۶ تا ژوئن ۱۹۸۹ را در بر می‌گیرد؛ سی‌ماهی که ساختار سیاسی اتحاد شوروی را دگرگون کرد. او در این کتاب تلاشهایش برای آزادی زندانیان سیاسی، ملاقاتهایش با گورباچف، سفرهایش به خارج و بالاخره انتخابش به عضویت کنگره نمایندگان خلق را که نفوذش در آنجا به تشدید سرعت اصلاحات دمکراتیک در اتحاد شوروی کمک کرد، شرح می‌دهد.

***

خاطرات میخائیل گورباچف

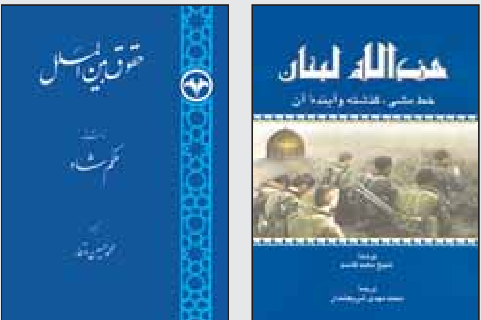
ترجمهٔ فریدون دولتشاهی
رقعی، ۱۰۲۲ صفحه، چاپ سوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

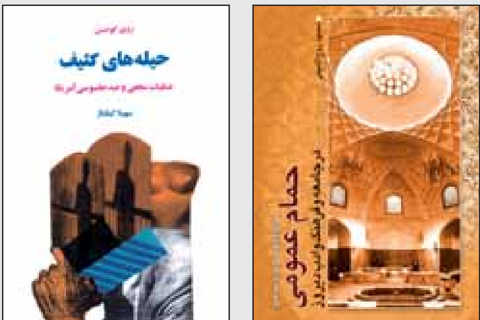
کتاب حاضر از دو جهت قابل مطالعه و بررسی است:
الف: بررسی چگونگی فروپاشی ابرقدرتی که سالها وزنه‌ای مهم در موازنه وحشت جهانی به شمار می‌آمد.
ب: بررسی چگونگی فروپاشی اتحاد کاذبی که ملیتهای مختلفی را سالها بدون آنکه خود بخواهند زیر چتر ایدئولوژی کمونیسم گردهم آورده بود.

***

خانواده در بحران

نوشتهٔ محمد سمیعی







حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران

نوشتهٔ دکتر حسین مهرپور
وزیری، ۴۱۸ صفحه، چاپ دوم، ۲۷۰۰۰ ریال

در این کتاب، دیدگاهها و نظراتی در مورد برخی از موضوعات حقوق بشری ابراز شده است. بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر معرفی و تعدادی از آنها تشریح گردیده، و وضعیت جمهوری اسلامی ایران نسبت به آنها مورد تجزیه و تحلیل واقع شده و در موارد ی پیشنهادات و نظرات اصلاحی ارائه گردیده است.

***

حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن

تألیف دکتر حسین مهرپور
وزیری، ۲۲۴ صفحه، چاپ دوم، ۱۸۰۰۰ ریال

نوشته حاضر مجموعه چند مقاله است که در زمینه‌های مختلف مربوط به حقوق بشر به رشته تحریر درآمده است. این مجموعه مشتمل بر شش گزارش و سه مقاله است.

***

حقوق بین‌الملل

نوشتهٔ ملکم شاو
ترجمهٔ محمدحسین وقار
وزیری، ۵۳۶ صفحه، چاپ سوم، ۴۸۰۰۰ ریال

این کتاب مقدمه‌ای است جامع و فراگیر که تمامی موضوعات اساسی حقوق بین‌الملل را فراروی دانشجویانی که برای نخستین بار به مطالعه حقوق می‌پردازند، قرار می‌دهد.

***

حقوق بین‌الملل عمومی

نوشتهٔ نگوین کک دین، پاتریک دییه و آلن پله
ترجمهٔ دکتر حسن حبیبی
جلد اول، وزیری، ۱۴۳۸ صفحه، چاپ اول، گالینگور، ۱۰۰۰۰۰ ریال

حیله‌های کثیف

نوشتهٔ روی گودسن
ترجمهٔ سهیلا کیانتاژ
رقعی، ۴۸۶ صفحه، چاپ چهارم، ۵۰۰۰۰ ریال

مؤلف کتاب حاضر با بحث پیرامون آنچه فعالیتهای جاسوسی و عملیات مخفی در بسیاری از جهات به شمار می‌آید سعی دارد با برشمردن عملیات مخفی و ضد جاسوسی دولت آمریکا به مسائل درون سازمانی سیا بپردازد و از رازهای ناگفته سخن بگوید.

***

خارج از کنترل

(اغتشاش جهانی در طلیعه قرن بیست و یکم)
نوشتهٔ زی‌بیگنیو برژینسکی
ترجمهٔ دکتر عبدالرحیم نوه ابراهیم
رقعی، ۲۴۰ صفحه، چاپ سوم، ۷۵۰۰۰ ریال

کتاب خارج از کنترل، در عین حال که آیینه تمام‌نمای اعتقاد و نگرش نویسنده آن به جامعه و جهان است، به تاریخ، انسان، جهان، طبیعت و ماوراءالطبیعت نظر دارد. گرچه از دیدگاه وی بوی غیرت ملی و شیفتگی به تمدن آمریکا استشمام می‌شود. در عین حال، دید تیزبین و موشکاف او به زوایای ناشناخته تاریخ اقتصادی- سیاسی و فرهنگی قرن بیستم نفوذ می‌کند و پرده از روی واقعیات برمی‌دارد.

***

خاطرات آندره‌ی ساخاروف (جلد اول)

ترجمهٔ مرتضی میرمطهری
رقعی، ۷۵۶ صفحه، چاپ سوم، ۱۸۰۰۰۰ ریال

در جلد اول خاطرات ساخاروف، عمدتاً وقایع زندگی و عقایدش بازگو می‌شود، اما اظهارنظرهایش در مورد پدیده‌های خارق‌العاده‌ای که در جریان تصدی مشاغل متعدد با آنها مواجه شده است، بافت انسانی جامعه شوروی را به گونه‌ای ترسیم می‌کند که هیچ روزنامه‌نگار یا محقق خارجی نمی‌تواند با آن برابری کند و این سرگذشت‌نامه در مجموع یک کتاب خاطرات سیاسی - اجتماعی است.

وزیری، ۲۶۴ صفحه، چاپ سوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

تمدن فائق این دوران که در سده‌های اخیر در کسب ثروت و علم و فناوری پیشتاز بوده، یعنی تمدن غرب به دلایل متعدد در صیانت و پاسداری از نهاد خانواده موفق نبوده و آن را در معرض گسستی دردناک قرار داده است. پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد که انتخاب این مسیر بسیار گران تمام شده و پیامدهایش در دهه‌های آینده بسیار خطرناک خواهد بود. این کتاب در پی آن است که نشان دهد پیروی ما از الگوی غربی خانواده، چه عواقب شومی را در پی خواهد داشت.

***

خانه عنکبوت

نوشتهٔ آلن فریدمن
ترجمهٔ مهوش غلامی
رقعی، ۴۸۰ صفحه، چاپ اول، ۴۵۰۰ ریال

این کتاب ثمره تحقیقی دقیق و وسیع در دنیای نفت و پول است: دنیای سیاستهای اعلام‌شده برای عموم و نقض شده در پنهان. سیاستهایی که میلیاردها دلار پول مالیات‌دهندگان آمریکایی را صرف کمک‌رسانی به صدام کرد و نخستین اثر جامعی است که با استفاده از اسناد حقیقی چگونگی اقدامات آمریکا برای تقویت عراق را توصیف می‌کند.

***

در خرابات مغان

جستارهایی در فرهنگ ایرانی
نوشتهٔ ملیحه کرباسیان
رقعی، ۲۰۰ صفحه، چاپ اول، ۱۲۰۰۰ ریال

این کتاب مجموعه‌ای است از گفتارهایی که در برخی زمینه‌های ادب و فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و بازتاب آن در روزگار اسلامی به نگارش درآمده است. یکی از دلایلی که باعث مهجور ماندن و در نهایت فراموش شدن برخی کلمات در زبان می‌شود، وجود واژگان همسان، اما با معانی متعدد است که آن نیز در این اثر مورد بحث قرار گرفته است و...

درستها و نادرستهای اقتصاد

نوشتهٔ توماس سوئل
ترجمهٔ محمدحسین وقار
وزیری، ۲۷۶ صفحه، چاپ اول، ۶۵۰۰۰ ریال

این کتاب به معرفی برخی از شایع‌ترین خطاها در حوزه اقتصاد می‌پردازد. متأسفانه این خطاها در رسانه‌ها و در گفتار سیاستمداران آن قدر فراوانند که تصور نادرستیِ آنها برای بیشتر ما دور از ذهن است.

***

در گسترهٔ فرهنگ

(نگرشی مردم شناختی)
نوشتهٔ دکتر محمود روح‌الامینی
رقعی، ۱۷۲ صفحه، چاپ چهارم، ۱۱۰۰۰ ریال

کتاب حاضر دربرگیرنده مطالبی با موضوع فرهنگ است: انسان حیوانی است با فرهنگ، فرهنگ و تمدن، فولکلور و فرهنگ و... در واقع این پژوهش اشاره‌ای دارد به عرصه گسترده دست آفریدها و اندیشه آفریدهای انسان.

***

دمکراسی بازدارنده

نوشتهٔ نوآم چامسکی
ترجمهٔ مهوش غلامی
رقعی، ۵۷۶ صفحه، چاپ چهارم، ۳۷۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب به توصیف و ریشه‌یابی سیاست آمریکا در قبال کشورهای مختلف جهان پرداخته و ضمن ارائه تاریخچه‌ای از سیاست گذشته آمریکا و نقش شوروی در جهت‌گیری مسیر این سیاست، خط مشی آمریکا را در نظم نوین جهانی تشریح کرده است.

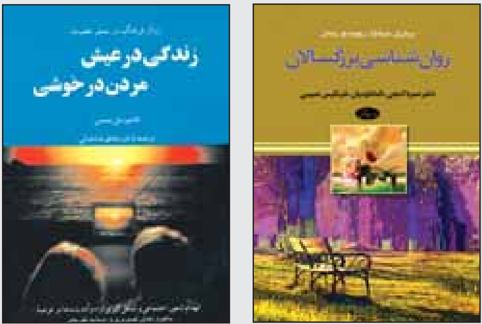
***

دوستان بلندپایه

نوشتهٔ لیتون مک کارتنی
ترجمهٔ محسن اشرفی







رقعی، ۳۵۶ صفحه، چاپ دوم، ۲۲۰۰۰ ریال

کتاب که حاصل چند سال کار نویسنده است، ضمن بیان داستان رشد یک شرکت غول‌آسای ساختمانی - مهندسی آمریکایی، مدارک دست اولی در ارتباط با تصمیم‌گیریهای نظام سیاسی ایالات‌متحده با خواسته‌هایی که در دفاتر رؤسای مؤسسات اقتصادی شکل می‌گیرند ارائه می‌دهد. وی پیوندهای پنهان و آشکار این شرکت را با نخبگان سیاسی در ایالات متحده برمی‌شمرد.

***

دهکدهٔ پریان

(رویدادهای شگفت‌انگیز تاریخ فرانسه)
نوشتهٔ لوئی پونر، گی برتون
ترجمهٔ محمدحسین وقار
رقعی، ۳۱۰ صفحه، چاپ اول، ۵۵۰۰ ریال

کتاب حاضر بیانگر واقعیتهای رویدادهای تاریخی و باستانی از تاریخ پرماجرای سیاسی فرانسه دارد که مؤلف بر آن شده تا آنها را در قالبی منسجم به رشته تحریر درآورد تا بتواند در باز کردن تاریخ گذشته فرانسه خواننده را در مسیر واقعی حوادث و رویدادهای تاریخی این کشور قرار دهد.

***

۱۰۰۰۰ تست عربی از کتب عربی دوره دبیرستان

نوشتهٔ مریم حقیقی
وزیری، جلد اول، ۲۹۴ صفحه، چاپ اول، ۷۵۰۰ ریال

این مجموعه شامل پرسشهایی به صورت چهار جوابی از کتب عربی دوره دبیرستان است. در این پرسشها ترجمه دروس، معنی کلمات و بابهای گوناگون و قواعد صرفی و نحوی متن درسها و تمرینها در نظر گرفته شده است.

دیپلماسی (۲جلدی)

نوشتهٔ هنری آلفرد کیسینجر
ترجمهٔ فاطمه سلطانی یکتا، رضا امینی
وزیری، مجموعاً ۱۳۱۲ صفحه، چاپ چهارم، ۲جلد، ۴۴۰۰۰۰ ریال

کتاب «دیپلماسی» به بررسی کامل تاریخ سیاست خارجی آمریکا می‌پردازد و با گریزهایی که به مذاکرات خود با رهبران جهان می‌زند، شرح می‌دهد چگونه هنر دیپلماسی به خلق دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم انجامیده است. در این کتاب مهمترین رویدادهای سرنوشت‌ساز تاریخ جهان از قرن هفدهم میلادی تا پایان قرن بیستم مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

***

دیدگاههای جدید در مسائل حقوقی

نوشتهٔ دکتر حسین مهرپور
وزیری، ۲۸۸ صفحه، چاپ سوم، ۲۰۰۰۰ ریال

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار حکومت جمهوری اسلامی، دگرگونی‌هایی را در سیستم حقوقی ایران به وجود آورد. نظام جاافتاده قانونگذاری و قضایی را که پس از انقلاب مشروطیت بتدریج شکل گرفته بود، متحول ساخت و تقریباً نظم نوینی را جایگزین آن نمود. کتاب حاضر، مجموعه مقالاتی است پیرامون وضع قوانین در ایران که در آن، دیدگاههای مختلف در زمینه سیستم حقوقی و قضایی اسلامی ارائه گردیده و می‌تواند از نظر تاریخ حقوق مفید باشد.

***

دیدگاه‌های کیفی و اجتماعی در برنامه‌ریزی آموزشی

گردآوری، برگردان و نگارش دکتر سعید بهشتی
با همکاری روشنک نیکویی
وزیری، ۵۰۸ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰۰ ریال

این کتاب از یک مقدمه و چهار بخش تشکیل شده است. دو بخش نخست به بعد کیفی و فلسفی و دو بخش بعدی به بُعد اجتماعی و سیاسی واداری برنامه‌ریزی آموزش اختصاص دارد. عنوانهای بخشها از این قرارند: برنامه‌ریزی آموزشی: به سوی چشم‌انداز کیفی؛ برنامه‌ریزی کیفیت آموزش و پرورش جمع‌آوری و کاربرد داده‌ها برای تصمیم‌گیری آگاهانه؛ برنامه‌ریزی آموزشی به منزلهٔ جریانی اجتماعی؛ شرایط موفقیت در برنامه‌ریزی آموزشی.

***

راه مصر به سوی قدس

نوشتهٔ پطرس پطرس غالی
ترجمهٔ فریده مبینی کشه
رقعی، ۵۷۴ صفحه، چاپ اول، ۱۳۰۰۰ ریال

این کتاب یادداشتهای روزانه دکتر پطرس غالی دبیر کل سازمان ملل متحد، استناد دارد و نخستین گزارش کامل یک مصری درباره ناگفته‌ها و اسرار کمپ دیوید است. کتاب حاضر پر از حکایتها و ماجراهایی است که دربارهٔ شماری از شخصیتهای برجسته سیاسی طرح شده اند.

***

راه نیرنگ

نوشتهٔ ویکتور استروفسکی
ترجمهٔ محسن اشرفی
رقعی، ۴۷۶ صفحه، چاپ یازدهم، ۹۰۰۰۰ ریال

شرحی است عریان از آنچه که نویسنده طی سالهای خدمت خود در موساد تجربه کرده است. وی در این کتاب از دو دهه جنگ اطلاعاتی رژیم صهیونیستی که اغلب به صورت عملیات و فعالیت‌های مخفی بیرحمانه در اکناف جهان رخ داده پرده برمی‌دارد و به تشریح مسائل اطلاعاتی و تاکتیک‌های موساد می‌پردازد.

***

روان‌شناسی ارزشیابی تحصیلی

تألیف ژرژ نوازه، ژان پل کاورنی
ترجمهٔ دکتر حمزه گنجی
وزیری، ۲۱۶ صفحه، چاپ پنجم، ۲۲۰۰۰ ریال

کثرت مقالات و کتبی که اخیراً به ارزشیابی تحصیلی اختصاص یافته، خود مؤید این واقعیت است که ارزشیابی تا چه اندازه مورد توجه می‌باشد، خصوصاً جنبه‌های تربیتی آن، بویژه اثرات آن در یادگیری. کتاب حاضر سعی دارد دیدی جامع از تحقیقاتی که هدافشان روشن کردن جنبه‌های رفتار ارزشیابی باشد فراهم آورد.

***

روان‌شناسی بزرگسالان

تألیف بریان ل میشارا، روبرت ج. رایدل
ترجمهٔ دکتر حمزه گنجی، الما داودیان، فرنگیس حبیبی
وزیری، ۳۱۲ صفحه، چاپ ششم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر، هریک از جریانهای اصلی تحقیق و نظریه‌های پیری‌شناسی را به صورت انتقادی و به طور خلاصه مورد بررسی قرار داده است.

***

روان‌شناسی تربیت و تدریس

تألیف دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد
وزیری، ۱۱۴۸ صفحه، چاپ دوم، سلفون، ۴۵۰۰۰۰ ریال

این کتاب حاصل مطالعات نظری و عملی (تجربی) مؤلف در بیش از پنجاه سال تدریس مستقیم در همهٔ پایه‌های آموزشی و تحصیلی است و توضیح می‌دهد توجه به روان دانش‌آموزان در تدریس و تربیت، ضامن موفقیت طرحهای آموزشی - تربیتی است.

***

رئیس جمهور و مسئولیت اجرای قانون اساسی (۲جلد)

مجموعه مباحث همایشهای هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی
گردآوری دکتر حسین مهرپور
جلد اول، وزیری، ۳۸۶ صفحه، چاپ دوم، ۲۳۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۳۳۸ صفحه، چاپ دوم، ۲۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر مشتمل بر مجموعه گزارشها، مقالات و سخنرانیهایی است که در پنج همایش برگزار شده از سوی هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی ارائه گردیده است.

زندگی در جنگ و صلح

نوشتهٔ برایان اورکهارت
ترجمهٔ حسن مشهدی
رقعی، ۴۶۸ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰ ریال

این کتاب خاطرات مردی است که به مدت ۴۰ سال و از روزی که سنگ بنای سازمان ملل متحد را بنانهادند، پست‌های مهمی را در سازمان احراز کرده بود و قبل از بازنشستگی، معاون دبیر کل بوده است. «برایان اورکهارت» در این کتاب، خاطرات دوران کودکی خود را تا ورود به دانشگاه آکسفورد تا قبل از جنگ دوم جهانی به تصویر کشیده است و از خاطرات خود با دبیران کل سازمان ملل و ملاقاتهای خود با رهبران جهان سخن گفته است.

***

زندگی در عیش، مردن در خوشی

نوشتهٔ نیل پستمن
ترجمهٔ دکتر صادق طباطبایی
رقعی، ۳۵۲ صفحه، چاپ هشتم، ۱۶۰۰۰۰ ریال

این کتاب از آن جهت دارای اهمیت ویژه است که خطرات کوتاه و بلندمدت تماشای تلویزیون را به دور از هرگونه تعصب و غرض‌ورزی خاصی جلوه‌گر می‌سازد و با تبیین ساختار این رسانه فراگیر تصویری نشان می‌دهد که چگونه «آمریکای عقل و خرد» عصر رسانه‌های نوشتاری و کتابت سده نوزدهم به «آمریکای احمق و سرگرم خوشی‌های تلویزیونی» دوران معاصر بدل شده است.

***

زندگی من در سیا

(جاسوسی برای تمام فصول)
نوشتهٔ دوان آر. کلاریج
ترجمهٔ اسدالله امرایی
رقعی، ۵۸۴ صفحه، چاپ پنجم، ۱۵۰۰۰۰ ریال

کتاب جاسوسی برای تمام فصول اثر «دوان. آر کلاریج» یکی از جاسوسان کارکشته سازمان «سیا» است. نویسنده کتاب در قالب

خاطره‌نویسی به دوران طولانی خدمت خود در سازمان سیامی پردازد که تمامی این خاطرات در پنج فصل جداگانه و به صورت مستقل ارائه می‌شود.

***

سوءاستفاده از حق

نوشتۀ دکتر حمید بهرامی احمدی

وزیری، ۳۷۶صفحه، چاپ سوم، گالینگور ۱۴۰۰۰ ریال

نویسنده در این اثر به بحث حقوقی پیرامون جمله «لاضرر ولاضرار» در چهار فصل تحت عناوین: سابقه تاریخی و مبانی نظریه سوءاستفاده از حق؛ معیار سوءاستفاده از حق، قلمرو نظریه سوءاستفاده از حق و ضمانت اجرای سوءاستفاده از حق می‌پردازد.

***

سیاست اقتصاد کشاورزی در نظامهای مختلف و ایران

نوشتۀ دکتر ناصر خادم آدم

وزیری، ۲۲۶ صفحه، چاپ سوم، ۴۰۰۰ ریال

مؤلف کتاب با ارائه پژوهشی که جهت دستیابی به مسائل سیاست اقتصادی به عمل آورده، اثر خود را در دو بخش «سیاست قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی» و «جهت‌یابی سیاستهای مؤثر بر هدفهای بخش کشاورزی» به رشته تحریر درآورده است.

***

سیاست خارجی و دنیای پرتلاطم

نوشتۀ دکتر سیدمحمدکاظم سجادپور

رقعی، ۱۹۲ صفحه، چاپ اول، ۴۰۰۰۰ ریال

در این کتاب تلاش شده است تا با تکیه بر رویدادهای بین‌المللی اخیر، بسیاری از پیچیدگی‌های رفتار متقابل میان بازیگران سنتی و نوظهور، کنشها و واکنش میان محیط بین‌المللی و بازیگران و روندهای جاری در این محیط مورد شناسایی قرار گیرد و از میان آنها نشان داده شود که بازی بین‌المللی در چه تلاطم و در هم‌ریختگی است که شکل می‌گیرد.

ترجمۀ محسن اشرفی

رقعی، ۶۲۴ صفحه، چاپ شانزدهم، ۱۵۰۰۰۰ ریال

فعالیت‌های ضدجاسوسی انگلستان و جهان غرب علیه جاسوسان و نفوذی‌های شوروی و اروپای شرقی در سازمانهای اطلاعاتی غرب و تلاشهای وقفه‌ناپذیر و سرسختانه سرویس مخفی انگلستان برای شناسایی و به دام انداختن جاسوسان شرق، موضوع این کتاب است. انتشار این کتاب در انگلستان و کشورهای مشترک‌المنافع ممنوع شده است.

***

ضرب‌المثل‌های آملی

تألیف یحیی جوادی آملی

وزیری، ۴۱۴ صفحه، چاپ اول، ۲۵۰۰۰ ریال

از دیدگاه جامعه‌شناسی و قوم‌نگاری، مطالعه ضرب‌المثل‌ها که عصاره فرهنگی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند و یادگار تلاش اجتماعی و فرهنگی مردم به شمار می‌آیند، بسیار سودمند است.

***

طلوع ماهواره و افول فرهنگ

نوشتۀ دکتر صادق طباطبایی

رقعی، ۲۹۶ صفحه، چاپ ششم، ۱۱۰۰۰۰ ریال

...آنچه امروز از رخدادها و وقایع، فیلمها، داستانها و نمایشنامه‌ها در طول شبانه‌روز بر روی آنتن ها می‌رود، میلیونها انسان به تماشای آن می‌نشینند و بعضاً بدون آنکه به مسائل پشت پرده و پیامدهای آن بیندیشند قهراً نتایجی را به بار می‌آورد که در این کتاب سعی شده است بدان پرداخته شود.

***

غرب و قومیت

نوشتۀ احمد راسخی لنگرودی

رقعی، ۲۱۶ صفحه، چاپ دوم، ۱۵۰۰۰ ریال

نویسنده می‌کوشد با نظری گذرا بر تاریخ نژادگرایی در غرب، اندیشه‌های فلسفی و آرای نظری اندیشمندان مغرب زمین را که به نوعی به ظهور فرضیه اصالت نژادی غرب انجامیده است به تیغ نقد

فراملی، برخی از واژه‌های اقتصادی، بانک و بانکداری، برنامه و برنامه‌ریزی، بودجه و بودجه‌بندی، پول و ارز و طلا، تورم، تولید و مصرف، تجارت و تعرفه و گمرک، تقاضا و عرضه و قیمت، سرمایه و سرمایه‌گذاری، سیاست و قانون، مالیات، رشد و توسعه، جداول اقتصادی، کوتاه نوشته‌های اقتصادی.

***

فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد

نوشتۀ جلال رفیع

رقعی، ۴۷۴ صفحه، چاپ چهارم، ۲۸۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب بیان می‌کند که نسل نوپای انقلاب را تنها با کار عظیم فرهنگی می‌توان از تهاجم فرهنگی محفوظ داشت و راه‌حل نهایی جز با پی‌ریزی بنای فکر و فرهنگ مولد مبدع و خلاق به دست نخواهد آمد و... او می‌گوید: «در این کتاب خوش دارم باد و گروه سخن بگویم: کسانی که قدرت فرهنگ خود را باور دارند اما قدرت فرهنگی بیگانه را باور ندارند؛ و کسانی که قدرت تهاجم فرهنگی بیگانه را باور دارند اما قدرت فرهنگ خود را باور ندارند.»

***

فلسفه تعلیم و تربیت

نوشتۀ ویلیام هیر، جان پی. پرتلی

ترجمه و نگارش دکتر سعید بهشتی

وزیری، ۱۴۴ صفحه، چاپ اول، ۴۰۰۰ریال

کتاب حاضر حاوی دیدگاهها و نظریه‌های متنوع و در عین حال قابل نقد تعدادی از نویسندگان و فیلسوفان برجسته مغرب‌زمین درباره یک سلسله موضوعات بنیادی و بحث‌انگیز تربیتی است. کتاب، مشتمل







سیا و کنترل مغزها

نوشتۀ جان مارکس

ترجمۀ فریدون دولتشاهی

رقعی، ۲۸۴ صفحه، چاپ چهارم، ۷۰۰۰۰ ریال

این کتاب براساس ۱۶هزار صفحه اسنادی که «سیا» تحت عنوان آزادی اطلاعات در اختیار نویسنده قرار داده، تهیه شده است و نمایانگر تلاشهای پنهانی «سیا» است برای پیدا کردن راههایی به منظور به کنترل درآوردن افکار انسانها و تبدیل آنها به افرادی خودکار، که طبق دستور آدم می‌کشند و... در این کتاب، خواننده به ابزار و روشهای سری سیا در این زمینه آگاهی می‌یابد.

***

شکست بزرگ

نوشتۀ زبیگنیو برژینسکی

ترجمۀ سیروس سعیدی

رقعی، ۳۶۴ صفحه، چاپ دوم، ۸۰۰ ریال

کتاب حاضر درباره بحران نهایی کمونیسم است که در آن، عامل اصلی فاجعه تاریخی کمونیسم، شکست سیاسی و اجتماعی -اقتصادی نظام شوروی، عواقب اجتماعی و سیاسی تحمیل کمونیسم به اروپای شرقی بررسی شده است.

***

شناخت انواع اجتماعات

از دیدگاه فارابی و ابن خلدون

نوشتۀ غلامعلی خوشرو

وزیری، ۱۶۴ صفحه، چاپ دوم، ۳۰۰۰ریال

موضوع کتاب حاضر شناخت انواع اجتماعات و زمینه‌های اجتماعی و فکری، و انواع اجتماعات و جوامع از دیدگاه فارابی و ابن خلدون است که نویسنده به تطبیق و مقایسه آراء و نظریات آنان می‌پردازد.

***

شناسایی و شکار جاسوس

تألیف پیتر رایت

کشاند. خاستگاه نژادی سفرنامه‌های غربی و طرز کار سفرنامه‌نویسان، فرضیه‌های نژادی در اندیشه نظری غرب و امتیازات از منظر چهره‌شناسی از مباحث این کتاب است.

***

فرصت را از دست ندهید

نوشتۀ ریچارد نیکسون

ترجمۀ محمود حدادی

رقعی، ۳۰۰ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب رهنمودها و راه حلهای خود را برای اینکه آمریکا بتواند رهبری جهان را به دست بگیرد ارائه می‌نماید و بر این باور است که نقش آمریکا در شرایط حاضر در سطح جهان مهمتر از دورانهای قبل شده است، لذا با این بینش تلاش کرده است وظایفی را که دولتمردان این کشور در قبال مسائل داخلی و خارجی دارند، برشمارد.

***

فرهنگ بلاغی –ادبی (دوره ۲جلدی)

تألیف دکتر ابوالقاسم رادفر

رقعی، ۱۴۱۲ صفحه، چاپ اول، گالینگور، دوره دوجلدی، ۵۵۰۰ریال

فرهنگ واژه‌ها، اصطلاحات، تعبیرات و مفاهیم است که با شیوه‌ای نو و استنادی تنظیم شده است. برای شناخت بیشتر این اثر باید اصل اثر مورد مداقه قرار گیرد.

***

فرهنگ موضوعی تشریحی علوم اقتصادی (دوره ۲جلدی)

تألیف محمدیوسف حریری

وزیری، دوره ۲ جلدی، ۱۵۷۴ صفحه، چاپ اول، ۱۸۰۰۰۰ ریال

این فرهنگ، نخستین فرهنگ موضوعی – تشریحی در زمینه اقتصاد است و بیست مبحث را در برمی‌گیرد: اقتصادها، اقتصاددان‌ها، اصطلاحات منسوب به افراد، القاب و تعابیر و عناوین، تشکیلات اقتصادی

بر هفت بخش و سی مقاله است که در سال ۱۹۸۸ در کانادا به زیور طبع آراسته شده است.

***

فلسفه تعلیم و تربیت در جهان غرب

گردآوری، برگردان، ونگارش دکتر سعید بهشتی

وزیری، ۴۸۴ صفحه، چاپ اول، ۴۰۰۰۰ ریال

این کتاب از سه بخش تشکیل می‌شود و به مهمترین و اساسی‌ترین پرسشها در ارتباط با فلسفۀ تعلیم و تربیت در جهان غرب پاسخ می‌گوید. بخش اول به بررسی و تبیین «ماهیت فلسفۀ تعلیم و تربیت در جهان غرب» می‌پردازد. بخش دوم، «تاریخ فلسفه و تربیت در جهان غرب» را به بحث می‌گذارد. در بخش سوم، «رویکردهای فلسفۀ تعلیم و تربیت در جهان غرب» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

***

فلسفه جدید تربیت و یا فلسفه جدید آموزش–پرورش

نوشتۀ دکتر علی‌اکبر شعاری‌نژاد

وزیری، ۸۴۰ صفحه، چاپ اول، سلفون ۹۵۰۰۰ ریال

این کتاب به مطالب زیر می‌پردازد: مطالعه و تحلیل و تبیین نظامدار و انتقادی افکار و عقاید و مفاهیم آموزش-پرورش (تربیت)، خصوصاً در حوزۀ مدرسه و دانشگاه؛ حلاجی افکار و مفاهیم و مسائل تربیت جامعه؛ بازنگری یا بازشناسی و فراتر اندیشی افکار و عقاید سنتی آموزش-پرورش براساس معیارهای انسان محورانه عصر حاضر؛ بررسی انتقادی نظریه‌ها و فلسفه‌های تربیت معاصر جامعه و جهان و....

***

قاعده عسر و حرج و حق زنان در طلاق

تحلیل حقوقی و فقهی ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی

نوشتۀ حاجی علی موگویی

وزیری، ۱۳۷ صفحه، چاپ سوم، ۵۰۰۰۰ریال

عنوان این کتاب یکی از مباحث مهم در فقه اسلامی است. توانایی و قدرت بسط تطبیق قواعد فقهی با نیازمندیهای اجتماعی را بیشتر از

هر جا می توان در قاعده عسر و حرج مشاهده نمود. مباحث و عناوین کتاب بر حسب پیشینه فقهی ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و با بررسی تطبیقی قاعده عسر و حرج با حقوق سایر کشورها، غنای فقهی و حقوقی قاعده نمودار شده است.

***

قراردادهای ساختمانی

تألیف جیمی هینزی
ترجمهٔ محمدتقی بانکی
وزیری، ۶۵۲ صفحه، چاپ سوم، ۳۰۰۰۰۰ ریال

بیشتر پروژه های ساختمانی با واگذاری یک قرار داد ساختمانی شروع می شوند. از این رو آگاهی از قرار دادها (پیمانها)، عملاً برای تمام مهندسان عمران سودمند است. این کتاب اطلاعاتی را ارائه می دهد که می تواند مورد توجه کسانی باشد که با قرار داد ها در کار های ساختمانی سر و کار دارند.

***

کاخ شیشه‌ای سیاست

نوشتهٔ کورت والدهایم
ترجمهٔ دکتر عبدالرحمن صدریه
رقعی، ۴۰۰ صفحه، چاپ هفتم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

کتاب، شرح زندگی و فعالیت‌های سیاسی چهل ساله نویسنده است که ده سال آن را در مشاغل مختلف سازمان ملل متحد خدمت کرده است. از این رو، این امکان را داشته که از نزدیک شاهد بسیاری از رویدادهای منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله، قضیه گروگانگیری جاسوسان آمریکایی توسط دانشجویان مسلمان باشد. او در این کتاب، این وقایع و حوادث را شرح می‌دهد.

***

کسوف

نوشتهٔ ماکس پری
ترجمهٔ غلامحسین صالحیار
رقعی، ۸۰۲ صفحه، چاپ چهارم، ۴۵۰۰۰ ریال

این کتاب یکی از محققانه‌ترین آثاری است که درباره سازمان سیا و گسترش دامنه فعالیت و نفوذ بی سابقه آن انتشار یافته است و بخش مهمی از آن مستند به اسناد غیر قابل انکار منتشر شده یا نشده‌ای است که نقش این سازمان را در رویدادهای ۴۰ ساله اخیر سراسر جهان نشان می‌دهند.

***

کشتن امید

نوشتهٔ ویلیام بلوم
ترجمهٔ منوچهر بیگدلی خمسه
رقعی، ۷۸۴ صفحه، چاپ اول، ۳۲۰۰۰۰ ریال

«کشتن امید» کتابی است در محکومیت رفتار خشن آمریکا در جهان و طرز فکر بیمار گونهٔ اکثر سیاست گذاران این کشور، که مداخلات نظامی آمریکا و یا سیا در جهان، از جنگ دوم جهانی تا جنگ دوم خلیج فارس را برمی‌شمارد و براساس اسناد و مدارک، نقشه‌های پنهانی سیا و دخالتهای بی پرده و قهرآمیز ارتش آمریکا را در سراسر جهان توضیح می‌دهد. این کتاب در ۵۶ فصل تنظیم شده است که فصل نهم آن به حوادث منجر به سقوط دولت دکتر مصدق و بازگشت شاه به قدرت اختصاص دارد.

***

ک.گ.ب: مرگ و حیات دوباره

نوشتهٔ مارتین ابُن
ترجمهٔ محمود گوهرپی
رقعی، ۲۵۶ صفحه، چاپ دوم، ۷۰۰۰۰ ریال

این کتاب با بیان رویدادهای سیاسی و تحولاتی که باعث استقلال جمهوری های شوروی سابق گردید، سعی دارد به خواننده تفهیم نماید که گرچه با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کا.گ.ب برای مدت زمان کوتاهی به طور رسمی منحل گردید، ولی با تجدید ساختار خود بسرعت جانی تازه گرفته و تولدی دوباره یافت.

***

کمپ دیوید پس از دو دهه

مطالعه نقادانه مشاهدات ابراهیم کامل، پطروس غالی، موشه دایان، وایزمن و کارتر







نوشتهٔ وحید عبدالمجید
ترجمهٔ مهرداد کیایی
رقعی، ۲۵۲ صفحه، چاپ اول، ۵۵۰۰ ریال

این کتاب مقایسه تحلیلی مشاهدات بازیگران اصلی کنفرانس کمپ دیوید می باشد و هدف آن ارزیابی عملکرد مصر در این مذاکرات و مقایسه اجمالی آن با عملکرد اسرائیلی ها بوده و مذاکرات کمپ دیوید را بررسی نمی نماید. نویسنده کتاب در بسیاری موارد برداشتهای واقع‌بینانه‌ای از جریانات موجود ارائه داده است.

***

کمونیسم

تألیف دکتر حیدرقلی عمرانی
وزیری، ۶۸۰ صفحه، چاپ اول، ۱۶۵۰۰ ریال

کمونیسم نظریه‌ای است که طی صد سال اخیر بیشتر از هر نظریه اجتماعی دیگر موضوع مباحثات و مجادلات لفظی و قلمی قرار گرفته و برای خود فرآورده‌های ادبی گسترده‌ای دارد و پیوسته منشأ کشمکش های سیاسی بوده که در این کتاب به زوایای مختلف آن پرداخته شده است.

***

گردونه روزگار

گفت و شنود با خانم دکتر شیرین بیانی
تألیف کریم فیضی
وزیری، ۶۸۰ صفحه، چاپ اول، ۲۰۰۰۰۰ ریال

این کتاب حاصل گفتگوهای تفصیلی مؤلف با استاد رشته تاریخ در دانشگاه تهران، دکتر شیرین بیانی است که درباره زندگی، تاریخ، گذشته، آینده، روابط و مناسبات انسانی، زن و مرد، یاد سفر کردگان، درباره خیام نیشابوری، عشق، جهان جدید و چند و چون علم و دانشگاه صورت گرفته و به قلم آمده است.

***

گستره تمدن اسلامی در قرون میانی

تألیف دکتر محمد مونس عوض
ترجمه دکتر عبدالله ناصری طاهری ـ سمیه سادات طباطبایی
وزیری، ۴۶۰ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰۰۰ ریال

در گستره جغرافیای اسلام اندیشمندان مسلمان با هویت‌های قومی و نژادی مختلف در تمام حوزه‌های علمی آثاری پدید آوردند که ویژگی بارزش همسویی با عقل بشری و نشان دادن اهمیت انسان در نظام خلقت است. این اثر تلاش می کند تا حاصل ارج گذاری علم و دانش در اندیشه اسلامی که همان میراث مکتوب ماست، در یک بررسی تطبیقی نشان داده شود.

***

گفتارهای اقتصادی

نوشتهٔ دکتر غلامحسین خورشیدی
وزیری، ۲۷۸ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰ریال

این اثر در سه کتاب فراهم آمده است. کتاب اول شامل چهار گفتار در خصوص «رابطه میان رشد و تجارت»، کتاب دوم، شامل نه گفتار در زمینه «مسائل مختلف اقتصادی و بازرگانی» و کتاب سوم، دربرگیرنده هفت گفتار در موضوع «مالیه عمومی» است.

***

گورکن‌ها

(یک هشدار نوین به زندگان)
نوشتهٔ روژه گارودی
ترجمهٔ علی اکبر کسمایی
رقعی، ۱۷۶ صفحه، چاپ چهارم، ۵۰۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب، یکه تازی آمریکا و «نظم نوین جهانی» را سخت به باد انتقاد گرفته و آن روی سکه تزویر را بخوبی نشان داده است. او در این کتاب، یک طرح مقاومت اقتصادی و سیاسی در مقابل نظام موجود جهانی پیشنهاد می کند و به منظور شکست دادن سلطه‌گری، جهانیان را به نوسازی ایمان و اعتقاد الهی دعوت می کند.

گیتی‌نامک

جلد اول، زمین و زمان، انسان و زبان
جلد دوم، نام گیتایی چیست و سرنوشت جهانی آن...
نوشتهٔ امان‌الله قرشی
جلد اول، وزیری، ۳۸۶ صفحه، چاپ اول، ۲۲۰۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۲۳۲ صفحه، چاپ اول، ۱۶۰۰۰۰ ریال

در جلد نخست از مجموعه ۴ جلدی گیتی نامک، از چگونگی پیدایش زبان و تکثیر آن در جهان سخن رفته و از تفاوتهای میان «زبان» و «بیان» از یکسو و تفاوتهای ظاهری و باطنی بین انسان گویای پیشین و انسان بانی زبان سخن به میان آمده است. در جلد دوم از اسامی دور از معنی که قدیمی تر از زبان بشرند و پس از ابداع زبان هر منطقه، همچون واژه به کار رفتند و آنگاه زیر فشار این زبانها قرار گرفتند، یاد شده است.

***

ماهیت فقر عمومی

نوشتهٔ جان کنت گالبرایت
ترجمهٔ دکتر سید محمدحسین عادلی
رقعی، ۱۲۰ صفحه، چاپ سوم، ۵۰۰ ریال

توضیحات نسبتاً معقول نویسنده درباره فقر کشورهای فقیر و راههای از بین بردن آن با تأکید بر تجربه هند (در سی سال پیش) خمیرمایه اصلی این اثر را تشکیل می‌دهد.

***

مباحثی از حقوق زن

از منظر: حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین‌المللی
نوشتهٔ دکتر حسین مهرپور
وزیری، ۴۶۰ صفحه، چاپ چهارم، ۱۳۵۰۰۰ ریال

در این مجموعه مقالات وضعیت متفاوت زن و مرد در قوانین موضوعه ایران و مبانی فقهی آن مورد بررسی قرار گرفته و اشاره‌ای به مقررات اسناد بین‌المللی در این زمینه می‌شود و حتی‌المقدور تجزیه و تحلیلی به عمل می آید و گاه نظر جدیدی ارائه می‌شود. موضوعاتی که با این دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته عبارتند از: محدودیت آزادی، انتخاب همسر، تعدد زوجات، وضعیت متفاوت زن و مرد در انحلال نکاح از فسخ و طلاق، حقوق مالی زن و...

***

مبانی تفکر رؤسای جمهور آمریکا

نوشتهٔ سلیم الحسنی
ترجمهٔ دکتر صالح ماجدی، فرزاد ممدوحی
با مقدمهٔ دکتر علی اکبر ولایتی
رقعی، ۱۳۲ صفحه، چاپ اول، ۲۶۰۰ ریال

نویسنده کتاب حاضر، تلاش کرده است با بررسی اصول حاکم بر اندیشه سیاسی عمومی فرمانروایان ایالات متحده، بر این واقعیت صحه گذارد که به رغم وجود تفاوت در سیاستها و خط مشی‌های رهبران آمریکا، این رهبران از استراتژی واحدی که هماناً تضمین منافع ملی و امنیتی ایالات متحده، به هر قیمت که باشد، پیروی می کنند.

***

مدیریت انتخابات

نوشتهٔ دکتر فرج‌الله رهنورد، نعمت‌الله مهدوی‌راد
وزیری، ۴۴۴ صفحه، چاپ دوم، ۱۵۰۰۰۰ ریال

این کتاب عمدتاً مدیریت خُرد انتخابات را پوشش می‌دهد که از فرایند برنامه‌ریزی شروع شده و پس از گذشتن از سازماندهی و جلب نظر مردم به ارزشیابی ختم می‌شود.

***

مذاکرات هسته‌ای با ۱+۵؛ توافق ژنو

تألیف دکتر محمدحسن دریایی
وزیری، ۲۸۴ صفحه، چاپ اول، ۹۰۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب تلاش نموده تا با نگاهی بی‌طرفانه تصویری همه جانبه از مذاکرات هسته‌ای با گروه ۱+۵ ارائه دهد و ابعاد مختلف توافق ژنو را در قالب بررسی نقدهای موجود در زمینه ساختار و روش مذاکره، و اکاوی محتوای هسته‌ای برنامه اقدام و کنکاشی در لغو تحریم‌ها تبیین نماید.

مشت آهنین

نوشتهٔ لنی برنر
ترجمهٔ دکتر حسین ابوترابیان
رقعی، ۳۵۲صفحه، چاپ چهارم، ۱۷۵۰۰ ریال

نویسنده که خود یک یهودی آمریکایی است در قالب زندگینامه‌نویسی سه تن از صهیونیست‌ها (ژابوتینسکی، بگین، شامیر) دست به یک سلسله تحقیقات عمیق و افشاگرانه درباره سازمان «تجدید نظرطلبان صهیونیست» زده تا ثابت کند آنچه تاکنون توسط صهیونیست‌ها در فلسطین انجام گرفته مسأله‌ای بکلی مجزا از یهودیت است.

***

مقایسهٔ تطبیقی اقتصاد سیاسی معاصر ایران با نظام‌های غربی

نوشتهٔ سعید حاجی هاشمی
رقعی، ۹۲ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰۰ ریال

هدف این اثر شناسایی ایدئولوژی و سیاست‌گذاری اقتصاد سیاسی معاصر یا دهه سوم جمهوری اسلامی ایران است که مبانی و مؤلفه‌های آن با ایدئولوژی اقتصاد سیاسی مدل لیبرال ـ کاپیتال، پروتستانیستی و دموکراتیک مورد مقایسه قرار می‌گیرد و از این رهگذر ضمن معرفی ریشه‌های وجودی هر دو الگو، تشابهات و افتراقات هر یک نسبت به دیگری مبرهن و مشخص می‌گردد.

***

مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی

نوشتهٔ دکتر مصطفی ازکیا
وزیری، ۳۴۲ صفحه، چاپ ششم، ۵۰۰۰۰ ریال

موضوع این کتاب، مسائل توسعه و دگرگونی اجتماعی در روستا است. در این کتاب علاوه بر ارائه مباحث نظری و روش‌شناسی توسعه روستایی، کاربرد برخی از نظریه‌ها درباره توسعه روستایی در جوامع جهان سوم و انطباق نظریات توسعه با واقعیت موجود در مناطق روستایی جهان سوم و اختلاف بین تئوری و موارد تجربی نیز بررسی شده است.

موج نفت

نوشتهٔ احمد راسخی لنگرودی
رقعی، ۲۸۸ صفحه، چاپ سوم، ۲۰۰۰۰ ریال

موضوع کتاب حاضر، تاریخ نفت ایران از امتیازات نفتی تا قراردادها می‌باشد. ملی شدن نفت ایران، زمامداری مصدق، کناره‌گیری وی از قدرت، کودتای ۲۵ و ۲۸ مرداد و... سرفصل‌های مهم تاریخ نفت ایران است که در این مجموعه آورده شده است.

***

نادرستی فرضیه‌های نژادی آریا، سامی و ترک

نوشتهٔ دکتر شاپور رواسانی
رقعی، ۲۳۴ صفحه، چاپ سوم، ۱۲۰۰۰۰ ریال

نویسنده کتاب به مقوله نژادپرستی، ملی‌گرایی، جنبه‌های سیاسی و استعماری و نادرستی فرضیه‌های نژادی پرداخته است.

***

نام من امروز است

نوشتهٔ دیوید مورلی، هرمیون لاول
ترجمهٔ سعید پارسی‌نیا
مخصوص، ۲۹۶ صفحه، چاپ اول، ۱۳۰۰ ریال

کتاب حاضر بحثی است پیرامون سلامت کودک، اجتماع و فقر در کشورهای توسعه‌یافته و... که نویسندگان این اثر آن را در سال ۱۹۸۶ به مناسبت چهلمین سالگرد تأسیس یونیسف منتشر کرده‌اند و بر این تلاش و کوشش بوده‌اند که با ارائه نتایج تحقیقات خود، جهانیان را از وضع و حال کودکان در سراسر جهان باخبر سازند.

***

نخستین زندگینامه استالین

بر پایه اسناد جدید تکان‌دهندهٔ پرونده‌های مخفی روسیه
نوشتهٔ ادوارد راژینسکی
ترجمهٔ مهوش غلامی
رقعی، ۹۳۸ صفحه، چاپ پنجم، ۱۲۰۰۰۰ ریال

مؤلف در این کتاب ضمن شرح داستان ستیز بی‌امان استالین برای دست یافتن به قدرت سلطه مطلق، نخست در حزب کمونیست، بر اتحاد جماهیر شوروی و بعد از آن بر تمام جهان، حقایق گیج‌کننده‌ای را در مورد این مرموزترین چهره تاریخی افشا می‌کند که در عصر حاضر و بعد از فروپاشی شوروی بدان پرداخته شده است.

***

نظام بین‌المللی حقوق بشر

تألیف دکتر حسین مهرپور
وزیری، ۵۹۶ صفحه، چاپ ششم، ۲۵۰۰۰۰ ریال

در این کتاب و تحت عنوان فوق در واقع راهکارهای بین‌المللی که در جهت الزام دولتها و وادار کردن آنها به رعایت حقوق و آزادیهای اساسی افراد پیش‌بینی شده است، اعم از اسناد بین‌المللی و ارگانها و نهادهای بین‌المللی یا منطقه‌ای و ملی به طور اجمال و خلاصه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

***

نظر جامعه‌شناسان درباره جامعه‌شناسی

نوشتهٔ باب مولان
ترجمهٔ یوسف نراقی
وزیری، ۴۳۲ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰۰ ریال

جامعه‌شناسی بریتانیا بعد از ربع قرن رویارویی با مخالفت‌ها، کینه‌توزی‌ها و مقاومت‌ها، حیات آکادمیک خود آغاز کرده است.

اکنون زمان آن رسیده که مقوله مورد ارزیابی قرار گیرد. این کتاب خلاصه‌ای از جامعه‌شناسی بریتانیا ارائه می‌دهد و نگاهی به نظریات جامعه‌شناسان بزرگ و مشهور این کشور دارد.

***

نظریه جهت در اعمال حقوقی

تألیف دکتر حسن ره‌پیک
وزیری، ۱۸۸ صفحه، چاپ اول، ۵۸۰۰ ریال

در کتاب حاضر سعی شده است با بررسی نظرات مختلف حقوقی و با استفاده از منابع محکم و معتبر هر نظام حقوقی، نظریه جهت به‌طور صحیح معرفی گردد و با نقد آنها، ضمن تبیین اشکالات قابل طرح در این نظرات در حد امکان، توجیه‌های مناسبی برای نزدیک کردن آنها به یکدیگر کشف شود.

***

نظریه معاصر روابط بین‌الملل

نوشتهٔ جوزف فرانکل
ترجمهٔ وحید بزرگی
وزیری، ۱۸۰ صفحه، چاپ دوم، ۴۰۰۰ ریال

کتاب حاضر از کتب درسی رشته روابط بین‌الملل در انگلستان می‌باشد که در سال ۱۹۷۲ به رشته تحریر در آمده و بارها توسط دانشگاه آکسفورد تجدید چاپ شده است. این کتاب بیشتر در پی آشنا ساختن خواننده با شیوه‌های تفکر نظری درباره روابط بین‌الملل است تا توضیح جزئیات. این اثر به جای بررسی چیستی بالفعل نظریه به علت وجودی و مضمون آن می‌پردازد.

***

نظم بازی گونه

نوشتهٔ دکتر محمدجواد لاریجانی
رقعی، ۸۸ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰ ریال

این کتاب مجموعه‌ای است از گفتارهایی پیرامون تحولات جاری جهان و پیش‌بینی آینده. مؤلف در مقدمه می‌نویسد: «اگر چه ممکن است مطالب این رساله برای سیاسیون و بخصوص علاقه‌مندان به سیاست جهانی جالب‌تر و جذاب‌تر باشد، لیکن غرض این مجموعه، گفتار ناظر به همه است و معتقدیم که هر کس که درد فهم وظیفه و عمل بدان را دارد، از آن بهره‌ای خواهد برد.»







***

ملی‌گرایی و نهضت آزادی ملل اسلامی

نوشتهٔ محمدجواد حجتی کرمانی
رقعی، ۱۵۶ صفحه، چاپ اول، ۷۰۰۰ ریال

این کتاب درباره ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم، ریشه‌های اصلی شعب و پراکندگی‌های ملت‌ها و حدود اصالت و درجه صحت احساسات ناسیونالیستی از دید اسلامی، بویژه با توجه به نقش فعال، سازنده و آزادیبخش این احساسات بحث می‌کند و به ریشه‌ها و موجبات و علل تاریخی و اجتماعی پیدایش ملت و شکل کنونی و حدود اصالت آن می‌پردازد و مفهوم کلمات: ملت، ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

***

منطق حقوقی و انفورماتیک حقوقی

نوشته و ترجمهٔ دکتر حسن حبیبی
وزیری، ۳۶۰ صفحه، چاپ اول، ۷۵۰۰ ریال

در این کتاب نویسنده به ارتباط نزدیک منطق و حقوق اشاره می‌کند و در بخش انفورماتیک، حقوق آن را در دو بخش: انفورماتیک در خدمت حقوق و حقوق در خدمت انفورماتیک بررسی می‌کند و فصل پایانی کتاب ترجمه گزارشی است از وضع موجود جرائم ارتکابی در قلمرو انفورماتیک و پرسش‌های مربوط به همین زمینه، که انجمن بین‌الملل حقوق جزا آنها را طرح کرده است.

***

مواد مخدر، امنیت اجتماعی و راه سوم

تألیف سرهنگ محمدحسن شهیدی
وزیری، ۱۴۶ صفحه، چاپ سوم، ۱۵۰۰۰ ریال

تحقیقی است تاریخی و کتابخانه‌ای درباره مواد مخدر و نقش آن در به خطر انداختن امنیت اجتماعی. در این پژوهش پس از معرفی انواع مواد مخدر و تاریخچه اعتیاد در جهان و ایران؛ علل اعتیاد، جغرافیای کشت، تولید و توزیع مواد مخدر، زیان‌آور بودن داروهای مورد مصرف به حال شخص و جامعه و... مورد بررسی قرار گرفته است.

نظم‌های کهنه و نوین جهانی

نوشتهٔ نوآم چامسکی
ترجمهٔ مهبد ایرانی طلب
رقعی، ۵۲۶ صفحه، چاپ سوم، ۳۵۰۰۰ ریال

شالوده این کتاب بر بنیاد ۳ سخنرانی نوآم چامسکی درباره نظم جهانی در دانشگاه آمریکایی قاهره در ماه مه ۱۹۹۳ استوار است و مطالب آن به یاری جلسات پژوهشی، دیدارها و بحثهای بسیار روشنگر شخصی، گسترش یافته است.

***

نقش رسانه‌های تصویری در زوال دوران کودکی

نوشتهٔ نیل پستمن
ترجمهٔ دکتر سید صادق طباطبایی
رقعی، ۳۲۸ صفحه، چاپ چهارم، ۶۵۰۰۰ ریال

مؤلف در این کتاب و دیگر آثار خود با نگاهی محققانه و متکی بر آمار دقیق و گزارش‌های مستند، آثار انهدام فرهنگی و روانی و اجتماعی را که ناشی از لجام گسیختگی نظام صنعتی جدید است، عرضه می‌دارد که بحثی قابل تعمق و بررسی برای تربیت نسلی پویا و کارآمد است.

***

نقش فعالیتهای فوق برنامه در تربیت نوجوانان

تألیف دکتر علی‌اکبر شعاری نژاد
رقعی، ۲۶۵ صفحه، چاپ پانزدهم، ۸۰۰۰۰ ریال

در این کتاب، فعالیت‌های خارج از کلاس و مدرسه کودکان و نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته است و مختصری از شناخت نوجوانان و نیازها و مسائل آنان سخن گفته شده؛ سپس فعالیت‌های در ارتباط با این نیازها و مسائل و انواع فعالیت‌ها تشریح گردیده و آنگاه ارزش حیاتی هر کدام مورد بحث قرار گرفته است.

نیــرنگ

نوشتهٔ ادوارد جی اپشتین
ترجمهٔ فریدون دولتشاهی
رقعی، ۳۳۴ صفحه، چاپ پنجم، ۹۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر، تاریخچه کوتاهی اسـت از چگونگی استفاده از نیرنگ در عملیات جاسوسـی؛ و نویسـنده در این کتاب از مبـارزه پنهانی میان کا.گ.ب و سـی.آی.ا در عصر جنگ سـرد پرده برمی‌دارد و نشان می‌دهد که دسـتگاههای جاسوسی آمریکا و شوروی همیشـه موفق نبوده‌اند. در نهایت باید گفت که این کتاب برای شناخت دنیای جاسوسی شرق و غرب و ترفندهای دوطرف، کتاب مفیدی است.

***

وابستگی جهان سوم

نوشتهٔ دکتر حمید الیاسی
وزیری، ۲۹۸ صفحه، چاپ اول، ۷۰۰ ریال

کتاب حاضر که در صدد ارائه طرحی منسـجم درباره وابستگی است، نخسـت جامعه توسـعه‌نیافته را در ابعاد مختلف معرفی کرده و سـپس با نقـدی که از متدولوژی سـنتی در علـوم اجتماعی -خصوصـاً اقتصاد- به عمل می‌آورد، ابزار تحلیلی مناسب برای نظریه‌پردازی درباره وابستگی را معرفی می‌کند و پس از آن به بررسی امپریالیسم به عنوان نظریه‌ای رقیب می‌پردازد و سـعی می‌کند تامدلی کامل را که بیان کننده روابط وابستگی در گذشته، حال و آینده است، ارائه نماید.

***

هژمونی یا بقا

تلاش آمریکا برای سیطرهٔ جهانی
نوشتهٔ نوام چامسکی
ترجمهٔ آسوده نوین
رقعی، ۲۸۸ صفحه، چاپ اول، ۲۴۰۰۰ ریال

چامسـکی بعـد از تحلیل رخدادهای تاریخـی در جهان تک قطبی امروز، نظریه ابرقدرت دوم را مطرح می‌سازد: افکار عمومی جهان. او معتقد است که این قدرت با اسـتناد به موفقیتهایی که تا امروز به دسـت آورده، می‌تواند موجب نجات بشر از افتادن به ورطه هلاکت گردد.

***

هستی و زبان

نظری به جایگاه سخن در مراتب وجود
به کوشش محمدجعفر محمدزاده
رقعی، ۱۲۴ صفحه، چاپ اول، ۲۵۰۰۰ ریال

این کتاب چکیده و عصاره آرا و افکار استاد ابراهیمی دینانی در کتاب «فلسـفه و ساحت سخن» است و به این پرسش فلسفی پاسخ می‌گوید که زبـان در چه مرتبه‌ای از مراتب وجود آدمی تحقق می‌یابد و چه رابطه‌ای با هستی برقرار می‌کند.

***

یاکوزا

نوشتهٔ دوبرو

ترجمهٔ منوچهر بیگدلی خمسه
رقعی، ۷۱۲ صفحه، چاپ اول، ۳۲۰۰۰ ریال

یاکوزا، روایتی اسـت از جهان زیرزمینی تبهـکاران ژاپنی که در امر فحشـا، مواد مخـدر، قمار، رباخـواری، انواع و اقسـام زورگیری، قاچاق و باج‌گیـری فعالیت دارند. ایـن باندهای مافیایی که از لحاظ سیاسـی و اقتصادی نیرومند هستند و تا عالی ترین سطوح دولت ژاپن رخنه کرده‌اند، در ازای دریافت پول، اعتصابات را در هم می‌شـکنند، مخالفان را خاموش می‌سـازند و گاه از نظـر اقتصادی بـر روی معاملات تجاری این کشـور با شرکای تجاری خود تأثیر می‌گذارند...

***

یک حرف از هزاران

تألیف دکتر حسن حبیبی
جلد اول، وزیری، ۴۰۶ صفحه، چاپ اول، ۱۱۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۴۴۵ صفحه، چاپ اول، ۱۸۰۰۰ ریال

کتاب حاضر در بر گیرنده مجموعه سـخنرانیها و نوشـته‌های مؤلف در سـالهای اخیر در مورد مطالب علمی و ادبی است که در مجامع و مراکز علمی و یا در مطبوعات منعکس و ارائه شده است.

علـــوم خاص

آمار و احتمالات کاربردی

تألیف دکتر میربهزاد حسین‌دوست
وزیری، ۲۲۸ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰ ریال

کتاب حاضر براسـاس مصوبه سـتاد انقلاب، به منظـور تأمین نیاز درسی دانشـجویان رشـته‌های علوم اداری، مدیریت، بازرگانی، اقتصاد، حسابداری و سایر رشته‌های وابسته تنظیم و تدوین شده است.

***

به دنبال وحدت، از فیزیک تا عرفان

نوشتهٔ دکتر بهزاد زمانی مقدم
وزیری، ۱۹۴ صفحه، چاپ دوم، ۱۴۰۰۰ ریال

رونـدی که کتاب حاضر در بر دارد بیان تاریخ فلسـفه و علم، سـیر فیزیک از گذشـته تـا به حال و توصیف جهـان در پی گیری روند حیات و درمان بیماریها براساس طب شرقی و ارتباط آنها با عرفان شرقی است. در بخشـهایی از این کتاب که مربوط به فیزیک نوین اسـت سعی شده تا حد امکان این مطالب به سهولت بیان شوند تا خواننده‌ای که با فیزیک آشنایی ندارد نیز بتواند از کتاب استفاده کند.

***

تنسوخ‌نامهٔ ایلخانی

تألیف محمد بن محمد بن حسن طوسی «خواجه نصیرالدین»
با مقدمه و تعلیقات سید محمدتقی مدرس رضوی
رقعی، ۴۱۶ صفحه، چاپ دوم، ۵۰۰ ریال

رساله «تنسوخ‌نامه» یکی از آثار مهم و پرارزشی است که در شناخت گوهرهـا و دانسـتن منافع سـنگها و معرفـت فلزات و اطایـب و نفایس و غرایب نوشـته شـده و یکی از پرارزش‌ترین آثار علمی و ادبی فارسی است و از گرانبهاتریـن گنجینه لغـات و اصطلاحات و تعبیـرات کهنه و اصیل فارسی است.



***

توسعه علمی ایران

نوشتهٔ دکتر رضا منصوری
رقعی، ۳۹۸ صفحه، چاپ سوم، ۳۵۰۰۰ ریال

آنچـه در ایـن کتـاب می‌خوانیـد مجموعه‌ای اسـت از مقاله‌ها، سـرمقاله‌ها، مصاحبه‌هـا و خطابه‌هایی در زمینه توسـعه علمی ایران از دیدگاه یک فیزیکدان که در سالهای پس از انقلاب اسلامی به طور پراکنده نوشته و منتشر شده است.

***

جبر و مقابله

نوشتهٔ محمد بن موسی خوارزمی
ترجمهٔ حسین خدیوجم
وزیری، ۲۰۸ صفحه، چاپ سوم، ۳۰۰ ریال

این کتاب که در سـال ۱۱۴۵ میلادی به همت «رابرت چسـتری» به لاتین ترجمه شـده، نخستین اثر علمی برجای مانده از محمد بن موسی خوارزمی، ریاضیدان بزرگ ایرانی، در علم «حسـاب و جبر و مقابله» است که در سـال ۲۱۵ هجری نگارش آن پایان یافتـه و عامل رواج علم جبر در اروپا گردید.

کتاب جبر و مقابله، قرنها در نزد ریاضیدانان عنوان سـند و حجت را داشته و مرجع و مأخذ اروپائیان بوده است.

***

جهان بزرگ و آنچه در آن است...

تألیف محمدطاهر معیری
وزیری، ۲۷۶ صفحه، چاپ اول، ۱۲۵۰ ریال

این کتاب کوششـی اسـت برای ارضای کنجکاوی بشر درباره خورشید، ماه و ستارگان و دیگر پدیده‌های زیبا و شگرف طبیعت و آشنایی با حوزه کیهان‌شناسی.

مبانی دینامیک اقیانوسها

تألیف و.ام. کامینکویچ
ترجمهٔ دکتر پرویز مؤدب
وزیری، ۴۰۰ صفحه، چاپ اول، شومیز، ۱۱۰۰ ریال، گالینگور، ۱۵۰۰ ریال

در ایـن کتـاب اصـول «ترمودینامیـک و هیدرودینامیک شـاره ناهمگن» بررسی می‌شوند، و معادلات بنیادی نگره جریانهای اقیانوسی و خصوصیات آنها و نگره کلی امواج با دامنه کوتاه مورد بحث قرار می‌گیرند. ایـن کتاب به کار متخصصان اقیانوس‌شناسـی و هواشناسـی دینامیکی و همچنین، دانشـجویان دانشـکده‌های علوم و فنی و نیـز دریانوردان و هوانوردان می‌آید.

***

مبانی ژنتیک مولکولی

نوشتهٔ دکتر ابراهیم یزدی
وزیری، ۵۹۲ صفحه، چاپ سوم، ۱۵۰۰۰ ریال

موضوعـات و مسـائلی که در ایـن کتاب مورد بحث و بررسـی قرار گرفته‌اند در سطحی است که معمولاً برای دانشجویان فوق لیسانس و دکترا و یا فوق تخصصی در دوره‌های رشـته‌های علوم پزشکی، زیست‌شناسی و کشاورزی مطرح می‌گردد. با وجود این سعی شده است مطالب به گونه‌ای نوشـته شـود که ضمناً علاقه‌مندان بـه این قبیل موضوعـات علمی که مطالعات عمومی مربوطه را داشته باشند نیز بتوانند از آن بهره‌مند شوند.

***

نجوم قدیم و بازتاب آن در ادب پارسی

نوشتهٔ دکتر عباس ماهیار
وزیری، ۷۵۲ صفحه، چاپ دوم، ۳۲۰۰۰۰ ریال

وقتـی مدعی غنای فرهنگ و ادب فارسی هسـتیم و به حق هم به داشـتن چنین فرهنگی می‌بالیم، وظیفه داریم که پاسخگوی خوانندگان ادبیات غنی خود باشیم. وظیفه داریم که زوایای مختلف ادب و فرهنگ خود و شـرح احوال پایه‌گذاران آن را به خوانندگان و پژوهشگران و دانشجویان بشناسانیم. این کتاب گام کوچکی است که در این راه برداشته شده است.



***

هایزنبرگ احتمالاً اینجا خوابید

نوشتهٔ ریچارد پی برنان
ترجمهٔ دکتر حبیب‌الله فقیهی نژاد
وزیری، ۲۷۴ صفحه، چاپ دوم، ۲۵۰۰۰ ریال

این کتاب به ترسیم سیمای هشت تن از فیزیکدانانی می‌پردازد که همه در انقلاب پیش آمده در علم فیزیک در قرن بیستم سهم بسزایی داشته‌اند: آلبرت انیشـتن، آیزاک نیوتن، ماکس پلانک، ارنست رادرفورد، نیلز بوهر، کارل هایزنبـرگ، ریچارد فینمـن و مری گل مان که هر یک در جای خود پدید آورندهٔ یک دگرگونی قطعی در شیوه نگرش ما به جهان بوده‌اند.

فناوری

آشنایی با مغناطیس و مبانی علمی مغناطیس درمانی

برای کاهش دردها و کنترل بیماریها
نوشتهٔ دکتر حسین میرحیدر
قطع وزیری، ۲۴۵ صفحه، چاپ دوم، ۷۵۰۰۰ ریال

این کتاب دارای دو بخش است: قسمت اول به عنوان مغناطیس و مغناطیس درمانی تهیه شده، مجموعه اطلاعاتی است که حاصل مطالعات تجربیات گروه بی‌شـماری از دانشـمندان و محققان جهان است و بخش دوم شـامل توضیحات مبسـوطی درباره خواص و کاربرد انـواع مواد ریز مغذی موجود در مواد غذایی می‌باشـد. غرض از انتشار این کتاب این است که اشـخاصی که برای رفع ناراحتی‌های خـود به مغناطیس درمانی روی می‌آورنـد با اطلاعاتی کـه از مطالعه کتاب به دسـت می‌آورند در کاربرد مغناطیس، نتیجه مطلوب بگیرند.

***

آلرژی و ایمونولوژی بالینی

به کوشش دکتر امیرحسین زنجانیان



وزیری، ۲۷۲ صفحه، چاپ اول، ۷۰۰۰ ریال

در تهیه و نگارش این کتاب نهایت کوشش به عمل آمده است که دربرگیرنده آخرین و دقیق‌ترین اطلاعات تشخیصی و درمانی بیماریهای آلرژیک بوده و رهنمون اطبای داخلی و متخصصین اطفال، پزشکان عمومی و آلرژیست‌ها باشد.

***

اپیدمیولوژی و اصول پیشگیری از بیماریهای غیرواگیردار شایع در ایران

ترجمه و تألیف دکتر رضا جمالیان

وزیری، ۱۵۲ صفحه، چاپ سوم، ۲۵۰۰ ریال

بیماریهای غیرواگیردار مانند بیماریهای عروقی قلبی، فشار خون، سکته‌های مغزی، سرطانها، زخم‌های معده و اثنی عشر، سنگ‌های صفراوی و کلیوی، بیماریهای روانی و... از مهمترین علل ایجادکننده تلفات در کشور ما محسوب می‌شوند. این کتاب به بررسی علمی و عوامل بیماریهای فوق‌الذکر در ایران می‌پردازد و بیشتر به انگیزه تدریس به دانشجویان پزشکی و بهداشت تدوین شده است.

***

اپیدمیولوژی و اصول پیشگیری از بیماریهای واگیردار شایع در ایران

تألیف دکتر رضا جمالیان

وزیری، ۱۹۲ صفحه، چاپ چهارم، ۲۵۰۰ ریال

مؤلف این کتاب سعی بر آن دارد که دانشجویان رشته‌های پزشکی و بهداشت را هر چه بیشتر با بیماریهای عفونی شایع در ایران آشنا سازد؛ زیرا این گروه بیماریها در کشور ما به سبب وسعت زیاد، تنوع شرایط اقلیمی، قومی، روش زیست و از همه مهمتر قرار گرفتن در محل اتصال ۳ زون اپیدمیولوژیک، شیوع دارند.

***

ارتوپدی نوین

نوشتهٔ دکتر خلیل علیزاده

ثبت فعالیتهای مغزی مطرح گردیده است تا بتوان مکانیزم عمل دستگاه را شناخت و در نتیجه آرتیفکتهای ناشی از دستگاه و عوامل خارجی را از امواج صرعی و امواج طبیعی مغز افتراق داد. آنگاه طیف وسیع امواج طبیعی و در پایان فعالیتهای صرعی و غیر طبیعی مغز مورد بررسی قرار گرفته است.

***

بازی‌درمانی

گردآوری گاری. ل. لندرث

ترجمهٔ دکتر خدیجه آرین

وزیری، ۱۸۴ صفحه، چاپ دهم، ۶۵۰۰۰ ریال

این کتاب حاوی مجموعه مقالات نویسندگان و صاحب‌نظران مکاتب مختلف روان‌شناسی در مورد بازی‌درمانی است. گردآورنده قصد دارد با جمع‌آوری و ارائه این مقالات به بزرگسالانی که نقش مؤثری در زندگی کودکان دارند کمک نماید.

***

برنامه‌ریزی و مدیریت (روش PERT)

نوشتهٔ سی. جی. لترنر

با همکاری دیوید ام. درسدنر، جان. ا. اشپش، جرالد. ام. اسلان

ترجمهٔ جمشید جهرمی

رقعی، ۱۲۰ صفحه، چاپ چهارم، ۱۲۰۰ ریال

تشویق مسئولان پروژه‌ها به حضور فعال در تعیین اهداف زمانی برای هر مرحله از کار، کنترل و پیگیری و هماهنگی در حصول به اهداف و اقدامات اصلاحی قبل از بروز مشکلات ناشی از توقف طرح و هزینه‌های اضافی، از اهداف مترجم در ترجمه این کتاب ذکر شده است.

***

به‌سوی جهانی‌شدن در صنعت خودرو

نوشتهٔ دکتر منوچهر منطقی

گردآوری و تدوین مهرنوش جعفری

وزیری، ۵۴۰ صفحه، رنگی، چاپ اول، ۲۲۰۰۰۰ ریال

استراتژی جهانی شدن در صنعت خودروی کشور طی سالهای ۱۳۸۱-۷ به مورد اجرا گذاشته شد و هدف این کتاب شناساندن عملکرد

تشخیص، درمان و پیشگیری از بیماریهای آمیزشی

نوشتهٔ جان ا. جرنیگان؛ میچل ف. راین

ترجمهٔ دکتر رضا جمالیان

وزیری، ۱۲۷ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰ ریال

نویسنده این کتاب به بحث و بررسی بیماریهای آمیزشی و عوامل و شیوع آن در کشورهای مختلف جهان، اعم از پیشرفته و در حال رشد پرداخته است.

***

جراحی دست

تألیف دکتر جمال سادات گوشه

وزیری، ۸۰۹ صفحه، چاپ دوم، شومیز، ۲۵۰۰۰ ریال، گالینگور، ۳۰۰۰۰ ریال

در این کتاب آخرین پیشرفتها و مطالعات پیرامون جراحی میکروسکوپی اعصاب محیطی دست بررسی شده‌اند. به علاوه ضایعات تنه‌های عصبی در اثر اصابت گلوله، ترکش‌های خمپاره و انفجارها، مطالعه و نتایج درمانی آنها ارائه شده‌اند.

***

خفی علایی

تألیف سید اسماعیل جرجانی

به کوشش دکتر علی‌اکبر ولایتی، دکتر محمود نجم‌آبادی

وزیری، ۲۸۴ صفحه، چاپ دوم، ۷۰۰۰ ریال

«خُف علائی» یا «خُفّی علائی» یا «الخفیة العلائیة» دومین تألیف طبی سیداسماعیل جرجانی است که در شناخت و مداوای بیماریهای شناخته شده و پس از سال ۵۲۱ هجری نگارش یافته است.







وزیری، ۳۵۶ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰۰ ریال

بحث کلی این کتاب درباره ارتوپدی، بیماریهای استخوان و دستگاه عضلانی اسکلتی است و حاصل چند سال تحقیق و تتبع و پانزده سال کار نویسنده به عنوان متخصص ارتوپد و عضو هیأت علمی می‌باشد.

***

اصول و مبانی تلویزیون دیجیتال

نوشتهٔ میکائیل رابین، میشل پولین

ترجمهٔ محمد جعفر تحویلداری

وزیری، ۶۷۰ صفحه، چاپ اول، ۲۵۰۰۰ ریال

کتاب حاضر ترجمه‌ای از کتاب Digital television fudamentsis است که توسط دو متخصص کانادایی نگارش یافته است. یکی از ویژگیهای این کتاب، بررسی کار کرد تلویزیون هم آنالوگ و هم دیجیتال می‌باشد، یعنی مرجع مناسبی برای علاقه‌مندان تلویزیون های آنالوگ و دیجیتال خواهد بود. از این رو، از این کتاب می‌توان به عنوان مرجعی برای تدریس در سیستم تلویزیون آنالوگ و دیجیتال استفاده کرد.

***

الکتروآنسفالوگرافی

تألیف دکتر محمدابراهیم اوحدی

مخصوص، ۲۴۸ صفحه، چاپ اول، ۱۲۰۰ ریال

الکتروآنسفالوگرافی به عنوان تنها وسیله بررسی فونکسیون مغزی از ارزشی خاص برخوردار است. نقش EEG در بررسی فعالیت‌های غیرطبیعی سلولهای مغزی و بخصوص در تشخیص گروه وسیع بیماریهای صرعی بر متخصصان روشن است. این کتاب تلاشی است در پر کردن جای خالی این مهم در زبان فارسی به عنوان اولین گام.

***

EEG در طب بالینی

تألیف دکتر محمد ابراهیم اوحدی

وزیری، ۳۲۲ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰ ریال

در این کتاب ابتدا مسائل تکنیکی و اصول کاربرد دستگاه و نحوه

این دورهٔ حساس صنعت خودروسازی در کشورمان است و معرفی رویدادهای بزرگی که در این دوره در این بخش از صنعت رقم خورد.

***

بیمار مضطرب

نوشتهٔ دکتر توربن بندیکس

ترجمهٔ دکتر فریُد فدایی

وزیری، ۹۲ صفحه، چاپ دوم، ۵۰۰ ریال

...بیماریهای عصبی-روانی جزء شایع‌ترین ابتلائات بشری هستند. این کتاب بر روش درست تشخیص و درمان بیماریهای روانی خفیف (حالات عصبی) تأکید دارد.

***

پا و بیماری‌های آن

تألیف دکتر محمدرضا صادقیان، دکتر غلامعلی عکاشه، دکتر عباس آقازاده مسرور

وزیری، ۲۴۶ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰ ریال

نویسندگان این کتاب با در نظر گرفتن شیوع نسبی و قابل ملاحظه بیماریهای پا و اثرات سوء آن از نظر فردی و اجتماعی و ضرورت مطرح کردن موضوع، این کتاب را برای همکاران پزشک و عموم مردم نگاشته‌اند.

***

پیشگیری اجتماعی و مبارزه با بیماری‌های قلبی ــ عروقی

ترجمهٔ دکتر رضا جمالیان

وزیری، ۷۲ صفحه، چاپ دوم، ۵۰۰ ریال

این کتاب ترجمه گزارشی است که کارشناسان متخصص سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۸۴ در ژنو در زمینه پیشگیری و کنترل بیماریهای قلبی - عروقی ارائه نموده‌اند.

در این کتاب به اصول ساده‌ای اشاره شده است که با مراعات آنها پیشگیری از شمار زیادی از بیماریهای قلبی - عروقی امکان‌پذیر خواهد بود.

دربارهٔ جراحی چه می‌دانید؟

شرح عمل‌های جراحی شایع به زبان ساده

تألیف دکتر ایرج فاضل

وزیری، ۴۸۰ صفحه، چاپ سوم، ۱۸۰۰۰۰ ریال

از وظایف مهم طبیب و جراح، تأمین اطلاعات به میزان لازم و ضروری و شرح روشهای مختلف درمانی است که نیاز به وقت زیاد دارد، چه بسا سؤالاتی که بعداً به ذهن بیمار می‌رسد که نیاز به پاسخ دارد. کتاب حاضر برای تأمین چنین نیازهایی تدوین شده است تا برای بیمار و پزشک هر دو سودمند واقع گردد و اطلاعات لازم را به صورت روشن و قابل فهم و به زبان ساده و مفهوم و با پرهیز از کلمات فنی و نامأنوس در اختیار همگان قرار دهد.

***

در تکاپوی راهیابی به هزار توی سلامت

نوشتهٔ دکتر حسین میرحیدر

وزیری، ۲۵۶ صفحه، چاپ اول، ۱۷۰۰۰ ریال

کتاب حاضر در برگیرنده نظرات محققان و متخصصان درمان به روشهای طبیعی است و به پرسش‌های علاقه‌مندان دستیابی به تندرستی پاسخ می‌گوید. این اثر در دو بخش با عنوانهای «راهکارهایی برای تندرستی و کنترل بیماریها» و «گیاهان دارویی شفابخش سمی» تنظیم شده است. بخش نخست به مطالبی چون علل خمیازه، نقش کلسیم در بدن، نقش تخم‌مرغ در تندرستی، رژیم‌های غذایی گیاهی و گیاه‌خواری و روشهای پیشگیری سرطان کولون پرداخته و بخش دوم خوانندگان را با گیاهان دارویی شفابخش آشنا می‌سازد.

***

دردهای مقاوم و درمان آنها

به کوشش دکتر خسرو پارسا

وزیری، ۳۳۸ صفحه، چاپ اول، ۸۰۰۰ ریال

در این مجموعه سعی شده است که از غالب مسائلی که در طب امروزه در درمـان درد جایی دارند، از دارودرمانی و روان پزشـکی و جراحی تا به کارگیری لیزر و طب سـوزنی و هیپنوتیزم و مراقبه (مدیتیشن) و آرامش مطالبی عنوان شود. این مطالب همان طور که نویسندگان اظهار کرده‌اند، بدون اظهار نظر و قضاوت ارائه شده‌اند و نگفته پیداست که همه این مطالب ضرورتاً مورد تأیید نیسـتند. قاضی نهایی، علم پزشـکی و میزان رضایت بیماران در تخفیف دردهایشان خواهد بود.

***

رابطه بین والدین و کودکان

نوشتهٔ دکتر هایم. جی. گینات

ترجمهٔ سیاوش سرتیپی

وزیری، ۱۶۸ صفحه، چاپ بیست و ششم، ۶۰۰۰۰ ریال

ایـن کتاب حاصل پانزده سـال کار دکتر گینـات در زمینه تعلیم و تربیت کودکان است که برای راهنمایی و روان‌درمانی والدین و کودکان به رشته تحریر درآمده است.

وی در این کتاب از تئوری های پیچیده و تخصصی بکلی پرهیز کرده و با ساده‌نویسی، ارتباطی مستقیم با خواننده برقرار می کند.

***

رازها و کرشمه‌ها

(دنیای همسران جوان)

نوشتهٔ دکتر احمد پورنجاتی

رقعی، ۱۲۲ صفحه، چاپ دوم، ۱۱۰۰۰ ریال

این نوشته کوتاه با نگرشی کاربردی و تحلیلی، که بیشتر بر تجربیات و مشـاهدات تکیه دارد، کوشیده اسـت در راستای پاسخ به یک نیاز مبرم اجتماعی، از چشم اصالت عشق در پیوند ازدواج گامهایی بردارد.

***

راهنمای بهداشت خانواده

نوشتهٔ دونالد کمپر

ترجمهٔ معصومه صابرمقدم

وزیری، ۵۲۸ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰۰ ریال



نویسـنده که خود از کارشناسـان برجسـتهٔ بهداشـت عمومی در کانادا اسـت، اطلاعات جامعی دربارهٔ دغدغه‌های بهداشتی مهم و راههای شناسایی و رفع آنها به دست می‌دهد. با مطالعه این کتاب می‌توانید با علائم بیماریها و راههای مقابله با آنها آشنا شوید.

***

راهنمای درمان هامیوپاتیک

ترجمه و تألیف دکتر بهزاد زمانی مقدم

وزیری، ۶۱۲ صفحه، چاپ اول، گالینگور ۶۰۰۰۰ ریال

ایـن کتاب نه تنها برای علاقه‌مندان به علم هامیوپاتی مفید اسـت، بلکـه به عنوان یک راهنمـای درمان می‌تواند برای پزشـکان نیز کارآمد باشد. در این اثر می‌خوانیم: معرفی علم هامیوپاتی، داروهای پلی کرست، داروهای حاد، داروهای کم مصرف و متریامدیکای کودک و نوجوان و...

***

راهنمای زندگی سالم در قرن بیست و یکم

نوشتهٔ آلبرت الیس، رابرت آلن هارپر

ترجمهٔ محمدحسین وقار

رقعی، ۴۲۰ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰۰ ریال

نویسندگان کتاب حاضر که هر دو از متخصصین روانشناسی مشاوره و روان درمانی هستند، به بررسی روان درمانی عقلی و عاطفی پرداخته‌اند و از این طریق سـعی کرده‌اند خوانندگان را با زندگی سـالم در قرن بیست و یکم پیوند دهند.

***

راههای پیشگیری و درمان سرطانهای شایع در ایران

تألیف دکتر رضا جمالیان

وزیری، ۱۰۴ صفحه، چاپ اول، ۳۰۰ ریال

برای پیشگیری بیشتر سـرطانها از جمله سرطانهای شایع در ایران راههای سـاده و مؤثری وجود دارد که اکثـر مردم از آنهایی خبرند و یا آنها را جـدی نمی گیرند. این کتاب که براسـاس حقایق آماری ایران (تا تاریخ نشر) و آخرین کتب و نشریات جهانی در زمینه سرطانها تدوین شده است می‌تواند اطلاعات صحیح و درست را در اختیار مردم بگذارد.

***

رهنمود عملی: مدیریت خطر تقلب در کسب و کار

ترجمهٔ دکتر نظام‌الدین رحیمیان

رحلی، ۱۴۴ صفحه، چاپ دوم، ۳۰۰۰۰ ریال

این کتاب روشهای مختلفی را به اعضای هیأت مدیره، مدیریت ارشد و حسابرسـان داخلی بنگاههای اقتصادی پیشـنهاد می دهد که با پیروی از آنهـا می توانند با تقلب در سازمانهایشـان مبـارزه نمایند و راهکارهای معتبری را برای هدایت سـازمانهای حرفه‌ای ارائه می کند تا بتوانند اصول و مبانـی نظری لازم را برای مدیریت خطـر تقلب تعریف کنند و برنامه آن را تدوین نمایند.

***

زعفران ایران

(با نگاه پژوهشی)

نوشتهٔ دکتر حسـین ابراهیـم‌زاده، دکتر طیبه رجبیـان، دکتر رؤیا کرمیان، دکتر پروانه ابریشم‌چی، دکتر عذرا صبورا

رحلی، ۶۴۴ صفحه، چاپ اول، ۱۲۵۰۰۰ ریال

زعفـران که امروزه بـه عنوان یکی از گرانبهاترین گیاهان به شـمار می آید و بیشـتر مصرف غذایی پیدا کرده اسـت، گیاهی است پایا و علفی، دارای گل آذیـن کاهش یافته و اغلب واجد یک گل اسـت. اغلب محققان منشـأ این محصول گرانبها را یونان و آسـیای صغیر و ایران دانسته‌اند که بتدریج به سـمت شرق تا هندشمالی و چین گسترش یافته است و در قرن دهم به وسیله عربها راهی اسپانیا می‌شود و از آنجا به اروپا راه می یابد.

***

زندگی با بیماری قلبی

آنچه باید دربارهٔ زندگی و حفظ سلامت خود بدانید

نوشتهٔ لاری کاتزنستاین

ترجمهٔ معصومه صابرمقدم



وزیری، ۲۴۰ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰۰ ریال

این کتاب راجع به قاتلی اسـت که چندان شناخته شده نیست. این قاتـل، بیماری قلبی نـام دارد. به رغم اقدامات مکرر جهت اطلاع‌رسـانی عمومی در مورد خطرات آن، اکثر مردم به طور کامل این خطر را تشخیص نمی‌دهنـد. در این کتاب با انواع بیماری‌های قلبی و نحوه درمان و کاهش خطرات آنها آشنا می‌شوید.

***

ساختار مدیریت صنعتی ژاپن

نوشتهٔ نائوتو ساساکی

ترجمهٔ محمد تقی‌زاده انصاری

وزیری، ۱۵۸ صفحه، چاپ دوم، ۱۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر که نویسنده آن پروفسور نائوتو ساساکی استاد دانشگاه توکیو و یکی از شـخصیت‌های برجسته کارشناسی مدیریت است، فرایند توسعه نوین را با ارائه پیشنهاد پیشینه‌ای از فرهنگ، اقتصاد، منابع انسانی و مکانیزمهای تصمیم گیری بررسـی می کند و سعی دارد تا اولاً هماهنگی میـان صنایع و دولت در سیاسـتگذاری و ثالثاً تأثیر تحولات بین‌المللی بر نظام مدیریت بسته و انزواطلب ژاپنی را به بحث گذارد و با طرح این مطلب که «میزان اطلاعات ژاپن از اروپا بسـیار بیشـتر از اطلاعاتی است که اروپا از ژاپن دارد» به دنبال آن اسـت تا شـکاف موجود میان اروپا و ژاپن را حتی المقدور کاهش دهد.

***

سامانه دفاع طبیعی بدن انسان و بهترین روش تغذیه برای هماهنگی با آن

نوشتهٔ دکتر حسین میرحیدر

وزیری، ۲۱۶ صفحه، چاپ دوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

در ایـن کتاب می‌خوانیم: بایدها و نبایدهـا در مصرف انواع چربیها، شناخت دستگاه خودکار دفاع طبیعی بدن؛ خون و نقش آن در کار سیستم دفاع طبیعی بدن؛ نقش ویتامین‌ها و مواد معدنی در کمک به افزایش تأثیر مواد غذایی؛ توصیه‌هایی برای پیشگیری و کنترل بیماریها.

سلامتی با تغذیه صحیح

نوشتهٔ دکتر حسین میرحیدر

وزیری، ۴۶۰ صفحه، چاپ پنجم، ۸۰۰۰۰ ریال

در این کتاب مبانی علمی غذا درمانی و روشهای پیشگیری و کنترل تعداد زیادی از بیماریها با اسـتفاده از غذاهای طبیعی و گیاهان شفابخش آورده شـده اسـت. نویسـنده برای تهیه مطالب این کتاب از جدیدترین و معتبرتریـن منابع علمی و تحقیقاتی جهان بهره گرفته و پیشـرفته‌ترین اطلاعات مفید حاصل از پژوهش‌های بین‌المللی دانشـمندان معروف در مورد پیشگیری و درمان بیماریها را با عباراتی ساده ارائه داده است.

***

شبانه روز ۳۶ ساعته

نوشتهٔ دکتر پیتر رابینز ـ دکتر نانسی میس

ترجمهٔ حسین بنی‌احمد

قطع رقعی، ۲۱۲ صفحه، چاپ اول، ۴۰۰۰۰ ریال

این کتاب برای راهنمایی و آموزش خانواده‌هایی نوشـته شـده که بیمار روان پریش (آلزایمر) دارند. از آنجا که پرستاری از این بیماران بسیار دشوار است و بیرون از توان و طاقت یک نفر است، نویسندگان کتاب، آن را «شبانه روز ۳۶ ساعته» نام داده‌اند.

***

شفاء الامه

نوشتهٔ احمد بن ملاسلیمان بن صوفی جراح

به تصحیح میرهاشم محدّث

رقعی، ۱۵۲ صفحه، چاپ اول، ۳۵۰۰۰ ریال

کتاب حاضر یکی از متون مفید پزشـکی است که در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری قمری نوشته شده است. شیوهٔ درمانی مولف در مقایسه با شیوه‌های درمانی دیگر آسان است و از این جهت «شفاء الامة» اثری قابل اعتنا است.

***

شیـر مادر

نوشتهٔ ریچارد ج. اسکلنر



ترجمهٔ دکتر پدرام نیک‌نفس و دیگران

با مقدمهٔ دکتر علیرضا مرندی

جلد اول، وزیری، ۳۰۶ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰۰ ریال

جلد دوم، وزیری، ۳۶۴ صفحه، چاپ اول، ۱۶۰۰۰ ریال

کتاب حاضر در پاسـخ به نیاز متخصصان کودکان، به کسـب دانش بیشـتر در زمینه تغذیه با شیر مادر، توسط صاحب‌نظران برجسته به رشته تحریر درآمده است. دانشجویان گروه پزشکی، بویژه دانشجویان پرستاری، پزشکی، تغذیه، مامایی، نیز پزشکان عمومی، متخصصان کودکان و زنان و مامایی می‌توانند از این مجموعه علمی استفاده لازم را ببرند.

***

طریقت آلفا

رسیدن به آرامش در پنج گام

نوشتهٔ لوئیس پروتو

ترجمهٔ دکتر رضا جمالیان، نرگس اسکندرلو

وزیری، ۱۹۴ صفحه، چاپ پنجم، ۱۸۰۰۰ ریال

در ایـن کتاب با تأکید و بهره گیری از دسـتاوردهای نوین پزشـکی، درباره نیاز مبرم افراد جوامع امروزی در دسترسـی به یک روش ساده و مؤثر برای کسب آرامش بحث می‌شود تا هر زمان که نیاز باشد، از این تکنیک مؤثر برای رسیدن به یک آرامش عمیق روحی - جسمی بتوان بهره گرفت.

***

علائم بیماریهای روانی

نوشتهٔ فرانک فیش

ترجمهٔ اصغر سجادیان

وزیری، ۲۰۰ صفحه، چاپ سوم، ۳۰۰۰ ریال

محور اصلی بحث این کتاب در حول علائم و نشـانه‌های بیماریهای روانی دور می‌زند که نویسـنده، بیماریهـای روانی را طبقه‌بندی کرده و از دید فلسـفی و منطقی عمیقاً آنها را بررسـی نموده و اختلالات روانی را به تفصیل مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

فنون مدیریت برنامه‌ریزی و کنترل پروژه

نوشتهٔ رری بورک
ترجمهٔ محمدرضا زرگر آزاد
وزیری، ۵۴۶ صفحه، چاپ دوم، ۲۰۰۰۰۰ ریال

این کتاب حاوی اطلاعاتی در مورد روشهای برنامه‌ریزی، مدیریت و کنترل پروژه‌هاست و رویکردی کاملاً عملی نسبت به مقوله مدیریت پروژه دارد. یعنی برخلاف کتب مشابه تنها به تئوریها می‌پردازد و تکنیک‌ها و توصیه‌هایی را نیز ارائه می‌کند که در کار عملی قابل استفاده است. کتاب مزبور می‌تواند در برنامه‌های درسی دانشگاهی، دوره‌های آموزشی مدیریت اجرایی و دوره‌های آموزش نرم افزارهای برنامه‌ریزی پروژه مورد استفاده قرار گیرد.

***

فهرست موضوعی بیماریها، گیاهها و خوراکیهای درمان‌بخش

به کوشش رویا جاوید
وزیری، ۳۳۶ صفحه، چاپ اول، ۲۰۰۰۰ ریال

این مجموعه فهرست موضوعی از چهار کتاب «معارف گیاهی (۸ جلدی)»، «مبانی علمی غذا درمانی»، «تندرستی با غذاهای طبیعی» و «سلامتی با تغذیه صحیح» تألیف دکتر حسین میرحیدر است که با ذکر شماره صفحات و مجلدات هر کتاب با هدف دسترسی سریع به اطلاعات مندرج در این کتابها تهیه و تنظیم شده است.

***

فیزیولوژی اعصاب و غدد درون‌ریز

تألیف دکتر پروین رستمی، پروانه نورجاه
وزیری، ۴۱۶ صفحه، چاپ اول، ۱۳۰۰۰ ریال

کتاب دستگاههای ارتباطی «اعصاب و غدد درون‌ریز» که برای دانشجویان رشته زیست‌شناسی تألیف گردیده و شامل دو بخش می‌باشد: بخش اول اعصاب و بخش دوم غدد که با پرداخت به این موضوع مؤلفان کوشیده‌اند مخاطبان خود را بخوبی با این مباحث آشنا سازند.

تغذیه‌ای، مراقبت‌های خاص و مشاوره ژنتیک، از جمله عناوینی است که در این کتاب می‌خوانید. این مجموعه حاوی اطلاعات مفیدی در این زمینه‌ها می‌باشد.

***

مراقبتهای قبل و بعد از عمل جراحی قلب

نوشتهٔ دکتر احمد حستناش
وزیری، ۴۳۰ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰۰ ریال

این کتاب مجموعه‌ای بالنسبه کامل از دانستنیهای لازم برای یک جراح قلب را ارائه می‌دهد و به دلیل گستردگی و تنوع مطالب بخش‌های مختلف کتاب می‌تواند مورد استفاده طیف وسیعی از پزشکان و متخصصین رشته‌های مختلف قرار گیرد.

***

معاینهٔ روانی

نوشتهٔ جی.پی.لف، ا.دی.آیزاکس
ترجمهٔ اصغر سجادیان
وزیری، ۱۵۲ صفحه، چاپ دوم، ۷۰۰ ریال

موضوعی که بیش از هرچیز در این کتاب جلب توجه می کند روشی است که نویسندگان آن در معاینه بیماران روانی بدان تمسک جسته‌اند. این روش که با نام وضعیت روانی بیمار در حین معاینه معروف است، به طور قابل توجهی وضع فعلی بیمار را از هنگام ورودش به درمانگاه روانی تا هنگام خروجش از آنجا، مورد کنکاش قرار می‌دهد.

***

مقدمه‌ای بر سم‌شناسی

نوشتهٔ پروفسور جان تیمبرل
زیر نظر دکتر فریبرز کیهانفر
ترجمهٔ رومینا یمینی، پویک رحیم‌زاده
وزیری، ۲۷۲ صفحه، چاپ اول، ۷۵۰۰ ریال

این کتاب به منظور معرفی علم سم‌شناسی به صورت قابل فهم برای

این حیوان جالب افزایش یابد؛ ثانیاً توجه سرمایه گذاران را جلب کند تا درجهت توسعه این صنعت پرمنفعت همت گمارند.

***

نوروآناتومی انسانی

(تشریح اعصاب انسانی)
نوشتهٔ ایندربر سینگ
ترجمهٔ دکتر پروین رستمی، محسن هادی
وزیری، ۴۱۶ صفحه، چاپ اول، ۳۰۰۰۰ ریال

مؤلف در این کتاب به موضوع دستگاه عصبی و کالبدشکافی و مسائل پیرامون آن پرداخته است و خود بر این نکته تأکید دارد که برای درک بهتر نوروفیزیولوژی دانستن مطالب پایه‌ای نوروآناتومی در دوره دکتری و کارشناسی ارشد زیست‌شناسی و رزیدنت‌های فارماکولوژی ضروری است.

هنر (هنرهای زیبا و تزئینی)

آرتور روتشتاین

(مباحثی درباره عکاسی مستند، عکاسی برای مطبوعات و... از زبان روتشتاین)
گردآوری و ترجمهٔ افشین شاهرودی
خشتی، ۱۲۸ صفحه، چاپ اول، ۹۰۰ ریال

کتابی تصویری حاوی زندگینامه آرتور روتشتاین عکاس آمریکایی است به همراه مباحثی درباره عکاسی مستند و عکاسی برای مطبوعات با نمونه‌هایی از عکسهای منتخب.







کلیات الکتروفیزیولوژی قلب

تألیف دکتر منصور مقدم
وزیری، ۳۹۰ صفحه، چاپ اول، ۱۲۰۰۰ ریال

کتاب «کلیات الکتروفیزیولوژی قلب» در جهت نیل به دستیابی تعلیم چگونگی تجزیه و تحلیل منطقی و صحیح آریتمی های قلبی و تشخیص مکانیسم پدیده‌های مختلف الکتروفیزیولوژی تألیف شده است تا دانش پژوهان این رشته به سهولت بتوانند به مطالب دلخواه خود دسترسی یابند.

***

کودک، تب و تشنج

تألیف دکتر محمد غفرانی
وزیری، ۱۸۸ صفحه، چاپ دوم، ۴۵۰۰ ریال

این کتاب سخن از یکی از مسائل رایج طب اطفال یعنی تب و تشنج دارد. در موضوع تب و تشنج نگارنده در توضیح مطالب، از مطالعات محققان معاصر بهره‌مند شده و در استنتاجات خود از ثمره پژوهش‌های آنان برخوردار گردیده است.

***

مراقبت از شیرخواران و کودکان

تألیف لوسیل اف. والی، دنا ال. وانگ
ترجمهٔ سونیا آرزومانیانس
وزیری، ۵۵۲ صفحه، چاپ اول، ۵۵۰۰ ریال

این کتاب به برخی از جنبه‌های بیماری و پرستاری دوران نوزادی و کودکی پرداخته و نقش پرستار در تکامل بهداشت والدین و کودک و ارتقای سطح سلامتی آنان را مورد بررسی قرار می‌دهد.

***

مراقبت و حمایت از بیماران سرطانی

نوشتهٔ دکتر محمدرضا میر، دکتر مجتبی ملکی دلارستاقی، دکتر پریسا میر
رقعی، ۴۱۸ صفحه، چاپ اول، ۲۷۰۰۰ ریال

موضوع کتاب، انواع سرطانها، علائم آنها و مراقبتهای خاص از این بیماران است. بیماری سرطان، کنترل درد ناشی از این بیماری، حمایتهای

افراد غیرمتخصص و صاحب‌نظران این رشته عملی نگاشته شده است تا بتواند مورد استفاده عموم قرار گیرد.

***

نجات قلب

(تاریخ تلاش انسان برای غلبه بر بیماری کرونر)
نوشتهٔ استفن کلایدمن
ترجمهٔ محمدحسین وقار
وزیری، ۳۴۴ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰۰ ریال

در نیم قرن گذشته دنیا شاهد انقلابی در درمان بیماریهای قلبی بوده است. نویسنده در این کتاب به بررسی تاریخچه بیماریهای قلبی و درمان آنها پرداخته است.

***

نظریه‌های مشاوره

(دیدگاههای جدید مشاوره)
نوشتهٔ لوئیس شیلینگ
ترجمهٔ دکتر سیده خدیجه آرین
وزیری، ۳۸۲ صفحه، چاپ دهم، ۶۰۰۰۰ ریال

خواندن کتابی درباره نظریه‌های مشاوره که هم حاوی نکات نظری و هم عملی باشد، فرصت نادر و کیمیایی به شمار می‌رود. دکتر شیلینگ در هر فصل، بخشی را به آموزش مشاوره، اختصاص داده هر رویکردی را با یک مورد پژوهشی شرح می‌دهد. در این کتاب، عواملی که باعث می‌شود، فردی دچار بیماری روانی و اضطراب گردد و اینکه با چه روشهایی می‌توان مشکلات را حل کرد، به طور کامل شرح داده شده است.

***

نگاهی علمی ـ کاربردی به نوپروری شترمرغ در ایران

نوشتهٔ دکتر اصغر محمدی خنامان
وزیری، ۲۹۷ صفحه، چاپ اول، ۱۷۰۰۰ ریال

آنچه در این کتاب می‌خوانید، اطلاعات کاملی است در رابطه با شترمرغ، نحوه پرورش آن، بهره اقتصادی پرورش این حیوان و... هدف نویسنده کتاب آن است که اولاً دانش عمومی جامعه درباره

اصول تمرینات شنا

نوشتهٔ روبن گزمن
ترجمهٔ محسن زروار
وزیری، ۲۹۶ صفحه، چاپ دوم، ۱۲۰۰۰۰ ریال

این کتاب راهنمای کاملی در زمینهٔ آموزش شنا برای مربیان، ورزشکاران و همه علاقه‌مندان شناست و ۱۲۸ روش را آموزش می‌دهد و شما را با جدیدترین و کامل‌ترین شیوه‌های آموزشی رایج دنیا آشنا می‌سازد.

***

بازگشت به زندگی

نوشتهٔ لانس آرمسترانگ، سالی جنکینز
ترجمهٔ حمیدرضا زاهدی
رقعی، ۳۳۲ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰ ریال

لانس آرمسترانگ، در فاصله المپیک ۱۹۹۶ به بعد موفقیت‌های بسیاری را کسب کرد: فتح تور دوفرانس، مهمترین مسابقه دوچرخه‌سواری جهان... اما بزرگتر و زیباتر، تفسیری است که او بر زندگی نهاده است: انسان تسلیم محض نیست، تقدیر را می‌توان فراچنگ آورد و به یاری خداوند سبحان، به توفیق و کمال کام یافت. آرمسترانگ آموزگار صبر و مقاومت و تلاش برای رسیدن به هدف است.

***

تصویر صحنه

(تاریخچه، ترکیب، تکنیک)
نوشتهٔ اوتمار شوبرت
ترجمهٔ سعید فرهودی
وزیری، ۴۲۴ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰ ریال

معماری تئاتر از آغاز تا مدرنترین تئاترهای امروز در ممالک مختلف اروپا و همچنین شرح و بررسی ابزار، وسایل و سبکهای گوناگون صحنه‌آرایی و البسه و پوشاک تئاتری موضوع مورد بحث کتاب است.

داستان من

(زندگینامه دیوید بکهام)
با مقدمهٔ برایان رابسون
ترجمهٔ حمیدرضا زاهدی
رقعی، ۱۵۲ صفحه، چاپ دوم، ۷۰۰۰ ریال

کتاب حاضر حاوی خاطرات فوتبالیست معروف انگلیسی دیوید بکهام است که مترجم کوشیده است با قلمی روان آن را به فارسی برگرداند و پیام او را به خواننده منتقل نماید.

***

روان‌شناسی ورزش

(از تئوری تا عمل)
نوشتهٔ مارک اچ. انشل
ترجمهٔ دکتر علی اصغر مسدد
وزیری، ۶۴۸ صفحه، چاپ سوم، ۵۲۰۰۰ ریال

این کتاب متکی بر پژوهشهای معتبر علمی و عملی در زمینهٔ روان شناسی ورزش است و یک کتاب کاربردی محسوب می‌شود و مشتمل بر سیزده بخش است: علم روان شناسی ورزش، ویژگیهای ورزشکاران موفق، تعدیل اضطراب و برانگیختگی، اسناد ها: تبیین علت‌های عملکرد و نتایج مسابقه، انگیختن ورزشکاران، خشونت در ورزش، سبک‌های رهبری در ورزش، فنون گفت و گو، مربی ورزشی مشاور، جو تیمی: آیا همه خوشحالند؟، مربیگری ورزشکاران کودک، ورزشکاران زن، نتیجه گیریها و جهت گیریهای آینده.

***

مرقع زرین

(اوراقی زرین از اساتید خوشنویس)
رحلی، ۹۲ صفحه، چاپ اول، گالینگور، ۲۰۰۰ ریال

این مجموعه که حاوی اوراق زرینی از آثار اساتید فن خطاطی می‌باشد، شامل یکصد و ده قطعه از خطوط ارزشمند و بعضاً نادر می‌باشد که در طول سالها تدریجاً جمع‌آوری شده‌اند.

هنر قدسی

نوشتهٔ مجتبی مطهری (الهامی)
با مقدمهٔ دکتر غلامرضا اعوانی
رقعی، ۲۷۴ صفحه، چاپ دوم، ۱۷۰۰۰ ریال

هنر یکی از مهمترین ارکان زندگی بشری است و فرهنگ و تمدن انسان را نمی‌توان بدون آن تصور کرد، زیرا بدون هنر زندگی انسان مبدل به زشتی می‌شود و طبیعت انسان از روی سرشت با زشتی تنافر دارد. هنر سنتی با امر قدسی ارتباط دارد؛ زیرا حضور الهی را تداعی می‌کند و بیانی مطمئن از حقایق الهی است. هنر سنتی، جلوه‌ای از جمال الهی است که در سراسر هستی تجلی یافته است. کتاب «هنر قدسی» به بحث در این باب پرداخته و بسیاری از مباحث و مسائل مربوط به هنر قدسی و هنر دینی را در برمی‌گیرد.

ادبیات

آتش پارسی

نوشتهٔ حمید یزدان پرست
جلد اول، وزیری، ۷۸۴ صفحه، چاپ اول، ۳۵۰۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۷۶۵ صفحه، چاپ اول، ۳۵۰۰۰۰ ریال

سعدی نمایندهٔ عقلانیت و اعتدال در رفتار، دعوت به تحمل و توکل و خوش‌بینی است. او مرهمی بر زخمهای عمیق روح ایرانی در یکی از بدترین و تلخ‌ترین ادوار تاریخ بوده است. از این روی، نقش بی‌بدیلی در بازپروری روح و روان مردم و پی افکندن بنیانهای تعلیمی و تربیتی به بیانی مفهوم و مقبول برای همگان و کم و بیش منطبق با دین و فرهنگ و آیین، داشته است. ضمن آنکه در گسترش و بالندگی زبان فارسی نیز تأثیر فراوانی گذاشته است.

ادبیات کودکان

نوشتهٔ دکتر علی اکبر شعاری نژاد
وزیری، ۲۱۶ صفحه، چاپ بیست و هشتم، ۸۰۰۰۰ ریال

شناخت کودک و معرفی ابزار و راههای پرورش فکری و معنوی کودکان، بالاخص با استفاده از خواندنیها و بازیها و سرگرمیها به صورت اصولی، از مباحث این کتاب است.

***

ادبیات نوین عرب

نوشتهٔ پروفسور هامیلتون گیب
ترجمهٔ دکتر یعقوب آژند
رقعی، ۱۳۲ صفحه، چاپ دوم، ۵۰۰ ریال

این بررسی را می‌توان نخستین مطالعه‌ای دانست که در جهان غرب درباره ادبیات عرب انجام شده است. در این بررسی بیشترین تلاش نویسنده به مطالعه ادبیات منثور معاصر عرب معطوف شده و مسائل نیمه اول قرن بیستم ادبیات نوین عرب (بالاخص مصر و سوریه) را در بر می‌گیرد.

***

از صاعقه تا باران

با مقدمهٔ استاد مشفق کاشانی
سرودهٔ محمدرضا سهرابی نژاد (سهراب)
رقعی، ۱۲۰ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰ ریال

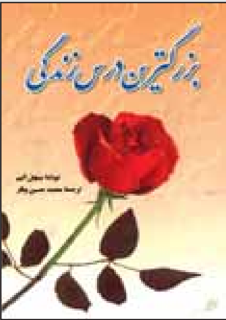
این مجموعه که در قالب رباعی و دوبیتی شکل گرفته از مصیبت‌های جانگدازی که در واقعهٔ کربلا بر خاندان پیامبر گرامی اسلام(ص) و یاران امام حسین(ع) رفته است، حکایت می‌کند.

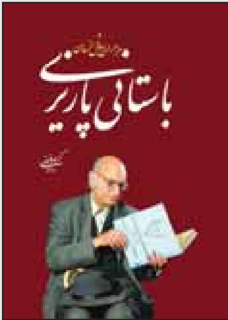
***

از صورت تا معنا

نوشتهٔ سعیدرضا عرب احمدی
رقعی، ۲۰۴ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰ ریال

از صورت تا معنا، گذاری بر اندیشه‌های عرفانی نظامی گنجوی در خسرو و شیرین است. این منظومه به اشاره اهل نظر، در ذات خود حاوی





نشسته در غبار

نوشتهٔ علی اصغر شیرزادی
خشتی، ۲۰۸ صفحه، چاپ اول، ۹۰۰ ریال

کتاب تصویر نگاشته‌ای است که تأکید بر گذران حیات اجتماعی آدمهای باری به هرجهت حاضر در شهری بزرگ و دودگرفته چون تهران دارد. ظرافتهای تصویری کتاب نیز به محتوای کتاب بسی افزوده است.

***

واژه‌نامه موسیقی ایران زمین (۳ جلد)

نوشتهٔ مهدی ستایشگر
جلد اول، رقعی، ۵۹۴ صفحه، چاپ سوم، گالینگور، ۱۰۰۰۰۰ ریال
جلد دوم، رقعی، ۶۱۲ صفحه، چاپ سوم، سلفون، ۱۸۰۰۰۰ ریال
جلد سوم، رقعی، ۸۲۰ صفحه، چاپ دوم، گالینگور، ۷۰۰۰۰ ریال

در انگیزه نگارش مجموعه حاضر، به دو نکته می‌توان اشاره نمود: نخست تهیه منبعی برای استفاده هنرپژوهان و دانشجویان رشته موسیقی و علاقه‌مندان مطالعه در متون موسیقی و غیرموسیقی، از نظم و نثر در ادوار مختلف، و دیگر علاقه به حفظ و حراست از اصطلاحات و واژه‌هایی که همچون میراثی در خور برجای مانده، هرچند قسمتی از آن به فراموشی گراییده و بسیاری نیز امروز مستعمل نیستند.

***

هنر در قرن پریکلس

نوشتهٔ پیر دو وامبز
ترجمه دکتر شیرین بیانی
رقعی، ۲۷۹ صفحه، چاپ اول، ۸۰۰۰۰ ریال

تمدن غرب بر پایه تمدن رومی و یونانی بنیاد نهاده شده است که تا حدود بسیار زیادی وامدار فرمانروای پرآوازه‌ای به نام پریکلس است که در ۴۹۹ قبل از میلاد زاده شد و چون قدرت را به دست گرفت، یکی از درخشان‌ترین صفحات تاریخ یونان را رقم زد که به عصر زرین آتن معروف است و آثار هنری فراوانی از آن دوره به جا مانده است.

آتش نی

سرودهٔ نصرالله مردانی (ناصر)
رقعی، ۱۶۸ صفحه، چاپ اول، شومیز، ۷۰۰ ریال، گالینگور، ۱۵۰۰ ریال

مجموعه اشعار نصرالله مردانی (ناصر) که بین سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹ سروده است.

***

آنجا که حق پیروز است

نوشتهٔ پرویز خرسند
رقعی، ۱۸۰ صفحه، چاپ نهم، ۳۶۰۰ ریال

از ویژگیهای بارز این کتاب که حماسه‌های قهرمانان واقعه کربلا را به تصویر می‌کشد و نگاهی متفاوت به این حادثه جانگداز دارد، مقدمه‌هایی است که شادروان استاد محمدتقی شریعتی و استاد محمدرضا حکیمی بر چاپ اول آن نگاشته‌اند.

***

آواز گلسنگ

سرودهٔ دکتر فاطمه راکعی
رقعی، ۹۲ صفحه، چاپ چهارم، ۹۰۰۰ ریال

آواز گلسنگ مجموعه اشعار فاطمه راکعی، شاعر معاصر می‌باشد که بسیار لطیف و زیبا سروده شده است.

***

آینه بهشت نما

مجموعه شعر در وصف شهرهای ایران
سرودهٔ بیژن شهرامی
رقعی، ۹۶ صفحه، چاپ اول، ۹۰۰۰ ریال

این دفتر، ۸۵ دوبیتی در وصف شهرهای ایران و عکس‌های زیبایی از شهرهای وصف شده را در بر می‌گیرد: سی مرکز استان و پنجاه و پنج شهر دیگر. در این مجموعه برجسته‌ترین ویژگیهای دینی و ملی مناطق مختلف کشور در قالب شعر به تصویر کشیده شده است، البته به شکلی کاملاً مختصر، مفید، قابل حفظ کردن و به خاطر سپردن.

یک دوره کامل عرفان نظری و عملی است که بسیاری از سخن‌سرایان و فرزانگان از آن بهره گرفته‌اند. کتاب حاضر، بررسی شمه‌ای از این نکات عرفانی و معرفتی در سطور این داستان است.

***

از کلمه تا کبوتر

سرودهٔ عباس باقری
رقعی، ۱۰۸ صفحه، چاپ اول، ۹۰۰۰ ریال

«از کلمه تا کبوتر» حاصل نگاه شاعرانه عباس باقری و ورود ادراک شاعرانه او به لایه‌های پنهان و پیدای جامعه است که در دو قالب رباعی و دوبیتی شکل گرفته است. اندیشه مضمون‌یاب و محتواگرای این شاعر جنوبی به مفاهیم انسانی، در اشعار او جلوه‌گر است.

***

اوج پرواز

سرودهٔ مشفق کاشانی
رقعی، ۷۰ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰ ریال

این مجموعه، در واقع ساقی‌نامهٔ مشفق کاشانی است. او در سروده‌های خود به بیان مفاهیم و معانی خاص عرفانی و مضامینی در یاد مرگ و بیان بی‌ثباتی حیات دنیوی و پند و اندرز و حکمت و غیره می‌پردازد. در این ساقی‌نامه از پیامبر اسلام(ص)، حضرت علی(ع)، اویس قرنی، بایزید بسطامی، جنید بغدادی، حسین بن منصور، فردوسی، ابوسعید ابوالخیر، ابن سینا، سنایی، عین‌القضات، مولوی، سهروردی، شیخ اکبر محیی‌الدین، سعدی، حافظ، شبستری، ملاصدرا و... یاد می‌کند و در پایان هر شعر، فردی را که درباره اش شعر سروده، معرفی می‌نماید.

***

باستانی پاریزی و هزاران سال انسان

تألیف کریم فیضی
وزیری، ۷۸۸ صفحه، چاپ دوم، سلفون، ۱۷۰۰۰۰ ریال

این اثر در دو بخش فراهم آمده است. بخش اول: «زندگی و زمانه دکتر باستانی پاریزی» و بخش دوم: «هزاران سال انسان» که به معرفی چهره‌ها و شخصیت‌های معاصر از دیدگاه استاد پاریزی می‌پردازد.



بامن به ماه بیا

نوشتهٔ دکتر هـ.ی.لوگو
ترجمهٔ دکتر پریچهر صعودی
رقعی، ۳۶۴ صفحه، چاپ اول، ۳۵۰۰۰ ریال

شخصیت اصلی این رمان روانکاوانه مبتلا به بیماری دوقطبی (بای پولار) است. یعنی زمانی در اوج افسردگی است و زمانی دیگر در اوج تلاش و تحرک. او طرحهای بلندپروازانه‌ای برای سفر به ماه دارد و در طول داستان برای خود و خانواده‌اش گرفتاریهای فراوان به وجود می‌آورد.

***

بدیع‌الزمان همدانی و مقامات‌نویسی

نوشتهٔ دکتر علیرضا ذکاوتی قراگزلو
وزیری، ۱۲۸ صفحه، چاپ اول، ۳۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب کوشیده است تا تحلیلی جامع از کتاب مقامات بدیع‌الزمان همدانی و دیگر آثار این نویسنده ارزنده قرن چهارم و قلم شیوای او ارائه دهد و نیز به تشریح افکار و آثار بدیع‌الزمان همدانی بپردازد.

***

بر آستان جانان

سرودهٔ رضا اسماعیلی
رقعی، ۲۷۲ صفحه، چاپ اول، ۱۱۰۰۰ ریال

مجموعه شعر «بر آستان جانان» که عنوان آن برگرفته از غزل مبارکی از حافظ شیرازی می‌باشد، دربردارنده مدایح و مراثی در منقبت خاندان عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) است.

***

برگ بی‌برگی

مجموعه مقالات فرهنگی
تألیف پروفسور فضل‌الله رضا
وزیری، ۴۶۴ صفحه، چاپ دوم، سلفون ۱۸۰۰۰۰ ریال

این کتاب با مخاطب قراردادن جوانان و دانشگاهیان، بر چند محور تأکید می‌کند: اشاره به گذشته فرهنگی پربار ایران، بیرون از گزافه و برتری‌جویی. مهرورزی با نقش‌های بی‌مانند شاهکارهای ادبی، بدون غرق‌شدن در حواشی و قصه‌های عاطفی و دستورهای قشری سنتی. جستجوی رهنمودهایی برای شناسایی ژرفتر جهان غرب، به دور از خیالبافی و ساده‌اندیشی و بدبینی. نویسنده کوشیده در این کتاب دنیای علم و فناوری را آن‌چنان که در ازای بیش از دو سوم قرن بیستم دیده و آزموده، به خوانندگان نشان دهد.

***

بزرگترین درس زندگی

نوشتهٔ میچل آلبُم
ترجمهٔ محمد حسین وقار
رقعی، ۱۸۸ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰ ریال

این کتاب یک داستان آمریکایی است که حکایت از روابط دوستانه یک استاد و شاگرد دارد.

***

بوی بال فرشته

(مجموعه شعر نماز)
سرودهٔ هدی رشاد
رقعی، ۱۶۰ صفحه، چاپ دوم، ۵۰۰۰ ریال

این مجموعه که در چهار فصل ترتیب یافته است، شامل شصت و چهار قطعه شعر می‌باشد که پنجاه شاعر نوجوان یا بزرگسال، برای نوجوانان درباره «نماز و نیایش» سروده‌اند.

***

بهار بی‌خزان

تألیف دکتر فیض‌اله توحیدی
رقعی، ۴۴۳ صفحه، چاپ اول، سلفون، ۷۰۰۰۰ ریال

در این کتاب شرح زندگی و شعر شاعران بزرگ زبان و ادبیات فارسی در دوران مختلف مورد اشاره قرار گرفته و تعدادی از شعرها و سروده‌های هر شاعری نقل شده است.



بهارستان

تصنیف عبدالرحمن جامی
به تصحیح دکتر اسماعیل حاکمی
وزیری، ۱۸۰ صفحه، چاپ هفتم، ۲۵۰۰۰ ریال

این کتاب از مهمترین آثار ادبی جامی به شمار می‌رود که وی قسمتی از آن را به پیروی از گلستان سعدی نگاشته است. بهارستان در هشت روضه، مقدمه و خاتمه ترتیب یافته است که شامل حکایاتی است درباره مشایخ صوفیه، حکم و مواعظ، اسرار حکومت، بخشش و بخشندگان، تقریر حال عشق و عاشقان، لطایف و ظرایف، بیان حال شاعران و چند حکایت از زبان احوال جانوران.

***

پاتنوری

سرودهٔ عباس خوش‌عمل
رقعی، ۱۴۴ صفحه، چاپ اول، ۲۰۰۰ ریال

کتاب حاضر مجموعه اشعار طنزی است که توسط عباس خوش‌عمل سروده شده است.

***

پرسه در دهکدهٔ شعر جهانی

ترجمهٔ علی‌اکبر عبدالرشیدی
رقعی، ۳۵۶ صفحه، چاپ اول، ۳۲۰۰۰ ریال

این کتاب مروری است بر اشعار شاعرانی که شعر آنها در «دهکده جهانی» مورد استقبال فراوان قرار گرفته است. مروری در «اینترنت» و جست‌وجو برای یافتن اشعار ناب امروزی نشان می‌دهد که چه شعرها و چه شاعرانی بیشتر از همه مورد توجه قرار گرفته‌اند که در چهارسوی جهان در اینترنت پرسه می‌زنند.

***

پشت هر سنگ، خداست

به کوشش علیرضا قزوه
رقعی، ۱۷۲ صفحه، چاپ دوم، ۱۱۵۰۰ ریال

این کتاب دربرگیرنده مجموعه اشعاری است که در ستایش حضرت محمد(ص)، مدح ائمه اطهار(س)، امام شهیدان و شهیدان فلسطین و قدس در شب شعری که با حضور شاعران عرب و غیرعرب در حاشیه سومین کنفرانس بین‌المللی پشتیبانی از حقوق ملت فلسطین در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی در فروردین ۱۳۸۵ برگزار شد، قرائت گردید. در این کتاب، متن بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در این جلسه نیز به چاپ رسیده است.

***

تعزیه در خُور

گردآوری و نگارش دکتر مرتضی هنری
وزیری، ۳۱۲ صفحه، چاپ دوم، ۱۵۰۰۰ ریال

تعزیه‌خوانی از سنت‌های پایدار و ریشه‌دار مذهبی، با جلوه‌های گوناگون از فرهنگ ایران است. این کتاب مجموعه پنج تعزیه است که در خور بیابانک در دل کویر مرکزی ایران اجرا می‌شود. پژوهشگر این تعزیه را گردآوری، صحنه‌پردازی و بازنویسی کرده و با مقدمه و توضیحات زمینه‌های شناخت سنت گرامی تعزیه را در مقیاس یک فرهنگ محلی ولی اصیل ایرانی فراهم کرده است.

***

تفسیر موضوعی مثنوی معنوی

نوشتهٔ قادر فاضلی
وزیری، ۳۶۸ صفحه، چاپ سوم، ۱۵۰۰۰۰ ریال

مثنوی مولوی یکی از برترین آثار معنوی جهان است، از این رو طالبان بسیار دارد. برای درک مفاهیم عمیق آن تفسیرها نوشته‌اند، از جمله تفاسیر موضوعی. نویسنده درباره ویژگی تفسیر خود می‌نویسد: «روش ما در تفسیر مثنوی، تفسیر مثنوی به مثنوی است. در این روش سعی شده است تا موضوعات مورد بحث با توجه به نظرات مولوی در سراسر مثنوی شرح و تفسیر شود. بدین جهت از بیان نظرات دانشمندان و عرفای دیگر حتی‌الامکان اعراض شده است. حتی از نظرات خود مولوی در آثار دیگرش نیز پرهیز نموده‌ایم.»



تماشای جمال

سرودهٔ علی‌اکبر رشاد
رقعی، ۲۳۴ صفحه، چاپ سوم، ۱۵۰۰۰ ریال

تماشای جمال، مجموعه سروده‌های علی‌اکبر رشاد شاعر معاصر کشور است که قبلاً با عنوان «قبسات» چاپ شده و اکنون با افزودن قطعاتی، با نام جدید تجدید چاپ شده است.

***

جغاتو

نوشتهٔ ی. میاندوآبی
رقعی، ۱۵۰ صفحه، چاپ اول، ۲۵۰ ریال

مجموعه شش داستان کوتاه و یک نمایشنامهٔ رادیویی است که تحت عنوان «جغاتو» (نام داستان سوم) انتشار یافته است.

***

چندین هزار بیت بدیع بلند
نقد حال، گزیده آثار و شرح اشعار مسعود سعد سلمان

به کوشش محمد مهیار
وزیری، ۳۳۴ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰۰۰ ریال

مسعود سعد سلمان شاعر توانای اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم می‌باشد. این مجموعه به گونه‌ای دیگر اشعار مسعود سعد سلمان را دستچین کرده است، علاوه بر نقد زندگانی پرفراز و نشیب وی و شرح و اشعار برگزیده، دربردارنده اشعار نویافتهٔ وی نیز هست.



حافظ معنوی

غزلیات حافظ شیرازی به روایت دکتر دینانی
تألیف کریم فیضی
وزیری، ۹۹۲ صفحه، چاپ چهارم، سلفون، ۳۰۰۰۰۰ ریال

«حافظ معنوی» شرح و تفسیری روان و امروزی بر غزلیات عالمگیر حافظ شیرازی است که به عنوان یکی از شاعران بزرگ ایران و جهان، روایت زندگی ایرانی را بر عهده دارد. در این تفسیر کوشش به عمل آمده است تا علاوه بر رفع شدن مجهولات و ابهامات سخن خواجه شیراز، ارتباط آنها با حقیقت، انسان، زندگی، تاریخ و بخصوص فرهنگ ایرانی و اسلامی تبیین و تشریح شود.

***

حرف اضافه

نوشتهٔ رضا رفیع
رقعی، ۴۶۵ صفحه، چاپ دوم، ۴۰۰۰۰ ریال

حرف اضافه، مجموعه‌ای مرکب و متشکل از نثرهای طنز ژورنالیستی نویسنده است که رویکردی به مهمترین اتفاقات و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه در فاصله زمانی زمستان ۸۱ تا زمستان ۸۳ دارد و با نگاهی طنزآمیز به بررسی و تحلیل وقایع جاری در کشور می‌پردازد.

***

حکمت‌ها

تأملات، عبارات و حکمت‌های اخلاقی
نوشتهٔ فرانسوا دوک دولاروشفوکو
ترجمهٔ دکتر محمدجواد محمدی
رقعی، ۲۶۸ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰۰ ریال

«حکمت‌ها» یکی از آثار مشهور ادبی جهان و از نمونه‌های شاخص ادبیات حکمی در فرانسه و اروپاست. این کتاب مجموعه‌ای از کلمات قصار است که طی قرون متمادی شهرت جهانی کسب کرده و بعضی از آنها چون ضرب‌المثل بر سر زبانها افتاده است.

خلوت انس (۳ جلد)

تألیف استاد مشفق کاشانی
با مقدمهٔ استاد سیدعلی موسوی گرمارودی
به کوشش رضا اسماعیلی
جلد اول، وزیری، ۳۴۸ صفحه، چاپ سوم، سلفون ۱۸۰۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۵۰۴ صفحه، چاپ دوم، سلفون ۲۰۰۰۰۰ ریال
جلد سوم، وزیری، ۵۶۴ صفحه، چاپ اول، سلفون ۱۲۰۰۰۰ ریال

مجموعه سه جلدی «خلوت انس» شرح احوال و آثار و مکاتبات ادبی ۱۹۵ تن از چهره‌های ماندگار و شاخص شعر معاصر ایران است. مؤلف ارجمند کتاب نخواسته است به آوردن شرح حال جمعی از شاعران بدون هیچ‌گونه مناسبت و نسبتی بپردازد، بلکه هدف وی، گردآوری شرح احوال و آثار شاعرانی بوده است که با آنان در طول زندگی ادبی خویش مراوده و مکاتبه ادبی داشته است.

***

داستانهای مثنوی

بانگ نای
نوشتهٔ جلال‌الدین محمدبن محمد مولوی
به انتخاب محمدعلی جمال‌زاده
با مقدمهٔ بدیع‌الزمان فروزانفر
وزیری، ۴۲۴ صفحه، چاپ دوم، ۲۳۰۰۰ ریال

این کتاب برگزیده‌ای از داستانهای مثنوی مولوی است که توسط مرحوم محمدعلی جمالزاده انجام گرفته و مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر نیز بر آن مقدمه‌ای نگاشته است.

***

در امتداد سپیده

نوشتهٔ محمود اکبرزاده
رقعی، ۲۷۲ صفحه، چاپ اول، ۵۵۰۰ ریال

این داستان برای نخستین بار تحت عنوان «در پناه شب» در مجله اطلاعات هفتگی به چاپ رسید و پس از آن در قالب کتاب با نام «در امتداد سپیده» در دسترس خوانندگان قرار گرفت.

در جستجوی صلح

نوشتهٔ ربابه باستانی
رقعی، ۱۸۰ صفحه، چاپ اول، ۱۲۰۰۰ ریال

این داستان بلند خانواده‌ای را به تصویر می‌کشد که پس از پشت‌سر گذاشتن دشواریها، فراز و نشیب‌های بسیار و حوادث و رویدادهای فراوان، در خدمت ترویج صلح و دوستی بین انسانها قرار می‌گیرد.

***

دردهای مذاب

سرودهٔ صدیقه وسمقی
رقعی، ۱۲۸ صفحه، چاپ سوم، ۸۵۰۰ ریال

کتاب «دردهای مذاب» مجموعه اشعاری است که توسط صدیقه وسمقی شاعره قرن حاضر سروده شده است.

***

در فضیلت نقد

نوشتهٔ علیرضا خانی
وزیری، ۵۸۲ صفحه، چاپ دوم، ۲۰۰۰۰۰ ریال

اثر حاضر مشتمل بر گزیده یادداشت‌های سردبیر روزنامه اطلاعات، طی سالهای ۸۴ تا ۹۳ می‌باشد که در چهار بخش «فرهنگ»، «جامعه»، «اقتصاد و توسعه» و «سیاست» تهیه و تدوین یافته است.

***

دکتر احمد مهدوی دامغانی و میراث ادبی و فرهنگی او

نوشتهٔ دکتر منصور رستگار فسایی
وزیری، ۶۷۲ صفحه، چاپ اول، ۳۰۰۰۰۰ ریال

آنچه در این کتاب می‌خوانید، مروری است بر زندگی دکتر مهدوی دامغانی که از آخرین بازماندگان نسل علمایی است که در دوران خویش با کوشش و کشش بسیار موفقیت‌آمیز، میراثهای فرهنگی گذشته سرزمین ما را شناختند و با ظرفیت‌های دانش فرهنگ معاصر پیوند دادند و با علم و عمل خویش به نماد مشترک این فرهنگ بدل شدند.

پهلوی و علل سقوط آن را با زبانی بسیار ساده، در گفتگوهای مستدل و بسیار منطقی ارائه می‌کند.

***

دیباچه‌دهر

سرودهٔ هایده کسمایی
وزیری، ۳۶۴ صفحه، چاپ اول، ۹۵۰۰ ریال

این کتاب شامل مجموعه سروده‌های هایده کسمایی طی سه دهه است که در اختیار خوانندگان ارجمند قرار می‌گیرد.

دیوان افسر کرمانی

به کوشش عبدالرضا افسری کرمانی
وزیری، ۲۴۰ صفحه، چاپ دوم، ۱۹۵۰ ریال

کتاب شامل قصاید، غزلیات، رباعیات و مسمط‌های افسر کرمانی شاعر قرن سیزدهم است. افسر به صناعات شعری بالاخص جناس و تضمین توجه بسیار داشته و کوشیده است اشعارش از پیرایه‌های لفظی نیز بهره‌ور باشد.

***

دیوان صیدی طهرانی

به کوشش محمد قهرمان
وزیری، ۲۳۴ صفحه، چاپ اول، ۴۵۰ ریال

شرح حال صیدی طهرانی شاعر کم گو و خوب قرن یازدهم هجری به همراه ۲۷۰۰ بیت از اشعار او محتوای دیوان را تشکیل می‌دهد.

***

دیوان کاظمی

کلیات اشعار آیت‌الله علی کاظمی اردبیلی
به کوشش اعظم کاظمی اردبیلی
وزیری، ۷۰۰ صفحه، چاپ اول، سلفون ۲۲۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر مجموعه اشعاری است که توسط آیت‌الله علی کاظمی اردبیلی سروده شده. اشعار کاظمی از سادگی و روانی خاصی برخوردار است و افزون بر اصطلاحات عاشقانه و عارفانه، از قرآن و حدیث آرایه گرفته و اغلب بار اخلاقی و ارشادی دارد.







دربارهٔ شعر

تألیف لارنس پرین
ترجمهٔ دکتر فاطمه راکعی
رقعی، ۱۲۶ صفحه، چاپ سوم، ۵۰۰۰ ریال

آنچه در این کتاب می‌خوانید، ترجمه‌ای است نسبتاً آزاد، اما وفادار، از جلد دوم کتاب Sound and Sense که درباره شعر است و نویسنده آن را با نثری ساده و روشن، ظاهراً با هدف آموزشی تألیف کرده است.

***

در تکاپوی صُبح

نوشتهٔ اکبر قلمسیاه
رقعی، ۲۷۶ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰۰ ریال

میراث عظیم ادبی و تاریخی ما بس گرانقدر است و زبان فارسی و رکن استوار آن، شعر همچنان شورانگیز و تسخیرکننده دلهاست. حال در این روزگار شگفت و نوآوریهای برق‌آسای آن چه باید کرد؟ و هم این میراث گرانسنگ را پاس داشت و هم از بالندگی و پویایی باز نایستاد؟ بحثهای نویسنده در زمینه شعر و ادب، برای یافتن پاسخهایی است به این گونه پرسشها.

***

در جستجوی ریشه‌ها

نوشتهٔ دکتر حسن حبیبی
وزیری، ۴۷۲ صفحه، چاپ اول، ۵۵۰۰ ریال

آنچه در این کتاب آمده است مجموعه مقالاتی است که برای اهل فضل و ادب آشناست. نویسنده این سطور تنها در اندیشه آن بوده است که در نوشته‌های خود بیش و کم به تحلیل بپردازد و تا آنجا که برایش ممکن باشد، نکته‌های مهم کهن و پراکنده را به ترتیبی نو در کنار هم قرار دهد و گهگاه نیز نتیجه‌ای از یافته‌های بزرگان دانش و ادب به دست دهد.

دو بـرادر

ناگفته‌هایی از زندگی و زمانه جلال و شمس آل احمد
تألیف محمدحسین دانایی
به کوشش محمدرضا کائینی
وزیری، ۹۱۲ صفحه، چاپ دوم، ۴۰۰۰۰۰ ریال

این کتاب، مجموعه خاطراتی است از «دو برادر» به نام‌های جلال و شمس آل احمد که هم شخصیت فرهنگی بودند و هم فعال سیاسی. هدف از تدوین این کتاب که حجم گسترده‌ای از اطلاعات ناب و خاطرات ناگفته را در خود جای داده، نور تاباندن و روشن کردن حقایق مربوط به چیستی و چرایی این «دو برادر» و درک معنای واقعی زندگی و زمانه آنان و کم و کیف تأثیرگذاری‌شان بر جامعه است.

***

دو رساله و دو نامه

از جلال آل احمد
به کوشش و مقدمهٔ سیدهادی خسروشاهی
رقعی، ۱۱۴ صفحه، چاپ سوم، ۴۰۰۰۰ ریال

این کتاب شامل دو رساله و دو نامه از زنده‌یاد جلال آل احمد است. رساله اول با عنوان «عزاداری‌های نامشروع» ترجمه رسالهٔ «التنزیه الاعمال الشبیه» آیت‌الله سیدمحسن امین عاملی از علمای معروف لبنان است. رسالهٔ دوم با نام «اسرائیل عامل امپریالیسم» یک تحلیل کوتاه درباره آخرین جنگ اعراب و اسرائیل است. دو نامه تاریخی شادروان جلال آل احمد به حضرت امام خمینی (ره) و رفقای «سوسیالیسم» پایان بخش این مجموعه است.

***

دو قدم مانده به صبح

نوشتهٔ مهدی نوروزی
رقعی، ۴۲۵ صفحه، چاپ دوم، ۱۵۰۰۰۰ ریال

این کتاب رمانی است نیمه مستند که انقلاب اسلامی را در شکل واقعی‌اش به نمایش می‌گذارد. دلایل از هم گسیختگی اجزا و عناصر رژیم

راز راز

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»
تألیف کریم فیضی
وزیری، ۴۳۵ صفحه، چاپ سوم، ۲۵۰۰۰۰ ریال

هر رازی راز محسوب نمی‌شود، اما راز واقعی همه چیز است، چرا که در آن عصاره‌ای از جنس عقل و روح نهفته است که گشوده شدنش آرزوست و ناگشوده ماندنش با حسرت همراه است.

استاد دکتر دینانی «گلشن راز» را همچون متنی جاودانه می‌داند که شرحش نیازمند تأملاتی نوین و اندیشه‌هایی جدید است....

***

راز زندگی در ادبیات داستانی جهان (۳ جلد)

نوشتهٔ محمد ارزنده نیا
جلد اول، وزیری، ۶۲۸ صفحه، چاپ دوم، ۲۷۰۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۸۱۴ صفحه، چاپ دوم، ۳۲۰۰۰۰ ریال
جلد سوم، وزیری، ۸۰۴ صفحه، چاپ دوم، ۳۲۰۰۰۰ ریال

زندگی سرشار از حادثه‌هاست. نویسندگان ادبیات داستانی این حوادث را در قالب داستانهایشان به تصویر و تفسیر و چالش کشانده‌اند. هدف این مجموعه، بنا به اظهار مولف آن، کشف رازهای زندگی در ادبیات داستانی جهان است. در این مجموعه برای شناسایی هر نویسنده، سه بخش وجود دارد: ۱) زندگینامه، ۲) ویژگیهای ادبی، ۳) عناوین آثار ادبی. بررسی و آشنایی با هر داستان نیز سه بخش دارد: ۱) چکیده داستان به یک یا چند روایت، ۲) تفسیرهایی از موضوع اصلی داستان، ۳) گلچینی از متن داستان.

***

راهنمای رویکردهای نقد ادبی

تألیف ویلفرد. ال. گورین، ارل. جی. لیبر، لی مورگان، جان. ار. ویلینگهام
ترجمهٔ زهرا میهن خواه



وزیری، ۳۶۲ صفحه، چاپ پنجم، ۱۶۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر در واقع راهنمایی است در نقد ادبی. کتابی که خطوط اصلی جریانها و نگرشهای مهم انتقادی را نشان داده و چگونگی کاربرد آنها را نیز برای خواننده روشن می‌سازد. این کتاب، رویکردهای مختلف نقدی را ارائه داده و سپس آنها را بر چهار اثر معروف یعنی هملت، جوان نیکوخصال، ماجرای هکلبری فین و به دلبند شرم‌آگین خویش، پیاده کرده است.

***

رمضان؛ ضیافت ناز، جلوه نیاز

گلگشتی در دعاهای روزانه ماه رمضان
نوشتهٔ حسینعلی رحمتی
رقعی، ۱۴۸ صفحه، چاپ اول، ۱۱۰۰۰ ریال

نویسنده سعی کرده درون‌مایه دعای هر روز ماه مبارک رمضان را در قالب یک قطعه ادبی تبیین نموده و از این راه بر رغبت علاقه‌مندان به این دعاها بیفزاید. از نگاه او، این ماه همچون ضیافتی است که در آن جلوه نیازِ عبد و نازِ مولی رخ می‌نماید.

***

زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی

نوشتهٔ دکتر محمدامین ریاحی
وزیری، ۳۳۶ صفحه، چاپ دوم، سلفون، ۵۰۰۰۰ ریال

فرهنگ ایرانی در آسیای صغیر ریشه‌هایی کهن از دو سه هزار سال پیش دارد. در طول هزارهٔ گذشته، زبان فارسی قرنها زبان رسمی و پس از آن زبان دوم آن دیار بود و اینک هم آثار آن در زبان و فرهنگ عامهٔ مردم باقی مانده است. این کتاب خوانندگان خود را با پیشینهٔ درخشان زبان و ادب فارسی در سرزمین‌هایی که یک روز روم و بعداً امپراتوری عثمانی نامیده می‌شد و امروز ترکیه نام دارد، آشنا می‌کند.

***

زندگی، عشق و دیگر هیچ

گفت و شنود با دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن
تالیف کریم فیضی
وزیری، ۵۷۴ صفحه، چاپ دوم، سلفون، ۱۱۰۰۰۰ ریال

«زندگی، عشق و دیگر هیچ» در واقع کارنامه زندگی، آثار، آراء و تفکرات استاد برجسته حقوق و ادبیات فارسی، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن است. این کتاب، پس از مقدمه تحقیقی درباره زندگی و آثار دکتر اسلامی ندوشن، در ۳ محور کلی تنظیم شده است: ۱) زندگی و زمانه. ۲) تاریخ ایران و ادبیات فارسی. ۳) درباب فرهنگ.

***

زندگیهای بی‌حاصل

نوشتهٔ گراسیلیانو راموس
ترجمهٔ فاطمه زهروی
رقعی، ۱۳۶ صفحه، چاپ دوم، ۴۰۰ ریال

کتاب داستانگونه‌ای از زندگی قهرمان مکزیکی «امیلیانو زاپاتا» است و حیات بی‌حاصل مردمی را که وی برای آنها تلاش می‌کرد، توصیف می‌نماید و بی‌تفاوتی آنها را به نقد می‌کشد.

***

ساقه‌های سبز قنوت

(گزینه شعر نماز)
از علی‌اکبر رشاد
رقعی، ۴۰۰ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰ ریال

ساقه‌های سبز قنوت مجموعه‌ای است فراهم آمده از گزینه سروده‌های شاعران معاصر، درباره فریضه نماز و پاره‌ای از سروده‌های شعرای متقدم و متأخر در باب نیاز و نیایش.

***

ستارگان آسمان روستا

نوشتهٔ دکتر اسماعیل شهبازی
وزیری، ۸۰۴ صفحه، چاپ دوم، سلفون، ۳۵۰۰۰۰ ریال

این کتاب مشتمل بر سرگذشت و زندگینامه مردمی است که سالهای سال تکرار شده و تا به امروز به ما رسیده است. محتوای این اثر با قلمی رمان‌گونه، شرح زندگی دهها خانوار از خانواده‌های روستایی و روستایی تبار را شرح می‌دهد و از استعدادها و ارزش فرصت‌های بالقوه آنان برای توسعه و عمران سرزمینشان سخن می‌گوید.



***

سرود مُقدس

نوشته آین رَند
ترجمهٔ دکتر محمدسعید نوری نایینی
رقعی، ۱۰۲ صفحه، چاپ اول، ۳۰۰۰۰ ریال

این کتاب بیان زیبایی از بازیابی خویشتن خویش است از زبان جوانی که نزدیک بود زندگیش را به اجبار محل تولدش در بردگی فدا کند و به تباهی بکشاند، ولی اعجاز عشق او را نجاتی چنان طبیعی بر او می‌گشاید که او را کامیاب و خواننده داستانش را مسحور می‌کند.

***

سکـــرات

نوشتهٔ گلرخسار صفی
به کوشش هدیه شریفی
رقعی، ۵۶۸ صفحه، چاپ اول، سلفون، ۱۰۰۰۰۰ ریال

«سکرات» نخستین رمان از گلرخسار صفی، نویسنده و شاعر نامدار تاجیک است که در ایران انتشار می‌یابد. این رمان در تاجیکستان با استقبال فراوان مواجه شده و به چاپ‌های متعدد رسیده است.

***

سلام بر عاشورا؛ مجموعه رباعی عاشورایی

سروده رضا اسماعیلی
رقعی، ۹۴ صفحه، چاپ دوم، ۴۰۰۰۰ ریال

این مجموعه حاوی ۱۶۲ رباعی عاشورایی است که ابعاد حماسی و ارزشی فرهنگ عاشورا را روایت می‌کند و مقوله‌های، اعتراض، بیداری، حماسه، رهایی و پایداری را به تصویر می‌کشد و دردمندانه به پیرایش متن متین عاشورا از آلایش‌ها و خرافه و تحریف می‌پردازد.

سواران کشتی خواب

سرودهٔ سیدعلی حسینی ملک‌آباد
مقدمه از دکتر ابراهیم باستانی پاریزی
خوشنویسی از استاد یونس خانلرزاده
جیبی، ۱۵۸ صفحه، چاپ اول، گالینگور، ۳۴۰۰۰ ریال

این اثر مجموعهٔ ۳۴ غزل برگزیده از اشعار شاعر است که متأثر از بزرگانی نظیر حافظ و سعدی سروده شده‌اند.

***

شاخه‌های شکسته

(ترجمه شرح و تصحیح قصیده تائیه دعبل)
از صدیقه وسمقی
رقعی، ۸۲ صفحه، چاپ دوم، ۳۵۰۰ ریال

کتاب شاخه‌های شکسته شامل مجموعه اشعار عربی «دعبل» است که توسط صدیقه وسمقی ترجمه، شرح و تصحیح شده است.

***

شاعر افلاکی

نوشتهٔ میثاق امیر فجر
وزیری، ۱۲۸ صفحه، چاپ اول، ۳۲۰ ریال

مروری است بر اندیشه و زندگی حماسه‌سرای بزرگ حکیم ابوالقاسم فردوسی.

***

شانه و گیسوی غزل

سرودهٔ فرشته خداینده
رقعی، ۱۴۰ صفحه، چاپ دوم، ۶۰۰۰۰ ریال

این کتاب مجموعه اشعار فرشته خداینده شاعر جوانی است که سرشار از حس سرودن، سرزدن به ساحت لاجوردی شعر و تشنهٔ درک و دریافت فراسوهای افق اندیشه و احساس سروده شده است.



شرح جامع مثنوی معنوی (۷ جلد)

تألیف کریم زمانی
دفتر اول، وزیری، ۱۱۴۴ صفحه، چاپ چهل و ششم، ۵۰۰۰۰۰ ریال
دفتر دوم، وزیری، ۹۲۰ صفحه، چاپ سی و پنجم، ۴۰۰۰۰۰ ریال
دفتر سوم، وزیری، ۱۲۳۶ صفحه، چاپ بیست و هفتم، ۴۰۰۰۰۰ ریال
دفتر چهارم، وزیری، ۱۰۹۶ صفحه، چاپ بیست و پنجم، ۴۰۰۰۰۰ ریال
دفتر پنجم، وزیری، ۱۱۶۰ صفحه، چاپ بیست و سوم، ۴۰۰۰۰۰ ریال
دفتر ششم، وزیری، ۱۲۶۶ صفحه، چاپ بیست و سوم، ۴۰۰۰۰۰ ریال
فهرست راهنما، وزیری، ۹۱۶ صفحه، چاپ هجدهم، ۴۰۰۰۰۰ ریال

شرحی است به زبان ساده و گویا و مفید بر تمامی ابیات شش دفتر مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی. در این شرح، همه واژه‌ها و اصطلاحات عرفانی و فلسفی و علمی و آیات قرآنی و احادیث و ضرب‌المثل‌هایی که در مطاوی ابیات آمده با بیانی روشن مورد شرح قرار گرفته و نهایتاً نتیجه‌گیری حکایات و تمثیل‌ها نیز بیان شده است.

جلد هفتم راهنمای استفاده از شش مجلد شرح است.

به مناسبت سال جهانی بزرگداشت مولانا، مجموعه شرح جامع مثنوی به صورت ویژه و نفیس در قطع رحلی با چاپ رنگی همراه با تابلو های خوشنویسی و...

به بهای ۵۰۰۰۰۰ تومان عرضه شد.

***

شرح و ساده‌نویسی گلستان سعدی

نوشتهٔ حمید یزدان پرست
وزیری، ۶۶۰ صفحه، چاپ سوم، سلفون، ۲۸۰۰۰۰ ریال

«گلستان» پرآوازه‌ترین کتاب منثور فارسی است که از قرن هفتم بدین سو به عنوان متن درسی و آموزشی مورد استفاده فارسی زبانان بوده است. گذشت زمان و دور شدن یکی دو نسل اخیر از منابع اصیل که با کم ارج شدن زبان و ادبیات همزمان شده، ضرورت آشنا ساختن جوانان با این متن ارزشمند و شناسایی مآخذ فکری سعدی را ایجاب می‌کرده که در کتاب حاضر سعی شده بدان اهتمام شود.

***

شعاع شمس (۲ جلد)

غزلیات شمس تبریزی به روایت دکتر دینانی
گفت‌وگو از کریم فیضی
جلد اول، وزیری، ۴۸۰ صفحه، چاپ پنجم، سلفون، ۱۸۰۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۴۶۴ صفحه، چاپ پنجم، سلفون، ۱۸۰۰۰۰ ریال

در این دو جلد کتاب، ۱۲۵ غزل از غزلیات پرمعنی و درون‌دار مولانا جلال‌الدین بلخی، خالق بلندآوازه «مثنوی معنوی» مورد شرح و تفسیر قرار گرفته است. روش، زبان و منطق به کار گرفته در این اثر، عمومی، روشن و قابل استفاده برای همگان و بویژه علاقه‌مندان به مباحث اصلی و آموزنده فلسفه و عرفان اسلامی است.

***

شعر شیعی و شعرای شیعه در عصر اول عباسی

پژوهش و تألیف دکتر محمد شیخ‌الرئیس کرمانی
وزیری، ۲۷۹ صفحه، چاپ اول، ۲۲۰۰۰ ریال

در این تحقیق، شعر شیعی و شعرای شیعه در عصر اول عباسی با توضیح مفردات و مرکبات آنها همراه با نتیجه‌گیریهای ثمربخش بیان شده و در پایان نتیجه‌گیری کلی به عمل آمده است.

***

شفیعی کدکنی و هزاران سال انسان

تألیف کریم فیضی
وزیری، ۱۰۵۶ صفحه، چاپ اول، سلفون، ۱۱۰۰۰۰ ریال

این کتاب مدخلی است دایرةالمعارف گونه در باب انسان و انسان‌ها،



در طول تاریخ و فرهنگ از نگاه یکی از مبرزترین چهره‌های فکری ـ فرهنگی ایران معاصر: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی. بخش نخست این اثر به جستجو در زوایای زندگی و سلوک علمی استاد شفیعی کدکنی می‌پردازد و در بخش دوم، با هزاران سال انسان، به روایت وی آشنا می‌شویم.

***

شمع جمع

شرح و تفسیری بر بخشی از غزلیات حضرت امام خمینی (قدس سره‌الشریف)
از محسن بینا
وزیری، ۱۷۲ صفحه، چاپ ششم، ۶۰۰۰ ریال

شرح و تفسیری است بر بخشی از غزلیات حضرت امام خمینی (ره) که از نظر عرفانی به اشعار امام نگریسته است.

***

صدها سال تنهایی

تألیف کریم فیضی
وزیری، ۸۶۴ صفحه، چاپ اول، سلفون، ۹۵۰۰۰ ریال

این کتاب به بررسی آرا و نظریات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در محورهایی چون عقلانیت، تاریخ، فرهنگ، زبان، ادبیات، دین و در نهایت زندگی می‌پردازد و می‌کوشد جهان فکری یک اندیشمند تیزبین را بازشناسی کند.

***

عاشقانه با خدا

سرودهٔ محمدرضا مهدیزاده
رقعی، ۱۰۴ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰ ریال

این کتاب مجموعه جدیدی از اشعار محمدرضا مهدیزاده است که در اختیار علاقه‌مندان به شعر نو قرار می‌گیرد.

***

عشق و انسان در مثنوی مولوی

تألیف قادر فاضلی
وزیری، ۲۸۴ صفحه، چاپ اول، ۴۵۰۰۰ ریال

کیمیای عشق
گفتگوی کریم فیضی با دکتر غلامحسین دینانی

رقعی، ۴۷۱ صفحه، چاپ دوم، ۱۸۰۰۰۰ ریال

کیمیای عشق، تفسیری است بر رباعیات شورانگیز مولانا که تا امروز کمتر مورد توجه قرار گرفته است. رباعیات مولانا، عاشقانه‌ترین رباعیات موجود در زبان فارسی است که مابین رباعیات عطار و رباعیات خیام قرار می‌گیرد.

دکتر دینانی در این کتاب اسرار عشق عارفانه مولانا را بسط می‌دهد و پیش از ابیات نخست «مثنوی» را خواهید خواند در تفسیر فیلسوفی دقیق‌النظر و نکته‌یاب.

***

گدازه‌های دل

سرودهٔ عباس خوش عمل
رقعی، ۲۲۶ صفحه، چاپ اول، ۴۵۰۰ ریال

این کتاب شامل مجموعه سروده‌های کهن و نوین عباس خوش عمل می‌باشد.

***

گزارش یک آدم‌ربایی

نوشتهٔ گابریل گارسیا مارکز
ترجمهٔ امیرحسین فطانت
رقعی، ۳۲۵ صفحه، چاپ سوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

در کتاب حاضر گوشه‌هایی از واقعیت‌های خشونت‌بار پیچیده و متناقضی که جامعه کلمبیا را تشکیل می‌دهد به رشته تحریر درآمده که ماحصل سه سال تحقیقات و مصاحبه‌های مؤلف در آن کشور است.

***

گفتمان ادبیات سیاسی ایران در آستانه دو انقلاب

نوشتهٔ دکتر علی‌اکبر امینی
رقعی، ۳۸۰ صفحه، چاپ دوم، ۵۰۰۰۰ ریال

مثل یک ناجی

نوشتهٔ مریم سادات ذکریایی
رقعی، ۱۴۰ صفحه، چاپ اول، ۸۵۰۰ ریال

این کتاب شامل ۴۶ داستان بسیار کوتاه است. از آن جمله: «تمام عکس‌ها و فیلمهای یادگاری را زیر و رو کردند. از همه، تصویری بود جز او. چاره نداشتند. مجبور شدند توی آگهی ترحیم عکاس پیرمحل، به جای عکسش تصویر یک گل بگذارند.»

***

مجموعه‌ای از اشعار استاد زنده‌یاد دکتر احمد ناظرزاده کرمانی

(غزلیات، قصاید، قطعات، مثنوی‌ها)
به کوشش دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی
وزیری، ۱۲۸ صفحه، چاپ دوم، ۲۵۰۰ ریال

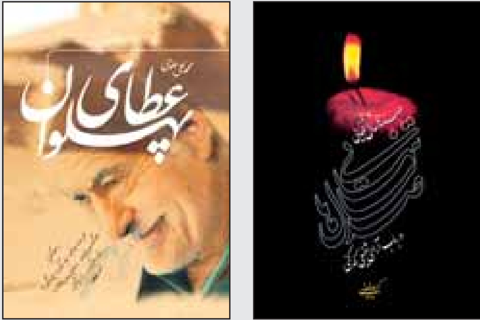
کتاب حاضر شامل مجموعه‌ای از اشعار سروده شده توسط مرحوم دکتر احمد ناظرزاده کرمانی می‌باشد که به کوشش فرزندش گردآوری شده است.

***

مجموعه مقالات روزنامه‌نگاری ارتباطات و جامعه

نوشتهٔ محمدمهدی فرقانی
وزیری، ۳۸۰ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰۰۰ ریال

فضای رسانه‌ای امروز، بیش از هر زمان نیازمند به کارگیری، تقویت و ترویج ارزش‌های اخلاقی و تحکیم تفاهم اجتماعی است. برای این منظور می‌بایست اصول حرفه‌ای گرایی مبتنی بر رعایت اخلاق حرفه‌ای، صحت، دقت، بی‌طرفی و عینی گرایی در دستور کار قرار گیرند و انصاف و اعتدال در روند گزارشگری به جای سوگیری‌های غیراخلاقی بنشیند، از این‌روی روزنامه‌نگاران باید به جای رسانه‌ای کردن رویدادهای زندگی انسانی، به انسانی کردن فضای رسانه‌ای همت گمارند.







عشق و انسان دو مسأله اساسی تاریخ بشر است که در زوایای زندگی او به چهره‌های گوناگون خودنمایی کرده است. از این رو در طول تاریخ، هزاران عنوان کتاب علمی، عرفانی، هنری، ادبی و... در این خصوص تولید شده است. باز حکایت همچنان باقی است.

***

عطای پهلوان

نوشتهٔ محمدعلی علومی
رقعی، ۵۳۶ صفحه، چاپ اول، ۲۰۰۰۰۰ ریال

این رمان شرح مستندگونه‌ای از زندگی، کار، آرا و آثار عینی یکی از آخرین عیاران و اهل فتوت این سرزمین است. عطا احمدی که از جانب مردم و به سبب دهه‌ها زندگی سرشار از ایثار و از خودگذشتگی لقب «پهلوان» دریافت کرده است.

***

فتوح‌الحرمین

از محیی‌الدین لاری
با تصحیح و مقدمهٔ علی محدث
وزیری، ۱۲۲ صفحه، چاپ دوم، ۶۰۰۰ ریال

این کتاب منظومه‌ای است در وصف حرمین مکه و مدینه و ذکر مناسک حج و بیان مقامات روحانی و نفحات رحمانی آن مرز و بوم که بر وزن «مخزن‌الاسرار» نظامی سروده شده، و تاریخ سروده شدن آن را سال ۹۱۱ هجری یاد کرده‌اند.

***

فرهنگواره داستان و نمایش

تألیف دکتر ابوالقاسم رادفر
رقعی، ۳۶۸ صفحه، چاپ اول، ۸۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل لغات، اصطلاحات و تعبیرات مربوط به حوزه داستان و نمایش است که با روش تازه‌ای تنظیم شده است.

در مورد وقوع انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی فرضیاتی مطرح شده است، ولی فرضیه‌ای که به گمان نویسندهٔ این اثر از روایی و کارایی بیشتری برخوردار است، فرضیهٔ فرهنگی است. به این معنی که فرهنگ در معنی گسترده‌اش، مهمترین عامل شکل گیری و پیروزی این دو انقلاب بوده است. این فرهنگ را بیشتر به شکل ادبیات سیاسی و در قالب گفتمانی می‌توان تبیین کرد...

***

لطف او

سرودهٔ حسین مرعشی رفسنجانی
وزیری، ۵۹۰ صفحه، چاپ اول، ۳۰۰۰۰ ریال

سراینده دیوان، به سبک و شیوه متقدمان در انواع مختلف شعر از قصیده و غزل و مثنوی و قطعه و رباعی و دوبیتی و دیگر اقسام شعر طبع آزمایی کرده و حتی بعضی از اشعار آنان را جواب گفته و به تضمین و تخمیس نمونه‌های شاخصی از آن آثار پرداخته و خوب از عهده آن بر آمده است.

***

ماجراهای شگفت‌انگیز تاریخ

نوشتهٔ پیر بلمار، ژان فرانسوا ناملیا
ترجمهٔ دکتر هوشنگ لاهوتی
رقعی، ۴۱۸ صفحه، چاپ پنجم، ۳۰۰۰۰ ریال

همان‌طور که از عنوان کتاب برمی‌آید، محتوای آن مجموعه و دست‌چینی است از وقایع جنایتباری که از دیدگاههای مختلف سیاسی، تاریخی، حقوقی و اجتماعی مورد بررسی و بازنگری و تحقیق و ارزشیابی قرار گرفته‌اند.

***

مادرانه‌ها

سرودهٔ دکتر فاطمه راکعی
رقعی، ۱۱۲ صفحه، چاپ سوم، ۹۰۰۰ ریال

غالب اشعاری که در این مجموعه جای گرفته‌اند سرشار از احساس مادرانه و زنانه‌اند و به نوعی این حس را به خواننده القا می‌کنند.

مرثیه‌ای که ناسروده ماند

نوشتهٔ پرویز خرسند
رقعی، ۱۵۲ صفحه، چاپ نهم، ۱۲۰۰ ریال

مرثیه‌ای که ناسروده ماند، مجموعه ۱۳ مقاله ادبی پیرامون حادثه کربلاست که توسط پرویز خرسند به نگارش درآمده است.

***

مرد بی‌چهره

نوشتهٔ مارکوس ولف
ترجمهٔ مهوش غلامی
رقعی، ۲۴ صفحه، چاپ سوم، ۳۳۰۰۰ ریال

کتاب حاضر دربرگیرنده خاطرات مردی است که سالها او را مردی بی‌چهره می‌نامیدند؛ چراکه پنهان‌کاریهایش به حدی بود که تقریباً بیست سال طول کشید تا سرویسهای اطلاعاتی غرب موفق به شناسایی او شدند. نام این مرد مارکوس ولف است مردی که در سراسر دوران جنگ سرد جاسوسی مرموز و شبح مانند محسوب می‌شد.

***

مناقب حضرت امام علی (ع) در شبه‌قاره

تألیف دکتر شاهد چوهدری
وزیری، ۲۹۲ صفحه، چاپ اول، ۲۰۰۰۰ ریال

مناقب اهل بیت و ائمه اطهار (ع) و بزرگان دین از صدر اسلام بین مسلمانان رواج بسیار داشته است. برای صدها سال، هر نوشته یا کتاب با حمد باری تعالی و نعت رسول خدا (ص) و منقبت اصحاب او آغاز می‌شد. این کتاب شامل بخشی از اشعاری است که شاعران پارسی گوی شبه‌قاره هند در ستایش مولا علی (ع) سروده‌اند؛ البته بخشی که در کتابخانه‌های ایران قابل دسترسی و گردآوری بوده است. در این اثر، شاعران به ترتیب الفبا قرار گرفته‌اند و هر شاعر قبل از شعر یا اشعارش، به اختصار معرفی شده است.

موج در موج

سرودهٔ محمدعلی خسروی
با مقدمهٔ استاد مشفق کاشانی

رقعی، ۱۱۶ صفحه، چاپ دوم، ۴۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر، مجموعه‌ای از اشعار محمدعلی خسروی می‌باشد که با مقدمه استاد مشفق کاشانی تدوین شده است.

***

ناخنکی به زندگی

سرودهٔ دکتر فاطمه راکعی

رقعی، ۹۸ صفحه، چاپ دوم، ۸۰۰۰ ریال

«ناخنکی به زندگی»، نام مجموعه اشعار لطیفی است که توسط شاعر معاصر سرکار خانم راکعی سروده شده است. از ایشان قبلاً مجموعه اشعار «آواز گلسنگ» و «مادرانه‌ها» به چاپ رسیده است.

***

نشان لبخند

نوشتهٔ شهریار زمانی

رقعی، ۱۵۹ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰۰ ریال

کتاب داستانی است در مقوله «ادبیات انقلاب» با نثری شیرین و بیانی روان که خواننده را از آغاز تا پایان به دنبال خود می کشاند. روال منسجم داستانی، صحنه‌پردازی‌های مناسب، جایگیری حوادث متفاوت در موقعیت‌های متناسب، نثر خوب و پرهیز از شعارزدگی از امتیازات این داستان است که در سالهای پایانی رژیم ستمشاهی رخ داده و خواننده را تا حدودی با فضای آن روزگار آشنا می‌سازد.

***

نقدها را بُود آیا که عیاری گیرند

نوشتهٔ پرفسور فضل الله رضا

رقعی، ۴۸۶ صفحه، چاپ دوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

این کتاب سیری در گلزار فرهنگ و ادب سنتی فارسی و شامل چهار دفتر است: دفتر اول مقایسه گونه‌ای میان شاعران بزرگ ایران را در بر می گیرد. در دفتر دوم طرح یک رده‌بندی شناور برای بررسی شعر سنتی پیشنهاد شده است. دفتر سوم تفرج کوتاهی است در بخشی از گلگشت پهناور ادب سنتی و معاصر و بالاخره در دفتر چهارم برخی از حواشی مورد نظر تحت عنوان «پیوست‌ها و یادها» گردآوری شده است.

هستی و مستی
حکیم عمر خیام نیشابوری
به روایت حکیم دکتر دینانی

گفتگو از کریم فیضی

وزیری، ۴۵۶ صفحه، چاپ ششم، سلفون، ۲۵۰۰۰۰ ریال

خیام نیشابوری، دانشمند و شاعر بزرگ ایرانی، در اصل بنیانگذار نگاهی جدید به زندگی است که با گذشت زمان طولانی همچنان نوین و روزآمد به نظر می‌رسد. این کتاب با رویکردی دقیق و عینی می کوشد مسائل بنیادی مربوط به خیام را مورد بازشناسی قرار دهد و سپس وارد تفسیر رباعیات خیام می‌شود. تلاش برای ارائه تصویری نو و متفاوت از خیام و باورها و آموزه‌های وی، جانمایه اصلی این کتاب است با پرسشهایی که غایت آن هستی و مستی است و علاج هستی و مستی.

***

همچو شرر خندیدن

سرودهٔ محمد صالحی آرام

رقعی، ۱۴۰ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰ ریال

کتاب حاضر، مجموعه‌ای از اشعار طنز محمد صالحی آرام است که با مقدمه دکتر باستانی پاریزی مزین شده است.

***

هوشنگ دوم

اثری از هوشنگ مرادی کرمانی
گفتگو از کریم فیضی

وزیری، ۴۹۴ صفحه، چاپ اول، سلفون ۶۵۰۰۰ ریال

هوشنگ مرادی کرمانی نویسنده‌ای ایرانی است که بیشترین تعداد آثار ترجمه شده به زبانهای خارجی را در کارنامهٔ خود دارد. از روی داستانهای او بیشترین تعداد فیلم ساخته شده است. او در این کتاب به روایت خودش می‌پردازد. در حقیقت هوشنگ دوم آینه‌ای است در برابر یک آینه و آنچه در این میان مطرح است، روایت شدن نویسنده‌ای است که شما هم با او غریبه نیستید.

یازدهٔ نُه

نوشتهٔ عبدالعزیز غرمول
ترجمه دکتر حسین واله

رقعی، ۲۷۶ صفحه، چاپ اول، ۴۰۰۰۰ ریال

«یازدهٔ نُه» ـ که جایگزین عنوان اصلی: «سال یازدهٔ سپتامبر و آنچه در آمریکا رخ نداد» شد ـ گوشه‌ای از مواجههٔ روشنفکری جهان عرب با افراط گرایی مدرن را می کاود و ریشهٔ تاریخی آن را تا شکاف شمال و جنوب پی می گیرد و داستان تحولی ـ نخست ناخودآگاه و سپس با اکراه و بعد طمعکارانه ـ در نگاه و شخصیت فردی را باز می گوید که بازار مکارهٔ سیاست می‌پروراند و آنگاه بلای جان همگان می‌سازد.

تاریخ و جغرافیای عمومی

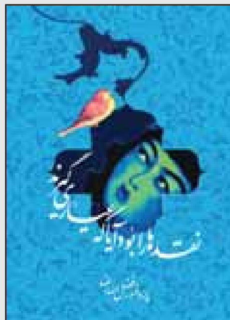
آثارالوزراء

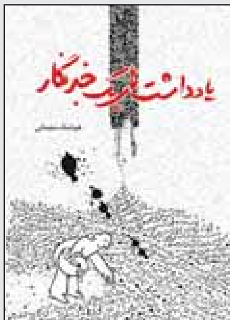
تالیف سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی
به تصحیح و تعلیق میر جلال‌الدین حسینی ارموی «محدث»

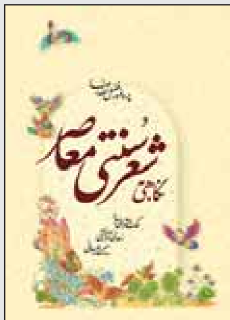
وزیری، ۴۰۸ صفحه، چاپ دوم، ۹۰۰ ریال

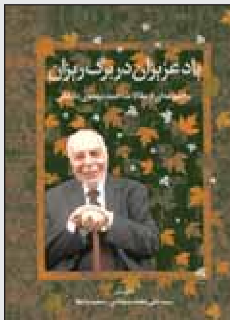
استاد نفیسی درباره آثارالوزراء می گوید: این کتاب از غنائمی است که از مؤلفان قرن نهم هجری به ما رسیده است زیرا در این کتاب مطالب بسیار مهمی از اسنادی که اصل آنها از میان رفته باقی مانده است از آن جمله از کتاب «مقامات ابونصر مشکان» که ابوالفضل بیهقی مورخ معروف آنچه را از استاد خود ابونصر درباره تاریخ غزنویان شنیده بوده نقل کرده است و جز در این کتاب چیزی از آن باقی نمانده است. کتاب در اخبار و آثار وزراء است تا سال ۸۷۵ق.

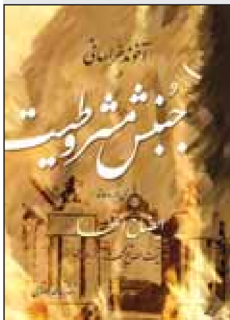












***

نگاهی به شعر سنتی معاصر

نوشتهٔ پروفسور فضل‌الله رضا

رقعی، ۳۴۴ صفحه، چاپ اول، ۱۲۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر به معرفی بیش از ۲۰ تن از شاعران معاصر و خلاصه‌ای از زندگینامه و اثری از آنها پرداخته و از میان سخن‌سرایان توانای شعر سنتی فارسی در روزگار معاصر نگاهی مفصل به زندگینامه ملک‌الشعرای بهار و رعدی آذرخشی و سیمین بهبهانی و توصیف اشعار آنها پرداخته است.

***

نگرشی به مرثیه‌سرایی در ایران

نوشتهٔ عبدالرضا افسری کرمانی

جلد اول، وزیری، ۱۷۲ صفحه، چاپ دوم، ۷۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۱۰۸ صفحه، چاپ اول، ۳۰۰۰ ریال

در این مجموعه با نگرشی از آغاز تا امروز، مرثیه در ادوار مختلف شعر فارسی مورد بررسی قرار گرفته است. در این دفتر سعی بر آن رفته موضوعاتی را که در هر دوره بر شعر مرثیه حاکم بوده مرور گردد و معیارهای آن شناخته شود.

***

نی‌نامه

تألیف کریم زمانی جعفری

وزیری، ۶۸ صفحه، چاپ سوم، ۷۰۰۰ ریال

کتاب، شرح و تفسیری است از ۱۸ بیت نخست مثنوی معنوی که به نی‌نامه مشهور است. در این کتاب نظرات علماء و عرفای بزرگ دین و ادب نیز پیرامون این ابیات آورده شده است.

هیـــرو

نوشتهٔ شهریار زمانی

رقعی، ۱۵۱ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰۰ ریال

این کتاب روایت یک ماه از زندگی خانم معلمی است که در ماه‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی و در بحبوحه حوادث کردستان، راهی محل خدمتش در یکی از روستاهای شهر سقز می‌شود تا نشانی از برادر مفقودالاثرش بیابد و در این مسیر برخوردهایی با دوستان و دشمنان انقلاب برایش پیش می‌آید.

***

یادداشت‌های یک خبرنگار

نوشتهٔ هوشنگ سلیمانی

رقعی، ۱۸۴ صفحه، چاپ اول، ۷۰۰۰۰ ریال

در فضای مطبوعات، قلم‌زدن و نوشتن با موضوعات گوناگون، همواره نیازمند شوق و اشتیاق و داشتن تجربه و اطلاعات کامل از رویدادهای روز جامعه است. بنابراین خبرنگار می‌بایست ضمن انعکاس واقعیت‌های عینی جامعه، اخبار و گزارش‌های صحیح و دقیق را در اختیار خوانندگان خود قرار دهد.

***

یاد عزیزان در برگ ریزان
مجموعه‌ای از مقالات دکتر احمد مهدوی دامغانی

به کوشش سیدعلی محمد سجادی ـ سعید واعظ

رقعی، ۲۹۵ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰۰۰ تومان

این کتاب حاوی بیش از بیست مقاله از مقالات نویسنده در موضوعات مختلف است. از مقالات این مجموعه می توان به موارد زیر اشاره کرد، از سقیفه تا شوری، بحثی مختصر درباره درس معارف میرزا مهدی اصفهانی، شمه‌ای از درد اشتیاق و فراق ایرج افشار، یاد خیری از دکتر جواد مشکور و مرحوم امیری فیروزکوهی و شرح مختصری از موقعیت مشهد مقدس در قرن سوم و چهارم اشاره کرد.

آخرین روزهای امپراتوری شوروی

نوشتهٔ دیوید رمنیک
ترجمهٔ محمد حسین آهویی

رقعی، ۸۹۲ صفحه، چاپ دوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

کتاب رمنیک که در سال ۱۹۹۳ جایزه ادبی پولیتزر را نصیب او کرد به سبک ژورنالیستی نوشته شده و اطلاعات دقیق و دست اولی را از چگونگی سیر حوادث منجر به فروپاشی اتحاد شوروی و ریشه‌های آن به خواننده می‌دهد. او در نوشتن این کتاب تنها به مطالعه کتب و مدارک و یا بازگویی رخدادها اکتفا نکرده، بلکه قسمت اعظم مطالب آن حاصل مصاحبه‌های متعدد با افراد مختلف بیش از ۲۵۰ نفر است.

***

آخوند خراسانی در جنبش مشروطیت

نوشتهٔ دکتر سیدمحمد اصغری

وزیری، ۴۴۸ صفحه، چاپ دوم، ۱۸۰۰۰۰ ریال

این کتاب پژوهشی تاریخی، فقهی و اجتماعی در عرصهٔ علوم و معارف حوزوی ـ دانشگاهی می‌باشد.

***

آژانس یهود

نوشتهٔ محمد عبدالرؤوف سلیم
ترجمهٔ کاظم نراقی

وزیری، ۶۵۲ صفحه، چاپ پنجم، ۵۲۰۰۰ ریال

تاریخ غمبار فلسطین نشان می دهد که برخی عوامل در برپایی رژیم اسرائیل نقشی بسزا ایفا کرده‌اند. از جمله آژانس یهود و سازمان جهانی صهیونیسم که در این زمینه نقش برجسته‌تری داشته‌اند. این دو سازمان در واقع متولی اجرای طرح یهودی کردن فلسطین بوده‌اند. کتاب مزبور به بررسی فعالیتهای گوناگون این دو سازمان می پردازد و اطلاعات نسبتاً جامعی از صهیونیسم و طرحهای اسرائیل در منطقه به خواننده ارائه می دهد.

آلنده

(روایت یک زندگی)
نوشتۀ فرناندو آلگریا
ترجمۀ محسن اشرفی
رقعی، ۳۸۸ صفحه، چاپ سوم، ۱۰۰۰۰۰ ریال

در این کتاب زندگی آلنده به صورت یک رمان عرضه می‌شود و فرجام تکان‌دهنده انقلاب صلح‌آمیز شیلی بخوبی به تصویر کشیده شده است. تصویرهای پرمایه و غبارآلود آلگریا از میهن و مردمش، از یک سو خواننده را تأثیراتی امپرسیونیستی می‌بخشد و از سوی دیگر با خود به عمق لایه‌های طبقاتی جامعه شیلی می‌برد تا با درکی عمیق از زندگی در این باریکه دورافتاده کره خاک، به همدلی با محرومان آن باز گرداند.

***

آموزگار من نواب

نوشتۀ محمدجواد حجتی کرمانی
رقعی، ۲۰۰ صفحه، چاپ دوم، ۱۵۰۰۰ ریال

این کتاب شامل مجموعه مقالاتی است در مورد شهید نواب صفوی که پاره‌ای از آنها پیشتر در برخی از نشریات، از جمله روزنامه اطلاعات، منتشر شده است. محور اصلی این مقالات، تشریح و تبیین بُعد معنوی، اخلاقی و تربیتی شهید نواب صفوی و نیز نقش وی در مبارزات حق‌طلبانه ملت ایران بر ضد استبداد داخلی و استعمار خارجی در سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۴ است.

***

آن آفتاب خوبان

یادگارنامۀ شادروان دکتر محمود بروجردی
به کوشش دکتر غلامرضا اعوانی
وزیری، ۵۸۰ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰۰ ریال

این کتاب مشتمل بر مجموعه مقالاتی است که به مناسبت نخستین سال درگذشت مرحوم دکتر محمود بروجردی به همت دکتر اعوانی فراهم آمده است.

یافتن ریشه‌های اصول و پنداشت‌های اخوان‌المسلمین و همچنین تحلیل این جنبش برآمده است.

***

اروپا پس از هیتلر

نوشتۀ والتر لاکونر
ترجمۀ دکتر عباسقلی غفاری‌فرد
وزیری، ۷۲۸ صفحه، چاپ اول، ۳۷۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب، پیشامدهای سیاسی و شیوه‌های اقتصادی و اجتماعی و رویدادهای فرهنگی اروپا را از پایان جنگ جهانی دوم و مرگ استالین تا اوایل دهه هشتاد، یعنی رویدادهای نزدیک به چهار دهه از تاریخ اروپا را بررسی نموده است.

***

از خرداد تا خرداد

نوشتۀ محمدجواد حجتی کرمانی
رقعی، ۳۵۶ صفحه، چاپ اول، ۱۱۰۰۰ ریال

این کتاب گزیده‌ای از مقالات و نوشته‌های نویسنده از خرداد ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ است که در روزنامه اطلاعات منتشر شده و دیدگاههای وی را درباره حوادث و رویدادهای متفاوت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... طی این دوره باز تاب می‌دهند.

***

اژدهای شکیبا

چین دیروز، امروز و فردا
نوشتۀ دکتر فریدون وردی‌نژاد، دکتر ابوالفضل علمایی‌فر، شهرام قاضی‌زاده
وزیری، ۴۲۴ صفحه، چاپ دوم، ۶۰۰۰۰ ریال

در مقدمه کتاب می‌خوانیم: کتاب حاضر تلاشی است در راستای شناخت فرهنگ و جامعه چین و بررسی روند نوسازی و توسعه آن به گونه‌ای که در برآیند نهایی، تصویر روشنی از چهره واقعی «چین امروز» برای خواننده ترسیم شود.

ایران بزرگ

نگارشِ امید عطایی‌فر
مخصوص، ۱۷۲ صفحه، چاپ دوم، ۳۰۰۰۰ ریال

این کتاب به دور از پیشداوری و تعصب، با نگرش و ارزیابی اسناد استوار و مدارک مهم، به جغرافیای تاریخی و اسطوره‌ای ایران بزرگ می‌پردازد تا به زعم نگارنده، مردمان ایرانی که در مرزهای مصنوعی از یکدیگر جدا مانده‌اند، از گذشته‌های شکوهمند و همبستگی‌های خویش آگاهی یابند.

***

ایران در آستانه مشروطیت

نوشتۀ آرنولد هنری ساویج لندور
ترجمۀ علی‌اکبر عبدالرشیدی
وزیری، ۵۲۳ صفحه، چاپ دوم، ۱۵۰۰۰۰ ریال

لندور، جهانگرد ماجراجوی انگلیسی در مسیر سفر طولانی خود به ایران وارد می‌شود، در حالی که از سلطنت مظفرالدین شاه چهار سال گذشته و تا انقلاب مشروطیت فاصله زیادی نیست. او توانسته است وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی جغرافیایی کشورمان را در آستانه مشروطیت به تصویر بکشد.

***

ایران در قرن ۲۱/۱۵

نوشتۀ دکتر رضا منصوری
رقعی، ۱۳۲ صفحه، چاپ اول، ۲۵۰۰۰ ریال

این کتاب می‌کوشد به چنین سؤالهایی پاسخ گوید: ما در کجای تاریخ قرار گرفته‌ایم؟ ایران ۵۰ یا ۱۰۰ سال پیش چگونه بود؟ ایران ۱۰۰ سال آینده چگونه خواهد بود؟ ایران به حرکت درآمده است، به عقب‌ماندگی خود آگاه شده است، آیا به راهی که باید برود آگاه است؟ آیا خرد و بصیرت بر رفتار ما حاکم شده است؟ آیا دنیای مدرن و مبانی آن را درک کرده‌ایم؟...







آنها خودی نبودند

تألیف و تدوین رحمان قضات
وزیری، ۵۲۰ صفحه، چاپ اول، سلفون، ۷۵۰۰۰ ریال

این اثر حاوی مستندات و ناگفته‌هایی از رشادتها، فداکاریهای هوانیروز در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی و غایله کردستان است. این یگان با ایجاد پل هوایی بین شهرها و پادگانهای نظامی در کردستان توانست با انتقال هزاران نفر از نیروهای مسلح، حمل تجهیزات و اقلام مورد نیاز نیروهای خودی، در ایجاد امنیت در این منطقه نقش بسزایی را ایفا نماید.

اخبارالزمان

تألیف ابوالحسن علی بن حسین مسعودی
ترجمۀ کریم زمانی
وزیری، ۳۰۶ صفحه، چاپ اول، ۱۹۵۰ ریال

کتاب «اخبارالزمان» یکی از کتابهای تاریخی مسعودی است که در این کتاب نقش کهانت و سحر و طلسم و همچنین علوم غریبه روزگاران دیرین به تفصیل بیان شده و به طور گذرا و اجمال از عمر جهان، خلقت انسان، داستان پیامبران و سرگذشت شاهان، بویژه شاهان و فرعونهای مصر، سخن به میان آمده و سرانجام با سرگذشت حضرت موسی(ع) پایان گرفته است.

***

اخوان‌المسلمین

بزرگترین جنبش اسلامی معاصر
تألیف اسحاق موسی الحسینی
ترجمۀ سیدهادی خسروشاهی
وزیری، ۲۹۸ صفحه، چاپ سوم، ۲۰۰۰۰ ریال

جنبش اخوان‌المسلمین، بخشی از تاریخ معاصر است و مطالعه درباره این برهه زمانی کمک خواهد کرد تا از رهگذر آموختن درسهای بسیار، نقاط ضعف و قوت خود و پیشینیان خود را دریابیم و نتیجتاً نقش صحیح‌تری را در آینده به عهده داشته باشیم. نویسنده این کتاب در پی

اطلس استراتژیک جهان

تألیف ژرار شالیان، ژان پیر راژو
ترجمۀ دکتر ابراهیم جعفری
رحلی، ۲۲۴ صفحه، چاپ اول، سلفون، ۳۵۰۰۰ ریال

اطلس مذکور، نمایانگر وضعیت جغرافیای اقتصادی و سیاسی جهان و حوزه نفوذ دو قطب شرق و غرب می‌باشد که از طریق ارائه آمارهای لازم اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی تقسیم‌بندی کشورها را به دو گروه غنی و فقیر نمایان ساخته و نقش مداخله ابرقدرتها را در این میان تعیین نموده است.

***

النی

نوشتۀ نیکلاس گیج
ترجمۀ م. الف. پورحسین
رقعی، ۶۷۲ صفحه، چاپ اول، ۷۵۰۰ ریال

نیکلاس گیج، خبرنگاری یونانی تبار، به سال ۱۹۸۰ از شغل خود در روزنامه نیویورک تایمز کناره گرفت تا سرگذشت محاکمه، شکنجه و اعدام مادرش را که در جنگهای داخلی یونان، بین سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۴۹، روی داده بود بنگارد و در کتابی منتشر کند. او نام مادر ستمدیده‌اش النی را بر این کتاب نهاد.

***

انقلاب اسلامی ایران از نگاه دیگران

نوشتۀ وحیدالزمان صدیقی
ترجمه و تصحیح سید مجید روئین تن
رقعی، ۲۵۶ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰ ریال

کتاب حاضر مروری بر یکی از وقایع پراهمیت تاریخ معاصر ایران می‌باشد. نویسنده کتاب نگاهی گذرا و سریع بر دوران سلطنت پهلوی، برخوردها و کشمکشهای رژیم حاکم با عوامل انقلاب تا سرنگونی رژیم و بازگشت امام خمینی (ره)، تصرف سفارت آمریکا در تهران و پیامدهای بعدی آن و...

ایران، رها از فقر و ظلم

نوشتۀ پروفسور شاپور رواسانی
رقعی، ۲۲۰ صفحه، چاپ اول، ۱۸۰۰۰ ریال

این اثر به بررسی زندگی و موقعیت تاریخی و مبارزات ستارخان، خیابانی و میرزا کوچک جنگلی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که وجوه مشترک این سه قهرمان بدین قرار است: اعتقاد به اسلامیت و ایرانیت عدالتخواهانه؛ دفاع از آزادی و استقلال ایران؛ مبارزه علیه ستمهای طبقاتی و استعماری؛ مخالفت با هر نوع دخالت و سلطه بیگانگان؛ دفاع از حقوق محرومین؛ دفاع از وحدت ایران؛ مبارزه و مخالفت با سلطه طبقه پیوسته به استعمار و امپریالیسم در همه اشکال آن.

***

زبان، ادبیات، تاریخ و فرهنگ ایران در گفتگو با ایران‌شناسان

تألیف علی‌اکبر عبدالرشیدی
وزیری، ۲۷۶ صفحه، چاپ اول، ۲۰۰۰۰ ریال

این کتاب مجموعه‌ای است از مصاحبه‌هایی که با تعدادی از ایران‌شناسان معاصر جهان انجام شده است. مصاحبه‌ها بر حول سه محور صورت گرفته‌اند: ابتدا شناخت سوابق تحصیلی و کاری ایران‌شناس و اینکه وی چگونه با ایران و فرهنگ ایران آشنا شده و چرا به ایران‌شناسی علاقه‌مند شده است. محور دوم آشنایی با آثار علمی و پژوهشی هر یک از این ایران‌شناسان است. سومین محور مورد بحث، نقد ایران‌شناسی در شرایط امروزی در مراکز علمی و پژوهشی است.

***

ایرانشهر

(برمبنای جغرافیای موسی خورنی)
تألیف یوزف مارکوارت
ترجمۀ دکتر مریم میراحمدی
وزیری، ۲۹۸ صفحه، چاپ اول، ۲۹۰۰ ریال

موضوع کتاب حاضر در واقع مسائل جغرافیای تاریخی ایران است که تفسیرهای تاریخی و توضیحات جغرافیایی مفصل بدان افزوده شده

که همراه با تعلیقات مارکوارت بسیاری از نکات علمی و پیچیده جغرافیایی ایران را روشن می‌سازد.

***

ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه

نوشتهٔ اس. جی. دبلیو. بنجامین
ترجمهٔ مهندس محمدحسین کردبچه
وزیری، ۴۵۶ صفحه، چاپ سوم، سلفون، ۲۵۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر سرگذشت ماجراهایی است که بنجامین برای حضور در تهران از سر گذرانده، و به علاوه مشتمل بر شرح مفصل دیدارها و رفت‌وآمدهای وی با رجال ایرانی و دیدارهایش از اماکن مختلف در تهران و شهرستانهاست که خواننده را با بسیاری از آداب و رسوم زندگی ایرانیان و اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن سالها آشنا می‌سازد. اطلاعاتی با این جزئیات را در کمتر کتابی می‌توان یافت؛ آن هم با قلمی جذاب و ترجمه‌ای شیوا.

***

با سرودخوان جنگ در خطهٔ نام و ننگ

نوشتهٔ نادر ابراهیمی
رقعی، ۱۰۴ صفحه، چاپ پنجم، ۱۵۰۰۰ ریال

آنچه در این کتاب نگارش یافته بخشی از یادداشتهای سفر یک تیم تحقیقاتی برای آغاز یک پژوهش مقدماتی در سراسر خطه جنوب در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است.

***

بحران بوسنی هرزگووین و مذاکرات صلح

نوشتهٔ محمدجواد آسایش زارچی
با مقدمهٔ دکتر علی اکبر ولایتی
رقعی، ۳۵۶ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰ ریال

ویژگی خاص این کتاب که چگونگی بروز جنگ در بوسنی - هرزگووین و روند مذاکرات صلح را به طور کامل مورد بررسی قرار داده، این است که نویسنده از نزدیک ناظر حوادث و تحولات منطقه بوده است.

بریدن دم شیر

نوشتهٔ محمدحسنین هیکل
ترجمهٔ دکتر حسین ابوترابیان
رقعی، ۳۶۸ صفحه، چاپ دوم، ۶۰۰ ریال

این کتاب اولین نوشته‌ای است که پس از گذشت ۳۰ سال از واقعه بحران سوئز از زاویه دید نویسنده‌ای محلی و مشرف بر جریانات سیاسی، واقعی‌ترین روایت را ارائه می‌دهد و پرده از بسیاری حقایق کنار می‌زند.

***

بزرگان و سخن‌سرایان همدان (جلد۱)

تألیف دکتر مهدی درخشان
وزیری، ۳۴۶ صفحه، چاپ دوم، ۷۰۰۰ ریال

در این کتاب شرح حال و احیاناً آثار مشاهیر بزرگان، نامداران، نویسندگان و شاعران خطه همدان بعد از اسلام تا ظهور سلسله قاجار ارائه شده است. نویسنده در حد امکان به افراد غیرمشهور و گاه گمنام نیز پرداخته است.

***

به سوی صلح

نوشتهٔ خاویر پرز دکوئیار
ترجمهٔ حمیدرضا زاهدی
رقعی، ۷۷۲ صفحه، چاپ اول، ۱۲۰۰۰ ریال

دکوئیار در این خاطرات، مأموریتهای مختلفی را که از سوی مجمع عمومی یا شورای امنیت به وی، به عنوان دبیر کل سازمان واگذار شده است، با نظمی خاص بازمی‌گوید. ویژگی کار او این است که کتاب را به صورت موضوعی دنبال می‌کند، بنابراین هر فصل کتاب پرونده‌ای است که او در سازمان ملل پی گرفته است و از همین رو، از نظر مطالعات تاریخی و سیاسی حائز اهمیت است.

***

بی‌نظیر بوتو، دختر شرق

خاطرات بی‌نظیر بوتو
ترجمهٔ علیرضا عیاری

رقعی، ۲۷۶ صفحه، چاپ دوازدهم، ۴۲۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب پس از نقل مجمل از زندگینامه خود، ابتدا به شرح دوره‌ای می‌پردازد که متعاقب استخدام در وزارت خارجه، به عنوان منشی سفارت ایران در سوئیس به کار مشغول بوده است. سپس به شرح مفصلی از دوران خدمت خود در تشکیلات فرح و نابسامانیهای موجود در دربار و همچنین به تحلیل مسائلی که به زعم وی دلایل قیام مردم و پیروزی انقلاب اسلامی بوده است می‌پردازد.

***

پیدایش و فروپاشی قدرتهای بزرگ

نوشتهٔ پل کندی
ترجمهٔ عبدالرضا غفرانی
وزیری، ۷۹۶ صفحه، چاپ دوم، ۴۸۰۰۰ ریال

در این کتاب از قدرتهای ملی و بین‌المللی در دوران جدید بحث می‌شود، هدف این کتاب ریشه‌یابی و تشریح چگونگی ظهور و سقوط قدرتهای بزرگ در ارتباط با هم و در طول پنج قرن و از زمانی است که حکومتهای سلطنتی به شکل و نوع جدید آن در اروپای غربی به وجود آمدند. بخش عمده این کتاب به جنگ‌ها اختصاص دارد که در نتیجه ائتلاف قدرتهای بزرگ صورت گرفته و تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر نظام بین‌المللی گذارده است.

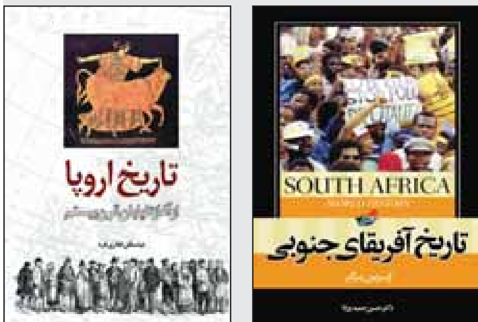
***

تاریخ آفریقای جنوبی

نوشتهٔ ایریس برگر
ترجمهٔ دکتر حسین حمیدی‌نیا
رقعی، ۳۴۰ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰۰ ریال







بذرهای توطئه

گزیده اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس
نوشتهٔ دورین اینگرامز
ترجمهٔ دکتر حسین ابوترابیان
رقعی، ۲۴۶ صفحه، چاپ چهارم، ۲۵۰۰۰ ریال

مطالب این کتاب با استفاده از اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس گردآوری و تنظیم شده است و محور مطالعات مسأله پیدایش حکومت صهیونیسم است.

***

بر بام جهان

نوشتهٔ پولین اینجل
ترجمهٔ محمد حسین وقار
رقعی، ۳۴۴ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰ ریال

کتاب حاضر در واقع بازگوکننده داستان شگفت‌انگیز قطب شمال می‌باشد. رابرت پیری که قطب شمال را کشف کرد در کودکی بچه لوسی بود. همکلاسهایش او را افوفول می‌نامیدند. این داستانی است پیرامون آنکه چگونه به رغم این نقص، پیری توانست «اهریمن شمال» را که موجب نابودی یا عقب‌نشینی مهاجمان قبلی این سرزمین شده بود، به زانو درآورد و بالاخره بر فراز بام جهان گام نهد.

***

بررسی مشکل کوزوو در یوگسلاوی

نوشتهٔ محمدجواد آسایش زارچی
با مقدمهٔ دکتر علی اکبر ولایتی
رقعی، ۱۵۲ صفحه، چاپ اول، ۳۰۰۰ ریال

این کتاب زمینه‌های بحران در این استان، منافع و انگیزه‌های متفاوت گروههای داخلی، تأثیر تحولات میان صربها و کرواتها در تشدید شرایط بحرانی کوزوو و سیاست احتمالی قدرتهای منطقه و بین‌الملل در رابطه با وضعیت بحرانی استان را مورد بررسی قرار داده، در مورد روند آتی تحولات و تحرکات بین‌المللی پیش‌بینی‌هایی به عمل آورده است.

رقعی، ۵۷۶ صفحه، چاپ ششم، ۱۶۰۰۰۰ ریال

این کتاب حاوی خاطرات بی‌نظیر بوتو، نخست‌وزیر سابق و رئیس فقید حزب مردم پاکستان است که به قلم خودش به رشته تحریر درآمده است. او در زمینه‌های مختلف سخن گفته است: ناآرامی‌های سیاسی، ناملایمات و لحظات غم‌انگیز زندگی و در عین حال پیروزیها و اوقات خوش آن، مبارزات سیاسی و حزبی پدرش، مادرش و خودش، کودتا علیه پدرش و اعدام پدرش، حوادث بعد از آن، زندگی خانوادگی‌اش، زندگی در تبعید و زندانی شدنهای مادرش و خودش، مرگ مشکوک دو برادرش، نخست‌وزیری خودش و...

***

پایان زمین

نوشتهٔ رابرت دی کیلن
ترجمهٔ فریدون دولتشاهی
رقعی، ۵۹۰ صفحه، چاپ اول، ۹۵۰۰ ریال

کتاب حاضر در حقیقت یک سفرنامه است که از ذهنیت برخوردار بوده و از این نظر می‌تواند از یک ویژگی خاص برخوردار باشد. پایان زمین تصویر صمیمانه است که از بخش‌های ویران شده از جهان همانند فاجعه بوسنی، چچن و رواندا که در گذر از آن سرزمینها انسان متأثر می‌گردد.

***

پرسه در دیار خدایان

(یادداشتهای سفر به هند)
نوشتهٔ صدیقه وسمقی
رقعی، ۱۲۰ صفحه، چاپ اول، ۲۰۰۰ ریال

این کتاب، مجموعه‌ای است در باب سفری که نویسنده به هندوستان داشته و در مجموع به معرفی مکانهای دیدنی و آداب و رسوم و سنت مردم این دیار پرداخته است.

***

پشت پرده تخت طاووس

تألیف مینو صمیمی
ترجمهٔ دکتر حسین ابوترابیان

این کتاب روایتی است متفاوت از حیات یک جامعه که در آن تنها به سرگذشت صاحبان قدرت پرداخته نشده بلکه تاریخ انسان‌های فاقد قدرت سیاسی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این کتاب زندگی دو گروه انسانی که در یک بستر می‌زیستند و دو رویای متفاوت در سر داشتند، یکی در پی یافتن پناهگاهی امن از ستم بیدادگران اروپایی سرزمین مادری را ترک و به جنوب آفریقا مهاجرت کرده بودند و دیگری جدا از قیل و قال تمدن جدید در حال پیمودن سیر تکاملی خود بودند را به تصویر کشیده است.

***

تاریخ اجتماعی ـ اقتصادی ایران در دوره مغول

نوشتهٔ ا.پ پطروشفسکی، کارل یان، جان ماسون اسمیت
ترجمهٔ دکتر یعقوب آژند
وزیری، ۲۰۸ صفحه، چاپ اول، ۶۵۰ ریال

این مجموعه حاوی سه بررسی از سه مغول‌شناس معاصر جهان است که از سه منبع متفاوت گردآوری و ترجمه شده است. هر سه بررسی براساس اسناد و مدارک و منابع تاریخی دوره مغولان نوشته شده است.

***

تاریخ اروپا

نوشتهٔ عباسقلی غفاری‌فرد
وزیری، ۷۹۲ صفحه، چاپ چهارم، سلفون، ۳۰۰۰۰۰ ریال

این کتاب تاریخ اروپا را از آغاز تا پایان قرن بیستم به اجمال شرح می‌دهد و از جنگها، تغییر مرزها، تشکیل سلسله‌ها و کشورهای جدید، حوادث و تحولات تاریخی، توسعه اقتصادی و فرهنگی و علمی اروپا و... سخن می‌گوید.

***

تاریخ جوامع اسلامی

نوشتهٔ ایرا م. لاپیدوس
ترجمهٔ علی بختیاری‌زاده
وزیری، ۱۲۷۲ صفحه، چاپ سوم، ۴۵۰۰۰۰ ریال

این کتاب با رهیافتی تحلیلی - تفسیری به بررسی تاریخ جوامع اسلامی از صدر اسلام تا عصر حاضر پرداخته و مسائل و موضوعات مهمی را به بحث گذاشته است. روند ظهور و گسترش اسلام، چگونگی شکل گیری جوامع اسلامی در دوره پیشامدرن، چگونگی تشکیل جوامع اسلامی مدرن، تقابل جهان اسلام و اروپا و چگونگی شکل گیری فرقه‌ها و نهادهای مختلف اسلامی از جمله موضوعاتی هستند که در این کتاب مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

***

تاریخ فرانسه، از آغاز تا رنسانس

از آغاز تا رنسانس
نوشتهٔ دانیل ریویر
ترجمهٔ شهناز سلامی
با نظارت و ویرایش دکتر محمدجواد محمدی
وزیری، ۲۹۲ صفحه، چاپ اول، ۴۵۰۰۰ ریال

فرانسه کشور پهناوری نیست اما عمق وسعت اثرگذاری‌اش در قارهٔ اروپا و حتی فراتر از آن، همواره بیش از نسبت ارضی و جمعیتی آن بوده است، لذا آگاهی از تاریخ پرفراز و نشیب فرانسه برای علاقه‌مندان به مطالعات تاریخی، هم لازم و هم جذاب است.

***

تاریخچه مبارزات اسلامی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور

تدوین: مجتبی باقرنژاد
جلد اول، وزیری، ۴۱۶ صفحه، چاپ اول، ۲۷۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۴۳۱ صفحه، چاپ اول، ۳۸۰۰۰ ریال
جلدسوم، وزیری، ۴۳۴ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰۰۰ ریال

این کتاب بخشی از فعالیت‌ها، اقدامات، جهت‌گیری‌ها و... اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا را بیان می‌کند. نویسنده در مقدمه‌اش توضیح می‌دهد: «در این مجموعه سعی بر ارائه گزارش‌های تاریخی براساس اسناد گردآوری شده بوده است و کمتر به تحلیل وقایع پرداخته شده...».

تاریخ مختصر الدول

تألیف غریغوریوس ابوالفرج اهرون (ابن العبری)
ترجمهٔ دکتر محمدعلی تاج‌پور، دکتر حشمت‌الله ریاضی
وزیری، ۴۱۲ صفحه، چاپ اول، ۹۰۰ ریال

در مقدمه آمده است: این کتاب تاریخ مختصر الدول از ابوالفرج مَلَطی است که وی با فصاحت و بلاغت و ایجاز تمام اخبار روزگاران را جمع‌آوری کرده و به واسطه توجه و اقبال خوانندگان بر سایر تاریخها برتری یافته، آنچنانکه در دلها اطمینان القاء می‌کند و هیچ گونه تکرار و زیاده‌گویی ندارد.

***

تاریخ معاصر فرانسه (۳ جلد)

نوشتهٔ آلفرد کوبان
ترجمهٔ عباسقلی غفاری‌فرد
جلد اول، وزیری، ۳۴۴ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۲۹۰ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰۰۰ ریال
جلد سوم، وزیری، ۳۱۸ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰۰۰ ریال

نویسنده این کتاب، تاریخی به شیوهٔ معمول، روایی و گزارش گونه و طبعاً در قالب پیروی بدون تفکر از دیگران، تألیف نکرده، بلکه در هر سطر از نوشته‌های کتاب، به ماهیت انقلاب، چرایی و چگونگی انقلاب، ابزار انقلاب، طبقات درگیر در انقلاب، به ویژه کالبدشکافی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی افراد و جامعه پرداخته است.

***

تاریخ و فرهنگ مردم دوان

تحقیق دکتر عبدالعلی لهسایی زاده، عبدالنبی سلامی
وزیری، ۵۷۲ صفحه، چاپ اول، ۳۳۰۰ ریال

هدف کتاب حاضر، مطالعه جامعه‌شناختی - انسان‌شناختی فرهنگ روستایی دوان است. در این تحقیق که حاصل چندسال پژوهش کنجکاوانه درباره این روستاست، سعی شده اجزای فرهنگی روستای دوان آداب و رسوم، قصه‌ها، بازیها و... به طور نمونه مورد بررسی قرار گیرد.

جماهیر شوروی مرا بر آن داشت تا ضمن مطالعه و بررسی آن در شوروی (از لحاظ تاریخچه) نگاهی داشته باشم به بررسی سیاسی، حقوقی تشکیل و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و...»

***

تلاش برای روسیه

نوشتهٔ بوریس نیکولایویچ یلتسین
ترجمهٔ رضا حائز
رقعی، ۳۷۶ صفحه، چاپ دوم، ۱۹۰۰۰ ریال

«تلاش برای روسیه» زندگینامه شخص بوریس یلتسین و در بسیاری موارد دستنوشته‌های شخصی وی در خلوت و شبهای بیخوابی و تنهایی است. او در این کتاب مشکلات و نابسامانی‌های شوروی سابق و ریشه‌های فروپاشی این امپراتوری بزرگ را شرح می‌دهد.

***

توفان خلیج فارس

نوشتهٔ الیویه دلاژ، ژرار گریزبک
ترجمهٔ دکتر اسدالله مبشری، دکتر محسن مؤیدی
رقعی، ۲۷۲ صفحه، چاپ اول، ۵۵۰ ریال

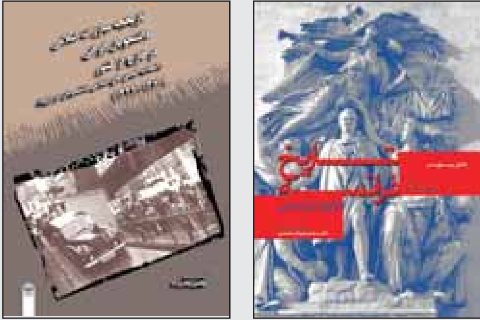
این کتاب نگاهی است به مسائل خلیج فارس و کشورهای این منطقه و نقش آنها در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و همچنین بررسی نقش و دخالتهای کشورهای غربی در مبارزه با انقلاب اسلامی ایران.

***

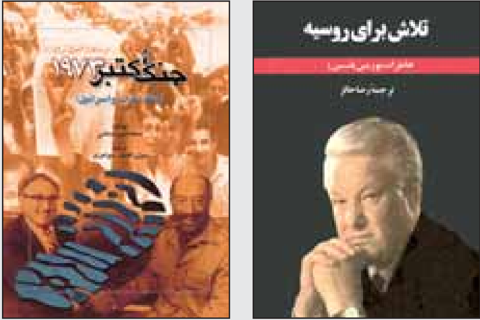
جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو

تألیف شهاب‌الدین عبدالله خوافی (حافظ ابرو)
به تصحیح و تعلیق دکتر غلامرضا ورهرام
وزیری، ۱۷۶ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰ ریال

حافظ ابرو از مورخان عصر تیموری است. زندگی اجتماعی وی این امکان را به نویسنده داده است تا با دقت کافی به بررسی نقاط مختلف ایران و حوادث تاریخی آن مناطق بپردازد. مطالعه این اثر می‌تواند محققان را با نام بسیاری از آبادیها و شهرهایی که امروز اثری از آنها نیست، آشنا سازد. سبب







تاریخ خاندان مرعشی مازندران

تألیف میرتیمور مرعشی
به تصحیح دکتر منوچهر ستوده
وزیری، ۵۲۰ صفحه، چاپ دوم، گالینگور، ۱۱۰۰ ریال

موضوع این کتاب درباره خاندان مرعشی مازندران است و مؤلف اخبار را مستقیماً از کسانی که در جریان امور بوده‌اند، شنیده و ضبط کرده است. عبارات کتاب بسیار بی‌تکلف و خودمانی است و حاوی اطلاعات پراکنده‌ای از وضع اجتماعی مازندران در قرن هشتم و نهم هجری می‌باشد.

***

تاریخ عالم آرای صفوی

به کوشش یدالله شکری
وزیری، ۷۴۸ صفحه، چاپ دوم، گالینگور، ۱۳۰۰ ریال

کتاب با انشایی ساده و روان و به زبان محاوره نگارش یافته و حاوی اطلاعات جالبی از آداب و رسوم و باورهای مردم عصر صفوی و آیین‌های پهلوانی و رسم و رسوم آن روزگار است. از لحاظ جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی نیز حائز اهمیت است.

***

تاریخ گیلان و دیلمستان

تألیف سیدظهیرالدین بن سیدنصیرالدین مرعشی
با تصحیح و تحشیهٔ دکتر منوچهر ستوده
وزیری، ۶۱۲ صفحه، چاپ دوم، گالینگور، ۱۲۵۰ ریال

قدیمی‌ترین سند تاریخی گیلان است. صراحت و نظر انتقادی نگارنده شباهت کمی با مؤلف تاریخ بیهقی دارد. وی می‌گوید: «مؤلف حقیر آنچه نوشته است خود مشاهده کرده، از دیده نوشته نه از شنیده». این کتاب حاوی مطالب ارزنده‌ای در باب تاریخ و آداب و رسوم و زبان و سنن مردم گیلان و دیلمستان تا قرن نهم هجری است.

تراست مغزهای امپراطوری

نوشتهٔ لورنس اچ. شوپ، ویلیام مینتر
ترجمهٔ منصور آسیم، علی رضایی
وزیری، ۲۹۶ صفحه، چاپ سوم، ۹۰۰ ریال

معرفی‌نامه یک گروه از مردانی است که با جمع‌آوری همه‌نیروهای مادی و فکری مناسب، در پیشبرد توسعه در ایالات متحده و در صعود آمریکا به مقام بزرگترین امپریالیست جهان در ۶۰ سال اخیر نقش مؤثری ایفا نموده‌اند. این افراد همزمان با این روند توسعه، تلاش داشته‌اند از توسعه بسیاری از کشورها جلوگیری به عمل آورند.

***

تسخیر

نوشتهٔ دکتر معصومه ابتکار
رقعی، ۳۵۰ صفحه، چاپ دوم، ۲۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر نخستین روایت یک ایرانی است که شاهد اشغال سفارت آمریکا در تهران بوده است. «تسخیر» داستان خاطرات، ماجراها و وقایع ناگفته تسخیر لانه جاسوسی در تهران در قالبی ساده و روان است که برای نخستین بار پرده از تبلیغات سوء و غیرواقعی رسانه‌های غربی علیه انقلاب اسلامی ایران برداشته و اهداف دانشجویان مسلمان پیرو خط امام از این اقدام را در تصویری واقع‌بینانه شامل نقاط قوت و ضعف آن تبیین می‌نماید.

***

تشکیل و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی

(فدرالیسم در شوروی)
نوشتهٔ حسین رحمت‌الهی
وزیری، ۲۴۲ صفحه، چاپ اول، ۱۲۰۰ ریال

کتاب حاضر رساله‌ای است تنظیم شده در هفت فصل که با تکیه بر اسناد و مدارک معتبر می‌کوشد واقعیت‌های فدرالیسم شوروی را بیان کند. مؤلف در مقدمه خود می‌نویسد «فروپاشی مارکسیسم و بیدار شدن حس ملیت‌گرایی و قومیت‌خواهی در برخی از کشورهای جهان سوم بلوک شرق و اتحاد

انتشار این کتاب نادر بودن نسخ خطی آن است که با انتشار آن می‌توان این گونه متون فرهنگی را در اختیار اهل تحقیق و مطالعه قرار داد.

***

جنایت در کنارهٔ آمازون

نوشتهٔ هربرت ونت
ترجمهٔ مهدی شهشهانی
وزیری، ۱۶۴ صفحه، چاپ اول، ۴۰۰ ریال

داستان نابودی قبایل سرخپوست توسط صاحبان صنایع بزرگ و زمینداران و سفته‌بازان در سرزمین‌های چاوانته و مناطق دیگر برزیل حدیث دردناک این کتاب است.

***

جنگ اکتبر ۱۹۷۳

نوشتهٔ سعدالدین شاذلی
ترجمهٔ بیژن افتخار جواهری
وزیری، ۳۹۰ صفحه، چاپ دوم، ۳۵۰۰۰ ریال

این اثر که توسط رئیس ستاد نیروهای مسلح مصر در هنگام جنگ اکتبر ۱۹۷۳ نگاشته شده است، جنبه‌های مختلف موضوع جنگ اکتبر (جنگ اعراب و اسرائیل) را بررسی می‌کند از جمله، تمرینها و آماده‌سازی دسته‌های مختلف نیروهای مسلح مصر، موانع سر راه عملیات، طراحی و اجرای نقشه‌های عملیاتی و...

***

جنگ خلیج فارس، پروندهٔ محرمانه

نوشتهٔ پیر سالینجر، اریک لوران
ترجمهٔ موسی احمدزاده
رقعی، ۲۰۴ صفحه، چاپ دوم، ۱۸۰۰ ریال

تراژدی جنگ خلیج فارس، هرچند که پایان یافته است، اما پیامدهای آن ادامه دارد. اوج این تراژدی حمله صدام به کویت و جنگ متحدین علیه عراق بود. در این کتاب از آغاز بحران تا روز ۱۹ نوامبر ۱۹۹۰ سخن رفته و تمام جزئیات آن روزها ذکر شده است.

جنگ در بالکان

نوشتهٔ جمعی از نویسندگان بوسنیایی
ترجمه و نگارش نقی طبرسا
رقعی، ۱۹۶ صفحه، چاپ اول، ۲۴۰۰ ریال

کتاب حاضر که اختصاص به اوضاع مسلمانان در منطقه بالکان، خاصه بوسنی و هرزگووین دارد، از سوی صاحبان فکر و اهل علم و قلم و دین بوسنی و هرزگووین نگارش یافته و سعی در تشریح تحلیلی و ریشه‌یابی تاریخی، دینی و جغرافیایی جنگ خانمانسوز در این منطقه دارد.

***

جنگ رؤیاها

نوشتهٔ ویلیام رابینسون، کنت نورس ورثی
ترجمهٔ علی اکبر عبدالرشیدی
رقعی، ۲۷۲ صفحه، چاپ اول، ۳۵۰ ریال

این کتاب جنگ آمریکا علیه نیکاراگوا را در همه ابعاد اقتصادی، روانی، سیاسی و عقیدتی بررسی می‌کند. کتاب نتیجه تحقیقات محلی و حضوری نویسندگان در نیکاراگوا است.

***

جنگ ریگان

نوشتهٔ پیتر شوایتزر
ترجمهٔ علیرضا عیاری
رقعی، ۴۶۴ صفحه، چاپ دوم، ۱۲۰۰۰۰ ریال

موضوع این کتاب پیش از آنکه شرح زندگی یکی از رؤسای جمهوری آمریکا باشد؛ از یک سو بررسی زمینه‌ای است که به پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی منجر شد و از سویی دیگر بررسی مقطعی حساس از تاریخ روابط بین‌الملل است که با بررسی مکاتبات خصوصی ریگان طی ۴۰ سال از خلال اسناد محرمانه شش کشور مختلف به‌دست آمده است. خواندن این کتاب بدون در نظر گرفتن قهرمان‌سازی‌های دروغین، تصویری هرچند ناقص از مقطعی تاریخی به دست می‌دهد.

حرکت اسلامی فلسطین

تألیف سیدهادی خسروشاهی
وزیری، ۲۶۴ صفحه، چاپ دوم، ۱۸۰۰۰ ریال

در این کتاب با استفاده از مدارک فراوان، چگونگی حرکتهای اسلامی در فلسطین مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

***

حکومت انکار

نوشتهٔ باب وودوارد
ترجمهٔ فریدون دولتشاهی
رقعی، ۶۶۰ صفحه، چاپ اول، ۳۵۰۰۰ ریال

«باب وودوارد» خبرنگار نام‌آشنا و دستیار سردبیر نشریه «واشنگتن پست» با نگارش «حکومت انکار» برای سومین‌بار به سراغ جرج بوش و جنگ عراق رفته است. او در این اثر، برخی حوادث و رویدادهایی را که در پس تصمیمات دولت آمریکا و رئیس جمهور سابق این کشور در ارتباط با خاورمیانه و بویژه عراق رخ داده‌اند، توضیح می‌دهد و ماجراهایی را که به جنگ در عراق انجامید، شرح می‌دهد.

***

خاطرات آندری گرومیکو

ترجمهٔ مهوش غلامی
رقعی، ۶۲۴ صفحه، چاپ چهارم، ۱۸۰۰۰۰ ریال

گرومیکو در این کتاب بعد از شرح دوران کودکی و نوجوانی، وقایع زندگی خصوصی‌اش به معرفی شخصیت‌هایی می‌پردازد که در طی دوران فعالیت خود با آنها آشنا شده است. این خاطرات تصویری را که رهبران شوروی می‌خواستند از کشور خود ترسیم نمایند بخوبی نشان می‌دهد و اجزای مختلف تشکیل‌دهنده طرز فکر رهبران شوروی، قبل از گورباچف را به نمایش می‌گذارد.

***

خاطرات فرانسوا میتران

نوشتهٔ ژرژ مارک بن آمو

خدمتگزار تخت طاووس

نوشتهٔ پرویز راجی
ترجمهٔ دکتر حسین ابوترابیان
رقعی، ۴۱۴ صفحه، چاپ سیزدهم، ۱۲۵۰۰۰ ریال

این کتاب خاطرات پرویز راجی، یکی از وابستگان دربار پهلوی دوم و سفیر سابق ایران در انگلستان است که در آن، ضمن آشنایی با موضوع‌گیریهای عنادآمیز وی در برابر جریان انقلاب اسلامی، به نکات فراوانی می‌توان دست یافت که جز از مفاسد دوران ستم‌شاهی حکایت نمی‌کند.

***

خروشچف و عصر او

نوشتهٔ ویلیام تابمن
ترجمهٔ فریدون دولتشاهی
رقعی، ۹۴۶ صفحه، چاپ اول، ۴۵۰۰۰۰ ریال

این کتاب نخستین زندگینامه کامل و جامع خروشچف است و آینه تمام‌نما از عصر شوروی است. نویسنده آن یکی از برجسته‌ترین کارشناسان امور اتحاد شوروی است. او می‌کوشد موفقیت‌ها و ناکامی‌های خروشچف را نشان دهد. وی زندگی خروشچف را از آغازش در یک روستای فقیر تا پیروزیش در مبارزه مرگبار برای جانشینی استالین و بالاخره برکناری ناگهانی او در سال ۱۹۶۴ با ترکیبی روایت‌گرانه و تحلیل گونه باز گو می‌کند و تاریخ اجتماعی و سیاسی روسیه سده‌های نوزده و بیست را ارائه می‌دهد.

جنگ سرد چرچیل

نوشتهٔ کلاوس لارس
ترجمهٔ حمیدرضا زاهدی
رقعی، ۶۱۲ صفحه، چاپ دوم، ۴۰۰۰۰ ریال

بی‌تردید، یکی از تأثیر گذارترین سیاستمداران نیمه اول قرن بیستم «وینستون چرچیل» است؛ کسی که به گفته مترجم کتاب، در ماه به طور متوسط دو اثر درباره وی در جهان منتشر می‌شود که هر یک، گوشه‌ای از زندگی‌اش را بررسی می‌کند. اما کتاب حاضر از منظری دیگر به وی نگریسته است و در واقع می‌توان گفت این اثر به گونه‌ای، رفتارشناسی چرچیل می‌باشد.

***

چگونگی فروپاشی یوگسلاوی

نوشتهٔ استپان مسیچ
ترجمهٔ محمدجواد آسایش زارچی، محمدجواد همت‌پناه، حمیدرضا بیطرف
رقعی، ۶۷۲ صفحه، چاپ اول، ۷۵۰۰ ریال

این کتاب که به قلم آخرین رئیس جمهور یوگسلاوی سابق نوشته شده است، به چگونگی آغاز اضمحلال یوگسلاوی و روند استقلال جمهوری‌های اسلوونی و کرواسی پرداخته است.

***

چهار ساله دوم

(گزارشی از دومین دورهٔ ریاست جمهوری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای)
وزیری، ۵۲۰ صفحه، چاپ اول، ۱۸۰۰ ریال

موضوع کتاب، گزارش فعالیت‌ها و تلاشهای پیگیر علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی... حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوران دوم ریاست جمهوری ایشان می‌باشد.

ترجمهٔ افتخار نبوی‌نژاد
رقعی، ۲۶۶ صفحه، چاپ دوم، ۷۰۰۰۰ ریال

این کتاب دربر گیرنده خاطرات یک سوسیالیست پیر اروپایی است که آغاز فعالیت سیاسی‌اش به دوران جنگ جهانی دوم برمی‌گردد که از آن سالها به بعد توانست به سرعت به تمام خواستهای سیاسی خود برسد.

***

خاطرات مارگارت تاچر

ترجمهٔ فریدون دولتشاهی
رقعی، ۱۱۸۰ صفحه، چاپ سوم، ۲۵۰۰۰۰ ریال

«من پیش از اینکه نخست‌وزیر شوم چند سفر سیاسی به خارج نموده بودم که از آن جمله سفر به شوروی، آمریکا، آلمان، اسرائیل،... بود که در این سفرها سعی داشتم از نزدیک با مردم عادی برخورد کنم که این کار تقریباً در این سفرها میسر می‌شد». مارگارت تاچر با یادآوری این نکات سعی نموده در ضمن بازگو کردن خاطرات خود به کلیه زوایای سیاست انگلیس بپردازد.

***

خاطرات مریم فیروز (فرمانفرمائیان)

وزیری، ۲۱۲ صفحه، چاپ چهارم، ۷۵۰۰۰ ریال

این کتاب مجموعه‌ای است از مصاحبه‌های خانم مریم فیروز و گفتار گوناگون وی درباره دوران کودکی، خانواده فرمانفرما و روابط این خانواده در عصر پهلوی، فعالیت‌های حزب توده و فراز و نشیب‌های آن و مسائل و مباحثی از این قبیل.

***

خاطرات نورالدین کیانوری

وزیری، ۶۸۸ صفحه، چاپ چهارم، گالینگور، ۸۰۰۰۰ ریال

کتاب خاطرات نورالدین کیانوری براساس مصاحبه تهیه و تنظیم شده و سعی مصاحبه‌گران بر آن بوده است که گفتگوی مورد نظر تا حد امکان، همه‌جانبه و پاسخگوی ابهاماتی باشد که نزد پژوهشگران تاریخ معاصر ایران حائز اهمیت است.

خطا و خیانت در لبنان

نوشتهٔ جرج بال
ترجمهٔ دکتر حسین ابوترابیان
رقعی، ۱۸۴ صفحه، چاپ اول، ۴۰۰ ریال

نویسنده کتاب که خود یک سیاستمدار کهنه‌کار آمریکایی است و به ضدیت با روحیه جنگ‌طلبی شهرت دارد، کوشیده است با تحلیلی لیبرال‌منشانه مسأله تهاجم اسرائیل به جنوب لبنان و همدستی آمریکا در آن را صدردصد اشتباه و خیانت‌بار توصیف کند.

***

خلع سلاح عراق

(جستجو برای تسلیحات کشتار جمعی)
نوشتهٔ هانس بلیکس
ترجمهٔ محمدحسین آهوئی
رقعی، ۳۵۶ صفحه، چاپ دوم، ۲۲۰۰۰ ریال

جنگ علیه عراق افکار عمومی را در سراسر جهان چند پاره کرد و گردبادی از نظریات موافق و مخالف به وجود آورد. به تحقیق تنها بازیگر کلیدی که در متن تمام گفتگوها قرار داشت و با صداقت از این طوفان سربرآورد، «دکتر هانس بلیکس» سرپرست تیم بازرسی تسلیحاتی سازمان ملل متحد بود. این کتاب گزارش دکتر بلیکس از تمام رخدادهایی است که سرانجام به اعلام جنگ با عراق در مارس ۲۰۰۳ انجامید.

***

خوشه‌های شهریور

نوشتهٔ دکتر معصومه ابتکار
رقعی، ۳۴۴ صفحه، چاپ اول، ۲۵۰۰۰ ریال

این اثر، خاطرات اولین بانوی راه یافته به دولت در جمهوری اسلامی ایران است که به جمع دولتمردان راه یافت و هشت سال بر کرسی معاونت ریاست جمهوری و ریاست سازمان حفاظت از محیط زیست تکیه زد.

داستان ناگفتهٔ عراق

نوشتهٔ اسکات ریتر
ترجمهٔ علیرضا عیاری
رقعی، ۳۷۶ صفحه، چاپ سوم، ۸۰۰۰۰ ریال

نویسندهٔ کتاب مسئول عملیات بازرسی های حساس کمیسیون ویژهٔ سازمان ملل متحد در عراق بوده است و بنا به گفته خودش، از بسیاری از موضوعات محرمانه آگاه بوده و در جریان فعالیتهای سازمانهای اطلاعاتی و جاسوسی کشورهای غربی بویژه آمریکا قرار داشته است. او به مدارکی دسترسی داشته که کمتر کسی از آنها آگاهی داشته و براساس این اطلاعات دست اول، «داستان ناگفته عراق» را نگاشته است.

***

...در بهشت شداد!

نوشتهٔ جلال رفیع
رقعی، ۵۴۸ صفحه، چاپ هشتم، ۵۰۰۰۰ ریال

موضوع این کتاب یادداشتهایی است که مؤلف در طول سفر خود به آمریکا به رشته تحریر درآورده. او در این کتاب از خوب و بد جامعه آمریکا و در خصوص ویژگی های جامعه متمدن و وحشی آمریکا با زبانی طنز سخن گفته. به گفته نویسنده، این کتاب رهاورد سفر اوست اما نه سفرنامه است و نه خاطرات و نه گزارشات! بلکه مجموعه‌ای است مانند سفر، با همه تنوع و حتی تهوعی که گاه خاص سفر است و...

***

در حاشیهٔ سنت و تجدد

گسستگی ها و پیوستگی ها
نوشتهٔ محمدجواد حجتی کرمانی
وزیری، ۵۱۲ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰۰ ریال

این اثر مشتمل بر مباحث زیر است: فقه و تمدن جدید، نقش زمان در تطور فقه، نوگرایی و جنبش دینی، اسلام و مدرنیسم، ملاحظاتی در باب حکومت اسلامی، در پیرامون آزادی و دموکراسی، نقش مردم در حاکمیت اسلامی، حقوق بشر اسلامی/پیوستگی ها و گسستگی ها، حقوق بشر از ژرفا، جریان تجدد در جمهوری اسلامی، مبانی نظری گفتگوی تمدنها، نقش مذهب و نیروهای اجتماعی در انقلاب اسلامی.

***

در صحنه

خاطرات پیروزی، شکست و تجدید حیات
نوشتهٔ ریچارد نیکسون
ترجمهٔ احمد عزیزی
رقعی، ۴۸۸ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰ ریال

نویسنده در کتاب خاطراتش به ذکر حیات سیاسی و حکومتی و بحرانهای آمریکا و مسائل مربوط به جنگ ویتنام و کلاً به روابط خارجی و سیاست آمریکا با سایر کشورهای دنیا بخصوص کشورهای در حال رشد می پردازد و در ضمن جامعه آمریکا را در همه ابعاد آن چه آموزشی و چه تربیتی و حتی ارتباطات داخلی مورد نقد و بررسی قرار می دهد.

***

دولت فلسطین و شهرکهای یهودی نشین

تألیف عبد معروف
ترجمهٔ فرزاد ممدوحی
رقعی، ۱۲۸ صفحه، چاپ اول، ۱۸۰۰ ریال

کتاب حاضر، تحقیق جامعی است که پرده از توطئه رژیم اشغالگر قدس برای محو فرهنگ و آثار تاریخی و اسلامی سرزمین فلسطین برمی دارد. نویسنده کتاب حاضر سعی دارد با تجزیه و تحلیل استراتژی «اشغال خزنده» صهیونیستها که با ترغیب یهودیان سایر کشورها از جمله کشورهای تازه استقلال یافته اتحاد شوروی سابق به مهاجرت به فلسطین اشغالی به اجرا درآمده، انگیزه رژیم صهیونیستی را از انجام مذاکرات سیاسی که در نهایت هدفی جز جذب رضایت اعراب به واگذاری بخش کوچکی از سرزمین های اشغالی در مقابل صلح را ندارد، تشریح نماید.

دو مقاله

از انوشیروان لطفی، سعید شاهسوندی
رقعی، ۸۴ صفحه، چاپ دوم، ۱۸۰۰۰ ریال

کتاب حاوی دو مقاله است که توسط انوشیروان لطفی عضو مرکزیت سازمان «اکثریت» و سعید شاهسوندی عضو مرکزیت سازمان مجاهدین به صورتی اعتراف گونه ارائه شده است و آنها در این کتاب از آنچه در درون تشکیلات آنها می گذشته است پرده برمی دارند.

***

دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج‌فارس

نوشتهٔ دکتر سیف‌الرضا شهابی
رقعی، ۲۶۰ صفحه، چاپ دوم، ۱۸۰۰۰ ریال

این کتاب پس از مقدمه کوتاه و پیشگفتاری در معرفی عملکرد شورای همکاری خلیج‌فارس و کارنامه ۲۵ ساله آن، با مصاحبه اختصاصی نویسنده با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی آغاز می شود. سپس نویسنده موقعیت ممتاز و استراتژیک خلیج‌فارس را بیان می کند و نحوه شکل گیری شورا را توضیح می دهد و منشور آن را ارائه می کند. آنگاه در فصول جداگانه، دیدگاههای شورا را در زمینه‌های فعالیتهای اقتصادی، امنیتی، نظامی، مقابله با تروریسم و... تشریح می کند.

***

دین بین فو

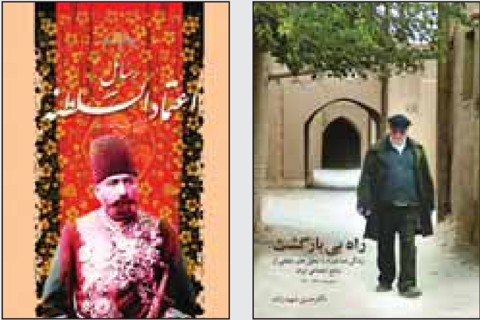
نوشتهٔ ژنرال وونگوین جیاپ
ترجمهٔ حمید عظیمی
وزیری، ۱۸۸ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰ ریال

کتاب حاضر در حقیقت مقاومت و مبارزات مردم ویتنام علیه استعمارگران و اشغالگران آن کشور طی سالهای ۱۹۴۵ الی ۱۹۷۵ را شرح می دهد.

***

راه بی بازگشت

نوشتهٔ دکتر حسین شهیدزاده



رقعی، ۳۷۶ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰۰ ریال

این کتاب مجموعه خاطرات دکتر حسین شهیدزاده (۱۳۸۹-۱۳۰۱) است که سالهای متمادی در عرصه سیاست و دیپلماسی مشغول به کار بوده در برن، واتیکان، پاریس، وین و مادرید در نمایندگی های سیاسی خدمت نموده است، اما مهمترین مقطع از زندگی سیاسی وی، سفارت ایشان در کشور عراق طی سالهای ۵۵-۱۳۵۲ است که در این دوره، عهدنامه مرزی مشهور به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به امضا رسید.

***

راه دشوار آزادی

نوشتهٔ رولیهلاهلا نلسون ماندلا
ترجمهٔ مهوش غلامی
رقعی، ۸۲۸ صفحه، چاپ ششم، ۱۵۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر شرحی تکان دهنده و مهیج از زندگی نلسون ماندلا است که قطعاً در شمار بهترین کتابهای خاطرات رهبران جهان درخواهد آمد. ماندلا در این کتاب برای نخستین بار از داستان زندگی فوق العاده خود، از حماسه مبارزه ها و شکستها، از امیدهای دوباره و از پیروزی سخن می گوید.

***

رسائل اعتماد السلطنه

گردآوری و تصحیح میرهاشم محدث
وزیری، ۵۰۴ صفحه، چاپ اول، ۸۵۰۰۰ ریال

دوره قاجار از لحاظ نگارش کتب تاریخی و جغرافیایی یکی از دوره های شکوفای تاریخ ایران است و بدون شک خدمات ارزنده اعتمادالسلطنه در این امر نقش بسزایی داشت. کتاب حاضر شامل ۲۴ رساله از رسائل خطی و چاپی اوست.

***

ریشه‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی پیدایش فاشیسم

نوشتهٔ ناصر پویا
رقعی، ۲۹۶ صفحه، چاپ دوم، ۸۵۰۰۰ ریال

موضوع این کتاب، بررسی ریشه‌های تاریخی و زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فکری و فلسفی پدیدهٔ فاشیسم به عنوان یک ساختار سیاسی در کشور آلمان است که با روش تحلیلی و توصیفی، پدیده فاشیسم را مورد بررسی و ارزیابی قرار داده، می کوشد علل ظهور آن را تبیین نماید.

***

زندگی سیاسی من

نوشتهٔ ویلی برانت
ترجمهٔ حمیرا مشیرزاده
رقعی، ۵۵۰ صفحه، چاپ دوم، ۲۷۰۰۰ ریال

این کتاب شامل خاطرات سیاسی ویلی برانت، صدراعظم اسبق آلمان و یکی از جنجالی ترین شخصیت‌های اروپایی در دهه بعد از جنگ دوم جهانی است. نویسنده امیدوار است که این کتاب بتواند اطلاعات مفیدی به علاقه‌مندان به مسائل سیاسی اروپا و جهان بدهد و همچنین منبع قابل اتکایی برای پژوهش های سیاسی مربوط به دهه‌های بعد از جنگ دوم جهانی باشد.

***

زندگی و مبارزه نواب صفوی

نوشتهٔ سیدهادی خسروشاهی
رقعی، ۴۶۴ صفحه، چاپ سوم، ۱۶۰۰۰۰ ریال

دربارهٔ زندگی پرفراز و نشیب و کوتاه شهید نواب صفوی، نکات و حقایق مکتوم و ناگفته بسیار است که در صورت تحقیق و نشر، بخشی از مسائل تاریخ معاصر ایران روشن خواهد شد. این کتاب، مجموعه مقالاتی است که در این راستا و در ۵۰ سال گذشته در مطبوعات داخل و خارج کشور از سوی مؤلف منتشر شده است.

***

ژرف نگری در انقلاب اروپا

نوشتهٔ رالف دارندورف
ترجمهٔ دکتر هوشنگ لاهوتی
رقعی، ۲۰۴ صفحه، چاپ اول، ۸۰۰ ریال

این کتاب به صورت نامه‌هایی خطاب به یک نفر از ساکنان لهستان به



رشته تحریر درآمده که در آن حوادث و رویدادهای سالهای ۱۹۹۰-۱۹۸۹ مورد تحقیق و بررسی عمیق قرار گرفته و بسیاری از حقایق و واقعیت‌هایی که از ذهن و نظرها پنهان بوده، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

***

سبز جامگان نجات

نوشتهٔ دکتر خلیل علیزاده
رقعی، ۱۷۴ صفحه، چاپ اول، ۷۵۰۰ ریال

در این کتاب، نویسنده خاطرات خویش را از دوران دفاع مقدس به رشته تحریر درآورده و نکات برجسته آن دوران بی نظیر را از نگاه یک پزشک، بازگو می نماید.

***

سفرنامه افریقا (دوره سه جلدی)

نوشتهٔ سر هنری مورتن استانلی
ترجمهٔ محمد صفی بن ادیب‌الدوله محمد حسینخان میرپنج (جلد اول)، رضاقلی بن جعفر قلیخان نیرالملک (جلد دوم)، غلامرضا بن میرزا ابوالحسن خان دکتر (جلد سوم)
به کوشش علی‌اکبر خداپرست
وزیری، دوره ۱۲۷۲ صفحه، چاپ اول، گالینگور، ۵۲۵۰ ریال

این سفرنامه گزارش سفر «هنری مورتن استانلی» است که از شهر زنگبار دیدن کرده است و به مسأله کشتی های تجاری و جنگی انگلستان، فرانسه، آمریکا و آلمان و همچنین مسأله برده گی و شکل جدید آن یعنی خرید و فروش غلامان و کنیزان پرداخته است.

***

سفرنامه اولیویه

نوشتهٔ جی. بی اولیویه
ترجمهٔ محمدطاهر قاجار
وزیری، ۲۰۴ صفحه، چاپ اول، ۱۲۰۰ ریال

سفرنامه اولیویه در یک مقدمه و ده فصل، نکات تازه و جالبی از

اوضـاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار به خواننده ارائه می‌کند.

***

سفرنامه صفاء‌السلطنه نائینی (تحفه‌الفقراء)

نوشتهٔ میرزا علی خان نائینی (صفاء‌السلطنه)
به اهتمام محمد گلبن
وزیری، ۲۱۶ صفحه، چاپ دوم، ۱۴۰۰۰ ریال

این سفرنامه شرح سفر میرزاعلی خان صفاء‌السلطنه نائینی است به خراسـان که دارای اطلاعات بسـیار جالبی درباره راه‌ها و رباط‌ها و بناهای ملی و مذهبی اسـت که در یکصد و پنج سـال پیش نوشـته شده است. در این چاپ سـعی شده اسـت از رجال و اماکن و شهرهای مسیر راه نویسنده تصاویری بر کتاب منضم شود تا بهره بیشتری از کتاب حاصل آید.

***

سفرنامه عراق عجم و تاریخ و جغرافیای راه عراق عجم

نوشتهٔ ناصرالدین شاه قاجار ـ محمدحسن خان اعتمادالسلطنه به تصحیح میرهاشم محدث
وزیری، ۳۸۴ صفحه، چاپ دوم، ۱۱۰۰۰۰ ریال

بخش اول کتاب: «سفرنامه عراق عجم» به قلم ناصرالدین شاه قاجار اسـت و بخش دوم: «تاریـخ و جغرافیای راه عراق عجم» بـه قلم همراه و همسفر او، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه این سفر از طهران شروع شده و با عبور از قم، دلیجان، محلات، سلطان آباد (اراک فعلی)، بروجرد، نهاوند، تویسـرکان، آشتیان و ساوه، بالاخره به طهران ختم می‌شود. این سفر ۹۶ روز به طول انجامیده است.

***

سفری به دربار سلطان صاحبقران

نوشتهٔ دکتر هینریش بروگش
ترجمهٔ مهندس کردبچه
وزیری، ۷۷۰ صفحه، چاپ سوم، گالینگور، ۸۰۰۰۰ ریال

این کتاب، حاصل مسافرت دور و دراز یک هیأت سیاسی و اعضای یک سـفارت است که رسـماً از طرف دولت پروس به ایران اعزام شدند و از بیشتر نقاط و شـهرهای ایران بازدید کردند و در ۲۵ ژوئیه ۱۸۵۷ برای نخستین بار میان ایران و دولت پادشاهی پروس - به نمایندگی از طرف کشورها و ایالات مستقل آلمان - یک قرارداد گمرکی و بازرگانی و مودت امضاء نمودند و...

***

سقوط شاه

نوشتهٔ فریدون هویدا
ترجمهٔ دکتر حسین ابوترابیان
رقعی، ۲۲۴ صفحه، چاپ یازدهم، ۶۰۰۰۰ ریال

نویسـنده کتـاب گرچه ایـن کتاب را بیشـتر در جهـت مبرا جلوه دادن برادر خود (عباس هویدا) نوشـته اسـت ولی در خلال آن دسـت به افشـاگریهایی علیه حکومت شاه زده و مسـائلی را برملا می‌کند که بسیار آموزنده و آگاه‌کننده است.

***

سوار سمند سپیده

زندگینامه شهید جلال نوبهار
به کوشش فرشاد (حسین) فرشته حکمت
رقعی، ۷۶ صفحه، چاپ اول، ۳۰۰۰ ریال

مجموعـه حاضـر دربرگیرنده زندگینامه شـهید نوبهـار خبرنگار بسیجی روزنامه اطلاعات و وصیتنامه آن شهید بزرگوار است که به همت یکی از همرزمانش به رشته تحریر درآمده است.

***

سیاست خارجی شوروی در دوران: برژنف، آندره‌پف، چرنینکو

نوشتهٔ جاناتان استیل
ترجمهٔ سعید میرزایی ینگجه، بهمن آقایی
وزیری، ۳۴۰ صفحه، چاپ اول، ۹۵۰ ریال

نویسـنده کوشیده است، سیاست خارجی کشـور شوروی سابق را در دوران سـه تن از رهبران آن کشـور یعنی برژنف، آندره‌پف و چرنینکو تشریح کند و در کنار آن تاریخچه‌ای از فعالیت‌های شوروی، نتایج حاصله و وضعیت موجود را ارائه دهد و به مسـائلی چون به رسـمیت شـناختن اسـرائیل، انقلاب اسلامی در ایران و جنگ تحمیلی عراق با ایران اشاره‌ای داشته باشد.

***

سیاستمداران جوان

به کوشش علیرضا صلواتی
وزیری، ۶۰۰ صفحه، چاپ سوم، ۲۶۰۰۰۰ ریال

این کتاب به زندگی سیاسـتمداران ایرانی از چپ و راسـت، لیبرال و رادیکال، اصلاح‌طلب و اصولگرا و روحانی و غیر روحانی می‌پردازد و جوانی نسـلی را بازگو می‌کنـد که غالباً دوران جوانی شـان را در بحبوحه مبارزه گذرانده‌اند. روش این کتاب بر گفتگو اسـتوار است و در ابتدای هر گفتگو، زندگینامه مختصر و توضیحی درباره گفتگوشونده آورده شده است.

***

شاهدی بر نسل‌کشی

نوشتهٔ روی گوتمان
ترجمهٔ محمود حدادی
رقعی، ۲۳۲ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰ ریال

کتاب حاضر، شـامل گزارشـهایی اسـت درباره پاکسازی نژادی در بوسـنی هرزگووین، که در ضمن، ریشه‌های تاریخی وقایعی را که منجر به این جنگ شده است بیان می‌کند.

***

شرح و تحلیل عقدالعلی للموقف الاعلی

به کوشش مریم ایرانمنش
وزیری، ۲۲۴ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰۰ ریال

کتـاب «عقدالعلی للموقـف الاعلی» از جمله کتب تاریخی اسـت کـه از جنبه‌هـای مختلف، تاریخی، ادبی و اخلاقی دارای اهمیت اسـت و دربرگیرنده حقایق ارزشمندی مربوط به قرن ششم هجری، از جنبه محلی و جغرافیایی می‌باشد. شارح و مصحح محقق این کتاب ضمن شرح و تحلیل آن، بـرای آگاهی خوانندگان مقدمه‌ای هم پیرامون تاریخ سـلجوقیان در ابتدا آورده است.

***

شریح قاضی

تألیف سیدعلی اکبر خدایی
وزیری، ۱۴۲ صفحه، چاپ دوم، ۱۳۰۰۰ ریال

در این کتاب سـعی شده، به معمای بزرگی در حادثه کربلا: واقعیت داشتن یا نداشـتن صدور فتوای شریح قاضی علیه امام حسین(ع)، پاسخ داده شـود. پژوهشگر برای روشن شـدن زوایای این مسأله، به زندگینامه شـریح قاضی، خصوصیات اخلاقی، عملکرد او در دوران خلفاء و... اشـاره کرده تا عواملی را که باعث شـده صدور چنین فتوایی را به شـریح نسـبت دهند، مشخص سازد.

***

۶۷۵ روز در جبهه

خاطرات شهید عبدالرضا سوری
رقعی، ۲۴۴ صفحه، چاپ دوم، ۴۰۰۰ ریال

آنچه در این کتاب آمده اسـت، گوشـه‌هایی از افکار و اندیشـه‌های روزگاری شـکوهمند از دوران زندگی زمینی یکی از شـهدای جبهه‌های نبرد نور علیه ظلمت اسـت که با قلمی بی‌پیرایه و قلبی به پاکی گلبرگهای یاس نگارش یافته است.

***

شوق آموختن

نوشتهٔ آرچیبالد روزولت
ترجمهٔ صهبا سعیدی
رقعی، ۵۹۲ صفحه، چاپ سوم، ۱۶۰۰۰۰ ریال

کتـاب حاضر گزارش گونه‌ای اسـت از تجارب مأموری اطلاعاتی در ممالک اسـلامی و حواشی آن و بر پایه خاطراتی است که در ذهن نویسنده کتاب باقی مانده است.

***

شهرهای گمشده

نوشتهٔ دکتر حمید بهرامی احمدی
رقعی، ۷۶ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰ ریال

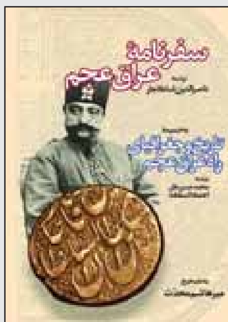
این کتاب به پژوهش و تحقیق درباره جغرافیای تاریخی رفسنجان و تاریخ تمدن و شهرنشینی در این منطقه پرداخته است.

***

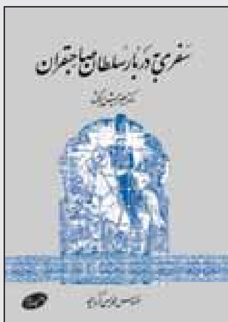
صاعقه در صحرا

نوشتهٔ جیمز بلک ول
ترجمهٔ حمید فرهادی‌نیا، هوشمند نامور تهرانی
رقعی، ۳۸۰ صفحه، چاپ اول، ۱۳۵۰ ریال

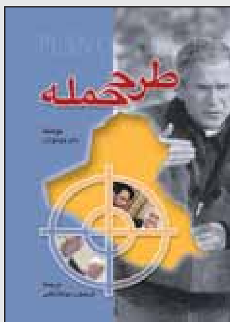
کتـاب «صاعقه در صحـرا» از ویژگیهای چندی برخوردار اسـت، از جملـه اینکه صرفاً رویکـرد نظامی به جنگ خلیج‌فـارس دارد و به‌طور قابل توجهی به تحلیل جزئی‌ترین مسـائل نظامی پرداخته و در عین حال نویسـنده کوشـیده تا برای خواننده پرده ظاهری را که آکنده از تبلیغات غیرواقعی اسـت، کنـار بزند و ماهیت واقعی جنگ را بـه نمایش بگذارد و نقـاط ضعف و قـوت غالب و مغلوب را تبیین کـرده و در این راه نظریه‌ها و دکترین‌های نظامی مورد استفاده در جنگ را باز گو کند.













طرح حمله

نوشتهٔ باب وودوارد
ترجمهٔ فریدون دولتشاهی
رقعی، ۵۸۶ صفحه، چاپ دوم، ۳۰۰۰۰ ریال

اشـغال عراق توسـط نیروهای آمریکایی به بهانه کشف سلاحهای کشـتار جمعی، موضوع این اثر اسـت. این کتاب در واقع روایتی اسـت از تدارکات حمله به عراق از سال ۲۰۰۱ تا پایان رسمی جنگ در سال ۲۰۰۳ که به صورت رمان نگارش یافته و گزارش مبسوطی از اقدامات پشت صحنه طرح حمله به عراق و سرنگونی صدام ارائه می‌دهد.

***

ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (۲ جلد)

جلد اول، خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست
جلد دوم، جُستارهایی از تاریخ معاصر ایران
رقعی، ۱۴۴۰ صفحه، چاپ سی‌یکم، دوره دو جلدی شومیز، ۳۵۰۰۰۰ ریال
وزیری، ۱۴۴۰ صفحه، چاپ سی و دوم، دوره دو جلدی گالینگور، ۴۵۰۰۰۰ ریال

حسـین فردوسـت یار صمیمی و نزدیک محمد رضا پهلوی بود و از دوره کودکی تا پایان عمر سـلطنت پهلوی با او همراه بوده اسـت. وی ریاست عالیترین نهادهای اجرایی، نظارتی و امنیتی رژیم پیشـین را به عهده داشته است.

در جلد دوم برخی از شـخصیت‌های طراز اول مؤثر رژیم پهلوی با تکیه بر اسناد معتبر معرفی می‌شوند و ابعادی از شخصیت پنهان آنان افشا می‌گردد. از جمله: تیمور تاش، فروغی، هویدا، شریف امامی و...

***

ظهور و سقوط فاشیسم

نوشتهٔ ریچارد جیمز بون بوزورث
ترجمهٔ علی‌اکبر عبدالرشیدی
وزیری، ۷۰۸ صفحه، چاپ دوم، ۱۶۰۰۰۰ ریال

پروفسور بوزورث در این کتاب تصویری از ایتالیا در دوران فاشیسم ترسیم می کند. در حقیقت وی به معرفی رویدادهایی می پردازد که از اواخر قرن نوزدهم زمینه ایجاد فاشیسم را فراهم کرده بود. نویسنده با ارائه ادله کاملاً مستند، علمی و تاریخی تک تک شخصیت هایی را معرفی می کند که به ظهور و دوام فاشیسم یاری دادند. این شخصیت ها که بودند؟ آیا بدون آنها موسولینی می توانست فاشیسم را مستقر کند؟ و ده ها سؤال دیگر از این دست را این کتاب پاسخ داده است.

***

عملکرد شوروی در جنگ تحمیلی

نوشتهٔ نعمت‌الله ایزدی

وزیری، ۲۰۰ صفحه، چاپ دوم، ۸۰۰۰۰ ریال

نویسنده این کتاب سعی کرده با ارائه شواهد و قرائن عملکرد اتحاد شوروی در جریان جنگ تحمیلی، دیدگاهی نسبتاً واقع‌بینانه از مواضع این کشور در قبال جنگ، به خواننده ارائه دهد و عملکرد این کشور در طول هشت سال جنگ، از جهت انطباق آن با استراتژی شوروی، مورد بررسی قرار گیرد.

***

فدائیان اسلام

تاریخ، عملکرد، اندیشه

تألیف مجتبی نواب صفوی

به کوشش سیدهادی خسروشاهی

وزیری، ۳۳۲ صفحه، چاپ سوم، ۱۱۰۰۰۰ ریال

این کتاب با سه مقدمه آغاز می شود و در پی آن خاطرات شهید نواب صفوی و توضیحات آقای خسروشاهی بر آن آمده است. متن کامل اعلامیه فدائیان اسلام که پیش از این، در سالهای ۱۳۲۹ و ۱۳۳۲ منتشر شده و دیدگاههای این گروه را در آن دوران نشان می دهد، پایان بخش کتاب است.

جیمی کارتر، رئیس جمهوری پیشین آمریکا (۸۱ – ۱۹۷۷)، در یکی از مهمترین مقاطع تاریخ خاورمیانه، سکاندار سیاست خارجی کشورش بود و پیمان کمپ دیوید در زمان ریاست او منعقد شد. کارتر پس از خروج از کاخ سفید نیز در قالب مأموریتهای سیاسی مختلف، ارتباط خود را با موضوع خاورمیانه و طرحهای متعدد منطقه‌ای و جهانی برای برقراری صلح حفظ کرد. او در کتابش، تحولات منطقه را از اوایل دهه ۷۰ میلادی براساس دیدگاه خود بررسی می کند.

***

فیدل کاسترو

(آخرین بازمانده جنگ سرد و چالشهای درونی و بیرونی کوبا)

نوشتهٔ محمدمهدی مختاری

رقعی، ۱۵۶ صفحه، چاپ دوم، ۵۵۰۰۰ ریال

کاسترو به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی، به رغم تمامی کاستی‌ها و نقایص، به هر حال در اذهان نسلهایی از ملتهای آمریکای لاتین و بسیاری از کشورهای در حال توسعه، نمادی از انقلاب و آزادیخواهی است. اما اینکه تا چه میزان توانسته با وجود تمام خصومتها و فشار سیاسی اقتصادی آمریکا به اهداف خود برسد، موضوع بررسی این کتاب است.

***

فیدل کاسترو

(شرح زندگی شخصی رهبر انقلاب کوبا)

ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی

وزیری، ۶۸۴ صفحه، چاپ دوم، ۱۸۰۰۰۰ ریال

این کتاب تنها شرح حال کاسترو به قلم خودش نیست، بلکه افشاکننده بخشی از اطلاعات محرمانه و منتشر نشده در مورد کاسترو و انقلاب کوبا نیز هست که برای نخستین بار به وسیله خود کاسترو انتشار می یابد.

کرانهٔ دزدان

نوشتهٔ سر چارلز بل گریو

ترجمهٔ احمد مُجار

رقعی، ۲۹۲ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰۰ ریال

این کتاب شرح مشاهدات و اکتشافات جامع نویسنده در جهت مبارزه با دزدان دریایی در سواحل جنوبی خلیج‌فارس است که امروزه به یُمن دلارهای نفتی و همنوایی با غرب، سعی در تاریخ‌سازی و نفی گذشتهٔ نه‌چندان دور دارند. ضمن آنکه نویسنده ناگفته‌هایی از تاریخ ایران را نیز با قلمی روان و مؤثر در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

***

کشمیر، بهشت زخم‌خورده

نوشتهٔ الطاف حسین

ترجمهٔ فریدون دولتشاهی

رقعی، ۲۰۶ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب سعی کرده است دیدگاهی روشن از تاریخ پرحادثه کشمیر ارائه دهد و نگاهی به سابقه آنچه دعوای کشمیر خوانده می‌شود داشته باشد. توجه و تمرکز نویسنده معطوف به مردم زجر دیده این سرزمین است.

***

کشیشهای انگلیسی

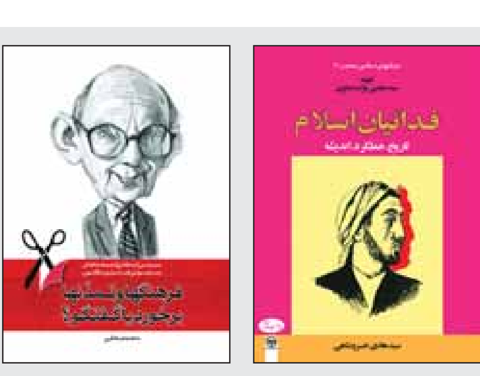
در دوران انقلاب اسلامی ایران

نوشتهٔ پال هنت

ترجمهٔ دکتر حسین ابوترابیان

رقعی، ۱۹۴ صفحه، چاپ سوم، ۹۰۰۰۰ ریال

کتاب از این نظر شایان اهمیت است که با مطالعه آن می توان تا حد زیادی با روال کار کشیش های انگلیسی در ایران آشنا شد و ضمن توجه به دیدگاههای غرض آلود آنان نسبت به اسلام و مسائل انقلاب اسلامی، این حقیقت انکارناپذیر را هم دریافت که اصولاً حضرات کشیش های انگلیسی در ایران نه مردخدا بوده‌اند نه به مشیت الهی و قدرت قاهره پروردگار اعتقاد داشته‌اند.







فرماندهان

نوشتهٔ باب وودوارد

ترجمهٔ فریدون دولتشاهی

رقعی، ۲۴۴ صفحه، چاپ اول، ۹۵۰ ریال

نویسنده کتاب یکی از دو روزنامه‌نگاری است که ماجرای واترگیت را فاش ساختند. این نویسنده جنجال برانگیز به چگونگی شکل گیری تصمیم نظامی دولت آمریکا در مورد جنگ خلیج‌فارس می پردازد. مطالب کتاب براساس مصاحبه‌هایی شکل گرفته است که این روزنامه‌نگار با دست‌اندرکاران جنگ خلیج‌فارس داشته است.

***

فرودگاه آدم ابوالبشر (ع) از بهشت

سروده و تدوین دکتر حسین رزمجو

رقعی، ۱۹۶ صفحه، چاپ اول، سلفون، ۲۸۰۰۰ ریال

کتاب «نگاهی به جزیره سراندیب یا سریلانکا ـ فرودگاه آدم ابوالبشر (ع) از بهشت» گزارش سفر دکتر رزمجو به سرزمین سریلانکا است که در قالب نظم و نثر در دو دفتر فراهم آمده و برای خوانندگان علاقه‌مند به ادبیات فارسی و حوزه جهانگردی کتابی است در خور توجه.

***

فرهنگها و تمدنها، برخورد یا گفتگو؟

به کوشش محمد صادقی

رقعی، ۱۰۰ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰ ریال

در این کتاب، اندیشه‌های ساموئل هانتینگتون و بویژه نظریه برخورد تمدنهای وی با نگاهی انتقادی، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.

***

فلسطین، صلح یا نژادپرستی

نوشتهٔ جیمی کارتر

ترجمهٔ محمدحسین وقار

رقعی، ۲۶۰ صفحه، چاپ دوم، ۱۸۰۰۰ ریال

فیدل کاسترو و مذهب

نوشتهٔ فری بتو

ترجمهٔ سرویس خارجی روزنامه اطلاعات

با مقدمهٔ احسان طبری

رقعی، ۳۹۶ صفحه، چاپ دوم، ۸۰۰۰۰ ریال

«فری بتو» یک کاتولیک مؤمن و عمیقاً معتقد به مسیحیت و یک رهبر کمونیستی که به حفظ مواضع اصولی خود شهرت دارد، به گفتگوی مفصل و جامعی نشسته‌اند. پیام اخلاقی معنوی نهفته در این گفتگو، حاصل آن احساسات انسانی است که مبارزان راه آزادی بشریت و مدافعان محرومان و استثمارشدگان را متحد می کند. خواننده در این کتاب با چهره‌ای دیگر از فیدل کاسترو آشنا می شود، چهره‌ای که با بنیادهای مذهبی نسبتی دیگر برقرار می کند.

***

قدرت و دیگر هیچ

(بیست سال با سازمان مجاهدین خلق)

خاطرات طاهره باقرزاده

رقعی، ۲۲۰ صفحه، چاپ پنجم، ۲۰۰۰۰ ریال

کتاب قدرت و دیگر هیچ، خاطرات طاهره باقرزاده یکی از اعضای فعال سازمان مجاهدین خلق است که حدود بیست سال از عمرش را در این مسیر گذرانده.

***

کالبدشکافی سیاست‌های غرب در قبال ایران

سایه‌های غرب‌مداری در علوم انسانی

نوشتهٔ دکتر حمیدرضا یوسفی

رقعی، ۱۳۶ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰۰ ریال

این رساله تلاشی است انتقادی ـ تاریخی برای تشریح فشردهٔ راهبردهای غرب‌مدارسازی و سایه‌های غرب‌مداری در علوم انسانی ایران، نویسنده پدیده «غرب‌مدارسازی» را نابینشی می داند که تنها غرب را یگانه مبنا و ایستگاه فکری خردمندانه می انگارد.

کودتای اوت

نوشتهٔ میخائیل گورباچف

ترجمهٔ مجتبی امیری

رقعی، ۸۴ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰ ریال

گورباچف در این کتاب، خاطرات خود را در زمان کودتای اوت در شوروی و همچنین مسائل سیاسی قبل و بعد از این واقعه را به رشته تحریر درآورده است.

***

کیش مات

(خاطرات مباشر انگلیسی سردار اکرم)

نوشتهٔ فرانسیس فوربز ـ لیث

ترجمهٔ دکتر حسین ابوترابیان

وزیری، ۲۱۶ صفحه، چاپ اول، ۷۰۰ ریال

نویسنده کتاب که یک افسر انگلیسی است، خاطرات دوران خدمت خود را در روستاهای همدان و مناطق اطراف آن به نگارش درآورده است. حوادث سیاسی آن روزگار و مسائل مبتلابه مردم منطقه از نکات چشمگیری است که اطلاع از آنها برای علاقه مندان به تاریخ معاصر ایران خالی از لطف نیست.

***

گزیده اسناد جنگ جهانی دوم در ایران

به کوشش بهروز قطبی

وزیری، ۴۹۴ صفحه، چاپ دوم، ۴۶۰۰۰ ریال

گزیده اسنادی که از آرشیو سازمان اسناد ملی ایران انتخاب و بازخوانی شده است، تنها گوشه‌هایی از تبهکاری متفقین در ایران را نشان می دهد. گردآورندهٔ کتاب قبل از بازخوانی اسناد یادشده به بررسی موضوع‌هایی می پردازد که در نمایش اوضاع و احوال ایران در دوره اشغال توسط متفقین، اهمیت داشته و زمینه را برای مطالعه این اسناد مساعد می کند.

مآثر سلطانیه

(از روی نسخه موزه بریتانیا)
نوشتهٔ عبدالرزاق دنبلی
به کوشش فیروز منصوری
وزیری، ۲۹۰ صفحه، چاپ اول، ۱۴۰۰۰ ریال

این کتاب تاریخ روی کار آمدن قاجار و دو جنگ خانمان سوز ایران و روسیه را که نهایتاً به جدایی بخش وسیعی از خاک میهن انجامید، شرح می دهد. بسیاری از مطالب، گزارش گونه ای از دیده ها و شنیده های نویسنده است، از این رو از لحاظ تاریخی اعتبار و سندیت ویژه ای دارد.

***

مأموریت به تاشکند

نوشتهٔ سرهنگ ف.م. بیلی
ترجمهٔ پرویز محبت
رقعی، ۴۶۰ صفحه، چاپ اول، ۱۵۰۰ ریال

کتاب، ماجرای مأموریت یک افسر انگلیسی در تاشکند است، در حدود یک قرن پیش. تاریخی قصه گونه که با زبانی ساده نگاشته شده و در قالب سفرنامه ارائه گردیده است.

***

مأموریت در تهران

خاطرات ژنرال هایزر
ترجمهٔ علی اکبر عبدالرشیدی
رقعی، ۳۲۰ صفحه، چاپ هفتم، ۷۰۰۰۰ ریال

روزشمار خاطرات «هایزر» ژنرال چهارستاره آمریکایی که در یکی از بزرگترین فرازهای تاریخ ایران (انقلاب اسلامی و سقوط شاه) در کشور ما به سر برده است و تلاش وی برای حفظ حکومت نیم‌بند بختیار و جلوگیری از تلاشی ارتش شاه، موضوع این کتاب است.

بالکان، دورهٔ حکومت اتریش - مجارستان در این منطقه، دورهٔ تشکیل حکومت سوسیالیستی یوگسلاوی و بعد از آن - تجزیه یوگسلاوی و دوران بعد از کمونیسم - مورد بررسی قرار می گیرد.

***

نامهٔ ایران

به کوشش حمید یزدان پرست
جلد اول، وزیری، ۱۰۶۴ صفحه، چاپ دوم، سلفون، ۹۰۰۰۰ ریال
جلد دوم، وزیری، ۱۰۸۸ صفحه، چاپ دوم، سلفون، ۹۰۰۰۰ ریال
جلد سوم، وزیری، ۱۰۴۵ صفحه، چاپ دوم سلفون، ۱۰۰۰۰۰ ریال
جلد چهارم، وزیری، ۱۱۱۲ صفحه، چاپ دوم سلفون، ۲۰۰۰۰۰ ریال
جلد پنجم، وزیری، ۱۱۶۰ صفحه، چاپ دوم سلفون، ۳۰۰۰۰۰ ریال
جلد ششم، وزیری، ۱۰۱۶ صفحه، چاپ اول سلفون، ۱۸۰۰۰۰ ریال

تاریخ دیرینه ایران، فرهنگ پربار و نقش مهم ایرانیان در پیشبرد تمدن جهانی از یک سو و دشمنی های گوناگون با این کشور، تاریخ‌سازی های دروغین و مصادره بزرگان و دانشمندان ایرانی از سوی دیگر، هر ایرانی دلسوزی را بر آن می دارد که به دفاع بر خیزد و از میراث معنوی و میهنی خویش پاسداری کند. لازمه این کار شناخت تاریخ، فرهنگ، زبان و دیگر وجوه این کشور کهنسال و آگاهی از نقش درخشانش در اعتلای دانش و تمدن بشری است. مجلدات چندگانه «نامه ایران» با همین انگیزه تهیه و تدوین شده است.

***

نامه‌های خصوصی سر سسیل اسپرینگ رایس

نوشتهٔ سسیل آرتور اسپرینگ رایس
ترجمهٔ دکتر جواد شیخ‌الاسلامی
وزیری، ۲۳۲ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰۰ ریال

«نامه‌های خصوصی سر سسیل اسپرینگ رایس، وزیر مختار انگلیس در دربار ایران در عهد سلطنت مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه قاجار» برای کسانی که علل و عوامل اساسی انقلاب مشروطیت را جستجو

نظری به جامعه عشایری تالش

نوشتهٔ علی عبدلی
وزیری، ۱۷۶ صفحه، چاپ اول، ۱۳۰۰ ریال

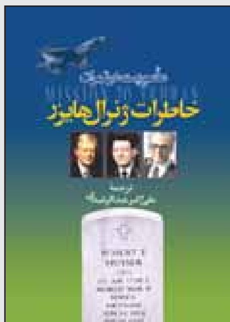
مطالب این کتاب حاصل مشاهدات و مطالعات مستقیم و میدانی نگارنده است و اگر چه اغلب در مورد کل جامعه عشایر تالش سخن می گوید، ولی چه آنجا که موضوعی را به صورت کلی با قید کلمه تالش مطرح نموده و چه آنجا که از اهل یا طایفه خاصی سخن به میان آورده است، تالش دولاب را نقطه عزیمت و یافته ها و مشاهدات خود قرار داده است. همچنین کوچنشینان تالش موضوع تحقیق بوده، از زندگی ایلوندان یکجانشین تالش هر جا که ضرورت یافته به اجمال و اختصار صحبت شده است.

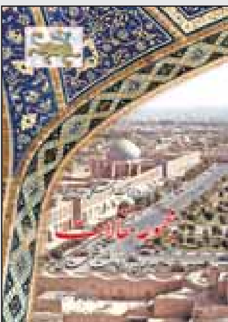
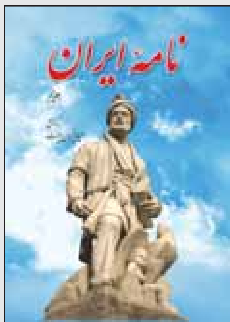
***

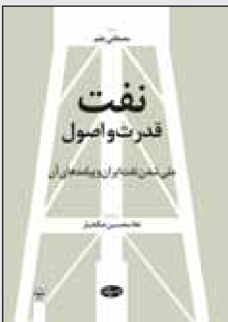
نفت، قدرت و اصول

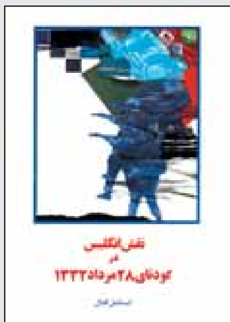
نوشتهٔ مصطفی عِلم
ترجمهٔ غلامحسین صالحیار
رقعی، ۶۸۰ صفحه، چاپ دوم، ۱۷۰۰۰۰ ریال

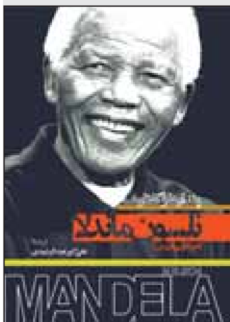
کتاب نفت، قدرت و اصول، ضمن بیان رویدادهای مهم ملی شدن صنعت نفت ایران، دیدگاه جدیدی ارائه می کند و مسأله نفت ایران را در دایره وسیع تر یعنی کوشش غرب برای تسلط بر منابع و ذخایر انرژی جهان قرار می دهد و به آن از این زاویه می نگرد.









مجمع‌التواریخ السلطانیه

گزیده‌ای از تواریخ حافظ ابرو، رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ابوالقاسم کاشانی
به اهتمام محمد مدرسی (زنجانی)
وزیری، ۲۹۲ صفحه، چاپ اول، ۷۰۰ ریال

بهترین کتابی که به زبان فارسی درباره تاریخ اسماعیلیان در دسترس است، سه بخش از تواریخ عمومی عالم در قرن هشتم و نهم به نامهای زبدة التواریخ و جامع‌التواریخ و مجمع‌التواریخ‌السلطانیه می باشد. کتاب حاضر، مجموعه‌ای است حاوی مطالب مهم تاریخی هر سه کتاب یادشده، راجع به تاریخ اسمعیلیه.

***

مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت اصفهان

به کوشش دکتر فضل‌الله صلواتی
وزیری، سلفون، ۸۶۴ صفحه، چاپ اول، ۶۵۰۰۰ ریال

این کتاب مجموعه مقالاتی است درباره تاریخ، فرهنگ، هنر، ادبیات و... شهر اصفهان که برای کنگره جهانی بزرگداشت اصفهان فراهم آمده و به مناسبت اعلام سال ۲۰۰۶ میلادی به عنوان «اصفهان، پایتخت فرهنگی جهان اسلام» منتشر شده است.

***

مسلمانان بوسنی و هرزگووین

(تاریخچه تحولات از قرون وسطی تا زمان انحلال یوگسلاوی)
گردآوری مارک پنسون
ترجمهٔ مهوش غلامی
رقعی، ۱۵۲ صفحه، چاپ دوم، ۱۲۰۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل پنج فصل است که توسط اساتید دانشگاههای معتبر آمریکا و انگلیس نوشته شده است. در این فصول تاریخچه بوسنی - هرزگووین در ادوار مختلف، دورهٔ قرون وسطی و سلطه عثمانیان بر منطقه

می کنند مدارکی نفیس و معتبر هستند و گرچه بازگوی همه آن علل و عوامل نیستند ولی به هر حال با تشریح وضع نابسامان آن دوره و افشای حقایقی که فقط سفارت انگلیس از آنها خبر داشته، قسمت مهمی از عوامل آماده کننده اجتماع را در دسترس پژوهشگران می گذارد.

***

نخلستان در استان بوشهر (دشتستان بزرگ)

تألیف حیدر عرفان
وزیری، ۱۳۲ صفحه، چاپ اول، ۲۸۰۰ ریال

کتاب حاضر گذری بر تاریخ و جغرافیا و فرهنگ مردم استان بوشهر دارد و خواننده را با این استان آشنا می سازد.

***

نسائم‌الاسحار من لطائم‌الاخبار

تألیف ناصرالدین منشی کرمانی
به تصحیح و مقدمه و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی «محدث»
وزیری، ۲۶۴ صفحه، چاپ دوم، ۶۰۰ ریال

این کتاب از جنبه تاریخی و از جهت نثر فارسی، اهمیت و ارزش بسزایی دارد و کتابی است بسیار مفید در تاریخ وزرا به زبان فارسی که به تاریخ آخر ماه صفر سال ۷۲۵ به اتمام رسیده است.

***

نظر از درون به نقش حزب توده ایران

(نقدی بر خاطرات نورالدین کیانوری)
نوشتهٔ بابک امیرخسروی
وزیری، ۹۰۲ صفحه، چاپ اول، ۲۵۰۰۰ ریال

انگیزه مهم نویسنده در نگارش نسبتاً تفصیلی این کتاب، ارائه نقدی بنیادین از سیاست‌های حزب توده ایران بوده است و نیز نقد کتاب «خاطرات نورالدین کیانوری»

نقش انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

نوشتهٔ اسماعیل اقبال
رقعی، ۲۱۶ صفحه، چاپ سوم، ۱۲۰۰۰ ریال

با گذشت بیش از نیم قرن از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بحث پیرامون این حادثه تاریخی و پیامدهای آن از سوی پژوهشگران داخلی و خارجی همچنان ادامه دارد. در این پژوهش، ضمن بررسی توطئه ها و دسیسه های استعمارگران خارجی در این کودتا، با تکیه بر مدارک و اسناد جدید منتشر شده، به نقش انگلیس به طور خاص توجه شده است.

نلسون ماندلا

گردآوری بنیاد بین‌المللی کمک دفاعی و مالی به مبارزان آفریقای جنوبی
ترجمهٔ محمد حفاظی
رقعی، ۹۶ صفحه، چاپ اول، ۲۵۰ ریال

شرح زندگی نلسون ماندلا یکی از رهبران سیاهان آفریقای جنوبی که در آن به محاکمات و دیدگاههای وی درباره حقوق سیاهان و تبعیض نژادی، پرداخته شده است.

***

نلسون ماندلا، پندارها و گفتارها

پندارها و گفتارها
ترجمهٔ علی‌اکبر عبدالرشیدی
رقعی، ۵۵۶ صفحه، چاپ دوم، ۲۰۰۰۰۰ ریال

این اثر خواننده را با مردی مواجه می سازد که سراپا دغدغه، فکر، مسئولیت، احساس و نگرانی است چه در زندان و چه در بیرون زندان؛ لحظه‌های زندگی مردی که سالهای طولانی در زندان به سر برده اما پس از آزادی همچنان خود را در زندان احساس کرده است. ماندلا توضیح می‌دهد که چرا خود را متعهد همیشگی به ملاحظات مهمی می داند که رسالت تاریخی و مردمی او را رقم می‌زند.

نیکلای دوم، لنین، استالین

آخرین روزهای سلطنت رمانف‌ها و انقلاب اکتبر ۱۹۱۷
تألیف دکتر ناصر صادقی

وزیری، ۶۶۴ صفحه، چاپ اول، ۳۸۰۰ ریال

کتاب از اولین روز به تخت نشستن نیکلای دوم در سال ۱۸۹۶ شروع و با مرگ استالین در سال ۱۹۵۳ خاتمه می‌یابد که شامل زندگی نیکلای دوم و اوضاع و احوال اجتماعی در زمان او، تاریخ تحرکات انقلابی در روسیه و استعفای نیکلای دوم، ورود لنین به صحنه و پیروزی بلشویک‌ها و زندگی و مرگ لنین، اختلافات سیاسی پس از مرگ لنین، پیروزی، زندگی و مرگ استالین می‌شود.

***

وارونه‌نویسی در تاریخ (در سرگذشت امین‌السلطان)

نوشتهٔ دکتر ایرج وامقی

وزیری، ۱۳۴ صفحه، چاپ اول، ۲۶۰۰ ریال

کتاب حاضر نقدی است بر کتاب رهبران مشروطه اثر ابراهیم صفایی. نویسنده در این کتاب سعی دارد درباره میرزاعلی اصغرخان امین‌السلطان معروفترین صدراعظم دوره قاجار حقایقی را مطرح کند.

***

والری ژیسکاردستن

نوشتهٔ فردریک ابادی، ژان پیر کورسولت
ترجمهٔ گیلدا ایروانلو

رقعی، ۵۲۰ صفحه، چاپ اول، ۸۵۰۰ ریال

نویسندگان این کتاب، مسیر زندگی والری ژیسکاردستن را از آغاز مورد بررسی قرار داده‌اند، البته، از تکرار مسائل شناخته شده احتراز و بیشتر به جنبه‌های ناشناخته شخصیت ژیسکاردستن پرداخته‌اند.

***

وحشت‌آفرینان

(ضدانقلاب در نیکاراگوا)
نوشتهٔ رید برادی / ترجمهٔ محمد حفاظی

رقعی، ۲۶۰ صفحه، چاپ اول، ۵۰۰ ریال

گزارشهای رویدادهای ددمنشانه ضدانقلاب در نیکاراگوا پس از پیروزی انقلاب این کشور و حمایتهای مالی و نظامی آمریکا از توطئه‌ها و کارشکنی‌های آنان (ضدانقلاب) موضوع اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد.



کتابهای سپیده

(کودکان و نوجوانان)

ابراهیم و راحله

جلد نخست، مسافران سرزمین روشنایی
نوشتهٔ دکتر محمدعلی فیاض بخش

رحلی، ۱۴۰ صفحه، چاپ اول، باجلد سلفون، ۴۸۰۰۰ ریال

داستان بلند ابراهیم و راحله، که مسافران سرزمین روشنایی‌اند، یک قصه خیالی است که براساس پاره‌ای مثالها و تشبیه‌های قرآنی آفریده شده است. در سراسر این داستان، تلاش پیامبران به عنوان راهنمایان الهی برای هدایت انسانها بازنمایانده شده، نیز سرکشی و خیره‌سری کسانی که به راه شیطان می‌روند، در مقابل این راهبران به تصویر کشیده شده است. هر قطعه داستان از این مجموعه به تنهایی دارای یک معنی و مفهوم کامل است، در عین حال این ۳۰ قطعه، در مجموع یک داستان بلند را تشکیل می‌دهند.

***

پیرزن و شب

نوشتهٔ چلی دُران ریان
ترجمهٔ محمدرضا مهدیزاده

مخصوص، ۳۲ صفحه، چاپ دوم، ۱۵۰۰۰ ریال

کتاب پیرزن و شب از سری داستانهای تخیلی کودکان است که برای گروههای سنی ب و ج نوشته شده است. داستان پیرزنی است که شب و هرچه را مربوط به آن است دوست ندارد و سعی دارد آن را از بین ببرد اما....

اقیانوس‌ها

نوشتهٔ عادل ارشقی

مخصوص، ۳۸ صفحه، چاپ سوم، ۲۰۰۰۰ ریال

نویسنده، کتاب را با زبانی ساده، در سطح نوجوانان و جوانان همراه با تصاویری گویا و زیبا به نگارش درآورده است و به بحث و بررسی درباره اقیانوسهای جهان پرداخته است.

***

اندیشه‌های ریاضی

نوشتهٔ فکت، دنیر
ترجمهٔ عادل ارشقی

مخصوص، ۵۶ صفحه، چاپ دوم، ۵۰۰ ریال

ریاضیات چیست؟ ریاضیات قدیم و چگونگی ریاضیات در عصر حاضر، موضوعات مورد بحث کتاب هستند که به زبانی ساده با تصاویری گویا برای جوانان و نوجوانان ارائه شده‌اند.

***

انرژی بادی

نوشتهٔ عادل ارشقی

مخصوص، ۳۲ صفحه، چاپ سوم، ۱۷۰۰۰ ریال

استفاده از انرژی بادی و تکنولوژی آن در کشورهای گوناگون و تأثیر آن بر زندگی جوامع انسانی موضوع مورد بحث این کتاب است که با زبانی ساده و تصاویری زیبا ارائه شده است.

***

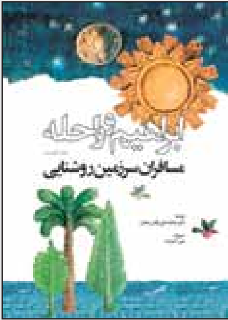
انرژیها

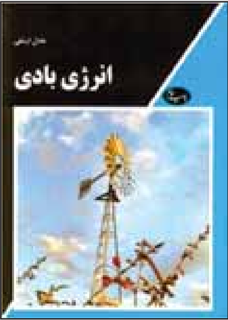
نوشتهٔ عباس شادلو

رقعی، ۲۵۰ صفحه، چاپ دوم، ۱۲۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب پیرامون انرژی، انواع آنها از جمله، انرژی اتمی، خورشیدی،... و منشأ آنها بحث کرده و سعی دارد اطلاعات علمی در این زمینه به دانش‌آموزان دوره راهنمایی و مقطع دبیرستان ارائه نماید تا آموخته‌های خود را در مدارس تکمیل کنند. این کتاب به زبان ساده و در حد درک و نیاز ذهن خلاق دانش‌آموزان در رده سنی نوجوانان طراحی شده است.









هجونامهٔ ناپلئون

نوشتهٔ ژان باتیست کلود فرانسوا کوشوری
ترجمهٔ منوچهر میرزا ابن عمادالدوله
به اهتمام جمشید کیان‌فر، علیرضا ارفع‌زاده

وزیری، ۴۰۸ صفحه، چاپ اول، گالینگور، ۱۷۵۰ ریال

این کتاب جزو اولین آثاری است که علیه ناپلئون منتشر شده است و کارهای ناپلئون را مورد استهزا قرار می‌دهد و...

***

۱۹۹۹ پیروزی بدون جنگ

نوشتهٔ ریچارد نیکسون / ترجمهٔ فریدون دولتشاهی

رقعی، ۳۷۲ صفحه، چاپ ششم، ۲۸۰۰۰ ریال

نویسنده سعی دارد به عنوان یک نظریه‌پرداز سیاسی جامعه سرمایه‌داری آمریکا، خطوط کلی سیاست آمریکا را برای سالهای آینده ترسیم کند، وی در این کتاب به بررسی مسائل سیاسی آفریقای جنوبی، برقراری صلح در خاورمیانه توسط آمریکا و خط‌مشی آمریکا در مورد منطقه خلیج‌فارس و مسائل مربوط به نفت، جنگ ایران و عراق و مسائل سیاسی و حکومتی داخل ایران پرداخته است.

***

یک گام فراتر

(در برخی از حوزه‌های سیاست علمی کشور)
نوشتهٔ دکتر حسن حبیبی

وزیری، ۵۲۰ صفحه، چاپ اول، ۳۲۰۰۰ ریال

آنچه در این کتاب آمده است، در پی تشریح برخی از عناصر عمده سازنده سیاست علمی و برخی مفاهیم سیاستگذاری است. مطالبی که ناظر به موارد خاص‌اند درصدد عرضه نکته‌هایی هستند که هر یک از آنها به وجهی از وجوه سیاستگذاری در یک رشته معین پرداخته‌اند. از جمله: زبان فارسی به طور عام؛ زبان تخصصی حقوقی؛ فارسی به عنوان عنصر مقوم بسیار مهم هویت ملی؛ مصداق‌هایی از اولویت‌های تحقیقاتی؛ وظایف فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ و نیز نمونه‌هایی از مطالعات ایران‌شناختی که به علت فرایند فراموش شدن برخی از اطلاعات، در طول زمان، پرداختن به آنها جنبه فوریت دارد.

خدا

نوشتهٔ جین ورنر واتسون
ترجمهٔ شهرزاد کاوه

رقعی، ۲۴ صفحه، چاپ اول، ۷۵۰۰ ریال

موضوع این کتاب خداشناسی به زبان ساده است. نویسنده پروردگار عالم و آفریده‌های زیبایش را برای کودکان بخوبی به تصویر می‌کشد. او به زبان ساده مخلوقات خداوند، آسمان و ستارگان، باران و اقیانوسها و نظم حیرت‌انگیز عالم را دلیل وجود خالق توانا و شادی و غم و عشق را دلیل محبت خداوند به مخلوقاتش برمی‌شمارد. این کتاب برای کودکان گروه سنی ب و ج نوشته شده است.

***

اتم و الفبای کتاب طبیعت

تألیف محمد ارزنده‌نیا

رقعی، ۲۴۸ صفحه، چاپ سوم، ۲۲۰۰۰ ریال

بررسی نظریات دانشمندان بزرگ جهان درباره اتم و سیر تحولی این نظریات از قدیم تا حال و کشف روابط پدیده‌های طبیعت براساس نظریّات متفکران در تاریخ، موضوع مورد بحث این کتاب است.

***

از آتش تا راکتور

تألیف آلکسی کریلوف
ترجمهٔ ابوالفضل حقیری قزوینی

مخصوص، ۶۸ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰ ریال

کتابی است برای نوجوانان در زمینه معرفی و شناخت انرژی‌های گوناگون و کاربرد آنها توسط بشر برای رفع نیازمندیهای خود.
تصاویر رنگی و زیبای کتاب به درک و دلپذیری مطالب افزوده است.

***

از یک تا ده

طرح از کانون هنر و گرافیک ایران

خشتی، ۲۴ صفحه، چاپ دوم، ۲۰۰ ریال

کتابی است تصویری برای آموزش اعداد یک تا ده به کودکان گروه سنی قبل از دبستان.

باران اسیدی

نوشتهٔ جان مک کورمیک
ترجمهٔ عادل ارشقی

مخصوص، ۳۲ صفحه، چاپ دوم، ۴۰۰ ریال

شرحی است درباره بارانهای اسیدی و علل و عوامل پدید آمدن آنها و آثار اجتماعی این بارانها بر جامعه.

***

خانهٔ پرندگان

تنظیم کننده جوزی
ترجمهٔ محمد سلامت

خشتی، ۴۰ صفحه، چاپ دوم، ۲۵۰ ریال

نویسنده، با مهارت و زبانی ساده به توصیف لانه انواع پرندگان پرداخته. این مجموعه با نقّاشیهای بسیار زیبا و جذاب خود برای کودکان گروه سنی قبل از دبستان و سالهای ابتدای دبستان مناسب است.

***

ریاضیات و زندگی

نوشتهٔ فرانکو آگوستینی
ترجمهٔ عادل ارشقی

مخصوص، ۱۰۸ صفحه، چاپ دوم، ۶۰۰ ریال

تاریخ پیدایش و تکامل اعداد و مطالعه سیر تکوینی ریاضیّات و هندسه، موضوع اصلی کتاب است که با زبانی ساده و همراه با مثالهای ملموس و تصاویری گویا برای جوانان و نوجوانان ارائه شده است.

***

زمین آتشین

نوشتهٔ هیلری نایت، داوید رایت
ترجمهٔ عادل ارشقی

مخصوص، ۳۶ صفحه، چاپ دوم، ۵۰۰ ریال

آتشفشان یکی از جالب‌ترین و در عین حال خطرناکترین پدیده‌های طبیعی است. موضوع این کتاب شناخت و بررسی آتشفشانها به زبانی آسان می‌باشد که با تصاویری گویا ارائه شده است.



سرگرمی و آموزش علوم
تهیه‌کننده مرکز علوم انتاریو
ترجمهٔ مریم محمدی
خشتی، ۱۲۰ صفحه، چاپ سوم، ۱۲۵۰۰ ریال
این کتاب شامل آموزش مفاهیم علمی با ساده‌ترین روشها و وسایل موجود در خانه است که به همراه تصاویری زیبا و گویا در سطح نوجوانان ارائه می‌گردد.

***

سیارات
نوشتهٔ فرانکلین م. برانلی
ترجمهٔ عادل ارشقی
رقعی، ۹۶ صفحه، چاپ پنجم، ۶۰۰ ریال
کتابی است در زمینه کیهان‌شناسی و شناخت سیارات که به زبانی ساده و تصاویری گویا برای جوانان نوشته شده است.

***

سیارک‌ها
نوشتهٔ عادل ارشقی
مخصوص، ۳۳ صفحه، چاپ سوم، ۳۰۰ ریال
موضوع کتاب، چگونگی کشف سیارک‌ها و ساختمان و جایگاه آنها در منظومه شمسی و آشنایی مقدماتی با حوزه کیهان‌شناسی به زبان ساده می‌باشد که با طرحها و تصاویری همراه است.

***

نوآوریهای علم و صنعت
نوشتهٔ داوید لامبرت، جان اینسلی
ترجمهٔ عادل ارشقی
مخصوص، ۶۴ صفحه، چاپ اول، ۴۰۰ ریال
سیر تکاملی اکتشافات و تکنولوژی از گذشته تا حال و نقش کاربردی آنها در زندگی انسان موضوع مورد بحث کتاب است که به زبانی ساده برای استفاده جوانان و نوجوانان با تصاویری گویا ارائه شده است.

نویسنده در قالب یک داستان، شیوه‌های تهیه یک فیلم سینمایی را بیان می‌کند.

***

عملکرد اعضای بدن
ترجمه و تألیف سیاوش سرتیپی، افشین شبانی
رقعی، ۲۸۰ صفحه، چاپ چهارم، ۱۲۰۰۰ ریال
این کتاب اطلاعات علمی ارزشمندی دربارهٔ اعضای بدن انسان و عملکرد آنها به زبانی ساده ارائه می‌دهد و جوانان و علاقه‌مندان را با کارکرد هر یک از اعضای بدن در ساختار بدن انسان آشنا می‌سازد.

***

مسافر کوچک
نوشتهٔ آنی ام. جی. اشمیت
ترجمهٔ فاطمه زهروی
رقعی، ۱۵۶ صفحه، چاپ چهارم، ۱۲۰۰۰ ریال
نویسنده در این کتاب سعی دارد سفری داشته باشد به دنیای تخیلی کودکان، دنیایی که کودکان با سیر در آن می‌کوشند به آنچه در فکر و ذهنشان می‌گذرد دست یابند؛ زمانی آرزوی داشتن قالیچه حضرت سلیمان دارند، زمانی دیگر می‌خواهند با بشقاب پرنده‌ای که از کرات دیگر می‌آید سفری به آن کرات داشته باشند و...

***

با آن غریبه
نوشتهٔ آلن وایلد اسمیت
ترجمهٔ فاطمه زهروی
رقعی، ۱۴۸ صفحه، چاپ اول، ۷۵۰ ریال
با آن غریبه عنوانی است برای ۱۵ داستان برای کودکان که مترجم سعی دارد در ضمن ترجمه سلیس و روان، آن را با فرهنگ ملی و اسلامی ما جلا بخشد.

***

بلبلان در قفس
نوشتهٔ مادلن ترهون
ترجمهٔ فاطمه زهروی

درخت بلوط
نوشتهٔ پرل باک
ترجمهٔ محمدرضا مهدیزاده
رقعی، ۳۶ صفحه، چاپ سوم، ۸۰۰ ریال
نویسنده در کتاب به داستان کودکی می‌پردازد که تاکنون پدربزرگش را ندیده و پس از آشنایی با او، از رفتن او به خانه سالمندان جلوگیری می‌کند.

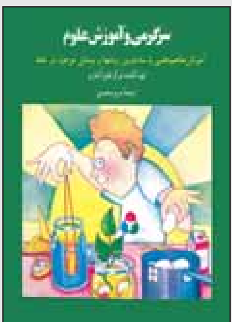
دنیای دلفین کوچولو
ترجمهٔ امیر مرادحاصل
خشتی، ۱۶ صفحه، چاپ دوم، ۱۵۰ ریال
قصه‌ای زیبا همراه با تصاویری رنگی درباره زندگی یک دلفین برای کودکان و نوجوانان.

***

دوستی کلاغ و کبوتر
از جعفر ابراهیمی «شاهد»
خشتی، ۲۴ صفحه، چاپ سوم، ۲۵۰ ریال
افسانه‌ای از سرزمین خراسان که جعفر ابراهیمی (شاهد) آن را به صورت شعر کودکان و نوجوانان بازنویسی و برگردان نموده است.

***

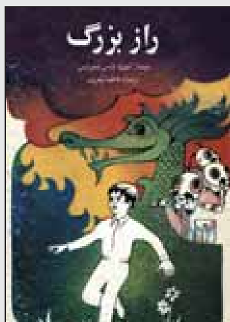
راز بزرگ
نوشتهٔ آنتونیتا دیاس دموراییس
ترجمهٔ فاطمه زهروی

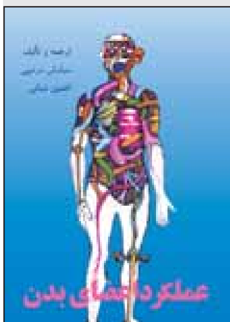












آدمواره‌ها
گردآوری و ترجمهٔ عادل ارشقی
مخصوص، ۴۸ صفحه، چاپ دوم، ۵۰۰ ریال
کتاب به بررسی و معرفی موضوعی می‌پردازد که در متون خارجی با واژه «Robot» از آن یاد می‌شود و برای این واژه در متون فارسی معادلهای، آدمک، ماشینواره، آدمک ماشینی، روبوت، روبات، آدم مصنوعی، ماشین خودکار، انسان مصنوعی، و... به کار رفته است ولی مترجم واژه آدمواره را مناسب‌تر دیده است.

***

آشنایی با دانشمندان و مکتشفان
نوشتهٔ اریک نیل
ترجمهٔ شکوه‌السادات خونساری نژاد
مخصوص، ۸۶ صفحه، چاپ سوم، ۱۵۰۰۰ ریال
پروفسور «اریک نیل» این کتاب را به زبانی ساده و جالب نوشته و در مورد چگونگی رشد تئوریهای علمی، دیدگاه ارزشمندی ارائه می‌دهد. او نظریه جدید گردش خون را تشریح می‌کند و بعد تاریخچه نظریات مربوط به سیستم قلب و خون را از زمان یونانیان تا هاروی و پس از او شرح می‌دهد. در این کتاب بیش از پنجاه عکس به همراه مطالب آمده است.

***

اختراع اشیای معمولی
نوشتهٔ دون ال. والفسون
ترجمهٔ سرویس ترجمه مجله اطلاعات علمی
رقعی، ۹۲ صفحه، چاپ سوم، ۱۰۰۰۰ ریال
تاریخ اختراعات و اکتشافات بشر از شیرین‌ترین و جذاب‌ترین مطالبی است که نسل جوان به آن علاقه وافر دارد. کتاب با زبانی ساده و روان به این موضوع پرداخته است.

***

تصویرها چگونه جان گرفتند
نوشتهٔ محمود برآبادی
وزیری، ۴۸ صفحه، چاپ دوم، ۲۵۰ ریال

رقعی، ۷۲ صفحه، چاپ اول، ۲۸۰ ریال
داستانی است در بیان جنایات فرعونهای عصر حاضر. جنگ‌طلب‌هایی که جهان را به خاک و خون می‌کشند و عاقبت هم خودشان و هم انسانهای بیگناه را در آتش جنگ می‌سوزانند.

***

بوی گل در می‌زند
(مجموعه شعر برای نوجوانان)
نوشتهٔ رضا اسماعیلی
رقعی، ۶۴ صفحه، چاپ اول، ۷۰۰۰ ریال
شاعر در این مجموعه، سوار بر مَرکَب شعر، از دنیای بزرگسالی به دنیای باشکوه و اسرارآمیز نوجوانی سفر کرده است و آموخته‌ها و تجربه‌های تلخ و شیرین خود را در قالب شعرهایی که بیشتر آنها در قالب چهارپاره سروده شده‌اند، با زبانی ساده و صمیمی، به تصویر کشیده است.

***

جزیره اسبها
نوشتهٔ ایلیس دیلون
ترجمهٔ فاطمه زهروی
رقعی، ۲۳۲ صفحه، چاپ دوم، ۷۵۰ ریال
جزیره اسبها ماجرای تاجرانی حریص است؛ تاجرانی که در شیطنت شریک شیطان بوده و انسانی را با کره اسبی معامله می‌کنند و ثمره رنج و زحمت مردم را به حیله و حقه می‌ربایند و...

***

خرگوش‌ها
نوشتهٔ رضا رهگذر
خشتی، ۶۰ صفحه، چاپ اول، ۲۰۰ ریال
داستانی برای کودکان درباره زندگی خرگوشهایی که برای زندگی تلاش می‌کنند.

رقعی، ۲۱۸ صفحه، چاپ پنجم، ۱۶۰۰۰ ریال
این کتاب از یک نویسنده برزیلی است که داستان انقلابی را در کشورش نقل کرده است و در آن تجربه‌ها و حوادثی را که برای انقلابیون و مدافعان انقلاب رخ داده، به وجه زیبایی در قالب کلام گنجانده است.

***

سرزمین نخل‌های وحشی
نوشتهٔ آنتونیتا دیاس دموراییس
ترجمهٔ فاطمه زهروی
رقعی، ۲۴۰ صفحه، چاپ چهارم، ۲۵۰۰۰ ریال
نویسنده حکایت دو انسان را که از شهر و مظاهر تمدن جدید آن بریده و به قعر جنگل‌های اصیل و بکر پناه برده و به ماجراجویی می‌پردازند، به رشته تحریر درآورده است.

***

شیپور جنگ
نوشتهٔ امیر مراد حاصل
خشتی، ۳۲ صفحه، چاپ سوم، ۲۰۰ ریال
داستانی برای کودکان و نوجوانان همراه با تصاویر و نقاشی‌های زیبا.

***

کلاه‌های فروشی
نوشتهٔ اسپیر اسلوبودکینا
ترجمهٔ مینوش صامت
وزیری، ۴۴ صفحه، چاپ چهارم، ۲۵۰ ریال
داستانی زیبا برای کودکان گروه سنی «الف» و «ب».

تازه‌های انتشارات اطلاعات

گونه‌ای دیگر از جنگ
نظام تحریم‌های سازمان ملل متحد در عراق

نوشته هانس سی. فون. اسپونک
ترجمۀ عباس هدایتی خمینی
وزیری، ۴۳۱ صفحه، چاپ اول، ۱۷۰۰۰۰ ریال

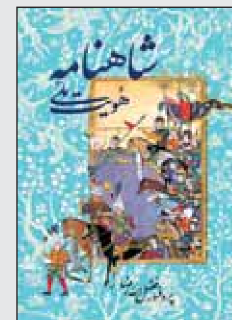
تحریم‌های ظالمانه مسئله‌ای آشنا برای مردم کشور ماست که جا دارد نمونه‌های دیگر آن در جهان، با هدف عبرت‌آموزی، مورد بررسی قرار بگیرد و عراق نمونه مناسبی برای این پژوهش است. این کتاب توسط یکی از باتجربه‌ترین و بلندپایه‌ترین مقامات سازمان ملل متحد که مسئولیت مستقیم اداره کمک‌های بشردوستانه در عراق را عهده‌دار بوده نگاشته شده است.

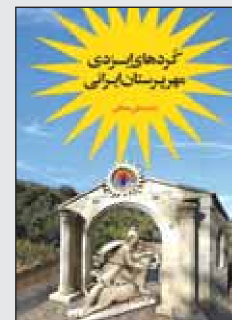
***

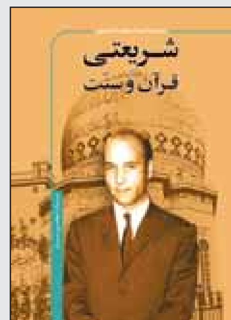
شاهنامه و هویت ملی

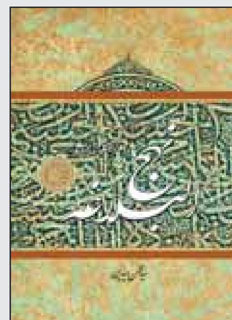
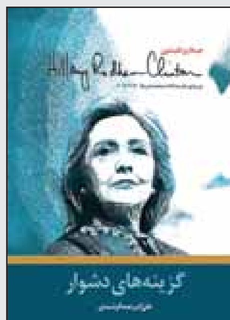
تألیف پروفسور فضل‌الله رضا
وزیری، ۳۳۶ صفحه، چاپ اول، ۲۰۰۰۰۰ ریال

شاهنامه دایرةالمعارف بزرگ فرهنگ ایران و بخشی از پرچم و هویت ملی ماست، این کتاب گرانسنگ فردوسی گنجینه‌ای است در پند و حکمت و عرفان و آزادگی و مردمی









و هنر کلامی فارسی که پس از گذشت هزار سال همچنان شور و شوق هویت ملی را در دلها بر می‌انگیزد و همگان را ارشاد می‌بخشد.

پروفسور فضل‌الله رضا در اثر حاضر به موضوع «شاهنامه و هویت ملی» پرداخته و آن را در پنج دفتر تدوین کرده است.

***

گل شیپوری
گزیده رباعی ـ دوبیتی

سروده محمدرضا سهرابی‌نژاد
رقعی، ۲۲۴ صفحه، چاپ اول، ۹۰۰۰۰ ریال

اکثر صاحب‌نظران عرصه زبان و ادب پارسی بر این عقیده‌اند که رباعی کهن‌ترین و اصیل‌ترین گونه شعر فارسی است و بسیاری نیز بر این تأکید دارند که رباعی از دیرباز کوتاه‌ترین قالب شعر پارسی بوده است و به همین دلیل زودتر، روان‌تر و بهتر از دیگر گونه‌های شعر در خاطره‌ها باقی مانده و بر سر زبان‌ها افتاده است.

مجموعه حاضر برخوردار از تمام ویژگی‌های رباعی‌سرایی در اعصار گذشته و امروز است.

***

کردهای ایزدی، مهرپرستان ایرانی

تألیف دکتر محمدعلی سلطانی
رقعی، ۱۸۴ صفحه، چاپ دوم، ۶۵۰۰۰ ریال

جزایر آیینی ایران فرهنگی گنجینه‌های سر به مُهر از عقاید، آداب، رسوم، فرهنگ، هنر و ادبیات ایرانی است که بر ما و آیندگان الا به روزگاران آشکار نخواهد شد. یکی از آن جزیره‌های پربار و غنی، جغرافیا و تاریخ و آیین و آداب کردهای ایزدی است که در این کتاب به کالبدشکافی همه جانبۀ پیوندهای تاریخی و جغرافیایی و فرهنگی این آیین دیرینه سال ایرانی و نمایاندن این اشتراکات برای نخستین بار به اختصار پرداخته شده و تعلیقات و توضیحات کتاب بر غنای آن افزوده است.

***

هفده مجلس شبیه‌خوانی

به کوشش مرید قنبری ننیز
با گفتاری از دکتر علی بلوکباشی
رقعی، ۶۸۰ صفحه، چاپ اول، ۳۸۰۰۰۰ ریال

هفده مجلس شبیه‌خوانی آن بخش از نسخ تعزیه ننیز است که از گزند حوادث روزگار در امان مانده و امروزه در منطقه رابُر، واقع در استان کرمان اجرا می‌شود. گردآورنده مجموعه کوشیده است تا ضمن ثبت و ضبط متون تعزیه، بر پایه اسناد موجود و روایات شفاهی، تاریخچه‌ای از پیشینه شبیه‌خوانی در این ناحیه از ایران ارائه نماید.

***

بررسی یک قتل عام
صبرا و شتیلا

نوشتۀ آمنون کاپولیوک
ترجمۀ سیدضیاء مصلح
رقعی، ۲۱۶ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر حاصل پژوهش‌های آمنون کاپولیوک، روزنامه‌نگار شهیر فرانسوی است که همان‌طور که خود گفته، ضمن حضور در محل فاجعه صبرا و شتیلا، اسناد بسیاری را مورد بررسی قرار داده و در نهایت نتیجه می‌گیرد که ارتش اسرائیل می‌بایست مسئولیت آنچه را در اردوگاه‌ها، نزدیک به هفت روز در اواسط ماه سپتامبر می‌گذشت، برعهده گیرد و عذرخواهی کند.

***

مجموعه برداشتهای دکتر علی شریعتی
از قرآن و سنت

نوشته میلاد اعظمی مرام
وزیری، ۷۱۲ صفحه، چاپ اول، ۴۰۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر گردآوری برداشتهای دکتر شریعتی از قرآن در یک مجموعه است تا خواننده درک درست و دقیقی از جهت‌گیری وی نسبت به قرآن و نوع الهام‌گیری او از این کتاب آسمانی داشته باشد. اما همان‌طور که خود دکتر متذکر شده: برای رسیدن به این هدف همه چیز، حدیث، روایت، تاریخ، سیره پیغمبر(ص) و سیره ائمه(ع) باید در پیرامون قرآن باشد؛ زیرا آنها وسیله فهم درست قرآن‌اند.

***

گزینه‌های دشوار

نوشته هیلاری کلینتون
ترجمه علی‌اکبر عبدالرشیدی
وزیری، ۹۲۰ صفحه، چاپ اول، ۴۵۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر مجموعه خاطرات وزیر امور خارجه سابق آمریکا می‌باشد.

نگارنده تلاش کرده است در این کتاب شرح رفتار و مناسبات میان سیاستمداران را که در لحظه انتشار خبر مغفول می‌ماند، برجسته کند و این مهم موجبات جذابیت مطالب موجود را فراهم آورده است.

***

آموزش هیپنوتیزم بالینی

نوشته کوریدون هاموند
ترجمه دکتر رضا جمالیان
وزیری، ۴۰۰ صفحه، چاپ اول، ۱۶۰۰۰۰ ریال

این کتاب با وجود قابلیت استفاده عمومی در اصل متن درسی درمانگران و مدرسان هیپنوتیزم بالینی در دانشکده‌های پزشکی، روان‌شناسی، دندان‌پزشکی و مددکاری است که با گردآوری مطالب و مآخذ گسترده علمی در انجمن هیپنوتیزم بالینی آمریکا صورت گرفته است. این انجمن بزرگ‌ترین نهاد تخصصی غیردولتی آمریکا در زمینه آموزش هیپنوتیزم است و کتاب حاضر یک منبع آموزشی جامع در زمینه روشها و نحوۀ درمان با هیپنوتیزم است که با هدف آموزش کاربردی تدوین شده است.

***

مفاهیم موضوعی نهج‌البلاغه

نوشته سید محسن سیدین
وزیری، ۱۰۲۴ صفحه، چاپ اول، ۵۵۰۰۰۰ ریال

مجموعه حاضر تلاشی است در جهت ارائه آنچه از خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمات امیرالمؤمنین علی(ع) درک و استنباط شده است؛ به این گونه که ابتدا به بررسی لغات پرداخته شده و سپس به ترجمه روان از عبارات مبادرت شده و تحت عنوان قاموس نهج‌البلاغه تدوین و سپس سعی شده است تا براساس مسائل زمان و نیازهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی موجود و درک شرایطی که امیرالمؤمنین(ع) به انشاء عبارات

پرداخته است، شرحی از مطلب مستند عرضه و عبارات در ارتباط با آن مفهوم‌پردازی شود.

***

شش گام برای مقابله با افسردگی

نوشتهٔ استفن اس. ایلاردی
ترجمهٔ دکتر علی علی پناهی
رقعی، ۲۵۶ صفحه، چاپ اول، ۱۰۰۰۰۰ ریال

مؤلف کتاب از: تغذیه سالم، مدیریت افکار، تمرینات ورزشی مخصوص، استفاده از نور مناسب، ارتباط و تعامل با دیگران و خواب مطلوب به عنوان شش گام مقابله با افسردگی ـ بدون استفاده از دارو ـ نام برده و به توضیح تفصیلی هر کدام از این شش گام پرداخته است.

***

از دریای معارف مولانا

نوشته دکتر احمد کتابی
وزیری، ۲۸۰ صفحه، چاپ اول، ۱۲۰۰۰۰ ریال

دربارهٔ مولانا جلال‌الدین محمد بلخی سخن‌ها رفته و کتابها و مقاله‌های عدیده‌ای نگاشته شده است؛ ولی هنوز هم، در مورد شخصیت استثنایی و بی‌بدیل او و آثار بی‌نظیر و گرانقدرش، ناشناخته‌ها و ناگفته‌های بسیار وجود دارد.
در کتاب حاضر، مؤلف کوشیده است در حد توان و بضاعت خود، به بررسی موضوعاتی بپردازد که تاکنون مغفول مانده و

پرچمداری شاعران و ادیبان کُرد در پاسداری از ادب فارسی در ایران پیش از صفویه و در میانرودان در دورهٔ قاجاریه است، در این کتاب به موارد متعددی از آنها اشاره شده است.

***

اخلاق کاربردی در زندگی، محیط زیست و اشتغال

نوشته دکتر قاسم صافی
رقعی، ۱۳۶ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل مطالبی است که نگارنده در مطالعات اجتماعی و انسانی پیرامون برخی از دیدگاههای اخلاقی در ادارهٔ زندگی فردی و اجتماعی و در محیط زیست و اشتغال که از آن به «اخلاق کاربردی» تعبیر می‌شود، ملاحظه کرده و با استناد به منابع علمی و مشاهدات عینی و تفحص در این زمینه به قدر کفایت و ضرورتی که برای جامعه کنونی متصور است، عنوان کرده است.

***

بازی بزرگان

نوشته فرید زکریا
ترجمه عبدالله مولیانی
رقعی، ۳۰۳ صفحه، چاپ اول، ۱۲۰۰۰۰ ریال

نویسنده در این کتاب از جهانی صحبت می‌کند که از جنبه‌های سیاسی و اقتصادی قدرت فائقه‌ای بر آن حاکم نیست و در واقع جهانی چندقطبی است.

طور وارونه منعکس نمایند؛ یکی از این اتهامات دریافت کمک مالی از مصر در دوره ریاست جمال عبدالناصر بود. مؤلف با حضور عینی در قاهره و کوشش مستمر و پژوهش مستند، حقایق تاریخ را در این رابطه روشن می‌سازد.

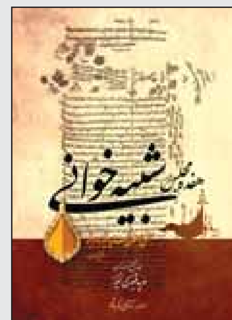
***

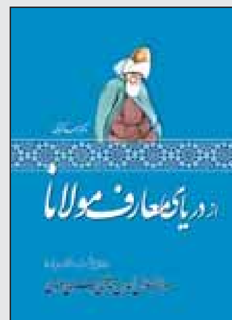
مبارزات دمکراتیک ایران پیش از انقلاب ۱۳۵۷

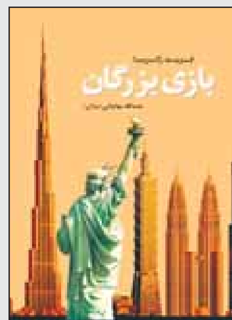
نوشتهٔ دکتر یوسف دانش
ترجمهٔ بهروز اهدائی

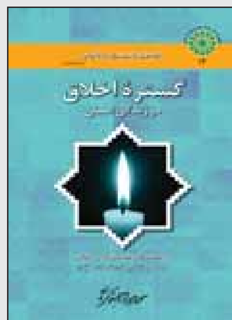
این اثر بررسی روند مردم‌سالاری و افت و خیزهای آن در ایران است. تلاش ایرانیان برای جایگزین کردن حکومتی مردمی به جای حاکمیت فردی در تعارض کامل با منافع چند دولت قدرتمند خارجی به ویژه دولتهای انگلیس و آمریکا بود و این دولتهای خارجی، حداقل، بخشی از موانع حرکت ایران برای برقراری یک نظام دمکراتیک بودند.

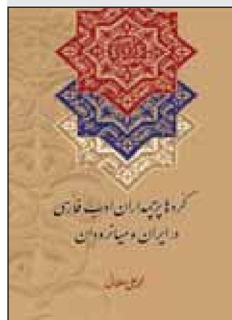












یا کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

***

حماسهٔ ملی ایران در اعتقاد علویان یارسان

نوشته دکتر محمدعلی سلطانی
رقعی، ۱۷۵ صفحه، چاپ اول، ۶۵۰۰۰ ریال

علویان در جغرافیای ایران فرهنگی در مناطق غربی ایران، ترکیه، سوریه و عراق زندگی می‌کنند، خاستگاه اصلی آنها ایران و مرکزشان در کرمانشاه و تبریز است. علویان «حماسه ملی ایران» شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی را در طی هزار سال در هزارتوی اعتقادات خود و در گسترهٔ جغرافیایی یادشده پاسداری کرده و بدان معتقد و پایبند بوده‌اند. رساله حاضر نخستین پژوهش تحلیلی و تطبیقی در این حوزه است و سندی گویا دربارهٔ این آمیختگی بنیادی است.

***

کردها پرچمداران ادب فارسی در ایران و میانرودان

نوشته دکتر محمدعلی سلطانی
رقعی، ۱۳۶ صفحه، چاپ اول، ۶۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر به نقش دیرینهٔ یکی از اصیل‌ترین اقوام ایرانی در گسترش و بالندگی زبان فارسی می‌پردازد؛ یعنی کُردها که در پهنهٔ وسیعی از ایران فرهنگی نگهبان میراث گرانبهای فرهنگ ایران و اسلامی بوده‌اند. شاهد این خدمات،

وی به خاطر طرح مسائل بین‌المللی و ناعادلانه خواندن نظام حاکم بر جهان، که به صورتی روشنگرانه و با صراحت کلام نوشته شده مورد تعمق و استقبال سیاستمداران و صاحب‌نظران و مطبوعات قرار گرفته است و پیامد آن موجی از اظهار نظرها و نقد و بررسی‌ها را در پی داشته است.

***

گسترهٔ اخلاق در زندگی انسان

نوشتهٔ محمدجواد حجتی کرمانی
رقعی، ۱۴۸ صفحه، چاپ اول، ۷۰۰۰۰ ریال

اثر حاضر گفتارهایی است که در سال تحصیلی ۶۸-۱۳۶۷ در دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه شهید بهشتی توسط نگارنده برای دانشجویان القاء شده و اکنون تقدیم اهل کتاب و درس می‌شود.

***

امام خمینی و جمال عبدالناصر

نوشتهٔ سیدهادی خسروشاهی
رقعی، ۳۲۸ صفحه، چاپ اول، ۱۳۰۰۰۰ ریال

تحریف تاریخ، وارونه جلوه دادن حقایق، جعل اخبار و نشر اکاذیب، یک توطئه ریشه‌دار در عرصهٔ تاریخ معاصر ایران است. دشمنان اسلام و ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره کوشیده‌اند که با چاپ و نشر کتابها و مقالات بی‌شمار، حقایق تاریخی را، در مورد پیروزی انقلاب و عوامل آن، به



فروش کتاب‌های انتشارات اطلاعات و دوره‌های روزنامه از طریق پست

علاقه‌مندان کتاب‌های انتشارات و دوره‌های روزنامه اطلاعات در هر نقطه از کشور می‌توانند قیمت کتاب یا دوره روزنامه را به حساب ۲۵۱۰۰۵۰۶۰ موسسهٔ اطلاعات نزد بانک تجارت ـ شعبهٔ میرداماد ـ کد ۳۵۱ (قابل پرداخت در کلیهٔ شعب بانک تجارت در سراسر کشور) واریز کنند و اصل فیش بانکی را به همراه درخواست خود (حاوی عنوان دقیق کتاب و نشانی کامل خود) به نشانی، «تهران ـ بلوار میرداماد ـ خیابان نفت جنوبی ـ مؤسسهٔ اطلاعات ـ امور مشترکین» ارسال دارند تا کتاب یا کتاب‌ها و دوره‌های روزنامهٔ مورد درخواستشان در اسرع وقت فرستاده شود. ضمناً تمام هزینهٔ پستی به عهدهٔ موسسهٔ اطلاعات خواهد بود.

امور مشترکین (فروش پستی کتاب) تلفن: ۲۹۹۹۳۲۶۵

فروشگاه اینترنتی انتشارات اطلاعات WWW.Ketabettelaat.com

کانال تلگرام روزنامه اطلاعات https://telegram.me/ettelat

نمایشگاه دائمی انتشارات اطلاعات، فروشگاه مرکزی شماره (۱) میرداماد: ۲۹۹۹۳۴۱۱

نمایشگاه دائمی انتشارات اطلاعات، فروشگاه شماره (۲) مقابل دانشگاه تهران: ۶۶۴۶۰۷۳۴

نمایشگاه دائمی انتشارات اطلاعات، فروشگاه شماره (۳) قم مجتمع ناشران: ۰۲۵۳۷۸۴۲۶۲۰

۱ـ نمایشگاه دائمی انتشارات اطلاعات، فروشگاه مرکزی شماره ۱	تلفن: ۲۹۹۹۳۴۱۱
۲ـ نمایشگاه دائمی انتشارات اطلاعات، فروشگاه شماره ۲	تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴
۳ـ خیابان خیام، ساختمان قدیم موسسه اطلاعات	تلفن: ۶۶۷۳۳۰۸۵
۴ـ شمیران: میدان قدس	تلفن: ۲۲۷۱۲۱۸۹
۵ـ سیدخندان: خیابان دکتر شریعتی، زیر پل سیدخندان	تلفن: ۲۲۸۶۶۶۹۱
۶ـ نارمک: میدان هفت‌حوض	تلفن: ۷۷۸۹۰۷۲۳
۷ـ تهران نو: فلکه دوم تهرانپارس، روبروی فروشگاه رفاه	تلفن: ۷۷۸۷۸۷۴۶
۸ـ شهرآرا: خیابان ستارخان، نرسیده به پل	تلفن: ۶۶۵۰۲۷۰۷
۹ـ شهرری: میدان شهرری، پاساژ شیشه، طبقه دوم	تلفن: ۵۵۹۰۲۱۹۹
۱۰ـ ده ونک: بعد از دانشگاه الزهرا (س)، جنب حسینیه باب‌الحوائج	تلفن: ۸۸۶۰۹۷۳۵
۱۱ـ آباده: خیابان امام خمینی، نمایندگی روزنامه اطلاعات	تلفن: ۰۷۱ـ۴۴۳۳۳۳۹۴
۱۲ـ آمل: اول خیابان هلال‌احمر، روبروی بیمارستان ۱۷ شهریور	تلفن: ۰۱۱ ـ ۴۴۲۴۳۲۶۵
۱۳ـ ارومیه: خیابان امام خمینی، نرسیده به میدان انقلاب، پلاک ۶۰۹	تلفن: ۰۴۴ـ ۳۲۲۲۴۷۴۳
۱۴ـ اردبیل: انتهای خیابان دانش، روبروی میدان حافظ	تلفن: ۰۴۵ـ۳۳۲۴۳۳۴۶
۱۵ـ اصفهان: خ فردوسی، نرسیده به میدان فلسطین، ساختمان ساسان، طبقه فوقانی بانک ملت	تلفن: ۰۳۱ ـ ۳۲۲۲۴۰۰۱
۱۶ـ اندیمشک: خیابان امام، پاساژ کوثر	تلفن: ۰۶۱ ـ ۴۲۶۲۶۷۷۶
۱۷ـ اهر: خیابان طالقانی، مطبوعاتی عمراهی	تلفن: ۰۴۱ ـ ۴۴۲۲۶۰۰۰
۱۸ـ اهواز: کیان‌پارس، فلکه سوم، خ میهن شرقی، روبروی آموزش و پرورش، ناحیه ۴	تلفن: ۰۶۱ـ ۳۳۳۸۶۱۵۲
۱۹ـ بوشهر: میدان امام خمینی، روبروی بانک کشاورزی	تلفن: ۰۷۷ـ۳۳۵۳۶۶۳۰
۲۰ـ بهشهر: نبش چهارراه گرگان، جنب مسجد دارالشفاء	تلفن: ۰۱۱ـ۳۴۵۳۳۷۴۷
۲۱ـ بهبهان: فلکه بانک ملی، جنب کتابخانه علامه طباطبایی، روبروی دارایی	تلفن: ۰۶۱ـ۵۲۷۲۷۶۸۷
۲۲ـ تبریز: ابتدای خیابان طالقانی، پلاک ۱۳۹	تلفن: ۰۴۱ـ۳۵۵۵۲۵۹۰
۲۳ـ تربت حیدریه: خ فرمانداری، روبروی بانک کشاورزی مرکزی	تلفن: ۰۵۱ ـ ۵۲۲۲۷۰۲۰
۲۴ـ خرم‌آباد لرستان: قلعه فلک‌الافلاک، جنب دانشگاه	تلفن: ۰۶۶ ـ ۳۳۳۰۲۲۰۰
۲۵ـ درود لرستان: ابتدای بلوار معلم، مجتمع فرهنگیان، واحد ۶	تلفن: ۰۶۶ـ۴۳۲۳۵۶۷۷
۲۶ـ رامهرمز: خیابان شهید منتظری، پاساژ شهرداری	تلفن: ۰۶۱ ـ ۴۳۵۲۷۰۰۰
۲۷ـ رشت: خیابان مطهری، روبروی مسجد ۴ برادران	تلفن: ۰۱۳ ـ ۳۳۲۲۴۵۱۰
۲۸ـ ساری: خیابان قارن، جنب داروخانه افشار	تلفن: ۰۱۱ ـ ۳۳۳۲۲۲۰۶
۲۹ـ ساوه: خ امام، جنب بانک ملی، ساختمان تخت جمشید، طبقه ۳	تلفن: ۰۸۶ـ۴۲۲۳۵۴۴۵
۳۰ـ سردشت: خیابان امام، روبروی پارک شهر	تلفن: ۰۴۴ـ۴۴۳۲۷۷۳۷
۳۱ـ سمیرم: خیابان انقلاب، روبروی فرمانداری	تلفن: ۰۳۱ـ۵۳۶۶۵۶۲۸
۳۲ـ سلماس: خیابان امام، میدان فردوسی	تلفن: ۰۴۴ـ۳۵۲۴۲۵۷۵
۳۳ـ شاهرود: خیابان معلم	تلفن: ۰۲۳ـ ۳۲۳۶۵۲۲۲
۳۴ـ شهرکرد: خیابان طالقانی، خیابان سعادت، کوچه سوم، جنب امور صنفی	تلفن: ۰۳۸ـ۳۲۲۲۲۷۲۷
۳۵ـ شیراز: خیابان زند، کوچه نوبهار، پلاک ۷۶ و ۷۸	تلفن: ۰۷۱ـ ۳۲۳۳۵۶۰۰
۳۶ـ قم: خیابان ۱۹ دی، روبروی مخابرات	تلفن: ۰۲۵ـ۳۷۷۰۳۹۳۸
۳۷ـ فروشگاه قم: بلوار معلم غربی، ساختمان مجتمع ناشران، طبقه زیر همکف، پلاک ۲۸	تلفن: ۰۲۵ـ۳۷۸۴۲۶۲۰
۳۸ـ کرج: میدان امام خمینی، پاساژ کمالی، پلاک ۸ و ۷	تلفن: ۰۲۶ـ۳۲۲۲۲۵۰۰
۳۹ـ کرمان: خیابان ابوحامد، روبروی مسکن و شهرسازی	تلفن: ۰۳۴ ـ ۳۲۲۲۲۴۴۱
۴۰ـ کرمانشاه: بلوار شهید بهشتی، سه‌راه حافظیه، روبروی قرارگاه	تلفن: ۰۸۳ـ ۳۸۳۵۹۱۷۲
۴۱ـ گرگان: خیابان فلسطین، پاساژ شیرنگی، طبقه ۲	تلفن: ۰۱۷ ـ ۳۲۲۲۲۱۲۳
۴۲ـ گلپایگان، خ شهید رجایی، سه‌راه مرکز بهداشت، پلاک ۸۸	تلفن: ۰۳۱ـ ۵۷۴۲۲۰۸۶
۴۳ـ لنگرود: خیابان امام، پاساژ پور قاسم، طبقه ۲	تلفن: ۰۱۳ ـ ۴۲۵۲۱۹۵۹
۴۴ـ مامونیه: خیابان امام، بعد از میدان شهرداری، جنب بخشداری مرکزی	تلفن: ۰۸۶ ـ ۴۵۲۲۴۲۹۲
۴۵ـ مسجد سلیمان: خیابان آزادی، جنب دفتر بیمه ایران	تلفن: ۰۶۱ ـ ۴۳۲۲۲۲۴۵
۴۶ـ مشهد: کوی دکترا، مقابل پاستور، ساختمان ۲۰۷، طبقه ۳	تلفن: ۰۵۱ـ ۳۸۴۱۹۵۹۵
۴۷ـ میبد یزد: خیابان امام خمینی، پلاک ۳۲۱	تلفن: ۰۳۵ـ۳۲۳۲۳۵۱۱
۴۸ـ نورآباد: خ امام، پائین‌تر از بانک ملت، مجتمع فرهنگی آموزشی مطبوعاتی حسینی	تلفن: ۰۶۶ ـ ۳۲۷۳۲۱۰۵
۴۹ـ همدان: خیابان بوعلی، روبروی مسجد امام حسین (ع)، نبش کوچه سامان	تلفن: ۰۸۱ ـ ۳۸۲۷۱۸۱۴
۵۰ ـ یزد: بلوار شهید باهنر، جنب نان فانتزی شقایق، کوچه مهر	تلفن: ۰۳۵ـ۳۷۲۵۶۰۲۸

دفاتر نمایندگی روزنامه اطلاعات (تهران بزرگ)

۱- شهرآرا: خیابان ستارخان، بعد ار سه راه تهران ویلا	تلفن: ۶۶۵۰۲۷۰۷
۲- تهران نو: فلکه دوم تهرانپارس، روبروی فروشگاه رفاه	تلفن: ۷۷۸۷۸۷۴۶
۳- شمیران: میدان قدس	تلفن: ۲۲۷۱۲۱۸۹
٤- یوسف آباد: خیابان ولی‌عصر، بالاتر از دکتر بهشتی	تلفن: ۸۸۷۲۰۰۱۳
۵- سیدخندان: خیابان دکتر شریعتی، زیر پل سیدخندان	تلفن: ۲۲۸۶۱٤۶۱
۶- نارمک: میدان هفت‌حوض	تلفن: ۷۷۸۹۰۷۲۳
۷- لاله زار، خیابان لاله زار، بالاتراز مسجد، پاساژ طلا، طبقه دوم	تلفن: ۳۳۱۱۲٤۱۱
۸- ولی‌عصر: خیابان شیخ هادی	تلفن: ۶۶۷۰۷۶۱۰
۹- شهدا: میدان شهدا، خیابان زرین نعل	تلفن: ۷۷۵۳۷۹۵۶
۱۰- انقلاب: خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان	تلفن: ۶۶٤۶۷۲۸۵
۱۱- مخصوص: خیابان مخصوص، کوچه اردشیر	تلفن: ۵۵٤۱۲۰۸۲
۱۲- خیام: خیابان خیام، ساختمان قدیم موسسه اطلاعات	تلفن: ۶۶۷۳۸۲۶۹
۱۳- شهرری: میدان شهرری، پاساژ شیشه، طبقه دوم	تلفن: ۵۵۹۰۲۱۹۹
۱٤- آزادی: خیابان آزادی، چهارراه خوش	تلفن: ۶۶۹۳۵۰٤۳

دفاتر سرپرستی روزنامه اطلاعات در استان‌ها

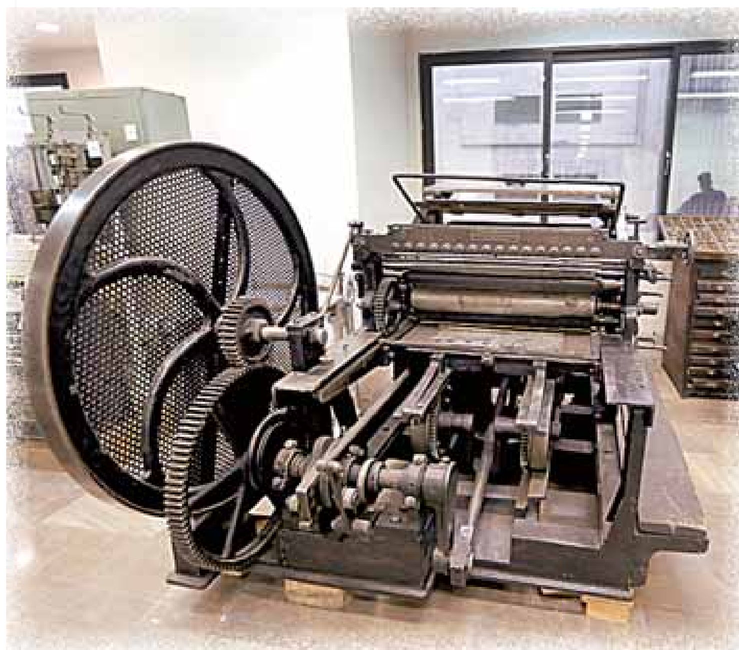
سازمان شهرستان‌ها : ۲۹۹۹۳۲۴۲

اراک: خ امام‌خمینی، چهارراه دکتر حسابی، کوی جاویدان، پلاک ۸۵۳۶	۰۸۶ - ۳۲۲۲۶۹۶۶
اردبیل: انتهای خیابان دانش، روبروی میدان حافظ	۰٤۵-۳۳۲٤۳۳٤۶
ارومیه: خیابان امام خمینی، نرسیده به میدان انقلاب، پلاک ۶۰۹	۰٤٤-۳۲۲۲٤۷٤۳
اصفهان:خ فردوسی، نرسیده به میدان فلسطین، ساختمان ساسان، طبقه فوقانی بانک ملت	۰۳۱ -۳۲۲۲٤۰۰۱
اهواز: فلکه سوم کیان پارس، خ میهن شرقی ، روبروی آموزش و پرورش ناحیه ٤	۰۶۱-۳۳۳۸۶۱۵۲
ایلام: میدان ۲۲ بهمن ، پشت پاساژ مرکزی ، کوچه فرهنگیان	۰۸٤-۳۳۳۳۲٤٤۲
بندرعباس: میدان ابوذر، خ شریعتی شمالی ، کوچه قوام ٤	۰۷۶-۳۲۲۲۷۸۰۰
بوشهر: خیابان امام خمینی، روبروی بانک کشاورزی	۰۷۷-۳۳۵۳۶۶۳۰
بیرجند: خیابان مدرس ۶ ، جنب بانک مسکن ، پلاک ۳٤	۰۵۶-۳۲۲۲۲۷۰۰
تبریز: خیابان طالقانی ،بعد از مصلی، نرسیده به چهارراه ۱۷ شهریور، پلاک ۱۳۹	۰٤۱-۳۵۵۵۲۵۹۰
خرم آباد لرستان: خیابان قلعه فلک الافلاک، روبروی دانشگاه لرستان	۰۶۶-۳۳۳۰۲۲۰۰
رشت: خ مطهری، روبروی مسجد ٤ برادران، بالاتر از باشگاه زادپرور	۰۱۳-۳۳۳۲٤۵۱۱
زاهدان: میدان امام علی- امیر المومنین ۳- ساختمان سپیده- طبقه سوم واحد۱۱	۰۵٤-۳۳۲۲۰۲٤۳
ساری: خ قارن، جنب داروخانه افشار	۰۱۱-۳۳۳۲۲۲۰۶
سنندج: میدان آزادی، ابتدای خیابان حسن آباد، کوچه فروغ، جنب مجتمع مهر	۰۸۷-۳۳۲۳۶٤۸۷
شاهرود: ابتدای خیابان معلم	۰۲۳-۳۲۳۶۵۲۲۲
شهرکرد: خیابان طالقانی، خیابان سعادت، کوچه سوم، جنب امور صنفی	۰۳۸-۳۲۲۲۲۷۲۷
شیراز: خ زند، کوچه نوبهار (کوچه ۳۹) پلاک ۷۶ و ۷۸	۰۷۱-۳۲۳۳۵۶۰۰
قم: خ ۱۹ دی، روبروی مخابرات	۰۲۵-۳۷۷۰۳۹۳۸
کرج: میدان امام خمینی، پاساژ کمالی، پلاک ۸ و ۷	۰۲۶- ۳۲۲۲۲۵۰۰
کرمان: خ ابو حامد، جنب مسکن و شهرسازی	۰۳٤-۳۲۲۲۲٤٤۱
کرمانشاه: بلوار شهید بهشتی، ۳ راه حافظیه، روبروی قرارگاه	۰۸۳-۳۸۳۵۹۱۷۲
گرگان: خ فلسطین، پاساژ شیرنگی، طبقه ۲	۰۱۷-۳۲۲۲۲۱۲۳
مشهد: کوی دکترا، مقابل ابن‌سینا ۱۶ ، ساختمان ۲۰۷، طبقه ۳	۰۵۱-۳۸٤۱۹۵۹۵
همدان: خ بوعلی، روبروی مسجد امام حسین، نبش کوچه سامان	۰۸۱-۳۸۲۷۱۸۱۵
یزد: بلوار شهید باهنر، جنب نان فانتزی شقایق،کوچه مهر	۰۳۵-۳۷۲۵۶۰۲۸

امور توزیع و فروش موسسه اطلاعات ۲۹۹۹۳۴۱۹

ویژه‌نامهٔ نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات

موزه چاپ روزنامه اطلاعات



یکی از کارهای ماندگار در تاریخ مطبوعاتی و انتشاراتی، تاسیس موزه چاپ است که با تلاش همکاران مؤسسه اطلاعات در ساختمان همین مؤسسه دیرپا سامان و سازمان یافته است. هم عین اشیا و لوازم جای گرفته در این موزه و هم عکس‌ها و تصویرهای قدیمی موجود در آن، سیر تدریجی تغییر وَ تحول دستگاه‌های چاپ و مرتبط با چاپ را به سهم خود و در محدوده امکانات خود ترسیم کرده است.

انشاءالله این موزه تاریخی و مطبوعاتی و انتشاراتی، با مساعدت همه همکاران حوزه چاپ و نشر در کشور، هر سال غنی‌تر و پربارتر خواهد شد.



مشهدی علی، چاپچی قدیم روزنامه



گارسه (میز محل قرار گرفتن حروف سربی در سایزهای مختلف)

غلطک فارسی‌بر
حروف سربی



سخنرانی امام در فرودگاه

بانگ «الله اکبر»
و «خمینی امام ما است»
فرودگاه را به لرزه در آورد

امام آمد

پس از ۱۵ سال
در ساعت ۹ و ۲۷
دقیقه و ۳۰ ثانیه
صبح امروز پای
امام خمینی بخاک
وطن رسید

اطلاعات

لحظات حرکت در فرودگاه شارل دوگل

آخرین پیام امام
خمینی در پاریس

پخش
مستقیم
تلویزیون
بعلت هجوم
مأموران
قطع شد

اولین عکس از امام در داخل هواپیما
بر فراز ایران که توسط عکاس
اعزامی اطلاعات گرفته شده است

امام خوش آمدی

سیلندر سربی چاپ، صفحه اول روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ نگهداری شده در موزهٔ چاپ (در آن روز صفحه اول روزنامه باچند طراحی منتشر شد)



دستگاه حروفچینی سربی لاینوتایپ و سیستم حروفچینی لاینوترون ۲۰۲

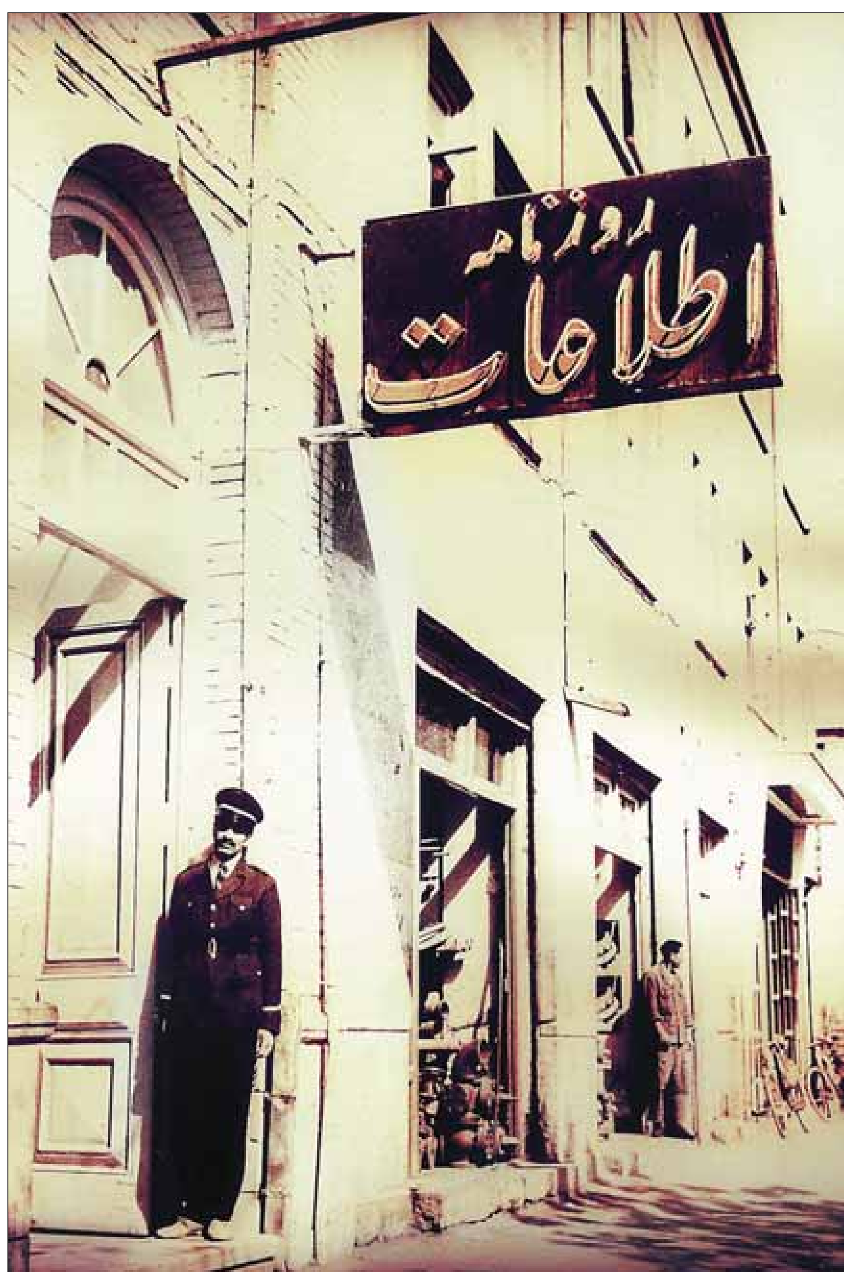


ACTIEN-GESELLSCHAFT FÜR
SCHRIFTGIESSEREI&MASCHINENBAU
OFFENBACH A.M.

دستگاه ماشین چاپ دستی آلمانی، سال ساخت ۱۹۱۱



عکس قدیمی از تحریریه روزنامه ـ دهه ۳۰



عکس قدیمی از سردر ساختمان روزنامه اطلاعات در خیابان خیام



عکس قدیمی از ساختمان روزنامه اطلاعات در خیابان فردوسی





عکس‌های قدیمی از واحد رتوش، گیرنده خبر و آرشیو





عکس قدیمی از واحد صحافی ـ دهه ۴۰



عکس قدیمی از توزیع و پخش ـ دهه ۳۰



محمد تقی سعیدی مدیر لیتوگرافی سعیدی در کنار اسماعیل دمیرچی

دوربین اسکرین مدل C-240-D/ST اهدایی لیتوگرافی سعیدی به موزه چاپ مؤسسه اطلاعات



کنتاکت فیلم KLIMSCH-PERFOREX21



دوربین عمودی عکاسی و لیتوگرافی ساخت آلمان



ماشین تایپ OPTIMA



نمایی داخلی موزه / دوچرخه توزیع روزنامه ـ دهه ۲۰



ماشین تایپ خبر SIEMENS



دستگاه پانچ زینک برای ماشین چاپ گاس



ماشین ظهور حروفچینی لاینوتایپ



ماشین پانچ (تایپ ، حروفچینی)/ SIEMENS



دستگاه خروجی فیلم IMAGE SETTER مدل MERCUR&MAGNUM



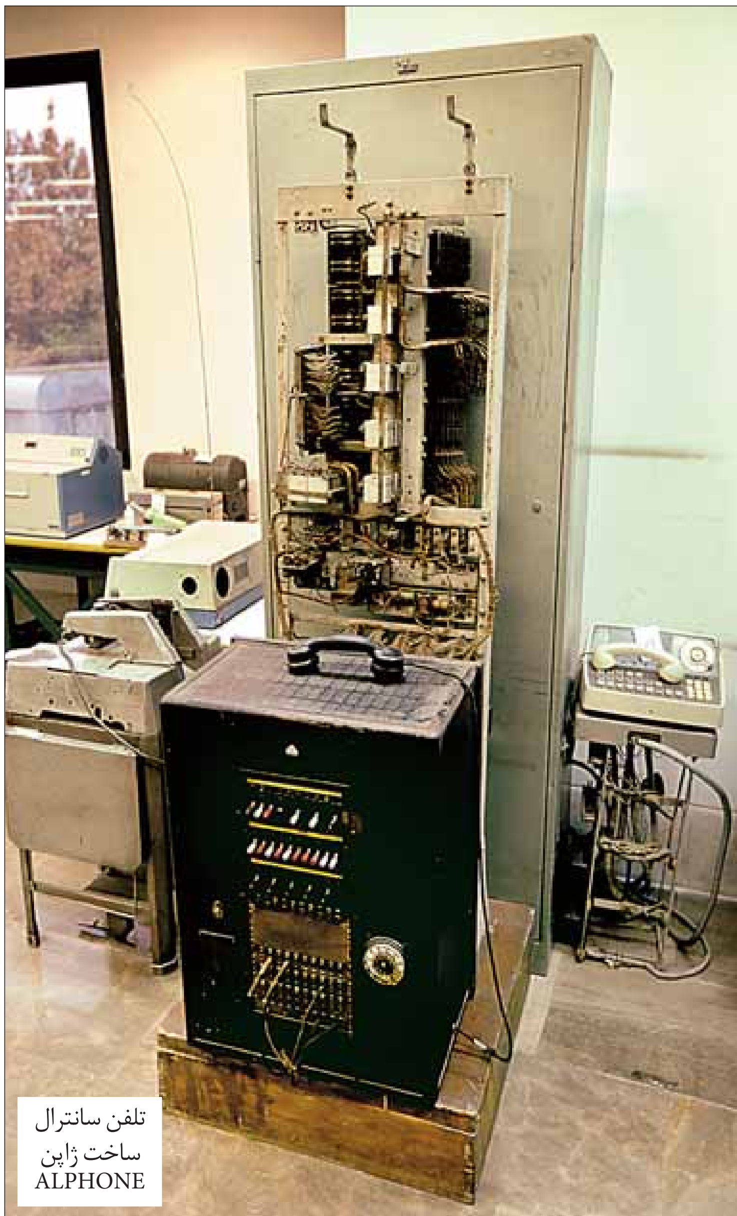
دســـــتگاه پخش و ضبط قدیمی ساخت آمریکا که صدا بر روی مفتول نقره‌ای ضبط می‌شد
PEIRCE 260A



ضبط صوت ریل SHIBADEN مدل SV-700 video TAPE RECORDER



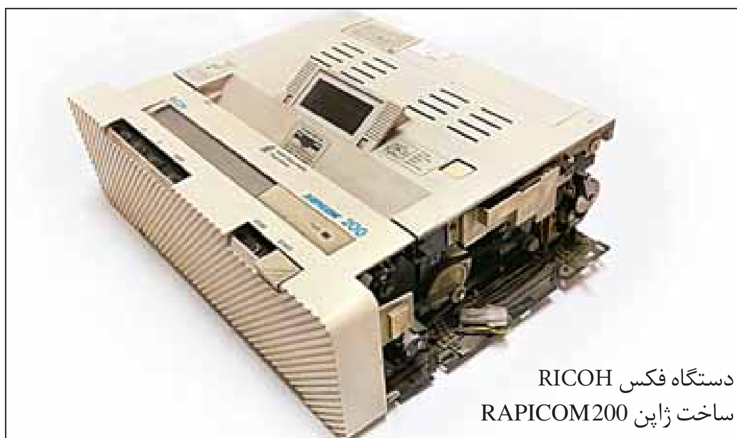
بیسیم گیرنده خبر LORENZ ساخت آلمان



تلفن سانترال
ساخت ژاپن
ALPHONE



دستگاه گیرنده خبر ساخت فرانسه



دستگاه فکس RICOH
ساخت ژاپن RAPICOM 200



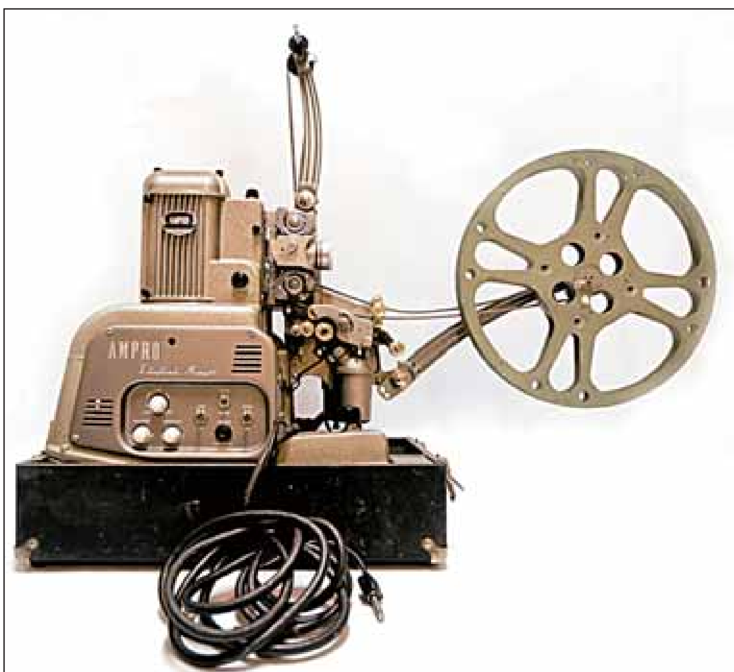
دستگاه اسلاید Liesegang Antiskop



دستگاه بازبینی میکروفیلم DOCUMENT



نمونه‌هایی از آگراندیسمان عکاسی



آپارات AMPROSTYLIST



دوربین عکاسی فانوسی پایه چوبی



دوربین عکاسی فانوسی SINAR



تصویر تابلو تمبر یادبود که در موزه چاپ موسسه اطلاعات نگهداری می‌شود

رونمایی از تمبر یاد بود مؤسسه اطلاعات

به مناسبت نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات و رونمایی از تمبر یاد بود آن با حضور یادگار گرامی‌امام حجت الاسلام و المسلمین حاج سید حسن خمینی، صبح روز شنبه ۳۱ مرداد ماه ۱۳۹۴ مراسمی‌در مؤسسه اطلاعات برگزار شد.

در این مراسم علاوه بر خبرنگاران و کارکنان روزنامه اطلاعات و پیش کسوتان این روزنامه، آیت‌الله موسوی بجنوردی، دکتر مهدی محقق، رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، حجت الاسلام علی اکبر آشتیانی، دکتر حمید انصاری، مدیر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، دکتر سید رضا صالحی امیری، رئیس کتابخانه ملی ایران، احمد مسجدجامعی، رئیس سابق شورای شهر تهران و وزیر اسبق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکترهادی خانیکی، استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی و دیگر اصحاب فرهنگ و رسانه حضور داشتند. در پایان مراسم تابلو تمبر یادبود مؤسسه به امضای تعدادی از عزیزان و همکاران آراسته شد که اسامی آنها در جدول زیر به ترتیب حروف الفبا آمده است.

نام و نام خانوادگی	سمت
جناب آقای افشین اعلا	شاعر معاصر
جناب آقای حمید انصاری	رئیس دفتر نشر آثار امام خمینی
جناب آقای مهدی بشارت	مدیر مسئول مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی
جناب آقای حسین بنی‌احمد	عضو شورای سردبیری سابق روزنامه اطلاعات
جناب آقای محسن بهرامی	سرپرست تلفخانه مؤسسه اطلاعات
جناب آقای احمد پورنجاتی	محقق و پژوهشگر
جناب آقای ترابی	نماینده شرکت پست
جناب آقای عباس تهرانی	مدیر مالی مؤسسه اطلاعات
جناب آقای ایرج جاوید	مدیر مؤسسه اطلاعات
جناب آقای فتح‌اله جوادی	مدیرمسئول مجله اطلاعات هفتگی
جناب آقای کاظم چایچیان	روزنامه‌نگار بازنشسته مؤسسه اطلاعات
جناب آقای علیرضا حبیبی‌مهر	مدیر فنی و بازرگانی مؤسسه اطلاعات
جناب آقای علیرضا خانی	سردبیر روزنامه اطلاعات
جناب آقای هادی خانیکی	استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی
جناب آقای سیدحسن خمینی	یادگار گرامی امام راحل
جناب آقای سیدمحمود دعایی	نماینده ولایت فقیه و سرپرست مؤسسه اطلاعات
جناب آقای ابراهیم رجبی	مسئول امور ساختمانی مؤسسه اطلاعات
جناب آقای رحیم رمضانی	سرپرست شعبه حروفچینی مؤسسه اطلاعات
جناب آقای کریم رحیمی واحدی	بازنشسته مؤسسه اطلاعات
جناب آقای حسن سلطانی محمدی	رئیس روابط عمومی مؤسسه اطلاعات
جناب آقای غلامحسین شعبانی	مدیر مسئول مجله دنیای ورزش

نام و نام خانوادگی	سمت
جناب آقای شهرام شهدی‌نژاد یزدی	معاون امور پیش از چاپ
جناب آقای علیرضا شیرانی	مدیر سابق مؤسسه اطلاعات
جناب آقای رضا صالحی امیری	رئیس کتابخانه ملی
سرکار خانم فریبا طیب‌نیا	محقق و پژوهشگر
جناب آقای غلامرضا علینقیان	کارمند روابط عمومی
جناب آقای ابوالقاسم قاسم‌زاده	مشاور امور فرهنگی مؤسسه اطلاعات
جناب آقای وحید قنبری‌ننیز	استاد دانشگاه
جناب آقای داود قهردار	عکاس سرویس عکس تحریریه روزنامه اطلاعات
جناب آقای حسن کرابی	مدیر سازمان آگهی‌ها
جناب آقای محمدرضا گنجی‌زاده	مدیر امور پیش از چاپ
جناب آقای مهدی محقق	رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
جناب آقای کمال‌الدین محمدیان	کارشناس روابط عمومی ایرانچاپ
جناب آقای محمدجواد محمدی گلپایگانی	مدیر مسئول ماهنامه فرانسوی زبان روودو تهران
جناب آقای اسماعیل محمودی	کارمند روابط عمومی
جناب آقای احمد مسجدجامعی	عضو شورای شهر و وزیر سابق ارشاد اسلامی
جناب آقای بهرام مسعودی	فرزند بنیان‌گذار مؤسسه اطلاعات
جناب آقای محمدجواد مظفر	مدیر اسبق مؤسسه اطلاعات
جناب آقای محمد موسوی بجنوردی	مدرس حوزه و دانشگاه
جناب آقای جهانگیر نظام‌العلما	خوشنویس و مشاور هنری سابق مؤسسه اطلاعات
جناب آقای سیدعلیمحمد هاشمی	مدیر امور توزیع و فروش مؤسسه اطلاعات
جناب آقای حمید یزدان‌پرست	دبیر سرویس اندیشه روزنامه اطلاعات و معاون انتشارات اطلاعات



اصلاحیه ویژه‌نامه دوم
دولت‌ها و کابینه‌ها

لازم است یادآوری شـــود که در ویژه‌نامه دوم نودمین سال (۲۳ شهریور ۹۴)، در بخش عکس «هیأت دولت»های پیش از انقلاب وَ پـــس از آن، چند نکته به صورت اشتباه چاپ شده است که نیاز به توضیح دارد. با تشکر از تذکرِ اهل نقد و نظر و با پوزش از خوانندگان ارجمند، موارد مؤثّر به شرح زیر تصحیح می‌شود.

۱ـ مجموعهٔ مذکور (دولت‌ها و کابینه‌ها)، فقط شـــامل عکس ۳۲ هیأت از «هیأت دولت»های پس از مشروطه و پس از انقلاب اســـت. بیش از ۵۰ هیأت دولت درواقع وجود داشـــته که برخی از آنها در دوره خود ترمیم هم شده‌اند. مجموعه مزبور، طبعاً همه کابینه‌ها و همه نخست‌وزیران را شامل نمی‌شود.

از این جمله بوده‌اند نخســـت‌وزیرانی مانند حسن مســـتوفی (مستوفی‌الممالک) و مهدیقلی هدایت (مخبرالســـلطنه) در فاصله ســـال‌های ۱۳۰۴ تـــا ۱۳۱۲ و نیز نخست‌وزیرانی مانند محمود جم، احمد متین‌دفتری، علی منصور، محمدعلی فروغی، علی سهیلی، احمد قوام (قوام‌السلطنه) و محمد ساعد در فاصله آذر ۱۳۱۴ تا ۲۹ آبان ۱۳۲۳، همچنین نخست‌وزیرانی از قبیل ابراهیم حکیمی در فاصله ۱۲ اردیبهشت تا ۱۳ خرداد ۱۳۲۴، حســـین علاء در فاصلهٔ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ تا ۶ اردیبهشت ۱۳۳۰ و غلامرضا ازهاری در ۱۵ آبان تا ۹ دی ۱۳۵۷.

۲ـ «ص ۶۱». شروع به کار دولت دوم محمدعلی فروغی ۲۲ شهریور ۱۳۱۲ بوده، «سیدحسن امین و امین و حسین امینی» به عنوان رئیس اداره صناعت در عکس‌های این صفحه یک نفر است، کسی که پس از احمد نخجوان در کنار فروغی نشسته محسن صدر (صدرالاشراف) است، علی منصور در ردیف جلو (سمت چپ) یکی مانده به آخر نشسته است.

۳ـ «ص ۶۲» نخســـت‌وزیری مرتضی‌قلی بیات از ۲۹ آبان ۱۳۲۳ تا ۲۸ فروردین ۱۳۲۴ بوده است.

۴ـ «ص ۶۳». تاریخ صحیح شـــروع و خاتمه کار هیأت دولت محســـن صدر ۱۵ خرداد تا ۲۹ مهر ۱۳۲۴ بوده، همچنین آغاز و پایان هیأت دولت دوم ابراهیم حکیمی ۲ آبان تا ۳۰ دی ۱۳۲۴ بوده است.

۵ـ نـــام وزیـــر راه در کابینـــه حکیمـــی، سرلشـــکر عبدالمجیـــد فیروز صحیح است.

۶ـ «ص ۶۵». عکس موجود به عنوان کابینه چهارم محمد ساعد مراغه‌ای معرفی شده، اما «کابینه دوم» صحیح است.

۷ـ «ص ۶۶». در ایـــن صفحه آمده که احمد قوام چهار دوره به نخســـت‌وزیری منصوب شده است. صحیح آن، پنج دوره است. ۷ بهمن ۱۳۲۴ تا ۱۸ آذر ۱۳۲۶ و بار آخر از ۲۷ تا ۳۰ تیر ۱۳۳۱.

۸ـ «ص ۶۷». تاریخ صحیح آغاز و پایان کار هیأت دولت عبدالحســـین هژیر ۲۳ خرداد تا ۲۵ آبان ۱۳۲۷ است.

۹ـ «ص ۷۰». در نخســـتین کابینه مصدق، باقر کاظمـــی وزیر امور خارجه، علی هیئت وزیر دادگستری، ســـپهبد نقدی وزیر جنگ، محمدعلی وارسته وزیر دارایی، فضل‌الله زاهدی وزیر کشـــور، کریم سنجابی وزیر فرهنگ و امیرتیمور کلالی وزیر کار بوده است.

۱۰ـ «ص ۷۱». ســـیف‌الله معظمی در آخرین کابینه دکتر مصدق عضویت داشته، در کابینه کودتا وزیر پســـت و تلگراف و تلفن دولت فضـــل‌الله زاهدی نبوده، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ نیز دستگیر و بازداشـــت شده است. پایان دوره نخست‌وزیری فضل‌الله زاهدی ۱۶ فروردین ۱۳۳۴ بوده است.

۱۱ـ «ص ۷۲». مدت نخســـت‌وزیری حســـین علاء ۱۷ فروردین ۱۳۳۴ تا ۱۴ فروردین ۱۳۳۶ صحیح اســـت. علیقلی اردلان در کابینه اول پســـت وزارت صنایع و معادن و در کابینهٔ دوم سمت وزارت امور خارجه و همچنین عبدالله انتظام (در کابینه اول) مسئولیت وزیر امور خارجه را داشته است.

۱۲ـ «ص ۷۳». نـــام صحیـــح نفـــر دوم در ردیـــف دوم تصویـــر، علی‌اصغر ناصر است.

۱۳ـ «ص ۷۵». پایان کار نخست‌وزیری اسدالله عَلَم ۱۷ اسفند ۱۳۴۲ است.

۱۴ـ «ص ۷۶». نام صحیح وزیر مشاور در کابینه حسنعلی منصور، محمّد نصیری است.

۱۵ـ تاریخ تشکیل هیأت دولت امیرعباس هویدا، ۶ بهمن ۱۳۴۳ صحیح است.

۱۶ـ «ص ۸۰». نام ســـخنران مجلس شورای ملی در ۱۰ بهمن ۵۷ (که از نیم‌رخ دیده می‌شود)، «احمد میرفندرسکی» ذکر شده است. گفته شده است که سخنران، محسن پزشکپور است.

۱۷ـ «ص ۲۱۱». در شـــرح عکس صفحهٔ ماقبل آخـــر (داخل جلد)، نام کوچک پروفسور محمدحسن گنجی به اشـــتباه منوچهر نوشته شده است. همچنین، شرح اسامی « از راست به چپ» صحیح است.

۱۸ـ شایسته توضیح است که تاریخ و اسامی اعضای «هیأت دولت‌ها» در ویژه‌نامه ۹۰ســـالگی پیشـــین (ویژه‌نامه دوم ۹۴/۶/۲۳)، عمدتاً از متن کتاب دولت‌های عصر مشروطیت تألیف جمشید ضرغام‌بروجنی استخراج شده بود. این کتاب از سوی اداره کل قوانین مجلس شورا چاپ و منتشر شده است.

نفت پارس، تجربه ای

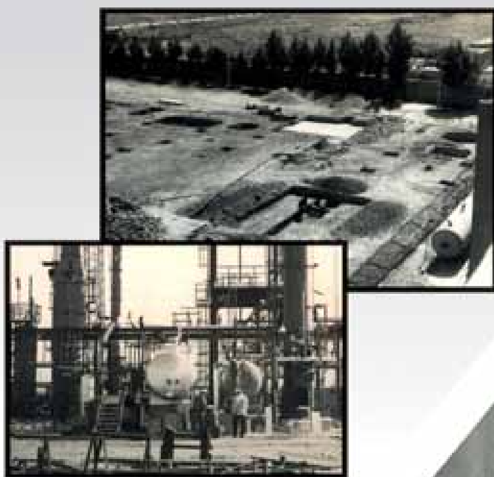
۵۷ سال در خدمت مردم

تولید کننده انواع روغن های
موتوری.صنعتی.دنده خودرو.گریس و ضد یخ

درباره ۵۷ سال تلاش و سازندگی شرکت نفت پارس که افتخار بنیانگذاری صنعت روانکاری بخش خصوصی در ایران و خاورمیانه، بر تارک کارنامه درخشانش رقم خورده، چه می توان گفت؟چه می توان نوشت؟

۵۷ سال عمر پر فراز و نشیب، بیش از ۵ دهه همت و کوشش عاشقانه و جاودانه هزاران کارگر، تکنسین، مهندس، کارشناس و مدیرانی که هرگز امید به موفقیت را از دست ندادند و مجموعه عظیمی را بنیان نهادند که بدست نسل های فرهیخته آینده سپرده خواهد شد، در سخنی کوتاه میسرنیست.

در آن زمان هرچند صنایع کشور و تعداد اتومبیلها به گستردگی امروز نبود، اما می توان گفت که براساس نسبت های موجود همان ایام، واردات روانکارها از خارج بسیار افزون تر از تولید اندک داخلی بود و اصولا صنعتی به نام صنعت روانکاری نه تنها در ایران بلکه در کشورهای منطقه خلیج فارس و خاورمیانه ظهور نکرده بود. به همین نسبت متخصصان و کارشناسان صنعت روانکاری به تعداد انگشتان یک دست نمی رسید.



www.parsoilco.com



کهن با دانش روز

پس از ۲ سال از تاسیس شرکت نفت پارس در سال ۱۳۳۷ که پالایشگاه شرکت ساخته و به بهره برداری رسید، نخستین محصولات تولیدی آن با ۶ عنوان اصلی وارد بازار داخلی شد که در آن عهد، گام بسیار موفقی در تولید روانکار ها بود و همزمان با تولید این روانکارها در پالایشگاه نفت پارس صنعت روانکاری نیز در ایران متولد شد. از آن پس و بتدریج صنعت روانکاری رو به گسترش نهاد، به گونه ای که تنوع و تعداد فرآورده های شرکت نفت پارس هم اکنون به بیش از ۱۵۰ عنوان رسیده و با توجه به ارتقا، دانش روانکاری، پالایشگاه نفت پارس می تواند هرنوع سفارش ویژه مصرف کنندگان، برای استفاده در صنایع خاص را تولید کند.

در حال حاضر با تولید محصولات با تکنولوژی پیشرفته جهت خودروهای روز دنیا، خود را در سطح شرکت‌های تولیدی برتر جهان قرار داده است.



نفت پارس
چگونه بنیانگذار تولید روانکارها در ایران شد؟ ...

ایجاد یک صنعت نو در کشور و منطقه ای که با چنان صنعتی بیگانه باشد، کاریست کارستان که بخشی از تاریخ صنعت کشور و منطقه را در جهان تعریف می کند.

این اتفاق درباره صنایع انگشت شماری در کشور، به واقعیت پیوسته که یکی از مهمترین آنها، صنعت روانکاری است. تا پیش از دهه ۴۰ شمسی یا دهه ۶۰ میلادی، صنعتی بنام صنعت روانکاری در ایران و خاورمیانه وجود نداشت. در ایران که خود خاستگاه نفت بود و پالایشگاه آبادان بزرگترین پالایشگاه جهان را در آن روز در جنوب کشور در اختیار داشت، تا چند دهه پس از تاسیس پالایشگاه بخش اعظم روانکارهای مورد مصرف، از خارج و بیشتر توسط شرکت های وابسته به کنسرسیوم وارد کشور می شد.









گواهینامه‌های
کمپانی‌های بزرگ بین المللی برای نفت پارس

از ابتدای تاسیس شرکت و پس از آغاز همکاری با شرکت شل، گواهینامه های متعددی در راستای اعتبار محصولات نفت پارس به شرکت اهدا شده که قدیمی ترین آنها گواهینامه های کارخانجات مرسدس بنز آلمان، وزارت دفاع انگلیس و کمپانی کاترپیلار برای روغن پارس کیان، اس-۱ است. این روغن در زمان ۴۰ سال پیش تنها روغن قابل استفاده در موتورهای دیزلی، با کارکرد ۴ هزار کیلومتر بود. علاوه بر گواهینامه های مربوط به تایید محصولات ۳ گواهینامه معتبر دیگر نیز به شرکت اعطا شد.

اکنون نفت پارس با داشتن استانداردهای:

- مدیریت کیفیت ISO 9001-2000
- مدیریت زیست محیطی ISO 14001-2004
- مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی OHSAS 18001-1999
- به الگوهای سرآمد بین المللی (EFQM) دست یافته است.
- مدیریت کیفیت در صنعت خودرو سازی ISO 16949 - 2009





علاوه بر گواهینامه های فوق، شرکت نفت پارس در سال ۱۳۸۴ موفق شد پس از انجام ممیزی های دوره ای توسط یکی از مشتریان عمده خود یعنی شرکت ایران خودرو گواهینامه آن شرکت را بانام SAPCO 79 دریافت کند.

یک روز از نود سال با مهندس علی نقیب

رپرتاژ آگهی

* گزارش: افشین نریمانی * عکس: محمد علی امانی



■ بی‌شـک، یکی از جذاب‌ترین پرسه‌ها، پرسه در تاریخ اسـت و اگر بگوییم تاریخ صنعت پرافتخار ایران عزیزمان نیز از جذابیـت خاصی برخوردار است، اغراق نکرده‌ایم.
شـاید همین جذابیت ما را به کوچه پس کوچه‌ها و خیابان‌های این تاریخ پر از نوابغ و نام‌آور کشـاند و همانطور که پرسه می‌زدیم، نام یکی از نام‌آورترین نام‌آوران صنعت کشور را در اکثر خیابان‌ها، کوی‌ها و کوچه‌های این تاریخ، بارها و بارها مشاهده کردیم و بر خود بالیدیم که ایران همیشه سربلندمان، همواره مهد پـرورش چنین نوابغی بوده و می‌باشـد و به واسطه وجود آن‌ها است که از غرب تا شرق این کره خاکی، با آوردن نام ایران، تحسین و احترام خاصی را ابراز داشته و می‌دارند.
نام‌آوری که بیش از ۲۰ بار نمونه شد و چهره ماندگار لقب گرفت و بـرای اولین بار به عنـوان قهرمان قهرمانان صنعت کشور نامش در تاریخ ثبت شد.
یک روز از ۹۰ سال انتشـار روزنامه اطلاعات را با او گذراندیم تا بیشتر از پیش با مهندس علی نقیب آشنا شویم. نام آشنایی که به راحتی سخن می‌گوید و هر شنونده‌ای را به پای خاطراتش میخکوب می‌کند:

متولد سال ۱۳۳۵ در تهران هستم. دبستان و دبیرستان را در تهران گذراندم. در مـدارس دولتی درس خواندم. سال ۱۳۵۴ در کنکور سراسری شرکت کردم و در دانشگاه صنعتی شریف رشته مهندسی صنایع قبول شدم. رشته‌ای که اولین رشته مورد علاقه‌ام بود و در آن زمان، رشته جدید و تازه‌ای به حساب می‌آمد.

پدرم، شغل آزاد داشـت و به خاطر همین، همیشه در فضای کسب و کار بودم و علاقه‌مند به این کارها هم بودم. از کودکی به مغازه پدرم می‌رفتم و یاد می‌گرفتم که خرید و فروش یعنی چه، و الان که در بهترین دانشگاه کشور درس خواندم احساس می‌کنم که بهترین مسائل کسب و کار را از پدر خودم یاد گرفته‌ام. هنوز هم از پدرم یاد می‌گیریم و ایشان نیز توضیحات لازم را به من می‌دهند.

در طول مدتی که دانشـگاه بودم، کار آزاد هم می‌کردم و جزو کسانی بودم که با رفتن به دانشگاه، کار خودم را هم شـروع کرده بودم. یکی از آن کارها، تدریس بود. تدریس خصوصی می‌کردم و شاگردهایم خیلی علاقه‌مند بودند و روز به روز زیادتر می‌شدند و به همین علت، تقریباً دو برابر بقیه که تدریس می‌کردند درآمد داشتم. به غیر از تدریس، در کارگاه دانشگاه هم کار می‌کردم.

پس از پیروزی انقلاب، در جهاد سـازندگی مشغول به کار شدم و همین طور در سازمان صنایع ملی ایران نیز کار کردم. تا این که به این فکر افتادیم که بیاییم برای خودمان یک کاری را شروع بکنیم. شرکتی را تأسیس کردم تا با یکی از دوستان کاری را که با روحیه خودمان هم بسیار سازگار بود و نوآوری محسوب می‌شد انجام دهیم و تصمیم گرفتیم قطعاتـی را که به نام کلمپ برق معروف بود و از ژاپن وارد می‌شـد را تولید کنیم. قطعاتی که وزارت نیرو می‌خرید تا کابل‌های برق را با دکل‌ها به هم بسـت و اتصال بدهد. به همین منظور، در شـهر صنعتی قزوین، زمینی خریداری کردیم و برای خرید دستگاه‌های مورد نیاز به انگلیس رفتم و دسـتگاه‌ها را هم رویت کردم ولی به علت بروز جنگ و تغییر مداوم نرخ ارز، و همچنین مشکلاتی که وزارت صنایع داشت، علی‌رغم آماده شدن زمین و احداث سوله‌های مورد نظر و انجام کارهای تأسیساتی، نتوانستیم ماشین‌آلات را وارد کنیم و علت آن هم این بود که تا پول فراهم می‌شـد نرخ ارز تغییر می‌کرد و نمی‌توانستیم آن‌ها را وارد کنیم و بر همین اساس، پروژه نیمه‌تمام ماند و بعدها آن را به کارخانه مواد غذایی تبدیل کردیم و به تولید انواع کیک و کلوچه در شهر صنعتی مشغول شدیم.

همزمان با این کار، در شـرکت زمزم تهران به عنوان مدیرعامل از سـال ۱۳۶۵ تا اوایل ۱۳۶۸ مشـغول به فعالیت شدم. پس از آن، مدتی به عنوان مدیر گروه صنایع شـیمیایی نساجی در سـازمان اقتصادی کوثر بودم که حدود ۱۸ کارخانه زیر نظرم بود و با وجود مشکلاتی که از جنگ مانده بود و من نیز بسیار جوان بودم، توانستم تمام کارخانجات‌مان را از زیان‌دهی به سـوددهی تبدیل کنم و شروع کردم به سیستم دادن و برنامه دادن و بودجه‌نویسی که در آن زمان خیلی رسم نبود.

از سال ۱۳۷۳ به شـرکت داروگر رفتم. شرکت کف، سهامی عام بود و اولین شرکت صنعتی آرایشی بهداشتی کشور بود که در سال ۱۳۰۷ تأسیس شده است.

محصولات و برندش شناخته شـده بود ولی به دلیل مسائل آن روز، خیلی سودده نبود و شرکت بزرگی محسوب نمی‌شـد. در خیابان وزرای تهران دارای یک دفتر مرکزی بود که به صورت یک خانه مسـکونی بوده و کارخانه نیز در کرج با ۲۰ هزار متر زمین واقع شـده بود و پرسـنل و کارگران به ۴۰۰ نفر می‌رسیدند.

موضوع اصلی که دیده می‌شد این بود که علی‌رغم اسم و نام و برند، مردم تمایلی به خرید محصولاتش نداشتند زیرا فرمول، قدیمی بود و بسته‌بندی نیز همین‌طور.

به هر حال، نسل، نسل جدید دارد و می‌بایست با توجه به نیاز بازار تغییرات انجام شـود. به همین منظور، مرکز تحقیقات را درست کردم و شروع کردم به نوآوری‌هایی که در این صنعت اسـت. تحقیق کردیم که دنیا به چه سمتی می‌رود و چه کار باید کرد تا با هزینه کمتر و سرعت بیشتر بتوانیم به نتیجه برسیم. تقریباً از ۱۰ محصولی که شرکت داشـت و حدود ۴ محصول آن اصلی بود، در این ۱۸ سال به حدود ۱۶۰ نوع محصول رسیدیم. البته اولین تغییرات ظرف کمتر از مدت یک سال انجام شد. یادم می‌آید، مردم می‌گفتند، درب‌های شامپو پیچی هستند و علاوه بر سخت بودن، دسـت را نیز اذیت می‌کنند و ما می‌بایست آن را اصلاح می‌کردیم و به این علت، فیلیپ تایپ را آوردیم. یک نمونه بطری را هم خودم از اروپا آورده بودم، زیبا هم بود و هنوز هم در بازار دیده می‌شود، شروع کردیم به تولید و از شامپوی ساده این کار را انجام دادیم. از فضایی که بیزینس آن راحت‌تر بود و پول راحت‌تر برمی‌گشـت و سرمایه در گردش آن نیز بهتر بود.

این فعالیت‌ها، توسـعه‌های عرضی بود. در کنار توسعه عرضی و محصولی، توسعه طولی هم دادیم و زیرساخت‌ها را هم درست کردیم.

شرکت کف با وجود این که اسم و رسم و نام داشت، ولی مواد اولیه را از طریق شرکت‌های دیگر تهیه می‌کرد.

مواد اولیه شـامپو و مواد اولیه مایع ظرفشویی یا خمیر دنـدان چیزهایی بودند که ما وقتـی تصمیم گرفتیم تا بزرگ شـویم باید خودمان صاحب آن‌ها می‌شدیم. چون هم از نظر اقتصادی به نفع بود و هم از نظر سیاسـی با ما بازی نمی‌کردند و اگر مـواد باکیفیت برای تولیدات‌مان می‌خواستیم ما را اذیت نمی‌کردند.

با این تفکر، شـرکت کیمیای ایران که یک شـرکت کوچکی در اصفهان بود را خریدیم. شرکت بسیار کوچکی بود. دارایی آن دسـتگاهی بود که در سـاعت ۵۰۰ کیلو تولید می‌کرد و بعد از خریداری، آن را توسـعه دادم و الان در حقیقت، کیمیای ایران یکی از شرکت‌های بزرگ تولید مواد اولیه اسـت و محصولات آن، بسیار متنوع شد که نه تنها مورد مصرف آن در بهداشـتی و آرایشی که در صنایع دیگر از جمله نسـاجی نیز مصرف داشت و حدود ۳۰ قلم مواد اولیه را در آنجا به تولید رساندیم که خیلی از آن موادها مورد مصرف خودمان بود و دیگر اقلام را نیز می‌فروختیم.

بعد از مواد اولیه نظرم را به سـوی بسـته‌بندی بردم. صنایع بسته‌بندی هم در آن زمان یکی از مشکلات صنعت آرایشی و بهداشتی به شمار می‌رفت. مصرف‌کننده وقتی محصولات خارجی را با بسـته‌بندی خـوب می‌دید که نمونه‌اش در داخل کشـور نبود خوشش می‌آمد و به آن سمت کشیده می‌شد.

برای رفع این مشکل، تکنولوژی تولید تیوپ‌های چند لایه را برای اولین بار وارد کشور کردم. و اوایل سال ۱۳۷۶ اولین محصول تولید خمیردندان چند لایه را عرضه کردیم. بعدها، چون این صنعت را در رشت نصب کرده بودیم فقط برای داروگر اسـتفاده نکردیم و چون به غیر از ما کارخانه دیگری نبود که این تیوپ‌ها را تولید کند، تولیدکنندگان خمیردندان و کرم، از ما خریداری می‌کردند.

با توجه به اینکه تیوپ‌های لامینت این اجازه را می‌داد که در تکنولوژی خمیر دندان، دو رنگ و سـه رنگ نیز کار بکنیم، باز هم مرکز تحقیقات ما تحقیقاتش را شروع کرد و اولین خمیردندان دو رنگ را هم در شرکت داروگر تولید کردیم. پس از آن اولین خمیردندان سه رنگ را نیز تولید و عرضه کردیم. این کارها به ظاهر ساده است، همه این‌ها تکنولوژی و فرمولاسـیون خودش را نیاز داشت و چون شرکت‌ها مطلع شده بودند، فرمولاسیون را به ما نمی‌دادند و از دادن این دانش خودداری می‌کردند ولی ما به این دانش نیز دست پیدا کردیم.

یادم نمی‌رود وقتی خمیردندان دو رنگ و سه رنگ را به بازار دادیم، سیگنال که در آن زمان یکه‌تازی می‌کرد محو شد و در سایه قرار گرفت.

تحول بزرگی صورت گرفته بود. سـهم بازار بالا رفت. مردم اسـتقبال کرده بودند و شرکت‌ها به یک توان قوی دست پیدا کرده بود. سهامداران در بورس خوشحال بودند و تعداد کارگرها افزایش پیدا کرده بودند.

داروگر علی‌رغم اینکه شـرکت بزرگ و قدیمی بود ولی نسـل جدید و بچه‌ها آنگونه که می‌بایست به سراغش نمی‌رفتند و فکر می‌کردند که شامپو خمره‌ای مخصوص پیرمردها اسـت. باز هم در مرکز تحقیقات بازار را بررسی کردیم که چه رایحه‌ای برای بچه‌ها مناسب است و دوست دارند و از چه بسته‌بندی خوششان می‌آید. به همین علت طیف تولیدات کـودکان و جوانان را راه‌اندازی کردیم و با سرمایه‌گذاری مناسب، بحث تبلیغات را هم شروع کردیم و با آوردن انیمیشن مناسب از آلمان، تیزری ساختیم به نام صدف و قورقوری که این تبلیغات بسیار گل کرد به طوری که ۳ یا ۴ بار در شبکه ۳ سیما به عنوان نفر اول تبلیغات که انتخاب می‌کردند معرفی شـدیم و این تبلیغات نیز باعث رشد محصول و همچنین رشـد کیفیت و نوآوری شد و توانستیم سهم خیلی خوبی از بازار بگیریم و از ۲۰ درصد به ۲۵ درصد و ۳۰ درصد و بـالای ۳۰ درصد و در بعضی از محصولات مانند خمیردندان به بیش از ۵۰ درصد سهم بازار رسیده بودیم.

تعداد پرسنل از ۴۰۰ نفر به ۲۰۰۰ نفر در مدت ۸ سال رسیده بود. محوطه داروگر را توسعه داده بودیم و زمین‌های اطراف را خریدیم و ۲۰ هزار متر تبدیل به ۷۰ هزار متر شد. ماشین‌آلات تولید مایع ظرفشویی را که به گفته کارگران، ۳۵سال قبل به صورت دست دوم از انگلیس آورده شده بود و به سختی کار می‌کرد را بازسازی کردیم و ماشین‌آلات بسیار مدرن را آوردیم. برای تولید خمیردندان ۳، ماشین آلاتی که در خاورمیانه منحصر بفرد بودند و تنها ماشینی بود که با سرعت ۲۰۰ عدد در دقیقه می‌توانست خمیردندان ۳ رنگ تولید کند و بسته‌بندی کند را نصب کردیم و سپس دستگاهی را از ایتالیا آوردیم که ۳۰۰ عدد در دقیقه تولید داشت و هنوز هم فکر نکنم در ایران کسی توانسته باشد چنین دستگاهی را وارد کند.

با توجه به تکنولوژی بسیار بالای این ماشین‌آلات، مشکلاتی پیش روی ما بود. مشکل کارگر و اپراتوری آن که خیلی خاص بود و با آمدن متخصصین و آموزش ۶ ماهه متوجه ضعف بطری‌ها شدیم و فهمیدیم وقتی سرعت بالا می‌رود، تیکنس بطری‌ها باید خیلی دقیق باشد، درها باید خیلی دقیق باشد، با یک صدم میلیمتر کم و زیاد نمی‌توانست کار بکند و مجبور شدیم با بطری‌سازهایی کار کنیم که دستگاه‌های آلمانی و قوی داشتند و با فلورانس‌های بسیار دقیق می‌توانستند تولید کنند.

کارتن نیز به همین صورت بود. کارتن‌ساز معمولی نمی‌توانست به ما کارتن بدهد. می‌بایست تمام برش‌ها لیزری باشد.

به هر حال، این‌ها چیزهایی بود که در کشور نبود و آن‌ها را آوردیم و جا افتاد و هم کارخانه و ماشین‌آلاتش مدرن شد و هم تنوع تولیدات ما زیاد شد و کارخانجات جنبی ما مثل بسته‌بندی و مواد اولیه به کمک آمدند.

بعد از بالا رفتن تولید، بحث فروش و نرم‌افزاری آن نظرم را به خودش جلب کرد. در آن زمان فروش به صورت بنکداری بود و من در آن مدت به فروش مویرگی تبدیل کردم، چون نمی‌شد شرکت به این بزرگی اسیر دست ۳ یا ۴ بنکدار بشود و علی‌رغم تهدیدهای مداوم که سود بسیار بالایی داشتند و در معرض قطع شدن بود، فروش را به صورت مویرگی جا انداختم و ۲۵ مرکز پخش ایجاد کردم که تمام مالکیت آن متعلق به خودمان بود که خودش به عنوان یک سرمایه خیلی بزرگ برای شرکت محسوب می‌شود.

۱۴۰ دستگاه کامیون برای توزیع در نظر گرفته شد. پس از آن بحث نرم‌افزاری پیش آمد. وقتی ۱۶۰ محصول در ۲۵ مرکز پخش و در ۸۰ هزار گره کاری یا فروشگاه‌های کشور می‌بایست توزیع شود به برنامه نرم‌افزاری بسیار قوی نیاز داشتیم، بخصوص اینکه ما شناسایی هم می‌کردیم و برای اینکه بدانیم محصولی که تولید کردیم در کجا است و هر وقت هم محصول‌مان مشکلی داشت بدانیم در کجا توزیع شده و سریع اقدام کنیم برنامه‌ریزی بسیار قوی را به انجام رساندیم. یکی دیگر از کارهای بزرگی که در داروگر انجام دادم، به دلیل جنگ و مسائل آن، درها بسته بود و تولید کالاهای خارجی در کشور مقدور نبود.

برای اولین بار با یک شرکت انگلیسی که تولید برند انگلیسی در داخل کشور به انجام برسد قرارداد بستم و صابون‌های امپریال لدر را که مختص پسنز انگلیس بود را در ایران شروع به تولید کردیم. زیرا اعتقاد داشتم که نباید کالا وارد شود و شرکت‌های بزرگ را می‌بایست به داخل کشاند تا در داخل تولید را انجام داد.

قراردادی که ما بستیم فقط مختص ایران نبود بلکه ۸ کشور اطراف ما را نیز شامل می‌شد و این یکی از کارهای بزرگی بود که من انجام دادم.

یکی دیگر از کارهایی که صورت پذیرفت این بود که با توجه به بزرگ شدن داروگر، هنوز پودر رختشویی نداشتیم و به همین علت پلن پودر رختشویی داروگر را در اشتهارد زدم.

۷۰ هزار متر زمین در اشتهارد گرفتیم که ۲۵ هزار متر، ساختمان سالن‌های کارخانه را شامل می‌شد در ۹ طبقه و با انبارها و نیز ۳۰ هزار متر فضا در آنجا احداث کردیم. ماشین‌آلات هم ماتزونی ایتالیا بود که آوردیم و نصب کردیم و این پلن با ظرفیت ۶۰ هزار تن در سال احداث شد که کار بسیار بزرگی بود.

کار دیگری که در داروگر انجام دادم و دارای ارزش بالایی می‌باشد این است که در کنار تولید و توسعه محصولات بهداشتی، شرکت ارزش‌آفرینان سرمایه را تاسیس کردیم که الان شرکت بزرگی است و کار این شرکت واسطه‌گری در بازار بورس است و برای ایجاد تعادل که اگر جایی پول لازم بود عمل کند و اگر سرمایه‌ای لازم بود تا در جایی سرمایه‌گذاری شود وظیفه این شرکت بود و در بورس نیز سهام خرید و فروش می‌کرد و حتی سهام خود ما را نیز خرید و فروش می‌کرد و سود خوبی هم برای ما داشت و سهامداران را از سود خیلی خوبی برخوردار می‌کرد.

در کنار این فعالیت‌ها، دانشگاه علمی کاربردی که اولین دانشگاه علمی کاربردی در صنعت آرایشی بهداشتی بود را در داروگر ایجاد کردم و مجموعاً ۱۰ مرکز اقتصادی برای شرکت داروگر تأسیس شده بود که به صورت هولدینگی درآمده بود و از یک شرکت معمولی به یک هولدینگ



تبدیل شد با ۲۶۰۰ پرسنل که از افتخارات صنعت آرایشی بهداشتی کشور می‌باشد.

یکی از نکات حائز اهمیت در سرمایه‌های شرکت، منابع انسانی است و من اعتقادم بر این است که منابع انسانی از دیگر سرمایه‌های شرکت با اهمیت‌تر است.

ما در چشم‌انداز سال ۸۰ دیدیم وقتی در حال رشد و بزرگ شدن هستیم نیاز به یک سری منابع انسانی قوی و آموزش دیده داریم که بتواند هدایت بکند و این منابع در ایران نبود و نیست و یا کم است و در واقع کمتر کسی به فکر این منابع است. به همین منظور، برای اولین بار در داروگر اقدامی صورت گرفت و از آقای دکتر شهنواز که استاد خود من در دانشگاه صنعتی شریف بود و پس از انقلاب در سوئد مشغول بود و کرسی پروفسور دانشگاه سوئد را داشت، در جلسه‌ای که با آمدن ایشان در ایران داشتم مطلع شدم که کارشان توسعه منابع انسانی است و در کشورهایی مانند چین و آمریکا کار کرده‌اند و در اروپا و آسیا فعالیت داشته‌اند. این بود که ایشان را به داروگر آوردم و از سال ۸۱ شروع کردیم و کلاسهای مدیریت آینده را تشکیل دادیم که از نکات مهم توسعه منابع انسانی است.

با این عمل و آموزش، تفکر مدیرانمان عوض شد و مدیری که جزیره‌ای فکر می‌کرد، مدیری که اهمیت شخصی را به اهمیت سازمانی ترجیح می‌داد، مدیری که دغدغه‌ها و نگرانی‌های اخراج و انفصال از کار را داشت که اگر از آنجا برود چه کار می‌تواند بکند و همیشه این افکار در کارش حاشیه ایجاد می‌کرد، با استارت آموزش‌ها در هتلی واقع در دیزین توسط پروفسور شهنواز، این تفکرات به سوی سازمانی فکر کردن و توسعه تغییر مسیر داد.

با این تفکر و با همکاری پروفسور شهنواز، به تدوین چشم‌اندازها پرداختیم که به تصویب هیأت‌مدیره رسانده شد و پس از آن، توسعه منابع انسانی را در ۳ رده ادامه دادیم. رده مدیران یا مدیران ارشد که حدود ۵۶ مدیر و مدیر ارشد داشتیم، رده سرپرست‌ها و رؤسا که با توجه به شهرستان‌ها و استان‌های دور فقط ۵۰ نفر در دسترس بودند تا آموزش ببینند، و ردهٔ اپراتوری که در تمام این رده‌ها واقعاً جواب گرفتیم.

پس از تمامی این خدمات، تا سال ۱۳۸۹ به عنوان مدیرعامل داروگر در آنجا حضور داشتم و در آن سال، سهام شرکت از سوی بانک‌ها و بنیاد واگذار شد و شخصی که آنجا را خریده بود روحیاتش و نحوهٔ اداره ایشان با بنده متفاوت بود و با توجه به تفاوت نگرش که محسوس بود علی‌رغم اینکه تقاضای همکاری داشتند نمی‌توانستم به کار ادامه دهم و در یک دورهٔ یک و نیم ساله به عنوان رئیس هیأت‌مدیره غیرموظف که بتوانند در این مدت شرکت را تحویل بگیرند حضور داشتم و پس از آن، عملاً در اوایل سال ۹۱ جدا شدم.

پس از آن‌که از داروگر جدا شدم و با توجه به پیشنهادات زیادی که از سوی هولدینگ‌های مختلف می‌شد ترجیح دادم که یک شرکت را کاملاً خودم داشته باشم و به همین علت شرکت آرایشی بهداشتی دکتر عبیدی را که خودشان به رحمت ایزدی پیوسته بودند و در حقیقت شرکت تعطیل بود و تولید نداشت را با معضلات و مشکلات خاص خودش خریدیم و از همان بدو تحویل گرفتن، شروع به توسعه دادن شرکت و محصولات و برند کردیم که نسل جدید تولید ضدعفونی‌کننده‌ها که روی انسان تأثیرگذار نمی‌باشد را نمونه‌اش را در اینجا تولید کردیم و کار بزرگی که صورت گرفت این بود که اولین دپارتمان تخصصی تولید محصولات بهداشتی آرایشی ارگانیک را در اینجا زدیم که اولین محصول ما کرم‌های پوست و صورت با نام میراکل است که تولید کردیم و توسط رئیس سازمان غذا و دارو افتتاح شد و امیدواریم بتوانیم کارهایی که در کشور انجام نشده و نیاز بازار است و در کشورهای اروپایی سالیان سال است که تولید می‌شود را با نوآوری در این شرکت و این صنعت داشته باشیم.

با تمام این فعالیت‌ها و زحمات و خدمات که انجام شد، بالغ بر ۲۰ بار تقدیر و نمونه شدم و پس از انتخاب به عنوان چهره ماندگار، برای اولین بار در سال ۱۳۸۸ به عنوان قهرمان قهرمانان صنعت کشور انتخاب و معرفی شدم.

البته در شرکت دکتر عبیدی نیز این فعالیت‌ها ادامه دارد، و با توجه به زحماتی که دکتر عبیدی کشیده و نگاهش، نگاه محققانه بوده و همیشه به کیفیت بیش از بها و قیمت نظر داشته است و محصولی به عنوان مایع ظرفشویی با نام خاکستر بیرون داده که واقعاً متفاوت می‌باشد و اصلاً بر روی پوست اثر بد ندارد، پاک‌کنندگی بالایی دارد و مواد شیمیایی نیز ندارد که آلودگی ایجاد کند.

من آمدم و این محصول را ارتقاء دادم و مایع ظرفشویی بدون پارابن را که مواد نگهدارنده‌اش طبیعی است را با زحمات بسیار به تولید رسانده و عرضه کردیم.

مرکز تحقیقات را در این شرکت به راه انداختم و پس از مایع ظرفشویی، شامپوهای بدون پارابن را به بازار عرضه کردیم که مایع ظرفشویی با نام خاکستر، شامپو با نام ناتل و مایع ضدعفونی‌کننده افروز که آن هم یک برند است را در حال حاضر در بازار داریم و بازار خوبی است و شکل خودش را نیز دارد پیدا می‌کند. انشاءالله اولین خمیر دندان ما هم چند ماه دیگر به بازار خواهد آمد.

با توجه به اینکه از کودکی به خواندن روزنامه علاقه داشتم و خانوادگی به مطالعه و روزنامه خواندن اهمیت می‌دادیم و البته روزنامه موردنظرمان نیز اطلاعات بود، برای شما و همهٔ زحمت‌کشان عرصه رسانه مخصوصاً همکارانتان در روزنامه وزین اطلاعات که نودمین سال خود را پشت سر می‌گذارد آرزوی توفیق روزافزون و حفظ رسالت مطبوعاتی را که همواره مورد توجه شما بوده و می‌باشد را دارم.

نودمین سال انتشار روزنامه اطلاعات گرامی‌باد



مدیران خودرو
نمایندگی ۲۹۰ صدرزاده
(آمل)

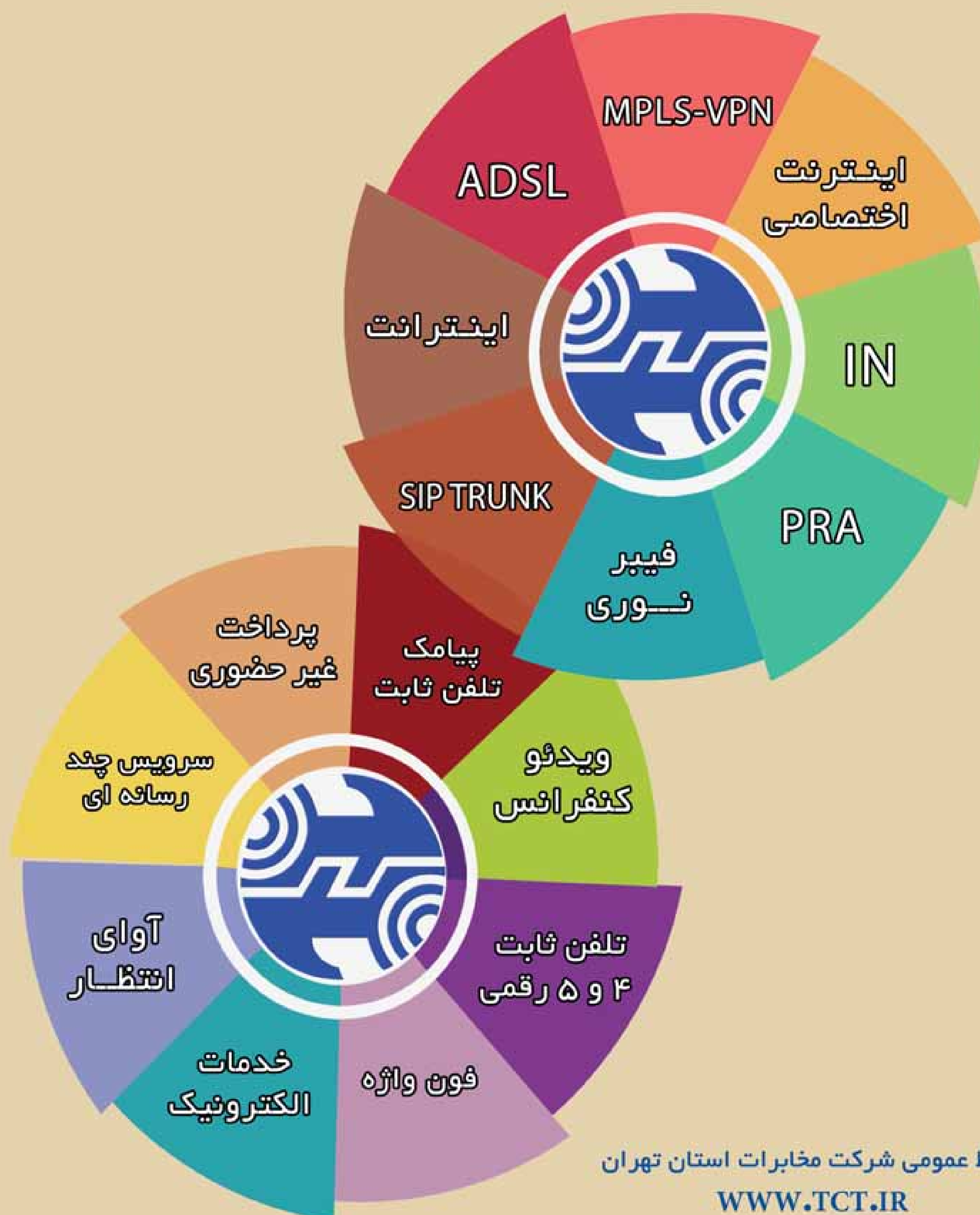




فروش: ۸ و ۴۳۱۴۱۱۹۷ - ۰۱۱ خدمات پس از فروش: ۴۳۱۴۱۴۰۷ - ۰۱۱

شرکت مخابرات استان تهران

سرویس ها و خدمات شرکت مخابرات استان تهران



روابط عمومی شرکت مخابرات استان تهران

WWW.TCT.IR


چین چین
رب گوجه فرنگی
HALAL
چین
چین



ریسک های زندگی خود را به یک بیمه‌گر توانگر واگذار کنید

بیمه البـــرز دارای سطح یک توانگری مالــی در بین شرکت های بیمــه طی سه سال متوالی

بیمه البرز با ۳۶۰۰ میلیارد ریال سرمایه دارای بیشترین سرمایه در بین شرکت های بیمه خصوصی

بیمه البرز توانگری و ماندگاری

البرز ®
شرکت بیمه البرز (سهامی عام)

تلفن مرکز ارتباط مردمی بیمه البرز ۲۹۴۶۰
www.alborzinsurance.ir



بانک ملی ایران از گذشته تا نسل های آینده



فرهنگ‌سازی و تربیت نسل آینده وظیفه‌ای است که ذات احدیت در فطرت هر موجود زنده‌ای نهاده است. برخی با آگاهی و اختیار نظیر آدمیزاد و برخی به صورت ناخودآگاه مثل جانوران، نسل بعد از خود را تولید کرده و پرورش می‌دهند.

انسان به عنوان اشرف مخلوقات، موجود خداگونه‌ای است که حتی سالیان متمادی پس از مرگ خویش را نیز تصور کرده و برای آن برنامه‌ریزی می‌نماید. این موضوع هم می‌تواند فطری باشد و هم می‌تواند از حس جاودانگی و میل به جاوید ماندن در آدمی سرچشمه گرفته باشد.

بانک‌ها به عنوان یک نهاد موثر و کارساز در عرصه‌ها و چرخه‌های اقتصادی دارای کارکردهای خاصی هستند که اگر چه به ظاهر با فرهنگ و آموزش نسل‌های بعدی، چندان ارتباطی ندارد ولی در عمل یکی از مهم‌ترین تکالیف آنها، برنامه‌ریزی برای آینده و سال‌های آتی است. به عنوان مثال در سال اول استخدام کارکنان آموزش لازم را می‌بینند تا در سی سال بعد بازدهی مناسب داشته باشند. در مورد مشتریان نیز چنین است. بانک در خلاء کار نمی‌کند باید مشتریان خود را ببیند و بشناسد و برای سال های آتی آنان برنامه‌ریزی نماید. دقیقاً به همین دلیل است که مسئولیت اجتماعی بانک از اهمیتی دو چندان برخوردار شده و فرهنگ سازی نسل جوان برای ورود به عرصه‌های اقتصادی از مزیتی برتر برخوردار می‌شود.

بانک ملی ایران به دلیل جایگاه خاص خویش در عرصه اقتصاد ملی و حتی بین‌المللی، همواره به نسل‌های آتی توجه خاص داشته است و آموزش آنها را همیشه در دستور کار داشته و اقدامات مهم، تاثیرگذار و ماندگاری را در این رابطه انجام داده است که از آن جمله قلک‌های ویژه صندوق پس انداز ملی ایران است که در فرهنگ اقتصادی این مرز و بوم تثبیت شده و به نظر نمی‌رسد فراموش شدنی باشد. این قلک ها اینک جایشان را به کانون جوانه های بانک ملی داده است. «کانون جوانه‌های بانک ملی ایران» اقدام دیگری در همین راستاست که با عنایت به پیشرفت‌های تکنولوژی در عرصه دیجیتال و گسترش اطلاع‌رسانی در عرصه وب مورد توجه مسئولان و کارکنان قرار گرفته است. این وب سایت با کودکان و نوجوانان این مرز و بوم ارتباطی صمیمانه برقرار کرده و با استفاده از ویژگی‌های شخصیتی و علایق این نسل به آموزش مفاهیم بانکی و اقتصادی بر بستری از سرگرمی و تفریح می‌پردازد. آمارها حکایت از استقبال مخاطبان دارد و بر اندیشه صحیح این بانک مهر تایید می‌گذارد. حمایت‌های بی دریغ مدیران ارشد بانک نیز این اداره کل را در تداوم فعالیت‌های این کانون مصمم نموده است.

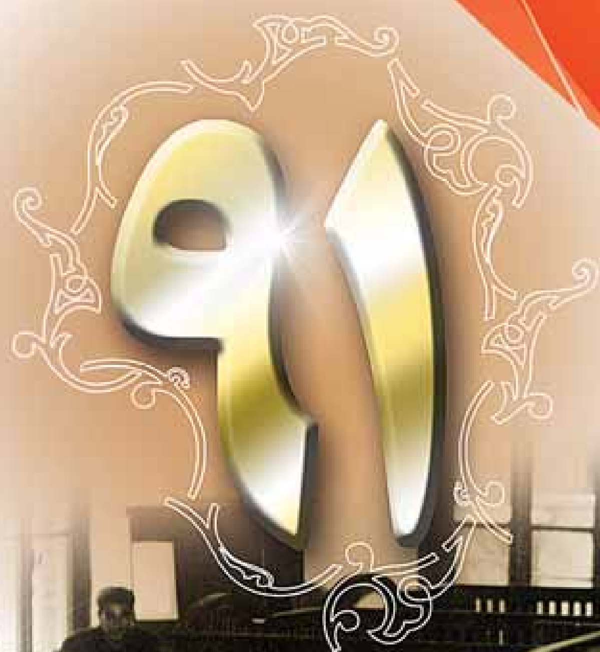
اینک که ۸۷ بهار از عمر بانک ملی ایران می گذرد(از شهریور ۱۳۰۷) و این درخت سرسبز وهماره پر ثمر در اختیار ماست امانتی بس گران است که به یک ملت رشید تعلق دارد. هر کس که فرزندی دارد و نسبت به آینده او و آینده این مرز و بوم حساس است، بر اوست که به این حرکت به عنوان یک حرکت ملی نگریسته و از همراهی و تلاش در این راستا دریغ نورزد و به این اقدام مهم به دقت بیندیشیم و با ایفای نقش خویش و سهیم شدن در آموزش نسل آتی، آینده بانک ملی ایران را تضمین کنیم.

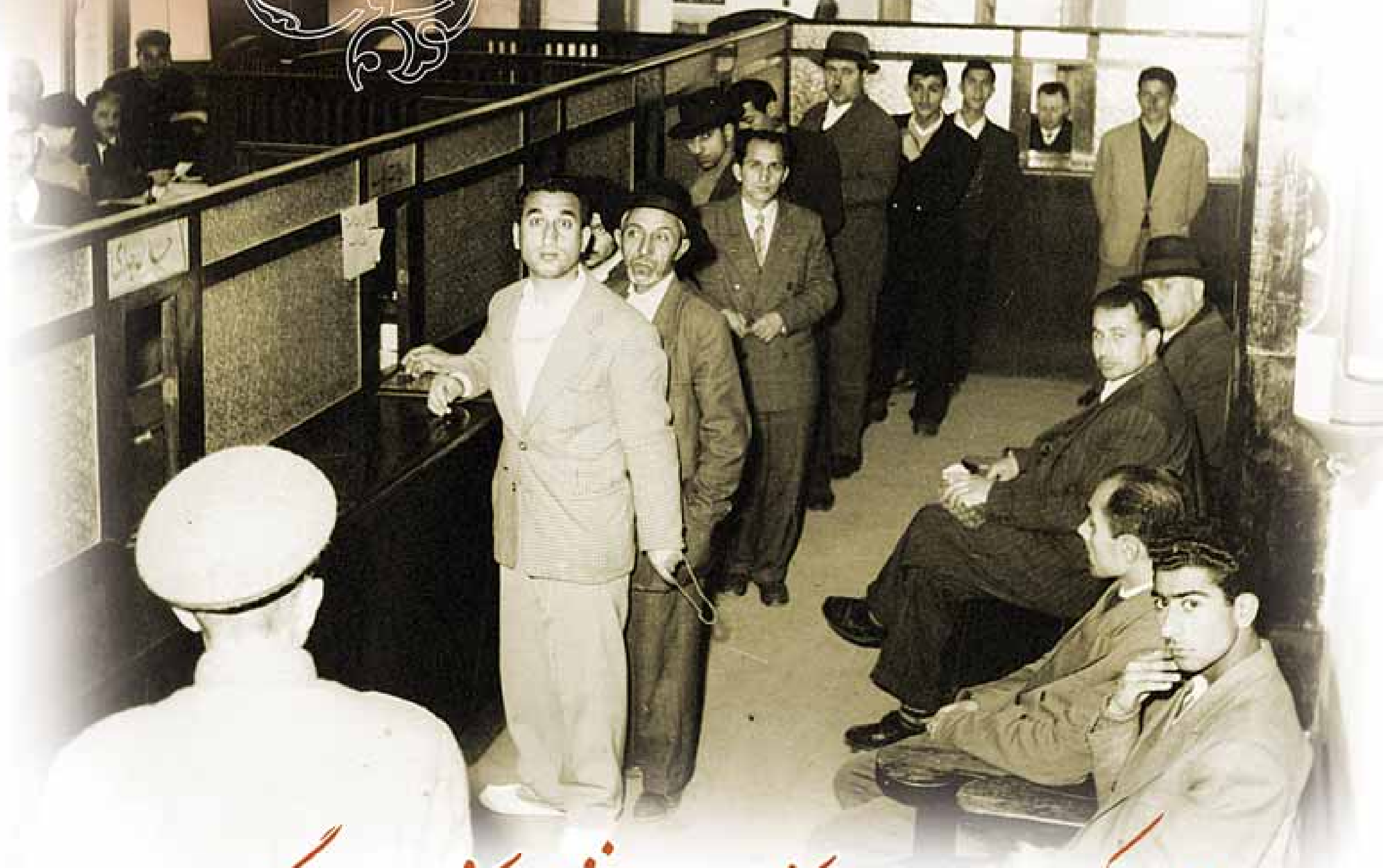


http://kids.bmi.ir

روابط عمومی بانک ملی ایران







آغاز نود و یکمین سال تأسیس بانک سپه نخستین بانک ایرانی گرامی باد

The 91th Anniversary of

THE FIRST IRANIAN BANK